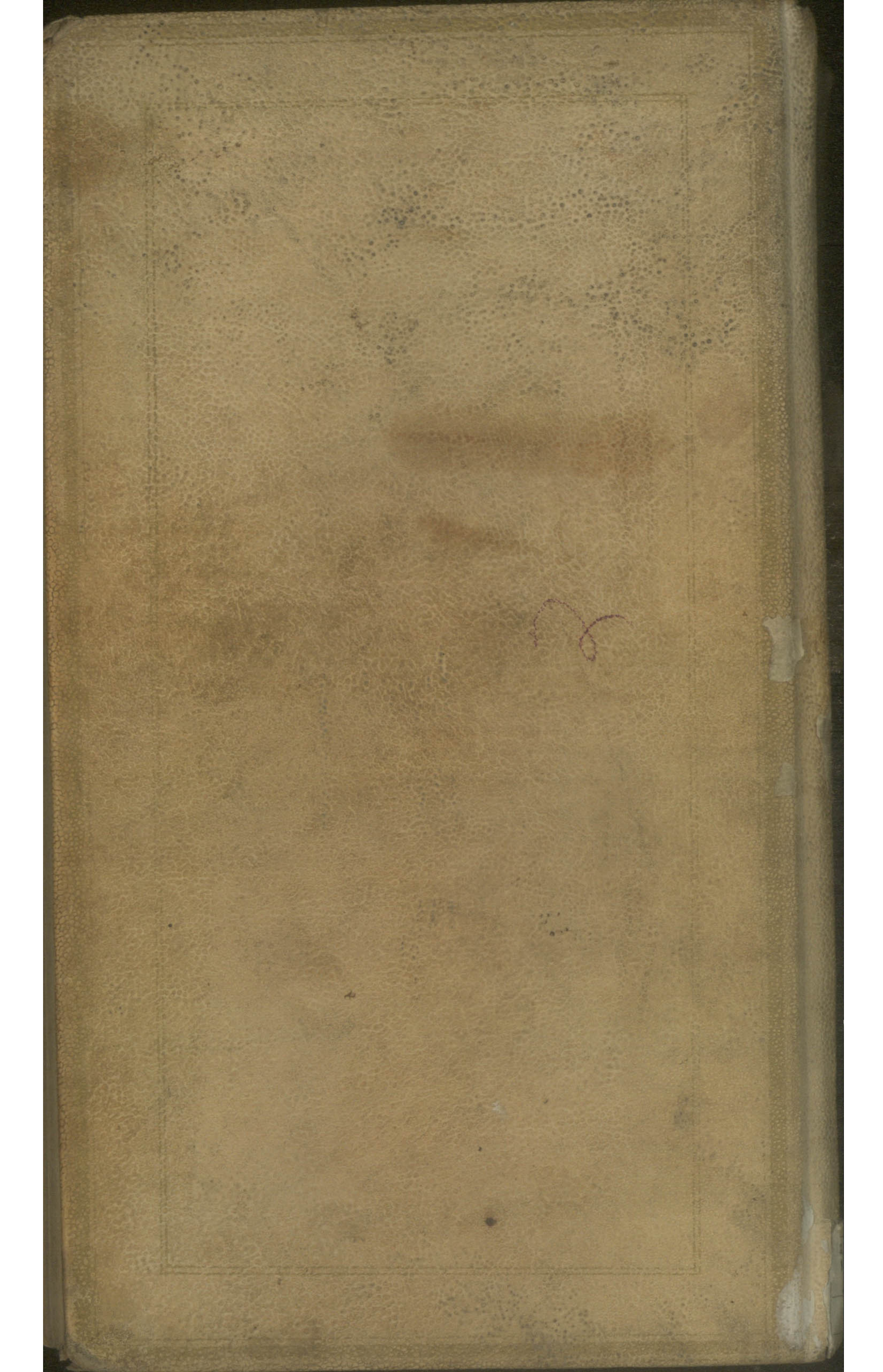
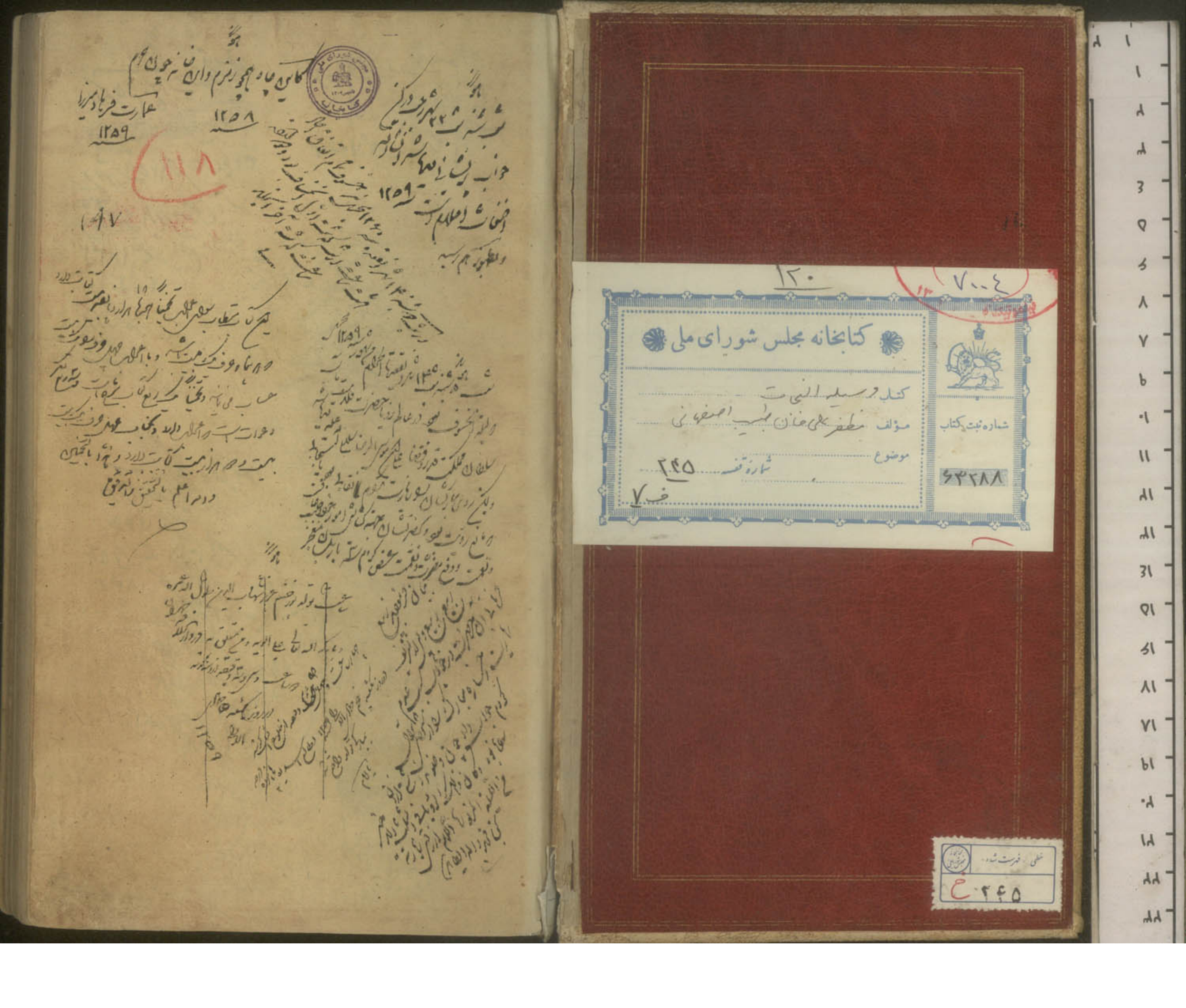
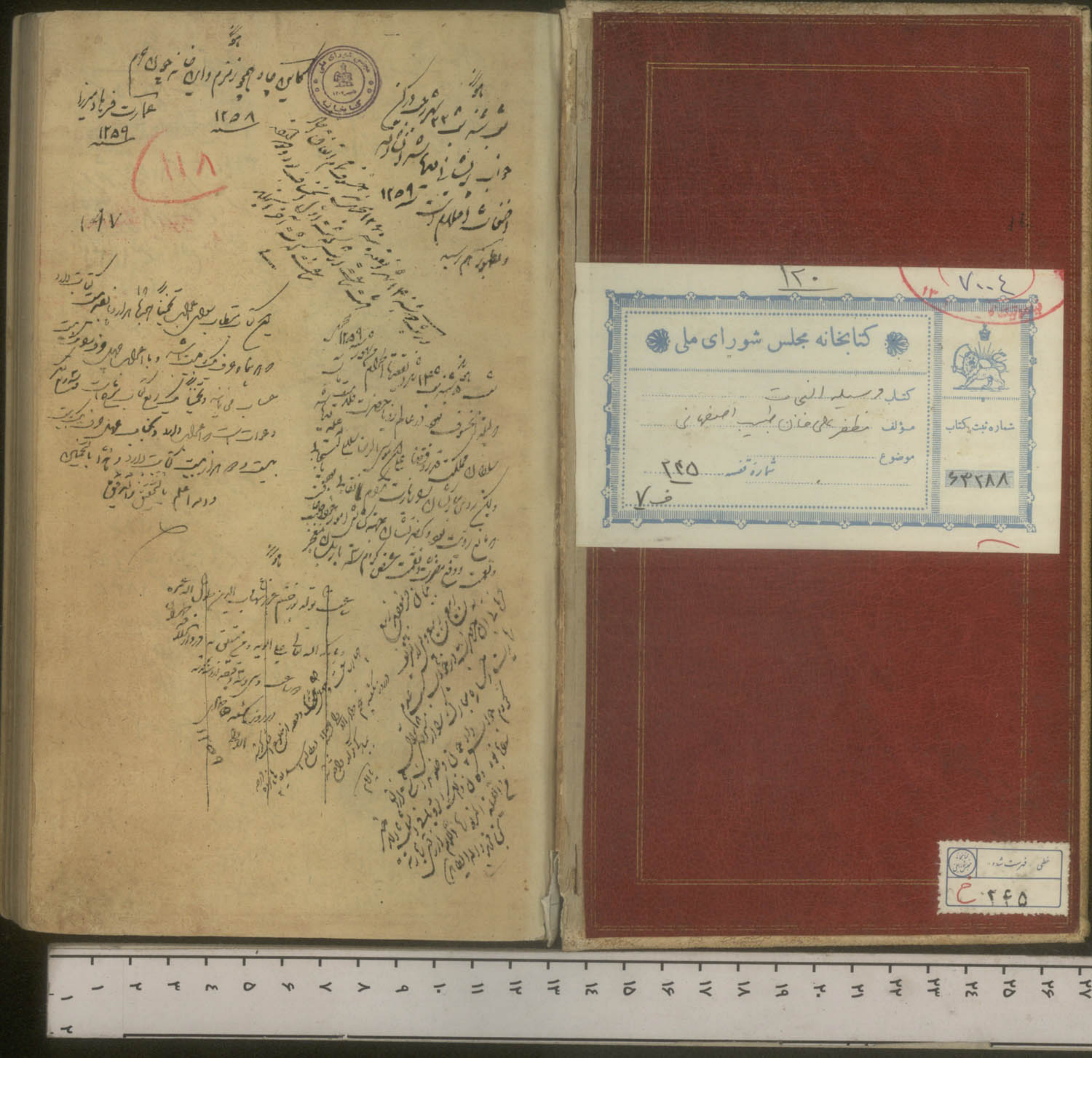
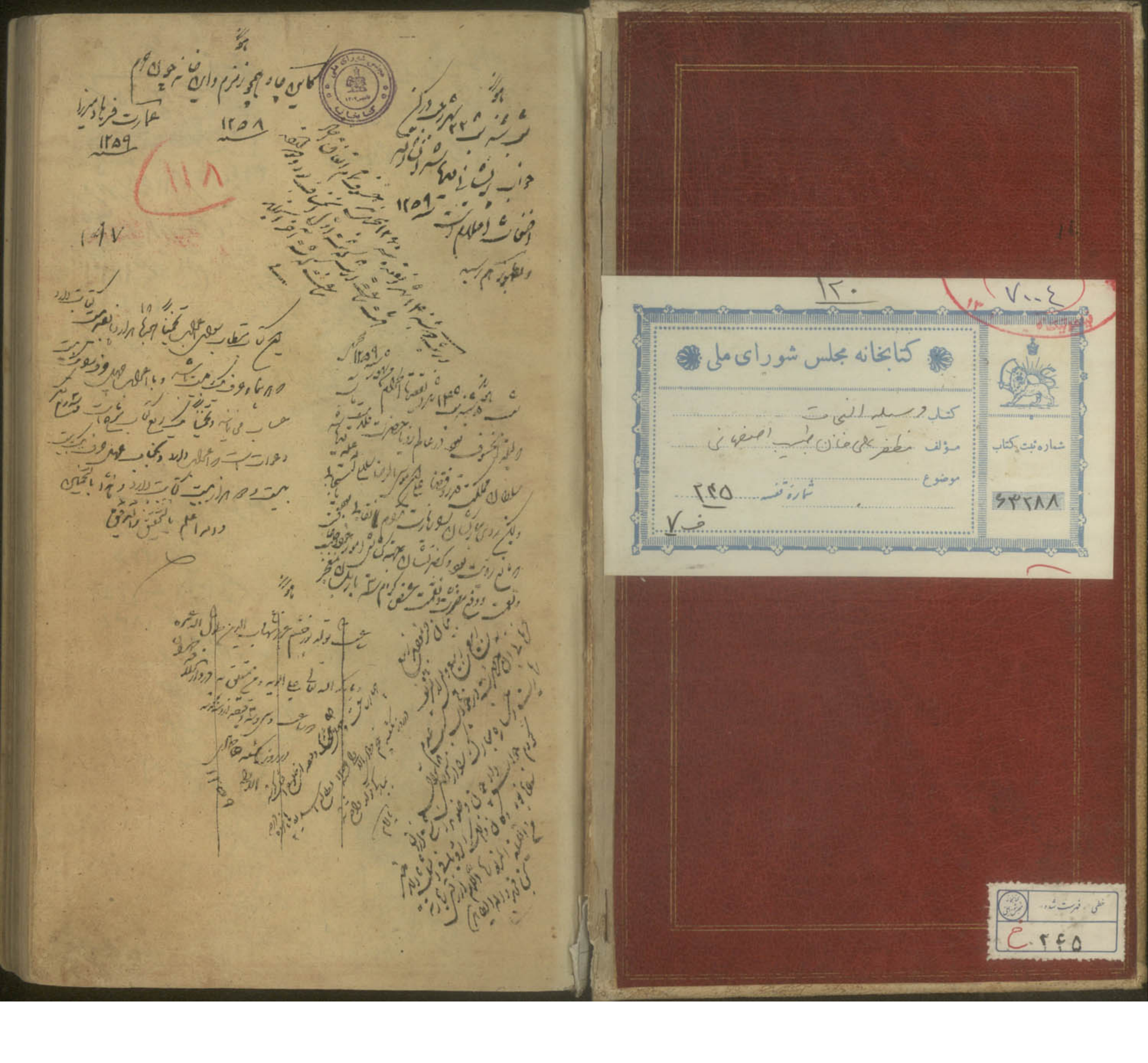


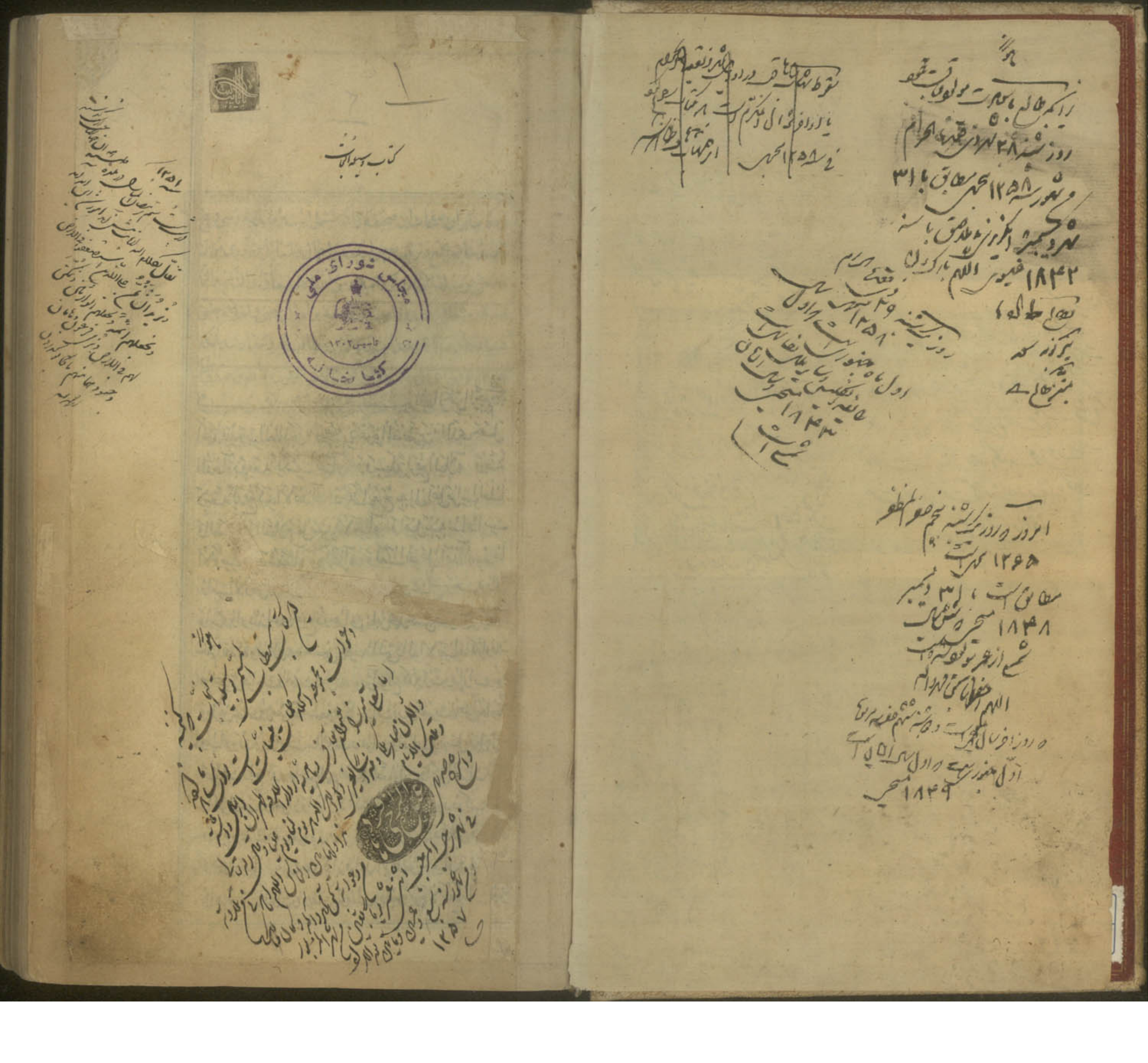

کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۶۳۲۸۸
کتاب وسیله النجات
مؤلف مظفر علی خان طبیب اصفهانی
موضوع
شماره قفسه ۲۴۵



کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب وسیلة النجات
مؤلف مظفر علی خان طبیب اصفهانی
موضوع
شماره قفسه ۲۴۵
شماره ثبت کتاب
۶۳۲۸۸
خطی فهرست شده
ج ۲۴۵

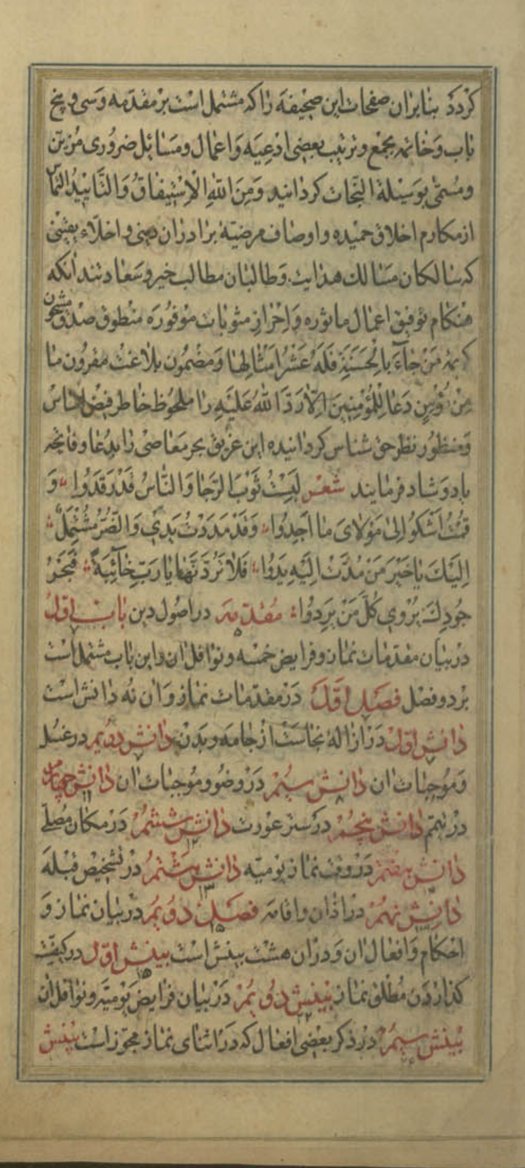


کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب وسیلة النجاة
مؤلف مظفرعلی خان طبیب اصفهانی
موضوع
شماره قفسه ۲۴۵
شماره ثبت کتاب
۶۳۲۸۸


مجلس شورای ملی
کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نقتی

الحمد لله رب العالمین • ومجیب دعوة المضطرین • الذی جعل
الدعاء ذریعةً لکشف العناء • ووسیلةً لرفع البلاء • وجنةً
وثیقةً لدفع کید الاعداء • وسلماً یعرج به الی اعلی مراتب العلیا
والصلوة والسلام علی سید الانبیاء • واهل بیته سادات
الاوصیاء • وشفعاء یوم الجزاء • ولعنة الله علی اعدائهم ما
دامت الارض والسماء • اما بعد چون محتاج برحمت یزدانی
وامیدوار بشفاعت شفیع دوجهانی • ابن محمد محسن مظفر علی طبیب اصفهانی
ختم الله له ولوالدیه بالحسنی • بحرمة النبی واله الاتقیاء اکثر اوقات
هم اغوش حوادث وافات وجرعه نوش انواع کدورت ومرارات میبود
وطریق نجات جز صراط مستقیم توکل بجناب اقدس حضرت قاضی الحاجات
ومبادرت ومداومت بتلاوت دعوات وادعیات وتوسل بذیل مرحمت
حضرات رفیع الدرجات علیهم افضل الصلوات واکمل التحیات نمی یافت
واکثر ادعیه واحراز واعمال که اکثر اوقات ضرور بود در کتب متفرقه
مرقوم وتحصیل ان هر وقت ممکن نبود بخاطر حزین ودل غمین قرار داد
که نسخه وجیزه ترتیب دهد که از فواید ان برکات شیعیان ومحبان ائمه
طاهرین وسالکان راه یقین بهره مند وذخیره یوم لا ینفع مال ولا بنون


گردد بنابران صفحات این صحیفه را که مشتمل است بر مقدمه وسی وپنج
باب وخاتمه بجمع وترتیب بعضی ادعیه واعمال ومسائل ضروری مزین
ومسمی بوسیلة النجات گردانید ومن الله الاستیفاق والتاییدالتماس
از مکارم اخلاق حمیده واوصاف مرضیه برادران دینی واخلاء یقینی
که سالکان مسالک هدایت وطالبان مطالب خیر وسعادتند انکه
هنگام توفیق اعمال ماثوره واحراز مثوبات موفوره منطوق صدق مشحون
کریمه من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومضمون بلاغت مقرون ما
من مؤمن دعا للمؤمنین الا رد الله علیه را ملحوظ خاطر فیض ماثر
ومنظور نظر حق شناس گردانیده این غریق بحر معاصی را بدعا وفاتحه
یاد وشاد فرمایند شعر لبست ثوب الرجا والناس قد رقدوا • و
قمت اشکو الی مولای ما اجدوا • وقد مددت یدی والضر مشتمل •
الیک یا خیر من مدت الیه یدوا • فلا تردنها یا رب خائبة • فبحر
جودک یروی کل من یردوا • مقدمه در اصول دین باب اول
دربیان مقدمات نماز وفرایض خمسه ونوافل ان واین باب مشتمل است
بر دو فصل فصل اول در مقدمات نماز وان نه دانش است
دانش اول در ازاله نجاست از جامه وبدن دانش دویم در غسل
وموجبات ان دانش سیم در وضو وموجبات ان دانش چهارم
در تیمم دانش پنجم در ستر عورت دانش ششم در مکان مصلی
دانش هفتم در وقت نماز یومیه دانش هشتم در تشخیص قبله
دانش نهم در اذان واقامه فصل دویم در بیان نماز و
احکام وافعال ان ودران هشت بینش است بینش اول در کیفیت
گذاردن مطلق نماز بینش دویم در بیان فرایض یومیه ونوافل ان
بینش سیم در ذکر بعضی افعال که در اثنای نماز مجوز است بینش

سیم در اعمال روز نوروز فصل دویم در عمل هر ماه عموماً
فصل سیم در اعمال ماه رجب و در آن چهار کرامت است کرامت
اول در فضایل این ماه و عبادت آن کرامت دویم در بیان اعمال
که هرگاه کسی از روزه این ماه عاجز یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل
آورد و فضیلت افطار کردن روزه سنت و بیان اینکه روزه سنتی جمعی
موقوف باذن جمعی دیگر است کرامت سیم در ادعیه و اعمال هر
روز و هر شب ماه رجب کرامت چهارم در اعمال مخصوصه ببعضی از
لیالی و ایام این ماه فصل چهارم در اعمال ماه شعبان و در آن
سه فضیلت است فضیلت اول در بیان فضایل و ثواب روزه
این ماه فضیلت دویم در ادعیه و اذکار هر روز و هر شب ماه
شعبان فضیلت سیم در ادعیه و اعمال مخصوصه ببعضی از ایام
و لیالی این ماه فصل پنجم در اعمال ماه مبارک رمضان و
در آن هفت شرافت است شرافت اول در بیان فضیلت این ماه
شرافت دویم در بیان حقیقت روزه و آنچه در آن معتبر است
شرافت سیم در سنتها و آداب روزه شرافت چهارم در بیان
آداب دخول ماه مبارک رمضان شرافت پنجم در بیان فضیلت
افطار و سحور کردن شرافت ششم در ادعیه هر شب و هر روز این
ماه و ادعیه سحر و در آن چهار مصباح است مصباح اول در ادعیه
مشترکه فیما بین هر روز و هر شب مصباح دویم در ادعیه هر
روز ماه مبارک رمضان مصباح سیم در ادعیه هر شب این ماه
مصباح چهارم در ادعیه سحر ماه مبارک رمضان شرافت هفتم
در اعمال مختصه شبها و روزهای مخصوصه این ماه فصل ششم
در اعمال ماه شوال فصل هفتم در اعمال ماه ذی القعده فصل

هشتم در اعمال ماه ذی الحجة الحرام و در آن چهار توفیق است
توفیق اول در اعمال دهه اول این ماه توفیق دویم در اعمال
روز عرفه توفیق سیم در اعمال روز عید قربان توفیق چهارم در
اعمال روز مباهله فصل نهم در اعمال ماه محرم الحرام فصل
دهم در اعمال ماه صفر فصل یازدهم در اعمال ماه ربیع الاول
فصل دوازدهم در اعمال ماه ربیع الآخر فصل سیزدهم در اعمال
ماه جمادی الاول فصل چهاردهم در اعمال ماه جمادی الآخر
باب دوازدهم در ادعیه و اعمال روائی حاجات باب
سیزدهم در ادعیه طلب رزق باب چهاردهم در ادعیه ادای دین
باب پانزدهم در ادعیه دفع هم و غم باب شانزدهم در ادعیه
ایمنی از مخاوف باب هفدهم در انتقام از ظلمه و اعدا
باب هجدهم در ادعیه خلاصی از حبس باب نوزدهم در
رقاع استغاثات و آداب نوشتن عرایض و مکاتیب بسلاطین و غیره
باب بیستم در استخارات باب بیست و یکم در خواص سور و
آیات و حروف مقطعه اوایل سور و طریق ختم بعضی از سورها و آیات
قرآنی و بعضی ادعیه و اذکار و در آن سه فاتحه است فاتحه اول
در خواص آیات و حروف مقطعه اوایل سور فاتحه دویم در طریق
ختم سور و آیات فاتحه سیم در طریق ختم ادعیه و اذکار باب
بیست و دویم در هیاکل و احراز و الواح و طلسمات و خواتیم که
باید از برای حفظ از محذورات با خود داشت باب بیست و
سیم در ادعیه دفع جن و سحر و چشم بد و مار و عقرب و غیره و عوذه
حیوانات و آن مشتمل است بر پنج استعاذه استعاذه اول در ادعیه
دفع سحر استعاذه دویم در ادعیه دفع جن استعاذه سیم در

در آداب

ودر سوم نهایه ششم در ذکر بعضی از کفارات مقدمه در اصول
دین بدانکه بر هر مکلف واجب عینی است که قبل از جمیع عبادات
شرعیه علم یقینی بمعارف مبدأ و معاد که اصول دین مبین است
بدلیل و برهان تحصیل نماید چه حصول این علم شرط صحت تمام عبادات
است و هیچ عبادت بی آن صحیح نیست و باید که این علم یقینی باشد نه
تقلیدی زیرا که اگر کسی گوید که خدای تعالی هست و از وی پرسند که
از کجا میگوئی در جواب گوید که فلان فاضل و عالم چنین میگوید او را
کافی نیست برای آنکه در مسائل اصول تقلید جایز نیست همچنانکه در
مسائل فروع جایز است بلکه میباید این اعتقاد او را از دلیل و برهان
حاصل شود و دلیل بر آنکه خدای یگانه موجود است بسیار است و
واضح ترین ادله تفکر کردن است در خلق آسمانها و زمین و آفتاب و
ماه و ستارها و غیر اینها از موجودات و غرایب صنایعی که در هر یک
از موجودات بکار برده پس یقین معلوم میشود که اینها خود بی صانعی
و خالقی بهم نرسیده اند و کسی که اینها را آفریده نیست مثل اینها و هیچ
گونه نقص در ذات و صفات او نیست و کامل بالذات و معبود بحق
و مستحق عبادت است جل شانه و عظم برهانه و این دلیل اجمالیست
که برای اکثر خلق ضرور و کافیست و دانستن ادله تفصیلیه و علم
بر حل شکوک و شبهات و تحقیق اسرار مشکلات واجب عینی و شرط
انعقاد صحت عبادت نیست بلکه واجب کفائیست و بدانکه صفات
تمجیدیه که صفات ثبوتیه و صفات تقدیسیه تنزیهیه که صفات سلبیه
است همه را ذات واجب تعالی شانه را اعلی مراتب کمال مستجمع است و
صفات تمجیدیه که صفات ثبوتیه است هشت است اول آنکه الله تعالی
بجمیع اشیا عالم است بر اتم و اکمل وجوه و علم تام او در حال عدم و وجود

جمیع

جمیع اشیا بر یک قرار است و زیاده و نقصان نمی پذیرد و کما قال عز و جل
ان الله بکل شیء علیم دویم قادر است بر همه ممکنات و قدرت کامله
او بر تمام اشیا بر سبیل اراده و اختیار است که ان الله علی کل شیء قدیر
سیم مرید و مختار است و اراده او تابع اراده و اختیار دیگری نیست
که تعز من تشاء و تذل من تشاء چهارم مدرک است یعنی سمیع است
بجمیع مسموعات بی آلت سامعه و بصیر است بهمه مبصرات بدون ادوات
قوت باصره که و هو السمیع البصیر یا بمعنی که حق تعالی تمام شنیدنیها
و دیدنیها را میداند و فی الحقیقه این دو صفت راجع بصفت علم است
پنجم متکلم است یعنی سخن گوینده بی دهن و زبان یا باین معنی که ایجاد
حروف و اصوات می نماید در هوا یا در جسمی چنانچه در درخت کرد
و حضرت موسی ع شنید که و کلم الله موسی تکلیما و این صفت نیز راجع
بصفت قدرت و علم میشود و از صفات ذات و قدیم نیست بلکه از
صفات فعل و حادث است زیرا که آنچه کمال حق تعالی است علم باین معانی
و حروف و قدرت بر ایجاد حروف و اصوات است در هر چه خواهد و این
دو صفت قدیم و عین ذاتند برای آنکه بنای بعثت انبیا و تکالیف حق
تعالی و انزال کتب و وحیهای الهی همه حادثاند و علم الهی باینها قدیم
است و آن غیر کلام است ششم سرمدیست یعنی قدیم ازلی و
دایم باقی ابدیست که هو الاول و الآخر هفتم حی دایم است یعنی زنده
است بی مشابهت و ملابست حیات جسمانی و روح حیوانی و حیات هر
صاحب حیوة از فیض صنع اوست که الله لا اله الا هو الحی القیوم
هشتم صادق است و از کذب منزه که من اصدق من الله قیلا پس
از جمیع جهات و حیثیات صفات کمال را مستجمع است محض بلکه حیثیت
جامعه که آن وجوب ذاتیست و بهمین حیثیت من جمیع الوجوه تام است

وفوق التمام و بدانکه صفات کمالیهٔ الهی عین ذات مقدس اوست و زاید
بر ذات او نیست باین معنی که او را صفت موجودی نیست که قایم بذات
او باشد بلکه ذات او قایم مقام جمیع صفات است زیرا که اگر او را صفتی
زاید بر ذات باشد یا قدیم خواهد بود یا حادث و هر دو محال است زیرا
انکه اگر قدیم باشد تعدد قدما لازم اید و قدیمی بغیر از خدا نیست و
اگر حادث باشد لازم اید که واجب الوجود محل حوادث باشد و ان
محال است و از تغیر و تبدل من جمیع الجهات منقدس و متعز است
و صفات تقدیسیه که صفات سلبیه است هشت است اول انکه الله
تعالی واحد است بوحدت حقیقیه و شریک و همتا ندارد و ضدی که
با او معارضه کند نیست و خالق هر چیز اوست بغیر از افعال بندگان
چنانچه فرموده و الهکم اله واحد دویم انکه حق تعالی غنی و بی نیاز است
از هر چیز و محتاج نیست که ان الله غنی حمید سیم انکه محال است که
حق تعالی مرئی شود و قوت باصره ادراک او کند نه در دنیا و نه در اخرت
و ممکن نیست که حقیقت ذات مقدس او در ذهنی از اذهان مرتسم شود
و مدرکی از مدارک را بادراک کنه ذات و دریافت نفس ماهیت و
تصور مرتبهٔ کبریائی او راهی نیست که لا تدرکه الابصار و هو یدرک
الابصار چهارم انکه الله تعالی محل حوادث نیست و محال است که
احوال مختلفه مثل سهو و نسیان و خواب و غیر ذلک بر ذات مقدس او
وارد شود که لا تاخذه سنة و لا نوم پنجم انکه صانع عالم مثل و شبیه
ندارد که در حقیقت ذات و صفات با او مانند باشد چنانکه فرموده
لیس کمثله شیء ششم انکه حق تعالی فعل عبث و باطل نمیکند و انچه
میکند از روی حکمت و همه پسندیده است کما قال عز و جل افحسبتم انما
خلقناکم عبثا هفتم انکه الله تعالی جسم و جوهر و عرض نیست و

منقسم

منقسم باجزای مقداری و مرکب از اجزای ماهیت نیست احدیت حقه
و صمدیت مطلقه او مقدس است از کثرت قبل الذات و بعد الذات
و مع الذات و مکانی و زمانی نیست بلکه خالق مکان و زمان است و
متعالی از حدود و جهات و ابعاد و امتدادات است تعالی عن ذلک
کله علوا کبیرا و بدانکه نظام کل وجود و جملهٔ عالم امکان فعل الله تعالی
است و بجمیع اجزائه حادث و باراده و حکمت و قدرت او جل شانه بهم
رسیده و هر چیز که علم الهی بان محیط بود که باعث نظام وجود و موافق
مصلحت عالم است بر افضل و اکمل وجوه بعنایت جامعه و رحمت واسعه
ایجاد ان کرد و هر چه در عالم امکان وجود یافته و خواهد یافت بقضا
و قدر الهی است و در لطف و حکمت و فضل و رحمت و عنایت و عدالت
الهی واجبست که تکلیف بندگان کند که باراده و اختیار خود نه از روی
جبر و اضطرار اتیان بحسنات و افعال جمیله و اجتناب از سیئات و
افعال قبیحه نمایند و واجبست که بعث انبیا و ارسال مرسلین و شارعین
کرده بطریق وحی و الهام و توسط ملئکه و روح القدس کتب سماوی
بر ایشان بفرستد و قوانین شرع و سنت و وظایف طاعت و عبادت
وضع کند و وعد و وعید و مجازات افعال حسنه و اعمال سیئه مهمل
نگذارد و واجبست که نبی را وصی و خلیفه از جانب حق تعالی منصوب
بوده باشد که امام امت و حافظ سنت باشد و واجبست که انبیا و
اوصیا از خطایا معصوم و از باقی خلق افضل باشند و پیغمبر ما حضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و اله خاتم انبیا و اکرم المرسلین است و دین او
افضل و اتم ادیان و قران مجید منزل بر او کتاب منزل سماوی و کلام
کریم الهی و معجزهٔ قوی باقی ما بقی الزمان و بر جمیع کتب سماویه و کتب
الهیه دلیل و برهان است و هر چه خاتم انبیا از ان خبر داده در امر

موت دنیوی و حیوة اخروی و بعد از موت معاد جسمانی و روحانی
در آخرت و جمیع مواعید الهی علی السن انبیائه و بالجمله کل ما جاء به
النبی محمد صـ و نطق به همه حق و صدق و ائمه اثنی عشر که اوصیای رسول
الله و حجج الله و شفعاء یوم الجزاء اند اولهم کتاب الله الناطق
علی بن ابی طالب صلوات الله علیه و آخرهم مهدی هذه الامة
قائم اهل البیت عجل الله فرجه همه معصوم و خازن اسرار وحی و حافظ
احکام شرع و امام مفترض الطاعة مرجو الشفاعه اند صلی الله و سلم
علی النبی و علیهم اجمعین و بی اقتدا و اهتدا بایشان و بدون تصدیق
حقیقت معاد جسمانی و روحانی و سعادت و شقاوت اجساد و ارواح
و ثواب و عقاب و لذات و آلام حسی و عقلی و مثوبت و عقوبت ابدان
و نفوس مجرده امید فوز و نجات و آرزوی جنت و بهجت خیالیست محال
و طمعی است بیهوده اینست انمقدار از معارف مبدأ و معاد که تحصیل
آن واجب عینی و معرفت آن من سبیل الیقین شرط انعقاد عبادات است
و کافیست که در هر قطری از اقطار اسلام حکیم عالم ماهر بوده باشد
که عارف باصول و امهات و قادر بر حراست بیضه دین از شر شکوک
و شبهات باشد و بعضی گفته اند در هر مسافت قصر وجود شخصی چنین
واجبست ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم

باب اول در بیان مقدمات نماز چون طهارت و غیره
و در آداب نماز مطلقا و در بیان گذاردن فرایض خمسه و نوافل آن
و آنچه در اثنای نماز ارتکاب آن مجوز است و ممنوع نیست و فضیلت
نماز جماعت و آداب آن و فضیلت نماز کردن در مسجد و طریق نماز
مسافر و احکام سهو و شک و این باب مشتمل بر دو فصل است **فصل
اول** در مقدمات نماز و آن نه دانش است **دانش اول** در ازاله

نجاسات از جامه و بدن چه واجبست بر کسی که نماز کند پاک بودن جامه
و بدن در اثنای نماز از نجاسات عشره که آن بول و غایط هر حیوانیست که
گوشت آنرا نخورند و خون جهنده داشته باشد و منی حیوان موصوف
خواه گوشت او حلال باشد یا نه و خون صاحب خون جهنده مطلقا
و میته آنچنان حیوانی که مذکور شد مگر ده چیز که از میته پاکست چون
پشم و کرک و موی و ناخن و سم و استخوان و دندان و پر و تخم مرغ و
پنیرمایه استخوان و دندان با خلاف و باقی بی خلاف و سگ و خوک
و کافر با جمیع اجزای اینها و هر مست کننده که در اصل تر باشد مانند
شراب و فقاع و ازاله این نجاسات از جامه و بدن باب پاک غیر مضاف
که مثل گلاب و غیره است میشود و هرگاه نجاست بول پسر شیرخواره
باشد و عادت بطعام نکرده باشد آب ریختن بر او کافیست بدون فشردن
و دست مالیدن و اگر نجاستی غیر آن باشد دو بار باید شست و فشرد و
اگر آب قلیل چون آفتابه و غیره باشد یکبار بشوید چنانکه عین و اثر نجاست
زایل شود و بار دیگر بشوید که طاهر شود چه در شستن اول دست و
محل و آبی که از آن جدا میشود نجس است و در مرتبه ثانی پاک میشود
آن موضع و آب جدا شده نجس است و در مرتبه سیم که استحبابا بشوید
آن هم پاکست و چون اصل غرض درین دانش معرفت نجاسات عشره
و اجتناب از آنها و طریق تطهیر بدن و جامه بود بجهت مباح بودن نماز
بناء علیه بهمین قدر اختصار و طریق تطهیر ظروف و باقی چیزهای نجس
و دانستن باقی مطهرات نجاسات عشره را رجوع بکتب فقه باید نمود
دانش دویم در غسل و موجبات غسل انزال منی است و دخول حشفه
است در قبل و دبر زن بدون خلاف هر چند انزال نشود و در قبل و
دبر حیوانات و دبر مرد بنا بر قول اکثر فقها و مس میت آدمی هرگاه سرد

شده باشد و حیض و استحاضه و نفاس و هرگاه غسل از جنابت باشد
یا حدث دیگر بعد از غسل صادر نشود بهمان غسل نماز میتوان کرد و
وضو در کار نیست و واجبات غسل دوازده است اول نیت و واجب
است نیت را مقارن داشتن بشستن جزئی از سر اگر غسل ترتیبی باشد
و بجمیع بدن در صورت ارتماسی و در حکم نیت بودن تا فراغ از غسل
و صفت آن اینست اغتسل لاستباحة الصلوة لوجوبه قربة الی الله یعنی
غسل میکنم از برای مباح بودن نماز واجب تقرب بخدا دویم شستن
سر و گردن و آنچه ظاهر است از سوراخ گوشها سیم شستن جانب راست
چهارم شستن جانب چپ و مخیر است در شستن عورتین و ناف با هر
جانب که خواهد و اولی آنست که با هر دو جانب بشوید پنجم تخلیل
کردن آنچه مانع رسیدن آب باشد به بدن چون مو و انگشتر و غیره
ششم آنکه حدثی از او صادر نشود در میان غسل هفتم آنکه خود غسل
کند که اگر دیگری او را غسل دهد بی‌عذری باطل است هشتم ترتیب
بوضعی که ذکر شد و واجب نیست موالات و پیاپی شستن اعضا در غسل
بخلاف وضو نهم پاکی آب و پاک کنندگی آن یعنی آب مضاف نباشد
چون گلاب و غیره و پاکی محل غسل دهم مباح بودن آب یازدهم
جاری کردن آب بر اعضای غسل دوازدهم مباح بودن مکان و این
خلافست میان علماء امامیه بعضی بر آنند که مباح بودن مکان
شرط است و بعضی بر آنند که در مکان مغصوب غسل و وضو منعقد
و صحیح است و اگر شک کند در چیزی از افعال غسل قبل از فراغ اعاده
کند آنرا و ما بعد آنرا و بعد از فراغ در صورت شک التفات نماید
و در حالت یقین اعاده نماید عضو مشکوک و ما بعد آنرا و باید که پیش
از غسل بول و اجتهاد نماید یعنی از مقعد تا بیخ ذکر سه مرتبه و از بیخ ذکر

تا سر حشفه سه مرتبه دست بمالد و بیفشاند پس اگر تری ظاهر شود
بعد از غسل و مشتبه باشد خالی از آن نیست که بعد از انزال بول کرده
باشد اگر نکرده این تری بحکم منی است و غسل را اعاده باید کرد و اگر بول
کرده و اجتهاد نکرده وضو باید گرفت و اگر اجتهاد نیز کرده ملتفت نباید
شد و اگر کسی چند غسل داشته باشد چه واجب و چه سنت مثل
جنابت و جمعه و زیارت و طواف و حیض و نفاس و غیر آن چون یک
غسل کند به نیت هر کدام باشد برای همه مجزی و کافی باشد خواه تمامه
اغسال منظوره در خاطرش باشد یا نه و اگر همه را نیز قصد کند و یک
غسل کند برای همه مجزی بود و مستحب است که وضو و غسل سر آب باشد
آب وضو تخمینا یک چهار یک و آب غسل یکمن تبریز باشد و نیز مستحب است
که آب پاکیزه باشد و کثیف و متعفن نباشد و همچنین سنت است قبل از غسل
مضمضه و استنشاق و سنت است که در اثنای غسل کردن این دعا بخواند
اللهم طهرنی و طهر قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی مدحتک
والثناء علیک اللهم اجعله لی طهورا و شفاء و نورا انک
علی کل شیء قدیر دانش سیم در وضو و موجبات وضو بیرون آمدن
بول است و غایط و بادی که از موضع معتاد بیرون آید و خوابی که بر
چشم و گوش غلبه کند بمرتبه که نبیند و نشنود تحقیقا یا تقدیرا و هر چه
عقل را زایل کند از بیهوشی و مستی و جنون و مس میت آدمی سرد شده
پیش از غسل و حیض و استحاضه و نفاس و آنکه یقین در حدث و شک
در وضو داشته باشد و آنکه یقین در هر دو داشته تقدیم هیچیک را بر
دیگری نداند اما اگر یقین در وضو و شک در حدث کند موجب تجدید
وضو نمیشود پس هر گاه اراده وضو کنی مستحب است اول مسواک کردن
که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت بی آن و باید که

مسواک بعرض دندان مالیده شود و مجزیست انگشت بعوض مسواک چه
روایت کرده شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام که
پیغمبر صلی الله علیه و آله مسواک کردند بانگشتهای دست و آنحضرت
صلی الله علیه و آله فرموده که اگر بدانند که چه قدر منفعت در
مسواک هست در وقت خواب نیز از خود جدا نکنند و در حمام و در
خلا مسواک کردن مورث بوی دهن است پس بنشین رو بقبله و ظرف
آب را بجانب راست بگذار و اگر وضو از نهر یا حوض سازی در مکانی
که رو بقبله نشستن و بودن آب بجانب راست متعذر باشد رو بقبله
کردن را ترجیح بده و بگو در حین نگاه کردن آب که الحمد لله الذی جعل
الماء طهورا و بالاسلام نورا و لم یجعله نجسا پس هرگاه ظرف وضو
مثل طشت و کاسه و وضو از حدث بول یا خواب باشد دستها را
یکمرتبه بشو و اگر از غایط باشد دو مرتبه و دست را باب آن ظرفها
مزن بلکه از آنها آب بدست بریز و بشوی و بعد از شستن دستها اگر
خواهی دست در میان آن ظرف کن و آب بردار و هرگاه آفتابه و حوض
باشد اکثر فقها بر آنند که شستن دستها در کار نیست و بعضی سنت
میدانند و چون دست بر آب گذاری بگو بسم الله و بروایتی دیگر بگو
بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین
که آنرا روایت کرده شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام که فرمود هرگاه بگذاری دست بر آب بگو این
دعا را بعد از آن مضمضه کن بسه کف آب و بگو که اللهم لقنی
حجتی یوم القاک و اطلق لسانی بذکرک و شکرک و بعد از آن
استنشاق کن بسه کف آب دیگر و بگو که اللهم لا تحرم علی ریح
الجنة و اجعلنی ممن یشم ریحها و روحها و طیبها و واجبات

وضو دوازده است **اول** نیت و نیت قصد قلبیست یعنی باید نیت را
بدل گذراند و واجبست مقارن داشتن نیت بابتداء شستن رو و
واجبست در حکم نیت بودن تا فراغ از وضو یعنی چیزی منافی
نیت از او صادر نشود مثل قصد قطع وضو یا قصد پاک کردن اعضای
وضو از چرک یا قصد خنکی در هوای گرم یا قصد ریا که اگر چنین کند
وضو باطل است و صفت نیت اینست که اتوضأ لاستباحة الصلوة
لوجوبه قربة الی الله یعنی وضو میکنم از برای مباح بودن نماز که واجب
است تقرب بخدا و باید که نیت را بوضع مذکور بعربی در دل بگذراند
اگر قادر بعربی گفتن و معنی آن فهمیدن باشد و اگر نه بفارسی در دل بگذراند
دویم شستن روست از رستنگاه موی سر در مستوی الخلقه و اگر
موی او پایین تر یا بالاتر از مستوی الخلقه باشد قیاس او بر مستوی الخلقه
است تا برابر ذقن بدرازی و آنچه فرا گیرد انگشت بزرگ و میانه در پهنا
اگر مستوی الخلقه باشد و اگر انگشتان او دراز و صورت کوچک یا بر
عکس باشد قیاس او بر مستوی الخلقه است و بعضی از فقها بر آنند که
اگر موی رو تنک باشد بحدی که در حالت تکلم بن موهای او دیده
شود تخلیل واجبست و اگر پر و انبوه باشد واجب نیست و بعضی
فرموده اند که در هر دو صورت تخلیل واجب نیست بلکه سنت است و این
قول اکثر فقهاست و باز کن چشمها را در شستن رو چه روایت کرده
رئیس محدثین در فقیه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود
باز کنید چشمهای خود را نزد وضو شاید که نبیند آتش جهنم را و اکثر
علمای امامیه ذکر نکرده اند در سنتهای وضو چشم گشودن را و واجب
است در شستن رو ابتدا از رستنگاه موی سر که اگر ابتدا از پایین یا
پهلوهای رو کند وضو باطل است و نزد شستن رو بسم الله بگوید

چنانچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت باقر علیه السلام
و بعضی از علما بر آنند که تسمیه اول در اثنای دست بر آب گذاشتن یعنی
میسازد از گفتن این تسمیه و بعضی گفته اند یعنی میسازد و در وقت شستن
رو باید گفت اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِی
یَوْمَ تَبْیَضُّ فِیهِ الْوُجُوهُ سیم شستن دستهاست تا مرفقین و واجب
است که ابتدا از مرفقین کند و تا سر انگشتان بشوید و بر عکس باطل
است و باید که مرد بظاهر ذراع و زن بباطن ذراع ابتدا کند و واجب
است تخلیل آنچه مانع رسیدن آب بر بشره باشد مثل انگشتر و غیره
و در وقت شستن دست راست بگوید که اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی کِتَابِی بِیَمِینِی وَ
الْخُلْدَ فِی الْجِنَانِ بِیَسَارِی وَحَاسِبْنِی حِسَابًا یَسِیرًا و در وقت شستن
دست چپ بگو اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِی کِتَابِی بِشِمَالِی وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِی وَ
لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً اِلٰی عُنُقِی وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّیرَانِ
چهارم مسح مقدم موی سر است و اگر مو نداشته باشد مسح پوست
پیش سر کند ببقیه تری آب آنمقدار که اسم مسح صادق آید اگرچه
بیک انگشت باشد که بعرض بکشد و بقدر سه انگشت بهم چسبیده
سنت است و در وقت مسح سر بگوید اَللّٰهُمَّ غَشِّنِی بِرَحْمَتِکَ وَبَرَکَاتِکَ
پنجم مسح پوست پاهاست از سر انگشتان تا کعب به بقیه تری آب
وضو که اگر آب تازه بردارد بجهت هر یکی از این مسحها باطلست و اگر
رطوبت و تری در دست نمانده باشد از ریش یا ابرو فراگیرد و مسح
کند و اول پای راست را مسح کند و بعد از آن پای چپ را و بعضی
از فقها بر آنند که هر دو پا را با هم دفعة جایز است و تقدیم پای چپ را
بر پای راست مضر ماینه قصوری ندارد اما بر عکس مسح نکند بخلاف
مسح سر که معکوس جایز است و مسح را بکف دست بکند نه به پشت دست

مگر

مگر ضروری باشد و لازم است کشیدن کف بر محل مسح و کافی نیست
گذاشتن کف بی کشیدن و سزاوار آنست که مسح کند پاها را بتمام کف
چنانچه روایت کرده شیخ در تهذیب بسند صحیح از احمد بن محمد بن ابی
نصر بزنطی که گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا علیه السلام از مسح
پاها که چگونه است پس گذاشتند کف مبارک بر انگشتان و مسح کردند
تا کعبها پس عرض کردم که اگر مردی بدو انگشت خود بکند همچنین تا
کعبها آنحضرت فرمود که نه مگر بتمام آن و در تحقیق کعب خلافست بعضی
میگویند که برآمدگی پشت پاست و بعضی بر آنند که بند پاست و احتیاط
آنست که تا بند که عبارت از ساق باشد مسح شود بنا بر مذهب علامه
حلی رحمه الله و در مسح پاها بگوید اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمِی عَلَی الصِّرَاطِ
یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْیِی فِیمَا یُرْضِیکَ عَنِّی ششم
ترتیب یعنی اول صورت بشوید بعد از آن دست راست بعد از آن
دست چپ بعد از آن مسح سر بعد از آن مسح پاها چنانچه مذکور شد
هفتم موالات یعنی پی در پی کردن افعال چنانکه عضو پیش خشک
نشده شروع در عضو دیگر کند هشتم آنکه خود وضو کند که اگر دیگری
او را وضو دهد بدون عذری باطل است و اگر محتاج شود باجرت دادن
کسی که او را وضو دهد واجبست هر گاه ممکن باشد اگرچه زیاده از
اجرة المثل طلب نماید نهم پاکی آب و پاک کنندگی آن یعنی آب
مطلق باشد که با آب مضاف مثل گلاب و غیره وضو صحیح نیست و میباید
که محل وضو نیز پاک باشد از نجاست دهم مباح بودن آب که اگر
غصبی باشد و عالم بغصب و مختار باشد وضو باطلست و اگر نداند
که آب غصبی است یا داند اما آب دیگر بهم نرسد و بجای دیگر بطلب آب
نتواند رفت مثل آنکه در خانه ظالمی محبوس باشد وضو صحیح است

یازدهم جاری کردن آبست بر اعضای وضو پس اگر اعضای مذکور را دست تری بمالد وضو صحیح نیست دوازدهم مباح بودن مکان وضو و اگر کسی شک کند در چیزی از وضو پیش از اتمام آن عضو مشکوک فیه را و ما بعد آنرا بشوید مگر آنکه اعضای وضو خشک شده باشد پس در این صورت از سر گیرد وضو را و اگر بعد از فراغ وضو شک کند ملتفت نشود مگر یقین داند که عضوی را نشسته آن عضو را و ما بعد آنرا بشوید و چون از وضو فارغ شود اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ تَمامَ الْوُضُوءِ وَتَمامَ الصَّلٰوةِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ و انا انزلناه بخواند و مکروهست در وضو استعانت بکسی بردن مثل آنکه کسی آب بر دست او بریزد و بعضی حاضر کردن ابزار هم داخل استعانت میگیرند و نیز مکروه است اعضای وضو را بچیزی خشک کردن چنانچه روایت کرده در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر که وضو بسازد و تمندل کند یعنی بچیزی خشک کند خواهد بود از برای او یک حسنه و اگر تمندل نکند تا آنکه خشک شود آب وضوی او خواهد بود برای او سی حسنه و ظاهر اینست که عمداً خشک کردن بآفتاب یا آتش حکم تمندل داشته باشد و در باب آنکه بوضوی سنت نماز واجب جایز است یا نه آنچه از اقوال مجتهدین ظاهر میشود اینست که اگر وضو از برای نماز سنت بکند و نیت استحباب نکند مضر بصحت نباشد و اگر نیت استحباب کند با علم بوجوب صحیح نباشد و اگر نیت استحباب کند در صورت عدم علم بوجوب ظاهر آنست که صحیح باشد و همچنین قبل از دخول وقت نماز واجب هر گاه بقصد استباحه صلوة وضوی سنت بسازد نماز واجب را علما فرموده اند که بچنین وضوئی میتوان کرد **دانش چهارم** در تیمم بدل از وضو و غسل

هرگاه متعذر باشد بسببی از اسباب چون فقدان آب و بودن آزاری و امثال آنها واجبست که تیمم کند بر خاک یا ریگ یا سنگ یا کلوخ و صحیح نیست بر معدنیات مثل سنگ طلا و نقره و مس و آهن و نمک و قیر و گیاه و غیر آنها و واجبات تیمم دوازده است **اول** نیت و واجب است که نیت را مقارن دارد بزدن دست بر زمین و صفت نیت اینست که اَتَیَمَّمُ بَدَلاً مِنَ الْوُضُوءِ لِاسْتِباحَةِ الصَّلٰوةِ لِوُجُوبِهِ قُرْبَةً اِلَی اللّٰهِ و اگر بدل از غسل باشد بدلاً من الغسل بگوید یعنی تیمم میکنم بدل از وضو یا غسل از برای مباح بودن نماز واجب تقرب بخدا **دویم** باید که شکم هر دو دست را با هم بر زمین زند از روی اختیار و اگر یک دست او زخمی داشته باشد یا نجس باشد و پاک نداشته باشد یک دست بر زمین زند و اگر هر دو دست نداشته باشد یا علت و تعذری باشد پیشانی بر زمین نهد و اگر پیشانی هم نتواند ذقن بر زمین گذارد و اگر از آن هم متعذر باشد تیمم ساقط میشود و مستحب است که بعد از زدن دست بر زمین دست را بیکدیگر زده بیفشاند و بعد از آن مسح کند بر اعضای تیمم **سیم** مسح پیشانی کند از رستنگاه موی سر تا سر بینی بوجهی که جبین و ابروها مسح شود **چهارم** مسح ظاهر دست راست بباطن دست چپ کند از بند دست تا سر انگشتان **پنجم** مسح دست چپ بهمان طریق **ششم** دور کردن حایل مثل انگشتر و غیره **هفتم** ترتیب بوضعی که گذشت **هشتم** پی در پی بجا آوردن افعال **نهم** پاک بودن خاک که دست بر آن میزند **دهم** مباح بودن خاک که اگر غصبی باشد باطل است **یازدهم** مباح بودن مکان **دوازدهم** باید که هر دو دست با هم بر پیشانی کشد و اگر تیمم بدل از وضو باشد یکبار دست بر زمین زدن کافیست و اگر بدل از غسل باشد دو بار باید زد یکبار برای مسح

پیشانی و یکبار برای مسح دستها و بعضی از فقها گفته اند که از برای وضو
هم دو ضرب واجبست **دانش پنجم در ستر عورت** واجبست در نماز از
برای مرد ستر عورتین و از برای زنان ستر تمام بدن بغیر از صورت و
سر دستها و ظاهر پاها خواه ناظری باشد و یا نباشد و اگر کسی قادر
بر لباس ساتر عورت نباشد از برگ درخت و گیاه خود را بپوشد و نماز
کند و اگر اینها معذور شود بگل عورت خود را اندود نماید در وقت
نماز و در ساتر پنج چیز رعایت باید کرد **اول** آنکه پاک باشد **دویم**
آنکه پوست مرده نباشد هرچند دباغت کرده باشند زیرا که پوست
مرده بدباغت نزد طایفه امامیه پاک نمیشود و هر پوستی که در دست
غیر مسلمان باشد نجس است و حکم بر طهارت آن نتوان کرد **سیم**
آنکه پوست حیوان غیر ماکول اللحم نباشد اگرچه کشته و دباغت کرده
باشند و پشم و موی و کرک آن نباشد مگر خز خالص و سنجاب که اگرچه گوشت
اینها خوردنی نیست اما پوست اینها در نماز جایز است **چهارم** آنکه غصبی
نباشد و باید که در نماز چیز غصبی همراه نداشته باشد اگرچه نپوشیده
باشد اما اگر نداند که این چیز یا آن جامه غصبی است و نماز کند اعاده لازم
نیست **پنجم** آنکه ابریشم محض نباشد و مطلقا طلا هم نداشته باشد
از برای مردان و خنثی مگر در حرب و ضرورت و اگر طلای مسکوک همراه
داشته باشد نماز با آن جایز است **دانش ششم در مکان مصلی** میباید
که مکان نماز غصبی نباشد خواه ملک او باشد یا مالک منفعت او باشد
مثل اجاره و خواه ملک بخشیده و یا وقف و مانند اینها باشد که مغصوب
باشد در اینها هیچکدام نماز جایز نیست و اما در ملکی که مالک اذن
نماز داده باشد صریحا و یا ضمنا مثل آنکه کسی را در ملک خود جای داده
باشد یا اذن بفحوا باشد مثل مهمان یا شاهد حال باشد مثل آنکه ملکی

که در

که درگو بند و اثر منعی از آن ظاهر نیست و مضرتی بصاحب نمیرسد پس در
مکانهای گذائی نماز توان کرد و در ملک غیری که در بلاد مفتوح العنوه
باشد بدون اذن مالک نماز میتوان کرد چه در زمین بلاد مذکور
جمیع مسلمانان شریکند و مفتوح العنوه بلادیست که مسلمانان بقهر
و غلبه و شمشیر باذن امام گرفته باشند از کفار و عنوه بفتح عین بمعنی
قهر و غلبه است و دیگر باید که مکان پاک باشد و در زمین نجسی که
نجاست آن تعدی نکند نماز جایز است بشرط آنکه مکان سجده پاک
باشد از نجاست خشک و تر و باید که سجده بر زمین باشد یا چیزی که از
زمین روئیده باشد بشرط آنکه نخورند و نپوشند از روی عادت و
سنت است سجده بر خاک کردن و افضل خاک حضرت امام حسین علیه السلام
است چنانچه مرویست از حضرت صادق علیه السلام که هر که بر خاک
حضرت امام حسین علیه السلام سجده کند سجده گاه او تا زمین هفتم
نورانی بود **دانش هفتم در وقت نماز یومیه** بدانکه وقت نماز ظهر زوال
آفتابست و زوال آفتاب معلوم میشود بظهور سایه جانب مشرق و از
ابتدای زوال تا گذاردن چهار رکعت نماز اگر در حضر باشد و اگر در
سفر باشد بقدر دو رکعت مخصوص نماز ظهر است و نماز عصر در آن
وقت نتوان کرد و وقت نماز عصر هنگام فراغ از نماز پیشین است و
وقت این هر دو نماز تا آخر روز میکشد و چون از آخر وقت بمقدار
مانده باشد که چهار رکعت نماز توان کرد اگر غیر مسافر باشد و دو رکعت
اگر مسافر باشد وقت مخصوص نماز عصر است و نماز ظهر را قضا باید
کرد و وقت نماز شام بر طرف شدن سرخی جانب مشرق است و وقت نماز
خفتن فارغ شدن است از نماز شام و وقت مخصوص این دو نماز هم
بطریقیست که مذکور شد و کشیده شده است وقت این دو نماز تا نصف

شب و وقت نماز صبح طلوع صبح صادق است که روشنی در طول و عرض
پهن میشود در عرض افق مشرق بشکل نصف دایره تا طلوع آفتاب و
وقت فضیلت نماز پیشین تا آن زمانست که سایه هر چیز مثل آن چیز زیاده
شود و فضیلت نماز عصر تا وقتیست که سایه هر چیز دو مثل آن چیز
زیاده شود و وقت فضیلت نماز شام تا برطرف شدن سرخی جانب
مغربست و فضیلت نماز خفتن تا چهار یک شب و وقت فضیلت نماز
صبح تا وقتی است که نور بر ظلمت غالب شود **بدانکه** هر نمازی را دو
وقتست وقت اول افضل است از وقت دویم آنقدر که آخرت بر
دنیا و بهتر است برای او از فرزند و مالش و اول وقت رضای خداست
و آخر وقت عفو او و عفو نباشد مگر از گناهی یعنی کسی که از اول وقت
بی عذری تاخیر کند نماز را گناهی کرده باشد پس اگر در آخر وقت بگذارد
آن گناه عفو شود و وقت هر نمازی درهای آسمان کشوده شود تا اعمال
بندگان را بالا برند و هیچکس را رخصت نباشد که بی ضرورتی تاخیر نماز
کند که موجب غضب الهی میشود و حضرت امام علیه السلام فرمود نمی
خواهم عمل کسی پیش از عمل من بالا رود و نام دیگری پیش از نام من ثبت
شود و وقت ظهر درهای آسمان کشوده شود و دعا مستجاب گردد پس
خوشا حال کسی که در آن وقت از او عمل صالحی برند و اول طلوع صبح
وقتیست که ملئکه بآسمان روند و ملئکه روز بزمین آیند پس کسی
که نماز صبح را در اول وقت کند هر دو طایفه ملئکه شاهد باشند
و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند و هر کس تاخیر نماز عصر کند تا
آنکه آفتاب زرد شود یا غروب کند در بهشت موتور باشد یعنی اهل
و مال نداشته باشد و هر کس نماز شام را تاخیر کند تا آنکه ستاره
بسیار شود در آسمان اهل بیت علیهم السلام از او بیزار باشند و

هر کس

هر کس بخوابد و نماز خفتن را تاخیر کند تا آنکه نصف شب شود ملکی
که موکل است نفرینش کند و گوید که خواب نصیب چشمت نشود و چون
بیدار شود نماز را قضا کند و آن روز را روزه دارد بعقوبت این عمل
دانش هشتم در تشخیص قبله و تشخیص قبله از برای ساکنین عراق عرب
و عراق عجم و فارس و خراسان و آذربایجان و آنچه در یلی ایشانست
آنست که مغرب و مشرق اعتدالی که آن اول حمل و میزانست بر راست
و چپ خود گیرند و ستاره جدی را بر پشت شانه راست یا سرخی جانب
مغرب را بر شانه راست یا طلوع صبح را برابر شانه چپ یا عین آفتاب را
وقت زوال بی فاصله برابر ابروی راست و در مفقود بودن این علامات
بچهار طرف نماز کند و اگر وقت تنگ باشد بهر طرف که ظن بیشتر است
نماز بگذارد و اگر بعد از نماز ظاهر شود که نماز را پشت بقبله کرده
خواه وقت باقی و خواه نباشد نماز را اعاده کند و اگر بسمت مشرق
یا مغرب نماز کرده در بقای وقت اعاده لازم و الا مجزیست و اگر اندکی
از قبله انحراف نموده هر چند وقت باقی باشد احتیاج باعاده نیست
والله یعلم و جایز است نماز سنتی را سواره گذاردن باین نحو که در وقت
گفتن تکبیرة الاحرام رو بقبله کند و نماز گذارد بر بالای راحله بایما
بهر طرف که راحله او رود مجزیست و نماز واجب نیز باین طریق
در حالت خوف جایز است مثل کسی که از دشمن و لشکری گریزد **دانش
نهم در اذان و اقامه** مرویست که هر که با اذان و اقامه نماز کند دو صف
از ملئکه در عقب او نماز کنند که یک سر ایشان در مشرق و یکی در مغرب
باشد و اگر با اقامه تنها نماز کند دو ملک با او نماز کنند یکی در جانب
راست و یکی در جانب چپ و اذان و اقامه سنتست از برای پنجگانه
نه غیر بدانکه بعضی از فقها گفته اند که در نماز صبح و شام اذان و اقامه

واجب است و در باقی سنت و بعضی میفرمایند که در نمازهای جهریه
واجب است و در اخفاتیه سنت و جمعی برانند که مطلقا واجبست و
گروهی برانکه مطلقا سنت است اما سنت مؤکد اما فصول اذان هجده
و اقامه هفده است بنا بر مشهور و اشهد ان علیا ولی الله از جمله
فصول اذان نیست اما از احکام ایمان و تیمنا و تبرکا گفته میشود و
صورت اذان اینست تکبیر چهار مرتبه و هر یک از شهادتین دو
مرتبه و حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل
و تکبیر و تهلیل دو مرتبه و فصول اقامه هم دو مرتبه و بعد از حی علی
خیر العمل قد قامت الصلوة دو مرتبه گفته میشود و تهلیل یکبار و سنت
است که در میان فصول اذان و اقامه حرفی که تعلق بنماز نداشته باشد
نگوید و فصول اذان را بتانی و ایستاده و رو بقبله و با طهارت و باواز
بلند بگوید و نیت چنین کند ءاذن لندبه قربة الی الله یعنی انکه اذان
میگویم برای انکه سنت است تقرب بخدا و اقامت را بشتاب و اهسته
بگوید و تاکید طهارت داشتن و ایستادن در حال اقامت بیشتر است
از حال اذان حتی انکه سید مرتضی رحمه الله انهارا واجب دانسته
و نیت چنین کند که اقیم لندبه قربة الی الله و بر اخر همه فصول وقف
کند یعنی اخر کلمه را اعراب ندهد و ساکن شود بقدری که نفس قطع
کند و بعد از ان شروع در کلمه دیگر کند و فاصله کند میان اذان و
اقامه بسجده یا نشستن یا گامی پیش نهادن و این دعا بخواند اللهم
اجعل قلبی بارا و عیشی قارا و رزقی دارا و عملی سارا و اجعلنی
عند قبر نبیک مستقرا و قرارا برحمتک یا ارحم الراحمین پس بگوید
یا محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء
و انت المحسن و انا المسیء فبحق محمد و ال محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم

منی چه مرویست که هر که پیش از تکبیر احرام این دعا بخواند خدای تعالی
بملئکه گوید که گواه باشید که گناهانش را عفو فرمودم و هر کس که در پیش
او حقی یا مظلمه داشت از او راضی نمودم پس بگو رب اجعلنی مقیم
الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء ربنا اغفر لی و لوالدی
و للمؤمنین یوم یقوم الحساب پس سؤال کند حاجتی را که دارد چه
روایت شده از حضرت رسول صلی الله علیه و اله که دعای ما بین اذان
و اقامه رد نمیشود و اگر سجده کند در میان اذان و اقامه بگوید لا اله
الا انت ربی سجدت لک خاضعا خاشعا ذلیلا و چون سر از سجده
بردارد بگوید سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا ینسی من ذکره
سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس حاجب یغشی و لا بواب
یرشی و لا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء
سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا
کرما و جودا سبحان من هو هکذا و لا هکذا غیره و در میان اذان
و اقامه نماز شام سجده نباید کرد بلکه سنت است بعد از اذان مغرب
نشستن چه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که کسی که بنشیند
میان اذان و اقامه نماز شام مثل کسیست که بخون خود غلطیده باشد
در راه خدا و چون بنشیند این دعا بخواند اللهم انی اسئلک باقبال
لیلک و ادبار نهارک و حضور صلواتک و اصوات دعائک و تسبیح
ملئکتک ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تتوب علی انک انت
التواب الرحیم چه از ائمه علیهم السلام مرویست که هر که بخواند این
دعا را میان اذان و اقامه صبح یا شام اگر در ان روز یا در ان شب بمیرد
شهید مرده باشد و تایب و هر گاه ما بین اذان و اقامه این دعا را بخوانند
تبدیل کند لفظ لیلک را به نهارک و بعد از ان بگوید این فقرات را

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ و اگر
اذان نماز ظهر باشد اول شش رکعت از نافله ظهر بگذارد و بعد از آن
اذان بگوید پس دو رکعت دیگر از نافله را بگذارد و اقامه بگوید و این
دعا بخواند اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ
بَلِّغْ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ عَنَّا السَّلَامَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ
وَالْفَضِيلَةَ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا
فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ و در هر نماز بعد از اقامه و قبل از افتتاح نماز
بگوید در حالتی که رو بقبله باشد اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرْضَاتَكَ
طَلَبْتُ وَثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَثَبِّتْنِي عَلٰى دِينِكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ
و نیز بخواند این دعا را که روایت شده از صفوان بن جمال که گفت
دیدم حضرت صادق علیه السلام را که رو بقبله پیش از تکبیرة الاحرام
میگفت اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ
لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ فَاِنَّهُ لَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ گفتم
فدای تو شوم نشنیده ام این را از هیچکس پیش از تو آنحضرت فرمود که
بزرگترین گناهان کبیره نزد خدای تعالی مایوس بودنست از رحمت او
و نا امید بودن از مغفرت و ایمن بودن از مکر خدا و نیز بخوان این دعا
را که در اصول کافی از آنحضرت علیه السلام روایت شده که فرمود حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام که کسی که بگوید این دعا را بعد از اقامه قبل از
افتتاح نماز با حضرت محمد و آل محمد باشد اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ
بِمُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ صَلٰوتِي وَاَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي

بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ
لِي بِطَاعَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ فَاِنَّهَا السَّعَادَةُ اخْتِمْ لِي بِهَا اِنَّكَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فصل دویم در بیان نماز و احکام و افعال آن
و آن هشت بحث است بحث اول در کیفیت گذاردن مطلق نماز بدانکه
سر جمله طاعتها و عبادتها و فاضلترین اعمال نماز است چنانچه از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام منقولست که نزدیک نمیشود بنده
برضای حق تعالی بچیزی بعد از معرفت حق تعالی که آن فاضلتر باشد
از نماز و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که در روز قیامت اول
چیزی که سؤال کرده میشود از بنده کان نماز است اگر بدرجه قبول رسید
باقی عبادات او قبول میشود و اگر رد شود همه اعمال او رد میشود پس
مباش از غافلان و تارکان نماز و متابعت شیطان و هوای نفس مکن
و خود را از جمله جمعی مگردان که حق تعالی در حق ایشان میفرماید
که يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ
یعنی سؤال کنند در روز قیامت از گناهکاران که چه گناه کرده اید
که شما را بدوزخ آورده اند گویند نبودیم ما از نماز گذاران اما نماز
باید که بخضوع و خشوع باشد چنانچه حق تعالی میفرماید قَدْ اَفْلَحَ
الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلٰوتِهِمْ خَاشِعُونَ یعنی بدرستی که رستگاری
یافتند مؤمنان آن مؤمنانی که در نماز فروتنی نمایند ابن عباس گوید
که خشوع در نماز آنست که نماز کننده در حال نماز نداند که در چپ
و راست او کیست و چیست و مجاهد گفته که خاشع آن باشد که چشم
بر هم نهد در حال نماز از ترس خدا و قول دیگر آنست که چشم بر جای
سجده گاه دارد چه آورده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
در وقت نماز بجانب آسمان نظر میفرمود چون این آیه نازل شد نظر بر

موضع سجود میکماشت و در لباب مذکور است که در مکه معظمه در خانه مکرمه نظر باید انداخت چه نظر در آن عبادت است و در بحر الحقایق آورده که خشوع در ظاهر آنست که سر در پیش اندازد و دیده را از التفات بچپ و راست منع نماید و قراءت از روی حضور قلب باشد و در باطن آنکه خاطر را منع کند از ما سوای او چنانچه حق تعالی میفرماید
وَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ یعنی ویل که آن چاهیست در جهنم بر نماز کنندگانی که ایشان را دل در نماز نبود یعنی در نماز مشغول غیر او سبحانه باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرماید که
لَا صَلٰوةَ اِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ یعنی نیست نماز مگر بحاضر شدن دل در نماز و بدانکه افعال نماز هشت است و از آن هشت پنج رکن است اول نیت است و نیت رکن نماز است و باطل میشود نماز بترک آن در نماز عمداً و سهواً و نیت قصد بسیطیست در دل بواقع ساختن فعل معین از برای علت غائی آن و در آن هفت چیز معتبر است اول قصد آن نماز که ظهر است یا عصر یا غیرهما دویم قصد واجب و سنت هر کدام باشد سیم قصد ادا اگر در وقت خود گذارد چهارم قصد قضا اگر در غیر وقت باشد پنجم قصد مطلق یعنی خالصاً مخلصاً لوجه الله قصد کند نه آنکه قصد او در نماز طمع بهشت یا خوف دوزخ باشد ششم مقارن داشتن نیت بتکبیرة الاحرام که اگر فاصله شود باطل است هفتم در حکم نیت بودن تا فراغ از نماز یعنی نیتی که منافی نیت نماز باشد نکند مثل نیت قطع نماز یا قصد ریا یا پشت بقبله کردن یا سخن گفتن که باطل میشود نماز بآنها و صفت نیت اینست اُصَلِّي فَرْضَ الظُّهْرِ اَدَاءً لِوُجُوبِهِ قُرْبَةً اِلَى اللهِ اگر ظهر باشد و بتبدیل لفظ ظهر بعصر و مغرب و غیره در هر نمازی که باشد و بفارسی چنین گوید که نماز فرض پیشین

یا عصر یا غیره میکذارم ادا واجب تقرب بخدا و باید که معنی نیت را بدل بگذراند و مکروه است تلفظ بآن دویم تکبیر احرامست و تکبیر احرام رکنست و باطل میشود نماز بترک آن در نماز عمداً و سهواً و واجبات تکبیر احرام یازده است اول تلفظ بالله اکبر است و سنتست بلند کردن و در تکبیر دستها را تا برابر گوشها بردارد باین روش که کف دستها بطرف قبله و انگشتها بهم چسپیده باشد غیر انگشتان بزرگ که میباید با انگشتهای دیگر نچسپیده باشد و ابتدا بگفتن تکبیر کند در ابتداء دست بلند کردن و تمام کند تکبیر را در انتهای آنکه دست بلند و رسید بمحاذی گوش و باید که دست از برابر گوشها بلندتر نشود و در غیر تکبیر احرام در تکبیرات دیگر نیز چنین کند دویم میباید که تکبیر را بعربی بگوید که اگر بفارسی بگوید از روی اختیار باطل است و اگر قادر بعربی نباشد بهر زبانی که داند معنی تکبیر را بگوید و معنی آن اینست که خدا بزرگتر است سیم پی در پی گفتن است پس اگر فاصله کند میان الله و اکبر باطلست چهارم مقارن داشتن نیت است بتکبیر احرام پس اگر فاصله کند باطلست پنجم مد ندادن است حروف آنرا پس اگر مد دهد همزه الله را بطریقی که معنی استفهام از آن ظاهر شود یعنی أالخدا بزرگتر است باطلست ششم آنکه مد ندهد اکبر را چه اگر مد دهد اکبر را میگردد جمع کبر که آن اکباد و با بمعنی است که خدای بزرگتر اند و این باطلست هفتم باین ترتیب گفتن است پس اگر بر عکس بگوید مثل اینکه مقدم بگوید اکبر را بر الله یا لفظی در تکبیر زیاده کند اگرچه در معنی درست باشد مثل اللّٰه اکبر من کل شیء باطل است هشتم باید که تکبیر را آنچنان بگوید که خود بشنود پس اگر در دل بگذراند و تلفظ بآن نکند باطل است نهم بیرون آوردن حروف است از مخرج خود دهم قطع همزه است از الله

یازدهم قطع همزه است اگر پس اکر وصل کند اینها را باطل است
و مکروه است مد دادن میان لام و های الله که اکثر در عرف بعضی قرا
مد تعظیم گویند و سنت است که چون توجه بقبله کند از برای نماز
هفت تکبیر بگوید و یکی از اینها را تکبیر احرام گیرد که واجب است و بهتر
آنست که تکبیر آخر را تکبیر احرام گیرد چنانچه شیخ طایفه رحمه الله
در مصباح ترجیح داده و آنچه ظاهر میشود از حدیث صحیح که روایت کرده
رئیس محدثین رحمه الله از زراره و او از حضرت ابو جعفر علیه السلام
اینست که در افتتاح نمازی که حضرت امام حسین علیه السلام بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله متابعت کردند آنحضرت صلی الله علیه و آله
تکبیر اول را تکبیرة الاحرام نموده بودند و این هفت تکبیر در ابتدای
هر فریضه از فرایض خمسه و در دو رکعت اول نافله ظهر و دو رکعت
اول نافله مغرب و در نماز وتیره و در دو رکعت اول نماز شب و در
مفرده نماز وتر و در دو رکعت نماز احرام گفته میشود نه غیر اینها
و در میان این هفت تکبیر این سه دعا بخواند که روایت کرده ثقة الاسلام
در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام باین طریق که سه تکبیر
بگوید و این دعا بخواند اللهم انت الملك الحق المبین لا اله الا انت
سبحانك و بحمدك عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت و دو تکبیر دیگر بگوید و این دعا بخواند لبیك و
سعدیك و الخیر فی یدیك و الشر لیس الیك و المهدی من هدیت
الهی انا عبدك و ابن عبدیك ذلیل بین یدیك منك و بك و لك
و الیك لا ملجا و لا منجا و لا مفر و لا مهرب منك الا الیك سبحانك
و حنانیك تبارکت و تعالیت سبحانك ربنا و رب البیت پس دو تکبیر
بگوید و بعد از آن بگوید وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض

علی

علی ملة ابرهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و منهاج علی صلوات
الله علیه حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و
محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریك له و بذلك امرت و انا من
المسلمین **پس بگوید** اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
و شروع در قرائت کند و استعاذه نزد امامیه مخصوص رکعت اول است
و آهسته باید گفت **سیم قرائت است** و آن رکن است که بترك آن
عمدا نماز باطل میشود نه سهوا و واجبات قرائت شانزده است **اول**
خواندن حمد و سوره در نماز چهار رکعتی و سه رکعتی **دویم** رعایت
کردن اعراب و تشدید و جزم و مد متصل بر وجهی که منقول است **سیم**
رعایت کردن ترتیب کلمات و آیات بطریقی که منقول است پس اگر بر عکس
بخواند باطل است **چهارم** آنکه پی در پی بخواند پس اگر سکوت طویل کند
یا در میان قرائت از جای دیگر بخواند عمدا باطل است **پنجم** وقف بر آخر
کلمه بوضعی که منقول است پس اگر وقف در میان کلمه کند یا در آخر هر
کلمه وقف کند باطل است **ششم** باید که مرد بلند بخواند در نماز
صبح و در دو رکعت نماز شام و خفتن و آهسته بخواند در باقی رکعات
و اگر عمدا نماز جهریه را اخفات یا اخفاتی را جهر کند باطل باشد و
اعاده باید کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود و از آن آهسته تر
مجزی نبود و حد بلندی آنکه بسیار بلند و او از شدید نبود و حد وسط
باشد و چون نماز جهریه را بلند خواند آنقدر که آوازش برسد آتش دوزخ
از او دور شود و بر صراط آسان بگذرد و در روز قیامت خوشحال و مسرور
باشد تا آنکه داخل بهشت شود **هفتم** مقدم داشتن حمد است بر
سوره که اگر بر عکس بخواند عمدا باطل است **هشتم** باید که بسم الله بخواند
در اول حمد و سوره که اگر ترك کند باطل است **نهم** باید که در هر

رکعتی یک سوره بخواند پس اگر بعد از حمد دو سوره بخواند یا یکسوره را
دو بار بخواند اولی آنست که باطل است و بعضی بر آنند که مکروه است
مگر آنکه هرگاه سوره والضحی بخواند لازم است خواندن سوره الم نشرح
چه آن دو سوره بمنزله یکسوره اند و باید که بسم الله در سوره الم نشرح
نیز بگوید و اکتفا به بسم الله سوره والضحی نماید و همچنین سوره فیل
و لایلاف نیز بمنزله سوره واحدند **دهم** باید که الحمد و سوره را تمام
بخواند و اگر بعضی را بخواند از روی اختیار باطل است و اگر تمام نداند
حمد و سوره را در عوض آنچه داند از آنها از هر جای قرآن که داند
بقدر آن بخواند و رعایت ترتیب بکند باینکه اگر از اول حمد داند
اول آنرا بخواند و عوض آخر حمد را که نداند بعد از آن و اگر آخر حمد
را داند و اول آنرا نداند پس اولا عوض ابتدا حمد را که نمیداند از هر
جای قرآن که داند بقدر آن بخواند و بعد از آن آخر حمد را که میداند
بخواند و اگر هیچ از الحمد نداند از هر جای قرآن که داند بقدر الحمد بخواند
بخواند اگر بترتیب قرآن داند و اگر بغیر ترتیب و اگر از قرآن هیچ نداند
تسبیح اربعه یا هر ذکر دیگر که داند بقدر قراءت بخواند و اگر مطلقا از
قرآن و ذکر نداند در هر رکعتی بقدر قراءت بایستد و چون از قراءت
فارغ شود بقدر نفس کشیدنی ساکت شود پس ایستاده تکبیر بگوید
و برکوع رود **یازدهم** باید که سوره از سورهای عزایم که آن چهار سوره
سجده است نباشد و از سورهای طویل هم نباشد که بخواندن وقت فوت
شود **دوازدهم** آنکه در گفتن بسم الله قصد سوره کند که بعد از حمد میخواند
مگر آنکه لازم کرده باشد پیش بر خود سوره را بعینه **سیزدهم** باید
که از سوره بسوره دیگر انتقال نکند مگر آنکه از نصف نگذشته باشد
و از سوره توحید و کافرون هرگاه شروع کند بسوره دیگر نتواند رفت

در غیر روز جمعه و سوره جمعه که اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه
شروع بسوره توحید یا کافرون نموده باشد انتقال بسوره جمعه میتواند
کرد **چهاردهم** باید که هر حرفی را از مخرج خود بیرون آورد **پانزدهم**
باید بعربی بخواند پس اگر ترجمه را بگوید باطل است **شانزدهم** باید
که در آخر الحمد بلکه در هیچ حالی از احوال نماز آمین نگوید که اگر بگوید
بدون تقیه نمازش باطل است و سنت است که در رکعتهای اخفاتیه
تسمیه را بلند گوید و در نماز عصر و مغرب سورهای مفصل کوتاه بخواند
که آن از سوره والضحی است تا آخر قرآن و در ظهر و عشا از سورهای
متوسط مفصل بخواند که آن از سوره عم است تا والضحی و در صبح از
سورهای دراز مفصل بخواند که از سوره محمد است تا عم و در رکعت
ثانوی سوره توحید خواندن افضل است زیرا که بعد از آن چون قنوت
خوانده میشود دعا بعد از خواندن توحید مستجاب میگردد و مستحب است
که در نماز صبح دوشنبه و پنجشنبه سوره هل اتی و در نماز شام شب
جمعه و صبح جمعه سوره جمعه و توحید و در نماز خفتن آن سوره جمعه
و سبح اسم و در نماز ظهر آن سوره جمعه و منافقین و در نماز عصر
روز جمعه سوره جمعه و توحید بخواند و مرویست که در عوض هر سوره
که از خواندن فضل و ثواب آن سوره منظور باشد هرگاه سوره قدر
و توحید بخواند ثواب همان سوره داشته باشد با ثواب این دو
سوره اما در نماز جمعه و ظهر آن سوره جمعه و منافقین باید خواند
که افضل است و بعضی از علما واجب دانسته اند و مرویست که اگر پنج
نماز بگذارد که قل هو الله احد نخواند فرشته ندا کند و گوید ای بنده
خدا تو از جمله نماز کنندگان نیستی و جایز است که در دو رکعت آخر
نماز ظهر و عصر و عشا و یک رکعت آخر نماز مغرب بعوض الحمد سه مرتبه

تسبیح اربعه بگوید و آن اینست سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر چهارم قیام است و قیام واجبست از برای
نیت و تکبیر احرام و قراءت و واجبات قیام چهار است اول راست
ایستادن چنانکه مهره‌های پشت راست ایستاده باشد که اگر کج بایستد
از روی اختیار باطل است و سر در پیش انداختن ضرر نمیرساند هرگاه
برای خضوع و خشوع باشد اما سر بر دوش نهادن چنانچه شیخ شهید علیه
الرحمه در کتاب دروس بیان فرموده نماز باطل میشود و باید که دستها
را بیاویزد و بگذارد بر روی رانها مقابل زانو دویم بخودی خود ایستادن
پس اگر اعتماد بر چیزی کند از روی اختیار باطل است سیم بقرار
خود بایستد پس اگر راه رود یا سوار شود هرچند که آن مرکب ایستاده یا
بسته باشد یا بر بالای برف گذاردن یا پنبه زده که قدمهای او بر آن
قرار نگیرد ایستاده باشد از روی اختیار باطل است چهارم آنکه
قدمها را دور ننهد چنانکه بیفتد از حد قیام بلکه بقدر سه انگشت
از یکدیگر بگذارد تا یک شبر اگر مرد باشد و اگر زن باشد بهم نزدیک
گذارد و نگاه کند بموضع سجود و اگر کسی از ایستادن عاجز باشد و جائی
نباشد که بر آن تکیه کند و کسی نباشد که او را نگهدارد اگرچه باجاره
باشد بنشیند و چون نشسته نماز گذارد واجبست که در حال رکوع
رانهای خود را بردارد و آنقدر دوتا شود که برابر شود روی او بسر
زانوی او اگر قادر باشد پس اگر از نشستن هم عاجز باشد و اصلا میسر
نشود بر پهلوی راست بخوابد و اگر بر پهلوی راست نتواند بر پهلوی چپ
و اگر نتواند به پشت بخوابد و پا بقبله کند اگر ممکن شود و الا بهر طریق
که باشد و از برای رکوع و سجود چشم بر هم نهد و از برای سر برداشتن
از رکوع و سجود چشم باز کند و اگر بسببی چشم گشودن و پوشیدن نیز ممکن

نماز

نشود بدل قصد رکوع و سجود کند و ذکرهای آنها را بگوید و اگر کسی برای
علاج چشم بر پشت خوابیده و یا دارو در چشم کشیده باشد و خواهد
که فایده یابد اگرچه مضطر نیست از ایستادن خوابیده نماز تواند
کرد و صحیح است و نیز از جمله اضطرار است هرگاه بیماری او زیاده شود
بجهت ایستادن یا مشقت بسیار باو رسد یا در خانه سقف کوتاهی
باشد و بجای دیگر نتواند رفت اما اگر در حال اضطرار که نشسته
نماز میکند اتفاقا اضطرار در اثنای بر طرف شود که تواند ایستاد
برخیزد و اگر در حالت ایستادن بر نماز اضطراری بهم رسید که نتواند
ایستاد بنشیند و در وقت انتقال از قیام بقعود قراءت میتواند کرد
و در عکس آن قراءت جایز نیست تا راست بایستد و سنت است قنوت
خواندن در رکعت دویم هر نماز از واجب و سنت بعد از قراءت و
قبل از رکوع و همچنین در مفرده وتر و در نماز جمعه دو قنوت مستحب
است یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دیگری در رکعت ثانی بعد
از رکوع و بدانکه قنوت سنت مؤکد است حتی آنکه اگر قبل از رکوع
فراموش کند بعد از رکوع و اگر بعد از آن نیز فراموش کند بعد از
نماز بنشیند و بخواند و ابن بابویه و ابن ابی عقیل قنوت را واجب
میدانند و مستحب است که تکبیر بگوید از برای قنوت و دستها را بر
دارد تا برابر رو و در حالت قنوت خواندن باطن کفها را باسمان کند
و انگشتان باهم وکشیده دارد مگر ابهامین که جدا باشد و اقل قنوت
سه سبحان الله است و هرچند طول بیشتر دهد در قیامت راحت
بیشتر باشد و افضل نمازها آنست که قنوتش طویل تر باشد و فاضل
ترین قنوتها کلمات فرج است و آن اینست لا اله الا الله الحلیم
الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات

السبع وربّ الارضین السبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش
العظیم والحمد لله ربّ العالمین وبعد از این دعا بخواند اللهمّ
اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنّا فی الدنیا والآخرة انّک
علی کلّ شیءٍ قدیرٌ بعد از آن صلوات بر پیغمبر و آل اطهار او علیهم السلام
بفرستد و حاجات دنیوی و اخروی و رحمت و مغفرت از برای خود
و برادران مؤمن که خواهد بطلبد و از جمله ادعیهٔ مأثوره که متضمن
همهٔ اینها باشد اینست اللهمّ انّی اسئلک لی ولوالدیّ ولولدی
واهل بیتی واخوانی المؤمنین فیک الیقین والعفو والمعافاة و
الرحمة والمغفرة والعافیة فی الدین والدنیا والآخرة و در
نماز صبح و شام این قنوت مستحب است خواندن اللهمّ من کان اصبح
وله ثقة او رجاء غیرک فانت ثقتی ورجائی یا اجود من سئل
ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی ومسکنتی وقلّة حیلتی وامنن
علیّ بالجنّة وفکّ رقبتی من النار وعافنی فی نفسی وفی جمیع
اموری برحمتک یا ارحم الراحمین و در شام بجای من کان اصبح
من کان امسی بگوید **پنجم رکوع است** و در رکوع رکنست و بترک آن
عمداً او سهواً نماز باطل میشود و واجبات آن نه است **اوّل** آنکه
آنقدر خم شود که کف دستها بر زانوها برسد **دوّیم** آنکه ذکر بخواند
و بهتر این ذکر است سبحان ربّی العظیم وبحمده **سیّم** آنکه بعربی
بخواند اگر قادر باشد که اگر بفارسی بخواند باطل است **چهارم** آنکه
پی در پی بخواند **پنجم** آنکه آرام بگیرد در رکوع بقدر ذکر پس اگر
پیش از آنکه بحد رکوع رسد شروع در ذکر کند یا ذکر تمام نکرده سر بردارد
باطل است **ششم** چنان بگوید که خود بشنود و سنّت است که بلند
بگوید **هفتم** آنکه سر از رکوع بردارد و بعد از آن بسجود رود که اگر

قبل از

قبل از سر برداشتن بسجود رود باطل است اگر عمداً کرده باشد و اگر
سهواً و بی اختیار باشد و بسجود نرفته باشد برخیزد و آرام گیرد و بسجود
رود بنا بر قولی و مخیّر است بر قول دیگر **هشتم** آنکه آرام بگیرد در
سر برداشتن از رکوع آنقدر که اسم آرام گرفتن صادق آید و سنّت است
که در این آرام گرفتن بگوید سمع الله لمن حمده الحمد لله ربّ العالمین
نهم آنکه بسیار نایستد که عرفاً گویند که نماز نمیکند و سنّت است
که پیش از رکوع دستها را بطریقی که مذکور شد بلند کند و یک تکبیر
بگوید و برکوع رود بوضعی که بگذارد دست راست بر زانوی راست
قبل از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ و انگشتان دستها را از هم
باز کند و زانوها را فرو گیرد و پس شکند و پشت خود را هموار دارد
و گردن را بکشد اگر مرد باشد و زن دستها را بالای زانو بگذارد تا
بسیار خم نشود و جمع تر باشد و چشمها را برهم گذارد یا نگاه میان
قدمهای خود کند و قبل از ذکری که مذکور شد این دعا را که ثقة الاسلام
در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده بخواند
اللهمّ لک رکعت ولک اسلمت وبک آمنت وعلیک توکّلت
وانت ربّی خشع لک سمعی وبصری وشعری وبشری ودمی ومخّی و
عصبی وعظامی وما اقلّته قدمای غیر مستنکف ولا مستکبر
ولا مستحسر و سنّت است که تسبیح رکوع را هفت بار یا پنج بار یا سه بار
بگوید و بیک بار گفتن واجب **ششم سجود است** و هر دو سجده با هم
رکن و بترک هر دو عمداً و سهواً نماز باطلست نه بترک یکی که اگر یکی را
سهواً ترک کند بعد از نماز بجای آورد و واجبات آن چهارده است
اوّل آنکه سجده کند باعضای سبعه که آن پیشانیست و کف دستها
و سر زانوها و سر انگشت بزرگ پاها و نهادن سر بینی بر خاک سنّت است

واکر پیشانی را جراحتی یا دملی باشد کوئی بکند تا آن فرو رود و آنچه
صحیح باشد بر زمین نشیند و اکر متعذر باشد بر یکی از جبینین سجده
کند و اکر از آن نیز عاجز باشد بر ذقن سجده کند دویم آنکه هفت
عضو مذکور را بر زمین رساند سیم کذاشتن پیشانیست بر آنچه صحیح
است سجود بر آن چنانچه کذشت چهارم آنکه جای ایستادن و جای
سجده بلکه مواضع سجود همه برابر باشد در حالت اختیار پس اکر بلند
یا پست باشد زیاده از کندکی یک خشت باطل است پنجم آنکه
اعضا را چنان بر زمین بکذارد که اسم کذاشتن بر آن صادق آید از
روی اعتماد تمام ششم خواندن ذکر است در آن و آن اینست که
سُبحانَ رَبِّیَ الأعلی وَبِحَمدِهِ هفتم آرام کرفتن بقدر ذکر است در
حال سجود هشتم بعربی خواندن نهم پی در پی خواندن دهم
باید که چنان بخواند که خود بشنود و سنت است که بلند بخواند یازدهم
آنکه سر از سجده اول بردارد بعد از آن بسجده ثانی رود دوازدهم
آنکه بسیار آرام نکیرد سیزدهم آنکه دو سجده کند در هر رکعتی نه زیاد
و نه کم چهاردهم آنکه طول ندهد بسیار چنانچه در رکوع ذکر شد و بدانکه
آرام کرفتن بعد از سجده اول واجبست اکرچه اندک سکونی باشد
و بعد از سجده دویم سنت است و این نشستن و آرام کرفتن را بعد از
سجده دویم قبل از برخاستن جلسه استراحت میکویند و سید مرتضی
این را واجب میداند و دعوی اجماع بر این کرده و سنت است که پیش
از ذکر سجده که مذکور شد بکوید آنچه را در کافی ثقة الاسلام بسند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و آن اینست که
اَللّهُمَّ لَکَ سَجَدتُ وَبِکَ آمَنتُ وَلَکَ اَسلَمتُ وَعَلَیکَ تَوَکَّلتُ
وَاَنتَ رَبّی سَجَدَ وَجهِیَ لِلَّذی خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمعَهُ وَبَصَرَهُ اَلحَمدُ لِلّهِ

رَبِّ العالَمینَ تَبارَکَ اللهُ اَحسَنُ الخالِقینَ و کفتن تسبیح سجود مثل تسبیح
رکوع یکبار واجب و زیاده بر آن تا هفت بار سنت است و چون سر
از سجده اول بردارد تکبیر بکوید و بکوید آنچه را روایت کرده است
ثقة الاسلام بهمان سند سابق از حضرت صادق علیه السلام که
اَللّهُمَّ اغفِر لی وَارحَمنی وَاجبُرنی وَادفَع عَنّی وَعافِنی اِنّی لِما
اَنزَلتَ اِلَیَّ مِن خَیرٍ فَقیرٌ تَبارَکَ اللهُ رَبُّ العالَمینَ و اکر اکتفا
کند بکفتن اَستَغفِرُ اللهَ رَبّی وَاَتوبُ اِلَیهِ نیز مجزیست پس تکبیر
کوید و بسجده دویم رود بطریق سجده اول و چون سر از سجده ثانی
بردارد بطریق سجده اول تکبیر کوید و سنت است که چون از رکوع
بسجود رود اول سر دستها را بر زمین نهد آنکاه زانوها را و در وقت
برخاستن بر عکس و در حال سجود نظر بر طرف بینی کند و کف دستها
را در حالی که انکشتان بهم چسبیده باشد در برابر دوشها و روی خود
بکذارد و تخویه کند یعنی مثل دو بال بکیرد و نکذارد هیچ عضوی از بدن
خود را بر روی عضو دیکر اکر مصلی مرد باشد و هرکاه زن باشد تخویه
او را سنت نیست بلکه لازم است که اعضا را بهم چسبانیده سجده
کند و در وقت برخاستن بکوید بِحَولِ اللهِ تَعالی وَقُوَّتِهِ اَقومُ وَاَقعُدُ
وَاَرکَعُ وَاَسجُدُ هفتم تشهد است و در آن نه چیز واجب است
اول نشستن برای تشهد و سنت است که چنان بنشیند که پشت
پای چپ بر زمین نهد و پشت پای راست بر کف پای چپ نهاده
پاها را از جانب راست بیرون کند و سرین را بر زمین کذارد دویم
آرام بقدر تشهد از روی اختیار سیم شهادتین کفتن چهارم
صلوات بر محمد و آل محمد فرستادن پنجم بعربی خواندن ششم
ترتیب نکاه داشتن هفتم پی در پی خواندن هشتم شنوانیدن

نفس خود و سنت است بلند خواندن **نهم** رعایت کردن انچه منقولست
و ان اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمداً عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و ال محمد و اگر
زیاده ازین بخواند سنت است انکه بگوید بسم الله و بالله و خیر الاسماء
کلها لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالحق بشیراً و نذیراً بین یدی
الساعة و اشهد ان ربی نعم الرب و ان محمداً نعم الرسول و ان
علیاً نعم الامام و نعم الولی و نعم الوصی اللهم صل علی محمد و
ال محمد و تقبل شفاعته فی امته و ارفع درجته و کمتر خواندن
نیز جایز است که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً
رسول الله اللهم صل علی محمد و ال محمد **هشتم سلام است**
و واجبات ان نه است **اول** نشستن از برای سلام از روی اختیار
دویم ارام گرفتن بقدر سلام از روی اختیار **سیم** ترتیب نگاه
داشتن **چهارم** بعربی خواندن **پنجم** پی در پی خواندن **ششم**
رعایت انچه منقولست و ان اینست السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
و سنت است که پیش از ان بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة
الله و برکاته السلام علی جمیع انبیاء الله و ملائکته و رسله السلام
علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی علی امیر المؤمنین
السلام علی ائمة الهادین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین
هفتم انکه اول تشهد بخواند انگاه سلام بگوید **هشتم** چنان بگوید
که خود بشنود و سنت است که بلند بگوید **نهم** قصد بیرون رفتن از
نماز کند و نزد بعضی این واجب نیست و سنت است که قصد کند در حال
سلام دو بلفظ بعلیکم انبیا و ائمهٔ طاهرین و حفظه را و اگر قصد

جمیع ملئکه کند بهتر است و بگوشهٔ چشم بطرف راست اشاره کند
اگر منفرد نماز کند و اگر بجماعت نماز کند و در طرف چپ او کسی باشد
یکمرتبه دیگر بجانب چپ سلام دهد و هریک از این دو دیگر برا در
خطاب شریک کنند و سلامی که بان نماز تمام شود سلام اخر است
انگاه سه تکبیر بگوید و در هریک دستها را تا محاذی گوش بلند کرد اند
بخش دویم در بیان فرایض یومیه و نوافل ان که مجموع پنجاه و یک
رکعت است هفده واجب و سی و چهار نوافل و از جمله نوافل هشت
رکعت نافلهٔ شب و دو رکعت نافله شفع و یکی وتر است که در باب پنجم
ذکر میشود و چهل و یک رکعت دیگر به تفصیل درین بخش بیان میشود ان
شاء الله تعالی **اول** چون از نماز وتر فارغ شوی دو رکعت نافلهٔ صبح
بکن و وقت ان از طلوع فجر اول است یعنی صبح کاذب تا بر امدن سرخی
جانب مشرق و پیش از فجر نتوان کرد و بعد از حمرهٔ مشرقی قضا باید
کرد و بخوان در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ کافرون و در ثانی سورهٔ
توحید و چون سلام دهی بخواب بر پهلوی راست رو بقبله و پایهای
خود را دراز کن و دست راست بر زیر رو بگذار و بگو استمسکت
بعروة الله الوثقی التی لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتین
و اعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم و من شر الجن و الانس
ربی الله ربی الله ربی الله امنت بالله توکلت علی الله لا حول و
لا قوة الا بالله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لکل شیء قدراً حسبی الله و نعم الوکیل اللهم من اصبح
و له حاجة الی مخلوق فان حاجتی و رغبتی الیک وحدک لا شریک
لک الحمد لله رب الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله ناشر
الارواح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل اللیل سکناً و الشمس

والقمر حسبانا ذلك تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد وال محمد
واجعل فی قلبی نورا وعلی لسانی نورا ومن بین یدی نورا ومن خلفی
نورا وعن یمینی نورا وعن شمالی نورا ومن فوقی نورا ومن تحتی نورا
واعظم لی نورا واجعل لی نورا امشی به فی الناس ولا تحرمنی نورک
یوم القیمة بعد از ان ایة الکرسی وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ
برب الناس وپنج ایه از اخر سوره ال عمران از ان فی خلق السموات و
الارض تا انک لا تخلف المیعاد بخوان پس بنشین وتسبیح فاطمه زهرا
علیها السلام کن وبعد از ان صد بار بگو سبحان ربی العظیم وبحمده
استغفر الله ربی واتوب الیه وهفت بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم پس دو سجده شکر کن وبگو در
انها انچه بخاطرت رسد از اذکار سجده وبعد از ان در سجده دعا کن
باین طریق از برای برادران مومن اللهم رب الفجر واللیالی العشر و
الشفع والوتر واللیل اذا یسر ورب کل شیء واله کل شیء وخالق
کل شیء وملیک کل شیء صل علی محمد واله وافعل بی وبفلان و
فلان ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانک اهل التقوی
واهل المغفرة وبجای فلان وفلان اسم برادران مومن را بگو پس
چون صبح صادق طلوع کند بگو اللهم انت صاحبنا فصل علی محمد
واله وافضل علینا اللهم بنعمتک تتم الصالحات فصل علی محمد و
اله واتممها علینا عائذا بالله من النار عائذا بالله من النار
عائذا بالله من النار پس اذان واقامه بروشی که مذکور شد بگو ودو
رکعت فریضه صبح را بادابی که گذشت بکن وبعد از ان تعقیبات را
بنهجی که ذکر میشود بخوان دو یم در بیان نماز ظهر متحقق شود اول بگوی
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا

ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا
چه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که این دعا را تعلیم
فرمود بمحمد بن مسلم وفرمود که حفظ کن این دعا را مانند حفظی که چشم خود
را میکنی پس اداب مقدمه نماز را بعمل اور ومشغول نافله ظهر شو
ودر دو رکعت اول نافله هفت تکبیر چنانچه مذکور شد بگوی ودر
رکعت اول بعد از حمد سوره توحید ودر ثانی بعد از حمد سوره جحد
بخوان وچون سلام دهی تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بکن وبخوان این
دعا را که بعد از هر دو رکعت از هشت رکعت نوافل ظهر خوانده میشود
اللهم انی ضعیف فقو فی رضاک ضعفی وخذ الی الخیر بناصیتی
واجعل الایمان منتهی رضای وبارک لی فیما قسمت لی وبلغنی
برحمتک کل الذی ارجو منک واجعل لی ودا وسرورا للمومنین و
عهدا عندک بعد از ان دو رکعت دیگر کن بهمین طریق یعنی تسبیح و
دعا را بعمل ار غیر از تکبیرات افتتاح وبعد از ان دو رکعت دیگر بکن مثل
ان وبعد از انکه شش رکعت نافله ظهر را ادا کردی اذان بگو وبعد از ان
دو رکعت دیگر را بهمان طریق بکن وبعد از اتمام نافله اقامه بگو بطریقی
که مذکور شد وفریضه ظهر را بعمل ار وبخوان تعقیباتی را که بعد از این
مذکور خواهد شد سیم در فریضه عصر ونوافل ان که ان نیز هشت
رکعت بچهار سلام بی تکبیرات افتتاح است ودر انها هر سوره که
خواهی بخوان وبعد از دو رکعت اول نافله بگوی اللهم انه لا اله
الا هو الحی القیوم العلی العظیم الحلیم الکریم الخالق الرازق المحیی
الممیت البدیء البدیع لک الحمد ولک المن ولک الکرم ولک
الجود ولک الامر وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا
من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد ولم یتخذ صاحبة

ولا ولدا صل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا ومطالب خود
را طلب نمای وبگو یا عدتی فی کربتی ویا صاحبی فی شدتی و
یا مونسی فی وحدتی ویا ولیی فی نعمتی ویا الهی واله ابائی ابرهیم
واسمعیل واسحق ویعقوب والاسباط ورب موسی وعیسی و
محمد واله علیه وعلیهم السلام صل علی محمد وال محمد وحاجتی که
داری بخواه وبعد از رکعت چهارم بگو اللهم رب السموات السبع
ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن وما تحتهن ورب العرش
العظیم ورب جبرئیل ومیکائیل واسرافیل ورب السبع المثانی والقرآن
العظیم ورب محمد خاتم النبیین صل علی محمد وال محمد واسئلک
باسمک العظیم الاعظم الذی به تقوم السموات والارض وبه تحیی
الموتی وترزق الاحیاء وتفرق بین المجتمع وتجمع بین المتفرق وبه
احصیت وزن الجبال وکیل البحار اسئلک یا من هو کذلک ان
تصلی علی محمد وال محمد وان تفعل بی کذا وکذا ودر لفظ کذا وکذا
مطلب خود را قصد کن وبعد از رکعت ششم بگو اللهم انی ادعوک بما
دعاک به عبدک یونس اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه
فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین فاستجبت له ونجیته من الغم فانه دعاک وهو عبدک
وانا ادعوک وانا عبدک وسئلک وهو عبدک وانا اسئلک
وانا عبدک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تستجیب لی کما استجبت
له وادعوک بما دعاک به عبدک ایوب اذ مسه الضر فدعاک
انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین فاستجبت له وکشفت ما به من
ضر وآتیته اهله ومثلهم معهم فانه دعاک وهو عبدک وانا
ادعوک وانا عبدک وسئلک وهو عبدک وانا اسئلک وانا عبدک

ان

ان تصلی علی محمد وال محمد وان تفرج عنی کما فرجت عنه وان تستجیب لی
کما استجبت له وادعوک بما دعاک به یوسف اذ فرقت بینه وبین
اهله اذ هو فی السجن فانه دعاک وهو عبدک وانا ادعوک وانا
ادعوک وسئلک وهو عبدک وانا اسئلک وانا عبدک ان تصلی
علی محمد وال محمد وان تفرج عنی کما فرجت عنه وان تستجیب لی کما
استجبت له فصل علی محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا ودر لفظ
کذا وکذا حاجت خود را بطلبد وبعد از رکعت هشتم بگوید دعای
یا من اظهر الجمیل را که در تعقیب نماز ظهر مذکور خواهد شد پس
بدستوری که مفصلا مذکور شد نماز عصر را بعمل آورده مشغول تعقیب
شود **چهارم در تعقیب مغربست** چون وقت مغرب شود نماز را با آداب
مذکوره بگذارد وبعد از سلام بخوان بعضی از تعقیبات را که قبل از حرکت
دادن پا باید خواند وچهار رکعت نافله مغرب را بدو سلام بگذارد و
همه تعقیبات نماز مغرب را بخوان ومستحب است که میان فریضه مغرب
ونافله آن حرف زده نشود چه در فقیه از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام مرویست که کسی که بگذارد مغرب را وبعد از آن تعقیب
بخواند وسخن نکند تا آنکه دو رکعت نماز بگذارد آن دو رکعت نوشته
شود برای او در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود برای
او حج مبرور یعنی مقبول پس چون برخیزد جهت نافله مغرب نخست
تکبیرات افتتاح را با ادعیه بخواند ودر رکعت اول نافله بعد از حمد
سه قل هو الله ودر رکعت ثانی بعد از حمد انا انزلناه واگر خواهد
در رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون ودر رکعت ثانی قل
هو الله بخواند وبهتر اینست که قراءت را در این نوافل بلند کند بلکه
در جمیع نوافل شب چنین کند وبعد از فراغ از دو رکعت بگوید اللهم

إنّك ترى ولا تُرى وأنت بالمنظر الأعلى وأنّ إليك الرجعى والمنتهى
وأنّ لك الممات والمحيى وأنّ لك الآخرة والأولى اللهمّ إنّا نعوذ
بك من أن نذلّ ونخزى و نأتي ما عنه نهى اللهمّ إنّي أسألك أن
تصلّي على محمّد وآل محمّد وأسألك الجنّة برحمتك وأستعيذ بك
من النار بقدرتك وأسألك من الحور العين بعزّتك وأن تجعل
أوسع رزقي في كبر سنّي وأحسن عملي عند اقتراب أجلي وأطل في
طاعتك وما يقرّب منك ويحظي عندك ويزلف لديك عمري
وأحسن في جميع أحوالي وأموري معرفتي ولا تكلني إلى أحد من
خلقك وتطوّل عليّ بقضاء جميع حوائجي في الدنيا والآخرة وابدأ
بوالديّ وولدي وجميع إخواني المؤمنين في جميع ما سألتك لنفسي
برحمتك يا أرحم الراحمين بعد از آن دو رکعت دیگر را بگذارد و بخواند
در رکعت اول بعد از حمد سوره حدید را تا وهو عليم بذات الصدور
و در رکعت دوم سوره حشر را از لو أنزلنا هذا القرآن تا آخر سوره
و در سجدهٔ آخر رکعت دوم هفت بار بگوید اللهمّ إنّي أسألك بوجهك
الكريم واسمك العظيم وملكك القديم أن تصلّي على محمّد وآل محمّد
وأن تغفر لي ذنبي العظيم إنّه لا يغفر الذنب العظيم إلّا العظيم
و سنّت است نافله گذاردن میان نماز مغرب و خفتن با آنچه توانند
چه ساعت ما بین این دو نماز را ساعت غفلت می‌نامند و در فقیه
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مذکور است که ابلیس علیه اللعنه
متفرق می‌سازد لشکر شب را از وقت غایب شدن آفتاب تا وقت غا
شدن شفق و متفرق می‌سازد لشکر روز را از وقت طلوع فجر تا طلوع
آفتاب و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که ذکر
خدای تعالی را بسیار کنید در این دو وقت و پناه برید در این دو وقت

بخدا و پناه دهید کودکان خود را در این دو ساعت غفلت بدرستی که
این دو ساعت ساعتهای غفلتند و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب
از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند نافله کنید در ساعت غفلت
اگرچه بدو رکعت خفیف باشد چه آن دو رکعت باعث دار کرامت است
یعنی بهشت گفته شد یا رسول الله کدام است ساعت غفلت فرمود
که ساعت میان مغرب و عشا پس باید که مشغول نماز غفیله شود و
کیفیت این نماز آنست که روایت کرده هشام بن سالم از امام جعفر
علیه السلام که هر که میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند
و بخواند در رکعت اول الحمد و این آیه را وذا النون إذ ذهب مغاضبا
فظنّ أن لن نقدر عليه فنادى في الظلمات أن لا إله إلّا أنت
سبحانك إنّي كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجّيناه من الغمّ
وكذلك ننجي المؤمنين و بخواند در رکعت دوم بعد از حمد این آیه را
وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها إلّا هو ويعلم ما في البرّ والبحر
وما تسقط من ورقة إلّا يعلمها ولا حبّة في ظلمات الأرض و
لا رطب ولا يابس إلّا في كتاب مبين بعد از آن در قنوت بگو اللهمّ
إنّي أسألك بمفاتح الغيب التي لا يعلمها إلّا أنت أن تصلّي على محمّد
وآل محمّد وأن تفعل بي كذا وكذا و بجای لفظ کذا و کذا حاجت
خود را قصد کند و بگوید اللهمّ أنت وليّ نعمتي والقادر على طلبتي
تعلم حاجتي فأسألك بحقّ محمّد وآله عليه وعليهم السلام لمّا قضيتها
لي و حاجت خود را طلب کند **پنجم فریضه خفتن است** چون وقت
عشا شود نماز خفتن را با آداب موصوفه سابقه بعمل آورده بعد از
خواندن تعقیبات آن نماز وتیره را که آن دو رکعت نشسته و بجا

یکرکعت بگذارد باین طریق که نخست تکبیرات را با ادعیه آن بجای
آورد و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا وقعه یا تبارک هر کدام
خواهی و در رکعت ثانی بعد از حمد سوره توحید بخوان و بعد از
سلام دعا کن بانچه خواهی که برآورده میشود ان شاء الله تعالی و نیز
جایز است این دو رکعت را ایستاده کردن اما مشهور انست که نشسته
باید کرد **مبحث سیم در ذکر بعضی افعال** که در اثنای نماز مجوز است و
مکروه و حرام نیست مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلام که در اثنا
نماز در هر مقامش هر چه دعا و مناجات و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله باشد توان کرد و از نماز خارج نباشد و هر کس
در اثنای نماز و هر فعلی از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید
صلی الله علی محمد و آل محمد آن فعل مضاعف نوشته شود و اگر در
اثنای نماز ذکر آن حضرت را بشنود و صلوات بفرستد ده حسنه
نوشته شود و هجده فرشته موکلند که هر کس در اثنای نماز صلوات
فرستد بجانب او شتابند تا هر کدام را نصیب باشد ثبت نمایند و
هر حاجت دنیا و اخرت در نماز توان خواست خصوصا در سجده
که بنده در سجده نزدیکتر است بخدای تعالی از جمیع احوال و گریه
کردن از ترس خدا و برای شوق جنت و خوف نار نور چشم مؤمن و افضل
اعمال است اما برای ذکر اموات خود نماز را قطع کند و در اثنای
نماز اگر عطسه کند یا عطسه دیگری بشنود حمد و صلوات فرستد
و اگر کسی بر او سلام کند جواب بگوید بهمان لفظی که او گفته مثل سلام
علیکم یا السلام علیک و آواز خود بلند نکند بلکه آهسته بگوید
و بجانب او بانگشت اشاره کند اما در ایات آمده که چون کسی در
نماز باشد بر او سلام مکنید **مبحث چهارم در فضیلت نماز جماعت**

و نماز در مسجد گذاردن و اداب آن و افعال مختصه بانها بدانکه سنت
موکد است نماز بجماعت گذاردن زیرا که یکرکعت با جماعت افضل
از بیست و چهار رکعت بدون جماعت و هر کس بمسجد برود برای
اینکه نماز بجماعت گذارد هر گامی که بر میدارد هفتاد هزار حسنه
برای او نوشته شود و هفتاد هزار سیئه محو گردد و اگر درین حال
بمیرد خدای تعالی هفتاد هزار فرشته بر او موکل کند که او را در قبر
عیادت کنند و بشارت دهند و با او موانست نمایند و برای او
استغفار کنند تا آنکه از قبر بیرون آید و بهترین صفوف صف اول
و بهترین مواضع آن جائیست که بامام نزدیکتر باشد و فضل جانب
راست هر صف بر جانب چپ مثل جماعت باشد بر انفراد و مرویست
که هر کس اواز اذان در مسجد بشنود و نماز نکرده بیرون اید منافق
باشد مگر اراده رجوع داشته باشد و مرویست که یک نماز در مسجد
جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله با بیست و پنج نماز و
در مسجد بازار با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود بر موضعی قدم
نگذارد مگر که آن موضع تا زمین هفتم برای او تسبیح کند و نماز سنت
در خانه خود گذاردن افضلست و نماز واجب در مسجد و فضایل
جماعت و مسجد زیاده از آن است که این صحیفه را حوصله ثبت آنها
باشد بنا بران بهمین قدر اکتفا شد **اما اداب نماز جماعت**
و آن دو قسم است یکی اداب متعلق بامام دویم اداب متعلق بماموم
و چون امام باداب خود اعرف است از آنکه درین مجموعه حاجت
بذکر باشد اکتفا بذکر ماموم نمود مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که اگر کسی نماز بانفراد کرده باشد بعد از آن جماعت
روده‌هد افضل اینست که اعاده کند که خدای تعالی هر کدام را که

دوست‌تر دارد بفریضه و آن دیگر را بنافله حساب کند و اگر دو رکعت
بانفراد گذارده باشد نیت نافله نموده یک رکعت دیگر با آن ضم کند و
سلام دهد و اگر ماموم یک مرد باشد در پهلوی راست امام بایستد
و اگر زن باشد در پشت سر بایستد بجانب راست و اگر یک مرد باشد
و زن خواه یکی و خواه بیشتر مرد در پهلوی راست و زن در عقب سر
بایستد و اگر زیاده از یک مرد باشد همه در عقب بایستد و اگر ماموم
در پهلوی امام ایستاده باشد و در اثنای نماز دیگری برسد یا
امام پیشتر رود یا ماموم پس آید و اگر این مرد آخر بعد از رکوع رکعت
آخر برسد نه امام پیش رود و نه ماموم پس آید بلکه در پشت سر
امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخواسته نماز خود را تمام
کند و میان امام و صف اول و همچنین میان هر دو صف فاصله
زیاده از آنکه سجده توان کرد نباشد و مرویست که اگر فاصله بیشتر
باشد آن امام برای ایشان امام نباشد و اهل هر صف دوش بدوش
بایستند و پیش و پس نباشند و در میان فرجه خالی نگذارند تا
شیطان بر ایشان دست نیابد و اگر در صف پیشتر موضعی خالی
بینند بروند تا آن موضع را بگیرند و اگرچه در اثنای نماز باشد و مرویست
که هیچ گامی پیش خدای تعالی دوستتر از گامی نیست که بر داری تا
صف خالی را پر کنی اما در اثنای نماز بصف عقب نتوان رفت
مگر آنکه جا تنگی کند که در صفوف پیش و پس هر جا وسعتی که آن
کند حرکت توان کرد و یک کس تنها در صف نایستد مگر آنکه در
صفوف جای خالی نیابد که در صفوف تنها تواند ایستاد اما چنان
بایستد که محاذی امام باشد و اگر امام در زمین پست بایستد و
مامومین در جای بلند مثل بام یا سکوئی بایستند جایز بود اما

عکس

عکس آن جایز نبود مگر آنکه زمین سرازیر باشد که بعضی موضعش بقدر
یک انگشت یا کمتر و یا بیشتر پست‌تر باشد که در صفوف جایز است
که امام در موضع بلند بایستد و میان امام و ماموم اگر پرده یا
دیواری فاصله باشد نماز ماموم جایز نباشد مگر کسی که در برابر
در باشد اما ستونهائی که در مسجد میان صفوف واقع میشود ضرر
ندارد و چون امام قراءت کند ماموم را جایز نباشد قراءت کردن
مرویست که اگر کسی با امامی که باو راضی باشد و اقتدا میکند قراءت
کند چون بمیرد بر غیر فطرت اسلام محشور شود بلکه اگر نماز اخفاتی
باشد ماموم برای خود ذکر کند و اگر جهری باشد و صدای امام بشنود
اگرچه همین همهمه را بشنود و کلمات را تمیز نکند گوش کند و اگر جهری
باشد و صدای امام حتی همهمه‌اش نرسد افضل اینست که ماموم خود
آهسته قراءت کند و اگر اکتفا بقراءت امام نیز کند مجزی بود و سایر
اذکار و افعال را خود بجای آورد و باید که در همه افعال قیام و قعود
و رکوع و سجود تابع امام باشد پیشتر نکند و بیشتر سر بر ندارد مگر
در تشهد که اگر امام تشهد را طول دهد و ماموم را ضروری باشد
تواند که پیش از امام سلام دهد و برود و ماموم باید که ادعیه و اذکار
را آهسته گوید و صدای خود را بامام نرساند و چون امام از قراءت
حمد فارغ شود و همچنین چون بعد از رکوع سمع الله لمن حمده گوید
ماموم بگوید الحمد لله رب العالمین و ماموم سمع الله لمن حمده نگوید
و اگر ماموم در اثنای نماز با امام برسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز
شود هر جای نماز که باشد پس اگر رکوع را با امام دریابد آن رکعت را
حساب کند و اگر بعد از رکوع امام بسجود یا تشهد داخل شود آن
فعل را با امام بجای آورد و اگرچه سجده آخر یا تشهد آخر نماز باشد

که فضل جماعت را آن در یابد اما اثر آن رکعت حساب نکند و آن زیادتی بنمازش ضرر نکند و چون امام سلام دهد او سلام نداده برخیزد و هرچه از نمازش مانده تمام کند و اگر سهواً سلام دهد ضرر ندارد برخیزد و نماز را تمام کند اگرچه بعد از سلام حرف زند چون سلامش از روی سهو شده باشد ضرر ندارد و بعد از نماز سجدهٔ سهو کند اگر تکبیر رکوع را از امام نشنیده باشد احتیاط اینست که در آن رکوع داخل نشود بلکه چون امام سر بردارد داخل شود و هرگاه امام تشهد خواند او نیز بخواند اگرچه موضع تشهد خودش نباشد که تشهد برکت است اما در این صورت بر سر پا بنشیند و دست بر زمین نگذارد و چون موضع تشهد خودش رسد نشسته تشهد بخواند و زود برخیزد تا با امام ملحق شود و اگر در رکعت دویم امام برسد با امام قنوت بخواند و همین قنوت از قنوت خودش مجزی بود و اگر رکعت سیم و چهارم امام اول و دویم او باشد پس اگر امام تسبیح گوید او خود حمد و سوره بخواند و اگر امام رکوع کند و فرصت سوره خواندن نشود همان الحمد تنها مجزی بود اما اگر امام قراءت کند و نماز اخفاتی باشد او قراءت نکند و اگر جهری باشد چون قراءت امام را نمی شنود خود قراءت کند و اگر کسی از دور رسد و ببیند که امام در رکوع است یا برکوع میرود و نرسد که تا بصف رسیدن امام سر بردارد و در همان جا که باشد رکوع کند و اگر خواهد سجود نیز بکند بعد از آن برخاسته بصف ملحق شود پس اگر ایستاده باشد بایستد و اگر نشسته باشد بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع بردارد مأموم سر برداره باز سر را بگذارد تا با امام بردارد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت و ازدحام سجود

سجود نتواند کرد تا آنکه امام داخل رکعت دیگر شود در این رکعت با امام رکوع نکند و به نیت رکعت سابق سجود با امام کند که آن رکوع با این سجود مجموع یک رکعت شود و اگر سجده به نیت همین رکعت کرده باشد این سجده هیچ رکعت حساب نمیشود بلکه سجدهٔ دیگر به نیت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر بسبب ازدحام رکوع نیز از او فوت شود تنها رکوع و سجود کند بعد از آن با امام ملحق شود و اگر در نماز جمعه یک رکعت را با امام در یابد چون امام سلام دهد یک رکعت دیگر را تنها بگذارد ولی اگر بعد از رکوع آخر با امام رسد چهار رکعت نماز ظهر بگذارد **بیان پنجم در بیان نماز مسافر** بدانکه واجبست بر مسافر که هر یک از نماز ظهر و عشا را دو رکعت بگذارد بشرط آنکه سفر معصیت نباشد و قصد مسافت داشته باشد و بحد ترخص رسیده و سفر او نیز وقت نماز را فرو گرفته باشد و کثیر السفر نباشد و در اثنای سفر بوطن خود یا در هر موضعی که در آن ملکی داشته باشد و شش ماه توطن کرده باشد یا بیکی از مواضع مشرفه که آن مسجد مکه و مسجد مدینه و مسجد کوفه و حایر حضرت امام حسین علیه السلام نرسیده باشد **اما سفری** که قصر نماز باید کرد بر چند قسم است یا آن سفر واجبست مثل سفر حج یا مندوب است مثل سفر زیارت ائمهٔ طاهرین علیهم السلام یا مباح است مثل سفر تجارت و غیره بشرط آنکه آن تجارت مباح باشد نه آنکه حرام باشد مثل تجارت خمر و آلات قمار و غیره **اما سفر معصیت** مثل آنکه غلامی از مولای خود بگریزد یا کسی از برای لهو و لعب بشکاری رود و یا مقصود او امر حرامی باشد مثل راه زنی یا قتل مؤمنی و امثال آن پس قصر نماز در این اسفار جایز نیست **اما مسافت** پس باید که سفر او بقدر مسافت بوده و قصد آن را داشته باشد و مسافت بنا بر مشهور هشت

فرسخ شرعیست اگر در آن روز یا در آن شب مراجعت نکند و چهار فرسخ
است بشرط مراجعت در همان روز یا در همان شب و مشهور میان
علما آنست که فرسخی سه میل است و میلی چهار هزار گز بگز دست
پس هرگاه کسی قصد مسافت نکند او را قصر جایز نباشد و اگر کسی بطلب
گم شده یا گریخته حرکت کند بشرط آنکه هر جا بیابد مراجعت کند در این
صورت آنکس را قصر کردن نماز جایز نیست هر چند از هشت فرسخ شرعی
بیشتر بطلب آنها رفته باشد اما در وقت رجوع و بازگشت قصر کند اگر
میانه او و محل سکنی هشت فرسخ شرعی یا بیشتر باشد **اما آنکه** بحد
ترخص رسیده باشد یعنی از موضع اقامت خود آنقدر دور شده باشد
که صدای اذان را نشنود و دیوارهای شهر را تمیز نکند آنقدر را حد
ترخص میگویند و تا بآنقدار نرسد قصر نمیتوان کرد **اما آنکه** سفر
وقت نماز را فرو گرفته باشد پس اگر بعد از آنکه از اول وقت
مقدار طهارت و نماز تمام گذشته باشد در این صورت اقوی میان
علما آنست که نماز را تمام میکند و همچنین اگر از سفر مراجعت نماید
و بوطن خود داخل شود و از وقت بقدر یک رکعت یا بیشتر مانده باشد
بنابر اقوی نماز را اتمام کند **اما آنکه** کثیر السفر نباشد آنست که در عرف
اطلاق این اسم باو کنند مثل مکاری و ملاح و بعضی از علما برآنند که
مسافر را وقتی اطلاق کثیر السفر مینمایند که سه سفر متوالی کند و در ما
بین این سه سفر ده روز بقصد توقف در جائی نایستد پس مادام که
کثیر السفر باشد قصر نماز نمیتوان کرد و **اما آنکه** در اثنای نماز بوطن خود
یا موضعی که در آن ملکی داشته باشد و شش ماه در آنجا توطن کرده باشد
یا یکی از مواضع مشرفه چهارگونه که مذکور شد نرسیده باشد پس اگر
در اثنای سفر یکی از آن مکانها و موضعها برسد نماز را تمام کند و قصر

جایز نیست هر چند که زیاده از یک روز قصد ماندن نداشته باشد و
همچنین هرگاه قصد ماندن ده روز در مکانی کند در اثنای سفر نماز را
تمام میکند **اما اگر** در اثنای سفر یکی از مواضع مشرفه که مذکور شد
رسد مخیر است در قصر و اتمام و اگر تمام کند ثواب بیشتر است و ظاهر
کلام سید مرتضی و ابن جنید رحمهما الله آنست که حکم قصر در جمیع اماکن
مشرفه جاریست و ابن بابویه علیه الرحمه نیز در مواضع مشرفه اربعه
قصر را واجب میداند و مشهور میان علما قول اولست و روایت شده
که مسافر بعد از هر نمازی که قصر میکند تسبیحات اربعه را که مذکور شد
سی مرتبه بخواند که نمازش تمام میشود و از جمله سی و چهار رکعت نوافل
یومیه هشت رکعت نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر ساقط
و باقی نوافل در سفر و حضر مساویست و میتوان کرد و هرگاه وقت
ظهر داخل شود و نافله کرده مسافر شود مستحب است که آن نافله را
قضا کند هر چند در سفر باشد **بحث ششم در احکام سهو و شک**
و عروض بعضی حوادث در نماز اما احکام سهو و شک بدانکه احادیث
اهل بیت طاهرین علیهم السلام و اقوال علمای کرام در این احکام
اختلاف تمام دارد و ان شاء الله تعالی آنچه باصول احادیث اقرب
و باحتیاط اقرب باشد در این بحث بیان میشود و قبل از شروع در
مطلب شرح این الفاظ نموده گفته میشود که سهو آنست که یقین داند
که چیزی را زیاد یا کم کرده و شک آنست که خاطر مردد باشد میان
دو چیز یا بیشتر بوضعی که هیچکدام را بر دیگری ترجیح نتواند داد و ظن
آنست که بعضی را رجحان دهد و گمانش بآن بیشتر باشد اما یقین نداند
و ظن در جمیع احکامی که مذکور خواهد شد حکم یقین دارد باین معنی
که هر جا یقین داشته باشد که چه باید کرد اگر ظن داشته باشد همان

کند چون این جمله را دانستی بدانکه سهو و شک در نماز یا متعلق است
بعدد رکعات یا باجزا اما اگر در عدد رکعات باشد پس اگر یک رکعت
یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز دو رکعتی باشد یا بیشتر اگر
هنوز روی از قبله نگردانیده همانچه نقصان شده بجا بیاورد تا نماز
او تمام شود اگرچه فاصله بسیار شده باشد و اگرچه حرف زده باشد
یا حدثی کرده باشد اما اگر حرف زده باشد بعد از نماز سجده سهو کند
و اگر حدثی کرده باشد وضو سازد و اگر رو از قبله گردانیده باشد
احتیاط اینست که نماز را اعاده کند و اگر یک رکعت یا بیشتر در نماز
یقین داند که زیاده شده هر نمازی که باشد پس اگر در دو رکعتی سلام
بایست داد و تشهد خوانده باشد نمازش تمام بود و چیزی بر او
لازم نباشد و این زیادتی اگر یک رکعت باشد اگر خواهد یک رکعت دیگر
بان ضم کند تا نافله شود و اگر در آن رکعت تشهد نخوانده باشد بلکه
رکعت زیادتی را با اصل نماز متصل کرده باشد نماز را اعاده کند و
اگر نداند که تشهد خوانده یا نه بنشیند و تشهد و سلام بگوید بعد از آن
دو رکعت نشسته بگذارد و این رکعت زاید تا نافله شود و این شقوق
در صور نیست که سهو بعد از تمام رکعت زاید بخاطر برسد اما اگر
در میان دو سجده بخاطر رسد احتیاط اینست که باین تفصیل عمل
نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن بخاطر رسد سلام دهد و احتیاطا
سجده سهو کند و اگر شک کند که نماز کم یا زیاد شده یا شک کند که
تمام یا کم یا زیاد شده و هیچکدام را یقین نداند سلام دهد و سجده
سهو کند و اگر در نماز دو رکعتی و خواه سه رکعتی و خواه جمعه و خواه
نماز سفر و همچنین در نماز شام و دو رکعت اول نماز چهار رکعتی شک
کند بوضعی که یقین نداند که دو رکعت تمام گذارده یا نه افضل و اقرب

باحتیاط اینست که نماز را اعاده کند اما اگر در نماز چهار رکعتی دو
رکعت تمام یقین داند و شک کند میان دو و سه باین معنی که رکعت
تمام شده نداند که دویم بود یا سیم یا میان سه و چهار یا میان دو و
چهار یا میان دو و سه و چهار شک کند بنا بر اکثر گذارد و چهار
رکعت تمام کند و سلام دهد بعد از آن اگر شک میان دو و سه یا
میان دو و چهار باشد دو رکعت احتیاط ایستاده بگذارد و اگر میان
سه و چهار باشد دو رکعت نشسته بگذارد و اگر میان دو و سه و
چهار باشد دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بگذارد پس اگر
نماز تمام باشد رکعتهای احتیاط نافله حساب شود و اگر کم باشد برکعت
احتیاط تمام شود و در رکعتهای احتیاط هم تکبیر احرام بگوید و الحمد تنها
بخواند و در هیچکدام ازین شقوق سجده سهو نباید کرد و اگر سهو و شک
در افعال نماز باشد پس در فعلی که سهو و شک کند و محل آن فعل
نگذشته باشد آن فعل را بجا آورد و اگر بعد از آن بخاطر رسد که آن
فعل را کرده بود این زیادتی ضرر نکند و هیچ بر او نباشد و محل تکبیر احرام
تا وقتیست که شروع در قراءت کند و محل قراءت و قنوت تا وقتی که
برای رکوع دستها بزانو رسد و اگر هنوز دست بزانو نرسیده باشد
اگرچه خم شده باشد محل باقی بود و محل رکوع تا آنکه برای سجود سر بزمین
شود اگرچه هنوز سر بسجده نرسیده باشد و محل سجود و تشهد در سهو
تا آنکه در رکعت دیگر برکوع رود و اگرچه قراءت و قنوت کرده باشد
و در شک تا آنکه راست بایستد اگرچه شروع بقراءت نکرده باشد
و اگر محل فعل گذشته شک اعتبار ندارد همچنانکه هست نماز را
تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسد حکم سهو دارد چنانکه بیان
میشود اما اگر سهو کرده باشد و بعد از گذشتن محل بخاطر رسد پس

اگر سهو در نیت یا تکبیر احرام یا رکوع یا در دو سجده با هم در یک رکعت
کند نماز را اعاده کند و اگر در قراءت حمد یا سوره یا هر دو باشد و
بعد از رکوع بخاطر رسد نماز صحیح بود و تلافی ندارد و اگر بعد از
سوره پیش از رکوع بخاطر رسد که حمد نخوانده بخواند و ظاهر اینست
که بعد از آن سوره را اعاده باید کرد و اگر کلمه یا آیه از سوره فراموش
کند پس اگر خواهد همان نخوانده اکتفا نماید و اگر خواهد آنرا که
فراموش کرده در میان بگذارد و باقی را تمام کند و اگر خواهد رجوع
بسوره دیگر کند هر سه شق درست باشد و اگر قنوت را فراموش کند
بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده نباید کرد و اگر بعد از نماز بخاطر
رسد اگرچه از جای خود برخاسته و رفته باشد هر جا که بخاطر رسد
رو بقبله نموده قنوت بخواند و اگر در رکعتی یک سجده را تنها سهو کند
و محلش گذشته باشد آن سجده را قضا کند و اگر تشهد را سهو کند در
رکعت دوم بعد از نماز سجده سهو کند و ظاهر احادیث اینست که همین
تشهدی که در سجده خوانده میشود کافی باشد محتاج بقضای تشهد
دیگر نباشد اگرچه اکثر علما قضا را واجب دانسته اند و اگر تشهد
رکعت آخر را سهو کند در همان مکان اگر نزدیک باشد و اگر نه در
مکان تا کی هر جا باشد نشسته تشهد بخواند در این صورت سجده سهو
نباید کرد و اگر در اثنای کلمه سهواً غیر ذکر و دعا بگوید سجده سهو بکند
اما اگر در سایر افعال نماز مثل ذکر رکوع و سجود و سلام و غیر آن اگر
سهو شود حکمی ندارد و نماز صحیح بود و در روایت دیگر آمده که هر زیاده
و نقصان که در نماز شود مثل نشستن و برخاستن و قراءت کردن
و غیر آن سجده سهو کند و این روایت اگرچه ضعیف است اما چون
صریح معارضی ندارد اگر بآن عمل نمایند قصوری ندارد و اما اینکه

در میان

در میان مشهور گشته که زیادی و نقصان در رکن سهواً و عمداً مبطل نماز
و موجب اعاده است اصلش در احادیث و اخبار اهل بیت علیهم السلام
معلوم نیست بلکه حقیقت آن بر وجه موافقت اخبار و در غایت احتیاط
بنحویست که بتفصیل مذکور شد والله اعلم بالصواب و اگر مسافر نماز
را عمداً تمام کند پس اگر ندانسته باشد که قصر واجبست نمازش صحیح
بود و اگر دانسته باشد اعاده کند خواه وقت باقی باشد خواه نه و اگر
سهواً تمام کند پس اگر وقت باشد اعاده کند و اگر گذشته باشد صحیح
بود و در نوافل و رکعات احتیاط سهو و شک اعتبار ندارد و در آن سجده
سهو و رکعت احتیاط نباشد و همچنین کسی که شک بسیار کند التفات بآن
نکند و اکثر را شک کرده درست حساب کند اگرچه وقت باقی باشد
مرویست که شک از شیطانست و شیطان خبیث را بخود راه مدهید
و بوسوسه خود عادت مدهید که هر چند اطاعتش بیشتر کنید بیشتر جرأت
کند و وسوسه نماید و چون ببیند که مخالفتش میکنید و اطاعتش نمیکنید
دست از شما برمیدارد و کسی از بسیاری شک بخدمت حضرت رسول
صلی الله علیه و آله شکایت نمود فرمود چون داخل نماز شوی بانگشت
شهادت دست راست ران راست را بیفشار و بگو که بسم الله و بالله
و توکلت علی الله اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
شیطان دور شود و از وسوسه ایمن گردی و کسی دیگر بحضرت امام
جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سهو در نماز حضرت فرمود
که در نماز مغرب بعد از حمد سوره توحید و سوره کافرون بخوان چنان
کرد نجات یافت و کیفیت سجده سهو چنانست که دو سجده کند و در هر
سجده بگوید که بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آل محمد یا بگوید
که السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و بعد از هر دو

سجده تشهد خفیفی باینطریق بخواند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلام دهد و اگر امام باشد چون سر بسجده گذارد و چون بردارد تکبیر بگوید تا ماموم بداند که سهو کرده و وقت سجده سهو بعد از نماز است بیفاصله پیش از حرف زدن و اگر فراموش کند هر گاه بخاطر رسد و اما احکام حوادث در نماز اگر در اثنای نماز حدثی ناقض شود که وضو را باطل کند یا خون از بینی یا عضو دیگر آید یا فی ابد پس اگر بی آنکه عمداً حرف زند یا بتمام بدن رو از قبله بگرداند نماز را از سر گیرد و اگر در بین عرض سهواً حرف زند سجده سهو کند و از سر باید گرفت و اگر خون کم باشد و جاری نشود و محتاج شستن نشود بلکه بخرقه یا چیز دیگر پاک کند و نماز را اتمام کند

	ایستاده پیش از رکوع	در اثنای رکوع	بعد از رکوع پیش از سجود	در اثنای سجود	بعد از سجود	
شک میان دو و سه	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بگذارد بر سه و تمام بکند نماز را و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت نشسته یا یک رکعت ایستاده
شک میان دو و چهار	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بگذارد بر چهار و تشهد بخواند و سلام بدهد و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده
شک میان سه و چهار	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	پس بنا بگذارد بر چهار و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند [illegible] ایستاده
شک میان دو و سه و چهار	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بگذارد بر چهار و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
شک میان دو و پنج	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
شک میان سه و پنج	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	پس بنا بگذارد بر پنج و منهدم بسازد قیام را و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند یک رکعت ایستاده و سجده سهو
شک میان دو و سه و پنج	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
	ایستاده پیش از رکوع	در اثنای رکوع	بعد از رکوع پیش از سجود	در اثنای سجود	بعد از سجود	
شک میان چهار و پنج	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	اما قبل از رکوع بنا بر چهار بگذارد و قیام را منهدم بسازد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته و سجده سهو و بعد از سجود بنا بر چهار
شک میان دو و چهار و پنج	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بگذارد بر چهار و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و دو سجده سهو
شک میان سه و چهار و پنج	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	
شک میان دو و سه و چهار و پنج	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بگذارد بر چهار و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و دو سجده سهو
شک میان دو و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
شک میان چهار و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
شک میان چهار و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بگذارد بر چهار و تشهد بخواند و سلام بگوید و سجده سهو بکند

65

	ایستاده پیش از رکوع	در اثنای رکوع	بعد از رکوع پیش از سجود	در اثنای سجود	بعد از سجود	
شک میان پنج و شش	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	پس بنا بر پنج [illegible] تشهد بخواند و سلام بگوید و سجده سهو بکند
شک میان دو و سه و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
شک میان دو و چهار و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بر چهار بگذارد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و دو سجده
شک میان دو و پنج و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
شک میان سه و چهار و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بر چهار بگذارد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته و سجده سهوی
شک میان سه و پنج و شش	صحیح	باطل	باطل	باطل	باطل	پس بنا بر پنج بگذارد و قیام را منهدم بسازد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده که احتمال [illegible] سه باشد و سجده سهو بکند
	ایستاده قبل از رکوع	در اثنای رکوع	بعد از رکوع	در اثنای سجود	بعد از سجود	
شک میان چهار و پنج و شش	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	اما قبل از رکوع بنا بگذارد بر چهار و منهدم بسازد قیام را و تشهد بخواند و سلام بگوید احتیاط بکند یک رکعت ایستاده که احتمال دارد که چهار باشد و سجده سهو بکند و اما بعد از سجود بنا بر چهار
شک میان دو و سه و چهار و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بر چهار بگذارد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته و سجده
شک میان دو و سه و پنج و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	باطل	
شک میان دو و چهار و پنج و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا بر چهار بگذارد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و سجده سهو
شک میان سه و چهار و پنج و شش	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	قبل از رکوع بنا بر پنج بگذارد و منهدم بسازد قیام و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته و سجده سهو و بعد از سجود پس بنا بگذارد
شک میان دو و سه و چهار و پنج و شش	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	پس بنا را بر چهار بگذارد و تشهد بخواند و سلام بگوید و احتیاط بکند دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته و سجده

بحث هفتم در نمازهای مفروضه غیر یومیه بدانکه مفروضه غیر یومیه که حاصل شود سبب وجود آن در شرع بر سه قسم است **اول** نماز آیات و عیدین و نماز جمعه است بشرط محقق شدن وجوب آن در ایام غیبت امام علیه السلام و نماز طواف **دویم** نماز اموات

است **بیستم** نمازی که واجب کرده‌اند کسی بر خود بنذر و عهد و درین
بیست آداب نماز آیات ذکر میشود و نماز عیدین در طی اعمال هر یک
از عید قربان و رمضان و نماز اموات در باب متعلقه بآن ذکر
میشود و آداب نماز جمعه را امام بآن اعرفست از آنکه درین مجموعه
حاجت بذکر آن باشد و طریق نماز نذر و عهد بهر طریقیست که بر
خود لازم ساخته باشد بشرط آنکه نذر مشروع باشد تا نذر منعقد
گردد **اما نماز آیات** بدانکه این نماز واجب است نزد کسوف آفتاب
و خسوف ماه خواه قرص تمام بگیرد و خواه بعض و زلزله هرگاه زمین
بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث شود که موجب
خوف اکثر مردم شود این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار
شدید که برخلاف عادت باشد خواه رنگین باشد و خواه نباشد و
صاعقهای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال
آنها و این قول اقوی است و این نماز دو رکعتست بده رکوع و یک
تشهد و سلام باین کیفیت که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه
گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا اگر وقتش باشد و قضا اگر در غیر
وقت باشد از برای آنکه واجبست قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید
و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و بدستور یک
حمد و سوره بخواند و رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آید و هر بار که
برکوع رود و هر بار که سر بردارد تکبیر بگوید و بعد از رکوع سمع الله
لمن حمده باید گفت و چون بسجده رود تکبیر بگوید پس برخیزد و یک
رکعت دیگر بدستور رکعت اول بجای آورد و اگر در رکوع اول بعد از
حمد بعضی از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی
سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق

کند

کند بر رکوعها یک حمد که در رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین
در رکعت دویم بدستور رکعت اول بیک حمد و سوره چنین که تفریق
کند اکتفا می تواند کرد و بهتر آنست که بطریق اول بده حمد و ده سوره
بجای آورد اگر وقت تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف
ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای واشدن است
و اظهر نزد جمعی از محققین آنست که تا تماما منجلی نشود وقت باقیست
و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام
عمر اداست و اگر کسی نماز مذکور را ترک کند با حدوث یکی از اسباب
مذکوره مشهور میان علما آنست که قضا میکند مطلقا و جمعی گفته‌اند
که بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته
باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بیرون رود
مشهور میان اصحاب آنست که قضاء کسوفین واجب نیست مگر آنکه
تمام قرص گرفته باشد و جمعی فرموده‌اند که قضا واجبست مطلقا و قول
اول اقوی و ثانی احوط است و اگر تمام قرص گرفته باشد و خبردار شود
و در نماز تقصیر و مساهله کرده باشد بکفاره آن غسل کند و نماز را
قضا کند و اگر خبر نداشته غسل در کار نیست و مستحب است که این نماز
را بجماعت و در زیر آسمان که مسقف نباشد بجا آورند و طول دهند
بقدر زمان گرفتگی ماه یا آفتاب و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا
شده نباشد اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است و بعضی
واجب دانسته‌اند و مستحب است خواندن سورهای طولانی با وسعت
وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قراءت و مستحب است قنوت خواندن
پیش از رکوع دویم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر شک کند در
رکعات بنای کمتر گذارد و اگر در وقت زلزله مکرر این آیه را با دعای

آخر آن بخواند مناسب است إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا
وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا يَا
مَنْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ أَمْسِكْ عَنَّا السُّوءَ
إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **بخش ششم** در نمازهای مندوبه غیر یومیه
و آن بر دو قسم است **قسم اول** آنست که مخصوص بوقت معین است
قسم دویم آنست که مخصوص بوقت معین نیست و قسم اول بر چهار
نوع است **نوع اول** آنست که هر شب میتوان کرد و مشهور بنماز وصیت
و مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که وصیت میکنم
شما را بدو رکعت نماز در میان شام و خفتن در رکعت اول بعد از
الحمد اذا زلزلت سیزده بار و در رکعت دویم قل هو الله احد پانزده
بار که هر کس این نماز را در سالی یکبار بگذارد از جمله محسنین نوشته
شود و اگر در ماهی یکبار بگذارد از جمله مشفقین و اگر در هفته یکبار
بگذارد از جمله مصلین و اگر هر شب بگذارد در بهشت با من مزاحمت
کند و ثواب آنرا هیچکس نداند بجز خدای تعالی **نوع دویم** آنست که
هر روز کرده میشود چنانچه از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
روایت شده که هر کس چهار رکعت بگذارد در هر روز وقت زوال آفتاب
و بخواند در هر رکعت بعد از الحمد آیة الکرسی یکمرتبه حق تعالی نگاه
میدارد او را و اهل بیت او را و مال او را و دین و دنیای او را **نوع
سیم** آنست که در هر ماه کرده میشود **نوع چهارم** آنست که در
اول و آخر سال کرده میشود و این نوع در فصل سیم در باب یازدهم
در ضمن اعمال ماه و سال ذکر میشود **قسم دویم** که مخصوص بوقت
نیست بر دو وجه است **اول** آنست که از برای حاجتی و امر معینی
گذارده میشود مثل صلوة سیف قاطع از برای دفع دشمن و نماز

طلب رزق و نماز ادای دین و استخاره و غیره و هر یک از آن نمازها
در محل خود در ضمن ذکر اعمال آن مطلب نوشته میشود **دویم** آنست که
از برای زیادتی ثواب و بر آمدن هر حاجتی از حاجات دنیا و آخرت
هر وقت که کسی خواهد گذارده میشود چون نماز حضرت پیغمبر و
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و نماز جعفر طیار و غیره
نماز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سید ابن طاوس رحمه الله بسند معتبر
از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت
سؤال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود چرا غافلی از نماز حضرت
رسول راوی گفت آن نماز را تعلیم فرما حضرت فرمود که دو رکعت
نماز میکنی و در هر رکعت یکمرتبه حمد و پانزده مرتبه سوره قدر میخوانی
و در رکوع و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و سر برداشتن و در
سجده دویم و سر برداشتن در هر یک پانزده مرتبه سوره قدر را میخوانی
پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ میشوی میان تو و خدای
تعالی گناهی نمیماند مگر آنکه آمرزیده شود و هر حاجتی که بطلبی روا شود
و بعد از آن این دعا میخوانی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا
الْأَوَّلِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلٰهَ إِلَّا
اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ
وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ
وَأَنْتَ قِيَامُ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْحَقُّ
وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَإِنْجَازُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ
حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ

بك خاضعٌ والیك خاشعٌ یا ربّ یا ربّ یا ربّ اغفر لی ما
قدّمتُ وما اخّرتُ واسررتُ واعلنتُ انت الٰهی لا اله الّا انت
صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ واغفر لی وارحمنی وتُب علیّ انّك انت
التوّاب الرّحیم **نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام** سیّد ابن طاوس و
شیخ طوسی رحمهما الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند
که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین را بجا آورد از گناهان
بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده و حاجتهای او برآورده
شود در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون
فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است سبحان من لا تبید
معالمه سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره
سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدّته سبحان
من لا یشارك احدًا فی امره سبحان من لا اله غیره **نماز حضرت
فاطمه صلوات الله علیها** سیّد ابن طاوس قدّس سرّه بسند معتبر از
حضرت بحق ناطق امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که
فرمود مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل علیه السلام
تعلیم او کرده بود در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و
در دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام می‌گفت
این دعا را میخواند که تسبیح آنحضرت است سبحان ذی العزّ الشّامخ
المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملك الفاخر
القدیم سبحان ذی البهجة والجمال سبحان من تردّی بالنّور والوقار
سبحان من یری اثر النّمل فی الصّفا سبحان من یری وقع الطّیر فی الهوا
سبحان من هو هکذا لا هکذا غیره و سیّد گفته که در روایت دیگر آمده
که بعد از این نماز تسبیح مشهور آنحضرت را که بعد از هر نماز خوانده میشود

بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح
این نماز را روایت کرده و گفته که چون سلام بگوئی تسبیح مشهور حضرت
فاطمه را با این دعا که مذکور شد بخوان و گفته است که سزاوار است برای
کسی که این نماز را بکند که چون از نماز و خواندن این دعا فارغ شود
زانوها و بازوهای خود را برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه
را بخاك رساند بوضعی که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات
خود را طلب نماید و در سجده این دعا را بخواند یا من لیس غیره ربٌّ
یُدعی یا من لیس فوقه اله یُخشی یا من لیس دونه ملكٌ یُتّقی یا من
لیس له وزیرٌ یُؤتی یا من لیس له حاجبٌ یُرشی یا من لیس له بوّابٌ
یُغشی یا من لا یزداد علی کثرة السّؤال الّا کرمًا وجودًا وعلی کثرة
الذّنوب الّا عفوًا وصفحًا صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وافعل بی کذا و
کذا و بجای لفظ کذا حاجتهای خود را ذکر کن **نماز جعفر طیّار** بسند
معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که چون جعفر
ابن ابی طالب برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از هجرت حبشه
مراجعت نمود در روزی رسید که فتح خیبر بدست حضرت امیر المؤمنین
شده بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله باستقبال او شتافت و
بعد از ملاقات او را در بر گرفت و ساعتی با او سخن کرد پس بر ناقه
غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون با هم براه افتاد
حضرت فرمود ای جعفر ای برادر میخواهی که بخشش بزرگی کنم بتو و
عطیه گرانبهائی بتو دهم و ترا برگزینم مردمان گمان کردند که مال جزیلی
از غنائم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر عرض کرد که بلی پدر و مادرم
فدای تو باد پس حضرت رسالت صلی الله علیه و آله این نماز را باو
تعلیم فرمود اگر این نماز را هر روز یا هر شب یا هر هفته یا هر ماه یا هر

سال یا هر وقتی که خواهی بکنی گناهی که در بین میانه کرده باشی همه آمرزیده
شود و هر که این نماز را بگذارد گناهانش آمرزیده شود اگر چه مثل ریگ
بیابان و کف دریاها باشد و دوازده هزار حسنه برایش نویسند که
کمتر آنها مثل کوه احد باشد و آن چهار رکعت است بدو سلام در رکعت
اول بعد از حمد اذا زلزله و در دوم اذا جاء و در سوم انا انزلناه و
در چهارم قل هو الله احد بخواند و در روایت دیگر در دوم و العادیات
و در سوم اذا جاء وارد شده و در هر رکعت بعد از قراءت پانزده مرتبه
بگوید که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ
و در رکوع و بعد از رکوع ایستاده و در هر سجده و بعد از هر سجده نشسته
ده مرتبه این تسبیح را بگوید که در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه باشد
و در تمام نماز سیصد مرتبه و اگر خواهد این نماز را بگذارد و نوافل
شبانه روز حساب کند و اگر دو رکعت گذارده باشد که حاجتی یا چیزی
سانح شود برود و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگذارد و اگر شتابی
داشته باشد نماز را بی تسبیحات بگذارد و تسبیحات را بعد از آن بگوید
و مستحب است که در سجده آخر این نماز بعد از تسبیحات بگوید آنچه
کلینی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که
فرمود که بعد از سجده آخر نماز جعفر چون فارغ شوی از تسبیحات بگو
سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ
سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ
سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ
الْأَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الَّتِي صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
پس حاجت خود را ذکر کند و ایضا شیخ طوسی و سید بن طاوس از مفضل

بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت صادق علیه السلام
را که نماز جعفر بجای آوردند پس گفتند هر یک از یا رب یا رب یا رب
یا ربّاه و ربّ ربّ و یا الله یا الله و یا رحیم یا رحیم را بقدر یک
نفس وفا کند پس هفت بار یا رحمن یا رحمن و هفت بار یا ارحم
الراحمین گفتند پس این دعا خواندند که اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ
بِحَمْدِكَ وَأَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَأُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَجْدِكَ وَأُثْنِي
عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ وَأَمَدَ مَجْدِكَ وَأَنَّى لِخَلِيقَتِكَ
كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَأَيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً
بِمَجْدِكَ عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ أَرْضِكَ عَنْ
طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَوَاداً بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ
يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ پس حضرت علیه السلام
فرمود که ای مفضل هر گاه ترا حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر را
بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدای تعالی طلب کن که
بر آورده میشود ان شاء الله تعالی **بدانکه** این چهار نماز را در هر وقت
توان کرد و افضل اوقات آنها شب و روز جمعه و ماه مبارک رمضان است
که حسنات مضاعف میشوند **نماز اعرابی** نماز یست که حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله باعرابی عطا کرد و فرمود هر کس که روز جمعه این
نماز را بگذارد من برای او ضامن بهشت شوم و هنوز از جای خود بر
نخواسته باشد که گناهان او و والدینش همه آمرزیده شود و آن ده
رکعت است چون روز بلند شود اول دو رکعت بیک سلام بگذارد
و در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در دوم
قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه و بعد از سلام آیة الکرسی هفت
مرتبه بخواند بعد از آن هشت رکعت بدو سلام مثل نماز ظهر و عصر

در هر رکعت بعد از حمد اذا جاء یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج
بار بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد بار بگوید سبحان الله
رب العرش العظیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم باب
[illegible] در اداب داعی و آن مشتمل بر دو مطلب است مطلب اول
در فضیلت دعا و ترغیب بآن و باعث است بر آن عقل و نقل اما نقل
پس آن کتاب و سنت است اما کتاب پس در آن آیات بسیار است از
انجمله حق سبحانه و تعالی در قران مجید و فرقان حمید میفرماید که
قل ما یعبؤا بکم ربی لو لا دعاؤکم یعنی بگو ای محمد مردمان را که
چه وزن نهد خدای تعالی شما را یعنی چه قدر باشد شما را نزد خدا
تعالی اگر نه خواندن و نه دعا کردن شما باشد مر او را و ما حصل آیه
کریمه آنست که من نیافریدم شما را که مرا بشما حاجتی بود و لیکن از برای
آن بود که از من حاجت بخواهید و دعا بدرگاه من کنید تا حاجت شما
را روا کنم و شما را بیامرزم اگر چنین نکنید برای چه باشید و دیگر فرموده
که و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین یعنی فرموده است پروردگار شما که بخوانید
مرا تا اجابت کنم شما را بدرستی که آنان که سرکشی نمایند از عبادت
من زود باشد که در آیند بدوزخ بیچارگان و خوار شدگان پس دعا را
عبادت کردانیده و تکبر از آن را بمنزله کفر داشته و دیگر فرموده وادعوه
خوفا و طمعا یعنی بخوانید خدا را از بیم عذاب و امید ثواب او و دیگر
فرموده و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع
اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی لعلهم یرشدون یعنی هر گاه
سؤال کنند ترا بندگان من از من پس بدرستی که من نزدیکم و اجابت میکنم
دعای دعا کننده را هر گاه که بخواند مرا پس باید که دعا کنند مرا و حاجت

خود را از من بخواهند و باید که ثابت و راسخ باشند ایمانی را که بمن
آورده اند تا شاید ایشان راه یابند بطریق حق و بمطلب برسند بدانکه
این آیه دلالت میکند بر چند امر اول تعریض و تعلیمیست که حق
تعالی میفرماید مر بندگان خود را بسؤال او که و اذا سألک عبادی
عنی فانی قریب دویم غایت عنایت الهیست بمسارعت و شتاب
اجابت که جواب را موقوف نفرمود بر تبلیغ رسول بلکه فرمود که فانی
قریب و نفرمود که قل لهم فانی قریب سیم خروج این جواب بفا
فرمود که مقتضی تعقیب است بی فاصله چهارم تشریف فرمودن حق تعالی
بندگان را برد جواب بذات عالی خود تا تنبیه باشد باین بر کمال منزلت
دعا و شرف او و نزدوی و مکان و قدر آن از وی چنانچه ابو جعفر محمد
بن علی الباقر علیهما السلام فرموده که ملول مشو از دعا چه بدرستی
که آن از نزد حق تعالی قرب و منزلت تمام است پنجم دلالت میکند
این امر که خدای تعالی را مکان نیست که اگر او را مکان میبود نزدیک
نمیبود از هر که او را خواند پس دور و نزدیک او مساویست ششم
امر فرموده خدای تعالی بندگان را بدعا چنانچه فرموده که فلیستجیبوا
لی هفتم و لیؤمنوا بی چه حضرت صادق علیه السلام فرموده معنی
این آیه را که باید که محقق کردند و یقین بدانند که من قادرم و توانایم
بر عطا کردن آنچه از من طلب نموده اند پس امر فرموده ایشان را بقدر
اعتقاد ایشان قدرت او را بر اجابت دعای ایشان هشتم
بشارت دادن خدای تعالی است برشاد که طریق هدایت است
و مؤدی میگردد بمطلوب پس گوییا بشارت میدهد ایشان را باجابت
دعا و مانند اینست قول حضرت صادق علیه السلام که هر که اراده
کند چیزی را و آن از برای رضای خدا نباشد و خدا را در آن رضا نباشد

بیرون نرود از دنیا تا بدهد خدای تعالی تمنای او را و این حدیث را
نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز روایت کرده اند و دیگر
آنحضرت فرموده که هرگاه دعا کنی پس بدان که حاجت تو بر در است و
روا خواهد شد پس اگر گوئی میبینم بسیاری از مردم را که دعا میکنند
و حاجت خود را میخواهند از حق تعالی و اجابت نمیفرماید دعای
ایشان را پس چه باشد معنی قول جل و علا که اجیب دعوة الداع اذا دعان
جواب آن گفته اند که سبب منع اجابت اخلال بشروط است از طرف
سائل چه دعا را آداب و شروط است که ناچار است از آن چنانچه
ذکر خواهد شد ان شاء الله تعالی روایت کرده است عثمان بن عیسی از شخصی
که او روایت کرده از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که من گفتم آنحضرت
را که دو آیه است در کتاب الهی که طلب میکنم اثر او و نمی یابم آنرا فرمود
که کدام است آن دو آیه گفتم قول الهی که ادعونی استجب لکم پس بسا که ما
دعا میکنیم و نمی بینیم اثر اجابت را فرمود که هیچ میدانی و میابی که خدا
تعالی خلاف وعده خود کند گفتم نه فرمود که پس این چه تواند بود گفتم
نمیدانم فرمود که ولیکن من اخبار میکنم ترا کسی که اطاعت کند خدا را
در آنچه امر فرموده باین بعد از آن دعا کند او را از جهت دعا تا دعا
او را اجابت فرماید گفتم چه چیز است جهت دعا فرمود آنست که دعا را
ابتدا کنی بحمد الهی و یاد آوری نعمتهای نامتناهی او را پس شکر او را
بجا آوری پس صلوة بر محمد و آل او فرستی پس یاد کنی گناهان خود را
و اقرار بآن کنی و استغفار از آن نمائی پس اینست جهت دعا بعد از آن
فرمود که آیه دیگر کدام است گفتم قوله تعالی وما انفقتم من شیء فهو
یخلفه یعنی آنچه نفقه میکنید از چیزی که شما راست در راه خدا
تعالی پس خدای تعالی عوض میدهد و من نفقه میکنم و نمی بینم عوض را

فرمود که هیچ دیده که خلاف وعده خود کند گفتم نه فرمود که پس سبب
آن چیست گفتم نمیدانم فرمود که اگر یکی از شما حاصل کند مال
را از ممر حلال و نفقه نماید و صرف کند در راه حق تعالی عوض آن
بوی خواهد رسید چه هیچکس نباشد که انفاق کند درهمی را مگر
آنکه عوض آن بوی رسانند و آنکه نمی یابد آنست که سؤال کرده
چیزی را که صلاحی نیست مر او را در آن و در ضمن آن مفسده است مر
او را یا غیر او را چه هیچکس نباشد که دعا کند و بخواهد از حق تعالی
چیزی که حکمت بالغه اش تقاضای آن کند از چیزی که صلاح داعی
در آن باشد مگر که اجابت فرماید دعای او را و بر داعیست که این را
شرط کند بلسان یا قصد کند بجنان که البته اجابت میفرماید آنرا
اگر اقتضا کند مصلحت آن اجابت را یا تاخیر فرماید آنرا از برای او اگر
مصلحت تقاضای تاخیر کند چنانچه حق تعالی فرموده که و لو یعجل
الله للناس الشر استعجالهم بالخیر لقضی الیهم اجلهم یعنی اگر تعجیل
کند خدای تعالی برای مردمان باجابت دعای بد چنانچه شائق ایشان
است بسرعت اجابت دعای خیر هر آینه گذارده شود بسوی ایشان
اجل ایشان و هلاک شوند یعنی اگر ما دعای بد ایشانرا بزودی اجابت
کنیم چنانچه دعای خیر ایشانرا مستجاب میگردانیم ایشان زود هلاک شوند
و در دعای ائمه طاهرین ورود یافته که یا من لا تغیر حکمته الوسائل
یعنی آنکه تغییر نمیکند حکمت بالغه خود را بوسائل و چون علم عبد از
عبد منطویست و هر بنده نمیداند آنرا و با معارضه میکند عقل او را
قوای شهویه و عارض میگردد او را خیالات نفسانیه پس در امری
از چیزی که در او فساد است صلاح توهم میکند از برای خود پس طلب
میکند از حق تعالی آنرا و الحاح در سؤال بر آن مینماید پس اگر حق

تعالی تعجیل نماید اجابت او را و خواهش او را ابدا هذا الیته هلا لیتو
و این امریست ظاهر العیان مغنی از بیان و همچنین حق تعالی در جای
دیگر میفرماید و یدع الانسان بالشر دعاءه بالخیر و کان الانسان
عجولا یعنی دعا مینماید انسان و میخواند خدا را بچیزی که شر است از برای
او و پندارد که خیر است مثل دعا و خواندن خدا را بخیر و میباشد انسان
تعجیل کننده که نظر بعواقب امور خود نمی نماید و مؤید این قول حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام ورود یافته که رب امر حرص الانسان علیه
فلما ادرکه ود ان لم یکن ادرکه یعنی بسا امری که آدمی حریص است
بر آن پس چون یافت آنچیز را دوست میدارد و میخواهد که نباشد آن
که او یافته چنانچه نقل کرده اند که در بنی اسرائیل زن شومی بود بسوس
نام که بشوهر او خدای تعالی سه دعای مستجاب عطا کرده بود آن زن
گفت یکی از این دعاها را در حق من بکن تا خدا مرا جوان و صاحب جمال ترین
زنان بنی اسرائیل کرداند آن مرد دعا کرد زن جوان و صاحب جمال شد
و بعد از جوانی دیگر میل بشوهر خود ننمود و شروع در بغی و فساد نمود
شوهرش از اینمعنی دلتنگ شده دعا نمود که خدای تعالی او را مسخ کند
پس بدعای شوهر زن بصورت سگی شد اولاد و فرزندان او شروع
در جزع نمودند و التماس کردند که دعا کند که مادر ایشان بصورت
سابق خود عود نماید آن مرد دعا نمود زن بحال اول خود رجوع کرد
و بشامت آن زن هر سه دعای او ضایع شد پس اگر در این دعا تفویض
امر بخدای تعالی مینمود و بخاطر میگذرانید که خدای تعالی اجابت
دعای من مینماید اگر مصلحت مقتضی تاخیر نباشد و خود را راضی میکرد
بدانچه از برای او مقرر و مقدر بود دعوایش ضایع نخواهد شد
چه از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله مرویست که یا ابن عباس

گفت یا ابن عباس ارض عن الله بما قدر وان کان خلاف هواک یعنی راضی
شو از خدا بانچه بر تو قضا کند اگرچه خلاف خواهش تو باشد و مؤید این
است قول حق تعالی که و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان
تحبوا شیئا و هو شر لکم والله یعلم و انتم لا تعلمون یعنی و شاید که نخواهید
چیزی را و آن بهتر باشد از برای شما و شاید دوست دارید چیزی را و آن بد
تر بود مر شما را و خدای تعالی میداند صلاح و فساد حال شما را
و شما نمیدانید از این حق سبحانه و تعالی از وفور کرم و بسیاری نعم
خود اجابت میکند آنرا و این یا از جهت سابق مرحمت اوست چه پیشی
گرفته رحمت او بر غضبش و حق تعالی آفریده آدمی را برای رحمت و
عنایتی که بوی دارد و غرض از این نفع و راحت اوست نه مضرت و مشقت
او و او غنی و بی نیاز است از خلق و معاقبت و معاتبت او و یا میداند حق
تعالی که مقصود از برای بنده از دعای او صلاح حال اوست پس گویا
طلب او ظاهرا مقصود نیست مر او را مطلقا بلکه بشرط فایده و نفع
اوست مر او را این شرط مذکور حاصل است در نیت او و اگرچه نمیگوید
بزبان بلکه بخاطر او نیز خطور نمیکند در حالت دعا این شرط و او حکم
عجمی دارد که تعلیم و تلقین کند لفظ را و نداند معنی آنرا یا شنود لفظ را
و توهم کند که دانسته است آنرا پس از آن آنرا از عادی طلب کند که
قصد او را داند پس او آنچیز که مقصود سایل است بوی میدهد نه آنچه
دلالت کرده ظاهر لفظ او بر آن پس اینست معنی آنکه دعای ملحون را
قبول نمیکند خدای تعالی بر وجهی که ورود یافته در بعضی اخبار که
دعائی که در آن لحن باشد مقبول نیست پس اگر گوئی که ورود یافته
از حضرت جواد که ما استوی رجلان فی حسب و دین قط الا کان
افضلهما عند الله عز و جل ادبهما قال قلت جعلت فداک قد علمت

فضله عند الناس فی النادی و المجالس فما فضله عند الله عز و جل
قال بقراءة القرآن کما انزل و دعائه الله عز و جل من حیث لا یلحن
و ذلک ان الدعاء الملحون لا یصعد الی الله عز و جل یعنی مساوی
نیستند دو مرد در حسب و دین مگر که باشد افضل ایشان نزد خدای
عز و جل با ادب تر ایشان راوی گوید که گفتم فدای تو کردم میدانم فضل
او را نزد مردمان و در خواندن مجالس پس افضل و اعلم ایشان کیست نزد
خدای عز و جل فرمود بقراءت قرآن همچنانکه فرود آمده و دعای او
خدای عز و جل را بر وجهی که لحن نکند و این برای آنست که دعائی که در آن
لحن است بالا نمیرود بجانب حق تعالی و قریب باینست فرموده حضرت
صادق علیه السلام که نحن قوم فصحاء اذا رویتم عنا فاعربوها یعنی
ما جماعت فصحائیم هر گاه روایت کنید از ما پس اعراب درست بدهید
آنرا پس اگر مراد ازین دو حدیث آنست که دلالت دارد بر آن ظاهر آن
پس بسیاری را می بینیم از اجابت دعوات و روا شدن حاجات از
غیر معربات و بسیاری مشاهده میکنیم از اهل صلاح و ورع کسانی
را که امید باجابت دعای ایشان است و ایشان از نحو چیزی نمیدانند
و نیز هر گاه که دعای او مسموع و مقبول نباشد فایده در آن نخواهد بود
پس او مامور نباشد بدعا بجهت انتفای فایده آن در این هنگام و متوجه
نباشد امر بدعا مگر بدانایان علم نحو و حال آنکه تمام مردم از عالم و غیر
عالم مامورند بخواندن دعا و گاه هست که عالم نحوی نیز لحن و غلط
میکند در بعض ادعیه بسبب احتیاج آن ادعیه باضمار و تقدیر و
حذف و اشتغال او در حالت دعا بخشوع و توجه بجانب حق سبحانه
و تعالی مانع است از استحضار قواعد و قوانین نحو و همه این امور
خلاف مشاهده و ضد معلوم است که از اخبار و وصایای اهل بیت

علیهم السلام مفهوم میشود چه ایشان دلالت فرموده اند بر هر چیزی
که متعلق است بمصالح عباد و ذکر کرده اند در آن آداب دعا و شرایط
آن امور بسیاری که زود باشد که واقف شوی در این صحیفه و ایشان
ذکر نکرده اند اعراب را و معرفت نحو را در آن و هر گاه که مراد ازین دو
حدیث نه این باشد که مذکور شد پس معنی این دو حدیث چه باشد
بدانکه چون واقع خلاف آنست که دلالت میکند بر آن ظاهر این دو
خبر عدول کرده اند علما از آن بتاویل این دو حدیث بعضی گویند که
دعای ملحون آنست که آدمی دعای بد بر خود کند در حالت خشم و اضطرار
بچیزی که در آن باشد ضرر او و استشهاد برین قول الهیست که و لو
یعجل الله للناس الشر استعجالهم چنانچه مذکور شد و طایفه گویند
نفرین پدر است بر فرزند در حالتی که از او بخشم آمده باشد زیرا که
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از حق تعالی درخواسته که مستجاب
نکرداند دعای بدی را که دوست در باره دوست کند و بعضی دیگر
گویند دعائی بود که جامع شرایط و آداب نباشد و این هم از تحقیق
دور است زیرا که مقدمه خبر دلالت نمیکند بر این چه کلام ورود یافته
در معرض مدح نحو بلکه تحقیق آنست از خبر اول که مراد از فرموده
حضرت جواد علیه السلام که حق تعالی نمیشنود دعای ملحون را
یعنی نمیشنود بصفت لحن و مکافات و مجازات نمیدهد او را بر
آن در حالتی که جاریست بر لحن بآنچه دلالت میکند ظاهر لفظ
آن بر آن که لحن را منظور دارد و پاداش دهد بلکه جزا و پاداش میدهد
بر قصد داعی از دعائی که میکند زیرا که اگر حکم نمائیم باینکه جزا
داده میشود بآنچه از ظاهر دعای او فهم میشود در حالت لحن امر
بازنداد و وجوب تعذیر او باید نمود و مستحق آتش خواهد بود با آنکه

مرادش خلاف چیزیست که از ظاهر لفظ فهم میشود چنانچه بعضی از عوام
و مردم بسبب عدم دانش میگویند نزد زیارت معصومی که اَشهدُ
اَنَّکَ قَتَلْتَ وَ ظَلَمْتَ وَ غَصَبْتَ بفتح اول کلمه که فعل مبنی از برای
فاعل باشد و ظاهر این بد است زیرا که قتل و ظلم و غصب بوی نسبت
میکند بلکه امر بعکس است که بضم اول این کلمات معنی درست است
که این افعال مبنی از برای مفعول باشد یعنی تو مقتول کشتی و مظلوم
و مغصوب شدی و این معلوم است بضرورت که این دعا هرگاه که
شنیده شود از او در حالتی که جاریست بر لحن آن هر آینه حکم بارتداد
و وجوب تعذیر باید نمود و کسی بر این نرفته که او مرتد و واجب التعذیر
است پس دلالت کرد این بر انکه دعا جاری نیست بر ظاهر لفظ آن
هرگاه که مقصود از آن غیر آن باشد چه گفته اند که ما برون را نگریم و
قال را ما درون را بنگریم و حال را و دال است بر این اجماع فقهاء
اَعلی الله درجاتهم بر انکه آدمی اگر قذف کند دیگری را بلفظی که مفید
قذف نباشد در عرف قایل آن نه قذف است و بر آن عقوبت متوجه نیست
و اگرچه آن لفظ مفید قذف باشد در عرف غیر او پس معلوم شد
که اعراب الفاظ شرط در اجابت دعا و ترتب ثواب بر آن نیست بلکه
شرط است در تمامیت دعا فضیلت و کمال منزلت و علو مرتبت
او و آنچه حضرت جواد علیه السلام فرموده که دعا را ملحون نمیباید
کرد این نازل منزله مدح است و این برای آنست که دعا هرگاه ملحون
نباشد دلالت آن الفاظ بر معانی بغایت ظاهر خواهد بود و الفاظ
ظاهر الدلاله بر معانی افضل اند از الفاظ مأوّله و لهذا حقیقت
افضل است از مجاز و مبین اولی از مجمل و نیز آن افصح است و فصاحت
مطلوبست در دعا بتخصیص که منقول از ائمه علیهم السلام باشد تا

دلالت کند بر فصاحت منقول عنه و در آن اظهار کمال فضیلت معصوم
است و قول جواد علیه السلام که دعای ملحون را بجانب بالا نمیبرند
یعنی بسوی خدای تعالی چه حاضرند بر آن حفظه بچیزی که موجب
لحنست گاهی که تغییر کننده معنی باشد که تصحیح آن موافق نیت و مراد
او میکنند و رفع آن باسمان مینمایند و مؤید این آنست که روایت کرده
محمد بن یعقوب از علی بن ابرهیم و او از پدر خود و او از نوفلی و او
از سکونی رحمهم الله و او از ابی عبد الله علیه السلام که روایت میفرمایند
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله که مرد عجمی باشد از امت من که
قراءت کند قرآن را با الفاظ عجمیه پس ملئکه بالا برند آنرا بعربیه و
همچنین در ادعیه اهل بیت طاهرین علیهم السلام مییابیم بسیاری
از الفاظ و اسمائی که نمیدانیم معانی و اعراب آنرا پس از حق تعالی
درخواهیم بان الفاظ و اسماء حاجات خود را و نگفته کسی که مثل این
دعا هرگاه که معرب نباشد مردود است با آنکه فهم عامی از برای معانی
الفاظ ملحونه بیشتر است از فهم نحوی از برای معانی دعوات عربیه
که واقف نیست بر تفسیر آن و بر لغات آن بلکه مجرد اعراب آنرا میداند
و حق تعالی جزا میدهد او را بر قدر قصد و نیت او و ثواب عطا میفرماید
موافق نیت او چه از حضرت رسول صلی الله علیه و اله مرویست
که فرموده صحت اعمال بنیاتست و دیگر فرموده که نیت مؤمن بهتر است از
عمل او و نص است درین باب زیرا که جزا واقع میشود بر نیت پس منتفع
میشود بان داعی و اگر واقع گردد بر ظاهر هر آینه هلاک گردد مرد
آنحضرت فرموده که سین بلال نزد خدای تعالی شین است یعنی خدای
تعالی ثواب مترتب بکلمه طیبه اشهد ان لا اله الا الله را باو عطا
میفرماید روایت است که مردی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

۸۶

عرض کرد که امروز بلال بفلانی گفت و تشدید میکرد و لحن بسیار مینمود
در کلام خود و او فصیح و معرب میگفت و خنده میکرد بکفتن بلال آن
حضرت فرمود که ای بندهٔ خدا مراد از اعراب و راستی و درستی کلام
از برای نیکی و پاکی اعمال است فایده نکند فلانرا اعراب و خوبی کلام
کاهی که افعال او ملحون و ناپسند باشد بر شت ترین وجهی و ضرر نکند
بلال را لحن در کلام هرگاه که اعمالش پسندیده باشد پس ثابت شد باین
حدیث که لحن داخل میشود در عمل چنانچه داخل میکردد در لفظ پس چون
مراتب مذکوره محقق و معلوم کردید باید که داعی در درست خواندن دعا
جهد و سعی تمام نماید تا ثواب کامل او را حاصل کردد و تکیه بر این ننماید
که اگر غلط بخوانم تصحیح آن مینمایند و موافق نیت جزا و ثواب میکنند زیرا
که این غیر صواب و عین خطاست وَ اَمّا خبر دوم که قول حضرت
صادق علیه السلام است مراد بآن در احکام است که روایت چنان باید
کرد که تغییر در آن واقع نشود و مانند اینست قول حضرت رسول صلی الله
علیه و آله که رحمت الهی بر کسی باد که بشنود مقالهٔ مرا و در گوش گیرد آنرا و
ادا کند همچنانکه شنیده آنرا پس اگر معترضی گوید که ظاهر شد که باری تعالی
نمیکند خلاف مقتضای حکمت را و حکمت بالغهٔ او را مبدل نمیکرداند
و سایل پس آنچه مشتمل باشد بر خلاف مصلحت نخواهد کرد آنرا با دعا و
آنچه مشتمل باشد بر مصلحت خواهد کرد آنرا اگرچه سؤال نکند آنرا
چه او است آنرا آفریده و آفریدن او بجهت رحمت و احسان بوده نسبت
بتو پس معنی دعا چه باشد هرگاه فایده منتفی بود گوییم جواب بچند وجه
گفته اند اول آنکه ممتنع نیست وقوع آنچه از او سؤال میکنند بجهت
مصلحتی که بعد از دعا باشد و پیش از دعا مصلحت نباشد و تنبیه فرموده
باین حضرت صادق علیه السلام فرمودن او میسر بن عبد العزیز را که

۸۷

ای میسر دعا کن و مگو که امر فارغ و باز پرداخته شده از دعا بدرستی که نزد
خدا مرتبه و منزلتی هست که نمیتوان رسید بدان مگر بدعا و مسئلت و اگر
بنده دهان خود را ببندد و سؤال نکند داده نشود باو چیزی پس سؤال
کن تا داده شود ای میسر هیچ دری نیست که زده شود الا آنکه گشوده
کردد بر روی او و روایت کند عمرو بن جمیع از حضرت صادق علیه السلام
که هر که سؤال نکند خدا را از فضل و کرم او محتاج کردد و از امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که نبود خدا را اگر بگشاید باب دعا را و در بندد
بر او باب اجابت را و دیگر فرموده که هر که دعا کند بر درگاه او او را از
اجابت محروم نکرداند دوم آنکه دعا فی نفسه عبادتست عبادت
میکنند بدعا خدا را بندگان او برای چیزی که در آن هست از اظهار
فروتنی و احتیاج بسوی او و این امریست که حق سبحانه و تعالی را مطلوب
است از بندگان خود چنانچه فرموده وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا
لِيَعْبُدُونِ و عبادت در لغت ذلت و خواریست و در اصطلاح
تمام تر چیزی باشد از تذلل و فروتنی و خشوع از برای معبود و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که فرموده که دعا مغز
عبادتست و در بعضی مواقف موعظه فرموده حضرت عیسی را علیه السلام
که ای عیسی ذلیل و خوار و بی مقدار کردان از برای رضای من دل خود
را و بسیار گوی ذکر مرا در خلوتها و بدانکه سرور و شادی من آنست که
فروتنی و تملق نمائی بسوی من و در این امر زنده باش و مرده مباش
سیم مرویست که دعای مؤمن را اگر کرده اضافه کنند بعمل او و ثواب
دهند بر او در آخرت همچنانکه ثواب میدهند بر عمل وی چهارم
آنکه اگر اجابت مصلحت است و مصلحت در تعجیل است تعجیل کرده میشود
و اجابت میفرماید در حال و اگر مصلحت اقتضای تأخیر آن میکند تا

وقت مقرر مهلت داده شود تا آن وقت و فایده از دعا یا حصول مقصود
زیادتی اجر است بصبر در مدت و اگر موقوف بمصلحت نباشد در وقتی
از اوقات و در اجابت مفسده نباشد داعی مستحق ثواب میشود یا
دفع کرده میشود از او مثل آن از بدی و بلا و دلالت میکند بر این
جمله آنچه روایت کرده است ابو سعید خدری که پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرموده که هیچ مرد مسلمانی نباشد که دعا کند بدرگاه حق تعالی
دعا کردنی که در آن بریدن رحم و گناهی نباشد مگر که خدای تعالی
عطا میفرماید باو یکی از سه چیز یا آنست که فی الحال دعای او را مستجاب
میگرداند و یا از برای او ذخیره میسازد یا دفع میکند از او از بدی و
بلا مثل فایده آن گفتند یا رسول الله در این هنگام بسیار کنیم دعا را
فرمود که بسیار کنید و در روایت انس بن مالک آمده که بسیار کن و اطناب
نمای تا سه بار مکرر فرمود آنحضرت و از امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که تاخیر میفرماید خدای تعالی از بنده اجابت دعا را از برای آنکه بزرگ
گردانیده مزد سائل را و بسیار سازد عطای امل را زیرا که امید وار را
محروم نمیگرداند پنجم آنکه بسا تاخیر اجابت دعا از بنده برای زیادتی
صلاح حال اوست و بزرگی و منزلت او نزد خدای تعالی و بدرستی که
خدای تعالی بتاخیر می اندازد اجابت دعای بنده را از برای آنکه دوست
میدارد شنیدن آواز بنده را روایت کرده جابر بن عبد الله که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود بدرستی که بنده باشد که دعا کند خدا
را و او دوست دارد آن بنده را پس فرماید جبرئیل علیه السلام را که
بر آر حاجت این بنده مرا و تاخیر کن آنرا یعنی رسانیدن حاجت او را باو
پس بدرستی که من دوست میدارم که پیوسته آواز او را بشنوم و بدرستی
که بنده باشد که دست بدعا بر دارد و حق جل و علا او را دشمن دارد

گوید

گوید ای جبرئیل بر آر حاجت این بنده مرا و تعجیل کن و تاخیر منمای که نمیخواهم
آواز او را بشنوم و از این حدیث شریف ظاهر میشود سر اینکه دعای اشقیا
و کفار اکثر اوقات زود مستجاب میشود و دعای صلحا و مؤمنین دیر باجابت
میرسد پس هر گاه که دعا کنی خالی از آن نیست که می بینی اثر اجابت یا
نمی بینی پس اگر دیدی عجب مکن و بشگفت نیارد نفس تو را و گمان کنی که
دعای تو که مستجاب میکند از برای صلاح حال تست و طهارت نفس
تو شاید که تو از آن جمله باشی که نخواهد او را و دشمن دارد آواز او را و
آن اجابت حجت باشد بر تو در روز قیامت که فرماید ترا که آیا نبودی تو
که دعا کردی بدرگاه من و تو مستحق آن بودی که اعراض کنند از تو پس
من اجابت کردم دعای تو را بلکه سزاوار آن بود که قصد تو شکر باشد
و زیادتی در عمل چه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که زیرک
عاقل آنست که مشقت و مذلت عبادت بر نفس نهد و عمل از برای ما
بعد مرگ کند و احمق جاهل آنست که پیروی هوای نفس نماید و تمنای او
بر خدای تعالی باشد که مراد او بدهد اما آنچه دلالت میکند بر دعا
انسبت پس بسیار است که استقصای آن منجر میشود بملال بیشمار و
لهذا اقتصار میشود از آن بر بعضی اخبار اول روایت کرده حنان بن
سدیر که گفتم مر ابی جعفر علیه السلام را که کدام عبادت افضل است فرمود
که هیچ چیز دوست تر نیست بسوی خدای تعالی از آنکه سؤال کنند و طلب
نماید آنچه نزد اوست و نیست کسی که دشمن باشد بسوی خدا از
کسی که استکبار کند از عبادت او و سؤال نکند آنچه نزد اوست
و حاجت خود را بوی عرض نکند دوم روایت کرده زراره از ابی
جعفر علیه السلام که حق سبحانه و تعالی فرموده که ان الذین یستکبرون
عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین فرموده که آن دعاست چنانچه مذکور

شد و دیگر گفت که افضل عبادت دعاست گفتم که ابرهیم علیه السلم اواه
بود فرمود که اواه دعاست **سیم** روایت کند ابن قداح از ابی عبد الله
علیه السلام که فرمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که دوست ترین
اعمال بسوی خدای تعالی دعاست و افضل عبادت عفاف و پاک دامنی
است فرمود که بود امیر المؤمنین علیه السلام مردی نیک دعا کننده
چهارم روایت کند عبید بن زراره از پدر خود و او از ابی عبد الله
علیه السلام که دعا آن عبادتیست که حق تعالی فرموده اِنَّ الَّذِیْنَ
یَسْتَکْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِیْ دعا کن و مگوی که امر کنده فارغ و بی نیاز است
از دعا **پنجم** روایت کند عبد الله بن میمون بن القداح از ابی عبد الله
علیه السلام که فرموده که دعا معدن اجابت است همچنانکه ابر کان باران
است **ششم** روایت کند هشام بن سالم که میفرمود ابی عبد الله علیه
السلام که هیچ میشناسید درازی بلا را از کوتاهی گفتم نه فرمود که هرگاه
ملهم شد یکی از شما که دعا کند پس بدانید که بلای او کوتاه شد **هفتم**
روایت کند ابو ولاد که ابو الحسن علیه السلام فرموده که هیچ بلائی نباشد
که فرود آید بر بنده مؤمن پس الهام فرماید او را خدای تعالی که دعا کند
مگر که رفع شود آن بلا بزودی از او و هیچ بلا نباشد که نازل گردد بر
بنده مؤمن پس نگاه دارد حق تعالی از او دعا را مگر که آن بلا بطول کشد
پس هرگاه که نازل گردد بلا پس بر شماست دعا و تضرع و زاری بدرگاه
خدای عز و جل **هشتم** مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که تضرع کنید بدرگاه الهی در حاجتهای خود و پناه برید بسوی خدای
تعالی در مهمات خود و زاری کنید و دعا و حاجت خود را عرض کنید
بوی زیرا که مغز عبادتست و هیچ بنده مؤمنی نباشد که دست دعا بدرگاه
خدای تعالی بردارد مگر که مستجاب کند دعای او را پس یا تعجیل

میکند از برای او در دنیا یا تأجیل مینماید و ذخیره میکند برای او در
آخرت یا کفاره گناهان او میباشد بقدر آنچه دعا کرده مادام که دعا
نکرده باشد بچیزی که موجب گناه باشد **نهم** از آنحضرت علیه السلام
مرویست که عاجزترین مردمان کسیست که عاجز باشد از دعا و بخیل
ترین مردمان کسی است که بخیلی کند بسلام **دهم** و نیز از آنحضرت صلی
الله علیه و آله منقولست که آیا دلالت نکنم شما را بر کاهلترین مردمان
و دزدترین مردمان و بخیلترین مردمان و جفاکارترین مردمان و عاجز
ترین مردمان گفتند بلی یا رسول الله فرمود که بخیلترین مردمان مردیست
که بگذرد بمسلمانی و سلام نکند بر او و اما کاهلترین مردمان بنده ایست
تندرست فارغ البال که نجنباند بذکر ذو الجلال نه لب و نه زبان را و اما
دزدترین مردمان آنکسیست که بدزدد از نماز خود و در هم پیچد نماز
خود را همچنانکه جامه کهنه را پس آن نماز را میزنند بر روی گذارنده
آن و اما جفاکارترین مردمان کسیست که مذکور شود نام من پیش او
و او بر من درود نفرستد و اما عاجزترین مردمان شخصیست که عاجز
باشد از دعا **یازدهم** هم از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایتست
که فرمود که افضل عبادات دعاست و هرگاه که دستوری دهد خدای
تعالی مر بنده خود را در دعا میگشاید از برای او دری از رحمت بدرستی
که هیچکس با دعا هلاک نگشته **دوازدهم** معاویة بن عمار گوید که گفتم
مر ابی عبد الله علیه السلام را در باب دو مرد که هر دو افتتاح بنماز کرده
باشند در یکساعت پس یکی قرآن تلاوت کند و تلاوت این بیشتر باشد
از دعای آن دیگر و دعا کند آن دیگر و دعای او بیشتر باشد از تلاوت
این و بعد از آن هر دو از نماز منصرف شوند در یکساعت کدام از این دو
افضل است فرمود که هر دو را در آن فضل است و هر دو را در نیکی است

کفتم میدانم که کل اینها در ان نیکی و کل اینها در ان فضل است لیکن کدام
یک از این دو افضل است فرمود که دعا افضل است ایا نشنیده قول حق
تعالی را که وقال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن
عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین پس ان والله عبادتست والله
ان افضل است والله ان اشد عبادتست و این را مکرر فرمود تا سه
نوبت **سیزدهم** یعقوب بن شعیب کوید که شنیدم از حضرت ابا عبد الله
علیه السلام که میفرمود که خدای تعالی فرستاد با دم علیه السلام که
زود باشد که جمع کنم از برای تو کلام خود را در چهار کلمه کفت ای پروردکار
من انها کدام اند فرمود که یکی از برای من است و یکی از برای تو و یکی در انچه
میان من و تست و یکی میان تو و مردمان پس ادم علیه السلم کفت بفرمای
ای پروردکار من پس حق تعالی فرمود اما ان کلمه که از برای من است
انست که پرستش کنی مرا که شریک نکردانی بمن چیزیرا و اما ان کلمه که از
برای تست انست که جزا میدهم ترا بعمل تو انچه احتیاج تو بیشتر باشد
بسوی ان اما ان کلمه که میان من و تست پس بر تست دعا و بر من است
اجابت و اما ان کلمه که میان تو و مردمان است پس انست که راضی شوی
از برای مردمان انچیزیرا که راضی کشته از برای خود **چهاردهم** محمد بن
حسن صفار اورده در کتاب دعا مرفوع بحسین بن یوسف و او از برادر
خود علی و او از پدر خود و او از سلیمان بن عثمان الاسود و او از کسی
که بوی رفع کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرموده که داخل
بهشت شوند دو مرد که هر دو یک عمل کرده باشند پس یکی از انها ببیند صاحب
خود را که مرتبه او بالای مرتبه اوست کوید که ای پروردکار من بچه عمل
این مرتبه را بوی ارزانی داشتی و حال انکه ما هر دو یک عمل کرده
بودیم حق تعالی فرماید که او از من سؤال کرده بود و تو نکرده بودی بعلت ان

ان حضرت فرمود که سؤال کنید خدا را و بسیار طلبید که مانعی نیست او را
از عطا **پانزدهم** باین اسناد ورود یافته که حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و اله فرموده که هر اینه سؤال کنید از خدای تعالی بدرستی که خدای تعالی
را بندکانیست که عمل میکنند پس عطا فرماید بایشان پاداش ایشانرا
و دیکران سؤال میکنند از وی بصدق پس خواهش ایشانرا میدهد
باز جمع میکند ایشانرا در بهشت پس ان عمل کنندکان کویند که ای
پروردکار ما عمل کردیم باین عطا کردی بما از مثوبات انچه داده باین
از غیر عاملان حضرت حق تعالی فرماید که ای بندکان من عطا فرمودم
اجور شمارا و از اعمال شما چیزی نقصان نکردم و اما انکه سؤال کردند
از من پس حاجت ایشانرا روا کردم و ان فضل من بود که میدهم هر کرا
میخواهم **اما عقلا** بسبب انکه رفع ظلم و ستم و دفع ضرر و الم از نفس با
وجود قدرت بران و تمکن از ان واجبست و حصول ضرر و وقوع ان
ضروریست مر هر ادمی را در دار دنیا چه هیچ ادمی منفک نیست از امری
که تشویش رساند بنفس او و عقل او را از حفظ ان باز دارد و متضرر
کرداند او را بان امر و این امر یا داخلست مثل عارضه که روی نماید در
مزاج او و او را از صحت بیرون برد یا خارج است مثل ازار رسانیدن
ظالم بوی یا مکروهی که بیابد از سبب دیکر و اکر خالی باشد از همه اینها
پس عقل خود تجویز وقوع اینها میکند در دنیا و چکونه چنین نباشد
و حال انکه خانه حوادث است که بیک قرار نیست پس از ضررها ایمن
نتواند بود ادمی یا بالفعل یا بالقوه پس ضرر ان یا حاصل و واقعست الحصول
و واجبست ازاله هر دو با قدرت بران و از دعا ازاله ان ضرر بحصول
میرسد و این مقدور است هر ادمی را پس واجبست باز کشت بسوی ان
و بتحقیق که تنبیه فرموده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باین معنی انجا

که فرموده ما من احد ابتلی وان عظمت بلواه باحق بالدعاء من المعافی
الذی لا یأمن البلاء یعنی هیچکس نیست که مبتلا باشد ببلا و اگرچه آن
بلا بسمت عظمت رسیده بسزاوارتر از دعا از معافی که ایمن باشد از بلا
یعنی هر دو مساوی‌اند از معاف و مبتلا در احتیاج بدعا و فایده دعا
رفع بلای حاصل است و دفع بدی نازل یا کشش نفعی که مقصود است یا
مقرر داشتن خیر موجود و دوام آن بر حال و منع آن از زوال چه اهل
بیت طاهرین علیهم السلام وصف فرموده‌اند دعا را بسلاح و سلاح
از آن قبیل است که نفع از وی توان گرفت و دفع مضرت بآن میتوان کرد
و لهذا تسمیه کرده‌اند دعا را بسپر و سپر نگاه داشته میشود بآن امور
مکروهه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که الا ادلکم علی
تجارة تنجیکم من اعدائکم و یدر ارزاقکم قالوا بلی قال تدعون
ربکم باللیل والنهار فان سلاح المؤمن الدعاء یعنی آیا دلالت نکنم
شما را بر تجارتی که نجات دهد شما را از دشمنان شما و بسیار گرداند
روزی شما را گفتند بلی یا رسول الله فرمود که دعا کنید و بسیار بخوانید
پروردگار خود را بشب و روز پس بدرستی که سلاح مؤمن دعاست
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده الدعاء ترس المؤمن و متی
تکثر قرع الباب تفتح لک یعنی دعا سپر مؤمن است و هرگاه که بسیار
گردانی کوبیدن در را بگشاده گرداند برای تو و حضرت صادق علیه
السلام فرموده الدعاء انفذ من سنان الحدید یعنی دعا دررونده
تر است از نیزه و تیر و از حضرت سید الساجدین منقولست که الدعاء
یدفع البلاء النازل و ما لم ینزل یعنی دعا دفع میکند بلائی که فرود آمده
و بلائی که فرود نیامده و هم از آنحضرت مرویست ان الدعاء والبلاء
لیتوافقان الی یوم القیمة و ان الدعاء لیرد البلاء یعنی دعا و بلا

متوافقا شند تا روز قیامت یعنی بلا در دعا تخلف نمیکند و از او در نمیگذرد
و بدرستی که دعا رد میکند هر آینه بلا را و بتحقیق که آنحضرت مبالغه و
ابرام کرده در این مبالغه تمام و از حضرت امام علی النقی علیه السلام مرویست
که هرگاه بلائی متوجه بنده شود و او دعا کند حق تعالی از او دفع کند
و الا آن بلا برو نازل شود پس هرگاه دعا را نقلاً و عقلاً در کمال
مرتبه و منزلت دانستی و بر تو یقین حاصل شد که دفع مضرات و رفع
سیئات بمبادرت و مداومت آن هر فردی را میسر و ممکن است بر کس
نزد عقل فیحسنت بلکه سزاوار است مر صاحب ایمان صریح و اعتقاد
صحیح را در تصدیق رسول و فرزندان ستوده بتول در آنچه خبر داده‌اند
بآن از معالم تنزیل و پیغام رسانیده‌اند از جانب رب جلیل که میل
بجانب خوف نکند و بطرف ناامیدی نگراید چه ناامید از رحمت الهی
نمیباشد مگر گمراهان و مایل بجانب رجا نیز نباشد تا غرور او نیفزاید
و نفس خود را در خوف و طمع برابر و مساوی داشته بمضمون کریمه و
ادعوه خوفا و طمعا عرض حاجات خود بدرگاه قاضی الحاجات نماید
و از ائمه انام علیهم السلام منقولست که بنده مؤمن مثل مرغیست که
او را دو بال باشد یکی رجا و دیگری خوف و لقمان حکیم گفت پسر خود را
که ای پسرک من اگر بشکافند اندرون مؤمن را هر آینه خواهند یافت
بر دل او دو سطر از نور که اگر برابر کنند راجح نیاید یکی از آنها بر دیگری
مقدار حبه از خردل که یکی از آن دو رجاست و دیگری خوف و لیکن در
حالت مرض خصوصا مرض الموت سزاوار است که زیاده گرداند رجا را
بر خوف **مطلب دویم** در آداب داعی و سبب اجابت دعا و عدم آن اما
آداب داعی و سبب اجابت دعا منقسم میشود بده قسم زیرا که آن آداب و
اسباب یا مقدم است بر دعا یا مقارن یا مؤخر راجع است باصل دعا

یا بوقت یا بمکان یا بفعل یا بحالت یا امر کیست از مکان و دعا یا از زمان
و دعا فصل اول آنچه مقدم باید داشت بر دعا و آن ده است اول
طهارت از نجاست دویم توبه از معاصی و سیئات کما قال الله تعالی
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ یعنی بدرستی که خدای تعالی
دوست میدارد توبه کنندگان را و طهارت گیرندگان را و دوستی خدای
بنده خود را عبارتست از ثواب دادن و قضای حاجت او نمودن
پس بطهارت و انابت بر آمدن حاجت و اجر بی نهایت حاصل کرده
سیم تعطیر کردن یعنی بوی خوش بکار بردن چه تعطیر مستحب است
و در حدیث واقع شده که دو رکعت نمازی که با عطر گذارده شود
افضلست از هفتاد رکعت که بدون عطر گذارده شود چهارم رو
بقبله کردن چه در حدیث واقع شده که بهترین مجالس آنست آدمی را
که رو بقبله پنجم اعتقاد داشتن بقدرت خدا بر قضای حاجت
و قطع امید از غیر او کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست
که خدای تعالی میفرماید کسی که سؤال کند از من و بداند که من ضرر میرسانم
و نفع میدهم یعنی دیگری قادر بر نفع و ضرر رسانیدن نیست بدو اذن
من دعای او را مستجاب میکنم ششم پاک کردن شکم از حرام بروزه
داشتن هفتم نبودن ماکول و ملبوس حرام یا از وجه حرام چه
منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که چهل روز
لقمه حلال خورد منور گرداند حق تعالی دل او را و فرمود که خدای
تعالی را فرشته ایست که ندا میکند بر بام مسجد بیت المقدس هر شب که
هر که حرام خورد قبول نفرماید خدا از او نه صرف را و نه عدل را صرف
نافله است و عدل فریضه و دیگر فرموده که اگر نماز گذارید تا بگردید
مثل تار موئی و روزه دارید تا مانند چوب شوید قبول نخواهد فرمود

از شما مگر بورع و پرهیزکاری و دیگر فرموده که عبادت با خوردن حرام
مانند بنا نهادن است بر ریگ و گویند بر آب و خود را از مظالم عباد
طاهر و خالص گردانیدن هشتم فتنه و فساد نکردن و معین و راه
نمای ظلمه و ظلم نبودن نهم پرهیز کردن از گناهان چه روایت
کند ابن مسعود رضی الله عنه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که بپرهیزید گناهان را که محو کنندگان خیراتند و روایتست از ابی
جعفر علیه السلام که بنده هر آینه سؤال میکند از خدای تعالی
حاجتی را از حاجتهای دنیا پس از شان الهی اینست که روا کند آن را
بوقتی نزدیک پس آن بنده گناه کند نزد آن وقت یک نوع گناهی پس حق سبحانه
و تعالی فرماید فرشته را که موکلست بحاجت او که روا نکند برای او
آن حاجت را و فرماید که بدرستی که تعرض کرده خشم مرا پس مستوجب
حرمان گشته از من و بدانکه ورود یافته در ادعیه ائمه انام علیهم السلام
که استعاذه انواع میباشد از گناهان و از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام منقولست که گناهانی که تغییر میکند نعمتها را ستم است
بر مردمان و ترک کردن از عادت خیر و نیکوئی و کفران نعمت و ترک
شکر قال الله تعالی إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
یعنی بدرستی که خدا تغییر ندهد آنچه با گروهی باشد از عافیت و نعمت
تا وقتی که تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشان است یعنی عمل خوب بد
بدل کنند و گناهانی که موروث ندم و پشیمانیست قتل نفس است که حرام
کرده خدای تعالی آن را چنانچه در قصه قابیل وقتی که کشت برادر خود
هابیل را پس عاجز شد از دفن او پس گشت از نادمان که فَأَصْبَحَ مِنَ
النَّادِمِينَ دیگر ترک صله رحم است در حالت توانائی و ترک نماز
تا بیرون رود وقت آن و ترک وصیت و ترک رد مظالم و منع زکوة

تا مرگ در رسد و زبان بسته شود و گناهانی که فرود می‌آورند بلا را
نافرمانیست و دست تطاول دراز کردن بر مال مردم و استهزا کردن
بایشان و سخریه و افسوس از ایشان و گناهانی که منع میکنند روزی را
اظهار فقر است و خواب کردن وقت نماز خفتن و نماز بامداد و استحقار
نعمتهای الهی و شکایت معبود کردن و گناهانی که میدرند پرده حفظ
و نگهداشت را خوردن خمر است و باختن قمار و فرا گرفتن چیزی که
مردم را بخنده آورد و لغو و بیهوده و مزاح و ذکر عیوب مردمان و
مجالست با اهل شک و ریب و گناهانی که فرود می‌آورند نقمت
را ترک کردن فریادرسی بیچاره است و ترک معاونت مظلوم و تضییع
امر معروف و نهی از منکر است و گناهانی که موجب غلبه دشمنان است
مجاهره بظلم و اعلان فجور است و اباحت حرام و محظور و نافرمانی
اخیار و کردن نهادن و انقیاد بسوی اشرار و گناهانی که تعجیل مینمایند
در فنا بریدن رحم است و سوگند دروغ و دروغ گفتن و زنا و گرفتن
راههای مسلمانان و ادعای امامت کردن بغیر حق و گناهانی که قطع
میکنند رجا را و نومید میسازند از رحمت الهی اعتماد بغیر خدای
تعالی کردن و تکذیب وعدهای الهی نمودن است و گناهانی که تیره
میگردانند هوا را سحر است و کهانت و ایمان و اعتقاد بنجوم و تکذیب
بقدر الهی و عقوق والدین است و گناهانی که برمیدارند پرده را قرض
کردن است بدون نیت ادای آن و اسراف در نفقه و بخل کردن بر
اهل و اولاد و ذی رحم و بدخلقی و قلت صبر و استعمال زجر و خواری
با اهل دین کردن و گناهانی که رد میکنند دعا را بدی نیت است و
پلیدی باطن و نفاق با برادران و ترک تصدیق با اجابت و تاخیر
نماز واجب تا بگذرد وقت آن و گناهانی که منع میکنند باران آسمان

را

را جور حکام در حکم و گواهی بدروغ و کتمان شهادت و منع زکات و
قرض دادن نمک و آب و آتش و ماننداین بر اهل فقر و حاجت و قساوت
و ظلم بر یتیم و بیوه و رد کردن سایل بشب نعوذ بالله من ذلک کله
دهم صدقه دادن چه صدقه قبل از دعا مستحب است هرچند بچیزی
کمی باشد و در حدیث واقع شده و لو بشق تمرة یعنی اگرچه بنصف
خرمائی باشد و بدانکه بعض شروط چنانچه واجبست تقدم آن همچنین
واجبست استمرار و استدامت آن بعد از دعا تا فایده دهد قسم دویم
آنچه مقارن دعا باید بجا آورد و آن چهارده است اول تلبث بدعا
یعنی از روی صبر و آرام دعا کردن و ترک تعجیل نمودن چنانچه ورود
یافته در وحی قدیم که ملول مشو از دعا بدرستی که من ملول نمیشوم از
اجابت و از حضرت ابی عبدالله علیه السلام مرویست که ان العبد
اذا عجل فقام لحاجته یقول الله تبارک و تعالی اما یعلم عبدی
انّی انا الله الذی اقضی الحوائج یعنی بدرستی که بنده هرگاه تعجیل نماید
یعنی در خواندن دعا پس برخیزد برای حاجت و امور دنیوی خود خدای
تعالی میگوید آیا نمیداند بنده من که منم خدائی آنچنان خدائی که بر می‌آورم
حاجتها را و در روایت دیگر حدیث مذکور قید تعجیل از خروج نماز
وارد شده دویم دعا را پنهان کردن سیم دعا را با خضوع و خشوع
کردن چنانچه حق تعالی میفرماید که ادعوا ربکم تضرعا و خفیة یعنی
بخوانید خدای خود را از روی تضرع و زاری و پنهان و در دعای اهل
بیت طاهرین علیهم السلام ورود یافته که و لا ینجی منک الا التضرع
الیک یعنی نجات نمیدهد از تو مگر تضرع و زاری نمودن بسوی تو و
امر به پنهان کردن دعا برای آنست که دعای پنهان دور از ریاست
و ریا در آن کمتر میباشد چه روایت کرده اسمعیل بن همام از حضرت

امام رضا علیه السلام که دعا کردن بنده در پنهانی برابری میکند با هفتاد
دعا که باشکارا کند و در روایت دیگر وارد شده که دعای پنهان کردن
افضلست از آشکارا کردن **چهارم** دعا را عام گردانیدن از برای همه
برادران مؤمن روایت کند ابی القداح از ابی عبدالله علیه السلام که
گفت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هرگاه دعا کند یکی از
شما باید که تعمیم کند پس بدرستی که آن اوجب است در دعا **پنجم** نام بردن
حاجت در حین دعا روایت کند ابو عبد الفراء از حضرت صادق
علیه السلام که حق تعالی میداند آنچه میخواهد در حال دعا و لیکن
دوست میدارد که عرض کند بسوی او حاجتها را با آنکه شرط سؤال
آنست که سؤال نکند از چیزهای حرام و قطع رحم و چیزی که متضمن قلت
حیاء و سوء ادب باشد و اهل تفسیر گفته اند در قول حق تعالی که
ادعوا ربکم تضرعا و خفیة انه لا یحب المعتدین یعنی بخوانید خدای خود
از روی تضرع و تذلل به پنهانی بدرستی که دوست نمیدارد خدای تعالی
از حد تجاوز کنندگان را در دعای خود با آنکه منازل انبیا و ائمه علیهم
السلام طلب نمایند و مانند آن و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده که ای صاحب دعا سؤال مکن چیزی را که از شان تو نباشد و چیزی
را که حلال نباشد و هم آن حضرت علیه السلام فرموده که هر که سؤال
کند فوق قدر و حال خود را مستحق حرمان گردد **ششم** گریستن و خود را
بگریه داشتن است چه گریه در حالت دعا سید آدابست زیرا که دلالت
میکند بر رقت قلب که آن دلیل اخلاص است مر ترا که حاصل میشود
بآن اجابت دعوات و مغفرت سیئات و در حدیث واقع شده که از برای
هر چیز وزنی و کیلی هست الا اشک چشم که قطره از آن فرو مینشاند
دریاهای آتش را روایت کند اسحق بن عمار که گفت عرض کردم ابی

عبدالله علیه السلام را که دعا میکنم و آرزوی گریه دارم نمی آید مرا گریه
و بسا که یاد میکنم جمعی را که مرده اند از اهل من پس رقت میکنم و میگریم
آیا جایز باشد این آنحضرت علیه السلام فرمود که بلی یاد میکنی ایشان را
پس هرگاه که رقت حاصل شد گریه کن از برای رضای پروردگار خود
و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که اگر گریه نیاید ترا پس خود را
بگریه دار اگر همه بیرون آید از چشم تو مثل سر مگسی پس نیک نیکست
آنحال و هرگاه که تو قیام نمودی از برای دعا و مدد و یاری کرد چشم
تو بر بکا و بخشش کرد مر ترا بروان کردن اشک ریزنده نزد یاد کردن
تو گناهان عظام و فضایح و رسوائی روز قیامت و خوف خلایق را
از ملک علام پس فرصت دعا را از دست مده در این هنگام که آن
بهترین ساعات عمر عزیز است و بر تو است در این حال که از درگاه کبریای
او جل شانه طلب دوام رحمت و مغفرت و توفیق ترک عصیان و معصیت
نمائی که نیکوترین مطالب و مقاصد است چه مرویست از ابی جعفر علیه السلام
که حضرت ابرهیم علیه السلام گفت ای معبود من چیست جزای بنده که
تر شده باشد روی او از اشک چشم از خوف تو فرمود که جزای او مغفرت
و رضوان من است در روز قیامت **بدانکه** گریه و زاری و اضطراب
بیقراری که برنده و شوینده گناه و آورنده عزت و جاه است فایده
ندارد مادامی که ورعی نباشد که مانع آید از اجابت چنانچه مرویست که
حضرت موسی علیه السلام گذشت بمردی و او میگریست چون باز
آمد او همان در گریه بود و گفت الهی بنده تو میگرید از ترس تو فرمود
که ای موسی اگر فرود آید دماغ او با اشکهای چشم او نخواهم آمرزید
او را زیرا که او دوست میدارد دنیا را **هفتم** اعتراف بگناهان
خود کردنست زیرا که در آن هست انقطاع از خلق و وصول بحق و فروتنی



نفس چنانچه روایتست که عابدی عبادت کرد خدا را هفتاد سال که
روز بروزه بود و شب بنماز و طلب میکرد حاجتی از خدای تعالی و روا
نمیشد پس روی آورد بنفس خود و گفت این روا نشدن حاجت از پیش
تست که اگر نزد تو خیری میبود روا میشد حاجت تو پس حق تعالی
بسوی ملکی فرستاد که گفت او را ای پسر آدم ساعتی که تحقیر و سرزنش
کردی بر نفس خود بهتر است از عبادتی که پیش از این کرده **هشتم** مقدم
داشتن دعاست از برای برادران مؤمن چه از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرویست که چیزی سریعتر در اجابت نیست از دعای غایب
برای غایبی و سزاوار است که دعائی که از برای برادر مؤمن میکنی
دوست باشی مر او را و در دعا تمنا کننده آن باشی بدل که بر وجهی روا
کند حق تعالی حاجت او را آنچه دعا کرده از برای او پس هرگاه تو چنین
باشی سزاوار گردی که مستجاب شود آن دعا از برای تو و عوض دهند ترا
اضعاف آن زیرا که دوست داشتن مؤمن حسنه و عمل نیکست و اراده
خیر و دعا از برای او نیز حسنه و عمل نیک چنانچه روایت کرده جابر
از ابی عبد الله علیه السلام در قول حق تعالی که و یستجیب الذین
آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله فرمود آن مؤمنی که دعا
از برای برادر مؤمن کند غایبانه او پس گوید مر او را فرشته که تراست
مثل آنچه سؤال کردی و عطا کرده میشوی بجهت دوست داشتن او
پس باید در دعای برادر مؤمن مطلب و مدعای خود را به تنهائی منظور
نداری و قطع نظر از تمنا و خواهش استجابت دعای او بکنی که اگر چنین
باشی فوت شود ترا آنچه آماده شده از اجر برای تو **نهم** الحاح نمودن
در دعاست چه حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که خدای تعالی
دوست میدارد سائل الحاح کننده را و روایت شده از ابی جعفر

علیه

علیه السلام که هیچ مؤمنی نباشد که الحاح کند بر خدای تعالی در حاجت
خود مگر که روا میکند خدا آنرا از برای او و روایت کرده ابو الصباح
از ابی عبد الله علیه السلام که خدا نمیخواهد و دوست نمیدارد الحاح
کردن بعضی از مردمان را بر بعضی در مسئلت و دوست میدارد این را
برای خود بدرستی که خدای تعالی دوست میدارد که از او طلب کند
بنده آنچه نزد اوست **دهم** روآوردن بجانب حق تعالی است با حضور
قلب یعنی آنکه در حین خواندن و ذکر کردن دل و زبان او موافق یکدیگر
باشد نه آنکه زبان بخواندن مشغول و دل از آن غافل باشد چنانچه از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که حق تعالی قبول نمیکند
دعائی را که از دل غافل صادر شود و حضرت صادق علیه السلم فرموده
که خدا مستجاب نمیکند دعائی را که با دل فراموشکار و غافل کند پس
هرگاه دعا کنید دل خود را با خدا دارید پس یقین دانید که دعای شما
مستجابست پس اگر گویند مجرد ذکر زبان با غفلت دل آیا فایده دارد یا نه
جواب گوییم بلی بی فایده نیست زیرا که مشغول بودن است بطاعت خدا
بوجهی چه کار آسان ساقط نمیشود بسبب امر مشکل و هرچه همه آنرا نتوان
کرد تمام آنرا ترک نشاید کرد بلکه شخص با وجود اینحال نیز شکر باید بکند
که بعضی اعضای خود را بخیر عادت داده و بر ضد آن عادت نداده و
دور نیست از کرم خدای تعالی اینکه او را از فی الجمله ثوابی محروم نگرداند
و این دعا را از او قبول نماید بشرط آنکه مستغرق در غفلت نشود که تمامی
اوقات او باین نحو فساد گذرد بلکه در صدد اصلاح حال خود باشد
بتحصیل معرفت با آثار ائمه طاهرین علیهم السلام **یازدهم** اجتماع در
دعاست یعنی دعا با جمعی از مؤمنان نمودن چه حق تعالی پیغمبر خود را
امر باجتماع نموده در دعای مباهله و دیگر فرموده که و اصبر نفسک

مع الذین یدعون ربهم یعنی ثابت دار نفس خود را با جماعتی که میخوانند
خدای خود را و مراد از ثابت داشتن نفس خود با جماعتی که دعا مینمایند
موافقت و مرافقت است با ایشان در دعا کردن و روایت کرده ابو
خالد که ابی عبد الله علیه السلام فرموده که هیچ گروهی نباشند که چهل
کس باشند و اجتماع نمایند و دعا کنند خدا را در امری الا که مستجاب
کرداند از برای ایشان آن دعا را پس اگر چهل کس نباشند چهار کس که
دعا کنند بدرگاه الهی ده بار مستجاب میشود پس اگر چهار کس نباشد یکی
که دعا کند چهل بار مستجاب کرداند از خدای عز و جل از این حدیث
ظاهر میشود که تکرار دعا بمنزله اجتماع است و روایت کرده عبد الاعلی
از آنحضرت علیه السلام که اجتماع نمایند چهار تن هرگز از برای امری
پس دعا کنند بدرگاه الهی تعالی شانه الا که متفرق شوند باجابت دعا
و آمین گوینده نیز شریکست در دعا چنانچه حق تعالی میفرماید که قد
اجیبت دعوتکما یعنی بتحقیق که براورده میشود دعای شما هر دو چه
دعا کننده موسی علیه السلام بود و هارون آمین میگفت پس نسبت
فرمود حق تعالی بسوی هر دو اجابت را و فرمود که قد اجیبت دعوتکما
و روایت کرده علی بن عقبه از مردی که او از ابی عبد الله علیه السلام
روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که پدر بزرگوار من هرگاه
که اندوهناک میشد امر کردی بجمع زنان و کودکان بعد از آن دعا
فرمودی و ایشان آمین کفتندی و روایت کرده سکونی از ابی عبد الله
علیه السلام که دعا کننده و آمین گوینده هر دو شریکند در دعا دوازدهم
صلوات فرستادن یعنی اول صلوات بر حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله و آل اطهار او باید فرستاد بعد از آن طلب حاجت خود نمود و
از ائمه طاهرین علیهم السلام منقولست که هرگاه حاجتی باشد بخدا

ابتدا بصلوات نماید و بعد از آن طلب حاجت خود کند و ختم نماید بصلوات
بدرستی که خدا اکرم از آنست که قبول طرفین دعا ورد وسط نماید
بواسطه آنکه صلوات بر محمد و آل محمد البته مقبولست و رد نمیشود
و فضایل و منافع صلوات فرستادن بسیار است و ثواب و اجر آن بیشمار
و در اخبار آمده که خدای تعالی بر خود لازم کردانیده که بیامرزد کسی را
که سؤال نماید او را بحق محمد و آل محمد و در صلوات فرستادن بر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله آل اطهار او را باید داخل کرد البته چه
روایت کرده ابو القداح از ابی عبد الله علیه السلام که فرمود شنید
پدر بزرگوار من مردی را که درآویخته بود بخانه کعبه و میگفت اللهم
صل علی محمد فرمود که قطع مکن آنرا ابتر از تمام و ستم منمای حق ما را
و بگوی اللهم صل علی محمد و آل محمد سیزدهم رفع یدین است بدعا
یعنی برداشتن هر دو دستها است بدعا چه منقول است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وقتی که دعا میکرد هر دو دست مبارک خود را
برمیداشت مثل مسکین بینوائی که طلب چیزی نماید بدانکه دعا
کردن و طریق دست برداشتن بر هشت قسم است چنانچه از احادیث
ظاهر میشود و آن رغبت و رهبت و تبتل و تضرع و ابتهال و استعاذه
و استکانت و مسئلت است و مرویست که رغبت بمعنی چیز خواستن
و عرض نیاز مندیست کف هر دو دست را رو بآسمان کند چنانکه دست
پیش کسی میدارند که چیزی بدست او گذارد و در رهبت که بمعنی خوف
است پشت دستها را بآسمان بدارد اشاره بآنکه من از اعمال خود
نا امیدم و از کثرت بدی روی طلب ندارم و از روی ذلت و خجلت
کف دستهای خود را بسوی زمین کرده ام و در تضرع که بمعنی زاری کردن
است چون هر دو دست خود را برابر آسمان بدارد انگشت سبابه دست

راست را بجانب راست و چپ حرکت دهد اشاره بآنکه نمیدانم از
اصحاب یمینم یا از اصحاب شمال و از نیکوکارانم یا از بدکاران و در
تبتل که بمعنی منقطع شدن است یعنی از غیر خدا بریدن و بتمام همت
بر خدا اقبال نمودن است انگشت سبابه چپ را آهسته آهسته بلند و پست
کند اشاره بآنکه نمیدانم مرا بلند خواهی کرد یا پست خواهی گذاشت و در
ابتهال که بمعنی زاری بر سبیل اخلاص است دستها را از جانب سر خود
بلند کند بسوی آسمان یا از پیش روی خود بسوی قبله کشد بنحوی که مطلقا
خم در بازوها نماند بحسب هر دو روایت که آن نوعی از انواع عبودیت و
احتقار و ذلت و صغار است یا مانند غریقی که برداشته و بلند کند
دستهای خود باشد از ذراعین که چنگ زند باذیال رحمت و رأفت او
که نجات دهنده هالکان و فریادرسنده غمزدگان است اشاره بآنست
که حاجتم را داده و دست فرا میکنم که بگیرم و مقام ابتهال بلند است ادعا
نمیکند آنرا بنده مگر نزد ریختن اشک و بسیاری ناله و ایستادن بجای
بنده ذلیل و اشتغال برب جلیل و در استعاذه که بمعنی پناه بردن بخدا
هر دو کف دست را بقبله کند و در استکانت که بمعنی ذلت است دستها
را در حال دعا کردن بروش مسکینان بر دوش گذارد و مانند بنده
گناهکار که برندش نزد مولای او و او بزبان حال گوید بمولای خود که این
دستهای منست که بر گردن بستهام و بدرگاه تو آمده بظلمی و جرأتی
که نموده ام و در مسئلت که آن نیز بمعنی چیزی خواستن است هر دو کف
دست را بسوی آسمان کند پس رغبت نزدیک بیکدیگر نهد و ممکنست فرق
باینکه رغبت بجهت امور اخروی باشد و مسئلت بجهت امور دنیوی چه
در مسئلت حدیث بقید طلب ارزاق شده است چهاردهم تقدیم
مدح و ثنای الهیست پیش از سؤال یعنی مدح و ثنای واجب تعالی

جل شانه

جل شانه بجای باید آورد و بعد از آن عرض حاجت و طلب مدعا نمود
روایت کرده حارث بن مغیره که شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
که بر شماست که هرگاه که خواهد که سؤال کند یکی از شما از پروردگار
خود چیزی را از حوایج دنیا پس باید که ابتدا بر ثنای الهی و درود حضرت
رسالت پناهی نماید بعد از آن سؤال کند حاجتهای خود را از خدای
تعالی و فرمود که مردی بمسجد آمد و دو رکعت نماز گذارده و از خدای
تعالی حاجتی خواست پس حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بنده
تعجیل کرد بر پروردگار خود را و بعد از آن مرد دیگر آمد و دو رکعت نماز
گذارد و ثنا گفت پروردگار خود را و صلوات فرستاد بر حضرت رسول
و آل اطهار او صلوات الله علیهم آنحضرت فرمود که سؤال کن و حاجت
خود را بطلب که روا کرده میشود آن و روایت کرده عیص بن القاسم از
آنحضرت علیه السلام که هرگاه طلب کند احدی از شما حاجتی را
پس باید که ثنا گوید و مدح نماید پروردگار را زیرا که مردی از شما
هرگاه طلب نماید حاجت خود را از پادشاهی مهیا و آماده میسازد
از کلام و سخن خود آنچه قادر است بر آن تا او را بآن سخن ستایش نماید
پس هرگاه طلب کنید حاجتی را از درگاه او جل شانه اول او را به بزرگی
و عظمت یاد کنید و ثنا گوئید و بگوئید یا اجود من اعطی و یا خیر
من سئل و یا ارحم من استرحم یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد
و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من لم یتخذ صاحبة و لا ولدا
یا من یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و یقضی ما احب یا من یحول بین
المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء یا سمیع
یا بصیر و فرمود آنحضرت که بسیار بگوی از نامهای خدای عز و جل
را زیرا که نامهای او تعالی شانه بسیار است و صلوات بر محمد و آل

محمد بعزت وبگوی اللهم اوسع علی من رزقک الحلال ما اکف بها
وجهی واؤدی به عنی امانتی واصل به رحمی ویکون لی عونا علی الحج
والعمرة **وروایت کرده** معویة بن عمار از حضرت صادق علیه السلام
که بعض از دعا مدحست پس ثنا پس اقرار بگناه بعد از ان سؤال و
بخدا که بیرون نمیرود از گناه مگر باقرار پس میگوئی در اعتراف
بگناهان که الهی انا اکثر ذنوبا واعظم عیوبا واقبح افعالا واشنع
اثارا من ان اقدر علی احصاء عیوبی وتعداد ذنوبی وانما اوبخ
بهذا نفسی ومغفرتک ورحمتک یا رب اعظم واوسع منها لانها
وسعت کل شیء وانا استغفرک یا الهی واتوب الیک من کل ما خالف
ارادتک وازال عن محبتک توبة من لا یحدث نفسه بمعصیة
ولا یضمر ان یعود فی خطیئة فصل علی محمد واله وتب علی انک
انت التواب الرحیم اللهم صل علی محمد واغفر لفلان بن فلان
ونام چهل مؤمن را ونام پدر ایشان را ببرد واگر نام پدر ایشان را نداند
اکتفا بنام ایشان کند ودعا کند جهت مؤمنین ومؤمنات واگر از ایشان
جمعی را دعا کند که معرفت بحال ایشان داشته باشد بهتر است
وروایت کرده محمد بن مسلم که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که در کتاب
امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده که مسئلت بعد از مدحست
پس هر گاه که دعا کنی خدا را ببزرگی یاد کن او را راوی گوید که از ان
حضرت علیه السلام پرسیدم که چگونه ببزرگی یاد کنم او را جل شانه
فرمود که میگوئی یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا فعالا لما یرید
یا من یحول بین المرء وقلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله
شیء یا سمیع یا بصیر **قسم سیم** در اداب بعد از فراغ دعا
بعمل باید اورد وان پنج چیز است معاودت وملازمت دعاست یعنی

ترک

ترک نمودن ومستمر داشتن دعا با اجابت وعدم اجابت اما با اجابت
پس ترک ان از جفاست بلکه سزاوار تکرار ومداومت مدح وثنای
یکتای بیهمتاست زیرا که حق تعالی ملامت وسرزنش فرموده جماعتی
را که در وقت ضرورت واحتیاج دعا نمایند وبعد از بر امدن حاجت
ترک دعا کنند چنانچه در قران مجید میفرماید که واذا مس الانسان
ضر دعا ربه منیبا الیه ثم اذا خوله نعمة منه نسی ما کان یدعوا
الیه من قبل یعنی هر گاه برسد ادمی را مضرت ومصیبتی چون مرض فقر
وبلا میخواند خدای خود را در حالتی که تایب ورجوع کننده است بسوی
او پس چون بدهد خدای تعالی او را نعمتی از نزد یک خود وان سختی از
وی ببرد فراموش کند ان چیز را که بدو میخواند خدای را بکشف ودفع ان
پیش از اعطای نعمت **ومرویست** از امام محمد باقر علیه السلام که مؤمن
را سزاوار انست که باشد دعای او در اسانی مانند دعا کردن او در سختی
نه انکه هر گاه عطا کرده شود مدعای خود را مغرور وملول گردد از دعا
چه دعا را از خدای تعالی مکان ومنزلتیست واما با عدم اجابت دعا
برای انست که گاه باشد که تاخیر اجابت وبر نیامدن حاجت از این
جهت باشد که خدای تعالی دوست میدارد شنیدن صدای او را چنانچه
مذکور شد پس سزاوار انست که ترک نماید چیزی را که خدا دوست
میدارد وگاه باشد که اهلیت وقابلیت بر امدن حاجت نداشته
باشد وبسبب تکرار دعا خدای تعالی رحم نماید واجابت فرماید
دیگر انکه دعا فی نفسه عبادتست چنانچه گذشت وتکرار عبادت
وترک نمودن ان نیکو ومستحسن است **دویم** از اداب بعد از خاتمه انست
که مسح کند وبکشد دعا کننده هر دو دست روی خود را روایت کند
ابن قداح از حضرت صادق علیه السلام که بر ندارد بنده دست خود را

بسوی رحیم غفار مگر که شرم دارد که باز گرداند دست بنده را خالی پس
هر گاه که دعا کند احدی از شما پس باز نبرد دست خود را تا نکشد بر روی
خود و از حضرت باقر علیه السلام منقولست که نکشیده اند بنده دست خود
را بسوی خدا مگر که شرم دارد حق تعالی که باز گرداند آن دست را خالی
پس هر گاه که دعا کند یکی از شما باز نبرد دست خود را تا مسح کند بآن
سر و روی خود را و در دعای اهل بیت علیهم السلام ورود یافته
که باز نمیگردد دست طالب تو خالی از عطای تو **سیم** ختم نمودن دعا
بصلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم چنانچه پیش ازین گذشت
که ابتدا و اختتام دعا بصلوات سبب اجابت دعاست **چهارم** تعقیب
دعای خود کردن بآنچه از حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام ورود
یافته چنانچه مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که هر گاه
دعا نماید احدی از شما و بعد از فراغ از دعا بگوید ما شاء الله لا قوة
الا بالله حق تعالی گوید که بنده من از خلق بریده و روی بمن آورده
و فرمان مرا گردن نهاده حاجت او را برآرید **و در روایت دیگر** از حضرت
امیر المؤمنین ع ورود یافته که هر که میخواهد که مستجاب شود دعای او
پس باید که بگوید بعد از فراغ از دعا ما شاء الله استکانة لله ما
شاء الله تضرعا الی الله ما شاء الله توجها الی الله ما شاء الله
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و همچنین خواندن این دعا که
از جمله ادعیه سر است و مرویست که هر کس بخواند آنرا در آخر دعای خود
حایل نمیشود میان دعای او و حق تعالی چیزی مگر آنکه آن دعا بعز اجابت
مقرون میشود البته و قاری نا امید نمیشود در قضای حوائج خود هر چه
باشد از امور شرعیه یا الله المانع قدرته خلقه و المالک بها سلطانه
و المتسلط بما فی یدیه کل مرجو دونک یخیب رجاء راجیه و راجیک

مسرور لا یخیب اسئلک بکل رضی لک من کل شیء انت فیه و بکل
شیء تحب ان تذکر به و بک یا الله فلیس یعدلک شیء ان تصلی علی محمد
و آله و ان تحوطنی و اخوانی و ولدی و تحفظنی بحفظک و ان تقضی
حاجتی فی کذا و کذا و در لفظ کذا و کذا نام حاجت خود را ببرد **پنجم**
از آداب متاخره آنکه میباید که باشد بعد از دعا بهتر از آنکه بوده پیش
از دعا در ترک معاصی زیرا که گناهی که واقع شود بعد از دعا بسا که
منع کند اجابت دعا را و در دعوات ائمه واقع شده باین معنی که اعوذ
بک من الذنوب التی ترد الدعاء یعنی پناه میگیرم بتو از گناهی که رد
نماید و برگرداند دعا را و چون دانستی شرایط متقدمه و مقارنه و متاخره
دعا را از آنجمله اخفای دعاست و اسرار بآن چنانچه مذکور شد که این
سلطان آداب و حافظ اوست زیرا که بآن محفوظ میماند اعمال از
عدوی که محو کننده و ضایع نماینده آنست بلکه گرداننده و آورنده وبال
است و آن ریا و عجب است اما ریا و حقیقت آن نزدیکی جستن بخلایق
است و اظهار طاعت و طلب منزلت در دلهای ایشان و میل بزرگ
داشتن ایشان مر او را و استجلاب تسخیر ایشان برای گذاردن حاجتهای
او و قیام بمهمات او و ریا شرک خفیست حضرت رسالت صلی الله علیه
و آله فرموده کسی که بگذارد نمازی که بآن ریائی باشد پس شرک آورده
و بعد از آن خواند این آیه را که قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما
الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه الی آخر الآیه **و هم از آنحضرت**
صلی الله علیه و آله مرویست که حق تعالی میفرماید که من بهترین شریکم
و کسی که شریک سازد با من کسی را در عمل خود پس آن از برای شریک اوست
نه از برای من و من قبول نمیکنم عملی را مگر آنچه خالص باشد از برای من
و در حدیث دیگر آمده که من بی نیازترین شریکانم پس هر که عمل کند که شریک

سازد در آن عجب مرا پس من از او بیزارم و دیگر آنحضرت علیه السلام
فرموده که هر حقی را حقیقتی است و نمیرسد بنده حقیقت اخلاص را
تا دوست ندارد که ستایش کرده شود بر چیزی از عملی که کرده بفرموده
خدای تعالی و بدانکه پنهان داشتن عمل همچنانکه سزاوار است در ابتدا
همچنین سزاوار است در ما بعد آن پس بر تست باقی گذاشتن آن بر
اخفا و محو نساختن آن باظهار و طلب نمودن خلوت از خلق که آن
مدد بزرگیست بر این و اگر باشی تو که بر بینی نفس خود را در میان مرد
بر مخلص که عارض نشود بر آن شایبه ریا هرگز پس آن بلندترین درجات
اهل اخلاص است یعنی مساوی باشد غیبت و حضور خلق نزد تو و این
تمام نمیشود مگر بحقیقت معرفت بخدای تعالی و بخلق و شرف نفس و
علو همت چه هرگاه بدانی و بیابی علو مرتبه خالق و پستی مرتبه مخلوق
را و سرزنش نمائی نفس را مساوی میگردد نزد تو در حین عمل وجود و
عدم و حضور و غیبت خلق **اما عجب** و آن نیز از مهلکات است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرموده که مهلکات سه است یکی بخیلی که اطاعت
کرده شود و هوائی که پیروی کرده شود و چیزی که مرد را بعجب آورد
و آن ناچیز کننده عمل است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
که سیئه که بد آید ترا بهتر از حسنه ایست که بعجب آرد ترا یعنی مورث عجب
تو شود و از حضرت باقر علیه السلام منقولست که حق تعالی فرموده
که بعضی از بندگان من سؤال میکنند از من چیزی را از طاعت من پس
میگردانم آنرا از او بجهت مخافت اعجاب و حضرت عیسی علیه السلام
فرموده که ای معشر حواریین بدانید که بسیاری از چراغ که نشانده آنرا
باد و بسیاری از عابدان که بافساد آورده ایشانرا عجب **و بدانکه** حقیقت
عجب بزرگ شمردن عمل صالحست و استکثار و ابتهاج بآن پس اگر گاهی

که بسا گاهی که عارض میشود نفس او را سرور بطاعت و ابتهاج بآن لیکن
بزرگ نمیشمارد آنرا بلکه فرح و شادی او بکردن آن طاعتست و دوست
میدارد زیاده کردن آنرا و این امریست که نزدیکست آدمی بآن که منفک
از آن نمیتواند بود زیرا که آدمی هرگاه شب را قایم داشت بطاعت یا
گذرانید روز را بروزه یا حاصل شد او را مقام شریف و دعا کرد از روی
عبادت پس اینها او را مسرور میگرداند بیشک پس آیا این از عجبهائی
باشد که ناچیز کننده عمل او باشد و او باین داخل گردد در زمره ارباب
عجب جواب آنست که عجب ابتهاج بعمل صالحست و نازیدن و استعظام
آن و نه بیند نفس خود را که باین عمل بیرون رفته از حد تقصیر و ابتهاج
از مهلکات نیست بلاشک که نقل کننده عملست از کفه حسنات بکفه
سیئات و از بلندترین درجات به پست ترین درکات **روایت کرده**
سعید بن ابی خلف از حضرت صادق علیه السلام که بر تست که جد و
جهد نمائی در طاعت و بیرون بری نفس خود را از حد تقصیر در عبادت
و طاعت الهی زیرا که حق عبادت باری تعالی بجا نمیتوان آورد و اما
سرور و خوشحالی با تواضع و فروتنی نفس مر خدا را عز و جل در شکر مر
او را بر توفیق عمل و طلب زیادتی عمل پس این حسن و نیکوست و امیر
المؤمنین علیه السلام فرموده که هر که شاد گرداند او را حسنه و غمگین
سازد او را سیئه پس او مؤمن است **و بدانکه** خواندن دعا با داب و
شرایطی که مذکور شد قلیل الوجود و کمیابست اگر مقدور شود کسی را
بتوفیق الهی که با داب و شرایط مذکوره دعا نماید چه بهتر از آن این نعمتی است
بی پایان و اگر ممکن نشود و بعضی از شرایط او را حاصل نباشد نباید
که ترک نکند و در هر حالی و بهر نحوی که ممکن باشد دعا نماید زیرا که
مجرد ذکر خدا باعث دوری شیطان و اجتناب از گناه و عصیان و

بسیار است که آدمی شروع بدعا میکند و در اول او را بعضی از شرایط
حاصل نیست مثل حضور قلب و خضوع و خشوع و در آخر حاصل میشود
پس بفقدان آن شرایط ترک دعا نباید نمود که ترک دعا موجب قساوت
قلب و دست یافتن شیطان است **قسم چهارم** در آنچه راجع میشود
باصل دعا از اسباب اجابت و آن آنست که متضمن اسم اعظم باشد و
نمیدانند آنرا کسی بعینه مگر آنکس را که حق تعالی اطلاع داده باشد
از انبیا و اولیای خود علیهم السلام و بتحقیق که رموزات بر آن و اشارات
بسوی آن واقع شده مثل آنچه مرویست که اسم اعظم در آخر سوره حشر
و آیة الکرسی و غیره آیات و ادعیه اسم اعظم مندرج است چنانچه
انشاء الله بتفصیل در باب ادعیه اسم اعظم مذکور خواهد شد و همچنین
وارد شده که اجابت دعا در خصوصیات حاجات است مثل آنچه مرویست
از حضرت صادق علیه السلام که آنکس که بگوید یا الله ده بار حق تعالی
گوید لبیک ای بنده من سؤال کن حاجت خود را تا عطا کرده شوی و همچنین
روایت کرده که هر کس بگوید یا رباه ده مرتبه پس سؤال کند حاجت خود
را روا میشود و مثل اینست یا رب و یا سیداه **و در روایت دیگر** که
هر که بگوید در سجود خود یا الله یا رباه یا سیداه سه مرتبه اجابت
کرده شود و مثل اینست آنچه روایت کرده است سماعه که گفت مرا
ابو الحسن علیه السلام که هرگاه باشد برای ای سماعه حاجتی بنزد خدای
تعالی پس بگو اللهم انی اسئلک بحق محمد و علی فان لهما عندک
شأنا من الشأن و قدرا من القدر فبحق ذلک الشأن و بحق ذلک
القدر ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا
و مثل آنکه بگوید از برای وسعت رزق بعد از نماز خفتن اللهم
انه لیس لی علم بموضع رزقی تا آخر دعا چنانچه در تعقیب نماز عشا

ذکر خواهد شد **و مثل آنکه** بگوئی از برای دفع شر ظالم و دخول بر سلطان
آنچه حضرت صادق علیه السلام خوانده نزد دخول بر منصور دوانیقی
که یا عدتی عند شدتی چنانچه در باب ایمنی از مخاوف مذکور خواهد
شد **و مثل آنکه** روایت کرده ابن ابی عمیر از معویة بن عمار که هر که بگوید
در عقب هر نماز فریضه سه بار یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل ما
یشاء احد غیره بعد از آن حاجت خود را سؤال کند داده شود **و مثل
آنکه** روایت کرده از برای ادای دین که بگوید اللهم اغننی بحلالک عن
حرامک و بفضلک عمن سواک در روز جمعه و روایت دیگر مطلق آمده
و مثل این قسم دعوات بسیار است که انشاء الله هر یک در محل خود
مذکور خواهد شد **قسم پنجم** در آنچه راجع است بوقت از اسباب
اجابت دعا و آن دوازده است **اول** روز و شب جمعه است چنانچه
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که روز جمعه سید ایام
و اعظم روزهاست و بزرگتر است آن نزد حق تعالی از روز عید
فطر و عید قربان و در آن روز ساعتی هست که سؤال نمی نماید احدی
چیزی را از خدای عز و جل مگر که عطا میکند باو مادام که حرام سؤال
نکرده باشد و از حضرت صادق علیه السلام روایت است در گفتن
حضرت یعقوب علیه السلام مر پسران خود را که زود باشد که استغفار
کنم از برای شما از پروردگار خود که سوف استغفر لکم ربی فرمود که
تأخیر کرد آنرا تا سحر شب جمعه و در روز جمعه دو ساعتست یکی میان
فارغ شدن خطیب از خطبه تا راست شود صفهای مردمان و ساعت
دیگر از آخر روز است تا غایب شدن نصف قرص آفتاب و حضرت باقر
علیه السلام فرمود که اول وقت جمعه ساعت زوال آفتابست تا
بگذرد ساعتی از آن که نگاه میباید داشت آنرا که حضرت رسول صلی

الله علیه وآله فرموده که سؤال نکند از خدای تعالی در آن ساعت
هیچ بنده چیزی را مگر که حق تعالی عطا فرماید او را و از یکی از صادقین
علیهما السلام منقولست که بنده مؤمن که از حق تعالی حاجتی خواهد
حق تعالی آن حاجت او را تاخیر میکند تا روز جمعه که در آن روز
روا کند و قدر و منزلت این روز بسیار است که بعضی از آن ان شاء
الله تعالی در باب عمل روز جمعه ذکر خواهد شد **دویم** حوالی
غروب آفتاب در هر روز خصوصا روز جمعه **سیم** نزد زوال
آفتاب در هر روز **چهارم** نزد وزیدن باد و نزول باران **پنجم**
وقت ریختن اول قطره خون شهید چنانچه زید ستّام روایت کرده از
حضرت صادق علیه السلام که طلب دعا کنید در چهار ساعت از
ساعتها نزد وزیدن بادها و گشتن سایهها و فرود آمدن باران و
چکیدن اول قطره از خون قتیل مؤمن زیرا که درهای آسمان گشاده
است نزد این اشیا و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که هرگاه
زوال آفتاب شد گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت
و گذارده میشود حاجتهای بزرگ زید گوید پس گفتم این کدام وقت
است فرمود مقدار آنکه مرد چهار رکعت نماز بگذارد مرسلاً یعنی
باهستگی **ششم** وقت طلوع صبح تا طلوع آفتاب و روایت
شده از ابی جعفر علیه السلام که حق سبحانه و تعالی اجابت میکند
از بندگان هر دعا را یعنی دعای خیر پس بر شماست بدعا کردن
در سحر تا طلوع آفتاب که آن ساعتهاییست که در آنها درهای
آسمان را میگشایند و روزی تقسیم مینمایند و حاجتهای بزرگ روا
میکنند **هفتم** ماه مبارک رمضان خصوصا شبهای قدر و روزهای
آن **هشتم** لیالی متبرکه چون شب عرفه و مبعث و شب عید قربان و

عید رمضان و عید غدیر و شب غره رجب و نیمه شعبان و روزهای
آنها چنانچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تعجب میفرمود از آن
کسی که معاف دارد خود را در این شبها و با وجود آنکه ورود یافته
ترغیب عظیم بروزه داشتن روز عرفه افطار در این روز افضل است
کسی را که ضعیف گرداند او را از دعا برای آنکه این روز دعا و مسئلت
و عرض حاجت است **نهم** ماههای حرام چون ذو القعده و ذو الحجه
و محرم و رجب **دهم** از اوقات استجابت دعا وقت عشاست چه
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که من کان له حاجة
فلیطلبها فی العشاء یعنی کسی را که بوده باشد حاجتی پس باید طلب
نماید آن را در عشا و در ذیل این حدیث میفرماید که این مخصوص این
امتست و عطا کرده نشده است باحدی از امم سابقه **یازدهم**
وقت قرائت سوره کافرونست ده مرتبه حین طلوع آفتاب روز جمعه
و وقت خواندن سوره قدر پانزده مرتبه در ثلث آخر شب جمعه
دوازدهم وقت گفتن یا شنیدن اذان و قرائت قرآن **قسم ششم**
از اسباب اجابت دعا مکان است و آن چهار است **اول** مساجد
است خصوصا مسجد الحرام چه در حدیث قدسی ورود یافته که بدانید
و آگاه باشید که خانههای من در زمین مساجد است پس خوشا بنده
که تطهیر کند در خانه خود پس زیارت کند مرا در خانه من و او کریم است
از آنکه تومید کند زایر و قاصد خود را **دویم** حرم کعبه معظمه است
چنانچه روایتست از حضرت امام رضا علیه السلام که توقف نکند
کسی در این کوهها یعنی جبال مکه مگر آنکه مستجاب میشود دعای او
فاتما مؤمنان را حق تعالی مستجاب میکند دعای ایشان را در باب آخرت
ایشان و اما کافران را اجابت میکند دعای ایشان را در دنیا **سیم**

عرفات و مشعر است چنانچه در خبر آمده که حق سبحانه و تعالی فرماید
مر فرشتگان را در آن روز که در آن مکان باشند و گویند ای فرشتگان من
آیا نمی‌نگرید بسوی بندگان من که آمده‌اند از اطراف همه گرد آلوده و
درد آلوده هیچ میدانید که حاجت ایشان چیست گویند ای پروردگا
ما ایشان از حضرت تو طلب آمرزش و مغفرت مینمایند حق تعالی
فرماید که ای ملئکه گواه باشید که آمرزیدم ایشان را و مرویست که
بعضی گناهان آمرزیده نشود مگر بعرفه و مشعر الحرام کقوله تعالی
فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ یعنی چون
برگردید از موضعی که آن را عرفات گویند پس یاد کنید خدا را نزدیک
مشعر حرام و آن موضعیست معین که در آن دعا مستجابست **چهارم**
از اماکن استجابت دعا بلکه اشرف اماکن نزد قبر منور حضرت امام حسین
علیه السلام است چنانچه در روایت آمده که حق سبحانه و تعالی
عوض فرموده از شهادت آنحضرت بچهار خصلت اول گردانیده
شفا را در تربت مطهر او دوم گردانیده اجابت را در تحت قبه
منور او سیم گردانیده ائمه انام علیهم السلام را از ذریهٔ طاهرهٔ او
چهارم نشمرده ایام زیارت زائران وی را از اعمار ایشان و مرویست
که جعفر بن محمد الصادق علیهما السلم را وجعی بهم رسید پس امر فرمود
کسی را که در خدمت او بود که یکی را باجاره بگیرد و بفرستد بمشهد
منور امام حسین علیه السلام که نزد قبر اطهر آنحضرت از برای وی
دعا کند پس آمرد از خدمت آنحضرت بیرون آمد و یکی را یافت بر در
خانه پس بوی گفت آنچه امام علیه السلام بوی فرموده بود آنمرد گفت
که من فرموده آنحضرت را بجای آورم و بروم لیکن امام حسین علیه السلم
امام مفترض الطاعه است و آنحضرت نیز امام مفترض الطاعه است پس

چگونه است این پس آمرد باز گشت و بمولای خود عرض کرد قول او را
امام علیه السلام فرمود که آنچنانست که او میگوید لیکن حق تعالی
را بقعه‌ها چند هست که در آن دعا را مستجاب میفرماید پس این بقعهٔ منوره
از آن بقاعست و همچنین در مقابر انبیا و مشاهد اوصیا و مزارات شهدا
و مؤمنین و صلحا دعا مستجابست **قسم ششم** از اسباب اجابت دعا
آنست که راجع است بسوی فعل داعی مثل اعقاب صلوات چنانچه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمود که هر که ادا کند از برای خدای تعالی نماز مفروضه را
پس مر او را در اثر آن دعوت مستجابه یعنی بعد از نماز دعای او مستجاب
است و ابن فحام گوید که دیدم حضرت امیر المؤمنین علیه السلم را در
خواب و سؤال کردم آنحضرت را از این خبر فرمود که صحیح است هرگاه
که فارغ شدی از نماز مفروضه پس بگو در حالت سجده که اللّهم بحق
من رواه و بحق من روی عنه صل علی جماعتهم و دعا کن بهر چه
خواهی که مستجابست و از حضرت صادق علیه السلم مرویست که حق
سبحانه و تعالی فرض گردانیده بر شما این پنج نماز را در دوست‌ترین
اوقات بسوی وی پس حاجتهای خود را بخواهید در عقب فرایض
خود و از امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که نباید بنده منصرف
نشود از نماز خود تا سؤال کند از خدای تعالی بهشت را و زنهار جوید
باو از آتش و آنکه تزویج نماید او را حور عین و از ابی حمزه روایت است
که گفت من شنیدم از حضرت باقر علیه السلام که میفرمود که هرگاه
بندهٔ مؤمن برخواست بنماز میفرستد حق تعالی حور عین را تا نظر می‌کنند
و مینگرند بوی پس اگر از نماز منصرف شد و از خدای تعالی سؤال
نکرد از ایشان چیزی را ایشان تعجب کنند متفرق میشوند و باز میگردند

و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که دعا مستجاب میشود در
چهار موضع در نماز وتر و بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر و بعد از
نماز مغرب و در روایت دیگر آمده که سجده کنید بعد از مغرب و دعا
کنید در سجود خود دیگر دعای سایل است از برای دهنده او نزد عطا
و مستجاب نیست از برای سایل فی نفسه اگر دعا کند در ین حال و بود
امام زین العابدین علیه السلام که میگفت مر خادم را که اندک زمانی
نگاه دار آنچه بسایل میدهی تا او دعا کند و دیگر فرمود دعای سایل
محتاج رد نمیکردد و بود آنحضرت که میفرمود خادم را که هرگاه چیزی
میدهی سایل را بگو تا دعا کند بخیر و از احد صادقین علیهم السلام
روایتست که هرگاه چیزی دهید سایل را پس تلقین کنید او را بدعا کردن
پس بدرستی که آن دعا مستجابست از برای ایشان در باره شما و مستجاب
نیست مر ایشانرا در نفسهای ایشان و بود امام زین العابدین علیه السلام
که میبوسید دست خود را نزد صدقه دادن پس سؤال کردند که حکمت
در ین چیست فرمود که صدقه واقع میشود در دست قدرت الهی پیش
از آنکه واقع شود در دست سایل و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
که هرگاه سایل چیزی از شما فرا گرفت پس باید که باز گردانیده شود
آن دستی که سایل آنرا فرا گرفته بدهان او پس ببوسد آنرا زیرا که
خدای عز و جل فرا گرفته او را پیش از آنکه واقع شود در دست سایل
چه حق تعالی فرا میگیرد صدقات را و حضرت رسول صلی الله علیه و
آله فرموده که واقع نمیشود صدقه مؤمن در دست سایل تا واقع میشود
در ید قدرت الهی او و لا بعد از آن این آیه را تلاوت فرمود الم یعلموا
ان الله هو یقبل التوبة عن عباده و یاخذ الصدقات و ان الله
هو التواب الرحیم یعنی آیا نمیدانند آنرا که خدای تعالی اوست که

قبول میکند توبه را از بندگان و فرا میگیرد صدقهای ایشانرا یعنی فرا
گرفتن او کنایه از قبول است و نمیدانند آنرا نیز که خدای تعالی اوست
پذیرنده مهربان بر توبه کننده و صدقه دهنده و روایت کند از ابی
عبد الله علیه السلام که حق سبحانه و تعالی فرموده که هیچ چیز نیست
مگر آنکه وکیل کرده ام کسی را که قبض کند آنرا از غیر من مگر صدقه که من
خود فرا میگیرم تا غایتی که مرد هر آینه تصدق کند یا زن تصدق نماید
بیک خرما یا بنیم خرما پس من تربیت نمایم آنرا همچنانکه تربیت میکند
بچه اسب را شیر باز کرده پس ملاقات کند مرا او را در روز قیامت و او
مثل کوه احد شده باشد و حضرت صادق علیه السلام فرموده که فرود
آرید روزی را بصدقه و دیگر فرموده که هرگاه محتاج شوید پس تجارت
کنید خدای تعالی را بصدقه و حضرت باقر علیه السلام فرموده که
صدقه هر آینه دفع میکند هفتاد علت را از بلایای دنیا تا مردن بد
و حضرت صادق علیه السلام فرموده که هر که تصدق کند بچیزی بعد از
آن باز کرداند آن صدقه بیک وجهی یا و پس باید نفروشد آنرا و نخورد زیرا
که سهمت شرکت او از آن رفته و بمنزله آنست که کسی چیزی را آزاد کند
دیگر صلاحیت آن ندارد آن آزاد کرده که بوی بر گردد و از آنحضرت
علیه السلام مرویست در باب مردی که چیزی بیرون آورد که بطریق
صدقه بسایل بدهد پس دید که سایل رفته است پس باید که بدهد آنرا
بغیر آن سایل و باز نگرداند آنرا بمال خود **بدانکه** صدقه بر پنج قسم
است اول صدقه مال و آن مذکور شد دویم صدقه جاه و آن شفاعت
است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که بهترین صدقه
صدقه زبان است عرض کردند که یا رسول الله صدقه زبان کدام است
فرمود که شفاعتست که اسیر یکناهی را از زندان خلاص کنی و از خون

کردن یکی را از داری وانچه منجر شود بان نیکی و احسانی ببرادر دینی بود
بان شفاعت دفع مکروهی از او بشود و گفته اند جوانمردی در جاه و مال
بقای هر دولتست **سیم** صدقه عقل و رای است و ان مشورتست چنانچه
روایتست از حضرت رسول صلی الله علیه و اله که فرموده تصدق
کنید بر برادران خود بدانچه که تعظیم نماید او را و برایی که صواب باشد او را
چهارم صدقه زبان است و ان وساطت است در میان مردم و سعی
در چیزی کردن که اتش فتنه را فرو نشاند و اصلاح در میان جماعتی
نماید کقوله تعالی لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقة او
معروف او اصلاح بین الناس یعنی نیست نیکوئی در بسیاری از
گفتن مگر انکس که بفرماید بصدقه دادن و امر کند بمعروف و ان چیزیست
که بشرع اقدس مستحسن باشد یا فرماید باصلاح در میان مردمان و دفع
کدورت از دلهای ایشان **پنجم** صدقه علم است و ان بذل کردن انست
باهل ان و نشر ان بر مستحق ان و روایتست از حضرت رسول صلی الله
علیه و اله که فرموده از صدقه است اموختن مرد علم را و اموزانیدن
ان مردمان را و نیز ان حضرت فرموده که زکوة علم انست که بیاموزانند ان را
بکسی که ندانسته باشد و حضرت صادق علیه السلام فرموده که هر چیزی را
زکوتیست و زکوة علم انست که بیاموزانند اهل انرا اما در کراهیت
سؤال و در سؤال حضرت صادق علیه السلام فرموده که هر که سؤال کند
بی احتیاج پس گویا که اتش میخورد و حضرت باقر علیه السلام فرموده که
سوگند یاد میکنم بخدائی که ان حق است که نگشود ان مردی بر نفس خود دری
را از سؤال الا که گشوده خدای تعالی بر روی او دری از فقر و فاقه و
حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرموده که قطع مکنید بر سایل مسئلت
او را پس اگر نه ان میبود که سایلین دروغ میگفتند چه بعضی دروغ میگویند

که ما احتیاج داریم رستگار نمیشد کسی که رد میکرد ایشانرا و دیگری
فرموده که باز گردانید سایل را ببذل اندک یا بنرمی و مرحمت چه می اید
نزد شما کسانی که نه ادمیند و نه پری یعنی ملئکه تا ببینند که چگونه میکنید
در انچه خدا بشما عطا فرموده و دیگر فرموده که هر گاه سایل بشب امد
بحق است پس رد مکنید او را و از اهل بیت علیهم السلام منقولست که
ما هر اینه میدهیم غیر مستحق را بجهت حذر نمودن از رد مستحق و از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که اول سایلی که بر در خانه امد رد نباید
کرد او را و ثانی سایل را اطعام کنید پس از ان شما میدانید اگر خواهید
زیاده کنید و الا بتحقیق که ادا کرده اید حق امروز خود را و حضرت علی
بن الحسین علیه السلام فرموده که صدقه شب فرو می نشاند خشم پروردگار
و دیگر فرموده مر ابی حمزه را که بر تست به نیکوئی و صدقه پنهانی و رعایت صله
رحم که اینها می افزایند در عمر و میبرند فقر را و از حضرت رسول صلی الله
علیه و اله پرسیدند که کدام صدقه افضل است فرمود که بر ذی رحم محتاج
قسم هشتم از اسباب اجابت دعا حالاتیست که در ان حالات
دعا مستجاب میشود و از انجمله حالت صوم است چه از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که خواب روزه دار عبادتست و صمتش تسبیح است و
عملش مقبول و دعای او مستجاب و از حضرت رسول صلی الله علیه و اله
مرویست که دعای روزه دار رد نمیشود و بدرجه قبول میرسد و از انجمله
حالت بجای اوردن حج و عمره است چه در حدیث واقع شده که بجای اورنده
حج و عمره دعایش مستجابست و هر چه سؤال کند عطا میفرماید خدای
تعالی و از انجمله حالتیست که طهارت کرده و در جای نماز خود نشسته
منتظر نماز باشد **و از انجمله** حالتیست که از برای چهل کس از برادران مؤمن
دعا نماید که هر یک از ایشانرا با پدر ایشان نام برد **و از انجمله** حالت حج

است چه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود بر تو باد دعا کردن
در وقت سجده که بنده در حال سجود از همه احوال بخدای تعالی نزدیکتر است
وازآنجمله حالتیست که انگشتر فیروزه در دست داشته باشی چه از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله مرویست که خدای تعالی میفرماید که من حیا
میکنم از بنده که دست بدعا بردارد و در دست او انگشتر فیروزه باشد
رد نمایم او را خالی و دعای او را مستجاب نکرده ام و همچنین در حالتی که
انگشتر عقیق در دست داشته باشد چه از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که بر داشته نمیشود دستی بدعا دوستتر بسوی خدا از دستی
که در آن انگشتر عقیق باشد و نیز وارد شده که هر که صباح کند و در دست
او انگشتر عقیق باشد قبل از آنکه او کسی را ببیند نگین انگشتر را بکف
دست بگرداند و سوره قدر بخواند و بعد از آن بگوید آمنت بالله وحده
لا شریک له و آمنت بسر آل محمد و علانیتهم و ولایتهم خدای تعالی
نگاه دارد او را در آن روز از شر هر بلائی که از آسمان نازل شود و در امان
خدا و رسول خدا باشد تا شب و از حضرت امام رضا علیه السلام
مرویست که حضرت ابو عبدالله علیه السلام فرموده که هر که فرا گیرد
انگشتری که نگین آن عقیق باشد محتاج نشود و گذارده نمیشود مهمی
که او را باشد مگر بوجه احسن و فرموده که عقیق پناه هست در سفر و میباید
که در دست راست کند وازآنجمله حالت مریض است و دعای مریض
از برای عیادت کننده مستجابست و در حدیث وارد شده که ناله
مریض بمنزله تسبیح و فریاد او بمنزله تهلیل و غلطیدن او بر فراش
بمنزله جهاد در راه خدا است و میریزد گناهان او همچنانکه میریزد
برگ از درختان و مرض پاک میسازد آدمی را چنانکه پاک میسازد
کوره آتش آهن را و مرض از برای مؤمن تطهیر و رحمت است و از برای

کافر عذاب و لعنت و هر که عیادت کند و بپرسد بیماری را برای خدا سؤال
نکند آن بیمار از برای پرسنده خود چیزی را مگر که اجابت کند حق تعالی
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هرگاه بنده بر طریقه
خیر باشد پس بیمار شود یا سفر اختیار کند یا عاجز گردد از عمل بسبب
پیری بنویسد حق تعالی از برای او مثل آنچه بود که عمل میکرد بعد از آن
خواند این آیه را که فلهم اجر غیر ممنون یعنی باشد ایشان را مزدی که
هرگز منقطع نگردد وازآنجمله حالت مظلوم است و نفرین مظلوم بر
ظالم و دعای مظلوم از برای کسی که او را یاری کند مستجابست و از
حضرت رسول علیه السلام منقولست که بپرهیزید از نفرین مظلوم که
دعای او را از حجابها میگذرانند تا آنکه خدای تعالی بسوی آن نظر کرده
میفرماید و میگوید بلند سازید دعای او را که من مستجاب میکنم وازآنجمله
حالت مایوسی از خلق است که مایوس سازد خود را از مردم و اعتماد
ننماید بغیر از خدای تعالی در حوائج خود بر کسی و توکل تمام بجناب
الهی داشته باشد و این بهترین حالاتست و در این حال بلاشک و ریب
دعا مستجابست چنانچه حق تعالی میفرماید و من یتوکل علی الله فهو
حسبه یعنی کسی که توکل نماید بر خدای تعالی پس بدرستی که خدای تعالی
کفایت کننده مهم و اجابت کننده حاجت اوست و از حضرت ابی عبدالله
علیه السلام منقولست که هرگاه خواهد احدی از شما که سؤال کند از
خدای تعالی چیزی را مگر آنکه عطا فرماید پس باید که مایوس و ناامید باشد
از تمام مردم و امید نداشته باشد مگر از خدا بدرستی که هرگاه دانست
خدای تعالی این را از دل او سؤال نمی نماید چیزی را مگر آنکه عطا فرماید
باو قسم نهم از اسباب اجابت دعا آنچه مرکبست از دعا و مکان
یعنی هرگاه در مکان مخصوصی دعای مخصوص خوانده شود در اثر آن

دعا حاجات روا میشود چنانچه روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام
که اگر کسی را حاجتی باشد بدرگاه حق عز و جل پس باید که بایستد بر سر مرقد
منور و قبر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و بگوید که یا ابا عبد
الله اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و انک حی عند ربک
ترزق فاسئل ربک فی قضاء حوائجی و همچنین نزد قبر حضرت امام علی نقی باید بخواند

دعائی که مذکور میشود

و روایت کند که مردی بود که او را نزد خلیفه چیزی از وظیفه بود که
هر سال میگرفت و خلیفه بر او غضب کرد و آن وظیفه را چند سال قطع
نمود پس آن مرد درد دل را بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام
عرض کرد از مردود ساختن وظیفه در سالهای دراز و التماس نمود
از آنحضرت علیه السلام که چون ملاقات نماید بخلیفه او را یاد کند
نزد وی و درخواهد از وی که وظیفه وی بوی باز گرداند آنحضرت
قبول و عدم قبول را هیچ نفرمود و آن مرد بیرون آمد از خدمت حضرت
و بخانه خود رفت چون شب در آمد خلیفه فرستاد و آن مرد را طلب
کرد پس او تهیه رفتن کرده از منزل بیرون آمد و روان شد تا رسیدن
او نزد خلیفه چند کس دیگر آمدند و بتعجیل او را بردند چون بدر خانه
رسید از دربان پرسید که امام علی بن محمد الهادی علیه السلم آمده
است باینجا دربان گفت نه پس او را باندرون بردند خلیفه که او را دید
نزدیک خود جای داد و امر کرد که وظیفه او را از گذشته و آینده
بدستور بدهند آنگاه آنمرد که از آنجا بیرون آمد دربانی که او را فتح
میگفتند گفت بوی که بگو آنحضرت را که تعلیم کند مرا آن دعائی که از
برای تو کرده در گذارد این مهم بعد از آنکه او بخدمت امام علیه السلم
آمد امام فرمود که مدعای تو بحصول پیوست گفت بلی و لیکن گفتند که
تو بوی التماس نکردی و این امر بوی نرسانیدی آنحضرت علیه السلم

فرمود

فرمود که حق سبحانه و تعالی از ما عهدی گرفته که التجا نبریم در مهمات مگر
بسوی او و سؤال نکنیم از غیر او چیزی پس ترسیدم که اگر تغییر کنم اثر تغییر
یابد آن حالی که با من است عرض کرد من دعا برای تو کردم در حاجات تو
و حق تعالی اجابت فرمود باحسن وجهی بی آنکه تشفع بریم بخلیفه پس آن
مرد گفت یا سیدی فتح دربان میگوید که تعلیم فرماید بمن آن دعائی که
از برای تو کرده فرمود که فتح ظاهرا با ما تولا دارد اما بباطن ندارد و
این دعا فایده دارد از برای کسی که با اهل بیت رسول تولا داشته باشد
لیکن این دعا بسیار است که میکنم نزد حاجتهای بزرگ و آن روا میشود
و من از حق تعالی درخواسته ام که این دعا نکند کسی بعد از من نزد یک قبر
من مگر که حق تعالی آنرا مستجاب گرداند از برای او و دعا اینست یا عدتی
عند العدد و یا رجائی و المعتمد یا کهفی و السند و یا واحد یا احد
یا قل هو الله احد اسئلک اللهم بحق من خلقته من خلقک و لم تجعل
فی خلقک مثلهم احدا ان تصلی علیهم و تفعل بی کذا و کذا و مثل
این قسم بسیار است که اقتصار میشود از آن بر این و بدانکه قول آنحضرت
که دعا مفید است برای داعی بشرط آنکه تولا داشته باشد بما که اهل
بیتیم اشارتست بشرط قبول دعا بلکه بشرط قبول عمل فرض او و نفل آن
و در همین معنی محمد بن مسلم روایت کرده از یکی از صادقین که گفتم مر او را که
ما می بینیم مردی از مخالفان بر شما که او را عبادت و اجتهاد و خشوع
و نیاز تمام می باشد آیا هیچ فایده کند او را این فرمود که یا محمد بدرستی
که مثل ما که اهل بیتیم مثل اهل بیتیست که بودند در میان بنی اسرائیل
چنانچه میبود یکی از ایشان که اجتهاد نمیکرد و جد در عبادت نمی نمود
در چهل شب الا که دعا میکرد و آن بحیز اجابت میرسید و مردی از ایشان
میبود که جد و سعی در عبادت مینمود چهل شب بعد از آن دعا مینمود

و مستجاب نمیشد دعای او آنکس آمد بخدمت حضرت عیسی علیه السلام
و شکایت او برد بسوی وی از احوالی که در او بود و درخواست که دعا کند
از برای او پس طهارت کرفت عیسی علیه السلام و نماز کذارد و دعا کرد از برای وی
آنکاه وحی آمد از جانب حق تعالی که ای عیسی بدرستی که بنده من می آید
بدرکاه من از غیر آن دری که می باید آمد و دعا میکند بدرکاه من و
در دل او شک است از تو پس اکر او دعا کند و تضرع نماید بسوی من
تا کردن او جدا شود و انکشتان او بریزد من دعای او را مستجاب نخواهم
کرد بعد از آن عیسی علیه السلام بجانب وی توجه فرمود و کفت تو
دعا میکنی خدا را و در دل تو شک است از پیغمبر او کفت یا روح الله
بخدا اکر اینچنین است که فرمودی پس درخواست کن از خدا که این شک را
از دل من ببرد پس آنحضرت از برای او دعا کرد پس حق تعالی از او بر
وی تفضل کرد و داخل کردید در سلک اهل بیت همچنین ما از اهل
بیتیم که قبول نمیفرماید حق تعالی عمل بنده را و حال آنکه او شک داشته
باشد در باره ما **قسم دهم** از اسباب اجابت آنکه مرکب است از دعا
و زمان چون دعای سمات خواندن در ساعت آخر روز جمعه و دعای
سمات مذکور خواهد شد در طی اعمال روز جمعه **اما آنکه** دعای او
مستجاب نمیشود روایت کرده جعفر بن ابرهیم از ابی عبد الله علیه السلم
که چهار تن را دعا مستجاب نمیشود دعای مردی که در خانه خود نشسته
و میکوید که بار خدایا روزی ده مرا پس میفرماید حق تعالی او را که نه
من فرموده بودم ترا بطلب رزق و مردی که او را زنی باشد و بر او دعا
بد کند پس میکوید مر او را که آیا من زمام اختیار او را بدست تو نداده
بودم و مردی که او را مالی بوده و تلف کرده آنرا و میکوید بار خدایا بر
من روزی بفرست میفرماید که من نفرموده بودم ترا بمیانه روی نکاه داشتن

در معاش آیا امر نکرده بودم ترا باصلاح حال و آنانکه انفاق کنند و نه
اسراف نمایند و نه بخل ورزند ممدوحند و دیکر مردی که او را مالی
بوده و بدیکری بعرض داده و بر او کواه نکرفته پس در وقت طلب انکار
مینماید حق سبحانه و تعالی میفرماید که آیا من ترا نفرموده بودم بکواه
کرفتن بر آن **باب سیم** در بیان تعقیب فرایض خمسه و آن مشتملست
بر هفت فصل **فصل اول** در فضیلت تعقیب و شرایط و آداب آن
بدانکه تعقیب نماز سنت مؤکد است و فضل آن بسیار و فواید آن بیشمار
و حق تعالی جل شانه خطاب فرموده بحضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله که فاذا فرغت فانصب و الی ربک حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرموده که یعنی چون از نماز فارغ شوی خود را بتعب انداز
در دعا و بسوی پروردکار خود رغبت کن و حاجات خود را از او طلب
کن و امید خود را از غیر او قطع کن و نیز آنحضرت امام محمد باقر علیه السلم
در تفسیر آیه مزبوره مرویست که یعنی بعد از سلام حاجات دنیا و آخرت
خود را از خدا طلب و بعد از دعا سؤال کن که خدا از تو قبول کند و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که از شما فارغ شود
از نماز پس دستها بلند کند بسوی آسمان و خود را بتعب افکند در دعا
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی میفرماید
ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از بامداد یکساعت و بعد از عصر یکساعت
تا من کارهای ترا بسازم و غم هر چیز را از تو بردارم و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که حق تعالی نمازها را در بهترین ساعات بر شما
واجب کردانیده است پس بر شما باد بدعا کردن بعد از نمازها و از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که تعقیب بعد از نماز
بامداد و نماز عصر روزی را زیاد میکرداند و از حضرت امام رضا علیه السلم

منقولست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بنده را بعد از
هر نماز واجب نزد خدای تعالی دعای مستجابی هست و از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه بنده از نماز فارغ شود و از
خداوند خود حاجتی سؤال نکند حق تعالی با ملائکه میگوید که نظر
کنید بسوی این بنده من که فریضه مرا ادا کرد و حاجت خود را از من سؤال
نکرد گویا او بی نیاز است از من بگیرید نماز او را و بزنید بر روی او
اما آداب وحقیقت تعقیب ظاهرش آنست که تلاوت قرآن و دعا
و ذکر که متصل بنماز واقع شود عرفا داخل تعقیب باشد چنانچه مؤلف
مقباس المصابیح رحمه الله ایراد نموده و افضل آنست که با وضو باشد
و رو بقبله و بهتر آنست که بر هیأت تشهد نشسته باشد و سخن با کسی
نگوید و مشغول امر دیگر نشود در اثنای تعقیب خصوصا در تعقیب
نماز شام و بعضی از علما گفته اند که بهتر آنست که جمیع شرایط نماز را
در تعقیب رعایت کند و ظاهر اینست که بر هر حالی که بعد از نماز مشغول
تلاوت قرآن و دعا و ذکر باشد ثواب تعقیب فی الجمله داشته باشد اگرچه
در راه رفتن باشد و در روایت دیگر وارد شده که تا وضو داری ثواب
تعقیب داری **فصل دویم** در تعقیبات بعد از فرایض خمسه و آن
بسیار است و افضل تسبیح حضرت سیدة النسا فاطمه زهرا علیها السلم
است و احادیث در فضیلت آن زیاده از حد و احصاست **چنانکه**
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ما امر میکنیم کودکان خود
را بتسبیح فاطمه چنانچه امر میکنیم ایشان را بنماز پس ترک نکنید آن را که
هر که مداومت کند بر آن شقی و بدبخت نمیشود **و در روایات معتبره**
وارد شده که ذکر کثیر که خدا در قرآن مجید بآن امر فرموده تسبیح حضرت
فاطمه است و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید خدا را بسیار

یاد کرده و بآیه واذکروا الله ذکرا کثیرا عمل نموده و در روایت معتبر
از حضرت باقر علیه السلام مرویست که عبادت الهی کرده نشده است
بچیزی از تمجید و تعظیم که بهتر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بوده
باشد و اگر از آن چیزی بهتر بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنرا
بحضرت فاطمه عطا مینمود و نیز از آنحضرت علیه السلام بسند معتبر
مرویست که هر که تسبیح فاطمه علیها السلام بگوید و بعد از آن استغفار
کند خدا او را بیامرزد و آن بر زبان صد است و در میزان عمل هزار و
شیطان را دور میکند و خدا را خوشنود میگرداند و بسندهای صحیح از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که تسبیح آنحضرت را بعد از
نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیأت نماز بگرداند آمرزیده شود و
بهشت او را واجب گردد و در حدیث معتبر دیگر فرموده که تسبیح آن
حضرت بعد از هر نماز خواندن بهتر است از آنکه هر روز هزار رکعت
نماز بگذارد **اما در کیفیت** اختلافی در احادیث هست و اشهر و اظهر
آنست که سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و
سه مرتبه سبحان الله بگوید و بعضی از روایات سبحان الله پیش از
الحمد لله وارد شده و بعضی از علما جمع باین نحو کرده اند که بعد از نماز
بطریق اول بخوانند و در هنگام خواب کردن بطریق ثانی و ظاهر مطلقا
بطریق اول که مشهور است اولی باشد و سنت است که بعد از اتمام تسبیح
یکمرتبه لا اله الا الله بگوید چنانچه از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که هر که بعد از نماز فریضه تسبیح فاطمه علیها السلام بگوید و
از عقب آن یکمرتبه لا اله الا الله بگوید خدای تعالی او را بیامرزد
و بهتر آنست که از تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلم سبحه
کرده حساب از آن نگاه دارد و تسبیح تربت مقدس آنحضرت را با خود

داشتن مستحب و حرز از بلاها است و موجب ثواب بی انتها و از حضرت
صاحب الامر علیه السلام مرویست که هرکرا تسبیح تربت امام حسین ع
در دست باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذکر برای او نوشته میشود
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه بتسبیح تربت حضرت
امام حسین علیه السلام یک تسبیح بگوید حق تعالی برای او چهارصد
حسنه بنویسد و چهارصد گناه از او محو کند و چهارصد حاجت او را
برآورد و چهارصد درجه برای او بلند گرداند و ظاهر آنست که تسبیح
خام و پخته هر دو خوبست و خام بهتر است و مرویست که مستحب است
که رشته اش کبود باشد برنگ آسمان و منقولست که در ابتدا حضرت
فاطمه علیها السلام رشته از پشم تابیده بودند و بر آن گرهها زده تسبیح
میگفتند تا آنکه حمزة بن عبد المطلب رضی الله عنه شهید شد پس
حضرت فاطمه علیها السلام از تربت قبر آن شهید بزرگوار خاک برگرفت
و تسبیح ساخت و بآن تسبیح میکرد مردم نیز چنان کردند و چون حضرت
سید الشهداء امام حسین علیه السلم شهید شدند سنت شد که از
تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و بآن ذکر گویند و مستحب است که
بعد از سلام نماز فریضه دستها را بردارند تا برابر گوش و محاذی
صورت و بر گردانند تا بر زانو یا نزدیک بآن و با هر مرتبه یکمرتبه الله اکبر
بگوید و دست بر زانو زدن شرط نیست بلکه بدعتست چنانچه علی
بن ابرهیم و سید بن طاوس و ابن بابویه رضی الله عنهم بسندهای
معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که مفضل بن عمر
از آنحضرت پرسید که بچه علت نماز گذارنده بعد از سلام سه مرتبه
تکبیر میگوید و دست بر میدارد فرمود که برای آنکه چون حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله فتح مکه نمود نزد حجر الاسود نماز ظهر با اصحاب خود

ادا کرد

ادا کرد و سه نوبت تکبیر گفت و با هر نوبت دست برداشت پس گفت لا
اله الا الله وحده وحده تا علی کل شیء قدیر پس رو بجانب اصحاب کرد
و فرمود که ترک مکنید این تکبیر و این دعا را بعد از هر نماز فریضه زیرا
که هرکه بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت
اسلام و لشکر اسلام و دعا اینست لا اله الا الله وحده وحده
و انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و هزم الاحزاب وحده
فله الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و
هو علی کل شیء قدیر پس بخواند این دعا را لا اله الا الله الها واحدا
و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین
و لو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین
پس بخواند این استغفار را که کلینی بسند معتبر از حضرت باقر علیه السلم
روایت کرده که هرکه بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پای خود را بگرداند
سه مرتبه این استغفار را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد اگرچه
مانند کف دریا باشد در بسیاری استغفر الله الذی لا اله الا
هو الحی القیوم ذا الجلال و الاکرام و اتوب الیه پس بخواند این
دعا را که کلینی و ابن بابویه بسندهای معتبر از حضرت باقر علیه السلم
روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را
بشیبة هذلی تعلیم فرمودند که بعد از هر نماز بخواند و فرمودند که اگر
بر این دعا مواظبت نماید و عمدا ترک نکند تا وقت مردن چون بصحرای
محشر درآید هشت در بهشت برای او گشوده شود که از هر دری که خواهد
داخل شود اللهم اهدنی من عندک و افض علی من فضلک و
انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک سبحانک لا اله الا
انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر الذنوب کلها جمیعا

الا انت پس بخوان این دعا را که کلینی و ابن بابویه بسندهای صحیح از
حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت
کرده اند که کمتر چیزی که ترا مجزیست بعد از نماز واجب آنست که
بگوئی اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط به علمک و اعوذ
بک من کل سوء احاط به علمک اللهم انی اسئلک عافیتک فی
اموری کلها و اعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة و من
اهوال یوم القیمة و بخوان این دعا را که کلینی بسند معتبر از علی بن
مهزیار روایت کرده که محمد بن ابرهیم بخدمت امام علی نقی علیه السلم
نوشت که اگر مصلحت دانی ای سید من تعلیم نما مرا دعائی که بعد از
نمازها بخوانم تا حق تعالی جمع نماید برای من خیر دنیا و آخرت را پس
آنحضرت علیه السلام نوشت که میگوئی بعد از هر نماز اعوذ بوجهک
الکریم و عزتک التی لا ترام و قدرتک التی لا یمتنع منها شیء من
شر الدنیا و الآخرة و من شر الاوجاع کلها لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من
الذل و کبره تکبیرا پس بخوان تسبیح حضرت فاطمه را که فضیلت
آن مذکور شد و بعد از آن بخوان این دعا را که سید ابن طاوس رضی
الله عنه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که
بعد از تسبیح فاطمه علیها السلام این دعا بخواند حق تعالی جمیع گناهان
او را بیامرزد و از ساعتی که این دعا را میخواند تا یکسال عافیت یابد
از پریشانی و تنگدستی و دیوانگی و خوره و پیسی و مرگهای بد و از
هر بلائی که نازل گردد بسوی زمین و نوشته شود برای او بسبب این دعا
شهادت اخلاص با ثواب آن تا روز قیامت و ثواب آن بهشت است

البته

البته راوی گفت که برای او این ثواب خواهد بود هرگاه در عرض یکسال
هر روز این دعا بخواند حضرت فرمود که بلکه اگر سالی یکمرتبه این دعا
بخواند این ثواب از برای او خواهد بود و دعا اینست لا اله الا الله
ان الله و ملئکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه
و سلموا تسلیما لبیک اللهم لبیک و سعدیک اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اهل بیت محمد و ذریة محمد علیه و علیهم السلام
و رحمة الله و برکاته و اشهد ان التسلیم منا لهم و الایتمام بهم و
التصدیق لهم ربنا آمنا و صدقنا رسولک و سلمنا تسلیما ربنا
آمنا بما انزلت و اتبعنا الرسول و آل الرسول فاکتبنا مع الشاهدین
اللهم صب الرزق علینا صبا صبا بلاغا للآخرة و الدنیا من غیر
کد و لا نکد و لا من من احد من خلقک الا سعة من رزقک و طیبا
من وسعک من یدک الملأی عفافا لا من ایدی لئام خلقک انک
علی کل شیء قدیر اللهم اجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و
الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السعة فی رزقی و ذکرک
باللیل و النهار علی لسانی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی اللهم
لا تجدنی حیث نهیتنی و بارک لی فیما اعطیتنی و ارحمنی اذا توفیتنی
انک علی کل شیء قدیر و ابن بابویه رحمة الله علیه در کتاب من لا یحضر
گفته که چون از تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها فارغ شوی بگوی
اللهم انت السلام و منک السلام و لک السلام و الیک یعود السلام
سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد
لله رب العالمین السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته
السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علی جمیع انبیاء الله
و رسله و ملئکته السلام علینا و علی عباد الله الصالحین السلام

على علي امير المؤمنين السلام على الحسن والحسين سيدي شباب اهل
الجنة اجمعين السلام على علي بن الحسين زين العابدين السلام على
محمد بن علي باقر علم النبيين السلام على جعفر بن محمد الصادق السلام
على موسى بن جعفر الكاظم السلام على علي بن موسى الرضا السلام
على محمد بن علي الجواد السلام على علي بن محمد الهادي السلام
على الحسن بن علي الزكي العسكري السلام على حجة بن الحسن
القائم المهدي پس هر حاجتی که داری از خدای تعالی بطلب پس
بخوان این تسبیحات را که کفعمی روایت کرده که حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله در شب معراج ملکی را دید که هزار هزار سر داشت و در هر
سری هزار هزار رو و در هر روی هزار هزار زبان و در هر زبانی هزار
هزار لغت روزی از حق تعالی سؤال کرد که آیا ترا بنده هست که عبادتش
مانند عبادت من باشد حق تعالی وحی کرد با و که مرا در زمین بنده
هست که عبادتش از تو فزونتر و تسبیحش از تو بیشتر است پس ملک
از حق تعالی رخصت طلبید که بزیارت او رود چون رخصت یافت
و بزمین آمد ندید از عبادت او مگر آنکه بعد از هر نماز این تسبیحات
میخواند سبحان الله کلما سبح الله شیء وکما یحب الله ان یسبح وکما
هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله والحمد لله کلما حمد الله
شیء وکما یحب الله ان یحمد وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه
وعز جلاله ولا اله الا الله کلما هلل الله شیء وکما یحب الله ان
یهلل وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله والله اکبر
کلما کبر الله شیء وکما یحب الله ان یکبر وکما هو اهله وکما ینبغی
لکرم وجهه وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اکبر علی کل نعمة انعم بها علی وعلی کل احد من خلقه ممن

کان او یکون الی یوم القیمة اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وآل
محمد واسئلک خیر ما ارجو وخیر ما لا ارجو واعوذ بک من شر ما
احذر ومن شر ما لا احذر پس بخوان سوره فاتحه وآیة الکرسی وآیه
شهادت وآیه ملک وآیه سخره را چنانچه روایت شده از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله که هر بنده که بعد از هر نماز فریضه بخواند این آیات را
حق تعالی ساکن میکند او را در حظیره قدس با هر گناهی که داشته باشد
و هر روز هفتاد بار برا و نظر رحمت میکند و هفتاد حاجت او را روا
میکند که ادنای آن حاجات بخشایش گناهان باشد و بسند معتبر
از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که آیة الکرسی بعد
از هر نماز فریضه بخواند او را گزنده ضرر نرساند و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود یا علی بر تو باد
بتلاوت آیة الکرسی بعد از هر نماز فریضه بدرستی که مواظبت نمیکند
بر آن مگر پیغمبری یا صدیقی یا شهیدی و از حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله منقولست که هر که آیة الکرسی بعد از هر نماز بخواند
مانعی نباشد او را از داخل شدن بهشت بغیر از مرگ آیة الشهادة
شهد الله انه لا اله الا هو والملئکة واولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام
وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم
بغیا بینهم ومن یکفر بایات الله فان الله سریع الحساب آیة
الملک قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع
الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر
انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار فی
اللیل وتخرج الحی من المیت وتخرج المیت من الحی وترزق من

ثناء بغیر حساب **آیه السخره** اِنَّ رَبَّکُمُ اللهُ الَّذی خَلَقَ السَّمواتِ وَالاَرضَ
فی سِتَّةِ اَیّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی العَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثیثاً
وَالشَّمْسَ وَالقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِاَمْرِهِ اَلا لَهُ الخَلْقُ وَالاَمْرُ تَبارَکَ
اللهُ رَبُّ العالَمینَ اُدْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَخُفْیَةً اِنَّهُ لا یُحِبُّ المُعْتَدینَ
وَلا تُفْسِدُوا فِی الاَرْضِ بَعْدَ اِصْلاحِها وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً
اِنَّ رَحْمَةَ اللهِ قَریبٌ مِنَ المُحْسِنینَ **پس بخوان** ده آیه از اول و الصافات
و سه آیه از آخر آن و سه آیه از سوره الرحمن و چهار آیه از آخر سوره حشر
چنانچه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که این
آیات در شب یا روز بخواند و در آن شب یا در آن روز بمیرد بهشت
از برای او واجب باشد و گناهان گذشته و آینده اش بخشیده شود
آیات اول الصافات و آخرها بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَالصّافّاتِ
صَفّاً فَالزّاجِراتِ زَجْراً فَالتّالِیاتِ ذِکْراً اِنَّ اِلهَکُمْ لَواحِدٌ رَبُّ
السَّمواتِ وَالاَرْضِ وَما بَیْنَهُما وَرَبُّ المَشارِقِ اِنّا زَیَّنَّا السَّماءَ
الدُّنْیا بِزینَةٍ الکَواکِبِ وَحِفْظاً مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ مارِدٍ لا یَسَّمَّعُونَ
اِلَی المَلَاِ الاَعْلی وَیُقْذَفُونَ مِنْ کُلِّ جانِبٍ دُحُوراً وَلَهُمْ عَذابٌ
واصِبٌ اِلّا مَنْ خَطِفَ الخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهابٌ ثاقِبٌ سُبْحانَ
رَبِّکَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی المُرْسَلینَ وَالحَمْدُ لِلّهِ
رَبِّ العالَمینَ **آیات سوره رحمن** یا مَعْشَرَ الجِنِّ وَالاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ
اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطارِ السَّمواتِ وَالاَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ
اِلّا بِسُلْطانٍ فَبِاَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ یُرْسَلُ عَلَیْکُما شُواظٌ
مِنْ نارٍ وَنُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ **آیات آخر الحشر** لَوْ اَنْزَلْنا هذَا القُرْآنَ
عَلی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللهِ وَتِلْکَ الاَمْثالُ
نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ هُوَ اللهُ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ عالِمُ

الغیب

الغَیْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ هُوَ اللهُ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ المَلِکُ
القُدُّوسُ السَّلامُ المُؤْمِنُ المُهَیْمِنُ العَزیزُ الجَبّارُ المُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللهِ
عَمّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللهُ الخالِقُ البارِئُ المُصَوِّرُ لَهُ الاَسْماءُ الحُسْنی
یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّمواتِ وَالاَرْضِ وَهُوَ العَزیزُ الحَکیمُ **پس بخوان**
این دعا را که سنت است که چون از نماز فارغ شوی بگوئی اَللّهُمَّ صَلِّ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَجِرْنی مِنَ النّارِ وَارْزُقْنِی الجَنَّةَ وَزَوِّجْنی
الحُورَ العینَ چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که باید بنده از نماز فارغ شود تا آنکه از حق تعالی سؤال
کند بهشت را و پناه برد بخدا از آتش جهنم و سؤال کند تزویج حور العین را
و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فراموش
مکنید دو چیز را که بر شما واجب شده است اول آنکه سؤال کنید
بهشت را دویم آنکه سؤال کنید خلاصی از جهنم را و بسند صحیح دیگر از
آنحضرت علیه السلام روایت شده که چون بنده از جای نماز برخیزد
و از خدا بهشت و حور العین و خلاصی از جهنم را سؤال نکند حور بان
بهشت گویند این بنده ما را نمیخواهد و بهشت گوید که این بنده بمن
رغبت ندارد و جهنم گوید که این بنده مرا نمیشناسد و شدت عذاب
مرا نمیداند و فرمود که هر بنده که صلوات یا سلام بر حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرستد البته بآنحضرت میرسد و میشنود
پس بخوان تسبیحات اربع را چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری
بسندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که
روزی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله با اصحاب خود گفت که اگر
جمع کنید آنچه دارید از جامها و ظرفها و بر روی هم گذارید آیا بآسمان
میرسید گفتند نه یا رسول الله فرمود که میخواهید تعلیم کنم شما را

چیزی که اصلش در زمین است و شاخش در آسمان گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که بعد از هر نماز سی مرتبه بگویید سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر که اصل اینها در زمین است و فرعشان در آسمان
و دفع میکند از آدمی خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن و در
چاه افتادن و دریدن از درندگان و مرگهای بد مردن و هر بلائی
که در آن روز از آسمان نازل میگردد و اینهایند باقیات صالحات
که حق تعالی در قرآن مجید فرموده است و بسندهای صحیح دیگر منقولست
که ذکر کثیر که خدا در قرآن بآن امر فرموده اینست و در حدیث صحیح دیگر
از آنحضرت مرویست که هر که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه
چهل نوبت بخواند پیش از آنکه از جای نماز حرکت کند هر حاجتی
که از خدا سؤال کند روا گردد **پس بخوان** این تهلیل را که برقی بسند
موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از
فراغ از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای نماز حرکت دهد
ده مرتبه این تهلیل را بخواند حق تعالی چهل هزار گناه او را محو کند
و چهل هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده مرتبه
قرآن را ختم کرده باشد و فرمود که من صد مرتبه میخوانم و شما را ده مرتبه
کافیست **تهلیل اینست** اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و فضیلت
این تهلیل بسیار واقع شده خصوصا در تعقیب نماز صبح و شام
هنگام طلوع و غروب آفتاب **پس بخوان** این دعا را که کلینی و ابن
بابویه و دیگران بسندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده اند که حضرت جبرئیل بنزد حضرت یوسف آمد در
زندان و گفت بعد از هر نماز بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد

واجعل

واجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و
من حیث لا احتسب **پس بخوان** این دعا را که کفعمی در کتاب بلد الامین
از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است که بخوان
از برای طلب روزی بعد از هر نماز فریضه این دعا را یا من یملک
حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک
سمع حاضر و جواب عتید و لکل صامت منک علم باطن محیط
اسئلک بمواعیدک الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک
الواسعة و سلطانک القاهر و ملکک الدائم و کلماتک التامات
یا من لا تنفعه طاعة المطیعین و لا تضره معصیة العاصین صل
علی محمد و آل محمد و ارزقنی من فضلک و اعطنی فیما ترزقنی
العافیة برحمتک یا ارحم الراحمین **پس بخوان** این دعا را که شیخ
مفید علیه الرحمه در کتاب مجالس از محمد بن حنفیه روایت کرده که
روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در طوف کعبه طواف میکرد
ناگاه مردی را دید که چنگ در پردهای کعبه زده و این دعا میخواند
پس حضرت امیر گفت اینست دعای تو گفت بلی مگر شنیدی حضرت
فرمود که بلی شنیدم گفت پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز بخدا
سوگند که هر مؤمنی که این دعا را بخواند بعد از نمازها البته حق تعالی
می‌آمرزد گناهان او را هرچند بعدد ستارهای آسمان و قطرهای
باران و ریگ زمین و ذرهای خاک آن باشد پس حضرت امیر علیه السلام
فرمود که من میدانم این را و حق تعالی واسع العطا و کریم است آنمرد
گفت راست گفتی یا امیر المؤمنین و بالای هر دانائی دانائی هست
و آنمرد خضر علیه السلام بود و کفعمی نیز این دعا را در کتاب بلد الامین
روایت کرده یا من لا یشغله سمع عن سمع و یا من لا یغلطه السائلون

ویا من لا یبرمه الحاح الملحین اذقنی برد عفوک ومغفرتک وحلاوة رحمتک **پس بخوان** این دعا را که کفعمی در بلد الامین روایت کرده که هر که خواهد که خدای تعالی او را در قیامت بر اعمال بد او مطلع نکرداند ودیوان گناهان او را نگشاید باید که بعد از هر نماز این دعا بخواند اللهم ان مغفرتک ارجی من عملی وان رحمتک اوسع من ذنبی اللهم ان کان ذنبی عندک عظیما فعفوک اعظم من ذنبی اللهم ان لم اکن اهلا ان ترحمنی فرحمتک اهل ان تبلغنی وتسعنی لانها وسعت کل شیء برحمتک یا ارحم الراحمین **پس بخوان** این دعا را که ابن بابویه وشیخ طوسی وغیر ایشان بسندهای معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که خواهد که بیرون رود از دنیا وحال آنکه پاک شده باشد از گناهان چنانچه پاک میشود طلا از غش واز او احدی باز خواست مظلمه نماید در قیامت پس بخواند بعد از نمازهای پنجگانه سوره قل هو الله احد را دوازده مرتبه پس دستها را بسوی آسمان بگشاید واین دعا بخواند وحضرت فرمود که این از رازهای مکنون است که تعلیم کرد مرا رسول خدا صلی الله علیه وآله وامر کرد که تعلیم نمایم بحسن وحسین صلوات الله علیهما **ودعا اینست** اللهم انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطهر الطاهر المبارک واسئلک باسمک العظیم وسلطانک القدیم یا واهب العطایا یا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار ان تصلی علی محمد وال محمد وان تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا سالما وتدخلنی الجنة امنا وان تجعل دعائی اوله صلاحا واوسطه نجاحا واخره فلاحا انک انت علام الغیوب **وکلینی بسند حسن** روایت کرده از حضرت صادق

علیه السلام که کسی که بگوید در عقب هر نماز فریضه سه بار اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وخواتیم عملی فی دینی وما رزقنی ربی ومن یعنینی امره بالله الواحد الاحد الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وبرب الفلق تا آخر سوره وبرب الناس تا آخر سوره حفظ کند خدا او را ومال وفرزندان وبرادران وخانه او را **وایضا بسند معتبر** از آنحضرت روایت کرده که هر که این دعا بعد از هر نماز واجب بخواند جان وخانه ومال وفرزندانش از بلاها محفوظ گردد اجیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد تا آخر سوره واجیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی برب الفلق تا آخر سوره واجیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی برب الناس تا آخر سوره واجیر نفسی ومالی وولدی وکل ما هو منی بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم تا العلی العظیم **وبخوان** دعای حضرت امام حسین علیه السلام را چه در حدیث طولانی منقول است که مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که بدرستی که نیست هیچ افریده که بخواند دعای حضرت امام حسین علیه السلم را بعد از هر نماز فریضه مگر آنکه محشور میشود با آنحضرت وشفیع او خواهد بود در آخرت وبرطرف میکند خدا اندوه او را ومیدهد قرض او را واسان میگرداند کار او را وواضح میسازد که باسانی بمطلب برسد ویاری میدهد او را خدای تعالی بر دشمن او وهرگز او را رسوا نمیکند در دنیا وآخرت وروشن میگرداند سینه او را وتلقین میکند او را کلمه شهادت نزد مردن وبیرون رفتن روح او از بدن **دعا اینست** اللهم انی اسئلک بکلماتک

ومعاقد عرشك وسكان سمواتك وارضك وانبيائك ورسلك
ان تستجيب لي فقد رهقني من امري عسر فاسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل لي من عسري يسرا **وچون در حديث** مذكور
مرويست كه هر كه دعاى هر يك از ائمه طاهرين صلوات الله عليهم
اجمعين را بعد از هر نماز واجب بخواند با آنحضرت محشور ميشود و
رفيق او خواهد بود در آخرت بنابر آن اين دعا را كه صاحب مهج
از حضرت صاحب الزمان عليه السلام ذكر كرده نوشته ميشود الهي
بحق من ناجاك وبحق من دعاك في البر والبحر تفضل على فقراء
المؤمنين والمؤمنات بالغنى والثروة وعلى مرضى المؤمنين والمؤمنات
بالشفاء والصحة وعلى احياء المؤمنين والمؤمنات باللطف و
الكرم وعلى اموات المؤمنين والمؤمنات بالمغفرة والرحمة وعلى
غرباء المؤمنين والمؤمنات بالرد الى اوطانهم سالمين غانمين
بحق محمد وآله اجمعين **وبخوان** اين دعا را كه شيخ طوسى بسند معتبر
از محمد بن سليمان ديلمى روايت كرده كه بخدمت حضرت صادق عليه السلام
عرض كردم كه شيعيان تو ميگويند كه ايمان بر دو قسم است يكى آنكه
مستقر و ثابت است و ديگرى آنكه بامانت سپرده شده و زايل ميگردد
پس بمن بياموز دعائى كه هر گاه بخوانم ايمان من كامل گردد و زايل
نشود فرمود كه بگو بعد از هر نماز واجب رضيت بالله ربا وبمحمد
نبيا وبالاسلام دينا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبعلي
وليا واماما وبالحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي و
جعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي
بن محمد والحسن بن علي والحجة بن الحسن صلوات الله عليهم ائمة
اللهم اني رضيت بهم ائمة فارضني لهم انك على كل شيء قدير

وبخوان اين دعا را كه ابن بابويه وشيخ طوسى وغير ايشان بسندهاى معتبر
از حضرت صاحب الامر صلوات الله عليه روايت كرده اند كه حضرت
امير المؤمنين عليه السلام بعد از هر نماز فريضه ميخواندند اللهم
اليك رفعت الاصوات ولك عنت الوجوه ولك خضعت الرقاب
واليك التحاكم في الاعمال يا خير من سئل ويا خير من اعطى يا
صادق يا بارئ يا من لا يخلف الميعاد يا من امر بالدعاء ووعد
الاجابة يا من قال ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون عن
عبادتي سيدخلون جهنم داخرين يا من قال واذا سألك عبادي
عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا
بي لعلهم يرشدون ويا من قال يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم
لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور
الرحيم لبيك وسعديك ها انا ذا بين يديك المسرف على نفسي و
انت القائل لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا
انه هو الغفور الرحيم **وبخوان اين دعا را** كه شيخ طوسى وشيخ طبرسى وكفعمى
رحمهم الله بسندهاى معتبر از حضرت موسى بن جعفر روايت كرده اند
كه از جمله حق واجب ما بر شيعيان است كه پاهاى خود را نگردانند
از نماز فريضه تا آنكه بگويند اللهم ببرك القديم ورأفتك ببريتك
اللطيفة وشفقتك بصنعتك المحكمة وقدرتك بسترك الجميل
وعلمك صل على محمد وآل محمد واحي قلوبنا بذكرك واجعل ذنوبنا
مغفورة وعيوبنا مستورة وفرائضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة
وقلوبنا بذكرك معمورة ونفوسنا بطاعتك مسرورة وعقولنا
على توحيدك مجبورة وارواحنا على دينك مفطورة وجوارحنا
على خدمتك مقهورة واسمائنا في خواصك مشهورة وحوائجنا

لدیک میسورة وارزاقنا من خزائنک مدرورة انت الله الذی لا
اله الا انت لقد فاز من والاک وسعد من ناجاک وعز من ناداک
وظفر من رجاک وغنم من قصدک وربح من تاجرک پس بخوان این
دعا را که ابن طاوس بسند معتبر روایت کرده است که واجب و لازم
است که در آخر دعاهائی که در تعقیب نمازها میخوانند این دعا خوانند
اللهم انی وجهت وجهی الیک واقبلت بدعائی علیک راجیا
اجابتک طامعا فی مغفرتک طالبا ما اوجبت به علی نفسک منجزا
وعدک اذ تقول ادعونی استجب لکم فصل علی محمد وآل محمد و
اقبل الی بوجهک واغفر لی وارحمنی واستجب دعائی یا اله العالمین
پس بخوان این سلام را که بسند صحیح در قرب الاسناد و غیر آن از کتب
معتبره روایت کرده اند که بزنطی بحضرت امام رضا علیه السلام عرض
کرد که ما را تسلیم صلوات بر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله را
بعد از هر نماز پس بفرمائید که سلام بر آنحضرت چگونه باید کرد حضرت
فرمودند چنین بگو السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته
السلام علیک یا محمد بن عبد الله السلام علیک یا خیرة الله
السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام
علیک یا امین الله اشهد انک رسول الله واشهد انک محمد بن
عبد الله واشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل
ربک وعبدته حتی اتاک الیقین فجزاک الله یا رسول الله افضل
ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد افضل ما
صلیت علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید مجید پس دو سجده شکر
بکن که اجماعی علمای شیعه است که سجده شکر سنت است در وقت
متجدد شدن نعمتی یا دفع شدن بلائی و بهترین سجدات سجده بعد از

نماز است

نماز است بجهت شکر توفیق ادای نماز و در حدیث صحیح از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که سجده شکر واجب است بر هر مسلمان و بسند
موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سجده بعد از
نماز واجب شکر خداست بر آنکه توفیق داده بنده خود را با دا کردن فرض
و کمترین آنچه در این سجده گویند آنست که سه مرتبه بگوید شکرا لله و
کیفیت این سجده آنست که مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند
و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن میگذارد و افضل آنست
که بر خلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند و سینه و شکم را بر زمین
برساند و سنت است که اول پیشانی را بر زمین گذارد پس طرف راست
رو و بعد از آن طرف چپ را و باز پیشانی را و باین سبب دو سجده
شکر میگویند و ظاهرا بدون ذکر نیز بعمل می آید و سنت است که ذکری
کرده شود و افضل آنست که سجده شکر بعد از اتمام همه تعقیبات
باشد و پیش از نوافل و در نماز مغرب اکثر علما گفته اند که بعد از
نوافل بعمل آورد و بعضی قبل از نوافل گفته اند و ظاهرا هر دو خوبست
و پیش از نوافل بجا آوردن افضل است چنانچه حمیری از حضرت
صاحب الزمان علیه السلام روایت کرده است و اگر هر دو را بعمل
آورد شاید بهتر باشد و ادعیه و اذکار سجده بسیار است از آنجمله
بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که اگر خواهی
صد مرتبه شکرا شکرا بگو و اگر خواهی صد مرتبه عفوا عفوا بگو و علامه
در جعفریات بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون سر بسجده میگذاشت این
دعا میخواند اللهم ان مغفرتک اوسع من ذنوبی ورحمتک ارجی
عندی من عملی فاغفر لی ذنوبی یا حی لا یموت و بسند صحیح در قصه

الرضا مذکور است که حضرت صادق علیه السلام نیز در سجود همین دعا را میخوانده **و از حضرت** امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که بهترین سخنان نزد حق تعالی آنست که بنده در سجده سه بار بگوید اِنّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی **و از انجمله** کلینی رحمه الله بسند معتبر روایت کرده است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در سجده این دعا میخوانده اعوذ بِکَ مِنْ نارٍ حَرُّها لا یُطْفیٰ وَ اعوذ بِکَ مِنْ نارٍ جَدیدُها لا یَبْلیٰ وَ اعوذ بِکَ مِنْ نارٍ عَطْشانُها لا یَرْویٰ وَ اعوذ بِکَ مِنْ نارٍ مَسْلوبُها لا یُکْسیٰ **و از انجمله** کلینی روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سجده این دعا میخواندند اِرْحَمْ ذُلّی بَیْنَ یَدَیْکَ وَ تَضَرُّعی اِلَیْکَ وَ وَحْشَتی مِنَ النّاسِ وَ اُنْسی بِکَ یا کَریمُ **و از انجمله** شیخ طوسی و دیگران گفته اند که سنت است که در سجود شکر نماز ظهر این دعا بخوانند یا خَیْرَ مَنْ رُفِعَتْ اِلَیْهِ اَیْدِی السّائِلینَ وَ یا اَکْرَمَ مَنْ مُدَّتْ اِلَیْهِ اَعْناقُ الرّاغِبینَ وَ یا اَکْرَمَ الْاَکْرَمینَ وَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ وَ الْطُفْ لی بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ فی شَأْنی کُلِّهِ **و از انجمله** شیخ طوسی و دیگران در سجده نماز خفتن گفته اند که سنت است خواندن این دعا اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجاءُ اِلّا مِنْکَ مِنْکَ یا اَحَدُ مَنْ لا اَحَدَ لَهُ یا اَحَدُ مَنْ لا اَحَدَ لَهُ یا اَحَدُ مَنْ لا اَحَدَ لَهُ غَیْرُکَ یا مَنْ لا یَزیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا کَرَماً وَ جُوداً یا مَنْ لا یَزیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا کَرَماً وَ جُوداً یا مَنْ لا یَزیدُهُ کَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا کَرَماً وَ جُوداً صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجت خود را میطلبی پس گوش راست و بعد از آن گوش چپ و بعد از آن پیشانی را بر زمین میگذاری و در هر مرتبه همین دعا را میخوانی **پس بخوان** این دعا را که شیخ در

مفتاح الفلاح جهت رفع شدائد و سختیها ذکر کرده است که در این سجده باید خواند یا سابِغَ النِّعَمِ یا دافِعَ النِّقَمِ یا بارِئَ النَّسَمِ یا مُجَلِّیَ الْهِمَمِ یا مُغَشِّیَ الظُّلَمِ یا کاشِفَ الضُّرِّ وَ الْاَلَمِ یا ذَا الْجُودِ وَ الْکَرَمِ یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ یا مُدْرِکَ کُلِّ فَوْتٍ یا مُحْیِیَ الْعِظامِ وَ هِیَ رَمیمٌ وَ مُنْشِئَها بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لی مِنْ اَمْری فَرَجاً وَ مَخْرَجاً یا ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ **بدانکه** این دعا را سید بن طاوس در مهج الدعوات باسناد صحیح از عبد الله بن مالک خزاعی روایت کرده که گفت طلب کرد مرا هرون الرشید پس گفت با من که ای عبد الله چون سر مرا نگاه میداری گفتم یا امیر المؤمنین من بنده ام از بندگان تو پس گفت برو در آن حجره و هر چه در آن باشد بردار و نگاه دار تا زمانی که من کیفیت آن از تو پرسم گفت رفتم بحجره پس امام موسی کاظم علیه السلام را دیدم بر او سلام کردم و او را بر اسب خود سوار کردم و بخانه بردم در حرمی که اهل و عیال من در آنجا میبود گذاشتم و در را بر او قفل کردم و کلید همراه بردم و هر روز خدمت امام خود میکردم و مدتی بر این بر آمد ناگاه روزی دیدم که شخصی از جانب هرون آمد و گفت امیر ترا میطلبد پس رفتم پیش هرون و او نشسته بود و از جانب راست و چپ او بالش نهاده پس سلام بر او کردم هرون گفت مصاحب توجه کرد و چون نشست گفتم که خوبست پس هرون گفت برو و سه هزار درهم باو بده و بخانه فرست عبد الله گفت برخواستم که بروم پس هرون گفت که میدانی که سبب خلاصی امام چه بود گفتم نه هرون گفت که بر جامه خواب خوابیدم که بجانب راست مغست پس در خواب دیدم که یکی بمن گفت یا هرون موسی بن جعفر را رها کن چون بیدار شدم گفتم مگر بواسطه خیالی که در باب امام داشتم این خواب را

دیدم پس برخاستم بجانب جامه خواب دست چپ میل کردم باز همان
شخص را دیدم گفت یا هرون امر کردم ترا که موسی بن جعفر را رها کنی
چرا نکردی پس بیدار شدم و از شیطان بخدا پناه جستم پس برخواستم
برای جامه خواب که اکنون نشسته ام خواب کردم باز آن شخص را دیدم
که در دستش حربه ایست که یک سر آن در مشرق و سر دیگر در مغرب
بود و بطرف من اشاره کرد و گفت والله ای هرون اگر امام را رها
نکنی هر اینه این حربه را بر سینه ات میزنم که از پشت بیرون رود
پس بیدار شدم و کس فرستادم بسوی تو پس برو و در حال او را از
زندان بیرون آر و زر بی که گفتم باو بده و او را روان ساز و این
قصه را بکسی ظاهر مکن که ترا میکشم گفت عبد الله که برگشتم و بجانب
خانه خود آمدم و آن حجره که امام علیه السلام در آنجا بود درش باز
کردم و نزد امام علیه السلام رفتم دیدم که امام بسجده رفته و در خواب
شده نشستم چندانکه امام علیه السلام بیدار شد و سر برداشت و
گفت یا عبد الله بکن آنچه مامور شده پس عرض کردم که یا مولای
سؤال میکنم از تو بخدا و بحق جدت رسول الله که امروز هیچ دعا
خوانده و فرج از خدا خواسته پس امام علیه السلام فرمود بلی چون
نماز فرض کردم و سر بسجده نهادم در سجده مرا خواب آمد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که بمن گفت یا موسی آیا میخواهی
که از این بند خلاصی یابی گفتم بلی یا رسول الله پیغمبر صلی الله علیه و
آله فرمود که این دعا بخوان امام علیه السلام فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله مرا تلقین دعا میکرد تا زمانی که شنیدم از آنحضرت
که مرا گفت بتحقیق که خدای تعالی مستجاب کرد دعای ترا پس گفتم باو
آنچه امر کرده مرا هرون و دادم بآنحضرت آن وجه را وچون سر از

سجده برداری بخوان این دعا را که ابن ادریس و دیگران باسناد معتبر
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر گاه ترا همی عارض
شود دست راست را بر جای سجده خود بکش و از جانب چپ روی خود دست
بمال و بر پیشانی تا جانب راست سه مرتبه و در هر مرتبه بگو
بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم
اللهم انی اعوذ بک من الهم و الحزن و السقم و العدم و الصغار
و الذل و الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و بخوان این دعا را که محمد بن
هرون در مجموع الدعوات از عدی بن حاتم روایت کرده که روزی
بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام رفتم حضرت را در نماز
یافتم با رنگ متغیر و کسی را بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
ندیده بودم که رکوع و سجودش از آنحضرت تمامتر باشد چون صدای
پای مرا شنید اشاره نمود بدست مبارک که باش پس دو رکعت نماز
کرد و بعد از سلام بسجده رفت و بسیار طول داد تا آنکه گمان کردم
که بخواب رفته است پس سر برداشت از سجده و این دعا خواند پس رو
بجانب من کرد آید و فرمود که بحق آن خداوندی که دانه را شکافته
و خلایق را آفریده سوگند که هر غمگین یا کار بسته یا غارت زده که
این دعا را بخواند البته حق تعالی بندش را بگشاید و غمش را زایل
گرداند و مهمانش را برآورد و سزاوار است که هر که این دعا را بشنود
حفظ کند راوی گفت تا این حدیث را از حضرت شنیده ام این
دعا را ترک نکرده ام و دعا اینست لا اله الا الله حقا حقا لا
اله الا الله ایمانا و صدقا لا اله الا الله تعبدا و رقا یا معز
المؤمنین بسلطانه یا مذل الجبارین بعظمته انت کهفی حین تعیینی
المذاهب عند حلول النوائب فتضیق علی الارض برحبها انت

خلقتنی یا سیدی رحمة منك لی و لولا رحمتك لكنت من الهالكين
و انت مؤیدی بالنصر علی اعدائی و لولا نصرك لكنت من المغلوبين
یا منشئ البركات من مواضعها و مرسل الرحمة من معادنها فیا من
خص نفسه بالعز و الرفعة فاولیاؤه بعزه یتعززون و یا من وضعت
له الملوك نیر المذلة علی اعناقهم فهم من سطواته خائفون
اسئلك بكبریائك التی شققتها من عظمتك و بعظمتك التی
استویت بها علی عرشك و علوت بها فی خلقك فكلهم خاضع ذلیل
لعزتك صل علی محمد و آله و افعل بی اولی الامرین بك تبارکت
یا ارحم الراحمین **فصل بیستم** در تعقیبات مخصوص نماز صبح و
آن زیاده از تعقیبات باقی نمازهاست و احادیث در فضیلت آن
تعقیب بسیارست چنانچه در روایات بسیار وارد شده که ما بین
طلوع صبح تا طلوع آفتاب روزی فرزند آدم را قسمت میکنند هر که
در آن وقت مشغول عبادت و دعا و تلاوت باشد روزی او فراخ میشود
و هر که در آن وقت بخواب رود از زیادتی روزی محروم میشود و خواب
آن وقت شومست و روزی را دور میکند و رنگ را زرد میکند و
رو را قبیح میکند زنهار که حذر کنید از این خواب و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب
کاملترست در تحصیل روزی از سفر کردن در زمین و از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که از طلوع صبح تا طلوع
آفتاب در مصلای خود قرار گیرد و بتعقیب مشغول باشد خدا او را
از آتش جهنم محفوظ گرداند و نیز از آنحضرت منقولست که هر که از
طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب حج برای او
نوشته شود و تعقیبات بسیارست **از آنجمله** ابن بابویه بسند معتبر

از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح
هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید خدا او را بیامرزد
هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه بکند و بروایت دیگر هفتصد گناه
و ابن بابویه بسند صحیح از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت
کرده که هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
در آن روز گناهی بر او نوشته نشود برغم انف شیطان **و در بلد الامین**
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که سوره توحید
را هر روز ده مرتبه بخواند در آن روز شیطان هر چند سعی کند گناهی
بر او نوشته نشود **و کلینی** بسند صحیح روایت کرده از حضرت صادق
علیه السلام که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید ما شاء الله
کان لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم در آن روز مکروهی نبیند
و شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده اند **و در بلد الامین**
روایت کرده که مردی بدردی مبتلا شد که اطبا از معالجه او عاجز
شدند روزی کتابی از کتب علما را گشوده در اول صفحه نظرش بر این
حدیث افتاد که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که علتی
داشته باشد بعد از نماز صبح چهل مرتبه این دعا بخواند چون چهل
روز مداومت کرد بر این دعا شفا یافت و بعد از آن تجربه بسیار از
این دعا نقل کرده **و ابن ادریس** در کتاب سرائر از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده که هر که هر روز سی مرتبه این دعا بخواند
حق تعالی نود و نه نوع بلا را از او دفع کند که ادنی آنها خوره باشد
و شیخ طوسی گفته که در تعقیب صبح سی مرتبه این دعا بخواند **و دعا
اینست** بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حسبنا
الله و نعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین لا حول و لا قوة

الا بالله العلی العظیم **وبسند ابن طاوس** بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید بسم
الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم باسم اعظم
خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بسفیدی آن **و بسندها** معتبر از
حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام منقولست که هر که
بعد از نماز صبح پیش از آنکه سخن گوید و حرکت کند هفت مرتبه این
ذکر را بخواند هفتاد نوع از بلا از او دور گردد که سهلترین آنها
خوره و پیسی و شر شیطان و شر پادشاهان باشد و در بعضی از
روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده و در بعضی ده مرتبه
و از اعظم این دعاست که شیخ طوسی و کفعمی و علامه حلی رضی الله عنهم
در تعقیب نماز صبح ایراد نموده اند و مسمی است بدعای حریق و سبب
این تسمیه آنست که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده اند که گفت شنیدم از پدرم که گفت روزی با پدرم
حضرت امام زین العابدین علیه السلام رفتیم بعیادت مرد پیری
از انصار ناگاه مردی آمد و گفت با پدرم که زود برگردید که آتش
در خانه شما افتاد و سوخت پدرم گفت والله نسوخته است برگرد
رفت و برودی معاودت نمود و گفت خانه شما سوخت پدرم سوگند
یاد کرد که نسوخته تا جمعی از یاران و خویشان آمدند و خبر سوختن
را گفتند و پدرم انکار کرد تا آنکه ظاهر شد که خانهای اطراف آن
حضرت سوخته بود و آنخانه مقدسه سالم مانده بود من از پدرم
پرسیدم که سبب این امر غریب چه بود که جمیع خانهای اطراف سوخت
و خانه شما محفوظ ماند حضرت فرمود که بسبب میراثیست که از
علوم حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بما رسیده و ما آنرا دوستتر

میداریم از دنیا و آنچه در آن هست از مال و جواهر و املاک و لشکر
و حربه و سلاح و آن سریست که حضرت جبرئیل علیه السلام برای حضرت
رسول صلی الله علیه و آله آورد و آنحضرت بحضرت امیر المؤمنین و
حضرت فاطمه علیهما السلام تعلیم نمود و بما میراث رسیده و این
دعای کامل است هر که این دعا را در اول روز بخواند در هر روز
حق تعالی موکل گرداند بر او هزار ملک که حفظ نمایند جان و اهل
و فرزندان و مال و حشم و خدم او را از هر چه اعتنا بشان آید
از سوختن و غرق شدن و لقمه در گلو ماندن و خانه بر او شدن و
بر زمین فرو رفتن و عذابهای آسمانی و ایمن گرداند خدا او را از
شر شیطان و شر پادشاهان و شر هر صاحب شری و در امان و ضمان
خدا باشد و اگر با اخلاص و یقین بخواند خدا ثواب صد صدیق او را
کرامت فرماید و اگر در آن روز بمیرد داخل بهشت شود پس ای فرزند
این دعا را حفظ کن و تعلیم مکن مگر بکسی که اعتماد بر او داشته باشی
زیرا که برای هر حاجت که خوانده شود بر آورده میشود **دعا اینست**
اللهم انی اصبحت اشهدک و کفی بک شهیدا و اشهد ملئکتک
و حملة عرشک و سکان سبع سموات ک و ارضیک و انبیائک
و رسلک و الصالحین من عبادک و جمیع خلقک فاشهد لی و
کفی بک شهیدا انی اشهد انک انت الله لا اله الا انت المعبود
وحدک لا شریک لک و ان محمدا صلی الله علیه و آله و سلم
عبدک و رسولک و ان کل معبود مما دون عرشک الی قرار ارضک
السابعة السفلی باطل مضمحل ما عدا وجهک الکریم فانه اعز و
اکرم و اجل من ان یصف الواصفون کنه جلاله او تهتدی القلوب
الی کنه عظمته یا من فاق مدح المادحین فخر مدحه و عدا وصف

الواصفین مآثر حمده وجلّ عن مقالة الناطقین تعظیم شأنه صلّ علی محمد وآله وافعل بنا ما انت اهله یا اهل التقوی واهل المغفرة
وکلینی وابن بابویه بسند معتبر از امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده اند که هر که این دعا را بعد از نماز صبح بخواند هر حاجتی که طلب نماید میسر گردد و مهمات او کفایت شود ان شاء الله تعالی بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقه الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الله رب العالمین حسبی من هو حسبی حسبی من لم یزل حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
وابن بابویه بسند صحیح روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بعد از نماز صبح این دعا میخواندند اللهم انی اعوذ بک من الهم والحزن والعجز والکسل والبخل والجبن وضلع الدین وغلبة الرجال وبوار الایم والغفلة والزلة والقسوة والعیلة والمسکنة واعوذ بک من نفس لا تشبع ومن قلب لا یخشع ومن عین لا تدمع ومن دعاء لا یسمع ومن صلوة لا تنفع واعوذ بک من امرأة تشیبنی قبل اوان مشیبی واعوذ بک من ولد یکون علی ربا واعوذ بک من مال یکون علی عذابا واعوذ بک من صاحب خدیعة ان رأی حسنة دفنها وان رأی سیئة افشاها اللهم

لا تجعل لفاجر علی یدا ولا منة وابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بعد از نماز صبح این دعا میخواندند یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا من یحول بین المرء وقلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر یا اجود من سئل ویا اوسع من اعطی ویا خیر مدعو ویا افضل مرتجی ویا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا خیر الناصرین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین ویا احکم الحاکمین صل علی محمد وآل محمد واوسع علی فی رزقی وامدد لی فی عمری وانشر علی من رحمتک واجعلنی ممن تنتصر به لدینک ولا تستبدل بی غیری اللهم انک تکفلت برزقی ورزق کل دابة فاوسع علی وعلی عیالی من رزقک الواسع الحلال واکفنا من الفقر پس بگوید مرحبا بالحافظین وحیاکما الله من کاتبین اکتبا رحمکما الله انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف وان الکتاب کما انزل وان القول کما حدث وان الله هو الحق المبین اللهم بلغ محمدا وآل محمد افضل التحیة وافضل الصلوة اصبحت وربی محمود واصبحت لا اشرک بالله شیئا ولا ادعو مع الله احدا ولا اتخذ من دونه ولیا اصبحت عبدا مملوکا لا املک الا ما ملکنی ربی اصبحت لا استطیع ان اسوق الی نفسی خیر ما ارجو واصرف عنها شر ما احذر اصبحت مرتهنا بعملی واصبحت فقیرا لا اجد افقر منی بالله اصبح وبالله امسی وبالله احیا وبالله اموت والی الله النشور وابن طاوس ودیگران از حضرت صادق ع

روایت کرده اند که این دعا بعد از نماز صبح خوانده شود بسم الله الرحمن
الرحیم اصبحت بالله ممتنعا وبعزته محتجبا وباسمائه عائذا من شر
الشیطان والسلطان ومن شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان
ربی علی صراط مستقیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو
علیه توکلت وهو رب العرش العظیم فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من
بعده انه کان حلیما غفورا الحمد لله الذی ذهب باللیل بقدرته
وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیة منه
بمنه وکرمه پس رو بجانب راست بگرداند و بگوید مرحبا بالحافظین
پس رو بجانب چپ بگرداند و بگوید حیاکما الله من کاتبین پس بگوید
اکتبا رحمکما الله بسم الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد ان الساعة
آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور علی ذلک احیا
وعلیه اموت وعلیه ابعث ان شاء الله اقرءا محمدا صلی الله
علیه واله منی السلام اصبحت فی جوار الله الذی لا یضام و
فی کنف الله الذی لا یرام وفی سلطان الله الذی لا یستطاع و
فی ذمة الله التی لا تخفر وفی عزة الله التی لا تقهر وفی حرم الله
المنیع وفی ودایع الله التی لا تضیع ومن اصبح لله جارا فهو آمن
محفوظ اصبحت والملک والملکوت والعظمة والجبروت و
الجلال والاکرام والنقض والابرام والعزة والسلطان
والحجة والبرهان والکبریاء والربوبیة والقدرة والهیبة
والمنعة والسطوة والرأفة والرحمة والعفو والعافیة والسلامة

والطول والآلاء والفضل والنعماء والنور والضیاء والامن
وخزائن الدنیا والآخرة لله رب العالمین الواحد القهار الملک
الجبار العزیز الغفار اصبحت لا اشرک بالله شیئا ولا ادعو معه
الها ولا اتخذ من دونه ولیا ولا نصیرا انی لن یجیرنی من الله
احد ولن اجد من دونه ملتحدا الله الله الله ربی حقا لا اشرک
به شیئا الله اعز واکبر واعلی واقدر مما اخاف واحذر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ذهبت باللیل
واقبلت بالنهار خلقا جدیدا من خلقک وآیة بینة من آیاتک
فصل علی محمد واله واذهب عنی فیه کل غم وهم وحزن ومکروه
وبلیة ومحنة وملمة واقبل علی بالعافیة وامنن علی بالرحمة
والعفو والعافیة والتوبة وادفع عنی کل معرة ومضرة بحولک
وقوتک وجودک وکرمک واعوذ بالله بما عاذت به ملئکته و
رسله من شر هذا الیوم وما یاتی بعده ومن الشیطان ورکوب
الحرام والآثام ومن شر السامة والهامة والعین اللامة ومن
شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم واعوذ
بالله وبکلماته وعظمته وحوله وقوته وقدرته من غضبه و
سخطه وعقابه واخذه وبأسه وسطوته ونقمته ومن جمیع مکاره
الدنیا والآخرة وامتنعت بحول الله وقوته من حول خلقه جمیعا
وقوتهم وبرب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن
شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد وبرب الناس
ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس
فی صدور الناس من الجنة والناس فان تولوا فقل حسبی الله
لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم بالله استفتح

وبالله استفتح وعلى الله اتوكل وبالله اعتصم واستعين واستجير
بسم الله خير الاسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض
ولا في السماء وهو السميع العليم رب اني توكلت عليك رب
اني فوضت امري اليك رب اني الجأت ضعف ركني الى قوة ركنك
مستعينا بك على ذوي التعزز علي والقهر لي والقدرة على ضيمي
والاقدام على ظلمي انا واهلي ومالي وولدي في جوارك و
كنفك رب لا ضعف معك ولا ضيم على جارك رب فاقهر قاهري
بعزتك واوهن مستوهني بقدرتك واقصم ضائمي ببطشك و
خذ لي من ظالمي بعدلك واعذني منه بعياذك واسبل علي
سترك فان من سترته فهو آمن محفوظ ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم يا حسن البلاء يا اله من في الارض ومن في السماء
يا من لا غنى لشيء عنه ولا بد لشيء منه يا من مصير كل شيء اليه
ووروده عليه ورزقه عليه صل على محمد وآله وتولني ولا
تولني احدا من شرار خلقك كما خلقتني وغذوتني ورزقتني و
رحمتني فلا تضيعني يا من جوده وسيلة كل سائل وكرمه شفيع
كل امل يا من هو بالجود موصوف ارحم من هو بالاساءة معروف
يا كنز الفقراء يا عظيم الرجاء ويا معين الضعفاء اللهم اني ادعوك
لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولحاجة لا يقضيها
الا انت اللهم كما كان من شانك ما اردتني به من ذكرك والهمتني
من شكرك ودعائك فليكن من شانك الاجابة لي فيما دعوتك
منه فان لم اكن اهلا ان ابلغ رحمتك فان رحمتك اهل ان
تبلغني وتسعني لانها وسعت كل شيء وانا شيء فلتسعني رحمتك
يا مولاي اللهم صل على محمد وآل محمد وامنن علي واعطني فكاك

رقبتي من النار واوجب لي الجنة برحمتك وزوجني من الحور العين
بفضلك واجرني من غضبك ووفقني لما يرضيك عني واعصمني
مما يسخطك علي ورضني بما قسمت لي وبارك لي فيما اعطيتني
واجعلني شاكرا لنعمك وارزقني حبك وحب كل من احبك
وحب كل عمل يقربني اليك وامنن علي بالتوكل عليك والتفويض
اليك والرضا بقضائك والتسليم لامرك حتى لا احب تعجيل
ما اخرت ولا تاخير ما عجلت يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد
وآل محمد آمين رب العالمين اللهم انت لكل عظيمة وانت لكل
نازلة فصل على محمد وآل محمد واكفني كل مؤنة وبلاء يا حسن البلاء
عندي يا قديم العفو عني يا من لا غنى لشيء عنه يا من رزق كل شيء
عليه پس اشاره ميكني بجانب انكسي كه ميخواهي شر او از تو دور كرده و
ميگوئي انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم
مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون انا جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم
وقرا وان تدعهم الى الهدى فلن يهتدوا اذا ابدا اولئك الذين
طبع الله على قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون
افرايت من اتخذ الهه هواه واضله الله على علم وختم على سمعه
وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد الله افلا
تذكرون واذا قرات القران جعلنا بينك وبين الذين لا
يؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان
يفقهوه وفي اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك في القران وحده
ولوا على ادبارهم نفورا الحمد لله رب العالمين اللهم اني اسئلك
باسمك الذي تقوم به السماء وبه تقوم الارض وبه تفرق بين الحق و

الباطل وبه تجمع بين المتفرق وبه تفرق بين المجتمع وبه احصيت
عدد الرمال وزنة البحار وكيل الجبال ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تجعل لي من امري فرجا ومخرجا انك على كل شيء قدير
وكليني بسند معتبر روايت كرده است كه بعد از نماز صبح اين دعا بخواند
اللهم لك الحمد حمدا لا اجزاء لقائليه الا رضاك اللهم لك
الحمد واليك المشتكى وانت المستعان اللهم لك الحمد كما انت
اهله بمحامده كلها على نعمائه كلها حتى ينتهي الحمد الى حيث
ما يحب ربي ويرضى **پس بخوان** اين دعا را كه از حضرت صادق عليه السلام
منقولست وبسيار عظيم الشان ورفيع المنزلت ومشتمل بر اسم اعظم است
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك ولا اسئل احدا
غيرك بحق هذه الاسماء المباركة اللهم بالف الابتداء بباء
البهاء بتاء التاليف بثاء الثناء بجيم الجلال بحاء الحمد بخاء
الخفاء بدال الدوام بذال الذكر براء الربوبية بزاء الزيادة بسين
السلام بشين الشكر بصاد الصبر بضاد الضوء بطاء الطول بظاء
الظلام بعين العفو بغين الغفران بفاء الفردانية بقاف القدرة
بكاف الكلمة التامة بلام اللوح بميم الملك بنون النور بهاء
الهيبة بواو الوحدانية بلام الف لا اله الا انت بياء يا ذا الجلال
والاكرام اللهم اني اسئلك يا من لا تضجره مسئلة السائلين
يا من هو خبير بما تخفي الضمائر وتكن منه الصدور اسئلك بما سميت
به نفسك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل لي من كل هم فرجا
ومن كل ضيق مخرجا ومن كل عسر يسرا والى كل خير سبيلا برحمتك
يا ارحم الراحمين **پس بخوان** اين دعا را جهت دفع شدايد وسختيها كه
مير محمد باقر رحمه الله در انيس العابدين ذكر كرده الهي بحق الحمد

محمد

محمد رسولك وعلي وصي رسولك وفاطمة بنت رسولك والحسن و
الحسين سبطي رسولك وبعزة جلالك ووجهك الكريم ان تصلي على
محمد وان تجعل لي مما انا فيه فرجا ومخرجا قريبا سريعا برحمتك
التي لا تضيق من شيء وبقدرتك التي لا يتكاءد من اجابتها شيء
في السموات ولا في الارض نضابعي تفرجي نضابعي تفرجي نضابعي
تفرجي ودر وقت گفتن نضابعي انگشتان هر دو دست را بيكديگر وصل
كند يعني داخل يكديگر كند ودر وقت گفتن تفرجي از يكديگر بيرون
آورد **فصل چهارم** در تعقيب مخصوص فريضه ظهر وآن بسيارست
واز انجمله اين دعاست كه سيد بن طاوس رحمه الله بسند معتبر از
حضرت امام علي النقي عليه السلام روايت كرده كه حضرت رسول
صلى الله عليه وآله بعد از نماز ظهر اين دعا ميخواندند لا اله
الا الله العظيم الحليم لا اله الا الله رب العرش الكريم الحمد لله
رب العالمين اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك وعزائم
مغفرتك والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم اللهم لا تدع
لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا سقما الا شفيته و
لا عيبا الا سترته ولا رزقا الا بسطته ولا دينا الا قضيته
ولا خوفا الا امنته ولا سوءا الا صرفته ولا حاجة هي لك
رضا ولي فيها صلاح الا قضيتها يا ارحم الراحمين امين رب العالمين
پس بخوان اين دعا را كه كفعمي وديگران در تعقيب نماز ظهر ايراد نموده اند
يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك
الستر يا كريم الصفح يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا سامع كل نجوى ويا منتهى كل شكوى
يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا

سیداه یا سیداه یا غایة رغبتاه یا ذا الجلال و الاکرام اسئلک
بمحمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن
علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و
علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد بن الحسن صاحب الزمان سلام
الله علیهم اجمعین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکشف کربی
و تغفر ذنبی و تنفس همی و تفرج غمی و تصلح شانی فی دینی و دنیای
و ان تدخلنی الجنة و لا تشوه خلقی بالنار و ان تفعل بی ما انت
اهله و لا تفعل بی ما انا اهله برحمتک یا ارحم الراحمین
بدانکه از روایتی که شیخ کفعمی و شیخ ابن فهد حلی رحمهما الله برایند عا
مشتمل بر فضیلت بسیار و ثواب بیشمار ذکر کرده اند اختصاص بتعقیب
نماز ظهر ظاهر نمیشود و شیخ طوسی در تعقیب نماز عصر ایراد نموده
و چون در اکثر کتب ادعیه مثل مفتاح الفلاح و غیره در تعقیب ظهر
ذکر یافته بود در این صحیفه نیز در تعقیب ظهر ذکر یافت و از جمله
روایاتی که برای این دعا ذکر کرده اند روایتیست که در عدة الداعی از
عمر بن شعیب روایت کرده که او از پدرش و پدرش از پدرش و پدرش
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله روایت کرده که جبرئیل علیه السلام
نازل شد بر آنحضرت خندان و خوشحال و این دعا را از جانب حق
تعالی از برای آنحضرت آورد پس آنحضرت پرسید از جبرئیل که چه قدر
است ثواب این کلمات با برکات جبرئیل گفت هیهات هیهات منقطع
میگردد عمل اگر جمع شوند ملئکه هفت آسمان و هفت زمین و اتفاق
نمایند بر آنکه وصف کنند ثواب این دعا را تا روز قیامت وصف نتوانند
کرد از هر جزو جزو آن به تنهائی پس هر گاه گفت بنده که یا من اظهر
الجمیل و ستر القبیح بپوشاند حق تعالی گناه او را و رحمت کند بر او

در دنیا

در دنیا و آخرت و هر گاه گفت یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر
حق تعالی حساب او را نکند در آخرت و پاره نکند پرده او را روزی
که پردها پاره شود و هر گاه گفت یا عظیم العفو بیامرزد حق تعالی
گناهان او را و اگرچه مثل کف دریا باشد و هر گاه گفت یا حسن التجاوز
حق تعالی درگذراند از او حتی سرقه و شرب خمر و اهاویل دنیا و
غیر اینها از کبایر و هر گاه گفت یا واسع المغفرة بگشاید خدای عز و جل
بر او هفتاد در از رحمت پس او غوطه خورد در دریای مغفرت الهی تا
وقتی که بیرون رود از دنیا و هر گاه گفت یا باسط الیدین بالرحمة
بهن کند حق تعالی دست خود را بر او برحمت و هر گاه گفت یا صاحب
کل نجوی و منتهی کل شکوی عطا فرماید حق تعالی از اجر ثواب هر
مصیبت زده و هر سالم و هر مریض و هر مضرت یافته و هر مسکین و هر
فقیر و هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت و هر گاه گفت یا کریم الصفح
اکرام کند حق تعالی او را اکرامی که انبیا را میباشد و هر گاه گفت یا
عظیم المن عطا فرماید حق تعالی جل نعماؤه او را در روز قیامت
برابر با آرزوی او و آرزوی تمام خلایق و هر گاه گفت یا مبتدئا بالنعم
قبل استحقاقها عطا کند او را حق تعالی از اجر بعدد آنکه شکر نعمهای
او را بتقدیم رسانیده باشد و هر گاه گفت یا ربنا و یا سیدنا بفرماید
حق تعالی که گواه باشید ای ملئکه من بدرستی که آمرزیدم او را و
عطا فرمودم باو از اجر بعدد آنکه آفریده ام ایشان را در بهشت و
دوزخ و هفت آسمان و هفت زمین و آفتاب و ماه و ستارها و قطرهای
باران و انواع مخلوقات و کوه و سنگ ریزه و خاک و غیر اینها و عرش
و کرسی و هر گاه گفت یا مولانا پر کند خدای تعالی دل او را از ایمان
و هر گاه گفت یا غایة رغبتاه عطا کند حق تعالی در روز قیامت خواهش

او را برابر خواهش همه خلایق و هرگاه گفت اسئلک یا الله ان لا تشوه
خلقی بالنار حق تعالی جل جلاله فرماید که طلب آزادی میکند بنده
من از آتش دوزخ گواه باشید ای فرشتگان من بدرستی و تحقیق که
آزاد کردم او را از آتش دوزخ و آزاد کردم پدر و مادر و برادران
و خواهران و اهل و فرزندان و همسایگان او را و شفاعت او را
پذیرفتم در باب هزار مرد از آنکسانی که واجب شده باشد از برای
ایشان آتش دوزخ پس بیاموزان ای محمد این کلمات با برکات را
بمتقیان و میاموزان بمنافقان پس بدرستی که این کلمات دعوت
مستجابه است از برای گوینده آن انشاء الله تعالی و این دعای اهل
بیت معمور است هرگاه برگرد آن بیت مقدس طوف نمایند و در روایت
دیگر که صاحب جنة الواقیه در کتاب شرح نهج المسترشدین که از مصنفات
مقداد بن عبد الله سوری است از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله
در فضیلت و ثواب این دعا نقل کرده نزدیک باین روایت است در باب
اجر و ثواب **و بخوان** این دعا را که سید ابن طاوس رحمه الله بسند معتبر
از عباد مداینی روایت کرده که حضرت صادق علیه السلم بعد از
نماز ظهر این دعا میخواند یا سامع کل صوت یا جامع کل فوت یا
بارئ النفوس بعد الموت یا باعث یا وارث یا اله الالهة یا
جبار الجبابرة یا ملک الدنیا و الآخرة یا رب الارباب یا ملک
الملوک یا بطاش ذا البطش الشدید یا مبدئ یا معید یا فعالا
لما یرید یا محصی عدد الانفاس و نقل الاقدام یا من السر عنده
علانیة اسئلک بحقک علی خیرتک من خلقک و بحقهم الذی
اوجبت لهم علی نفسک ان تصلی علی محمد و اهل بیته و ان تمن
الساعة علی بفکاک رقبتی من النار و ان تنجز لولیک و ابن نبیک

الداعی الیک باذنک و امینک فی ارضک و عینک فی عبادک
و حجتک علی خلقک علیه صلواتک و برکاتک اللهم ایده
بنصرک و قو اصحابه و صبرهم و اجعل لهم من لدنک سلطانا
نصیرا و عجل فرجه و مکنه من اعدائک و اعداء رسولک یا ارحم
الراحمین **فصل پنجم** در تعقیب مخصوص نماز عصر و آن بسیار است
از آنجمله شیخ طوسی و دیگران باسناد معتبر از حضرت امام رضا ع
روایت کرده اند که مردی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آمد و عرض کرد که یا رسول الله مرا تعلیم کن عملی که چون بجای آورم
میان من و بهشت حائلی نباشد فرمود که غضب مکن بر کسی و از
مردم چیزی سؤال مکن و از برای مردم به پسند آنچه از برای خود
میپسندی گفت یا رسول الله زیاده بفرمایید فرمود که چون از نماز
عصر فارغ شوی هفتاد و هفت مرتبه استغفار کن تا گناه هفتاد
و هفت ساله تو آمرزیده شود گفت من هفتاد و هفت ساله ندارم
فرمود که از برای پدر و مادر و خویشان خود قرار ده **و ابن بابویه**
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بعد
از نماز عصر هفتاد استغفار کند حق تعالی در آن روز هفتصد گناه
او را بیامرزد و اگر هفتصد گناه نداشته باشد از گناهان پدر او
میآمرزد و الا از گناهان مادر او و الا از گناهان برادر او و الا از
گناهان خواهر او و الا از گناهان خویشان او و بروایت دیگر هر که
بعد از عصر هفتاد مرتبه استغفار کند گناه هفتاد ساله او آمرزیده
شود و بروایت دیگر گناه پنجاه ساله او آمرزیده شود مجملا احادیث
در فضیلت استغفار بعد از عصر بسیار است و باید که هفتاد مرتبه
یا هفتاد و هفت مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگوید و

أستغفر الله نيز كافيست و شيخ طوسی و سيد بن طاوس و ديگران بسندهای معتبر از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده اند كه حضرت رسول صلی الله عليه و آله فرمود كه هر كه هر روز بعد از نماز عصر يكمرتبه اين استغفار بخواند حق تعالی دو ملك او را بفرمايد كه صحيفه گناهان او را پاره كنند هر چند بسيار باشد

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا حَيٰوةً وَ لَا نُشُوراً

و شيخ طوسی و ديگران اين دعا را در تعقيب عصر ذكر كرده اند

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ صَلوٰةٍ لَا تُرْفَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ وَ الْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَ الرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ

و سيد ابن طاوس و شيخ طوسی و كفعمی رحمهم الله روايت كرده اند كه حضرت موسی بن جعفر صلوات الله عليه بعد از نماز عصر دست بسوی آسمان بلند كرد و اين دعا خواند

أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ وَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَ نُقْصَانُهَا وَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ خَلْقَكَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَ لَا حَاجَةٍ إِلَيْهِمْ وَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَ إِلَيْكَ الْبَدْءُ وَ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَ خَالِقُ الْقَبْلِ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَ خَالِقُ الْبَعْدِ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ تَمْحُو مَا

تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَارِثُهُ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَ لَا الْجَلِيلُ أَنْتَ اللهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ وَ لَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ وَ لَا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ أَخْفَى دَيَّانُ يَوْمِ الدِّينِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ مُحْيِي الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

و بسند معتبر منقولست كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام بعد از نماز عصر اين دعا ميخواندند

سُبْحَانَ ذِي الطَّوْلِ وَ النِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَ الْإِفْضَالِ أَسْأَلُ اللهَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الْعَمَلَ بِطَاعَتِهِ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى أَمْرِهِ فَإِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

و سيد ابن طاوس رضی الله عنه روايت كرده است كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام بعد از نماز عصر اين دعا ميخواندند

سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللهِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ سُبْحَانَ اللهِ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ فَسُبْحَانَ اللهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيّاً وَ حِينَ تُظْهِرُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلٰئِكَةِ وَ الرُّوحِ اَللّٰهُمَّ إِنَّ ذَنْبِي أَمْسَى

مستجيرا بعفوك وخوفي امسى مستجيرا بامنك وفقري امسى مستجيرا
بغناك وذلي امسى مستجيرا بعزك اللهم صل على محمد وآل محمد و
اغفر لي وارحمني انك حميد مجيد اللهم تم نورك فهديت فلك
الحمد وعظم حلمك فعفوت فلك الحمد وجهك ربنا اكرم الوجوه
وجاهك اعظم الجاه وعطيتك افضل العطاء تطاع ربنا فتشكر
وتعصى فتغفر وتجيب المضطر وتكشف الضر وتنجي من الكرب و
تغني الفقير وتشفي السقيم ولا يجازي آلاءك احد وانت ارحم
الراحمين **فصل ششم** در تعقيب مخصوص نماز مغرب وبعضي از
تعقيبات نماز مذكور مشترکست ميان نماز صبح ونماز مغرب از انجمله
سيد ابن طاوس وابن بابويه رضي الله عنهما بسند صحيح از حضرت
صادق عليه السلام روايت كرده اند كه هركه بعد از نماز شام و
نماز صبح پيش از آنكه پا بگرداند يا با كسي سخن بگويد اين صلوات را
يكبار بخواند حق تعالى صد حاجت او را بر آورد هفتاد از حاجات
آخرت وسي از حاجات دنيا ان الله وملائكته يصلون على النبي
يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم صل على
محمد النبي وعلى ذريته وعلى اهل بيته **وباسانيد صحيحه** از حضرت
صادق عليه السلام منقولست كه هركه بعد از نماز مغرب با نماز صبح
قبل از آنكه سخن گويد هفت مرتبه بگويد بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم حق تعالى دفع كند از او
هفتاد نوع از انواع بلا را كه كمتر آنها خوره وپيسي باشد **وكليني**
بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده كه هركه بعد
از نماز شام سه مرتبه بگويد الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا
يفعل ما يشاء غيره حق تعالى خير بسيار باو كرامت فرمايد **وسيد**

ابن طاوس بسند صحيح از امام محمد باقر عليه السلام روايت كرده است
هركه بعد از نماز مغرب ونماز بامداد بگويد سبحانك لا اله الا انت
اغفر لي ذنوبي كلها جميعا فانه لا يغفر الذنوب كلها جميعا الا
انت حق تعالى بملائكه وحي كند كه بنويسيد براي بنده من امرزش
گناهان او را براي آنكه دانسته واقرار دارد كه گناهان را كسي بغير
از من نمي امرزد **وبسند صحيح** از معويه بن عمار روايت كرده اند كه
حضرت صادق عليه السلام بعد از نماز مغرب اين دعا ميخوانده اند
اللهم صل على محمد البشير النذير السراج المنير الطهر الطاهر
خاتم انبيائك وسيد اصفيائك وخالص اخلائك ذي المقام
المحمود والمنهل المشهود والحوض المورود اللهم صل على محمد وآله
كما بلغ رسالتك وجاهد في سبيلك ونصح لامته حتى اتاه اليقين
وصل على آله الطاهرين الاخيار الاتقياء الابرار الذين انتجبتهم
لدينك واصطفيتهم من خلقك وامنتهم على وحيك وجعلتهم
خزان علمك وتراجمة وحيك واعلام نورك وحفظة سرك
واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انفعنا بحبهم
واحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني
بهم عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن المقربين الذين لا خوف
عليهم ولا هم يحزنون الحمد لله الذي اذهب النهار بقدرته وجاء
بالليل برحمته خلقا جديدا وجعله لباسا وسكنا وجعل الليل
والنهار آيتين لنعلم بهما عدد السنين والحساب الحمد لله على اقبال
الليل وادبار النهار اللهم صل على محمد وآله واصلح لي ديني الذي
هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معيشتي واصلح لي
آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كل خير و

اجعل الموت راحة لي من كل سوء واكفني امر دنياي واخرتي بما
كفيت به اولياءك وخيرتك من عبادك الصالحين واصرف عني
شرهما ووفقني لما يرضيك عني يا كريم امسينا والملك لله
الواحد القهار وما في الليل والنهار اللهم اني وهذا الليل
والنهار خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك ولا ترهما
جراة مني على معاصيك ولا ركوبا لمحارمك واجعل عملي فيهما
مقبولا وسعيي مشكورا وسهل لي ما اخاف عسره وافض لي فيه
بالحسنى وامني مكرك ولا تهتك عني سترك ولا تنسني ذكرك و
لا تحل بيني وبين حولك وقوتك ولا تكلني الى نفسي طرفة عين
ابدا ولا الى احد من خلقك يا كريم اللهم صل على محمد وال محمد و
افتح مسامع قلبي لذكرك حتى اعي وحيك واتبع كتابك واصدق
رسلك واومن بوعدك واخاف وعيدك واوفي بعهدك واتبع
امرك واجتنب نهيك اللهم صل على محمد وال محمد ولا تصرف
عني وجهك ولا تمنعني فضلك ولا تحرمني عفوك واجعلني اوالي
اولياءك واعادي اعداءك وارزقني الرهبة منك والرغبة
اليك والتسليم لامرك والتصديق بكتابك واتباع سنة نبيك
صلى الله عليه واله اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا
يشبع وعين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة لا ترفع وعمل لا
ينفع ودعاء لا يسمع واعوذ بك من سوء القضاء ودرك الشقاء
وشماتة الاعداء وجهد البلاء وعمل لا يرضى واعوذ بك من
الفقر والكفر والغدر وضيق الصدر وسوء الامر ومن بلاء ليس
لي به صبر ومن الداء العضال وغلبة الرجال وخيبة المنقلب
وسوء المنظر في النفس والاهل والمال والدين والولد وعند

معاينة ملك الموت واعوذ بالله من انسان سوء وجار سوء وقرين سوء
ويوم سوء وساعة سوء ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها
وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر طوارق الليل والنهار
الا طارقا يطرق بخير ومن شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم الحمد لله
الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا **كليني وشيخ طوسي**
بسند صحيح روايت كرده اند كه مردي بخدمت حضرت صادق عليه السلام
عرض كرد كه درد چشم بسيار ميكشم حضرت فرمود كه ميخواهي ترا دعائي
تعليم كنم كه نافع باشد براي دنيا واخرت تو و از ازار چشم امان يابي
كفت بلي فرمود كه بعد از نماز مغرب وصبح بكو اللهم اني اسالك بحق
محمد وال محمد ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل النور في بصري
والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة
في نفسي والسعة في رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني **نصر ابن
مزاحم** در كتاب صفين روايت كرده كه حضرت امير المؤمنين عليه السلام
بعد از نماز مغرب اين دعا خواندند الحمد لله الذي يولج الليل في
النهار ويولج النهار في الليل الحمد لله كلما وقب ليل وغسق
والحمد لله كلما لاح نجم وخفق **ابن بابويه** رحمه الله در كتاب
من لا يحضره الفقيه روايت كرده كه حضرت صادق عليه السلام اين
دعا را ما بين نماز شام وخفتن ميخواندند اللهم بيدك مقادير
الليل والنهار ومقادير الدنيا والاخرة ومقادير الموت و
الحيوة ومقادير الشمس والقمر ومقادير النصر والخذلان ومقادير
الغنى والفقر اللهم ادرأ عني شر فسقة الجن والانس واجعل
منقلبي الى خير دائم ونعيم لا يزول **شيخ طوسي** وديكران كفته اند

که سنتست بعد از نماز مغرب ده مرتبه بگوید ما شاء الله لا قوة الا
بالله استغفر الله **و بگوید** اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک و
عزائم مغفرتک و السلامة من کل اثم و الغنیمة من کل بر و النجاة
من النار و من کل بلیة و الفوز بالجنة و الرضوان فی دار السلام
و جوار نبیک محمد و آله علیهم السلام اللهم ما بنا من نعمة فمنک
لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک **فایده** بدانکه اکثر علما
گفته اند که باید اکثر تعقیبات نماز مغرب بعد از نافله خوانده شود که
وقت نوافل که تا زوال حمرهٔ مغربیست بیرون نرود و بعضی گفته اند که
تسبیح فاطمه علیها السلام را پیش بخواند و باقی را بعد و رای مؤلف
مقباس المصابیح رحمه الله آنست که آنچه را توان پیش از نوافل خواند
افضل آنست که پیشتر بخواند خصوصا تعقیباتی که قبل از حرکت
دادن پا باید خواند و چون خوف بیرون رفتن وقت نوافل بهم رسد
باقی را تاخیر کند چنانچه در حدیث معتبر وارد شده که فضیلت
تعقیب فریضه بر تعقیب نافله بقدر فضیلت فریضه است بر نافله
و در تقدیم و تاخیر سجدهٔ شکر نیز خلافی هست چنانچه در آداب
سجده بیان شد **فصل هفتم** در تعقیب نماز خفتن و آن بسیارست
از آنجمله سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب فلاح السائل روایت
کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از نماز عشا این
دعا میخواندند اللهم صل علی محمد و آله و احرسنی بعینک التی
لا تنام و اکنفنی برکنک الذی لا یرام و اغفر لی بقدرتک علی
یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی اعوذ بک من طوارق اللیل و
النهار و من جور کل جائر و حسد کل حاسد و بغی کل باغ اللهم
احفظنی فی نفسی و اهلی و مالی و جمیع ما خولتنی من نعمتک

اللهم توکنی فیما عندک مما غبت عنه و لا تکلنی الی نفسی فیما
حضرته یا من لا تضره الذنوب و لا تنقصه المغفرة اغفر لی ما لا
یضرک و اعطنی ما لا ینقصک انک انت الوهاب اللهم انی اسئلک
فرجا قریبا و صبرا جمیلا و رزقا واسعا و العفو و العافیة فی الدنیا
و الآخرة اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و لوالدی و
للمؤمنین و المؤمنات الاحیاء منهم و الاموات اللهم اجعلنی ممن
یکثر ذکرک و یتابع شکرک و یلزم عبادتک و یؤدی امانتک
اللهم طهر لسانی من الکذب و قلبی من النفاق و عملی من الریاء
و بصری من الخیانة انک تعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور
اللهم رب السموات السبع و ما اظلت و رب الارضین السبع
و ما اقلت و رب الریاح و ما ذرت و رب کل شیء و آخر کل شیء
و رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و اله ابرهیم و اسمعیل و اسحق و
یعقوب اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تتولانی برحمتک
و تشملنی بعافیتک و تسعدنی بمغفرتک و لا تسلط علی احدا
من خلقک اللهم الیک فقربنی و علی حسن الخلق فقومنی و من شر
شیاطین الجن و الانس فسلمنی و فی آناء اللیل و النهار فاحرسنی
و فی اهلی و مالی و ولدی و اخوانی و جمیع ما انعمت به علی فاحفظنی
و اغفر لی و لوالدی و لسائر المؤمنین و المؤمنات یا رب الباقیات
الصالحات انک علی کل شیء قدیر و نعم المولی و نعم النصیر برحمتک
الحمد لله رب العالمین و صلواته علی سیدنا محمد النبی و آله و
عترته الطاهرین **و سید ابن طاوس** و شیخ طوسی و دیگران بسندهای صحیح
از معویة بن عمار روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلم بعد از
نماز عشا این دعا میخواندند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد

وَآلِ محمد صلوة تبلغنا بها رضوانك والجنة وتنجينا بها من سخطك
والنار اللهم صل على محمد وآله وارني الحق حقا حتى اتبعه وارني
الباطل باطلا حتى اجتنبه ولا تجعله علي متشابها فاتبع هواى
تبعا لرضاك وطاعتك وخذ لنفسك رضاها من نفسي واهدني
لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط
مستقيم اللهم صل على محمد وآله واهدني فيمن هديت وعافني
فيمن عافيت وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما اعطيت وقني شر
ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك وتجير ولا يجار عليك
تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك فعفوت فلك
الحمد وبسطت يدك فاعطيت فلك الحمد تطاع ربنا فتشكر و
تعصى ربنا فتستر وتغفر انت كما اثنيت على نفسك بالكرم و
الجود لبيك وسعديك تباركت وتعاليت لا ملجا ولا منجا منك
الا اليك لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا
وظلمت نفسي فارحمني وانت ارحم الراحمين لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اللهم
وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي فاغفر لي يا خير الغافرين
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك عملت سوءا وظلمت
نفسي فتب علي انك انت التواب الرحيم لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين سبحان ربك رب العزة عما يصفون و
سلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم صل على
محمد وآل محمد وبيتني منك في عافية وصبحني منك في عافية
واسترني منك في العافية والشكر على العافية اللهم استودعك
نفسي واهلي ومالي وولدي واهل حزانتي وكل نعمة انعمت

بها

بها علي فصل على محمد وآله واجعلني في كنفك وامنك و
كلاءتك وحفظك وحياطتك وكفايتك وسترك وذمتك و
جوارك وودايعك يا من لا تضيع ودايعه ولا يخيب سائله و
لا ينفد ما عنده اللهم اني ادرأ بك في نحور اعدائي وكل
من كادني وبغى علي اللهم من ارادنا فارده ومن كادنا فكده
ومن نصب لنا عداوة فخذه يا رب اخذ عزيز مقتدر اللهم صل
على محمد وآل محمد واصرف عني من البليات والآفات والعاهات
والنقم ولزوم السقم وزوال النعم وعواقب التلف وما طغى به
الماء لغضبك وما عتت به الريح عن امرك وما اعلم وما لا اعلم
وما اخاف وما لا اخاف وما احذر وما لا احذر وما انت به
اعلم اللهم صل على محمد وآل محمد وفرج همي ونفس غمي وسل
حزني واكفني ما ضاق به صدري وما عيل به صبري وقلت به
حيلتي وضعفت عنه قوتي وعجزت عنه طاقتي وردتني فيه
الضرورة عند انقطاع الآمال وخيبة الرجاء من المخلوقين
اليك فصل على محمد وآل محمد واكفنيه يا كافيا من كل شيء ولا
يكفي منه شيء اكفني من كل شيء حتى لا يبقى منه شيء يا كريم اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقني حج بيتك الحرام وزيارة قبر
نبيك عليه السلام مع التوبة والندم اللهم اني استودعك
نفسي وديني واهلي ومالي وولدي واخواني واستكفيك ما
اهمني وما لم يهمني واسئلك بخيرك من خلقك الذي لا يمن
به سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين
كتابا موقوتا سید بن طاوس از عبید بن زراره روایت کرده است که
مردی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و از تنگدستی شکایت

کرده گفت هرچند در طلب روزی شهرها میگردم تنگی معیشت من زیاده میگردد حضرت فرمود چون از نماز خفتن فارغ شوی با تأنی این دعا بخوان و این از ادعیهٔ طلب رزق است راوی گفت که بعد از اندک مدتی حال ام نیکو شد و مال بسیار بهم رسانید اللّهمّ انّه لیس لی علم بموضع رزقی و انا اطلبه بخطرات تخطر علی قلبی فاجول فی طلبه البلدان و انا فیما انا طالب کالحیران لا ادری أفی سهل هو ام فی جبل ام فی ارض ام فی سماء ام فی برّ ام فی بحر و علی یدی من و علی قبل من و قد علمت انّ علمه عندک و اسبابه بیدک و انت الذی تقسمه بلطفک و تسبّبه برحمتک اللّهمّ فصلّ علی محمّد و آله و اجعل یا ربّ رزقک لی واسعا و مطلبه سهلا و مأخذه قریبا و لا تعنّنی بطلب ما لم تقدّر لی فیه رزقا فانّک غنیّ عن عذابی و انا فقیر الی رحمتک فصلّ علی محمّد و آله و جد علی عبدک بفضلک انّک ذو فضل عظیم **و شیخ طوسی** و دیگران گفته اند که سنّت است که این دعا بعد از نماز خفتن بخوانند اللّهمّ بحقّ محمّد و آل محمّد صلّ علی محمّد و آل محمّد و لا تؤمنّا مکرک و لا تنسنا ذکرک و لا تکشف عنّا سترک و لا تحرمنا فضلک و لا تحلّ علینا غضبک و لا تباعدنا من جوارک و لا تنقصنا من رحمتک و لا تنزع علینا برکتک و لا تمنعنا عافیتک و اصلح لنا ما اعطیتنا و زدنا من فضلک المبارک الطیّب الحسن الجمیل و لا تغیّر ما بنا من نعمتک و لا تؤیسنا من روحک و لا تهنّا بعد کرامتک و لا تضلّنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انّک انت الوهّاب اللّهمّ اجعل قلوبنا سالمة و ارواحنا طیّبة و ازواجنا مطهّرة و السنتنا صادقة و ایماننا دائما و یقیننا صادقا و تجارتنا لا

تبور اللّهمّ آتنا فی الدّنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النّار **و در مصباح الائمة** از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که محافظت نماید زنان و فرزندان و مالهای خود را بخواندن این دعا بعد از نماز عشا اعیذ نفسی و ذرّیّتی و اهل بیتی و مالی بکلمات الله التّامّات من کلّ شیطان و هامّة و من کلّ عین لامّة **پس بخوان** این دو آیه را از آخر سورهٔ البقره آمن الرّسول بما انزل الیه من ربّه و المؤمنون کلّ آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا نفرّق بین احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا و الیک المصیر لا یکلّف الله نفسا الّا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت ربّنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربّنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الّذین من قبلنا ربّنا و لا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین چه از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولست که حق تعالی فرو فرستاده از گنجهای بهشت بهر بندگان و آنرا بدست قدرت خود نوشته پیش از آفرینش بدو هزار سال و هر که این دو آیه را بعد از نماز عشا بخواند مجزی باشد او را از برخاستن بر نماز شب و هم از آنحضرت صلّی الله علیه و آله مرویست که هر که بعد از نماز خفتن پیش از خواب یکمرتبه سورهٔ واقعه را بخواند ایمن باشد از فقر و درویشی **باب چهارم** در ادعیه وقت خواب و بیدار شدن پس چون خواهد که بخوابد سنّت است که وضو بسازد چنانچه مرویست از حضرت صادق علیه السّلام که کسی که طهارت کند و بخوابد در فراش خود فراش او بمانند مسجد باشد برای او و علمای اسلام قدّس الله اسرارهم ذکر کرده اند که با قدرت بر آب تیمّم نیز جایز است مثل جواز تیمّم برای نماز جنازه با قدرت بر آب

و باید که بر پهلوی راست بخوابد تا خواب او مثل خواب مؤمنان باشد
چه در حدیث وارد است که خواب مؤمن بر دست راست میباشد و
خواب کافر بر دست چپ پس هرگاه بر تخت خواب رود بگوید اعوذ
بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بسلطان
الله و اعوذ بجبروت الله و اعوذ بملکوت الله و اعوذ بدفع الله
و اعوذ بجمع الله و اعوذ بملک الله و اعوذ برحمة الله و اعوذ
برسول الله صلی الله علیه و آله باهل بیت رسول الله علیه و
علیهم السلام و اعوذ من شر ما خلق و ذرا و برا و من شر الهامة
و اللامة و من شر فسقة الجن و الانس و من شر فسقة العرب و العجم
و من شر کل دابة فی اللیل و النهار انت آخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم چه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
هرکه در وقت خواب این عوذه را بخواند ایمن خواهد بود از هر هلاک
کننده و هر دزد و چون پهلو بر زمین نهد بخواند این دعا را که در عدة
الداعی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ذکر کرده که هرگاه اراده
نماید احدی از شما که بخوابد پس باید که دست راست خود را زیر
جبین راست خود گذارد و این دعا بخواند بسم الله وضعت جنبی
لله علی ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایة من
افترض الله طاعتهم ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن چه هرگاه
بگوید این کلمات را ایمن خواهد بود از دزد و از هلاک کننده و از فرود
آمدن خانه و طلب آمرزش میکنند ملائکه از برای او تا صبح پس بخواند
این دعا را که در فقیه بسند صحیح از محمد بن مسلم مرویست که گفت فرمود
بمن حضرت امام محمد باقر علیه السلام که هرگاه مرد جانب راست
بر زمین نهد باید که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی

اسلمت

اسلمت نفسی الیک و وجهت وجهی الیک و فوضت امری الیک و
الجأت ظهری الیک توکلت علیک رهبة منک و رغبة الیک
لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک الذی انزلت و
برسولک الذی ارسلت پس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام کند و
بخواند سوره قل هو الله احد و معوذتین هر یک را سه بار و آیه سخره
و آیه شهاده که در تعقیبات مشترکه مذکور شد و سوره قدر را یازده
بار بخواند اما خواندن تسبیح فاطمه زهرا صلوات الله علیها روایت شده
از حضرت صادق علیه السلام کسی که بگوید آنرا وقت خواب باشد از
ذکر کنندگان خدا چنانچه شیخ طوسی در جوامع الجامع ذکر کرده و خواندن
سوره توحید و معوذتین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت
شده که کسی که بخواند اینها را سه بار مثل کسی باشد که بخواند تمام قرآن
را و باشد برای او بهر آیه از قرآن ثواب پیغمبری از پیغمبران و بیرون رود
از گناهان مثل روزی که از مادر متولد شده پس اگر بمیرد در آن روز
یا در آن شب بمیرد شهید و اما خواندن آیه سخره روایت شده از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام که کسی که بخواند آنرا وقت خواب نگاهبانی
کنند او را ملائکه و دور شوند از او شیاطین و اما خواندن آیه شهاده شیخ
طبرسی ذکر کرده در جوامع خود که کسی که بخواند آنرا وقت خواب خلق کند
خدای تعالی برای او هفتاد هزار فرشته که استغفار کنند برای او تا روز
قیامت و اما خواندن سوره قدر روایت شده از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام که کسی که بخواند آنرا یازده بار وقت خواب خلق کند خدا
تعالی برای او نوری که وسعت آن مثل وسعت هوا باشد در عرض و
طول و کشیده باشد از روی زمین تا حجابهای نور بالای عرش در
هر درجه از آن فرشته باشد که هر فرشته را هزار زبان باشد و هر زبان

تا هزار لعنت باشد که استغفار کنند برای خواننده آن تا نصف شب
پس میکند راند خدا آن نور را در جسد خواننده آن تا روز قیامت اما
اثر برای بیدار شدن در کتاب کافی مسطور است که حضرت صادق علیه
فرمود که هیچ بنده نیست که در وقت خواب آیه آخر سوره الکهف بخواند
مگر آنکه بیدار شود در آن ساعت که خواهد و این از اسرار عجیبه و امور
مجربه است که در آن شکی نیست و ابن بابویه در کتاب من لا یحضره
الفقیه از آنحضرت علیه السلام با بن قسم روایت کرده که قراءت نمیکند
این آیه را احدی نزد خواب مگر آنکه بیدار میگردد در ساعتی که اراده
نماید که بیدار شود و کشیده میشود نوری از خوابگاه او تا مسجد الحرام
و در میان آن نور ملائکه باشد که استغفار کنند برای او تا صبح و آیه
اینست قُل اِنَّما اَنا بَشَرٌ مِثلُکُم یُوحی اِلَیَّ اَنَّما اِلهُکُم اِلهٌ واحِدٌ فَمَن
کانَ یَرجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلیَعمَل عَمَلاً صالِحاً وَلا یُشرِک بِعِبادَةِ رَبِّهِ
اَحَداً و منجنین اگر خواهد جهت بیدار شدن این فقار بخواند اَللّهُمَّ
لا تُؤمِنّی مَکرَکَ وَلا تُنسِنی ذِکرَکَ وَلا تَجعَلنی مِنَ الغافِلینَ اَقُومُ
ساعَةَ کَذا وَ کَذا و بجای کذا و کذا نام آن ساعتی که میخواهد بیدار
شود ببرد و اثر برای خوف از احلام بگوید در وقت خواب اَللّهُمَّ اِنّی
اَعُوذُ بِکَ مِنَ الاَحلامِ وَمِن سُوءِ الاَحلامِ وَمِن اَن یَتَلاعَبَ بِیَ
الشَّیطانُ فِی الیَقظَةِ وَالمَنامِ و اگر خواب مکروهی ببیند پس بگردد از
طرفی که خوابیده به پهلوی دیگر و بگوید اِنَّمَا النَّجوی مِنَ الشَّیطانِ لِیَحزُنَ
الَّذینَ آمَنُوا وَلَیسَ بِضارِّهِم شَیئاً اِلّا بِاِذنِ اللهِ عُذتُ بِما عاذَت بِهِ
مَلائِکَةُ اللهِ المُقَرَّبُونَ وَاَنبِیاؤُهُ المُرسَلُونَ وَالاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ
المَهدِیُّونَ وَعِبادُهُ الصّالِحُونَ مِن شَرِّ ما رَاَیتُ فی رُؤیایَ اَن یَضُرَّنی
فی دینی اَو دُنیایَ وَمِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ و در جنة الواقیه مذکور است

که هرگاه

که هرگاه بیدار شوی از خوابی که مکروهی دیده باشی پس سجده کن بفاصله
و سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ بسیار بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و
تضرع و زاری کن بخدا و از خدای تعالی طلب کن که بدی آن خواب را
دفع نماید و سلامتی آن خواب را بنماید بتحقیق که نخواهد دید اثر بد و مکروهی
ان شاء الله تعالی آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که میفرمود خواب نیکو از جانب خدا است پس هرگاه ببیند کسی در خواب
آنچه را که دوست دارد باید که نقل کند آنرا بر کسی که دوست دارد او را
و هرگاه ببیند کسی مکروهی در خواب پس سه مرتبه آب دهن بجانب چپ
بیندازد و پناه جوید بخدای تعالی از شر شیطان و شر آن خواب و نقل
نکند آن خواب را بکسی که ضرر نمیرساند آن خواب باو و جهت ایمنی از فرود
آمدن خانه در کتاب کافی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت
کرده که آنحضرت فرمود نمیگوید هیچکس وقتی که اراده خواب کند اِنَّ
اللهَ یُمسِکُ السَّمواتِ وَالاَرضَ اَن تَزُولا وَلَئِن زالَتا اِن اَمسَکَهُما
مِن اَحَدٍ مِن بَعدِهِ اِنَّهُ کانَ حَلیماً غَفُوراً مگر آنکه نگاه میدارد خدای
تعالی فرود آمدن خانه را بر او و اثر برای ایمنی از دزد بگوید وقت خواب
قُلِ ادعُوا اللهَ اَوِ ادعُوا الرَّحمنَ اَیّاً ما تَدعُوا فَلَهُ الاَسماءُ الحُسنی
وَلا تَجهَر بِصَلاتِکَ وَلا تُخافِت بِها وَابتَغِ بَینَ ذلِکَ سَبیلاً وَقُلِ
الحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ وَلَداً وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ وَلَم یَکُن
لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیراً و جهت کسی خواهد که در خواب فزع نکند
هرگاه تکیه کند بر رخت خواب بخواند معوذتین و آیة الکرسی و جهت [illegible]
که ایمن باشد از فتنه قبر سوره حمد و الهاکم التکاثر را بخواند و چون
از بیداری خوابی نرسد بگوید سُبحانَ ذِی الشَّأنِ عَظیمِ البُرهانِ دائِمِ
السُّلطانِ یا مُشبِعَ البُطُونِ الجائِعَةِ وَیا کاسِیَ الجُنُوبِ العارِیَةِ

ویا مسکّن العروق الضاربة ویا منوّم العیون الساهرة سکّن عروقی
الضاربة وائذن لعینی نوماً عاجلاً اما طریق انکه هر که را خواهد که
خواب ببیند شیخ کفعمی این طریق را بچند سند روایت کرده با اختلاف
در الفاظ و اصح انها انست که روایت کرده است از حارث بن نوح
و او از پدرش و پدرش از جدش که او پسران خود را گفت که هرگاه
فرا گیرد یکی از شما را امری یا روی دهد شما را همّی پس نباید که در جای
خواب داخل نشوید مگر با طهارت و باید که جامهای خواب شما نیز
پاک باشد و زنی با شما هم خواب نباشد پس هفت مرتبه سوره والشمس
و هفت مرتبه سوره واللیل بخواند بعد از ان بگوید اللهم اجعل
لی من امری هذا فرجاً و مخرجاً پس بدرستی که در خواب ادمی اید
در شب اول یا سیم یا پنجم یا هفتم شخصی که تعلیم نماید او را طریقه
بیرون امدن از ان امر جابر انس نقل کرده اند که گفت مرا درد سری
بسیار شدیدی عارض شد و علاجی از برای ان نتوانستم یافت پس
این عمل بجای اوردم در شب اول دو کس را بخواب دیدم که نزد من
امدند یکی از ایشان بر بالین من نشست و دیگری در پایین پا و یکی
از ایشان دیگری را گفت دست بر سر او بگذار و پس چون دست او رسید
بانموضع سر من گفت اینموضع را حجامت کن و سر را متراش ولیکن موضع
درد را سریشم بمال بعد از ان یکی از ایشان یا هر دو متوجه من شدند
و فرمودند چون نباشد اگر ضم کنیم نان انجیر و زیتون را افس گفت
چون بیدار شدم انموضع را حجامت کردم و از ان صحت یافتم و من
این دوا را بکسی نگفتم مگر انکه او نیز شفا یافت و در بعضی از کتب
علما رحمهم الله بنظر رسیده که هر که خواهد در خواب ببیند یکی از
انبیا یا ائمه علیهم السلام یا یکی از مردم را یا پدر و مادر خود را پس

بخواند وقت خواب سوره الحمد و والشمس و واللیل و قدر و کافرون و
توحید و فلق و قل اعوذ برب الناس را بعد از ان صد مرتبه باز سوره
توحید بخواند و صد مرتبه صلوات بفرستد و با وضو بر جانب راست
بخوابد پس بدرستی که می بیند انکسی را که اراده کرده در خواب و سخن
میگوید با او بهر چه خواهد از سؤال و جواب و در بعضی نسخ مذکور
است که این عمل را هفت شب بکند و هر شب دعای اللهم اجعل لی
من امری هذا مخرجا را که در طریق اول این عمل مذکور شد نیز بخواند
اما چون از خواب بیدار شود بگوید الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی
والیه النشور و در روایت دیگر واقع شده که بعد از ان بگوید الحمد
لله الذی ردّ علیّ روحی لاحمده و اعبده و باید سجده کند بقصد
متابعت پیغمبر صلی الله علیه و اله چه بدرستی که هیچ مرتبه انحضرت
از خواب بیدار نمیشد مگر انکه سجده میکرد پروردگار را بعد از ان
بنشیند و بگوید انچه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست
حسبی الرب من العباد حسبی الذی هو حسبی منذ کنت حسبی الله و
نعم الوکیل و چون بر پا خیزد که از جامه خواب بیرون رود بگوید اللهم
اعنّی علی هول المطلع و وسّع علیّ المضجع و ارزقنی خیر ما قبل الموت
وارزقنی خیر ما بعد الموت و از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که انحضرت این کلمات را چنان بلند میخواند که اهل خانه میشنیدند
باب پنجم در اداب نماز شب و استغفار در سحر بدانکه نمازی
که گذارده میشود بعد از نصف شب تا ده رکعت است هشت رکعت
نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر است و در بعضی روایات
اطلاق وتر بر هر سه رکعت کرده اند و وقت نماز شب از نصف شب است
تا طلوع صبح صادق و هر چند نزدیکتر بصبح باشد بهتر است و اگر صبح

طلوع کند و از نماز شب چهار رکعت کرده باشد تتمه را بر سبیل تخفیف
تمام کند باین وضع که در چهار رکعت باقی بحمد تنها بدون سوره و قنوت
اکتفا نماید و جایز نیست نماز شب پیش از نصف شب مگر کسی را که
از خواب بیدار نتواند شد یا او را حاجتی و سببی باشد که مانع اداء
آن بعد از نصف شب اما اگر اینطایفه قضای این نافله را در روز بعمل
آرند افضل از آنست که قبل از نصف شب کنند و ثواب نماز شب زیاده
از آنست که این مختصر گنجایش آن داشته باشد و خدای تعالی مباهات
میکند بر فرشتگان ببربنده که نماز شب کند و خانه که در آن نماز شب
گذارده شود میدرخشد آنخانه بر اهل آسمان مثل درخشیدن بر اهل
زمین و از فوایدش آنکه شخص گذارنده وسیع روزی و مقبول الطبع و رقیق
القلب میگردد چه رقت قلب بهترین عبادات است و از حضرت صادق
علیه السلام در تفسیر آیه إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ روایت شده
که فرمودند نماز مؤمن است در شب که بر طرف مینماید آنچه کرده است در
روز از گناهان پس چون از خواب برخیزد و از خواندن ادعیه بعد از
خواب فارغ شود مسواک و وضو و غیره مقدمات قبل از وضو را بجای
آورده بوی خوش اگر همه یک کف گلاب باشد بکار برد چه تعطر کردن
نزد هر نماز سنت است و مخصوص نماز شب نیست و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که دو رکعت نماز با بوی خوش افضلست از هفتاد
رکعت بدون آن پس بنشیند رو بقبله و بخواند دعائی را که حضرت
سید الساجدین در دل شب میخوانده دعا اینست الهی غارت نجوم سماواتک
و نامت عیون انامک و هدأت اصوات عبادک و انعامک و غلقت
الملوک علیها ابوابها و طاف علیها حراسها و احتجبوا عمن یسألهم حاجة او
ینتجع منهم فائدة و انت الهی حی قیوم لا تأخذک سنة و لا نوم و لا

دعای قبل از شروع

یشغلک

یشغلک شیء عن شیء ابواب سماواتک لمن دعاک مفتحات و خزائنک
غیر مغلقات و ابواب رحمتک غیر محجوبات و فوائدک لمن سألک
غیر محظورات بل هی مبذولات الهی انت الکریم الذی لا ترد سائلا
من المؤمنین سألک و لا تحتجب عن احد منهم ارادک لا و عزتک و
جلالک و لا تختزل حوائجهم دونک و لا یقضیها احد غیرک اللهم
و قد ترانی و وقوفی و ذل مقامی بین یدیک تعلم سریرتی و تطلع علی
ما فی قلبی و ما یصلح به امر دنیای و آخرتی اللهم ان ذکر الموت و
اهوال المطلع و الوقوف بین یدیک نغصنی مطعمی و مشربی و اغصنی
بریقی و اقلقنی عن وسادی و منعنی رقادی کیف ینام من یخاف
ملک الموت فی طوارق اللیل و طوارق النهار بل کیف ینام العاقل
و ملک الموت لا ینام لا باللیل و لا بالنهار یطلب روحه بالبیات
و فی آناء الساعات بعد از آن سجده کند و روی خود را بر زمین گذارد
و بگوید اسألک الروح و الراحة عند الموت و العفو حین القاک
چه آنحضرت بعد از خواندن چنین میکرده اند پس قبل از تکبیرات سبعه
افتتاح که در دو رکعت اول سنت است بگوید اللهم انی اتوجه الیک
بنبیک نبی الرحمة و آله و اقدمهم بین یدی حوائجی و اتقدمهم بین
یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا و الآخرة و من المقربین
اللهم ارحمنی بهم و لا تعذبنی بهم و اهدنی بهم و لا تضلنی بهم و
ارزقنی بهم و لا تحرمنی بهم و اقض بهم لی حوائجی فی الدنیا و الآخرة
انک علی کل شیء قدیر و بکل شیء علیم پس تکبیرات سبعه را با ادعیه
ثلثه ما بین تکبیرات بجا آورد و مشغول نماز شب شود و سنت است که
در دو رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله بخواند چه در حدیث
وارد است که کسی که سی بار سوره توحید در دو رکعت اول بعد از حمد

بخواند هنوز از نماز فارغ نشده باشد که از گناهان پاک شود و اگر
در هر دو رکعت نتواند خواند در رکعت اول سی بار بخواند و در رکعت
دوم یکبار قل یا ایها الکافرون بخواند و اگر این نیز نتواند در رکعت
اول یکبار قل هو الله و در رکعت ثانی یکبار قل یا ایها الکافرون بخواند
و در تنگی وقت یا حین ضرورتی حمد تنها نیز جایز است و در شش
رکعت باقی بعد از حمد هر سوره که خواهد میتواند خواند و اگر در شش
رکعت در رکعت اول بعد از حمد سوره مزمل و در دوم عم و در سیم
دخان و در چهارم واقعه یا مدثر و در پنجم تبارک و در ششم دهر بخواند
افضلست و همچنین سنتست در شش رکعت مذکور سورهای طویل
بعد از حمد خواندن مثل انعام و انبیا و یس و حوامیم و مانند اینها
و همچنین میتواند که بعد از اتمام دو رکعت اول چهار رکعت از شش
رکعت باقی را بطریق نماز جعفر طیار بگذارد بلکه این افضل است
چه ادراک ثواب هر دو میکند دیگر آنکه چون در دو رکعت اول بعد
از حمد سی مرتبه سوره قل هو الله احد خوانده هرگاه چهار رکعت بعد
از آن را بطریق نماز جعفر طیار کند اقرب بقضای حاجات خواهد بود
و طریق نماز جعفر طیار در فصل نمازهای مندوبه مذکور خواهد شد
و سنتست چنین کند که نماز شب میگذارم بطریق نماز جعفر طیار برای
آنکه سنت است تقرب بخدا و بعد از آن دو رکعت دیگر را بطریقی که
مذکور شد بجای آورد و سنتست که قراءت را در نافله شب بلند
کند بلکه در همه نوافل و جایز است در نافله شب و در همه نوافل قراءت
کردن از روی قران و همچنین قنوت خواندن از روی نوشته و کتاب
و سنت است طول دادن قنوت چه از رسول خدا صلی الله علیه و
آله مرویست که از شما هر که درازتر است قنوتش در دنیا بیشتر است

راحت

راحت او در قیامت خصوصا در نماز شب که محل اجابت دعاست و اگر
کسی اختصار کند بگفتن اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا
فی الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر نیز کافیست و از مختصر
قنوتهاست آنچه مرویست از حضرت صادق علیه السلم و آن اینست
الهی کیف ادعوک وقد عصیتک وکیف لا ادعوک وقد عرفت
حبک فی قلبی وان کنت عاصیا مددت الیک یدا بالذنوب مملوة
وعینا بالرجاء ممدودة مولای انت عظیم العظماء وانا اسیر
الاسراء انا الاسیر بذنبی المرتهن بجرمی الهی لئن طالبتنی بذنبی
لاطالبنک بکرمک ولئن طالبتنی بجریرتی لاطالبنک بعفوک
ولئن امرت بی الی النار لاخبرن اهلها انی کنت اقول لا اله
الا الله محمد رسول الله اللهم ان الطاعة تسرک والمعصیة لا
تضرک فهب لی ما یسرک واغفر لی ما لا یضرک یا ارحم الراحمین
وکذا ابن مردویه گفته بگوید اللهم انی اسئلک ولم یسئل مثلک انت
موضع مسئلة السائلین ومنتهی رغبة الراغبین ادعوک ولم یدع
مثلک وارغب الیک ولم یرغب الی مثلک انت مجیب دعوة
المضطرین وارحم الراحمین اسئلک بافضل المسائل وانجحها و
اعظمها یا الله یا رحمن یا رحیم وباسمائک الحسنی وامثالک العلیا
ونعمک التی لا تحصی وباکرم اسمائک علیک واحبها الیک واقربها
منک وسیلة واشرفها عندک منزلة واجزلها لدیک ثوابا و
اسرعها فی الامور اجابة وباسمک المکنون الاکبر الاعز الاجل
الاعظم الاکرم الذی تحبه وتهواه وترضی به عمن دعاک وتستجیب
له دعاءه وحق علیک ان لا تحرم سائلک وبکل اسم هو لک فی
التوریة والانجیل والزبور والفرقان العظیم وبکل اسم دعاک به

حملة عرشك وملئكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من
خلقك ان تصلي علي محمد وال محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك
و تعجل خزي اعدائه وان تفعل بي كذا وكذا و بجای کذا وکذا مطالب
خود را ذکر کند بعد از ان تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجای آورد آنکه
دعا کند بهر چه خواهد بعد از ان دو سجده شکر کند و بخواند در یکی از ان
دو سجده دعائی را که منسوبست بامام زین العابدین علیه السلام الهي
بعزتك وجلالك لو انی منذ بدعت فطرتي من اول الدهر عبدتك
دوام خلود ربوبيتك بكل شعرة في كل طرفة عين سرمد الابد
بحمد الخلائق وشكرهم اجمعين لكنت مقصرا في بلوغ اداء شكر اخفى
نعمة من نعمك علي ولو اني كربت معادن حديد الدنيا بانيابي و
حرثت ارضها باشفار عيني وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات
والارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا في كثير ما يجب من حقك
علي ولو انك الهي عذبتني بعد ذلك بعذاب الخلائق اجمعين و
عظمت للنار خلقي وجسمي وملات طبقات جهنم مني حتى لا يكون
في النار معذب غيري ولا يكون لجهنم حطب سواي لكان ذلك بعدلك
علي قليلا في كثير ما استوجبه من عقوبتك و بعد از رکعت هشتم بخواند
دعای ما بین هر دو رکعت ده بار یا الله بگوید و این دعا بخواند صل علی
محمد واله واغفر لي وارحمني وثبتني علي دينك ودين نبيك ولا تزغ
قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب
پس بگوید اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي
المميت البدئ البديع لك الكرم ولك الجود ولك الامر ولك
المن وحدك لا شريك لك يا خالق يا رازق يا محيي يا مميت يا بديع يا
بدئ يا رفيع اسئلك ان تصلي علي محمد وال محمد وان ترحم ذلي بين

دعای پس از نماز شب

یدیک

يديك وتضرعي اليك ووحشتي من الناس وانسي بك پس بخواند این
دعا را که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از رکعت هشتم میخوانده
اللهم اني اسئلك بحرمة من عاذ بك ولجا الي عزك واستظل
بفيئك واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق
الاساري يا من سمي نفسه من جوده وهابا ادعوك رغبا ورهبا
وخوفا وطمعا والحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا
وراكعا وساجدا وراكبا وماشيا وذاهبا وجائيا وفي كل حالاتي
اسئلك ان تصلي علي محمد وال محمد وان تفعل بي كذا وكذا پس حاجت
خود را در کذا وکذا ذکر کند بعد از ان دو سجده شکر بطریق مذکور بکند
پس برخیزد و مشغول دو رکعت شفع شود و بخواند در هر یک از رکعتین
ان بعد از حمد قل هو الله احد یا در رکعت اول بعد از حمد سوره فلق و در
ثانی سوره قل اعوذ برب الناس و ترک قنوت کند چه قنوت در نماز شفع
سنت نیست و بعد از سلام این دعا بخواند الهي تعرض لك في هذا الليل
المتعرضون وقصدك فيه القاصدون وامل فضلك ومعروفك
الطالبون ولك في هذا الليل نفحات وجوائز وعطايا ومواهب تمن
بها علي من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية منك
وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل فضلك ومعروفك فان
كنت يا مولاي تفضلت في هذه الليلة علي احد من خلقك وعدت
عليه بعائدة من عطفك فصل علي محمد واله الطيبين الطاهرين
الخيرين الفاضلين وجد علي بطولك ومعروفك يا رب العالمين و
صلى الله علي محمد خاتم النبيين واله الطاهرين الذين اذهب الله عنهم
الرجس وطهرهم تطهيرا ان الله حميد مجيد اللهم اني ادعوك كما
امرت فاستجب لي كما وعدت انك لا تخلف الميعاد بعد از ان برخیزد

دعای پس از نماز شفع

بجهت وتر و بعد از تکبیرات افتتاح و دعاهای آن حمد را با سه مرتبه
قل هو الله احد و یکبار معوذتین بخواند و دستها را بقنوت بردارد در
وقت خواندن قنوت که به کند یا خود را بکریه بدارد و از دعا هر چه خواهد
بخواند و بخواند این دعا را که ابن بابویه بسند صحیح روایت کرده که حضرت
امام محمد باقر علیه السلام در قنوت وتر میخوانده اند لا اله الا الله

دعای قنوت وتر

الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات
السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم
اللهم انت الله نور السموات و الارض و انت الله جمال السموات
و الارض و انت الله عماد السموات و الارض و انت الله قوام
السموات و الارض و انت الله صریخ المستصرخین و انت الله غیاث
المستغیثین و انت الله المفرج عن المکروبین و انت الله المروح عن
المغمومین و انت الله مجیب دعوة المضطرین و انت الله اله العالمین
و انت الله الرحمن الرحیم و انت الله کاشف السوء و انت الله بک
تنزل کل حاجة یا الله لیس یرد غضبک الا حلمک و لا یرد سخطک
الا عفوک و لا ینجی منک الا التضرع الیک فهب لی من لدنک
یا الهی رحمة تغنینی بها عن رحمة من سواک بالقدرة التی احییت
بها جمیع ما فی البلاد و بها تنشر میت العباد لا تهلکنی غما حتی تغفر
لی و ترحمنی و تعرفنی الاجابة فی دعائی و ارزقنی العافیة الی منتهی
اجلی و اقلنی عثرتی و لا تشمت بی عدوی و لا تمکنه من رقبتی اللهم
ان رفعتنی فمن ذا الذی یضعنی و ان وضعتنی فمن ذا الذی یرفعنی و
ان اهلکتنی فمن ذا الذی یحول بینک و بینی او یتعرض لک فی شیء
من امری و قد علمت ان لیس فی حکمک ظلم و لا فی نقمتک عجلة
انما یعجل من یخاف الفوت و انما یحتاج الی الظلم الضعیف و قد

تعالیت

تعالیت عن ذلک یا الهی فلا تجعلنی للبلاء غرضا و لا لنقمتک
نصبا و مهلنی و نفسنی و اقلنی عثرتی و لا تتبعنی ببلاء علی اثر
بلاء فقد تری ضعفی و قلة حیلتی استعیذ بک اللیلة فاعذنی
و استجیر بک من النار فاجرنی و اسئلک الجنة فلا تحرمنی
بعد از سه بار بگوید استجیر بالله من النار انگه دعا کند بهر چه خواهد
و بعد از آن هفتاد بار بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه انگه
چهل مؤمن را باسم یا بطریقی که اللهم اغفر لفلان و فلان دعا کند
و بدست راست بشمارد و دست چپ را برابر رو دارد انگه هفت بار
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم لجمیع ظلمی و
جرمی و اسرافی علی نفسی و اتوب الیه بعد از آن بگوید رب اسأت
و ظلمت نفسی و بئس ما صنعت و هذه یدای یا رب جزاء بما کسبت
و هذه رقبتی خاضعة لما اتیت و ها انا ذا بین یدیک فخذ لنفسک
من نفسی الرضا حتی ترضی لک العتبی لا اعود و بعد از آن سیصد بار
العفو العفو بگوید انگه بگوید رب اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک
انت التواب الرحیم و هر چند دعا بیشتر کند بهتر خواهد بود و اگر
خواهد اضافه کند قنوتی که در هشت رکعت نماز شب ذکر یافت بخواند
و با وسعت وقت بخوان قنوتی را که حضرت سید الساجدین در قنوت
وتر میخوانده اند سیدی سیدی هذه یدای قد مددتهما الیک
بالذنوب مملوة و عینای بالرجاء ممدودة و حق لمن دعاک
بالندم تذللا ان تجیبه بالکرم تفضلا سیدی امن اهل الشقا
خلقتنی فاطیل بکائی ام من اهل السعادة خلقتنی فابشر رجائی
سیدی الضرب المقامع خلقت اعضائی ام لشرب الحمیم خلقت
امعائی سیدی لو ان عبدا استطاع الهرب من مولاه لکنت اول

الهاربين منك لكنى اعلم انى لا افوتك سيدى لو ان عذابى مما
يزيد فى ملكك لسألتك الصبر عليه غير انى اعلم انه لا يزيد
فى ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية العاصين
سيدى ما انا وما خطرى هب لى بفضلك وجللنى بسترك و
اعف عن توبيخى بكرم وجهك الهى و سيدى ارحمنى مصروعا على
الفراش تقلبنى ايدى احبتى وارحمنى مطروحا على المغتسل يغسلنى
صالح جيرتى وارحمنى محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتى
وارحم فى ذلك البيت المظلم وحشتى وغربتى ووحدتى وازقونها
مختصر كه در وسعت وقت در نماز وتر و غير آن بلكه در همه اوقات
ميتوان خواند اينست اللهم ان كثرة الذنوب تكف ايدينا عن انبساطها
اليك بالسؤال والمداومة على المعاصى تمنعها عن التضرع والابتهال
والرجاء يحثنا على السؤال يا ذا الجلال والاكرام فان لم يعطف
السيد على عبده فمن يبتغى النوال فلا ترد اكفنا المتضرعة اليك
الا ببلوغ الآمال وصلى الله على اشرف الانبياء والمرسلين محمد
وآله الطاهرين آنكه بركوع رود و چون سر از ركوع بردارد بگويد
هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم و
شكره قليل الهى طموح الآمال قد خابت الا لديك ومعاكف الهمم
قد تقطعت الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا اليك فاليك
الرجاء واليك الملتجا يا اكرم مقصود ويا اجود مسؤول هربت اليك
بنفسى يا ملجأ الهاربين باثقال الذنوب احملها على ظهرى وما اجد
لى اليك شافعا سوى معرفتى بانك اقرب من رجاه الطالبون و
لجأ اليه المضطرون وامل ما لديه الراغبون يا من فتق العقول
بمعرفته واطلق الالسن بحمده وجعل ما امتن به على عباده كفاء

لتأدية حقه صل على محمد وآله ولا تجعل للهموم على عقلى سبيلا
ولا للباطل على عملى دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از سلام
تسبيح فاطمه زهرا كند وسه بار بگويد الحمد لرب الصباح الحمد لفالق
الاصباح وبعد از آن اين دعا را كه مشهور بدعاى حزين است بخواند
اناجيك يا موجودا فى كل مكان لعلك تسمع ندائى فقد عظم
جرمى وقل حيائى مولاى يا مولاى اى الاهوال اتذكر واتيها
انسى ولو لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى
مولاى يا مولاى حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى
ثم لا تجد عندى صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله
من هوى قد غلبنى ومن عدو قد استكلب على ومن دنيا قد تزينت
لى ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربى مولاى يا مولاى ان كنت
رحمت مثلى فارحمنى وان كنت قبلت مثلى فاقبلنى يا قابل السحرة اقبلنى
يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذينى بالنعم صباحا ومساء
ارحمنى يوم آتيك فردا شاخصا اليك بصرى مقلدا عملى قد تبرأ
جميع الخلائق منى نعم وابى وامى ومن كان له كدى وسعيى فان لم
ترحمنى فمن يرحمنى ومن يؤنس فى القبر وحشتى ومن ينطق لسانى اذا
خلوت بعملى وسألتنى عما انت اعلم به منى فان قلت نعم فاين المهرب
من عدلك وان قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك
عفوك يا مولاى قبل ان تلبس الابدان سرابيل القطران عفوك
عفوك يا مولاى قبل ان تغل الايدى الى الاعناق يا ارحم الراحمين
ويا خير الغافرين بعد از آن سجده كند و در سجده بگويد اللهم صل
على محمد وآله وارحم ذلى بين يديك وتضرعى اليك ووحشتى من
الناس وانسى بك يا كريم يا كائنا قبل كل شىء يا مكون كل شىء يا

کأنّنا بعد کلّ شیء لا تفضحنی فإنّک بی عالم و لا تعذّبنی فإنّک علیّ قادر
اللّهمّ إنّی أعوذ بک من کرب الموت و من سوء المرجع فی القبور و من
الندامة یوم القیمة اسئلک عیشة هنیئة و میتة سویّة و منقلبا
کریما غیر مخز و لا فاضح اللّهمّ إنّ مغفرتک أوسع من ذنوبی و رحمتک
أرجی عندی من عملی فصلّ علی محمّد و آله و اغفر لی یا حیّا لا یموت
أمّا استغفار که بتحر بدانکه احادیث در فضیلت استغفار بسیار است
چنانچه روایت کرده سکونی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام
که حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرمود که بهترین دعا استغفار
است و دیگر فرمود که دلها را زنگیست مانند زنگ مس پس جلا دهید
آنرا باستغفار و ایضا فرموده که هر که استغفار بسیار کند ظاهر کند
حق سبحانه و تعالی از برای او از هر غمی فرجی و از هر تنگنائی مخرجی
و روزی دهد او را از جائی که کمان نداشته باشد و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام روایت شده که خوشا حال بنده که استغفار کند
از گناهی که مطلع نشده باشد بر آن گناه غیر از خدای تعالی بدرستی که
مثل استغفار در عقب گناه مثل آبیست که ریخته شود بر آتش پس آن
آتش را خاموش نماید و روایت کرده زراره از ابی عبد الله علیه السلام
که هر گاه بنده استغفار بسیار کند بلند شود صحیفه او و آن درخشان
باشد و افضل اوقات آن سحر است و صبح و عصر و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام روایت است که افضل اوقات استغفار وقت
سحر است و حق تعالی فرموده و المستغفرین بالاسحار و نیز فرموده و
بالاسحار هم یستغفرون و از ائمّه انام علیهم السلام منقولست که
رحمت الهی فرود می آید بر سحر خیزان و استغفار کنندگان در سحرها
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که تمام رب

استغفار هفتاد مرتبه است و در روایت دیگر وارد شده که صد مرتبه استغفر
الله ربّی و اتوب الیه و بگو این استغفار را هفت مرتبه استغفر الله
الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم لجمیع ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی و
اتوب الیه پس بگو آنچه روایت شده از امیر المؤمنین علیه السلام اللّهمّ
إنّی استغفرک لکلّ ذنب جری به علمک فیّ و علیّ الی آخر عمری لجمیع
ذنوبی اوّلها و آخرها و عمدها و خطائها قلیلها و کثیرها دقیقها و
جلیلها قدیمها و حدیثها سرّها و علانیتها و جمیع ما انا مذنبه
و اتوب الیک و اسئلک ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تغفر لی
جمیع ما احصیت من مظالم العباد قبلی فإنّ لعبادک علیّ حقوقا و
انا مرتهن بها فاغفرها لی کیف شئت و انّی شئت یا ارحم الرّاحمین
پس بگو آنچه آنحضرت صلوات الله علیه میخواندند اللّهمّ إنّ ذنوبی
ان کانت قطیعة فإنّی ما اردت بها قطیعة و لا اقول لک العتبی
لا اعود لما اعلمه من ضعفی فقد جئت اطلب عفوک و وسیلتی
الیک کرمک فصلّ علی محمّد و آل محمّد و اکرمنی بمغفرتک یا
ارحم الرّاحمین و بگو بعد از آن العفو العفو سیصد مرتبه پس بگو
آنچه حضرت سیّد الساجدین صلوات الله علیه میخواندند اللّهمّ
إنّ استغفاری ایّاک و انا مصرّ علی ما نهیت عنه قلّة حیاء
و ترکی الاستغفار مع علمی بسعة رحمتک تضییع لحقّ الرّجاء اللّهمّ
إنّ ذنوبی تؤیسنی ان ارجوک و انّ علمی بسعة رحمتک یؤمننی
ان اخشاک فصلّ علی محمّد و آل محمّد و حقّق رجائی منّا لک و کذّب
خوفی منک و کن لی عند حسن ظنّی بک یا اکرم الاکرمین و از
حضرت رسول صلّی الله علیه و آله روایت شده که بتحقیق که حق تعالی
می آمرزد بر صاحب این استغفار گناهان او را تماما و اگر چه بوده باشد مثل

و آن استغفار اینست

گناهان او که پر کند هفت طبقه آسمانها و هفت طبقه زمین را و مثل
سنگینی کوهها و عدد قطرات باران و آنچه در بر و بحر بوده باشد و نوشته
میشود برای او بعدد این مذکورات حسنات و میگوید هیچ بنده در
روز و شب و بمیرد مگر آنکه داخل بهشت شود و محتاج نمیشود هرگز
اللهم انی استغفرک مما تبت الیک منه ثم عدت فیه و استغفرک
لما اردت به وجهک فخالطنی فیه ما لیس لک و استغفرک للنعم
التی مننت بها علی فتقویت بها علی معاصیک استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم
لکل ذنب اذنبته و لکل معصیة ارتکبتها اللهم ارزقنی عقلا کاملا
و عزما ثاقبا و لبا راجحا و قلبا زکیا و علما کثیرا و ادبا بارعا
و اجعل ذلک کله لی و لا تجعله علی برحمتک یا ارحم الراحمین
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین **باب ششم** در ادعیه و
احراز صبح و شام و آن مشتمل بر سه فصل است **فصل اول** در ادعیه
مشترکه صبح و شام بدانکه در این دو وقت ادعیه و اذکار بسیار از
سید ابرار و ائمه اطهار صلوات الله علیهم من الملک الغفار ماثور گردیده
و تحریص و ترغیب بسیار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار وارد
شده چنانچه حق جل و علا میفرماید و سبح بالعشی و الابکار یعنی و
تنزیه کن خدا را در پسین و بامداد و ایضا فرموده و سبح بحمد ربک
قبل طلوع الشمس و قبل غروبها و من آناء اللیل فسبح و اطراف النهار
لعلک ترضی یعنی و تنزیه کن با حمد پروردگار خود را پیش از برآمدن
آفتاب و پیش از فرورفتن آفتاب و از ساعات شب پس تنزیه کن پروردگار
خود و در اطراف روز شاید که راضی شوی در آخرت و آیات در این باب
بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر دو

حافظ

حافظ اعمال که صحیفه بنده را بالا برند و در اول و آخر آن صحیفه کلام
نیکی باشد حق تعالی بملائکه میگوید که گواه باشید که من آمرزیدم برای
این بنده آنچه در میان و اول و آخر این صحیفه است و بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیطان علیه اللعنه لشکر خود را
پهن میکند در هنگام فرورفتن و برآمدن آفتاب پس بسیار یاد کنید
خدا را در این دو ساعت و پناه برید بخدا از شر شیطان و لشکرهای او
و کودکان خود را تعویذ کنید و پناه دهید بخدا در این دو ساعت که در این
دو ساعت غافل میگرداند شیطان مردم را و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که طلب کنید روزی را در ما بین طلوع
فجر تا طلوع آفتاب که زودتر میرساند روزی را بآدمی از آنکه سفر کند در
زمین و این ساعتیست که حق تعالی قسمت میکند روزی را در میان
بندگان خود **و بسند معتبر** از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
چون آفتاب زرد و متغیر شود در آخر روز خدا را یاد کن و اگر با جمعی
نشسته باشی که ترا مشغول کنند برخیز از میان ایشان و مشغول دعا
شو **و بدانکه** ظاهر فحاوی اخبار و رأی علمای امامیه رضوان الله علیهم
آنست که دعاهای صباح را باید بعد از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خواند
و اگر بعضی را بعد از طلوع آفتاب نیز بخوانند جایز است خصوصا هرگاه
متصل بتعقیب باشد و دعاهای مسا اکثر نزدیک بغروب آفتاب
خوانده میشود و بعضی بعد از شام و اکثر را شاید بعد از عصر تا
شام توان خواند و بعضی مخصوص باوقات چند اند که در احادیث ایما
بآنها شده اما دعاهای صبح و شام بسیار است **از آنجمله ابن بابویه**
و کلینی و شیخ طوسی و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده اند که بعد از وجوب فریضه بر هر مسلمان واجب

است که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب آفتاب
این دعا بخواند لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و
له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل
شیء قدیر و در بعضی روایات وارد شده که اگر ترک شود قضا کند
که لازم است و در بعضی روایات کفاره گناهان اوست و از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله بمردی از اصحاب خود فرمود که اگر خواهی که خدا ترا ایمن کند
از غرق شدن و سوختن و لقمه در گلو ماندن در هر صبح و شام سه مرتبه
این دعا بخوان تا ایمن گردی از این بلاها پس فرمود که خضر و الیاس
در هر موسم حج یکدیگر را ملاقات میکنند و چون از یکدیگر جدا میشوند
این دعا را میخوانند و این دعا از شعار شیعیان ماست و روزی که
حضرت قائم علیه السلام ظاهر میشود باین دعا دوستان ما از دشمنان
ما ممتاز میشوند دعا اینست بسم الله ما شاء الله لا یصرف السوء
الا الله بسم الله ما شاء الله لا یسوق الخیر الا الله بسم الله
ما شاء الله ما یکون من نعمة فمن الله بسم الله ما شاء الله لا
حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بسم الله ما شاء الله صلی
الله علی محمد و آله الطیبین سید ابن طاوس و دیگران بسندهای معتبر
روایت کرده اند که چون حضرت صادق علیه السلام در زمان منصور
بعراق تشریف آوردند شیعیان بخدمت آنحضرت آمدند و گفتند ای
مولای ما دانسته ایم که تربت مقدس حضرت امام حسین شفای هر
درد است آیا باعث امان از هر خوف میگردد حضرت فرمود که بلی هر که
خواهد که برای او امان گردد از هر خوف و بیم باید که تسبیحی از تربت
مقدس آنحضرت بکف گیرد و دعائی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

خواند در شبی که بر فراش حضرت رسول صلی الله علیه و آله خوابیده بود
بخواند و دعا اینست اصبحت اللهم معتصما بذمامک و جوارک
المنیع الذی لا یطاول و لا یحاول من شر کل غاشم و طارق من سائر
من خلقت و ما خلقت من خلقک الصامت و الناطق فی جنة من
کل مخوف بلباس سابغة حصینة و لاء اهل بیت نبیک علیهم
السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم و التمسک بحبلهم موقنا بان الحق لهم و معهم
و فیهم و بهم اوالی من والوا و اعادی من عادوا و اجانب من جانبوا
فصل علی محمد و آله و اعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم
حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات و الارض انا جعلنا من بین
ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون پس تسبیح
را ببوسد و بر دیدهای خود گذارد و بگوید اللهم انی اسئلک بحق هذه
التربة و بحق صاحبها و بحق جده و ابیه و بحق امه و اخیه و بحق ولده
الطاهرین اجعلها شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و حفظا
من کل سوء پس تسبیح را بر پیشانی و دو جانب پیشانی خود بگذارد
و اگر در صبح چنین کند تا شام در امان خدا باشد و اگر در شام چنین
کند تا صبح در امان خدا باشد شیخ طوسی و دیگران از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام روایت کرده اند که هر گاه من این دعا بخوانم
پروا ندارم اگر جمیع جنیان و آدمیان برای ضرر من جمع شوند و علما
این دعا را از دعاهای صبح و شام شمرده اند بسم الله و بالله و
من الله و الی الله و فی سبیل الله اللهم الیک اسلمت نفسی و
الیک وجهت وجهی و الیک فوضت امری و الیک الجأت ظهری
فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن

شمالی ومن فوقی ومن تحتی ومامقبلی وادفع عنی بحولك وقوتك فانه
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم شیخ ابن فهد در عدة الداع
روایت کرده است که روزی ابو الدردا را خبر دادند که خانه ات سوخته است
پس او گفت نسوخته است دیگری خبر داد باز چنین گفت تا سه مرتبه
پس معلوم شد که خانهای اطراف همه سوخته است وخانه او نسوخته
گفتند از چه راه دانستی که خانه تو نسوخته گفت زیرا که شنیدم از رسول
خدا صلی الله علیه واله که هر که در صبح این دعا بخواند در ان روز بدی
باو نرسد واگر در شام بخواند در ان شب بدی باو نمیرسد ومن این
دعا را خوانده بودم اللهم انت ربی لا اله الا انت علیك توكلت
وانت رب العرش العظیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ما شاء الله كان وما لم یشأ لم یكن اعلم ان الله علی كل شیء قدیر
وان الله قد احاط بكل شیء علما اللهم انی اعوذ بك من شر نفسی
ومن شر كل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
شیخ طبرسی وكفعمی ودیگران از حضرت رسول صلی الله علیه واله
روایت كرده اند كه باصحاب خود گفت كه ایا عاجزید از انكه هر صبح و
شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیرید گفتند چگونه عهد بگیریم
فرمود كه این دعا را بخوانید مهری بر ان میزنند ودر زیر عرش الهی
میگذارند چون روز قیامت میشود منادی ندا میكند كه كجایند
انانكه نزد خداوند رحمن عهدی دارند پس ان عهد را بایشان دهند
وبان عهد داخل بهشت شوند بحساب ودعا اینست اللهم فاطر
السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اعهد
الیك فی هذه الدنیا انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا
شریك لك وان محمدا صلی الله علیه واله عبدك ورسولك

اللهم

اللهم فصل علی محمد واله ولا تكلنی الی نفسی طرفة عین ابدا ولا الی
احد من خلقك فانك ان وكلتنی الیها تباعدنی من الخیر وتقربنی من
الشر ای رب لا اثق الا برحمتك فصل علی محمد واله الطیبین واجعل
لی عندك عهدا الی یوم القیمة انك لا تخلف المیعاد در مهج الدعوات
از حضرت امام زین العابدین صلوات الله وسلامه علیه منقولست كه
در صبح وشام این دعا بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
سددت افواه الجن والانس والشیاطین والسحرة والابالسة
من الجن والانس والسلاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز
وبالله الكبیر الاكبر بسم الله الظاهر الباطن المكنون المخزون
الذی اقام به السموات والارض ثم استوی علی العرش بسم الله الرحمن
الرحیم ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون ما لكم لا تنطقون
قال اخسؤا فیها ولا تكلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من
حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا
علی قلوبهم اكنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا واذا ذكرت ربك
فی القران وحده ولوا علی ادبارهم نفورا واذا قرات القران جعلنا
بینك وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا من
بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم
نختم علی افواههم وتكلمنا ایدیهم فهم لا ینطقون لو انفقت ما فی
الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولكن الله الف بینهم انه عزیز
حكیم وصلی الله علی محمد واله الطاهرین ایضا در مهج الدعوات
از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت كرده است كه هر كه در صبح
وشام این دعا بخواند حق تعالی چهار ملك بر او موكل كرداند كه
او را از پیش رو واز پشت سر واز جانب راست واز جانب چپ حفظ

كُنَد و در امان خدا باشد و هرچند خلائق سعی كُنند كه با و ضرر رسانند نتوانند بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ بِسمِ اللهِ خیرِ الاسماءِ بِسمِ اللهِ رَبِّ الارضِ والسَّماءِ بِسمِ اللهِ الَّذی لا یَضُرُّ مَعَ اسمِهِ سَمٌّ وَلا داءٌ بِسمِ اللهِ اَصبَحتُ وَعَلَی اللهِ تَوَكَّلتُ بِسمِ اللهِ عَلی قَلبی وَنَفسی بِسمِ اللهِ عَلی دینی وَعَقلی بِسمِ اللهِ عَلی اَهلی وَمالی بِسمِ اللهِ عَلی ما اَعطانی رَبّی بِسمِ اللهِ الَّذی لا یَضُرُّ مَعَ اسمِهِ شَیءٌ فِی الاَرضِ وَلا فِی السَّماءِ وَهُوَ السَّمیعُ العَلیمُ اللهُ اللهُ رَبّی حَقّاً لا اُشرِكُ بِهِ شَیئاً اللهُ اَكبَرُ اللهُ اَكبَرُ اللهُ اَكبَرُ اَعَزُّ وَاَجَلُّ مِمّا اَخافُ وَاَحذَرُ عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلٰهَ غَیرُكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعوذُ بِكَ مِن شَرِّ نَفسی وَمِن كُلِّ سُلطانٍ شَدیدٍ وَمِن شَرِّ كُلِّ شَیطانٍ مَریدٍ وَمِن شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ وَمِن شَرِّ قَضاءِ السّوءِ وَمِن شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ اَنتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّكَ عَلی صِراطٍ مُستَقیمٍ وَاَنتَ اللهُ عَلی كُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اِنَّ وَلِیِّیَ اللهُ الَّذی نَزَّلَ الكِتابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ فَاِن تَوَلَّوا فَقُل حَسبِیَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَكَّلتُ وَهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ **ایضاً از مهج الدعوات** و سایر كتب از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت كرده‌اند كه برای دفع شر دشمنان و بلاها نزد طلوع آفتاب و غروب آفتاب این دعا را بخوانند بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ بِسمِ اللهِ وَبِاللهِ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ وَلا غالِبَ اِلّا اللهُ غالِبُ كُلِّ شَیءٍ وَبِهِ یَغلِبُ الغالِبونَ وَمِنهُ یَطلُبُ الرّاغِبونَ وَعَلَیهِ یَتَوَكَّلُ المُتَوَكِّلونَ وَبِهِ یَعتَصِمُ المُعتَصِمونَ وَیَثِقُ الواثِقونَ وَیَلجَأُ المُلتَجِئونَ وَهُوَ حَسبُهُ وَنِعمَ الوَكیلُ اِحتَرَزتُ بِاللهِ وَاحتَرَستُ بِاللهِ وَلَجَأتُ اِلَی اللهِ وَاستَجَرتُ بِاللهِ وَاستَعَنتُ بِاللهِ وَامتَنَعتُ بِاللهِ وَاعتَزَزتُ بِاللهِ وَقَهَرتُ بِاللهِ وَغَلَبتُ بِاللهِ وَاعتَمَدتُ عَلَی اللهِ وَاستَتَرتُ بِاللهِ وَحَفِظتُ بِاللهِ وَاستَحفَظتُ

بِاللهِ خَیرِ الحافِظینَ وَتَكَهَّفتُ بِاللهِ وَحُطتُ نَفسی وَاَهلی وَمالی وَاِخوانی وَكُلَّ مَن یَعنینی اَمرُهُ بِاللهِ الحافِظِ اللَّطیفِ وَاَكلَأتُ بِاللهِ وَصَحِبتُ حافِظَ الصّاحِبینَ وَحافِظَ الاَصحابِ الحافِظینَ وَفَوَّضتُ اَمری اِلَی اللهِ الَّذی لَیسَ كَمِثلِهِ شَیءٌ وَهُوَ السَّمیعُ العَلیمُ وَاعتَصَمتُ بِاللهِ الَّذی مَنِ اعتَصَمَ بِهِ نَجی مِن كُلِّ خَوفٍ وَتَوَكَّلتُ عَلَی اللهِ العَزیزِ الجَبّارِ وَحَسبِیَ اللهُ وَنِعمَ الوَكیلُ وَمَن یَتَوَكَّل عَلَی اللهِ فَهُوَ حَسبُهُ ما شاءَ اللهُ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَعَلی آلِهِ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ تَسلیماً **پس بخوان** آیة الكرسی تا وَهُوَ العَلِیُّ العَظیمُ وبگو وَلَقَد ذَرَأنا لِجَهَنَّمَ كَثیراً مِنَ الجِنِّ وَالاِنسِ لَهُم قُلوبٌ لا یَفقَهونَ بِها وَلَهُم اَعیُنٌ لا یُبصِرونَ بِها وَلَهُم آذانٌ لا یَسمَعونَ بِها اُولٰئِكَ كَالاَنعامِ بَل هُم اَضَلُّ سَبیلاً اُولٰئِكَ هُمُ الغافِلونَ سَواءٌ عَلَیهِم اَدَعَوتُموهُم اَم اَنتُم صامِتونَ اِنَّ الَّذینَ تَدعونَ مِن دونِ اللهِ عِبادٌ اَمثالُكُم فَادعوهُم فَلیَستَجیبوا لَكُم اِن كُنتُم صادِقینَ اَلَهُم اَرجُلٌ یَمشونَ بِها اَم لَهُم اَیدٍ یَبطِشونَ بِها اَم لَهُم اَعیُنٌ یُبصِرونَ بِها اَم لَهُم آذانٌ یَسمَعونَ بِها قُلِ ادعوا شُرَكاءَكُم ثُمَّ كیدونِ فَلا تُنظِرونِ اِنَّ وَلِیِّیَ اللهُ الَّذی نَزَّلَ الكِتابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ وَاِن تَدعوهُم اِلَی الهُدی لا یَسمَعوا وَتَراهُم یَنظُرونَ اِلَیكَ وَهُم لا یُبصِرونَ اُولٰئِكَ الَّذینَ طَبَعَ اللهُ عَلی قُلوبِهِم وَسَمعِهِم وَاَبصارِهِم وَاُولٰئِكَ هُمُ الغافِلونَ اِنّا جَعَلنا عَلی قُلوبِهِم اَكِنَّةً اَن یَفقَهوهُ وَفی آذانِهِم وَقراً وَاِن تَدعُهُم اِلَی الهُدی فَلَن یَهتَدوا اِذاً اَبَداً فَاَوجَسَ فی نَفسِهِ خیفَةً موسی قُلنا لا تَخَف اِنَّكَ اَنتَ الاَعلی وَاَلقِ ما فی یَمینِكَ تَلقَف ما صَنَعوا اِنَّما صَنَعوا كَیدُ ساحِرٍ وَلا یُفلِحُ السّاحِرُ حَیثُ اَتی اَفَلَم یَسیروا فِی الاَرضِ فَتَكونَ لَهُم قُلوبٌ یَعقِلونَ بِها اَو آذانٌ یَسمَعونَ بِها

فَاِنَّهَا لَا تَعْمَی الْاَبْصَارُ وَلٰکِنْ تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ طٰسٓمٓ تِلْکَ اٰیَاتُ الْکِتَابِ الْمُبِینِ لَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَفْسَکَ اَلَّا
یَکُونُوا مُؤْمِنِینَ اِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّمَآءِ اٰیَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ
لَهَا خَاضِعِینَ قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُکَ بِشَیْءٍ مُبِینٍ قَالَ فَاْتِ بِهِ اِنْ کُنْتَ مِنَ
الصَّادِقِینَ فَاَلْقٰی عَصَاهُ فَاِذَا هِیَ ثُعْبَانٌ مُبِینٌ وَنَزَعَ یَدَهُ فَاِذَا هِیَ
بَیْضَآءُ لِلنَّاظِرِینَ قَالَ کَلَّا اِنَّ مَعِیَ رَبِّی سَیَهْدِینِ یَا مُوسٰی لَا تَخَفْ
اِنِّی لَا یَخَافُ لَدَیَّ الْمُرْسَلُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ
یَا مُوسٰی اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ اِنَّکَ مِنَ الْاٰمِنِینَ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِاَخِیکَ
وَنَجْعَلُ لَکُمَا سُلْطَانًا فَلَا یَصِلُونَ اِلَیْکُمَا بِاٰیَاتِنَا اَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَکُمَا
الْغَالِبُونَ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلٰی مُوسٰی وَهٰرُونَ وَنَجَّیْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ
الْکَرْبِ الْعَظِیمِ وَنَصَرْنَاهُمْ فَکَانُوا هُمُ الْغَالِبِینَ وَاَلْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّةً
مِنِّی وَلِتُصْنَعَ عَلٰی عَیْنِی اِذْ تَمْشِی اُخْتُکَ فَتَقُولُ هَلْ اَدُلُّکُمْ عَلٰی مَنْ یَکْفُلُهُ
فَرَجَعْنَاکَ اِلٰی اُمِّکَ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّیْنَاکَ
مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاکَ فُتُونًا وَحَرَّمْنَا عَلَیْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ
اَدُلُّکُمْ عَلٰی اَهْلِ بَیْتٍ یَکْفُلُونَهُ لَکُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ فَرَدَدْنَاهُ اِلٰی
اُمِّهِ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَلٰکِنَّ اَکْثَرَهُمْ
لَا یَعْلَمُونَ وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُونِی بِهِ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِی فَلَمَّا کَلَّمَهُ قَالَ
اِنَّکَ الْیَوْمَ لَدَیْنَا مَکِینٌ اَمِینٌ اِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبِّی وَرَبِّکُمْ مَا
مِنْ دَآبَّةٍ اِلَّا هُوَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اِنَّ رَبِّی عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ **دعاء مهج
الدعوات** بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام روایت
کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله این دعا را تعلیم من کرد
و امر فرمود که برای هر شدّت و رخا این دعا بخوانم و تعلیم نمایم بخلیفه
بعد از خود و ترک نکنم این دعا را تا حق تعالی را ملاقات نمایم و فرمود

که یا علی هر صبح و شام این دعا را بخوان که گنجیست از گنجهای عرش الهی
پس ابیّ بن کعب التماس کرد که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله فضیلت
این دعا را بیان فرمایند حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمود که کفّار علما
و فا بفضیلت این دعا نمیکنند و لیکن من بعضی از ثواب آنرا بیان میکنم
در هنگامی که دعا خواننده مشغول دعاست برا و نیکی متّصل است از
فرق سر او تا آسمان و پیوسته بر او نازل میشود و حق تعالی سکینه بر او
میفرستد و رحمت او را فرو میگیرد و این دعا منتهی نمیشود بجائی بغیر
از عرش پروردگار عالمیان و از او در دور عرش صدائی باشد مانند صدای
مگس عسل و حق تعالی نظر رحمت کند بسوی او و هر که سه مرتبه این دعا
بخواند هر حاجتی از حاجات دنیا و آخرت که از خدا طلب کند بدهد و اگر دو
و خدا او را از عذاب قبر نجات بخشد و تنگی سینه را از او بردارد و
چون روز قیامت شود او را بصحرای محشر آورند بر ناقه از در سفید سوار
و نزد حق تعالی بایستد و امر کند خدا برای او بمهر کرامتی و فرماید که
ای بندهٔ من در هر جای بهشت که خواهی ساکن شو و در بهشت عطا
فرماید باو کرامت چند که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و در
خاطر آفریده خطور نکرده باشد و بر زبان وصف کننده جاری نشده
باشد سلمان گفت یا رسول اللّه ثواب این دعا را زیاده بفرما فدای تو
شوم حضرت صلّی اللّه علیه و آله فرمود که بحق خداوندی که مرا براستی
فرستاده است اگر این دعا را بر دیوانه بخوانند در ساعت بحال آید
و اگر نزد زنی بخوانند که وضع حمل بر او دشوار شده باشد آسان شود
بر او و زود فرزند متولّد شود ای سلمان بحق خداوندی که مرا بحق فرستاده
که هر بنده که این دعا را در چهل شب جمعه بخواند خالص برای خدا
هر گناهی که میان او و مردم و میان او و خدا بوده باشد آمرزیده شود

وهر که این دعا را با اخلاص بخواند دلش از غمهای دنیا و مرضها شفا یابد ای سلمان هر که این دعا را بخواند و بخواب رود و امید ثواب خدا داشته باشد حق تعالی بعدد هر حرفی از این دعا هزار ملک از کروبیان برای او بفرستد که روی ایشان نیکوتر از افتاب و ماه شب چهارده باشد سلمان گفت ایا خدا اینقدر ثواب برای خواندن این دعا کرامت میفرماید حضرت صلی الله علیه و اله فرمود ای سلمان خبر مده مردم را تا زیاده بگویم ثواب این دعا را سلمان گفت چرا امر میفرمایید بکتمان ثواب این دعا فرمود برای انکه میترسم که اعتماد کنند بر خواندن این دعا و دست از عمل و عبادت بردارند پس فرمود که هر که این دعا بخواند و در جنات خود گناهان کبیره کرده باشد پس در ان شب یا در ان روز بمیرد بعد از انکه این دعا خوانده باشد شهید بمیرد و گناهانش امرزیده شود هر چند بی توبه بمیرد بکرم و عفو خدا وند رحیم **دعا اینست** بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لا اله الا هو الملک الحق المبین المدبر بلا وزیر و لا خلق من عباده یستشیر الاول غیر موصوف و الباقی بعد فناء الخلق العظیم الربوبیة نور السموات و الارضین و فاطرهما و مبتدعهما بغیر عمد خلقهما فاستقرت الارضون باوتادها فوق الماء ثم علا ربنا فی السموات العلی الرحمن علی العرش استوی له ما فی السموات و ما فی الارض و ما بینهما و ما تحت الثری فانا اشهد بانک انت الله لا رافع لما وضعت و لا واضع لما رفعت و لا معز لمن اذللت و لا مذل لمن اعززت و لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و انت الله لا اله الا انت کنت اذ لم تکن سماء مبنیة و لا ارض مدحیة و لا شمس مضیئة و لا لیل مظلم و لا نهار مضیء و لا بحر لجی و لا جبل راس و لا نجم سار و لا قمر منیر و لا ریح تهب و لا

سحاب یسکب و لا برق یلمع و لا رعد یسبح و لا روح یتنفس و لا طایر یطیر و لا نار تتوقد و لا ماء یطرد کنت قبل کل شیء و کونت کل شیء و قدرت علی کل شیء و ابتدعت کل شیء و افقرت و اغنیت و امت و احییت و اضحکت و ابکیت و علی العرش استویت فتبارکت و تعالیت انت الله الذی لا اله الا انت الخلاق العلیم امرک غالب و علمک نافذ و کیدک غریب و وعدک صادق و حکمک عدل و کلامک هدی و وحیک نور و رحمتک واسعة و عفوک عظیم و فضلک کثیر و عطاؤک جزیل و حبلک متین و امکانک عتید و جارک عزیز و باسک شدید و مکرک مکید انت یا رب موضع کل شکوی و شاهد کل نجوی و حاضر کل ملاء و منتهی کل حاجة و فرج کل حزین و غنی کل فقیر مسکین و حصن کل هارب و امان کل خائف حرز الضعفاء کنز الفقراء مفرج الغماء معین الصالحین ذلک الله ربنا لا اله الا هو تکفی من عبادک من توکل علیک و انت جار من لاذ بک و تضرع الیک عصمة من اعتصم بک من عبادک ناصر من انتصر بک تغفر الذنوب لمن استغفرک جبار الجبابرة عظیم العظماء کبیر الکبراء سید السادات مولی الموالی صریخ المستصرخین منفس عن المکروبین مجیب دعوة المضطرین اسمع السامعین ابصر الناظرین احکم الحاکمین اسرع الحاسبین ارحم الراحمین خیر الغافرین قاضی حوائج المؤمنین مغیث الصالحین انت الله لا اله الا انت رب العالمین انت الخالق و انا المخلوق و انت المالک و انا المملوک و انت الرب و انا العبد و انت الرازق و انا المرزوق و انت المعطی و انا السائل و انت الجواد و انا البخیل و انت القوی و انا الضعیف و انت العزیز و انا الذلیل و انت الغنی و انا الفقیر و انت السید و انا العبد و انت الغافر و انا

الْمُسِیءُ وَاَنْتَ الْعَالِمُ وَاَنَا الْجَاهِلُ وَاَنْتَ الْحَلِیمُ وَاَنَا الْعَجُولُ وَاَنْتَ
الرَّحْمٰنُ وَاَنَا الْمَرْحُومُ وَاَنْتَ الْمُعَافِی وَاَنَا الْمُبْتَلیٰ وَاَنْتَ الْمُجِیبُ وَاَنَا
الْمُضْطَرُّ وَاَنَا اَشْهَدُ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمُعْطِی عِبَادَکَ
بِلَا سُؤَالٍ وَاَشْهَدُ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْفَرْدُ وَاِلَیْکَ الْمَصِیرُ
وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ وَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی وَاسْتُرْ
عَلَیَّ عُیُوبِی وَافْتَحْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً وَرِزْقًا وَاسِعًا یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ **در بلد الامین** از حضرت امیر المؤمنین ع
روایت کرده است که پرسیدم از حضرت رسول صلی الله علیه واله
از تفسیر مقالید یعنی کلیدهای حاجات وسعادات فرمود که ده
مرتبه در صبح وده مرتبه در شام این دعا بخوان که هر که این دعا بخواند
خدا شش خصلت او را عطا کند اول آنکه شیطان ولشکر او بر او دست
نیابند دویم آنکه قنطار از ثواب باو عطا کند که در میزان عمل او از
کوه احد سنگین تر باشد سیم او را درجه بدهند که بغیر از نیکوکاران
بآن نرسد چهارم خدا حورانرا باو تزویج نماید پنجم دوازده ملک
در وقت خواندن دعا حاضر شوند که در صحایف اعمال او بنویسند ثواب
آنرا ودر روز قیامت برای او شهادت بدهند ششم چنان باشد که توریة
وانجیل وقرآنرا تلاوت کرده باشد وچنان باشد که حج وعمره مقبول
کرده باشد واگر در آن شب یا در آن روز بمیرد او را در زمرهٔ شهدا بنویسند
ودعا اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ
وَالْبَاطِنُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ
الْخَیْرُ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ **از حضرت رسول** صلی الله علیه واله مرویست

که کسی که بگوید این کلمات را در صبح وشام فوت نشود از او نیکوئی وچیزی
که بوده باشد در آن روز وآن شب ودفع شود از او جمیع شر آن روز وآن
شب فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِینَ تُمْسُونَ وَحِینَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ وَعَشِیًّا وَحِینَ تُظْهِرُونَ یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَیُخْرِجُ الْمَیِّتَ
مِنَ الْحَیِّ وَیُحْیِی الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَکَذٰلِکَ تُخْرَجُونَ **در مهج الدعوات**
روایت کرده است که محمد بن عبد الله اسکندری گفت که من از ندیمان و
خواص ابو جعفر دوانقی بودم ورازهای خود را با من میگفت روزی
بنزد او رفتم او را غمگین یافتم پرسیدم که چرا چنین غمگینی گفت صد کس
وزیاده از اولاد فاطمه علیها السلام را هلاک کردم وپیشوای ایشان
مانده است گفتم کیست گفت جعفر بن محمد امام رافضیان وبزرگ ایشان
گفتم ای خلیفه او مردیست که پیوسته مشغول عبادتست وهرگز در فکر
پادشاهی وخلافت نیست گفت میدانم که تو او را امام میدانی وپادشا
رعایت اینها نمیکند وسوگند یاد کرده ام که امروز پیش از شام از مهم او
فارغ شوم پس جلاد را طلبید وگفت من چون جعفر بن محمد را حاضر
سازم واو را مشغول سخن گردانم وکلاه خود را از سر بردارم تو او را
گردن بزن آنگاه حضرت را طلبید چون داخل قصر شد من نزدیکش
رفتم دیدم که لبهایش حرکت میکند ودعائی میخواند اما ندانستم که چه
دعا میخواند ودیدم که قصر آن ملعون بحرکت در آمد مانند کشتی وخلیفه
با سر وپای برهنه باستقبال او دوید مانند غلامی که بنزد آقای خود
رود گاه سرخ وگاه زرد میشد وبازوی حضرت را گرفت وبر تخت
خود نشانید وبروش بندگان در خدمت او بدو زانو نشست وگفت
درین ساعت چرا تصدیع کشیدید وتشریف آوردید یا ابن رسول الله
حضرت فرمود تو مرا طلبیدی اجابت کردم گفت من شما را نطلبیدم

رسول غلط کرده است یا بن رسول الله هر حاجتی که داری از من بطلب فرمود که حاجت من آنست که بی ضرورتی مرا نطلبی گفت چنین باشد پس حضرت برخواست و بمنزل خود تشریف برد و آن ملعون مدهوشانه بخواب رفت و تا نصف شب بیدار نشد و من بربالین آن لعین نشسته بودم چون بیدار شد گفت مرو بجائی تا من نمازهای خود را قضا کنم و قصهٔ خود را برای تو نقل کنم چون فارغ شد گفت در وقتی که امام جعفر بن محمد را حاضر کردم و آن قصد بد نسبت باو در خاطر داشتم ناگاه دیدم که اژدهای عظیمی حاضر شد و دم خود را بر دور قصر من حلقه کرد و لب بالای خود را بر بالای قصر من و لب پایین را بر زیر قصر گذاشت و بزبان فصیح با من گفت که ای منصور خدا مرا بسوی تو فرستاده است که اگر بدی نسبت به بندهٔ صالح صادق او اراده کنی من قصر ترا با آنچه در آن هست فرو برم پس عقل من حیران شد و اعضایم بلرزید و دندانهایم برهم میخورد راوی گفت من گفتم ای خلیفه اینها از او بعید نیست او وارث علوم جدش حضرت رسالت و پدرش امیر المؤمنین است و نزد او نامها و دعاهاست که اگر بر شب تیره بخواند روشن میشود و اگر بر روز روشن بخواند تیره میشود راوی گفت که پس از آن ملعون رخصت طلبیدم که بزیارت آنحضرت علیه السلام بروم چون دستوری یافتم بخدمت آنحضرت شتافتم و بعد از سلام و اکرام گفتم ای مولای من بحق جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند میدهم که آن دعا که میخواندی در هنگامی که داخل قصر شدی مرا تعلیم کن آنحضرت مرا اجابت فرمود و دعا را تعلیم من کرد و فرمود که این حرز جلیل و دعای عظیم نبیل است هر که در صباح بخواند در امان خدا باشد تا شب و هر که در پیشین یا خفتن بخواند در حفظ و حمایت خدا باشد تا صبح و این دعا را بمن تعلیم کرد پدرم امام محمد باقر و روایت کرد

از پدرش حضرت امام زین العابدین از پدرش سید شهدا از برادرش سید اصفیا حسن مجتبی از پدرش سید اوصیا از حضرت محمد سید انبیا صلوات الله علیه و علیهم اجمعین و این دعا را از قرآن مجید استخراج نمود

دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی هدانی للاسلام و اکرمنی بالایمان و عرفنی الحق الذی عنه یؤفکون و النبأ العظیم الذی هم فیه مختلفون و سبحان الله الذی رفع السماء بغیر عمد ترونها و انشأ جنات المأوی بلا امد تلقونها و لا اله الا الله السابغ النعمة الدافع النقمة الواسع الرحمة و الله اکبر ذو السلطان المنیع و الانشاء البدیع و الشأن الرفیع و الحساب السریع اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و امینک و شهیدک التقی النقی البشیر النذیر السراج المنیر و آله الطیبین الاخیار ما شاء الله تقربا الی الله ما شاء الله توجها الی الله ما شاء الله تلطفا بالله ما شاء الله ما یکن بنا من نعمة فمن الله ما شاء الله لا یصرف السوء الا الله ما شاء الله لا یسوق الخیر الا الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اعیذ نفسی و شعری و بشری و اهلی و مالی و ولدی و ذریتی و دینی و دنیای و ما رزقنی ربی و ما اغلقت علیه ابوابی و احاطت به جدرانی و ما انقلب فیه من نعمه و احسانه و جمیع اخوانی و اقربائی و قراباتی من المؤمنین و المؤمنات بالله العظیم و باسمائه التامة العامة الکاملة الکافیة الشافیة الفاضلة المبارکة المنیعة المتعالیة الزاکیة الشریفة الکریمة الطاهرة العظیمة المخزونة المکنونة التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر و بام الکتاب و فاتحته و خاتمته و ما بینهما من سورة شریفة و آیة محکمة و شفاء و رحمة و عوذة و برکة و بالتوریة و الانجیل و الزبور و الفرقان و

بصحف ابرهيم وموسى وبكل كتاب انزله الله وبكل رسول ارسله الله
وبكل حجة اقامها الله وبكل برهان اظهره الله وبكل نور اناره
الله وبكل الآء الله وعزة الله وعظمة الله وقدرة الله وسلطان
الله وجلال الله ومنعة الله ومن الله وعفو الله وحكمة الله وغفران
الله وملئكة الله وكتب الله ورسل الله وانبياء الله ومحمد رسول
الله واهل بيت رسول الله صلى الله عليه وعليهم اجمعين من غضب
الله وسخط الله ونكال الله وعقاب الله واخذ الله وبطشه و
اجتياحه واجتثاثه واصطلامه واستيصاله وتدميره وسطواته
ونقمته وجميع مثلاته ومن اعراضه وصدوده وتنكيله وتوكيله
وخذلانه ودمدمته وتخليته ومن الكفر والنفاق والشك و
الشرك والحيرة في دين الله ومن شر يوم النشور والحشر والموقف
الحساب ومن شر كتاب قد سبق ومن زوال النعمة وتحويل العافية و
حلول النقمة وموجبات الهلكة ومن مواقف الخزي والفضيحة في
الدنيا والآخرة واعوذ بالله العظيم من هوى مرد وقرين ملد و
صاحب مسه وجار مؤذ وغنى مطغ وفقر منس ومن قلب لا يخشع
وصلوة لا تنفع ودعاء لا يسمع وعين لا تدمع ونفس لا تقنع و
بطن لا يشبع وعمل لا يرفع واستغاثة لا تجاب وغفلة وتفريط
يوجبان الحسرة والندامة ومن الرياء والسمعة والشك والعمى
في دين الله ومن نصب واجتهاد يوجبان العذاب ومن مرد الى
النار ومن ضلع الدين وغلبة الرجال وسوء المنظر في الدين و
النفس والاهل والمال والولد والاخوان وعند معاينة ملك
الموت واعوذ بالله العظيم من الغرق والحرق والشرق والسرق
والهدم والخسف والمسخ والحجارة والصيحة والزلازل والفتن

والعين والصواعق والبرد والقود والقرد والجنون والجذام
والبرص واكل السبع وميتة السوء وجميع انواع البلايا في الدنيا
والآخرة واعوذ بالله العظيم من شر السامة والهامة واللامة
والخاصة والعامة والحامة ومن شر احداث النهار ومن شر
طوارق الليل الا طارقا يطرق بخير يا رحمن ومن درك الشقاء و
سوء القضاء وجهد البلاء وشماتة الاعداء وتتابع العناء
والفقر الى الاكفاء وسوء الممات وسوء المحيا وسوء المنقلب
واعوذ بالله العظيم من شر ابليس وجنوده واعوانه واتباعه و
اشياعه ومن شر الجن والانس ومن شر الشيطان ومن شر السلطان
ومن شر كل ذي شر ومن شر ما اخاف واحذر ومن شر فسقة العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر ما في النور والظلم
ومن شر ما هجم او دهم او الم ومن شر كل سقم وهم وغم وآفة
وندم ومن شر ما في الليل والنهار والبر والبحر ومن شر الفساق
والذعار والفجار والكفار والحساد والسحار والجبابرة و
الاشرار ومن شر ما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر ما
يلج في الارض وما يخرج منها ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها
ان ربي على صراط مستقيم واعوذ بالله العظيم من شر ما استعاذ
منه الملئكة المقربون والانبياء المرسلون والشهداء وعبادك
الصالحون ومحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والائمة المهديون
والاوصياء والحجج المطهرون عليهم الصلوة والسلام ورحمة الله
وبركاته واسئلك ان تعطيني من خير ما سالوك وان تعيذني من
شر ما استعاذوا بك منه واسئلك من الخير كله عاجله واجله
ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بك من الشر كله عاجله واجله

همزات الشیاطین خطرات اهل
بخطرات قلب لسان کی

الا کماج رفع الراس و غض البصر

ما علمت منه وما لم اعلم واعوذ بک من همزات الشیاطین واعوذ بک
رب ان یحضرون اللهم من ارادنی فی یومی هذا او فیما بعده من
الایام من جمیع خلقک کلهم من الجن والانس قریب او بعید ضعیف
او شدید بشر او مکروه او مساءة بید او لسان او بقلب فاحرج
صدره والجم فاه وافحم لسانه واسدد سمعه واقمح بصره وارعب
قلبه واشغله بنفسه وامته بغیظه واکفناه بما شئت وکیف
شئت وانی شئت بحولک وقوتک انک علی کل شیء قدیر اللهم
اکفنی شر من نصب لی حده واکفنی مکر المکرة واعنی علی ذلک
بالسکینة والوقار والبسنی درعک الحصینة واحینی ما احییتنی
فی سترک الواقی واصلح حالی کله اصبحت فی جوار الله ممتنعا و
بعزة الله التی لا ترام محتجبا وبسلطان الله المنیع معتصما متمسکا
وباسماء الله الحسنی کلها عائذا اصبحت فی حمی الله الذی لا
یستباح وذمة الله التی لا تخفر وفی حبل الله الذی لا یدرک
وفی ستر الله الذی لا یهتک وفی عون الله الذی لا یخذل اللهم
اعطف علینا قلوب عبادک وامائک واولیائک برافة منک و
رحمة انک ارحم الراحمین حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا
لیس وراء الله منتهی ولا دون الله ملجا من اعتصم بالله نجا
کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی عزیز فالله خیر حافظا
وهو ارحم الراحمین وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه
انیب فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین
عند الله الاسلام وانا علی ذلک من الشاهدین تحصنت بالله

لا یخذل وفی جوار الله
الذی لا یستضام وفی
صنع الله الذی

العظیم

العظیم واستعصمت بالحی الذی لا یموت ورمیت کل عدو لنا بلا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی سیدنا محمد و
اله الطیبین الطاهرین **فصل دهم** در دعاهای مخصوص صبح و از
انجمله دعای مفتاح الفتوح است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بخط مبارک خود کتابت نموده و هر روز مداومت فرموده مرویست
که هر که این دعا بخواند هر حاجتی که بخواهد از درگاه احدیت روا
گردد و اگر عالم پر بلا باشد بخواند این دعا هیچ آفت نرسد و در نظر
خلق عزیز و مکرم گردد و هیچ دشمنی بروی ظفر نیابد و از مرگ مفاجات
ایمن باشد و روزی او از جائی رسد که گمان او نبود و در مردن ایمان
همراه او باشد و چون از گور برخیزد فرشته بر بالای سر او ایستاده
باشد با براق و او را سوار کرده به بهشت رساند و در این دعا اسرار
مندرج است اگر با عتقاد درست خواند از ولایت بهره یابد و هرگز
ذلیل و خوار نگردد نه در دین و نه در دنیا و این دعا را اکابر دین
مداومت نموده اند و خواننده این دعا از شر شیطان و ظالمان ایمن
بود و حفظ پیدا کند و فراموشی محو شود و دلیر بود و چون چشم ظالم
بروی افتد از وی بترسد ببرکت این دعا و خواننده و دارنده این
دعا باید که منافق نباشد تا اثر دعا بروی میسر گردد **و دعا اینست**
اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع اللیل
المظلم بغیاهب تلجلجه واتقن صنع الفلک الدوار فی مقادیر
تبرجه وشعشع ضیاء الشمس بنور تاججه یا من دل علی ذاته
بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل عن ملائمة کیفیاته
یا من قرب من خطرات الظنون وبعد عن ملاحظة العیون و
علم بما کان قبل ان یکون یا من ارقدنی فی مهاد امنه وامانه

وايقظني الى ما منحني به من منّه واحسانه وكف اكف السوء
عني بيده وسلطانه صل اللهم على الدليل اليك في الليل الاليل
والمتمسك من اسبابك بحبل الشرف الاطول والناصع الحسب في
ذروة الكاهل الاعبل والثابت القدم على زحاليفها في الزمن
الاول وعلى آله الابرار المصطفين الاخيار وافتح اللهم لنا
مصاريع الصباح بمفاتيح الرحمة والفلاح والبسني اللهم من
افضل خلع الهداية والصلاح واغرس اللهم بعظمتك في شرب
جناني ينابيع الخشوع واجر اللهم لهيبتك من اماقي زفرات الدموع
وادب اللهم نزق الخرق مني بازمة القنوع الهي ان لم تبتدئني الرحمة
منك بحسن التوفيق فمن السالك بي اليك في واضح الطريق وان
اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن المقيل عثراتي من كبوات
الهوى وان خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان فقد
وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان الهي اتراني ما اتيتك
الا من حيث الامال ام علقت باطراف حبالك الا حين باعدتني
ذنوبي عن دار الوصال فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها
فواها لها لما سولت لها ظنونها ومناها وتبا لها لجرأتها على
سيدها ومولاها الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي وهربت
اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل
ولائي فاصفح اللهم عما كان لي اجرمته من زللي وخطائي واقلني
اللهم من صرعة ردائي وعثرة بلائي فانك سيدي ومولاي و
معتمدي ورجائي وغاية مناي في منقلبي ومثواي الهي كيف
تطرد مسكينا التجا اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا
قصد الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمانا ورد الى حياضك شاربا

كلا

كلا وحياضك مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول
وانت غاية السؤل ونهاية المأمول الهي هذه ازمة نفسي عقلتها
بعقال مشيتك وهذه اعباء ذنوبي درأتها برأفتك ورحمتك
وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى جناب لطفك وعفوك
فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى والسلامة
في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد العدى ووقاية من مرديات
الهوى انك قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على
كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج
الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
لا اله الا انت سبحانك اللهم وبحمدك من ذا يعرف قدرتك فلا
يخافك ومن ذا يعلم ما انت ولا يهابك الفت بقدرتك الفرق
وفلقت برحمتك الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت
المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات
ماء ثجاجا وجعلت الشمس والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير
ان تمارس فيما ابتدأت به لغوبا ولا علاجا فيا من توحد بالعز و
البقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله الاتقياء
واسمع ندائي واستجب دعائي وحقق بفضلك وكرمك املي
ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمأمول لكل عسر ويسر
بك انزلت حاجتي فلا تردني يا سيدي من سني مواهبك خائبا
يا كريم يا كريم يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد وآله اجمعين پس سجده کند و بگوید الهي قلبي محجوب ونفسي معيوب
وعقلي مغلوب وهوائي غالب وطاعتي قليل ومعصيتي كثير

وَلِسانی مُقِرٌّ بِالذُّنوبِ فَکَیفَ حِیلَتی یا عَلّامَ الغُیوبِ وَیا سَتّارَ
العُیوبِ یا غَفّارَ الذُّنوبِ اِغفِرلی ذُنوبی کُلَّها یا غَفّارُ یا غَفّارُ
یا غَفّارُ یا شَدیدَ العِقابِ یا غَفورُ یا شَکورُ یا رَحیمُ یا حَلیمُ
اِقضِ حاجاتی بِحَقِّ القُرآنِ العَظیمِ وَالنَّبِیِّ الکَریمِ وَآلِهِ الطّاهِرینَ
تُبتُ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ مِن جَمیعِ الذُّنوبِ وَالآثامِ بِرَحمَتِکَ
یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ **وکلینی** بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام چون صبح میکرد سه
مرتبه میگفت سُبحانَ المَلِکِ القُدّوسِ پس میگفت اَللّهُمَّ اِنّی اَعوذُ
بِکَ مِن زَوالِ نِعمَتِکَ وَمِن تَحویلِ عافِیَتِکَ وَمِن فُجاءَةِ نِقمَتِکَ وَ
مِن دَرَکِ الشَّقاءِ وَمِن شَرِّ ما سَبَقَ فِی الکِتابِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ
بِعِزَّةِ مُلکِکَ وَشِدَّةِ قُوَّتِکَ وَبِعِظَمِ سُلطانِکَ وَبِقُدرَتِکَ عَلی خَلقِکَ
اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و فرمود که بعد از خواندن دعا هر حاجت
که داری بطلب که بر آورده است **ودر مهج الدعوات** بسند معتبر
از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود که هر بنده که این دعا را هر روز بامداد بخواند
در امان حق تعالی باشد تا روز دیگر او نوبت و هر غم و هم و اندوهی
و مشقتی از او زایل کردد و برای داخل شدن بر پادشاهان و دفع
شر شیطان نافع است پس در شدتها بخوان که هر اندوهناکی که
این را بخواند اندوهش زایل کردد و هر محبوسی که بخواند از زندان
نجات یابد و باین دعا برآورده میشود حاجتهای بزرگ و زنهار
که نفرین مکن باین دعا بر کسی که از تیر باران اثرش بیشتر است **ودعا**
اینست بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ اَللّهُمَّ یا صَریخَ المَکروبینَ
یا مُجیبَ دَعوَةِ المُضطَرّینَ یا کاشِفَ الکَربِ العَظیمِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

اِکشِف کَربی وَهَمّی فَاِنَّهُ لا یَکشِفُ الکَربَ العَظیمَ اِلّا اَنتَ فَقَد
تَعرِفُ حالی وَحاجَتی وَفَقری وَفاقَتی فَاکفِنی ما اَهَمَّنی وَما
غَمَّنی مِن اَمرِ الدُّنیا وَالآخِرَةِ بِجودِکَ وَکَرَمِکَ اَللّهُمَّ
بِنورِکَ اهتَدَیتُ وَبِفَضلِکَ اسْتَغنَیتُ وَفی نِعمَتِکَ اَصبَحتُ وَ
اَمسَیتُ ذُنوبی بَینَ یَدَیکَ اَستَغفِرُکَ وَاَتوبُ اِلَیکَ اَللّهُمَّ
اِنّی اَسئَلُکَ مِن حِلمِکَ لِجَهلی وَمِن فَضلِکَ لِفاقَتی وَمِن مَغفِرَتِکَ
لِخَطایایَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ الصَّبرَ عِندَ البَلاءِ وَالشُّکرَ عِندَ
الرَّخاءِ اَللّهُمَّ اجعَلنی اَخشاکَ اِلی یَومِ اَلقاکَ حَتّی کَاَنّی اَراکَ
اَللّهُمَّ اَوزِعنی اَن اَذکُرَکَ لا اَنساکَ لَیلاً وَلا نَهاراً وَلا
صَباحاً وَلا مَساءً آمینَ رَبَّ العالَمینَ اَللّهُمَّ اِنّی عَبدُکَ ابنُ
عَبدِکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ ماضٍ فِیَّ حُکمُکَ عَدلٌ فِیَّ قَضاؤُکَ
مُجزِلٌ فِیَّ فَضلُکَ وَعَطاؤُکَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ
لَکَ سَمَّیتَ بِهِ نَفسَکَ اَو اَنزَلتَهُ فی کِتابِکَ اَو عَلَّمتَهُ اَحَداً
مِن خَلقِکَ اَوِ استَأثَرتَ بِهِ فی عِلمِ الغَیبِ عِندَکَ اَن تُصَلِّیَ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ القُرآنَ رَبیعَ قَلبی وَنورَ بَصَری وَ
جَلاءَ حُزنی وَذَهابَ هَمّی وَغَمّی وَذَهابَ هَمّی اَللّهُمَّ اِنّی
اَسئَلُکَ یا اَکبَرَ مِن کَبیرٍ یا مَن لا شَریکَ لَهُ وَلا وَزیرَ یا خالِقَ
الشَّمسِ وَالقَمَرِ المُنیرِ یا عِصمَةَ الخائِفینَ یا جارَ المُستَجیرینَ
وَیا مُغیثَ المَظلومِ الحَسیرِ وَیا رازِقَ الطِّفلِ الصَّغیرِ وَیا مُغنِیَ
البائِسِ الفَقیرِ یا جابِرَ العَظمِ الکَسیرِ یا مُطلِقَ المُکَبَّلِ الاَسیرِ
یا قاصِمَ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ اِجعَل لی مِن اَمری فَرَجاً وَمَخرَجاً وَیَسیراً
وَارزُقنی مِن حَیثُ اَحتَسِبُ وَمِن حَیثُ لا اَحتَسِبُ اِنَّکَ سَمیعُ
الدُّعاءِ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ اَللّهُمَّ اِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ العَفوَ

فاعف عني اللهم انك محسن فاحسن الي اللهم انك رحيم تحب
الرحمة فارحمني اللهم انك لطيف تحب اللطف فالطف بي
يا مقيل عثرتي ويا راحم عبرتي ويا مجيب دعوتي اسئلك الخير
كله واعوذ بك من الشر كله ما احاط به علمك يا غياث من
لا غياث له ويا ذخر من لا ذخر له ويا سند من لا سند له اغفر
لي علمك في وشهادتك علي فانك قسمت لسعة رحمتك الرحمن
الرحيم اللهم اني اسئلك الثبات في الامر والعزيمة على الرشد
واسئلك شكر نعمتك واسئلك حسن عبادتك واسئلك قلبا
سليما ولسانا صادقا واسئلك من خير ما اعلم ومن خير ما لا
اعلم انك تعلم ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم بك اصبحنا
وبك امسينا وبك نصبح وبك نمسي وبك نحيى وبك نموت و
عليك نتوكل واليك النشور ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم واشهد ان لا اله الا الله احدا صمدا لم يتخذ صاحبة
ولا ولدا افرايت من اتخذ الهه هويه واضله الله على علم وختم
على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من بعد
الله افلا تذكرون اللهم اطمس على ابصار اعدائنا كلهم من
الجن والانس واجعل على ابصارهم غشاوة واختم على قلوبهم
واخرج ذكري من قلوبهم واجعل بيني وبين عدوي حجابا وحصنا
حصينا منيعا لا يرومه سلطان ولا شيطان ولا انس ولا جن
اللهم اني ادرا بك في نحره واستعيذ بك من شره واستعين
بك عليه فاكفنيه كيف شئت وانى شئت اللهم لك الحمد و
انت المستعان وبك المستغاث واليك المشتكى ولا حول و
لا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اجعل لي في صدر يومي

هذا فلاحا واوسطه صلاحا واخره نجاحا اللهم اجعل لي في صدر
جميع بني ادم وحواء والجن والانس والشياطين والمردة رافة ورحمة
خيرهم بين اعينهم وشرهم تحت اقدامهم وبالله استعين عليهم من ان
يفرط على احد منهم او ان يطغى عز جارك وجل ثناؤك ولا اله
غيرك وحدك لا شريك لك صل على محمد وال محمد وارزقني الخير
كله ما احاط به علمك يا حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام
والحمد لله على الائه واحمده على نعمائه واشكره على بلائه واومن
بقضائه الذي لا هادي لمن اضل ولا خاذل لمن نصر واشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده المصطفى
وامينه المرتضى انتجبه وحباه واختاره وارتضاه صلى الله عليه
واله وسلم اللهم اني اسئلك ايمانا صادقا ليس بعده كفر ورحمة
انال بها شرف كرامتك في الدنيا والاخرة تباركت ربنا وتعاليت
تم نورك ربي فهديت وعظم حلمك ربي فعفوت فلك الحمد وجهك
اكرم الوجوه وجاهك افضل الجاه وعطيتك ارفع العطايا واهناؤها
تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر لمن تشاء تجيب دعوة المضطرين
اذا دعاك وتكشف الضر وتشفي السقيم وتغفر الذنب العظيم لا يجزي
نعماءك احد ربنا فلك الحمد حمدا ابدا لا يحصى عدده ولا يضمحل
سرمده حمدا كما حمدك الحامدون من عبادك الاولين والاخرين
اللهم اني اسئلك النصيب الاوفر من الجنة واسئلك الهدى و
التقى والعافية والبشرى عند انقطاع الدنيا اللهم اني اسئلك
تقوى لا ينفد وفرجا لا ينقطع وتوفيق الحمد ولباس التقوى وزينة
الايمان ومرافقة نبيك محمد صلى الله عليه واله في اعلى جنة الخلد
يا باري لا بدي له ويا دائم لا نفاد له يا حي يا محيي الموتى يا قائم

علی کل نفس بما کسبت اسألك الهدی و التقی و العافیة و الغنی و
التوفیق لما تحب و ترضی یا ارحم الراحمین اللهم انی اسألك برحمتك
التی وسعت کل شیء و بعزتك التی قهرت کل شیء و بعظمتك التی ذل
لها کل شیء و بقوتك التی لا یقوم لها شیء و بسلطانك الذی علا
کل شیء و بعلمك الذی احاط بکل شیء و باسمك الذی یبید له کل
شیء و بوجهك الباقی بعد فناء کل شیء و بنور وجهك الذی اضاء
له کل شیء ان تغفر لی کل ذنب و تمحو عنی کل خطیئة و ان توفقنی لما
تحب ربنا و ترضی و ان تکفینی ما همنی و ما غمنی من امر الدنیا و
الآخرة و ان ترزقنی عمل الخیر کله ما احاط به علمك آمین رب
العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد رسوله و آله الطاهرین و در بلد
الامین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که هر که
هر صبح هفت مرتبه این دعا بخواند در آن روز از بلاها محفوظ باشد
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین ان ولیی الله الذی نزل الکتاب
و هو یتولی الصالحین فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه
توکلت و هو رب العرش العظیم در مهج الدعوات سید ابن طاوس از
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام این دعا را روایت کرده و مسمی
بدعای اعتقادات و بسیار جلیل القدر و عظیم الشأن و خواندن
آن در هر صبح و شام چنانچه در مفتاح الفلاح مذکور است موجب
فواید بیشمار است الهی ان ذنوبی و کثرتها قد غبرت وجهی عندك و
حجبتنی عن استیهال رحمتك و باعدتنی عن استنجاز مغفرتك و لو لا
تعلقی بآلائك و تمسکی بالرجاء لما وعدت امثالی من المسرفین و
اشباهی من الخاطئین بقولك یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم
لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور

الرحیم و حذرت القانطین من رحمتك فقلت و من یقنط من رحمة
ربه الا الضالون ثم ندبتنا برحمتك الی دعائك فقلت ادعونی
استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم
داخرین الهی لقد کان ذل الایاس علی مشتملا و القنوط من رحمتك
بی ملتحفا الهی لقد وعدت المحسن ظنه بك ثوابا و اوعدت المسیء
ظنه بك عقابا اللهم و قد اسبل دمعی حسن الظن بك فی عتق
رقبتی من النار و تغمد زللی و اقالة عثرتی و قلت و قولك الحق
الذی لا خلف فیه و لا تبدیل یوم ندعوا کل اناس بامامهم اللهم
انی اقر و اشهد و اعترف و لا اجحد و اسر و اظهر و اعلن و ابطن
بانك انت الله الذی لا اله الا انت وحدك لا شریك لك و ان
محمدا عبدك و رسولك و ان علیا امیر المؤمنین و سید الوصیین
و وارث علم النبیین و قاتل المشرکین و امام المتقین و مجاهد
الناکثین و القاسطین و المارقین امامی و حجتی و صراطی و دلیلی
و محجتی و من لا اثق بالاعمال و ان زکت و لا اراها منجیة و ان
صلحت الا بولایته و الائتمام به و الاقرار بفضائله و القبول
من حملتها و التسلیم لرواتها اللهم و اقر باوصیائه من ابنائه
ائمة و حججا و ادلة و سرجا و اعلاما و منارا و سادة و ابرارا و ادین
بسرهم و جهرهم و ظاهرهم و باطنهم و حیهم و میتهم و شاهدهم و
غائبهم لا شك فی ذلك و لا ارتیاب و لا تحول عنه و لا انقلاب
اللهم فادعنی یوم حشری و حین نشری بامامتهم و احشرنی فی زمرتهم
و اکتبنی فی اصحابهم و انقذنی بهم یا مولای من حر النیران فانك
ان اعفیتنی منها کنت من الفائزین اللهم و قد اصبحت فی یومی هذا
لا ثقة لی و لا مفزع و لا ملجأ غیر من توسلت بهم الیك من آل

رسولك علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و
علی و محمد و علی و الحسن و الحجة صلواتك علیهم اجمعین اللهم فاجعلهم
حصنی من المكاره و معقلی من المخاوف و نجنی بهم من كل عدو طاغ
و فاسق باغ و من شر ما اعرف و ما انكر و ما استتر علی و ما ابصر
و من شر كل دابة ربی اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم اللهم
بوسیلتی الیك بهم و تقربی بمحبتهم افتح علی ابواب رحمتك و مغفرتك
و حببنی الی خلقك و جنبنی عداوتهم و بغضهم انك علی كل شیء
قدیر اللهم و لكل متوسل ثواب و لكل ذی شفاعة حق فاسئلك بمن
جعلتهم الیك سببی و قدمتهم امام طلبتی ان تعرفنی بركة یومی هذا
و شهری هذا و عامی هذا اللهم فهم معولی فی شدتی و رخائی و
عافیتی و بلائی و نومی و یقظتی و ظعنی و اقامتی و عسری و یسری
و صباحی و مسائی و منقلبی و مثوای اللهم فلا تخلنی بهم من نعمتك
و لا تقطع رجائی من رحمتك و لا تفتنی باغلاق ابواب الارزاق
و انسداد مسالكها و ارتتاج مذاهبها و افتح لی من لدنك فتحا یسیرا
و اجعل لی من كل ضنك مخرجا و الی كل سعة منهجا برحمتك یا ارحم
الراحمین اللهم و اجعل اللیل و النهار مختلفین برحمتك و معافاتك
و فضلك و لا تفقرنی الی احد من خلقك برحمتك یا ارحم الراحمین
انك علی كل شیء قدیر و بكل شیء محیط **قطب راوندی** رحمه الله
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت كرده است كه حضرت رسول
صلی الله علیه و اله فرمود كه هر كه صبح كند و چهار نعمت خدا را یاد
نكند میترسم كه نعمت خدا از او زایل گردد و آن اینست الحمد لله
الذی عرفنی نفسه و لم یتركنی عمیان القلب الحمد لله الذی
جعلنی من امة محمد صلی الله علیه و اله الحمد لله الذی جعل

ولا تحوجنی الی احد من خلقك ومنك

رزقی فی یدیه و لم یجعل رزقی فی ایدی الناس الحمد لله الذی ستر
عورتی و لم یفضحنی بین الخلائق **سید ابن طاوس** و دیگران و كفعمی بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت كرده اند كه هر كه چهل
صباح این دعای عهد را بخواند از یاوران قائم آل محمد باشد و اگر
بمیرد پیش از ظهور آن حضرت خدا او را زنده گرداند و بخدمت آن
حضرت علیه السلام برساند و حق تعالی بهر كلمه هزار حسنه برای او
بنویسد و هزار گناه محو كند اللهم رب النور العظیم و رب الكرسی
الرفیع و رب البحر المسجور و منزل التوریة و الانجیل و الزبور و
رب الظل و الحرور و منزل الفرقان العظیم و رب الملائكة
المقربین و الانبیاء و المرسلین اللهم انی اسئلك باسمك الكریم
و بنور وجهك المنیر و ملكك القدیم یا حی یا قیوم و باسمك الذی
اشرقت به السموات و الارضون یا حیا قبل كل حی یا حیا بعد كل
حی یا حیا لا اله الا انت اللهم بلغ مولانا الامام الهادی
المهدی القائم بامر الله صلی الله علیه و علی آبائه الطاهرین عن
جمیع المؤمنین و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها و سهلها
و جبلها و برها و بحرها و عنی و عن والدی و ولدی و اخوانی
من الصلوات زنة عرش الله و مداد كلماته و ما احصاه كتابه
و احاط به علمه اللهم انی اجدد له فی صبیحة هذا الیوم و ما عشت
به فی ایامی عهدا و عقدا و بیعة له فی عنقی لا احول عنها و لا ازول
اللهم اجعلنا من اعوانه و انصاره و الذابین عنه و المسارعین
فی حوائجه و الممتثلین لاوامره و نواهیه و السابقین الی ارادته
و المحامین عنه و المستشهدین بین یدیه اللهم فان حال بینی و بینه
الموت الذی جعلته علی عبادك حتما مقضیا فاخرجنی من قبری

مُؤَيَّداً اَكْفِنِي نَاصِراً سَيْفِي مُجَرِّداً فَاَنِّي مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ
وَالْبَادِي اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحَلْ
مَرْهِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي اِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَاَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَاَسْلُكْ بِي
مَحَجَّتَهُ وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ وَاشْدُدْ اَزْرَهُ وَقَوِّ ظَهْرَهُ وَاعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهِ
بِلَادَكَ وَاَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ
فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ فَاَظْهِرِ اللّٰهُمَّ وَلِيَّكَ وَابْنَ
وَلِيِّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمّٰى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ حَتّٰى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَزَّقَهُ وَيُحِقَّ
اللّٰهُ بِهِ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْهُ مَفْزَعاً لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبَادِكَ
وَنَاصِراً لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِراً غَيْرَكَ وَمُجَدِّداً لِمَا عُطِّلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ
وَمُشَيِّداً لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَاْسِ الْمُعْتَدِينَ اَللّٰهُمَّ وَسُرَّ نَبِيَّكَ
مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِرُؤْيَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ
اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هٰذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هٰذِهِ الْاُمَّةِ
بِحُضُورِهِ وَعَجِّلِ اللّٰهُمَّ ظُهُورَهُ اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرٰيهُ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه دست بر زانوی راست بزند و بگوید اَلْعَجَلَ
اَلْعَجَلَ اَلْعَجَلَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ فصل سیم در ادعیه
مخصوص شام از آنجمله سید ابن طاوس در فلاح السائل روایت کرده
بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام که چون نزدیک بغروب
رنگ آفتاب بزردی و کوه متغیر میشد از دیده مبارک حضرت
رسول صلی الله علیه وآله آب جاری میشد و این دعا میخواند اَمْسٰى
ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَاَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَاَمْسٰى خَوْفِي
مُسْتَجِيراً بِاَمَانِكَ وَاَمْسٰى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَاَمْسٰى فَقْرِي مُسْتَجِيراً

بِغِنَاكَ وَاَمْسٰى وَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيمِ
اَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَجَلِّلْنِي كَرَامَتَكَ وَغَشِّنِي رَحْمَتَكَ وَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ
مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ در فلاح السائل بسند معتبر از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که هر روز نزد غروب
آفتاب این دعا بخواند اگر در آن شب یا در آن هفته یا در آن ماه یا در آن
سال بمیرد داخل بهشت شود یا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
اِخْتِمْ لِي فِي يَوْمِي هٰذَا بِخَيْرٍ وَشَهْرِي بِخَيْرٍ وَسَنَتِي بِخَيْرٍ وَعُمْرِي بِخَيْرٍ
اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت علیه السلام در شام
این دعا میخواند اَمْسَيْنَا وَاَمْسَى الْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ وَنَحْنُ فِي
عَافِيَةٍ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ هٰذَا خَلْقٌ جَدِيدٌ قَدْ غَشِيَنَا فَمَا عَمِلْتُ لِي فِيهِ مِنْ
خَيْرٍ فَتَقَبَّلْهُ وَقَيِّضْهُ وَاكْتُبْهُ اَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَمَا عَمِلْتُ فِيهِ مِنْ
شَرٍّ فَامْحُهُ وَدَعْهُ بِرَحْمَتِكَ اَمْسَيْتُ لَا اَمْلِكُ مَا اَرْجُو وَلَا اَدْفَعُ
شَرَّ مَا اَخْشٰى اَمْسَى الْاَمْرُ لِغَيْرِي وَاَمْسَيْتُ مُرْتَهَناً بِكَسْبِي وَاَمْسَيْتُ
لَا فَقِيرَ اَفْقَرُ مِنِّي فَسَعْ لِفَقْرِي مِنْ سَعَتِكَ مِمَّا كَتَبْتَ عَلٰى نَفْسِكَ التَّقْوٰى
مَا اَبْقَيْتَنِي وَالْكَرَامَةَ اِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَالصَّبْرَ عَلٰى مَا اَبْلَيْتَنِي وَالْبَرَكَةَ
فِيمَا رَزَقْتَنِي وَالْعَزْمَ عَلٰى طَاعَتِكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِي وَالشُّكْرَ لَكَ
فِيمَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ کلینی و برقی رحمهما الله بسندهای معتبر از حضرت
صادق و کاظم علیهما السلام روایت کرده اند که چون نزدیک شود
بغروب آفتاب این دعا بخوان تا ایمن گردی از شر هر درنده و از شر شیطان
لعین و فرزندان او و از هر گزنده و صاحب زهری و از دزدان و غولان
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

شریک فی الملک الحمد لله الذی یصف ولا یوصف ویعلم ولا یعلم
ویعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور اعوذ بوجه الله الکریم
وباسم الله العظیم من شر ما ذرأ وبرأ ومن شر ما تحت الثری
ومن شر ما ظهر وما بطن ومن شر ما کان فی اللیل والنهار و
من شر ابی مرة وما ولد ومن شر الرسیس ومن شر ما وصفت و
ما لم اصف والحمد لله رب العالمین **شیخ طوسی** ودیگران
گفته اند که در هنگام غروب آفتاب این دعا بخوانند اللهم انی
اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد واسئلک خیر لیلتی هذه و
خیر ما فیها واعوذ بک من شر لیلتی هذه وشر ما فیها اللهم انی
اعوذ بک ان نکتب علی خطیئة او اثما اللهم صل علی محمد وآل
محمد واکفنی خطیئتها واثمها واعطنی یمنها وبرکاتها وعونها و
نورها اللهم نفسی خلقتها وبیدک حیاتها وموتها اللهم فان
امسکتها فالی رضوانک والجنة وان ارسلتها فصل علی محمد و
آله واغفر لها وارحمها **باب هفتم** در ادعیه هر روز وآن
بسیار است ازانجمله ابن بابویه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده که هر بنده که هر روز هفت مرتبه بگوید اسئل الله الجنة
واعوذ بالله من النار جهنم گوید خدایا او را از من پناه ده **وبسند
معتبر دیگر** از آنحضرت علیه السلام روایت کرده که اگر مؤمنی هر روز
چهل گناه کبیره بکند پس از روی ندامت وپشیمانی این استغفار را
بخواند خدا گناهان او را بیامرزد استغفر الله الذی لا اله الا
هو الحی القیوم بدیع السموات والارض ذا الجلال والاکرام
واسئله ان یتوب علی **وبسند معتبر دیگر** از آنحضرت علیه السلام
روایت کرده که هر که هر روز هفت مرتبه بگوید الحمد لله علی کل نعمة

کانت

کانت [illegible] کلمه ادای شکر نعمتهای گذشته وآینده کرده باشد [illegible]
معتبر از آنحضرت روایت کرده که هر که هر روز بیست وپنج مرتبه بگوید
اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات حقتعالی
بعدد هر مؤمن که گذشته وهر مؤمنی که آید تا روز قیامت ثواب در دیوان
عملش بنویسد وبآن عدد گناه از او محو کند [illegible] ی او
بلند کند **وبسند معتبر دیگر** از آنحضرت علیه السلام روایت کرده که
هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که کمترش هم وغم باشد
وبروایت دیگر هرگز پریشان نشود **در کشف الغمه وامالی** شیخ طوسی
بسند معتبر روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که
هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا اله الا الله الملک الحق المبین
امان یابد از فقر ووحشت قبر وتوانگری روی باو آورد ودرهای
بهشت بر روی او گشوده شود ودر ثواب الاعمال ومحاسن برقی سی مرتبه
روایت کرده اند **قطب راوندی** در دعوات خود روایت کرده از حضرت
امام رضا علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که
هر که خواهد که او را زیاده از مجاهد در ملأ اعلی ثنا گویند پس هر روز
این دعا بخواند واگر حاجتی داشته باشد روا شود واگر غمی وهمی داشته
باشد زایل گردد واین دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ
برای او نوشته شود سبحان الله کما ینبغی لله والحمد لله کما ینبغی لله
ولا اله الا الله کما ینبغی لله والله اکبر کما ینبغی لله ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وعلی اهل بیته
وعلی جمیع المرسلین حتی یرضی الله **در بلد الامین** از حضرت رسول
صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که هر روز ده مرتبه این دعا را

خدای تعالی چهار هزار گناه کبیرهٔ او را بیامرزد و او را از سکرات موت و فشار قبر و صد هزار از هول قیامت نجات دهد و از شر شیطان و لشکرهای او محفوظ گرداند و قرض او ادا شود و همّ او زایل گردد دعا فیمن: اَعْدَدْتُ لِکُلِّ هَوْلٍ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَ لِکُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ ما شاءَ اللهُ وَ لِکُلِّ نِعْمَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لِکُلِّ شِدَّةٍ وَ رَخاءٍ اَلشُّکْرُ لِلّٰهِ وَ لِکُلِّ اُعْجُوبَةٍ سُبْحانَ اللهِ وَ لِکُلِّ ذَنْبٍ اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ لِکُلِّ مُصیبَةٍ اِنّا لِلّٰهِ وَ اِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ وَ لِکُلِّ ضیقٍ حَسْبِیَ اللهُ وَ لِکُلِّ قَضاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَ لِکُلِّ عَدُوٍّ اِعْتَصَمْتُ بِاللهِ وَ لِکُلِّ طاعَةٍ وَ مَعْصِیَةٍ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وکلینی و ابن بابویه باسناد معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی برای او چهل و چهار هزار حسنه بنویسد و چهل و چهار هزار گناه از او محو کند و چهل و چهار هزار درجه در بهشت برای او بلند کند و حرزی باشد در آن روز برای او از شر شیطان و ظالمان و متضرر نشود او را و احاطه نکند با و گناه کبیره و بروایتی دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و حق تعالی در بهشت خانه برای او بنا کند اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً ابن بابویه در ثواب الاعمال و کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ حَقّاً حَقّاً لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ ایماناً وَ تَصْدیقاً لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ عُبُودِیَّةً وَ رِقّاً خدای تعالی روی رحمت خود را از او نگرداند تا داخل بهشت کند او را و در محاسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که هر روز صد مرتبه سُبْحانَ اللهِ بگوید بهتر باشد از صد شتر

برای کعبه قربانی کردن و هر که صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید بهتر باشد از صد بنده آزاد کردن و هر که صد مرتبه اَللهُ اَکْبَرُ بگوید بهتر باشد از آنکه صد اسب با زین و لجام در راه خدا بفرستد و هر که صد مرتبه لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگوید کسی از او عملش نیکوتر نباشد مگر کسی که بیشتر بگوید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بعد از دو رکعت نماز بامدادی هر روز چهار صد مرتبه این استغفار بخواند خدای تعالی علم بسیار یا مال بسیار او را کرامت فرماید اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحیمُ بَدیعُ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ مِنْ جَمیعِ ظُلْمی وَ جُرْمی وَ اِسْرافی عَلی نَفْسی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ کفعمی از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که هر که هر روز این دعا بخواند حق تعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند بِسْمِ اللهِ حَسْبِیَ اللهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ اُمُوری کُلِّها وَ اَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الْآخِرَةِ ایضاً روایت کرده است که هر که در عرض یکسال هر روز یک مرتبه این دعا بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند و این تسبیح حضرت جبرئیل علیه السلام است سُبْحانَ الدّائِمِ الْقائِمِ سُبْحانَ الْقائِمِ الدّائِمِ سُبْحانَ الْواحِدِ الْاَحَدِ سُبْحانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحانَ الْحَیِّ الْقَیُّومِ سُبْحانَ اللهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحانَ الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ سُبْحانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ سُبْحانَ رَبِّ الْمَلٰئِکَةِ وَ الرُّوحِ سُبْحانَ الْعَلِیِّ الْاَعْلی سُبْحانَهُ وَ تَعالی شیخ طوسی و دیگران روایت کرده اند که سنت است هر روز این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُشْرِقِ الْحَیِّ الْباقِی الْکَریمِ وَ اَسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْقُدُّوسِ الَّذی اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰواتُ وَ انْکَشَفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ وَ صَلَحَ عَلَیْهِ اَمْرُ الْاَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُصْلِحَ لی شَأْنی کُلَّهُ

باب ششم در ادعیه اسم اعظم و اسمای حسنی و ادعیه عظیمه
مأثوره چون دعاء سیفی و علوی و حزب البحر و غیره و آن مشتملست بر
سه لمعه لمعه اول در اسم اعظم بدانکه اسم اعظم در میان اسماء مقدسه
الهی عز اسمه اسمیست که چون بنده خدا را بآن اسم عظیم بخواند و یاد کند
هر دعا و حاجتی که بآن ملحق شود بعز اجابت اقتران یابد و در بعضی از
ادعیه مأثوره فقرات چند که مؤید اینست واقع شده چون اللهم
انی اسئلک باسمک الاعظم العظیم الذی اذا دعیت به اجبت و
غیر آن چنانچه بر ناظران و قاریان ادعیه پوشیده نیست اما در تفسیر
آن در میان علما و مشایخ اختلاف بسیار است چنانکه شیخ علامه
فخر الدین رازی در کتاب لوامع آورده که بعضی بر آنند که اسم اعظم
اسم معینی از اسماء الله نیست بلکه هر اسمی از اسماء الهی را که کسی بخواند
و خدا را بآن یاد کند بنهجی که در حین خواندن چنان مستغرق بحر معرفت
او جل شانه شود که از ماسوای او بحسب فکر و عقل و خیال منقطع
گشته باشد با کمال یقین و اخلاص آن اسم نسبت باو اسم اعظم است
و در آن وقت هرچه اراده نماید و بدرگاه احدیت عرض کند بعز اجابت
مقرون گردد و برین قول دلایل بسیار اقامت کرده اند و بعضی از آن
ادله در کتاب لوامع مذکور است و مؤید برین قول میتواند بود آنچه در
شرایط حالات داعی گذشت که دعای کسی که نماز کند یا دعا بخواند
و امری از امور دنیوی بر خاطر او خطور نکند البته دعای او مستجاب
میشود و طایفه دیگر بر آنند که اسم اعظم معین و ممتاز است در میان
اسمای الهی و این طایفه دو فرقه اند اول آنانند که میگویند اسم اعظم
معین و معلوم است چنانچه بعد ازین در ذکر ادعیه اسم اعظم مذکور
خواهد شد و فرقه دویم آنهایند که میگویند اگرچه آن اسم مبارک معین

است

است اما همه کس را معلوم نیست و در میان اسمای الهی مندرج و پنهان است
چون شب قدر و ساعت اجابت دعا که در میان لیالی و ساعات مخفی است
و هر یک از بندگان خواص مقرب خود را که خدای تعالی خواهد تعلیم
و عطا میفرماید و فرقه از ارباب تحقیق از صوفیه اسم اعظم نسبت بهر
فردی از افراد انسان آن اسمیست که در حضرت الهیت مربی اوست
و واسطه استفاضه او از مبداء فیاض و مرجع اوست بعد از انقطاع
روح از بدن خلاصه مدعا آنکه در تفسیر و تحقیق این اسم مبارک هر
کس را تحقیقی و هر فردی را دلیلیست زیاده بر آنکه این مختصر را گنجایش
ثبت آن تواند بود اما اسماء و ادعیه چند مسمی باسم اعظم که از حضرات
ائمه اطهار علیهم السلام و مشایخ و بزرگان مروی و منقول است و
دلایل بر بعضی از آنها اقامه کرده اند بسیار است لیکن ذکر کرده میشود
درین صحیفه بعضی از آنرا اول آنکه اسم اعظم لفظ الله است زیرا که
مشهورترین اسماء الله است و بلندمرتبه تر است از باقی نامهای الهی
بحسب قدر و منزلت و در ذکر و دعا کردن آینده او را پیش رو جمیع اسما
و مخصوص ساخته بآن کلمه اخلاص را و واقع میشود بآن شهادت
بتوحید و این قول را ابن فهد در عده گفته است و این قول بسیار نزدیک است
باینکه الله اسم اعظم بوده باشد جداً و براهین و ادله در اثبات اسم
اعظم بودن الله زیاده از آنست که درین مختصر گنجد چنانکه در کتاب
لوامع و شمس المعارف و جامع بن ذهب و غیره کتب بعضی آن مرقوم
است حذراً من الاطاله اکتفا بهمین شد دویم محمد بن الحسن الصفار
در کتاب فضل الدعا بروایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه
السلام ذکر کرده که در بسم الله الرحمن الرحیم است سیم در اسما
حسنی است که بعد ازین مذکور میشود ان شاء الله تعالی چهارم

یا حی یا قیوم است و بلغت عبرانی اهیا شراهیا **پنجم** یا بدیع السموات
والارض یا ذا الجلال والاکرام **ششم** ذکر کرده است محمد بن النجار
در تذییل بروایت اسماء بنت زید از حضرت رسول صلی الله علیه و اله
که در این ایه است والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم
هفتم بروایت ابی امامه از رسول خدا صلی الله علیه و اله چنانچه
در کتاب مهج الدعوات مذکور است در سه سوره قران است در بقره
ایة الکرسی و در ال عمران الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و در طه
وعنت الوجوه للحی القیوم **هشتم** در کتاب منتهی الدعوات مذکور
است از رسول خدا که در این دعاست اللهم انی اسئلك بان لك الحمد
لا اله الا انت یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام
نهم در کتاب تحصیل از حضرت رسول صلی الله علیه و اله منقولست
که در این دعاست اللهم انی اسئلك بانك انت الله لا اله الا انت
الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد
دهم بروایت انس از رسول خدا صلی الله علیه و اله مرویست که اسم
اعظم در دعای یوشع بن نون است که افتاب بسبب ان دعا برای او
برگشت و ان دعا اینست اللهم انی اسئلك باسمك الطاهر الطهر
المطهر المقدس المبارك المکنون المخزون المکتوب علی سرادق الحمد
و سرادق المجد و سرادق القدرة و سرادق السلطان و سرادق السرا
ادعوك یا رب بان لك الحمد لا اله الا انت النور البار الرحمن
الرحیم الصادق عالم الغیب والشهادة بدیع السموات والارض
و نورهن و قیامهن ذو الجلال والاکرام حنان نور قدوس حی لا
یموت **یازدهم** بروایت حمزة بن عبد المطلب حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و اله فرموده که اسم اعظم در این دعاست اللهم انی اسئلك باسمك

العظیم

العظیم و برضوانك الاکبر **دوازدهم** بروایت علی بن الحسین زین العابدین
علیهما السلام در این دعاست اللهم انی اسئلك باسمك الله الله
الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم **سیزدهم** بروایت
ابن مسعود رسول خدا صلی الله علیه و اله فرموده که در این دعاست
اللهم انی اسئلك بمعاقد العز من عرشك و منتهی الرحمة من
کتابك و اسمك الاعظم و جدك الاعلی و کلماتك التامات
چهاردهم روایت کرده ابن عباس از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله
که اسم اعظم در سه ایه سوره حشر است و در عدد ایه اخر سوره حشر
در کتب ادعیه خلافی هست در بعضی چون جنة الواقیه و غیره سه ایه
مذکور است و در بعضی چون مهج و غیره شش ایه مذکور است **پانزدهم**
روایت کرده اسماء بنت زید از رسول خدا صلی الله علیه و اله که اسم
اعظم در ایه ملك است تا بغیر حساب **شانزدهم** ذکر کرده شیخ طبرسی
رحمه الله در جوامع الجامع که اسم اعظم در دعای اصف بن برخیا وزیر
حضرت سلیمان و پسر خواهر اوست و بسبب ان اسم حاضر کرد ایشان تخت
بلقیس را و ان دعا اینست یا الهنا و اله کل شیء الها واحدا لا
اله الا انت **هفدهم** ذو الجلال والاکرام است **هیجدهم** محمد بن
الحسن الصفار از ابی الجارود از زید بن علی علیه السلام از ام سلمه از
رسول خدا صلی الله علیه و اله روایت کرده که اسم اعظم در این دعا
اللهم انی اسئلك باسمائك الحسنی ما علمت منها و ما لم اعلم و
اسئلك باسمك الاعظم الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به
اعطیت فان لك الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السموات
والارض یا ذا الجلال والاکرام **نوزدهم** ذکر کرده صاحب کتاب
فواید جلیله که در این دعاست اللهم انت الله لا اله الا انت یا

ذا المعارج والقوی اسئلك بسم الله الرحمن الرحيم وبما انزلته
في ليلة القدر وان تجعل لي من امري فرجا ومخرجا واسئلك
ان تصلي علی محمد وال محمد وان تغفر لي خطيئتي وتقبل توبتي
يا ارحم الراحمين **بیستم** از کتاب اغاثة الداعي نقل شده که اسم
اعظم در این دعاست یا الله یا الله یا الله وحدك لا شريك لك
انت المنان بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام
وذو الاسماء العظام وذو العزة التي لا ترام والهكم اله واحد
لا اله الا هو الرحمن الرحيم وصلی الله علی محمد واله اجمعين
از حضرت سید الساجدین علیه السلام مرویست که بسیار از حق
جل وعلا التماس نمودم که مرا باسم اعظم اشنا کرداند پس حضرت رسول
صلی الله علیه واله را در خواب دیدم که مرا طلب داشت وبنزدیک
خود نشانید ومیان دو چشم مرا بوسید وگفت ای فرزند اسم اعظم
از خدای خود خواستی گفتم بلی گفت بنویس این را بر کف دست خود بر
انگشت خود من بدین طریق نوشتم چون صباح بر کف دست خود نگاه
کردم این دعا نوشته دیدم که یا الله یا الله یا الله یا علی محمد واله
اجمعين وهرگز نخواندم خدا را باین مگر که ملتمسات ومرادات من
اجابت شد باذن الله تعالی **بیست و یکم** از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که اینست اسم اعظم هر کس بگوید بعد از نماز
صبح صد مرتبه بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم **بیست و دوم** نیز از انحضرت علیه السلام مرویست
که اینست بسم الله الاکبر یا حی یا قیوم **بیست و سیم** در بین فقرات
یا ذا المعروف الذي لا ینقطع ابدا ولا یحصیه غیره **بیست و چهارم**
ابن ابی قره در کتاب متهجد ذکر کرده که اسم اعظم در این دعاست بگوید

سه مرتبه

سه مرتبه یا نور یا قدوس وسه بار یا حی یا قیوم وسه بار یا حی لا
یموت وسه بار یا حی حین لا حی وسه بار یا حی لا اله الا انت
وسه بار اسئلك بلا اله الا انت وسه بار اسئلك یا لا اله الا
انت وسه بار اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم العزيز المبين
وبسند معتبر از سکین بن عمار مرویست که گفت شبی در مکه معظمه
خوابیده بودم شخصی بخواب من امد وگفت برخیز که شخصی خدا را در زیر
میزاب باسم اعظم میخواند بیدار شدم وباز بخواب رفتم در مرتبه سیم
مرا صدا زد که برخیز که موسی بن جعفر خدا را در تحت میزاب باسم اعظم
میخواند سکین گوید که برخاستم وغسل کردم وچون بدر حجر امدم شخصی
را دیدم که جامه خود را بر سر پیچیده ودر سجده افتاده در پس سر ان
حضرت نشستم این دعا را میخواند که یا نور یا قدوس سه بار وهمچنین
تا العزیز المبین سکین گفت که انحضرت این دعا را خواند تا من حفظ
کردم **بیست و پنجم** ابن طاوس رحمه الله در مهج ذکر کرده که اسم اعظم
در این دعاست بسم الله الرحمن الرحيم یا الله یا الله یا الله یا
رحمن یا رحمن یا رحمن یا نور یا نور یا نور یا ذا الطول یا ذا الجلال
والاکرام **بیست و ششم** صاحب مهج از صالح مصری نقل کرده که
اسم اعظم در این دعاست اللهم اني اسئلك باسمك المخزون المكنون
المبارك الطهر الطاهر المقدس **بیست و هفتم** انکه در این کلمات
الله لا اله الا هو الرحمن الرحيم **بیست و هشتم** از کتاب عده نقل
شده که اسم اعظم در این دعاست یا هو یا هو یا من یعلم ما هو الا هو
بیست و نهم بروایت عایشه از حضرت رسول صلی الله علیه واله
در این دعاست اللهم اني اسئلك باسمك الطاهر الطيب المبارك
الاحب الیك الذي اذا دعیت به اجبت واذا سئلت به اعطیت

وَاِذَا اسْتُرْحِمَ بِهِ رَحِمَ وَاِذَا اسْتُفْرِجَ بِهِ فَرَّجَ **بحث ام** نیز
بروایت عایشه از انحضرت که التماس نمود که اورا اسم اعظم تعلیم کند
حضرت فرمود که وضو بساز و بگوی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَسْمَائِكَ
الْحُسْنیٰ کُلِّهَا مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ اَعْلَمْ وَاَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ الْعَظِیْمِ
الْاَعْظَمِ الْکَبِیْرِ الْاَکْبَرِ **بحث ونهم** نیز از انحضرت صلی الله علیه
و اله منقولست که درین دعاست اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّكَ اَنْتَ الله
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْاَحَدُ الصَّمَدُ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُوْلَدْ وَلَمْ یَکُنْ
لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ **بحث دهم** انکه اسم اعظم درین دعاست یَا فَارِجَ
الْغَمِّ وَیَا کَاشِفَ الْهَمِّ وَیَا مُوْفِیَ الْعَهْدِ وَیَا حَیُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
بحث وسیم ذکر کرده قضاعی در دستور که اسم اعظم در اول سوره
حدید است تا عَلِیْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ و در اخر سوره حشر لَوْ اَنْزَلْنَا
هٰذَا الْقُرْاٰنَ تا اخر سوره پس بردارد دستهای خود را و بگوید یَا مَنْ
هُوَ هٰکَذَا اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
و حاجت خود را بخواهد **بحث چهارم** محمد بن الحسن الصفار در کتاب
فضل الدعاء ذکر کرده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
ببعضی از اصحاب خود که میخواهی که تعلیم کنم بتو اسم اعظم را گفت بلی
فرمود بخوان سوره الحمد و قل هو الله احد و ایة الکرسی و انا انزلنا
پس رو بقبله کن و دعا کن با نچه دوست داری **بحث پنجم** شیخ مفید
رحمه الله در تبصره ذکر کرده که اسم اعظم در سوره فاتحة الکتاب است
و بدرستی که سوره فاتحه اگر خوانده شود بر مرده هفتاد بار پس روح
باو بر گردد و زنده شود عجب نیست **بحث ششم** بنا بر قول مشایخ
و اکابر انکه شیخ علامه فخر الدین رازی در کتاب لوامع البینات که
مشتملست بر شرح اسماء الله چنین اورده اند که بعضی از اهل تحقیق

برانند

برانند که اسم اعظم **الله** است و بعضی دیگر از اکابر برانند که لفظ **اللهم**
است و لهذا عنوان اکثر دعوات ماثوره است و ابو رجاء عطاردی
گفته است که هفتاد نام از نامهای الهی در میم اللهم مندرج است
و از نضر بن شمیل نقل کرده اند که هر که بگوید اللهم خدا را بهمه
نامها خوانده باشد و چندان ثواب یابد که در حصر نیاید و بعضی دیگر
برانند که اسم اعظم لفظ **رب** است و در تیسیر از ابن عباس و ابی الدردا
نقل شده که رب اسم اعظم است از برای انکه هر اسمی از اسما را که
مقلوب سازند اطلاق ان بر حق تعالی جایز نباشد و رب را چون
مقلوب سازند بر شود و ان نیز از اسماء حسنی است کما قال سبحانه
هُوَ الْبَرُّ الرَّحِیْمُ و بر این قول ادله بسیار در کتب و تفاسیر مذکور است
و بعضی برانند که در ایه کریمه سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِیْمٍ است و جمعی
گفته اند که در ایه لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ
است و دلیل ایشان قول حضرت یونس است علیه السلام حیث قال
الله تعالی فَنَادیٰ فِی الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الی اخر الایه
پس مستجاب شد دعای او چنانچه فرموده فَاسْتَجَبْنَا لَهُ الی اخر الایه
ودر کتاب درة النظیم و لوامع البینات مذکور است که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که اسم اعظم در حروف مقطعه اوایل
سور است و منقولست که چون انحضرت را امر عظیمی روی دادی
در دعوات خود فرمودی یا کٓهٰیٰعٓصٓ یا حٰمٓعٓسٓقٓ و از این بای خطاب
معلوم میشود که این دو کلمه از جمله اسماء مکنونه است و بعضی
گفته اند که در ضمن اشکال سبعه است و این صورت ان اشکالست
۱۱۱ م ۱۱۱۱ ه و و حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در خواص این اشکال یازده بیت



نظم کرده اند که در شمس المعارف مسطور و از انجمله اینست چند بیت

ثلث عصی صففت بعد خاتم ∴ علی رأسها مثل السنان المقوم
ومیم طمیس ابتر ثم سلم ∴ الی کل مطلوب ولیس بسلم
واربعة مثل الاصابع صففت ∴ تشیر من الخیرات لیس بمعصم
وهاء شقیق ثم واو منکس ∴ کانبوب حجام ولیس بمحجم
فیا حامل الاسم الذی لیس مثله ∴ توق به کل البلاء تسلم

و آنحضرت فرموده که هر که این اشکال سبعه را در سفر بر و بحر با خود دارد یا در میان امتعه و رخوت خود نهد از غرق و حرق و سرق ایمن باشد و هم در انکتاب حضرت امام علیه السلام فرموده اند که بعضی ارقام هندسی را که در مثلث و وسط خاتم که شکل اولست زیاده کرده اند انرا در حصول اثر اتم و اکمل دانسته اند و از ابو درداء مرویست که این اشکال سبعه را در سه چیز امتحان کردم از شمشیر بران تیز یافتم اول آنکه در هیچ کشتی نباشد الا که بکنار رسد بسلامت دوم در هیچ خانه نباشد الا که اهل خانه از آفات ایمن باشد سیم در هیچ متاعی از امتعه تجارت نباشد الا که از آفات بسلامت ماند و اگر این اشکال سبعه را بر بضاعت و متاع سفر و غیره نویسند باید که از عقب این دعا را نیز بنویسند تا آنکه حرز و پناه بود آنچیز را و دعا اینست یا حافظا لا ینسی یا من نعمته لا تحصی یا من له الاسماء الحسنی تحفظ هذا الشیء من جمیع الآفات بما حفظت به الذکر فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون و نزد بعضی اسم اعظم ارحم الراحمین است و مستند ایشان قول حضرت ایوب است علیه السلام که در حین شدت گفت رب انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین و شیخ محیی الدین اعرابی از حضرت شاه ولایت

علیه السلام روایت کرده که هر کسی را اسم اعظمیست و اسم اعظم عبارت از اینست که از اسماء الهی یک اسم یا چهار اسم با اسم آنشخص در عدد بحساب ابجد متعارف موافق باشد و الا دو اسم یا سه اسم موافق آید مثلا اسم محمد نود و دو است نظر کردیم هیچ اسمی از اسماء الهی موافق این عدد نیافتیم اما در دو اسم یافتیم و آن اول و دائم است و در سه اسم نیافتیم و در چهار اسم یافتیم و آن حی و وهاب و واحد و ولی است پس فرمود که بعد از یافتن اسماء سوره فاتحه و توحید و الم نشرح و صلوات بعدد اسم بخواند و بعد از آن اسمائی را که یافته موافق عدد بخواند چون عدد اسم محمد که نود و دو است پس هر یک از الحمد و قل هو الله احد و الم نشرح را نود و دو بار بخواند و نود و دو بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد از آن آن اسما را که خواه اسماء دوگانه را که اول و دائم است و خواه آن اسماء چهارگانه را که حی و وهاب و واحد و ولی است هر کدام را که خواهد نود و دو بار بخواند آن اسم اعظم او گردد و ملئکه موکل بر آن اسم در همه وقت حافظ او باشند و این دعوت بیکنوبت کافیست و بعد از آن اسماء موافق را ورد کند چنانچه بعد از نماز صبح و نماز حسن اسما را موافق عدد اسم خود بخواند خواه نود و دو باشد و خواه صد و خواه بیشتر و کمتر اما خواندن سوره و فرستادن صلوات بعد از آن بیکبار کافیست و حاجتی که دارد بدرگاه الهی عرض کند که بیشک مستجابست ان شاء الله تعالی و در این دعوت و ورد طهارت و ریاضت و بوی خوش بکار بردن و با کسی سخن نکردن و خلوت اختیار کردن از لوازم است و هر گاه اسما را تکسیر کند بطریق جفر و با خود نگاه دارد فواید بسیار یابد ان شاء الله تعالی و ارباب دعوت گفته اند که بعد از اتمام اسما که طلب حاجت کند باین نحو بگوید

مثلا که یا حی احی ذکری ورزقی وقلبی وانچه مراد او باشد نام برد پس
بگوید یا وهاب هب لی کذا و کذا و در باقی اسما نیز برین قیاس بگوید
و عرض مطلب کند لمعه دویم در اسماء حسنی و خواص انها
بدانکه بنابر فحوای ایه کریمه ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها اذکار
اسماء او سبحانه امری مقتضی بل حتمی مرضی و یاد کردن او جل و علا باسما
حسنی و صفات علیا از لوازم کما قال سبحانه فسبح باسم ربک العظیم
و احصای اسماء الهی مستلزم فوص نامتناهی و منکشف حقایق
ارنا الاشیاء کما هی است چنانچه بروایت معتبر از حضرت پیغمبر صلی
الله علیه و اله مرویست که حق تعالی را نود و نه نام است کسی که بداند
انها را داخل بهشت میشود و ان اسماء مبارک اینست هو الله الذی
لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر الخالق البارئ المصور الغفار القهار
الوهاب الرزاق الفتاح العلیم القابض الباسط الخافض
الرافع المعز المذل السمیع البصیر الحکم العدل اللطیف الخبیر
الحلیم العظیم الغفور الشکور العلی الکبیر الحفیظ المقیت
الحسیب الجلیل الکریم الرقیب المجیب الواسع الحکیم الودود
المجید الباعث الشهید الحق الوکیل القوی المتین الولی الحمید
المحصی المبدئ المعید المحیی الممیت الحی القیوم الواجد الماجد
الواحد الاحد الصمد القادر المقتدر المقدم المؤخر الاول
الاخر الظاهر الباطن الوالی المتعالی البر التواب المنعم المنتقم
العفو الرؤف مالک الملک ذو الجلال و الاکرام الرب
المقسط الجامع الغنی المغنی المانع الضار النافع النور الهادی
البدیع الباقی الوارث الرشید الصبور الستار الذی لیس

کمثله

کمثله شیء لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد ونقل شده از کتاب
عده که سر اوراد است داعی را که هر گاه حمد و ثنای الهی بجای اورد که
بخواند از اسماء حسنی اسمی را که مناسب مطلب او باشد پس اگر مطلب
او روزی باشد بخواند مثل الرزاق و الوهاب و الجواد و المعطی و
المغنی و المنعم و المفضل و الکریم و الواسع و مسبب الاسباب
و رازق من یشاء بغیر حساب و هر اسمی که مثل اینها باشد و اگر مطلب
او طلب مغفرت و توبه باشد بخواند مثل التواب و الرحمن و الرحیم و الرؤف
و العطوف و المحسن و المجمل و العفو و الغفار و الستار و اگر مطلب او
انتقام از دشمن باشد بخواند مثل العزیز و الجبار و القهار و المنتقم
و البطاش و ذی البطش الشدید و مدوخ الجبابره و قاصم المرده و
الطالب و الغالب و المدرک و المهلک و اگر مطلب او علم باشد بخواند
مثل العالم و الرافع و المعز و الفتاح و الهادی و المرشد و برین
قیاس هر اسمی که مناسب هر مطلب او باشد بخواند ونقل شده از کتاب
مقصد اسنی که هر گاه نزد پادشاهی یا حاکمی یا شهری بروی و از او ترسناک
باشی پس از اسماء حسنی هر اسمی که مناسب ان باشد استخراج کن و نظر
کن بحروف هر چه از ان خوف داری و هر حرفی که در ان مکرر باشد
بینداز و انچه باقی ماند بحساب ابجد متعارف حساب کن پس عدد ان
بهر قدری که برسد ان اسمی را که استخراج کرده اینمقدار بخوان مثال
هر گاه بترسی از شخصی احمد نام پس بگیر از اسماء الله انچه مناسب الف
احمد است یعنی حرف اول ان اسم الهی الف باشد چون احد یا چون
الله و انچه مناسب حا است مثل حلیم و حکیم و انچه مناسب میم است چون
مؤمن و مهیمن و انچه مناسب دال است مثل دیان پس بخوان این چهار
اسم را بعدد اسم احمد پنجاه و سه بار و مؤلف جنة الواقیه گوید دیدم

بخط شیخ زاهد قدس سره که این عمل و خواندن این اسما اجابت از هر جهت
بدی و نافعست برای طاعت و محبت و عقد السنه و ابطال سحر و طلب رزق
فصل سیم در ادعیه ماثوره عظیمه و از انجمله است حرز یمانی بدانکه
حرز یمانی یعنی اعظم ادعیه ماثوره از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
است که بواسطه جبرئیل علیه السلام بر خاتم انبیا صلی الله علیه و آله
نازل شده و از آنحضرت بامیر المؤمنین علیه السلام رسیده و علما
آن در بلاغت و تقدیس باری عز اسمه دعای بینا نموده اند و در وجه
تسمیه این دعا بحرز یمانی یعنی روایتی هست که سیف ذو الیزن
که ملک یمن بوده مغلوب دشمن شده و زمام امور ملک از قبضه
قدرتش بیرون رفته و از خصم فرار نموده بعتبه علیه علویه التجا
برده و بعد از عرض حال بقرائت این حرز ماذون شده و چهل روز
قرائت نموده و قبل از انقضای اربعین خبر مقهور شدن دشمن باو
رسیده بملک یمن معاودت کرده و سلطنت باز باو قرار گرفته و احادیث
بسیار در فواید و فواعد خواندن سید ابن طاوس و دیگران از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
روایت کرده اند و مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
که کسی که بخواند این دعا را دو مرتبه دشمنان او را قدرت آن نباشد
که ضرر باو رسانند و مکر بر ندارد از او جن و شیاطین و مرویست از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که این دعا از برای کفایت همه
مهمات نست خصوصا از برای دفع اعدا و نیز از آنحضرت علیه السلام
مرویست که کسی را که بوده باشد دشمنی این دعا را بنیت دفع آن
دشمن چهل و یکبار بخواند و اگر نتواند هفت مرتبه بخواند بدرستی
که اگر آن دشمن مثل سنگ باشد آب میشود و برطرف میگردد همچنانکه

آب میشود

آب میشود قلع از آتش و سزاوار است خواننده این دعا را که قبل از
تلاوت غسل کند و جامه پاک بپوشد و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از
نماز استغفار کند و صلوات بفرستد و بهتر آنست که هر روز سه مرتبه
بخواند و سؤال کند از حق تعالی آنچه خواهد بدرستی که سؤال و جواب
توامانند و بدانکه شرایط و آداب بسیار از برای خواندن این حرز
عظیم از اکابر و مشایخ مذکور است و در این صحیفه موافق آنچه
در دعوات میر محمد باقر داماد رحمه الله بنظر رسیده نوشته میشود
بدانکه در حرز یمانی چهل خاصیت مندرج است ده اخرویه و سی
دنیویه اما اخرویه اول انکه خواننده این حرز را حق تعالی با ایمان
از دنیا ببرد اگرچه همه عمر گناه کرده باشد دویم انکه خواننده این
دعا در وقت نزع صورت خوب بر او عرضه کنند تا عاشق وار جان تسلیم
کند سیم انکه چون در خاکش نهند این حرز در برابر او آید تا بی وهم
جواب منکر و نکیر گوید چهارم انکه در بهشت بهر حرفی خواننده این
دعا را هفتاد هزار درجات و غرفات و حور و غلمان بدهند پنجم
انکه روز قیامت روی خواننده این حرز چون ماه تابان باشد و جمله
عرصات نگران او باشد ششم انکه حق تعالی او را در زیر عرش خود
جای دهد و دیگران گویند چه بودی که در دنیا ما نیز این دعا را میخواندیم
هفتم انکه روز قیامت چون عمل این خواننده را بر ترازوی حساب
نهند بر همه راجح آید و حساب بر او آسان شود هشتم انکه بر پل صراط
مرکبی برا او ظاهر شود و گوید بر نشین ای خواننده دعا و چشم بر هم نزده او
بر نشیند و چون برق از پل صراط بگذرد نهم چون امتان بزیارت
حضرت رسول آیند او بر همه مقدم باشد دهم اگر کسی را نماز و روزه
قضا شده باشد در شب آدینه دو رکعت نماز کند در رکعت اول بعد از

فاتحه هفت بار آیة الکرسی و در دویم فاتحه و آمن الرسول یکبار بخواند
و چون سلام دهد این حرز بخواند و شفاعت کند که در حضرت عزت
جل شانه قبول افتد **ابواب نبوی** اول آنکه چون کسی بکار خود فرو
مانده باشد هر شب آدینه نیم شب برخیزد و طهارت کند و اگر غسل
کند بهتر باشد و ده رکعت نماز کند به پنج سلام و هر سوره که خواهد
بخواند و بعد از آن صلوات فرستد بر حضرت رسول و آل اطهار او
علیهم السلام و این حرز را بآن نیت که خواهد بخواند و باز صلوات
فرستد اگر صادق باشد در روز بمراد رسد و الا البته آدینه برسد
که مراد یابد **دویم** اگر کسی در بلائی یا زندانی گرفتار باشد یا درد
ظالمی این حرز را چهل و یکبار بخواند حق تعالی او را خلاصی دهد
سیم بیماری که هیچکس دوای آن نتواند کرد این حرز را بمشک و زعفران
بنویسد بر قدح پاک و بشوید و بخورد شفا یابد **چهارم** اگر کسی عنین
باشد چهل روز این حرز را بخواند روز چهلم بنویسد بمشک و زعفران
و بخورد مراد حاصل شود **پنجم** آنکه اگر کسی علتی بیبی داشته باشد
چهل و یک روز این حرز بخواند و آنگاه بنویسد و بشوید و بخورد شفا یابد
ششم آنکه اگر کسی بر کسی عاشق شود و خواهد که بحلال او را بخواهد
و میسر نگردد سه روز روزه دارد و هر روز وقت افطار روی بدان
خانه کند و این حرز بخواند و بعد از حرز بگوید الهی لین لی قلوبهم
و انت تعلم قلبی و ارزقنی ما فی قلبی و نجنی من هذا الغم برحمتک
یا ارحم الراحمین **هفتم** چون کسی بسفر رود غسل کند و دو رکعت
نماز کند و این حرز را بخواند و روانه شود در آن سفر از بلا ایمن باشد
و بسلامت باز آید **هشتم** اگر کسی دشمن بزرگ داشته باشد و با وی
بر نتواند آمد باید که هفت آدینه سوره طه بخواند و یکبار این حرز را

بخواند حق تعالی دشمن او را مقهور کند و بروایت دیگر چنین وارد شده
که اگر کسی را دشمن عظیم باشد یا ظالمی بعداوت مسلمین اقدام نماید
هفت شب جمعه بعد از نماز خفتن یکنوبت سوره طه و سه نوبت این
حرز را به نیت دفع دشمن بخواند و در آخر سجده کند و بگوید یا رب
انی مغلوب فانتصر فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم البته در
همان ایام دشمن مقهور گردد **نهم** آنکه اگر کسی را خویشان باشد
و با وی بدسگالی کنند سه روز روزه دارد و در این سه روز هر روز
بامداد این حرز را یکبار بخواند و بر روی مالد دست خود را حق تعالی
آن قوم را مسخر و مطیع او گرداند **دهم** آنکه اگر کسی در سفر از دزد یا
جانوران موذی و درنده خوفی دارد در منزل خطی بر گرد خود بکشد
و این حرز را بخواند از همه ایمن گردد **یازدهم** آنکه اگر کسی را مار گزیده
باشد این حرز را بخواند و دست بر جای گزیده نهد زهر از آنجا بیرون رود
دوازدهم آنکه اگر کسی را زهر داده باشند یا داروی دیگر این حرز را
بمشک و گلاب و زعفران بنویسد و بخورد زهر را باطل گردد **سیزدهم** آنکه
اگر کسی را شهری که وبا و بلائی باشد این حرز را بنویسد و در سقف خانه
آویزد آن خانه از بلا و وبا ایمن ماند **چهاردهم** اگر کسی از پادشاه یا غیر
آن خوفی داشته باشد که بیم هلاک باشد این حرز را بخواند و غسل
کند و خود را بجامه پاک و بوی خوش بیالاید و در برابر او رود که هیچ
آفت بوی نرسد **پانزدهم** اگر کسی را چیزی دزد برده باشد در شب آدینه
دو رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد یکبار و سوره و الشمس و در
دویم فاتحه و و الضحی و الم نشرح یکبار بخواند و سلام باز دهد
و این حرز یکبار بخواند و با طهارت در خواب رود حق تعالی
دزد را باو نماید **شانزدهم** اگر کسی را در کار بستگی باشد و گشاد

کار خود نداند روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و دو
رکعت نماز به نیت کشاد بکند در هر رکعت بعد از فاتحه پنج نوبت
آیه و من یتق الله و پنج و پنج نوبت سوره اخلاص بخواند و بعد از
نماز سه مرتبه این حرز را بخواند و سخن نگوید و با طهارت در خواب
رود فتح او را در خواب باو نمایند که از کجا خواهد بود **هفدهم** اگر
کسی را فرزند نشود این حرز را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و
بشوید و بزن دهد تا بخورد و مرد به نیت فرزند دو رکعت نماز کند و
این حرز را بخواند و با زن صحبت دارد حق تعالی فرزند شایسته
کرامت فرماید **هجدهم** در خانه که این حرز باشد از دزد و آتش
ایمن باشد **نوزدهم** آنکه هر روز این حرز را بخواند و باد بر خود دمد
و دست بر روی مالد هیچکس با او بد نتواند کرد و از همه چیز ایمن باشد
اگرچه خلقی دشمن او باشند **بیستم** چون کسی در معرکه رود و دو رکعت
نماز کند در هر رکعتی فاتحه یکبار و سوره اخلاص سه بار و یکبار این
حرز را بخواند و روان شود اگرچه چون باران تیغ و تیر بارد هیچ گزندی
باو نرسد و او را هیبتی در دل خصم افتد و بهر که روی کند از پیش او
گریزان شود **بیست و یکم** چون در کشتی نشیند این حرز را بخواند و بر
خود دمد از غرق شدن ایمن گردد **بیست و دوم** چون در بیابان
باشد و گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کند و راه نداند تیمم کند و دو
رکعت نماز کند در رکعت اول فاتحه و آیة الکرسی و آیه آمن الرسول
تا آخر سوره و در دوم فاتحه و آیه شهد الله و آیه نور بخواند و بعد
از نماز این حرز بخواند حق تعالی از عالم غیب طعام و شراب باو
رساند **بیست و سیم** اگر بفقر و فاقه و عیال درمانده باشد چهل و
یک روز پیش از نماز صبح غسل کند و دو رکعت نماز کند در رکعت اول

چهل و یکبار فاتحه و یکبار سوره اخلاص و در دوم سه بار فاتحه و
چهل و یکبار سوره اخلاص بخواند و بعد از آن صلوات بسیار فرستد
آنگاه این حرز بخواند بشرط آنکه در میانه روزی فوت شود باز از سر
گیرد حق تعالی بعد از شرط فتح روزی کند که از احتیاج ایمن گردد
بیست و چهارم اگر کسی از بهر مال و ملک خود از دشمن ترسد این
حرز را بر پوست آهو نویسد و در میان مال نهد هیچ مضرت بمال او
نرسد **بیست و پنجم** اگر کسی در مصاف رود این حرز را بنویسد و در
موم گیرد و در علم بندد و در برابر خصم بدارد لشکر بر خصم انبوه نماید
و بیچیک بهزیمت شوند و بر خصم غالب آید **بیست و ششم** اگر
خواهد که دیو و پری مسخر گردند روز چهارشنبه بوقت فرو شدن
آفتاب سر و تن و جامه بشوید و خود را معطر گرداند و آیة الکرسی و
سوره فلا اقل بخواند و بر خود دمد و از ابا ذاتی دور شود چنانکه
نزدیک او نباشد و دو رکعت نماز کند و بعد از فاتحه آنچه از قرآن داند
بخواند و بعد از آن سوره قل اوحی باواز بلند بخواند و بعد از آن این
حرز را بخواند و دل قوی دارد و خطی بر گرد خود بکشد و آیة الکرسی
بخواند او از صعب بشود باید که خوف نکند آنگاه بزرگ ارواح
باواز خوش و ساز خوش برسد و آواز کند که چه میخواهی از ایشان
شرطی بخواهد که هر وقت که ایشان را بخواهد حاضر شوند و حرز بین
خوانند تا مضرت باو نرسانند **بیست و هفتم** اگر کسی خواهد که
خصم او هلاک شود روز شنبه هفت مرتبه سوره نوح بخواند و سه
بار این حرز را بخواند و سخن نگوید و چهل بار این دعا را بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم شتت شملهم و فرق جمعهم
و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و زلزل اقدامهم و قطع اعمارهم

در نسخه با ورد فتح نوشته

وقرب آجالهم واقطع ارزاقهم وبدل احوالهم واشغلهم بابدانهم
وخذهم اخذ عزیز مقتدر که در همان هفته عزاد خود رسد
بیست و هشتم آنکه خواننده این حرز بر چشم اقارب وعموم خلایق
عزیز و محترم باشد بیست و نهم اگر کسی از وطن دور شده باشد
این حرز را هر روز بعد از نماز صبح وخفتن بخواند حق تعالی او را
بوطن برساند سی ام اگر کسی در غمی وهمی گرفتار باشد چهل روز
وقت طلوع آفتاب صلوات فرستد واین حرز بخواند و بعد از حرز
دیگر صلوات فرستد حق تعالی او را از غم خلاصی دهد دیگر بدانکه
قاعده خواندن این حرز آنست که از برای جلب نفع بروز مشتری وساعت
زهره یا برعکس توجه نماید وجهت دفع ضرر و عقد اللسان بروز
عطارد وساعت قمر یا برعکس وجهت قتل اعدا بروز مریخ وساعت
زحل یا برعکس وجهت ریاست و تسخیرات بروز آفتاب وجهت استغنا
روز جمعه متعین است وافضل اوقات قراءت چاشتگاه است در
مکانی که آسمان بی واسطه منظور باشد و سحر جمعه وعصر جمعه تا
وقت غروب هم وقت اجابت دعاست دیگر بدانکه در حین قراءت
اولی آنست که بخور کند وچون ورد سازد همه روزه احتیاج بخور نباشد
مگر ایام ولیالی متبرکه وچون بطریق ورد خواند اجزای بخور همین قدر
کافیست عود قماری عنبر کندر قسط بحری زعفران گلاب شکر سفید
حب سازد و بخور نماید اما چون مطلوب معین از مطالب دنیویه
باشد البته بخور لایق عمل ضرور باشد پس چون دعوت بتفصیل و
قصد اعدا باشد اجزای بخور باین تفصیل باید قسط زعفران مشک
مقل ازرق ذواله عود لادن میعه کندر عنبر قرنفل پوست نارنج
نبات مصری شکر فایق علک رومی لبان اذخر طلق موم سفید وزرد

فلفل

فلفل سیاه وسفید اقاقیا خربق سیاه وسفید فودنا پوست خشخاش
افیون بسفایج گلاب صمغ عربی سعد کوفی سنبل بهمن سرخ وسفید
اجزا را متساوی کوفته حب سازد و باید که طاق بسازد وهم طاق بسوزاند
مثلا سه یا پنج یا هفت و در حین دعا خواندن در آتش نهد واین آیه
بخواند وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما دیگر بخور
ایام ولیالی وکواکب متعلقه بایام ولیالی جهت کسی که طلب حاجتی کند
چنین است یوم الاحد ولیلة الخمیس شمس عود یوم الاثنین ولیلة الجمعه
قمر لبان یوم الثلثا ولیلة السبت مریخ سندروس یوم الاربعاء و
لیلة الاحد عطارد مصطکی یوم الخمیس ولیلة الاثنین مشتری حب
الغار یوم الجمعه ولیلة الثلثا زهره گلاب وزعفران یوم السبت و
لیلة الاربعاء زحل فلفل سیاه وسفید وبلادر دیگر چون نسبت لیالی
وایام را بکواکب سبعه سیاره دانستی نسبت ساعات شبانه روزی به
کواکب باین روش است که ساعت اول صاحب روز را بود و ساعت
دویم کوکبی را بود که در تحت فلک او بود وچون بقمر رسد باز از زحل
گیرند تا دوازده ساعت روز تمام شود بعد از آن ساعت اول شب از
کوکبی بود که فلک او تحت فلک صاحب ساعت دوازدهم بود از روز
وبدین ترتیب ساعت شب تمام شود دیگر آنکه قراءت این دعای عظیم
جهت حصول مال بروز وساعت مشتری یا زهره باید خواند مادام که
سعدین را اوضاع ملایم باشد واز وبال واحتراق در جهت دور
وجهت اضرار دشمن بروز وساعت زحل ومریخ واوضاع ملایم ایشان
شرط نیست لیکن قوت ایشان ضرور است وجهت عقد اللسان بروز
وساعت عطارد یا قمر چنانچه پیش گذشت دیگر جهت حصول منافع
هفت روز و برای اضرار سه روز باید خواند و در تعیین این عدد دعا

موافقتی کرده اند که در صورت نفع مدخل صغیر لفظ سبقی است و در صورت
ضرر مدخل صغیر شش ملفوظی اما عدد قراءت چنانست که ملاحظه
مطلوب نماید که مدخل صغیر آن چند است و همچنین مدخل کوکب و اکبر
و مدخلین را بی اسقاط نه در یکدیگر ضرب کند و حاصل ضرب را ملاحظه
نموده مدخل صغیر گوید و بآن عدد خواند مثلا مطلوب در ذوات کوکب
مشتری زهره مدخله مشتری مدخله زهره ضرب کردیم مدخل در ذوات
که یکست در مدخل کوکبین که شش است حاصل ضرب همان شش است
پس برای این مطلب در روز مشتری بساعت زهره یا بر عکس ابتدا باید
کرد که هفت روز هر روز شش مرتبه بخواند و چون توالی ایام لازم
نیست اولی آنکه در همان روز که ابتدا کرده در همان روز ختم کند و اگر
متوالی خواند نیز جایز است مثال دیگر مطلوب دفع اعدا مدخله کوکب
زحل مدخله مریخ مدخله ضرب کردیم نه را در سه زده و از حاصل
ضرب نه نه طرح کردیم باقی ماند نه پس برای این مطلب بروز زحل
و ساعت مریخ یا بر عکس شروع کند و نه روز هر روز نه بار بخواند
مطلوب حاصل شود دیگر بدانکه مدخل صغیر اسم عبارتست از آنکه
حروف آنرا بعدد جمل کبیر که ابجد متعارفست جمع نمایند و نه نه طرح
کنند آنچه باقی ماند مدخل صغیر باشد دیگر بدانکه اکابر سلف در
خواندن این حرز وصایای بسیار کرده اند از رعایت طهارت و عبادت
و اجتناب از صحبتهای پریشان و حفظ لسان از قذف و احتراز از
نفاق و حرام خوردن و تقلیل لحوم و نخوردن سیر و پیاز در ایام قراءت
و بقصد نا مشروع نخواندن و برای قتل کسی یا و هنی که شرعا مستحق نشود
والا باو راجع شود و باید که مضمون التعظیم لامر الله والشفقة علی
خلق الله را نصب العین خود ساخته رعایت افتتاح و اعتصام و احتیاط

بجای آورده افتتاح اول غسل کند جهت قراءت این حرز و غسل توبه
بدل از آن نسازد و با وضو باشد دویم طهارت جامه و گفته اند
که برای مطالب اخرویه و منافع دنیویه سفید پوشد و برای تسخیر جن
سفید یا سبز و برای دفع دشمن سیاه یا سرخ سیم مندل ساختن و
آن مخصوص بدعوتست چهارم خلوت و کتمان سر و استبعاد از او
از سلک و زن حسب المقدور و چون ورد سازد بخلوت و کتمان سر
مقید نشود بلکه اولی و طهارت هم شرط است و بخور چنانکه مذکور
شد پنجم صلوة حاجت کردن قبل از قراءت اما جهت دعوت دو
رکعت نماز کند در هر رکعتی فاتحه و سوره نوح یکبار بخواند و برای
مطالب اخرویه دو رکعت بفاتحه و سوره ملک و برای فتوحات
دو رکعت اول فاتحه و سوره فتح رکعت دویم فاتحه و سوره نصر و برای دفع
اعدا چهار رکعت در اول فاتحه و چهل و یکبار سوره الفیل و در دویم
فاتحه و سی و یکبار سوره الفیل و در سیم فاتحه و بیست و یکبار سوره
الفیل و در رکعت چهارم فاتحه و یازده بار سوره الفیل و بعضی گفته اند
که بخواند تا فی تضلیل ششم صد مرتبه استغفر الله العظیم و صد
مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید هفتم صلوات
فرستادن باین عبارت که اللهم صل علی السیدنا لرسول النبی الامی
محمد و آله و اهل بیته و ذریته و اخوانه کما صلیت علی ابرهیم و آل
ابرهیم فی العالمین انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین
والملئکة المقربین هشتم نادِ علیا هفده مرتبه و لا فتی هفتاد مرتبه
و اسامی حضرات ائمه معصومین تماما و دعای مغفرت مؤمنین و مؤمنات
و دعای دوام دولت پادشاه اسلام نهم حفظ خاتم است در حالت
قراءت آنرا بنظر نگاه باید داشت و صاحب دعوت باید که هر گز خاتم

از خود جدا نکند و بعد از ان شروع در اعتصام کند **فایده** خاتم سعی
بر کاغذی رقم کند و صورت خصم را از موم عزا بسازد و مشابه کرداند
بقدر امکان و در خاتم بپچد و در میان دو کور کهنه دفن کند چنانچه
صورت در قرب کور مثلی مدفون باشد و پنج روز هر روز با طهارت
بر سر ان صورت رود و بتوجه تمام بنشیند و در روز اول غسل کند و
این پنج روز بروزه باشد و از حیوانی محترز باشد و کاهی افطار بنان و
سیر که نماید و هر روز پنجهزار بار این اسم بخواند یا قاهر ذا البطش الشدید
انت الذی لا یطاق انتقامه و در اثنای قراءة سخن نکوید و در حالت
نوشتن خاتم با وضو و رو بقبله باشد و در حین دفن صورت بزبان بکوید
که به نیت دفع یا مرض فلان و بعد از ان صدقه دهد از چیزی که شیرین
نباشد **دیکر بدانکه** مندل عبارتست از جای نمازی معین و بطریق
ساختن ان معلوم شده **اول** مخصوص داشته اند بدعوت حرز یمانی
واکر غیر صاحب دعوت رعایت مندل نیکوست و ان چهار طبق کاغذ است
برهم ملصق کرده باشد مربع متساوی الاضلاع و سورة الجن از بسمله تا اخر
بر اطراف اربعه ان مندل نوشتن و ابتدا از قبله کند و بطرف تمام کند
دویم بکارد فولادی که مستعمل نباشد دایره بکشد و محل دخول
از جانب قبله کند و چون ابتدای دایره کشیدن کند ایة الکرسی بخواند
چنانچه چون دایره تمام کند ایة الکرسی تمام شود و خود در دایره از
طرف قبله در اید و سر کارد راه دایره بهم متصل سازد و کارد در همان
محل که دایره بهم متصل شود بزمین فرو برد و بنشیند **سیم** اذا برشیم
هفت رنک بصورت بندی دراز برهم تابد و کرد خود دایره سازد و از
جانب قبله بمیان ان رود و سر ان بهم متصل کند **دیکر بدانکه** در این
حرز محل اشارات است که چون قراءت بان لفظ رسد وقف کند

ومطلوبی که قرب معنوی داشته باشد از حق تعالی مسئلت نماید تا
باجابت مقرون کردد و علامت اشارت حرف شین است که بسرخی در
قرب ان لفظ نوشته شده باخی فی از اول یا اخر نام و اشارت بر دو
قسم است ظاهره و خفیه باین معنی که اول سؤال مطلوبست بزبان و دل
و دویم محض توجه بسایل بی واسطه زبان اما اشارت ظاهره در چهل
محلست اول جهت کل مطالب و علامت ان **ش ا** است و ان در
چهار محلست **اول** در لفظ انت در اول حرز **دویم** اللهم انی
اسئلک الثبات فی الامر **سیم** اللهم انت المنعم المفضل **چهارم**
اللهم انی اسئلک و اتوسل الیک دیکر اشارت حسن صنعت و علامت
ان **ش ص** در و اوصلت الی من فضائل الصنایع دیکر اشارت سلامتی
از سفر و علامت ان **ش س** در لفظ صاحب اسفاری دیکر شفای
امراض **ش ف** در شفیت امراضی دیکر دفع اعدا **ش ع** در و کفینی
شر من عادانی دیکر محبت **ش م** در فلا ینقص ما اردت ان یزداد
دیکر خوف و خطا **ش خ و** در دو موضع **اول** وهو محمود و محبوب **دویم**
و استرنی فلا تفضحنی دیکر قتل اعدا **ش ق** در چهار موضع است
اول دمت من رمانی **دویم** اذا اردت شیئا ان یقول له کن
فیکون **سیم** بک اصول علی الاعداء **چهارم** اذا اردت شیئا
ان یقول له کن فیکون دیکر جاه و تقرب سلاطین **ش ج** در اللهم
لک الحمد حمدا کثیرا دائما دیکر طلب رزق **ش ر** در سه موضع **اول**
و اعطینی من رزقک واسعا **دویم** و رزقهم من الطیبات **سیم**
و اسئلک رزقا حلالا دیکر جاه و منصب **ش ج** در عالم الغیب و
الشهادة الکبیر المتعال دیکر عقد اللسان **ش د** در کلت الالسن
عن تفسیر صفتک دیکر تکمیل امور و مهمات **ش ت** در دو موضع **اول**

فَتَمِّمْ اِحْسانَكَ دوم فَتَمِّمْهُ بِاَحْسَنِ الْوُجُوهِ اما قسم ثالث که اشاره
خفیه است وصیت کرده اند فاضمم شغلیك بحیث یلتصقان بجملِ
مرامهك باذن الله تعالی واشارت خفیه جهت جلب نفع در چهار
محل است وعلامت آن در حاشیه مقابل کلام محل اشارت چنین است
لهٗ محل اوله محروساً لك دوم التوفیق لی ثالث کن لی ابیاً رابع
ما قدرت لی وجه اضرار دشمن در هشت محل است وعلامت آن در
حاشیه چنین است مع مع اول لم تخفر جواری دوم لم تغب ولا
تغیب عنك سیم فما ایسر ما کلفتنی چهارم ما لا یسعه پنجم
لا تضاد فی حکمك ششم لم تبتلنی بنقصان فی بدنی هفتم لا یعزبك
لکثرة هشتم ولا تؤثر علی وبعضی گفته اند که محل اشارات اینست
اول لا اله الا انت فی مفتتح الدعاء دوم کن فیکون فی وسط الدعا
سیم اللهم انی اسئلك الثبات فی الامر چهارم وتأزرت
بالعظمة والکبریاء پنجم اللهم فتمم احسانك ششم فانك انت
الله الذی لا اله الا انت الفاشی فی الخلق حمدك وادعیه که در
اشارات خفیه خوانند اینست اول یا لطیف اغثنی وادرکنی تا آخر
دوم الهی من ذا الذی دعاك تا آخر بنحوی که در اختتام مسطور است
سیم الهی اسئلك بحق اسمك الاعظم وبحق اسمك المخزون المکنون
الطاهر المطهر المبارك واسئلك باسمك العظیم وسلطانك القدیم
یا واهب العطایا ویا مطلق الاساری ویا فکاك الرقاب من النار
ان تخرجنی من الدنیا سالماً وتدخلنی الجنة آمناً وان تجعل دعائی
اوله صلاحاً واوسطه فلاحاً وآخره نجاحاً ایاك نعبد وایاك
نستعین وانت علام الغیوب چهارم الهی بجلال قدسك وجمال
انسك وبنظرك الی اولیائك وبقربك الی اصفیائك ومحبتك

الی

وادعیه

الی طالبیك وبشوقك الی مشتاقیك ان تقضی حاجتی کن فیکون
بحق اذکیا ش کل شیء دون فوقك ضعیف مواش کل شیء منقاد
لعزتك بدروایش انت ارسلت الملائكة من عندك علی الشیاطین
مارش فلك الحمد علی کل شیء کوشا اهلکت المتمردین بعظمة
جلالك وکمال قدرتك مقهوراً اکونا انا عبدك الضعیف دعوتك
فاستجب دعائی بحقك علی نفسك یا الهاً جباراً قیوماً جلیلاً
واحداً احیا قیوماً قدشا مقدساً اشمحط المخطا برسل ملئکتك
فی اسرع وقت جلبهیشا وما ارسلناك علیهم حفیظاً بل الرحمن
ولو تری اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مکان قریب ودر اشارات
اربعه قهر رمیت من بغی علی بسهم الله وسیفه القاتل اللهم
شتت شملهم تا آخر الشدید ذو القوة المتین سه مرتبه واعاده
اسم الشدید سه مرتبه اللهم دبرنی باحسن التدبیر یا دلیل
الحائرین دل حیرتی یا الله یا الله یا الله یا حلیم یا عظیم یا حی یا
قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا مالك یوم الدین دبرنی
باحسن التدبیر وخر لی فی جمیع الامور برحمتك یا ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد وآله اجمعین دیگر باید که هر روزی از روزها
هفتصد مرتبه بذکری که مرقوم میشود اقدام نماید یوم السبت
لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین یوم الاحد
لا اله الا الله الملك الحق المبین یوم الاثنین لا اله الا الله
العزیز الجلیل یا عزیز یا جلیل یوم الثلثا اللهم صل علی محمد
وآل محمد وسلم تسلیماً کثیراً یوم الاربعاء لا اله الا الله خالصاً
مخلصاً یوم الخمیس لا اله الا الله خالق کل شیء وهو علی کل شیء
قدیر یوم الجمعه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله

ودر نسخه القاتل [illegible]

اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعضی گفته اند که در
هر روزی صد و بیست مرتبه بخوانند تم الشرح بعون الله تعالی
اعتصام سیفی بسم الله الرحمن الرحیم اعتصمت بالله ففروا
الی الله و توکلت علی الله و ما النصر الا من عند الله و ما
توفیقی الا بالله حسبی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم علیه توکلت و الیه انیب حسبنا الله و
نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر اعتصام الخ اعتصمت
بذی العزة و العظمة و الهیبة و القوة و القدرة و الکبریاء
و الجبروت و توکلت علی الحی الذی لا ینام و لا یموت حسبی
الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
ایضا شش نوبت و لقد جعلنا فی السماء بروجا و زیناها
للناظرین و حفظناها من کل شیطان رجیم ان الله بکل
شیء حفیظ بخوانند و بر جهات شش کانه دمند و مرتبه هفتم بر گرد
خود دمند و این بیت بخوانند یا رب ما زال لطف منک یشملنی
و قد تجدد لی ما انت تعلمه فاصرفه عنی کما عودتنی کرما
فهل سواک لهذا العبد یرحمه مشروط است که افتتاح سیفی اول
بفاتحه کند و ده بار آیة الکرسی و نود و نه نام بخوانند و نود و نه نام
عبارتست از اسماء حسنی که در لمعه دویم مذکور شد و بشرط
بعضی از بزرگان آنست که پیش از دعوت فاتحه بیست و یکبار
بخوانند و چهل مرتبه ایاک نعبد و ایاک نستعین و صد
بار و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد بخوانند و
صلوات ده مرتبه بفرستد و بعد از آن شروع در خواندن دعا
کند بسم الله الرحمن الرحیم یا الهی و اله

جمیع

٧ هویات

جمیع الموجودات من المعقولات و المحسوسات و یا واهب النفوس
و العقول و مخترع ماهیات الارکان و الاصول یا واجب الوجود
و یا فایض الخیر و الجود یا فاعل القلوب و الارواح و یا جاعل
الصور و الاشباح یا نور الانوار و مدور کل دوار انت الاول
الذی لا اول قبلک و انت الآخر الذی لا آخر بعدک الملئکة
عاجزون عن درک جلال صفاتک و الناس قاصرون عن معرفة
کمال ذاتک اللهم خلصنا عن العلایق الدنیة الجسمانیة و
نجنا عن العوایق الردیة الظلمانیة ارسل علی ارواحنا
شوارق انوارک و افض علی نفوسنا بوارق آثارک العقل
قطرة من قطرات بحار ملکوتک و النفس شعلة من شعلات نار
جبروتک ذاتک فیاضة تفیض بها جواهر روحانیة لا متمکنة
و لا متحیزة لا متصلة و لا منفصلة مبرات عن الاحیان و
الاین معرات عن الوصل و البین فسبحان الله الذی لا تدرکه
الابصار و لا تمثله الافکار لک المجد و الثناء و منک المنع
و العطاء و بک الجود و البقاء فسبحان الذی بیده ملکوت
کل شیء و الیه ترجعون و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
سبحان الله العلی الاعلی الوهاب و هفت نوبت بگوید
اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم ا ب ت ث ج ح خ
د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی و در
خواندن حروف عقد اصابع باید کرد از یمین و ختم بیسار اللهم
طهر قلبی من الشک و الشرک و الریاء و زین لسانی بالذکر و
الحمد و الثناء یا حنان یا دیان یا منان یا حی یا قیوم یا ذا
الجلال و الاکرام اشهد ان کل معبود من دون عرشک الی

طهر نقی تواب
تعز تذل طمس
حط صدق خیج
لاسک



منتهى قرار الأرضين باطل دون وجهك الكريم امنت بك يا لا إله
إلا أنت يا غياث المستغيثين أغثني يا رب نجني من سخطك وادفع
عني شر جميع خلقك يا ذا الجلال والإكرام وصلى الله على سيدنا
محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم أنت الملك الحق الذي لا إله إلا أنت أنت ربي و
أنا عبدك عملت سوءا وظلمت نفسي واعترفت بذنبي فاغفر لي
ذنوبي فإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت يا غفور يا شكور يا حليم
يا كريم يا رحيم اللهم إني أحمدك وأنت للحمد أهل على ما
اختصصتني به من مواهب الرغائب وأوصلت إلي من فضائل
الصنائع وأوليتني به من إحسانك إلي وبوأتني به من مظنة
الصدق وأنلتني به من منك الواصلة إلي وأحسنت إلي من
اندفاع البلية عني والتوفيق لي والإجابة لدعائي حين أناديك
داعيا وأناجيك راغبا وأدعوك ضارعا متضرعا مصافيا و
حين أرجوك راجيا فأجدك في المواطن كلها لي جارا حاضرا
حفيا بارا وفي الأمور ناصرا وناظرا وللخطايا والذنوب غافرا
وللعيوب ساترا لم أعدم عونك وبرك وإحسانك وخيرك
لي طرفة عين منذ أنزلتني دار الاختبار والفكر والاعتبار
لتنظر ما أقدم إليك لدار القرار فأنا عتيقك يا مولاي من جميع
المضار والمضال والمصائب والمعائب واللوازب والنوائب
والهموم التي قد ساورتني فيها الغموم بمعاريض أصناف البلاء
وضروب جهد القضاء لا أذكر منك إلا الجميل ولم أر منك
إلا التفضيل خيرك لي شامل وصنعك لي كامل ولطفك لي

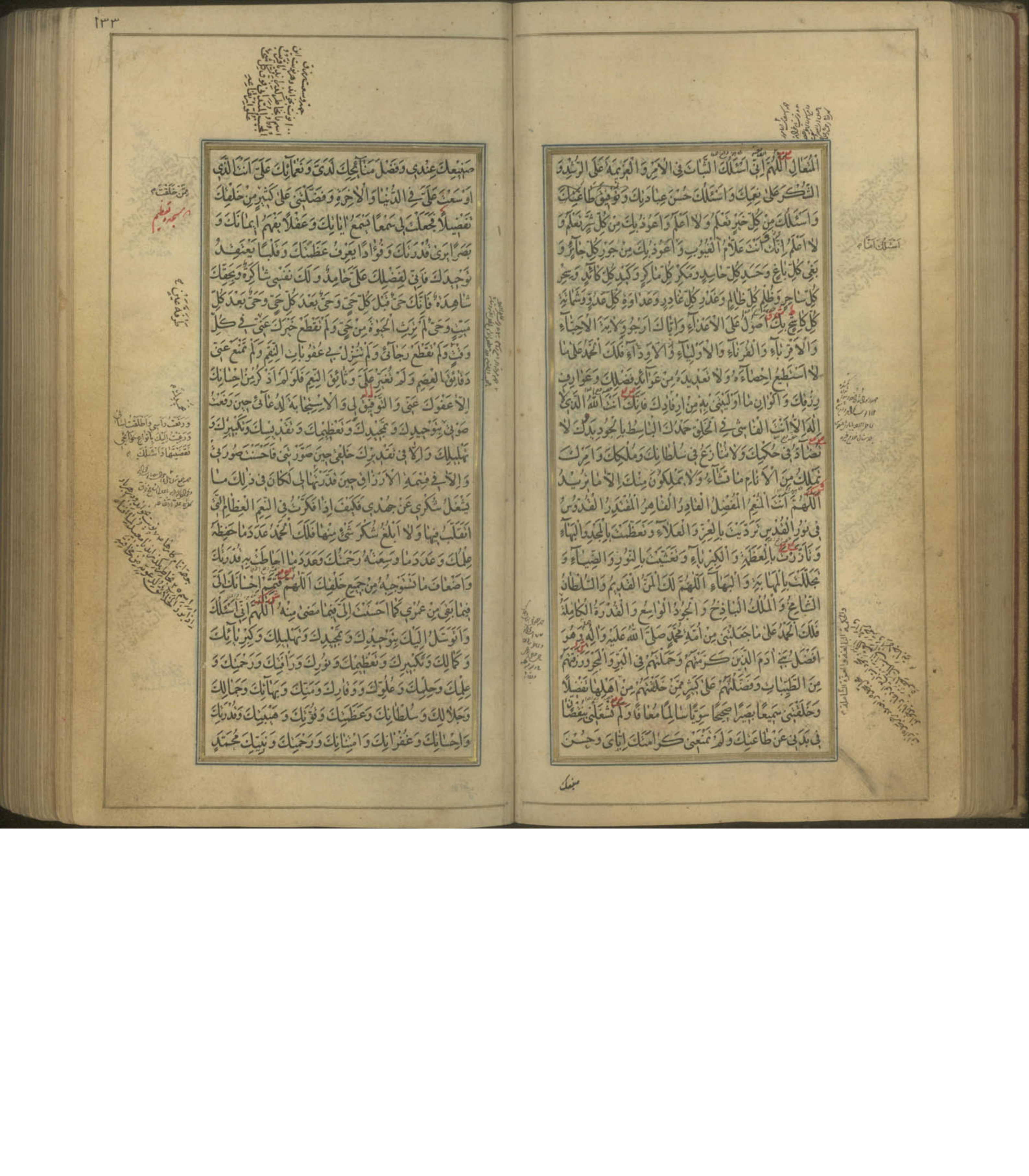
كامل

كامل وفضلك علي متواتر ونعمك عندي متصلة لم تخفر جواري و
صدقت رجائي وصاحبت أسفاري وأكرمت أحضاري وحققت
أماني وشفيت أمراضي وعافيت منقلبي ومثواي ولم تشمت بي
أعدائي ورميت من رماني بسوء وكفيتني شر من عاداني
فحمدي لك واصب وثنائي عليك متواتر دائم من الدهر إلى
الدهر بألوان التسبيح خالصا لذكرك ومرضيا لك بناصع التوحيد
وإخلاص التفريد وإمحاض التمجيد بطول التعبد والتعديد لم
تعن في قدرتك ولم تشارك في إلهيتك ولم تعلم لك مائية
وماهية فتكون للأشياء المختلفة مجانسا ولم تعاين إذ حبست
الأشياء على العزائم المختلفات ولا خرقت الأوهام حجب الغيوب
إليك فاعتقد منك محدودا في مجد عظمتك لا يبلغك بعد الهمم
ولا ينالك غوص الفطن ولا ينتهي إليك بصر ناظر في مجد جبروتك
ارتفعت عن صفة المخلوقين صفات قدرتك وعلا عن ذكر
الذاكرين كبرياء عظمتك فلا ينتقص ما أردت أن يزداد ولا
يزداد ما أردت أن ينتقص ولا ضد شهدك حين فطرت الخلق و
لا ند حضرك حين برأت النفوس كلت الألسن عن تفسير صفتك
وانحسرت العقول عن كنه معرفتك وكيف يوصف كنه صفتك
يا رب وأنت الله الملك الجبار القدوس الذي لم يزل أزليا
أبديا سرمديا دائما في الغيوب وحدك لا شريك لك ليس فيها
أحد غيرك ولم يكن إله سواك حارت في بحار ملكوتك عميقات
مذاهب التفكير وتواضعت الملوك لهيبتك وعنت الوجوه
بذلة الاستكانة لعزتك وانقاد كل شيء لعظمتك واستسلم
كل شيء لقدرتك وخضعت لك الرقاب وكل دون ذلك تحبير

اللغات وضل هنالك التدبير في تصاريف الصفات فمن تفكر في
ذلك رجع طرفه اليه حسيرا وعقله مبهوتا وتفكره متحيرا اسيرا
اللهم لك الحمد حمدا كثيرا دائما متواليا متواترا متسقا متسعا
مستوثقا متظاهرا يدوم ويتضاعف ولا يبيد غير مفقود في
الملكوت ولا مطموس في المعالم ولا منتقص في العرفان فلك
الحمد على مكارمك التي لا تحصى في الليل اذا ادبر والصبح اذا
اسفر وفي البر والبحار والغدو والآصال والعشي والابكار و
الظهيرة والاسحار وفي كل جزء من اجزاء الليل والنهار اللهم
بتوفيقك قد احضرتني النجاة وجعلتني منك في ولاية العصمة فلم
ابرح منك في سبوغ نعمائك وتتابع آلائك محروسا لك في الرد
والامتناع محفوظا لك في المنعة والدفاع عني ولم تكلفني فوق
طاقتي ولم ترض عني الا طاعتي فانك انت الله الذي لا اله الا
انت لم تغب ولا تغيب عنك غائبة ولا تخفى عليك خافية و
لن تضل عنك في ظلم الخفيات ضالة انما امرك اذا اردت شيئا
ان تقول له كن فيكون اللهم اني احمدك فلك الحمد مثل ما
حمدت به نفسك اضعاف ما حمدك به الحامدون ومجدك به
الممجدون وكبرك به المكبرون وهللك به المهللون وعظمك
به المعظمون وقدسك به المقدسون وسبحك به المسبحون و
وحدك به الموحدون حتى يكون لك مني وحدي في كل طرفة عين
واقل من ذلك مثل حمد جميع الحامدين وتوحيد اصناف الموحدين
والمخلصين وتقديس احبائك العارفين وثناء جميع المهللين و
المصلين والمسبحين ومثل ما انت به عالم وعارف وهو محمود و
محبوب ومحبوب من جميع خلقك كلهم من الحيوانات وارغب

اليك

اليك في بركة ما انطقتني به من حمدك فما ايسر ما كلفتني من حقك
واعظم ما وعدتني به على شكرك ابتدأتني بالنعم فضلا وطولا و
امرتني بالشكر حقا وعدلا ووعدتني عليه اضعافا ومزيدا واعطيتني
من رزقك واسعا اختيارا ورضا وسألتني منه شكرا يسيرا
صغيرا اذ نجيتني وعافيتني من جهد البلاء ولم تسلمني لسوء
قضائك وبلائك وجعلت ملبسي العافية واوليتني البسطة
والرخاء وشرعت لي من الدين ايسر القول والفعل وسوغت لي
ايسر القصد وضاعفت اشرف الفضل والمزيد مع ما وعدتني به
من المحجة الشريفة وبشرتني به من الدرجة الرفيعة واصطفيتني
باعظم النبيين دعوة وارفعهم درجة وافضلهم شفاعة واوضحهم
حجة واقربهم منزلة محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعلى جميع
الانبياء والمرسلين وعلى ملائكتك المقربين وعلى الائمة المعصومين
اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي ما لا يسعه الا مغفرتك
ولا يمحقه الا عفوك ولا يكفره الا تجاوزك وفضلك و
هب لي في يومي هذا وليلتي هذه وشهري هذا وسنتي هذه و
ساعتي هذه يقينا صادقا يهون علي مصائب الدنيا والآخرة
واحزانهما ويشوقني اليك ويرغبني فيما عندك واكتب لي
عندك المغفرة وبلغني الكرامة من عندك واوزعني شكر ما
انعمت به علي فانك انت الله الذي لا اله الا انت الواحد
الاحد الصمد المبدئ المعيد الرب الرفيع البديع السميع العليم
الذي ليس لامرك مدفع ولا عن قضائك ممتنع اللهم واشهد
انك انت الله الذي لا اله الا انت ربي ورب كل شيء فاطر
السموات والارض عالم الغيب والشهادة العلي العظيم الكبير



المعالي اللهم اني اسئلك الثبات في الامر والعزيمة على الرشد و
الشكر على نعمك واسئلك حسن عبادتك وتوفيق طاعتك
واسئلك من كل خير تعلم ولا اعلم واعوذ بك من كل شر تعلم و
لا اعلم انك انت علام الغيوب واعوذ بك من جور كل جائر و
بغي كل باغ وحسد كل حاسد ومكر كل ماكر وكيد كل كائد وسحر
كل ساحر وظلم كل ظالم وغدر كل غادر وعداوة كل عدو وشماتة
كل كاشح بك اصول على الاعداء واياك ارجو ولاية الاحباء
والاقرباء والقرناء والاولياء والاوداء فلك الحمد على ما
لا استطيع احصاءه ولا تعديده من عوائد فضلك وعوارف
رزقك والوان ما اوليتني به من ارفادك فانك انت الله الذي لا
اله الا انت الفاشي في الخلق حمدك الباسط بالجود يدك لا
تضاد في حكمك ولا تنازع في سلطانك وملكك وامرك
تملك من الانام ما تشاء ولا يملكون منك الا ما تريد
اللهم انت المنعم المفضل القادر القاهر المقدر القدوس
في نور القدس تردیت بالعز والعلاء وتعظمت بالمجد والبهاء
وتأزرت بالعظمة والكبرياء وتغشيت بالنور والضياء و
تجللت بالمهابة والبهاء اللهم لك المن القديم والسلطان
الشامخ والملك الباذخ والجود الواسع والقدرة الكاملة
فلك الحمد على ما جعلتني من امة محمد صلى الله عليه وآله وهو
افضل بني آدم الذين كرمتهم وحملتهم في البر والبحر ورزقتهم
من الطيبات وفضلتهم على كثير ممن خلقتهم من اهلها تفضيلا
وخلقتني سميعا بصيرا صحيحا سويا سالما معافا ولم تشغلني بنقصان
في بدني عن طاعتك ولم تمنعني كرامتك اياي وحسن

صنيعك

صنيعك عندي وفضل منائحك لدي ونعمائك علي انت الذي
اوسعت علي في الدنيا والآخرة وفضلتني على كثير من خلقك
تفضيلا فجعلت لي سمعا يسمع آياتك وعقلا يفهم ايمانك و
بصرا يرى قدرتك وفؤادا يعرف عظمتك وقلبا يعتقد
توحيدك فاني لفضلك علي حامد ولك نفسي شاكرة وبحقك
شاهدة فانك حي قبل كل حي وحي بعد كل حي وحي بعد كل
ميت وحي لم ترث الحيوة من حي ولم تقطع خيرك عني في كل
وقت ولم تقطع رجائي ولم تنزل بي عقوبات النقم ولم تمنع عني
دقائق العصم ولم تغير علي وثائق النعم فلو لم اذكر من احسانك
الا عفوك عني والتوفيق لي والاستجابة لدعائي حين رفعت
صوتي بتوحيدك وتمجيدك وتعظيمك وتقديسك وتكبيرك و
تهليلك والا في تقديرك خلقي حين صورتني فاحسنت صورتي
والا في قسمة الارزاق حين قدرتها لي لكان في ذلك ما
يشغل شكري عن جهدي فكيف اذا فكرت في النعم العظام التي
انقلب فيها ولا ابلغ شكر شيء منها فلك الحمد عدد ما حفظه
علمك وعدد ما وسعته رحمتك وعدد ما احاطت به قدرتك
واضعاف ما تستوجبه من جميع خلقك اللهم فتمم احسانك الي
فيما بقي من عمري كما احسنت الي فيما مضى منه اللهم اني اسئلك
واتوسل اليك بتوحيدك وتمجيدك وتهليلك وكبريائك
وكمالك وتكبيرك وتعظيمك ونورك ورأفتك ورحمتك و
علمك وحلمك وعلوك ووقارك ومنك وبهائك وجمالك
وجلالك وسلطانك وعظمتك وقوتك وهيبتك وقدرتك
واحسانك وغفرانك وامتنانك ورحمتك ونبيك محمد



صلى الله عليه وآله وسلم ووليك وعترته الطيبين الطاهرين
صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين ان تصلي على محمد وآل محمد
وعلى سائر اخوانه من النبيين والمرسلين وان لا تحرمني رفدك و
فضلك وجمالك وفوائد كراماتك فانه لا يعتريك لكثرة ما قد
نشرت به من العطايا عوائق البخل ولا ينقص جودك التقصير في
شكر نعمتك ولا تنفد خزائنك مواهبك المتسعة ولا تؤثر
في جودك العظيم منحك الفائقة الجميلة الجليلة الجزيلة ولا
تخاف ضيم املاق فتكدي ولا يلحقك خوف عدم فينقص من
جودك فيض فضلك اللهم ارزقني ايمانا دائما كاملا وقلبا
خاشعا خاضعا ضارعا وبدنا صابرا سالما ويقينا صادقا وعينا
باكية ولسانا ذاكرا وحامدا ورزقا واسعا وعلما نافعا وولدا
صالحا وخلقا حسنا وعملا صالحا وسنا طويلا وتوبة مقبولة و
اسئلك رزقا حلالا طيبا ولا تؤمني مكرك ولا تنسني ذكرك ولا
تكشف عني سترك ولا تقنطني من رحمتك ولا تبعدني من كنفك
وجوارك واعذني من سخطك وغضبك ولا تؤيسني من
رحمتك وروحك وكن لي انيسا من كل روعة ووحشة واعصمني
من كل هلكة ونجني من كل بلية وآفة وعاهة وغصة ومحنة
وشدة وفتنة وذلة وعلة وقلة ومرض وبرص ونقص و
فضيحة وفقر وفاقة ووباء وبلاء وزلزلة وغرق وحرق و
شرق وسرق وحر وبرد وجوع وعطش وغم وضلالة في الدارين
انك لا تخلف الميعاد اللهم ارفعني ولا تضعني وادفع عني
ولا تدفعني واعطني ولا تحرمني واكرمني ولا تهني وزدني و
لا تنقصني وارحمني ولا تعذبني وانصرني ولا تخذلني واثرني

ولا تفضحني وآثرني ولا تؤثر علي احدا في امر الدنيا والآخرة وفرج
همي واكشف غمي واهلك عدوي واحفظني ولا تضيعني فانك
على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين الطيبين
الطاهرين يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام اللهم ما قدرت
لي من امر وشرعت فيه بتوفيقك وتيسيرك فتممه لي باحسن الوجوه
كلها واصلحها واصوبها فانك على ما تشاء قدير وبالاجابة جدير
يا من قامت السموات والارضون بامره يا من يمسك السماء ان
تقع على الارض الا باذنه يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له
كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون و
صلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين
وسلم تسليما كثيرا كثيرا [illegible] تحصنت نفسي بالحي القيوم
ودفعت عني السوء بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم احدى
عشر مرة سبحان الله القادر القاهر القوي العزيز الجبار المتكبر
الحي القيوم بلا معين ولا ظهير اما دو [illegible] خواندن تعاقب تمام بدعا
البته ایستاده بخواند و بقولی یازده بار بخواند
اللهم انك قلت ادعوني استجب لكم انك لا تخلف الميعاد اللهم
فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي واقض حاجتي برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم يا لطيف اغثني وادركني
بخفي لطفك الخفي الهي كفى علمك عن المقال وكفى كرمك عن
السؤال يا اله العالمين ويا خير الناصرين برحمتك استغيث
وعليك اتوكل الهي من ذا الذي دعاك فلم تجبه
ومن الذي سألك فلم تعطه ومن الذي استعانك فلم تعنه ومن
الذي استجارك فلم تجره ومن الذي استنصرك فلم تنصره ومن الذي

استغاثك فلم تغثه واغوثاه واغوثاه بك استغيث يا غياث
المستغيثين اغثني برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على
خير خلقه محمد واله اجمعين وسلم تسليما

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم منزل الكتاب وهازم
الاحزاب وسريع الحساب اللهم شتت شمل اعدائي فلان
وفلان وفرق جمعهم وزلزل اقدامهم وقلب تدبيرهم وخرب
بنيانهم وقرب اجالهم واقطع ارزاقهم وقصر اعمارهم واشغلهم
بابدانهم وبيض اعينهم وسود وجوههم واعقد لسانهم و
اهلكهم كاهلاك شداد واغرقهم كاغراق فرعون وخذهم
اخذ عزيز مقتدر يا رب اني مغلوب فانتصر اللهم اني لا احسن
شيئا من التدبير اللهم دبرني باحسن التدبير دليل الحائرين
دل جرني يا الله يا الله يا الله يا حليم يا عظيم يا عليم يا كريم
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام يا مالك يوم الدين يا
ديان يوم الدين يا مالك الملك دبرني باحسن التدبير وخر
لي في جميع الامور برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا
من عبادك الصالحين ومن خواصك المقربين الهادين المهديين
وانزلنا حظيرة قدسك مع اهل انسك من الانبياء والمرسلين
واختم لنا ولامة محمد صلى الله عليه واله وسلم بالخير
امين برحمتك يا ارحم الراحمين سه نوبت بگوید لا اله
الا الله محمد رسول الله علي ولي الله حقا وبعضی گفته اند کہ حرز
احتجاب نیز از برای دفع اعدا بخوانند واین دعا نیز از برای دفع
اعدا بخوانند اللهم ارم اعداءنا بسهمك الصائب واحرقهم
بشهابك الثاقب ومزقهم بجندك الغالب وبدد شملهم

في جميع المسالك والمذاهب ولا ترفع لهم اية واجعلهم ممن
اية اللهم فت عضد اعدائنا واكسر اركانهم واخذل اعوانهم
وزلزل اقدامهم وخرب جدرانهم واردد كيدهم في نحورهم
ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله
المؤمنين القتال وكان الله قويا عزيزا سه ابراز
اول سورة الجن از بسمله تا ولا ولدا وسوره البقره از بسمله تا هم
المفلحون وسوره الکافرون وسوره اخلاص ومعوذتین هر کدام
سه مرتبه بخواند وصلوات بفرستد وهیجده باز ناد علیا بخواند

واز آنجمله دعاء معروف بدعاء طمطام است ودعا اینست

بسم الله الرحمن الرحيم رب ادخلني في لجة بحر احديتك
وطمطام يم وحدانيتك وقوني بقوة سطوة سلطان فردانيتك
حتى اخرج الى فضاء سعة رحمتك وفي وجهي لمعات برق
القرب من آثار رحمانيتك مهيبا بهيبتك عزيزا بعنايتك متجلا
مكرما بتعليمك وتجليلك وتزكيتك والبسني خلع العزة
والقبول وسهل لي مناهج الوصلة والوصول وتوجني بتاج
الكرامة والوقار والف بيني وبين احبائك في دار الدنيا
ودار القرار وارزقني من نور اسمك هيبة وسطوة تنقاد
لي القلوب والارواح وتخضع لدي النفوس والاشباح
يا من ذلت له رقاب الجبابرة وخضعت لديه اعناق الاكاسرة
لا ملجا ولا منجا منك الا اليك ولا اعانة الا بك ولا اتكاء
الا عليك ادفع عني كيد الحاسدين وظلمات شر المعاندين
واحمني تحت سرادقات عزتك يا اكرم الاكرمين ايد
ظاهري في تحصيل مراضيك ونور قلبي وسري بالاطلاع على

مناهج مساعیك الهی کیف اصدر عن بابك بخیبة منك وقد
وردته علی ثقة بك وکیف تؤیسنی من عطائك وقد امرتنی
بدعائك وها انا مقبل علیك ملتجئ الیك باعد بینی وبین
اعدائی کما باعدت بین المشرق والمغرب اخطف ابصارهم
عنی بنور قدسك وجلال مجدك انك انت الله المعطی جلایل
النعم المکرمة لمن ناجاك بلطائف الرأفة والرحمة یا حی
یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی محمد واله الطاهرین
واز انجمله دعاء معروف بعلوی مصریست که مذکور است در مهج الدعوات
وصحیفة الامان منقول از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
از برای هر شدت وسختی مؤثر ودر دفع اعدا وبلا یا مجرب وروایت
است از محمد بن علی علوی الحسینی المصری که گفت مرا سختی نزد
حاکم مصر قصد کرد واز انجهت همی عظیم وخوفی شدید داشتم
واز قصد او میترسیدم پس از مصر بیرون امدم وعزم مشاهد
ائمه معصومین علیهم السلام کردم چون بمشهد منور حضرت امام
حسین علیه السلام رسیدم پانزده روز در انجا شب وروز تضرع
وزاری میکردم تا شبی در خواب دیدم که حضرت قائم ال محمد
صلوات الله علیه بمن گفت که حضرت امام حسین علیه السلام
بتو میگوید که ای فرزند از حاکم مصر ترسیدی گفتم بلی زیرا که او
میخواست مرا هلاك سازد از دست او گریخته پناه بشما اوردم
وشکایت بسیار از او دارم پس گفت چرا نخواندی خدای خود
را وخدای پدران خود را بدعا انچنان دعائی که دعا میکردند
از پیغمبران گذشته هرگاه ایشان را محنتی وسختی روی مینمود پس
برمیداشت خدای تعالی ان سختی را از ایشان گفتم یا امام زمان

نمیدانم این کدام دعاست فرمود که هرگاه شب جمعه باشد غسل کن
ونماز شب کن پس هرگاه از سجده شکر فارغ شدی بدو زانو نشسته
این دعا را بخوان ودعا را بر من خواند وپنج شب متوالی امام علیه السلم
را در خواب دیدم واین دعا را هر پنج شب بر من میخواند تا ازبر کردم
بعد از پنج شب که دعا را حفظ کردم دیگر امام علیه السلام را در
خواب ندیدم چون شب جمعه شد غسل کردم وجامهای پاك پوشیدم
وبوی خوش مالیدم ونماز شب کردم وسجده شکر کرده بدو زانو نشسته
این دعا را خواندم چون شب شنبه شد باز امام علیه السلام را بخواب
دیدم گفت یا محمد بتحقیق که دعای تو مستجاب شد ودشمن ترا خدای
تعالی وقت فراغ تو از دعا هلاك کرد پس چون صباح شد وداع
مشهد مقدس حضرت امام شهید کربلا نمودم وروی بمصر نهادم
چون بولایت اردن که از اعمال مصر است رسیدم دیدم یکی از همسایگان
خود را من شرح هلاك شدن خصم را گفت که صبح جمعه بود دیدند او را
کشته وسرش از قفا بریده حاکم او را در شط نیل انداخت معلوم
شد که انمحل بود که از دعا فارغ شده بودم همچنانکه حضرت صاحب
علیه السلام در خواب بمن خبر داده بود وعلی بن حماد روایت میکند
که این دعا را از ابی الحسن بن العلی العلوی العریضی گرفتم وبمن شرط
کرد که بکسی از مخالفان مذهب ائمه طاهرین علیهم السلام ندهم ونیاموزم
مگر بمحبان ال محمد علیهم السلام وباین دعای بزرگوار مواظبت مینمودم
وبرادران من نیز مداومت داشتند پس در بصره قاضی اهواز نزد من
امد وبا من اشنائی داشت ونیکوئیهای بسیار بمن کرده وگاهی مرا نیز
احتیاجی باو واقع میشد اما از مخالفان مذهب بود ودر انوقت
پادشاه او را گرفته ونوشته بیست هزار درهم ترجمان از او گرفت پس

مرا بر او رحم آمد و جهت استخلاص او ابن دعا را باو داد مِ بیک هفته
نرسید که پادشاه بواسطهٔ قاضی را رها کرد و تمسکی که از او گرفته
بود پس داد و بشهر و مقام خودش فرستاد عزیز و مکرم و من با قاضی
بیرون رفتم او را مشایعت کردم و باز گشتم ببصره بعد از چند روز که
ابن دعا را در میان کتابهای خود طلب کردم پیدا نشد پس طلب
کردم ابن دعا را از ابی المختار الحسنی و بود نزد او نیز نسخهٔ ابن دعا
پس یافته نشد در کتاب او هم و تا بیست سال ابن دعا نا پیدا بود
بعد از بیست سال در میان کتابها یافتم معلوم شد که سبب آن بود
که بخلاف وصیت ابی الحسن بقاضی که مخالف مذهب بود داده
بودم پس بر خود لازم کردم که بکسی که مخالف مذهب باشد ندهم
و اگر بموالی و شیعه بدهم از ایشان عهد بستانم که ایشان بمخالف
ندهند و اما شرایط طریقه چند از برای خواندن ابن دعا در کتب ادعیه
ذکر کرده اند و آنچه درین صحیفه ذکر میشود موافق است با آنچه در دعوات
میر محمد باقر داماد رحمه الله بنظر رسیده و بر بن نهجست نصفیهٔ باطن
خلوت کتمان سر لقمه و خرقه حلال ساختن قصد کسی نکردن درست
خواندن اجازهٔ استاد صدقه در اول و آخر بقدر قدرت دادن
اگر نان و حلوا باشد بهتر وقت قراءت در نصف شب جمعه مکرر
ساختن بوی خوش بکار بردن در اول اعتصام خواندن بدینموجب
سورهٔ فاتحه و معوذتین و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سورهٔ قدر
و آیه إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا
وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا
مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ

ن

مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنَا
سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ
لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا
مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ
و آیه ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً
مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ
الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ
لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا
مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ
كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَ
لِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ و آیه مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا
سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ
السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ
شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ
بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ
مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا و این دعا اللّهم بك يصول الصائل وبقدرتك
يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة يمتازها
ذو القوة الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك
محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم الصلوة والسلام
وقني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه واقض لي في
منصرفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية و
كفاية الطاغية المغوية وكل ذي قدرة لي على اذية حتى اكون

واكفني

في جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف فيه امنا
ومن العوائق فيه يسرا حتى لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي
طارق من اذى العباد انك على كل شيء قدير والامور اليك تصير
يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وصلى الله على محمد واله
اجمعين پس شروع در خواندن دعا كند و دعای علوی اينست
بسم الله الرحمن الرحيم رب من ذا الذي دعاك فلم تجبه ومن
ذا الذي سالك فلم تعطه ام من ذا الذي رجاك فخيبته ام من
ذا الذي تقرب اليك فابعدته رب هذا فرعون ذو الاوتاد
مع عناده وكفره وعتوه وادعائه الربوبية لنفسه وعلمك
بانه لا يتوب ولا يؤوب ولا يرجع ولا يؤمن ولا يخشع
استجبت له دعاءه واعطيته سؤله كرما وجودا وقلة مقدار
لما سالك عندك مع عظمه عنده اخذا بحجتك عليه وتاكيدا
لها حين فجر وكفر واستطال على قومه وتجبر وبكفره عليهم
افتخر وبظلمه لنفسه تكبر وبحلمك عنه استكبر فكتب على
نفسه جراة منه ان جزاء مثله ان يغرق في البحر فجزيته بما
حكم به على نفسه الهي وانا عبدك وابن عبدك وابن امتك
معترف لك بالعبودية مقر بانك انت الله خالقي ولا اله لي
غيرك ولا رب لي سواك موقن بانك ربي واليك مردي و
ايابي عالم بانك على كل شيء قدير تفعل ما تشاء وتحكم ما
تريد لا معقب لحكمك ولا راد لقضائك وانك انت الاول و
الاخر والظاهر والباطن لم تكن من شيء ولم تبن عن شيء كنت
قبل كل شيء وانت الكائن بعد كل شيء والمكون لكل شيء خلقت
كل شيء بتقدير وانت السميع البصير واشهد انك كذلك كنت

مع

مثلك

مقر

وتكون وانت حي قيوم لا تاخذك سنة ولا نوم ولا توصف
بالاوهام ولا تدرك بالحواس ولا تقاس بالمقياس ولا تشبه
بالناس وان الخلق كلهم عبيدك واماؤك انت الرب ونحن
المربوبون وانت الخالق ونحن المخلوقون وانت الرازق ونحن
المرزوقون فلك الحمد يا الهي اذ خلقتني بشرا سويا وجعلتني
غنيا مكفيا بعد ما كنت طفلا صبيا تقوتني من الثدي لبنا
مريئا وغذيتني غذاء طيبا هنيئا وجعلتني ذكرا مثالا سويا
فلك الحمد حمدا ان عد لم يحص وان وضع لم يتسع له شيء حمدا
يفوق على جميع حمد الحامدين ويعلو على حمد كل شيء حمدك و
يفخم ويعظم على ذلك كله وكلما حمد الله شيء والحمد لله كما
يحب الله ان يحمد والحمد لله عدد ما خلق وزنة ما خلق وزنة
اجل ما خلق وزنة اخف ما خلق وبعدد اصغر ما خلق والحمد
لله حتى يرضى ربنا وبعد الرضا واسئله ان يصلي على محمد وال
محمد وان يغفر لي ذنبي وان يحمد لي امري ويتوب علي انه هو التواب الرحيم
الهي وانا ادعوك واسئلك باسمك الذي دعاك به صفوتك
ابونا ادم عليه السلام وهو مسيء ظالم حين اصاب الخطيئة
فغفرت له خطيئته وتبت عليه واستجبت له دعوته وكنت
منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي خطيئتي
وترضى عني فان لم ترض عني فاعف عني فاني مسيء ظالم خاطئ
عاص وقد يعفو السيد عن عبده وليس براض عنه وان ترضي
عني خلقك وتميط عني حقك الهي واسئلك باسمك الذي
دعاك به ادريس عليه السلام فجعلته صديقا نبيا ورفعته
مكانا عليا واستجبت له دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب ان

وبعدد اكبر ما خلق

لنفسه

نصلى على محمد و ال محمد و ان تجعل مابى الى جنتك و محلى فى
رحمتك و تسكننى فيها بعفوك و تزوجنى من حورها بقدرتك
يا قدير الهى و اسئلك باسمك الذى دعاك به نوح عليه السلام
اذ نادى ربه انى مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماء
منهمر و فجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر و حملناه
على ذات الواح و دسر فاستجبت دعاءه و كنت منه قريبا يا قريب
ان تصلى على محمد و ال محمد و ان تنجينى من ظلم من يريد ظلمى و
تكف عنى باس من يريد هضمى و تكفينى شر كل سلطان جائر و عدو قاهر
ظاهر و مستخف قادر و جبار عنيد و كل شيطان مريد و انسى
شديد و كيد كل مكيد يا حليم يا ودود الهى و اسئلك باسمك الذى
دعاك به عبدك و نبيك صالح عليه السلام فنجيته من
الخسف و اعليته على عدوه و استجبت دعاءه و كنت منه
قريبا يا قريب ان تصلى على محمد و ال محمد و ان تخلصنى من شر
ما يريد بى اعدائى و يبغى على حسادى و تكفينى بكفايتك و
تتولانى بولايتك و تهدى قلبى بهداك و تؤيدنى بتقويك
و تبصرنى بما فيه رضاك و تغنينى بغناك يا حليم الهى و اسئلك
باسمك الذى دعاك به عبدك و نبيك و خليلك ابرهيم
عليه السلام حين اراد نمرود القاءه فى النار فجعلت عليه
النار بردا و سلاما و استجبت له دعاءه و كنت منه قريبا
يا قريب ان تصلى على محمد و ال محمد و ان تبرد عنى حر نارك و
تطفئ عنى لهيبها و تجعل نائرة اعدائى فى شعارهم و دثارهم
و ترد كيدهم فى نحورهم و تبارك لى فيما اعطيتنيه كما باركت
عليه و على اله انك انت الوهاب الحميد المجيد الهى و اسئلك

وتكفيني حرها

باسمك

باسمك الذى دعاك به اسمعيل عليه السلام فجعلته نبيا و رسولا
و جعلت له حرمك منسكا و مسكنا و ماوى و استجبت له دعاءه
و نجيته من الذبح و قربته رحمة منك له و كنت منه قريبا يا
قريب ان تصلى على محمد و ال محمد و ان تفسح لى فى قبرى و تحط
عنى وزرى و تشد لى ازرى و تغفر لى ذنبى و ترزقنى التوبة
بحط السيئات و تضاعف الحسنات و كشف البليات و ربح
التجارات و دفع معرة السعايات انك مجيب الدعوات و منزل
البركات و قاضى الحاجات و معطى الخيرات و جبار السموات
الهى و اسئلك بما سئلك به ابن خليلك الذى نجيته من
الذبح و فديته بذبح عظيم و قلبت له المشقص حين ناجاك موقنا
بذبحه راضيا بامر والده فاستجبت له دعاءه و كنت منه قريبا يا
قريب ان تصلى على محمد و ال محمد و ان تنجينى من كل سوء و مكيدة
و بلية و تصرف عنى كل ظلمة و جمة و تكفينى ما اهمنى من امر دنياى
و اخرتى و ما احاذره و اخشاه من شر خلقك اجمعين بحق ال طه
و يس الهى و اسئلك باسمك الذى دعاك به لوط عليه السلام فنجيته
و اهله من الخسف و المثلات و الشدة و الجهد فاخرجته و اهله
من الكرب العظيم و استجبت دعاءه و كنت منه قريبا يا قريب ان تصلى
على محمد و ال محمد و ان تاذن لى بجمع ما شتت من شملى و تقر عينى
بولدى و اهلى و مالى و تصلح لى امورى و تبارك لى فى جميع احوالى
و تبلغنى فى نفسى امالى و تجيرنى من النار و تكفينى شر الاشرار
بالمصطفين الاخيار الائمة الابرار و نور الانوار محمد و اله
الطيبين الطاهرين الاخيار الائمة المهديين و الصفوة المنتجبين
صلوات الله عليهم اجمعين و ترزقنى مجالستهم و تمن على بمرافقتهم

وتوفني لي صحبتهم مع انبيائك المرسلين وملئكتك المقربين و
عبادك الصالحين واهل طاعتك اجمعين وحملة عرشك و
الكروبيين الهي واسئلك باسمك الذي سئلك به يعقوب
نبيك عليه السلام وقد كف بصره وشتت شمله وفقد قرة
عينه ابنه فاستجبت له دعاءه وجمعت له شمله واقررت
عينه وكشفت ضره وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد
وال محمد وان تأذن لي بجمع ما تبدد من امري وتقرعيني بولدي
واهلي ومالي وتصلح لي شأني كله وتبارك لي في جميع احوالي
وتبلغني في نفسي امالي وتصلح لي افعالي وتمن علي يا كريم
يا ذا المعالي برحمتك يا ارحم الراحمين الهي واسئلك باسمك
الذي دعاك به عبدك ونبيك يوسف عليه السلام فاستجبت
له ونجيته من غيابت الجب وكشفت ضره وكفيته كيد اخوته
وجعلته بعد العبودية ملكا واستجبت دعاءه وكنت منه قريبا
يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تدفع عني كيد كل كائد
وشر كل حاسد انك على كل شيء قدير الهي واسئلك باسمك الذي
دعاك به عبدك ونبيك موسى بن عمران عليه السلام اذ قلت
تباركت وتعاليت وناديناه من جانب الطور الايمن وقربناه نجيا
وضربت له طريقا في البحر يبسا ونجيته ومن تبعه من بني اسرائيل
واغرقت فرعون وهامان وجنودهما واستجبت له دعاءه وكنت
منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تعيذني من
شر خلقك وتقربني من عفوك وتنشر علي من فضلك ما تغنيني
به عن جميع خلقك ويكون لي بلاغا انال به مغفرتك ورضوانك
يا وليي وولي المؤمنين الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به

عبدك

عبدك ونبيك داود عليه السلام فاستجبت له دعاءه وسخرت
له الجبال يسبحن معه بالعشي والاشراق والطير محشورة كل
له اواب وشددت ملكه واتيته الحكمة وفصل الخطاب و
النت له الحديد وعلمته صنعة لبوس لهم وغفرت ذنبه و
كنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تسخر لي
جميع اموري وتسهل لي تقديري وترزقني معرفتك وعبادتك
وتدفع عني ظلم الظالمين وكيد الكائدين ومكر الماكرين
وسطوات الفراعنة الجبارين وحسد الحاسدين يا امان الخائفين
وجار المستجيرين وثقة الواثقين ورجاء المتوكلين ومعتمد
الصالحين يا ارحم الراحمين الهي واسئلك باسمك الذي سألك
به عبدك ونبيك سليمان بن داود عليهما السلام اذ قال رب
اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب
فاستجبت له دعاءه واطعت له الخلق وحملته على الريح وعلمته
منطق الطير وسخرت له الشياطين من كل بناء وغواص واخرين
مقرنين في الاصفاد هذا عطاؤك لا عطاء غيرك وكنت منه
قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تهدي لي قلبي و
تجمع لي لبي وتكفيني همي وتؤمن خوفي وتفك اسري وتشد ازري
وتمهلني وتنفسني وتستجيب دعائي وتسمع ندائي ولا تجعل في
النار مثواي ولا الدنيا اكبر همي وان توسع علي رزقي وتحسن
خلقي وتعتق رقبتي من النار فانك سيدي ومولاي ومؤملي
الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به ايوب عليه السلام لما
حل به البلاء بعد الصحة ونزل به السقم منه منزل العافية
والضيق بعد السعة فكشفت ضره ورددت عليه اهله ومثلهم

٧ وذريعة المؤمنين ٤

معهم حين ناداك داعيا لك راغبا اليك راجيا لفضلك شاكيا
اليك رب اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبت له دعاءه
وكشفت ضره وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال
محمد وان تكشف ضري واسئلك ان تعافيني في نفسي واهلي و
مالي وولدي واخواني فيك عافية باقية شافية كافية وافية
وافرة هادية نامية مستغنية عن الاطباء والادوية وتجعلها
شعاري ودثاري وتمتعني بسمعي وبصري وتجعلهما الوارثين
مني انك على كل شيء قدير الهي واسئلك باسمك الذي دعاك
به يونس بن متى عليه السلام في بطن الحوت حين ناداك راجيا في
ظلمات ثلث ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
وانت ارحم الراحمين فاستجبت له دعاءه وانبت عليه شجرة من
يقطين وارسلته الى مائة الف او يزيدون وكنت منه قريبا يا
قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تستجيب لي دعائي وتداركني
بعفوك فقد غرقت في بحر الظلم لنفسي وركبتني مظالم كثيرة
لخلقك علي صل على محمد وال محمد واستربي منهم واعتقني
من النار واجعلني من عتقائك وطلقائك من النار في مقامي
هذا بمنك يا منان الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به عبدك
ونبيك عيسى بن مريم عليه السلام اذ ايدته بروح القدس وانطقته
في المهد فاحيا به الموتى وابرء به الاكمه والابرص باذنك وخلق
من الطين كهيئة الطير فصار طائرا باذنك وكنت منه قريبا يا
قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تفرغني لما خلقت له ولا
تشغلني بما قد تكفلت لي به وتجعلني من عبادك وزهادك في
الدنيا وممن خلقته للعافية فيها وهنأته بها مع كرامتك يا كريم

تذكرة

طيرا

يا علي

يا علي يا عظيم الهي واسئلك باسمك الذي دعاك به اصف بن
برخيا على عرش ملكة سبا فكان اقل من لحظ الطرف حتى كان
مصورا بين يديه فلما رآه قيل اهكذا عرشك قالت كانه هو
فاستجبت له دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد
وال محمد وان تكفر عني سيئاتي وتقبل مني حسناتي وتقبل
مني توبتي وتتوب علي وتغني فقري وتجبر كسري وتحيي فؤادي
بذكرك وتحييني في عافية وتميتني في عافية الهي واسئلك
باسمك الذي دعاك به عبدك ونبيك زكريا عليه السلام
حين سالك داعيا لك راجيا لفضلك فقام في المحراب ينادي
نداء خفيا فقال رب هب لي من لدنك وليا يرثني ويرث من
ال يعقوب واجعله رب رضيا فوهبت له يحيى واستجبت له
دعاءه وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلي على محمد وال محمد و
ان تبقي لي اولادي وان تمتعني بهم وتجعلني واياهم مؤمنين
لك راغبين في ثوابك خائفين من عقابك راجين لما عندك
ايسين مما عند غيرك حتى تحيينا حيوة طيبة انك فعال لما
تريد الهي واسئلك بالاسم الذي سالتك به امرأة فرعون اذ
قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله
ونجني من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وكنت منها قريبا يا
قريب ان تصلي على محمد وال محمد وان تقر عيني بالنظر الى جنتك
واوليائك وتفرحني بمحمد واله وتؤنسني به وباله ومصاحبتهم
ومرافقتهم وتمكن لي فيها وتنجيني من النار وما اعد لاهلها
من السلاسل والاغلال والشدائد والانكال وانواع العذاب
بعفوك يا كريم الهي واسئلك باسمك الذي دعتك به امتك وصديقتك

وتميتنا ميتة طيبة انك على كل شيء قدير ح

مريم البتول وام المسيح الرسول عليهما السلام اذ قلت ومريم
ابنت عمران التى احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا وصدقت
بكلمات ربها وكتبه وكانت من القانتين فاستجبت دعاءها
وكنت منها قريبا يا قريب ان تصلى على محمد وال محمد وان تحصنني
بحصنك الحصين وتحجبني بحجابك المنيع وتحرزني بحرزك الوثيق
وتكفيني بكفايتك الكافية من شر كل طاغ وبغي كل باغ
وظلم كل ظالم ومكر كل ماكر وغدر كل غادر وسحر كل ساحر
وجور كل جائر بمنعك يا منيع الهي واسئلك بالاسم الذى دعاك
به عبدك ونبيك وصفيك وخيرتك من خلقك وامينك على
وحيك ورسولك الى خلقك وبعيثك الى بريتك محمد خاصتك
وخالصتك صلى الله عليه واله فاستجبت له دعاءه وايدته
بجنود لم يروها وجعلت كلمتك العليا وكلمة الذين كفروا
السفلى وكنت منه قريبا يا قريب ان تصلى على محمد وال محمد صلوة
زاكية طيبة نامية باقية مباركة كما صليت على ابيهم ابرهيم
وال ابرهيم وبارك عليهم كما باركت عليه وسلم عليهم كما
سلمت عليه وزدهم فوق ذلك كله زيادة من عندك واخلطني
بهم واجعلني منهم واحشرني معهم وفي زمرتهم حتى تسقيني من
حوضهم وتدخلني في جملتهم وتجمعني واياهم وتقر عيني بهم
وتعطيني سؤلي وتبلغني امالي في ديني ودنياي واخرتي و
محياي ومماتي وتبلغهم سلامي وترد على منهم السلام وعليهم
السلام ورحمة الله وبركاته الهي انت الذى تنادي في انصاف
كل ليلة هل من سائل فاعطيه ام هل من داع فاجيبه ام هل
من مستغفر فاغفر له ام هل من راج فابلغه رجاءه ام هل من

سلطان

مؤمل

مؤمل فابلغه امله ها انا سائلك بفنائك ومسكينك ببابك
وضعيفك ببابك وفقيرك ببابك ومؤملك بفنائك اسئلك
نائلك وارجو رحمتك واؤمل عفوك والتمس غفرانك فصل
على محمد وال محمد واعطني سؤلي وبلغني املي واجبر فقري و
ارحم عصياني واعف عن ذنوبي وتجاوز عن سيئاتي وفك
رقبتي من مظالم لعبادك ركبتني وقو ضعفي واعز مسكنتي
وثبت وطأتي واغفر جرمي وانعم بالي واكثر من الحلال مالي وخر لي
في جميع اموري وافعالي واحوالي ورضني بها وارحمني ووالدي
وما ولدا ومن ولدت وما توالدوا من المؤمنين والمؤمنات و
المسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات انك سميع
الدعوات والهمني من برهما ما استحق به ثوابك والجنة و
تقبل حسناتهما واغفر سيئاتهما واجزهما باحسن ما فعلا بي ثوابك
والجنة الهي وقد علمت يقينا انك لا تامر بالظلم ولا ترضاه و
لا تميل اليه ولا تهواه ولا تحبه ولا تغشاه وتعلم ما فيه
هؤلاء القوم من ظلم عبادك وبغيهم علينا وتعديهم بغير حق
ولا معروف بل ظلما وعدوانا وزورا وبهتانا فان كنت قد
جعلت لهم مدة لا بد من بلوغها او كتبت لهم اجالا ينالونها
فقد قلت وقولك الحق ووعدك الصدق يمحو الله ما يشاء و
يثبت وعنده ام الكتاب فانا اسالك بكل ما سئلك به انبياؤك
المرسلون واسئلك بما سئلك به عبادك الصالحون وملئكتك
المقربون وان تمحو من ام الكتاب ذلك وتثبت لهم الاضمحلال
والمحق حتى تقرب اجالهم وتقضي مدتهم وتذهب ايامهم وتبتر
اعمارهم وتهلك فجارهم وتسلط بعضهم على بعض حتى لا تبقى

بالی

منهم احدا ولا تنجي منهم احدا ولا تخلص منهم احدا ابدا وتفرق
جموعهم وتكل سلاحهم وتبدد شملهم وتقطع آجالهم وتقصر
اعمارهم وتزلزل اقدامهم وتطهر بلادك منهم وتظهر عبادك
عليهم فقد غيروا سنتك ونقضوا عهدك وهتكوا حريمك واتوا
ما نهيتهم عنه وعتوا عتوا كبيرا وضلوا ضلالا بعيدا فصل
على محمد وآل محمد وأذن بجمعهم بالشتات وحيهم بالممات و
لازواجهم بالنهبات وخلص عبادك من ظلمهم واقبض ايديهم
عن هضمهم وطهر ارضك منهم وأذن بحصد نباتهم واستيصال
شأفتهم وشتات شملهم وهدم بنيانهم يا ذا الجلال والاكرام
اللهم واسئلك يا الهي واله كل شيء وربي ورب كل شيء وادعوك
بما دعاك به عبداك ورسولاك ونبياك وصفياك موسى و
هرون عليهما السلام حين قالا داعيين لك راجيين لفضلك
ربنا انك آتيت فرعون وملأه زينة واموالا في الحيوة الدنيا
ربنا ليضلوا عن سبيلك ربنا اطمس على اموالهم واشدد على
قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الاليم فمننت وانعمت
عليهما بالاجابة لهما الى ان قرعت سمعهما بامرك فقلت اللهم
رب قد اجيبت دعوتكما فاستقيما ولا تتبعان سبيل الذين
لا يعلمون ان تصلي على محمد وآل محمد وان تطمس على اموال
هؤلاء الظلمة وان تشدد على قلوبهم وان تخسف بهم ارضك
وان تغرقهم في بحرك فان السموات والارض وما فيهما لك و
ار الخلق قدرتك فيهم وبطشك عليهم فافعل ذلك بهم وعجل
ذلك لهم يا خير من سئل وخير من دعي وخير من تذللت له
الوجوه ورفعت اليه الايدي ودعي بالالسن وشخصت اليه

الابصار

راجيين لفضلك

الابصار وأمت اليه القلوب ونقلت اليه الاقدام وتحوكم
اليه في الاعمال الهي وانا عبدك واسئلك من اسمائك
بابهاها وكل اسمائك بهي بل اسئلك باسمائك كلها ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تركسهم على ام رؤسهم في زبيتهم وتردّيهم
في مهوى حفرتهم وارمهم بحجرهم وذكّهم بمشاقصهم واكببهم
على مناخرهم واخنقهم بوترهم واردد كيدهم في نحورهم و
اوبقهم بندامتهم حتى يستخذلوا ويتضاءلوا بعد نخوتهم وينقمعوا
بعد استطالتهم اذلاء مأسورين في ربق حبائلهم التي كانوا
يؤملون ان يرونا فيها وترينا قدرتك فيهم وسلطانك عليهم
وتأخذهم اخذ القرى وهي ظالمة ان اخذك الاليم الشديد
وتأخذهم يا رب اخذ عزيز مقتدر فانك عزيز مقتدر شديد العقاب
شديد المحال اللهم فصل على محمد وآل محمد وعجل ايرادهم عذابك
الذي اعددته للظالمين من امثالهم والطاغين من نظرائهم
وارفع حلمك عنهم واحلل عليهم غضبك الذي لا يقوم له شيء
وأمر في تعجيل ذلك عليهم بامرك الذي لا يرد ولا يؤخر فانك
شاهد كل نجوى وعالم كل فحوى ولا تخفى عليك من اعمالهم
خافية ولا تذهب عنك من افعالهم خائنة وانت علام
الغيوب عالم بما في الضمائر والقلوب فاسئلك اللهم و
اناديك سيدي بما ناداك وسألك نوح عليه السلام اذ
قلت تباركت وتعاليت ولقد نادانا نوح فلنعم المجيبون اجل
اللهم نعم المجيب ونعم المدعو ونعم المسؤل ونعم المعطي
انت الذي لا تخيب سائلك ولا ترد دعاء سائلك ولا تمل من
دعاء من املك ولا تتبرم بكثرة حوائجهم اليك ولا بقضائها

اعمالهم

ولا ترد داعيك ولا تطرد الملح عن بابك

لم عليك فان قضاء حوائج جميع خلقك اليك فى اسرع من لحظ
الطرف واخف عليك واهون عندك من جناح بعوضة وحاجتى
اليك يا سيدى ومولاى ومعتمدى ورجائى ان تصلى على محمد
وآل محمد وان تغفر لى ذنبى فقد جئتك ثقيل الظهر بعظيم ما بارزتك
به من سيئاتى وركبنى من مظالم عبادك ما لا يكفينى ولا يخلصنى
منها غيرك ولا يقدر عليه ولا يملكه سواك فامح يا سيدى كثرة
سيئاتى بيسير عبراتى بل بقساوة قلبى وجمود عينى لا بل برحمتك
التى وسعت كل شىء وانا شىء فلتسعنى رحمتك يا رحمن يا رحيم يا
ارحم الراحمين ولا تمتحنى فى هذه الدنيا بشىء من المحن ولا تسلط
على من لا يرحمنى ولا تهلكنى بذنوبى وعجل خلاصى من كل مكروه
وادفع عنى كل ظالم ولا تهتك سترى ولا تفضحنى يوم جمعك
الخلائق للحساب يا جزيل العطاء والثواب واسئلك ان تصلى
على محمد وآل محمد وان تحيينى حيوة السعداء وتميتنى ميتة
الشهداء وتقبلنى قبول الاوداء وتحفظنى فى هذه الدنيا
الدنية من شر سلاطينها وفجارها وشرارها ومحبيها والعاملين
لها وما فيها وقنى شر طغاتها وحسادها وباغى الشرك فيها حتى
تكفينى مكر المكرة وتفقأ عنى اعين الكفرة وتفحم عنى السن
الفجرة وتقبض لى على ايدى الظلمة وتوهن عنى كيدهم وتميتهم
بغيظهم وتشغلهم باسماعهم وابصارهم وافئدتهم وتجعلنى
من ذلك كله فى امنك وامانك وحرزك وسلطانك وكنفك
وحجابك وعياذك وجوارك ومن جار السوء وجليس السوء انك
على كل شىء قدير ان وليى الله الذى نزل الكتاب وهو يتولى
الصالحين اللهم بك اعوذ وبك الوذ ولك اعبد واياك ارجو

وبك

وبك استعين وبك استكفى وبك استغيث وبك استقدر ومنك
اسئل فصل على محمد وآل محمد ولا تردنى الا بذنب مغفور وسعى
مشكور وتجارة لن تبور وان تفعل بى ما انت اهله ولا تفعل
بى ما انا اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة واهل الفضل و
الرحمة واهل القوة والقدرة الهى وقد اطلت دعائى و
اكثرت خطابى وضيق صدرى حدانى على ذلك وحملنى عليه
علما منى بانه يجزيك منه قدر الملح فى العجين بل يكفيك عزم
ارادة وان يقول العبد بنية صادقة ولسان صادق يا رب
فتكون عند ظن عبدك بك وقد ناجاك بعزم الارادة قلبى
فاسئلك ان تصلى على محمد وآل محمد وان تقرن دعائى بالاجابة
منك وتبلغنى ما املته فيك منة منك وطولا وقوة وحولا و
لا تقيمنى من مقامى هذا الا بقضاء جميع ما سئلتك فانه عليك
يسير وخطره عندى جليل كثير وانت عليه قدير يا سميع يا بصير
الهى وهذا مقام العائذ بك من النار والهارب منك اليك
والتائب من ذنوب تهجمته وعيوب فضحته فصل على محمد و
آل محمد وانظر الى نظرة رحمة افوز بها الى جنتك واعطف
على عطفة انجو بها من عقابك فان الجنة والنار لك وبيدك
ومفاتيحهما ومغاليقهما اليك وانت على ذلك قدير وهو عليك
هين يسير فافعل بى ما سئلتك يا قدير ولا حول ولا قوة الا
بالله العلى العظيم وحسبنا الله ونعم الوكيل وصلى الله على محمد
وآله اجمعين الطيبين الطاهرين والحمد لله رب العالمين و
صل اللهم على خاتم وحيك وسيد رسلك ونبيك محمد الهادى
وآله المهديين الى سبلك وسلم عليهم تسليما كثيرا كثيرا

برحمتك یا ارحم الراحمین **پس بعد از اتمام دعا سجده کرده بگوید** اللهم
انك اذنت لی فی الدعاء ووعدتنی الاجابة فنجنی من کل کرب
انت غیاث کل مکروب اکشف عنی الضر وفرج عنی الحزن فقد
وسعت کل شیء رحمة وعلما اللهم صل علی محمد وآل محمد
کما صلیت وبارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم انك حمید مجید
برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
الطیبین الطاهرین المعصومین من آل طه ویس والحمد لله رب
العالمین یا اله العالمین ویا خیر الناصرین ویا غیاث المستغیثین
بفضلك وجودك وکرمك واحسانك یا منعم یا مفضل یا جواد
یا کریم یا محسن یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین وصلی الله
علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین **واز انجمله دعای حزب البحر است**
بدانکه این دعا از امام همام قدوة الانام امام محمد شاذلی قدس
الله سره فرموده که در جمیع مهمات دینی ودنیوی مجرب است ومشایخ
طریقت وپیران حقیقت فرموده اند که در هر مهمی این دعا را عددی
معین از اسرار خفیه وحقایق علیه است واولیای کبار از ان با
غیر اهل نگفته اند وبا مردم نا جنس نگویند ودر میان بنا ورند
مگر کسی که قابلیت وصفای باطن در وی مشاهده کنند ومحل
امانت باشد وحضرت شیخ فرموده که در هر مهمی که حزب البحر را
بخوانند وشرایط آن را رعایت کنند بی شك وشبهه بمراد رسند
ومقصود حاصل شود بخصوص در جذب دوستی ودفع دشمن و
شفای امراض وامن طریق وسلامتی سفر وحفظ کشتی وتسخیر
سلاطین واداء قرض وگشایش بخت وتوانگری وزیادتی فهم دل
وکمال معرفت **واما شرایط این حزب** روزه است وغسل وجامه پاك

وخلوت

وخلوت وافطار بحلال که حیوانی نباشد وصدقه وبوی خوش وبا
وضو ورو بقبله واجتناب از پیاز وسیر خام ودعوت این حزب
سه نوع است کبیر ووسط وصغیر وما دعوت صغیر را بیان کنیم
تا سالکان راه حق را دستوری حاصل شود که بوسیله آن بمراد
وکام دل رسند اکنون بدانکه هر کس خواهد که بدعوت این حزب
مشغول شود باید که دوازده روز روزه دارد وشرایط رعایت کند
تا دم روان شود ودر رعایت شرایط از واجبات است **اما برای دوستی**
چهل ویکبار بر گلاب بخواند وچون بدین محل رسد که وهب لنا ریحا
طیبة کما هی فی علمك **هفتاد بار بگوید** یحبهم ویحبونه کحب الله و
الذین آمنوا اشد حبا لله وبعد از ان بگوید خداوندا محبت ومودت
والفت فلان بن فلان در دل فلان بن فلان در جمیع جوارح وارکان
ومغز استخوان او پدید کردان چنانکه یکساعت بی او نتواند بود
آمین آمین آمین وهر مرتبه که آمین گوید کف دست راست بر زمین
زند ومهین حاجت گوید ونادر بر گلاب دمد وچون دعوت بدین
طریق سه روز تمام کند آن گلاب را در شیشه کند وهر گاه که بمقابل
آن دوست رود قدری از آن گلاب بر روی خود مالد وعجایب
حق تعالی مشاهده کند **اما برای دفع دشمنان** هر روز
بیست وسه بار بخواند وچون بدین لفظ رسد که واطمس علی وجوه
اعدآئنا **هفتاد بار بگوید** یا قاهر ذا البطش الشدید انت الذی
لا یطاق انتقامه وبعد از آن بگوید خداوندا شر ومکر وقهر و
غضب فلان بن فلان را از ما دار واو را رنجور گردان ومشغول کن
وچشم وزبان وگوش او را بسته دار واو را هلاك گردان پس بگوید
فقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین **ایضا**

برای دفع دشمن هر روز سی وسه بار بخواند وچون باین محل رسد کشاهت الوجوه سوره اذا زلزله بخواند وهفتاد بار بگوید اللهم شتت شملهم فلان بن فلان وبدل احوالهم وفرق جمعهم وقلب تدبیرهم وخرب بنیانهم وزلزل اقدامهم وقصر اعمارهم وقرب اجالهم واقطع ارزاقهم واشغلهم بابدانهم وخذهم اخذ عزیز مقتدر بجهت سلامتی از شر شیطان هر روز ده مرتبه بخواند وچون باینجا رسد که حسبی الله هفتاد بار بگوید اللهم انی اسئلك ایمانا صادقا ویقینا کاملا وقل اعوذ بك من همزات الشیاطین واعوذ بك رب ان یحضرون وچون بهفت حم رسد در حم ششم این دعا بخواند اللهم لا تقتلنی بغضبك ولا تهلکنی بعذابك وعافنی قبل ذلك اللهم لا تؤاخذنی بسوء عملی ولا تسلط علی من لا یرحمنی وکف ایدی الظالمین عنی یا حفیظ احفظنی ویسر اموری وحصل مرادی برحمتك یا ارحم الراحمین وچون بکهیعص کهایعص رسد بعدد هر حرفی انگشتی از هر دو دست عقد کند ودر کفنی حمعسق بعدد هر حرفی انگشتی بگشاید از هر دو دست وان دو انگشت که در اول عقد کرده اخر حل کند وبعد از انکه حروف تمام شود بگوید یا الله یا نور وچون بلفظ امین رسد در اخر دعا بهر بار که امین بگوید دست راست بر زمین زند ومرادی که دارد بخواهد وبعد از ان اختتام بخواند ودیگر اشاراتی که از اکابر ذکر شده بر حاشیه نوشته خواهد شد تا خواننده را اسان بود وزود بمطلوب رسد ان شاء الله وبدانکه خواص وفواید این حزب بسیار است واعتقاد از برای سالکان ثابت شد باید که درست خوانند وبی اجازه نخوانند تا فایده بر ان مترتب شود ودر اخر دعا هر چه خواهد بکند خواه کوسفند وخواه کا

در دفع دشمن

وبحسب قدرت در سر روز دعوت هر روز چیزی بدرویشی بدهد تا مقصود زود حاصل شود ومنقولست که اگر کسی در شب عید قربان سی بار حزب البحر را بخواند بعد از نماز شام وصد بار صلوات بفرستد وصد بار استغفر الله بگوید وصد بار سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وباوضو بر دست راست بخواند بشرطی که دو روز عرفه را بروزه بوده باشد هر حاجتی که خواهد حاصل شود ان شاء الله تعالی وبدانکه می باید که قبل از خواندن یکبار سوره حمد وسه بار سوره توحید وصد بار صلوات بخواند وثواب انرا بروح مومنان قربت کند وسوره کافرون ومعوذتین واز اول سوره انعام الی قوله تعالی تمترون وسه بار هو الله خیر الحافظین ویکمرتبه ایة الکرسی تا هم فیها خالدون واخر سوره حشر از انجا که لا یستوی اصحاب النار تا اخر سوره وایه ثم انزل علیکم تا بذات الصدور وایه محمد رسول الله تا اجرا عظیما چنانچه در اعتصام دعای علوی گذشت بخواند وبعد از ان دستها را بردارد ویکمرتبه این دعا بخواند که اللهم طهر قلبی من الشك والشرك والریاء وزین لسانی بالذکر والحمد والثناء وسه مرتبه دیگر این دعا بخواند که یا مسهل الامور سهل علینا کل الامور یا میسر کل عسیر اسئلك التیسیر فی کل عسر ویسر انك علی ما تشاء قدیر وبالاجابة جدیر رب سهل ویسر ولا تعسر علینا یا رب یا رب یا رب ودوازده بار این طریق صلوات بفرستد اللهم صل علی النبی الامی العربی محمد وال محمد وکل نبی انگاه حروف تهجی را بیك نفس باین نوع خوانده عقد وفتح نماید ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر باین ده حرف ده

در بعض از روایات است ... واقع شده است

انکشت را عقد کند و ابتدا از انکشت کوچک دست راست نموده
در انکشت بزرک تمام کند و انکشتان دست چپ را نیز بدستور
دست راست عقد کند و در وقت عقد کردن دست راست را بطرف
خود کند مثل انکه چیزی بجانب خود جذب مینماید و در هنکام فتح
بطرف بیرون کند مثل کسی که از خود چیزی دفع مینماید و باین ده
حرف ذس ش ص ض ط ظ ع غ ف انکشتان عقد شده را فتح نماید و
همچنین باین نه حرف ق ك ل م ن و ه لا ی باز انکشتان را بدستور
مذکور عقد کند و یک انکشت دیکر را که باقی ماند بسم الله الرحمن
الرحیم بکوید و عقد کند که ده انکشت تمام عقد شود و هفت بار
اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بکوید و در هر بار
بیکطرف خود دمد و در بار هفتم بر تمام اعضا دمد و شروع در
خواندن دعا کند و بهر اسمی از این پنج اسم از اسماء الحسنی که در اول
دعای حزب البحر است دو انکشت عقد شده را مفتوح کند از وسی
یک انکشت باده انکشت حل شود و در حین خواندن پنج اسم مبارک
و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا الله یا عظیم
یا کریم یا رحیم انت ربی و علمك حسبی فنعم الرب ربی و نعم
الحسب حسبی تنصر من تشاء و انت العزیز الرحیم نسألك
العصمة فی الحرکات و السکنات و الکلمات و الارادات
و الخطرات من الشکوك و الظنون و الاوهام الساترة للقلوب
عن مطالعة الغیوب یا نور النور نور قلبی بنور الهدایة و التوفیق
و الایمان فقد ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزالا شدیدا و اذ
یقول المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و
رسوله الا غرورا فثبتنا و انصرنا و سخر لنا هذا البحر کما

یا علی

سخرت

سخرت البحر لموسی علی نبینا و علیه السلام و سخرت النار لابرهیم
علیه السلام و سخرت الجبال و الحدید لداود علیه السلام و
سخرت الریح و الشیاطین و الجن و الانس لسلیمان علیه السلام
و سخرت البراق و الملك و الملکوت لمحمد صلی الله علیه و اله
و سلم و سخر لنا کل بحر هو لك فی الارض و السماء و الملك و الملکوت
و بحر الدنیا و الاخرة و سخر لنا کل شیء یا من بیده ملکوت کل شیء
کهیعص کهیعص کهیعص انصرنا فانك خیر الناصرین
و افتح لنا فانك خیر الفاتحین و اغفر لنا فانك خیر الغافرین
و ارحمنا فانك خیر الراحمین و ارزقنا فانك خیر الرازقین و
اهدنا و نجنا من القوم الظالمین و هب لنا ریحا طیبة کما هی
فی علمك و انشرها علینا من خزائن رحمتك و احملنا بها حمل
الکرامة مع السلامة و العافیة فی الدین و الدنیا و الاخرة
انك علی کل شیء قدیر اللهم یسر لنا امورنا مع الراحة
لقلوبنا و ابداننا و السلامة و العافیة فی دیننا و دنیانا و
کن لنا انیسا و صاحبا فی سفرنا و خلیفة فی اهلنا و اطمس علی
وجوه اعدائنا و امسخهم علی مکانتهم فلا یستطیعون المضی و لا
المجیء الینا و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی
یبصرون و لو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیا و لا
یرجعون بسم الله الرحمن الرحیم یس و القرآن الحکیم انك لمن
المرسلین علی صراط مستقیم تنزیل العزیز الرحیم لتنذر قوما ما
انذر اباؤهم فهم غافلون لقد حق القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون
انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون
و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم

و سخرت الشمس لعلی علیه السلام

و قل رب احکم بالحق و ربنا الرحمن المستعان علی ما تصفون

لا يبصرون شاهت الوجوه داسه مرتبه بگوید و عميت الابصار و عنت الوجوه
للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما طسم طس حمعسق مرج البحرين
يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان حم حم حم حم حم حم حم اللهم
لا تقتلنا بغضبك ولا تعقلنا بفضلك ولا تهلكنا بعذابك و
عافنا قبل ذلك اللهم لا تؤاخذنا بسوء اعمالنا وافعالنا و
لا تسلط علينا من لا يرحمنا وكف ايدي الظالمين عنا ولا تشمت
بي اعدائي يا حفيظ احفظنا و يسر امورنا وحصل مرادنا واشفنا
واشف مرضانا واصلح ذات بيننا واهلك اعداءنا حم الامر
وجاء النصر فعلينا لا ينصرون بسم الله الرحمن الرحيم حم
تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم غافر الذنب وقابل التوب
شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير بسم الله
الرحمن الرحيم بابنا تبارك حيطاننا بسم الله الرحمن الرحيم يس
سقفنا بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص كفايتنا بسم الله الرحمن
الرحيم حمعسق حمايتنا فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم حوالينا
ولا علينا ستر العرش مسبول علينا وعين الله ناظرة الينا بحول
الله لا يقدر علينا والله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد في لوح
محفوظ فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين بعد از ان هفت مرتبه بگوید ان
وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين فان تولوا فقل
حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
وسه مرتبه بگوید بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا
في السماء وهو السميع العليم وسه مرتبه بگوید ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم وسه مرتبه بگوید ان الله وملائكته يصلون
على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما سبحان

ربك

ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب
العالمين يا الله يا نور يا حق يا مبين اكسني من نورك وعلمني من علمك
وفهمني عنك واسمعني عنك وابصرني بك واقمني بشهودك و
عرفني الطريق اليك وهونها علي بفضلك والبسني لباس التقوى
منك وبك انك على كل شيء قدير يا الله يا سميع يا عليم يا حليم يا
عظيم اسمع ندائي وتقبل دعائي وانجح طلبتي ويسر اموري وحصل
مرادي بخصائص لطفك آمين آمين آمين وصلى الله على محمد وآله
الطاهرين اختتام اعوذ بكلمات الله التامات كلها من شر ما
خلق وذرا وبرا يا عظيم السلطان يا قديم الاحسان يا دائم النعم
يا باسط الرزق يا واسع العطاء يا دافع البلاء يا سامع الدعاء يا
حاضرا ليس بغائب يا موجودا عند الشدائد يا خفي اللطف يا لطيف
الصنع يا مجمل الستر يا حليما لا يعجل يا جوادا لا يبخل اقض حاجاتي
ومرادي واكف مهماتي واهلك اعدائي بحرمة محمد وآله الطاهرين
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم هذا الدعاء منا ومنك الاجابة
ومنا الجهد وانت المستعان وعليك التكلان ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم اللهم يا الله يا رحمن يا رحيم ارحم علينا و
على آبائنا وامهاتنا واخواننا وجيراننا ولمن له حق علينا ولجميع
امة محمد صلى الله عليه وآله من المؤمنين والمؤمنات الاحياء
منهم والاموات تابع بيننا وبينهم بالخيرات انك مجيب الدعوات
ورافع الدرجات يا حي يا قيوم يا الله يا عزيز يا عزيز يا عزيز عزني
بعزتك وجلالك وقدرتك وعلمك آمين رب العالمين دعائيكه
از حضرت ملا احمد اردبیلی رحمه الله منقول است که بعد از قرائت حزب
البحر میخوانده اللهم زدني حب علي بن ابي طالب واولاده عليهم السلام

وَلا تقبضنی الّا علی حُبِّ عَلِیِّ بنِ ابی طالِبٍ و اَوْلادِهِ علیهم السّلم
وَلا تحشرنی الّا علی حُبِّ عَلِیِّ بنِ ابی طالِبٍ واَوْلادِهِ علیهم السّلام
یا رحمن یا رحیم **و از جمله ادعیه دعائیست** که مرویست از حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه جهت دفع شر دشمن بسم الله
الرّحمن الرّحیم و اُصلّی علی النّبیّ محمّدٍ و آله اجمعین و النّجم عنّی کلّ مارِدٍ
لعینٍ و خضع و ذلّ لی کلّ ذی سطوةٍ مکینٍ و تلاشت عنّی کلّ مکائد
الانس و الجنّ اجمعین باسماء الله ربّ العالمین بالسّموات القائمات
المسکات المنشآت هنّ بالقدرة و الفعّالات بالسّبع المنطابقات
بالحجب المترادفات بمواقع الافلاک بالعرش المحیط بالقدرة العلیا
الّتی لیس له منتهی بمحکمات الآیات بغایة الغایات بمواضع الاشارات
بصانع المصنوعات بربّ البریات ثمّ دنی فتدلّی فکان قاب قوسین
او ادنی بالرّحمن علی العرش استوی ادحضت المردة و الظّالمین
فاندحضوا و رمیت اعدائی من الانس و الجنّ فکبتوا و اکمدتهم
بعزّ آیات الله فاکمدوا و خاب المارد و ذلّ الحاسد و اشتغل
عنّی کلّ معاندٍ باسماء الله احترست و بالله اعتصمت رضیت بالله
تعالی ربّاً قائماً علی من عادانی و استعنت بالله علی من ناوانی
الهی کیف اخاف و انت املی و کیف اخشی و علیک متّکلی
اعذنا اللّهمّ من سطوات المارد و من کید الفاسق و من عین الدّامق
و من شرّ الطّارق الّا طارقاً یطرق بخیرٍ یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا
ذا الجلال و الاکرام بسؤدک قبل کلّ بدؤٍ و بدوامک حیث
لا منتهی و باسمک الّذی بسطت به الارض و امسکت به السّماء
و بعزّک الّذی ابردت به النّار علی ابرهیم علیه السّلام ان تذهب
به البرد و بصولتک الّتی الجمت به الاسد الّذی یظهر فی کلّ

بمواقع الاملاک صح
فانکبتوا صح
الواصق صح

بلد

بلدٍ الجم اللّهمّ عنّی من طغی و بغی و تمرّد و عصی و کاد و جحد و برق
و زرق و زجرت و رمیت کلّ عدوٍّ لی و اعدائی من الانس و الجنّ
ادحضتهم و شتّتهم و مزّقتهم و قطعتهم و سترتهم و طیّرتهم و
طردتهم و ابعدتهم و افنیتهم و ابغیتهم و شتّت شملهم و فرّقت
جمعهم بالف الف مرّةٍ **بعد از آن** سورهٔ الحمد را و بعد از آن بخوان
از فقرهٔ زجرت و رمیت کلّ عدوٍّ لی تا الف الف مرّة و بعد از آن
بخوان سورهٔ اخلاص و سورهٔ کافرون و معوّذتین را و بعد از خواندن
هر یک از سورهای مذکوره عبارت زجرت و رمیت کلّ عدوٍّ
لی را تا الف الف مرّة بخواند **بعد از آن بگو** زجرت و رمیت کلّ
عدوٍّ لی و اعدائی بکهیعص بحمعسق بطه و یس و الطّواسین و
الحوامیم و بنون و القلم و ما یسطرون و بمواقع النّجوم و بالطّور
و کتابٍ مسطورٍ فی رقٍّ منشورٍ و البیت المعمور و السّقف المرفوع
و البحر المسجور فولّوا مدبرین و علی ادبارهم خاسئین فغلبوا هنالک
و انقلبوا صاغرین و قدمنا الی ما عملوا من عملٍ فجعلناه هباءً
منثوراً فوقع الحقّ و بطل ما کانوا یعملون بالف الف مرّةٍ لا حول
و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و صلّی الله علی سیّدنا محمّدٍ و آله
بعد از آن بگو یا صمدی من عندک مددی و علیک معتمدی ایّاک
اعبد و ایّاک استعین اعیذ و اجیر نفسی و مالی و ولدی و غرضی
و اخوانی و جمیع المؤمنین و المؤمنات بالله لا اله الّا هو الحیّ
القیّوم تا و هو العلیّ العظیم و صلّی الله علی محمّدٍ و آله اجمعین
و از جمله ادعیه دعای احتجابست که بسند صحیح از حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام مرویست که هر که دعای احتجاب را از
برای فتح جمیع مهمّات هر روز یکمرتبه بخواند او را فتح و نصرت روی

خاسئین صح

نمايد از عالم غيب واكر از براى دفع اعدا هر روز پنج مرتبه بخواند
اعداى وى مقهور كردند وطريق خواندن چنانست كه چون بحروف
كهيعص رسد بهر حرفى از ان انكشتى از دست چپ عقد كند اكر از
براى دفع شر اعداست والا از دست راست ودر عقد كردن ابتدا
از انكشت خنصر كه انكشت كوچكست نمايد وحمعسق را كه بكويد بهر
حرفى از ان انكشتى از دست راست بروش دست چپ عقد نمايد اكر
دفع شر اعدا منظور باشد والا از دست چپ وچون شروع بخواندن
كناء انزلناه كند ابهام كه انكشت بزركست از دستى كه اول عقد
كرده بكشايد وچون بنذروه الرياح رسد ابهام از دست ديكر را
فتح نمايد وچون شروع بهو الله كند فتح سبابه كه انكشت شهادة كويند
از دستى كند كه اول عقد كرده بوده وچون بهو الرحمن الرحيم رسد
فتح سبابه از دست ديكر كند وباين ترتيب پنج ايه را كه در اول هر كدام
حرفى از كهيعص ودر اخر انها حرفى از حمعسق است بخواند وفتح انكشتان
نمايد تا تمام فتح شود وچون اين پنج ايه تمام خوانده شود وانكشتان
فتح شود رو بجانب دشمن كند اكر حاضر باشد والا قصد كند بسوى دشمن
ودر هر دو صورت دست بطرف دشمن بيفشاند وچون بخواند شاهت
الوجوه را اول نظر بجانب چپ كند اكر براى دفع دشمن باشد والا بجانب
راست ودر بار دوم بجانب راست اكر در اول بجانب چپ كرده باشد
والا بجانب راست ودر بار سيم رو بقبله كند وبدمد كه دشمن مقهور
ميكردد انشاء الله ودر كهيعص دوم بعدد هر حرفى عقد يك انكشت
كند از هر دو دست وابتدا از خنصر كند وچون اكفنا را بخواند بعدد
هر حرف يك انكشت از هر دو دست بكشايد وهمين عمل كند در حمعسق
ودر اخر حنا وهو الله القادر القاهر الكافى را بكويد چندانكه نفس

تنك شود ومقصد را در خاطر كذراند ودر اكثر كتب دعا مذكور است
كه هر كس را با پادشاه يا حاكمى مهمى افتد ومتوجه ان پادشاه وحاكم
شود وباوضو باشد چون بنزديك رسد اين پنج ايه را كه در ين دعاست
از كناء انزلناه تا فى عزة وشقاق بنوعى كه ايه اخر را وقتى بخواند
كه چشمش بر ان پادشاه يا حاكم افتد عزيز ومكرم نمايد ومهماتش
بحسب دلخواه ساخته وبر اورده شود واين مجربست وقبل از ان بكويد
اللهم يا عالم السر والنجوى ويا كاشف الضر والبلوى اجعل
لى من امرى فرجا ومخرجا اياك نعبد واياك نستعين اللهم
لك الحمد واليك المشتكى وانت المستعان فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
اللهم انصر من نصر الدين واخذل من خذل الدين واشغل
الظالمين بالظالمين واخرجنا من بينهم سالمين وادخلنا الجنة
امنين برحمتك يا ارحم الراحمين ودعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
احتجبت بنور وجه الله القديم الكامل وتحصنت بحصن الله القوى
الشامل ورميت من بغى على بسهم الله وسيفه القاتل اللهم
يا غالبا على امره ويا قائما فوق خلقه ويا حائلا بين المرء
وقلبه حل بينى وبين الشيطان ونزغه وبين ما لا طاقة لى به
من احد من عبادك كف عنى السنتهم واغلل ايديهم و
ارجلهم واجعل بينى وبينهم سدا من نور عظمتك وحجابا من
قدرتك وجندا من سلطانك فانك حى قادر اللهم اغش عنى
ابصار الناظرين حتى اردا الموارد واغش عنى ابصار النور و
ابصار الظلمة حتى لا ابالى عن ابصارهم يكاد سنا برقه يذهب
بالابصار يقلب الله الليل والنهار ان فى ذلك لعبرة لاولى

الابصار بسم الله الرحمن الرحيم وهو حسبي كهيعص بسم الله
الرحمن الرحيم حمعسق كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات
الارض فاصبح هشيما تذروه الرياح هو الله الذي لا اله الا
هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم يوم الازفة
اذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع
يطاع علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس
والليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس ص والقرآن ذي الذكر
بل الذين كفروا في عزة وشقاق شاهت الوجوه راسه مو سه مکوید
وعميت الابصار وكلت الالسن اللهم اجعل خيرهم بين
اعينهم وشرهم تحت قدميهم وخاتم سليمن بن داود عليهما
السلام بين اكتافهم سبحان القادر القاهر الكافي فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم انه من سليمن وانه بسم الله الرحمن الرحيم
الا تعلوا علي واتوني مسلمين صبغة الله ومن احسن من الله
صبغة ونحن له عابدون كهيعص اكفنا حمعسق احمنا وارحمنا
هو الله القادر القاهر الكافي وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اولئك الذين
طبع الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة واولئك
هم الغافلون صم بكم عمي فهم لا يعقلون بعد از ان بگوید بسم الله
الرحمن الرحيم تحصنت بذي الملك والملكوت واعتصمت
بذي العزة والعظمة والكبرياء والجود والجبروت وتوكلت
على الحي الذي لا ينام و لا يموت اصبحت في جوار الله ودخلت
في حرز الله وفي حفظ الله وفي امان الله من شر البرية
اجمعين بحق كهيعص كفايتنا وبحق حمعسق حمايتنا انصرني

علي من ظلمني اخذت سمعك بسمع الله واخذت بصرك ببصر الله
واخذت قوتك بقوة الله قال اخسئوا فيها ولا تكلمون فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله على محمد وآله اجمعين واز جمله ادعیه دعای قاموس قدرتست که
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست از حضرت صادق
علیه السلام که کسی که بخواند قاموس قدرت را نود و نه مرتبه فروتنی
میکنند از برای او هر چیز و مسخر او میشوند جن و انس و فروتنی میکنند
برای او متمردین و معاندین و متکبرین و در این دعا فواید بسیار است
که نمیشمارم از خوف آنکه مبادا مطلع شوند بر آن فواید جهلا و
تعلیم مکنید بر سفها و بر شما باد نگاه داشت و محافظت این دعا
بدرستی که این دعا عظیم القدر والمنزلة است بسم الله الرحمن الرحیم
الهي قد تلاطمت امواج قاموس قدرتك فظهر في كل مقدور
آثار قدرة عجيبة غريبة لا يبلغ كنهها عقول العقلاء
وفهوم العلماء واوهام الحكماء فكل شيء في قبضة قدرتك
اسير وان ذلك عليك سهل يسير وانت على كل شيء قدير و
بالاجابة جدير يا شديد يا ذا البطش الشديد اسئلك مددا
من قدرتك واسئلك مددا من قو[illegible]تك واسئلك مددا
من حكمتك واسئلك مددا من سلطانك واسئلك مددا
منك لتسخير كل متمرد وتليين كل صعب واذلال كل منيع
وقهر كل عدو ومحق كل خصم وازهاق كل منافق ذي شقاق
من الجن والانس والهوام فلا يبقى شيء من المكونات الا و
لينت بيدي عريكته وكسرت لي شدة شكيمته وفرط عتوه
ونفر عنه بعزتك يا عزيز يا عزيز يا عزيز يا معز يا مذل يا

مقدم یا مؤخر و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و از جمله
ادعیه دفع دشمنان حرز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است الهی بالتی
نور بهاء عرشك من اعدائی استترت و بسطوة الجبروت من
عز جلالك ممن یکیدنی احتجبت و بسلطانك العظیم من شر کل
سلطان عنید و شیطان مرید استعذت و من فواضل نعمائك
و جزیل عطائك یا مولای و سیدی طلبت کیف اخاف و انت
املی و کیف اضام و علیك متکلی اسلمت نفسی رجائی الیك
و توکلت یا ثقتی علیك و فوضت اموری کلها الیك صل علی محمد
و آل محمد و اشفنی اکفنی و اغلب لی من غالبنی یا غالبا غیر
مغلوب زجرت کل راصد رصد و حاسد حسد و شیطان مرد
و عدو نکد بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد کذلك الله ربی و
هو حسبی و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر انه قوی معین
و از جمله ادعیه دفع دشمنان دعای سهم اللیل است و دعا این است
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك بعزیز تعزیز
اعزاز عزتك بطول حول شدید قوتك بقدر مقدار اقتدار
قدرتك بتاکید تحمید تمجید عظمتك بسمو نمو علو رفعتك
بدیموم قیوم دوام مدتك برضوان غفران امان رحمتك
برفیع بدیع منیع سلطنتك بسناء ضیاء بهاء ربوبیتك بسماء
صلوة بساط رحمتك بحقائق الحق من حق حقك بمکنون السر
من سر سرك بمعاقد العز من عز عزك بحنین انین تسکین المریدین
بحرقات خضعات زفرات الخائفین بآمال اعمال اقوال المجتهدین
بتخشع تخضع تقطع مرارات الصابرین بتعبد تهجد تمجد تجلد

العابدین اللهم ذهلت العقول و انحسرت الابصار و ضاعت
الافهام و حارت الاوهام و قصرت الالسن و بعدت الظنون
عن ادراك کنه کیفیة ما ظهر من بوادی عجائب اصناف بدایع
قدرتك دون البلوغ الی معرفة تلألؤ لمعان بروق سمائك اللهم
محرك الحرکات و مبدئ نهایة الغایات و مخرج ینابیع تفریع
غصنان النبات یا من شق صم جلامید الصخور الراسیات و انبع
منها ماء معینا حیوة للمخلوقات و احیی منها الحیوان و النبات و علم
ما اختلج فی سرائر افکارهم من نطق اشارات خفیات لغات النمل
السارحات یا من سبحت و هللت و قدست و کبرت و سجدت
لجلال جمال اقوال عظیم عزة جبروت ملکوت سلطنته ملائکة
السبع سموات یا من دارت فاضاءت و انارت لدوام دیمومیته
النجوم الزاهرات و احصی عدد الاحیاء و الاموات صل علی محمد
و آله خیر البریات و افعل بی کذا و کذا یا ارحم الراحمین
و از جمله ادعیه غائبیت که تعلیم فرمود باویس قرنی و مذکور است
در مهج الدعوات روایت کرده ابو عبد الله دیلمی از اویس قرنی
از امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود حضرت رسول صلی الله علیه
و آله که نیست بنده که بخواند این دعا را مگر آنکه استجابت کند حق
تعالی از برای او و قسم یاد کرد آنحضرت صلی الله علیه و آله مکرر که
اگر خوانده شود این دعا بر آب روان هر آینه بسته شود و اگر بخواند
کسی که رسیده باشد باو گرسنگی و تشنگی هر آینه حق تعالی او را
سیر و سیراب گرداند و اگر بخواند بر کوه برای آنکه از جای خود حرکت
کند هر آینه متحرك شود و اگر بخوانند این دعا را بر زنی که دشوار زاید
هر آینه آسان گرداند خدای تعالی زاییدن را برای او و اگر بخوانند این

دعا از مردی در شهری و آن شهر بسوزد و خانهٔ آن مرد در میان آن
شهر باشد هر آینه نجات یابد و نسوزد خانهٔ او و اگر بخواند این دعا را
کسی چهل شب جمعه بیامرزد خدای تعالی از برای او هر گناهی که
میان او و میان مردمان باشد و نمیخواند این دعا را مغمومی و مهمومی
مگر آنکه فرج میدهد خدای تعالی او را از آن غم و هم و نمیخواند این
دعا را مردی بر پادشاه یا حاکم ظالم مگر آنکه استجابت کند حق تعالی
از برای او آنچه در اوست از خوف و ترس از آن ظالم یعنی دفع ظلم
و شر آن ظالم را از او بکند و از برای این دعا شرح بسیار طولانیست
و اقتصار کردیم ما بهمین قدر و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ وَ لَا اَسْئَلُ غَیْرَکَ وَ اَرْغَبُ اِلَیْکَ وَ لَا
اَرْغَبُ اِلٰی غَیْرِکَ اَسْئَلُکَ یَا اَمَانَ الْخَائِفِینَ وَ جَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ
اَنْتَ الْفَتَّاحُ ذُو الْخَیْرَاتِ مُقِیلُ الْعَثَرَاتِ مَاحِی السَّیِّئَاتِ وَ کَاتِبُ
الْحَسَنَاتِ وَ رَافِعُ الدَّرَجَاتِ اَسْئَلُکَ بِاَفْضَلِ الْمَسَائِلِ کُلِّهَا
وَ اَنْجَحِهَا الَّتِی لَا یَنْبَغِی لِلْعِبَادِ اَنْ یَسْئَلُوکَ اِلَّا بِهَا یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ
وَ بِاَسْمَائِکَ الْحُسْنٰی وَ اَمْثَالِکَ الْعُلْیَا وَ نِعَمِکَ الَّتِی لَا تُحْصٰی وَ
بِاَکْرَمِ اَسْمَائِکَ عَلَیْکَ وَ اَحَبِّهَا اِلَیْکَ وَ اَشْرَفِهَا عِنْدَکَ مَنْزِلَةً
وَ اَقْرَبِهَا مِنْکَ وَسِیلَةً وَ اَجْزَلِهَا مَبْلَغًا وَ اَسْرَعِهَا مِنْکَ اِجَابَةً
وَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْجَلِیلِ الْعَظِیمِ الَّذِی تُحِبُّهُ وَ تَرْضَاهُ وَ تَرْضٰی
عَمَّنْ دَعَاکَ بِهِ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَ حَقٌّ عَلَیْکَ اَلَّا تَحْرِمَ سَائِلَکَ
وَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ فِی التَّوْرٰیةِ وَ الْاِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ
وَ بِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ عَلَّمْتَهُ اَحَدًا مِنْ خَلْقِکَ اَوْ لَمْ تُعَلِّمْهُ اَحَدًا وَ
بِکُلِّ اسْمٍ دَعَاکَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِکَ وَ مَلٰئِکَتُکَ وَ اَصْفِیَاؤُکَ مِنْ خَلْقِکَ
وَ بِحَقِّ السَّائِلِینَ لَکَ وَ الرَّاغِبِینَ اِلَیْکَ وَ الْمُتَعَوِّذِینَ بِکَ وَ الْمُتَضَرِّعِینَ

لدیک

لَدَیْکَ وَ بِحَقِّ کُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَکَ فِی بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوکَ
دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ عَظُمَ جُرْمُهُ وَ اَشْرَفَ عَلَی الْهَلَکَةِ وَ ضَعُفَتْ
قُوَّتُهُ وَ مَنْ لَا یَثِقُ بِشَیْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَ لَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا غَیْرَکَ وَ لَا لِسَعْیِهِ
شَاکِرًا سِوَاکَ هَرَبْتُ مِنْکَ مُعْتَرِفًا غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ عَنْ
عِبَادَتِکَ یَا اُنْسَ کُلِّ فَقِیرٍ مُسْتَجِیرٍ اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
اَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ بَدِیعُ السَّمٰوَاتِ وَ الْاَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِکْرَامِ
عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ اَنْتَ الرَّبُّ وَ اَنَا الْعَبْدُ
وَ اَنْتَ الْمَالِکُ وَ اَنَا الْمَمْلُوکُ وَ اَنْتَ الْعَزِیزُ وَ اَنَا الذَّلِیلُ وَ اَنْتَ
الْغَنِیُّ وَ اَنَا الْفَقِیرُ وَ اَنْتَ الْحَیُّ وَ اَنَا الْمَیِّتُ وَ اَنْتَ الْبَاقِی وَ اَنَا
الْفَانِی وَ اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ اَنَا الْمُسِیءُ وَ اَنْتَ الْغَفُورُ وَ اَنَا الْمُذْنِبُ
وَ اَنْتَ الرَّحِیمُ وَ اَنَا الْخَاطِئُ وَ اَنْتَ الْخَالِقُ وَ اَنَا الْمَخْلُوقُ وَ اَنْتَ
الْقَوِیُّ وَ اَنَا الضَّعِیفُ وَ اَنْتَ الْمُعْطِی وَ اَنَا السَّائِلُ وَ اَنْتَ الْآمِنُ
وَ اَنَا الْخَائِفُ وَ اَنْتَ الرَّازِقُ وَ اَنَا الْمَرْزُوقُ وَ اَنْتَ اَحَقُّ مَنْ شَکَوْتُ
اِلَیْهِ وَ اسْتَغَثْتُ بِهِ وَ رَجَوْتُهُ لِاَنَّکَ کَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ
لَهُ وَ کَمْ مِنْ مُسِیءٍ قَدْ تَجَاوَزْتَ عَنْهُ فَاغْفِرْ لِی وَ تَجَاوَزْ عَنِّی وَ
ارْحَمْنِی وَ عَافِنِی مِمَّا نَزَلَ بِی وَ لَا تَفْضَحْنِی بِمَا جَنَیْتُهُ عَلٰی نَفْسِی
وَ خُذْ بِیَدِی وَ بِیَدِ وَالِدَیَّ وَ وَلَدَایَ وَ ارْحَمْنَا بِرَحْمَتِکَ یَا ذَا الْجَلَالِ
وَ الْاِکْرَامِ و از جملهٔ ادعیهٔ مأثوره دعائی است
مشهور بدعای حجب و مذکور است در مهج الدعوات روایت کرده
ابرهیم بن ادهم از موسی ادفرار از محمد بن علی بن ابی طالب علیهم السلام
از رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود کسی که بخواند این دعا را
اجابت کند خدای عز و جل از برای او و فرمود آنحضرت صلی الله
علیه و آله که اگر خوانده شود این اسما بر صفحهای آهن هر آینه آب

شود آن آهن باذن الله عز و جل و فرمود که قسم بآن خدائی که فرستاده مرا
به نبوت که اگر کسی را رسیده گرسنگی و تشنگی شدید پس دعا کند
باین اسماء هرآینه ساکن شود از او گرسنگی و تشنگی و قسم بآن خدائی
که فرستاده مرا براستی به نبوت که اگر مردی دعا کند باین اسماء بر
کوهی که میانه او و میانه موضعی باشد که او اراده دارد هرآینه روان
شود کوه همچنانکه خواهد تا آنکه برود بآن موضع و قسم بآن خدائی که
فرستاده مرا براستی به نبوت که اگر دعا کند باین دعا نزد دیوانه هرآینه
بهوش آید از جنون و اگر بخوانند نزد زنی که دشوار زاید هرآینه آسان
کند خدا زائیدن را براو و اگر دعا کند باین اسماء مردی و آن مرد
در شهری باشد و آن شهر بسوزد و منزل آن شخص در میان شهر باشد
هرآینه نجات یابد و نسوزد خانه او و اگر کسی دعا کند باین اسماء
چهل شب جمعه هرآینه بیامرزد خدای عز و جل از برای او هر گناه
که میانه او و میانه خدا باشد و اگر زنا با مادر خود کرده باشد هرآینه
بیامرزد خدای تعالی آن زنا را و دعا نمیکند باین دعا مغمومی مگر
اینکه میگرداند حق تعالی از او غم را در دنیا و آخرت برحمت خود
و قسم بآن خدائی که مرا براستی فرستاده به نبوت که دعا نمیکند باین
دعا کسی نزد پادشاه یا حاکم ظالم پیش از آنکه داخل شود براو و نبیند
او را مگر آنکه میگرداند خدای تعالی آن ظالم را مطیع او ان
شاء الله تعالی و دعا اینست اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا مَنِ احْتَجَبَ
بِشُعاعِ نُورِهِ عَنْ نَواظِرِ خَلْقِهِ یا مَنْ تَسَرْبَلَ بِالْجَلالِ وَالْعَظَمَةِ
وَاشْتَهَرَ بِالتَّجَبُّرِ فی قُدْسِهِ یا مَنْ تَعالی بِالْجَلالِ وَالْکِبْرِیاءِ فی تَفَرُّدِ
مَجْدِهِ یا مَنِ انْقادَتْ لَهُ الْاُمُورُ بِاَزِمَّتِها طَوْعاً لِاَمْرِهِ یا مَنْ قامَتِ
السَّمواتُ وَالْاَرَضُونَ مُجیباتٍ لِدَعْوَتِهِ یا مَنْ زَیَّنَ السَّماءَ بِالنُّجُومِ

الطالعة

الطّالِعَةِ وَجَعَلَها هادِیَةً لِخَلْقِهِ یا مَنْ اَنارَ الْقَمَرَ الْمُنیرَ فی سَوادِ
اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ بِلُطْفِهِ یا مَنْ اَنارَ الشَّمْسَ الْمُنیرَةَ وَجَعَلَها مَعاشاً لِخَلْقِهِ
وَجَعَلَها مُفَرِّقَةً بَیْنَ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ بِعَظَمَتِهِ یا مَنِ اسْتَوْجَبَ الشُّکْرَ
بِنَشْرِ سَحائِبِ نِعَمِهِ اَسْئَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ
مِنْ کِتابِکَ وَبِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ سَمَّیْتَ بِهِ نَفْسَکَ اَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فی
عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَبِکُلِّ اسْمٍ هُوَ لَکَ اَنْزَلْتَهُ فی کِتابِکَ اَوْ اَثْبَتَّهُ
فی قُلُوبِ الصّافّینَ الْحافّینَ حَوْلَ عَرْشِکَ فَتَراجَعَتِ الْقُلُوبُ اِلَی
الصُّدُورِ عَنِ الْبَیانِ بِاِخْلاصِ الْوَحْدانِیَّةِ وَتَحْقیقِ الْفَرْدانِیَّةِ
مُقِرَّةً لَکَ بِالْعُبُودِیَّةِ وَاَنَّکَ اَنْتَ اللّهُ اَنْتَ اللّهُ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ
اِلّا اَنْتَ وَاَسْئَلُکَ بِالْاَسْماءِ الَّتی تَجَلَّیْتَ بِها لِلْکَلیمِ عَلَی الْجَبَلِ
الْعَظیمِ فَلَمّا بَدا شُعاعُ نُورِ الْحُجُبِ مِنْ بَهاءِ الْعَظَمَةِ خَرَّتِ الْجِبالُ
مُتَدَکْدِکَةً لِعَظَمَتِکَ وَجَلالِکَ وَهَیْبَتِکَ وَخَوْفاً مِنْ سَطَواتِکَ
راهِبَةً مِنْکَ فَلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ
وَاَسْئَلُکَ بِالْاِسْمِ الَّذی فَتَقْتَ بِهِ رَتْقَ عَظیمِ جُفُونِ عُیُونِ النّاظِرینَ
الَّذی بِهِ تَدْبیرُ حِکْمَتِکَ وَشَواهِدُ حُجَجِ اَنْبِیائِکَ یَعْرِفُونَکَ بِفِطَنِ
الْقُلُوبِ وَاَنْتَ فی غَوامِضِ مُسِرّاتِ سَریراتِ الْغُیُوبِ اَسْئَلُکَ
بِعِزَّةِ ذلِکَ الْاِسْمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَصْرِفَ عَنّی
جَمیعَ الْآفاتِ وَالْعاهاتِ وَالْاَمْراضِ وَالْاَعْراضِ وَالْخَطایا وَ
الذُّنُوبَ وَالشَّکَّ وَالشِّرْکَ وَالْکُفْرَ وَالنِّفاقَ وَالشِّقاقَ وَالْغَضَبَ
وَالْجَهْلَ وَالْمَقْتَ وَالضَّلالَةَ وَالْعُسْرَ وَالضّیقَ وَفَسادَ الضَّمیرِ
وَحُلُولَ النِّقْمَةِ وَشَماتَةَ الْاَعْداءِ وَغَلَبَةَ الرِّجالِ اِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ
لَطیفٌ لِما تَشاءُ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
گفته شده که سلمان فارسی رحمه الله عرض کرد که یا رسول الله

پدر و مادرم فدای تو باد آیا بیاموزم این دعا را بمردم حضرت و بود
ترک میکنند نماز را و مرتکب فواحش میشوند و می‌آمرزد خدای تعالی
بر ایشان و بر اهل بیت و همسایگان و هر کس در مسجد ایشان است
و بر اهل شهر ایشان هر گاه دعا کنند باین اسما و صاحب مهج میفرماید
که این دعا از آن دعاست که ملهم شدم من بخواندن آن از برای
طلب سلامت روز بلا یا نزد شدت و افتادن بلا پس فیروزی یافتم
باجابت دعا و رسیدن بامید و کفایت یافتیم از شر حسادت و رسیدن
مراد ان شاء الله تعالی **و از جمله ادعیه عظیمه مأثوره**
دعائی است که مذکور است در مهج الدعوات و روایت شده
از امیر المؤمنین از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که فرمود
نازل شد جبرئیل علیه السلام و من نماز میکردم خلف مقام پس
چون فارغ شدم طلب آمرزش کردم از خدای عز و جل برای امت
خود پس گفت بمن جبرئیل علیه السلام که یا محمد می‌بینم ترا آرزومند
بر امت خود و خدای تعالی مهربانست بر بندگان خود پس گفت
حضرت رسول بجبرئیل که ای برادر تو دوست منی و دوست امت منی
بیاموز مرا دعائی که بوده باشد امت مرا که ذکر کنند آن بعد از
من پس گفت جبرئیل علیه السلام که وصیت میکنم ترا اینکه امر کنی
امت خود را که روزه بگیرند سه روز ایام بیض را از هر ماه که آن
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است و وصیت میکنم ترا اینکه
امر کنی امت خود را که بخوانند این دعای شریف را و بدرستی که حمله
عرش برمیدارند عرش را ببرکت این دعا و ببرکت این دعا بزمین
می‌آیند و باسمان می‌روند و این دعا نوشته است بر پردهای بهشت
و بر حجرها و غرفها و منزلهای آن و باین دعا گشوده میشود درهای

بهشت و باین دعا محشور میشوند خلق روز قیامت بامر خدا و کسی که
بخواند این دعا را از امت تو بر میدارد خدای عز و جل از او عذاب
قبر را و ایمن میگرداند او را از خوف روز قیامت و از المهای دنیا
و آخرت ببرکت این دعا و کسی که بخواند نجات میدهد او را از
عذاب آتش پس پرسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله از
جبرئیل علیه السلام از ثواب این دعا گفت جبرئیل علیه السلام
یا محمد بتحقیق که سؤال کردی از من از چیزی که نیستم قادر بر وصف
آن و نمیدانند قدر آنرا مگر خدای تعالی یا محمد اگر بگردد درختهای
دنیا قلم و دریاها مرکب و خلایق نویسنده قادر نیستند که بنویسند
ثواب خواننده این دعا را و نمیخواند این دعا را بنده و حال آنکه
آن بنده اراده آزادی داشته باشد مگر آنکه آزاد میگرداند او را
خدای تعالی و خلاص میگرداند او را از بندگی و نمیخواند مغمومی
مگر آنکه نجات میدهد خدا او را از آن غم و نمیخواند این دعا را
حاجتمندی مگر که بر می‌آورد حاجت او را خدای عز و جل در دنیا
و آخرت و نگاه میدارد او را از مرگ مفاجات و هول قبر و
پریشانی دنیا و عطا میکند او را شفاعت روز قیامت و صورت
او خندان و خوشحال خواهد بود و داخل میگرداند او را خدای
عز و جل ببرکت این دعا بدار السلام و ساکن میکند او را در غرفهای
بهشت و میپوشاند او را جامهای بهشت آنچنان جامه که هرگز فانی
و تباه نشود و کسی که روزه بگیرد و بخواند این دعا را می‌نویسد خدای
تعالی برای او مثل ثواب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین گفت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که تعجب کردم از بسیاری آنچه ذکر کرده

جبرئیل علیه السلام در فضل و شرف و بزرگی این دعا و آنچه ذکر کرد
در او از ثواب خواننده این دعا پس گفت جبرئیل علیه السلام که یا
محمد نیست احدی از امت تو که بخواند این دعا را در مدت عمر خود
یکبار مگر که محشور گرداند او را خدای تعالی روز قیامت و حال
آنکه روی او درخشان و نورانی باشد مثل ماه شب چهارده پس
بگویند اهل محشر که کیست این آیا پیغمبر است این پس خبر دهند
ملائکه که نیست این نبی و نیست ملک بلکه بنده ایست از بندگان
خدا از فرزندان آدم که خوانده در عمر خود یکبار این دعا را پس اکرام
کرده با و خدای تعالی این نور را پس گفت جبرئیل که یا محمد کسی که
بخواند این دعا را پنج مرتبه برانگیخته شود روز قیامت و من ایستاده
باشم بر سر قبر او و با من باشد براقی از بهشت همیشه ایستاده تا
سوار شود بر آن براق و پا بین نگذارد از او مگر در دار نعیم که همیشه
در آنجا باشد و نباشد حساب بر او و باشد در همسایگی حضرت
ابرهیم و حضرت محمد صلوات الله علیهما و من ضامنم از برای
قاری این دعا از مرد و زن که حق تعالی عذاب نکند او را و اگر
چه بوده باشد بر او گناه بیشتر از کف دریا و قطره باران و برگ
درخت و عدد خلایق از اهل بهشت و دوزخ و اینکه خدای عز
و جل امر کند باینکه بنویسند برای قاری این دعا ثواب حج مبرور
و عمره مقبول یا محمد کسی که بخواند این دعا را وقت خواب پانزده
مرتبه با طهارت پس بدرستی که می بیند ترا در خواب خود و بشارت
میدهی او را به بهشت و کسی که بوده باشد گرسنه یا تشنه و بیابد خود
را تا سیر نمی و یا بوده باشد بیمار و بخواند این دعا را بدرستی که
خدای عز و جل فرج میدهد او را از آنچه در او است از زحمت بیماری

و مشقت گرسنگی و تشنگی ببرکت این دعا و بر می آورد از برای او حاجات
دنیا و آخرت او را و کسی که بدزدند از او چیزی را یا بگریزد از او بنده
پس برخیزد و طهارت کند و نماز کند دو رکعت یا چهار رکعت و
بخواند در هر رکعت فاتحة الکتاب یکبار و قل هو الله احد ده بار
پس هرگاه سلام دهد بخواند این دعا را و بگذارد این دعا را برابر
روی خود یا زیر سر خود بدرستی که خدای تعالی بهم می آورد مشرق
و مغرب را و بر میگرداند بنده گریخته او را با و ببرکت این دعا
و اگر بترسد از دشمن پس بخواند این دعا را بر خود پس بگرداند
او را خدای تعالی در پناه گاه نیک استوار و نیابد قدرت بر او
دشمن او و نیست بنده که بخواند این دعا را و بر او باشد دین مگر
آنکه ادا کند خدای تعالی دین او را و آسان گرداند از برای او
ان شاء الله تعالی و کسی که بخواند بر بیماری این دعا را شفا دهد
خدا آن بیمار را ببرکت این دعا پس اگر بخواند این دعا را بنده مؤمن
مخلص از برای خدا بر کوه هر آینه متحرک شود آن کوه باذن خدا و
کسی که بخواند به نیت خالص بر آب هر آینه بسته شود آب و تعجب
نکنید از این فضل و بزرگی که ذکر شد از برای این دعا پس بدرستی
که در این دعا اسم اعظم است و بدرستی که هرگاه بخواند این دعا را
قاری و بشنوند ملائکه و جن و انس پس دعا میکنند از برای قاری
این دعا و بدرستی که خدای عز و جل مستجاب میکند دعای ایشان را
و همه اینها ببرکت این دعاست و بدرستی که کسی که ایمان بخدا و
رسول و با این دعا داشته باشد پس واجب است که شک نکند و دروغ
نداند آنچه ذکر شده در این دعا پس بدرستی که خدای تعالی روزی
میدهد کسی را که خواهد بغیر حساب و کسی که بخواند یا نگاه دارد

يا بنويسد این دعا را پس بخل نکند بر احدی از مسلمین و فرمود رسول
الله صلی الله علیه و آله که بخواندم این دعا را در غزوات مکرر
انکه ظفر یافتم و فتح کردم ببرکت این دعا بر اعدای خود و فرمود حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام که کسی که بخواند این دعا را عطا میشود
نور او لیا در روی او و اسان میشود از برای او هر دشوار و سختی
و گفت حسن بصری که هر اینه بتحقیق که شنیدم در فضیلت این دعا
چیزی چند که قادر نیستم بر وصف ان و اگر کسی بخواند این دعا را
و بزند پای خود را بر زمین هر اینه زمین متحرک شود و گفت سفیان
ثوری که وای بر انکسی که نشناسد حق این دعا را پس کسی که بشناسد
حق این دعا را و حرمت این دعا را کفایت کند از برای او خدای عز و
جل هر شدتی را و اسان کرداند برای او همه امور را و نگاه دارد
از او هر محذوری را و دفع کند از او هر بدی را و نجات او را از هر مرض
و عرض و دور کرداندم و غم او را پس بیاموزانید و بیاموزید این
دعا را پس بدرستی که در این دعاست خیر بسیار و دعا اینست
سبحان الله العظیم و بحمده سبحانه من اله ما اقدره و سبحانه
من قدیر ما اعظمه و سبحانه من عظیم ما اجله و سبحانه من
جلیل ما امجده و سبحانه من ماجد ما ارأفه و سبحانه من رؤف
ما اعزه و سبحانه من عزیز ما اکبره و سبحانه من کبیر ما اقدمه
و سبحانه من قدیم ما اعلاه و سبحانه من عال ما اسناه و سبحانه
من سنی ما ابهاه و سبحانه من بهی ما انوره و سبحانه من منیر
ما اظهره و سبحانه من ظاهر ما اخفاه و سبحانه من خفی ما
اعلمه و سبحانه من عالم ما اخبره و سبحانه من خبیر ما اکرمه
و سبحانه من کریم ما الطفه و سبحانه من لطیف ما ابصره و

سبحانه من بصیر ما اسمعه و سبحانه من سمیع ما احفظه و سبحانه
من حفیظ ما املاه و سبحانه من ملی ما اهداه و سبحانه من
هاد ما اصدقه و سبحانه من صادق ما احمده و سبحانه من
حمید ما اذکره و سبحانه من ذاکر ما اشکره و سبحانه
من شکور ما اوفاه و سبحانه من وفی ما اغناه و سبحانه من غنی
ما اعطاه و سبحانه من معط ما اوسعه و سبحانه من واسع ما
اجوده و سبحانه من جواد ما افضله و سبحانه من مفضل ما
انعمه و سبحانه من منعم ما اسیده و سبحانه من سید ما ارحمه
و سبحانه من رحیم ما اشده و سبحانه من شدید ما اقواه و
سبحانه من قوی ما احکمه و سبحانه من حکیم ما ابطشه و
سبحانه من باطش ما اقومه و سبحانه من قیوم ما احمده و سبحانه
من حمید ما ادومه و سبحانه من دائم ما ابقاه و سبحانه من باق
ما افرده و سبحانه من فرد ما اوحده و سبحانه من واحد ما
اصمده و سبحانه من صمد ما املکه و سبحانه من مالک ما اولاه
و سبحانه من ولی ما اعظمه و سبحانه من عظیم ما اکمله و
سبحانه من کامل ما اتمه و سبحانه من تام ما اعجبه و سبحانه
من عجیب ما افخره و سبحانه من فاخر ما ابعده و سبحانه من
بعید ما اقربه و سبحانه من قریب ما امنعه و سبحانه من مانع
ما اغلبه و سبحانه من غالب ما اعفاه و سبحانه من عفو ما
احسنه و سبحانه من محسن ما اجمله و سبحانه من جمیل ما اقبله
و سبحانه من قابل ما اشکره و سبحانه من شکور ما اغفره و سبحانه
من غفور ما اکبره و سبحانه من کبیر ما اجبره و سبحانه من جبار
ما ادینه و سبحانه من دیان ما اقضاه و سبحانه من قاض ما

اَمضاهُ وَسُبحانَهُ مِن ماضٍ ما اَنفَذَهُ وَسُبحانَهُ مِن نافِذٍ ما اَرحَمَهُ
وَسُبحانَهُ مِن رَحیمٍ ما اَخلَقَهُ وَسُبحانَهُ مِن خالِقٍ ما اَقهَرَهُ وَسُبحانَهُ
مِن قاهِرٍ ما اَملَکَهُ وَسُبحانَهُ مِن مَلِکٍ ما اَقدَرَهُ وَسُبحانَهُ
مِن قادِرٍ ما اَرفَعَهُ وَسُبحانَهُ مِن رَفیعٍ ما اَشرَفَهُ وَسُبحانَهُ
مِن شَریفٍ ما اَرزَقَهُ وَسُبحانَهُ مِن رازِقٍ ما اَقبَضَهُ وَ
سُبحانَهُ مِن قابِضٍ ما اَبسَطَهُ وَسُبحانَهُ مِن باسِطٍ ما اَهداهُ
وَسُبحانَهُ مِن هادٍ ما اَصدَقَهُ وَسُبحانَهُ مِن صادِقٍ ما اَبداهُ
وَسُبحانَهُ مِن بادٍ ما اَقدَسَهُ وَسُبحانَهُ مِن قُدّوسٍ ما اَطهَرَهُ
وَسُبحانَهُ مِن طاهِرٍ ما اَزکاهُ وَسُبحانَهُ مِن زَکیٍّ ما اَبقاهُ وَ
سُبحانَهُ مِن باقٍ ما اَعوَدَهُ وَسُبحانَهُ مِن عَوّادٍ ما اَفطَرَهُ وَ
سُبحانَهُ مِن فاطِرٍ ما اَوهَبَهُ وَسُبحانَهُ مِن وَهّابٍ ما اَتوَبَهُ
وَسُبحانَهُ مِن تَوّابٍ ما اَسخاهُ وَسُبحانَهُ مِن سَخیٍّ ما اَبصَرَهُ
~~وَسُبحانَهُ مِن سَخیٍّ ما اَبصَرَهُ~~ وَسُبحانَهُ مِن بَصیرٍ ما اَسلَمَهُ
وَسُبحانَهُ مِن سَلامٍ ما اَشفاهُ وَسُبحانَهُ مِن شافٍ ما اَنجاهُ
وَسُبحانَهُ مِن مُنجٍ ما اَبَرَّهُ وَسُبحانَهُ مِن بارٍّ ما اَطلَبَهُ وَ
سُبحانَهُ مِن طالِبٍ ما اَدرَکَهُ وَسُبحانَهُ مِن مُدرِکٍ ما اَشَدَّهُ
وَسُبحانَهُ مِن شَدیدٍ ما اَعطَفَهُ وَسُبحانَهُ مِن عَطوفٍ ما اَعدَلَهُ
وَسُبحانَهُ مِن عادِلٍ ما اَتقَنَهُ وَسُبحانَهُ مِن مُتقِنٍ ما اَحکَمَهُ
وَسُبحانَهُ مِن حَکیمٍ ما اَکفَلَهُ وَسُبحانَهُ مِن کَفیلٍ ما اَشهَدَهُ
وَسُبحانَهُ هُوَ اللهُ العَظیمُ وَبِحَمدِهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ
اِلّا بِاللهِ العَلیِّ العَظیمِ دافِعِ کُلِّ بَلِیَّةٍ وَهُوَ حَسبی وَنِعمَ الوَکیلُ

و از جمله دعاهای مشلول است که سید بن طاوس در مهج الدعوات
از حضرت امام حسین علیه السلام نقل کرده که آنحضرت فرموده بود

با پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام در طواف کعبه معظمه در
شب بسیار تاریک که نوری و هیچکس در طواف نبود و در خواب بودند
زوار ناگاه شنید پدرم ناله و فریاد مستغیث مستجیر مترحمی که با آواز حزین
و دل اندوهناک در دناک میگفت و مینالید **شعر**

یا مَن یُجیبُ دُعاءَ المُضطَرِّ فِی الظُّلَمِ ... یا کاشِفَ الضُّرِّ وَالبَلوی مَعَ السَّقَمِ

قَد نامَ وَفدُکَ حَولَ البَیتِ وَانتَبَهوا ... یَدعوا وَعَینُکَ یا قَیّومُ لَم تَنَمِ

هَب لی بِجودِکَ فَضلَ العَفوِ عَن جُرمی ... یا مَن اَشارَ اِلَیهِ الخَلقُ فِی الحَرَمِ

اِن کانَ عَفوُکَ لا یَلقاهُ ذو سَرَفٍ ... فَمَن یَجودُ عَلَی العاصینَ بِالنِّعَمِ

فرمود حضرت امام حسین علیه السلام که فرمود پدرم بمن که آیا
شنیدی آواز این فریاد کننده را که فریاد میکند و پناه بخدا میبرد گفتم
بلی پس فرمود بجوی او را شاید که به بینی پس چون روانه شدم در آن
تاریکی و قدم نهادم در میان خفتگان و رسیدم بمیان رکن و مقام
دیدم مردی ایستاده بنماز پس تامل کردم بسوی او و گفتم السلام
علیک ای بنده معترف بگناه خود و استغفار کننده زنهار جوینده
اجابت کن ابن عم رسول خدا را پس او شتاب کرد در نماز و سلام داد
و سخن نکرد و اشاره کرد بدست خود که پیش تابش پس پیشی گرفتم و آمدم
با او بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام و عرض کردم که اینست آن مرد
پس آنحضرت نگاه باو کرد جوانی دید خوش رو و جامهای پاکیزه پوشیده
پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که از چه جماعتی عرض کرد

که از بعض عرب بعد از آن آنحضرت فرمود که چیست حال تو و از برای
چیست که بر تو و استغاثه تو پس آن جوان عرض کرد که چه باشد حال کسی
که گرفتار باشد بعقوق یعنی با پدر و مادر بدی و بی ادبی کرده باشد
و او در تنگی بوده واقع شود بر او زحمت و رنج و فرو گیرد او را اندوه و بار
کند و دعای او مستجاب نشود پس فرمود با او حضرت امیر المؤمنین ع
که چرا حال تو چنین شده او عرض کرد که بجهت اینکه بودم مشهور در
میان عرب بسازی و طرب و دایم مرتکب گناه میشدم در شعبان و در رجب
و هیچ ملاحظه از ترس خدا نداشتم و داشتم پدر مهربانی که میترسانید مرا
از افتادن بجادهای روزگار و متوهم مینمود مرا از عذاب دوزخ و میگفت
تا کی چنین کارها کنی که از تو بفریاد آمدند روز و شب و ماه و سال
و فرشتهای کرام و هرچند الحاح میکرد بمن بموعظه و نصیحت زجر میکردم
او را و بانگ میزدم بر او و میزدم او را پس اراده کردم روزی بچیزی
از زر پدرم و بود آن زر در جائی مخفی پس رفتم که بردارم آن زر را
و صرف کنم در لهو و لعب پس پدرم مرا از برداشتن آن زر ممانعت کرد
پس زدم او را و پیچیدم دستش را و گرفتم از و و رفتم پس قوت کرد
بر زانوی خود که برخیزد از مکانی که او را زده بودم پس نتوانست
که برخیزد از شدت درد و الم که بهمن او رسیده بود پس انشا کرد و خوانید

جرت رحم بینی و بین منازل ... سواء کما یستنزل القطر طالبه

و ربیت حتی صار جلدا شمردلا ... اذا قام ساوی غارب الفحل غاربه

و قد کنت اوتیه من الزاد فی الصبا ... اذا جاع منه صفوه و اطایبه

فلما

فلما استوی فی عنفوان شبابه ... و اصبح کالرمح الردینی خاطبه

تهضمنی مالی کذا و لوی یدی ... لوی یده الله الذی هو غالبه

پس پدرم سوگند خورد بخدا که بسوی کعبه رود و از تعدی من شکایت
کند بخدای تعالی پس روزه گرفت چند هفته و نماز کرد چند رکعت
و دعا کرد و بیرون شد در حالتی که متوجه کاروان بود و قطع کرد
بر رفتن عرض بیابان را و طی کرد رودخانها و بلندی کوهها را تا
آنکه رسید بمکه روز حج اکبر پس فرود آمد از شتر و رو نهاد
بسوی بیت الله الحرام پس سعی و طواف کرد و در آویخت
بجامه کعبه و زاری کرد در دعا و گفت

یا من الیه اتی الحجاج بالجهد ... فوق المهاری من اقصی غایة البعد

انی اتیتک یا من لا یخیب من ... یدعوک مبتهلا بالواحد الصمد

هذا منازل من یرتاع من عققی ... فخذ بحقی یا جبار من ولدی

حتی تشل بعون منک جانبه ... یا من تقدس لم یولد و لم یلد

چون آن گفت پس قسم بخدا آنچنان خدائی که بلند داشت آسمان را
و بیرون آورده از زمین آب را که تمام نشده بود دعای پدرم که
نازل شد بمن آنچه می‌بینی پس گشود جانب راست خود را که بتحقیق
شل بود پس عرض کرد که بر من گذشت سه سال که التماس میکردم

از پدرم اینکه دعا کند از برای من در موضعی که دعای بد کرده بود بر من
و قبول نمیکرد تا امسال که التماس مرا قبول کرد و انعام کرد بر من پس
بیرون آمدم با او بر شتر ماده تا تا در رفتاری شتاب کنند بامید
عافیت از این بلا و محنت تا اینکه رسیدیم باراک از وادی سیاک
ناگاه پرید مرغی در آن شب و رم کرد از او شتری که سوار بود پدرم
بر آن و افکند او را بر زمین میان دو سنگ و مرد پدرم از این افتادن
پس دفن کردم او را همانجا و عظیمتر از آن آنکه مرا نمیشناسند عرب
مگر مبتلا بنفرین پدر پس فرمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که رسید ترا فریادرس آیا تعلیم کنم ترا دعائی که تعلیم کرد مرا رسول
الله صلی الله علیه و آله که در آن دعا هست اسم اعظم خدای کریم
آنچنان اسمی که اجابت میکند بان دعای هر که بخواند خدا را بان و
میدهد هرچه سؤال کند و برطرف میکند بان هم و غم را وسدرت
میکند بان بیماری و شکستگی را و غنی میگرداند بان فقیر را و
میدهد بان قرض را و دفع میکند بان چشم زخم را و می آمرزد بان
گناهان را و میپوشاند بان عیبها را و ایمن میگرداند بان هر کس را که
بترسد و خوف کند از شیطان و پادشاه و حاکم ظالم و اگر بخواند
اهل طاعت خدا بر کوه هر آینه حرکت کند از جای خود و اگر بر مرده
بخوانند هر آینه زنده گرداند خدا آن مرده را و اگر بخوانند بر آب
هر آینه بر آن تواند رفت بعد از آنکه تعجب نکند و بنر آنحضرت بان
جوان گفت که بپرهیز کن از گناهان و کارهای بد بتحقیق که در می باید
ترا رحمت هر گاه بداند خدا از تو صدق نیت را و بر تو باد که بخوانی
در معصیت و بیاموزنی بکسی مگر که از امانت و دیانت او واقف
باشی پس هر گاه نیت خود را خالص و پاک سازی در دعا مستجاب

میکند خدا از برای تو آن دعا را و حی یعنی پیغمبر را صلی الله علیه و آله
در خواب که بشارت میدهد ترا به بهشت و اجابت دعا پس فرمود
حضرت امام حسین علیه السلام که بود خوشحالی من بیافتن این
دعا بیشتر از خوشحالی آن جوان مشغول برای عافیت خود از جهت
اینکه من هرگز نشنیده بودم این دعا را از حضرت امیر علیه السلام
و نمیدانستم این دعا را پیش از این پس فرمود حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام که بیار دوات و قلم و کاغذ و بنویس آنچه میگویم بنویس
چنان کردم حضرت فرمود اللّهمّ انی اسئلك باسمك بسم الله
الرحمن الرحیم یا ذا الجلال والاکرام یا حی یا قیوم یا حی لا اله
الا انت یا هو یا من لا یعلم ما هو و لا کیف هو و لا این هو و لا حیث
هو الا هو یا ذا الملك والملكوت یا ذا العزة والجبروت یا ملك
یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق
یا باری یا مصور یا مفید یا ودود یا بعید یا قریب یا مجیب یا رقیب
یا حسیب یا بدیع یا رفیع یا سمیع یا منیع یا علیم یا حکیم یا کریم یا حلیم
یا قدیم یا علی یا عظیم یا حنان یا منان یا دیان یا مستعان یا جلیل
یا جمیل یا وکیل یا کفیل یا مقیل یا منیل یا نبیل یا دلیل یا هادی
یا بادی یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا حاکم یا قاضی یا عادل یا
فاضل یا واصل یا طاهر یا مطهر یا قادر یا مقتدر یا کبیر یا متکبر
یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و لم
یکن له صاحبة و لا کان معه وزیر و لا اتخذ معه مشیر و لا احتاج
الی ظهیر و لا کان معه اله لا اله الا انت فتعالیت عما یقول
الجاحدون علوا کبیرا یا عالم یا شامخ یا باذخ یا فتاح یا مفرج یا
ناصر یا منتصر یا مهلك یا منتقم یا باعث یا وارث یا اول یا طالب

يا غالب يا من لا يفوته هارب يا تواب يا اواب يا وهاب يا مسبب
الاسباب يا مفتح الابواب يا من حيث ما دعى اجاب يا طهور يا
شكور يا عفو يا غفور يا نور النور يا مدبر الامور يا لطيف يا خبير
يا متجبر يا منير يا بصير يا ظهير يا كبير يا وتر يا فرد يا صمد يا سند
يا كافي يا محسن يا مجمل يا معافي يا منعم يا متفضل يا متكرم يا متفرد
يا من علا فقهر ويا من ملك فقدر ويا من بطن فخبر ويا من عبد
فشكر ويا من عصى فغفر وستر يا من لا تحويه الفكر ولا يدركه
بصر ولا يخفى عليه اثر يا رازق البشر ويا مقدر كل قدر يا عالي
المكان يا شديد الاركان ويا مبدل الزمان ويا قابل القربان
يا ذا المن والاحسان يا ذا العز والسلطان يا رحيم يا رحمن يا عظيم
الشان يا من هو كل يوم في شان يا من لا يشغله شان عن شان
يا سامع الاصوات يا مجيب الدعوات يا منجح الطلبات يا قاضي الحاجات
يا منزل البركات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف الكربات
يا ولي الحسنات يا رفيع الدرجات يا معطي السؤلات يا محيي الاموات
يا مطلع على النيات يا راد ما قد فات يا من لا تشتبه عليه
الاصوات يا من لا تضجره المسئلات ولا تغشاه الظلمات يا نور
الارض والسموات يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا
جامع الامم يا شافي السقم يا خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم
يا من لا يطا عرشه قدم يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين
يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا جار المستجيرين يا امان
الخائفين يا ظهر اللاجين يا ولي المؤمنين يا غياث المستغيثين
يا غاية الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا ملجا كل
طريد يا ماوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ الكبير

يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا فاك كل اسير يا
مغني البائس الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير
والتقدير يا من العسير عليه يسير يا من لا يحتاج الى تفسير يا من
هو على كل شئ قدير يا من هو بكل شئ بصير يا مرسل الرياح يا
فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا من
بيده كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل نفس
بعد الموت يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي في
وحدتي يا وليي في نعمتي يا كهفي حين تعييني المذاهب وتسلمني
الاقارب ويخذلني كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا
سند من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا كهف من لا كهف له
يا ركن من لا ركن له يا غياث من لا غياث له يا جار من لا
جار له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا الهي بالتحقيق يا رب
البيت العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من حلق المضيق واصرف عني
كل هم وغم وضيق واكفني شر ما لا اطيق واعني على ما
اطيق يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا غافر
ذنب داود يا رافع عيسى بن مريم من ايدي اليهود يا مجيب نداء
يونس في الظلمات يا مصطفى موسى بالكلمات يا من غفر لادم
خطيئته ورفع ادريس برحمته يا من نجى نوحا من الغرق
يا من اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل
انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة اهوى يا من دمر على
قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من اتخذ ابرهيم خليلا يا
من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه وعليهم
اجمعين خليلا وحبيبا يا موتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان

ملکا لا ینبغی لاحد من بعده یا من نصر ذا القرنین علی الملوک
الجبابرة یا من اعطی الخضر الحیوة ورد لیوشع بن نون الشمس
بعد غروبها یا من ربط علی قلب ام موسی واحصن فرج مریم
ابنت عمران یا من حصن یحیی بن زکریا من الذنب وسکن عن
موسی الغضب یا من بشر زکریا بیحیی یا من فدی اسمعیل من
الذبح یا من قبل قربان هابیل وجعل اللعنة علی قابیل یا هازم
الاحزاب صل علی محمد وال محمد وعلی جمیع المرسلین وملئکتک
المقربین واهل طاعتک اجمعین واسئلک بکل مسئلة سالک
بها احد ممن رضیت عنه فحتمت له علی الاجابة یا الله یا الله
یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا ذا الجلال
والاکرام به به به به به به به اسئلک بکل اسم سمیت به
نفسک او انزلته فی شیء من کتبک او استاثرت به فی
علم الغیب عندک وبما لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام و
البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله واسئلک
باسمائک الحسنی التی بینتها فی کتابک فقلت ولله الاسماء
الحسنی فادعوه بها وقلت ادعونی استجب لکم وقلت واذا
سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعانی
وقلت یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة
الله وانا اسئلک یا الهی واطمع فی اجابتی یا مولای کما وعدتنی
وقد دعوتک کما امرتنی فافعل بی کذا وکذا و بجای لفظ
کذا وکذا نام ببر حاجت خود را و سؤال کن از خدای تعالی انچه را
دوست داری و بخوان این دعا را مکرر با طهارت این فرمود حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام با ان جوان که هر گاه شب دهم شود بخوان

این دعا را و بیا نزد فردای ان و خبر بیاور فرمود حضرت امام حسین
علیه السلام که گرفت ان جوان دعا را و رفت و چون فردا شد هنوز
صبح خوب روشن نشده بود که ان جوان امد نزد ما صحیح و سالم و دعا
بدستش و میگفت که این دعا والله اسم اعظم است استجابت کرد
از برای من رب کعبه و فرمود حضرت امیر علیه السلام که نقل کن
برای من عرض کرد که چون ارمیده شد چشمها بخواب و حایل شد پرده
شب بلند کردم دست خود را با این دعا و خواندم خدا را بحق او و چند بار
پس اجابت کردند مرا در مرتبه دویم که گفت هاتفی مرا پس بتحقیق که
خواندی خدا را باسم اعظم پس خوابیدم و دیدم حضرت رسول
صلی الله علیه واله را در خواب که مالید دست شریف خود را
بر من و فرمود که حفظ کرده شدی بخدای عظیم پس بدرستی که
تو بر خیری و بیدار شدم صحیح و سالم چنانچه مشاهده میفرمائی
جزا دهد خدای تعالی شما را جزای خیر **و از جمله ادعیه عظیمه**
دعائیست که مشهور است بدعاء ابو حمزه ثمالی مرویست که
گفت ابو حمزه ثمالی رحمه الله که شکست دست پسر من پس بردم
او را نزد یحیی بن عبد الله شکسته بند چون دید او را گفت میبینم
شکسته درستی و رفت بخانه خود تا بیاورد اسباب شکسته بندی
پس بخاطرم رسید دعای علی بن الحسین علیهما السلام پس گرفتم
دست پسر خود را و خواندم بر او و مالیدم شکسته را پس درست شد
شکسته باذن خدای تعالی و چون امد یحیی بن عبد الله ندید چیزی
از شکستگی پس گفت سبحان الله مدتی نشد این شکسته فتح و حال
خوب شده اما این نیست عجب از سحر شما جماعت شیعه پس گفتم که نی
فرزند شود مادر تو نیست این سحر بلکه بخاطرم امد دعائی که شنیده

بودم ابرا از مولای خود علی بن الحسین علیهما السلام وخواندم باین
شکسته و درست شد پس گفت بیاموز بمن ابرا پس گفتم اما بعد از
آنچه شنیدم انچه را گفتی نه تو لایق و قابل نیستی که بتو اموزم گفت
حمران بن اعین که گفتم من با ابی حمزه که بخدا سوگند میدهم ترا که
دعا را بمن بیاموز پس گفت سبحان الله بخاطر بیاوردم و نگفتم مگر
اینکه این فایده بتو رسانم بنویس بسم الله الرحمن الرحیم یا حی
قبل کل حی یا حی بعد کل حی یا حی مع کل حی یا حی حین لا حی
یا حی یحیی ویفنی کل حی یا حی لا اله الا انت یا حی یا کریم
یا محیی الموتی یا قائم علی کل نفس بما کسبت انی اتوجه الیک
واتوسل الیک واتقرب الیک بجودک وکرمک ورحمتک
التی وسعت کل شیء واتوجه الیک واتوسل الیک بحرمة
القرآن وبحرمة الاسلام وشهادة ان لا اله الا انت وحدک
لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک واتوجه الیک
واتوسل الیک واستشفع الیک بنبیک نبی الرحمة محمد
صلی الله علیه وآله وسلم تسلیما وبامیر المؤمنین علی بن ابی
طالب وفاطمة الزهراء والحسن والحسین عبدیک وامینیک
وحجتیک علی الخلق اجمعین وعلی بن الحسین زین العابدین و
نور الزاهدین ووارث علم النبیین والمرسلین وامام الخاشعین
وولی المؤمنین والقائم فی خلقک اجمعین وباقر علم الاولین
والآخرین والدلیل علی امر النبیین والمرسلین والمقتدی بآبائه
الصالحین وکهف الخلق اجمعین وجعفر بن محمد الصادق من آل
النبیین والمقتدی بآبائه الصالحین والناطق من عترة البررة
المتقین وولی دینک وحجتک علی العالمین وموسی بن جعفر

العبد

العبد الصالح من اهل بیت المرسلین ولسانک فی خلقک اجمعین
والناطق بامرک وحجتک علی بریتک وعلی بن موسی الرضا المرتضی
الزکی المصطفی المخصوص بکرامتک والداعی الی طاعتک و
حجتک علی الخلق اجمعین ومحمد بن علی الرشید القائم بامرک
الناطق بحکمک وحکمک وحجتک علی بریتک ووولیک وابن
اولیائک وحبیبک وابن احبائک وعلی بن محمد السراج المنیر
والرکن الوثیق القائم بعدلک والداعی الی دینک ودین
نبیک وحجتک علی بریتک والحسن بن علی عبدک وولیک و
خلیفتک المؤدی عنک فی خلقک عن آبائه الصادقین وبحق
خلف الائمة الماضین والامام الزکی الهادی المهدی و
الحجة بعد آبائه علی خلقک المؤدی عن علم نبیک ووارث علم
الماضین من الوصیین المخصوص الداعی الی طاعتک وطاعة
آبائه الصالحین یا محمداه یا ابا القاسماه بابی انت وامی الی الله
اتشفع بک وبالائمة من ولدک وبعلی امیر المؤمنین وفاطمة
والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد
وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن
بن علی والخلف القائم المنتظر اللهم فصل علیهم وعلی من
اتبعهم وصل علی محمد وآل محمد صلوة المرسلین والصدیقین
والصالحین صلوة لا یقدر علی احصائها غیرک اللهم الحق
اهل بیت نبیک وذریتهم وشیعتهم بنبیک سید المرسلین
والحقنا بهم مؤمنین محبین فائزین متقین صالحین خاشعین
عابدین موقنین مسددین عاملین زاکین مزکین تائبین ساجدین
راکعین شاکرین حامدین صابرین محتسبین منیبین مصیبین

اللهم انی اتولی ولیهم وابرء الیک من عدوهم واتقرب الیک بحبهم وموالاتهم وطاعتهم فارزقنی بهم خیر الدنیا والاخرة واصرف عنی بهم اهوال یوم القیمة اللهم انی اشهدک بانک انت الله لا اله الا انت وان محمدا وعلیا وزوجته وولدیه عبیدک وامائک وانت ولیهم فی الدنیا والاخرة وهم اولیاؤک والاولین بالمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات من بریتک واشهد انهم عبادک المؤمنون لا یسبقونک بالقول وهم بامرک یعملون اللهم انی اتوسل الیک بهم واتشفع بهم الیک ان تحیینی محیاهم وتمیتنی علی طاعتهم وملتهم وتمنعنی من طاعة عدوهم وتمنع عدوک وعدوهم منی وتغنینی بک وباولیائک عمن اغنیته عنی وتسهلنی لمن احوجتهم الی وتجعلنی فی حفظک فی الدین والدنیا والاخرة وتلبسنی العافیة حتی تهنئنی المعیشة وان تحظنی بلحظة من لحظاتک الکریمة الرحیمة الشریفة تکشف بها عنی ما قد ابتلیت وتردنی بها الی احسن عاداتک واجملها عندی فقد ضعفت قوتی وقلت حیلتی ونزل بی ما لا طاقة لی به فردنی الی احسن عاداتک فقد ایست مما عند خلقک فلم یبق الا رجاؤک فی قلبی وقدیما ما مننت علی وقدرتک یا سیدی وربی وخالقی ومولای وارازقی علی اذهاب ما انا فیه کقدرتک علی حیث ابتلیتنی به الهی ذکر عوائدک یونسنی ورجاء انعامک یقربنی ولم اخل من نعمک منذ خلقتنی فانت یا رب ثقتی ورجائی والهی وسیدی والذاب عنی والراحم بی والمتکفل برزقی فاسئلک یا رب محمد وال محمد وان تجعل رشدی بما قضیت من الخیر و

حمته وقدرته وان تجعل خلاصی مما انا فیه فانی لا اقدر علی ذلک الا بک وحدک لا شریک لک ولا اعتمد فیه الا علیک فکن یا رب الارباب وسید السادات عند حسن ظنی بک واعطنی مسئلتی یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا احکم الحاکمین ویا اسرع الحاسبین ویا اقدر القادرین ویا اقهر القاهرین ویا اول الاولین ویا اخر الاخرین ویا حبیب محمد وعلی وجمیع الانبیاء والمرسلین والاوصیاء المنتجبین ویا حبیب محمد صلی الله علیه واله واوصیائه وانصاره وخلفائه واحبائه المؤمنین وبحجک البالغین من اهل بیت الرحمة المطهرین الزاهدین اجمعین صل علی محمد وال محمد وافعل بی ما انت اهله یا ارحم الراحمین وازجمله ادعیه عظیمه دعاء حضرت رسول الله صلی الله علیه واله و مرویست از انحضرت صلوات الله علیه که دعا نمیکند باین دعا مغمومی و مکروبی مگر اینکه حق تعالی بردارد از او غم و کرب او را ونگاه میدارد او را از عذاب قبر و وسعت میدهد در رزق او و محشور میشود در روز قیامت در زمره صدیقین و شهدا و بوده باشد مر او را ثواب نزد خدای عز وجل بعدد انهائی که دعا کرده باشند حق سبحانه وتعالی را و سؤال نکند چیزی را مگر اینکه عطا کرده شود باو و بیامرزد همه گناهان او را و اگرچه بوده باشد مثل ریگ بیابان عالج وهو هذا

بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک وبحمدک اثنی علیک وما عسی ان یبلغ من ثنائی علیک ومجدک مع قلة عملی وقصر ثنائی وانت الخالق وانا المخلوق وانت الرازق وانا المرزوق وانت الرب وانا المربوب وانت القوی وانا الضعیف الیک

وانا السائل وانت الغنی لا یزول ملکک ولا یبید عزک ولا یموت
وانا خلق اموت وازول وافنی وانت الصمد الذی لا تطعم و
الفرد الواحد بغیر شبیه والقائم بلا مدة والباقی الی غیر
غایة والموحد بالقدرة والغالب علی الامور بلا زوال ولا
فناء تعطی من تشاء کما تشاء المعبود بالعبودیة المحمود بالنعم
المرهوب بالنقم حی لا یموت صمد لا یطعم قیوم لا ینام وجبار
لا یظلم ومحتجب لا یری سمیع لا یشک بصیر لا یرتاب غنی لا
یحتاج عالم لا یجهل خبیر لا یذهل ابتدات المجد بالعز و
تعطفت الفخر بالکبریاء وتجللت البهاء بالمهابة والجمال بالنور
واستشعرت العظمة بالسلطان الشامخ والعز الباذخ والملک
الظاهر والشرف القاهر والکرم الفاخر والنور الساطع و
الالاء المتظاهرة والاسماء الحسنی والنعم السابغة والمنن
المتقدمة والرحمة الواسعة کنت اذ لم یکن شیء وکان عرشک
علی الماء اذ لا ارض مدحیة ولا سماء مبنیة ولا شمس تضیء
ولا قمر یجری ولا نجم یسری ولا کوکب دری ولا سحاب منشاة
ولا دنیا معلومة ولا اخرة مفهومة وتبقی وحدک کما کنت
وحدک علمت ما کان قبل ان یکون ولا منتهی لنعمائک نفذ علمک
فیما ترید وما تشاء سلطانک فیما ترید وفیما تشاء من تبدیل
الارض بغیر الارض والسموات وما ذرات فیهن وخلقت
وبرات من شیء وان تقول له کن فیکون لا اله الا انت وحدک
لا شریک لک انت الله الله الله العلی العظیم الحی القیوم
الله الله الله الحلیم الکریم الله الله الله الله الفرد الصمد الله
الله الله بدیع السموات والارض عزک عزیز وجارک منیع

دارک

وامرک غالب وانت ملک قاهر عزیز فاخر لا اله الا انت خلوت
فی الملکوت واستترت بالجبروت وحارت ابصار ملئکتک
المقربین وذهلت عقولهم فی فکر عظمتک لا اله الا انت
تری من بعد ارتفاعک وعلو مکانک ما تحت الثری ومنتهی
الارضین السفلی من علم الاخرة والاولی والظلمات والهوی
وتری دبیب الذر فی الثری وتری قوائم النمل علی الصفا وتسمع
خفقان الطیر فی الهواء وتعلم تقلب السیار فی الماء تعطی
السائل وتنصر المظلوم وتجیب المضطر وتؤمن الخائف وتهدی
السبیل وتجبر الکسیر وتغنی الفقیر قضاؤک فصل وحکمک
عدل وامرک جزم ووعدک صدق ومشیتک عزیزة وقولک
حق وکلامک نور وطاعتک نجاة لیس لک فی الامر شریک
ولو کان شریک لتشابه علینا ولذهب کل اله بما خلق ولعلا
علوا کبیرا اجل قدرک عن مجاورة الشرکاء وتعالیت عن مخالطة
الخلطاء وتقدست عن ملامسة النساء فلا ولد لک ولا والد
کذلک وصفت نفسک فی کتابک المکنون المطهر المنزل النور
المضیء الذی انزلت علی محمد نبی الرحمة القرشی الزکی واله و
سلم ورحم وکرم بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد
الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
فلا اله الا انت ذل کل عزیز لعزتک وصغرت کل عظمة
لعظمتک ولا یفزعک لیل دامس ولا قلب جاسی ولا جبل
باذخ ولا علو شامخ ولا سماء ذات ابراج ولا بحار ذات
امواج ولا حجب ذات ارتاج ولا ارض ذات فجاج ولا لیل
داج ولا ظلم ذات ادعاج ولا سهل ولا جبل ولا بر ولا

بحرٌ ولا شجرٌ ولا مددٌ ولا يستتر منك شيءٌ ولا يحول دونك سترٌ
ولا يفوتك شيءٌ والسرّ عندك علانيةٌ والغيب عندك شهادةٌ
تعلم وهم القلوب ورجم الغيوب ورجع الالسن وخائنة
الاعين وما تخفي الصدور انت رجاؤنا عند كل شدةٍ وغياثنا
عند كل محلٍ وسندنا عند كل كريهةٍ وناصرنا عند كل ظلمٍ و
قوّتنا في كل ضعفٍ وبلاغنا في كل عجزٍ كم من كريهةٍ وشدةٍ
ضعفت فيها القوة وقلّت فيها الحيلة اسلمنا فيها الرفيق و
خذلنا فيها الشفيق انزلتها بك يا ربّ ولم نرج غيرك ففرّجتها
وخففت ثقلها وكشفت غمرتها وكفيتنا ايّاها عمّن سواك
فلك الحمد انلح سائلك وانجح طالبك وعزّ جارك ورابح
متاجرك وجلّ ثناؤك وتقدّست اسماؤك وعلا ملكك و
غلب امرك فلا اله غيرك اسئلك يا ربّ باسمائك المتعاليات
المكرّمة المطهّرة المقدّسة العزيزة وباسمك العظيم
الذي بعثت به موسى عليه السلام حين قلت انّي انا الله في
الدهر الباقي وبعلمك الغيب وقدرتك على الخلق وباسمك
الذي هو مكتوبٌ حول كرسيك وبكلماتك التامّات يا اعزّ
مذكورٍ واقدمه في العزّ وادومه في الملك والملكوت يا
رحيماً بكل مسترحمٍ ويا رؤفاً بكل مسكينٍ ويا اقرب من دعي و
اسرعه اجابةً ويا مفرّجاً عن كل ملهوفٍ ويا خير من طلب
اليه الخير واسرعه عطاءً ونجاحاً واحسنه عطفاً وتفضّلاً
يا من خاف الملائكة من نوره المتوقّد حول كرسيه وعرشه
صافّون مسبّحون طائفون خاضعون مذعنون يا من يشكى اليه
منه ويرغب منه اليه مخافة عذابه في سهر الليالي يا فعّال

الخير ولا يزال الخير فعالة يا صالح خلقه يوم يبعث خلقه و
عباده بالساهرة فاذا هم قيامٌ ينظرون يا من اذا همّ بشيءٍ امضاه يا
من قوله فعاله يا من يفعل ما يشاء كيف يشاء ولا يفعل ما يشاء
غيره يا من خصّ نفسه بالخلد والبقاء وكتب على جميع خلقه
الموت والفناء يا من يصوّر في الارحام ما يشاء يا من احاط بكلّ
شيءٍ علماً واحصى كلّ شيءٍ عدداً لا شريك لك في الملك ولا وليّ
لك من الذلّ تعزّزت بالجبروت وتقدّست بالملكوت وانت
حيٌّ لا يموت وانت عزيزٌ ذو انتقامٍ قيّومٌ لا تنام قاهرٌ لا تغلب
ولا ترام ذو البأس الذي لا يستضام انت مالك الملك ومجري
الفلك تعطي من سعة وتمنع من قدرة تؤتي الملك من تشاء و
تنزع الملك ممّن تشاء وتعزّ من تشاء وتذلّ من تشاء بيدك
الخير انّك على كلّ شيءٍ قديرٌ تولج الليل في النهار وتولج
النهار في الليل وتخرج الحيّ من الميّت وتخرج الميّت من الحيّ و
ترزق من تشاء بغير حسابٍ اسئلك ان تصلّي على مولانا وسيّدنا
ورسولك محمّدٍ حبيبك الخالص وصفيّك المستخلص الذي اختصصته
بالحبوة والتفويض وائتمنته على وحيك ومكنون سرّك ومخزون
علمك وفضّلته على من خلقت وقرّبته اليك واخترته من
بريّتك البشير النذير السراج المنير الذي ايّدته بسلطانك
واستخلصته لنفسك وعلى اخيه ووصيّه وصهره ووارثه و
الخليفة لك من بعده في خلقك وارضك امير المؤمنين عليّ بن ابي
طالبٍ عليه السلام وعلى ابنته الكريمة الفاضلة الطاهرة
الزاهرة الغرّاء فاطمة وعلى ولديهما الحسن والحسين سيّدي
شباب اهل الجنّة الفاضلين الراجحين الزكيّين التقيّين

الشهيد بن الخيرين الفاضلين وعلى علي بن الحسين زين العابدين وسيدهم ذي الثفنات وعلى محمد بن علي الباقر وجعفر بن محمد الصادق وموسى بن جعفر الكاظم وعلي بن موسى الرضا ومحمد بن علي الجواد وعلي بن محمد الهادي والحسن بن علي العسكري والمنتظر لامرك والقائم بامرك بما يرضيك والحجة على خلقك والخليفة لك على عبادك المهدي بن المهديين الراشدين المرشدين الى صراط مستقيم صلوة تامة عامة دائمة نامية باقية شاملة متواصلة وان تغفر لنا وترحمنا وتفرج عنا كربنا وهمنا وغمنا اللهم اني اسئلك ولا اسئل غيرك وارغب اليك ولا ارغب الى سواك واسئلك بجميع مسائلك واحبها اليك وادعوك واتضرع اليك واتوسل اليك باحب اسمائك اليك واحظاها عندك وكلها حظي عندك ان تصلي على محمد وال محمد وان ترزقني الشكر عند النعماء والصبر عند البلاء والنصر على الاعداء وان تعطيني خير السفر والحضر والقضاء والقدر وخير ما سبق في ام الكتاب وخير الليل والنهار اللهم ارزقني حسن ذكر الذاكرين يا رب العالمين وارزقني خشوع الخاشعين وعمل الصالحين وصبر الصابرين واجر المحسنين وسعادة المتقين وقبول الفائزين وحسن عبادة العابدين وتوبة التائبين واجابة المخلصين ويقين الصديقين والبسني محبتك والهمني الخشية لك واتباع امرك وطاعتك ونجني من سخطك واجعل لي الى كل خير سبيلا ولا تجعل للشيطان علي سبيلا ولا للسلطان واكفني شرهما وشر ذلك كله علانيته وسره اللهم ارزقني الاستعداد

عند الموت واكتساب الخير قبل الفوت حتى تجعل ذلك عدة في اخرتي وانسا لي في وحشتي يا ولي نعمتي اغفر لي خطيئتي وتجاوز عن ذلتي واقلني عثرتي وفرج عني كربتي وابرد باجابتك حر قلبي واقض لي حاجتي وسد بغناك فاقتي واعني في الدنيا والاخرة واحسن معونتي وارحم في الدنيا غربتي وعند الموت صرعتي وفي القبر وحشتي وبين اطباق الثرى وحدتي ولقني عند المسائلة حجتي واستر عورتي ولا تواخذني على ذلتي وطيب لي مضجعي وهنئني معيشتي يا صاحبي الشفيق ويا سيدي الرفيق ويا مونسي في كل طريق ويا مخرجي من حلق المضيق ويا غياث المستغيثين ويا مفرج كرب المكروبين ويا حبيب التائبين يا قرة عين العابدين يا ناصر اولياء المتقين يا مونس احباء المستوحشين ويا مالك يوم الدين يا رب العالمين يا اله الاولين والاخرين بك اعتصمت وبك وثقت وعليك توكلت واليك انبت وبك انتصرت وبك احتجزت واليك هربت فصل على محمد وال محمد واعطني الخير فيمن اعطيت واهدني فيمن هديت وعافني فيمن عافيت واكفني فيمن كفيت وقني شر ما قضيت فانك تقضي ولا يقضى عليك لا مانع لما اعطيت ولا مضل لمن هديت ولا مذل لمن واليت ولا ناصر لمن عاديت ولا ملجا ولا منجا منك الا اليك فوضت امري اليك ارزقني الغنيمة من كل ورد يا سامع كل صوت يا محيي كل نفس بعد الموت يا من لا يخاف الفوت صل على محمد وال محمد واجلب لي الرزق جلبا فاني لا استطيع له طلبا ولا تضرب بالطلب وجهي ولا تحرمني رزقي ولا تحبس عني اجابتي ولا توقف

مسئلتی و لا نظل خیرتی و شفع و لا بنی و وسیلتی محمد نبیک و
صفیک و خاصتک و خالصتک و رسولک النذیر المنذر الطهر
الطاهر و اخیه امیر المؤمنین و قائد المؤمنین الی جنات النعیم و
بفاطمة الکریمة الزاهرة و الائمة من ذریتهم الطاهرین
الاخیار صل علیهم اجمعین و ارزقنی رزقا واسعا و انت
خیر الرازقین فقد تقدمت و سیلتی بهم الیک و توجهت بک
الیک یا بر یا رؤف یا رحیم یا الله یا الله یا ذا المعارج فانک
ترزق من تشاء بغیر حساب اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارحمنا
و اعتقنا من النار و اختم لنا بخیر انک علی کل شیء قدیر آمین
آمین رب العالمین **و از جمله ادعیه عظیمه دعائیست که مشهور است
بدعای سلمان مرویست** که فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسلمان
فارسی رضی الله عنه که یا سلمان آیا خبر دهم ترا بچیزی که بهتر و
نیکوتر است از طلا و نقره و بهتر است از دنیا و زینتهای آن عرض
کرد که بلی یا رسول الله صلی الله علیک و علی آلک پس فرمود که
بگو اللهم ان الامر قد خلص الی نفسی و هی اعز الانفس علی
و اهمها الی و قد علمت ربی و علمک افضل من علمی انک
تعلم منی ما لا اعلم من نفسی لک محیای و مماتی و دنیای و
آخرتی الیک مرجعی و منقلبی لا املک الا ما اعطیتنی و لا
اتقی الا ما وقیتنی و لا انفق الا ما رزقتنی بنورک اهتدیت
و بفضلک استغنیت و بنعمتک اصبحت و امسیت ملکتنی
بقدرتک و قدرت علی بسلطانک تقضی فیما اردت لا یحول
احد دون قضائک او قربنی نعمائک و اوقرت نفسی ذنوبا کثرت
خطایای و عظم جرمی و اکتنفتنی شهواتی فقد ضاق بها ذرعی و

عجز

الهی

عجز بها عملی و ضعف عنها شکری و قد کدت ان اقنط من رحمتک
الهی و ان القی الی التهلکة بیدی الذی ایأس منه عندی و
ذکری من ذنوبی و ما اسرفت به علی نفسی و لکن رحمتک
رب التی تنهضنی و تقوینی و لولا هی لم ارفع راسی و لم اقم
صلبی من ثقل ذنوبی فایاک ارجو الهی انت ارجی من عملی
الذی اتخوفه و اشفق منه علی نفسی الهی و کیف لا اشفق من
ذنوبی و قد خفت ان تکون اوبقتنی و قد احاطت بی و اهلکتنی
و انا اذکر من تضییع اماناتی و ما قد تکلفت به علی نفسی ما لم
تحمله الجبال قبلی و لا السموات و الارضون و هی اقوی منی
و حملتها بعلمک بها و قلة علمی فلولا کان لی عمل ینفعنی لم
تقر فی الدنیا عینی و لصارت حلاوتها مرارة عندی و لعودت
هاربا من ذنوبی لا یبیت یأوینی و لا ظل یکننی مع الوحوش
مقعدی و مقیلی و لو فعلت ذلک لکان یحق لی ان اتخوف
علی نفسی و الموت یطلبنی حثیثا دائبا نقص اثری موکل بی
کانه لا یرید احدا غیری لیس بناظر بی ساعة اذا جاء اجلی
کانی اراه صریعا بین یدیه و کانی بالموت یمنعنی و لا یدفع
کربه عنی و لا استطیع امساعا یؤخرنی و بکاس الموت
یسقینی و لا منعة عندی مغلوبة بکرب الموت نفسی تختلج
لها اعضائی و اوصالی و کل عرق ساکن منی فکانی بملک
الموت یسئل روحی مستسلم له بل علی الکراهة منی کذا
رسل ربی یقبضون فی الحجر روحی فعندها ینقطع من الدنیا
اثری و اغلق باب توبتی و رفعت کتبی و طویت صحیفتی و عفی
ذکری و رفع عملی و ادخلت فی هول آخرتی و صرت جسدا

بين اهلي يصرخون ويبكون حولي قد استوحشوا مني واحتجوا فيّ
وعجلوا الى كفني وحملوني الى حفرتي فالقيت فيها لجنبي
وسويت الارض على من فوقي وسلموا علي ودعوني واقمت
في منتهى من كان قبلي من جيراني لا يؤنسوني ولا ازورهم
ولا يزوروني وفي عسكر الموت خلفوني فيه مضجعي ومنامي
وحش فقر مكاني قد ذهب الاهلون عني وايقنوا بالتفرقة
مني ولا يرجون اخر الدهر ليس احد منهم يؤنسني في وحشتي
ولا يحمل ذنبا من ذنوبي وكل قد ذهل عني وتركوني
وحيدا في قبري انا صاحب نفسي لا ارى احدا من الناس ما
يفعل بي فان يك ربي راضيا عني فطوبى ثم طوبى لي وان تكن
الاخرى فيا حسرتا ويا ندامتا على ما فرطت في جنب ربي و
كيف اذكر هذا الامر ثم لا تدمع له عيني ولا يفزع
لذكره قلبي ولا ترعد له فرائصي ولا احمل على ثقله نفسي و
لا اقصر على هواي وشهواتي مغرور في دار غرور قد خفت
ان لا يكون هذا الصدق مني فاشكو اليك يا رب قسوة قلبي
وتقصيري وابطائي وقلة شكري ربي رب جعلت لي جوارح
لاستتمام النعم منك يحق لي لك الشكر على جوارحي واعضائي
واوصاني بالذي يحق لك عليها من العبادة بخشوع نفسي وبصري
وجميع اركاني فبهن عصيتك ربي ولم يكن ذلك جزاءك
وشكرك مني وقد خفت ان اكون قد اوبقت نفسي واستهلكتها
بجرمي واستوجبت العقوبة منك ليس دونك احد يأويني و
لا يطيق ملجاي ولا من عقوبتك ينجيني ولا يغفر ذنبا من
ذنوبي وكل قد شغل بنفسه عني بارزتك بسوءتي و

يا رب الخطايا وانت تراني في سري منها وعلانيتي واظهرت
لك ما اخفيت من الناس فاستترت من ذنوبي ولا يروني فيعيبوني
استحياء منهم ولم استحيك الهي وقد اسأت الى نفسي وقد فتنني
في امهالك شهوتي وتعاطيت ما تعاطيت وطاوعتها فيما مضى
من عمري ولا اجدها تطيعني ادعوها الى رشدها فتأبى ان
تطيعني واشكو اليك رب ما اشكو لتصرخني وتستنقذني
پس سؤال كن بعد از اتمام حاجت خود را واز جمله ادعيه عظيمه
دعائيست كه بسند معتبر صحيح روايت كرده ابن طاوس
كه اسير شده بود مردي در ارض روم پس برخاست در اخر شب
ودو ركعت نماز كرد پس دعا كرد باين دعا پس فرستاد خداي عز
وجل از براي او ملكي تا رسانيد او را بر بال خود بر قفاي او پس
پرسيدند از حال او پس گفت ايشان را كه خواندم اين دعا را ودعا
اينست اين اله الداهرين اين اله بني اسرائيل اين مغرق
فرعون وجنوده اين مهلك الجبابرة اين الذي من ابتغاه
وجده اين الذي من دعاه اجابه اين الذي لا يسلم اولياءه
اين الذي كان ولم يكن له شيء قبله اين الذي يبقى ويفنى
كل شيء بامره اين الذي ارسى الجبال بقدرته اين الذي
ذخر البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم اين مفرج
الغموم والهموم اين خالق الخلائق اين عظيم العظماء انت هو
يا رب انت هو يا رب انت هو يا رب صل على محمد وال محمد
واعط محمدا الوسيلة واستجب دعائي بلا اله الا انت
افككني من بلائي وارحمني يا ارحم الراحمين يا كهيعص
امين امين يا قدوس يا قدوس يا اول الاولين يا اخر الاخرين

یا اللّٰه یا اللّٰه یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
افعل بی کذا وکذا و بجای لفظ کذا وکذا مطلب را نام ببرد
و از جملهٔ ادعیهٔ عظیمه دعائیست که منقول است از جمعی اکابر ثقات
ایشان ثقات اکابری که تجربه کرده اند که این دعای عظیم بزرگیست
نمیخواند این دعا را فقیری مگر آنکه غنی میشود و نمیخواند غنی مگر آنکه
غنای او زیاده میشود و نمیخواند خایفی از پادشاه یا حاکم ظالم یا غیر
اینها از دشمنان مگر آنکه ایمن میگردد و نمیخواند مسافری مگر آنکه بسلامت
مراجعت میکند و نمیخواند بیماری مگر آنکه شفا مییابد و نمیخواند محبوسی
مگر آنکه از بند خلاص میشود و نمیخواند کسی که نسیان داشته باشد
یا کم فهم یا کم حافظه باشد مگر آنکه الهام میشود با و حیات دل
و نمیخواند گناهکاری بر نفس خود یا عاصی بخدای خود مگر آنکه
موفق میگرداند حق تعالی او را بطاعت و این دعا سریست از اسرار
الهی و نمیرسد بخواننده این دعا مگر مرتبهٔ بزرگ و بتحقیق کرد دعا
کرده باین دعا شیخ ابی عبد الله مغربی در چیزی از حاجات دنیا
و آخرت و یافته صحیح و شک مکن درین دعا ای آنکه یافته این دعا
بدرستی که این دعای عظیم النفع کثیر الخیر است و کسی که با خود
دارد این دعا را نزدیک نمیشود باو احدی از جن و شیاطین و
سحره و ام الصبیان و حامل این دعا محفوظ است از چشم زخم باذن
الله تعالی و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله
اشرق نور الله لا اله الا الله ظهر نور الله لا اله الا الله
ظهر کلام الله لا اله الا الله مضی حکم الله لا اله الا الله
ثبت حکم الله لا اله الا الله نفذ قضاء الله لا اله الا الله
جاء نصر الله لا اله الا الله استعنت بالله لا اله الا الله

توکلت علی الله لا اله الا الله الجأت الی الله لا اله الا الله
فوضت امری الی الله لا اله الا الله اعتصمت بالله لا اله الا
الله تحصنت بخفی لطف الله و بلطیف صنع الله و بجمیل ستر الله
و بعظیم ذکر الله و بهیبة جلال الله و برحمة جمال الله و دخلت
فی کنف الله و استجرت برسول الله و تبرأت من حولی و قوتی
و اعتصمت بحول الله و قوته و رمیت من رمانی بلا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم اللهم رب السموات و الارض
اله السموات و الارض مالک السموات و الارض سلطان
السموات و الارض بدیع السموات و الارض جبار السموات
و الارض قیوم السموات و الارض نور السموات و الارض
اسئلک باسمک النور و بوجهک النور و بکتابک النور و
برسولک النور ایدنی بالنور و اهدنی الی النور و نورنی بالنور
و شعشعنی بالنور و اغمسنی بالنور و احجبنی بالنور و ثبتنی علی
النور و احشرنی الی النور فقد قلت فی سورة النور و من لم
یجعل الله له نورا فما له من نور اللهم اجعل فی قلبی نورا
و فی صدری نورا و فی لسانی نورا و فی سمعی نورا و فی بصری
نورا و فی شعری نورا و فی بشری نورا و فی عروقی نورا و فی
عصبی نورا و فی لحمی نورا و فی عظمی نورا و فی ظاهری نورا
و فی باطنی نورا و فی جملتی نورا و فی دنیای نورا و فی
اخرتی نورا و فی حیاتی نورا و فی مماتی نورا وهب لی منک
نورا و زدنی نورا و اجعل لی نورا و البسنی نورا من نور جلالک
و نور جمالک و نور الانوار الله نور السموات و الارض مثل
نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة

كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ
وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ
يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و از جمله ادعیه عظیمه دعای جوشن صغیر است

ومذکور است در مهج الدعوات روایت فرموده حضرت موسی بن
جعفر از پدران بزرگوارش از حضرت امام حسن علیه السلام
که گفت فرمود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ای فرزند آیا تعلیم
کنم ترا سری از اسرار خدای عز وجل که تعلیم کرده بمن رسول الله
و بود از اسرار آنحضرت صلی الله علیه و آله که مطلع نبود بر آن
احدی گفتم بلی یا اباه فدای تو گردم فرمود نازل شد بر رسول الله
صلی الله علیه و آله جبرئیل در روز احد و بود روز با ترس بسیار
گرم و بود حضرت پیغمبر را زرهی که طاقت پوشیدن آن نداشت
بسبب گرمی هوا و گرمی زره فرمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
که بلند کردم سر خود را بجانب آسمان و خواندم خدای تعالی
را پس دیدم که درهای آسمان گشوده شد و نازل گردید جبرئیل
علیه السلام و گفت السلام علیک یا رسول الله گفتم علیک
السلام یا اخی جبرئیل پس گفت حق تعالی سلام رسانیده بتو و
مخصوص گردانیده ترا بتحیت و اکرام و میفرماید که بکن این زره را
و بخوان این دعا را پس هر گاه بخوانی و با خود نگاه داری این دعا
را مثل زرهیست که پوشیده پس گفتم یا اخی جبرئیل این دعا مخصوص
منست از برای من و امت من گفت یا رسول الله این هدیه ایست از
حق تعالی بسوی تو و امت تو گفتم ای برادر چیست ثواب این دعا

گفت یا نبی الله ثواب این دعا را نمیداند مگر خدای تعالی از برای
آنکه بخواند این دعا را نزد بیرون رفتن از خانه وقت صبح یا شام ملحق
میگرداند خدای تعالی او را به بهترین اعمال که در توریة و انجیل
و زبور و فرقان و صحف ابرهیم است گفتم ای برادر هر کس بخواند
این را عطا میفرماید حق تعالی باو این ثواب را گفت بلی و عطا
میفرماید باو حق تعالی بهر حرفی دو زن از حوران بهشت پس
هر گاه فارغ شود از قرائت این دعا بنا میکند خدای تعالی از برای
او خانه در بهشت و عطا میکند باو از ثواب بعدد حروف توریة
و انجیل و زبور و فرقان گفتم همه این ثواب از برای کسی است که
بخواند این دعا را گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله بحق
آن خدائی که فرستاده ترا براستی بر نبوت و رسالت که حق تعالی
میکند باو مثل ثواب ابرهیم و موسی و عیسی و محمد علیهم السلام
گفتم همه این ثواب از برای صاحب این دعاست گفت بلی یا رسول
الله هر کس بخواند و نگاه دارد با خود خواهد بود از برای او
بیشتر از آنچه ذکر کردم و بحق آن خدائی که فرستاده ترا به نبوت
که در عقب مغرب زمینیست سفید که در آن خلقی از مخلوقات
الهی اند که عبادت میکنند خدا را و معصیت نمیکنند او را و دریده
و پاره شده گوشت ایشان و روی ایشان از گریه پس وحی کرد
خدای تعالی بسوی ایشان که از برای چه گریه میکنید و حال آنکه
معصیت نکرده اید مرا در چشم بهم زدنی گفتند که میترسیم که غضب
کند خدای تعالی بر ما و عذاب کند ما را با آتش پس گفت حضرت
امیر المؤمنین که عرض کردم که یا رسول الله نیست در آنجا شیطان
یا احدی از بنی آدم آنحضرت فرمود که بحق آن خدائی که فرستاده

مرا براستی به نبوت که بمیدانند که خدای تعالی خلق کرده آدم را
و نیز شیطان را و نمیدانند عدد ایشان را مگر خدای تعالی و گردش
و سیر آفتاب در بلاد ایشان چهل روز است نمیخورند و نمی‌آشامند
و بدرستی که حق تعالی عطا میفرماید بصاحب این دعا ثواب
بعدد ایشان و عبادت ایشان گفت حضرت امیر علیه السلام
که آیا عطا میفرماید ثواب این همه را گفت بحق آن خدائی که فرستاده
مرا براستی به نبوت که بنا کرده حق تعالی در آسمان چهارم خانه
که میگویند آن را بیت المعمور و داخل میشود در آن هر روز هفتاد
هزار ملک و بیرون می‌آیند از آن و بر نمیگردند دوباره بسوی
آن خانه تا روز قیامت بدرستی که خدای عز و جل عطا میفرماید
باو ثواب این ملائکه را و عطا میکند باو ثواب بعدد مؤمنین و
مؤمنات از انس و جن از روزی که خلق کرده ایشان را تا روز قیامت
و کسی که بنویسد این دعا را در ظرف پاک بآب باران و زعفران
و بشوید و بیاشامد از آنچه خواهد عافیت میدهد خدای تعالی
او را از هر دردی که در بدن اوست و شفا میدهد از هر درد و بیماری
و فرمود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که یا اخی جبرئیل همه
این فضیلت این دعاست و همه این ثواب را عطا میفرماید حق
تعالی بصاحب این دعا گفت جبرئیل بحق آن خدائی که فرستاده مرا
براستی به نبوت که هر کس بخواند این دعا را بمیرد مردن شهدا گفتم
از شهدای بحر یا از شهدای بر گفت بحق آن خدائی که فرستاده
ترا براستی به نبوت که خدای تعالی مینویسد از برای او ثواب
هفتصد هزار شهید از شهدای بر گفتم یا اخی جبرئیل آیا عطا
میفرماید حق تعالی همه این ثواب را بخواننده این دعا گفت بحق آن

خدائی که ترا فرستاده براستی به نبوت که اگر یکشب بخواند کسی این دعا را
پس بدرستی که خدای تعالی قبول میکند او را و نظر میکند بسوی او
و عطا میکند باو آنچه سؤال کند از حوائج دنیا و آخرت و دفع میکند
از او شر شیاطین و کید ایشان را و قبول میکند اعمال او را همه و
ظاهر میگرداند آنچه از برای اوست و همچنین باعمال مؤمنین و مؤمنات
گفتم یا اخی جبرئیل زیاده گردان از برای من ثواب این دعا را گفت یا
رسول الله گفت بمن اسرافیل بدرستی که حق تعالی قسم یاد فرمود بعزت
و جلال خود که کسی که ایمان بیاورد بمن و تصدیق کند بتو و باین دعا
عطا فرمایم باو ملکی و بدرستی که منم آن خدائی که کم نمی‌آید خزاین من
و فانی و برطرف نمیشود آنکه مرا یافتند و اگر بگردانم بهشت را از برای
بنده از بندگان مؤمن کم نمی‌آید از آن از خزاین من چیزی اندک و نیز
یا محمد منم آن خدائی که هر گاه اراده کنم امری را و بگویم کن یعنی بشو
فیکون پس میشود یا محمد اگر بنده از بندگان من بخواند بیقین خالص
و نیت صادق هفتاد مرتبه بر سر اهل بلا در دنیا از برص و جذام
و جنون هر آینه عافیت میدهم ایشان را از این بلاها خوشا حال
کسی که ایمان آورد بخدا و تصدیق کند برسول او و باین دعا و ثواب
این دعا و وای بر کسی که انکار کند و ایمان نیاورد باین یا نبی الله
اگر کسی بنویسد این دعا را در جامی بکافور و مشک و بشوید و بپاشد
بر کفن میت بفرستد خدای تعالی بر او در قبرش هزار نور و دفع کند
خدا از او هول منکر و نکیر و ایمن گرداند از عذاب قبر و بفرستد
خدای تعالی بسوی او در قبرش هفتاد هزار ملک با هر ملکی طبقی
از نور که نثار کنند بر او و حمل کنند او را بسوی بهشت و بگویند
که خدای تبارک و تعالی امر فرموده بما یا بی و مونس تو گروهی اند

مارا نار روز قیامت و وسیع کرداند حق تعالی قبر او را انچه نظرش کار کند
و بگشاید از برای او دری بسوی بهشت و بر مسندی میشانند او را
مثل عروس در حجله اش از حرمت این دعا و بزرگی این دعا و بفرمایند
حق تعالی که مرا شرم می اید از بنده که بوده باشد این دعا بر کفن او
گفت جبرئیل علیه السلام که یا محمد شنیدم از حق تعالی که میفرمود
بود این دعا نوشته بر ساق عرش پیش از خلق دنیا به پنج هزار سال
و هر بنده که بخواند این دعا را به نیت صادق خالص که مخلوط نکند
با وشک در اول ماه مبارک رمضان عطا میکند خدای تعالی با او
ثواب شب قدر و خلق کرده خدای تعالی در هر اسمان هفتاد هزار
ملک و در بیت المقدس هفتاد هزار ملک و در مشرق هفتاد هزار
و در مغرب هفتاد هزار ملک از برای هر ملک بیست هزار سر در هر
سری بیست هزار دهن در هر دهن بیست هزار زبان که تسبیح میکند
خدای تعالی را بلغات مختلفه و میکرداند ثواب تسبیح ایشانرا
از برای کسی که بخواند این دعا را با نبی الله نمیماند پیغمبری مگر که بخواند
این دعا را و نمیماند بنده که دعا کند با این دعا مگر انکه باقی نماند میان
دعا کننده و میان حق تعالی بغیر از حجاب واحد و سؤال نکند از
حق تعالی چیزی مگر که عطا میفرماید باو و هر کس که بخواند این دعا
را بفرستد حق تعالی بسوی او نزد بیرون شدن او از قبر هفتاد
هزار ملک در دست هر ملک علمی از نور و هفتاد هزار غلام در
دست هر غلام جلو مرکبی که شکم او از مروارید باشد و پشت او از
زبرجد سبز و دست و پای او از یاقوت سرخ و بر پشت هر مرکب قبه
از نور از برای قبه چهارصد در هر دری تختی و بر هر تخت چهارصد
فرش از سندس و استبرق بر هر فرش چهارصد حوریه و چهارصد

خدمتکار از برای هر حوریه و خدمتکار چهارصد گیسو از مشک اذفر
و بر سر هر خدمتکار تاجی از طلای سرخ که تقدیس و تسبیح میکنند
خدا را و میدهند ثواب اینها را از برای کسی که بخواند این دعا را
و بعد از ان می ایند هفتاد هزار ملک با هر ملک جامی از مروارید
سفید در ان چهار رنگ از شراب یعنی اب خوب که بد بو و بد مزه
نباشد و شیر تازه که طعم ان تغییر نیافته باشد و شرابی که لذت یابد
خورنده و عسل مصفی بر سر هر طبق دستمالی بر ان نوشته که لا اله
الا الله وحده لا شریک له و پایین ان نوشته نوشته است که این
هدیه ایست از حق تعالی بسوی فلان بن فلان که مداومت کرده بر قراءت
در عرصات قیامت و خلق همه نگاه میکنند بسوی او و میگویند که
این کیست که میگردد با او از غلامان و کنیزان و ایشان بر مرکب
سوارند و ملائکه از پیش رو و از پشت سر میبرند او را تا زیر عرش پس
ندا میکند منادی از جانب خدای رحمن که ای بنده من داخل شو
در بهشت بغیر حساب یا رسول الله هر بنده که بخواند این دعا را می نشینند با
ملائکه در تعب انچه بنویسند از برای او از حسنات و محو کنند از او از
سیئات و فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله که نیست بنده از امت من
که بخواند این دعا را در ماه رمضان سه مرتبه و اگر یکمرتبه بخواند
جایز است مگر انکه حرام میکرداند حق تعالی بدن او را از اتش و
واجب میکرداند از برای او بهشت را این قدر از پیش حق تعالی عظیم
و منزلت او جلیل است و کسی که بخواند این دعا را موکل میکرداند
خدای عز و جل با او دو ملک را که نگاه دارند او را از معاصی و
تسبیح و تقدیس میکنند خدا را و نگاه میدارند او را از همه بلاها
و میگشایند از برای او درهای بهشت را و میبندند از او درهای

جهنم را و نارنده است در امان خدا است و نزد مردان هم و بتحقیق که می
شمارد خدا از برای آنچه وصف کردم از برای تو پس گفت رسول الله
صلی الله علیه و آله یا اخی جبرئیل آرزومند کردی مرا باین دعا پس
گفت یا محمد تعلیم مکن این دعا را مگر بمؤمنی که مستحق این دعا باشد نه بکسی
که نخواند که نگاه دارد و استهزا کند و هرگاه بخواند باید به نیت خالص
صادق باشد و هرگاه با خود دارد با طهارت باشد از برای آنکه
دست نمیکشند از او مگر پاکان و فرمود حضرت امام حسین علیه السلام
وصیت کرد بمن پدرم وصیت عظیمی باین دعا و حفظ این دعا و فرمود
بمن که ای فرزند بنویس این دعا را بر کفن من و فرمود حضرت امام
حسین صلوات الله علیه که نوشتم چنانچه امر کرده بود پدرم و این
دعای سریع الاجابه است که مخصوص گردانیده بآن خدای تعالی
بندگان مقرب را و منع نکرده آنرا از اولیا و اصفیا و این گنجیست
از گنجهای الهی و معروفست بدعای جوشن ای نگاه دارنده آگاه
شده بر این حصار او سوگند است بخدا که مسامحه مکن و آسان مده
این دعا را مگر بمؤمن دوست که مستحق باشد حق ما را و اگر بدهی
بغیر مستحق بکسی که نداند حق آنرا و کسی که استهزا کند بآن پس سؤال
میکنم از خدای بزرگ اینکه محروم کند ترا از ثواب این دعا و بگرداند
نفع آنرا بر تو ضرر و این وصیت من است بتو در حرز و دعای معروف
بحرز جوشن بگرداند خدای تعالی این دعا را حرز و امان برای
کسی که بخواند آنرا از آفات دنیا و آخرت و فرمود حضرت رسول
صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام که یا علی بیاموز
این دعا را باهل و اولاد خود و ترغیب و تحریض کن ایشانرا بر این
دعا و توسل بخدای تعالی باین دعا و باعتراف بنعمت او و بتحقیق

که حرام

که حرام گردانند بر ایشان که بنیامورند مشرک و بی دینی را بدرستی که
سؤال نمیکند از حق تعالی حاجت خود را مگر آنکه عطا میکند
باو و کفایت میفرماید برای او و نگاه میدارد او را بسبب این دعا
یا علی بتحقیق که شناسانید مرا جبرئیل علیه السلام از فضیلت این
دعا آنچه را قادر نیستم که وصف کنم و بشمارم مگر خدای عز و جل
و الحمد لله رب العالمین دعای جوشن صغیر اینست الهی کم من عدو
انتضی علی سیف عداوته و شحذ لی ظبة مدیته و ارهف لی
شبا حده و داف لی قواتل سمومه و سدد نحوی صوائب
سهامه و لم تنم عنی عین حراسته و اضمر ان یسومنی المکروه
و یجرعنی زعاف مرارته فنظرت الی ضعفی عن احتمال
الفوادح و عجزی عن الانتصار ممن قصدنی بمحاربته و وحدتی
فی کثیر من ناوانی و ارصادهم لی فیما لم اعمل فیه فکری
فی الارصاد لهم بمثله فایدتنی بقوتک و شددت ازری
بنصرک و فللت لی شبا حده و خذلته بعد جمع عدیده و
حشده و اعلیت کعبی علیه و وجهت ما سدد الی من مکائده
الیه و رددته و لم یشف غلیله و لم تبرد حرارات غیظه
و قد عض علی انامله و ادبر مولیا قد اخفقت سرایاه
فلک الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل
علی محمد و آل محمد و اجعلنی لانعمک من الشاکرین و لآلائک
من الذاکرین الهی و کم من باغ بغانی بمکائده و
نصب لی اشراک مصائده و وکل بی تفقد رعایته و
اضبأ الی اضباء السبع لطریدته انتظارا لانتهاز فرصته و
هو یظهر لی بشاشة الملق و یبسط لی وجها غیر طلق فلما

۲ یا الهی
۳ عن ملمات الجوائح و تصویح
۷ علیه

رأيت دغل سريرته وقبح ما انطوى عليه لشريكه في ملّته
واصبح مجلباً عليّ في بغيه اركسته لأمّ رأسه واتيت بنيانه
من اساسه فصرعته في زبيته وارديته في مهوى حفرته
ورميته بحجره وخنقته بوتره وذكيته بمشاقصه وكببته
لمنخره ورددت كيده في نحره وربقته بندامته وفتيته
بحسرته فاستخذل واستخذا وتضاءل بعد نخوته وانقمع
بعد استطالته ذليلاً مأسوراً في ربق حبائله التي كان
يؤمّل ان يراني فيها يوم سطوته وقد كدت يا ربّ لولا رحمتك
يحلّ بي ما حلّ بساحته فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب
وذي اناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من
حاسد شرق بحسده وشجى بغيظه وسلقني بحدّ لسانه ووخزني
بموق عينه وجعل عرضي غرضاً لمراميه وقلّدني خلالاً
لم تزل فيه فناديتك يا ربّ مستجيراً بك واثقاً بسرعة اجابتك
متوكّلاً على ما لم ازل اعرفه من حسن دفاعك عالماً انّه لن
يضطهد من اوى الى ظلّ كنفك وان لا تقرع الفوادح من
لجأ الى معقل الانتصار بك فحصّنتني من بأسه بقدرتك فلك
الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صلّ على
محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين الهي وكم من سحائب مكروه فلّقتها (جلّيتها) وسماء
نعمة مطرتها علينا (؟) وجداول كرامة اجريتها واعين احداث
طمستها وناشئة رحمة نشرتها وجنّة عافية ألبستها و
غوامر كربات كشفتها وامور جارية قدّرتها لم تعجزك

٢ وجعلت خدّه طبقاً لتراب رجله وشغلته في بدنه ورزقه [illegible] فتنته صح

٢ ووجّه اليّ صنوف غيبه صح

اذ طلبتها ولم تمتنع عليك اذ اردتها فلك الحمد يا ربّ من مقتدر
لا يغلب وذي اناة لا يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني
لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين الهي وكم
من ظنّ حسن حقّقت ومن عدم املاق جبرت ومن مسكنة
فادحة حوّلت ومن صرعة مهلكة انعشت ومن مشقّة ارحت
لا تسئل يا سيّدي عمّا تفعل وهم يسئلون ولا ينقصك ما
انفقت ولقد سئلت فاعطيت ولم تسئل فابتدأت واستميح
باب فضلك فما اكديت ابيت الّا انعاماً وامتناناً والّا
تطوّلاً يا ربّ واحساناً وابيت يا ربّ الّا انتهاك حرماتك
واجتراءً على معاصيك وتعدّياً لحدودك وغفلةً عن وعيدك
وطاعةً لعدوّي وعدوّك لم يمنعك يا الهي وناصري اخلالي
بالشكر عن اتمام احسانك ولا حجزني ذلك عن ارتكاب مساخطك
اللّهمّ فهذا مقام عبد ذليل اعترف لك بالتوحيد واقرّ
على نفسه بالتقصير في اداء حقّك وشهد لك بسبوغ نعمتك
عليه وجميل عاداتك عنده واحسانك اليه فهب لي يا الهي
وسيّدي من فضلك ما اريده الى رحمتك واتّخذه سلّماً
اعرج فيه الى مرضاتك وآمن به من سخطك بعزّتك وطولك
وبحقّ محمد نبيّك والائمّة المعصومين صلوات الله عليه و
عليهم فلك الحمد يا ربّ من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا
يعجل صلّ على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين الهي وكم من عبد امسى واصبح
في كرب الموت وحشرجة الصدر والنظر الى ما تقشعرّ منه
الجلود وتفزع اليه القلوب وانا في عافية من ذلك كلّه

فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل
على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين إلهي وكم من عبد أمسى وأصبح سقيما موجعا
مدنفا في أنين وعويل يتقلب في غمه ولا يجد محيصا ولا
يسيغ طعاما ولا يستعذب شرابا وأنا في صحة من البدن
وسلامة من العيش كل ذلك منك فلك الحمد يا رب من مقتدر
لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين إلهي وكم
من عبد أمسى وأصبح خائفا مرعوبا مسهدا مشفقا وجيدا
وجلا هاربا طريدا أو منجحرا في مضيق أو مخباة من المخابي قد
ضاقت عليه الأرض برحبها لا يجد حيلة ولا منجى ولا ماوى
ولا مهربا وأنا في أمن وطمانينة وعافية من ذلك كله
فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل
صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين و
لآلائك من الذاكرين إلهي وسيدي وكم من عبد أمسى و
أصبح مغلولا مكبلا بالحديد بأيدي العداة لا يرحمونه
فقيدا من أهله وولده منقطعا عن إخوانه وبلده يتوقع كل
ساعة بأية قتلة يقتل وبأي مثلة يمثل وأنا في عافية من
ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة
لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين إلهي وسيدي وكم من عبد أمسى و
أصبح يقاسي الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشيته الأعداء
من كل جانب بالسيوف وآلة الحرب يتقعقع في الحديد مبلغ

مجهوده

مجهوده ولا يعرف حيلة ولا يجد مهربا قد أدنف بالجراحات أو
متشحطا بدمه تحت السنابك والأرجل يتمنى شربة من ماء
أو نظرة إلى أهله وولده ولا يقدر عليها وأنا في عافية من
ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا
يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين
ولآلائك من الذاكرين إلهي وكم من عبد أمسى وأصبح
في ظلمات البحار وعواصف الرياح والأهوال والأمواج
يتوقع الغرق والهلاك لا يقدر على حيلة أو مبتلى بصاعقة
أو هدم أو غرق أو حرق أو شرق أو خسف أو مسخ أو قذف
وأنا في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا
يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين إلهي
وكم من عبد أمسى وأصبح مسافرا شاخصا عن أهله ووطنه
وولده متحيرا في المفاوز تائها مع الوحوش والبهائم والهوام
وحيدا فريدا لا يعرف حيلة ولا يهتدي سبيلا أو متأذيا ببرد
أو حر أو جوع أو عري أو غيره من الشدائد مما أنا منه خلو و
في عافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب و
ذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من
الشاكرين ولآلائك من الذاكرين إلهي وكم من عبد أمسى و
أصبح فقيرا عائلا عاريا مملقا مخفقا مهجورا خائفا جائعا
ظمآنا ينتظر من يعود عليه بفضل أو عبد وجيه هو أوجه
مني عندك أو أشد عبادة لك مغلولا مقهورا قد حمل ثقلا
من تعب العناء وشدة العبودية وكلفة الرق وثقل الضرائب

ولا يهتدي سبيلا

او عطش

أو مبتلى ببلاء شديد لا قبل له إلا بمنّك عليه وأنا المخدوم
المنعم المعافى المكرم في عافية مما هو فيه فلك الحمد يا رب
من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد
واجعلني لنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
إلهي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح شريدا طريدا
حيران متحيرا جائعا خائفا خاسرا في الصحاري والبراري قد
أحرقه الحر والبرد وهو في ضر من العيش وضنك من الحياة
وذل من المقام ينظر إلى نفسه حسرة لا يقدر لها على ضر ولا
نفع وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا
أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل
على محمد وآل محمد واجعلني لأنعمك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين وارحمني برحمتك يا مالك الراحمين إلهي
وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح عليلا مريضا سقيما
مدنفا على فرش العلة وفي لباسها يتقلب يمينا وشمالا لا
يعرف شيئا من لذة الطعام ولا من لذة الشراب ينظر إلى نفسه
حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وأنا خلو من ذلك كله
بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من مقتدر لا
يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لك من العابدين ولأنعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين
وارحمني برحمتك يا مالك الراحمين إلهي وسيدي وكم من
عبد أمسى وأصبح قد دنا يومه من حتفه وقد أحدق به ملك
الموت في أعوانه يعالج سكرات الموت وحياضه تدور
عيناه يمينا وشمالا ينظر إلى أحبائه وأودائه وأخلائه

قد منع من الكلام وحجب عن الخطاب ينظر إلى نفسه فلا يستطيع
لها نفعا ولا ضرا وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا
إله إلا أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل
صل على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك يا مالك
الراحمين مولاي وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح في
مضائق الحبوس والسجون وكربها وذلها وحديدها يتداوله
أعوانها وزبانيتها فلا يدري أي حال يفعل به وأي مثلة
يمثل به فهو في ضر من العيش وضنك من الحياة ينظر إلى
نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا نفعا وأنا خلو من ذلك
كله بجودك وكرمك فلا إله إلا أنت سبحانك من مقتدر
لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني
لك من العابدين ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك
من الذاكرين وارحمني برحمتك يا مالك الراحمين مولاي
وسيدي وكم من عبد أمسى وأصبح قد استمر عليه
القضاء وأحدق به البلاء وفارق أوداءه في أيدي
الكفار والأعداء يتداولونه يمينا وشمالا قد حصل في
المطامير وثقل بالحديد لا يرى شيئا من ضياء الدنيا ولا
من روحها ينظر إلى نفسه حسرة لا يستطيع لها ضرا ولا
نفعا وأنا خلو من ذلك كله بجودك وكرمك فلا إله إلا
أنت سبحانك من مقتدر لا يغلب وذي أناة لا يعجل صل
على محمد وآل محمد واجعلني لك من العابدين ولنعمائك
من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين وارحمني برحمتك

جسرة

واحبائه واخلائه وامسى حقيرا اسيرا ذليلا

یا مالک الراحمین مولای وسیدی وکم من عبد امسی واصبح
قد اشتاق الی الدنیا للرغبة فیها الی ان خاطر بنفسه وماله
حرصاً منه علیها فقد رکب الفلک وکسرت به فهو فی آفاق البحار
وظلمها ینظر الی نفسه حسرة لا یقدر لها علی ضر ولا نفع
وانا خلو من ذلک کله بجودک وکرمک فلا اله الا انت
سبحانک من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل علی محمد
وآل محمد واجعلنی لک من العابدین ولنعمائک من الشاکرین
ولآلائک من الذاکرین وارحمنی برحمتک یا مالک الراحمین
مولای وسیدی وکم من عبد امسی واصبح قد استمر
علیه القضاء واحدق به البلاء والکفار والاعداء و
اخذته الرماح والسیوف والسهام وجدل صریعاً وقد شرب
الارض من دمه واکلت السباع والطیر من لحمه وانا خلو
من ذلک کله بجودک وکرمک لا باستحقاق منی یا لا اله الا
انت سبحانک من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل
علی محمد وآل محمد واجعلنی لنعمائک من الشاکرین ولآلائک
من الذاکرین وارحمنی برحمتک یا مالک الراحمین وعزتک
یا کریم لاطلبن مما لدیک ولالحن الیک ولامدن
یدی نحوک مع جرمها الیک فبمن اعوذ وبمن الوذ لا احد
لی الا انت افردتنی وانت معولی وعلیک متکلی اسئلک
باسمک الذی وضعته علی السماء فاستقلت وعلی الجبال
فرست وعلی الارض فاستقرت وعلی اللیل فاظلم وعلی النهار
فاستنار ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی لی جمیع
حوائجی وتغفر لی ذنوبی کلها صغیرها وکبیرها وتوسع علی

علیک ولا الجان

من الرزق ما تبلغنی به من شرف الدنیا والآخرة یا ارحم
الراحمین مولای بک استعنت فصل علی محمد وآل محمد و
اعنی وبک استجرت فصل علی محمد وآل محمد واجرنی واغننی
بطاعتک عن طاعة عبادک وبمسئلتک عن مسئلة خلقک
وانقلنی من ذل الفقر الی عز الغنی ومن ذل المعاصی الی عز
الطاعة فقد فضلتنی علی کثیر من خلقک جوداً منک وکرماً
لا باستحقاق منی الهی فلک الحمد علی ذلک کله صل علی محمد و
آل محمد واجعلنی لنعمائک من الشاکرین ولآلائک من
الذاکرین برحمتک یا ارحم الراحمین **باب نهم در**
اعمال ایام ولیالی متبرکه وآن مشتملست بر سه فصل **فصل اول**
در اعمال ایام اربعه ودر آن چهار سعادتست باید دانست
که در سالی چهار روز عظیم القدر است که نزد حق تعالی افضل
ایام است وآن روزها را موافق شرع انور ایام اربعه میگویند
پس آن ایام را تعظیم وتکریم میباید کرد تا حق تعالی اینکس را در
دنیا وآخرت معزز وگرامی دارد وتقصیرات خطایا وجهالات
معاصی را عفو فرماید **بدانکه** هر یک از این ایام را روزه داشتن
معادل شصت سال یعنی شصت ماه روزه گرفتن وشصت سال
متصل عبادت کردن است وغسل در هر یک از این روزها سنت
مؤکده وکفاره بسیاری از گناهان است وتصدق نمودن از اعظم
مثوبات وافضل حسنات است یکدرهم تصدق در این ایام مقابل
هزار درهم صدقه روزهای دیگر است ودر بعضی احادیث مقابل
صد هزار درهم است در روزهای دیگر وهر مؤمن متعبد صائم
عالم بمسائل دین را در این شبها بمال حلال خود افطار فرمودن

بمنزله انست کرده قیام یعنی صد هزار صد بن صایم در شبهای دیگر بمال اینکس افطار نماید و در هر یک از این ایام بوظیفه امروز از نماز و دعاهای ماثوره و زیارات مرویه که در خصوص امروز وارد باشد قیام نمودن سبب ان میشود که کرام الکاتبین انشخص را از اصفیای متعبدین و اولیای مقربین جناب مقدس الهی بنویسند و این چهار روز در فضل و منزلت پنجم ندارند و نهی سعادت مند بنده که قدر و شرف این ایام را بشناخته حق کرامت انها شناخته در طهارت ظاهر و باطن خود کوشیده در وظایف اعمال و اداب تقصیر و مساهله مجوز ندارد و ان ایام یکی روز مولود است که روز ولادت شریف حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و اله و هفدهم ماه ربیع الاولست و دیگری روز مبعث ان سرور است برسالت تامه بادر عمر و سفارت خاتمه جامعه و بجن و انس از برای کمال دین و اتمام شریعت مبین در امروز مبعوث شده و ان بیست و هفتم ماه رجب المرجب است و دیگری روز دحو الارض است بفتح دال و تسکین حاء مهمله قبل از واو یعنی کسترانیدن و پهن کردن جرم زمین از تحت خانه مبارکه کعبه معظمه زادها الله شرفا و تعظیما بسایر جهات و اطراف عالم و ان روز بیست و پنجم ماه ذیقعده الحرام است و دیگر روز عید غدیر است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و اله حضرت امیر المؤمنین و یعسوب الدین صلوات الله علیه را در این روز در اوان انصراف و عود از حجة الوداع در موضع غدیر خم بخلافت و وصایت خود نصب فرمود و بیعت امامت افروز و شفیع روز محشر از امت کرفت و این روز عید عظیم و اعظم اعیاد مؤمنین و ان روز هجدهم ماه ذی حجة الحرام است **و بدانکه** از قواعد کلیه مقررات است

کەثواب

که ثواب عمل واجب بیشتر از ثواب عمل مندوبست مکر چند امر مستحب که مستثنی و ثواب ان اوفر از ثواب واجب است مثل ابتدای بسلام که سنت و رد سلام که واجب است و مثل امهال فرض دار پریشان که واجب و ابراء ذمه او که سنت است و همچنین انشاء حج مندوب که مستحب و اتمام ان حج واجب است و اعتکاف نیز از این عالم است که ارتکاب ان مندوب و اتمام ان بعد از شروع واجبست و نماز منفرد که واجب و اعاده ان بجماعت که سنت است و بالجمله در غیر سنن مستثنی ثواب واجب اجزل و اکمل و اکثر است پس اگر کسی خواهد که اعمال مندوبه لیالی و ایام متبرکه را که بعمل می اورد اعظم اجرا و اکمل ثوابا باشد باید که ان عمل را اولا بصیغه نذر بر خود واجب ساخته بعد از ان بر نیت وجوب بعمل اورد مثلا در شب دحو الارض صیغه نذر بکوید بفارسی بکوید که اگر موفق شوم که صلوات بفرستم خدا را باشد بر من که فردا روزه بدارم واجب قربة الی الله و بعربی چنین بکوید ان وفقت للصلوة علی النبی و اله لله علی ان اصوم غدا صوم یوم دحو الارض قربة الی الله پس صلوات بفرستد بعد از ان نیت روزه کند بفارسی انکه روزه میدارم فردا روزه دحو الارض از برای انکه بر من واجب است بنذر قربة الی الله و بعربی انکه اصوم غدا صوم یوم دحو الارض لوجوبه علی بالنذر قربة الی الله و همچنین در باب نماز و غسل و تصدق و زیارت و نماز زیارت و غیر اینها صیغه نذر بطریق مذکور و بنیت وجوب ان عمل بجا اورد **و بدانکه** خلافست میان علما در انکه کسی که زیارت کند از دور نماز زیارت مقدم است بر زیارت یا بر عکس و انچه میر محمد باقر داماد رحمه الله تحقیق فرموده انست

که هرگاه زیارت از دور باشد و در تحت قبهٔ معصومی نباشد نماز بر زیارت مقدم است چه سید فقیه مکرم بن زهرهٔ الحلبی در کتاب غنیة النزوع گفته که نماز دو رکعت است بعد از فراغ زیارت و از برای کسی که مقیم باشد در بلد خود و خواهد زیارت کند قبل از زیارت است و شیخ طوسی در مصباح در باب زیارت روز جمعه از حضرت صادق علیه السلام چهار رکعت پیش از زیارت روایت کرده هرگاه زیارت از دور باشد و نیز در زیارت روز عاشورا از دور بروایت علقمه از حضرت ابی جعفر علیه السلام تقدیم نماز و تاخیر زیارت در مصباح مذکور است و در کتاب من لا یحضره الفقیه بروایت ابن ابی عمیر از هشام از ابی عبد الله علیه السلام دو رکعت پیش از زیارت ذکر شده هرگاه زیارت از دور باشد

و بدانکه تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام که بعد از زیارات ائمهٔ اطهار ایشان لازم است همان تسبیحیست که در نماز آنحضرت صلوات الله علیها در باب ذکر نماز مذکور شد که سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم تا باخر چه ابن بابویه در کتاب من لا یحضره در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ذکر آن کرده بعد از اتمام زیارت وداع باین عبارت که و سبح تسبیح فاطمة الزهراء و هو سبحان ذی الجلال الباذخ الی آخره

سعادت اول در عمل روز مولود سنتست در این روز روزه داشتن و صلوات بسیار فرستادن و غسل و تصدق کردن و مؤمنان را خوشحال گردانیدن و چون وقت ارتفاع شود چهار رکعت نماز هر دو رکعت بیک سلام کند و در هر رکعت بعد از حمد سوره قدر و توحید هر یک ده مرتبه بخواند و بعد از نماز

تسبیح

و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام حاجت خود را طلب نماید و سنتست در این روز زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم چه از دور و چه از نزدیک و فضیلت ثواب زیارت ایشان علیهم السلام از دور و نزدیک اعم از آنکه در ایام و لیالی متبرکه باشد یا غیر آن بیشمار و روایات آن بسیار است **بدانکه** از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که هر که مرا زیارت کند در جوار من و شفاعت من او را واجب شود و هر کس را شفاعت من واجب شود بهشت او را واجب شود و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود که ای فرزند هر کس مرا یا ترا یا پدرت را یا برادرت را زیارت کند بر من لازم باشد که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناه پاک کردانم و بهشت او را واجب شود و اگر استطاعت آمدن بزیارت نداشته باشد از دور سلام بمن کند که بمن میرسد **و روایت** از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر مؤمنی که زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کند خدای تعالی برایش اجر صد هزار شهید نویسد و گناه گذشته و اینده اش را بیامرزد و در زمرهٔ آمنین محشور شود و حسابش آسان گردد **و مرویست** که هر کس زیارت امام حسین علیه السلام کند و او را امام مفترض الطاعة داند کمترین اجرش اینست که گناه گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود و زیارت آن حضرت فرضست بر هر مؤمن و در روایت دیگر آمده که زیارت آن حضرت برابر است با بیست حج و عمره و نیز مرویست که زیارت آن حضرت برابر است بآنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین و لجام در راه خدا بجهاد فرستی و اما فتنت از هدم و غرق و حرق

وهم آفات و موجب درازی عمر و زیادتی رزق است و اگر کسی زیارت
آنحضرت نکرده بمیرد ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت رود مرتبه‌اش
از مؤمنان پست‌تر باشد پس هرگاه زیارت از دور کنی باید که
بصحرا یا موضع مرتفع یا پشت بام خانه خود روی و جامه پاک بپوشی
و بوی خوش بکار برده شبیه قبر چیزی ساخته اسم مبارک آن
حضرت را نوشته بر آن گذارد و دو رکعت نماز زیارت بگذارد و
افضل است که شش رکعت یا چهار رکعت هر دو رکعت بیک سلام
بکند و هر سوره که خواهد بعد از حمد در رکعات بخواند بعد از آن
رو بقبله ایستاده بخضوع و خشوع تمام نیت کند باین طریق که زیارت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله میکنم در روز مولود از دور برای
آنکه سنت است تقرب بخدا پس بخواند این زیارت نامه را که در روز
مولود و مبعث و در سایر ایام غیر آنحضرت را بآن میتوان زیارت
کرد و زیارتنامه اینست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و انه سید الاولین و
الآخرین و انه سید الانبیاء و المرسلین اللهم صل علیه و
علی آله و عترته الطیبین السلام علیک یا رسول الله السلام
علیک یا خلیل الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک
یا صفی الله السلام علیک یا رحمة الله السلام علیک یا خیرة
الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا نجیب الله
السلام علیک یا خاتم النبیین السلام علیک یا سید المرسلین
السلام علیک یا قائما بالقسط السلام علیک یا فاتح الخیر
السلام علیک یا معدن الوحی و التنزیل السلام علیک یا
مبلغا عن الله السلام علیک ایها السراج المنیر السلام علیک

ایها البشیر النذیر السلام علیک یا نور الله الذی یستضاء
به السلام علیک و علی اهل بیتک الطاهرین الهادین المهدیین
و اصحابک المنتجبین السلام علیک و علی جدک عبد المطلب
و علی ابیک عبد الله و علی امک آمنة بنت وهب السلام
علیک و علی عمک حمزة سید الشهداء السلام علیک و علی
عمک العباس بن عبد المطلب السلام علیک و علی عمک و
کفیلک ابی طالب السلام علیک یا محمد السلام علیک یا احمد
السلام علیک یا حجة الله علی الاولین و الآخرین و السابق
الی رحمة رب العالمین و المهیمن علی رسله و الخاتم لانبیائه
و الشاهد علی خلقه و الشفیع الیه و المکین لدیه و المطاع
فی ملکوته الاحمد من الاوصاف و المحمد لسائر الاشراف
الکریم عند الرب و المکلم من وراء الحجب و الفائز بالسباق
و الفائت عند اللحاق تسلیم عارف بحقک معترف بالتقصیر فی
قیامه بواجبک غیر منکر ما انتهی الیه من فضلک موقن بالمزیدات
من ربک مؤمن بالکتاب المنزل علیک محلل حلالک محرم
حرامک اشهد یا رسول الله مع کل شاهد و اتحملها عن کل
جاحد انک قد بلغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت
فی سبیل الله و صدعت بامره و احتملت الاذی فی جنبه و
دعوت الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة الجمیلة و
ادیت الحق الذی کان علیک و انک قد رؤفت بالمؤمنین و
غلظت علی الکافرین و عبدت الله مخلصا حتی اتاک الیقین
فبلغ الله بک اشرف محل المکرمین و اعلی منازل المقربین
و ارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقک لاحق و لا یفوقک

فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله
الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة و
نورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل
ما جزى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت و
امي يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا
بضلالة من خالفك وخالف اهل بيتك واصحابك عارفا
بالهدى الذي انت عليه بابي انت وامي ونفسي واهلي ومالي
وولدي انا اصلي عليك كما صلى الله عليك وصلى عليك
ملئكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة
لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك كما انت
اهله وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين وسلم تسليما پس
بعد از زيارت دو كف خود را بگشايد وبگويد اللهم اجعل
جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف
تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوة
ملئكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين
وعبادك الصالحين واهل السموات والارضين ومن سبح
لك يا رب العالمين من الاولين والاخرين على محمد عبدك
ورسولك وشاهدك ونبيك ونذيرك وامينك ونجيك
ونجيبك وحبيبك وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك
وخالصتك ورحمتك وخير خيرتك من خلقك نبي الرحمة و
خازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد من
الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم بامرك اول النبيين
ميثاقا واخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة للمنزلة

الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته
الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى الارحام المطهرة لطفا
منك له وتحننا منك عليه اذ وكلت بصونه وحراسته و
حفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه
مدانس العهر ومعايب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد
واحييت به ميت البلاد بان كشفت عن نور ولادته ظلم
الاستار والبست حرمك به حلل الانوار اللهم فكما
خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة
العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل
اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك
ولبس ثوب البلوى في جهاد اعدائك واوجبت له بكل اذى
مسه او كيد احس به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة
تفوق الفضائل ويملك الجزيل من ثوابك وقد اسر الحسرة
واخفى الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له من وحيك
اللهم صل عليه وعلى اهل بيته صلوة ترضيها لهم وبلغهم
منا تحية كثيرة وسلاما واتنا من لدنك في موالاتهم
فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل العظيم
پس بطريق مذكور تسبيح فاطمه زهرا بكند وحاجات خود را
طلب نمايد بعد از آن بگويد اللهم انك قلت لنبيك محمد
صلى الله عليه واله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك
فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا
رحيما ولم احضر زمان رسولك عليه السلام اللهم و
قد زرته راغبا تائبا من سيئ عملي ومستغفرا لك من ذنوبي

ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك بنبيك نبي
الرحمة صلواتك عليه واله فاجعلني اللهم بمحمد واهل
بيته عندك وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين يا
محمد يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق
الله اني اتوجه بك الى الله ربك وربي ليغفر لي ذنوبي
ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك
وربي فنعم المسئول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد
عليك وعلى اهل بيتك السلام اللهم واوجب لي منك
المغفرة والرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما
اوجبت لمن اتى نبيك محمدا صلواتك عليه واله وهو
حي فاقر له بذنوبه فاستغفر له رسولك عليه السلام
فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك
ورجوتك وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك
وقد املت جزيل ثوابك واني مقر غير منكر وتائب اليك
مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت من
الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها واوعدت
عليها بالعقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني مقام
الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه
الاسرار والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة
والندامة يوم الافكة يوم الواقعة يوم الازفة يوم
التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين
الف سنة يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة
يوم النشر يوم العرض يوم يقوم الناس لرب العالمين

يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم
تشقق الارض واكناف السماء يوم تاتي كل نفس تجادل عن
نفسها يوم يردون فيه الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني
مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو
العزيز الرحيم يوم يردون الى الله مولاهم الحق يوم يخرجون
من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون وكانهم جراد
منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم ترج الارض رجا
يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن ولا يسئل
حميم حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون الملئكة صفا
صفا اللهم ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم
ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي واجعل في
ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة محمد واهل
بيته عليهم السلام محشري واجعل حوضه موردي وفي الغر
الكرام مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي
وتبيض وجهي وتيسر به حسابي وترجح به ميزاني وامضي
مع الفائزين من عبادك الصالحين الى رضوانك وجنانك
يا اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك
اليوم بين يدي الخلائق بجريرتي او ان القى الخزي والندامة
بخطيئتي او ان تظهر فيه سيئاتي على حسناتي او تنوه بين
الخلائق باسمي يا كريم يا كريم العفو العفو الستر الستر
اللهم واعوذ بك من ان تكون في ذلك اليوم في مواقف
الاشرار موقفي او في مقام الاشقياء مقامي واذا ميزت
بين خلقك فسقت كلا باعمالهم زمرا الى منازلهم فسقني

برحمتك في عبادك الصالحين وفي زمرة اوليائك المتقين
الى جناتك جنات النعيم يا رب العالمين بعد از آن متوجه
زيارت حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه شود و بدستوری
كه در زيارت حضرت خاتم الانبيا ذكر شد از نماز و نيت زيارت
و شبيه قبر ساختن وغير آنها بعمل آورد و بخواند اين زيارت را
السلام عليك يا وصي الاوصياء السلام عليك يا عماد الاتقياء
السلام عليك يا ولي الاولياء السلام عليك يا سيد الشهداء
السلام عليك يا آية الله العظمى السلام عليك يا خامس
اهل العباء السلام عليك يا قائد الغر المحجلين الاتقياء السلام
عليك يا عصمة الاولياء السلام عليك يا فارس الموحدين
النجباء السلام عليك يا والد الائمة الامناء السلام عليك يا
صاحب الحوض وحامل اللواء السلام عليك يا قسيم الجنة ولظى
السلام عليك يا من شرفت به مكة ومنى السلام عليك يا
بحر العلوم وكهف الفقراء السلام عليك يا من ولد في الكعبة
وزوج في السماء بسيدة النساء وكان شهودها الملائكة السفرة
البررة الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام عليك
يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك يا من بات على فراش
خاتم الانبياء ووقاه بنفسه مبادرة الاعداء السلام عليك
يا من ردت له الشمس فسامى شمعون الصفا السلام عليك يا من
انجى الله سفينة نوح باسمه واسم اخيه حيث التطم الماء حولها
وطمى السلام عليك يا من تاب الله به وباخيه على آدم اذ غوى
السلام عليك يا فلك النجاة الذي من ركبها نجى ومن تأخر هلك
وهوى السلام عليك يا مخاطب الثعبان وذئب الفلا ورحمة

الله

الله وبركاته السلام عليك يا حجة الله على ذوي الالباب
السلام عليك يا معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام عليك
يا من عنده علم الكتاب السلام عليك يا ميزان يوم الحساب
السلام عليك يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام عليك
ايها المتصدق بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من كفى الله
المؤمنين القتال به في يوم الاحزاب السلام عليك يا من اخلص
لله بالوحدانية وأناب السلام عليك يا قالع باب الخيبر من
الصلاب السلام عليك يا من دعاه خير الانام الى المبيت على
فراشه فاسلم نفسه للمنية واجاب السلام عليك يا من له طوبى
وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا عصمة الدين
وسيد السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات السلام
عليك يا من نزل في فضله سورة والعاديات السلام عليك يا
من كتب اسمه في السماء على السرادقات السلام عليك يا مظهر العجائب
والآيات السلام عليك يا امير الغزوات السلام عليك يا مخبرا
بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب ذئب الفلوات
السلام عليك يا خاتم الحصا ومبين المشكلات السلام عليك
يا من عجبت من حملاته في الوغا ملائكة السموات السلام عليك
يا من ناجى الرسول فقدم بين يدي نجواه صدقات السلام عليك
يا والد الائمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث علم
خير موروث ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا سيد
الوصيين السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا
غياث المكروبين السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام

وحجته وخاصة الله وخالصته اشهد يا ولي الله وولي رسوله
لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول
الله صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرامه و
شرعت احكامه واقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله صابرا
مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك اليقين لعن
الله من دفعك عن مقامك ومنعك حقك ولعن الله من
بلغه ذلك فرضي به انا الى الله من اعدائك بريء پس بدستور
متوجه زيارت حضرت امام حسين عليه السلام شود و بگويد
السلام عليكم يا آل رسول الله السلام عليكم يا صفوة الله
السلام عليكم يا سيد السادات السلام على ليوث الغابات
السلام عليكم يا سفن النجاة السلام عليكم يا ابا عبد الله
الحسين السلام عليك يا وارث علم الانبياء ورحمة الله
وبركاته السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام
عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث
ابرهيم خليل الله السلام عليك يا وارث اسمعيل ذبيح الله
السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا
وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب
الله السلام عليك يا بن محمد المصطفى السلام عليك يا بن
علي المرتضى السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء السلام
عليك يا بن خديجة الكبرى السلام عليك يا شهيد بن الشهيد
السلام عليك يا قتيل بن القتيل السلام عليك يا ولي الله
وابن وليه السلام عليك يا حجة الله وابن حجته على خلقه

عليك يا مظهر البراهين السلام عليك يا طه ويس السلام
عليك يا حبل الله المتين السلام عليك يا من تصدق في
صلوته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن
فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله الناظرة
في العالمين ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته اجمعين
السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم الاولين و
الآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه من حوض خاتم
المرسلين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين
ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على اسم
الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام
على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري
السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام
على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى ومنار الهدى
وذوي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجة على اهل
الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجج
الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر
عن الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من
عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية النقية
ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء
بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة المختار ورحمة الله
وبركاته السلام على النبا العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه
يعرضون وعنه يسئلون السلام على نور الله الانور وضيائه
الاظهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله

اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَ اَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ رُزِيتَ بِوالِدَيْكَ وَ
جاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلامَ وَ تَرُدُّ
الْجَوابَ وَ اَنَّكَ حَبِيبُ اللّٰهِ وَ خَلِيلُهُ وَ نَجِيبُهُ وَ صَفِيُّهُ
وَ ابْنُ صَفِيِّهِ يا مَوْلايَ وَ ابْنَ مَوْلايَ زُرْتُكَ مُشْتاقاً
فَكُنْ لِي شَفِيعاً اِلَى اللّٰهِ يا سَيِّدِي وَ اَسْتَشْفِعُ اِلَى اللّٰهِ بِجَدِّكَ
سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِاَبِيكَ وَ بِاُمِّكَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ
اَلا لَعَنَ اللّٰهُ قاتِلِيكَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ ظالِمِيكَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ سالِبِيكَ
وَ مُبْغِضِيكَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا
مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطّاهِرِينَ [illegible] دویم در عمل روز مبعث سنّت است
در این روز غسل روز مبعث و تصدّق و زیارت حضرت رسول
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ بزیارت روز مولود و زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام بآدابی که مذکور شد باین زیارت
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اٰدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يا وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ اِبْرٰهِيمَ
خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَلِيمِ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِيسىٰ رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عِلْمِ
الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبَاُ الْعَظِيمُ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّراطُ الْمُسْتَقِيمُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا
الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْوَصِيُّ التَّقِيُّ اَلسَّلامُ

علیک

عَلَيْكَ اَيُّهَا الْبَدْرُ الْمُضِيءُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقُ
الْاَكْبَرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْفارُوقُ الْاَعْظَمُ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّراجُ الْمُنِيرُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ الْهُدىٰ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عَلَمَ الدِّينِ وَ التُّقىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ
اللّٰهِ الْكُبْرىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خاصَّةَ اللّٰهِ وَ خالِصَتَهُ وَ
اَمِينَ اللّٰهِ وَ صِفْوَتَهُ وَ بابَ اللّٰهِ وَ حِطَّتَهُ وَ مَعْدِنَ حِكَمِ اللّٰهِ
وَ سِرِّهِ وَ عَيْبَةَ عِلْمِ اللّٰهِ وَ خازِنَهُ وَ سَفِيرَ اللّٰهِ فِي خَلْقِهِ
وَ شاهِدَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَ اٰتَيْتَ
الزَّكٰوةَ وَ اَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ
الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَ بَلَّغْتَ عَنِ اللّٰهِ وَ وَفَيْتَ
بِعَهْدِهِ وَ تَمَّتْ كَلِماتُ اللّٰهِ وَ جاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ حَقَّ
جِهادِهِ وَ نَصَحْتَ لِرَسُولِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ
صابِراً مُحْتَسِباً مُجاهِداً عَنْ دِينِ اللّٰهِ وَ طالِباً ما عِنْدَ اللّٰهِ
راغِباً فِيما وَعَدَ اللّٰهُ وَ مَضَيْتَ عَلَى الَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً
وَ شاهِداً وَ مَشْهُوداً فَجَزاكَ اللّٰهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنِ الْاِسْلامِ
وَ اَهْلِهِ اَفْضَلَ الْجَزاءِ اَلسَّلامُ عَلَى النُّجُومِ الزّاهِراتِ
وَ الْمُعْجِزاتِ الْباهِراتِ مُلُوكِ الدُّنْيا وَ الْاٰخِرَةِ اَلسَّلامُ
عَلىٰ مَنْ خَصَّهُ اللّٰهُ بِفاطِمَةَ الزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِينَ
وَ عَلَّمَهُ عُلُومَ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَ الْاَرَضِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الْاِمامُ النّاطِقُ بِالصَّوابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُناجِي
لِرَبِّ الْاَرْبابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْمِحْرابِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يا مَنْ اَنْطَقَ اللّٰهُ لَهُ الْوُحُوشَ وَ الذِّئابَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يا مَنْ يُحِبُّهُ اللّٰهُ وَ بِهِ تُعْتَقُ الرِّقابُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مُفَرِّقَ

الاحزاب السلام عليك يا لب الالباب السلام عليك يا من
نطق بفضله الكتاب السلام عليك يا ابا الائمة الانجاب
السلام عليك يا قسيم الجنة والنار السلام عليك يا والد
الائمة الاطهار السلام عليك يا زوج الزهراء السلام
عليك يا ابن عم الرسول السلام عليك يا صاحب المحراب السلام
عليك ايها المكنى بابي تراب السلام عليك يا الابر القصير و
صائم الهجير السلام عليك يا صاحب يوم الغدير وصاحب
الولاية الواجبة على الكبير والصغير السلام عليك يا من
اسمه عند الله كبير وفضله عند الله كبير السلام عليك يا
من اسمه في القرآن ظهير وهو بطرق السموات والارض خبير
السلام عليك يا صاحب المناقب والسوابق والمراتب ومبيد
الكتائب الشديد الباس العظيم المراس المكين الاساس ساقي
المؤمنين بالكاس من حوض الرسول الامين السلام على فارس
المؤمنين وليث الموحدين ووصي رسول رب العالمين ورحمة
الله وبركاته السلام على من ايده الله بجبرئيل واعانه
بميكائيل السلام على امير المؤمنين ويعسوب الدين وقائد
الغر المحجلين السلام عليك يا عين الله الناظرة وكلمته
البالغة ونعمته السابغة السلام على اخ رسول الله وابن
عمه وزوج ابنته المخلوق من طينته السلام على الاصل
الكريم والنهج القويم السلام على شجرة طوبى وسدرة المنتهى
السلام على الضارب بالسيفين والطاعن بالرمحين ووالد
الحسنين المصلي الى القبلتين السلام عليك يا من كلمه
الثعبان السلام عليك يا آية الرحمن السلام عليك وعلى ضجيعيك

ادم

ادم ونوح وعلى ولديك الحسن والحسين وعلى الائمة الطاهرين
من ذريتك ورحمة الله وبركاته وسنت است كه بگذارد در
روز دوازده ركعت نماز هر دو ركعت بيك سلام و هر سوره كه
خواهد در ركعات بعد از حمد بخواند و بعد از هر دو ركعت
اين دعا بخواند الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك
في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا يا عدتي
في مدتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غياثي
في رغبتي ويا نجيي في حاجتي ويا حافظي في غيبتي يا كافي
في وحدتي يا انسي في وحشتي انت الساتر عورتي فلك الحمد
وانت المقيل صرعتي فلك الحمد صل على محمد وآله واستر
عورتي وآمن روعتي واقلني عثرتي واصفح عن جرمي وتجاوز
عن سيئاتي في اصحاب الجنة وعد الصدق الذي كانوا يوعدون
و بعد از فراغ دعا بخواند هر يك از سوره الحمد و قل هو الله و قل
يا ايها الكافرون و معوذتين و انا انزلناه و آية الكرسي هفت و
بعد از آن هفت بار بگويد الله الله ربي لا اشرك به شيئا بعد از آن
دعا كند با نچه خواهد و سنت است گذاردن نمازي كه روايت كرده
از ريان بن الصلت گفت روزه ميگرفت حضرت امام محمد تقي
عليه السلام وقتي كه در بغداد بود روز نصف از رجب و روز بيست
و هفتم آن و جميع قبيله آنحضرت روزه ميگرفتند و امر ميفرمود كه
دوازده ركعت نماز كنند باين طريق كه قراءت كنند در هر ركعت
الحمد و هر سوره كه خواهند و چون فارغ شوند بخوانند هر يك از
الحمد و قل هو الله و معوذتين را چهار بار و بعد از آن چهار بار
لا اله الا الله والله اكبر و سبحان الله والحمد لله ولا حول

وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ وچهار بار دیگر اَللهُ اَللهُ رَبِّي لا
اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وچهار بار دیگر لا اُشْرِكُ بِرَبِّي اَحَداً بگويند ودعا
کنند بهرچه خواهند وسنّت است در این روز خواندن این دعا
يا مَنْ اَمَرَ بِالعَفْوِ وَالتَّجاوُزِ وَضَمِنَ عَلى نَفْسِهِ العَفْوَ وَالتَّجاوُزَ
يا مَنْ عَفى وَتَجاوَزَ اُعْفُ عَنّي وَتَجاوَزْ يا كَرِيمُ اَللّهُمَّ وَقَدْ اَكْدَى
الطَّلَبُ وَاَعْيَتِ الحِيلَةُ وَالمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الآمالُ وَانْقَطَعَ
الرَّجاءُ اِلّا مِنْكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ اَللّهُمَّ اِنّي اَجِدُ سُبُلَ
المَطالِبِ اِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَناهِلَ الرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَاَبْوابَ
الدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةً وَالاِسْتِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً
وَاَعْلَمُ اَنَّكَ لِداعِيكَ بِمَوْضِعِ اِجابَةٍ وَلِلصّارِخِ اِلَيْكَ بِمَرْصَدِ
اِغاثَةٍ وَاَنَّ فِي اللَّهْفِ اِلى جُودِكَ وَالضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضاً مِنْ
مَنْعِ الباخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمّا فِي اَيْدِي المُسْتَاْثِرِينَ وَاَنَّكَ لا تَحْتَجِبُ
عَنْ خَلْقِكَ اِلّا اَنْ تَحْجُبَهُمُ الاَعْمالُ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَفْضَلَ زادِ
الرّاحِلِ اِلَيْكَ عَزْمُ اِرادَةٍ يَخْتارُكَ بِها وَقَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ الاِرادَةِ
قَلْبِي فَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ اَمَلَهُ اَوْ صارِخٌ
اِلَيْكَ اَغَثْتَ صَرْخَتَهُ اَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ
اَوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ غَفَرْتَ لَهُ اَوْ مُعافىً اَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ اَوْ
فَقِيرٌ اَهْدَيْتَ غِناكَ اِلَيْهِ وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ وَعِنْدَكَ
مَنْزِلَةٌ اِلّا صَلَّيْتَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَضَيْتَ حَوائِجِي حَوائِجَ
الدُّنْيا وَالآخِرَةِ اَللّهُمَّ وَهذا رَجَبُ المُرَجَّبُ المُكَرَّمُ الَّذِي
اَكْرَمْتَنا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الحُرُمِ وَاَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ بَيْنِ الاُمَمِ فَلَكَ الحَمْدُ
يا ذَا الجُودِ وَالكَرَمِ فَاَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الاَعْظَمِ الاَعْظَمِ الاَعْظَمِ
الاَجَلِّ الاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ وَلا يَخْرُجُ مِنْكَ

اِلى غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْعَلَنا
مِنَ العامِلِينَ فِيهِ بِطاعَتِكَ وَالآمِلِينَ فِيهِ لِشَفاعَتِكَ اَللّهُمَّ
اهْدِنا اِلى سَواءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ
ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الوَكِيلُ وَالسَّلامُ عَلى
عِبادِهِ المُصْطَفَيْنَ وَصَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّهُمَّ وَبارِكْ لَنا
فِي يَوْمِنا هذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالمَنْزِلِ الكَرِيمِ
اَحْلَلْتَهُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوةً دائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْراً وَلَنا
ذُخْراً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا يُسْراً وَاخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ اِلى مُنْتَهى
آجالِنا وَقَدْ قَبِلْتَ اليَسِيرَ مِنْ اَعْمالِنا وَبَلِّغْنا بِرَحْمَتِكَ اَفْضَلَ
آمالِنا اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ **بیست وپنجم ذیقعده عمل روز دحو الارض است** سنّت است در این روز
روزه داشتن وغسل کردن بعد از طلوع آفتاب وخواندن
این دعاء عظیم القدر صحیح الاسناد در این روز از لوازم است و
نباید که از هیچ مؤمن ومؤمنه فوت شود اگرچه صایم نبوده باشد بعد از
غسل رو بقبله بنشیند ونیت کند وشروع در خواندن دعا کند
اَللّهُمَّ داحِيَ الكَعْبَةِ وَفالِقَ الحَبَّةِ وَصارِفَ اللَّزْبَةِ
وَكاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ اَسْئَلُكَ فِي هذَا اليَوْمِ مِنْ اَيّامِكَ
الَّتِي اَعْظَمْتَ حَقَّها وَاَقْدَمْتَ سَبْقَها وَجَعَلْتَها عِنْدَ المُؤْمِنِينَ
وَدِيعَةً وَاِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ الوَسِيعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ المُنْتَجَبِ فِي المِيثاقِ القَرِيبِ يَوْمَ التَّلاقِ فاتِقِ
كُلِّ رَتْقٍ وَداعٍ اِلى كُلِّ حَقٍّ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الهُداةِ المَنارِ
دَعائِمِ الجَبّارِ وَوُلاةِ الجَنَّةِ وَالنّارِ وَاَعْطِنا فِي يَوْمِنا
هذا مِنْ عَطائِكَ المَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلا مَمْنُوعٍ تَجْمَعُ لَنا

به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعو واكرم مرجو يا كفى يا
وفى يا من لطفه خفى الطف لى بلطفك واسعدنى بعفوك
وايدنى بنصرك ولا تنسنى كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة
سرك احفظنى من شوائب الدهر الى يوم الحشر والنشر و
اشهدنى اولياءك عند خروج نفسى وحلول رمسى وانقطاع
عملى وانقضاء اجلى اللهم واذكرنى على طول البلى اذا حللت
بين اطباق الثرى ونسينى الناسون من الورى واحللنى دار المقامة
وبوئنى منزل الكرامة واجعلنى من مرافقى اوليائك واهل
اجتبائك واصطفائك وبارك لى فى لقائك وارزقنى حسن
العمل قبل حلول الاجل بريئا من الزلل وسوء الخطل اللهم
واوردنى حوض نبيك محمد صلى الله عليه واله واسقنى منه
مشربا رويا سائغا هنيئا لا اظما بعده ولا احلا ورده
ولا عنه اذاد واجعله لى خير زاد واوفى ميعاد يوم يقوم
الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولين والاخرين و
بحقوق اوليائك المستاثرين اللهم واقصم دعائمهم واهلك
اشياعهم وعاملهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم و
ضيق عليهم مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم اللهم
وعجل فرج اوليائك واردد عليهم مظالمهم واظهر بالحق
قائمهم واجعله لدينك منتصرا وبامرك فى اعدائك مؤتمرا
اللهم احففه بملائكة النصر وبما القيت اليه من الامر
فى ليلة القدر منتقما لك حتى ترضى ويعود دينك به و
على يديه جديدا غضا ويمحض الحق محضا ويرفض الباطل
رفضا اللهم صل عليه وعلى جميع ابائه واجعلنا من

صحبه

صحبه واسرته وابعثنا فى كرته حتى نكون فى زمانه من اعوانه
اللهم ادرك بنا قيامه واشهدنا ايامه واردد الينا سلامه
والسلام عليه ورحمة الله وبركاته **و از جمله اعمال**
كه در شب يا روز دحو الارض قيام بان بايد كرد دو ركعت نماز
است در هر ركعت بعد از حمد سوره والشمس يك مرتبه و بعد از
سلام بگويد لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم يا مقيل
العثرات اقلنى عثرتى يا مجيب الدعوات اجب دعوتى يا
سامع الاصوات اسمع صوتى وارحمنى وتجاوز عن سيئاتى
يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين **و از جمله اعمال**
اين روز زيارت حضرت امام رضا عليه التحية والثناست
و زيارت انحضرت در اين روز و در روزهاى ديگر از نزديك و
دور فضيلت بسيار دارد مرويست كه كسى از حضرت امام محمد تقى
عليه السلام پرسيد كه زيارت حضرت امام حسين عليه السلام
افضلست يا زيارت حضرت امام رضا عليه السلام فرمود
زيارت پدرم افضلست كه حضرت امام حسين را همه كس زيارت
كند و زيارت پدرم مخصوص دوستان و شيعيان ماست و ان
حضرت عليه السلام فرموده كه هر كس مرا در غربت زيارت كند
ثواب صد هزار شهيد و صد هزار صديق و صد هزار حج خداى تعالى
او را عطا فرمايد و با ما محشور شود و در درجات رفيع بهشت
رفيق ما باشد و من و پدران من شفيع او باشيم و هر كس ما شفيع
او باشيم نجات يابد اگرچه مثل گناه جن و انس داشته باشد
و هم انحضرت عليه السلام فرمود هر كس مرا زيارت كند روز
قيامت در سه وقت او را دريابم و از اهوال و شدايد خلاص

کردانم و وقتی که نامهای عمل در چپ و راست متفرق باشد و وقتی
که اعمال الخلق را بمیزان بسنجند و وقتی که قدمها بر صراط لغزیده باشد
پس وظیفه زیارت آنحضرت درین روز از دور هرگاه زایر در
مشهد مقدس نباشد آنست که بعد از غسل روز دحو الارض
غسل زیارت آنحضرت کند و نیت چنین کند بفارسی که غسل زیارت
امام رضا علیه السلام از دور در روز دحو الارض میکنم از برای
آنکه سنت است قربة الی الله و بعربی اغتسل غسل زیارة ابی الحسن
الرضا علیه السلام من البعد فی یوم دحو الارض لندبه قربة
الی الله و بعد از آن بیرون رود بصحرا یا پشت بام خانه خود یا بر
موضع مرتفع تحت السماء که مسقف نباشد و دو رکعت نماز زیارت
بگذارد و افضل شش رکعت است و نیت آن بفارسی چنین کند
که نماز زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از روز دحو الارض
میگذارم سنت قربة الی الله و بعربی اصلی صلوة زیارة مولای
الرضا علیه السلام عن البعد فی یوم دحو الارض لندبها قربة
الی الله و چون از نماز فارغ شود تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
بگوید پس سر بسجده نهاده پیشانی و بینی را بر تربت مبارک امام
حسین علیه السلام گذاشته بگوید اللهم ان هاتین الرکعتین
هدیة منی الی روح سیدی و امامی عبدک و ولیک ابی الحسن
علی بن موسی الرضا صلواتک و تسلیماتک علی روحه و جسده
اللهم فبلغهما منی الی روحه واردد علی من روحه التحیة والسلم
اللهم واجزنی علی ذلک افضل الجزاء فیک و فی رسولک و فی
ولد رسولک و فی ولیک و فی ولد ولیک یا ولی المؤمنین پس
سر از سجده برداشته بزیارت برخیزد و نیت زیارت کند بفارسی

که زیارت

که زیارت امام رضا علیه السلام میکنم از دور در روز دحو الارض
از جانب خود و پدر و مادر و از جانب جمیع مؤمنین و مؤمنات از برای
آنکه سنت است قربة الی الله و بعربی ازور سیدی و مولای و امامی
ابا الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن البعد فی مقامی
هذا عنی و عن والدی و عن جمیع المؤمنین و المؤمنات لندبها
قربة الی الله السلام علیک یا ولی الله و ابن اولیائه السلام
علیک یا سفیر الله و ابن سفرائه السلام علیک یا حجة الله
و ابن حججه السلام علیک یا نور الله فی ظلمات الارض و ابن
انواره السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا وارث
الانبیاء و المرسلین السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله
السلام علیک یا وارث نوح نجی الله السلام علیک یا وارث ابرهیم
خلیل الله السلام علیک یا وارث اسمعیل ذبیح الله السلام
علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی
روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله و رسول الله
السلام علیک یا وارث امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
ولی الله و وصی رسول الله السلام علیک یا وارث فاطمة
الزهراء سیدة نساء العالمین بنت رسول الله صلی الله علیه و آله
السلام علیک یا وارث الحسن و الحسین سیدی شباب اهل
الجنة فی الجنة سبطی رسول الله السلام علیک یا وارث علی
بن الحسین سید الساجدین و زین العابدین السلام علیک
یا وارث محمد بن علی باقر علم الاولین و الاخرین السلام علیک
یا وارث جعفر بن محمد الصادق البار التقی الامین السلام
علیک یا وارث موسی بن جعفر الکاظم الحفی الحلیم السلام علیک

ايها الصديق الشهيد السلام عليك ايها الوصى الرضى البر
التقى الوفى اشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة و
امرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله مخلصا
حتى اتاك اليقين السلام عليك يا امام قصيب وامام نجيب
وامام بعيد قريب وامام مسموم غريب السلام عليك ايها
العالم النبيه والقدر الوجيه النازح عن تربة جده و
ابيه السلام على من امر اولاده وعياله بالنياحة قبل وصول
القتل اليه السلام على ديار كم الموحشات كما استوحشت منكم
منى وعرفات السلام على سادات العبيد وعدة الوعيد
والبئر المعطلة والقصر المشيد السلام على غوث اللهفان
ومن صارت به ارض خراسان خراسان السلام على قبلة
الزائرين وقرة عين فاطمة سيدة نساء العالمين السلام على
البهجة الرضوية والاخلاق الرضية والغصون المتفرعة
من الشجرة الاحمدية السلام على من انتهى اليه رياسة الملك
الاعظم وعلم كل شئ لتمام الامر المحكم السلام على من اسماؤهم
وسيلة للسائلين وهيا كلهم امان المخلوقين وحججهم ابطال
شبه الملحدين السلام على من كسرت له وسادة والده امير
المؤمنين حتى خصم اهل الكتب وعنت قواعد الدين السلام
على علم الاعلام ومن كسرت قلوب شيعته بغربته الى يوم القيمة
السلام على السراج الوهاج والبحر العجاج الذى صارت
تربته مهبط الاملاك والمعراج السلام على امراء الاسلام
وملوك الايمان السلام على باهري النور وطاهري الولادة ومن
اطلعهم الله بفضله على علم الغيب والشهادة وجعلهم بافضاله

منبع الهدى ومعدن السعادة السلام على من ابتهجت به معالم
طوس حيث حل بربعها شعر يا ارض طوس سقاك الله رحمته
ماذا ضمنت من الخيرات يا طوس طابت بقاعك فى الدنيا و
طاب بها شخص ثوى بسناباد ومرموس شخص عزيز على الاسلام
مصرعه فى رحمة الله مغمور ومغموس يا قبره انت قبر قد
تضمنه حلم وعلم وتطهير وتقديس فافخر فانك مغبوط
بجثته وبالملئكة الاطهار محروس السلام على المفتخر
الابرار ونائى المزار وشرط دخول الجنة والنار السلام على
من لم يقطع الله عنهم صلواته فى اناء الساعات وبهم سكنت
السواكن وتحركت المتحركات السلام على من جعل اماما منهم مميزة
بين الفريقين كما نعتبد بولايتهم اهل الخافقين السلام على
من احيى الله بهم دارس حكم النبيين وابعثهم بولايتهم لتمام
كلمة الله رب العالمين السلام على شهور الحول وعدد الساعات
وعدد لا اله الا الله فى رقوم المسطرات السلام على اقبال
الدنيا وسعودها ومن سئلوا عن كلمة التوحيد فقالوا نحن
والله من شروطها السلام على من يعلل وجود كل مخلوق بولايتهم
ومن خطبت لهم الخطباء بسبعة ابائهم ماهم هم افضل من
يشرب صوب الغمام السلام على من علا مجدهم وثناؤهم وفاق
الاولين والاخرين اباؤهم وابناؤهم السلام على من افتخر
الفخر بفخرهم وعلا بهم بوجوب الصلوة عليهم وطهارة ثيابهم
السلام على قمر الاقمار وفخر الابرار المتكلم مع اهل كل
لغة بلسانهم القائل لشيعته ما كان الله ليولى اماما على
امة حتى يعرفه بلغاتهم واديانهم السلام على فرحة القلوب

وفرج الکروب وشریف الاشراف ومفخر عبد مناف یا لیتنی
کنت من الطائفین بعرصة حضرته مستشهداً البهجة مؤانسته
اطوف ببابکم فی کل حین کان تأبیکم جعل الطواف السلام علی
الامام الرؤف الذی هیّج احزان یوم الطفوف بالله اقسم و
بآبائک الاطهار وبابنائک المنتجبین الابرار لولا بعد الشقة
حیث شطت بکم الدار لقضیت بعض واجب حقکم بتکرار
المزار السلام علیکم یا حماة الدین واولاد النبیین وسادة
المخلوقین ورحمة الله وبرکاته این زیارت از مولای ما امام
کل عاکف وباد ابی جعفر الثانی محمد بن علی الجواد علیه الصلوة
والتسلیم مرویست وبسند صحیح از سید بن طاوس مروی ودر
جنة الامان کفعمی مذکور است که هیچکس نماند در این شب یا در
این روز که از درگاه الهی حاجتی مسئلت نماید والله تعالی آن
سؤال را رد کند وآن حاجت را قضا نماید سعادتها مردم
عمل روز غدیر بدانکه فضیلت این روز بسیار است واحادیث
بسیار در فضل این روز وارد شده از انجمله زیاد بن محمد روایت
کرده که داخل شدم بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
وگفتم آیا مسلمانان را عیدی غیر از روز جمعه وعید رمضان
وقربان هست گفت بلی روزی که نصب کرد حضرت رسول صلی
الله علیه وآله علی بن ابی طالب علیه السلام را بخلافت
گفتم آن روز کدام است یا بن رسول الله گفت روز هیجدهم ذیحجه
وسزاوار است که تقرب جویند در آن روز بدرگاه خدای تعالی
به نیکیها وروزه ونماز وصله رحم وصله برادران مؤمن چه انبیا
علیهم السلام روزی که نصب وصی میکردند امر بروزه آن روز

مینمودند وحسن از آنحضرت روایت کرده که گفتم بآنحضرت
که چکنم در روز عید غدیر فرمود که روزه بدار ای حسن وصلوات
بفرست ولعن کن آنکسانی را که ظلم بر آل رسول کردند گفتم چه
ثوابست روزه آن روز را گفت ثواب شصت ماهه روزه وشخصی
دیگر نیز از آنحضرت روایت کرده که داخل شدم بخدمت
آنحضرت در روز هیجدهم ذی حجه واو را روزه دار یافتم پس آن
حضرت فرمود که این روز عظیمست که عظیم کردانیده است خدای
تعالی بر مؤمنان حرمت آنرا وکامل کردانیده در آن دین ایشانرا
وتمام کرده است بر ایشان نعمت خود را وتازه کرده در آن عهد
ومیثاق روز الست بربکم را پس عرض کردم که ثوابست روزه
این روز را فرمود که این روز عید وفرح وخوشحالیست وروز
شکرانه است وروزه این روز برابر است با روزه شصت ماه از
ماههای حرام وکسی که دو رکعت نماز در هر وقت از این روز که
خواهد ونزدیک بزوال بهتر است وآن ساعتیست که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در موضع غدیر خم منصوب شد بامامت
بدهد خدای تعالی او را ثواب صد حج وعمره وهر حاجتی که
طلب کند روا کرداند واز جمله اعمال مسنونه این روز آنست که
چون مؤمنان بیکدیگر رسند مصافحه کنند ومبارکباد دهند
وبگویند الحمد لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من الموفین
بعهده الینا ومیثاقه الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره
والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین والمکذبین
بیوم الدین وسنتست در این روز روزه داشتن واول روز غسل
کردن وزیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام کردن وصله

رحم بجا آوردن ومؤمنان را خوشحال کردانیدن وبفقرای شیعه چیزی
دادن وبا ایشان مواخات کردن چه حضرت رسول صلی الله علیه
وآله در این روز عقد اخوت بست میان اصحاب وطریق عقد
اخوت چنانکه در بعضی از کتب ادعیه وارد است آنست که چون
عقد برادری با کسی بندد دست بدست او دهد وبگوید واخیتک
فی الله وصافیتک فی الله وصافحتک فی الله وعاهدت الله
وانبیاءه ورسله والائمة المعصومین صلوات الله علیهم
علی انی ان کنت من اهل الجنة والشفاعة لا ادخلها الا
وانت معی وآن دیگر بگوید که قبلت وباید که ساقط سازند حقوق
برادری را بغیر از دعا وزیارت وازابا این عبارت بگویند که
واسقطت عنک جمیع حقوق الاخوة ما خلا الدعاء والزیارة
اما زیارت این روز باید قبل از نماز این روز بعمل آید پس اگر در
نجف اشرف باشی فهو المطلوب واگر نباشی بطریقی که در زیارت
مولود مذکور شد از غسل زیارت وصحرا یا بالای بام رفتن ونماز
زیارت ونیات آنها بعربی یا فارسی وآداب بعد از زیارت همه را
بعمل آورد وبعد از بجا آوردن آداب مقدمه این زیارت نامه را
بخواند که جابر جعفی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که
فرمود پدر بزرگوارم حضرت سید الساجدین رفت بمشهد منور
امیر المؤمنین وبرابر مرقد منور ایستاد وگریست وبعد از آن
فرمود السلام علیک یا امین الله فی ارضه وحجته علی عباده
السلام علیک یا امیر المؤمنین اشهد انک جاهدت فی الله
حق جهاده وعملت بکتابه واتبعت سنن نبیه صلی الله علیه
وآله حتی دعاک الله الی جواره وقبضک الیه باختیاره

والزم اعداءک الحجة مع ما لک من الحجج البالغة علی جمیع خلقه
اللهم فاجعل نفسی مطمئنة بقدرک راضیة بقضائک مولعة
بذکرک ودعائک محبة لصفوة اولیائک محبوبة فی ارضک و
سمائک صابرة علی نزول بلائک مشتاقة الی فرحة لقائک
متزودة التقوی لیوم جزائک مستنة بسنن اولیائک مفارقة
لاخلاق اعدائک مشغولة عن الدنیا بحمدک وثنائک **بعد از آن
فرمودند** السلام علی سیدنا رسول الله محمد بن عبد الله
امین الله علی وحیه وعزائم امره الخاتم لما سبق والفاتح لما
استقبل والمهیمن علی ذلک کله ورحمة الله وبرکاته السلام
علی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب وصی رسول الله وخلیفته و
القائم بامره من بعده سید الوصیین ورحمة الله وبرکاته
السلام علی فاطمة بنت رسول الله سیدة نساء العالمین
السلام علی الحسن والحسین سیدی شباب اهل الجنة من الخلق
اجمعین السلام علی الائمة الراشدین السلام علی الانبیاء و
المرسلین السلام علی الملائکة المقربین السلام علینا وعلی عباد
الله الصالحین السلام علی من افتخر به جبرئیل السلام علیک
یا امین الله السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا صفوة
الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا وصی رسول
رب العالمین السلام علیک یا سید الوصیین السلام علیک یا
حجة الله علی الخلق اجمعین السلام علیک ایها النبأ العظیم
الذی هم فیه مختلفون وعنه یسئلون وعلیه یعرضون السلام
علیک ایها الصدیق الاکبر السلام علیک ایها الفاروق
الاعظم السلام علیک یا امین الله السلام علیک یا خلیل الله

وموضع سرّه وعيبة علمه وخزان وحيه بأبي أنت وأمي يا باب
المقام بأبي أنت وأمي يا حجة الخصام أشهد أنك حبيب الله
وخاصة الله وخالصته وأشهد أنك عمود الدين ووارث علوم
الأولين والآخرين وصاحب الميسم والصراط المستقيم أشهد
أنك قد بلغت عن الله ما حملك وحفظت عن رسول الله ما استودعك
وحللت حلال الله وحرمت حرامه وأقمت حدوده وعبدت
الله مخلصا حتى أتاك اليقين وأشهد أنك أقمت الصلوة و
آتيت الزكوة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر واتبعت
الرسول وتلوت الكتاب حق تلاوته وجاهدت في الله حق
جهاده ونصحت لله ولرسوله صلى الله عليه وآله وجاهدت
بنفسك صابرا محتسبا وعن دين الله مجاهدا ولرسول الله موقيا
ولما عند الله طالبا وفيما وعد الله راغبا ومضيت على الذي
كنت عليه شهيدا وشاهدا ومشهودا فجزاك الله عن رسول الله
صلى الله عليه وآله وعن الإسلام وأهله أفضل الجزاء لعن
الله من خالفك ولعن الله من ظلمك ولعن الله من افترى
عليك وغصبك حقك ولعن الله من تابع على قتلك ولعن
الله من بلغه ذلك فرضي به إنا إلى الله منهم براء ولعن الله
أمة خالفتك وأمة جحدت ولايتك وأمة تظاهرت عليك
وأمة قتلتك وأمة حادت عنك وأمة خذلتك الحمد لله
الذي جعل النار مثويهم وبئس الورد المورود وبئس ورد
الواردين وبئس الدرك المدرك اللهم العن قتلة أنبيائك
وقتلة أوصياء أنبيائك بجميع لعناتك وأصلهم حر نارك
اللهم العن الجوابيت والطواغيت والفراعنة واللات و

العزى والجبت وكل ند يدعى من دون الله وكل مفتر اللهم العنهم
وأشياعهم وأتباعهم وأولياءهم وأعوانهم ومحبيهم لعنا كثيرا
بعد از بگوید اللهم العن قتلة أمير المؤمنين پس بگوید اللهم
العن قتلة الحسن والحسين پس بگوید اللهم العن قتلة الأئمة
پس بگوید اللهم عذبهم عذابا لا تعذب به أحدا من العالمين
وضاعف عليهم عذابك كما شاقوا ولاة أمرك وأعد لهم
عذابا لم تحله بأحد من خلقك اللهم وأدخل على قتلة أنصار
رسولك وقتلة أنصار أمير المؤمنين وقتلة أنصار الحسن و
الحسين وقتلة من قتل في ولاية آل محمد أجمعين عذابا مضاعفا
في أسفل درك من الجحيم لا يخفف عنهم من عذابها وهم فيها
مبلسون ملعونون ناكسوا رؤسهم عند ربهم قد عاينوا الندامة
والخزي الطويل لقتلهم عترة أنبيائك ورسلك وأتباعهم
من عبادك الصالحين اللهم العنهم في مستسر السر و
ظاهر العلانية في سمائك وأرضك اللهم اجعل لي لسان
صدق في أوليائك وحبب إلي مستقرهم ومشاهدهم
حتى تلحقني بهم وتجعلني لهم تبعا في الدنيا والآخرة يا
أرحم الراحمين واز اعمال اینست که چون نصف ساعت بزوال ماند
دو رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعت بعد از حمد هر یک از
سوره توحید و قدر و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون ده مرتبه
و بعد از سلام تسبیح فاطمه زهرا بگوید و این دعا بخواند ربنا
إننا سمعنا مناديا ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الأبرار
ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة

انك لا تخلف الميعاد اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا
واشهد ملئكتك وانبياءك وحملة عرشك وسكان سمواتك
وارضيك بانك انت الله لا اله الا انت المعبود فلا يعبد
سواك فتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا واشهد ان
محمدا عبدك ورسولك واشهد ان امير المؤمنين عبدك و
مولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادي رسولك صلى
الله عليه وآله اذ نادى بنداء عنك بالذي امرته ان يبلغ
ما انزلت اليه من ولاية ولي امرك وحذرته وانذرته ان
لم يبلغ ما امرته به ان تسخط عليه ولما بلغ رسالاتك
عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الا من كنت مولاه
فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه فعلي
اميره ربنا فقد اجبنا داعيك النذير محمدا عبدك ورسولك
الى الهادي المهدي عبدك الذي انعمت عليه وجعلته مثلا
لبني اسرائيل علي امير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا واتبعنا
مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الانام وصراطك
المستقيم وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي اليك على بصيرة
هو ومن اتبعه وسبحان الله عما يشركون واشهد ان الامام
الهادي الرشيد امير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك فانك
قلت وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد
بانه عبدك والهادي من بعد نبيك النذير المنذر وصراطك
المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة
ولسانك المعبر عنك في خلقك وانه القائم بالقسط في
بريتك وديان دينك وخازن علمك وامينك المامون

الماخوذ

الماخوذ ميثاقه وميثاق رسولك عليهما السلام من جميع خلقك
وبريتك شاهدا بالاخلاص لك في الوحدانية والربوبية
بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك ورسولك
وان عليا امير المؤمنين جعلته والاقرار بولايته تمام
وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك
وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم
واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام فلك الحمد
بموالاته واتمام نعمتك علينا بالذي جددت من عهدك و
ميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص و
التصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا
من اتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين والمبتكين
اذان الانعام والمغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ
عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله وصدهم عن السبيل و
الصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين و
المغيرين والمكذبين بيوم الدين من الاولين والاخرين
اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا
به الى ولاة امرك من بعد نبيك الائمة الهداة الراشدين
واعلام الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى
وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت لنا
الاسلام دينا ربنا فلك الحمد امنا وصدقنا بمنك علينا
بالرسول النذير المنذر ووالينا وليهم وعادينا عدوهم
وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما
كان لك من شانك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد

ولايتك

دينا

يا من هو كل يوم في شأن اذ اتممت نعمتك علينا بموالاة اوليائك
المسئول عنهم عبادك فانك قلت لتسئلن يومئذ عن النعيم و
قلت وقولك الحق وقفوهم انهم مسئولون ومننت علينا بشهادة
الاخلاص وبولاية اوليائك الهداة بعد النذير المنذر
السراج المنير واكملت لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة
وجددت لنا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في
ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة ولم تنسنا
ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم
ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا
بمنك ولطفك بانك انت الله لا اله الا انت ربنا ومحمد
عبدك ورسولك نبينا وعلي امير المؤمنين عبدك الذي
انعمت به علينا وجعلته آية لنبيك عليه السلام وآيتك
الكبرى والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسئولون
اللهم فكما كان من شأنك ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم
فليكن من شأنك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبارك لنا
في يومنا هذا الذي اكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك و
ميثاقك واكملت لنا ديننا واتممت علينا نعمتك وجعلتنا
بمنك من اهل الاجابة لك والبراءة من اعدائك واعداء
اوليائك المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام ما
انعمت وان تجعلنا من الموفين ولا تلحقنا بالمكذبين
واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعل لنا مع المتقين
اماما يوم ندعوا كل اناس بامامهم واحشرنا في زمرة اهل
بيت نبيك الائمة الصادقين واجعلنا من البراء من الذين

هم دعاة

هم دعاة الى النار ويوم القيمة هم من المقبوحين واحينا
على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا واجعل
لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير محيى ومماتنا
خير ممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة اوليائك و
معاداة اعدائك حتى توفنا وانت عنا راض قد اوجبت
لنا جنتك برحمتك والمثوى في جوارك في دار المقامة من
فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ربنا اغفر
لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا
وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك
لا تخلف الميعاد اللهم احشرنا مع الائمة الهداة من آل
رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم
اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي
فضلتهم به على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا
هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة بعهدك الذي عهدته
الينا والميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك و
البراءة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك ولا تجعله
مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله
مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي
الى الهدى وتحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين
على بصيرة من دينك انك على كل شيء قدير بعد از آن حاجت
خود را بخواهد که البته روا میشود و بعد از آن اکر خواهد این
دعا را نیز بخواند اللهم اني اسئلك بحق محمد نبيك صلى الله
عليه وآله وعلي وليك والشان والقدر الذي اخصصتهما

به دون خلقك ان تصلى عليهما وعلى ذريتهما وان تبدا بهما فى كل
خير عاجل اللهم صل على محمد وال محمد الائمة القادة والدعاة
السادة والنجوم الزاهرة والاعلام الباهرة وساسة العباد
واركان البلاد والناقة المرسلة والسفينة الجارية فى اللجج
الغامرة اللهم صل على محمد وال محمد خزان علمك واركان
توحيدك ودعائم دينك ومعادن كرامتك وصفوتك
من بريتك وخيرتك من خلقك الاتقياء النجباء الابرار
والباب المبتلى به الناس من اتاه نجى ومن اباه هوى اللهم
صل على محمد وال محمد اهل الذكر الذين امرت بمسئلتهم وذوى
القربى الذين امرت بمودتهم وفرضت حقهم وجعلت الجنة
معاد من اقتص اثارهم اللهم صل على محمد وال محمد كما امروا
بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلوا عبادك على وحدانيتك
اللهم اسئلك بحق محمد نبيك ونجيبك وصفوتك وامينك
ورسولك الى خلقك وبحق امير المؤمنين ويعسوب الدين وقائد
الغر المحجلين الوصى الوفى والصديق الاكبر والفاروق الاعظم
بين الحق والباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع
بامرك والمجاهد فى سبيلك لم تاخذه فيك لومة لائم
ان تصلى على محمد وال محمد وان تجعلنى فى هذا اليوم الذى
عقدت فيه لوليك العهد فى اعناق خلقك واكملت
لهم الدين من العارفين بحقه والمقرين بفضله من عتقائك
وطلقائك من النار ولا تشمت بى حاسدى النعم اللهم
فكما جعلته عيدك الاكبر وسميته فى السماء يوم العهد
المعهود وفى الارض يوم الميثاق الماخوذ والجمع المسئول

صل على محمد وال محمد واقرر به عيوننا واجمع شملنا ولا تضلنا
بعد اذ هديتنا واجعلنا لانعمك من الشاكرين يا ارحم
الراحمين الحمد لله الذى عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا
حرمته وكرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا
رسول الله يا امير المؤمنين عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما
منى افضل السلام ما بقى الليل والنهار وبكما اتوجه الى
الله ربى وربكما فى نجاح طلبتى وقضاء حوائجى وتيسير
امورى اللهم انى اسئلك بحق محمد وال محمد وان تلعن من
جحد حق هذا اليوم وانكر حرمته فصد عن سبيلك لاطفاء
نورك فابى الله الا ان يتم نوره اللهم فرج عن اهل بيت
نبيك صلى الله عليهم اجمعين واكشف عنهم وبهم عن المؤمنين
الكربات اللهم املا الارض بهم عدلا وقسطا كما
ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انك لا تخلف
الميعاد بعد از ان سجده كند وصد بار شكرا شكرا وصد بار الحمد
لله بگويد واگر تواند صد بار بگويد الحمد لله على اكمال
الدين واتمام النعمة ورضى الرب الكريم والحمد لله رب العالمين
والصلوة على خير خلقه محمد وعترته الطاهرين واگر صد بار نتواند
اقلا ده بار اگر تواند بگويد فصل دوم در بيان اعمال الليالى الاربع وعدد از چهار
عيار شب بدانكه در هر سالى چهار شب است كه من حيث القدر والشرف
بيحم ندارد ودر اصطلاح شريعت مقدسه ان شبها را ليالى اربع
ميناميد در هر يك از ان شبها غسل واحيا تا طلوع صبح واقامت
وظايف واعمال انشب از صلوات مرويه وادعيه ماثوره وزيارات
مسنونه واذكار مخصوصه برا بر شخص سال عبادت وطاعت كردن

است و یکدرهم تصدق در هر شبی از آن شبها مقابل ده هزار درهم
صدقه در شبهای دیگر است و مرویست که حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام درین شبها نفس مقدس خود را در تعب عظیم و مشقت
شدید میداشت از کثرت عبادت و طاعت و مواظبت اوراد و
ادعیه و الفاظ اذکار و اثنیه و توفیر ساعات و اوقات و توفیر
عطایا و تصدقات و همچنین حضرت سید الساجدین و من تلا
من الائمة الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و حضرت صادق
علیه السلام از پدر بزرگوارش از جدش حضرت امیر المؤمنین عم
روایت فرموده که آنحضرت فرمود عجب دارم که اهل مشرق و مغرب
درین چهار شب بغفلت بگذرانند و روی نیاز بدرگاه بی نیاز
نیاورند و عذر تقصیرات گذشته خود را از حضرت غافر الخطیات
مسئلت نمایند و آن شب اول ماه رجب و شب نیمه شعبان و شب
عید رمضان و عید قربان است عبادات و ذکر اعمال شب اول ماه رجب است
سنت است درین شب غسل کردن و احیا داشتن و خواندن این دعا
که از حضرت امام محمد تقی علیه السلام مرویست که آنحضرت در
شب اول رجب در میان نماز مغرب و عشا این دعا خواندند
اللهم انی اسئلک بانک ملک و انک علی کل شیء قدیر و انک
ما تشاء من امر یکن اللهم انی اتوجه الیک بنبیک محمد
صلی الله علیه و اله نبی الرحمة یا محمد یا رسول الله انی
اتوجه بک الی الله ربک و ربی لینجح لی بک طلبتی اللهم
بنبیک محمد و الائمة من اهل بیته صلوات الله علیهم انجح
طلبتی و کسی که این دعا بخواند و بعد از آن حاجت خود را بخواهد
البته روا میشود و مرویست که کسی که در شب اول ماه رجب

بیست رکعت نماز کند میان شام و خفتن و بخواند در هر رکعت بعد از
حمد هر سوره که خواهد حفظ کند خدای تعالی او را و اهل بیت او را
و مال و فرزندان او را و نجات دهد او را از عذاب قبر و بگذراند
او را از پل صراط مثل برق جهنده و مرویست که کسی که درین شب
دو رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعت بعد از حمد هر یک از الم
نشرح و قل هو الله احد و معوذتین را یکبار و چون فارغ شود سی بار
بگوید لا اله الا الله از جمیع گناهان پاک شود و از اعمال مستحبه
این شب است زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه باین نحو
که بعد از آداب مقدمه زیارت از غسل و نماز و بوی خوش مالیدن
نیت کند باین قسم که ازور سیدی و مولای ابا عبد الله الحسین
عن البعد فی اول لیلة من شهر رجب عنی و عن والدی و عن
جمیع المؤمنین و المؤمنات لندبها قربة الی الله و بفارسی آنکه
زیارت مولای خود ابا عبد الله الحسین میکنم از دور در شب اول
رجب از برای خود و از برای والدین خود و از برای جمیع مؤمنین و
مؤمنات بجهت آنکه سنت است قربة الی الله و بگوید السلام علیک
یا بن رسول الله السلام علیک یا بن خاتم النبیین السلام علیک
یا بن سید المرسلین السلام علیک یا بن سید الوصیین السلام
علیک یا ابا عبد الله الحسین السلام علیک یا حسین بن علی
السلام علیک یا بن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین
السلام علیک یا ولی الله و ابن ولیه السلام علیک یا
صفی الله و ابن صفیه السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته
السلام علیک یا حبیب الله و ابن حبیبه السلام علیک یا
سفیر الله و ابن سفیره السلام علیک یا خازن الکتاب المسطور

السلام علیک یا وارث التوریة والانجیل والزبور السلام علیک یا امین الرحمن السلام علیک یا شریک القرآن السلام علیک یا عمود الدین السلام علیک یا باب حکمة رب العالمین السلام علیک یا عیبة علم الله السلام علیک یا موضع سر الله السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک وعلی الارواح التی حلت بفنائک واناخت برحلک بابی انت وامی ونفسی یا ابا عبد الله لقد عظمت المصیبة وجلت الرزیة بک علینا وعلی جمیع اهل الاسلام فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور علیکم اهل البیت ولعن الله امة دفعتکم عن مقامکم وازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها بابی انت وامی ونفسی یا ابا عبد الله اشهد لقد اقشعرت لدمائکم اظلة العرش مع اظلة الخلائق وبکتکم السموات والارض وسکان الجنان والبر والبحر صلی الله علیک عدد ما فی علم الله لبیک داعی الله ان کان لم یجبک بدنی عند استغاثتک ولسانی عند استنصارک فقد اجابک قلبی وبصری سبحان ربنا ان کان وعد ربنا لمفعولا اشهد انک طهر طاهر مطهر من طهر طاهر مطهر طهرت وطهرت بک البلاد وطهر حرمک وطهرت ارض انت بها واشهد انک امرت بالقسط ودعوت الیهما وانک صادق صدیق فیما دعوت الیه وانک ثار الله فی الارض واشهد انک قد بلغت عن الله وعن جدک رسول الله وعن ابیک امیر المؤمنین وعن اخیک الحسن ونصحت وجاهدت فی سبیل ربک وعبدت الله

مخلصا حتی اتاک الیقین فجزاک الله خیر جزاء السابقین وصلی الله علیک وسلم تسلیما اللهم صل علی محمد وآل محمد وصل علی الحسین المظلوم الشهید قتیل العبرات واسیر الکربات صلوة نامیة زاکیة مبارکة یصعد اولها ولا ینفد آخرها افضل ما صلیت علی احد من اولاد انبیائک المرسلین یا اله العالمین

عبادت دویم در اعمال شب نیمه ماه شعبان

بدانکه این شب بهترین شبهاست بعد از شب قدر و در این شب قائم آل محمد صلوات الله وسلامه علیه متولد شده سنت است در این شب غسل و احیا و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کردن بزیارتی که در شب اول ماه رجب مذکور شد و تقرب جستن بدرگاه احدیت از اعمال حسنه و ادعیه و اذکار این شب بسیار است از انجمله در این شب هر یک از تحمید و تهلیل و تسبیح و تکبیر صد بار باید گفت و استغفار بسیار باید نمود و ابن بابویه از حضرت امام حسن علیه السلام روایت کرده که فرمود جبرئیل علیه السلام نازل شد بحضرت رسول و گفت یا محمد امر کن امت خود را که در شب نصف ماه شعبان ده رکعت نماز کنند هر دو رکعت بیک سلام و بخوانند در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و بعد از سلام بسجده کنند و بگویند اللهم سجد لک سوادی وخیالی وبیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد هزار گناه را و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه و از حضرت رسول

صلی الله علیه و آله مرویست که شب نصف از شعبان در خواب
بودم که جبرئیل علیه السلام آمد و گفت یا محمد آیا خواب میکنی
درین شب گفتم یا جبرئیل چه شب است گفت شب نصف شعبان
است برخیز پس برخیزانید مرا و به بقیع برد و گفت یا محمد سر
بالا کن که این شبی است که گشوده است در آن درهای آسمان
و درهای رحمت و رضوان و درهای فضل و نعمت و درهای
توبه و مغفرت و درهای احسان و موهبت و آزاد میکند خدای
تعالی درین شب گناهکار بعدد موی چهارپایان و درین شبست
که تقدیر عمرها و قسمت روزیها میشود و درین شب نازل میشود
آنچه حادث میشود تا سال آینده یا محمد کسی که احیا دارد این شب
را بتکبیر و تسبیح و تهلیل و دعا و نماز و قراءت قرآن و استغفار
بهشت سر منزل اوست و آمرزیده شود گناهان گذشته و آینده
او یا محمد احیا دار این شب را و امر کن امت را که احیا دارند
آنرا و تقرب جویند بدرگاه خدای تعالی باعمال نیکو یا محمد چون
من آمدم نبود هیچ ملکی مگر آنکه ایستاده بودند بدرگاه عزت
حضرت باری بعضی راکع و بعضی ساجد و بعضی قایم و بعضی داعی
و بعضی در تکبیر و بعضی در تسبیح و بعضی در استغفار و می‌آمرزد
خدای تعالی درین شب هر ایستاده بنماز را و هر نشسته مشغول
به تسبیح را و هر راکع و ساجد و ذاکر او این شبیست که دعا در آن
مردود و سائل در آن محروم و مستغفر در آن مأیوس و تائب در آن
نومید نیست یا محمد کسی که درین شب صد رکعت نماز کند و بخواند
در آن الحمد یکبار و قل هو الله ده بار و چون فارغ شود بخواند
هر یک از آیة الکرسی و سوره الحمد ده بار و سبحان الله صد بار

میبخشد

میبخشد خدای تعالی صد کبیره مهلکه او را بهر سوره و تسبیحی قصری
در بهشت و شفیع میگرداند او را در حق صد کس که از اهل بیت او
و شریک میگرداند او را در ثواب شهدا و میدهد او را آنچه داده است
بروزه داران اینماه و احیا کنندگان این شب بی آنکه از ثواب ایشان
چیزی کم کند و در شرح فضیلت این نماز طولیست که این مختصر
گنجایش آن ندارد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
مرویست که فرمود پرسیدند از پدرم امام محمد باقر علیه السلام
از فضل شب نصف شعبان پس آن حضرت فرمود که آن بهترین شبهاست
بعد از شب قدر و بدرستی و تحقیق که عطا کرده است حق سبحانه و
تعالی فضل آن شب را به بندگان و می‌آمرزد ایشان را بفضل و
کرم خود پس جهد کنید در تقرب بدرگاه خدای تعالی در آن بدرستی
که شبیست که لازم کرده بر خود آنکه رد نکند سؤال سائلی را مگر
آنکه سؤال او معصیت باشد و آن شبیست که عطا کرده است خدای
تعالی بر ما اهل بیت آنرا در عوض شب قدری که بحضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله داده است پس جهد کنید در دعا و ثنای الهی
بدرستی که درین شب صد بار سبحان الله و صد بار الحمد لله و صد
بار الله اکبر بگوید می‌آمرزد خدای تعالی گناهان گذشته او را
و بر می‌آورد حاجات دنیا و آخرت او را آنچه او طلب کرده باشد
و آنچه را که خدای تعالی داند هر چند او طلب نکرده باشد و این
عطیه و تفضیلیست از خدای تعالی بر بندگان راوی میگوید
گفتم با آنحضرت چه چیز افضلست درین شب فرمود چون نماز
عشا کنی بعد از آن دو رکعت نماز کن و بخوان در رکعت اول الحمد
و قل یا ایها الکافرون و در دوم الحمد و قل هو الله و چون سلام

دهی سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار بار
الله اکبر بگو و بعد از ان این دعا بخوان یا من الیه ملجأ العباد
فی المهمات والیه یفزع الخلق فی الملمات یا عالم الجهر والخفیات
و یا من لا تخفی علیه خواطر الاوهام و تصرف الخطرات
یا رب الخلائق والبریات یا من بیده ملکوت الارضین و
السموات انت الله لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا
انت اجعلنی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته و
سمعت دعاءه فاجبته و علمت استقالته فاقلته و تجاوزت
عن سالف خطیئته و عظیم جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی
و لجات الیک فی ستر عیوبی اللهم جد علی بکرمک و فضلک
واحطط خطایای بحلمک و عفوک و تغمدنی فی هذه اللیلة
بسابغ کرامتک واجعلنی فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم
لطاعتک واخترتهم لعبادتک و جعلتهم خالصتک و
صفوتک اللهم اجعلنی ممن سعد جده و توفر من الخیرات
حظه واجعلنی ممن سلم فنعم و فاز فغنم واکفنی شر ما اسلفت
واعصمنی من الازدیاد فی معصیتک و حبب الی طاعتک و
ما یقربنی منک و یزلفنی عندک سیدی الیک یلجأ الهارب
و منک یلتمس الطالب و علی کرمک یعول المستقیل التائب
ادبت عبادک بالتکرم وانت اکرم الاکرمین وامرت
بالعفو عبادک وانت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی ما
رجوته من کرمک و لا تؤیسنی من سابغ نعمک و لا تخیبنی
من جزیل قسمک فی هذه اللیلة لاهل طاعتک واجعلنی
فی جنة من شرار بریتک رب ان لم اکن من اهل ذلک

فانت اهل الکرم والعفو والمغفرة و جد علی بما انت اهله
لا بما استحقه فقد حسن ظنی بک و تحقق رجائی لک و
علقت نفسی بکرمک وانت ارحم الراحمین واکرم الاکرمین
اللهم واخصصنی من کرمک بجزیل قسمک واعذنی
بعفوک من عقوبتک واغفر لی الذنب الذی یحبس علی الخلق
و یضیق علی الرزق حتی اقوم بصالح رضاک وانعم بجزیل
عطائک واسعد بسابغ نعمائک فقد لذت بحرمک و تعرضت
لکرمک واستعذت بعفوک من عقوبتک و بحلمک من غضبک
فجد بما سألتک وانل ما التمست منک اسألک بک لا بشیء
هو اعظم منک بعد از ان سجده کن و در سجده ده بار یا رب و
هفت بار یا الله و هفت بار لا حول و لا قوة الا بالله و ده بار
ما شاء الله و ده بار لا قوة الا بالله بعد از ان صلوات بر پیغمبر
و آل او بفرست و حاجت خود را طلب کن قسم بخدا اگر بعدد
قطرات باران مطالب تو باشد عطا میکند خدای تعالی انرا
بفضل و کرم خود و چون از سجده برخیزی این دعا بخوان الهی تعرض
لک فی هذا اللیل المتعرضون تا اخر دعا که مذکور شد در اداب
نماز شب و از جمله اعمال این شب ادعیه مخصوص باین شب است و
سنت است در این شب خواندن این دعا که مرویست از رسول صلی
الله علیه و آله اللهم اقسم لنا من خشیتک ما یحول بیننا و
بین معصیتک و من طاعتک ما تبلغنا به رضوانک و من الیقین
ما یهون علینا به مصیبات الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا
و ابصارنا و قوتنا ما احییتنا واجعله الوارث منا واجعل
ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا و لا تجعل مصیبتنا

فی دینِنا و لا تجعل الدنیا اکبر همّنا و لا مبلغ علمنا و لا تسلط
علینا من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین و مستحب است که هر شب
سه مرتبه سورهٔ مبارکهٔ یس خواندن یکی بجهت وسعت رزق دوم
بجهت مزید عمر سیم بجهت مغفرت و بعد از هر مرتبه این دعا بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ان کنت کتبت اسمی فی دیوان
السعداء فلک الحمد و لک الشکر و ان کنت کتبت اسمی فی دیوان
الاشقیاء فامحه و اثبته فی دیوان السعداء فانک تمحو ما
تشاء و تثبت و عندک ام الکتاب و از جملهٔ اعمال این شب است
خواندن دعای مولود حجة القائم آل محمد صلوات الله علیه و دعا
اینست اللهم بحق لیلتنا و مولودها و حجتک و موعودها
التی قرنت الی فضلها فتمت کلمتک صدقاً و عدلاً لا مبدل
لکلماتک و لا معقب لآیاتک نورک المتألق و ضیاؤک المشرق
و العلم النور فی طخیاء الدیجور و الغائب المستور جل مولده
و کرم محتده و الملائکة شهده و الله ناصره و مؤیده
اذا آن میعاده و الملائکة امداده سیف الله الذی لا ینبو
و نوره الذی لا یخبو و ذو الحلم الذی لا یصبو مدار الدهر و
نوامیس العصر و ولاة الامر و المنزل علیهم ما ینزل فی
لیلة القدر و اصحاب الحشر و النشر تراجمة وحیه و ولاة
امره و نهیه اللهم فصل علی خاتمهم و قائمهم المستور عن
عوالمهم و ادرک بنا ایامه و ظهوره و قیامه و اجعلنا من
انصاره و اقرن ثارنا بثاره و اکتبنا فی اعوانه و خلصائه
و احینا فی دولته ناعمین و بصحبته غانمین و بحقه قائمین
و من السوء سالمین یا ارحم الراحمین و الحمد لله رب العالمین

وصلی

و صلی الله علی محمد خاتم النبیین و المرسلین و علی اهل بیته
الصادقین و عترته الناطقین و العن جمیع الظالمین و احکم
بیننا و بینهم یا احکم الحاکمین و از جملهٔ اعمال این شب خواندن
دعای حضرت خضر علیه السلام است مرویست از کمیل بن زیاد النخعی
که گفت نشسته بودم در خدمت مولایم امیر المؤمنین علیه السلم
در مسجد بصره و جماعتی از اصحاب نیز در خدمتش حاضر بودند
پس بعضی از ایشان از معنی آیهٔ کریمهٔ فیها یفرق کل امر حکیم
پرسیدند آنحضرت فرمود آن شب نصف شعبان است قسم بآن
کسی که جان علی بن ابی طالب در قبضهٔ قدرت اوست که جاری
نمیشود بر بنده هیچ خیری و شری تا سال آینده مگر آنکه قسمت آن
درین شب میشود و کسی که احیا کند این شب را و بخواند در آن
دعای خضر علیه السلام را البته دعای او مستجاب میشود کمیل
ابن زیاد میگوید چون شب پانزدهم شعبان رسید بخدمت آنحضرت
رفتم پس گفت چه چیز ترا باینجا آورد گفتم یا مولی دعای خضر علیه
گفت بنشین یا کمیل چون حفظ این دعا کنی بخوان آنرا در هر شب
جمعه یا در هر ماهی یا در هر سالی یا در عمر خود یکبار چه آن
کفایت امر تو میکند و ترا منصور و وسیع روزی میگرداند و
مغفرت خدای تعالی ادراک تو میکند یا کمیل طول خدمت
و خدمتی که ترا است اجابت مسئول تو نمودم و این دعا را بتو عطا
کردم بعد از آن فرمود که بنویس اللهم برحمتک التی وسعت
کل شیء و بقدرتک التی قهرت بها کل شیء و خضع
لها کل شیء و ذل لها کل شیء و بجبروتک التی غلبت بها
کل شیء و بعزتک التی لا یقوم لها شیء و بعظمتک التی

ملأت كل شيء وبسلطانك التي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد
فناء كل شيء وباسمائك التي غلبت اركان كل شيء وبعلمك الذي
احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي اضاء له كل شيء يا نور
يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل
النقم اللهم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر
لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي
تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة
اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع
بك الى نفسك واسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان
توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسألك
سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني
بقسمك راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم
واسألك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد
حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك
وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك و
جرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد
لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح
بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك
ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي و
منك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من
البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته
وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي

ملأت خ ل

اللهم اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء ٣

وافرط

وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي و
حبسني عن نفعي بعد املي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي
بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب عنك
دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من
سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء
فعلي واسائتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي و
غفلتي وكن اللهم بعزتك لي في كل الاحوال رؤفا وعلي في
جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسأله كشف ضري
والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه
هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى
واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك
من نقض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحجة علي في
جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني
حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي
على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا
مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا
اتوجه اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في
سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري
وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي
ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي
هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي و
ربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى
عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده

بعض خ ل

[illegible]

ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك
هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته
او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته
وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على
وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك
صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك
محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة
وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت
باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك
عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا
وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان
ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف
احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها و
هو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله
لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا
ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا
عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين يا الهي و
ربي وسيدي ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها
اضج وابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته
فلئن صيرتني للعقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين
اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك
فهبني يا الهي وسيدي وربي صبرت على عذابك فكيف
اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر عن

النظر

النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك
فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا
لاضجن اليك بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن اليك
صراخ المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين ولانادينك
اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث
المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك
سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها
بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها
بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك
بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي
فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك و
رأفتك ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك ام
كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف
يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتقلقل
بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها
وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه
فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا
مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين
اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به من
اخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت
لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان
تملأها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين وان تخلد
فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام

متکرما افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون الهی وسیدی
فاسئلك بالقدرة التی قدرتها وبالقضیة التی حتمتها و
حکمتها وغلبت من علیه اجریتها ان تهب لی فی هذه اللیلة
وفی هذه الساعة کل جرم اجرمته وکل ذنب اذنبته وکل
قبیح اسررته وکل جهل عملته کتمته او اعلنته او اخفیته
او اظهرته وکل سیئة امرت باثباتها الکرام الکاتبین الذین
وکلتهم بحفظ ما یکون منی وجعلتهم شهودا علی مع جوارحی
وکنت انت الرقیب علی من ورائهم والشاهد لما خفی عنهم
وبرحمتك اخفیته وبفضلك سترته وان توفر حظی من کل
خیر تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه
او ذنب تغفره او خطاء تستره یا رب یا رب یا رب یا الهی و
سیدی ومولای ومالك رقی یا من بیده ناصیتی یا علیما
بضری ومسکنتی یا خبیرا بفقری وفاقتی یا رب یا رب یا رب
اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك واسمائك ان
تجعل اوقاتی من اللیل والنهار بذکرك معمورة وبخدمتك
موصولة واعمالی عندك مقبولة حتی تکون اعمالی و
اورادی کلها وردا واحدا وحالی فی خدمتك سرمدا یا
سیدی یا من علیه معولی یا من الیه شکوت احوالی یا
رب یا رب یا رب قو علی خدمتك جوارحی واشدد علی
العزیمة جوانحی وهب لی الجد فی خشیتك والدوام
فی الاتصال بخدمتك حتی اسرح الیك فی میادین السابقین
واسرع الیك فی المبادرین واشتاق الی قربك فی
المشتاقین وادنو منك دنو المخلصین واخافك مخافة

الموقنین واجمع فی جوارك مع المؤمنین اللهم ومن ارادنی
بسوء فارده ومن کادنی فکده واجعلنی من احسن
عبیدك نصیبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم
زلفة لدیك فانه لا ینال ذلك الا بفضلك وجد لی
بجودك واعطف علی بمجدك واحفظنی برحمتك واجعل
لسانی بذکرك لهجا وقلبی بحبك متیما ومن علی بحسن
اجابتك واقلنی عثرتی واغفر زلتی فانك قضیت علی
عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة
فالیك یا رب نصبت وجهی والیك یا رب مددت یدی
فبعزتك استجب لی دعائی وبلغنی منای ولا تقطع من فضلك
رجائی واکفنی شر الجن والانس من اعدائی یا سریع
الرضا اغفر لمن لا یملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء
یا من اسمه دواء وذکره شفاء وطاعته غنی ارحم
من راس ماله الرجاء وسلاحه البکاء یا سابغ النعم یا
دافع النقم یا نور المستوحشین فی الظلم یا عالما لا یعلم
صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله وصلی الله
علی رسوله والائمة المیامین من آله وسلم تسلیما کثیرا
عبادت سیم دهم عمل شب عید رمضان وسنت است درین شب
دو بار غسل کردن یکی اول شب ویکی آخر شب واحیا داشتن
چه مرویست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام این شب
را تا بصبح نماز میکرد وبه پسرش امام محمد باقر علیه السلم میگفت
که این شب برابر است با شب قدر وسنت است درین شب زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام چه مرویست که کسی که درین

شب زیارت آنحضرت کند ثواب او برابری کند با ثواب هزار حج
و هزار عمرهٔ مقبول و برآورده میشود هزار حاجت او در دنیا و
آخرت پس چون متوجه زیارت شوی آداب متقدمهٔ زیارت را
از غسل و نماز زیارت چنانچه گذشت بعمل آورده بعربی چنین
نیت کن که أزور سیدی و مولای أبا عبد الله الحسین علیه السلام
عنّی و عن والدیّ و عن جمیع المؤمنین و المؤمنات من البعد
فی لیلة الفطر لندبها قربةً الی الله و بفارسی آنکه زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام میکنم از برای خود و والدین خود و از
برای جمیع مؤمنین و مؤمنات از دور در شب فطر از برای آنکه
سنّت است تقرّب بخدا بعد از آن بگو السلام علیک یا وارث
آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح امین الله
السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک
یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح
الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک
یا وارث علیّ حجّة الله السلام علیک ایها الوصیّ البرّ
التقیّ السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور
اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف
و نهیت عن المنکر و جاهدت فی الله حق جهاده حتی
استبیح حرمتک و قتلت مظلوما و از جملهٔ اعمال این شب خواندن
این دعاست که روایت کرده از ابن بابویه که هر که در شب عید فطر
و اضحی و شب جمعه ده بار بگوید یا دائم الفضل علی البریّة
یا ذا المواهب السنیّة یا باسط الیدین بالعطیّة صلّ علی محمّد
و آله خیر الوری سجیّة و اغفر لنا یا ذا العلی فی هذه العشیّة

نوشته شود برای او هزار هزار حسنه و محو کرده شود از او هزار هزار
سیئه و بلند کرده شود برای او مثل این درجه و زانو بزانو نشیند
روز قیامت با حضرت ابرهیم علیه السلام در مجلس او و از جملهٔ اعمال
کفعمی این تکبیرات است در این شب بعد از چهار نماز که نماز مغرب
و عشا و نماز صبح و نماز عید است و بخواند دعای وداع ماه مبارک
رمضان را از صحیفهٔ کامله و بسند صحیح ابن طاوس رحمه الله
در کتاب زوائد الفوائد از حارث اعور روایت کرده که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در شب عید فطر بعد از نماز مغرب و
نافلهای آن دو رکعت نماز میکرد و میخواند در رکعت اول الحمد
یکبار و قل هو الله احد صد بار و در ثانی الحمد یکبار و قل هو الله
یکبار و چون فارغ میشد سجده میکرد و صد بار اتوب الی الله میگفت
و آنحضرت میفرمود که قسم بآن کسی که جان من در قبضهٔ قدرت اوست
کسی که این نماز کند نمیطلبد از خدای تعالی هیچ چیز مگر آنکه عطا
میکند او را و می‌آمرزد گناهان او را البته اگرچه مثل ریگ بیابان
باشد و بسند این که ایضا در کتاب مذکور مسطور است که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمود نمیکند کسی در این شب شش رکعت
نماز که بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله پنج بار مگر آنکه
شفیع میگرداند خدای تعالی او را در حق اهل بیت او هرچند را آنها
کسی باشد که مستوجب آتش دوزخ باشد و بسند صحیح شیخ محمد بن یعقوب
کلینی در کافی و ابن بابویه در ثواب الاعمال از حضرت رسول صلی
الله علیه و آله روایت کرده اند که آنحضرت فرمود که کسی که در شب
عید فطر ده رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و قل
هو الله ده بار و بجای تسبیح رکوع و سجود تسبیحات اربع ده بار بگوید

وچون فارغ شود هزار بار استغفر الله بگوید بعد از ان سجده کند
و این دعا بخواند یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا رحمن الدنیا
و الاخرة و رحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین و الاخرین
اغفر لی ذنوبی و تقبل صومی و صلوتی و قیامی هنوز سر از سجده
برنداشته باشد که بیامرزد خدای تعالی او را و قبول نماید روزه
و نماز او را و درگذرد از گناهان او هرچند در میان گناهان او
هفتاد گناه باشد که هر یك از انها بزرگتر از گناه همه بندگان باشد
و قبول کند خدای تعالی عبادت سعمورة او را که در او ست تا انجای
حدیث که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود که این نماز هدیه ایست
مخصوص بامت من از مردان و زنان و عطا نکرده است خدای تعالی
بر هیچ پیغمبری که پیش از من بوده **و بسند صحیح** مرویست از حضرت رسول
صلی الله علیه و اله که فرمود کسی که در شب عید فطر چهارده رکعت
نماز کند و بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و ایة الکرسی یکبار و قل
هو الله سه بار عطا کند خدای تعالی او را ثواب هزار هزار کس که
در این ماه روزه داشته باشد و بنویسند برای او بهر رکعتی عبادت
چهل ساله و زایل کند از دل او قساوت و حسد را و عطا کند باو
ثواب چهل حج و چهل عمره مقبول و ثواب ازادی چهل بنده و بنا
کند برای او چهل هزار قصر از طلا که در هر قصری چهل هزار خانه
که هر خانه از ان بهتر از دنیا باشد **عبادت چهارم در عمل شب عید** بار
سنت است احیا داشتن این شب بنماز و ذکر و قراءت قران و دعا
و صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و اله و زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام بزیارتی که در شب عید رمضان مذکور شد
چه منقولست که هر کس در این شب انحضرت را زیارت کند گناهان

گذشته

گذشته و اینده اش امرزیده شود و بخواند دعای یا دائم الفضل علی
البریة که در شب عید فطر مذکور شده بار **باب دهم**
در اداب عید و اعمال ایام هفته علی الترتیب و در ان دو تفصیل است
تفصیل اول در فضایل و اعمال شب و روز جمعه و ان مشتملست بر
دو نوع نهر **نوع اول در اداب عید و اعمال شب جمعه** بدانکه مرویست از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ روز افتاب طلوع نکند افضل از
روز جمعه و سید روزهاست و خدای تعالی در روز جمعه حسنات
مضاعف کند و سیئات محو نماید و درجات بلند کند و دعوات اجابت
فرماید و بلیات دفع کند و حاجات عظیم برآورد و رحمت و فضل زیاد
کرداند و هیچکس در این روز دعا نکند و طلب مغفرت ننماید و حال
انکه حق و حرمت این روز را شناسد مگر انکه بر خدای تعالی لازم
باشد که او را از اتش ازاد کرداند پس اگر در شب یا روز جمعه بمیرد
شهید مرده باشد و از عذاب قبر و اتش دوزخ ایمن باشد و هر قدر
که تواند در این روز طاعت و عبادت و سایر خیرات زیاده کند که
ثواب و حسنات مضاعف کردد و ترك معاصی و مناهی نماید که
عقوبات و سیئات مضاعف شود و بسا باشد که مؤمن دعا کند و خدای
تعالی تاخیر اجابت ان کند تا روز جمعه برای فضیلت ان روز و شب جمعه
نیز در فضل و شرف مثل روزش و خدای تعالی هر شب جمعه از اول
شب تا طلوع افتاب از بالای عرش ندا فرماید و گوید ای بنده مومن
هر حاجتی که داری برای اخرت یا دنیا طلب نمای تا اجابت کنم و
اگر گناهی کرده استغفار کن تا قبول نمایم و اگر معاشت تنك شده
سؤال نمای تا زیاده فرمایم و اگر بیماری دعا کن تا شفا دهم و اگر
محبوس و مغمومی استغاثه کن تا نجات دهم و اگر مظلوم باشی استغاثه

تمامی تا حضرت دهم و در ثلث آخر هر شب و در شب جمعه از اول شب
تا طلوع صبح ملکی را فرستد تا از جانب جناب مقدس او ندا کند
و گوید هر کس را حاجتی باشد بخواهد تا اجابت شود و اگر گناهی
کرده توبه نماید تا مقبول گردد ای طالبان خیر مشغول خیر شوید و
ای طالبان شر ترک شر نمایید و چون صبح شود بمقام خود در ملکوت
سموات رجوع نماید و مستحبست در روز جمعه و شب آن صلوات
فرستادن که افضل اعمال است و چون عصر روز پنجشنبه شود ملائکه
از آسمان نازل شوند بعدد مور با قلمهای طلا و لوحهای نقره و تا
شب شنبه کارشان همین باشد که هر کس صلوات فرستد بنویسند و
این ملائکه در روزهای دیگر نازل و هر کس هر شب جمعه سوره بنی
اسرائیل بخواند از اصحاب حضرت صاحب الزمان علیه السلام گردد
و هر کس شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر سوره کهف بخواند تا
جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر هر شب جمعه بخواند درجه شهدا یابد و
در زمره ایشان محشور شود و کفاره گناهانش باشد از جمعه
سابق تا این جمعه و سنت است که در شب جمعه دعائی که در شب
عید فطر و اضحی مذکور شد و آن یا دائم الفضل علی البریه است ده
بار بخواند **و از جمله اعمال این شب** که علی بن طاوس ره در کتاب مهج الدعوات
ذکر کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرمود کسی که بخواند
این دعا را در چهل شب جمعه می آمرزد خدای تعالی هر گناه و مواخذه
و ماجرائی که میان او و سایر مردم باشد هر چند آن زنا کردن با مادر
خود باشد و کسی که این دعا را بخواند و بخواب رود پس اگر بمیرد در آن
شب درجه شهدا دارد در نزد خدای تعالی هر چند مرتکب کبایر شده
باشد و هر چند بی توبه مرده باشد بعد از آن حضرت رسول صلی الله

علیه و آله فرمود که می آمرزد خدای تعالی او را و اهل بیت او را و
پدر و مادر او را و فرزندان او را و مؤذن و بیشمار او را یعنی می
آمرزد خدای تعالی کل آنکس را که با او اندک ربطی دارد **و دعا این است**
اللهم انک حی لا تموت و صادق لا تکذب و قاهر لا تقهر
و بدیء لا تنفد و قریب لا تبعد و قادر لا تضاد و غافر لا تظلم
و صمد لا تطعم و قیوم لا تنام و مجیب لا تسأم و جبار لا تعان و
عظیم لا ترام و عالم لا تعلم و قوی لا تضعف و حلیم لا تجهل و
جلیل لا توصف و وفی لا تخلف و غالب لا تغلب و عادل
لا تحیف و غنی لا تفتقر و کبیر لا تغادر و حکیم لا تجور و وکیل
لا تخنث و فرد لا تستشیر و وهاب لا تمل و عزیز لا تستذل
و سمیع لا تذهل و جواد لا تبخل و حافظ لا تغفل و قائم لا
تسهو و دائم لا تفنی و محتجب لا تری و باق لا تبلی و واحد لا
تشبه و مقتدر لا تنازع یا کریم الجواد المتکرم یا ظاهر یا
قاهر یا قادر المقتدر یا عزیز المتعزز یا من ینادی من کل فج
عمیق بالسنة شتی و لغات مختلفة و حوائج متتابعة لا یشغله
شیء عن شیء انت الذی لا تغیرک الدهور و لا تحیط بک الازمنة
و لا تأخذک سنة و لا نوم صل علی محمد و آل محمد و یسر لی
ما اخاف عسره و فرج عنی ما اخاف کربه و سهل لی ما اخاف
حزونته سبحانک لا اله الا انت انی کنت من الظالمین
و بسند صحیح ایضا در کتاب مهج الدعوات مذکور است که اویس
قرنی روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
که کسی که بخواند این دعا را اجابت میکند خدای تعالی او را و
بر می آورد جمیع حاجتهای او را و حضرت رسول صلی الله علیه و آله

فرمود قسم بآنکسی که فرستاده مرا به پیغمبری حق کسی که بخواند در شب
جمعه این دعا را میآمرزد خدای تعالی هر گناهی که میان او و خدای
تعالی است یعنی غیری بآن مطلع نیست و اگر کسی بخواند این دعا را
جهت سلطان جابری خلاص میگرداند خدای تعالی او را از شر
او و می آمرزد او را هر چند مرتکب کبایر شده باشد و اگر در آن شب
بمیرد در مرتبهٔ شهدا با او عطا میشاید بعد از آن فرمود که می آمرزد خدای
تعالی او را و اهل بیت او را و موذن مسجد او را و دعا اینست
یا سلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر المطهر القاهر
القادر المقتدر یا من ینادی من کل فج عمیق بالسنة شتی و لغات
مختلفة و حوائج اخری یا من لا یشغله شأن عن شأن انت
الذی لا تغیرك الازمنة و لا تحیط بك الامکنة و لا تأخذك
نوم و لا سنة یسر لی من امری ما اخاف عسره و سهل لی من
امری ما اخاف حزنه سبحانك یا لا اله الا انت انی کنت
من الظالمین عملت سوءا و ظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت و الحمد لله رب العالمین و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما
و بسند صحیح در مصباح کبیر مذکور است که سنت است خواندن
این دعا در شب جمعه اللهم انی اسئلك رحمة من عندك تهدی
بها قلبی و تجمع بها امری و تلم بها شعثی و تحفظ بها غائبی و
تصلح بها شاهدی و تزکی بها عملی و تلهمنی بها رشدی و
تعصمنی بها من کل سوء اللهم اعطنی ایمانا صادقا و یقینا
خالصا و رحمة انال بها شرف کرامتك فی الدنیا و الآخرة
اللهم انی اسئلك الفوز بالقضاء و منازل العلماء و عیش

السعداء و النصر علی الاعداء اللهم انی انزلت بك حاجتی و
ان ضعف عملی فقد افتقرت الی رحمتك فاسئلك یا قاضی الامور
و یا شافی الصدور کما تجیر بین البحور ان تجیرنی من عذاب السعیر
و من دعوة الثبور و من فتنة القبور اللهم ما قصرت عنه مسألتی
و لم تبلغه نیتی و لم تحط به مسألتی من خیر وعدته احدا من
خلقك فانی ارغب الیك فیه اللهم یا ذا الحبل الشدید و
الامر الرشید اسئلك الامن یوم الوعید و الجنة یوم الخلود
مع المقربین الشهود و الرکع السجود الموفین بالعهود انك رحیم
ودود و انك تفعل ما ترید اللهم اجعلنا هادین مهتدین
غیر ضالین و لا مضلین سلما لاولیائك و حربا لاعدائك نحب
بحبك الناس و نعادی بعداوتك من خالفك اللهم هذا
الدعاء و علیك الاجابة و هذا الجهد و علیك التکلان اللهم
اجعل لی نورا فی قلبی و نورا فی قبری و نورا بین یدی و نورا من
فوقی و نورا من تحتی و نورا فی سمعی و نورا فی بصری و نورا فی
شعری و نورا فی بشری و نورا فی لحمی و نورا فی دمی و نورا
فی عظامی اللهم اعظم لی النور سبحان الذی تردی بالعز و
بان به سبحان الذی لبس المجد و تکرم به سبحان من لا ینبغی
التسبیح الا له سبحان ذی الفضل و النعم سبحان ذی المجد و
الکرم سبحان ذی الجلال و الاکرام و ایضا بسند صحیح مذکور
است در مصباح کبیر که سنت است خواندن این دعا در شب و روز
جمعه و روز عرفه و وقتی که بمصلی روند جهت نماز عید اللهم
من تعبأ و تهیأ و اعد و استعد لوفادة الی مخلوق رجاء
رفده و طلب نائله و جائزته فالیك یا رب تعبئتی و استعدادی

رجاء عفوك وطلب نائلك وجائزتك فلا تخيب دعائي يا من لا يخيب عليه سائل ولا ينقصه نائل فاني لم آتك ثقة بعمل صالح عملته ولا لوفادة مخلوق رجوته اتيتك مقرا على نفسي بالاساءة والظلم معترفا بان لا حجة لي ولا عذر اتيتك ارجو عظيم عفوك الذي عفوت به على الخاطئين فلم يمنعك طول عكوفهم على عظيم الجرم ان عدت عليهم بالرحمة فيا من رحمته واسعة وعفوه عظيم لا يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من سخطك الا التضرع اليك فهب لي يا الهي فرجا بالقدرة التي تحيي بها ميت البلاد ولا تهلكني غما حتى تستجيب لي وتعرفني الاجابة في دعائي واذقني طعم العافية الى منتهى اجلي ولا تشمت بي عدوي ولا تسلطه علي ولا تمكنه من عنقي الهي ان وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وان رفعتني فمن ذا الذي يضعني وان اهلكتني فمن ذا الذي يعترض لك في عبدك او يسئلك عن امره وقد علمت انه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك علوا كبيرا اللهم اني اعوذ بك فاعذني واستجير بك فاجرني واسترزقك فارزقني واتوكل عليك فاكفني واستنصرك على عدوي فانصرني واستعين بك فاعني واستغفرك يا الهي فاغفر لي آمين آمين آمين رب العالمين وایضا بسند صحیح مذکور است در مصباح کبیر که سنتست هفت مرتبه خواندن این دعا در روز جمعه و در شب جمعه اللهم انت ربي لا اله الا انت خلقتني

وانا عبدك وابن امتك في قبضتك وناصيتي بيدك امسيت على عهدك ووعدك ما استطعت اعوذ برضاك من شر ما صنعت ابوء بعملي وابوء بذنوبي فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت بسند صحیح مرویست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که چیزی که بسبب آن نجوی می آمرزد خدای تعالی بنده را در شب عرفه و در شبهای جمعه خواندن این دعاست در این شبها اللهم يا شاهد كل نجوى وموضع كل شكوى وعالم كل خفية وانت على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين از امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که در روز یا در شب جمعه این کلمات را هفت بار بگوید آتش دوزخ بر وی حرام گردد البته لي خمسة اطفي بهم حر الجحيم الحاطمة المصطفى والمرتضى وابناهما والفاطمة نهم در ذکر ادعیه و اعمال روز جمعه بدانکه چون صبح روز جمعه طلوع کند سنتست که بگوید اصبحت في ذمة الله تعالى وذمة ملئكته وذمم انبيائه ورسله عليهم السلام وذمة محمد صلى الله عليه وآله وذمم الاوصياء من آل محمد آمنت بسر آل محمد وعلانيتهم وظاهرهم وباطنهم واشهد انهم في علم الله وطاعته لمحمد صلى الله عليه وآله بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که کسی که روز جمعه بعد از نماز صبح و پیش از آنکه با کسی حرف زند بگوید اللهم ما قلت في جمعتي هذه من قول او حلفت فيها من حلف او نذرت فيها من نذر فمشيتك بين يدي ذلك كله بما شئت منه ان يكون كان و

ما لم تشأ منه لم یکن اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و
تجاوز عنی اللهم من صلیت علیه فصلوتی علیه اللهم
من لعنت علیه فلعنتی علیه کفارهٔ گناهان او میشود از این
جمعه تا جمعهٔ دیگر و مصنف کتاب جامع الدعوات این فقره
حدیث را باینطریق نقل کرده کسی که بگوید این کلمات را در هر جمعه
یا در هر سالی کفارهٔ هر چه در ما بین واقع شده است میشود
و شیخ طوسی در مصباح کبیر فرموده که سنت است بعد از نماز صبح
روز جمعه صد مرتبه قل هو الله خواندن و صد مرتبه صلوات
فرستادن باینطریق اللهم اجعل صلواتک و صلوة ملئکتک
و رسلک علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم و صد مرتبه استغفار
کردن و خواندن سورهٔ نسا و سورهٔ هود و الکهف و سورهٔ یس و
الصافات و سورهٔ الرحمن و بسند صحیح امام جعفر صادق علیه السلم
مرویست کسی که بخواند این دعا را در هر جمعه ببخشد خدای تعالی
جمیع گناهانی که در آن هفته کرده باشد اللهم انی اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و اسئلک السعة و الدعة و المغفرة
و الرحمة و الامن و الصحة و العصمة و العفو و القصد
و الشکر و الصبر و الحلم و التوفیق فی جمیع اموری کلها
للآخرة و الدنیا و اعمم بذلک یا رب اهل بیتی و قرابتی و
اخوانی فیک یا رب و من احببته و احبنی و ولدته و
ولدنی من المؤمنین و المؤمنات اللهم انی اسئلک الصبر
علی طاعتک و الصبر عن معصیتک و اسئلک الصبر لحکمک
و الصدق فی کل موطن و حقایق الایمان و الشکر لنعمتک
و النظر لوجهک الکریم فان بنعمتک تتم الصلوات برحمتک

یا ارحم

یا ارحم الراحمین بدانکه در ذکری از حضرت امام محمد باقر علیه السلم
روایت کرده که آنحضرت فرموده کسی که این صلوات را بعد از نماز عصر
روز جمعه هفت مرتبه بگوید میفرستد خدای تعالی برای او هزار حسنه
و محو میکند از او هزار سیئه و بر می آورد برای او هزار حاجت و بلند
میکند برای او هزار درجه و شیخ محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله روایت
کرده کسی که این صلوات را هفت مرتبه بفرستد عطا میکند خدای تعالی
باو بعدد هر کس حسنه و عملی که در آن روز کند بدرجه قبول میرساند
و چون بعرصهٔ قیامت آید نوری در پیشانی او هویدا باشد و صلوات
اینست اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین
بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک علیه و علیهم
السلام و علی ارواحهم و اجسادهم و رحمة الله و برکاته
و از جمله اعمال روز جمعه خواندن دعای عشرات است و شرح این دعا
بر سبیل اجمال آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت بحضرت
امام حسن علیه السلام که ای فرزند بدرستی که خبر دهم ترا بچیزی که
اصل آن از جانب خدای تعالی است و آن دعائیست که چون بخوانی تو
آنرا در صبح و شام مشغول شود بنوشتن ثواب آن هزار هزار ملک که
عطا کرده باشد خدای تعالی بهر ملکی از آن قوة هزار هزار کاتب
و بنا کند برای تو در فردوس هزار هزار قصر و در هر قصری هزار هزار
خانه و باشی تو در آنخانه همسایهٔ جدت محمد صلی الله علیه و آله
و بنا کند برای تو در دار السلام خانه که همسایهٔ اهل بیت پیغمبر
باشی و بنا کند برای تو در جنت عدن هزار شهر و چون محشور شوی
بر آید با تو از قبر مکتوبی که بصدای بلند گوید که فزع و خوف و لغزیدن
در پل صراط و عذاب را بسوی او راهی نیست و زندگی تو زندگی سعدا

و مردن تو مردن شهدا باشد و بر نخورد ترا درد زندگی نه فقر و نه الم و نه جنون و نه بلا و هیچ دعا نکنی در آن روز برای حاجت دنیا و آخرت مگر آنکه بر آورد خدای تعالی آن را هرچه باشد آن حاجت و بهر قدر که باشد و طلب نکنی هیچ حاجتی در آن روز برای خود و برای غیر خود مگر آنکه وسیله بر آوردن آن جهت تو حاصل شود و نوشته شود برای تو در هر روز بعدد هر نفسی که جن و انس کشند هزار هزار حسنه و محو شود از تو هزار هزار سیئه و بلند کرده شود برای تو هزار هزار درجه و موکل شود برای طلب آمرزش تو عرش و کرسی و فردوس تا روزی که بدیوان محشر حاضر گردی تا انجای حدیث که حضرت امیر المؤمنین عم فرمود که ای فرزند تعلیم مکن این دعا را مگر بر اهل بیت خود و شیعیان و دوستداران خود و در آخر حدیث فرمود که مخوان این دعا را مگر در حالتی که با طهارت و رو بقبله باشی و اگر بخوانی در روز جمعه بعد از نماز عصر افضل خواهد بود و این دعا را بیش سید ذکر کرده اند بعضی از آنها را سید ابن طاوس رحمه الله در کتاب اغاثة الداعی و بعضی از آنها در کتاب مهج الدعوات ذکر کرده اما آنچه در این صحیفه ذکر شده روایت شیخ ابو جعفر طوسی در کتاب تهذیب است و دعا این است

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله آناء اللیل و اطراف النهار سبحان الله بالغدو و الآصال سبحان الله بالعشی و الابکار سبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون سبحان ربک رب العزة عما یصفون

وسلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین سبحان ذی الملک و الملکوت سبحان ذی العزة و الجبروت سبحان ذی الکبریاء و العظمة الملک الحق المبین المهیمن القدوس سبحان القائم الدائم سبحان الدائم القائم سبحان ربی العظیم سبحان ربی الاعلی سبحان الحی القیوم سبحان العلی الاعلی سبحانه و تعالی سبوح قدوس ربنا و رب الملائکة و الروح سبحان الدائم غیر الغافل سبحان العالم بغیر تعلیم سبحان خالق ما یری و ما لا یری سبحان الذی یدرک الابصار و لا تدرکه الابصار و هو اللطیف الخبیر اللهم انی اصبحت منک فی نعمة و خیر و برکة و عافیة فصل علی محمد و آله و اتمم علی نعمتک و خیرک و برکاتک و عافیتک بنجاة من النار و ارزقنی شکرک و عافیتک و فضلک و کرامتک ابدا ما ابقیتنی اللهم بنورک اهتدیت و بفضلک استغنیت و بنعمتک اصبحت و امسیت اللهم انی اشهدک و کفی بک شهیدا و اشهد ملائکتک و انبیاءک و رسلک و حملة عرشک و سکان سمواتک و ارضیک و جمیع خلقک بانک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک و ان محمدا عبدک و رسولک و انک علی کل شیء قدیر تحیی و تمیت و تمیت و تحیی و اشهد ان الجنة حق و ان النار حق و النشور حق و الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور و اشهد ان علی بن ابی طالب امیر المؤمنین حقا حقا و ان الائمة من ولده هم الائمة الهداة المهدیون غیر الضالین و لا المضلین و انهم اولیاؤک المصطفون و حزبک الغالبون و صفوتک و خیرتک من خلقک و نجباؤک الذین انتجبتهم لدینک و

الابصار

اخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً
عَلَى الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
اللَّهُمَّ اكْتُبْ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتَّى تُلَقِّنَنِيهَا وَأَنْتَ عَنِّي
رَاضٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً يَصْعَدُ أَوَّلُهُ
وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفَيْهَا وَ
تُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً سَرْمَداً أَبَداً
لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَفَادَ وَلَكَ يَنْبَغِي وَإِلَيْكَ يَنْتَهِي فِيَّ وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ
وَمَعِي وَقَبْلِي وَبَعْدِي وَأَمَامِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي وَإِذَا مِتُّ وَبَقِيتُ
فَرْداً وَحِيداً وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ اللَّهُمَّ
لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نَعْمَائِكَ كُلِّهَا
حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى
كُلِّ أَكْلَةٍ وَشَرْبَةٍ وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ وَفِي كُلِّ مَوْضِعِ
شَعْرَةٍ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خَالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً
لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ
وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لَا أَجْرَ لِقَائِلِهِ إِلَّا رِضَاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَلَكَ
الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ
وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ
مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ وَ
لَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَائِمَ الْمَجْدِ وَ
لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ مُنْزِلَ الْآيَاتِ مِنْ
فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ عَظِيمَ الْبَرَكَاتِ مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَ
مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ وَ

جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَقَابِلَ
التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقَابِ ذَا الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا
تَجَلَّى وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ
نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الثَّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى
وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ
الْبِحَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا
عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ وَلَكَ الْحَمْدُ
عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَالْهَوَامِّ
وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالسِّبَاعِ حَمْداً كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكاً فِيهِ كَمَا
تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ
پس ده مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ
لَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ده مرتبه بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ
حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ده مرتبه بگوید
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ده
مرتبه يَا اللَّهُ ده مرتبه يَا رَحْمَنُ ده مرتبه يَا رَحِيمُ ده مرتبه يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ده مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ده مرتبه يَا حَنَّانُ
يَا مَنَّانُ ده مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده مرتبه يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
ده مرتبه يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ده مرتبه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ده مرتبه اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه اللَّهُمَّ افْعَلْ
بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ده مرتبه آمِينَ ده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ده مرتبه
اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ

اهل التقوی واهل المغفرة وانا اهل الذنوب والخطایا فارحمنی
یا مولای وانت ارحم الراحمین ده مرتبه لا حول ولا قوة الا
بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من
الذل وکبره تکبیرا دعای روز جمعه سید ابن طاوس رضی الله عنه
روایت کرده است بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام
و وهب ابن منبه وحسن بصری که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
و آله فرمود که من این نامها را در شب معراج در لوحی از نور نوشته
دیدم ومیان این لوح وعرش الهی حجابی نبود پس جبرئیل گفت یا محمد
اگر نه این بود که باعث طغیان امت تو میشد هر آینه خبر میدادم
ترا ببزرگی این نامها بدرستی که حق تعالی میفرماید که هر که در هر
جمعه یکمرتبه این دعا را بخواند وجمیع اهل آسمانها و زمینها با او
در مقام مکر در آیند اصلا باو نتوانند رسانید و هر که در هر جمعه
یکبار یا دو بار این دعا را بخواند پیوسته در امان خدا باشد و کسی
قادر بر ضرر او نباشد حسن بصری گفت شش مرتبه این دعا را
خواندم و هر مرتبه کسی میخواست بمن ضرر برساند دیده اش
بسته شد و مرا ندید و حجاج مرا طلبید که بقتل رساند چون این
دعا را خواندم مرا گرامی داشت و بنزدیک خود نشانید و حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که ابراهیم علیه السلام این
دعا را خواند و از آتش نمرود نجات یافت و حضرت موسی علیه السلام
این دعا را خواند در وقتی که بنزد فرعون رفت و از شر او نجات
یافت و کعب الاخبار گفت که خضر علیه السلام این دعا را خواند
و باب زندگانی رسید و حضرت اسمعیل این دعا را خواند که از

ذبح نجات یافت و خدا ذبح عظیم برای او فرستاد و حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هر صاحب کربی که این دعا
را بخواند خدا شدت او را براحت مبدل گرداند و هر غمناکی که این
دعا بخواند خدا غمش را زایل گرداند و هر حاجتمندی که بخواند خدا
حاجت دنیا و آخرت او را روا گرداند و کعب الاخبار گفت که در
تورات خواندم که هر که در هر جمعه یکبار این دعا را بخواند خدا او را
قبولی و مهابت و عظمت و جلالت و رتبه نزد پادشاهان و بزرگان
و اشراف و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که بهر که مصیبتی
و بلیه از اهوال دنیا و آخرت برسد این دعا را بخواند خدا او را
فرج دهد و حاجات او را بر آورد و غم او را زایل گرداند و او را
بر دشمن یاری دهد و کعب گفت که هر که این دعا را بخواند باید
که با طهارت باشد و در هر جمعه بخواند و هر حاجت از حاجات دنیا
و عقبی که داشته باشد بطلبد بدرستی که خدا حکم کرده و واجب
گردانیده است که رد نکند دعای کسی را که این دعا را بخواند هر که
باشد و در روز احزاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا
خواند و خدا او را بر کافران نصرت داد و نامهای مقدس مبارك
حق تعالی در این دعا هست و دعا اینست بسم الله و بالله
اخذت الاولین واخذت الآخرین واخذت القاعدین تغشی
ابصارهم ظلمة وترسل السماء علیهم لهبا والارض شهبا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون الله یرعانی ویقوینی علی الخلق بنور
الله استبصر وبقوة الله القدوس استعین الله یعطینی والله
الملك الجبار یرفعنی علی اجنحة الکروبیین والصدیقین و
الصافین والمسبحین لك الله ادعو وانت الله ارحم الراحمین

لكَ اللهُ ادعو اِلهَ السّمواتِ وَالارضِ لكَ اللهُ ادعو اِلهَ الملٰئكةِ
المقرّبينَ لكَ اللهُ ادعو اِلهَ الخلقِ اجمعينَ لكَ اللهُ ادعو اِلهَ الشمسِ
وَالقمرِ لكَ اللهُ ادعو اِلهَ الكواكبِ لكَ اللهُ ادعو اِلهَ المشارقِ
وَالمغاربِ لكَ اللهُ ادعو اِلهًا مقدّسًا انتَ اللهُ العزيزُ الجبّارُ
المتكبّرُ الرّحمنُ الرّحيمُ الواسعةُ رحمتهُ الخالقُ كرسيّ
عظمتهِ العزيزُ العليمُ الجليلُ تبارَكَ اسمُ اللهِ مَلِكِ الملوكِ
تكونُ اسماؤكَ هذهِ لي عضدًا ونصرًا وفتحًا وهيبةً ونورًا و
عظمةً ابدًا ما ابقيتني ويكونُ لي حفظًا وخلاصًا ونجاحًا انا
عبدكَ وابنُ عبدكَ تغشاني رحمتكَ ويغشاني عفا بك بعزّتكَ
وهيبتكَ تنجي من الآفاتِ كما نجيتَ ابراهيمَ خليلكَ من النّارِ
وكما كبستَ موسى كليمكَ فرعونَ وباسمائكَ هذهِ فنجّني بها وكما
الارضُ مكبوسةٌ تحتَ السّماءِ وبنو آدمَ مكبوسونَ تحتَ السّماءِ
وتحتَ مَلَكِ الموتِ وكما مَلَكُ الموتِ مكبوسٌ بينَ يدي اللهِ ربِّ
العالمينَ كذلكَ تكونُ الخلائقُ مكبوسينَ تحتَ قدمي ابدًا ما
احييتني يا ناصرَ المسلمينَ ويا صريخَ المستصرخينَ يا ارحمَ الرّاحمينَ
انتَ لي حرزٌ من جميعِ خلقكَ ومن بني آدمَ وبناتِ حوّاءَ واتباعهم
ومن شرِّ الجنِّ والانسِ ان لا يسطو على احدٍ منهم عزّ جاركَ
لا اِلهَ الّا انتَ تمسّكتُ بالعروةِ الوثقى الّتي لا انفصامَ لها
الّتي لا يجاوزها برٌّ ولا فاجرٌ اعتصمتُ بحبلِ اللهِ المتينِ اعوذُ باللهِ
من شرِّ فسقةِ العربِ والعجمِ ومن شرِّ الجنِّ والانسِ ومن شرِّ من
يريدُ بي سوءًا او يريدُ بي شرًّا توكّلتُ على اللهِ ومن يتوكّلْ على اللهِ
فهو حسبهُ اِنَّ اللهَ بالغُ امرهِ قد جعلَ اللهُ لكلِّ شيءٍ قدرًا حسبيَ
اللهُ بسمِ اللهِ وباللهِ اومنُ وباللهِ اثقُ وبهِ اعوذُ وباللهِ اعتصمُ

وباللهِ العظيمِ استجيرُ من الشّيطانِ الرّجيمِ اعوذُ بكلماتِ اللهِ التّامّاتِ
الّتي لا يجاوزهنَّ برٌّ ولا فاجرٌ ممّا ذرأ او برأ ومن شرِّ كلِّ ما يطرقُ
باللّيلِ والنّهارِ الّا طارقًا يطرقُ بخيرٍ برحمتكَ يا ارحمَ الرّاحمينَ
اللّهمَّ اِنّي اعوذُ بكَ من شرِّ نفسي ومن شرِّ كلِّ دابّةٍ انتَ آخذٌ
بناصيتها ومن شرِّ كلِّ عينٍ ناظرةٍ واذنٍ سامعةٍ ومن شرِّ كلِّ
ماردٍ وجبّارٍ عنيدٍ اللّهمَّ اِنّي الجأتُ ظهري عليكَ وتوكّلتُ
في اموري عليكَ انتَ وليّي ومولايَ الهي فلا تسلمني ولا تخذلني
ولا تكلني الى نفسي طرفةَ عينٍ ولا تؤاخذني بذنوبي واسرافي
على نفسي واعنّي على شكرِ نعمتكَ يا محسنُ يا جبّارُ اجعلني
عبدًا شكورًا لا اِلهَ الّا انتَ العليُّ العظيمُ عليكَ توكّلتُ
انتَ ربُّ العرشِ العظيمِ لا اِلهَ الّا انتَ الحليمُ الكريمُ
سبحانَ اللهِ ربِّ العالمينَ ربِّ السّمواتِ السّبعِ وما فيهنَّ وما
فوقهنَّ وما بينهنَّ وربِّ العرشِ العظيمِ والحمدُ للهِ ربِّ
العالمينَ اللّهمَّ حبّبني الى جميعِ خلقكَ حتّى لا يكونَ لي في قلبِ
احدٍ من خلقكَ غلظةٌ ولا يعارضوني واجعلهم يستقبلوني
بوجوهٍ بسيطةٍ ويقضونَ حوائجي ويطلبونَ مرضاتي ويخشونَ
سخطي باسمكَ القدّوسِ العظيمِ الاعظمِ ادعوكَ يا اللهُ يا نورًا
في نورٍ ونورًا الى نورٍ ونورًا فوقَ نورٍ ونورًا تحتَ نورٍ ونورًا
يضيءُ بهِ كلُّ نورٍ وكلُّ ظلمةٍ ويطفئُ بهِ شدّةَ كلِّ شيطانٍ و
سلطانٍ باسمكَ الّذي تكلّمَ بهِ الملائكةُ فلا يكونُ للموجِ عليهم
سبيلٌ وبهِ يذلُّ كلُّ جبّارٍ عنيدٍ يكونُ تحتَ قدمي باسمكَ
الّذي سمّيتَ بهِ نفسكَ واستقررتَ بهِ على عرشكَ وعلى
كرسيّكَ باسمكَ العظيمِ الاعظمِ يكونُ لي نورًا وهيبةً عندَ

جميع الخلق باسمآئك المقدسة المباركة انت الجواد الكريم
العزيز الجبار المتكبر العظيم لا اله الا انت يا رب كل شئ
ووارثه يا الله انت المحمود فى كل فعاله يا ارحم الراحمين
يا رحمن كل شئ وراحمه يا مميت كل شئ ووارثه يا حى حين
لا حى فى ديمومية ملكه وبقائه يا رافع المرتفع فوق سمائه
بقدرته يا قيوم لا يفوته شئ من خلقه يا اخر يا باقى يا اول
كل شئ واخره يا دائم بغير فناء ولا زوال لملكه يا صمد من
غير شبيه فلا شئ كمثله يا مبدئ كل شئ ومعيده يا من لا
يصف الواصفون كنه جلاله فى ملكه وعزه وجبروته يا
كبير انت الذى لا تهتدى العقول لصفته فى عظمته يا باعث
يا منشئ بلا مثال يا زاكى الطاهر من كل افة يا كافى الموسع
لما خلق من عطايا فضله الذى لا ينفد يا نقى من كل سوء لم
يخالطه فعاله يا جبار انت الذى وسعت كل شئ رحمته
يا حنان يا منان يا ذا الجلال والاكرام انت الذى قد
عم الخلائق منه وفضله يا ديان العباد فكل يقوم خاضعا
لهيبته يا خالق ما فى السموات والارضين وكل اليه معاده
يا رحيم كل صريخ ومكروب يا صادق الوعد فلا تصف الالسن
جلال ملكه وعزه يا مبدع البدائع لم يبتغ فى انشائها
عون احد من خلقه يا عالم الغيوب فلا يفوته شئ من خلقه
يا معيد ما افنى اذا برز الخلائق لدعوته يا حليما ذا اناة
فلا شئ يعادله من خلقه يا حميد الفعال فى خلقه بلطفه
يا عزيز الغالب على امره فلا شئ يعادله يا ظاهر البطش
الشديد الذى لا يطاق انتقامه يا عالى القريب فى علوه و

ارتفاعه ودوامه يا حنان يا منان فلا شئ يقهر سلطانه يا نور
كل شئ وهداه انت الذى اضاءت الظلمة بنوره يا قدوس الطاهر
فلا شئ كمثله يا قريب المجيب المتدانى دون كل شئ يا عالى الشامخ
فى السماء فوق كل شئ علوه وارتفاعه يا بديع البدائع ومعيدها
بعد فنائها بقدرته يا ملك يا متكبر يا من العدل امره والصدق
وعده يا محمودا فى افعاله فلا تبلغ الاوهام كنه جلاله فى ملكه
وعزه يا كريم العفو انت الذى ملا كل شئ عدله وفضله يا
عظيم المفاخر والكبرياء فلا يدرك عز ملكه يا عجيب فلا تنطق
الالسن بكل الائه وثنائه اسئلك يا الله امانا من عقوبتك فى
الدنيا والاخرة واسئلك نورا ونصرا ورفعة عند جميع خلقك
من بنى ادم وبنات حوآء رب الارواح الفانية والاجساد
البالية والارواح المرتفعة واسئلك بطاعة العروق الملتئمة
الى اماكنها وبطاعة القبور المتشققة عن اهلها وبدعوتك
الصادقة فيهم واخذك الحق منهم اذا برز الخلائق فهم من
مخافتك وشدة سلطانك ينتظرون قضاءك ويخافون عذابك
ويرجون رحمتك اجعلنى من المقربين الفائزين والق على محبة
ونورا ونعمة وهيبة واجعلنى ممن يسمع قولى ويرفع امرى
على كل امر انا عبدك وابن عبدك الفقير الى رحمتك اجعلنى
اللهم عاليا متعاليا يا نور النور يا مصباح النور ادرا بك فى
نحورهم واستعيذ بك من شرورهم واستعين بك عليهم فاكفنى
امرهم بلا حول ولا قوة الا بك يا الله العلى العظيم ان نشا
ننزل عليهم من السماء اية فظلت اعناقهم لها خاضعين انا
رسل ربك لن يصلوا اليك يا موسى اقبل ولا تخف انك من

الامین کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز اللهم
بعزتک یا دائم البقاء اسئلک بالاسم الذی احطته بحجاب
النور نور السموات و الارض تضیء به ابصار الناظرین عدت
بربوبیتک یا الله باسمک الذی تقول للشیء کن فیکون الا قضیت
حاجتی و انجحت طلبتی و یسرت امری و سترت عورتی و امنت
روعتی و رزقتنی نورا و عزا و هیبة و قبولا و رفعة عند
جمیع خلقک بحولک و قوتک و باسمک الذی وسع کل شیء و هو
اوسع منه یا دائم البقاء ادم ما انا فیه من نعمتک و عافیتک
و اجعل اموری اولها صلاحا و اخرها فلاحا برحمتک یا ارحم
الراحمین پس هر دعا که خواهی بکن که مستجابست و از جمله ادعیه که در روز جمعه
خواندن دعای سمات بکسر سین یعنی علامات گویا بجهت آن
مسمی باین اسم شده که علامات اجابت بآن ظاهر است و از محمد بن
راشد مرویست که میگفت من دعا نکردم باین جهت هیچ مشکلی و
هیچ اندوهی مگر آنکه بزودی باجابت رسید و این دعا از عثمان بن
سعید عمری وکیل امام حسن عسکری علیه السلام مرویست و از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که این دعا از علمای
پوشیده مخزونست پس بخواهید باین دعا حاجتی را که نزد خدای
تعالی داشته باشید و اظهار آن نزد سفها و اطفال و اهل ظلم
و نفاق مکنید و هم از آنحضرت علیه السلام مرویست که اگر قسم
خورم که درین دعا اسم اعظمست راست گفته خواهم بود پس نفرین
کنید بآنکسانی که ظلم بما روا داشتند و عزت خود و خواری ما
خواستند و بسیاری از اکابر دین باین دعا مداومت نموده اند
درین عصر نیز همینمایند و گفته اند که خواندن این دعا در چهل جمعه

متوالی مجربست در حصول مطالب و مآرب و کسی که نتواند خواند
باید که بنویسد و با خود دارد که اثر عظیم دارد و مستحب است خواندن
این دعا در ساعت آخر این روز چه در روز جمعه دو ساعتست که
دعا در آن مستجاب میشود یکی وقت زوال و یکی آخر روز تا آنکه
آفتاب غروب کند و قبل از شروع در دعا بگوید سبحانک لا اله
الا انت یا حنان یا منان یا بدیع السموات و الارض یا ذا
الجلال و الاکرام اللهم انت الاول فلیس قبلک
شیء و انت الاخر فلیس بعدک شیء و انت الظاهر فلیس فوقک
شیء و انت الباطن فلیس دونک شیء و انت العزیز الرحیم
سبحانک لا اله الا انت یا بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال
و الاکرام آنگاه با خضوع و خشوع شروع در دعا کند دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک العظیم
الاعظم الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت به
علی مغالق ابواب السماء للفتح بالرحمة انفتحت و اذا دعیت به
علی مضایق ابواب الارض للفرج انفرجت و اذا دعیت به علی
العسر للیسر تیسرت و اذا دعیت به علی الاموات للنشور انتشرت
و اذا دعیت به علی کشف البأساء و الضراء انکشفت و بجلال
وجهک الکریم اکرم الوجوه و اعز الوجوه الذی عنت له
الوجوه و خضعت له الرقاب و خشعت له الاصوات و وجلت
له القلوب من مخافتک و بقوتک التی تمسک السماء ان تقع
علی الارض الا باذنک و تمسک السموات و الارض ان تزولا
و بمشیتک التی دان لها العالمون و بکلمتک التی خلقت بها
السموات و الارض و بحکمتک التی صنعت بها العجائب و خلقت

بها الظلمة وجعلتها ليلا وجعلت الليل سكنا وخلقت بها
النور وجعلته نهارا وجعلت النهار نشورا مبصرا وخلقت
بها الشمس وجعلت الشمس ضياء وخلقت بها القمر وجعلت
القمر نورا وخلقت بها الكواكب وجعلتها نجوما وبروجا ومصابيح
وزينة ورجوما وجعلت لها مشارق ومغارب وجعلت لها
مطالع ومجاري وجعلت لها فلكا ومسابح وقدرتها في السماء
منازل فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها واحصيتها
باسمائك احصاء ودبرتها بحكمتك تدبيرا فاحسنت تدبيرها
وسخرتها بسلطان الليل وسلطان النهار والساعات وعرفت
بها عدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها لجميع الناس مرئى
واحدا واسئلك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك
ورسولك موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين فوق
احساس الكروبيين فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة في عمود
النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث في الواد المقدس في
البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض
مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات
التي صنعت بها العجائب في بحر سوف وعقدت ماء البحر في قلب
الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك
الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم مشارق الارض ومغاربها
التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده ومراكبه
في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاجل الاكرم و
بمجدك الذي تجليت به لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء
ولابراهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف ولاسحق

صفيك عليه السلام في بئر شيع وليعقوب نبيك عليه السلام
في بيت ايل واوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك ولاسحق
عليه السلام بحلفك وليعقوب عليه السلام بشهادتك و
للمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي
ظهر لموسى بن عمران عليه السلام على قبة الرمان وبآياتك
التي وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات عزيزة
وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة
وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل السموات والارض واهل
الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك و
باستطاعتك التي اقمت بها على العالمين وبنورك الذي قد
خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك و
عزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها
السموات وانزجر لها العمق الاكبر وركدت لها البحار وجرت
لها الانهار وخضعت لها الجبال وسكنت له الارض بمناكبها
واستسلمت لها الخلائق كلها وخفقت لها الرياح في جريانها
وخمدت لها النيران في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت
لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السموات والارضين
وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم عليه السلام
وذريته بالرحمة واسئلك بكلمتك التي غلبت كل شيء و
بنور وجهك الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى
صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك
ورسولك موسى بن عمران عليه السلام وبطلعتك في ساعير
وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة

الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وبهر كات النبي باركت فيها على ابرهيم خليلك عليه السلام في امة محمد صلواتك عليه واله وباركت لاسحق صفيك في امة عيسى عليه السلام وباركت ليعقوب اسرائيلك في امة موسى عليه السلام وباركت لحبيبك محمد صلى الله عليه واله في عترته وذريته وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وامنا به ولم نره صدقا وعدلا ان تصلي على محمد وال محمد وان تبارك على محمد وال محمد وترحم على محمد وال محمد كافضل ما صليت وباركت ورحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير شهيد بعد از ان دستها را بر دارد و بگوید یا الله یا حنان یا منان یا بديع السموات والارض یا ذا الجلال والاكرام انگه بگوید اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء التي لا يعلم تفسيرها ولا يعلم باطنها غيرك صل على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله واغفر لي من ذنوبي ما تقدم وما تاخر ووسع علي من حلال رزقك واكفني مؤنة انسان سوء وجار سوء وقرين سوء وسلطان سوء انك على ما تشاء قدير وبكل شيء عليم امين رب العالمين بعد از ان حاجات خود را بخواهد انگه بگوید اللهم بحرمة هذا الدعاء وبما فات منه من الاسماء وبما يشتمل عليه من التفسير والتدبير الذي لا يحيط به الا انت وحاجات خود را بخواهد انگه بگوید یا عدتي عند كربتي ویا غياثي عند شدتي ویا وليي في نعمتي ویا منجحي في حاجتي ویا مفزعي

في ورطتي ویا منقذي من هلكتي ویا كالئي في وحدتي صل على محمد وال محمد واغفر لي خطيئتي ويسر لي امري واجمع لي شملي وانجح لي طلبتي واصلح لي شاني واكفني ما اهمني واجعل لي من امري فرجا ومخرجا ولا تفرق بيني وبين العافية ابدا ما ابقيتني وعند وفاتي اذا توفيتني برحمتك يا ارحم الراحمين بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که انحضرت فرمود که نیست چیزی نزد من از عبادتها که کرده شود در روز جمعه خوشتر و بهتر از صلواتی که فرستاده شود بر محمد وال محمد پس بدانکه بهترین صلواتی که فرستاده شود بر محمد وال او در روز جمعه صلوات جامعه است که شیخ در مصباح از قائم ال محمد علیه السلام روایت کرده که بعد از بر امدن نسخه ان در مکه جهت ابی الحسن ضراب اصفهانی و ان اینست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال المطهر من كل افة البريء من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله اللهم شرف بنيانه وعظم برهانه وافلج حجته وارفع درجته واضئ نوره وبيض وجهه واعطه الفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون وصل على امير المؤمنين ووارث المرسلين وقائد الغر المحجلين وسيد الوصيين وحجة رب العالمين وصل على فاطمة بنت رسول الله زوجة ولي الله ام حجج الله عليها وعلى ابيها وزوجها واولادها صلوات الله وصل على الحسن

ابن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل
على الحسين بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين وصل على علي بن الحسين سيد العابدين وامام المؤمنين
وحجة رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد امام المؤمنين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر
امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل
على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب
العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على علي بن محمد امام المؤمنين و
وارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن
علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين و
صل على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الائمة
الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك و
اركان توحيدك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك
الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم
لدينك واختصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم
برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم نورك
ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك
صلواتك عليه وآله اللهم صل على محمد وعليهم صلوة كثيرة
دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا
يحصيها احد غيرك اللهم وصل على وليك المحيي سنتك القائم

ووارث المرسلين

بامرك

بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك
في ارضك وشاهدك على عبادك اللهم اعز نصره ومد في
عمره وزين الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين و
اعذه من شر الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه
من ايدي الجبارين اللهم اعطه في ذريته وشيعته ورعيته
وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به
عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا و
الآخرة انك على كل شيء قدير اللهم جدد به ما امتحى من دينك
واحي به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود
دينك به وعلى يديه غضا جديدا خالصا مخلصا لا شك فيه
ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم نور
بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة
واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله
كل جور جائر واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل
سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر
بمن كاده واستاصل من جحده حقه واستهان بامره وسعى في
اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى
وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصفى
وجميع الاوصياء ومصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار
التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل
على وليك وولاة عهدك والائمة من ولده ومد في اعمارهم
وزد في آجالهم وبلغهم اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة انك
على كل شيء قدير فصل ششم در روز جمعه زيارت حضرت صاحب

صلى الله عليه وآله واهل بيتش عليهم السلام وچون خواهد كه
زيارت كند غسل كند وجامهاى پاكيزه بپوشد وبصحرا بيرون رود
يا بربام خانه وچهار ركعت نماز بگذارد پس رو بقبله بايستد وبگويد
السلام عليك ايها النبى ورحمة الله وبركاته السلام عليك
ايها النبى المرسل والوصى المرتضى والسيدة الكبرى والسيدة
الزهراء والسبطان المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء
المنتجبون جئت انقطاعا اليكم والى آبائكم وولدكم الخلف
على بركة الحق فقلبى لكم مسلم ونصرتى لكم معدة حتى يحكم
الله لدينه فمعكم معكم لا مع عدوكم انى لمن القائلين بفضلكم
مقر برجعتكم لا انكر لله قدرة ولا ازعم الا ما شاء الله
سبحان الله ذى الملك والملكوت يسبح الله باسمائه جميع
خلقه والسلام على ارواحكم واجسادكم والسلام عليكم
ورحمة الله وبركاته تفصيل دوم در ذكر باب خواندن دعا وعوذه
مخصوص روز جمعه است كه صاحب جنة الواقية ذكر كرده از انجمله
اللهم اجعلنا اقرب من تقرب اليك واوجه من توجه
اليك وانجح من سئلك وتضرع اليك اللهم اجعلنا ممن
كانه يراك الى يوم القيمة الذى فيه يلقاك ولا تمتنا
الا على رضاك اللهم واجعلنا ممن اخلص لك بعمله و
احبك فى جميع خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر
لنا مغفرة جزما حتما لا نقترف بعدها ذنبا ولا نكتسب
خطيئة ولا اثما اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة دائمة
زاكية متتابعة متواصلة مترادفة برحمتك يا ارحم الراحمين
واز انجمله است بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسى برب

المشارق والمغارب من كل شيطان مارد وقائم وقاعد و
حاسد ومعاند وينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم به
ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على قلوبكم
ويثبت به الاقدام اركض برجلك هذا مغتسل بارد و
شراب وانزلنا من السماء ماء طهورا لنحيى به بلدة ميتا
ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسى كثيرا الآن خفف الله
عنكم ذلك تخفيف من ربكم ورحمة يريد الله ان
يخفف عنكم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم لا اله
الا الله والله غالب على امره لا اله الا الله محمد رسول الله
صلى الله عليه وآله وسلم اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة
الله واعوذ برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم تسليما
وسنت است در اين روز زيارت حضرت صاحب الامر
صلوات الله عليه چنانكه شيخ شهيد رحمه الله در كتاب دروس
ذكر كرده كه مستحب است در هر مكان زيارت آنحضرت صلوات
الله عليه وچون روز جمعه مخصوص آنحضرت است پس استحباب
زيارت آنحضرت در آن روز مؤكد است وزيارت اينست
السلام عليك يا حجة الله فى ارضه السلام عليك يا عين
الله فى خلقه السلام عليك يا نور الله الذى يهتدى
المهتدون ويفرج به المؤمنون السلام عليك ايها
المهذب الخائف السلام عليك ايها الولى الناصح
السلام عليك يا سفينة النجاة السلام عليك يا عين الحيوة
السلام عليك يا معدن علوم النبوية السلام عليك يا
موضع اسرار الربانية صلى الله عليك وعلى آل بيتك

الطّیبین الطّاهرین السّلام علیک یا مولای عجّل الله لک
وعدک من النّصرة وظهور الامر السّلام علیک یا مولای
انا مولی لک عارف باولک واخرک اتقرّب الی الله بک
وباهل بیت نبیّک وانتظر ظهورک وظهور الحقّ علی یدیک
واسئل الله ان یصلّی علی محمّد وال محمّد وان یجعلنی من
المنتظرین لک والتّابعین والنّاصرین لک علی اعدائک
والمستشهدین بین یدیک فی جملة اولیائک یا مولای
یا صاحب الزّمان صلوات الله علیک وعلی اهل بیت نبیک
هذا یوم الجمعة وهو یومک المتوقّع فیه ظهورک والفرج
فیه للمؤمنین علی یدک وقتل الکافرین بسیفک وانا یا
مولای فیه ضیفک وجارک وانت یا مولای کریم من
اولاد الکرام ومامور بالضیافة والاجارة فاضفنی واجرنی
صلوات الله علیک وعلی اهل بیت نبیک الطّیبین الطّاهرین
و مستحب است در روز جمعه زیارت امام حسین علیه السّلام بعد از انکه
غسل و نماز کند بر بالای بام یا بصحرا رود و اشاره بسوی
انحضرت بسلام کند یا بنظر بیق کند که بگوید السّلام علیک یا
مولای و سیّدی وابن سیّدی السّلام علیک یا قتیل
ابن القتیل والشّهید ابن الشّهید السّلام علیک ورحمة الله
وبرکاته انا زائرک یا ابن رسول الله بقلبی ولسانی وجوارحی
وان لم ازرک بنفسی والمشاهدة بقلبک بقبرک السّلام
علیک یا وارث ادم صفوة الله السّلام علیک یا وارث
نوح نبیّ الله ووارث ابرهیم خلیل الله ووارث موسی کلیم
الله ووارث عیسی روح الله ووارث محمّد حبیب الله و

نبیه

نبیه ورسوله ووارث علیّ امیر المؤمنین ووصیّ رسول الله
وخلیفته ووارث الحسن بن علیّ وصیّ امیر المؤمنین لعن الله
قاتلک وجدّد علیهم العذاب فی هذه السّاعة وفی کلّ
ساعة یا سیّدی متقرّب الی الله تعالی والی جدّک رسول
الله صلّی الله علیه واله والی ابیک امیر المؤمنین والی اخیک
الحسن والیک یا مولای علیک سلام الله ورحمته بزیارتی
لک بقلبی ولسانی وجمیع جوارحی فکن یا سیّدی شفیعی لقبول
ذلک منّی وانا بالبراءة من اعدائک واللّعنة لهم وعلیهم
اتقرّب بذلک الی الله تعالی والیکم اجمعین فعلیک صلوات
الله ورضوانه ورحمته بعد از ان دعا کند با نچه خواهد از
امور دین و دنیای خود سنّت مؤکّد است غسل کردن در روز جمعه
صاحب شهاب الاخبار حدیثی از حضرت رسول صلّی الله علیه و
اله روایت کرده که انحضرت فرمود دیدم در شب معراج در تحت
عرش خدا هفتاد شهر که هر یک از انها بقدر دنیا بود و پر بود
انها از ملئکه که تسبیح خدای تعالی و تقدیس او مینمودند و
میگفتند اللّهمّ اغفر لمن شهد الجمعة اللّهمّ اغفر لمن
اغتسل الجمعة یعنی بار خدایا بیامرز کسی را که حاضر شود بنماز
جماعت در روز جمعه بار خدایا بیامرز کسی را که غسل جمعه کند
و شیخ شهید در مقالات تکلیفیه از حضرت امام جعفر صادق
علیه السّلام روایت کرده که انحضرت فرمود غسل جمعه پاکیزگیست
و کفّارهٔ گناهان است از این جمعه تا جمعهٔ اینده و ایضا در کتاب
مذکور مسطور است که حضرت باری تعالی در مناجات حضرت
موسی فرمود کسی که غسل کند در روز جمعه مینویسیم برای او بعدد

هر موئی که در سر و بدن اوست ده حسنه و محو میکنم از او ده سیئه
و بلند میگردانم برای او ده درجه و رفع قلم میکنم از او هفتاد
روز هرچند عصیان من کند هر روز هفتاد مرتبه و میگردانم
قبر او را روضه از روضهای بهشت اما وقت غسل جمعه شیخ
در کتاب دروس ذکر کرده که سنت است غسل جمعه و ادا است در
ما بین طلوع فجر تا زوال و قضا است بعد از او تا آخر روز شنبه
و تعجیل در روز پنجشنبه نیز جایز است جهت عذری مثل نیافتن
آب در روز جمعه یا شدت سرما در سفر **و سنت است در روز جمعه شارب
گرفتن و ناخن چیدن** مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر
جمعه شارب گرفتن و ناخن چیدن امانست از پیسی و دیوانگی و جذام
و دفع پریشانی کند و روزی زیاده کند و تا جمعه دیگر پاکیزه باشد
و اگر ناخن دراز نباشد بدم کارد بساید روایت شده که شخصی
بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام گفت که مردم روایت میکنند
که بعد از نماز صبح بر جای نماز نشستن تا طلوع آفتاب بهتر است
از برای زیادتی روزی از مسافرت و تجارت نمودن فرمود ناخن
چیدن و شارب گرفتن بهتر از اینست روایت شده که پنهان ترین
جاها که شیطان در آن پنهان شود و آدمی را وسوسه کند زیر ناخنهاست
و ناخن دراز فراموشی آورد و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و
آله مرویست که هر کس شارب نگیرد از ما نباشد و شارب دراز
نکنید که شیطان در آن پنهان شود و ناخن و شارب گرفتن در
روز جمعه و پنجشنبه امان است از درد دندان و درد چشم و هر
کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و بگوید بسم الله و بالله و
علی سنة محمد صلی الله علیه و آله هر بریده ناخن و موئی که

جدا

جدا شود چنانست که بنده آزاد کرده باشد و هیچ بیماری نکشد مگر
بیماری که در آن موت مقرر شده باشد و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرویست که در ناخن چیدن ابتدا از انگشت سبابه دست
راست کنید و بعد از آن انگشت میان و همچنین تا انگشت کوچک
و بعد از آن انگشت کوچک چپ و پهلوی آن و همچنین بترتیب تا
ختم بانگشت بزرگ دست راست شود و مرویست که مجوسان شارب
را دراز کنند و ریش را بیار گیرند شما عکس آن کنید تا بایشان
شبیه نشوید و اینکه مشهور است استحباب یکقبضه برای ریش
اصل آن از احادیث معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر وارد
است که زیاده از یکقبضه نباشد که زیاده در آتش باشد

و از جمله ادعیه و عوذه روز جمعه این دعا است

اللهم افتح لنا خزائن رحمتك وهب لنا اللهم رحمة لا
تعذبنا بها في الدنيا والآخرة وارزقنا اللهم من فضلك
الواسع رزقا حلالا طيبا ولا تحوجنا ولا تفقرنا الى احد
سواك وزدنا لك شكرا واليك فاقة وفقرا وبك عمن
سواك غنى وتعففا اللهم وسع علينا في الدنيا والآخرة
اللهم انا نعوذ بك ان تزوي وجهك عنا في حال ونحن
نرغب اليك فيه اللهم صل على محمد وآل محمد واعطنا ما
تحب واجعله لنا قوة فيما تحب يا ارحم الراحمين **و از جمله ادعیه است**
بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم اللهم رب الملائكة والروح والنبيين والمرسلين
وقاهر من في السماوات والارضين كف عنا بأس الاشرار
واعم ابصارهم وقلوبهم واجعل بيني وبينهم حجابا انك ربنا

دعاء روز جمعه

عوذه روز جمعه

لا حول ولا قوة الا بالله توكلت على الله توكل عائذ به من شر كل ذى آبرة ربى اخذ بناصيتها ومن شر ما سكن فى الليل والنهار ومن شر كل سوء وصلى الله على محمد وآل محمد وازانجمله ابنست

دعای روز یکشنبه

اللهم اجعل اول يومى هذا فلاحا واوسطه صلاحا واخره نجاحا اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلنا ممن اناب اليك فقبلته وتوكل عليك فكفيته وتضرع اليك فرحمته وازانجمله است

عوذه روز یکشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم الله اكبر استوى الرب على العرش وقامت السموات والارض بحكمته وزهرت النجوم بامره ورست الجبال باذنه لا يجاوز اسمه من فى السموات والارض الذى دانت له الجبال وهى طايعة وذلت له الرقاب وهى خاضعة وانبعثت له الاجساد وهى باليه وبه احتجبت عن كل باغ وعاد وطاغ وجبار عنيد وحاسد وبسم الله الذى جعل بين البحرين حاجزا واحتجبت بالله الذى جعل فى السماء بروجا وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا وزينها للناظرين وحفظها من كل شيطان رجيم وجعل فى الارض رواسى جبالا واوتادا ان يوصل الى بسوء او فاحشة او بلية حم حم تنزيل من الرحمن الرحيم حم حمعسق كذلك يوحى اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم وازانجمله ابنست

دعای روز دوشنبه

اللهم انى اسئلك قوة فى عبادتك وتبصرا فى كتابك وفهما فى حكمك اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تجعل القرآن لنا ماحلا والصراط بنا زائلا ومحمدا صلى الله عليه وآله وسلم عنا موليا وازجمله عوذات ابنست

عوذه روز دوشنبه

بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسى بربى الاكبر مما يخفى ويظهر ومن شر كل انثى وذكر

ومن شر ما رأت الشمس والقمر قدوس قدوس قدوس رب الملئكة والروح ادعوكم ايها الانس الى اللطيف الخبير وادعوكم ايها الجن والانس الى الذى ختمته بخاتم رب العالمين وخاتم جبرئيل وميكائيل واسرافيل وخاتم سليمن بن داود عليه السلام وخاتم محمد سيد المرسلين والنبيين صلى الله عليه وعليهم اجمعين واخرج عن فلان بن فلان كلما يغدو ويروح من اذى حى او عقرب او ساحر او شيطان رجيم او سلطان عنيد اخذت عنه ما يرى وما لم ير وما رأت عين نائم او يقظان باذن الله اللطيف الخبير لا سلطان لكم على الله لا شريك له وصلى الله على رسوله محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما وازجمله ادعيه ابنست

۱۷ ادعوكم ايها الجان ان كنتم سامعين مطيعين

دعای روز سه شنبه

اللهم اجعل غفلة الناس لنا ذكرا واجعل ذكرهم لنا شكرا واجعل صالح ما نقول بالسنتنا نية فى قلوبنا اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقنا لصالح الاعمال والثواب فى الفعال وازجمله عوذات ابنست

عوذه روز سه شنبه

بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسى بالله الاكبر رب السموات القائمات بلا عمد وبالذى خلقها فى يومين وقدر فيها اقواتها وجعل فيها جبالا اوتادا وجعل فيها فجاجا سبلا وانشا السحاب وسخره واجرى الفلك وسخر البحر وجعل فى الارض رواسى وانهارا من شر ما يكون فى الليل والنهار وتعقد عليه القلوب وتراه العيون من الجن والانس كفانا الله كفانا الله كفانا الله لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه وآله الطاهرين وازجمله ادعيه ابنست اللهم احرسنا

۱۷ وقضى فى كل سماء امرها وخلق الارض فى يومين

اعمال روز چهارشنبه

بعینک التی لا تنام و برکنک الذی لا یرام و باسمائک العظام صل علی محمد و آله و احفظ علینا ما لو حفظه غیرک لضاع و استر علینا ما لو ستره غیرک لشاع و اجعل ذلک لنا مطواعا انک سمیع الدعاء قریب مجیب **و از جمله عوذات** بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ نفسی بالاحد الصمد من شر النفاثات فی العقد و من شر ابن قترة و ما ولد استعیذ بالله الواحد الاحد الاعلی من شر ما رأت عینی و ما لم تر استعیذ بالله الواحد الفرد الکبیر الاعلی من شر من اراد بی بسوء و امر عسیر اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی فی جوارک الامین و حصنک الحصین الله العزیز الجبار الملک القدوس القهار السلام المؤمن المهیمن الغفار عالم الغیب و الشهادة الکبیر المتعال هو الله هو الله هو الله لا شریک له محمد رسول الله صلی الله علیه و آله **و از جمله ادعیه اینست** اللهم انی اسئلک الهدی و التقی و العفاف و الغنی و العمل بما تحب و ترضی اللهم انی اسئلک من قوتک لضعفنا و من غناک لفقرنا و فاقتنا و من علمک و حلمک لجهلنا اللهم صل علی محمد و آل محمد و اعنا علی ذکرک و شکرک و طاعتک و عبادتک برحمتک یا ارحم الراحمین **و از جمله عوذات** بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ نفسی بقدرة الله و عزة الله و عظمة الله و سلطان الله و جلال الله و کمال الله و بجمع الله و برسول الله صلی الله علیه و آله الطیبین الطاهرین و بولاة امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول و لا

قوة

عوذه روز چهارشنبه

دعای روز پنجشنبه

عوذه روز پنجشنبه

قوة الا بالله العلی العظیم و حسبنا الله و نعم الوکیل و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و سلم تسلیما

باب یازدهم

در اعمال شهور و سنه و در آن چهارده فصلست

فصل اول

در تحقیق و عمل اول و آخر سال و در آن سه مبدأ است

مبدأ اول

در تحقیق سال شرعی و عمل آن بدانکه اول سال بحسب شرع شریف ماه مبارک رمضان است چنانکه شیخ جلیل محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله در کتاب کافی روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرموده اند که ماهها دوازده است در کتاب خدا از روزی که خلق کرده آسمانها و زمینها را و اول آن ماهها ماه خدا است و آن ماه مبارک رمضان است و بجهت آنکه ماه مبارک رمضان اول سال است تقدیر میشود در شب قدر که از جمله شبهای اینماه است جمیع اموری که در آن سال واقع میشود و بامام زمان علیه السلام خبر داده میشود و نیز از آنحضرت علیه السلام منقولست که فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در اینماه در عبادت که در اینماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در اینماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و نیز از احادیثی که در طی اعمال این روز نوشته میشود ظاهر میگردد که روز اول ماه رمضان شرعا اول سال باشد **اما اعمال شب روز اول اینماه** سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد چه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول اینماه کفی از گلاب بر رو بزند از

خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن گردد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع بدیها را در آن سال از او دفع کند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانکه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود هر که این دعا را برای رضای حق تعالی و بی شایبهٔ اغراض فاسده و دنیا بخواند در آن سال نرسد با و فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع میشود از بلاها و دعا اینست اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی دانَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتی تَواضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتی قَهَرَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتی خَضَعَ لَها كُلُّ شَیْءٍ وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتی غَلَبَتْ كُلَّ شَیْءٍ وَ بِعِلْمِكَ الَّذی اَحاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ یا نُورُ یا قُدُّوسُ یا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَیْءٍ یا باقی بَعْدَ كُلِّ شَیْءٍ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَقْطَعُ الرَّجاءَ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُدیلُ الْاَعْداءَ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَرُدُّ الدُّعاءَ وَ

اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی یُسْتَحَقُّ بِها نُزُولُ الْبَلاءِ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَحْبِسُ غَیْثَ السَّماءِ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَكْشِفُ الْغِطاءَ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُعَجِّلُ الْفَناءَ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُورِثُ النَّدَمَ وَ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَ اَلْبِسْنی دِرْعَكَ الْحَصینَةَ الَّتی لا تُرامُ وَ عافِنی مِنْ شَرِّ ما اُحاذِرُ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هٰذِهِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثانی وَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ وَ رَبَّ اِسْرافیلَ وَ میكائیلَ وَ جَبْرَئیلَ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ سَیِّدِ الْمُرْسَلینَ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ اَسْئَلُكَ بِكَ وَ بِما سَمَّیْتَ بِهِ یا عَظیمُ اَنْتَ الَّذی تَمُنُّ بِالْعَظیمِ وَ تَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَ تُعْطی كُلَّ جَزیلٍ وَ تُضاعِفُ الْحَسَناتِ بِالْقَلیلِ وَ بِالْكَثیرِ وَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ یا قَدیرُ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَلْبِسْنی فی مُسْتَقْبَلِ سَنَتی هٰذِهِ سِتْرَكَ وَ نَضِّرْ وَجْهی بِنُورِكَ وَ اَحِبَّنی بِمَحَبَّتِكَ وَ بَلِّغْنی رِضْوانَكَ وَ شَریفَ كَرامَتِكَ وَ جَسیمَ عَطِیَّتِكَ وَ اَعْطِنی خَیْرَ ما عِنْدَكَ وَ مِنْ خَیْرِ ما اَنْتَ مُعْطیهِ اَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَ اَلْبِسْنی مَعَ ذٰلِكَ عافِیَتَكَ یا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوی وَ یا شاهِدَ كُلِّ نَجْوی وَ یا عالِمَ كُلِّ خَفِیَّةٍ وَ یا دافِعَ ما تَشاءُ مِنْ بَلِیَّةٍ یا كَریمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ تَوَفَّنی عَلی مِلَّةِ اِبْراهیمَ وَ فِطْرَتِهِ وَ عَلی دینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سُنَّتِهِ وَ عَلی خَیْرِ الْوَفاةِ فَتَوَفَّنی مُوالِیاً لِاَوْلِیائِكَ وَ مُعادِیاً لِاَعْدائِكَ اَللّٰهُمَّ وَ جَنِّبْنی فی هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یُباعِدُنی مِنْكَ وَ اجْلِبْنی اِلی كُلِّ عَمَلٍ اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ یُقَرِّبُنی مِنْكَ فی هٰذِهِ السَّنَةِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ امْنَعْنی مِنْ كُلِّ عَمَلٍ

او قولٍ او فعلٍ يكون منى اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك ايّاى
عليه حذاراً ان تصرف وجهك الكريم عنى فاستوجب به نقصاً من
حظٍ لى عندك يا رؤف يا رحيم اللهمّ اجعلنى فى مستقبل سنتى
هذه فى حفظك وفى جوارك وفى كنفك وجلّلنى ستر عافيتك
وهب لى كرامتك عزّ جارك وجلّ ثناؤك ولا اله غيرك
اللهمّ اجعلنى تابعاً لصالح من مضى من اوليائك والحقنى
بهم واجعلنى مسلماً لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ
بك اللهمّ ان تحيط بى خطيئتى وظلمى واسرافى على نفسى و
اتّباعى لهواى واشتغالى لشهواتى فيحول ذلك بينى وبين رحمتك
ورضوانك فاكون منسيّاً عندك متعرّضاً لسخطك ونقمتك
اللهمّ وفّقنى لكلّ عملٍ صالحٍ ترضى به عنى وقرّبنى اليك زلفى
اللهمّ كما كفيت نبيّك محمّداً صلى الله عليه وآله هول
عدوّه وفرّجت همّه وكشفت غمّه وصدقته وعدك وانجزت
له عهدك اللهمّ فبذلك فاكفنى هول هذه السنة وآفاتها
واسقامها وفتنها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها
وبلّغنى برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة عندى الى منتهى
اجلى اسئلك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف واسئلك
ان تغفر لى ما مضى من الذنوب التى حصرتها حفظتك واحصتها
كرام ملائكتك علىّ وان تعصمنى الهى من الذنوب فيما بقى من
عمرى الى منتهى اجلى يا الله يا رحمن يا رحيم صلّ على محمّد واهل
بيت محمّد وآتنى كلّ ما سئلتك ورغبت اليك فيه فانّك امرتنى
بالدعاء وتكفّلت لى بالاجابة يا ارحم الراحمين **مبتداء**
دهم در تحقیق سال عربی بدانکه روز اول محرّم ابتدای سال

عربست

عرب است و روز آخر ذی حجّه آخر آن چه قبل از زمان بعثت حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله در میان عرب معمول آن بوده که اول
محرّم را اول سال حساب مینموده اند و بعد از بعثت آنحضرت نیز
بدینمنوال مستمرّ داشته اند و بنای تاریخ هجرت را عامّه مردم و منجّمان
نیز بر آن گذاشته اند و حدیثی که دلالت بر این کند که اول سال
شرعاً محرّم باشد علما رضوان الله علیهم در کتب معتبره ذکر نکرده اند
نهایت نماز و دعائی در آخر ذی حجّه و اول محرّم در کتب ادعیه ذکر
کرده اند امّا نماز روز اول محرّم دو رکعت است در هر رکعت حمد
یکبار و هر سوره که خواهد بخواند و بعد از فراغ نماز بخواند این دعا
اللهمّ انت الابدى القديم العفوّ الغفور الرحيم وهذه سنة
جديدة فاسئلك العصمة فيها من الشيطان الرجيم والعون
على هذه النفس الامّارة بالسوء والاشتغال فيما يقرّبنى
اليك يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام يا
ارحم الراحمين و چون آخر ذی حجّه شود دو رکعت نماز کن
و بخوان در رکعت اول بعد از حمد ده بار و در رکعت ثانی بعد از
حمد آیة الکرسی ده بار و چون از نماز فارغ شوی بخوان این دعا را
اللهمّ ما عملت فى هذه السنة من عملٍ نهيتنى عنه ولم ترضه
لى ونسيته ولم تنسه ودعوتنى الى التوبة منه بعد جرأتى
عليك اللهمّ انّى استغفرك منه فاغفر لى اللهمّ وما
عملت من عملٍ يقرّبنى اليك فاقبله منى ولا تقطع رجائى
منك يا كريم **مبتداء سیم در عمل سال عجمی** که نوروز فیروز
جهان افروز و در آن سه بهار است **بهار اول** در بیان آنکه
روز نوروز که مؤمنان خالص لباس دیبای والای حمد و ثنای

قدیم یکتا و خلعت گرانبهای شکر و سپاس ایزد بیهمتا را بر قامت زبان
و بیان عاجز از ادای آن می آراید و بمشک و زعفران درود نامعدود
سنبل گیسوی احمدی و گلاب صلوات عنبر محدود گل سرخ جمال محمدی
هفت سلام مدح و منقبت بر قدح چینی سینه صاف بتولای اهل بیت
مرتضوی مینگارند و از ها دهنیت نزول آفتاب سپهر امامت
به بیت الشرف وصایت که ابتدای بروج اثنا عشر فلک هدایت است
در کمال شکفتگی و خرمی اظهار مینمایند و بطریق مصافحه تحیت این
عطیه عظمی را دست بدست بیکدیگر میرسانند و کل ارجنی و افتخار
این موهبت کبری را بروش عبودیت کیشی بوسیده برغم اغیار زینت
تارک اعتبار میسازند و چون سحاب نیسان رطب اللسان و درفشان
مبارکباد میکردند و بمفرح یاقوتی نادیین و تریاق مخلص خلوص
عقیدت ائمه طاهرین رفع زهر انکار منافقین مینمایند که کدام روز است
که دران از اشعه تیغ آفتاب تابان جود برد العجوز دم سردی مخالفت
مخالفان گریزان و از تابش ذوالفقار لمعه نیر اعظم که شاه ولایت
این زبرجد بن طادم است خوارج نهروان برودت هوا سالک مسالک
نیران میکردند بدانکه بسیاری از علما بیان این نکرده اند که نوروز
کدام روز است و جمعی که متوجه آن شده اند بیشتر گفته اند که روز
نوروز روز انتقال شمس ببرج حمل است مطابق اول فروردین ماه
ملکی و بعضی گفته اند که اول فروردین ماه فرس است و بعضی گفته اند
که هفدهم کانون اول است از ماههای رومی و بعضی گفته اند که
دهم ماه ایار رومی است و بعضی گفته اند که نهم ماه شباط رومی است
و بعضی گفته اند که روز اول نزول آفتاب است ببرج جدی و بر هر یک
از این اقوال مذکوره متضاده اشکالها و اعتراضها وارد می آید

که تحقیق آنها مناسب وضع این مجموعه نیست لیکن آنچه رای اکثر علما
و بفهم نزدیکتر و اعتراضات بران کمتر وارد می آید تحقیق اول است
که منقول از ابن عصر است و از حدیثی که در فضایل نوروز از حضرت
صادق علیه السلام وارد شده و بعد از این ذکر خواهد شد ظاهر
میشود بان اوصافی که حضرت فرموده اند که نوروز روز تحویل آفتاب است
ببرج حمل و در حدیث دیگر مذکور است که روز نوروز روزیست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نصب فرموده است حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را بخلافت و بحساب و استخراج معلوم
میشود که آن روز مطابق نزول آفتاب است در اول برج حمل و هیچیک
از روزهائی که دیگران گفته اند مطابق آن روز نیست و نیز در احادیث
مذکور است که روز نوروز روز اولیست که آفتاب طلوع کرده است
و نیز منقولست که طالع وقت خلق عالم سرطان است و در آن وقت آفتاب
در عاشر بوده و از این مجموع ظاهر میشود که در روز نوروز آفتاب
در برج حمل بوده. **بهار دوم** در فضیلت روز نوروز منقولست
از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام
بوده که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت صادق علیه السلام
رفتم آنحضرت فرمود که ای معلی آیا میشناسی که این روز چه روز است
گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند و در این روز
تحفها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم
بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر
برای امر قدیمی که آنرا بیان میکنم برای تو تا آنرا بفهمی گفتم ای سید
و آقای من دانستن آنچه برکت شما دوست تراست نزد من از آنکه
مردگان من همه زنده شوند و دشمنان من همه بمیرند پس آنحضرت

علیه السلام فرمود که ای معلی بدرستی که روز نوروز روزیست که
پروردگار تعالی شانه درین روز عهد و پیمان گرفت از ارواح بندگان
که او را بیگانگی عبادت کنند و شریکی برای او قرار ندهند و ایمان
بیاورند به پیغمبران او و بامامان و اوصیای پیغمبران او و بائمه
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و روز نوروز اول روزیست
که آفتاب طلوع کرده است و بادهائی که آبستن کننده درختانست
وزیده است و گلها و شکوفها و گیاههای خرم که در زمین است
آفریده شده است و در آن روز کشتی حضرت نوح علیه السلام
بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست که پروردگار
جل شانه زنده گردانید جماعتی که سی هزار کس بودند و از منزلها
و خانهای خود بیرون رفته بودند از ترس مرگ یعنی طاعون پس
بیکبار ایشانرا همگی میرانید و بعد از آنکه زمانها گذشت و استخوانهای
ایشان از هم جدا شد پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل از پروردگار
سؤال کرد که آن مردگانرا زنده گرداند پس وحی رسید بآن پیغمبر
که آب بریز بر استخوانهای ایشان در همانجاهای ایشان پس آب ریخت
پیغمبر بر آن استخوانها و ایشان درین روز زنده شدند و باین سبب
سنت شد درین روز آب ریختن و در قرآن مجید بحکایت ایشان
اشاره نموده درین آیه شریفه که الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم
وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم و این روز
اول سال عجم است و درین روز جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا
صلی الله علیه و آله نازل شد و آنحضرت مبعوث برسالت گشت و
درین روز حضرت ابرهیم علیه السلام بتهارا شکست و درین روز
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین را صلوات

الله علیه بر دوش مبارک خود بلند کرد تا بتهای کفار قریش را از
خانه کعبه فرو ریخت و آنچه در بعضی حدیث وارد شده است که سنت است
درین روز آب ریختن میتواند بود که بمعنی غسل کردن و میتواند بود
که مراد آن باشد که درین روز سنت است که مردمان بر یکدیگر آب
بریزند چنانچه بعضی گفته اند و نیز معلی بن خنیس از حضرت امام
جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرموده
که روز نوروز آن روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
گرفت از مردم عهد خلافت را در غدیر خم برای حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه پس مردمان همگی اقرار کردند از برای آنحضرت
بخلافت بولایت پس خوشا حال کسی که بر آن عهد باقی بماند و بدا
حال کسی که آن عهد را شکست و روز نوروز روزیست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را فرستاد
بوادی جنیان تا از ایشان بیعت گیرد و درین روز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام نصرت یافت بر خوارج نهروان و سر کرده ایشان که
ذو الثدیه بود بقتل رسانید و درین روز ظهور خواهد کرد قائم ما
یعنی حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و درین روز آنحضرت
بر دجال غالب خواهد شد و در کناسه که محله ایست از محلهای
کوفه آن ملعونرا بر دار خواهد کشید و در هر روز نوروزی ما انتظار
فرج میکشیم بجهت آنکه نوروز روز ماست و روز شیعیان ماست و
حرمت آن روز را عجمان رعایت کردند و شما عربان آنرا ضایع کردید

بهانه سیم در اعمال روز نوروز منقول است از معلی بن خنیس
که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود که هر گاه
روز نوروز شود غسل کن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و

خود را بهترین بوهای خوش خوشبو کن و در آن روز روزه بدار پس
چون نماز پیشین و پسین را با نافلها ادا کردی چهار رکعت نماز
بگذار هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه
سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سوره
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از آن
سجده شکر کن و در سجود این دعا را بخوان اللهم صل علی محمد و آل
محمد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلک بافضل
صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و
اجسادهم اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی
یومنا هذا الذی فضلته و کرمته و شرفته و عظمت خطره
اللهم بارک لی فیما انعمت به علی حتی لا اشکر احدا غیرک و
وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام اللهم ما غاب عنی
فلا یغیبن عنی عونک و حفظک و ما فقدت من شیء فلا تفقدنی
عونک علیه حتی لا اتکلف ما لا احتاج الیه یا ذا الجلال و
الاکرام چون این عمل را بجا آوری گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود
و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و بعضی از علما گفته اند که در
کتب غیر مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا را بخوانند
و بعضی گفته اند سیصد و شصت مرتبه بخوانند یا محول الحول و
الاحوال حول حالنا الی احسن الحال و در روایت دیگر این دعا
چنین وارد است یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و
النهار یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال

و بعضی روایت کرده اند که سنت است در روز نوروز سیصد و شصت
و شش مرتبه خواندن این دعا اللهم هذه سنة جدیدة و انت
ملک قدیم اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من
شرها و شر ما فیها و استکفیک مؤنتها و شغلها یا ذا
الجلال و الاکرام **و از جمله اعمال** این روز نوشتن هفت
سلام است با مشک و زعفران و گلاب و آشامیدن آن از امان
تا نوروز دیگر از علل و امراض چنانکه مشهور و در بعضی از کتب
ادعیه مذکور است که از حضرت امیر صلوات الله علیه مرویست
اما حدیثی که دلالت بر آن کند هیچیک از علماء ثقه نقل نفرموده اند
و هفت سلام اینست سلام علی نوح فی العالمین سلام قولا
من رب رحیم سلام علی ابرهیم سلام علی موسی و هرون سلام
علی آل یسین سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین
سلام هی حتی مطلع الفجر **ادعیه رؤیت هلال** عموما که اختصاص
بماهی ندارد و در هر ماه بجا باید آورد چون ماه نو به بیند بخواند
دعای صحیفه کامله و مرویست که کسی که به بیند ماه نو را باید که
بگوید اللهم عرفنا قدر هذا الشهر المبارک و اکرمنا
باغتنام اوقاته و وفقنا بالجد و الاجتهاد فی طاعاته و
ارزقنا صیامه و قیامه صبرا و احتسابا و رجاء لادراک
مثوباته و اعذنا من السامة و الکسل خوفا لفوات درجاته
و اسعدنا لیلنا من ساعاته و افض علینا من عوائد برکاته و
زینا بجمیع حسناته و خیراته یا ارحم الراحمین و از حضرت
امام محمد تقی علیه السلام منقولست که کسی که در اول هر ماه
دو رکعت نماز کند و بخواند در رکعت اول بعد از حمد قل هو الله

سی بار و در رکعت دویم بعد از حمد قل یا ایها الکافرون سی بار و
تصدق کند بهرچه ممکن باشد خریده است باین نماز و تصدق بلای
آن ماه را و شیخ در مصباح این نماز را باین طریق ذکر کرده که در
رکعت اول بعد از حمد قل هو الله یکبار و در رکعت ثانی بعد از
حمد انا انزلناه یکبار بخواند و شیخ علامه علی بن طاوس توجیه
میان روایتین باین طریق کرده که حدیثی که امر بسوره یکمرتبه شده
محمولست بشخصی که در سفر باشد یا آنکه مریض باشد و از جمله اعمال
هرماه اینست که در اول ماه پنیر بخورد امید هست که در آن ماه
دعا و حاجتش رد نشود و سنت است در هرماه سه روز روزه
داشتن که آن پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر و چهارشنبه وسط آن
و برابر است با ثواب روزه یکساله و وسوسه خاطر را دفع کند
و از حضرات ائمه طاهرین علیهم السلام از سبب این روزه سؤال
فرمودند که پنجشنبه اول و آخر برای آنکه اعمال در پنجشنبه بر خدای
تعالی عرض میشود و خوبست که با روزه عرض شود و چهارشنبه
میان ماه روز عذابست و از کان آتش در چهارشنبه آفریده شده
و خدای تعالی امم سابقه را در چهارشنبه میان ماه عذاب کرده
و روزه امانست از عذاب **فصل ششم** در اعمال ماه رجب
المرجب و در آن چهار کرامت است **کرامت اول** در فضایل این
ماه و عبادت آن مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلام که ماه
رجب ماهیست عظیم الشان و رفیع المنزله و منسوبست بحضرت
امیر المؤمنین علیه السلام و خدای تعالی در این ماه حسنات را
مضاعف کند و سیئات را محو کرداند و هرکس یکشب در این ماه احیا
دارد آتش دوزخ برو حرام شود و شفاعتش برای هفتاد هزار

کسی

کس از گناهکاران مقبول باشد و مرویست که حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله بر مقبره میگذشت لحظه توقف فرمود پس از آنجا گذشت از
سبب توقف سؤال کردند فرمود اهل این مقبره معذب بودند بر
ایشان رحم کردند و از خدای تعالی خواستم که از ایشان تخفیف
عذاب فرماید تخفیف فرمود و اگر ایشان یکروز از ماه رجب روزه
میداشتند و یکشب را بعبادت بر میخواستند از این عذاب ایمن
میبودند و هر مؤمن و مؤمنه که یکروز از این ماه روزه دارد و یکشب
بعبادت برخیزد خدای تعالی ثواب یکساله روزه و عبادت و
هزار حج و عمره و هزار جهاد و هزار عتق رقبه از اولاد حضرت
اسمعیل و هزار دینار تصدق عطا فرماید و چنانست که اسیران
امت مرا بخرد و آزاد کند و هزار گرسنه را سیر کند و از عذاب قبر
و هول نکیر و منکر ایمن شود کسی تعجب نموده عرض کرد که این همه ثواب
برای کسی است که یکروز روزه بگیرد و یکشب بعبادت برخیزد در
این ماه فرمود بلی برای کسی که انکار قدرت خدا نکند بر اینکه اینقدر
عبادت را اینقدر ثواب تواند داد و فرمود اگر کسی قادر نبر برخاستن
شب نباشد بعد از نماز عشا قبل از وتیره دو رکعت نماز گذارد
و هر سوره که خواهد بخواند از خدای تعالی امید دارم که این همه
ثواب باو عطا فرماید و ابن بابویه بسند معتبر از سالم روایت کرده
که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه
رجب که چند روز از آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر
من افتاد پرسید که آیا روزه گرفته در این ماه گفتم نه و الله ای فرزند
رسول خدا فرمود که آن قدر ثواب از تو فوت شده که قدر آنرا بغیر
از خدا کسی نمیداند بدرستی که این ماهی است که خدا آنرا بر ماهها

دیگر فضیلت داده و حرمت آنرا عظیم گردانیده و برای روزه داشتن
آن گرامی داشتن را بر خود واجب گردانیده است پس عرض کردم که
یا بن رسول الله اگر باقی مانده این ماه را روزه بدارم آیا بعضی از
ثواب روزه داران آن فایز میگردم فرمود که ای سالم هرکه یک روز
از آخر این ماه روزه بدارد خدا او را ایمن گرداند از شدت سکرات
مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هرکه دو روز از آخر این
ماه روزه بدارد ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها
و هولهای آن روز و برات بیزاری آتش جهنم باو عطا فرمایند
و ایضا از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که
هرکه یک روز از اول ماه رجب یا وسط یا آخر آن روزه بدارد گناهان
گذشته اش آمرزیده شود و هرکه سه روز از اول یا میان یا آخر ماه
رجب روزه بدارد گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و هرکه
یک شب این ماه احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند و
قبول کند شفاعت او را در حق هفتاد مرد گنه کار و هرکه در این ماه
تصدق کند از برای رضای خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو
عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده و بر خاطر کسی خطور نکرده
باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند
که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای ایشان تمام
محشر را روشن کرده اند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد مکلل به
مروارید و یاقوت و با هریک از ایشان هزار ملک بوده باشد از
جانب راست و هزار از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد
ترا کرامتهای خدا ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا کند ایشان

که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خودم سوگند که شما را در
مأوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم
بشما از بهشت غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن
غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر
شما واجب گردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا
عظیم گردانیده بودم و حق آنرا واجب ساخته بودم ای ملئکه من
بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه
ثوابها برای کسیست که چیزی از ماه رجب را روزه دارد اگرچه یک روز
باشد از اولش یا آخرش یا میانش و احادیث درین باب بسیار است
که این رساله گنجایش آن ندارد **کرامت دویم** در بیان اعمالی که
هرگاه کسی از روزه عاجز باشد یا براو دشوار باشد بعوض آن بعمل
آورد و فضیلت افطار کردن روزه سنت و بیان اینکه روزه سنتی
جمعی موقوف باذن جمعی دیگر است در بعضی روایات معتبره وارد
شده است که بدل روزه سنت مستحب است یکدرهم تصدق موافق
زرهای این زمان که تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر
عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده اگر قادر بر روزه گرفتن نباشد
و احوط در مد یمن تبریز است و در روایتی در خصوص روزه ماه
کردن و این را حمل کرده اند بر کسی که پریشان باشد و قادر بر درهم
و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه ماه مبارک رجب از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وارد شده که اگر قادر بر گرفتن روزه نباشد
بعوض آن هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را
دریابد سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له
سبحان الاعز الاکرم سبحان من لبس العز و هو له اهل

اما فضیلت افطار کردن روزه سنت بسیار است از انجمله در روایات
معتبره وارد شده که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد
روزه سنت کرده باشد و او طعام حاضر سازد و او را تکلیف کند
ثواب افطار کردن از روزه داشتن زیاده است هفتاد برابر و
اگر اظهار نکند که روزه دارم ثوابش بیشتر و برابر یکسال روزه است
و زنرا روزه سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز بی رخصت
مالک و فرزندرا بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت میزبان
و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوبست
و مشهور میان علما انست که روزه سنت مملوک بدون اذن مالک
باطل است و روزه سنت زن بی رخصت شوهر باطل و روزه سنت
فرزند بدون اذن والدین مشهور انست که مکروه است و باطل نیست
و بعضی گفته اند که بدون اذن پدر باطل است و احوط انست که
بدون اذن والدین روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان
بدون اذن مهماندار خلافست و احوط انست که مهمان و مهماندار
هیچیک بدون رخصت دیگری روزه مستحب ندارند اگرچه اظهر
انست که مکروه است کرامت سیم در ادعیه و اعمال که هر روز و هر شب
ماه مبارک رجب المرجب بعمل باید اورد بسند معتبر منقولست که
حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه در روز اول ماه
رجب این دعا خواندند و علما رضوان الله علیهم ذکر کرده اند که
هر روز سنت است خواندن این دعا یا من یملک حوائج السائلین
و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک سمع حاضر و جواب
عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و ایادیک الفاضلة و
رحمتک الواسعة فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان

تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة انک علی کل شیء قدیر و شیخ طوسی رحمه الله
بسند معتبر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام بمعلی بن خنیس
فرمودند که در ماه رجب این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک
صبر الشاکرین لک و عمل الخائفین منک و یقین العابدین لک
اللهم انت العلی العظیم و انا عبدک البائس الفقیر و
انت الغنی الحمید و انا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد
و آله و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوتک
علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آله الاوصیاء
المرضیین و اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا و الآخرة یا ارحم
الراحمین و از روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر میشود که این
دعا جامع ترین دعاهاست و هر اوقات میتوان خواند و بسند معتبر
مرویست که حضرت صادق علیه السلام هر روز ماه رجب این دعا
میخواندند خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا
لک و ضاع الملمون الا بک و اجدب المنتجعون الا من انتجع
فضلک بابک مفتوح للراغبین و خیرک مبذول للطالبین
و فضلک مباح للسائلین و نیلک متاح للآملین و رزقک
مبسوط لمن عصاک و حلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان
الی المسیئین و سبیلک الابقاء علی المعتدین اللهم فاهدنی هدی
المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی من الغافلین
المبعدین و اغفر لی یوم الدین و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای
معتبر از حضرت صاحب الامر صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده
اند که سنت است در هر روز از روزهای ماه رجب المرجب این دعا
بخوانند اللهم انی اسئلک بالمولودین فی رجب محمد بن علی

الثانی و ابنه علی بن محمد المنتجب و اتقرب بهما الیک خیر القرب
یا من الیه المعروف طلب و فیما لدیه رغب اسئلک سؤال
مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه و اوثقته عیوبه فطال
علی الخطایا دؤبه و من الرزایا خطوبه یسئلک التوبة و حسن
الاوبة و النزوع عن الحوبة و من النار فکاک رقبته و العفو
عما فی ربقته فانت یا مولای اعظم امله و ثقته و اسئلک
بمسائلک الشریفة و وسائلک المنیفة ان تتغمدنی فی هذا
الشهر برحمة منک واسعة و نعمة وازعة و نفس بما رزقتها
قانعة الی نزول الحافرة و محل الآخرة و ما هی الیه صائرة

و ایضا بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق
علیه السلام عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجبست دعائی
تعلیم من نمای که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در
هر روز ماه رجب در صبح و پیشین بعد از نمازها در شب و روز
این دعا را بخوان یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر
یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سئله یا من یعطی من
لم یسئله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمة اعطنی بمسئلتی ایاک
جمیع خیر الدنیا و جمیع خیر الآخرة و اصرف عنی بمسئلتی ایاک
جمیع شر الدنیا و شر الآخرة فانه غیر منقوص ما اعطیت و
زدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش مبارک خود را بدست
چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست خود را بجانب راست و چپ
حرکت میدادند و این دعا را خواندند یا ذا الجلال و الاکرام
یا ذا النعماء و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیبتی علی النار
و دست بر نداشت تا از آب دیده اش تر شد **و از حضرت رسول** صلی الله

علیه و آله منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پیشین هزار
مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه پس دستها را بسوی آسمان
بردارد و بگوید اللهم اغفر لی و تب علی و این استغفار در
جمیع ایام سال سنت است **و بسند معتبر منقولست که** قل هو الله احد در جمیع ماه
خواندن ثواب بسیار دارد اگر خواهد در یکروز بخواند و اگر
خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده
باشد **و ایضا مرویست** که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع
ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی در بهشت
شهری برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه
لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز
منقولست و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار
دارد استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له و
اتوب الیه **و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام** منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرمود که هر که در شب یا روز ماه رجب و شعبان
و رمضان سه مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون
و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
بخواند و سه مرتبه بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی کل نبی و
ملک **و سه مرتبه بگوید** اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات **و سه مرتبه
بگوید** اللهم اغفر لی و لوالدی و ارحمهما کما ربیانی صغیرا
و اغفر للمؤمنین و المؤمنات **و چهار صد مرتبه** استغفر الله و
اتوب الیه بگوید و بروایتی صد بار نیز وارد شده که گناهانش را

خدا بیامرزد و اگرچه بعدد قطرهای باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که ای راستی تو دوست منی و بهر حرفی تو را شفاعت میدهم در برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که در عمر یکبار این را بعمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر و مثل آن را در وقت پرواز کردن نامهای اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط بر آورد و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب کند او را حساب آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و عطا کند باو آنچه هیچ چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد کرامت چهارم در اعمال مخصوصه ببعضی از لیالی و ایام اینماه و از آنجمله اعمال شب اول و روز بیست و هفتم این ماه در باب نهم که مخصوص ایام اربعه و لیالی اربعه است مذکور شد و باقی اعمال بر سبیل اجمال درین باب ذکر میشود اما اعمال روز اول اینماه مستحب است روزه گرفتن و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کردن بزیارتی که در عمل شب اول این ماه در باب نهم مذکور شد مرویست که کسی که روز اول رجب روزه دارد و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند آمرزیده میشود جمیع گناهان او و از جمله اعمال اینماه نماز سلمان است در نهایة الاحکام مذکور است که مستحب است سی رکعت نماز کردن در ماه رجب چنانچه مرویست از سلمان فارسی رحمه الله که گفت آمدم بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز آخر جمادی الاخر چون آنحضرت مرا دید گفت یا سلمان تو از اهل بیت مائی آیا میخواهی

جهت تو حدیثی نقل کنم گفتم بلی فدای تو گردد پدر و مادرم پس آن حضرت گفت یا سلمان نمیکند هیچ مؤمن و مؤمنه در ماه رجب سی رکعت نماز که بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و هر یک از سوره قل هو الله و قل یا ایها الکافرون سه بار مگر آنکه محو میکند خدای تعالی از او کل گناه صغیره و کبیره او را و عطا میکند باو ثواب کسی که این ماه را روزه داشته باشد و او را از جمله نمازکنندگان نویسند تا سال دیگر و برای هر روزی که روزه دارد ثواب یکساله عبادت برای او نوشته میشود و هزار درجه مرتبه او را بلند میگرداند و اگر تمام ماه را روزه دارد خلاص میشود از آتش جهنم و واجب شود برای او بهشت یا سلمان خبر داد مرا جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمد این نماز علامت است میان شما و منافقین برای آنکه منافقان این نماز را نمیکنند سلمان میگوید که گفتم یا رسول الله چون کنم این سی رکعت نماز را و در چه وقت کنم حضرت فرمود که یا سلمان باید که کرده شود در اول ماه ده رکعت و خوانده شود در هر رکعتی از آن بعد از الحمد هر یک از قل هو الله و قل یا ایها الکافرون سه بار و چون سلام دهی بر داری دستها را و بگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد بعد از آن دستها را بر روی خود فرود آوری و در وسط ماه ده رکعت نماز دیگر بطریق مذکور کنی و چون فارغ شوی دستها را بر داری و بگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر

الهاً واحداً احداً فرداً صمداً لم یتخذ صاحبة و لا ولداً بعد از آن
دستها را بر روی خود فرود آوری و در آخر ماه ده رکعت نماز کنی
بهمان دستور و چون فارغ شوی دستها را بر دار و بگوی لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و
هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و صلی الله
علی محمد و آله الطاهرین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
بعد از آن دستها را بر رو فرود آور و حاجت خود را بخواه بدرستی
که هر دعا که کنی مستجاب خواهد شد و خدای تعالی میگرداند میان
تو و آتش جهنم هفت خندق که میان هر خندقی از آسمان تا زمین باشد
و در مقابل هر رکعتی از این نماز نوشته میشود برای تو ثواب هزار هزار
رکعت نماز و نوشته میشود برای تو برات نجات از آتش جهنم و گذشتن
از پل صراط **و از جمله اعمال این ماه نماز رغائب است** رغایب جمع رغیبه است بمعنی
بخشش بسیار و اینکه شب جمعه اول رجب را رغایب میگویند جهت
آنکه خدای تعالی ثواب بسیار و عطیه بیشمار درین شب ببندگان
عطا میکند و بسیاری از گناه کاران را درین شب از آتش جهنم نجات
میدهد مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر که
پنجشنبه اول رجب را روزه دارد و شب جمعه میان نماز شام و
خفتن دوازده رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی بعد از حمد
سوره انا انزلناه سه بار و دوازده بار قل هو الله احد و چون
فارغ شود هفتاد بار بگوید اللهم صل علی النبی الامی و آله
بعد از آن سر بسجده نهد و هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب
الملائکة و الروح آنگه بنشیند و هفتاد بار بگوید رب اغفر و ارحم
و تجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم آنگه بسجده دیگر کند

و هفتاد بار بگوید سبوح قدوس رب الملائکة و الروح و حاجت
خود را بخواهد بحق خداوندی که جان محمد در قبضه قدرت اوست
که گناهان او آمرزیده شود اگر چه بعدد برگ درختان و قطرات
باران باشد و شفاعت او قبول شود در حق هفتصد کس از گناه
کاران اهل بیت او **و از جمله اعمال این ماه عمل روز هر جمعه این ماه است**
مرویست که کسی که در هر جمعه از رجب چهار رکعت نماز کند میان
ظهر و عصر و بخواند در هر رکعتی الحمد یکبار و آیة الکرسی هفت بار
و قل هو الله احد پنج بار و چون فارغ شود ده بار بگوید استغفر الله
الذی لا اله الا هو و اسئله التوبة بنویسد خدای تعالی از
امروز تا آخر عمر او بهر روزی هزار هزار حسنه و بنا کند برای او
بهر آیه شهری از یاقوت سرخ و بدهد او را بهر حرفی قصری از نقره
و بهر رکعتی پنجاه تاج از نور و بیرون نرود از دنیا تا جای خود را
در بهشت ببیند و منقولست که در روز جمعه آخر رجب هر کس در
هر سال دوازده رکعت نماز کند بخواند در هر رکعتی الحمد و آیة
الکرسی و انا انزلناه را هر کدام یکبار و سوره قل هو الله احد
و معوذتین هر یک را سه بار و این دعا را در میان هر چهار رکعت
بخواند عمر وی دراز شود اللهم یا اجل من کل جلیل و یا اکرم
من کل کریم و یا اعظم من کل عظیم و یا اعز من کل عزیز
اغثنی یا غیاث المستغیثین بفضلک و رحمتک و جودک و
کرمک مد عمرنا مداً و هب لنا من لدنک عمراً بالعافیة یا ذا
الجلال و الاکرام **و از جمله اعمال این ماه عمل شب نیمه این ماه است** این شب
بغایت جلیل القدر و غسل کردن در آن و احیا داشتن او از لوازم
و در حدیث وارد است که چون شب نیمه رجب در آید امر کند حق تعالی

کرام الکاتبین را که نظر کنید در نامهٔ اعمال بنده کان من و هر گناهی
که در آنجا باشد محو کنید و عوض آن حسنات بنویسید و سنت است
در این شب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بزیارتی که در
باب نهم در عمل روز مولود مذکور شد و کسی که در این شب سی رکعت
نماز کند بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله ده بار از
نماز فارغ نشود الا آنکه بدهد خدای تعالی او را ثواب هفتاد
شهید و بنویسد برای او برات نجات از آتش دوزخ و دفع کند
از او عذاب قبر را **و از جملهٔ اعمال این ماه عمل روز نیمهٔ این ماه است**
و روزیست بغایت عظیم القدر و در حدیث وارد است که حضرت
آدم علیه السلم مناجات کرد که خداوندا مرا خبر ده از بهترین
اوقات وحی رسید که ای آدم بهترین روزها نزد من روز نیمهٔ
رجب است تقرب جوی بما در این روز بصدقه و روزه و استغفار
و بگفتن لا اله الا الله که هر که چنین کند جزای او نباشد الا
بهشت و زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه در این روز
بر شیعیان از لوازم است خواه از دور و خواه از نزدیک بزیارتی
که در روز مولود مذکور شد و از حضرت امام رضا علیه السلام
منقولست که فاضلترین روزها برای زیارت حضرت امام حسین
روز نصف رجب است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلم
منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز چهار
رکعت نماز کرد و دستهای مبارک خود را گشود و این دعا را
خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا را بخواند
البته کرب و شدت او زایل میگردد و این چهار رکعت بدو سلام
است و هر سوره که میخواهد در آن میخواند و دعا اینست

اللهم

اللهم یا مذل کل جبار عنید یا معز المؤمنین انت کهفی حین
تعیینی المذاهب وانت یا رب خلقتنی رحمة بی وکنت عن
خلقی غنیا ولولا رحمتک لکنت من الهالکین انت مؤیدی
بالنصر علی اعدائی ولولا نصرک ایای لکنت من المقبوحین
یا مرسل الرحمة من معادنها ومنشئ البرکة من مواضعها الی
یا من خص نفسه بالشموخ والرفعة فاولیاؤه بعزه یتعززون
یا من خضعت له الملوک نیر المذلة علی اعناقهم فهم من
سطواته خائفون اسئلک بکینونیتک التی اشتققتها من عزتک
واسئلک بعزتک التی استویت بها علی عرشک فخلقت بها جمیع
خلقک فهم لک مذعنون ان تصلی علی محمد واهل بیته مرویست
از عدی بن ثابت انصاری که دیدم در روز نصف رجب که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام بعد از این نماز این دعا خواند و آهسته
چیزی گفت آنگه گفت یا عدی حفظ کن این را که هر مهمی و هر مطلبی
که خوانده شود البته بر آید **کیفیت عمل ام داود استفتاح** کیفیت این
عمل در کتب ادعیه بانحاء مختلفه مذکور است اما آنچه اقرب بصواب
مینماید اینست که فاطمه نام زنی بود از ذریهٔ حضرت امام حسین علیه السلام
و حضرت امام جعفر را شیر داده بود پسر او را منصور خلیفهٔ عباسی
مدتی محبوس کرده اراده قتل او داشت روزی فاطمه بخدمت حضرت
صادق علیه السلام غمگین و محزون رفت آنحضرت فرمود ماه رجب
نزدیکست ایام بیض این ماه را روزه بگیر و روز پانزدهم وقت ظهر
غسل کن و هشت رکعت نماز نافلهٔ ظهر بگذار در رکعت اول بعد
حمد الم نشرح و در دویم کافرون و در سیم انا انزلناه و در چهارم
اذا زلزله و در رکعتهای دیگر مثل این سورهای کوتاه بخوان و بعد

از نماز ظهر هشت رکعت دیگر بگذار در اول بعد از الحمد قل هو الله
احد و در دوم قل اعوذ برب الفلق و در سیم قل اعوذ برب الناس
و در چهارم انا اعطیناک بخوان و رکوع و سجود و قنوت نمازها را
خوب بجای بیاور و بعد از تمام هشت رکعت دو رکعت دیگر
بگذار در هر رکعت بعد از الحمد بیست و پنج مرتبه آیه شهد الله و
صد مرتبه یا قاضی حوائج السائلین و باید که جامهای پاکیزه پوشیده
در جای پاکیزه خلوت باشی که کسی نباشد و حرف نزنی و مشغول نشوی
بعد از آن نماز عصر را در اول وقت بگذار و چون سلام دهی رو
بقبله تسبیحات اربعه و الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و صلوات
بر حضرت پیغمبر و آل صلوات الله علیهم هر یک صد مرتبه بعد از
آن سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم
سجده و حم عسق و دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و سوره الملک و ن
و القلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و اگر از خواندن قرآن
عاجز باشی عوض آن قل هو الله احد هزار مرتبه بخوان بعد از آن
این دعا بخوان که اسم اعظم در این دعاست و فرمود این را دعای
استفتاح باین سبب نام شده که هرگاه خوانده شود درهای آسمان
گشوده گردد و در همان ساعت حاجتی که آن بخواهند مستجاب
شود فاطمه گوید چون این عمل بجای آوردم و خوابیدم تمام انبیا و
ملائکه را که در این دعا مذکورند و صلوات بر ایشان فرستادم
در خواب دیدم که میگویند ای ام داود مژده باد ترا که ما همه برای
تو دعا کردیم و حاجت تو مستجاب شد پس بیدار شدم و اندک وقتی
پیش نگذشت که داود آمد و گفت در کند و زندان بودم که در
نصف شب بخواب دیدم ترا که جماعت بسیار در اطراف تو ایستاده

بودند یکی از ایشان با من گفت که داود بدعای مادرت خدای
تعالی ترا نجات داد بر خیز چون بیدار شدم رسول منصور ایستاده
بود مرا از حبس بیرون آورد و پنج هزار درهم بمن داد و روانه خدمت
شدم **دعا اینست** صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو
الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن الرحیم الحلیم
الکریم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر اللطیف الخبیر
شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله
الاسلام و بلغت رسله الکرام و انا علی ذلک من الشاهدین
اللهم لک الحمد و لک المجد و لک العز و لک الفخر و لک
القهر و لک النعمة و لک العظمة و لک الرحمة و لک
المهابة و لک السلطان و لک البهاء و لک الامتنان و
لک التسبیح و لک التقدیس و لک التهلیل و لک التکبیر و
لک ما یری و لک ما لا یری و لک ما فوق السموات العلی و لک
ما تحت الثری و لک الارضون السفلی و لک الآخرة و الاولی
و لک ما ترضی به من الثناء و الحمد و الشکر و النعماء اللهم
صل علی جبرئیل امینک علی وحیک و القوی علی امرک و
المطاع فی سمواتک و محال کراماتک و الناصر لانبیائک
المدمر لاعدائک اللهم صل علی میکائیل ملک رحمتک و
المخلوق لرأفتک و المستغفر المعین لاهل طاعتک اللهم صل
علی اسرافیل حامل عرشک و صاحب الصور المنتظر لامرک
الوجل المشفق من خیفتک اللهم صل علی حملة العرش
الطاهرین و علی السفرة الکرام البررة الطیبین و علی ملائکتک

الكرام الكاتبين وعلى ملئكة الجنان وخزنة النيران وملك
الموت والاعوان ياذا الجلال والاكرام اللهم صل على
ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملئكتك
واجنته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من
الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين
محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح
وهود وصالح وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف
والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع
وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع و
ذا الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا و
يحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير و
عيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد
وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا و
آل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت
وباركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم
صل على الانبياء والاوصياء والسعداء والشهداء
وائمة الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح
والعباد والمخلصين والزهاد واهل الجد والاجتهاد
واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل
كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده
فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل
الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم
وصل على من سميت ومن لم اسم من ملئكتك واهل طاعتك

حبقوق

واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني
فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع بك
اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك و
برحمتك الى رحمتك وباهل طاعتك اليك واسئلك
اللهم بكل ما سئلك به احد منهم من مسئلة شريفة غير
مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة
يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم يا كريم يا عظيم يا جليل
يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير
يا منير يا مبير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير
يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن
يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود
يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا
منعم يا مفضل يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد
يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا
خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من
بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤف يا عطوف يا كافي يا شافي
يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا
سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا
قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم
يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا
عليم يا حكيم يا جواد يا بارئ يا بار يا سار يا عدل يا
فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا
معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي

يا نافع يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا
خالق يا راصد يا واحد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد
يا غياث يا عائد يا قابض يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر
الاعلى يا من قرب فدنى و بعد فنأى و علم السر و اخفى
يا من اليه التدبير و له المقادير يا من العسير عليه سهل
يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق
الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود و السماح يا راد
ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من
يشاء و فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال و الاكرام
يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا
اله الا انت بديع السموات و الارض يا الهي صل على محمد و
ال محمد و ارحم محمدا و ال محمد كما صليت و باركت و رحمت
على ابرهيم و ال ابرهيم انك حميد مجيد و ارحم ذلي و فاقتي
و انفرادي و وحدتي و خضوعي بين يديك و اعتمادي
عليك و تضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير
العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه
دعاء من اسلمته ثقته و رفضته احبته و عظمت فجيعته
دعاء حريق حزين ضعيف مهين بائس مسكين بك مستجير
اللهم و اسئلك بانك مليك و انك ما تشاء من امر يكون
و انك على ما تشاء قدير و اسئلك بحرمة هذا الشهر الحرام
و البيت الحرام و البلد الحرام و الركن و المقام و المشاعر
العظام و بحق نبيك محمد عليه و اله السلام يا من وهب

لادم شيث و لابرهيم اسمعيل و اسحق و يا من رد يوسف على يعقوب
و يا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه و زائد
الخضر في علمه و يا من وهب لداود سليمن و لزكريا يحيى و لمريم
عيسى يا حافظ بنت شعيب و يا كافل ولد ام موسى اسئلك
ان تصلي على محمد و ال محمد و ان تغفر لي ذنوبي كلها و تجيرني
من عذابك و توجب لي رضوانك و امانك و احسانك و
غفرانك و جنانك و اسئلك ان تفك عني كل حلقة بيني
و بين من يؤذيني و تفتح لي كل باب و تلين لي كل صعب و تسهل لي كل عسير
و تخرس عني كل ناطق بشر و تكف عني كل باغ و تكبت كل عدو
لي و حاسد و تمنع مني كل ظالم و تكفيني كل عائق يحول بيني و
بين ولدي و يحاول ان يفرق بيني و بين طاعتك و يثبطني
عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين و قهر عتاة الشياطين و
اذل رقاب المتجبرين و رد كيد المتسلطين عن المستضعفين
اسئلك بقدرتك على ما تشاء و تسهيلك لما تشاء كيف تشاء
ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء و چون از دعا فارغ شود سجده
كند و هر دو جانب روى خود را بر خاك بمالد و بگويد اللهم لك
سجدت و بك امنت فارحم ذلي و فاقتي و اجتهادي و تضرعي
و مسكنتي و فقري اليك يا رب و جهد كند كه اشك از چشم
بيرون ايد كه علامت اجابتست و از جمله اعمال اين ماه عمل شب بيست و هفتم است
اين شب بسيار جليل القدر و شب مبعث حضرت رسول صلى الله
عليه و اله است و سنت است در اين شب غسل كردن و افضل اعمال
اين شب زيارت حضرت امير المؤمنين عليه السلام است بزيارتي
كه مذكور شد در شب بيست و هفتم و مرويست كه عامل در اين شب

اجر عبادت شصت ساله دارد و از حضرت امام محمد نقی علیه السلام
منقولست که در رجب شبیست که عمل صالح در ان بهتر است از هرچه
آفتاب بر ان تابد و ان شب بیست و هفتم است که بر انگیخته شده است
در صبح ان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و عمل کننده در ان
که از شیعیان باشد ثواب شصت ساله عبادت یابد گفتند بان
حضرت که چیست عمل در ان فرمود که بعد از نماز عشا بجامه
خواب رود و هر ساعت که بیدار شود پیش از نصف شب باید
کرد دوازده رکعت نماز کنید و بخوانید در هر رکعت الحمد و هر سوره
از سورهای کوچک که خواهید و بعد از سلام از هر دو رکعت
بخوانید هر یک از حمد و معوذتین و سوره توحید و کافرون و
قدر و آیة الکرسی هفت بار و این دعا را یکبار الحمد لله الذی
لم یتخذ صاحبة و لا ولدا و لم یکن له شریك فی الملك و لم
یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلك
بمعاقد عزك علی ارکان عرشك و منتهی الرحمة من کتابك
و باسمك الاعظم الاعظم الاعظم و بذکرك الاعلی الاعلی
الاعلی و بکلماتك التامات تمت صدقا و عدلا ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی
ما انا اهله بعد از ان دعا کنید بانچه خواهید که البته مستجاب
میشود مگر انکه خلاف شرع باشد **دعای شب بیست و هفتم ماه رجب**
اللهم انی اسئلك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر
المکرم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ما انت
به منا اعلم یا من یعلم و لا یعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا
هذه التی بشرف الرسالة فضلتها و بکرامتك اجللتها و بالمحل

الشریف و السید اللطیف و العنصر اللطیف ان تصلی علی محمد و
آل محمد و ان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی
مقبولة و ذنوبنا مغفورة و حسناتنا مشکورة و سیئاتنا مستورة
و قلوبنا بحسن القول مسرورة و ارزاقنا من لدنك بالیسر
مدرورة اللهم انك تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی
و ان الیك الرجعی و المنتهی و ان لك الممات و المحیی و ان
لك الاخرة و الاولی اللهم انا نعوذ بك ان نأتی ما عنه
نهی اللهم انا نسئلك الجنة برحمتك و نستعیذ بك من
النار فاعذنا بها بقدرتك و نسئلك من الحور العین فارزقنا
بعزتك و اجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا و احسن
اعمالنا عند اقتراب آجالنا و اطل فی طاعتك و ما یقرب
الیك و یحظی عندك و یزلف لدیك اعمارنا و احسن فی جمیع
احوالنا و امورنا معرفتنا و لا تکلنا الی احد من خلقك فیمن
علینا و تفضل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا و الاخرة و ابدأ
بآبائنا و ابنائنا و جمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سألناك
لانفسنا یا ارحم الراحمین اللهم انا نسئلك باسمك العظیم
و ملکك القدیم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لنا
الذنب العظیم انه لا یغفر العظیم الا العظیم اللهم و هذا
رجب المرجب المکرم الذی اکرمتنا به من بین الامم
فلك الحمد یا ذا الجود و الکرم فنسئلك به و باسمك الاعظم
الاعظم الاعظم الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر
فی ظلك و لا یخرج منك الی غیرك ان تصلی علی محمد و اهل
بیته الطاهرین و ان تجعلنا من العاملین فیه طاعتك و

الامِلِینَ فیهِ لِشَفاعَتِكَ اَللّهُمَّ اهْدِنا اِلیٰ سَوآءِ السَّبیلِ وَاجْعَلْ
مَقیلَنا عِنْدَكَ خَیْرَ مَقیلٍ فی ظِلٍّ ظَلیلٍ اَللّهُمَّ اَقْلِبْنا مُفْلِحینَ
مُنْجِحینَ غَیْرَ مَغْضُوبٍ عَلَیْنا وَلَا ضآلّینَ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَزائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِواجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلامَةَ
مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنیمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجاةَ مِنَ
النّارِ اَللّهُمَّ دَعاكَ الدّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَئَلَكَ السّآئِلُونَ
وَسَئَلْتُكَ وَطَلَبَ اِلَیْكَ الطّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَیْكَ اَللّهُمَّ
اَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجآءُ وَاِلَیْكَ مُنْتَهَی الرَّغْبَةِ وَالدُّعآءِ اَللّهُمَّ
فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ الْیَقینَ فی قَلْبی وَالنُّورَ فی
بَصَری وَالنَّصیحَةَ فی صَدْری وَذِكْرَكَ بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ عَلیٰ
لِسانی وَرِزْقاً واسِعاً غَیْرَ مَمْنُونٍ وَلا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنی وَبارِكْ
لی فیما رَزَقْتَنی وَاجْعَلْ غِنایَ فی نَفْسی وَرَغْبَتی فیما عِنْدَكَ
بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ بعد از آن سجده کند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّهِ
الَّذی هَدانا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنا بِوِلایَتِهِ وَوَفَّقَنا لِطاعَتِهِ
شُكْراً شُكْراً بگوید تا صد مرتبه بعد از آن سر بردارد و بگوید
اَللّهُمَّ اِنّی قَصَدْتُكَ بِحاجَتی وَاعْتَمَدْتُ عَلَیْكَ بِمَسْئَلَتی
وَتَوَجَّهْتُ اِلَیْكَ بِاَئِمَّتی وَسادَتی اَللّهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ وَ
اَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنا مُرافَقَتَهُمْ وَاَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فی
زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ **فصل چهارم در اعمال ماه
شعبان** و در آن سه فضیلت است **فضیلت اول** در بیان
فضائل این ماه و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده
از ماه رجب و این ماه منسوب است بحضرت رسول صلی الله علیه
و آله چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام که چون

حضرت رسول ماه شعبان را مشاهده مینمودند امر میفرمودند
که منادی ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از
جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است
خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام فرمود که از روزی که منادی آنحضرت را
شنیدم روزه شعبان را ترك نکردم و تا زنده ام ترك نخواهم کرد
و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از جانب
خدا برای جمیع گناهان و ایضاً از ام سلمه منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر
روزه شعبان که وصل میکرد آنرا بماه رمضان و ایضاً منقولست
که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزهای سنت افضل
است فرمود روزه شعبان برای تعظیم رمضان و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
ماه شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه مبارك رمضان
و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته
و آینده است و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست
که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه منست و حاملان عرش
الهی آنرا تعظیم میفرمایند و حق حرمت آنرا میشناسند و آن ماهی است
که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان
و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده اند برای
آنکه منشعب میگردد و بسیار میشود در آن روزیهای مؤمنان
و حسنه در آن ماه مضاعف میگردد و هفتاد برابر آن گناه پست
میشود و امرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند

کریم نظر رحمت میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان ایشان
پس مباهات میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت و ثواب
روزه هر روز این ماه آنقدر فرموده‌اند که ذکرش موجب تطویل کلام
است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه
شعبان ذخیره بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان
روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را باصلاح آورد
و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی
از شعبان میدهند بهشت او را واجب میشود و ایضا بسندهای
معتبر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خدا پس هر که یک روز از ماه
من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من
روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده میشود و هر که سه روز روزه
بدارد او را ندا کنند که عمل از سر گیر یعنی هیچ گناهی نداری و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که هر که یک روز شعبان را از برای
خدا روزه بدارد داخل بهشت شود و هر که در یک روز شعبان هفتاد
بار استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول صلی الله علیه
و آله محشور شود و گرامی داشتن خدا او را واجب گردد و هر که در
شعبان تصدق کند اگرچه بنصف خرما باشد خدا بدن او را بر آتش
جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر شعبان روزه دارد و وصل
کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل برای او بنویسد و
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون ماه
شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین علیه السلام اصحاب
خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید که این

چه ماهست اینماه شعبانست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود ماه شعبان ماه منست پس روزه بدارید در اینماه از برای محبت
پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خدائی که
جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از
پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از امیر المؤمنین علیه السلام که
هر که روزه بگیرد شعبان را از برای پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا
او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت
و بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه
بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد
ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر و او را تنها
نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامه
عمل او بدست راست او دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست
چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی
او را ندا کند که ای بنده من او بگوید لبیک ای خداوند من پس خدا
تعالی گوید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند
جلیل گوید ملائکه را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید نزد پیغمبر من
پس بیاورند نزد من و من باو گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من
گویم باو که امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق
خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند
من آنقدر عوض باو دهم که او راضی شود پس من دست او را بگیرم
و بیاورم بنزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و میلرزد و

وپای گناه کار از ان بران بند نمیشود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل صراط است گوید کیست این مرد من گویم فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه گرفته از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت برسانم پس رضوان گوید که امروز روزیست که دو را برای امت میکشایم و او را داخل بهشت کنم و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید شراب سر بمهر بهشت را **فضیلت دویم در بیان اعمال** مشترکه هر روز و شب ماه شعبان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنویسد و گناه هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی نورانی چون ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسد و سنت است که هر صبح و شام ایمان این دعا بخوانند ما شاء الله توجها الی الله ما شاء الله استکانة لله ما شاء الله تضرعا الی الله ما شاء الله تعبدا لله ما شاء الله تلطفا لله ما شاء الله استعانة لله ما شاء الله استغاثة بالله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله و افضل اعمال ایمان آنست هر روز صد بار صلوات بر محمد و آل او فرستادن و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و اسأله التوبة بنویسد

خدای تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذرانند او را از صراط و داخل بهشت گردانند او را و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه او را در افق مبین جا دهد و آن موضع وسیعیست در پیش عرش الهی و در آن نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد ستارهای آسمان و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه شعبان این صلوات را میخواندند اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائکة و معدن العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک الجاریة فی اللجج الغامرة یأمن من رکبها و یغرق من ترکها المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد و آل محمد الکهف الحصین و غیاث المضطرین و ملجأ الهاربین و منجأ الخائفین و عصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة کثیرة تکون لهم رضا و بحق محمد و آل محمد اداء و قضاء بحول منک و قوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد الطیبین الطاهرین الابرار الاخیار الذین اوجبت حقوقهم و مودتهم و فرضت طاعتهم و ولایتهم اللهم صل علی محمد و آل محمد و اعمر قلبی بطاعتک و لا تخزنی بمعصیتک و ارزقنی مواساة من قترت علیه من رزقک بما وسعت علیه من فضلک و

نشرت على من عدلك واجبني تحت ظلك وهذا شهر نبيك
سيد رسلك شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان
الذي كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدأب في صيامه و
قيامه في لياليه وأيامه تطوعا لك في اكرامه واعظامه
الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان بسنته فيه و
نيل الشفاعة لديه اللهم فاجعله لي شفيعا مشفعا و
طريقا اليك مرتفعا مهيعا واجعلني لك متبعا حتى القاك
يوم القيمة عني راضيا وعن ذنوبي مغضيا قد اوجبت لي
منك الرحمة وانزلتني دار القرار ومحل الاخيار
فصل سيم در اعمال وادعيه مخصوصه بعضى از ايام وليالى
ماه شعبان از جمله عمل شب نيمه اين ماه در باب نهم در ضمن ليالى
اربع مذكور شد از اعمال روز سيم اين ماه روز بسيار مباركى
است وموافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسين عليه السلم
است وسنت است درين روز روزه داشتن واين دعا را خواندن
اللهم اني اسئلك بحق المولود في هذا اليوم الموعود بشهادته
قبل استهلاله وولادته بكته السماء ومن فيها والارض
ومن عليها ولما يطأ لابتيها قتيل العبرة وسيد الاسرة
الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله ان الائمة
من نسله والشفاء في تربته والفوز معه في اوبته والاوصيا
من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الاوتار ويثاروا
الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم
مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل
واسئل سؤال معترف مقترف مسيء الى نفسه مما فرط في

يومه وامسه يسئلك العصمة الى محل رمسه اللهم فصل على
محمد وعترته واحشرنا في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة
ومحل الاقامة اللهم وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا
بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن يسلم
لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه
واهل اصفيائه الممدودين منك بالعدد الاثنى عشر
النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا
اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين
لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده
نشهد تربته وننتظر اوبته آمين رب العالمين واز انجمله
عمل هر پنجشنبه ماه شعبان است از حضرت امير المؤمنين عليه
السلام منقولست كه حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود
كه در هر پنجشنبه ماه شعبان زينت ميكنند آسمانها را پس ملئكه
ميگويند خداوندا بيامرز روزه داران اين روز را ودعاى
ايشانرا مستجاب گردان پس كسى كه دو ركعت نماز كند در هر
پنجشنبه شعبان وبخواند در هر ركعت بعد از حمد سوره توحيد
صد بار وبعد از سلام صد مرتبه صلوات بفرستد برآورد
خداى تعالى مطلب دنيا وآخرت او را بدانكه در شب آخر
شعبان وشب اول رمضان اين دعا بايد خواند چنانچه حارث
بن مغيره از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده
اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزل فيه القرآن وجعل
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا
فيه وسلمه لنا وتسلمه لنا في يسر منك وعافية يا من

اخذ القليل و شكر الكثير اقبل منى اليسير اللهم انى اسئلك
ان تجعل لى الى كل خير سبيلا و من كل ما لا تحب مانعا يا ارحم
الراحمين يا من عفى عنى و عما خلوت به من السيئات يا من
لم يؤاخذنى بارتكاب المعاصى عفوك عفوك عفوك يا
كريم الهى وعظتنى فلم اتعظ و زجرتنى عن محارمك فلم انزجر
فما عذرى فاعف عنى يا كريم عفوك عفوك عفوك اللهم
انى اسئلك الراحة عند الموت و العفو عند الحساب
عظم الذنب من عبدك فليحسن التجاوز من عندك يا اهل
التقوى و اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم انى عبدك
ابن عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك و انت
منزل الغنى و الرحمة و البركة على العباد قاهر قادر
مقتدر احصيت اعمالهم و قسمت ارزاقهم و جعلتهم
مختلفة السنتهم و الوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد
علمك و لا يقدر العباد قدرتك و كلنا فقراء الى رحمتك
فلا تصرف عنى وجهك و اجعلنى من صالح خلقك فى العمل
و الامل و القضاء و القدر اللهم ابقنى خير البقاء و افننى
خير الفناء على موالاة اوليائك و معاداة اعدائك و الرغبة
اليك و الرهبة منك و الخشوع و الوفاء و التسليم لك و
التصديق بكتابك و اتباع سنة رسولك اللهم ما كان
فى قلبى من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او
بذخ او بطر او فخر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق
او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شىء
لا تحب فاسئلك يا رب ان تبدلنى مكانه ايمانا بوعدك و

رضا بقضائك و زهدا فى الدنيا و رغبة فيما عندك و اثرة
و طمانينة و توبة نصوحا اسئلك ذلك يمنك و رحمتك
يا ارحم الراحمين و يا رب العالمين الهى انت من حلمك
تعصى و من كرمك و جودك تطاع فكانك لم تعص
و انا و من لم يعصك سكان ارضك فكن علينا بالفضل
جوادا و بالخير عوادا يا ارحم الراحمين و صلى الله على محمد
و اله صلوة دائمة لا تحصى و لا تعد و لا يقدر قدرها
غيرك يا ارحم الراحمين فصل پنجم دربيان مجملی از فضایل
و اعمال ماه مبارك رمضان و در ان هفت شرافت شرافت
اول دربيان فضيلت اين ماه مبارك است بدانكه ماه مبارك
رمضان ماه خداست و شريفترين ماهها ست چنانچه بسند معتبر
از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده اند كه حضرت رسول
صلى الله عليه و اله در اخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند
ايها الناس بدرستى كه رو كرده است بسوى شما ماه خدا با بركت
و رحمت و امرزش ماهيست كه نزد خدا بهترين ماهها ست و
روزهايش بهترين روزها و شبهايش بهترين شبها ست و ساعتهای
ان بهترين ساعتها و اينماهيست كه خوانده اند شمارا در ان
بسوى ضيافت خدا و گردیده اید در ان از اهل كرامت خدا
و نفسهاى شما در ان ثواب تسبيح دارد و خواب شما ثواب عبادت
و عملهاى شما در ان مقبول است و دعاهاى شما در ان مستجاب
پس سؤال كنيد از پروردگار خود به نيتهاى درست و دلهاى
پاكيزه از گناهان و صفات ذميمه كه توفيق دهد شما را براى
روزه داشتن ان و تلاوت كردن قران در ان بدرستى كه شقى و

بدعاقبت کسیست که محروم کردد از آمرزش خدا درین ماه عظیم
و یاد کنید کرسنگی و تشنگی روز قیامت و تصدق کنید بر فقیران
و مسکینان خود و تعظیم نمایید پیران خود را و رحم نمایید
کودکان خود را و نوازش کنید خویشان خود را و نگاه دارید
زبانهای خود را از آنچه نباید کفت و بپوشید دیدها را از آنچه
حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و باز دارید کوشها را
از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان
مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازکشت کنید
بسوی خدا از کناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای خود
را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین
ساعتهاست نظر میکند حق تعالی درین اوقات برحمت خود
بسوی بندکان خود و جواب میکوید ایشانرا هرکاه او را مناجات
کنند و لبیک میکوید ایشانرا هرکاه او را ندا کنند و مستجاب
میکرداند هرکاه او را دعا کنند ای کروه مردمان بدرستی که
جانهای شما در کرو کردهای شماست پس از کرو بدر آورید بطلب
آمرزش از خدا و پشتهای شما کرانبار است از کناهان شما پس
سبک کردانید آنها را بطول دادن سجدها و بدانید که حق تعالی
سوکند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازکذارندکان
و سجده کنندکان را و نترساند ایشانرا باتش جهنم در روز قیامت
ایها الناس هر که از شما افطار نماید روزه دار مؤمنی را درین ماه
از برای خدا خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و
آمرزش کناهان کذشته پس بعضی از صحابه کفتند یا رسول الله
همه ما قدرت برین نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش

جهنم

جهنم بافطار فرمودن روزه داران اکرچه بنصف خرما باشد و اکر
بیک شربت آب باشد بدرستی که خدا این ثواب را میدهد کسی را که
چنین کند اکرچه قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر که
خلق خود را درین ماه نیکو کرداند بر صراط بکذرد در روزی که
قدمها بر آن لغزد و هر که سبک کرداند درین ماه خدمت غلام و
کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان کرداند و هر که
درین ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را باز
دارد از او در قیامت و هر که درین ماه یتیم بی پدری را کرامی دارد
خدا او را در قیامت کرامی دارد و هر که درین ماه صله و احسان
کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت
و هر که درین ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای
عز و جل در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که نماز سنتی
درین ماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد
و هر که درین ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد
نماز واجب که در ماههای دیکر کرده شود و هر که درین ماه صلوات
فرستد بر من و آل من خدا سنکین کرداند ترازوی عمل او را در روزی
که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک آیه از قرآن درین ماه
بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیکر ختم قرآن کرده
باشد ایها الناس بدرستی که درهای بهشت درین ماه کشاده است
پس سؤال کنید از پروردکار خود که بر روی شما نبندد و درهای
جهنم درین ماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر روی شما نکشاید
و شیاطین را درین ماه غل میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرکز
بر شما مسلط نکرداند شرامت دویم در بیان حقیقت روزه

وانچه دران معتبر است بدانکه روزه بازداشتن خود است از چیزی
چند که روزه را میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی افق
از جانب مشرق بنابر مشهور با نیت قربت پس باید که بداند انچه را
تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست در انها
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد
اما بهتر انست که انچه متیقن باشد وجوب ترک انها قصد ترک
بعنوان وجوب کند و انچه خلافی باشد قصد ترک انها کند احتیاطا
و انچه بی دغدغه مکروه باشد قصد ترک انها کند مستحبا و اگر قصد
ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما انچه واجبست ترک
انها کردن **اول** چیز خوردن و اشامیدن و چیزی که خوردن
و اشامیدن ان متعارف و معتاد باشد در ان خلافی نیست که
مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هردو میشود اگر بطریق
معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مثل انکه در دماغ یا گوش
بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست و همچنین خلاف
است در خوردن و اشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد
خوردن و اشامیدن انها مثل سنگ و چوب و خاک و گیاه و آب
افشرده از گیاههای غیر معتاد و اظهر انست که اگر بعنوان معتاد
باشد اجتناب واجبست و احوط انست که اگر بکند قضا و کفاره
لازم است **دویم** جماع کردن در قبل زن است خواه انزال شود
یا نه و فعل ان موجب قضا و کفاره میشود بخلاف و جماع در
دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود و مشهور انست که جماع در دبر زن بدون انزال نیز
مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند

واول

واول اقوی است **چهارم** [سیم] باقی ماندن بر جنابت است تا صبح و
اشهر و اقوی انست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است و
بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضاء تنها واجب دانسته اند و
احوط انست که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند
و اگر نکند احوط انست که غسل کند بعد از صبح و ان روز را روزه
بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط
انست که تیمم بکند و تیمم را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد
از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار
شدن پیش از صبح داده جایز است و مشهور انست که اگر بخوابد
تا صبح و نیت غسل نداشته باشد برا و قضا و کفاره لازم است و
این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب
دویم وجوب قضاست و این قول اقوی است بلکه خلافی در ان
ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد انست که در خواب سیم جنب
هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هردو واجبست و اقوی عدم وجوب
کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد انست که خواب بعد از
بیدار شدن از احتلام حکم خواب دویم دارد و بدانکه در روزهای
دیگر غیر ماه رمضان نیز خلاف است که ایا باید صبح را پاک دریابد
و حق انست که در قضای رمضان میباید صبح جنب نباشد و در
غیر قضا احوط انست که اگر صبح پاک نباشد و واجب معین نباشد
ان روز را روزه ندارد و اگر معین باشد ان روز روزه بدارد و قضا
نیز بگیرد اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار باشد
و اگر کفاره بدهد احوط است و در روزه سنت اگر بر جنابت عمدا
بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه کند باعتقاد

ملا محمد باقر مجلسی رحمه الله روزه اش صحیح است و در واجب معین
مثل نذر و غیره اگر عمداً نیت را ترک و پیش از زوال نیت کند مشهور
آنست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود
و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه
رمضان باشد و در روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت
نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند
کرد و بعد از زوال خلاف است بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت
میتواند کرد و جمعی از محققین علما باین قایلند و بعضی گفته اند
بعد از زوال نیت میتواند کرد و بعضی گفته اند که اگر پیش از زوال
نیت کند ثواب روزه تمام را مییابد و اگر بعد از زوال نیت کند
ثواب روزه بعد از نیت تا شام را مییابد **چهارم** رسانیدن
غبار غلیظ است بحلق بعضی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند
و بعضی قضاء تنها و باعتقاد مرحوم ملا محمد باقر مجلسی رحمه الله
مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین
ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ که از آن اجزا منفصل شود
چون دود تنور و بخار دیگ و اظهر عدم بطلان است و احوط
اجتناب است حتی از دود تنباکو **پنجم** استمنا است یعنی طلب نزول
منی کردن با حصول آن موجب قضا و کفاره است و مشهور آنست
که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزه باطل میشود
و قضا و کفاره لازم است و بعضی درین تامل نموده اند خصوصاً
وقتی که قصد بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد و احوط
بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن

حلال

حلال و حرام یا شنیدن صدای او یا بخیال خود در آوردن هرگاه
باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و بآن معتاد نباشد
خلاف است و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است **ششم** قی
کردن است عمداً و اکثر علما موجب قضای تنها میدانند و بعضی قضا
و کفاره را هر دو واجب میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند
و مسئله مشکلست و وجوب قضاء تنها خالی از قوتی نیست و
مشهور آنست که هرگاه بی اختیار آید بر او قضا نیست و بعضی
قضا را واجب دانسته اند و این قول ضعیف است **هفتم**
حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره هر دو دانسته اند
و بعضی موجب قضای تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب
هیچیک ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته اند
و حقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند و این قول اقوی است
و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا
بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد
صوم نمیشود و سعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند و بعضی موجب
قضا و کفاره دانسته اند اگر بحلق رسد و احوط اجتناب است
هشتم دروغ گفتن بر خدا و رسول و ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم است با آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی
بگوید بلکه کسی که اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید
و در حرمت آن شک نیست و بعضی در روزه موجب کفاره میدانند
و بعضی میگویند موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست
و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بدهد **نهم** سر فرو
بردن در آب است و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی

موجب قضای تنها و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند
و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمتست و عدم وجوب قضا و
کفاره و بعضی گفته اند که اگر سر را با آب فرو برد تا گردن و بدن
بیرون باشد از آب باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی
گفته اند که اگر فرو برد منافذ سر را دفعةً هرچند منابت مو بیرون
باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که
در روزه سنت سر بآب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط
ترک است بدانکه بلغمی که از سینه آید یا دماغ فرود آید در
فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز ابتلاع آنچه بیرون
آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر
که از دماغ آید دویم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد
و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه
و سر و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد
کرده اند بقضای تنها قایل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند
و بعضی بکفاره جمع قایل شده اند و باعتقاد ملا محمد باقر مجلسی
رحمه الله هیچیک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه
بفضای دهن بیاید فرو نبرد بدانکه مشهور میان علما آنست
که مکروه است که روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه
تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم
دانسته اند و اول اظهر است و خاییدن مصطکی و سقز که آبش
را فرو برند بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند
و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست
بلکه اگر شک هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا

صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده آن وقت که خورده یا
آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه
نکرده خورده است قضا واجبست و کفاره واجب نیست و اگر کسی
مضمضه کند برای وضوء نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود
قضا بر او واجب نیست و اگر برای نماز نافله باشد بعضی گفته اند
قضا واجبست و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلق رود جمعی قضا
را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوبست
مطلقا و در روایتی وارد شده که بعد از مضمضه سه مرتبه آب
دهن را بیندازد شرافت سیم در سنتها و آداب روزه است مکروه
است روزه دار را بوسیدن زنان و دست ببدن ایشان رسانیدن
و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص
بصورتی نیست که اینها محرک شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع
داشته باشد و مکروه است بچشم کشیدن چیزی که اثر طعمی باشد
که بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهیت خون بیرون از بدن
که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین
داخل شدن حمامی که مضعف باشد و مکروه است بوییدن گلها
خصوصا نرگس و مکروه است که مشک را ببوید و سایر بوهای
خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که طیب تحفه صایم است و فرمود که هر روزه دار که
در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد و اشهر و اقوی
آنست که بوییدن را بحد غلیظ مفطر نیست و بعضی گفته اند که بوییدن
را بحد غلیظ که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط
آنست که بوی خوش را نیز که بدماغ بالا میرود نبوید چنانچه

در روایتی وارد شده است و مکروه است که صائم جامه که ملاصق
بدن است تر کند و مکروه است زن صائمه را که در آب بنشیند
چنانچه گذشت و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هرگاه روزه داری میباید که روزه باشد گوش تو و موی تو
و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات
و فرمود که نباید روز روزه تو مانند افطار تو بوده باشد و ایضاً از
آنحضرت منقولست که فرمود که روزه نه همین از خوردن و آشامیدن
است تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از
دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام و با یکدیگر نزاع
مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند
دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش
مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل
مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت
و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب
کنید از گفتار بد دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان
بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت
دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید
و آرزومند ثواب آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر
آخرت بردارید و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع
و شکستگی و مذلت و مثل بنده که از آقای خود ترسد ترسان
باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک
باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلهها و مکرها
و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوی بسوی خدا از آنچه

غیر اوست

غیر اوست و در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و
خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار
و پنهان و بترسی از خداوند آنچنانچه سزاوار ترسیدن اوست
در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل
در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او
و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا امر کرده است
بآن و خوانده است بسوی آن اگر همه اینها را بعمل آوردی آنچه سزاوار
روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا را اطاعت کرده
و آنچه کم کنی از اینها را که بیان کردم از برای تو بقدر آن روزه
تو کم میشود از فضل آن بدرستی که پدرم گفت که از رسول خدا
صلی الله علیه و آله شنید که زنی در روزه جاریه خود را دشنام
داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور گفت من روزه ام
حضرت فرمود که چگونه روزه که جاریه خود را دشنام دادی روزه
از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی که حق تعالی روزه را
حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد
چه بسیار کم اند روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه
داری که بهره نیست او را از روزه بغیر گرسنگی و تشنگی و چه
بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر از تعب
ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان است
و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست
زیرا که خواب مقربان چون به نیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود
از جمله عبادت ایشان است بلکه ارواح ایشان در عالم قدس

باارواح اوصیا و انبیا مخلص مؤمنان محشور میکردند و بر اسرار
غیب و رؤیای صادقه مطلع میکردند و راهی از راههای قرب ایشان
است و افطار خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که
خدای تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است از روزهای احمقان
که روزه را دستگاه خودفروشی خود کرده اند و بریا و عجب ممزوج
میکرده اند و بشرایط صوم عمل نمیکنند **شرافت چهارم** در بیان
آداب دخول ماه مبارک رمضان است و سنت است طلب هلال
ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره
بسوی هلال کن و رو بقبله دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب
کن ماه را و بگو ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله
علینا بالامن و الایمان و السلامة و الاسلام و المسارعة
الی ما تحب و ترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا و ارزقنا
خیره و عونه و اصرف عنا ضره و شره و بلاءه و فتنته
و بهترین دعاهای هلال دعای صحیفهٔ کامله است و ابن ابی
عقیل رحمه الله این دعا را در وقت رؤیت هلال ماه مبارک
واجب دانسته است الحمد لله الذی خلقنی و خلقک و قدر
منازلک و جعلک مواقیت للناس اللهم اهله علینا اهلالا
مبارکا اللهم ادخله علینا بالسلامة و الاسلام و الیقین
و الایمان و البر و التقوی و التوفیق لما تحب و ترضی و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که غسل کند در شب
اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طاهر
معنوی باشد تا ماه رمضان دیگر و در حدیث دیگر فرمود که خارش

بدن دران سال باو نرسد و سنت است زیارت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام چه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت
آنحضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ از درختان و از گناهان
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است و ثواب حج
و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که
در شب اول سورهٔ انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از
بلاها محفوظ گردد و اگر در شب اول نیت روزهٔ تمام ماه را بکند
و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند هر گاه از برای
تمام ماه باشد که اصوم شهر رمضان من اوله الی آخره لوجوبه
قربة الی الله و هر گاه روز را نیت کند بگوید که اصوم غدا من
شهر رمضان لوجوبه قربة الی الله و در روز اول سنت است که
غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد چه از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع
دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که در روز اول ایماه کفی از گلاب بر روی زند از
خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از این
بلاها ایمن گردد و هر که یک کف گلاب در روز اول ایماه بر سر
بریزد در آنسال از مرض سرسام ایمن گردد و سنت است خواندن
این دعا در روز اول اللهم قد حضر شهر رمضان و قد افترضت
علینا صیامه و انزلت فیه القرآن هدی للناس و بینات
من الهدی و الفرقان اللهم اعنا علی صیامه و تقبله منا
و تسلمه منا و سلمه لنا فی یسر منک و عافیة انک علی

کل شیء قدیر و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول صلی الله علیه
و آله این دعا میخواندند اللهم انه قد دخل شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن وجعلته بینات من الهدی والفرقان
اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی صیامه وصلوته
وتقبله منا و باقی اعمال و ادعیه روز اول ماه رمضان در مبدا
اول این باب در طی عمل اول سال شرعی مذکور شد **شرافت پنجم**
در فضیلت افطار و بیان سحور از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله مرویست کسی که افطار فرماید روزه داری را ثواب او برابر
است با ثواب آزاد کردن غلامی و آمرزیده میشود گناهان گذشته
او گفتند یا رسول الله همه ما را افطار فرمودن صایم مقدور نیست
آنحضرت فرمود که خدای تعالی کریم است میدهد این ثواب را
بکسی که مقدورا او نباشد مگر از شیر بقدر چشیدنی یا دم آب
شیرینی یا چند خرمائی که بآن افطار روزه داری کند و سنت است
که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار
او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غلبه کرده مانع حضور قلب
او باشد در نماز که در اینصورت افطار را مقدم داشتن بهتر است
و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله افطار میکردند بر خرما و آب یا برطب و آب و در
حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت افطار ابتدا بحلوا
میفرمودند و اگر نمی یافتند بر نبات یا قند یا خرما افطار میفرمودند
و اگر حاضر نبود بآب نیم گرم و میفرمود که آب نیم گرم پاک میکند
معده را و قوت میدهد جگر را و بینائی را زیاد میکند و گناهان

را میشوید و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند
و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف
میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که
بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار برابر مضاعف
میگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که افطار با
گناهان دل را میشوید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول
است که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی
خدا گناهان او را بیامرزد و ثواب بنده آزاد کردن از فرزندان
اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و از حضرت رسول صلی الله
علیه و آله مرویست که هر که در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم
انت الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر
الذنب العظیم الا العظیم از گناهان بیرون آید مانند روزی که
از مادر متولد شده است و از حضرت امام حسن علیه السلام
منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستجابی هست
پس باید که در لقمه اول بگوید بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة
اغفر لی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام
منقولست که در وقت افطار بگو اللهم لک صمت وعلی رزقک
افطرت وعلیک توکلت تا عطا کند بتو ثواب هر کس را که در این
روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می نشستند و چون
خوان را میگذاشتند میگفتند اللهم لک صمنا وعلی رزقک
افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع العلیم و از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام مرویست که کسی که سوره انا انزلناه

در وقت افطار و وقت سحور بخواند چنین باشد که ما بین این دو
وقت در خون خود غلطیده باشد در جهاد **اما سحور خوردن بدانکه**
و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک رمضان مستحب است
چه مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که باید ترک
نکند امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمای پوسیده
باشد و ایضاً از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملٰئکه
صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میفرستند در سحرها و
سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین
سحور قاووت است و خرما و ایضاً فرمود که سحور بخورید اگرچه
بیک جرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور
خورندگان و سنت است در سحر خواندن سوره انا انزلناه
خواندن چنانچه گذشت در بیان افطار **شرافت ششم** در ادعیه
هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان و ادعیه سحر و مشتملست بر
چهار مصباح است **مصباح اول** در ادعیه مشترکه فیما بین
هر روز و هر شب است مرویست از حضرت صادق و کاظم
علیهما السلام که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوانند
یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس
کمثله شیء و هو السمیع البصیر و هذا شهر عظمته و کرمته
و شرفته و فضلته علی الشهور و هو الشهر الذی فرضت
صیامه علی و هو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن
هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان و جعلت فیه
لیلة القدر و جعلتها خیراً من الف شهر فیا ذا المن و لا
یمن علیک من علی بفکاک رقبتی من النار فیمن تمن علیه و

ادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین و مرویست کسی که
هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان این دعا بخواند گناهان
چهل ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر رمضان الذی
انزلت فیه القرآن و افترضت علی عبادک فیه الصیام صل
علی محمد و آل محمد و ارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا
و فی کل عام و اغفر لی الذنوب العظام فانه لا یغفرها
غیرک یا علام و مرویست که هر که در این ماه بعد از هر فریضه
بخواند نویسند برو گناه تا روز قیامت اللهم ادخل علی اهل
القبور السرور اللهم اغن کل فقیر اللهم اشبع کل جائع
اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل مدین اللهم
فرج عن کل مکروب اللهم رد کل غریب اللهم فک کل اسیر
اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین اللهم اشف کل
مریض اللهم سد فقرنا بغناک اللهم غیر سوء حالنا بحسن
حالک اللهم اقض عنی الدین اللهم خلصنا من الفقر انک
علی کل شیء قدیر **مصباح دوم** در ادعیه ماه مبارک رمضان
سنت است که هر روز این دعا بخواند اللهم هذا شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و
الفرقان و هذا شهر الصیام و هذا شهر القیام و هذا شهر
الانابة و هذا شهر التوبة و هذا شهر المغفرة و الرحمة و
هذا شهر العتق من النار و الفوز بالجنة و هذا شهر فیه
لیلة القدر التی هی خیر من الف شهر اللهم فصل علی محمد
و آل محمد و اعنی علی صیامه و قیامه و سلمه لی و سلمنی فیه
و اعنی علیه بافضل عونک و وفقنی فیه لطاعتک و طاعة

رسولك واوليائك صلى الله عليه وعليهم وفرغني فيه
لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البركة
واحسن لي فيه العافية واصح لي فيه بدني واوسع فيه
رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي و
بلغني فيه املي ورجائي اللهم صل على محمد وال محمد
واذهب عني فيه النعاس والكسل والسامة والفترة
والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه العلل والاسقام
والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا
والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد و
البلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم صل
على محمد وال محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه
ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه وكيده
ومكره وحبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته و
شركه واحزابه واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه
وجميع مكائده اللهم صل على محمد وال محمد وارزقنا قيامه
وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك
عني صبرا واحتسابا وايمانا ويقينا ثم تقبل ذلك مني
بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم
صل على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة والجد و
الاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوفيق و
التوبة والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة و
التضرع والخشوع والرقة والنية الصادقة وصدق
اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك

والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول
السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين
شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم و
لا غفلة ولا نسيان بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك
والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك
يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد واقسم
لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه
افضل ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة و
التحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية
والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة وخير الدنيا
والاخرة اللهم صل على محمد وال محمد واجعل دعائي
فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي
فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى
يكون نصيبي فيه الاكبر وحظي فيه الاوفر اللهم صل
على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال
تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم
اجعلها لي خيرا من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت
احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها
من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك
بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد
وال محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة
والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر
والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من

القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع الملٰئكة
المقربين ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب
موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد خاتم
النبيين صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسئلك بحقك
عليهم وبحقهم عليك وبحقك العظيم لما صليت عليه وآله
وعليهم اجمعين ونظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني
رضا لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي
وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكره واحذر و
اخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني
وذريتي اللهم اليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين و
تب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين
واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وآمنا راغبين
وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب
اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سئل العبد ربه
ولم يسئل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى
السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين
ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ
المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب
المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم
يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل
محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي و
اسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا
يملكها غيرك واعف عني واغفر لي كل ما سلف من ذنوبي

واعصمني

واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي و
قرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات
في الدنيا والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة
فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا ترد يدي الى نحري
حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سئلتك وتزيدني
من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء
اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه
الليلة تنزل الملٰئكة والروح فيها ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي و
ايمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في
هذه الليلة تنزل الملٰئكة والروح فيها فاخرني الى ذلك
وارزقني فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك
فصل على محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين
يا احد يا صمد يا رب محمد اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته و
اقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا ولا تدع على وجه الارض
منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة
النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله
شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم
في شان انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسئلك
ان تنصر وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء

محمد صلوات اللّٰه علیه و علیهم اعطف علیهم نصرک یا لا اله الا
انت بحق لا اله الا انت صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی
معهم فی الدنیا و الآخرة و اجعل عاقبة امری الی غفرانک
و رحمتک یا ارحم الراحمین و کذلک نسبت نفسک یا سیدی
باللطف بلی انک لطیف فصل علی محمد و آل محمد و الطف لما
تشاء اللهم صل علی محمد و آل محمد و ارزقنی الحج و العمرة
فی عامنا هذا و تطول علی بجمیع حوائج الدنیا و الآخرة بعد از آن
سه مرتبه بگوید که استغفر اللّٰه ربی و اتوب الیه ان ربی قریب
مجیب استغفر اللّٰه ربی و اتوب الیه ان ربی رحیم ودود
استغفر اللّٰه ربی و اتوب الیه انه کان غفارا اللهم اغفر
لی انک ارحم الراحمین رب انی عملت سوءا و ظلمت نفسی
فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت استغفر اللّٰه الذی لا اله
الا هو الحی القیوم الحلیم العظیم الکریم غفار الذنب العظیم
و اتوب الیه استغفر اللّٰه ان اللّٰه کان غفورا رحیما پس بگوید
اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل فیما
تقضی و تقدر من الامر المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الذی
لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور
حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم
و ان تجعل فیما تقضی و تقدر ان تطیل عمری و توسع رزقی
و تؤدی عنی امانتی و دینی آمین رب العالمین اللهم اجعل
لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث
لا احتسب و احرسنی من حیث احترس و من حیث لا احترس
و صل علی محمد و آل محمد و سلم تسلیما کثیرا و نیز سنت است

کدر

که در هر روز این ماه این دعا بخواند اللهم انی اسئلک من فضلک
بافضله و کل فضلک فاضل اللهم انی اسئلک بفضلک
کله اللهم انی اسئلک من رزقک باعمه و کل رزقک عام
اللهم انی اسئلک برزقک کله اللهم انی اسئلک من عطائک
باهناه و کل عطائک هنیء اللهم انی اسئلک بعطائک کله
اللهم انی اسئلک من خیرک باعجله و کل خیرک عاجل اللهم
انی اسئلک بخیرک کله اللهم انی اسئلک من احسانک
باحسنه و کل احسانک حسن اللهم انی اسئلک باحسانک
کله اللهم انی اسئلک بما تجیبنی به حین اسئلک فاجبنی یا
اللّٰه فصل علی محمد عبدک المرتضی و رسولک المصطفی و
امینک و نجیک من عبادک و نبیک بالصدق و حبیبک صل
علی محمد رسولک و خیرتک من العالمین البشیر النذیر السراج
المنیر و علی اهل بیته الابرار الطاهرین و علی ملائکتک
الذین استخلصتهم لنفسک و حجبتهم عن خلقک و علی انبیائک
الذین ینبئون عنک بالصدق و علی رسلک الذین اختصصتهم
بوحیک و فضلتهم علی العالمین برسالاتک و علی عبادک
الصالحین الذین ادخلتهم فی رحمتک الائمة المهتدین الراشدین
و اولیائک المطهرین و علی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و
ملک الموت و رضوان خازن الجنان و مالک خازن النار
و روح القدس و روح الامین و حملة عرشک المقربین
و علی الملکین الحافظین علی بالصلوة التی تحب ان یصلی بها
علیهم اهل السموات و الارضین صلوة طیبة کثیرة
مبارکة زاکیة نامیة ظاهرة باطنة شریفة فاضلة تبین

بِهٰا فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ الْوَسِيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ اجْزِهِ
خَيْرَ مٰا جَزَيْتَ نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ وَ اَعْطِ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مَعَ كُلِّ زُلْفَةٍ زُلْفَةً وَمَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً
وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً تُعْطِى مُحَمَّداً وَ
اٰلَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَفْضَلَ مٰا اَعْطَيْتَ اَحَداً مِنَ الْاَوَّلِينَ وَ
الْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَدْنَى
الْمُرْسَلِينَ مِنْكَ مَجْلِساً وَ اَفْسَحَهُمْ فِى الْجَنَّةِ عِنْدَكَ مَنْزِلاً وَ
اَقْرَبَهُمْ اِلَيْكَ وَسِيلَةً وَاجْعَلْهُ اَوَّلَ شٰافِعٍ وَ اَوَّلَ مُشَفَّعٍ وَ
اَوَّلَ قٰائِلٍ وَ اَنْجَحَ سٰائِلٍ وَ ابْعَثْهُ الْمَقٰامَ الْمَحْمُودَ الَّذِى يَغْبِطُهُ
بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ يٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ
تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَسْمَعَ صَوْتِى وَ تُجِيبَ دَعْوَتِى وَ
تَجٰاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِى وَ تَصْفَحَ عَنْ ظُلْمِى وَ تُنْجِحَ طَلِبَتِى وَ تَقْضِىَ
حٰاجَتِى وَ تُنْجِزَ لِى مٰا وَعَدْتَنِى وَ تُقِيلَ عَثْرَتِى وَ تَغْفِرَ ذُنُوبِى
وَ تَعْفُوَ عَنْ جُرْمِى وَ تُقْبِلَ عَلَىَّ وَ لَا تُعْرِضَ عَنِّى وَ تَرْحَمَنِى وَ
لَا تُعَذِّبَنِى وَ تُعٰافِيَنِى وَ لَا تَبْتَلِيَنِى وَ تَرْزُقَنِى مِنَ الرِّزْقِ
اَطْيَبَهُ وَ اَوْسَعَهُ وَ لَا تَحْرِمَنِى يٰا رَبِّ وَ اقْضِ عَنِّى دَيْنِى وَضَعْ
عَنِّى وِزْرِى وَ لَا تُحَمِّلْنِى مٰا لَا طٰاقَةَ لِى بِهِ يٰا مَوْلٰاىَ وَ
اَدْخِلْنِى فِى كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ وَ اَخْرِجْنِى
مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ
وَ عَلَيْهِمْ وَ السَّلٰامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ
پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَدْعُوكَ كَمٰا اَمَرْتَنِى فَاسْتَجِبْ
لِى كَمٰا وَعَدْتَنِى پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ

ع

مَعَ حٰاجَةٍ بِى اِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَ غِنٰاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ وَ هُوَ عِنْدِى كَثِيرٌ
وَ هُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ فَامْنُنْ بِهِ عَلَىَّ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ
اٰمِينَ رَبَّ الْعٰالَمِينَ مِصْبٰاحِ سِيَّم در ادعیه هر شب این ماه
سنت است که در هر شب این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ
بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ اَنَّ
مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ بِاَنَّكَ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَ بِاَنَّكَ جَوٰادٌ مٰاجِدٌ رَحْمٰنُ الدُّنْيٰا وَ
الْاٰخِرَةِ وَ رَحِيمُهُمٰا تُعْطِى مِنْهُمٰا مَنْ تَشٰاءُ وَ تَمْنَعُ مِنْهُمٰا مَنْ تَشٰاءُ
اَنْ تُصَلِّىَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِى وَ تُقَدِّرُ
مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ فِيمٰا تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِى لَيْلَةِ الْقَدْرِ
مِنَ الْقَضٰاءِ الَّذِى لَا يُرَدُّ وَ لَا يُبَدَّلُ وَ لَا يُغَيَّرُ اَنْ تَكْتُبَنِى
مِنْ حُجّٰاجِ بَيْتِكَ الْحَرٰامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ
ذُنُوبُهُمُ الْمُسْتَجٰابِ دُعٰاؤُهُمُ الْمُعْطَيْنَ سُؤْلَهُمُ الْمُوَسَّعِ لَهُمْ فِى
اَرْزٰاقِهِمُ الْمَمْدُودِ لَهُمْ فِى اَعْمٰارِهِمُ الْمَحْفُوظِينَ فِى اَنْفُسِهِمْ وَ
اَدْيٰانِهِمْ وَ اَهٰالِيهِمْ وَ اَوْلٰادِهِمْ وَ اَنْ تَجْعَلَ ذٰلِكَ فِى عٰامِى
هٰذٰا وَ فِى كُلِّ عٰامٍ اَبَداً مٰا اَبْقَيْتَنِى فِى يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ وَ
صِحَّةٍ مِنْ جِسْمِى وَ نِيَّةٍ مِنِّى خٰالِصَةٍ مُخْلَصَةٍ وَ سَعَةٍ مِنْ ذٰاتِ
يَدِى وَ قُوَّةٍ عَلَى جَمِيعِ اُمُورِى وَ اَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِى وَ تُقَدِّرُ
اَنْ تَمُدَّ لِى فِى عُمْرِى وَ اَنْ تُوَسِّعَ لِى فِى رِزْقِى وَ اَنْ تَقْضِىَ دَيْنِى
وَ اَنْ تُؤَدِّىَ عَنِّى اَمٰانَتِى وَ اَنْ تَخْتِمَ لِى عَلَى مٰا يُرْضِيكَ عَنِّى يٰا
رَبَّ الْعٰالَمِينَ وَ از اعمال سنت است که در هر شب از این ماه
این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِى الصّٰالِحِينَ فَاَدْخِلْنٰا وَ فِى
عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنٰا وَ بِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنٰا

ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والاستبرق والحرير فاكسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار فاكتب لنا وفي جهنم وعذابك وهوانك فلا تغلنا ومن الزقوم فلا تطعمنا ومع الشياطين فلا تجعلنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا

مصباح چهارم در دعيه سحر واز انجمله اين دعاست يا معزتي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغيث وبك لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عن الكثير انك انت الغفور الرحيم اللهم اني اسئلك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا حتى اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي والامن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين وازانجمله اين دعاست يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي انت الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم اني اسئلك خشوع

الايمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا من يعطي من سأله تحننا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله تفضلا منه وكرما بكرمك الدائم صل على محمد وال محمد وهب لي رحمة واسعة جامعة ابلغ بها خير الدنيا والاخرة اللهم اني استغفرك لما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لكل خير اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صل على محمد وال محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنى فلا شيء دونه فصل على محمد وال محمد وارحمني يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الليلة الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الرياء ولساني من الكذب وعيني من الخيانة فانك تعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ بك من النار يا رب هذا مقام المستغيث بك من النار هذا مقام من يبوء لك بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب الى ربه هذا مقام البائس الفقير هذا مقام الخائف المستجير هذا مقام المحزون المكروب هذا مقام المغموم المهموم هذا مقام الغريب الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام من لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لضعفه مفرجا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار بعد سجودي لك وتعفيري بغير من مني بل لك الحمد والمن والتفضل علي ارحم اي رب اي رب اي رب انقدر بگويد كه نفس تنگ شود ضعفي وقلة حيلتي ورقة جلدي وتبدد

اوصالى وتناثر لحمى وجسمى وجسدى ووحدتى ووحشتى فى
قبرى وجزعى من صغير البلاء اسالك يا رب قرة العين و
الاغتباط يوم الحسرة والندامة بيض وجهى يا رب يوم
تسود فيه الوجوه وامنى من يوم الفزع الاكبر اسالك
البشرى يوم تقلب فيه القلوب والابصار والبشرى عند
فراق الدنيا الحمد لله الذى ارجوه عونا لى فى حيوتى واعده
ذخرا ليوم فاقتى الحمد لله الذى ادعوه ولا ادعو غيره ولو
دعوت غيره لخيب دعائى الحمد لله الذى ارجوه ولا ارجو
غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائى الحمد لله المنعم المفضل
المجمل المفضل ذى الجلال والاكرام ولى كل نعمة وصاحب
كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضى كل حاجة اللهم صل
على محمد وال محمد وارزقنى اليقين وحسن الظن بك و
اثبت رجاءك فى قلبى واقطع رجائى عمن سواك حتى لا
ارجو غيرك ولا اثق الا بك يا لطيفا لما يشاء الطف لى
فى جميع احوالى بما تحب وترضى يا رب انى ضعيف على النار
فلا تعذبنى بالنار يا رب ارحم دعائى وتضرعى وخوفى
وذلى ومسكنتى وتعويذى وتلويذى يا رب انى ضعيف
عن طلب الدنيا وانت واسع كريم اسئلك يا رب
بقوتك على ذلك وبقدرتك عليه وغناك عنه وحاجتى
اليه ان ترزقنى فى عامى هذا وشهرى هذا ويومى هذا
وساعتى هذه رزقا تغنينى به عن تكلف ما فى ايدى الناس
من رزقك الحلال الطيب اى رب منك اطلب واليك
ارغب واياك ارجو وانت اهل ذلك لا ارجو غيرك و

لا اثق

لا اثق الا بك يا ارحم الراحمين اى رب انى ظلمت نفسى
فاغفر لى وارحمنى وعافنى يا سامع كل صوت ويا جامع
كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه
الظلمات ولا تشتبه عليه الاصوات ولا يشغله شئ
عن شئ اعط محمدا صلى الله عليه واله افضل ما سئلك و
افضل ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الى يوم القيمة
وهب لى العافية حتى تهنئنى المعيشة واختم لى بخير حتى
لا تضرنى الذنوب اللهم رضنى بما قسمت لى حتى لا اسئل
احدا شيئا اللهم صل على محمد وال محمد وافتح لى خزائن رحمتك
وارحمنى رحمة لا تعذبنى بعدها ابدا فى الدنيا والاخرة
وارزقنى من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا لا تفقرنى
الى احد بعده سواك تزيدنى بذلك شكرا واليك فاقة
وفقرا وبك عمن سواك غنى وتعففا يا محسن يا مجمل يا منعم
يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وال محمد واكفنى
المهم كله واقض لى بالحسنى وبارك لى فى جميع امورى
واقض لى جميع حوائجى اللهم يسر لى ما اخاف تعسيره فان
تيسير ما اخاف تعسيره عليك سهل يسير وسهل لى ما اخاف
حزونته ونفس عنى ما اخاف ضيقه وكف عنى ما اخاف
همه واصرف عنى ما اخاف بليته يا ارحم الراحمين اللهم
املا قلبى حبا لك وخشية منك وتصديقا لك وايمانا بك
وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام اللهم ان
لك على حقوقا فتصدق بها على وللناس قبلى تبعات فتحملها
عنى وقد اوجبت لكل ضيف قرى فاجعل قراى الليلة الجنة

يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة الا بك

دعای دیگر در بحر وشهور است بدعای داود بن علی علیه السلام وآن چهل اسم است بعدد ایام توبه

سبحانك لا اله الا انت يا رب كل شئ ووارثه ١ يا اله الالهة الرفيع جلاله ٢ يا الله المحمود في كل فعاله ٣ يا رحمن كل شئ وراحمه ٤ يا حي حين لا حي في ديمومة ملكه وبقائه ٥ يا قيوم فلا يفوت شيئا علمه ولا يؤوده ٦ يا واحد الباقي اول كل شئ وآخره ٧ يا دائم بغير فناء ولا زوال لملكه ٨ يا صمد في غير شبه ولا شئ كمثله ٩ يا بار ولا شئ كفوه ولا امد الى لوصفه ١٠ يا كبير انت الذي لا تهتدي القلوب لعظمته ١١ يا بارئ المنشئ بلا مثال خلا من غيره ١٢ يا زاكي الطاهر من كل آفة بقدسه ١٣ يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله ١٤ يا نقي من كل جور ولم يرضه ولم يخالطه فعاله ١٥ يا حنان الذي وسعت كل شئ رحمته ١٦ يا منان ذا الاحسان قد عم الخلائق منه ١٧ يا ديان العباد فكل يقوم خاضعا لرهبته ١٨ يا خالق من في السموات والارضين وكل اليه معاده ١٩ يا رحمن كل صريخ ومكروب وغياثه ومعاذه ٢٠ يا بار فلا تصف الالسن كنه جلال عزه وعزمه ٢١ يا مبدئ البدايا من لم يبتغ في انشائها اعوانا من خلقه ٢٢ يا علام الغيوب فلا يؤوده من شئ حفظه ٢٣ يا معيدا اذا افنا اذا برز الخلائق لدعوته من مخافته ٢٤ يا حليما ذا الاناة فلا شئ يعدله من خلقه ٢٥ يا محمود الفعال ذا المن على جميع خلقه بلطفه ٢٦ يا عزيز المنيع الغالب على امره فلا شئ يعدله ٢٧ يا قاهر ذا البطش الشديد انت الذي لا يطاق

انتقامه

انتقامه ٢٨ يا متعالي القريب في علو ارتفاع دنوه ٢٩ يا جبار المذلل كل شئ بقهر عزيز سلطانه ٣٠ يا نور كل شئ انت الذي فلق الظلمات نوره ٣١ يا قدوس الطاهر من كل سوء ولا شئ يعدله ٣٢ يا قريب المجيب المتعالي دون كل شئ قربه ٣٣ يا عالي الشامخ في السماء فوق كل شئ علو ارتفاعه ٣٤ يا بديع البدايع ومعيدها بعد فنائها بقدرته ٣٥ يا جليل المتكبر على كل شئ فالعدل امره والصدق وعده ٣٦ يا مجيد فلا تبلغ الاوهام كل شانه ومجده ٣٧ يا كريم العفو العدل انت الذي ملا كل شئ عدله ٣٨ يا عظيم ذا الثناء الفاخر والعز والكبرياء فلا يذل عزه ٣٩ يا عجيب فلا تنطق الالسن بكل آلائه وثنائه اسئلك يا معتمدي عند كل كربة وغياثي عند كل شدة بهذه الاسماء امانا من عقوبات الدنيا والاخرة واسئلك ان تصرف عني بهن كل سوء ومخوف ومحذور وتصرف عني ابصار الظلمة المريدين بي السوء الذي نهيت عنه من شر ما يضمرون الى خير ما لا يملكون ولا يملكه غيرك يا كريم اللهم لا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيظفروا بي ولا تخيبني وانا ارجوك ولا تعذبني وانا ادعوك اللهم اني ادعوك كما امرتني فاجبني كما وعدتني اللهم اجعل خير عمري ما ولي اجلي اللهم لا تغير جسدي ولا ترسل حظي ولا تسوء صديقي واعوذ بك من سقم مضرع وفقر مدقع ومن الذل وبئس الخل اللهم سل قلبي عن كل شئ لا اتزوده اليك ولا انتفع به يوم القاك من حلال او حرام ثم اعطني قوة عليه وعزا

وقناعةً ومقتاً له ورضاك فيه يا ارحم الراحمين اللهم لك
الحمد على عطاياك الجزيلة ولك الحمد على منك المتواترة
التي بها دافعت عني مكاره الامور وبها اتيتني مواهب السرور
مع تمادي في الغفلة وما بقي فيّ من القسوة فلا يمنعك
ذلك من فعلي ان عفوت عني وسترت ذلك علي وسوغتني
ما في يدي من نعمتك وتابعت علي من احسانك وصفحت لي
عن قبيح ما افضيت به اليك وانتهكته من معاصيك اللهم
اني اسئلك بكل اسم هو لك بحق عليك فيه اجابة الدعاء
اذا دعيت به واسئلك بكل ذي حق عليك وبحقك على جميع
من هو دونك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وعلى آله و
من ارادني بسوءٍ فخذ بسمعه وبصره ومن بين يديه ومن
خلفه وعن يمينه وعن شماله وامنعه عني بحولك وقوتك
يا من ليس معه رب يدعى ويا من ليس فوقه خالق يخشى و
يا من ليس دونه اله يتقى ويا من ليس له وزير يؤتى ويا من
ليس له حاجب يرشى ويا من ليس له بواب ينادى ويا من لا
يزداد على كثرة العطاء الا كرماً وجوداً وعلى تتابع
الذنوب الا مغفرةً وعفواً صل على محمد وآل محمد وافعل
بي ما انت اهله انك اهل التقوى واهل المغفرة اللهم
هذا الدعاء ومنك الاجابة وهذا الجهد وعليك التكلان
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم شرافت مقدم در
اعمال مختصه شبها و روزهای مخصوصه این ماه مبارکست
بدانکه شب پانزدهم اینماه از لیالی متبرکه و غسل و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام دران مستحب است و در حدیث

معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب نصف
ماه مبارک رمضان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در
هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند نمیرد
تا در خواب ببیند ملکی چند را که ایمن کرد اند او را از جهنم
و بشارت دهند او را ببهشت و در حدیث معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت
نماز بکند یعنی هر دو رکعت نماز بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی
ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او شر ضرر دشمنان
از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را
ببهشت بشارت دهند و سی ملک که او را ایمن کرد اند از جهنم
شب هفدهم اینماه نیز شب بسیار مبارکیست و غسل و عبادت
دران شب فضیلت عظیم دارد و روز هفدهم روزیست که در آن
روز جهاد بدر واقع شد و ملئکه بامر خدای تعالی نصرت پیغمبر
و لشکر اسلام نموده اند و سنت است درین روز تصدق کردن
و کسی که درین روز روزه دارد و این دعا بخواند اللهم اهدني
فيه لصالح الاعمال واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من
لا يحتاج الى التفسير والسؤال يا عالماً بما في صدور العالمين شاهد
کیرد خدای تعالی ملئکه را باینکه آمرزیدم این بنده را هر چند
قطاع الطریق و راهزن باشد و از جمله اعمال شبهای قدر است
بدانکه خلاف بسیار است در آنکه شب قدر کدام شب است و علمای

شیعهٔ امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم
و بیست و [illegible] ماه مبارک بیرون نیست و بسیاری از احادیث
معتبره دلالت میکند بر آنکه از این سه شب بیرون نباشد و در
بعضی احادیث معتبره تعیین خصوص شب بیست و سیم شده و از
بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدر اند و در شب اول
تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادت بعضی تغییر
یابد و در شب سیم حتم میشود و تغییر نمی یابد یا بسیار کم تغییر می یابد
پس باید هر مؤمن و مؤمنه این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت
و دعا کند تا فضیلت شب قدر را دریابد خصوصا شب بیست و سیم
را و فواید احیا و عبادت در شب قدر بسیار است از آنجمله آنکه
چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن مجید زیاده از ثواب
عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر
میفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند
و صحت و عزت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود
اصلاح احوال تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و
ممکنست که نام او در دیوان اشقیا نوشته باشد در این شب تغییر
یابد و در زمرهٔ سعادتمندان نوشته شود چنانکه این مضمون در
اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است و در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که احیا
کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارهای
آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد اما عمل این سه شب
بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دویم آنکه مخصوص
است بهر شبی از این سه شب **اما اعمال مشترکه این سه شب** از حضرت رسول

صلی

صلی الله علیه و آله منقول است که هر که در شب قدر دو رکعت نماز
بجا آورد و در هر رکعت بعد از الحمد هفت مرتبه قل هو الله احد
بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و
اتوب الیه بگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر
و مادرش را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او
بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی بهشت که درختها
از برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای
او جاری کرده اند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید
و غسل در این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها را مقارن
غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و
مستحب است در این شبها که قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید
و این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و ما
فیه و فیه اسمک الاکبر و اسماؤک الحسنی و ما یخاف و یرجی
ان تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة
پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله برآورده
است و این دعا از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است
که مصحف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید اللهم بحق هذا القرآن
و بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک
علیهم فلا احد اعرف بحقک منک بک پس ده مرتبه بگوید
یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه بعلی و ده مرتبه بفاطمة
و ده مرتبه بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی بن الحسین
و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه
بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه بمحمد بن

علی و ده مرتبه بعلی بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و ده مرتبه
بالحجة پس هر حاجت که داری بطلب و زیارت حضرت امام حسین
علیه السلام در هر یک از این سه شب مستحب است خصوصا شب
بیست و سیم و زیارت نامه آنحضرت در این سه شب اینست
السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر
المؤمنین السلام علیک یا ابن الصدیقة الطاهرة فاطمة
سیدة نساء العالمین السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله
ورحمة الله وبرکاته اشهد انک قد اقمت الصلوة واتیت
الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وتلوت الکتاب
حق تلاوته وجاهدت فی الله حق جهاده وصبرت علی الاذی
فی جنبه محتسبا حتی اتاک الیقین اشهد ان الذین خالفوک
وحاربوک والذین خذلوک والذین قتلوک ملعونون علی
لسان النبی صلی الله علیه واله وقد خاب من افتری لعن
الله الظالمین لکم من الاولین والاخرین وضاعف علیهم
العذاب الالیم اتیتک یا مولای یا ابن رسول الله زائرا قبرک
عارفا بحقک موالیا لاولیائک معادیا لاعدائک مستبصرا
بالهدی الذی انت علیه عارفا بضلالة من خالفک فاشفع
لی عند ربک و در هر یک از این سه شب خصوصا شب بیست و
سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت بعد از حمد سوره توحید بخواند و در بعضی از روایات
معتبره وارد شده است که بهفت مرتبه یا بپنج مرتبه یا سه مرتبه
یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار
در فضیلت این صد رکعت وارد شده و باید این صد رکعت

غیر نافله

غیر نافله شب باشد و اگر ضعفی باشد نشسته هم میتوان کرد و بهترین
اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت
خود است و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن زنده و
مرده و اذکار و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم
اجمعین مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده که دعای جوشن
کبیر را در هر یک از این سه شب بخواند **ادعیه و اعمال مستحبه**

مختصه

این سه شب **شب نوزدهم** بعد از اعمال مشترکه از غسل و غیره
صد مرتبه بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه
بگوید اللهم العن قتلة امیر المؤمنین و این دعا بخواند اللهم
اجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر
الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان
تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم
المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی و
تقدر لی ان تطیل عمری وتوسع علی رزقی وتقدر لی فی جمیع
اموری ما هو خیر لی فی دنیای واخرتی یا ارحم الراحمین پس
حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید **شب بیست و یکم** فضیلت
این شب زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه را همه
باید بعمل آورد و دعای مشترکه و مخصوصه این شب که در ضمن دعای
دهه آخر مذکور میشود باید خواند و کسی که در این شب هشت رکعت
نماز کند و بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و هر سوره که خواهد
بگشاید برای او درهای آسمانها را تا هر دعا که کند مستجاب گردد
شب بیست و سیم در آن شب دو غسل سنت است یکی در اول شب
و یکی در آخر شب و اعمال مشترکه و مخصوصه این شب را که در ضمن

دهه آخر مذکور میشود باید خواند و ایضاً این دعا را باید خواند
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی من اوفر عبادک نصیباً
من کل خیر انزلته فی هذه اللیلة و انت منزله من نور تهدی
به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضر
تکشفه و اکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین
استوجبوا منک الثواب و امنوا برضاک عنهم العقاب یا کریم
صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا یا ارحم الراحمین
و در لفظ کذا و کذا مطالب خود را بخواهد و نیز بخواند این دعا را
اللهم مد لی فی عمری و اوسع لی فی رزقی و اصح جسمی و
بلغنی املی و ان کنت من الاشقیاء فاکتبنی من السعداء
فانک تمحوا ما تشاء و تثبت و عندک ام الکتاب اللهم ایاک
تعمدت بحاجتی فی هذه اللیلة و بک انزلت فقری و مسکنتی
لتسعنی اللیلة برحمتک و عفوک و انا لرحمتک ارجی منی
لعملی و لمغفرتک اوسع من ذنوبی فاقض لی حاجة هی لی صلاح
و لک رضا بقدرتک علی ذلک و تیسیره علیک فانی لم اصب
خیراً قط الا منک و لم یصرف عنی احد سوءاً قط غیرک و
لیس رجائی لدینی و دنیای و آخرتی و لا لیوم فقری و فاقتی
و یوم ادلی فی حفرتی و تفرد بی الناس بعملی غیرک یا ارحم
الراحمین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار بار سوره قدر بخواند
هر آینه صبح کند با یقین و اعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها
درین شب بسبب آنچه در خواب بر بیند و سوره حم دخان را نیز
سنت است که درین شب بخواند و سنت است درین شب خواندن

سوره

سوره روم و عنکبوت و مرویست از حضرت صادق علیه السلام
که فرمود کسی که بخواند درین شب این دو سوره را والله که او از اهل
بهشت و نمیگویم که خواسته ام صالح باشد یا طالح بلکه هر که
بخواند از اهل بهشت و نمیترسم باین قسمی که درین قول خوردم
چه این دو سوره را نزد خدای تعالی منزلت عظیمست و نیز هر
مقداری از قرآن که ممکن باشد درین شب بخواند و دعاهای
صحیفه کامله را بخواند خصوصاً دعای مکارم را و دعای توبه
و روزهای این شبها را نیز حرمت میباید داشت و بعبادت
و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده
که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و
چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم
نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل در آن
وارد شده و منقولست که خدای عز و جل درین شب دفع میکند
بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه
رمضان پس عطا میکند بایشان نوری در گوشها و دیدهای
ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده
و منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام درین شب
مکرر این دعا را میخواندند از اول شب تا آخر شب اللهم ارزقنی
التجافی عن دار الغرور و الانابة الی دار الخلود و الاستعداد
للموت قبل حلول الفوت اللهم انی اسئلک و اقسم علیک بکل
اسم هو لک سمیت به احداً من خلقک او استأثرت به فی
علم الغیب عندک و اسئلک باسمک الاعظم الذی حق علیک
ان تجیب من دعاک به ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تسعدنی

فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ سَعادَةً لا اَشْقیٰ بَعْدَها اَبَدًا یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده و همچنین در
شب آخر نیز غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السّلم سنّتست
و دعای وداع ماه مبارک نیز در شب آخر سنّتست برای اظهار
آنکه روزه و عبادت این ماه بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان
او بودیم و از مفارقت آن محزونیم و اگر دعای وداع را در روز
آخر بخواند خوبست و در حدیث وارد شده است که اگر آخر ماه
مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطًا سنّتست خواندن
دعای وداع و دعاهای وداع بسیار است و بهترین همه دعای
صحیفهٔ کامله است و از جمله اعمال دعای وداع جمعهٔ آخر است از
جابر بن عبد الله انصاری مرویست که گفت در جمعهٔ آخر ماه رمضان
بخدمت حضرت رسالت پناه مشرف شدم چون آنحضرت مرا دید
فرمود یا جابر جمعهٔ آخر رمضان است وداع کن او را و بگو اَللّٰهُمَّ
لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامِنا اِیّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنی
مَرْحُومًا وَ لا تَجْعَلْنی مَحْرُومًا هر کسی که بگوید این را ادراک
میکند یکی از دو نیکوئی را یا آنکه میرسد برمضان دیگر یا آنکه
میرسد بمغفرت و رحمت خدای تعالی یعنی اگر اجل موعود او را
این سال باشد آمرزیده شده از دنیا میرود و از جمله دعائیست
که در جمعهٔ آخر ماه مبارک هرگاه کسی بنویسد و با خود دارد
از هر مکروه و مرض در آن سال در امان خدای تعالی خواهد بود
ان شاء الله تعالی منقول از دعوات میرداماد رحمه الله و باید
که بسطر واحد نوشته شود بعضی گفته اند که وقت نوشتن وقتی است
که خطیب خطبه میخواند بشرطی که کاتب نماز ظهر را کرده مشغول

نوشتن شود و بعضی گفته اند که در آخر روز جمعهٔ مذکور باید نوشته
شود و ظاهرا هر دو خوب باشد و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ
لا آلاءَ اِلّا آلاؤُكَ یا الله محیط به علمك لـ ع س م لا و ن
بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناك الّا رحمة للعالمین
سحح مصور بوجه حیث شئت فانك منصورا با تراب ابا تراب
ابا تراب و باید که دو لفظ سحح و مصور را نقطه نگذارند و شکمهای
حروف نیز گشاده باشد و بعضی گفته اند بعد از بسمله بنویسد و لو
ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
بل لله الامر جمیعا ه ۱۱۱ امم ☐ ۱۱۱۱ ه ق بسند معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هر که در شب آخر رمضان این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیامی شَهْرَ رَمَضانَ وَ اَعُوذُ بِكَ
مِنْ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلّا وَ قَدْ غَفَرْتَ لی حق تعالی
او را پیش از صبح بیامرزد و توبه و انابت او را کرامت فرماید و از
جمله چیزها که سنّت است در شب آخر هر کس را که مقدور و ممکن
شود آزاد کردن بنده است زیرا که شبی است که حق تعالی بندهٔ بسیار
از آتش جهنم آزاد میکرداند هرگاه بندهٔ ضعیف فرومایه بنده از
قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی‌زوال بآن
وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد کند و نام او را از جراید عاصیان
محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلم
بندهائی که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم
در شب آخر ماه رمضان آزاد میکرد و میفرمود که شما ها را آزاد
کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا
از عذاب جهنم آزاد کرداند و چون روز عید میشد جایزها

عظیم بایشان می بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال
کردن از مردم و میکفت که حق تعالی در هر شب ماه رمضان در
هنگام افطار هزار هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب
جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده
است آزاد میکند و حضرت هیچ غلامی و کنیزی را زیاده از
یکسال خدمت نفرمود و در روز عرفه نیز در عرفات بندهای
خود را آزاد میفرمود و در روایتی وارد شده که سنت است که
در شب آخر سورهٔ انعام و کهف و یس بخوانند و صد مرتبه
استغفر الله و اتوب الیه دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که آنحضرت در هر شب از شبهای دههٔ آخر این دعا را
میخواندند اللهم انک قلت فی کتابک شهر رمضان الذی
انزل فیه القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان
فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه القرآن و خصصته
بلیلة القدر و جعلتها خیرا من الف شهر اللهم و هذه ایام
شهر رمضان قد انقضت و لیالیه قد تصرمت و قد صرت یا
الهی منه الی ما انت اعلم به منی و احصی لعدده من الخلق
اجمعین فاسئلک بما سئلک به ملئکتک المقربون و انبیاؤک
المرسلون و عبادک الصالحون ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تفک رقبتی من النار و تدخلنی الجنة برحمتک و ان
تتفضل علی بالامن یوم الخوف من کل هول اعددته
لیوم القیمة الهی و اعوذ بوجهک الکریم و بجلالک العظیم
ان ینقضی ایام شهر رمضان و لیالیه و لک قبلی تبعة او ذنب

تواخذنی

تواخذنی به او خطیئة ترید ان تقتصها منی لم تغفرها لی
سیدی سیدی سیدی اسئلک یا لا اله الا انت اذ لا اله
الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر فازدد عنی رضا
و ان لم تکن رضیت عنی فمن الآن فارض عنی یا ارحم الراحمین
یا الله یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا
احد و بسیار میخواند یا ملین الحدید لداود علیه السلام
یا کاشف الضر و الکرب العظام عن ایوب علیه السلام ای
مفرج هم یعقوب علیه السلام ای منفس غم یوسف علیه
السلام صل علی محمد و آل محمد کما انت اهله ان تصلی علی
محمد و آل محمد کما انت اهله ان تصلی علیهم اجمعین
و افعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی ما انا اهله و بسند
معتبر دیگر از آنحضرت علیه السلام منقولست که در هر شب
دههٔ آخر این دعا بخوانند اعوذ بجلال وجهک الکریم ان
ینقضی عنی شهر رمضان او ان یطلع الفجر من لیلتی هذه و
بقی لک عندی تبعة او ذنب تعذبنی علیه یوم القاک
و بسندهای معتبر در هر شب از دههٔ آخر دعاهای مخصوص
از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است و بر مطالب
دنیا و آخرت مشتملست دعای شب بیست و یکم یا مولج اللیل فی
النهار و مولج النهار فی اللیل و مخرج الحی من المیت و
مخرج المیت من الحی و رازق من یشاء بغیر حساب یا الله
یا رحمن یا رحیم یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی
و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء اسئلک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة

في السعداء وروحي مع الشهداء واحسانی في عليين و
اسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد صلواتك
عليهم **شب بیست و دوم** یا سالخ النهار من الليل فاذا نحن مظلمون
ومجري الشمس لمستقرها بتقديرك يا عزيز يا عليم ومقدر القمر
منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل
رغبة وولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس يا
ماجد يا واحد يا فرد يا الله يا الله يا الله تا آخر دعای شب
اول **شب بیست و سوم** یا رب ليلة القدر وجاعلها خيراً من
الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم
والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان
يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع يا الله يا
الله يا الله تا آخر دعا **شب بیست و چهارم** یا فالق الاصباح و
جاعل الليل سكناً والشمس والقمر حسباناً يا عزيز يا عليم
يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام
يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد
يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء
الحسنى تا آخر **شب بیست و پنجم** یا جاعل الليل لباساً والنهار
معاشاً والارض مهاداً والجبال اوتاداً يا الله يا قاهر يا
الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا مجيب يا الله

يا الله يا الله تا آخر **شب بیست و ششم** یا جاعل الليل والنهار
آيتين يا من محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة لتبتغوا
فضلاً منه ورضواناً يا مفصل كل شيء تفصيلاً يا ماجد يا
وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله تا آخر **شب
بیست و هفتم** یا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساكناً
وجعلت الشمس عليه دليلاً ثم قبضته اليك قبضاً يسيراً
يا ذا الجود والطول والكبرياء والآلاء لا اله الا انت
عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت
يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر
يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله تا آخر
شب بیست و هشتم یا خازن الليل في الهواء وخازن النور في
السماء ومانع السماء ان تقع على الارض الا باذنه وحابسهما
ان تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا باعث
من في القبور يا الله يا الله يا الله تا آخر **شب بیست و نهم**
يا مكور الليل على النهار ومكور النهار على الليل يا عليم يا
حكيم يا الله يا رب الارباب وسيد السادات لا اله الا
انت يا اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله تا
آخر **شب سی ام** الحمد لله لا شريك له الحمد لله كما
ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وكما هو اهله يا قدوس
يا نور القدس يا سبوح يا منتهى التسبيح يا رحمن يا فاعل
الرحمة يا الله يا عليم يا كبير يا الله يا لطيف يا جليل يا
الله يا سميع يا بصير يا الله يا الله يا الله تا آخر **فصل ششم**
در اعمال ماه شوال شب اول اینماه که شب عید فطر است از

جمله لیالی اربع مذکور شد اما عمل روز اول ماه که روز عید
فطر است غسل سنت و وقتش از طلوع صبح است تا وقت نماز
عید و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که غسل را در زیر سقف بکن و در زیر آسمان مکن
و پیش از غسل بگو اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع
سنة نبیک صلی الله علیه و آله پس بسم الله بگو و غسل بکن
و چون فارغ شوی بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی
و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و سنت است درین روز
جامه پاکیزه پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و بعد از طلوع آفتاب
با سکینه و وقار بنماز عید بیرون رفتن و نماز عید واجبست در
زمان حضور امام علیه السلام یا حضور نایبی که امام تعیین کرده
باشد و در زمان غیبت امام علیه السلام اکثر علما سنت میدانند
و بجماعت کردنرا نیز سنت میدانند و میگویند تنها میتوان کرد
و بهتر آنست که این نماز را سوای مکه در صحرا کنند بر روی خاک
نه بر بالای فرش و اگر صحرا رفتن ممکن نشود در جائی که مسقف
نباشد و الا در مساجد و چون متوجه نماز عید شود سنت است
که این دعا بخواند اللهم من تعبا و تهیا و اعد و استعد
تا آخر دعا که در اعمال روز جمعه مذکور است و سنت است که
پا برهنه و ذکر گویان بمصلی روند و نماز عید دو رکعت است
در رکعت اول بعد از حمد سوره سبح اسم بخواند و بعد از قرائت
و پیش از رکوع پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند
و بعد از قنوت پنجم تکبیر بگوید و برکوع رود و در رکعت دوم
بعد از حمد سوره و الشمس و ضحیها بخواند و بعد از قرائت و پیش

از رکوع

از رکوع چهار تکبیر بگوید و در هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد
از قنوت چهارم برکوع رود و در قنوت نماز عید این دعا بخواند
اللهم انت اهل الکبریاء و العظمة و اهل الجود و
الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة
اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و
لمحمد صلواتک علیه و آله ذخرا و مزیدا ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و
آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد
صلواتک علیه و علیهم اللهم اسئلک خیر ما سئلک به
عبادک الصالحون و اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک
المخلصون و اگر کسی این دعا را نداند آنچه در قنوت نمازهای دیگر
میخواند بخواند و هر گاه بجماعت کند پیشنماز دو خطبه بعد از
نماز میخواند و چون از نماز فارغ شود تسبیح حضرت فاطمه علیها
السلام کند و هر دعا که خواهد بکند و دعای بسیار وارد
شده که بعد از نماز عید باید خواند و بهترین دعاها دعای روز
فطر صحیفه کامله است و سنت است درین روز زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام و ثواب بسیار دارد و زیارتنامه این
روزها آنست که در شب قدر مذکور شد **در بیان زکوة فطره** بدانکه
زکوة فطره واجب مؤکد است و ترکش با تحقق شرایط وجوب
گناه کبیره است و شرط قبولی روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة
فطر است چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا
که هر که روزه بدارد و زکوة فطره ندهد روزه او مقبول نیست هر گاه

عمداً ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد
نمازش مقبول نیست و بدانکه زکوة فطر بر مال نابالغ و دیوانه
واجب نمیشود و واجب است بر هر که بالغ و عاقل و آزاد باشد
و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطر
ایشانرا بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنا بر مشهور مگر آنکه
در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب
فطره توانگری شرط است و آن موافق مشهور آنست که قوت سالیانه
خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا به معیشت
او و عیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زیاده بر قوت
خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجبست و اظهر
آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک فطره را با عیال خود دست
بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره
را مییابند و باید که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که
واجب النفقه او باشد بشرط آنکه عیال دیگری نباشد در شب
فطر و اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجبست و همچنین
باید فطر بدهد از هر کس که در خانه او باشد از مهمان و غیر آن
هر چند که روزه نگرفته باشد و خواه مسلمان باشد و خواه ذمی
که آخر روز ماه مبارک پیش از شام در آنخانه باشد و افطار
کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست
بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او
نکند احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری به
مستحق بدهند قربة الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد و اما نفقه
و کسوه او را دهد و در خانه دیگری باشد زکوة او بر معطی نیست

وهمچنین

و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از برای همسایها طعامی
بفرستند یا فقیری را چیزی بدهد یا شخصی در ماه مهمان باشد
و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام افطار کرده
بخانه او آید یا چیزی نخورده بعد از شام بیاید زکوة فطر بر او
واجب نیست و احوط آنست که در صورت اخیر هر دو بدهند
بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت
بیرون کردن فطره موافق مشهور شام شب عید است تا ظهر روز
عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب
عید جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح عید جدا
کند نیز خوبست و اگر بعد از نماز در آن روز یا در روز دیگر جدا کند
برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصوری ندارد و
اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا
و قضا نکند و اگر روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و قصد
خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضا
فطره بر من واجب باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر
و مادر و جد و جده و فرزند و فرزند زادگان هرگاه فقیر باشد
نفقه ایشان بر او واجبست پس اگر نفقه او را خورند فطره بر وی است
و اگر عیال شخصی دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری
نیز نباشند اشهر و احوط آنست که او فطره ایشانرا بدهد و
اگر غیر بالغ پیش از هلال شوال بالغ شود یا کافر مسلمان شود یا
مجنون عاقل گردد یا فقیر غنی شود یا شخصی صاحب مملوک شود
یا طفل متولد شود واجبست بر او زکوة فطره و اگر وقوع بعد از
هلال شود پس اگر پیش از نماز عید باشد سنت است و الا سنت

نیز نیست و همچنین اگر بنده کسبی کرده باشد پیش از هلال مردن یا عیال
کردن دیگری او را معلوم نباشد زکوة فطره او نیز واجب است بر
مالک **اما جنس زکوة فطره** مشهور آنست که هر چه قوت غالب او
باشد میتواند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز
یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و در حدیث است
که اگر یکصاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از آنکه یک
صاع طلا بدهم **اما قدر زکوة فطره** از هر شخصی یکصاع باید داد و
صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن تبریز و چهارده مثقال
و ربع مثقال است و احوط آنست که یکمن نیم تبریز بدهند که
نهصد مثقال است و نهایت احتیاط آنست که دو من تبریز بدهند
و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته
باشد و سائل بکف نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسوق نباشد
و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه السلم
بمجتهد جامع الشرایط بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف
را او بهتر میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط
آنست که فقیر را کمتر از فطره یکشخص ندهند و فطره چند شخص را
بیک کس میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و
بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن بهمسایگان
پریشان و بعد از آن بکسانی که صالحتر و پریشانتر باشند و فطره
غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید را بسید و غیر سید
هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید
در اول روز افطار کند و سنت است که بخرما افطار کند
فصل هفتم در اعمال ماه ذی القعده بدانکه اول ماههای

حرام

حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و آنها ذو القعده
و ذو الحجه و محرم و رجب است و شیخ مفید رحمه الله و غیر او از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که هر که در یکی از ماههای
حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد
سال عبادت برای او نوشته شود و روز یکشنبه اول این ماه
عمل خاصی دارد و آن چنانست که باید غسل کند و چهار رکعت
نماز کند بخواند در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله سه بار و هر
یک از معوذتین را یکبار و بعد از سلام هفتاد بار استغفار کند
و بعد از آن بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا
عزیز یا غفار اغفر لی ذنوبی و ذنوب جمیع المؤمنین و المؤمنات
فانه لا یغفر الذنوب الا انت مرویست از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله کسی که این عمل کند ندا آید که ای فلان عمل
از سر گیر که توبه تو مقبول و گناهت مغفور است و ندای دیگر آید از
زیر عرش که راضی گرداند خدای تعالی خصمان ترا و باز ندا آید
که با ایمان بمیری و دین بسلامت بری و قبر تو فراخ و نورانی گردد
و باز ندا آید که والدین تو از تو راضی گردند و امرزیدم ترا و ذریت
ترا و در هر دو دنیا فراخ روزی گردیدی آنکه جبرئیل ندا کند که
من در وقت مردن با ملک الموت نزد تو می آیم تا مرگ بر تو آسان
شود گفتند یا رسول الله در غیر این ماه نیز این عمل میتوان کرد
فرمود که هر وقت کسی که این عمل کند همین ثواب دارد **روز یازدهم**
این ماه مولود حضرت امام رضا علیه السلام است و روزه این
روز کفاره شصت ساله گناهان میشود و زیارت آنحضرت
در این روز سنت و برابر است با ثواب هزار حج و در زیارت آنحضرت

فضیلت بسیار هست و در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که در شب پانزدهم ذی القعده حق تعالی بسوی
بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسی که آنشب را بعبادت بسر
آرد ثواب صد عابد با و عطا کند که در یک چشم زدن معصیت
نکرده باشند و چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت و نماز
و حاجات خود را از خدای تعالی طلب کن که هر حاجت که طلب
کنی مستجاب میشود و عمل شب و روز بیست و پنجم اینماه که دحو
الارض است در طی اعمال ایام اربعه مذکور شد **فصل هشتم**
در اعمال ماه ذی حجة الحرام و آن مشتمل بر چهار توفیق است
توفیق اول در اعمال دههٔ اول اینماه بدانکه دههٔ اول اینماه در
نهایت فضل و برکتند و ایام معلومات که حق تعالی در قرآن فرموده
عبارتست از دههٔ اول اینماه و ایام معدودات عبارتست از
ایام تشریق که آن سه روز بعد از عید است و مرویست که میقات
موسی علیه السلام در ذو القعده بود پس تمام کرد آنرا خدای
تعالی در دههٔ اول ذی حجه و از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی
محبوب تر نیست از ده روز اول ذی الحجه و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که پدر بزرگوارم امام محمد باقر
علیه السلام بمن گفت ای فرزند البته در هر شب از دههٔ اول ذی
الحجه دو رکعت نماز بجای آور در میان نماز شام و خفتن و در
هر رکعت یکبار سورهٔ حمد و سورهٔ توحید و این آیه را بخوان
وَ واعَدْنا مُوسىٰ ثَلاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقاتُ رَبِّهِ
أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قالَ مُوسىٰ لِأَخِيهِ هارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ

أَصْلِحْ وَ لا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با حاجیان در
ثواب شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول اینماه روز
مبارکیست و بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که هر که روز اول ماه ذی الحجه روزه بدارد حق تعالی
برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و ایضاً از حضرت امام
موسی علیه السلام منقولست که هر که نه روز اول ذی الحجه را روزه
بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او را برای او بنویسد و
در روز اول اینماه بود که تزویج کرد حضرت رسول صلی الله علیه
و آله حضرت فاطمه را بعلی بن ابی طالب علیه السلام و سنت است
درین روز نماز حضرت فاطمه را کردن چنانچه مذکور شد در باب
اول و بروایت دیگر در روز ششم اینماه تزویج آنحضرت واقع
شد پس احتیاط در روز اول و ششم هر دو نماز آنحضرت را
باید کرد و بدانکه روزه قضای ماه رمضان را درین نه روز اول
میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت
دارد و در بعضی از روایات وارد شده که مستحب است که روز اول
نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجای آورد در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده
مرتبه سورهٔ قدر بخواند و در روایت دیگر وارد شده که هر که از
ظالمی ترسد و در روز اول اینماه بگوید حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي
مِنْ سُؤالِي عِلْمُكَ بِحالِي حق تعالی کفایت شر آن ظالم را از او
بکند و سنت است که در شب دویم اینماه چهار رکعت نماز کنند
و بخوانند در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید پنجاه بار و
تسبیحات اربع ده بار مرویست که کسی که بکند این نماز را ایام مرزد

خدا گناهان او را اگرچه بعدد ریگ بیابان و برگ درختان باشد
روز هشتم از ماه روز ترویه است مرویست که روزهٔ این روز
کفارهٔ یکساله گناهان میشود و ابن فهد حلی و سید ابن طاوس
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند که هر که در
هر روز از دههٔ اول ذی‌حجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق
تعالی عطا کند او را بهر تهلیل درجه در بهشت از مروارید
و یاقوت و از میان هر درجه تا درجهٔ دیگر صد سال راه باشد
برفتار سواری تندرفتار و در هر درجه شهری باشد و در آن
شهر قصری از یک جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن
شهرها انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها
و حوریان و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها
بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون
از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت
نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و پس و چپ و
راست او روند تا او را بدر بهشت رسانند و چون داخل بهشت
شوند او را مقدم دارند و ملائکه از پیش او روند تا آنکه بشهری
برسند که بیرونش از یاقوت سرخ و اندرونش از زبرجد سبز
باشد و آن شهر هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده باشد
پس باو گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید
نه و شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامی
که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن
هست از نعمتهای الهی یک ثواب تست برخواندن آن تهلیلها
و بشارت باد ترا بهترین ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی

خواهی بود در دار السلام و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع
نمیگردد و تهلیلات اینست لا اله الا الله عدد اللیالی و
الدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله
ورحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک والشجر
لا اله الا الله عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد
الحجر والمدر لا اله الا الله عدد القطر والمطر لا اله الا
الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس
والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری
والصخور لا اله الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور
ابوحمزه ثمالی روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام از اول
دههٔ ذی‌حجه تا شب عید بعد از نماز صبح و پیش از نماز مغرب این
دعا میخواندند اللهم هذه الایام التی فضلتها علی الایام
وشرفتها قد بلغتنیها بمنک ورحمتک فانزل علینا فیها من
برکاتک واوسع علینا فیها من نعمائک اللهم انی اسئلک
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تهدینا فیها لسبیل الهدی و
العفاف والغنی والعمل فیها بما تحب وترضی اللهم انی
اسئلک یا موضع کل شکوی ویا سامع کل نجوی ویا شاهد
کل ملاء ویا عالم کل خفیة ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تکشف عنی فیها البلاء وتستجیب لنا فیها الدعاء وتقوینا
فیها وتعیننا وتوفقنا فیها لما تحب ربنا وترضی وعلی ما
افترضت علینا من طاعتک وطاعة رسولک واهل ولایتک
اللهم انی اسئلک یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و
آل محمد وان تهب لنا فیها الرضا انک سمیع الدعاء ولا

تحرمنا خیر ما تنزل فیها من السماء وطهرنا من الذنوب یا
علام الغیوب واوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد
وال محمد ولا تترک لنا فیها ذنبا الا غفرته ولا هما الا
فرجته ولا دینا الا قضیته ولا غائبا الا ادیته ولا
حاجة من حوائج الدنیا والاخرة الا سهلتها ویسرتها
انک علی کل شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم
العبرات یا مجیب الدعوات یا رب الارضین والسموات یا
من لا تتشابه علیه الاصوات صل علی محمد وال محمد
واجعلنا فیها من عتقائک وطلقائک من النار الفائزین
بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد
واله اجمعین وسلم تسلیما نوع دویم در اعمال روز عرفه
وآن روز نهم ذی حجه است وروز بسیار مبارکیست واز حضرت
رسول صلی الله علیه واله منقولست که در شب عرفه دعا مستجاب
است وکسی که آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد وهفتاد
سال عبادت دارد وآن شب مناجات با قاضی الحاجات است
وهر که در آن شب توبه کند توبه اش مقبول است وبهترین اعمال
درین روز دعاست حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر
وعصر در اول وقت ونافله واذان عصر ساقط میشود وبعد از
نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام ودعا از برای برادران
مؤمن زنده ومرده بسیار باید کرد چنانکه در حدیث صحیح منقول
است که ابرهیم بن هاشم گفت که من عبد الله بن جندب را دیدم
در موقف عرفات وحال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستها
را بسوی آسمان بلند کرده بود وآب دیده اش بر روی جاری بود

وتا برهمین بهر سید چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را
بهتر از وقوف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر
برای برادران مؤمن خود زیرا که از حضرت موسی بن جعفر شنیدم
که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیبت او از عرش
ندا رسد باو که از برای تو صد هزار برابر آن باد پس نخواستم که دست
بردارم از صد هزار برابر دعاء ملک که البته مستجابست برای
یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه واگر کسی توفیق
یابد که در روز عرفه نزد قبه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلم
باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است
چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز عرفه
بزیارت آنحضرت برود وحق او را اشناسد واو را امام واجب الاطاعة
داند بنویسد حق تعالی از برای او ثواب دو هزار حج ودو هزار عمره
مقبول ودو هزار جهاد که با پیغمبر مرسلی باشد یا امام عادلی راوی
گفت کجاست ثواب وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی
او نظر کرد وفرمود بدرستی که بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر
آنحضرت حاضر شود ودر نهر فرات غسل کند ومتوجه زیارت شود
هر گام که برمیدارد ثواب یک حج وعمره برای او مینویسند ودر
روایت دیگر فرموده که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی
زوار حضرت امام حسین علیه السلام میکند وگناهان ایشان را
می آمرزد وحاجات ایشان را بر می آورد وبعد از آن متوجه اهل
عرفات میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرام زاده وفرزند
زنا نیست ودر میان اهل عرفات هست وکسی که توفیق هیچیک از
اینها نیافته باشد باید که در سایر بلاد غسل کند ودر مجمع

مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام بلندی یا
صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام
ذکر و دعا کنند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت
صادق علیه السلام منقولست و زیارت نامهٔ آنحضرت در روز عرفه
اینست اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُوسٰی کَلیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
وارِثَ عیسٰی رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ
فاطِمَةَ الزَّهْراءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ خَدیجَةَ الْکُبْرٰی اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ
اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَیْتَ الزَّکٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ
الْمُنْکَرِ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّٰی اَتٰیکَ الْیَقینُ فَلَعَنَ اللهُ
اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِکَ
فَرَضِیَتْ بِهِ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ اُشْهِدُ اللهَ وَمَلٰئِکَتَهُ
وَاَنْبِیاءَهُ وَرُسُلَهُ اَنّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرایِعِ دینی
وَخَواتیمِ عَمَلی وَقَلْبی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ وَاَمْری لِاَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ صَلَواتُ
اللهِ عَلَیْکُمْ وَعَلٰی اَرْواحِکُمْ وَاَجْسادِکُمْ وَعَلٰی شاهِدِکُمْ وَ
غائِبِکُمْ وَظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ خاتَمِ النَّبِیّینَ
وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ وَابْنَ اِمامِ الْمُتَّقینَ وَابْنَ قائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ
اِلٰی جَنّاتِ النَّعیمِ وَکَیْفَ لا تَکُونُ کَذٰلِکَ وَاَنْتَ بابُ الْهُدٰی وَ
اِمامُ التُّقٰی وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقٰی وَالْحُجَّةُ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیا خامِسُ
اَهْلِ الْکِساءِ غَذَّتْکَ یَدُ الرَّحْمَةِ وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْیِ الْاِیمانِ وَ

ربیت

رُبّیتَ فی حِجْرِ الْاِسْلامِ فَالنَّفْسُ غَیْرُ راضِیَةٍ بِفِراقِکَ وَلا شاکَّةٍ فی
حَیٰوتِکَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیْکَ وَعَلٰی آبائِکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَریعَ
الْعَبْرَةِ السّاکِبَةِ وَقَرینَ الْمُصیبَةِ الرّاتِبَةِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً
اسْتَحَلَّتْ مِنْکَ الْمَحارِمَ فَقُتِلْتَ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ مَقْهُوراً وَاَصْبَحَ
رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ مَوْتُوراً وَاَصْبَحَ کِتابُ اللهِ بِفَقْدِکَ
مَهْجُوراً اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلٰی جَدِّکَ وَاَبیکَ وَاُمِّکَ وَاَخیکَ
وَعَلَی الْمَلٰئِکَةِ الْحافّینَ بِقَبْرِکَ وَالْمُسْتَشْهَدینَ مَعَکَ وَالشّاهِدینَ
لِزُوّارِکَ الْمُؤْمِنینَ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ
بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصیبَةُ
بِکَ عَلَیْنا وَعَلٰی جَمیعِ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ
قَصَدْتُ حَرَمَکَ وَاَتَیْتُ مَشْهَدَکَ اَسْئَلُ اللهَ بِالشَّأْنِ الَّذی
لَکَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذی لَکَ لَدَیْهِ اَنْ یُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ وَکَرَمِهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ و احادیث
در باب روزهٔ روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث
باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن
ضعیف نکرداند سنت است و الا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است
و در روایتی واقع شده که روزهٔ عرفه برابر است با روزه یکسال
و اگر اشتباه در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود روزه
نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا
آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار

کند بخطاهای خود فایز کردد بثواب اهل عرفات وکناهان کذشته وآینده اش امرزیده کردد وشیخ مفید رحمه الله این نماز را بعد از عصر ذکر کرده وکفته است این نماز مخصوص جمعیست که در اطراف باشند ودر عرفات نباشند ودر حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه قل هو الله وصد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند ودر روایت دیکر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی وصد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله وصد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد بکوید پس مشغول دعا شود وبهترین دعاها دعای صحیفه کامله است از را با خضوع وخشوع وتانی ورقت بخواند که مشتملست بر جمیع مطالب دنیا واخرت وشیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام کفت میخواهی تعلیم کنم ترا دعای روز عرفه را وان دعای پیغمبران پیش از من است میکوئی لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لك الحمد کالذی تقول وخیرا مما نقول وفوق ما یقول القائلون اللهم لك صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی ولك براءتی وبك حولی ومنك قوتی اللهم انی اعوذ بك من الفقر ومن وساوس الصدر ومن شتات الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسئلك خیر الریاح واعوذ بك من شر ما تجیء به الریاح و

اسئلك

اسئلك خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم لی النور یا رب یوم القاك انك علی کل شیء قدیر وازن حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که این دعا را در روز عرفه بخوانید اللهم کما سترت علی ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمك فلیسعنی عفوك وکما بدأتنی بالاحسان فاتم نعمتك بالغفران وکما اکرمتنی بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وکما عرفتنی وحدانیتك فاکرمنی بطاعتك وکما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتك فاغفر لی ما لو شئت عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال والاکرام واز حضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقولست اللهم انی عبدك وابن عبدك ان تعذبنی فبامور قد سلفت منی وانا بین یدیك برمتی وان تعف عنی فاهل العفو انت یا اهل العفو یا احق من عفی اغفر لی ولاخوانی

توضیح سیم در اعمال روز عید اضحی وایام تشریق یعنی یازدهم ودوازدهم وسیزدهم اینماه وعمل شب عید در ضمن لیالی اربع در باب نهم مذکور شد اما عمل روز عید غسل در ان سنت مؤکد است وبعضی واجب دانسته اند وبهتر انست که پیش از نماز غسل کند ونماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام سنت مؤکد است ونمازش بکیفیتی است که در عید فطر مذکور شد ودعای پیش از رفتن بنماز عید اللهم من تهیأ وتعبأ است که در اعمال روز جمعه مذکور شد ومستحب است درین روز خواندن

دعای یوم الاضحی از صحیفهٔ کامله و سنت است در این روز جامهٔ
پاکیزه و فاخر پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و بعد از نماز عید
اول افطار بگوشت قربانی کردن و از جملهٔ احکام این عید قربانیست
و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت
بر آن داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
اضحیه واجبست بر هر مسلمان و فرمود که از برای خود البته بکن
و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه
زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که با حضرت
عرض کرد که عید اضحی می آید و من ثمن اضحیه ندارم آیا قرض کنم
و اضحیه نمایم حضرت فرمود که قرض کن که خدا آن قرض را ادا میکند
و بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم
نیز میتوان کشت و بهتر آنست که در دههٔ ذی الحجه خریده باشد و مکروه
است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و میباید
شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی
نمیتوان کرد و اگر شتر باشد میباید پنجسال تمام باشد یا زیاده
و اگر گاو یا بز باشد میباید یکسالش تمام باشد و داخل در سال
دوم باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند
باشد شش ماهه کافیست و اگر هفت ماهه باشد بهتر است و
میباید نقصی در اعضایش نباشد و کور یک چشم یا هر دو چشم
نباشد و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر او دشوار باشد و گوشش
بریده نباشد و اگر شق شده و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر
شاخ دار باشد شاخش شکسته نباشد و بهتر آنست که بیمار و بسیار
پیر نباشد و سنت است که فربه باشد و بسیار لاغر و خصی نباشد

وسنت است

وسنت است که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند
یا بز باشد نر باشد و سنت است که خود بکشد و اگر نتواند دست بر
روی دست قصاب بگذارد و مددی بکند و طریق کشتن آنست
که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد و غیره در گودال
پایین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجب
است که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا
ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو دستش را از سر پا تا زانو بریسمانی
بر یکدیگر بپیچد و آنکه نحر کند و باید که نحر کننده در جانب راست
شتر بایستد و حربه را در موضع نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند
یا بز باشد باید بدستوری که متعارفست رو بقبله بخواباند و نام
خدا ببرد و چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ
بزرگ که در دو جانب حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است
که آب و علف از آن رگ بجوف آن میرود و اگر اینها را نحر کند
حرام میشود و سنت است که دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه بسند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون قربانی را
بگیری روی آنرا بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو وَجَّهْتُ وَجْهِیَ
لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ
اِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا
شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ
بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی و فرمود که تا نمیرد سرش
را جدا مکن و چون پوست بکند سنت است که یک حصه را خود و
اهل خانه اش بخورند و یک حصه را برای همسایگان بهدیه بفرستند
و یک حصه را بفقرا و سؤال کنندگان بدهد و اگر اکثر را تصدق

کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اجزای حلال
آنرا تصدق کند و خود صرف نکند و بقصاب ندهد مگر آنکه قصاب
پریشان باشد و بتصدق باو بدهد و اگر گوسفند یافت نشود سنت
است که قیمت و سطش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و
عیال خود بکشد کافیست و اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال
خود بکشد نیز کافیست و اگر بعدد عیال بکشد بهتر خواهد بود
و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی
کردن خوبست و اگر از برای حضرت رسول و ائمه طاهرین صلوات
الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که
خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من
و در دویم فرمودند خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است
از امت من و حضرت امیر المؤمنین هر سال یک گوسفند قربانی
میکرد و میفرمود خداوندا این از پیغمبر تست پس یک گوسفند
دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی باشند که هر یک به تنهائی
یک قربانی کنند جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر
دیگر حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات
یعنی در روز چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقولست
که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب
پانزده نماز بگوید که اولش نماز ظهر روز عید است و آخرش
نماز صبح روز سیزدهم و در سایر بلاد عقیب ده نماز که از ظهر
روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحبابست و
بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یک مرتبه است و

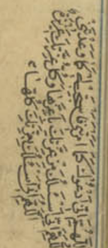
اکر

اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست
و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح اینست الله اکبر الله اکبر
لا اله الا الله و الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما
هدانا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام و الحمد لله
علی ما ابلانا **توفیق چهارم** در عمل روز مباهله بدانکه میان
علما خلافست در آنکه آن کدام روز است اشهر و اقوی آنست
که روز بیست و چهارم ذی حجه است و آن روزیست که آیه وافی
هدایه قل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم جهت اظهار روز در شان
آل عبا عز نزول یافت و روزیست که حقیقت این دین مبین بر
اهل عالم اظهر من الشمس گردید و اهل کتاب و صاحبان شریعت
و نصارای نجران که اعظم ترسای عرب بودند عاجز و ذلیل گردیده
قبول جزیه کردند و روزیست که آن پنج سرور و شفیعان روز محشر
یعنی حضرت پیغمبر و حیدر صفدر و فاطمه زهرا و حسنین
صلوات الله علیهم اجمعین مسمی بآل عبا شدند و فضیلت این
روز را و قصه چگونگی مباهله را چون این مختصر گنجایش نداشت
لهذا اختصار نمود و از جمله اموری که در این روز واقع شده و
موجب مزید فضل آن گردیده آنست که حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشیده آیه کریمه
انما ولیکم الله در شان آنحضرت نزول یافت و آن یکی از
دلایل واضحه و براهین ساطعه است بر امامت آنحضرت اما
عمل در این غسل سنت است و زیارت حضرت امیر المؤمنین
را در این روز ذکر کرده اند و روزه این روز مستحب است و تاسی
بمولای خود کردن در تصدق بر فقرا مطلوبست و اعمال این روز

مبارک بسیار است از انجمله شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده است که در این روز قبل از زوال به نیم ساعت
دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد
از حمد هر یک از سوره توحید و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون
و سوره قدر را ده بار بخواند و اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا
برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که از
حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته بر آورده
میشود هر چند عظیم باشد ان شاء الله تعالی **و از جمله** اعمال
این روز خواندن دعائیست که شیخ طوسی و سید ابن طاوس به
سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند
و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت
کرده است که آنحضرت فرمود که اگر بگویم که در این دعا اسم اعظم
حق تعالی هست هر اینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که
این دعا در اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که باشد سعی
نمایند در تحصیل آن هر چند که باید قتال نمایند و مرا هر حاجتی
که عارض میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را
میطلبم البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه
مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل نازل شد به
حضرت رسالت و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون
رو و وصی خود علی بن ابی طالب و سیدة النساء فاطمه زهرا
و دو نور دیده خود حسن و حسین را علیهم السلام با خود ببر و
این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن
پس حضرت صادق علیه السلام گفت هر گاه این دعا را بخواند

جهد

جهد و سعی کند در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گرداند
در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد از سفیهان و منافقان
پنهان دارید و بایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزون است
و هر کس قابل این که هر کس نمایه نیست **دعا اینست** اللهم انی
اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی
اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جلالک باجله
و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله
اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل
اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی ادعوک کما
امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من عظمتک
باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک
بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره و کل
نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی
اسئلک من رحمتک باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم
انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی ادعوک کما امرتنی
فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله
و کل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم
انی اسئلک من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة
اللهم انی اسئلک بکلماتک کلها اللهم انی اسئلک
من اسمائک باکبرها و کل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک
باسمائک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک بامضاها
و کل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها
اللهم انی اسئلک بقدرتک التی استطلت بها علی کل شیء



وكل قدرتك مستطيلة اللهم انى اسئلك بقدرتك كلها
اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم
انى اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم انى
اسئلك بعلمك كله اللهم انى اسئلك من قولك بارضاه
وكل قولك رضى اللهم انى اسئلك بقولك كله اللهم
انى اسئلك من مسائلك باحبها وكل مسائلك حبيبة
اللهم انى اسئلك بمسائلك كلها اللهم انى ادعوك كما
امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم انى اسئلك من شرفك
باشرفه وكل شرفك شريف اللهم انى اسئلك بشرفك كله
اللهم انى اسئلك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم
اللهم انى اسئلك بسلطانك كله اللهم انى اسئلك
من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم انى اسئلك بملكك
كله اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى
اللهم انى اسئلك من علائك باعلاه وكل علائك عال
اللهم انى اسئلك بعلائك كله اللهم انى اسئلك من
اياتك باعجبها وكل اياتك عجيبة اللهم انى اسئلك
باياتك كلها اللهم انى اسئلك من منك باقدمه وكل
منك قديم اللهم انى اسئلك بمنك كله اللهم انى ادعوك
كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم انى اسئلك بما
انت فيه من الشئون والجبروت اللهم انى اسئلك بكل شأن
وكل جبروت اللهم انى اسئلك بما تجيبنى به حين اسئلك
يا الله يا لا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا انت يا
لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا

انت

انت اسئلك بلا اله الا انت اللهم انى ادعوك كما امرتنى
فاستجب لى كما وعدتنى اللهم انى اسئلك من رزقك باعمه
وكل رزقك عام اللهم انى اسئلك برزقك كله
اللهم انى اسئلك من عطائك باهناه وكل عطائك هنئ
اللهم انى اسئلك بعطائك كله اللهم انى اسئلك من
خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم انى اسئلك
بخيرك كله اللهم انى اسئلك من فضلك بافضله وكل
فضلك فاضل اللهم انى اسئلك بفضلك كله اللهم
انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى
اللهم صل على محمد وال محمد وابعثنى على الايمان بك و
التصديق برسولك عليه واله السلام والولاية لعلى بن
ابى طالب والبراءة من عدوه والايتمام بالائمة من ال
محمد عليهم السلام فانى رضيت بذلك يا رب اللهم صل على
محمد عبدك ورسولك فى الاولين وصل على محمد فى الاخرين
وصل على محمد فى الملا الاعلى وصل على محمد فى المرسلين
اللهم اعط محمدا الوسيلة والشرف والفضيلة والدرجة
الكبيرة اللهم صل على محمد وال محمد وقنعنى بما رزقتنى
وبارك لى فيما اتيتنى واحفظنى فى غيبتى وفى كل غائب هو
لى اللهم صل على محمد وال محمد وابعثنى على الايمان بك و
التصديق برسولك اللهم صل على محمد وال محمد واسئلك
خير الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر الشر سخطك
والنار اللهم صل على محمد وال محمد واحفظنى من كل مصيبة
ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل بلاء ومن كل شر

ومن كل مكروه ومن كل امر نزلت او تنزل من السماء الى الارض
فى هذه الساعة وفى هذه الليلة وفى هذا اليوم وفى هذا
الشهر وفى هذه السنة اللهم صل على محمد وال محمد
واقسم لى من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة
ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة
ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل سعة
نزلت او تنزل من السماء الى الارض فى هذه الساعة وفى
هذه الليلة وفى هذا اليوم وفى هذا الشهر وفى هذه السنة
اللهم ان كانت ذنوبى قد اخلقت وجهى عندك وحالت
بينى وبينك وغيرت حالى عندك فانى اسئلك بنور وجهك
الذى لا يطفى وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك
على المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلى على محمد
وال محمد وان تغفر لى ما مضى من ذنوبى وان تعصمنى فيما بقى
من عمرى واعوذ بك اللهم ان اعود فى شىء من معاصيك
ابدا ما ابقيتنى حتى تتوفانى وانا لك مطيع وانت عنى راض
وان تختم لى عملى باحسنه وتجعل لى ثوابه الجنة وان
تفعل بى ما انت اهله يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة
صل على محمد واله وارحمنى برحمتك يا ارحم الراحمين
واز جملهٔ اعمال انست كه شيخ طوسى وديگران بسند معتبر از حضرت
موسى بن جعفر عليهما السلام روايت كرده اند كه روز مباهله
روز بيست وچهارم ذى حجه است در ان روز دوازده ركعت نماز
بكن بشش سلام ودر قراءت بعد از حمد هر سوره كه خواهى بخوان
ودر ميان هر دو ركعت هفتاد بار استغفار كن وچون از نماز

فارغ شوى برخيز وايستاده شو ونظر بموضع سجود افكن وبگو الحمد
لله رب العالمين الحمد لله فاطر السموات والارض الحمد لله
الذى له ما فى السموات وما فى الارض الحمد لله الذى خلق
السموات والارض وجعل الظلمات والنور الحمد لله الذى
عرفنى ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياى لكنت هالكا
اذ قال وقوله الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى
القربى فبين لى القرابة فقال سبحانه انما يريد الله ليذهب
عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا فبين لى اهل
البيت بعد القرابة ثم قال مبينا عن الصادقين الذين امرنا
بالكون معهم والرد اليهم بقوله سبحانه يا ايها الذين
امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين فاوضح عنهم وابان عن
صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم
ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل
لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث
هديتنى وارشدتنى حتى لم يخف على الاهل والبيت والقرابة
فعرفتنى نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم انى اتقرب
اليك بذلك المقام الذى لا يكون اعظم منه فضلا للمؤمنين
ولا اكثر رحمة لهم بتعريفك اياهم شانه وابانتك
فضل اهله الذين بهم ادحضت باطل اعدائك وثبت بهم
قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود الذى انقذتنا
به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل بيت نبيك الصادقين
عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومداينس الافعال لخصم
اهل الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل اولى

العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على نعمائك واياديك
اللهم فصل على محمد وال محمد الذين افترضت علينا طاعتهم
وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا
باتباع اثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فاعنا
على الاخذ بما بصروناه واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما
نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالتك واخطر بنفسه
في اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه والهادي الى دينه
والقيم بسنته علي امير المؤمنين وصل على الائمة من ابنائه
الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم
دار كرامتك يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء
والعباء يوم المباهلة اجعلهم شفعاءنا اسئلك بحق ذلك
المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب علي انك
انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم وطينتهم
واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها واغصانها واوراقها
اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا
والاخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال يوم
القيمة بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا اثارهم و
اهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك و
وقفونا عليه من تعظيم شانك وتقديس اسمائك وشكر
الائك ونفي الصفات ان تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم
ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على
توحيدك وهداة تنبه على امرك وتهدي الى دينك و
توضح ما اشكل على عبادك وبابا للمعجزات التي يعجز عنها

غيرك

غيرك وبها تبين حجتك وتدعوا الى تعظيم السفير بينك وبين
خلقك وانت المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك
واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك واورثتهم غوامض
تاويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك
وعلما بما تنطوي عليه ضماير امنائك وما يكون من شان
صفوتك وطهرتهم في منشاهم ومبتدئهم وحرستهم من نفث
نافث اليهم واريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا
لامرك وشغلوا انفسهم بطاعتك وملؤا اجزاءهم من ذكرك
وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم فيما يرضيك و
اخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت
قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب لامرك ونهيك
والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم
من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك و
انزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم
والاستنباط منهم اللهم انا قد تمسكنا بكتابك وبعترة
نبيك صلوات الله عليهم الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما و
امرتنا باتباعهم اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم
حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم
فاجعلنا من الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لايامهم
الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب
لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب امين رب العالمين
اللهم صل على محمد وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين و
قبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين

فحبهم الروح الامین وباهل الله بهم المباهلین فقال وهو
اصدق القائلین فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم
فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءنا ونساءکم
وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی
الکاذبین ذلک الامام المخصوص بمواخاته یوم الاخاء و
المؤثر بالقوت بعد ضر الطوی ومن شکر الله سعیه فی هل
اتی ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه
مولی الانام ومکسر الاصنام ومن لم تأخذه فی الله لومة لائم
صلی الله علیه ما طلعت شمس النهار واورقت الاشجار
وعلی النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذریته

در روز بیست و پنجم این ماه مشهور آنست که در این روز سوره هل اتی
در شان آل عبا نازل شده پس مناسب است که شیعیان در این روز
تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و
سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید ره گفته است که این
روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سوره هل اتی در شان
اهل کسا و ایضا غسل و زیارت ائمه در این روز مناسب است
خصوصا خواندن زیارت جامعه و چون زیارات جامعه اکثر
طولانی است از برای اختصار اکتفا باین زیارت جامعه مختصره
میشود السلام علی اولیاء الله واصفیائه السلام علی امناء
الله واحبائه السلام علی انصار الله وخلفائه السلام
علی محال معرفة الله السلام علی معادن حکمة الله السلام
علی مساکن ذکر الله السلام علی عباد الله المکرمین
الذین لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون السلام علی

مظاهر

مظاهر امر الله ونهیه السلام علی الادلاء علی الله السلام
علی المستقرین فی مرضات الله السلام علی الممحصین فی طاعة
الله السلام علی الذین من والاهم فقد والی الله ومن عاداهم
فقد عادی الله ومن عرفهم فقد عرف الله ومن جهلهم فقد
جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن تخلی منهم
فقد تخلی من الله اشهد الله انی حرب لمن حاربکم سلم لمن
سالمکم مؤمن بما آمنتم به کافر بما کفرتم به محقق
لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن بسرکم وعلانیتکم
مفوض فی ذلک کله الیکم لعن الله عدوکم من الجن و
الانس وضاعف علیهم العذاب الالیم و عمل روز آخر این ماه
در عمل سال عربی مذکور شد

فصل نهم

در اعمال ماه محرم
الحرام بدانکه چون حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه در
دهم این ماه بسعادت شهادت فایز گردید و در اکثر دهه اول این
ماه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید
که شیعیان در مجموع این ده روز بلوازم تعزیه آنحضرت قیام
نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار و احادیث مشتمل
بر ذکر مصائب ایشان بخوانند **اما اعمال این ماه** از انجمله عمل روز
اول در طی عمل سال عربی مذکور شد و سنت است روزه ایام
ده روز عاشورا و چون روز عاشورا شود امساک کند تا عصر
آنگاه بتربت حضرت امام حسین علیه السلام افطار نماید و
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که یکروزه محرم
برابر است با روزه سی روز و نیز از آنحضرت مرویست که فرمود
بهترین نمازها که غیر فریضه باشد نمازیست که در دل شب کند

وبهترین روزه که غیر رمضان باشد روزهٔ شهر الله است که از محرم
گویند و حضرت صادق علیه السلام فرمود کسی را که ممکن باشد
روزهٔ محرم حفظ میکند انروزه او را از هر گناه و از حضرت امام
رضا علیه السلام منقولست که در روز اول حضرت زکریا دعا
کرد و از خدا فرزند طلبید حق تعالی دعای او را مستجاب کرد
و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه دارد
و دعا کند حق تعالی دعای او را مستجاب کرداند چنانچه دعای
زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید رحمه الله گفته است که روز سیم
محرم روز مبارکیست در این روز حضرت یوسف علیه السلام از چاه
بیرون آمد هر که این روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب
را براو آسان کرداند و غمهای او را زایل کند و بهتر آنست که روز
نهم و دهم را روزه ندارند زیرا که بنی امیه این دو روز را برای
برکت و شماتت روزه میداشتند و احادیث بسیار از طریق
اهل بیت علیهم السلام در مذمت روزه این دو روز خصوصا
روز عاشورا وارد شده و ایضا بنی امیه لعنهم الله از برای برکت
آذوقهٔ سال را در روز عاشورا در خانهای خود ذخیره میکرده‌اند
لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ترک
کند سعی در حوایج خود را در روز عاشورا وپی کاری نرود
حق تعالی حوایج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز عاشورا
را روز مصیبت و اندوه و گریه خود کند حق تعالی روز
قیامت را روز فرح و سرور او کرداند و دیده اش در بهشت بما
روشن کرده و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای خود
در این روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را براو مبارک نکرداند

و در روز قیامت با یزید و عبید الله زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه
محشور کردد پس باید که روز عاشورا کسی مشغول کاری از کارهای
دنیا نکردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل
خانهٔ خود را که تعزیهٔ آنحضرت بدارند و مشغول ماتم باشند
چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در
این روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد و نیت
روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند مگر آنکه در
خصوص این روز روزهٔ واجبی داشته باشند که بنذر براو واجب
باشد روزه گرفتن و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند
باین وضع که اللهم العن قتلة الحسین و در روایتی وارد
از حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا هزار
مرتبه قل هو الله احد بخواند حق تعالی نظر رحمت بسوی او
کند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند
و شب عاشورا را نیز باید احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای
تأسی بحضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او که در آن شب
در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران و خارجیان
بیحیا تا صبح احیا کردند و عبادت و تهیهٔ سعادت شهادت میکردند
و در کتاب اقبال از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست
که کسی که احیا دارد شب عاشورا را چنان باشد که عبادت جمیع
ملئکه را کرده باشد و اجر عبادت هفتاد ساله یابد **و بسند**
صحیح مرویست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که
فرمود کسی که در شب عاشورا صد رکعت نماز کند بخواند در هر
رکعت الحمد یکبار و قل هو الله سه بار و چون فارغ شود هفتاد

بازبگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بپوشاند خدای تعالی
قبر او را از مشک و داخل سازد بر قبر او هر روز نوری تا روز
قیامت و مهیا سازد برای او صد خوان از نعمتهای بهشت که
یکی از آنها بس باشد کل اهل عالم را و هیچکس نیست که ببرد
در قبر موهای او مگر کسی که این نماز را کرده باشد و هیچکس
نیست که با موی سفید محشور نگردد مگر کسی که این نماز را کرده
باشد بعد از آن فرمود که قسم بآنکسی که جان من در قبضه قدرت
اوست کسی که این نماز کند باشد او در قبر مانند عروس در حجله
یعنی تا روز حشر خوشحال و مسرور باشد و در روز حشر روانه
حشر گردد مانند عروسی که بحجله داماد رود و در روایت دیگر
آنست که بعد از نماز هفتاد بار تسبیحات مذکور را و هفتاد بار
استغفر الله و هفتاد بار صلی الله علی محمد و آل محمد بگوید
و در روایت دیگر بجای هفتاد بار صد بار واقعست اعمال زیارت
و فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب عاشورا
نزد قبر مطهر آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در
روز قیامت محشور گردد بخون آلوده و بهیأت شهداء کربلا در
میان ایشان و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند آن
حضرت را چنان باشد که پیش آنحضرت شهید شده باشد و
بسند صحیح از آنحضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین
علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند بهشت او را واجب
گردد و علقمة بن محمد حضرمی روایت کند از حضرت امام محمد باقر

علیه السلام که هر کس زیارت کند امام حسین را صلوات الله
علیه در روز عاشورا با گریه و اندوه ثواب الهی برسد بثواب دو
هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه و ثواب هر حج و عمره و غزوه
مثل ثواب آنکس باشد که حج و عمره کرده باشد و غزا کرده باشد
با حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه انام علیهم السلام
و چون خواهد که زیارت کند بایستد نزد قبر آنحضرت اگر نزدیک
باشد و اگر دور باشد وضو کرده دو رکعت نماز کند و بعد از
سلام بایستد و رو کند بمشهد آنحضرت و آن بر جانب چپ قبله
واقعست در این دیار و نیت کند که ازور سیدی و مولای الحسین
علیه السلام من البعد عنی وعن والدی و اخوانی و اخواتی
وعن جمیع المؤمنین والمؤمنات لندبها قربة الی الله و وقت
این زیارت قبل از زوالست و بعد از آنکه نیت کرده باشد این
کلمات بخواند که السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک
یا ابن رسول الله السلام علیک یا حسین بن علی السلام
علیک یا ابن امیر المؤمنین و ابن سید الوصیین السلام علیک
یا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ثار الله
و ابن ثاره و الوتر الموتور السلام علیک و علی الارواح التی
حلت بفنائک و اناخت برحلک علیکم منی جمیعا سلام الله
ابدا ما بقیت و بقی اللیل والنهار یا ابا عبد الله لقد
عظمت الرزیة وجلت و عظمت المصیبة بک علینا و علی
جمیع اهل الاسلام وجلت و عظمت مصیبتک فی السموات
علی جمیع اهل السموات فلعن الله امة قتلتک و لعن الله امة
ظلمتک و لعن الله امة اسست اساس الظلم والجور علیکم

اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم
عن مراتبكم التى رتبكم الله فيها ولعن الله امة قتلتكم و
لعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله
واليكم منهم ومن اشياعهم واتباعهم واوليائهم يا
اباعبدالله انى سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم الى
يوم القيمة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله بنى
امية قاطبة ولعن الله بن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد
ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت وتنقبت
وتهيأت لقتالك بابى انت وامى لقد عظم مصابى بك فاسئل
الله الذى اكرم مقامك واكرمنى بك ان يرزقنى طلب
ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد صلى الله
عليه وآله اللهم اجعلنى عندك وجيها بالحسين عليه السلم
فى الدنيا والآخرة يا اباعبدالله انى اتقرب الى الله و
الى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة والى الحسن و
اليك بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب
وبالبراءة ممن اسس اساس ذلك وبنى عليه بنيانه و
جرى ظلمه وجوره عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله
واليكم منهم واتقرب الى الله واليكم بموالاتكم وبموالاة
وليكم وبالبراءة من اعدائكم والناصبين لكم
الحرب وبالبراءة من اشياعهم واتباعهم انى سلم لمن
سالمكم وحرب لمن حاربكم وولى لمن والاكم وعدو
لمن عاداكم واسئل الله الذى اكرمنى بمعرفتكم وبمعرفة
اوليائكم ورزقنى البراءة من اعدائكم ان يجعلنى معكم

فى الدنيا والآخرة وان يثبت لى عندكم قدم صدق فى
الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغنى المقام المحمود الذى
هو لكم عندالله وان يرزقنى طلب ثاركم مع امام هدى
مهدى ظاهر ناطق بالحق منكم واسئل الله بحقكم وبالشأن
الذى لكم عنده ان يعطينى بمصابى بكم افضل ما يعطى
مصابا بمصيبته مصيبة ما اعظمها واعظم رزيتها فى الاسلام
وفى جميع اهل السموات والارض اللهم اجعلنى فى مقامى
هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل
محياى محيا محمد وآل محمد ومماتى ممات محمد وآل محمد اللهم
ان هذا يوم تبركت به بنوا امية وابن آكلة الاكباد
اللعين بن اللعين على لسان نبيك صلى الله عليه وآله فى كل
موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم
العن اباسفيان ومعوية بن ابى سفيان ويزيد بن معوية عليهم
منك اللعنة ابد الابدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل
مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف عليهم
اللعن منك والعذاب اللهم انى اتقرب اليك فى هذا اليوم
وفى موقفى هذا وايام حيوتى بالبراءة منهم واللعنة عليهم و
بالموالاة لنبيك وآل نبيك عليهم السلام و صد مرتبه بگوید
اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له
على ذلك اللهم العن العصابة التى جاهدت الحسين و
شايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا و صد مرتبه
بگوید السلام عليك يا اباعبدالله وعلى الارواح التى حلت
بفنائك عليك منى سلام الله ما بقيت وبقى الليل والنهار

وَلَاجَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنّي لِزِيَارَتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ
عَلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلىٰ اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ خُصَّ
اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنّي وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلاً ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ
ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ خَامِساً وَالْعَنْ عُبَيْدَ
اللهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَاٰلَ اَبِي
سُفْيَانَ وَاٰلَ زِيَادٍ وَاٰلَ مَرْوَانَ اِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ بعد از آن بسجده
رود و بگوید اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلىٰ مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ عَلىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلٰمُ
يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
فصل دهم در اعمال ماه صفر بدانکه این ماه مشهور است بنحوست
و بدو وجه میتواند داشت اول آنکه موافق قول اکثر علمای امامیه
رحمهم الله وفات حضرت رسالت پناه در این ماه واقع شده است
دویم آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند چون عرب قتال نمیکردند
و در این ماه شروع بقتال میکردند لهذا انحس شمرده اند و در احادیث
معتبره شیعه چیزی که دلالت بر نحوست کند وارد نشده و در
روایات غیر معتبره عامه وارد شده و در اخبار آمده که هر سال
هزار بلا از عالم بالا بر زمین نزول مینماید نهصد و نود و نه در ماه
صفر و یکی در ماههای دیگر هر کس این دعا را در دهه اول این ماه
سیصد و شصت بار که عدد ایام سال است یا سیصد و هفتاد بار
که عدد حروف اسم این ماه است بخواند حق تعالی او را از جمیع بلیات
و آفات صوری و معنوی تا صفر سال دیگر در پناه لطف و کرم
خود نگاه دارد البته و این مجربست اَللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي الْبَلِيَّةَ

وَالْخَطَرَ فِي هٰذَا الشَّهْرِ الصَّفَرِ خَيْرٍ بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ بِحُرْمَةِ نَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْبَشَرِ وَاَئِمَّتِنَا الْمَعْصُومِينَ الْاِثْنَيْ عَشَرَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ
عَلَيْهِمْ اِلىٰ يَوْمِ الْمَحْشَرِ و بسند صحیح مرویست که چون حضرت رسول
صلی الله علیه و آله ماه صفر بدیدی سه مرتبه این کلمات بر
زبان معجز بیان راندی اَللّٰهُمَّ فَرِّجْنَا بِدُخُولِ الصَّفَرِ وَاخْتِمْ لِي
بِالْخَيْرِ وَالظَّفَرِ وَاصْرِفْ شَرَّهُ عَنَّا وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و از جمله ادعیه جهت دفع آفات و
بلیات باید که در هر روز این ماه بخواند يَا شَدِيدَ الْقُوىٰ يَا
شَدِيدَ الْمِحَالِ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ ذَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَمِيعُ
خَلْقِكَ وَاكْفِنِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْمِلُ
يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا
لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَاللهُ خَيْرٌ حَافِظاً
وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَمَا تَوْفِيقِي اِلَّا بِاللهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ
هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و بعد از این دعا شانزده بار بگوید
يَا حَفِيظُ احْفَظْنِي و هفت بار بگوید يَا اَللهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ و هفت
بار بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ روز اول این ماه سر مبارک حضرت امام حسین
علیه السلام را داخل دمشق کردانیدند و این روز عید بنی
امیه است و روز سیم این ماه مولود حضرت امام محمد باقر ع
است و کفعمی در روز اول ماه رجب ذکر کرده است و روز هفتم
این ماه مولود حضرت امام موسی کاظم است علیه السلم و در همین
روز حضرت امام حسن علیه السلام شهید شد و شیخ در
مصباح شهادت آنحضرت را در روز بیست و هشتم این ماه

نقل کرده و سنت است در این روز روزه داشتن و تصدق نمودن
و دو رکعت نماز کردن باین طریق که بخواند در رکعت اول بعد از
حمد سوره انا فتحنا و در رکعت دویم سوره توحید و بعد از سلام
صد بار صلوات بفرستد و صد بار لعنت بر آل ابی سفیان کند
و صد بار استغفار کند پس هر حاجتی که دارد بخواهد و در کتاب
اقبال ابن طاوس این نماز را در روز سیم اینماه نقل کرده روز
هفدهم اینماه حضرت امام رضا علیه السلام در طوس بدرجه
بدرجه شهادت رسیده و روز بیستم اینماه روز اربعین است
و در این روز حرم محترم حضرت امام حسین علیه السلام بمدینه
طیبه داخل شدند چنانچه در مصباح و کفعمی مذکور است یا
وارد کربلا شدند چنانچه در غیر اینها مذکور است و در این روز
جابر بن عبد الله انصاری که از اکابر صحابه حضرت رسول صلعم
است از مدینه طیبه بکربلای معلی آمد و زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام کرد و اول کسی که زیارت آنحضرت نمود جابر
بود و اول روزی که زیارت آنحضرت سنت شد این روز است
و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در کتب معتبره
منقولست که علامت مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از
فریضه و نافله شبانه روز و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
در روز اربعین و انگشتر در دست راست کردن و پیشانی را در
سجده شکر بر خاک گذاشتن و در نماز بسمله را بلند گفتن و بسند
معتبر از صفوان جمال منقولست که گفت مولای من حضرت صادق
علیه السلام بمن گفت در روز اربعین زیارت میکنی در هنگام
که روز بلند شده باشد پس در بلاد بعیده هرگاه خواهی زیارت

کنی وقت چاشت بر مکان مرتفعی یا صحرا برو و دو رکعت نماز زیارت
بکن و بعد از نماز سر بسجده بگذار و بگوی اللهم ان هاتین الرکعتین
هدیة منی الی روح سیدی و مولای ابی عبد الله الحسین
اللهم فبلغهما منی الی روحه واردد علی من روحه التحیة
والثناء اللهم واجرنی علی افضل الجزاء فیک وفی رسولک
وفی ولد رسولک وفی ولیک وفی ولد ولیک یا ولی المؤمنین
پس سر از سجده بردار و روی بجانب کربلا کن و نیت کن بوضعی که در
آداب زیارت روز عاشورا مذکور شد و بگو السلام علی ولی الله
وحبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه السلام علی صفی الله
وابن صفیه السلام علی الحسین الشهید المظلوم السلام علی
اسیر الکربات السلام علی قتیل العبرات السلام انی اشهد
انه ولیک وابن ولیک وصفیک وابن صفیک الفائز
بکرامتک اکرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبیته
بطیب الولادة وجعلته سیدا من السادة وقائدا من
القادة وذائدا من الذادة واعطیته مواریث الانبیاء
وجعلته حجة علی خلقک من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء
ومنح النصح وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة
وحیرة الضلالة وقد توازر علیه من غرته الدنیا وباع
حظه بالارذل الادنی وشری آخرته بالثمن الاوکس و
تغطرس وتردی فی هواه واسخطک واسخط نبیک واطاع
من عبادک اهل الشقاق والنفاق وحملة الاوزار المستوجبین
للنار فجاهدهم فیک صابرا محتسبا حتی سفک فی طاعتک
دمه واستبیح حریمه اللهم فالعنهم لعنا وبیلا وعذبهم

عذابا الیما السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک
یا بن سید الاوصیاء اشهد انک امین الله و ابن امینه
عشت سعیدا و مضیت حمیدا و مت فقیدا مظلوما شهیدا
و انا اشهد ان الله منجز لک ما وعدک و مهلک من خذلک
و معذب من قتلک و اشهد انک وفیت بعهد الله و
جاهدت فی سبیل الله حتی اتاک الیقین فلعن الله من
قتلک و لعن الله من ظلمک و لعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به اللهم انی اشهدک انی ولی لمن والاه و عدو
لمن عاداه بابی انت و امی یا بن رسول الله اشهد انک کنت
نورا فی الاصلاب الشامخة و الارحام الطاهرة لم تنجسک
الجاهلیة بانجاسها و لم تلبسک المدلهمات من ثیابها و اشهد
انک من دعائم الدین و ارکان المؤمنین و معقل المسلمین
و اشهد انک الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی
المهدی و اشهد ان الائمة من ولدک کلمة التقوی و اعلام
الهدی و العروة الوثقی و الحجة علی اهل الدنیا و اشهد
انی بکم مؤمن و بایابکم موقن بشرایع دینی و خواتیم عملی و
قلبی لقلبکم سلم و امری لامرکم متبع و نصرتی لکم
معدة حتی یاذن الله لکم فمعکم معکم لا مع عدوکم
صلوات الله علیکم و علی ارواحکم و اجسادکم و شاهدکم
و غائبکم و ظاهرکم و باطنکم آمین رب العالمین و مشهور
میان علمای امامیه رضوان الله علیهم آنست که وفات حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در روز بیست و هشتم این ماه واقع
شده پس زیارت آنحضرت از دور و نزدیک مناسب است درین

روز

روز و بدانکه میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه
صفر شهرت دارد و در کتب عامه و خاصه چیزی که دلالت برین کند
نیست و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه
آخر هر ماه وارد شده و چون این ماه بنابر اسبابی که مذکور شد
فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سایر
نحوستش بیشتر باشد و اگر درین روز از قبیل احتراز از طیره
استدفاع بلا بتصدقات و ادعیه و استعاذه وارده از ائمه
طاهرین علیهم السلام بکند مناسب است که اگر بلائی متوجه
باشد دفع شود نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند
و بلهو و لعب و سور و سرور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند
که باعث مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی
گردد و مرویست که درین روز چهارشنبه وقت چاشت غسل
کند و این دعا بخواند که دافع یازده هزار بلاست یا با خود دارند
که ایمن گردند انشاء الله تعالی اللهم اصرف عنی شر هذا
الیوم و اعصمنی من شؤمه و اوسع علی برکة واسعة
و جنبنی عما اخاف من نحوساته و کرباته بفضلک و
لطفک یا دافع الشرور یا مالک النشور برحمتک یا ارحم
الراحمین **و ایضا** مرویست که در وقت چاشت این روز دو رکعت
نماز کند بخواند در رکعت اول بعد از فاتحه آیه قل اللهم مالک
الملک تا بغیر حساب و در رکعت دوم بعد از فاتحه آیه قل
انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره کهف و در بعضی رسایل دیده
شده و از جمعی ثقه که بتجربه رسانیده بودند مسموع شده که چون
در روز چهارشنبه آخر صفر قبل از طلوع آفتاب در میان نهر

یا حوض تا سینه بمیان آب بروند در جائی که زیر سقف نباشد
واین دو حرز را بنویسند بوضعی که چشم حروف کشاده و در سطر
واحد و در کاغذ بی سوراخ سفید باشد هر کس که با خود دارد
تفنگ و شمشیر باو کار نکند باذن الله تعالی و باید هر ساله
باین طریق تجدید نمود حرز تفنگ ولهون ولدون اربسون
مشطط مسطط حرز شمشیر یا خفی الالطاف ادرکنی بلطفك
الخفی و در نسخه دیگر که نقل از خط عالم زاهد مولانا محمد مقیم
کاشانی نموده بود و بحافظ حقیقی سوکند یاد کرده بود که مکرر
تجربه نموده باین طریق بود که باید عامل از صاحب اجازه اجازه
داشته باشد پس در روز مذکور از اول روز تا ظهر امساك نماید
چون روزه دارد و در اول روز غسل کند لیکن در حمام نباشد
و بر کاغذ سفید بی سوراخ و اگر پوست آهو باشد بهتر است این
دو حرز را بنویسد و در وقت نوشتن بقراءت آیة الکرسی و دیگر
آیات حفظ مشغول باشد و بعد از ادای نماز صبح دو رکعت
سنت برای نوشتن این دو حرز بگذارد و جزم و یقین داشتن
باثر شرط است **فصل یازدهم** در بیان اعمال ماه ربیع الاول
شب اول این ماه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله از
مکه مشرفه بمدینه منوره هجرت نمود و در آن شب بغار رفت
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان شریف خود را فدای
آنحضرت کرد و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین
مشرکین پروا نکرد و فضل او بر تمام امت بلکه بر جمیع عالمیان
ظاهر گردید و حق تعالی با ملائکه سموات با آنحضرت مباهات
نمود و آیه کریمه ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله

در شأن او نازل گردید و چون حق تعالی آن دو جان مقدس بنیان را
از کید کافران حفظ فرمود گفته اند که روزش را که روز اول این
ماه است مستحب است که برای شکر این نعم عظیمه روزه بدارند
و این روزیست که دعا در این روز مستجاب و تصدق مقبول است
و سبب آمرزش گناهان میشود و سنت است در این روز ضیافت
برادران مؤمن کردن و ایشان را معطر ساختن و وسعت در
معیشت عیال دادن و جامه نو پوشیدن و شکر خدای تعالی و
عبادت او کردن و در این روز دفع هم و غم از مؤمنان شده است
و روز هفدهم این ماه روز مولود با سعادت سرور کائنات صلی
الله علیه و آله و احد ایام اربعه است و اعمال و آداب این روز
مبارك در سعادت اول از باب نهم مذکور شد **فصل
دوازدهم** در بیان اعمال ماه ربیع الآخر است سنت است که
در روز اول این ماه این دعا بخواند اللهم انت اله کل شیء
وخالق کل شیء ورب کل شیء اسئلك بالعروة الوثقى و
الغاية والمنتهى وبما خالفت به بين الانوار والظلمات
والجنة والنار والدنيا والآخرة وباعظم اسمائك في
اللوح المحفوظ وأتم اسمائك في التورية تنزيلاً واظهر اسمائك
في الانجيل قدراً وارفع اسمائك في القرآن ذكراً واعظم
اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها واسر اسمائك في
نفسك الذي ليس كمثله شيء واسئلك بعزتك وقدرتك
وبالعرش وما حمل وبالكرسي الكريم وما وسع ان تصلي
على محمد وآل محمد وتبيح لي من عندك فرجك القريب العظيم
الاعظم اللهم اتم على احسانك القديم الاقدم و

تابع الی معروفک الدائم الادوم وانعشنی بعز جلالک الکریم الاکرم وروز دهم این ماه مولود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است سنت است روزه گرفتن **فصل**

سیزدهم در بیان اعمال ماه جمادی الاول سید ابن طاوس ره از کتب معتبره نقل کرده که در روز اول این ماه مستحب است که این دعا بخوانند اللهم انت الله الکریم وانت الرحمن الرحیم وانت الملک القدوس وانت السلام المؤمن وانت المهیمن وانت العزیز وانت الجبار وانت المتکبر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزیز الحکیم وانت الاول والاخر والظاهر والباطن لک الاسماء الحسنی اسئلک یا رب بحق هذه الاسماء وبحق اسمائک کلها ان تصلی علی محمد وال محمد وآتنا اللهم فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة واختم لنا بالسعادة والشهادة فی سبیلک وعرفنا برکة شهرنا هذا ویمنه وارزقنا خیره واصرف عنا شره واجعلنا فیه من الفائزین وقنا برحمتک عذاب النار یا ارحم الراحمین انک علی کل شیء قدیر وشیخ مفید ره ذکر کرده که در شب پانزدهم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام متولد شده و روزش بغایت روز شریفی است و مستحب است که در این روز روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند **فصل چهاردهم**

در بیان اعمال ماه جمادی الاخر روز اول این ماه ملک بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله نازل شد و سنت است که در این روز این دعا بخوانند اللهم یا الله انت الدائم یا الله انت القائم

یا الله انت الحی القیوم یا الله انت العلی الاعلی یا الله انت المتعال فی علوک اله کل شیء ورب کل شیء وخالق کل شیء القاضی الاکبر القدیر المقتدر تبارکت اسماؤک وجل ثناؤک اللهم صل علی محمد وال محمد وعرفنا برکة شهرنا هذا وارزقنا یمنه ونوره ونصره وخیره وبره وسهل لی فیه ما احبه ویسر لی فیه ما اریده واوصلنی الی بغیتی فیه انک علی کل شیء قدیر و روز سیم این ماه حضرت فاطمه علیها السلام بجوار رحمت الهی رفته و مستحب است زیارت آنحضرت در این روز باین زیارت که سید ابن طاوس ره روایت کرده که هر که آنحضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید السلام علیک یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا والدة الحجج علی الناس اجمعین السلام علیک ایتها المظلومة الممنوعة حقها پس بگوید اللهم صل علی امتک وابنة نبیک زوجة وصی نبیک صلوة تزلفها فوق زلفی عبادک المکرمین من اهل السموات والارضین پس طلب آمرزش کند که حق تعالی او را بیامرزد و داخل بهشت کرداند و این زیارت مختصر معتبر نیست و همه وقت میتوان کرد روز بیستم این ماه حضرت فاطمه علیها السلام متولد شده در این روز روزه و خیرات و تصدق و زیارت آنحضرت بزیارتی که مذکور شد مستحب است و سید ابن طاوس ره روایت کرده که در این ماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند بدو سلام و در رکعت اول بعد از فاتحه آیة الکرسی و بیست و پنج بار سوره قدر بخواند و در رکعت دویم یک مرتبه تکاثر و بیست

و پنج بار سوره توحید و در رکعت سیم یکمرتبه سوره کافرون و بیست و پنج بار سوره فلق و در رکعت چهارم یکمرتبه سوره اذا جاء و بیست و پنج بار سوره ناس بخواند و بعد از سلام از رکعت چهارم هفتاد بار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و هفتاد بار صلوات بفرستد پس سه بار بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات پس سر بسجده گذارد و سه بار بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجتی که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا نفس او و اهل و فرزندان و مال و دین و دنیای او را حفظ نماید و اگر در این سال بمیرد درجه شهدا داشته باشد **باب یازدهم** در ادعیه و اعمال روائی حاجات و آن بسیار است از انجمله نماز چند است **اول نمازی** که شیخ طبرسی ره در کتاب کنوز النجاح روایت کرده از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه من الرحمن که چون کسی را حاجتی باشد باید که در شب جمعه بعد از نصف شب غسل کند و جامه پاک بپوشد و دو رکعت نماز بگذارد باین طریق که بخواند سوره فاتحه را و چون به ایاک نعبد و ایاک نستعین رسد صد بار تکرار نماید و در مرتبه آخر سوره را تمام کند و بعد از آن یکبار سوره قل هو الله احد بخواند و بر کوع رود و تسبیح رکوع و سجدتین را هفت بار بگوید و رکعت دویم را نیز باین طریق بگذارد و چون فارغ شود این دعا را بخواند اللهم ان اطعتك فالمحمدة لك و ان عصيتك فالحجة لك منك الروح و منك الفرج سبحان من انعم و شكر سبحان من قدر

وغفر اللهم ان كنت قد عصيتك فاني قد اطعتك في احب الاشياء اليك و هو الايمان بك لم اتخذ لك ولدا و لم ادع لك شريكا منا منك به علي لا منا مني به عليك و قد عصيتك يا الهي على غير وجه المكابرة و لا الخروج عن عبوديتك و لا الجحود لربوبيتك و لكن اطعت هواي و ازلني الشيطان فلك الحجة علي و البيان فان تعذبني فبذنوبي غير ظالم و ان تغفر لي و ترحمني فانك جواد كريم بعد از آن بگوید یا کریم یا کریم آنقدر که نفس تنگ شود و بعد از آن بگوید یا امنا من كل شيء و كل شيء منك خائف حذر اسئلك بامنك من كل شيء و خوف كل شيء منك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تعطيني امانا لنفسي و اهلي و ولدي و سائر ما انعمت به علي حتى لا اخاف احدا و لا احذر من شيء ابدا انك على كل شيء قدير و حسبنا الله و نعم الوكيل يا كافي ابرهيم عليه السلام نمرود و يا كافي موسى عليه السلام فرعون و يا كافي محمد صلى الله عليه و آله الاحزاب اسئلك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تكفيني شر فلان بن فلان بعد از آن سجده کند و الحاح و تضرع بدرگاه قاضی الحاجات نموده حاجت خود را بخواهد بدرستی که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز کند و این دعا بخواند گشوده میشود برای اجابت دعای او درهای آسمان و برمی آید حاجتا و هر چند عظیم باشد مگر آنکه در قطع رحم باشد که در این صورت بر نمی آید و قبول درگاه الهی نمیشود **دوم نماز** مسمی بصلوة سیف قاطع مرویست از ثقات روات باسانید معتبره که این نمازیست که بسیاری از اکابر دین بر آن قیام نموده اند و کیفیت

این نماز آنست که در شب جمعه بعد از نماز عشا بمکان خلوتی برود
و دو رکعت نماز بگذارد بنیت آن حاجتی که دارد و در رکعت اول
بعد از سوره فاتحه سوره انعام بخواند از اول تا آخر و باز از سر
گیرد سوره را و بخواند تا آیه وکنتم عن آیاته تستکبرون و برکوع
رود و در رکعت دویم بعد از فاتحه از آیه ولقد جئتمونا فرادی
بخواند تا آخر سوره و برکوع رود و چون از نماز فارغ شود هزار
بار صلوات بفرستد بعد از آن دعا کند و مهم و مطلب خود را
از درگاه واهب العطایا بخواهد که البته بر آورده میشود اگر چه
میان او و مقصود بعد المشرقین باشد و مجربست و هر که خود
نتواند کرد دیگری را بگوید تا بنیت او بعمل آورد سیم نماز که از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که کسی را که حاجتی
باشد روز جمعه قبل از فریضه چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند
در رکعت اول سوره فاتحه یکبار و سوره اعلی یکبار و سوره توحید
پانزده بار و در رکعت دویم سوره فاتحه و اذا زلزلت یکبار و توحید
پانزده بار و در سیم سوره فاتحه و تکاثر یکبار و توحید پانزده بار
و در چهارم فاتحه و نصر یکبار و توحید پانزده بار پس چون فارغ
شود بلند کرداند دستهای خود را و سؤال کند حاجت خود را
بدرستی که بر آورده میشود چهارم نمازیکه شیخ کلینی و سید ابن
طاوس از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده اند که
هر که را حاجتی باشد که کار بر او تنگ شده باشد باید که آن حاجت
را بدرگاه عزت و جلال کریم متعال عرض نماید راوی گفت
چگونه کند حضرت فرمود که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را
روزه بدارد پس در روز جمعه غسل کند و سر خود را بخطمی بشوید

و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوشد و به بهترین بوهای خوش خود را
معطر کند پس تصدق بفقیر مسلمانی بدهد از مال خود پس برود
بجائی که کنارهای آسمان پیدا شود یعنی ببام بلندی یا بصحرائی
و رو بقبله آورد و دو رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد از حمد
پانزده بار قل هو الله احد بخواند و در رکوع و سر برداشتن از
رکوع و در سجدها و سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه قل هو الله
احد بخواند پس رکعت دویم را بدستور اول بجای آورد و بعد از
سلام پانزده بار قل هو الله احد بخواند پس بسجده رود و پانزده بار
بخواند پس جانب راست روی را بر زمین گذارد و پانزده بار و جانب
چپ روی را بر زمین گذارد و پانزده بار پس باز پیشانی را بر زمین
گذارد و پانزده بار قل هو الله احد بخواند پس با گریه و تضرع این
دعا بخواند یا جواد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا من لم
یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد یا من هو هکذا لا هکذا
غیره اشهد ان کل معبود من لدن عرشک الی قرار ارضک
باطل الا وجهک جل جلالک یا معز کل ذلیل و یا مذل کل
عزیز تعلم کربتی فصل علی محمد و آل محمد و فرج عنی پس هر یک
از جانب راست و چپ خود را بر زمین گذارد و سه بار این دعا را بخواند
پس حضرت فرمود که چون این اعمال را بجای آورد حق تعالی حاجتش
را بر آورد و باید که در حاجتش متوجه گردد بسوی خدای عز و جل
و متوسل گردد بمحمد و آل محمد علیهم السلام و هر یک را بخصوص نام
ببرد باین قسم که بگوید اللهم انی اتوسل الیک و اتشفع بمحمد
و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و
و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة ان تصلی علیهم و تقضی حاجتی

وتنجح طلبتی برحمتک یا ارحم الراحمین و از انجمله سجده چند است
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هرگاه
ترا شدتی و غمی عارض شود و بنهایت برسد سجده کن بر زمین و بگو
یا مذل کل جبار یا معز کل ذلیل قد وحقک بلغ مجهودی فصل
علی محمد وآل محمد وفرج عنی و در عدة الداعی از آنحضرت علیه
السلام روایت کرده که هرگاه بمردی نازله یا امر شدیدی یا کربی
یا غمی نازل شود زانوها و دستهای خود را تا مرفق برهنه کند و بر زمین
بچسباند و سینه خود را بر زمین برساند و حاجت خود را طلب نماید
و ابن بابویه بسند معتبر از آنحضرت علیه السلام روایت کرده که
هرگاه بنده در سجده سه بار بگوید یا الله یا رباه یا سیداه
خداوند کریم در جواب او گوید لبیک بنده من حاجت خود را
بطلب و در مکارم الاخلاق روایت کرده که هر که در سجده یا رباه
یا سیداه آنقدر بگوید که یک نفس تمام شود حق تعالی فرماید
که حاجت خود را سؤال کن و ایضا روایت کرده که بعضی از ائمه
طاهرین در سجده میگفت که سجد لک یا رب طالب من ثوابک
سجد لک یا رب هارب من عقابک سجد لک یا رب خائف
من سخطک پس میگفت یا الله یا رباه تا نفس وفا میکرد پس حاجت
خود را میطلبید و شیخ طوسی ره در مصباح متهجد ذکر کرده که کسی
را که حاجتی باشد بسوی حق تعالی پس روز سه شنبه و چهارشنبه
و پنجشنبه روزه بدارد پس چون شام شود چیزی تصدق کند قبل
از افطار و چون از نماز خفتن شب جمعه فارغ شود سجده کند و
بگوید در سجده که اللهم انی اسئلک بوجهک الکریم واسمک
العظیم وعینک الماضیة ان تصلی علی محمد وآل محمد وان

تقضی

تقضی دینی وتوسع علی رزقی پس کسی که مداومت کند بر این وسیع
میگرداند خدای تعالی از برای او رزقش را و ادا میکند دینش را
از هر جا باشد و از انجمله دعای چند است یکی دعای توسل است
که شیخ محمد بن بابویه در کتاب مزار الائمة نقل کرده که در هیچ کاری
این دعا را نخوانده‌اند که بسرعت تمام استجابت اثر آن نرسیده و شیخ
مطهر حلی در منهاج الصلاح آورده که در هر امری و مهمی که توسل
باین دعا جویند بزودی مستجاب شود و شیخ علی علیه الرحمة
فرموده که کسی که دعای توسل را بخواند و بر خود دم دمد اگر نزد پادشاه
و بزرگان رود معزز و مکرم باشد و فواید دنیوی و اخروی این دعا
بسیار است و دعا اینست اللهم انی اسئلک واتوجه الیک
بنبیک نبی الرحمة محمد صلی الله علیه وآله یا ابا القاسم
یا رسول الله یا نبی الرحمة یا شفیع الامة یا سیدنا ومولانا
انا توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بک الی الله وقدمناک
بین یدی حاجاتنا یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله
یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب یا اخا الرسول
یا زوج البتول یا حجة الله علی خلقه یا سیدنا ومولانا انا
توجهنا واستشفعنا وتوسلنا بک الی الله وقدمناک بین
یدی حاجاتنا یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله یا فاطمة
الزهراء یا بنت رسول الله ایتها البتول یا قرة عین الرسول
یا سیدتنا یا حجة الله علی خلقه انا توجهنا واستشفعنا
وتوسلنا بک الی الله وقدمناک بین یدی حاجاتنا یا وجیهة
عند الله اشفعی لنا عند الله یا ابا محمد یا حسن بن علی ایها
المجتبی یا ابن رسول الله یا حجة الله علی خلقه یا سیدنا ومولانا

محمد
ومولانا

اِنّا توجّهنا نا اخر که اِشفع لنا عند الله است چنانچه در توسّل
بحضرت رسول و حضرت امیر مذکور شد و باین روش استشفاع و
توسّل باَئمّه که بعد مذکور میشود یا ابا عبد الله یا حسین بن
علیٍ ایّها الشّهید یابن رسول الله یا حجّة الله علی خلقه یا
سیّدنا و مولانا اِنّا توجّهنا نا اخر یا ابا الحسن یا علیّ بن
الحسین یا زین العابدین ایّها السّجّاد یابن رسول الله یا
حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا توجّهنا نا اخر
یا ابا جعفر یا محمّد بن علیٍّ ایّها الباقر یابن رسول الله یا حجّة
الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا توجّهنا الی اخر یا ابا
عبد الله یا جعفر بن محمّدٍ ایّها الصّادق یابن رسول الله
یا حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا توجّهنا الی اخر
یا ابا ابرهیم الحسن یا موسی بن جعفرٍ ایّها الکاظم یابن
رسول الله یا حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا
توجّهنا الی اخر یا ابا الحسن یا علیّ بن موسی ایّها الرّضا یابن
رسول الله یا حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا
توجّهنا نا اخر یا ابا جعفرٍ یا محمّد بن علیٍّ ایّها التّقیّ الجواد
یابن رسول الله یا حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا
توجّهنا الی اخر یا ابا الحسن یا علیّ بن محمّدٍ ایّها النّقیّ الهادی
البارّ یابن رسول الله یا حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا
اِنّا توجّهنا الی اخر یا ابا المهدی یا حسن بن علیٍّ ایّها المجتبی
الزّکیّ العسکریّ یابن رسول الله یا حجّة الله علی خلقه یا
سیّدنا و مولانا اِنّا توجّهنا الی اخر یا وصیّ الحسن و الخلف
الصّالح یابن رسول الله ایّها القائم الحجّة المنتظر المهدیّ

باحجة

یا حجّة الله علی خلقه یا سیّدنا و مولانا اِنّا توجّهنا و
استشفعنا و توسّلنا بک الی الله و قدّمناک بین یدی
حاجاتنا یا وجیهاً عند الله اشفع لنا عند الله اللّهمّ صلّ
علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و فرّج عنّا بهم کلّ غمٍّ و اکشف بنا
کلّ همٍّ و افض لنا بهم کلّ حاجةٍ من حوائج الدّنیا و الآخرة
اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و اعذنا من شرّ ما خلقت
اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و احفظ بهم عزّتنا و استر
بهم عورتنا و اکفنا بهم بغی من بغی علینا و انصرنا
بهم علی من عادانا و اعذنا بهم من شرّ الشّیطان الرّجیم
و من جور السّلطان اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ و آل محمّدٍ و اجعلنا
بهم فی سترک و فی حفظک و فی کنفک و فی حرزک و
فی عیاذک عزّ جارک و جلّ ثناؤک و لا اله غیرک توکّلت
علی الحیّ الّذی لا یموت بیده الخیر الحمد لله الّذی لم یتّخذ
ولداً و لم یکن له شریکٌ فی الملک و لم یکن له ولیٌّ
من الذّلّ و کبّره تکبیراً حسبنا الله وحده و صلّی الله
علی خیر خلقه محمّدٍ و آله اجمعین الطّیّبین الطّاهرین یا ساداتی
و یا موالیّ انّی توجّهت بکم ائمّتی و عدّتی لیوم فقری و حاجتی
الی الله و توسّلت بکم الی الله و استشفعت بکم الی الله و
بحبّکم و بقربکم ارجوا النّجاة من الله فکونوا عند الله رجائی
یا ساداتی یا اولیاء الله صلّی الله علیکم اجمعین و
لعن الله اعداء الله و ظالمیکم من الاوّلین و الآخرین و
صلّی الله علی محمّدٍ و آله الطّاهرین و سلّم تسلیماً کثیراً کثیراً
باز سؤال کند حاجت خود را بدرستی که برآورده میگرداند خدا

در روایتی وارد شده که بعد از زیارت توسّل بگوید یا ساداتی تا آخر

تعالی حاجت او را ان شاء الله تعالی و اگر بخواند این دعا که خواندم
شود بعد از نماز حاجت روز جمعه هر آینه حاجت او زودتر برآورده
شود اللهم بهؤلاء اتوسل الیک و بهم اتقرب الیک و بهم
اقسم علیک فبحقهم الا غفرت لی و رحمتنی و رزقتنی رزقا
واسعا تغنینی به عمن سواک یا عدتی عند کربتی و یا صاحبی
فی شدتی و یا ولیی عند نعمتی یا عصمة الخائف المستجیر
یا رازق الطفل الصغیر یا مغنی البائس الفقیر و یا مغیث
الملهوف الضریر یا مطلق المکبل الاسیر و یا جابر العظم
الکسیر یا مخلص المکروب المسجون اسئلک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان ترزقنی رزقا واسعا تلم به شعثی و تجبر به فاقتی
و تستر به عورتی و تغنی به فقری و تقضی به دینی و تقر به
عینی یا خیر من سئل و یا اوسع من جاد و اعطی و یا ارئف
من ملک و یا اقرب من دعی و یا ارحم من استرحم ادعوک
اللهم لهم لا یفرجه الا انت و کرب لا یکشفه غیرک
و لهم لا ینفسه سواک و لرغبة لا تنال الا منک اللهم
بحق من حقک علیهم عظیم و بحق من حقهم عظیم ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان ترزقنی العمل بما علمتنی من معرفة حقک
و ان تبسط علی ما حظرت من رزقک یا قریب یا مجیب یا ارحم
الراحمین **و دیگر دوازده امام** سلطان العارفین و قدوة المجتهدین
خواجه نصیر الملة و الدین محمد طوسی قدس الله اسراره است که عارف
ربانی میر محمد باقر داماد علیه الرحمة شرح آنرا باین قسم ذکر فرموده
که خواجه مذکور بیان کرده که در زمان مستعصم خلیفه دوازده
سال ریاضت کشیدم و نسخه در انواع علوم و فنون جمع کردم و

و برسم خزانه نزد خلیفه بردم چون بدار السلام بغداد رسیدم پادشاه
در کشتی و در میان شط بعشرت مشغول بود خبر بردند که مولانا
نصیر الدین آمده و نسخه از جمیع علوم و فنون برسم تحفه آورده خلیفه
نسخه را طلب کرد و در آب انداخت از حسرت آن نوبهار جوانی بخزان
پیری مبدل گردید و سوگند خوردم که از آب و نان سیر نخورم تا
نوعی نمایم که زوال خاندان بنی عباس شود پس از هر جا تفحص
کردم تا خبر یافتم که چنگیز خان خروج کرده و ملک ماوراء النهر را
فرو گرفته روانه سمرقند شدم در راه جمال با کمال مصطفی و مرتضی
را صلوات الله علیهم در خواب دیدم که فرمودند این دوازده امام
را املا کن تا مقصود حاصل شود پس از روی ذوق تمام املا کردم
و بموجب اشارت با بشارت ایشان مداومت بآن مینمودم تا به
سمرقند رسیدم و نزد پادشاه تقرب یافتم و پسرش را با لشکر تمام
برداشتم و به بغداد آوردم و بغداد را گرفتم و مستعصم و اولاد
ایشان را بتمامی قتل کردند چنانچه آثار از ایشان نماند اگر این
دوازده امام را هر روز بخوانند و نزد سلاطین و امرا روند حرمت
و عزت یابند و اگر بر بیمار بخوانند البته شفا یابد و اگر در میان
جماعتی که ستمکار باشند گرفتار شوند و این را بخوانند البته
خلاص شوند و اگر کسی مداومت نماید و هر روز بخواند البته
صاحب شود و همچنین مولانا احمد ساوجی نقل کرده که از استادم
مولانا احمد اردبیلی ره سؤال نمودم که در سابق که شما بتحصیل
علوم مشغول بودید از دعا و عوذه و تسبیح و اوراد بچه چیز مداومت
داشتید و کدام سریع الاثر بود فرمود که خواندن و ورد نمودن
دوازده امام که سلطان المحققین خواجه نصیر الدین محمد طوسی

قدس سره نا لیف نموده بنا برخوابی که دیده و از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرخص کردیده و ان اینست اللهم صل علی النبی
الامی العربی الهاشمی القرشی المکی المدنی الابطحی
التهامی و السراج المضی و السید البهی و الکوکب الدری
صاحب الوقار و السکینة المدفون بالمدینة العبد المؤید
و الرسول المسدد المصطفی الامجد المحمود الاحمد حبیب
اله العالمین ابی القاسم محمد صلی الله علیه و اله و سلم
اللهم صل علی السید المطهر و الامام المظفر و الشجاع
الغضنفر قاسم طوبی و سقر الانزع البطین الاشرف المکین
الاشجع المتین العارف المبین الناصر المعین الولی للدین
الوالی الولی السید الرضی و الامام الوصی الحاکم بالنص
الجلی المخلص الصفی المدفون بالغری لیث بنی غالب مظهر
العجائب و مظهر الغرائب و مفرق الکتائب و الشهاب الثاقب
و الهزبر السالب اسد الله الغالب و غالب کل غالب و مطلوب
کل طالب الامام بالحق امیر المؤمنین و امام المتقین ابی
الحسنین علی بن ابی طالب علیه الصلوة و السلام اللهم
صل علی السیدة الجلیلة المکروبة الکریمة النبیلة
ذات الاحزان الطویلة فی المدة القلیلة المعصومة المظلومة
العلیلة المدفونة سرا و المغصوبة جهرا سیدة النساء
الانسیة الحوراء فاطمة الزهراء علیها الصلوة و السلام
اللهم صل علی السید المجتبی و الامام المرتجی سبط المصطفی
و ابن المرتضی علم الهدی العالم الرفیع ذی الحسب المنیع
الشفیع بن الشفیع المقتول بسم النقیع المدفون بارض البقیع

العالم بالفرائض و السنن صاحب الجود و المنن دافع المحن و
الفتن ما ظهر منها و ما بطن الذی عجز عن عد مدائحه
لسان اللسن الامام بالحق و الوصی المطلق ابی محمد الحسن
علیه الصلوة و السلام اللهم صل علی السید الزاهد و
الامام العابد الراکع الساجد زین المنابر و المساجد
ولی الملک الماجد و قتیل الکافر الجاحد صاحب المحنة
و الکرب و البلاء المدفون بارض کربلا سبط رسول
الثقلین و نور العینین مولانا و مولی الکونین الامام
بالحق ابی عبد الله الحسین علیه الصلوة و السلام
اللهم صل علی ابی الائمة و سراج الامة و کاشف الغمة
و محیی السنة و سنی الهمة و رفیع الرتبة و انیس الکربة
و صاحب الندبة المدفون بارض طیبة المبرئی من کل
شین الامام بالحق ابی محمد علی بن الحسین علیه الصلوة
و السلام اللهم صل علی قمر الاقمار و نور الانوار و سید
الابرار و قائد الاخیار الطهر الطاهر و البدر الباهر
و النجم الزاهر و البحر الزاخر و الدر الفاخر السید الوجیه
الامام النبیه المدفون عند ابیه الحبر الملی عند العدو
و الولی الامام بالحق ابی جعفر محمد بن علی علیه الصلوة
و السلام اللهم صل علی السید الصادق الصدیق و الامام
الوثیق و الحلیم الشفیق صاحب الشرف الرفیع و الحسب
المنیع و الفضل الجمیع الذی شرفت بجسده الطاهر ارض
البقیع المهذب المؤید الممجد الامام بالحق ابی عبد الله
جعفر بن محمد علیه الصلوة و السلام اللهم صل علی السید

الكريم والامام الحليم وسمي الكليم والصابر الكاظم صاحب
الحبس المدفون بمقابر قريش ذي الشرف الانور والمجد
الاظهر الامام بالحق ابي ابرهيم موسى بن جعفر عليه الصلوة
والسلام اللهم صل على السيد المظلوم والامام المعصوم
والغريب المغموم والشهيد المسموم عالم العلم المكتوم
بدر النجوم شمس الشموس انيس النفوس المدفون بارض طوس
الرضا المرتضى المرتجى الامام بالحق علي بن موسى الرضا عليه
الصلوة والسلام اللهم صل على السيد الفاضل الكامل
الباذل الاجود الجواد والعارف باسرار المبدا والمعاد
ولكل قوم هاد مناص المحبين يوم ينادي المناد المدفون
بارض بغداد السيد العربي والنور الاحمدي الملقب
بالتقي الامام بالحق ابي جعفر محمد بن علي عليه الصلوة و
السلام اللهم صل على الامامين الهمامين التمامين
السيدين السندين الفاضلين الكاملين الباذلين العادلين
النورين النيرين الشمسين القمرين الكوكبين وارثي
المشعرين واهلي الحرمين كهفي التقى امامي الورى بدري
الدجى طودي النهى علي الهدى المدفونين بسر من راى
كاشفي البلوى والمحن صاحبي الجود والمنن الامامين بالحق
ابي الحسن علي وابي محمد الحسن عليهما الصلوة والسلام
اللهم صل على صاحب الدعوة النبوية والصولة الحيدرية
والعصمة الفاطمية والحلم الحسنية والصلابة الحسينية
والعبادة السجادية والماثر الباقرية والاثار الجعفرية
والعلوم الكاظمية والحجج الرضوية والجود التقوية والنقاوة

النقوية

النقوية والهيبة العسكرية القائم بالحق والداعي الى
الصدق المطلق كلمة الله وامان الله وحجة الله المقسط
لدين الله قاطع البرهان خليفة الرحمن صاحب الزمان
صلوات الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين اللهم هؤلاء
ائمتي وسادتي وقادتي وكبرائي وشفعائي بهم
اتولى ومن اعدائهم اتبرا اللهم وال من والاهم و
عاد من عاداهم وانصر من نصرهم واخذل من خذلهم و
العن من ظلمهم وانصر شيعتهم واهلك عدوهم من
الجن والانس من الاولين والاخرين الى يوم الدين اللهم
ارزقنا شفاعتهم واحشرنا في زمرتهم وتحت لوائهم بجودك
وفضلك وكرمك برحمتك يا ارحم الراحمين يا اجود
الاجودين ويا اكرم الاكرمين وصلى الله على سيدنا
محمد واله اجمعين ودیگر دعا که در مصباح کفعمی از حضرت امام
رضا علیه السلام روایت شده از برای روائی حاجت وان
اینست بسم الله الرحمن الرحيم اللهم جدير من امرته
بالدعاء ان يدعوك ومن امرته بالاجابة ان يرجوك ولي
اللهم حاجة قد عجزت عنها حيلتي وكلت فيها طاقتي
وضعفت عن مرامها قدرتي وسولت لي نفسي الامارة
بالسوء وعدوي الغرور الذي انا منه مبتلى ان ارغب
فيها الى ضعيف مثلي وهو في النكول شكلي حتى تداركتني
رحمتك وبادرني بالتوفيق رافتك ورددت على عقلي
بتطولك والهمتني رشدي بتفضلك واحييت بالرجاء
لك قلبي وازلت خدعة عدوي عن لبي وصححت بالتاميل

فکری وشرحت بالرجاء لاسعافک صدری وصورت لی
الفوز ببلوغ ما رجوته والوصول الی ما املته فوقفت اللهم
رب بین یدیک سائلا لک ضارعا الیک واثقا بک متوکلا
علیک فی قضاء حاجتی وتحقیق امنیتی وتصدیق رغبتی فانجح
اللهم حاجتی بایمن نجاح واهدها سبیل الفلاح واعذنی
اللهم بکرمک من الخیبة والقنوط والاناة والتثبیط بهنیئ
اجابتک وسابغ موهبتک انک ملی ولی وعلی عبادک
بالمنائح الجزیلة وفی وانت علی کل شیء قدیر وبکل شیء
محیط وبعبادک خبیر بصیر وازانجمله خواندن دعائیست که در
مصباح کفعمی از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت شده
که حضرت جبرئیل علیه السلام بآنحضرت تعلیم نموده از برای روای
حاجات وان اینست یا نور السموات والارض ویا قیوم السموات
والارض ویا عماد السموات والارض ویا زین السموات و
الارض ویا جمال السموات والارض ویا بدیع السموات و
الارض یا ذا الجلال والاکرام یا غوث المستغیثین
ومنتهی رغبة العابدین ومنفس المکروبین ومفرج
المغمومین وصریخ المستصرخین ومجیب دعوة المضطرین
کاشف کل سوء اله العالمین وازانجمله خواندن دعائیست
که در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده
که شخصی شکوه کرد بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام که دعای
من دیر مستجاب میشود آنحضرت فرمود که کجائی که دوری از دعای
سریع الاجابه انمرد عرض کرد که کدام است آن دعا حضرت
فرمود که بگو اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم

الاجل

الاجل الاکرم المخزون المکنون النور الحق البرهان المبین الذی
هو نور مع نور ونور من نور ونور فی نور ونور علی نور و
نور فوق کل نور ونور یضیء به کل ظلمة ویکسر به کل
شدة وکل شیطان مرید وکل جبار عنید لا تقر به ارض ولا
تقوم به سماء ویامن به کل خائف ویبطل به سحر کل ساحر و
بغی کل باغ وحسد کل حاسد ویتصدع لعظمته البر و
البحر ویستقل به الملک حین یتکلم فلا یکون للموج علیه سبیل
وهو اسمک الاعظم الاجل النور الاکبر الذی سمیت به نفسک
واستویت به علی عرشک واتوجه الیک بمحمد واهل بیته
اسئلک بک وبهم ان تصلی علی محمد وال محمد وان تفعل بی
کذا او کذا وحاجات خود را عرض کن وایضا از برای برآمدن حاجتها
کسی که ببندد انگشتان دست راست خود را باین نامها یا الله یا رحمن
یا رحیم یا حی یا قیوم پس ببندد انگشتان دست چپ خود را باین نامها
یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود یا مستغاث پس بگشاید دست راست
خود را باین حروف کهیعص وبگشاید دست چپ خود را باین
حروف حمعسق ومتوجه شود بسوی کسی که اراده دارد که براورد
حاجت او را در هر حاجتی که اراده داشته باشد پس بدرستی که آن
حاجت براورده میشود انشاء الله تعالی ودر نسخه صحیحی که نقل
شده بود از خط کسی که نقل کرده بود از خط مولانا احمد اردبیلی
رحمه الله چنین است یا سمیع یا بصیر یا علیم یا احد یا مستعان
وایضا کسی که بوده باشد از برای او حاجتی پس باید که وضو بسازد
ودو رکعت نماز کند وبنشیند رو بقبله طاهر وبگوید هزار مرتبه
کهیعص اکفنی حمعسق احمنی سبحان القادر القاهر الکافی برمی او

خدای تعالی حاجت او را و این مجرب است وایضا خواندن ادعیه
اسم اعظم که مذکور شد در باب هشتم و ختم دعای مکارم که در باب
بیست و یکم مذکور میشود و خواندن دعای حاجات از صحیفه
کامله و بعمل آوردن آنچه در آداب دعا مذکور شد از مجربات
این امر است وایضا خواندن این دعاست از ادعیه سریه
که در مصباح کفعمی ذکر شده و مضمون آنچه در آن نقل شده اینست
که یا محمد هر کرا حاجتی باشد از امت تو و در نصف شب در خلوت
با وضو این دعا بخواند حاجتش را روا کنم البته و دعا اینست
یا الله ما اجد احدا الا و انت رجاؤه و من ارجی خلقك بك
انا و یا الله و لیس شیء من خلقك الا و هو بك واثق و من
اوثق خلقك بك انا و یا الله و لیس احد من خلقك الا و
هو لك فی حاجته معتمد و فی طلبته سائل و من الحهم
سؤالا لك انا و من اشدهم اعتمادا لك انا و لی امسیت
شدیدا ثقلها فی طلبتی الیك و هی کذا و کذا و حاجت خود
را نام برد فانك ان قضیتها قضیت و ان لم تقضها لم تقض
ابدا و قد لزمنی من الامر ما لا بد لی منه فلذلك طلبت
الیك یا منفذ احکامه بامضائها امض قضاء حاجتی هذه
باثباتکها فی غیوب الاجابة حتی تقلبنی بها منجحا مفلحا حیث
کانت تغلب لی فیها اهواء جمیع عبادك و امنن علی بامضائها
و تیسیرها و اعدل من تکدیرها علی بتردادها او تطویلها
و یسرها لی فانی مضطر الی قضائها فقد علمت ذلك فاکشف
ما بی من الضر بحقك الذی تقضی به ما تریده وبسند صحیح بجهت
دفع الهموم و الاحزان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

مرویست که هر کس را حاجتی باشد باید که روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه روزه بدارد و چون روز جمعه شود غسل کند و جامه پاك
بپوشد و بمسجد جامع رود و در راه آنچه تواند تصدق کند و چون
نماز جمعه بگذارد این دعا بخواند اللهم انی اسئلك باسمك
بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة
هو الرحمن الرحیم و اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحیم
الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة و لا نوم
ملئت عظمته السموات و الارض و اسئلك باسمك
بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو الذی عنت له
الوجوه و خشعت له الاصوات و وجلت له القلوب من
خشیته ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی حاجتی و حاجت
خود را بطلبد که البته بر آورده شود در دعوات میر محمد باقر داماد مذکور
است که کسی را که حاجتی باشد با طهارت کامله در مکان خلوتی
نشسته از ابتدای سوره زمر تا آخر سوره محمد صلعم در یك مجلس
بخواند و در میانه حرف دیگر نزند و بعد از اتمام عرض حاجت نماید
البته روا کردد و مجربست **باب سیزدهم** در ادعیه و اعمال
طلب رزق و از آنجمله نماز چند است نمازی که در کتاب کافی از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده اینست که وضو
بسازی و دو رکعت نماز کنی و کامل کردانی رکوع و سجودش را
باشتمال بر مستحبات و بعد از سلام سجده کنی و بگوئی یا ماجد
یا واحد یا احد یا کریم اتوجه الیك بمحمد نبیك نبی الرحمة
یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بك الی الله ربی و ربك
و رب کل شیء اسئلك یا الله ان تصلی علی محمد و آل محمد و

اسئلك نفحة كريمة من نفحاتك فتحاً يسيرا ورزقا واسعا
الم به شعثي واقضي به ديني واستعين به على عيالي
دیگر نماز یکی شیخ طوسی در مصباح ذکر کرده که شخصی شکوه از فقر
و بیچیزی بحضرت صادق علیه السلام پس انحضرت فرمود که روزه
بدار روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و وقت چاشت روز
جمعه زیارت حضرت رسول صم بکن در بام بلندی یا در صحرا یا در
مکانی که ترا کسی نه بیند بعد از ان دو رکعت نماز در ان مکان
بکن پس بزانو بنشین چنانکه سر انگشتهای پاهای تو بر زمین باشد
پس دست راست را بر بالای دست چپ بگذار و متوجه قبله شده
بگو اللهم انت انت انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال
الامال الا فيك يا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لي غيرك اجعل
لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن
حيث لا احتسب بعد از ان سجده کن و بگو یا مغیث اجعل لی
رزقا من فضلك پس حضرت فرمود که صبح شنبه نمیشود مگر
انکه رزق تازه بتو میرسد دیگر نماز یکی سید بن علی بن الحسین بن
باقی در کتاب اختیار روایت کرده است که قیس موصلی از تنگی معاش
و فقر شکوه کرد بحضرت صادق علیه السلام پس انحضرت فرمود
که روز پنجشنبه بعد از چاشت غسل کن و چهار رکعت نماز کن و
بخوان در هر رکعت الحمد یکبار و انا انزلناه بیست بار و بعد از
فارغ شدن بیست بار صلوات بفرست بعد از ان دستها را بسوی
اسمان بردار و ده بار یا الله بگو بعد از ان انگشت سبابه را حرکت
بده و ده بار یا رحمن بگو بعد از ان یا رب یا رب بگو تا انکه نفس
منقطع شود بعد از ان دستها را بردار برابر رو و ده بار یا الله بگو

آنکه بگو

انکه بگو یا افضل من رجی و یا خیر من دعی و یا اجود من اعطی
و یا اکرم من سئل و یا ارحم علیه ما فعله یا من حیث ما
دعی اجاب اللهم انی اسئلك موجبات رحمتك وباسمائك
العظام وبكل اسم لك عظيم واسئلك بوجهك الكريم
وبفضلك العظيم واسئلك باسمك الذي اذا دعيت به اجبت
واذا سئلت به اعطيت واسئلك باسمك العظيم الاعظم
يا ديان يوم الدين محيي العظام وهي رميم واسئلك بانك
انت الله لا اله الا انت ان تصلي على محمد وال محمد وان
تيسر لي ولا تعسر علي وتسهل لي مطلب رزقي من فضلك
الواسع يا قاضي الحاجات يا قديرا على ما يقدر عليه قدرك يا
ارحم الراحمين ويا اكرم الاكرمين و این نماز چنانچه از
انحضرت عم مرویست برای هر حاجت و مطلبی نیز نافع است و
از ان جمله ادعیه چند است دعائی که در کتاب کافی از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و اله روایت شده از برای وسعت رزق
و ان اینست یا رازق المقلين يا راحم المساكين يا ولي
المؤمنين يا ذا القوة المتين صل على محمد واهل بيته وارزقني
وعافني واكفني ما اهمني دعائی که در عدة الداعی روایت
کرده که ابی الغمام امد بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
و او مرد در مانده و محتاج بود شکایت کرد بخدمت انحضرت بیچیز
معاش خود را پس فرمود انحضرت او را که بعد از نماز صبح بگو ده
بار سبحان الله العظيم وبحمده استغفر الله واسئله من فضله
ابو الغمام گفت که من التزام نمودم این را پس بخدا که در اندک زمانی
وارد شدند بر من جماعتی از بادیه پس خبر دادند مرا که مردی از قوم

مِنْ وَفَاتِ یَافْتَه وَمَعْلُومْ نَبُوداُوراوَارِثْ غیراَزْ مَنْ پسْ مَنْ دَفْنَمْ وَکَرْدَمْ میرَاثْ اُورَاوَبِآنْ غَنِی شُدَمْ دیگر دُعَائیکه اَزْ اِمَامْ مُحَمَّدْ بَاقِرْ عَلَیْهِ السَّلَامْ رِوَایَتْ شُدَه کِه دَرْ سجدَهٔ نَمَازْ فریضَه بَایَدْ گُفْتْ یَا خَیْرَ الْمَسْئُولِینَ وَ یَا خَیْرَ الْمُعْطِینَ اُرْزُقْنَا وَارْزُقْ عِیَالَنَا مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِیمِ دیگر دُعَائیکه دَرْ عدّة الدَّاعی رِوَایَتْ کَرْدَه اَزْ حَضْرَتْ صَادِقْ عَلَیْهِ السَّلَامْ کِه اَزْ جهت طَلَبِ رِزْقْ بِگُوید کِه یَا اَللّهُ یَا اَللّهُ یَا اَللّهُ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَیْكَ عَظِیمٌ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْزُقَنِی الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِی مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَاَنْ تَبْسُطَ عَلَیَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ دیگر دُعَائیکه صَاحِبِ جُنَّةِ الْوَاقِیَه اَزْ اِبْنِ سَاعَانی ذِکْرْ کَرْدَه اَزْ بَرَای طَلَبِ رِزْقْ اَللّهُمَّ یَا سَبَبَ مَنْ لَا سَبَبَ لَهُ سَبِّبْ لِی سَبَبًا لَنْ اَسْتَطِیعَ لَهُ طَلَبًا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَغْنِنِی بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِیَتِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ کسی کِه مُوَاظَبَتْ کُنَدْ بِاینْ دُعَا مُیَسَّرْ شُودْ اَزْ بَرَای اُو رِزْقْ وَآسَانْ میشُودْ بَرَاُو اَسْبَابِ آنْ وَازْ جُمْلَهٔ دُعَا مُنَاجَاتِیسْت کِه دَرْ کِتَابِ وَسَائِلْ اَزْ حَضْرَتْ اِمَامْ مُحَمَّدْ تَقِی صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَیْهِ رِوَایَتْ شُدَه وَآنْ اِینَسْتْ اَللّهُمَّ اَرْسِلْ عَلَیَّ سِجَالَ رِزْقِكَ مِدْرَارًا وَاَمْطِرْ عَلَیَّ سَحَائِبَ اِفْضَالِكَ غِزَارًا وَاَدِمْ غَیْثَ نَیْلِكَ اِلَیَّ سِجَالًا وَاَسْبِلْ مَزِیدَ نِعَمِكَ عَلَی خَلَّتِی اِسْبَالًا وَاَفْقِرْنِی بِجُودِكَ اِلَیَّ وَاَغْنِنِی عَمَّنْ یَطْلُبُ مَا لَدَیْكَ وَدَاوِ فَقْرِی بِدَوَاءِ فَضْلِكَ وَانْعَشْ صَرْعَةَ عَیْلَتِی بِطَوْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَی اِقْلَالِی بِکَثْرَةِ عَطَائِكَ وَعَلَی اخْتِلَالِی بِکَرِیمِ حِبَائِكَ وَسَهِّلْ رَبِّ سَبِیلَ الرِّزْقِ اِلَیَّ وَثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ لَدَیَّ

وبجّس

وَبَجِّسْ لِی عُیُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ وَفَجِّرْ اَنْهَارَ رَغَدِ الْعَیْشِ قِبَلِی بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَجْدِبْ اَرْضَ فَقْرِی وَاَخْصِبْ جَدْبَ ضُرِّی وَاصْرِفْ عَنِّی فِی الرِّزْقِ الْعَوَائِقَ وَاقْطَعْ عَنِّی مِنَ الضِّیقِ الْعَلَائِقَ وَارْمِنِی مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اَللّهُمَّ بِاَخْصَبِ سِهَامِهِ وَاَحْبِنِی مِنْ رَغَدِ الْعَیْشِ بِاَکْثَرِ دَوَامِهِ وَاکْسُنِی اَللّهُمَّ سَرَابِیلَ السَّعَةِ وَجَلَابِیبَ الدَّعَةِ فَاِنِّی یَا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِاِنْعَامِكَ بِحَذْفِ التَّضْیِیقِ وَلِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِیقِ وَلِتَفَضُّلِكَ بِاِزَالَةِ التَّقْتِیرِ وَلِوُصُولِ حَبْلِی بِکَرَمِكَ بِالتَّیْسِیرِ وَاَمْطِرِ اَللّهُمَّ عَلَیَّ سَمَاءَ رِزْقِكَ بِسِجَالِ الدِّیَمِ وَاَغْنِنِی عَنْ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ وَارْمِ مَقَاتِلَ الْاِقْتَارِ مِنِّی وَاحْمِلْ کَشْفَ الضُّرِّ عَنِّی عَلَی مَطَایَا الْاِعْجَالِ وَاضْرِبْ عَنِّی الضِّیقَ بِسَیْفِ الْاِسْتِیصَالِ وَاَتْحِفْنِی رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْاِفْضَالِ وَامْدُدْنِی بِنُمُوِّ الْاَمْوَالِ وَاحْرُسْنِی مِنْ ضِیقِ الْاِقْلَالِ وَاقْبِضْ عَنِّی سُوءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لِی بِسَاطَ الْخِصْبِ وَاسْقِنِی مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا وَانْهَجْ لِی مِنْ عَمِیمِ بَذْلِكَ طُرُقًا وَفَاجِئْنِی بِالثَّرْوَةِ وَالْمَالِ وَانْعَشْنِی بِهِ مِنَ الْاِقْلَالِ وَصَبِّحْنِی بِالْاِسْتِظْهَارِ وَمَسِّنِی بِالتَّمَکُّنِ مِنَ الْیَسَارِ اِنَّكَ ذُوالطَّوْلِ الْعَظِیمِ وَالْمَنِّ الْجَسِیمِ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الْکَرِیمُ الْمَلِكُ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَازْ آنْجُمْلَه اَزْ اَدْعِیَهٔ سِرّ قُدْسِیَّه اسْتْ کِه دَرْ مِصْبَاحْ کَفْعَمِی ذِکْرْ شُدَه کِه یَا مُحَمَّدْ هَرْ کِه بَرَاُو فَقْرِی فُرُودْ آیَدْ وَخَوَاهَدْ کِه اَزْ آنْ عَافِیَتْ یَابَدْ پسْ چُونْ اینْ دُعَا بِخْوَانَدْ سَلْبْ کُنَمْ اَزْ اُو فَقْرْ رَا وَبپُوشَانَمْ بَرَاُو تَوَانْگَرِی رَا وَاُو رَا اَزْ اَهْلِ قَنَاعَتْ کُنَمْ وَدُعَا اینَسْتْ یَا مَحَلَّ کُنُوزِ اَهْلِ الْغِنَی وَیَا مُغْنِیَ اَهْلِ الْفَاقَةِ مِنْ سَعَةِ

تلك الكنوز بالعايدة عليهم والنظر لهم يا الله لا يسمّى غيرك
إلهاً إنّما الآلهة كلّها معبودة دونك بالفرية والكذب
لا إله إلّا أنت يا سادّ الفقر ويا جابر الضرّ ويا عالم السرائر
ارحم هربي إليك من فقري أسألك باسمك الحالّ في غناك
الذي لا يفتقر ذاكره أبداً أن تعيذني من لزوم فقر
أشقى به الدين أو بسوط غنى أفتتن به عن الطاعة بحقّ نور
أسمائك كلّها أطلب إليك من رزقك كفافاً للدنيا
تعصم به الدين لا أجد لي غيرك مقادير الأرزاق عندك
فانفعني من قدرتك فيها بما تنزع به ما نزل بي من الفقر
يا غنيّ و از آنجمله اللّهمّ إنّه ليس لي علم بموضع رزقي تا آخر
كه در تعقيب نماز ظهر مذكور شد و از آنجمله يا من يملك
حوائج السائلين كه در تعقيب مشترك بعد از هر نماز مذكور شد
و از آنجمله الحمد لله الذي عرّفني نفسه كه در ضمن ادعيه مخصوصه
صبح مذكور شد و از آنجمله خواندن دعای رزق است از صحيفه
كامله سجاديه ع و از جمله اعمال طلب روزی عملی که ابن طاوس ره در
مهج الدعوات از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت
کرده که هر که روزیش تنگ شود و درهای طلب معاش بر او بسته
شود چون این دعا را بر پوست آهو یا پوست بکر بنویسد و بر
گردن ببندد و یا همراه خود داشته باشد و از خود جدا نکند
الله تعالی روزیش را وسیع کند و درهای طلب معاش بر او
بگشاید از راهی که گمان نداشته باشد و دعا این است اللّهمّ
لا طاقة لفلان بن فلان بالجهد ولا صبر له على البلاء و
لا قوّة له على الفقر والفاقة اللّهمّ فصلّ على محمّد وآل محمّد

ولا تحظر على فلان بن فلان رزقك ولا تقتّر عليه سعة ما
عندك ولا تحرمه فضلك ولا تحسمه من جزيل قسمك ولا
تكله إلى خلقك ولا إلى نفسه فيعجز عنها ويضعف عن القيام
فيما يصلحه ويصلح ما قبله بل تفرّد بلمّ شعثه وتولّ كفايته
وانظر إليه في جميع أموره إنّك إن وكلته إلى خلقك
لم ينفعوه وإن ألجأته إلى أقربائه حرموه وإن أعطوه أعطوه
قليلاً نكداً وإن منعوه منعوا كثيراً وإن بخلوا بخلوا
وهم للبخل أهل اللّهمّ أغن فلان بن فلان من فضلك ولا تخله
منه فإنّه مضطرّ إليك فقير إلى ما في يديك وأنت غنيّ عنه
وأنت به خبير عليم ومن يتوكّل على الله فهو حسبه إنّ
الله بالغ أمره قد جعل الله لكلّ شيء قدراً إنّ مع العسر يسراً
ومن يتّق الله يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب
برحمتك يا أرحم الراحمين و بسند معتبر شيخ طبرسی ره در مجمع
البیان از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله روایت کرده
که هر وقت داخل خانه شوی سلام کن خواه کسی در آن خانه باشد
و خواه نه و بعد از آن سوره توحید بخوان و از جمله اعمال نشستن
در جای نماز است بعد از فراغ از فریضه صبح بر حالی که مشغول
دعا و تلاوت قرآن باشی تا طلوع آفتاب چه ابن طاوس در کتاب
اقبال از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که این نشستن
انفع است در طلب رزق از سواری کشتی و دریا نوردی و از جمله
آنچه در دعوات میر محمّد باقر داماد ره مذکور است که این دعا را
بنویسد بر کاغذی و ببندد بر خود و هر روز و هر شب نه بار
بخواند یا الله یا الله یا الله یا ربّ یا ربّ یا ربّ یا حیّ یا قیّوم

اسئلك باسمك العظيم الاعظم ان ترزقنی رزقا واسعا حلالا
طیبا برحمتك یا ارحم الراحمین و از جمله اعمال از برای وسعت
رزق شیخ ابو العباس بونی در کتاب شمس المعارف ذکر کرده
که چون کسی خواهد که وسعت در رزق او بهم رسد روز سه شنبه
و چهارشنبه و پنجشنبه را روزه بکیرد و چون روز جمعه شود
نماز صبح را در اول وقت که ابتدای طلوع صبح صادق است بکذارد
پس چون سلام دهد بدون فاصله شروع در کفتن یا حی
یا قیوم کند و بدون آنکه فاصله در کفتن کند یا آنکه خود را مشغول
امر دیکر نماید قولا او فعلا این دو اسم مبارک را متصل از روی
یقین و کمال توجه خاطر بکوید بوضعی که مطلقا سکوت و انقطاع
در کفتن این دو اسم واقع نشود تا اول طلوع آفتاب پس با قلم و
دوات پاک و کاغذ حلال همین که آفتاب خواهد که طلوع کند
در حال این دو اسم را بنویسد بوضعی که نوشتن یا حی یا قیوم با
طلوع آفتاب مع باشد بدون تقدیم و تاخیر پس نوشته را بخور
لایق مثل عود و کشنه و عنبر و عبره داشته و پیچیده با خود دارد
بدرستی که از برکت الله تعالی وسعت در رزق بهم میرسد و نیکو
روی می آورد و مجرب است و باید که در حال ذکر و کتابت رو بقبله
و با وضو باشد و این عمل را از نا اهل و منافق مخفی دارد البته
و از جمله در خواص اسماء الحسنی از مصباح کفعمی و حرز الامان
و غیره چنین است که چون کسی الوهاب را در حال سجود چهارده
بار بکوید الله تعالی او را غنی کند و اکر در آخر شب از اصد بار
بکوید در حالی که سر برهنه باشد و دستها را بسوی آسمان برداشته
باشد فقر از او سلب شود و حاجتش روا کردد و هر کاه الکریم

الوهاب ذو الطول را بسیار بکوید الله تعالی او را رزق دهد
از جائی که کمان نداشته باشد و اکر کسی این اسما را بر لوح نقره نقش
کند و با خود دارد در وسعت و برکت عجایب مشاهده کند و در
کتاب شمس المعارف مذکور است که چون کسی این سه اسم مبارک
را بعدد حروفش بحساب جمل غیر از الف لام در موضع خلوت رو
بقبله و با طهارت و حضور قلب و اعتقاد تمام بدون زیاده و
نقصان بخواند فواید بسیار یابد خصوصا در وسعت رزق و برکت
و استجابت دعا و اکر کسی الواسع را بسیار بکوید رزقش وسیع
کردد و هر که الغنی المغنی در روز جمعه هر جمعه هزار بار بکوید و در
عرض مدت حیاتی نکذرد الله تعالی او را غنی کند در هر دو عالم
و هر که الرازق را بکوید هر بامداد پیش از نماز صبح در چهار زاویه
خانه خود و ابتدا کند از جانب مغرب رو بقبله از فقر و بی برکتی
و بی نوائی خلاص شود و هر که در یک مجلس دوازده هزار بار بکوید
در روز جمعه یا قوی یا غنی یا ملی یا وفی توانکر کردد و اکر کسی یا
معطی السائلین را بسیار بکوید حق تعالی او را غنی از سؤال
کند و هر که یا مالک الملک را بسیار بکوید الله تعالی او را
غنی از سؤال کند و هر که الباسط را در سحر دستهای خود را بلند
کند و ده بار بکوید و بعد از آن دستها را بر روی خود کشد هرکز
باحدی محتاج نشود و خدای تعالی او را غنی کرداند بسند معتبر
در خواص آیات و سور قرآنی از مصباح کفعمی و در النظیم و حرز
الامان و غیره چنین است که چون کسی سوره حجر را بنویسد و
در جیب یا بازوی خود جا دهد بیعش و کسبش و رزقش بسیار
شود و همچنین است سوره القارعة و هر که سوره یوسف را بنویسد

وبشوید و آب آنرا بخورد الله تعالی آسان کرداند بر او راه رزق
را اگر کسی مواظبت نماید بر خواندن سوره اذا وقعه و مزمل
و طلاق و الم نشرح غنی کردد و چون آیه کریمه و من یتق الله را
بدین طریق بخواند که ابتدا از صبح روز جمعه یا دوشنبه یا پنجشنبه
کند و هر روز صد و پنجاه و نه بار و در روز چهلم صد و هفتاد
و هشت بار بخواند که مجموع در عرض چهل روز شش هزار و سیصد
هفتاد و نه بار بعدد حروف آیه مذکوره خوانده باشد حق تعالی
او را غنی کرداند و درهای رحمت و برکت بر روی او بکشاید
و باید که قبل از شروع غسل کند و دو رکعت نماز بکذارد و
صد بار صلوات بفرستد و به نیت خالص بخواند و بهتر آنست
که هر روز بعد از نماز صبح بخواند بسند معتبر در خواص الحروف
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که هر بامداد پیش
از آنکه سخن کوید هزار بار الف بزبان راند صاحب ثروت و نعمت
شود و اگر بهمین عدد بنویسد و با خود دارد همین خاصیت
دهد ایضا در خواص الحروف مذکور است که هر کس چهل روز نظر در
شکل میم بدین صورت کند ممه او را انواع فتوحات و جمعیت
حاصل کردد و بروایتی باید که چهل و یک میم نوشته شود باین
قسم المیم و هر روز نظر در آن کرده آیه قل اللهم مالک الملک
را تا بغیر حساب بخواند حق تعالی او را تمول و جمعیت بسیار
دهد و مجربست باب چهاردهم در ادعیه و اعمال اداء
دین و از آنجمله نمازی چند است نمازی که شیخ رضی الدین در
کتاب مکارم الاخلاق ذکر کرده که کسی که قرض و دینی داشته باشد
باید که چهار رکعت نماز کند و بخواند در رکعت اول بعد از حمد

قل اعوذ برب الفلق ده بار و در رکعت دوم بعد از حمد هر یک
از سوره کافرون و آیة الکرسی و آیه آمن الرسول تا آخر سوره بقره
ده بار و بعد از سلام ده بار بکوید سبحان الله الابد الابد سبحان
الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد سبحان الله
الذی رفع السموات بغیر عمد المنفرد بلا صاحبة و لا ولد
و بخواند در رکعت سیم بعد از حمد سوره تکاثر سه بار و در
رکعت چهارم بعد از حمد هر یک از انا انزلناه و اذا زلزله
سه بار و چون فارغ شود سجده کند و هفت بار بکوید اللهم
انی اسئلک التیسیر فی کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک
یسیر بعد از آن سر بردارد و ده بار بکوید فلله الحمد رب
السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی
السموات و الارض و هو العزیز الحکیم ایضا نمازی که در
مصباح کفعمی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت
شده که هر که آنرا بکذارد ادا کند حق تعالی قرض او را هر چند
که قرض او بقدر پری زمین از طلا باشد و آن دو رکعت است
بهر روش که خواهد بکند و چون فارغ شود بخواند آیه قل
اللهم مالک الملک را تا بغیر حساب و بعد از آن بکوید
یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما تعطی منهما من تشاء و
تمنع منهما من تشاء صل علی محمد و آله و اقض عنی دینی
و از آنجمله ادعیه چند است دعائی که صاحب جنة الواقیه از کتاب
نثر اللئالی ذکر کرده که شخصی بخدمت حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام آمده شکایت کرد که مرا قرضی هست پس آنحضرت
او را تعلیم نمود که بکو اللهم یا فارج الهم و منفس الغم و

مذهب الاحزان و مجیب دعوة المضطرّین یا رحمن الدنیا و
الآخرة و رحیمهما انت رحمانی و رحمن کلّ شیءٍ فارحمنی
رحمةً تغنینی بها عن رحمة من سواک و تقضی بها عنّی
الدّین کلّه **امّا اداب** که برای ادای دین باید که الحاح کند
و بسیار بگوید یا ذا الجلال و الاکرام بحرمة وجهک
اقض عنّی دینی چه در کتاب مجتنی نقل شده که بار شده بود بر
مفضل بن فضاله قرض بسیاری که عاجز بود از ادای آن پس
بسیار میگفت این قول را پس دید در خواب که شخصی باو میگوید
که الحاح بسیار میکنی برحمت و فضل خدای کریم برو بفلان
موضع و بردار از آن موضع مقدار قرض خود را و زیاده نیست بر
مقدار قرض تو چیزی پس این کار کرد و دین خود را ادا نمود
از آن جمله برای ادای دین ده بار در صبح و ده بار در شام بگوید
توکّلت علی الحیّ الّذی لا یموت و الحمد لله الّذی لم
یتّخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له
ولیّ من الذّلّ و کبّره تکبیراً **دعای دیگر** روایت شده که
در روز جمعه باید گفت و در روایت دیگر تخصیص بروز جمعه
داده نشده و آن اینست اللّهمّ اغننی بحلالک عن حرامک
و بفضلک عمّن سواک یا حیّ یا قیّوم **و از جمله دعاها** از ادعیه سرّ
قدسیّ است و مضمون آنچه روایت شده اینست که یا محمّد کسی
را که بسیار شود قرض از امّت تو باید که عرض حال خود کند
بدرگاه من و بگوید که یا مبتلی الفریقین اهل الفقر و اهل
الغنی و جازیهم بالصّبر فی الّذی ابتلیتهم به و یا من جعل
المال عند عباده و ملهمهم الانفس الشّحّ و السّخاء و یا فاطر

الخلق

الخلق علی الفضاضة و اللّین عمّنی دین فلان و فضحنی بمنّته
علیّ به و اعیانی باب طلبته الّا منک یا خیر مطلوب الیه
الحوائج یا مفرّج الاهاء و یل فرّج اهاء و یلی فی الّذی لزمنی
من دین النّاس بتیسیر کلّه لی من رزقک یا قدیر فاقضه و لا
تهیبنی باداه و لا بتضییقه علیّ و یسّر لی اداءه فانّی به
مسترقّ فامکک رقّی من سعتک الّتی لا تبید و لا تغیض
ابداً **و از آن جمله** دعای ادای دین است از صحیفهٔ کامله **و منقول**
است که کسی که قرض بسیار داشته باشد بخواند سورهٔ الحمد
و بسیار استغفار کند و بسیار بگوید سبحان الله و بحمده
استغفر الله و اسئله من فضله **بسند معتبر** مرویست که مکرّر
خواندن سورهٔ و العادیات باعث اینست که حقّ تعالی قرض
خواننده را ادا کند **و بسند معتبر** آورده اند که چون کسی را
قرض بسیار باشد دو رکعت نماز کند و بعد از آن اللّطیف را
صد مرتبه بخواند حقّ تعالی قرض او را ادا نماید **و اگر** زر از کسی
طلبی باشد باید که این دعا بخواند تا بر آنکس ادای دین آسان
شود اللّهمّ هب لی لحظة من لحظاتک تیسّر علی غرمائی
بها القضاء و تیسّر لی بها منهم الاقتضاء انّک علی کلّ شیءٍ
قدیر و صلّی الله علی محمّد و آله **باب یازدهم** در ادعیه
و اعمال دفع همّ و غمّ مشتمل بر چند نماز و بعضی از ادعیه و آیات
امّا نمازها از حضرت امام رضا علیه السّلام مرویست که چون
کسی را غمّی و همّی روی دهد باید که دو رکعت نماز کند و بخواند
در هر رکعت الحمد یکبار و انّا انزلناه سیزده بار و چون فارغ شود
سجده کند و بگوید اللّهمّ یا فارج الهمّ و کاشف الضّرّ و مجیب

دعوة المضطرین رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صل علی محمد و آل
محمد و ارحمنی رحمة تطفئ بها عنی غضبک و سخطک و تغنینی
بها عن رحمة من سواک بعد از ان جانب راست روی را بر
زمین گذارد و بگوید یا مذل کل جبار عنید و معز کل
ذلیل و حقک بلغ مجهودی فی امر کذا ففرج عنی بعد از ان
جانب چپ روی را بر زمین گذارد و بگوید دعای مذکور را
بعد از ان سجده کند و همان دعای سجده را بخواند چون چنین
کند حق سبحانه و تعالی او را از ان هم و غم فرج دهد و حاجت
او را بر می‌آورد نماز دیگر از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که کسی را که مشکل شود برا و امری که سبب اندوه او شود پس در
وقت ظهر دو رکعت نماز کند و بخواند در رکعت اول الحمد یکبار
و از سوره انا فتحنا تا آنجا که نصرا عزیزا و در رکعت دوم الحمد
یکبار و هر یک از قل هو الله و الم نشرح یکبار و این نماز از جمله
مجربات است نماز دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
مرویست که کسی را اگر شدتی و غمی باشد باید دو رکعت نماز کند
و چون فارغ شود روی خود را بر خاک گذارد و سه بار بگوید
یا قوة کل ضعیف یا مذل کل جبار قد و حقک بلغ الخوف
مجهودی ففرج عنی آنگه جانب روی چپ را بر زمین بگذارد
و سه بار دیگر این دعا را بخواند و بعد از ان پیشانی را بر زمین
گذارد و سه بار بگوید اشهد ان کل معبود من دون عرشک
الی قرار ارضک باطل الا وجهک تعلم کربی ففرج
عنی بعد از ان بنشیند و بثانی و سجده سه بار بگوید اللهم
انت الحی القیوم العلی العظیم الخالق البارئ المحیی الممیت

البدئ البدیع لک الکرم و لک الحمد و لک المن و لک الجود
وحدک لا شریک لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم
یولد و لم یکن له کفوا احد کذلک الله ربی بعد از ان
بگوید صل علی محمد و آل محمد الصادقین و افعل بی کذا و کذا
و نام برد آنچه را که سبب غم او شده است اما آیات دفع غم
و هم از حضرت صادق علیه السلام مرویست که میفرمود
عجب دارم از کسی که او را اندوهی باشد چون توسل باین آیه نجوید
که و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و حق آنکه حق تعالی
میفرماید بعد ازین آیه که فوقه الله سیئات ما مکروا پس نگاه
داشت حق تعالی او را از بدیهای آنچه با او مکر کرده بودند آیه
دیگر جهت دفع غم باید که بگوید ان الحکم الا لله علیه توکلت
و علیه فلیتوکل المتوکلون آیه دیگر ربنا علیک توکلنا
و الیک انبنا و الیک المصیر آیه دیگر حسبی الله و علیه
یتوکل المتوکلون آیه دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که فرمود عجب دارم از کسی که او را غمی باشد چرا متوسل
باین آیه نشود که لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
و حال آنکه حق سبحانه و تعالی بعد ازین آیه میفرماید که چون حضرت
یونس علیه السلام این کلمات را گفت اجابت کردیم دعای او را
و خلاص گردانیدیم او را از غم و اندوه و همچنین اجابت میکنیم
اهل ایمان را اما دعاها از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
مرویست که کسی که دعا کند باین دعا بر طرف میکند خدای تعالی
غم و هم او را و تبدیل میکند حزن او را بشادی اللهم انی عبدک
و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک

عدلٌ فیَّ قضاؤک اسئلک بکل اسمٍ هو لک سمیت به نفسک وانزلته فی کتابک او علّمته احداً من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی ونور بصری وشفاء صدری وجلاء حزنی وذهاب همی وغمی **واز انجمله** بسیار گفتن اَللّٰهُ اَللّٰهُ ربّی لا اشرک به شیئاً دفع هم وغم میکند **ومنقولست** مداومت نمودن باین دعا مجربست جهت دفع غم یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمّنی مرویست که حضرت باقر علیه السلام امر نمود محبوسی را بخواندن این دعا اندک زمانی نگذشت که از حبس خلاص شد **وایضاً از** مجربات است برای دفع غم این ابیات که از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام مرویست

وکم لله من لطفٍ خفیٍّ * یدق خفاه عن فهم الزکیّ
وکم یسرٍ اتی من بعد عسرٍ * وفرّج کربة القلب الشجیّ
وکم امرٍ تساء به صباحاً * وتأتیک المسرة بالعشیّ
اذا ضاقت بک الاحوال یوماً * فثق بالواحد الفرد العلیّ
توسّل بالنبیّ فی کل خطبٍ * یهون اذا توسل بالنبیّ
فلا تجزع اذا ما ناب خطبٌ * فانّ الله بالوعد الوفیّ
وتدعوا ربک فی کل حالٍ * فکم لله من لطفٍ خفیّ

وبالمولا علیٍّ ابی ترابٍ
وبالنور المضیّ فاطمیّ
وبالاطهار اهل ذکرجلا
سلالات جد بن صنونیّ

واز انجمله خواندن دعای سریست از ادعیه سر قدسیه ومضمون شرح آن اینست که یا محمد هر کس از امت تو را که بسیار شود هم او چون این دعا بخواند هم او را زایل کردانم ودعا اینست یا جالی الاحزان ویا موسع الضیق ویا اولی بخلقه من انفسهم ویا فاطر تلک الانفس انفساً وملهمها فجورها والتقوی نزد

بی یا فارج الهمّ همٌّ ضقت به ذرعاً وصدراً حتی خشیت ان اکون عرض فتنةٍ فلا صبر لی یا ذا الاسم الجامع الذی فیه عظیم الشئون کلها بحقک اغثنی بتفریج مصیبتی عنی یا کریم **واز انجمله** دعای استکشاف هموم است ودعای مکاره از صحیفه کامله **واز انجمله** آیه وذا النون اذ ذهب مغاضباً را تا آخر سوره انبیا بنویسند بر پوست پاکی بمشک وزعفران وگلاب وبکذارند در زیر سر خود بدرستی که رفع میکند هم وغم را وخواندن این آیه نیز همین اثر دارد **واز انجمله** آیه وهزّی الیک بجذع النخلة را تا اکلّم الیوم انسیّاً از سوره مریم بنویسند بر پوست پاکی بمداد احمر روز جمعه اول ماه وبا خود نگاه دارند در رفع هم وغم از مجربات است **ودر بعضی از روایات** مذکور است که چون کسی را همی وغمی بهم رسد که با درمانَد باید که سوره مبارکه یس را بخواند وچون بآیه کریمه سلامٌ قولاً من ربٍّ رحیم رسد هفتاد ودو بار آنرا تکرار کند وبعد از آن سوره را تمام کند حق سبحانه وتعالی آن هم وغم را بفرج وشادی مبدل کرداند واین از مجربات صحیحه است **واز انجمله** در کتاب درّ النظیم آورده که چون مکروب ذکر این چهار اسم را کند الودود اللطیف الواسع الشهید است مداومت نماید حق سبحانه وتعالی آن کرب وملال را از وی زایل کرداند ودر این اسما اسرار بدیعه وانوار جلیله است **باب شانزدهم** در ادعیه واعمال ایمنی از مخاوف وآن بسیار است بعضی از آنها در طی تعقیبات فرایض خمسه وادعیه صبح وشام واعمال ایام هفته مذکور شد وبرخی در این باب مذکور میشود **از انجمله** شیخ طبرسی در کتاب کنوز النجاح از صادقین علیهما السلام روایت کرده است که چون شخصی

خواهد که حصاری بر دور خود کشد جهة ایمن شدن از خوف پس
باید که با وضو در سر پا ایستاده یا بسجده افتاده بگوید اللّهمّ
انّی احتجبت بنور وجهک الکریم الجلیل القدیم الرفیع
العظیم الرحیم القائم بالقسط لا اله الّا انت العزیز الحکیم
وبمحمّد واله صلواتک علیه وعلیهم وباولی العزم من المرسلین
صلواتک علیهم اجمعین وبیتک المعمور والسبع المثانی
والقران العظیم وبکل من یکرم علیک من جمیع خلقک اجمعین
لانفس اهل بیت نبیک محمّد صلواتک علیه وعلیهم ولادیانهم
ولجمیع ما ملکتهم وتفضّل به علیهم ولانفسنا ولادیاننا
ولجمیع ما ملکتنا وتفضّل به علینا من شرور جمیع ما قضیت
وقدّرت وخلقت ومن شرور جمیع ما تقضی وتقدّر وتخلق
ما احییتنا وبعد وفاتنا بسم الله الرحمن الرحیم قل هو
الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد کذلک الله ربنا سه بار این سوره را باین طریق بخواند
وهمچنین بعد از هر فقره که مذکور میشود سه بار این سوره را باین
طریق بخواند یعنی کذلک الله ربنا را با سوره بخواند پس بگوید عن
ایمانهم وعن ایماننا باز سه بار این سوره را بخواند عن شمائلهم
وعن شمائلنا باز سوره را سه بار بخواند من خلفهم ومن خلفنا
باز سوره را سه بار بخواند عن امامهم وعن امامنا باز سوره را
سه بار بخواند عن حوالیهم وعن حوالینا عصمة وحصنا وحرزا
لهم ولنا من کل سوء وضرّ ومکروه ومخوف ومحذور
شقاء ما عشنا وبعد مماتنا بقدرة ربنا انّه علی کل
شیء قدیر ولکل شیء حفیظ وصلّی الله علی محمّد واله اجمعین

و در عدة

و در عدة الداعی از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت شده که
چون از چیزی در خوف باشی صد ایه از قران مجید بخوان از هر
جا که خواهی و بعد از ان سه بار بگو اللّهمّ ادفع عنّی البلاء
حق تعالی ترا ایمن گرداند از انچیز **ایضا** در ان کتاب از حضرت
صادق علیه السلام روایت شده که هر که بورطه افتد چون هفت
بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الّا
بالله العلی العظیم حق سبحانه وتعالی او را ایمن گرداند **و از
حضرت** امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که حفظ کنید
خود را از تمام مردم بخواندن سوره توحید باین طریق که بخوانید
بر طرف راست و چپ و بر پیش رو و عقب سر و بر بالا و پایین خود
و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون
از امری ترسی بگو اللّهمّ انّک لا یکفی منک احد وانت تکفی
من کل احد من خلقک فاکفنی کذا وکذا و بجای لفظ
کذا وکذا نام انچیزی که از و میترسی بگو **ایضا** در ان کتاب
از انحضرت علیه السلام مرویست که در وقت خوف از چیزی باید
گفت یا کافیا من کل شیء ولا یکفی منک شیء فی السموات
والارض اکفنی ما اهمّنی من امر الدنیا والاخرة وصلّی
الله علی محمّد واله **و بسند صحیح** از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام مرویست که در وقت خوف این دعا بخواند یا کائنا قبل
کل شیء ویا مکوّن کل شیء ویا باقیا بعد کل شیء صلّ علی محمّد
واهل بیته وافعل بی کذا وکذا **و در کتاب** مفاتیح الغیب
مذکور است که نوشتن بسم الله بر در بیرون خانه باعث ایمنی از
هلاکت هرچند که کافر باشد و این که خدای تعالی فرعون را مهلت

داد وزود هلاک نکرد بسبب آن بود که بر در خانه خود بسم الله نوشته بود **و از آنجمله دعائیست** نقل شده که خواندن این دعا که معروف است بدعای کفایة البلاء باعث ایمنی از ترسهاست و آن اینست اللهم بک اساور وبک احاول وبک اجاور وبک اصول وبک انتصر وبک اموت وبک احیی اسلمت نفسی الیک و فوضت امری الیک ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انک خلقتنی ورزقتنی وسترتنی وسترتنی وبین العباد بلطفک خولتنی اذا هویت رددتنی واذا عثرت اقلتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوتک اجبتنی یا سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی وصلی الله علی محمد واله الطاهرین **و از آنجمله** خواندن دعای سریع است از ادعیه سر قد سیره و مضمون آنچه در شرح آن روایت شده اینست که یا محمد هر کس از امت تو که باو خوفی رسد و خواهد که از آن ایمن شود چون این دعا بخواند ایمن کنم او را از ترسهائی که در شب و روز حادث شود در او و در دین او و نعمت او و دعا اینست یا خاشی العز قلوب اهل التقوی ویا متولیهم بحسن سرائرهم ویا مؤمنهم بحسن تعبدهم اسألک بکل ما قد ابرمته احصاء من کل شیء قد اتقنته علما ان تستجیب لی بتثبیت قلبی علی الطاعة والایمان وان تولینی من قبولک ما تبلغنی به شدة الرغبة فی طاعتک حتی لا ابالی احدا سواک ولا اخاف شیئا من دونک یا رحیم **در روایات معتبره** مذکور شده که از برای پناه جستن از خوفها باید این دعا را خواند اللهم انی اعوذ بک من ملمات نوازل البلاء واهوال عظائم الضراء فاعذنی رب من صرعة

الباساء واجنبنی من سطوات البلاء ونجنی من مفاجاة النقم واحرسنی من زوال النعم ومن زلل القدم واجعلنی اللهم رب فی حمی عزک وحیاطة حرزک من مباغتة الدوائر ومعاجلة البوادر اللهم رب وارض البلاء فاخسفها وعرصة المحن فارجفها وشمس النوائب فاکسفها وجبال السوء فانسفها وکرب الدهر فاکشفها وعوائق الامور فاصرفها واوردنی حیاض السلامة واحملنی علی مطایا الکرامة واصحبنی باقالة العثرة واشملنی بستر العورة وجد علی رب بآلائک وکشف بلائک ودفع ضرائک وادفع عنی کلاکل عذابک واصرف عنی الیم عقابک واعذنی من بوائق الدهور وانقذنی من سوء عواقب الامور واحرسنی من جمیع المحذور واصدع صفاة البلاء عن امری واشلل یده عنی مدة عمری انک الرب المجید المبدئ المعید الفعال لما یرید **آیاتی که منقول است** از حضرت امیر المؤمنین ع و مجرب است که در وقت خوف هرگاه خوانده شود حق سبحانه و تعالی بفضل و کرم خود آن خوف را زائل میکند و آن اینست ورد الله الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله قویا عزیزا وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما وقدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون کهیعص کفیت حمعسق حمعسق حمیت **مضامین**

بدوح هفتاد بار و طهیر هفت بار پس صد بار بگوید اللهم لا تسلط
علی من لا یرحمنی اللهم کف ایدی الظالمین عنی اللهم
لک الحمد و الیک المشتکی و انت المستعان پس بخواند هر یک
از سوره توحید و معوذتین را هفت بار و هر یک از سوره الحمد
و القارعه را یکبار و در کتب معتبره مذکور است که از برای دفع
خوف از طاعون این دعا را بر چند پاره کاغذ باید نوشت و بر
درهای خانه چسبانید اللهم سکن هیبة صدمة قهرمان
الجبروت باللطیفة النازلة الواردة من فیضان الملکوت
حتی یتشبث باذیال الحقک عن انزال سخطک یا ذا القوة
الکاملة و القدرة الشاملة برحمتک الواسعة یا رب
سکن سکن سکن یا حی یا محیی الموتی اللهم یا ولی الاولیاء
و یا مجیب الدعاء و یا کاشف البلاء اصرف عنا و عن اولادنا
و اقربائنا القحط و الطاعون و الوباء بحق محمد المصطفی
و علی المرتضی و بحرمة الائمة و الشهداء و ما رمیت اذ
رمیت و لکن الله رمی و لیبلی المؤمنین منه بلاء
حسنا یا غوثاه یا غوثاه اغثنا یا حی یا قیوم یا دائم یا وتر
یا ذا الجلال و الاکرام اللهم انی اعوذ بک من الطعن
و الطاعون و من موت الفجاءة و من سوء القضاء و درک
الشقاء و من شماتة الاعداء و من مضرة الحماء اللهم
انی اعوذ بک من جمیع ذلک بحق محمد المصطفی و علی
المرتضی و الائمة من ولده النجباء امین رب العالمین
و ایضا چنین مشهور است که از برای محفوظ ماندن از شر
طاعون هر روز این کلمات را باید گفت یا من لطیف لم یزل

الطف بنا فیما نزل انت القوی نجنا عن قهرک یوم الجلل
و از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام که هر کس را دشوار شود بر او امری
از جهت مال یا عیال یا اولاد یا ترس از فرعونی و ظالمی داشته
باشد پس باید تضرع و زاری نماید بخدای تعالی باین دعا که
کفایت و منع مینماید الله تعالی از او آن شدت و خوف و نا امید
شده است این دعا بدعای مستصعب یعنی دعای شخصی که در
شدتی و صعوبتی و خوفی بوده باشد و دعا اینست اللهم
انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و اهل بیته الذین
اخترتهم علی العالمین اللهم فذلل صعوبة کذا و کذا
و حزونته و اکفنی شره فانک المعافی الکافی الغالب
القاهر و از انجمله عملی چند است عملی که مؤلف جنة الواقیه
از کتاب مستوجب المحامد نقل کرده که هر گاه بترسی از مکانی
پس بگیر بعدد لفظ ها که پنج است پنج سنگ ریزه و بیفشان آن
سنگ ریزها را بدور خود و همچنین بگیر بعدد لفظ را که هفت است
و دفن کن آن سنگ ریزها را پیش سر خود در وقت خوابیدن که
ایمن خواهی بود انشاء الله تعالی و عملی که مؤلف کتاب
مذکور نقل کرده که دیدم در بعض کتب اصحاب خود که مراد علماء
شیعه اثنی عشریه اند که ایشان نقل نموده اند که هر گاه بترسی از
امری و بیفتی در جنگ و ورطه پس بردار چهار سنگ ریزه و
در بغل خود کن و بعد از آن بینداز سنگ اول را بر جانب راست
و دویم را بر جانب چپ و سیم را بر جانب بالای سر خود بعقب و
چهارم را بر پیش روی خود و در وقت انداختن سنگها باطراف

خود این کلمات را بگو قوله الحق وله الملک بدرستی که چون
چنین کنی لشکر خصم شکست میخورد واگر شکست نخورد تو
نجات خواهی یافت وخلاص خواهی شد از میان لشکر خصم به
سبب این عمل ان شاء الله **وایضا عملی که** مرویست که چون در مکانی
یا بیابانی باشی واز خوف خواب نتوانی کرد پنج سنگ ریزه بردا
ودر زیر سر خود دفن کن آنگاه پنج دیگر بردار باین طریق که در وقت
برداشتن سنگ اول نوح بگوی ودر دویم ابرهیم ودر سیم موسی
ودر چهارم عیسی ودر پنجم محمد صلی الله علیه واله بعد از آن
یکی را بطرف قبله بینداز وبگو در وقت انداختن قوله ودویم
را بطرف مشرق وبگو الحق وسیم را بطرف شمال وبگو وله وچهار
را بطرف مغرب وبگو الملک وپنجم را بر سر آن پنج سنگ که دفن
کردی بگذار وبگو فقوا ولا تبرحوا فضرب بینهم بسور له باب
باطنه فیه الرحمة وظاهره من قبله العذاب بعد از آن
چهل سنگ ریزه دیگر بردار وبر حوالی خود دفن کن وبخواب که
که حجابیست عظیم وحافظیست قویم **وایضا عملی** که میر محمد باقر
داماد ره از شیخ علی علیه الرحمة نقل کرده که هر که خواهد از
شر دشمن ایمن گردد چهار سنگ ریزه بردارد وبر هر یک از
آنها آیه که مذکور میشود بخواند ویکی را بطرف راست خود اندازد
ویکی را پیش رو ودیگری را بطرف چپ ورابع را بر عقب سر وساکن
شود که ان شاء الله تعالی خصم بر او دست نمی یابد وآیات اینست
آیه اول بسم الله الرحمن الرحیم لقد حق القول
علی اکثرهم فهم لا **آیه دویم** وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا **آیه سیم** وسواء علیهم

وانذرتهم

ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا **آیه چهارم** الم یروا کم اهلکنا
قبلهم من القرون انهم الیهم لا **اما جهت** مخفی شدن از دشمن
واز کسی که بیم ضرر از آن داشته باشی پس بگو فتح محمت بعد از آن سه
سنگ بدست چپ بردار بعدد مجرومات این دو کلمه که حا وخا
وتاست وچهار سنگ دیگر بدست راست بردار بعدد منصوبات
آنها که فا وقاف ودو میم است آنگاه آن چهار سنگ که بعدد منصوبات
در دست راست داری یکی را از برجانب راست بینداز و
بگو که افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ودویم
را بر جانب چپ بینداز وبگو که یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا وسیم را
بر عقب سر بینداز وبگو صم بکم عمی فهم لا وچهارم را در پیش رو
بینداز وبگو وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا وآن سه سنگ که در دست چپ داری در
سر خود فایم کن **وایضا معتبر** مرویست که چون در سفر خوف
داشته باشی باید که پنج سنگ ریزه برداری اول را باسم الله و
دویم را باسم جبرئیل سیم را باسم موسی چهارم را باسم محمد صلی الله
علیه واله پنجم را باسم ابرهیم علیه السلام و با خود نگاه داری که
ایمن میگردی ان شاء الله تعالی **عملی دیگر** از برای حمایت نفس و
حفظ بدن واین از اعمال مجربه است شیخ شمس الملة والدین ابو العباس
بونی نقل کرده که از اسرار است که هر کرا خوف قتل خود باشد یعنی در
ورطه هلاکت افتد وترسد که خون او ریخته شود باید که گوسفندی
بستاند خالی از معایب چنانچه قربانی را شاید وبخانه خالی رفته
بگوید خداوندا این گوسفند را فدای فلان بن فلان قربان میکنم

قبول فرمائی پس گوسفند را رو بقبله کرده ذبح کند و خون او را
تمام در محلی که راه گذار خلق نباشد دفن کند و بعد از آن گوسفند
را بشصت قطعه کند و سر را یک قطعه و جگر بند را یک و پوست
را یک حساب نموده بعد از آن هر بخشی را بمسکینی دهد که از عیال
او نباشد و این عملی است که بکرات و مرات بتجربه شده و بسیاری
از مردمان ببرکت این عمل از مخاوف و مهالک خلاص شده اند
اما ادعیه چند که باعث ایمنی از غضب سلطان و حاکم جابر است
بغیر از آنچه در مطلق ایمنی از مخاوف مذکور شد و آن بسیار است
از آنجمله این دعاست که در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام
روایت شده که در وقت داخل شدن بر حاکمی که از او ترسی باشد
باید خوانده شود بالله استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلی الله
علیه و آله اتوجه اللهم ذلل لی صعوبته و سهل لی حزونته
فانک تمحو ما تشاء و تثبت و عندک ام الکتاب و از آنجمله این
دعاست حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم و امتنع بحول الله و قوته من حولهم و قوتهم و امتنع
برب الفلق من شر ما خلق و لا حول و لا قوة الا بالله بسند
صحیح در مهج الدعوات مذکور است که حضرت صادق علیه السلام
این دعا را خواند پیش از داخل شدن بر منصور دوانقی در مدینه
طیبه و ایمن گردانید خدای تعالی او را از شر او و حسبی الرب
من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی من لم یزل
حسبی حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی حسبی الله و نعم
الوکیل اللهم احرسنی بعینک التی لا تنام و اکنفنی برکنک

الذی لا یرام و احفظنی بعزک و اکفنی شره بقدرتک و
من علینا بنصرک و الا هلکت و انت ربی اللهم انک اجل
و اکبر مما اخاف و احذر اللهم انی ادرأ بک فی نحره
و اعوذ بک من شره و استعینک علیه و استکفیک ایاه
یا کافی موسی فرعون و محمد صلی الله علیه و آله الاحزاب
الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم
فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة
من الله و فضل لم یمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو
فضل عظیم اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و
ابصارهم و اولئک هم الغافلون لا جرم انهم فی الآخرة
هم الاخسرون و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون بسند معتبر در مهج الدعوات
مذکور است که وقتی که منصور دوانقی در کوفه قصد قتل حضرت
صادق علیه السلام کرد آنحضرت باین دعا دفع آن نمود اللهم
احرسنا بعینک التی لا تنام و اکنفنا برکنک الذی
لا یرام و اعزنا بسلطانک الذی لا یضام و ارحمنا بقدرتک
علینا و لا تهلکنا و انت الرجاء رب کم من نعمة انعمت
بها علی قل لک عندها شکری و کم من بلیة ابتلیتنی
بها قل لک عندها صبری فیا من قل عند نعمته شکری
فلم یحرمنی و یا من قل عند بلیته صبری فلم یخذلنی یا ذا
المعروف الدائم الذی لا ینقضی ابدا و یا ذا النعماء التی لا
تحصی عددا اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد الطاهرین
و ادرأ بک فی نحور الاعداء و الجبارین اللهم اعنی علی

دینی بدنیا و علی آخرتی بتقوی و احفظنی فیما غبت عنه و
لا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تنقصه المغفرة و لا
تضره المعصیة اسئلک فرجا عاجلا و صبرا جمیلا و رزقا
واسعا و العافیة من جمیع البلاء و الشکر علی العافیة
یا ارحم الراحمین بسند صحیح در مهج الدعوات مذکور است که وقتی
که هرون الرشید اراده قتل حضرت امام موسی کاظم علیه السلم
داشت آنحضرت وقت داخل شدن بر آن ملعون این دو دعا را
خواند خدای تعالی او را نجات داد دعا اول اللهم انک حفظت
الغلامین لصلاح ابویهما فاحفظنی لصلاح ابائی دعای دوم
اللهم انک تکفی من کل احد و لا یکفی منک احد
فاکفنیه بم شئت و کیف شئت و انی شئت و در کتاب راغب
اصفهانی مذکور است که حضرت صادق علیه السلام احتجاب
نمود و حفظ کرد باین دعا خود را از منصور وقتی که آن ملعون
قصد کشتن آنحضرت کرده بود و این را دعای حجاب میگویند
و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون
بالآخرة حجابا مستورا و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان
یفقهوه و فی آذانهم وقرا و اذا ذکرت ربک فی القرآن
وحده ولوا علی ادبارهم نفورا اللهم انی اسئلک باسمک
الذی به تحیی الموتی و تمیت الاحیاء و ترزق و تعطی و تمنع
یاذا الجلال و الاکرام اللهم من ارادنا بسوء من
جمیع خلقک فاعم عنا عینه و اصمم عنا سمعه و اشغل عنا
قلبه و اغلل عنا یده و اصرف عنا کیده و خذه من بین
یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من تحته و من فوقه

یاذا الجلال و الاکرام و بروایات معتبره از حضرت کاظم
علیه السلام مرویست که هرگاه داخل شود کسی بر حاکم ظالمی که
خوف از او داشته باشد پس بخواند وقتی که نظرش بر او افتد یا من
لا یضام و لا یرام و به تواصلت الارحام صل علی محمد و آله
و اکفنی شره بحولک و در کتاب دفع الهموم و الاحزان
مذکور است که چون از سلطان یا غیر آن ترسی بخوان در روی او
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش
العظیم ایضا در آن کتاب مذکور است که برای خوف از سلطان مکرر
بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا ایضا در آن کتاب مذکور
است که از جمله مجربات است خواندن این کلمات بر روی حاکمی که
از او ترسی باشد اطفأت غضبک یا فلان بلا اله الا الله
ایضا از آن کتاب نقل شده که چون از حاکمی ترسی بگو در روی
او کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز آیه که
در روی حاکمی که از و ترس باشد باید خواند و ینجی الله الذین
اتقوا بمفازتهم لا یمسهم السوء و لا هم یحزنون و بسند
معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که
چون داخل شوی بر حاکم ستمکاری بخوان سه مرتبه قل هو الله
احد وقتی که نظرت بر او افتد و هر بار که بخوانی انگشتی از دست چپ
عقد کن و مگشا تا وقتی که از خانه او بیرون آیی و بعضی از ثقات
روایت کرده است که عرض کردند بحضرت صادق علیه السلام
که بچه چیز حفظ کردی خود را از منصور وقتی که داخل مجلس او
شدی فرمود که بخدای تعالی و بخواندن سوره قدر و بعد از
گفتن هفت بار یا الله این دعا خواندم انی اتشفع الیک بمحمد

وآله صلی الله علیهم وان نقلبه لی پس کسی که مبتلا بمثل این
شود او نیز باید چنین کند چه اگر ما شیعیان خود را امر نکنیم
بآن هر آینه زیادتی میکنند بر ایشان ولیکن قسم بخدا که این
طریقه حافظ است ایشان را و بروایات معتبره مذکور است که
سعد بن ساعده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله استدعا
کرد که شفاعت او را از نجاشی کند پس آنحضرت فرمود که ما گروه
انبیا شفاعت بغیر از خدا نمیکنیم ولیکن چون داخل شوی بر او
بگو اللهم انت اعلی منه شانا واقوی سلطانا ورجائی لک
اکثر من خوفی منه واملی فیک اکثر من رجائی له
فاکفنی امره وقنی شره واجعل بینی وبینه حجابا من
کفایتک وحاجزا من کلائتک لا ینوی بی سوءا ولا یطیع
فی عدوا انک سمیع مجیب و از آنجمله دعای سر است از ادعیه
سرفدیه و مضمون شرح آنکه یا محمد آنکسی که اراده نماید اذیت
تو آنکه بوده باشد احدی را بر او تسلطی بسبب منع نمودن من
اذا شرور و بلاها را پس باید که بگوید این کلمات را که ضرر بهم نمیرساند
باو کید و مکر هیچ کید کننده وان انبئک یا قابضا علی الملک من
دونه ومانعا من دونه نیل شیء من ملکه ویا مغنی اهل التقوی
بامناطه الادنی فی جمیع الامور عنهم لا تجعل ولا بی فی
الدین والدنیا الی احد سواک واشفع بنواصی اهل الخیر
کلهم حتی اناک من خیرهم خیر وکن لی علیهم فی ذلک معینا
وخذ لی بنواصی اهل الشر کلهم وکن لی منهم فی ذلک
حافظا وعنی دافعا ولی مانعا حتی اکون امنا بامانک لی
بولایتک من شر من لا یؤمن من شره الا بامانک یا ارحم

الراحمین بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
شده که چون داخل شوی بر حاکمی که از او ترسی در وقتی که با او روبرو
شوی بگو کهیعص و بهر حرفی انگشتی از دست راست عقد
کن و بعد از آن بگو حمعسق و بهر حرفی انگشتی از دست چپ عقد
کن و بعد از آن بگو وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل
ظلما و انگشتان عقد شده هر دو دست را بروی او بگشا که
حق تعالی کفایت شر او میکند و در کتاب حیوة الحیوان ذکر
کرده که چون کسی داخل شود بر حاکمی و ظالمی که از شر او ترسد باید
که بخواند وقتی که مقابل او شود کهیعص و حمعسق را و بهر حرفی
انگشتی عقد کند و ابتدا بانگشت بزرگ دست راست نماید و به
ترتیب حروف این دو کلمه انگشتها را عقد کند و ختم بانگشت بزرگ
دست چپ نماید و بعد از آن در دل سوره فیل را بخواند و چون
بکلمه ترمیهم رسد آنرا ده بار تکرار نماید و بهر کلمه یک انگشت
عقد شده را بگشاید و این مجربست و در دعوات میر محمد باقر داماد
ره مسطور است که چون نزد پادشاه یا حاکمی روی هفت بار بگو
خیرک بین عینیک وشرک تحت قدمیک وبالله استعین
علیک اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة الا بک
تا در نظر او معزز و محترم گردی و اگر از غضب او ترسی و از ضرر او
ایمن نباشی در برابر او بگو تعززت بالله الحی القیوم تحصنت بلا
اله الا الله العلی العظیم و حروف کهیعص را با انگشت دست
راست و حمعسق را با انگشت دست چپ عقد کن و بعد از آن بروی
او باز کن که هیچ ضرر و آفت بتو نتوانند رسانید و اگر چه قصد آن
کرده باشد ایضا در دعوات مذکور از عدول نقل کرده که بخوانند

وقتی که خواهد بنظر پادشاه رود یا عُدَّتی عِندَ شِدَّتی و یا غوثی عِندَ کُربتی احرُسنی بِعَینِکَ الَّتی لا تَنامُ واکنُفنی بِرُکنِکَ الَّذی لا یُرامُ و بروایات معتبره از مصباح کفعمی چنین است که چون سوره طه را بنویسی و بشوئی و بخوری و داخل شوی بر سلطانی از خوف او ایمن باشی و چون از حاکمی در خوف باشی در وقت داخل شدن بر او هفت بار بگوی وَرَبُّکَ یَخلُقُ ما یَشاءُ وَیَختارُ الی قوله تُرجَعُونَ از سوره قصص و بعد از آن سه بار بگوی اَللهُ غالِبٌ عَلی اَمرِهِ که محفوظ شوی از شر او بسند صحیح در کتاب خواص القرآن ذکر کرده که هر که آیه اَلَّذینَ یُنفِقُونَ فِی السَّرّاءِ وَالضَّرّاءِ الی قوله تعالی وَنِعمَ اَجرُ العامِلینَ را از سوره آل عمران در شب جمعه بعد از نماز خفتن بر کاغذ پاک بنویسد و با خود نگاه دارد چون صبح شود نزد پادشاه یا حاکم قهار رود از شر او ایمن گردد و آثار محبت و عنایت از وی نسبت باو بظهور آید ایضا در آن کتاب مذکور است که چون آیه لا یُحِبُّ اللهُ الجَهرَ بِالسّوءِ الی قوله تعالی عَفُوّاً قَدیراً از سوره نسا با طهارت کامل کتابت کند و جامه پاک خوشبوی پوشیده آن مکتوب را با خود دارد و بر حاکم جابر و ظالم عبور در آید از وی هیچ ضرر نیابد و خوفش با من مبدل گردد ایضا در آن کتاب مذکور است که مکرر بتجربه رسیده و بصحت پیوسته که هر که بر پادشاه قهار یا حاکم جبار در آید و از قهر و غضب ایشان هراسان باشد یا از ممر دیگر خوف و رعبی داشته باشد یازده بار بگوید یا مالِکَ یَومِ الدّینِ اِیّاکَ نَعبُدُ وَاِیّاکَ نَستَعینُ از آن پادشاه و حاکم هیچ ضرری بوی نرسد و از آن ممر که ترسی دارد ایمن و مطمئن گردد ایضا در آن کتاب مذکور

است

است که چون کسی در نصف آخر شب جمعه با طهارت کامل لباس پاک بپوشد و آیه اِذ هَمَّت طائِفَتانِ الی قوله تعالی مِن عِندِ اللهِ العَزیزِ الحَکیمِ از سوره آل عمران کتابت کند و آن شب را احیا دارد و بعد از ادای نماز بامداد در جای نماز نشسته تا وقت اشراق به تسبیح و ذکر مشغول باشد و چون آفتاب اندکی بلند شود دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از حمد آیه مذکور را بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد آیه آمَنَ الرَّسُولُ را تا آخر سوره بقره بخواند و بعد از اتمام نماز هفت بار استغفار کند و بگوید حَسبِیَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ وَهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ آنگاه تجدید وضو کند و آن نوشته را بر بازوی راست بندد و نزد پادشاه یا حاکم ظالم در آید از قهر و سیاست ایشان در امان حق تعالی باشد و خوف و رعب از دل وی زایل گردد ایضا در کتاب مذکور آورده که چون کسی از جبار ظالمی ترسان باشد بتلاوت آیه وَلَمّا وَرَدَ ماءَ مَدیَنَ الی قوله تعالی نَجَوتَ مِنَ القَومِ الظّالِمینَ از سوره قصص مداومت نماید از غضب وی در پناه خدا آید و از شر وی محفوظ ماند بروایت معتبر آورده که شخصی بعبدالله بن عباس گفت که من از پادشا ترسان و هراسانم مرا چیزی بیاموز که از غضب و سیاست وی ایمن باشم گفت که بر این کلمات با برکات قرائت مداومت کن خصوصا وقتی که متوجه ملازمت پادشاه باشی و آن اینست لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ اِنَّهُ مِن سُلَیمانَ وَاِنَّهُ بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ اَلّا تَعلُوا عَلَیَّ وَأتُونی مُسلِمینَ و در بعضی از روایات معتبره صاحب حرز الامان از شرح اسماء الله و کتاب

شمس المعارف چنین آورده که چون کسی را خوف و ترسی بود
الحفیظ را بشرایط کتابت و بر بازوی راست بندد ایمن گردد و
اگر بعدد حروف مکتوبه یا مبسوطه کتابت کند اثر قوی تر باشد
و هر گاه الحافظ را صاحب خوف و رعب بعدد مکتوبه یا مبسوطه
ورد سازد آن ترس و رعب از او زایل شود و هر گاه الکریم را بعدد
حروف مکتوبه یا مبسوطه هر روز بخواند همین اثر دارد در رفع
خوف و در شرح اسماء الله مذکور است که هر که شب در بستر
خواب چندان این اسم را بخواند که بخواب رود نزد خلق خدا عزیز و
مکرم شود و هر گاه المؤمن را شخصی بشرایط مقرره بعدد مکتوبه یا
مبسوطه مداومت کند از هر که ترسد امان یابد و صاحب در النظیم
آورده که با این اسم شریف شک و خوف مرتفع گردد پس هر که صد
و شش بار بخواند یا بهمین عدد بنویسد و با خود نگاه دارد شک
و خوف از او زایل گردد و از هر چه ترسان بود ایمن شود و هر که در
وقت دیدن آنچه موجب خوف اوست چهار بار بگوید یا مؤمن شر
آن چیز کفایت شود ان شاء الله تعالی و اما طریق استخراج
و خواندن اسماء مقدسه الهی از برای دفع خوف از سلطان
و غیره در لمعه دوم از باب هشتم مذکور شد در کتاب
شیخ سکاکی مذکور است که اگر کسی پانصد مرتبه حرف با را بنویسد
و با خود نگاه دارد از همه بلاها و مخاوف ایمن و سالم باشد و
هیچکس نتواند بوی آزار رساند باب هفدهم در ادعیه
و اعمال انتقام و نفرین کردن بر دشمن دین و دنیا و تخریب بیوت
ظلمه و فساد حال ایشان بشرط یقین در ظلم نه آنکه از برای هوای
نفس مرتکب هلاک احدی گردد که اگر چنان کند باو راجع

شود

شود از آنجمله نمازی چند است نمازی که در مصباح کفعمی از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که هر کس را ظالمی ظلم کند
و دست از او باز ندارد باید که غسل کند و وضو بسازد و دو رکعت
نماز کند و چون فارغ شود بگوید اللهم فلان بن فلان ظلمنی و
اعتدی علی و نصب لی و امضنی و ارمضنی و اذلنی و اخلقنی
اللهم فکله الی نفسه و هد رکنه و عجل جائحته و
اسلبه نعمتک عنده و اقطع رزقه و ابتر عمره و امح اثره و
سلط علیه عدوه و خذه فی مأمنه کما ظلمنی و اعتدی
علی و نصب لی و امض و اذل و اخلق اللهم انی استعدیک
علی فلان بن فلان فاعدنی فانک اشد باسا و اشد تنکیلا
و نمازی که در کتاب مذکور از آنحضرت علیه السلام مرویست
که کسی که مظلوم ظالمی شود باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز
کند و طول دهد رکوع و سجود آنرا و بعد از سلام هزار بار بگوید
اللهم انی مغلوب فانتصر بدرستی که خدای تعالی نصرت سریع
باو کرامت میکند ایضا نمازی که در مصباح از حضرت صادق
علیه السلام روایت شده که فرمود بر کسی که ظلم واقع شده باشد
از ظالمی باید که دو رکعت نماز کند در هر وقتی که خواهد و چون
فارغ شود بنهد دو طرف روی خود را بر زمین و بگوید یا رب یا
یا رباه تا آنقدر که نفس منقطع شود بعد از آن بگوید که یا من اهلک
عادا الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا
هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ان
کان فلان بن فلان ظالما فیما ارتکبنی به فاجعل علیه منک
وعدا و لا تجعل له فی حکمک نصیبا یا اقرب الاقربین

وارمض ٢

واما چون خواهی که دفع ظالمی کنی غسل کن و وضو بساز و
دو رکعت نماز کن آنکه سر بسوی آسمان کن و دستها را بردار و بگوی
که اللهم رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و اهلك
عدوهم اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنی و لا اجد من اصول
به غیرك فاستوف منه ظلامتی الساعة الساعة بحق من
جعلت له علیك حقا و بحقك علیهم الا فعلت ذلك یا مجری
الاحكام و الاخذ یا مرهوب البطش یا مالك الفضل ایضا
برای دفع ظالم دو رکعت نماز کن و از قراءت آنچه خواهی بخوان
بعد از آن صلوات بر محمد و آل او بفرست آنقدر که توانی آنکه بگو
اللهم ان لك یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم لكن هلعی و
جزعی لا یبلغان بی الصبر علی اناتك و حلمك و قد علمت ان
فلانا ظلمنی و اعتدی علی بقوته علی ضعفی فاسئلك یا رب
العزة و قاصم الجبابرة و ناصر المظلومین ان تریه قدرتك
اقسمت علیك یا رب العزة الساعة الساعة نماز دیگر غسل
کن و وضو بساز و دو رکعت نماز و برهنه کن زانوهای خود را و برزمین
بگذار و صد بار بگو یا حی لا اله الا انت برحمتك استغیث
فصل علی محمد و آل محمد و اغثنی الساعة الساعة و چون فارغ
شوی بگو اسئلك ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تلطف لی
و ان تغلب لی و ان تمكر لی و ان تخدع لی و ان تكید لی
و ان تكفینی مؤنة فلان بلا مؤنة نماز دیگر از برای دفع اعدا
که در دعوات میر محمد باقر داماد ره مذکور است باین طریق که دو
رکعت نماز کند و بخواند در رکعت اول سوره و الضحی و الم نشرح
و در دوم سوره فیل و لایلاف و بعد از سلام هفت بار سوره نوح

بخواند و بعد از آن چهل و یکبار این آیه را بخواند ربنا اطمس علی
اموالهم و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب
الالیم و بعد از آن این دعا بخواند اللهم شتت شملهم و بدد
جمعهم و فرق کلمتهم و قلب تدبیرهم و خرب بنیانهم و قرب
آجالهم و بدل احوالهم و اشغلهم بابدانهم و اجسادهم و
امط عنا اذاهم و شرهم و ادفع عنا کیدهم و اکفنا مکرهم
و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا قاهر یا قهار یا ذا البطش الشدید
انت الذی لا یطاق انتقامه یا قهار یا قهار یا قهار اللهم
انك تكفی من كل احد و لا یكفی منك احد فاكفنا بما شئت و
كیف شئت و انی شئت فانك علی ما تشاء قدیر نماز دیگر که در
عرفه حصن حصین مذکور است از برای هلاك دشمن و از مجربات
است باید که مظلوم در شب چهارشنبه غسل کند و دو رکعت نماز
بگذارد و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه سی و نه بار سوره فیل
بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد سی و نه بار سوره تبت یدا بخواند
و بعد از سلام چهل و یکبار سوره الحاقة بخواند و چون باین محل
رسد که خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه دشمن را در خاطر گذراند
و بعد از آنکه چهل و یکبار را تمام کند سر بسجده نهد و بگوید
اللهم شتت شمله و فرق جمعه و ادرأ كیده فی نحره و دمره
فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین البته
مهم او کفایت شود و از آن دشمن خلاصی یابد اما اهل این عمل
مبالغه کرده اند که این سر را از اسرار پوشیده دانند تا در مهلکه
و بجهت دنیا و بنا حق اراده و سعی در هلاك هیچکس نکنند تا وا
نشود و ظلم ظالم بنهایت رسد و از ابجمله دعای چند است

عیون الاخبار از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که شخصی
بخدمت آنحضرت شکایت کرد از ظالمی که ظلم برا و میکرد پس
آنحضرت فرمود چه دور افتاده از دعای مظلوم که تعلیم کرده از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله که دعا نمیکند مظلومی بان بر
ظالم مگر آنکه خدای تعالی نصرت میدهد او را بر آن ظالم و کفایت
میکند شر او را و دعا اینست اللهم طمه بالبلاء طما و قمه
بالبلاء قما و ارمه بیوم لا معاد له و ساعة لا مرد لها و
ابح حریمه و صل علی محمد و اهل بیته علیه و علیهم الصلوة
و السلام و اکفنی امره و منی شره و اصرف عنی کیده و اجرح
قلبه و سد فاه عنی و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع
الا همسا و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما
اخسئوا فیها و لا تکلمون پس هفت بار بگوید صه صه **بروایت
صحیح** شیخ مفید ره از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
روایت کرده که دعائی که بان نفرین باید نمود بر ظالم بتحقیق که
انتقام کشیده میشود از او اینست که بگوئی یا عدتی عند شدتی
و یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام و اکنفنی
برکنک الذی لا یرام یا ذا القوة القویة و یا ذا المحال
الشدید و یا ذا العزة التی کل خلقک لها ذلیل صل
علی محمد و آل محمد و اکفنی هذا الظالم و انتقم لی منه
ایضا بروایت معتبر مرویست که بتحقیق که کسی که بخواند سوره فیل
را ده روز هر روز هزار بار و قصد کند در دل بر طرف شدن دشمن
را و روز دهم بعد از ختم سوره مذکوره بنشیند بر آب جاری و
بگوید اللهم انت الحاضر المحیط بمکنون السرائر و الضمائر

اللهم کثر الظالم و قل الناصر و انت المطلع العالم اللهم
ان فلانا ظلمنی و اذانی و لا یشهد بذلک غیرک اللهم انک
مالکه فاهلکه اللهم سربله بسربال الهوان و قمصه بقمیص
الردی پس بگوید ده بار اللهم اقصفه بعد از آن بگو فاخذهم الله
بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق **در کتاب** وسایل مذکور
است که شخصی از صلحا بود در زمان بعضی از پادشاهان جابر
و میرسید از او و مأیوس شده بود از حیوة خود پس دید در خواب
که شخصی باو میگوید که مداومت کن بخواندن سوره فیل در یک
رکعت از نماز صبح پس امر چنین کرد در اندک مدتی دفع دشمن
او شد **و شیخ کفعمی** در کتاب بلد الامین و درع الحصین ذکر کرده
که کسی که جهت دفع ظالم در شب تاریک بر خاک اندود سجده کند
و هزار بار بگوید یا مذل الجبارین و مبیر الظالمین ان فلانا
اذانی فخذ لی حقی منه خدای تعالی بزودی انتقام از او می کشد
و ایضا کفعمی است که کسی که در محاق قمر در آخر شب بگوید یا قهار
یا ذا البطش الشدید انت الذی لا یطاق انتقامه پس نفرین
کند بر دشمن خود مستجاب میشود **و ایضا کفعمی** روایت کرده که داود
بن علی بن عبد الله عباس چون معلی بن خنیس را کشت حضرت
صادق علیه السلام این دعا را برای دفع او خواند و ساعتی
نگذشت که صدای گریه و شیون از خانه او برخواست و گفتند
که داود بمرض موت شد یا ذا القوة القویة و القدم الازلیة
و یا ذا المحال الشدید و النصر العتید و یا ذا العزة التی کل
خلقک لها ذلیل خذ داود بن علی اخذ عزیز مقتدر و
افجأه مفاجاة ملک منتصر و بعوض لفظ داود بن علی نام

دشمن را بگوید ایضاً بروایت صحیح از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که شخصی شکایت کرد با نحضرت از ظالمی که ظلم میکرد با او آنحضرت
فرمود که بگو یا ناصر المظلوم المبغی علیه ان کان فلان بن فلان
ظلمنی فابتله بفقر لا تجبره و ببلاء لا تستره آنکه فرمود که کسی
نمیخواند سه بار این دعا را جهة ظالم مگر آنکه لکه سفیدی در ریش
آن ظالم بهم میرسد بعد از آن مبتلا بفقر میشود ابن طاوس در
کتاب دروع الواقیه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده که کسی که خواهد دفع دشمن خود کند در شب اول ماه
نظر بهلال کند و دست خود را بجانب خانه دشمن دراز کند و سه بار
بگوید أیود أحدکم أن تکون له جنة من نخیل و أعناب
تجری من تحتها الأنهار له فیها من کل الثمرات وأصابه
الکبر وله ذریة ضعفاء فأصابها إعصار فیه نار فاحترقت
پس سه بار بگوید اللهم طمه بالبلاء طماً وعمه بالبلاء
عماً وارمه بحجارة من سجیل وطیر من أبابیل یا علی یا عظیم
و در هر بار بسوی دشمن اشاره کند خدای تعالی کفایت شر او
میکند و در شب دویم و سیم ماه نیز چنین کند پس اگر مستجاب نشود
در ماه دویم بکند و اگر در آن نیز تاثیر نکند در ماه سیم بکند که
البته مستجاب شود بروایت معتبر در کتاب مهج الدعوات از علی بن
یقطین روایت شده که خبر دادند حضرت امام موسی کاظم علیه
السلام را که موسی بن مهدی خلیفه قصد قتل آنحضرت کرده است
وقتی که جمعی از اهل بیت آنحضرت نزد او حاضر بودند پس بعضی
از اهل بیت او گفتند که اگر دور شوی مدتی از نزد او و نمائی
خود را از او ممکن است که از شر آن ظالم ایمن باشی پس آنحضرت

ازگفته

از گفته ایشان تبسمی فرمود بعد از آن دستها را بسوی آسمان برداشت
و گفت الهی کم من عدو شحذ لی ظبة مدیته وأرهف لی
شبا حده وداف لی قواتل سمومه ولم تنم عنی عین حراسته
فلما رأیت ضعفی عن احتمال الفوادح وعجزی عن ملمات
الجوائح صرفت ذلک عنی بحولک وقوتک لا بحول منی و
لا بقوة فألقیته فی الحفیر الذی احتفره لی خائباً مما
أمله فی الدنیا متباعداً مما رجاه فی الآخرة فلک الحمد
علی ذلک قدر استحقاقک سیدی اللهم فخذه بعزتک
وافلل حده عنی بقدرتک واجعل له شغلاً فیما یلیه
وعجزاً عما ینأویه اللهم وأعدنی علیه عدوی حاضرة
تکون من غیظی شفاء ومن حنقی علیه وفاء وصل اللهم
دعائی بالإجابة وانظم شکایتی بالتغییر وعرفه عما قلیل
ما وعدت الظالمین وعرفنی ما وعدت فی إجابة المضطرین
إنک ذو الفضل العظیم والمن الکریم بعد از آن جماعت
متفرق شدند پس بار دیگر جمعیت ایشان نشد مگر بخواندن
کتابت فوت موسی ابن مهدی و ۲ از آنجمله خواندن دعای دفع کید
اعدا و دعای یا من لا یخفی علیه انباء المتظلمین است از
صحیفه کامله و همچنین خواندن دعای سیفی و علوی و جوشن
صغیر و حرز دافعه و دعای سهم اللیل که در باب هشتم مذکور
مذکور شد و دیگر دعای میر محمد باقر داماد ره و غیره مذکور است برای
دفع اعدا که علمای دین فرموده اند که هر کس را قدرت بر خواندن
دعای سیفی نبوده باشد و شرایط آنرا بتمامی نتواند بعمل آورد هر
روز بعد از نماز صبح چون سلام دهد قبل از تعقیب این دعا را

بخواند که انچه فایده دعای سیفی است از این دعا یافت میشود
بعون الله تعالی و دعا اینست یا حیّ یا قیّوم یا لا اله الا انت
اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان لا تکلنی الی نفسی
طرفة عین و ان لا تشمت بی اعدائی و احفظنی من شرّهم
بحق لا اله الا انت یا مطیخ طاش احط علینا و علی الناس
فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم یا حافظ یا ناصر یا
معین استجب دعائی برحمتک یا ارحم الراحمین و در وقت
کفتن لفظ مطیخوطاش دشمن را در خاطر بکذراند اکر یک کس باشد
و اکر بسیار و اکر هر روز سه بار بعد از نماز صبح بخواند چنانچه با
کسی حرف نزند و بعد از ان با ورادِ دیکر مشغول شود بهتر باشد
و فایده زود تر بخشد و مجربست و از انجمله عملی است سید ابن طاوس ره
ذکر کرده که هرکاه کسی را دشمنی باشد کرد داخل در تحت تهدید آیات
و مستحق نقمات باشد پس بکوید اللهم انک قلت فی کتابک
الکریم فی وصف المستحقین للعذاب الالیم انما جزاء الذین
یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا
او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من
الارض اللهم و ان فلانا قد سعی فی الارض بالفساد و قد
منعنا من اقامة الحد علیه المانع له من ظلم نفسه و ظلم العباد
و من تطهیره قبل یوم المعاد اللهم و انت احق باقامة الحد
علیه فعجل له ما یستحقه بالفساد الذی قد اصر علیه اللهم
و قلت و من بغی علیه لینصرنه الله و قلت و لا یحیق المکر
السیئ الا باهله و قلت و من نکث فانما ینکث علی نفسه اللهم
و قد اجتمعت فی فلان مثل هذه الصفات و قد احاط به حکم

منه

هذه الآیات و عجل الاذن فی فصل حکمها و قضائها و ابرامها
و امضائها بقوتک القاهرة و قدرتک الباهرة و اجعله عبرة
فی الدنیا و الآخرة **دعای دیکر** از برای انتقام از دشمن در ساعت
اول روز که تعلق بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام دارد بکوید
اللهم انی اسئلک بحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
الا انتقمت لی به ممن ظلمنی و غشمنی و آذانی و انطوی علی ذلک
و کفیتنی به مؤنة کل احد یا ارحم الراحمین و از انجمله
عملی چند است **عملی** ذکر کرده که کسی را که دشمنی باشد و قادر
بر دفع او نباشد هزار کلوله از خمیر بسازد و بر هر یک بکوید یا قوی
و بخورد مرغ دهد خدای تعالی کفایت شر دشمن او میکند **عملی**
دیکر در خواص السور مصباح کفعمی مسطور است که چون بر کف خاکی
که آفتاب ندیده باشد بخوانی این آیه را و بر روی دشمن بپاشی الله
تعالی او را مقهور و مخذول کند بسم الله الرحمن الرحیم طسم
تلک آیات الکتاب المبین لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین
ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم لها خاضعین
آیه دیکر و اذا رأیتهم تعجبک اجسامهم و ان یقولوا تسمع
لقولهم کانهم خشب مسندة یحسبون کل صیحة علیهم هم
العدو فاحذرهم قاتلهم الله انی یؤفکون را بخواند بر چنان
خاکی که وصف شد و بر روی دشمن بپاشد بوضعی که او نداند ایمن
شود از شرش **عملی دیکر** که مجربست از برای فنای دشمن بشرط انکه
ظلمش بدرجه کمال رسیده باشد بیارد در روز چهارشنبه لبنه از
قبر عتیق و در کنار نهری یا حوضی یا طشتی پر آب بکذارد و چهل و
یکبار سوره یس را بخواند و هر دفعه که بخواند بر ان لبنه دمد

وخطی بران بکشد وچون تمام کند چهل ویکبار را یک مرتبه دعای
اللهم شتت شمله را بخواند بقصد دفع ان دشمن وبعد ازان
در برابر ان لبنه بایستد ونماز جنازه بگذارد و بعد از نماز
بی فاصله ان لبنه را دشمن تصور کرده در ان اب اندازد که البته
دفع ان دشمن میشود **عمل اخر** خذ سبعة من مدر طاهر واقرأ
علی کل واحد منها اية الكرسی مرة ثم اقرأ بعد الفراغ هذا الدعا
علی نية دفع عدو وارم علی حوض الماء فصر عمره البته اللهم شتت
شمله وفرق جمعه وخرب بنيانه واشغله بنفسه واجعل
بينه قبرا وخذه اخذ عزيز مقتدر اللهم فرقهم تفريقا
ومزقهم تمزيقا واجعل لی من لدنك سلطانا نصيرا اللهم
اهلك الظالمين واشغل بعضهم ببعض واخرجنا من بينهم
سالمين برحمتك يا ارحم الراحمين **عمل اخر** يوخذ عدد حروف
الم تركيف بالحساب الجمل ويقراء بهذا العدد فی ليلة السبت او
ليلة الثلثا او الاربعاء فی مكان خال علی نية دفع العدو ونفخ
الريح علی طرفه فان قراءة هذه السورة علی هذه الطريق من المجربات
وعدد السورة بغير البسملة هذا ١١٧٤٥ **عمل اخر** من واظب
اذا صلی ركعتی نافلة الصبح قراء فی الاولی بعد الحمد الم نشرح مرة
وفی الثانية بعد الحمد سورة الفيل مرة واذا فرغ من الصلوة
قرا احدی عشر مرة هذا الدعاء بسم الله الرحمن الرحيم ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم اياك نعبد واياك
نستعين اللهم اكف عنی باس من اراد بی سوءا ومساءة
فانك اشد باسا واشد تنكيلا امن الله تعالی من شره وكيده
هذا من المجربات **عمل اخر** من اسرار المخفيات وهی دعوة سورة

الروم بعدد حروفها كما مر فی الم تركيف ويقراء بهذا العدد علی نية
دفعه دفعه الله تعالی وخربه وان كان حجرا وقال بعضهم لو قرا
بعدد حروف السورة هو ايضا كاف **عمل اخر** منقول من سيد عبد الله
الواعظ ومن المجربات ان يجلس فی مقام لا يكون معه احد وقراء
هذه الاية بالاخلاص والاعتقاد مائة الف مرة يندفع العدو
البته والاية هذه انا كفيناك المستهزئين **عمل اخر** من لا ياكل
ثلثة ايام حيوانی ويصوم ويفطر باقل من الخبز والخل وفی يوم
الرابع يجلس فی مقام ولا يقوم حتی يقول سبعين الف مرة الحافظ
بروايت معتبر مذكور است كه هر كه بنيت قلع وقمع اعداء هر
روز القهار را سیصد وشش بار كه عدد حروف مكتوبه اوست
بعد از نماز صبح بخواند مهم كفايت شود واگر بعدد حروف مبسوطه
وی كه چهار صد ونود ونه است قراءت كند در ظهور اثر قوی تر است
و اگر كسی را از ظالمی ترسد هفتاد وپنج بار بگويد وسر
بسجده نهد ونام ان ظالم را ببرد وبگويد اللهم نجنی من فلان
بن فلان حق سبحانه شر ان ظالم را كفايت كند واگر بعدد مكتوبه
یا مبسوطه بخواند اقوی باشد را به نيت هلاك
ظالمان بعد از هر فريضه دويست وشصت وهشت بار بخواند و
بعد از ان سر بسجده گذارد وقلع وقمع دشمن را از حق تعالی
بخواهد بزودی شر او كفايت شود **ودر بعضی از كتب معتبره** مذكور است
كه چون خواهد دشمن ظالم فاسق را هلاك كند بايد كه در بيست
وهشتم ماه روزه دارد واگر ان روز شنبه باشد بهتر است پس
بنان جو افطار كند ودر نيم شب بر بام سرای خود بر ايد تنها وحی لبان
بخور كند واية والذين لم يستجيبوا الی قوله تعالی المهاد را از سوره

رعد و آیه و الذین ینقضون عهد الله الی قوله تعالی سوء الدار
از سوره مذکور هفت بار بخواند پس بگوید که اللهم علیک بفلان
بن فلان اللهم اعکس امره و اخذل نصره و لا تثبت اقدامه
و ذلل به ما اذللت کل جبار عنید حق تعالی دشمن را مخذول
و بهلاک مشرف کرداند **ایضاً** در آن کتاب مذکور است که چون
ستم از ظالمی بشخصی بسیار شود باید که بآن ظالم پیغام کند که از
جور و تعدی باز کرد و الا بلای عظیم بتو نازل شود و تا سه بار
باین قسم پیغام فرستد اگر نشود و از آن ظلم و تعدی رجوع نکند
پس کاریزی بهم رساند که آب آن از جانب مشرق آید و از آن قدری
آب بردارد و آیه لئن لم ینته المنافقون الی قوله تعالی الرسولا
را از سوره احزاب بر رقعها نویسد از بوک درخت و آنرا باب مذکور
بشوید و آب را در منزل آن ظالم پاشد که مراد حاصل شود و اگر
عامل مستحق نباشد در بن عمل و سایر اعمال هم رجعت کلی بود
ایضاً در آن کتاب مذکور است که اگر کسی حروف ها را صد و هفده بار که
عدد مبسوطه اوست بر صفحه سرب بمداد نکار بنویسد و وقتی که
قمر منحوس باشد و اگر در آن ساعت نظرات نحس واقع باشد بهتر
بود و اگر آن رقم در ساعت مریخ یا زحل اتفاق افتد با وجود
خسوف تاثیر وی بغایت قوی باشد و بعد از اتمام آن صفحه را
در سرای آن ظالم فاسق که خلق خدا از او بتشویش باشد بیفکند
آن ظالم بزودی از آن دیار آواره شود و منزل وی خراب کرده
و در کتاب سکاکی نیز مذکور است که اگر به نیت هلاک دشمن
هفتاد بار این حرف را بر خاک گورستان قدیم یا خاک وقف
بخواند و در خانه دشمن ریزد هلاک شود و منزل وی ویران گردد

باب

باب هجدهم در ادعیه و اعمالی که باعث خلاص از
حبس و زندان است **از آنجمله** نماز یست که شیخ طوسی ره در
مصباح متهجد روایت کرده که وقتی که هرون الرشید ملعون
حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را محبوس کرده بود آنحضرت
در شب چهارشنبه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در
خواب دید که سه مرتبه فرمود یا موسی محبوس و مظلوم شده
پس فرمود که فردا را روزه بدار و روز پنجشنبه و جمعه را نیز روزه
بدار و شب جمعه میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کن
و بخوان در هر رکعت بعد از حمد دوازده بار سوره توحید و چون
چهار رکعت از آن دوازده رکعت را کردی سجده کن و بگو اللهم
یا سابق الفوت و یا سامع الصوت و یا محیی العظام بعد الموت
و هی رمیم اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان تصلی علی محمد
عبدک و رسولک و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین
و تعجل لی الفرج مما انا فیه بعد از آن باقی نماز را تمام کن
پس آنحضرت چنین کرد و خلاص شد و در مهج الدعوات ابن طاوس
این واقعه را بدون صوم و صلوة ذکر کرده و دعائی که ذکر کرده
زاید بر عبارت مصباح است چنانچه بعد از فراغ سجده مخصوص
نماز خفتن در باب سیم با شرح مذکور شد **و از آنجمله** دعائی است
که در مهج الدعوات مذکور است که شخصی مدتی در شام در حبس
شدیدی بود شبی حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دید
آنحضرت این دعا را باو تعلیم فرمود پس آن شخص خواند و خلاص شد
و دعا اینست اللهم بحق العرش و من علاه و بحق الوحی و
من اوحاه و بحق النبی و من نباه و بحق البیت و من بناه

یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ وَ یا جامِعَ کُلِّ فَوْتٍ وَ یا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ
الْمَوْتِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ آتِنا وَ جَمیعَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ
فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغارِبِها فَرَجاً مِنْ عِنْدِکَ عاجِلاً بِشَهادَةِ
اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَّی اللّهُ
عَلَیْهِ وَ عَلی ذُرِّیَّتِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً و در
بعضی از کتب معتبره مذکور است که شخصی را بزندان میبردند
گذشت بر دیواری که نوشته بود بر آن یا وَلِیّی فی نِعْمَتی وَ یا صاحِبی
فی وَحْدَتی وَ یا عُدَّتی فی کُرْبَتی و آن شخص آن دعا را بخاطر
گرفت و مکرر خواند و ببرکت آن بزودی نجات یافت پس بار دیگر
نزد آن دیوار آمد آن نوشته را ندید ایضاً در آن کتاب است که
شخصی مدتی در حبس خلفای بنی امیه بود پس شبی حضرت عیسی
علیه السلام را در خواب دید که این کلمات را باو تعلیم کرد لا اله
الا الله الملک الحق المبین چون بیدار شد خواند و در همان
روز بفضل الهی نجات یافت ایضاً در آن کتاب است که مجوسی
شنید از هاتفی این دعا را و در خواندن تکرار کرد تا اینکه از حبس
خلاص شد بفضل خدا یا مَنْ لا تَراهُ الْعُیُونُ وَ لا تُخالِطُهُ
الظُّنُونُ وَ لا تَصِفُهُ الْواصِفُونَ وَ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ
اِجْعَلْ لی مِنْ اَمْری فَرَجاً وَ مَخْرَجاً یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ
یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ ایضاً از آن کتاب مذکور است که شخصی در
روم مدت بیست سال در حبس بود و وقتی گریه میکرد ناگاه مرغی
را دید که از دیوار زندان فرود آمد و این دعا را خواند و آن
شخص آنرا حفظ کرد و در سه شب متوالی خواند و از حبس خلاص
شد و بعد از مدتی در آن سال بحج رفت و شخصی را دید که دست

بر دست او میزند و میگوید از کجا بوده برای تو این دعا و میخواند
آنرا مکرر مرغ مخصوصی که در بلاد روم میباشد پس آن شخص قصه
خود را باو نقل کرد و از او سؤال کرد که تو چه نام داری گفت نام
من خضر است و این دعا معروفست بدعای طایر رومی و دعای
فرج و آن اینست اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ یا مَنْ لا تَراهُ الْعُیُونُ
وَ لا تُخالِطُهُ الظُّنُونُ وَ لا یَصِفُهُ الْواصِفُونَ وَ لا تُغَیِّرُهُ
الْحَوادِثُ وَ لَا الدُّهُورُ اَنْتَ تَعْلَمُ مَثاقیلَ الْجِبالِ وَ مَکائیلَ
الْبِحارِ وَ عَدَدَ قَطْرِ الْاَمْطارِ وَ عَدَدَ وَرَقِ الْاَشْجارِ وَ عَدَدَ
ما یُظْلِمُ عَلَیْهِ اللَّیْلُ وَ یُشْرِقُ عَلَیْهِ النَّهارُ وَ لا یُوارِی مِنْهُ
سَماءٌ سَماءً وَ لا اَرْضٌ اَرْضاً وَ لا جَبَلٌ اِلَّا وَ یَعْلَمُ ما فی وَعْرِهِ
وَ لا بَحْرٌ اِلَّا وَ یَعْلَمُ ما فی قَعْرِهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَنْ
تَجْعَلَ خَیْرَ عَمَلی خَواتیمَهُ وَ خَیْرَ اَیّامی یَوْمَ اَلْقاکَ اِنَّکَ عَلی
کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ وَ مَنْ عاداٰنی فَعادِهِ وَ مَنْ کادَنی فَکِدْهُ
وَ مَنْ بَغی عَلَیَّ فَاَهْلِکْهُ وَ مَنْ نَصَبَ لی فَخُذْهُ وَ اَطْفِ عَنّی نارَ
مَنْ اَشَبَّ اِلَیَّ نارَهُ وَ اکْفِنی هَمَّ مَنْ اَدْخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ وَ اَدْخِلْنی
فی دِرْعِکَ الْحَصینَةِ وَ اسْتُرْنی بِسِتْرِکَ الْواقی یا مَنْ یَکْفی مِنْ
کُلِّ شَیْءٍ وَ لا یَکْفی مِنْهُ شَیْءٌ اِکْفِنی ما اَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا
وَ الْآخِرَةِ وَ صَدِّقْ قَوْلی وَ فِعْلی بِالتَّحْقیقِ یا شَفیقُ یا رَفیقُ فَرِّجْ
عَنّی کُلَّ ضیقٍ وَ لا تُحَمِّلْنی ما لا اُطیقُ اَنْتَ اِلهِیَ الْحَقُّ الْحَقیقُ یا
ظاهِرَ الْبُرْهانِ یا قَوِیَّ الْاَرْکانِ یا مَنْ رَحْمَتُهُ فی کُلِّ مَکانٍ
یا مَنْ لا یَحْویهِ مَکانٌ وَ لا یَخْلُو مِنْهُ مَکانٌ اُحْرُسْنی بِعَیْنِکَ الَّتی
لا تَنامُ وَ اکْنُفْنی بِرُکْنِکَ الَّذی لا یُرامُ اَللّهُمَّ اِنَّهُ قَدْ تَیَقَّنَ
قَلْبی اَنْ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ وَ اَنّی لا اَهْلِکُ وَ اَنْتَ مَعی یا رَجائی

فارحمنی بقدرتک علیّ یا عظیما یرجی لکل عظیم یا حلیم یا علیم
انت بحاجتی علیم و علی خلاصی قدیر و هو علیک سهل یسیر
فامنن علیّ بقضائها یا اکرم الاکرمین و یا اجود الاجودین
و یا اسرع الحاسبین یا رب العالمین ارحمنی و اغفر لی و
لوالدیّ و للمؤمنین و المؤمنات انک علی کل شیء قدیر و صلی
الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین **و در کتاب کفعمی** مذکور
است که چون محبوس این کلمات را هر روز هفت بار بخواند حق سبحانه
و تعالی او را نجات دهد یا من کفانی من خلقه جمیعا و لم یکفنی
من خلقه احد سواه یا احد من لا احد له انقطع الرجاء الا
منک یا الله فاغثنی یا غیاث المستغیثین **ایضا** در آن کتاب است
که محبوس باید این کلمات را بسیار بگوید اللهم انی اسئلک
العفو و العافیة و المعافاة فی الدنیا و الآخرة **ایضا** در آن
کتاب است که حضرت صاحب الزمان علیه السلام محبوسی این دعا
را تعلیم فرمود و بسبب خواندن آن نجات یافت الهی عظم البلاء
و انقطع الرجاء و ضاقت الارض و منعت السماء و انت المستعان
و الیک المشتکی و علیک المعول فی الشدة و الرخاء اللهم
صل علی محمد و آل محمد اولی الامر الذین فرضت علینا طاعتهم
و عرفتنا بذلک منزلتهم ففرج عنا بحقهم فرجا عاجلا قریبا
کلمح البصر او هو اقرب یا محمد یا علی یا علی یا علی یا محمد یا محمد
یا علی یا علی یا محمد یا محمد یا علی اکفیانی فانکما کافیان
و انصرانی فانکما ناصران یا مولای یا صاحب الزمان آنگه سه
بار الامان و سه بار الغوث و سه بار ادرکنی و سه بار الساعة
و سه بار العجل بگوید پس بگوید یا ارحم الراحمین بحق محمد و آله

الطاهرین

الطاهرین **و بسند معتبر در** کتاب مذکور مسطور است که بسیار خواندن
سوره طور و سوره انفطار و سوره قدر باعث نجات و خلاصی از
زندان است **و ایضا در آن کتاب** و خواص ابن تمیمی مذکور است که چون
مکث محبوس در بند و زندان بطول کشد و در واقع مظلوم بوده
فلما دخلوا علی یوسف الی قوله تعالی العلیم الحکیم را از سوره
یوسف بنویسد بشرایط مقرره و بر بازوی راست ببندد و تلاوت
آن نیز مداومت نماید بزودی خلاصی یابد ان شاء الله تعالی و تقدس

باب سیزدهم در رقاع استغاثات و آداب نوشتن مکاتیب
و عرایض بسلاطین و غیره **از ائمه** رقعه ایست که مرویست از حضرت
صادق علیه السلام که فرمود چون کسی را حاجت عظیمی از امور
دنیا و آخرت باشد باید که این اسما را در رقعه سفیدی در سطر
واحد بنویسد و در وقت طلوع آفتاب در آب جاری اندازد
بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین من العبد الذلیل
الی المولی الجلیل سلام علی محمد و علی و فاطمة و الحسن و
الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن
و القائم سیدنا و مولانا صلوات الله علیهم اجمعین رب انی
مسنی الضر و الخوف فاکشف ضری و آمن خوفی بحق محمد و آل محمد
و اسئلک بکل نبی و وصی و صدیق و شهید ان تصلی علی محمد و
آل محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا لی یا سادتی بالشأن الذی لکم
عند الله فان لکم عند الله لشأنا من الشأن فقد مسنی الضر
یا سادتی و الله ارحم الراحمین فافعل بی کذا و کذا و بعوض لفظ
کذا حاجت خود را بنویسد **ایضا** نوع دیگر از آنحضرت علیه السلام
مرویست که هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا باشد یا از امری خایف

و ترسان باشی تو پس بر حریر سفیدی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اتوجه الیک باحب الاسماء الیک واعظمها لدیک و
اتقرب واتوسل الیک بمن اوجبت حقه علیک بمحمد وعلی
وفاطمة والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر
بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن
محمد والحسن بن علی والحجة بن الحسن المهدی صلوات الله علیهم
اجمعین اکفنی کذا وکذا یعنی حاجت خود را ذکر کن پس رقعه
را بپیچ و در میان بندقه از گل پاک بگذار و در میان آب جاری یا چاه
عمیق بینداز که حق تعالی بزودی فرج کرامت میکند و در بعضی کتب
مذکور است که باید بر دور آن رقعه این شکل را نقش کند و صورت
شکل اینست نوع دیگر که مشهور است باستغاثه کشمرد
بسند معتبر منقولست از محمد بن عبد الله بن المطلب الشیبانی که
گفت شنیدم از ابن کشمرد که گفت مرا با ابو الهیجا اسیر کرده بودند
و سلیمان که والی بود ابو الهیجا را گرامی میداشت و او را بر سر خوان
خود میطلبید و شب او را برای صحبت مجلس خود حاضر میکرد امید
در بعضی از شبها من التماس کردم که نام مرا نزد سلیمان مذکور سازد
و از او سؤال کند که مرا رها کند او قبول کرد و در آن شب رفت
بسوی سلیمان و عادتش آن بود که هرگاه از مجلس سلیمان برمیگشت
نزد من می آمد و دلداری میکرد و خبرها نقل مینمود در این شب
نیامد و این موجب زیادتی وحشت من گردید پس رفتم من بخانه او
و او مردی بود بسیار دیندار و صالح و شیعه خالص چون نظرش
بر من افتاد بسیار گریست و گفت من راضی بودم که یکسال بیماری
بکشم و نام ترا نزد او مذکور نسازم گفتم چرا گفت زیرا که همین که

نام ترا بردم خشم و طیش او زیاده شد و سوگندها یاد کرد که فردا نزد
طلوع آفتاب امر کند که ترا گردن بزنند و هرچند شفاعت کردم
در این باب اصرار او زیاده شد پس ابو الهیجا دلداری من کرد و گفت
که اگر نه این بود که گمان میکردم که ترا وصیتی یا امری چند هست که
محتاجی بگفتن آنها هر آینه این خبر را بتو نقل نمیکردم پس بر خدا
اعتماد کن و از این بلای عظیم که ترا رو داده است باو متوسل شو
که خدا امان دهنده ایست که کسی از عقوبت او امان نمیتواند داد
و متوجه شو بسوی حق تعالی بشفاعت آن جماعت که بهتر و ذخیره
اند از برای شدائد و امور عظیمه یعنی محمد و آل طاهرین او صلوات
الله علیهم اجمعین ابن کشمرد گفت که پس برگشتم بآن خانه که مرا بآن
جا فرود آورده بودند با حالتی عظیم از ناامیدی از زندگانی و
تن بمردن دادن پس غسل کردم و کفن خود را پوشیدم و رو بقبله
آوردم و پیوسته در آن شب نماز میکردم و با تضرع و اقرار بگناهان
توبه میکردم از هر یک از گناهان خود و متوسل شدم بخدا به
شفاعت حضرت رسول و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
و یک یک را نام میبردم و پیوسته در محراب ایستاده بودم و تضرع
میکردم بسوی امیر المؤمنین و استغاثه با حضرت میکردم و میگفتم
یا امیر المؤمنین بتو متوجه میشوم بسوی خداوندی که پروردگار
من و تست در این امری که مرا فرو گرفته است و پیوسته این قسم سخنان
میگفتم تا چون نصف شب گذشت مرا خواب در ربود پس حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را بخواب دیدم که مرا ندا کرد که ای پسر
کشمرد گفتم لبیک یا امیر المؤمنین فرمود که چرا ترا باین حال میبینم
گفتم ای مولای من سزاوار اینست کسی را که در صباح این شب

کشته شود و دور از اهل و عیال و فرزندان اش باشد و بی وصیت
بکسی که متکفل امور او شود این که جزع و اضطراب عظیم باشد
فرمود که مانع خواهد شد حفظ و حمایت الهی میان تو و میان
انچه ترا وعید داده است از سطوتهای خود بنویس بسم الله
الرحمن الرحیم من العبد الذلیل فلان بن فلان الی المولی الجلیل
الذی لا اله الا هو الحی القیوم و سلام علی آل یس محمد و علی
و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی
و محمد و علی و الحسن و حجتک یا رب علی خلقک اللهم انی
لسالم و انی اشهد انک انت الله الهی و اله الاولین و الاخرین
لا اله غیرک و اتوجه الیک بحق هذه الاسماء التی اذا دعیت
بها اجبت و اذا سئلت بها اعطیت لما صلیت علیهم و هونت
علی خروجی و کنت لی قبل ذلک عیاذا و مجیرا ممن اراد ان
یفرط علی او ان یطغی و بخوان سوره یس را و بعد از ان هر دعا
که خواهی بکن که خدای تعالی مستجاب میکرداند و غمت را زایل
و برطرف میکرداند پس فرمود که رقعه را در میان کلی بکذار و در
دریا بینداز کفتم ای مولای من دریا از من دور است و من محبوس
و حرکت نمیتوانم کرد فرمود که در چاه یا در نهر ابی که بتو نزدیک باشد
بینداز ابن کثیر کفت که من بیدار شدم و برخواستم و انچه
مولای من فرموده بود بعمل اوردم و باز نهایت قلق و اضطراب
داشتم چون صبح شد و افتاب طالع شد مرا طلبیدند و من جزم
کردم که مرا برای کشتن میطلبند چون بمجلس سلیمان داخل شدم
دیدم که او در صدر مجلس بر کرسی نشسته و دو کس از جانب راستش
بر دو کرسی نشسته اند و در جانب چپش ابو الهیجا بر کرسی نشسته است

و کرسی دیکر در پهلوی ابو الهیجا کذاشته است و کسی بران ننشسته است
چون سلیمان نظرش بر من افتاد مرا پیش طلبید و بران کرسی خالی
نشانید پس رو بسوی من کرد و کفت ما عزم کرده بودیم که ترا بکشیم
چنانچه شنیده بودی بعد از ان رای ما بران قرار کرفته است که ترا رها
کنیم و مخیر کردانیم میان اینکه در خدمت ما باشی و بتو احسان کنیم
یا بعیال خود بر کردی و جایزه نیکو بتو بدهیم من کفتم بودن من در
خدمت شما باعث منفعت و شرف منست و در بر کشتن بسوی عیال
و مادر و پدرم اجر و ثواب هست کفت انچه خواهی بکن که ما بتو
کذاشتیم بیرون امدم باز مرا طلبید بر کشتم پس کفت ترا با علی
بن ابی طالب علیه السلام چه نسبت هست کفتم من خویش انحضرت
نیستم و لیکن دوست و شیعه او یم کفت که دست از ولایت و دوستی
او بر مدار که او ما را امر کرد که ترا رها کنیم نتوانستیم مخالفت امر او
کرد پس تهیه من کرد و کس همراه کرد که من بعیال خود رسیدم و در بعضی
روایات چنین است که سوره الحمد و ایة الکرسی و ایه سخره را بنویس
و بعد از ان این رقعه را بنویس و بپیچ و در میان بند قد کل پاک بکذار
و سوره یس را بران بخوان و در چاه عمیق یا در نهر اب یا در چشمه عمیق
بینداز **نوع دیکر** استغاثه بحضرت صاحب الامر علیه السلام آنست
که در رقعه بنویسد و بیندازد بر قبری از قبور ائمه طاهرین صلوات
الله علیهم یا انکه رقعه را ببندد و مهر کند و در میان کل پاکی بکذارد
و در نهر یا چاه عمیقی یا غدیر بزرکی بیندازد که ان رقعه بحضرت صاحب
علیه السلام میرسد و انحضرت متکفل بر اوردن حاجت او میشود
ان شاء الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم کتبت یا مولای صلوات
الله علیک مستغیثا و شکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز و

جل ثم ربك من امر قد دهمني و اشغل قلبي و اطال فكري و سلبني
بعض لبي و غير خطير نعمة الله عندي اسلمني عند تخيل وروده
و تبرّاء مني عند ترائي اقباله الي الحميم و عجزت عن دفاعه
خذلني و خانني في تحمله صبري و قوتي فلجأت فيه اليك و
توكلت في المسئلة لله جل ثناؤه عليه و عليك في دفاعه
عني علما بمكانك من الله رب العالمين و ولي التدبير و مالك
الامور واثقا بك في المسارعة في الشفاعة اليه جل ثناؤه
في امري متيقنا لاجابته تبارك و تعالى اياك باعطاء سؤلي
وانت يا مولاي جدير بتحقيق ظني و تصديق املي فيك في امر
كذا و كذا و حاجت خود را بنويسد فيما لا طاقة لي بحمله
و لا صبر لي عليه و ان كنت مستحقا له و لاضعافه بقبيح
افعالي و تفريطي في الواجبات التي لله عز و جل فاغثني يا
مولاي صلوات الله عليك عند اللهف و قدم المسئلة
لله عز و جل في امري قبل حلول التلف و شماتة الاعداء
فبك بسطت النعمة علي و اسئل الله جل جلاله لي نصرا عزيزا
و فتحا قريبا فيه بلوغ الامال و خير المبادي و خواتيم الاعمال
و الامن من المخاوف كلها في كل حال انه جل ثناؤه لما يشاء
فعال و هو حسبي و نعم الوكيل في المبداء و المال پس برقعه
بنزد نهر يا چاه يا غدير رود قصد ميكند يكي از نواب حضرت صاحب
الامر عليه السلام را كه عثمان بن سعيد عمري يا پسر او محمد بن
عثمان يا حسين بن روح يا علي بن محمد سمري كه اين جماعت وكلاء
نايبان انحضرت بودند در زمان غيبت صغري پس يكي از ايشان را
ندا كند كه يا فلان بن فلان سلام عليك اشهد ان وفاتك في

سبيل

سبيل الله و انك حي عند الله مرزوق و قد خاطبتك في
حياتك التي لك عند الله عز و جل و هذه رقعتي و حاجتي
الي مولانا عليه السلام فسلمها اليه فانت الثقة الامين
پس بيندازد ان رقعه را در ان اب كه حاجتش براورده ميشود
نوع ديگر در جنة الواقيه مذكور است كه بنويسد بعد از بسمله
من العبد الذليل الي المولى الجليل رب اني مسني الضر و انت
ارحم الراحمين بحق محمد صلى الله عليه و اله اكشف همي
و فرج عني برحمتك يا ارحم الراحمين بر كاغذي و بيندازد
در آب اما اداب نوشتن رقعه و عرايض بسلاطين و حكام و غيره
از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه چون كسي براي حاجتي
كتابت يا عريضه بسلطاني يا بزرگي نويسد بايد كه در بين السطور
بقلم بيمداد اين كلمات را بنويسد كه البته حاجتش روا شود بعد
از بسمله بنويسد كه ان الله ضمن لعباده المتقين المخرج مما
يكرهون و الرزق من حيث لا يحتسبون جعلنا الله و اياكم
من عباده المتقين الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون
برحمتك يا ارحم الراحمين ايضا از انحضرت عليه السلم مرويست
كه با قلم بيمداد بر سر نامه بنويس بعد از بسمله ان الله وعد الصابرين
المخرج مما يكرهون و الرزق من حيث لا يحتسبون جعلنا الله
و اياكم من الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون راوي
گويد بعد از انكه اين حديث را شنيدم هرگز براي مطلبي نامه ننوشتم
مگر انكه باجابت مقرون شد بسند معتبر منقولست كه هر كس رقعه
نويسد و خواهد كه حاجتش برايد بايد كه اول با قلم بيمداد بر سر رقعه
اين طلسم را بنويسد بح لا ب مه صسه مصل ۵۵ ه بسند صحيح

مرعی بیت کند باید در رقعه که برای مطلبی نویسد سطری از آن خالی
از این کلمات و اسما نباشد که بعلم بیمداد در آن نوشته شده باشد
بعد از بسمله بنویس الملک الحق المبین ان الله وعد الصابرین
مخرجا مما یکرهون و رزقا من حیث لا یحتسبون ان الله هو
السمیع العلیم جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم
و لا هم یحزنون اللهم انی اسئلک بحق محمد و علی و فاطمة
و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد
و علی و الحسن و الحجة القائم الخلف المنتظر صلوات الله
علیهم و سلم تسلیما ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تیسر
امری و اسهله لی و تقبله لی و ترزقنی خیره و تصرف عنی
شره برحمتک یا ارحم الراحمین اما عملی که مشهور و مجربست و
در کتاب عین العلم کتاب غزالی مذکور است که چون کسی عریضه بنزد کسی
نویسد و خواهد بجواب صواب رسد بعد از اتمام نوشتن از هدی
خاک پاک بر روی نوشته پاشد و بعد از آن خاک را پاک کند
از روی آن نوشته و عریضه را به پیچد که البته حاجتی که در آن
نوشته است روا میگردد باب بیستم در استخارات
و آداب آن اما آداب در کتاب فتح الابواب ذکر کرده که از آداب
استخاره کننده آنست که الحاح کند در نماز آن مانند الحاح کردن
سائل مسکین و در سجودی که میگوید استخیر الله برحمته خیرة
فی عافیة بحضور قلب متوجه و گاه احدیت شود و در اثنای
استخاره و در وقت بر آوردن رقعها بکسی حرف نزند و حضرت
جواد بعلی بن اسباط فرمود که تکلم مکن در میان استخاره تا آنکه
فارغ شوی و چون استخاره بر خلاف خواهش تو بر آید باید غمگین

نشوی و دل بد نکنی بلکه باید شکر کنی بر اینکه ترا قابل این کردانید
که با او مشورت کنی و بعضی از علما ذکر کرده که سزاوار نیست که شخصی
استخاره کند در ادای فرایض و در ترک معاصی و مناهی بلکه
استخاره در امر مباح و ترک سنتی و اراده سنت دیگر است که
ممکن نباشد جمع میانه آنها اما نماز استخاره دو رکعتست بحمد و
سوره و از قنوت آنچه خواهد و چون سلام دهد بعد از حمد و
ثنای الهی و صلوات بر حضرت رسالت پناه و آل اطهار او صلوات
الله علیهم بگوید اللهم انی استخیرک بعلمک و قدرتک
و استخیرک بعزتک و اسئلک من فضلک فانک تقدر و
لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان
کان هذا الامر الذی عرض لی خیرا لی فی دنیای و آخرتی
فیسره لی و بارک لی فیه و اعنی علیه و ان کان شرا لی
فاصرفه عنی و اقض لی الخیر حیث کان و رضنی به حتی لا
احب تعجیل ما اخرت و لا تاخیر ما عجلت یا ارحم الراحمین
و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین اما دعای استخاره از ائمه
طاهرین علیهم السلام روایت کرده که استخاره نمیکند بنده
هفتاد بار باین دعا مگر آنکه هدایت میکند حق سبحانه و تعالی
او را بآنچه خیر اوست در آن یا ابصر الناظرین و یا اسمع السامعین
و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین و یا احکم الحاکمین
صل علی محمد و آله و خر لی فی کذا و کذا و در لفظ کذا و
کذا حاجت خود را قصد کند و همچنین خواندن دعای استخاره
از صحیفه کامله از لوازم است طریق استخارات و آن بسیار است
از آنجمله استخاره بقرآن مجید است باید که استخاره کننده وضو

بسازد دو رو بقبله بنشیند و هر یک از سوره حمد و آیة الکرسی و سوره قدر و آیه و عنده مفاتح الغیب را یکبار بخواند و ده بار صلوات بفرستد بعد از آن بگوید اللهم انی توکلت علیک و تفألت بکتابک فارنی ما هو المکنون فی سرک المخزون فی غیبک اللهم ارنی الحق حقا حتی اتبعه و ارنی الباطل باطلا حتی اجتنبه برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن قرآن را بگشاید و از صفحه دست راست جلاله بشمارد و بعدد جلاله از جانب چپ ورق بشمارد پس بآن عدد سطر از صفحه چپ بشمارد و بعد از آن از سطر آخر هرچه مضمون آیه باشد عمل کند طریق دیگر ابن فهد در کتاب موجز ذکر کرده که نیت کن و مصحف را بگشا و نظر بسطر اول آن کن و مضمون آیه را عمل نمای و از اجمله استخاره ذات الرقاع است مرویست از حضرت صادق علیه السلام که چون اراده امری کنی بنویس بر شش پاره کاغذ که بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة و در لفظ فلان بن فلانة اسم خود و مادر خود را بنویس بعد از آن بر سه تای آن افعل و بر سه دیگر لا تفعل بنویس و کاغذها را در زیر سجاده بگذار و دو رکعت نماز بگذار و بعد از سلام بسجده کن و صد بار بگو استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة آنگه بنشین و یکبار بگو اللهم خر لی و اختر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة بعد از آن دست در زیر سجاده کن و رقعها را برهم زن و یکی یکی از آنها را بیرون آور پس اگر سه رقعه از پی هم افعل بیرون آید آن کار را بکن و اگر سه لا تفعل بیرون آمد آن کار را مکن و اگر یکی افعل و یکی لا تفعل آید پس تا پنج رقعه برآرد و آنچه

اگر آنست

اگر آنست عمل بآن کن و احتیاج ببر آوردن رقعه ششم نیست طریق دیگر در کتاب کافی از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت شده که بعض اصحاب خود فرموده اند که در کارها مشورت کن با خدای تعالی باین روش که در دل قصد آن مطلب کن پس بنویس در پاره کاغذی لا و در پاره نعم و در هر یک از آن رقعها را جدا کانه در میان بندقه گل پاک بگذار و در زیر دامن خود یا زیر سجاده نماز بگذار آنگه دو رکعت نماز کن و چون فارغ شوی بگو اللهم انی اشاورک فی امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر فاشر علی بما فیه صلاح و حسن عاقبة بعد از آن یکی از آنها را بیرون آور و عمل بما یعنی اگر نعم بر آید بکن و اگر لا بر آید مکن و از اجمله استخاره بتسبیح است در مصباح از حضرت صاحب الزمان علیه السلام روایت کرده کرده بار یا سه بار یا یکبار سوره حمد بخوان بعد از آن ده بار سوره قدر و سه بار این دعا بخوان اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور و استشیرک لحسن ظنی بک فی المامول و المحذور اللهم ان کان الامر الفلانی و نام ببر مطلب را مما قد نیطت بالبرکة اعجازه و بوادیه و حفت بالکرامة ایامه و لیالیه فخر لی اللهم فیه خیرة ترد شموسه ذلولا و تقعض ایامه سرورا اللهم اما امر فاتمر و اما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک برحمتک خیرة فی عافیة پس نیت کن و قطعه از تسبیح را بگیر و بشمار اگر عدد آنها طاق باشد آن کار را بکن و اگر جفت باشد مکن و از اجمله استخاره با نفس خود و برادران مؤمن است از بعضی ثقات مرویست که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم که گاهی اراده کاری میکنم و متردد میشوم در کردن و

نکردن آن پس آنحضرت فرمود که چون چنین حالتی بهم رسانی دو
رکعت نماز کن و چون فارغ شوی صد بار بگو استخیر الله فی
عافیة بعد از آن بر هر یک از طرفین که جزم کردی با آن عمل کن و
فرمود که در استخاره باید طلب عافیت کنی یعنی فی عافیة را با
استخیر الله بگوئی چه بسیار هست که خیر شخصی در بریدن دست
او یا در مرگ فرزندان او و رفتن مال او باشد اما اینها عافیت
نیست ابن فهد در کتاب موجز ذکر کرده که اینکس باید مشوره
کند با بعضی از برادران صاحب شعور و صاحب رای خود و طلب
خیر نماید از او پس آنچه جاری شود بر زبان او با آن عمل کند اما
مشاوره با مردم بعد از استخاره با جناب مقدس الهی است چه
در روایات ائمه طاهرین علیهم السلام صریحاً نهی واقع شده
از مشاوره کردن با احدی قبل از مشاوره کردن با خدای تعالی
و راوی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که چون
شخصی اراده کاری کند باید مشوره نکند با کسی تا آنکه مشوره کند
با خدای تعالی پس چون اول مشوره با خدا کند جاری میسازد
خدای تعالی بر زبان آنکس نیز خیر را و راوی دیگر نیز از آنحضرت
علیه السلام روایت کرده که خدا فرموده است که بدبخت بنده است
آنکه کاری کند و مشوره با من نکند ایضاً از آنحضرت علیه السلام
مرویست که کسی که بی استخاره شروع در کاری کند اگر نمی یابد و
خوبی نمی بیند پس از این احادیث ظاهر شد که اگر کسی بدون استخاره
کاری کند بیرون رفته است از ضمان خدای تعالی و بدی آن کار
از جانب اوست باب بیست و یکم در خواص سور و آیات و
حروف مقطعه اوایل سور و طریق ختم بعضی از آیات و سور و ادعیه

و بعضی

و بعضی از ادعیه و اذکار و آن مشتمل بر سه فاتحه است فاتحه
اول در خواص آیات و حروف مقطعه اوایل سور و آن بیست و
است آیة الحجاب آیات حجابست در عدة الداعی مذکور است که
هر گاه کسی اینها را بخواند حق سبحانه و تعالی او را از نظر دشمن
پنهان ساخته نگاه دارد چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله خواند و از نظر دشمنان خود پنهان شد در قول خدای تعالی
که فرموده و اذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا
یؤمنون بالآخرة حجاباً مستوراً و آن آیه است دیگر در سوره
کهف است که و من اظلم ممن ذکر بآیات ربه فاعرض
عنها و نسی ما قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه و فی آذانهم وقراً و ان تدعهم الی الهدی
فلن یهتدوا اذاً ابداً دیگر در سوره نحل است اولئک الذین
طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و ابصارهم و اولئک هم الغافلون
دیگر در سوره جاثیه است افرأیت من اتخذ الهه هواه و
اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره
غشاوة فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون و از آنجمله
آیات کفایاست شیخ ابن فهد در عدة الداعی از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله روایت کرده که کسی که بخواند از اول سوره بقره
تا مفلحون و آیة الکرسی تا خالدون و سه آیه از آخر سوره بقره
که لله ما فی السموات و ما فی الارض تا آخر سوره بخواند نخواهد
دید در نفس خود و مال خود چیزی که مکروه او باشد و نزدیکی نمیکند
با او شیطان و فراموش نمیکند قرآن را ایضاً صاحب جنة الواقیه
از کتاب دلایل ذکر کرده که محمد بن علی الشریف العلوی را رسیده

بود باو همی و غمی و برطرف شده بود مال و جاه او و دیده بود باو
ترس و خوفی عظیم از پادشاه پس دید در خواب حضرت رسول صلی
الله علیه و آله را پس شکایت کرد و عرض نمود احوال خود را بان
حضرت پس آنحضرت صلعم از روی مرحمت باو فرمود که بخوان این
شش ایه را با جوابها که در عقب انها مذکور شده در هر شدتی
و بلائی بدرستی که الله تعالی میکرداند از برای تو در ان بلاها
فرج و مفر و برمیکرداند بسوی تو بسبب ان ایات مال و جاه ترا
و قراءت میکند این ایات را صاحب غم و اندوه مگر انکه حق تعالی
او را فرج و فرح میدهد از ان غم و نمیخواند هیچ قرض داری مگر
انکه قرض او را ادا می نماید و قراءت نمیکند محبوسی مگر انکه خلاص
میکند او را شریف علوی نقل میکند که چون از خواب بیدار
شدم قراءت کردم این ایات را بعد از نماز صبح که در هنوز شخصی
از جانب پادشاه امد و مرا طلب کرد چون بخدمت پادشاه رفتم
کفت متوجه من شده و در باطن کمان میکنم که دعای بد بمن کرده
باشی بخدا قسم که نمیرسید از جانب من بتو هرکز بدی و خوفی بعد
از ان رد کرد بمن انچه از من کرفته بود با زیادتی از مال خود مجملا
انکه رسید بمن ببرکت این ایات خیر بسیار و ان ایات اینست
ایه اول الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه
راجعون جواب ایه اول اولئك علیهم صلوات من ربهم و رحمة
و اولئك هم المهتدون ایه دویم الذین قال لهم الناس ان
الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا
الله و نعم الوکیل جواب ایه دویم فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم
یمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم

ایه سیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه
فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی کنت
من الظالمین جواب ایه سیم فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلك
ننجی المؤمنین ایه چهارم و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر
و انت ارحم الراحمین جواب ایه چهارم فاستجبنا له فکشفنا ما به من
ضر و اتیناه اهله و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکری
للعابدین ایه پنجم و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
جواب ایه پنجم فوقیه الله سیئات ما مکروا و حاق بآل فرعون
سوء العذاب ایه ششم و الذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا
انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الذنوب
الا الله و لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون جواب ایه ششم اولئك
جزاؤهم مغفرة من ربهم و جنات تجری من تحتها الانهار
خالدین فیها و نعم اجر العاملین خواص این ایه در بعضی کتب معتبره
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر که بخواند
این ایات را که مذکور میشود و یا انکه بنویسد و با خود دارد کفایت
میکند او را از هر امری و غاهیتی و اکر تمام دنیا شمشیر باشد ضرر بر خواننده
و دارنده ان نمیرسد و ان نه ایه است ایه اول قل لن یصیبنا الا
ما کتب الله لنا هو مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون ایه دویم و
ان یمسسك الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یردك بخیر
فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور
الرحیم ایه سیم و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم
مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین ایه چهارم و کاین
من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها و ایاکم و هو السمیع العلیم

ایضاً ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها و ما یمسک فلا
مرسل له من بعده و هو العزیز الحکیم ایضاً قل افرایتم ما
تدعون من دون الله ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره
او ارادنی برحمة هل هن ممسکات رحمته قل حسبی الله علیه
یتوکل المتوکلون ایضاً حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم و امتنع بحول الله و قوته من حولهم و
قوتهم و استشفع برب الفلق من شر ما خلق و اعوذ بما شاء
الله لا قوة الا بالله ایضاً الذین قال لهم الناس ان الناس قد
جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم
الوکیل ایضاً انی توکلت علی الله ربی و ربکم ما من دابة الا هو
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم و از انجمله آیات حفظ
و حراست است هر کس این آیات که مذکور میشود بخواند یا بنویسد
و با خود دارد در حفظ و امان خدای تعالی خواهد بود و آیات
اینست و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم فالله خیر حافظا
و هو ارحم الراحمین له معقبات من بین یدیه و من خلفه
یحفظونه من امر الله ان ربی علی کل شیء حفیظ انا نحن نزلنا
الذکر و انا له لحافظون و حفظناها من کل شیطان رجیم و
حفظا من کل شیطان مارد ان کل نفس لما علیها حافظ ان
بطش ربک لشدید انه هو یبدئ و یعید و هو الغفور الودود
ذو العرش المجید فعال لما یرید هل اتیک حدیث الجنود فرعون
و ثمود بل الذین کفروا فی تکذیب و الله من ورائهم محیط
بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ و از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام روایت شده که هر کس طلب محافظت نماید باید این

از آیات قرآن مجید و از مشرق تا مغرب برود محافظت کرده میشود
هرگاه از روی یقین باشد و از انجمله آیات شفاست مرویست که چون
بیماران را بنویسند بر ظرفی و بشویند و بخورد شفا می‌یابد از هر علت
و مرض و آیات اینست و یشف صدور قوم مؤمنین و شفاء
لما فی الصدور یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للناس و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
و اذا مرضت فهو یشفین قل هو للذین آمنوا هدی و شفاء
ذلک تخفیف من ربکم و رحمة الآن خفف الله عنکم
یرید الله ان یخفف عنکم یا نار کونی بردا و سلاما علی
ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین الم تر الی
ربک کیف مد الظل و لو شاء لجعله ساکنا و له ما
سکن فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و از انجمله آیات چند است در فواید متفرقه
فایده اول هر کس بیک مجلس هزار و هشتاد بار بخواند که و الهکم
اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم او را عزت و تقرب نزد
سلاطین بهم رسد و اگر ورد کند هرگز نامراد نشود فایده دیگر
نقل کرده که هر کس خاتمی بسازد از نقره و وقتی که آفتاب در برج اسد
باشد آیه مذکوره را بر آن نقش کند و بر نگین آن مداومت نماید همه
خلق مغلوب و مطیع وی شوند و کسی بر او غالب نشود و بعضی برآنند
که در ساعت اول تحویل شمس ببرج اسد باید که نقش شود فایده
دیگر بجهت بر آوردن مقاصد و حصول حوایج و آواره کردن عدو
و شفای بیمار هزار و سیصد و سه بار بخواند بیک مجلس که فالله
خیر حافظا و هو ارحم الراحمین فایده دیگر برای حصول حوایج

وهلاك دشمن ورفع خوف وعقد اللسان هزار ویکبار بخواند
إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ **فایده دیکر** برای الفت
ووسعت رزق وطلب جاه هزار ویکبار اَللهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ
يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ **فایده دیکر** برای برامدن
مطالب کلی دوازده هزار بار بخواند بیک مجلس که أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ
إِذَا دَعَاهُ در ان هفته بمقصود رسد **اما** حروف مقطعه
اوایل سور **بدانکه** در خواص ابن تیمی مذکور است که هرکه مجموع
حروف مقطعه اوایل سور قران را بر نکین نقره یا عقیق نقش کند
بساعت سعد وبان تختم نماید مقبول ومحبوب خلایق کردد
وصاحب در النظیم کفته که اکر حکاک روز پنجشنبه وجمعه
روزه بدارد ودر ساعت اول روز جمعه غسل کند وجامه پاک
بپوشد وبخور لایق بسوزاند وان حروف را نقش کند تا بشرش
در انچه ذکر شد اتم واقوی خواهد بود **ایضا** در در النظیم
مذکور است که هرکه حروف الم الم المص الر کهیعص طه طسم طس
طسم یس ص حم حمعسق ق ن را بر خاتم نقره نقش کند در روز پنجشنبه
اول ماه رجب وانرا در انکشت کند اکر خایف باشد از جباری
وظالمی ایمن شود وحامل ان اکر بر سلطانی در اید بنظر وی بزرک
نماید ومهابت وی در دل ان سلطان اثر کند وهر حاجتی که ازو
خواهد بروفق مراد براورد واکر این خاتم را در دهن کیرد عطش را
زایل کرداند واکر یک شبانه روز در اب نهد وان کداردو از اب را
ناشتا بخورد قوت حافظه زیاد کند واکر بر مصروعی بندد افاقت
نماید **فایده دیکر** در طریق ختم بعضی از ایات وسور قرانی **از جمله**
طریق ختم سوره مبارکه انعام است مرویست که هرکه را حاجتی

باشد وخواهد که زود بمقصود رسد روز یکشنبه میان نماز ظهر
وعصر سوره انعام را بخواند باین طریق که اول هر یک از سوره
فاتحه وسوره توحید را سه بار بخواند وسه بار صلوات بفرستد
ویازده بار بکوید أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ
وبعد از ان شروع بخواندن سوره نماید وچون به وَذَلِكَ الْفَوْزُ
الْمُبِينُ رسد باز یازده بار أُفَوِّضُ أَمْرِي را تا اخر بکوید وچون
به أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ بار همین را یازده بار بکوید وچون به كُلًّا
فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ رسد باز یازده بار بکوید رَبَّنَا آتِنَا فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أَسْأَلُكَ
بِعِزَّةِ هَؤُلَاءِ الْأَنْبِيَاءِ وَبِعِزَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ
تَقْضِيَ حَاجَتِي يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وچون به إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
لِلْعَالَمِينَ رسد چهل ویکبار بکوید اَللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ وبعد از ان چهل ویکبار بکوید اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وچون بمِثْلَ مَا
أُوتِيَ رُسُلُ اللهِ رسد این دعا را بخواند إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ
فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي اسْتَجَارَكَ فَلَمْ تُجِرْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي اسْتَعَانَكَ
فَلَمْ تُعِنْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَكَ فَلَمْ تَنْصُرْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي
تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَلَمْ تَكْفِهِ وَمَنْ ذَا الَّذِي اسْتَغَاثَ بِكَ فَلَمْ
تُغِثْهُ وَاغَوْثَاهُ وَاغَوْثَاهُ وَاغَوْثَاهُ بِكَ أَسْتَغِيثُ اَللَّهُمَّ
أَغِثْنَا يَا مُغِيثُ وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ فَإِنَّكَ
أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَاسْتَجِبْ دُعَاءَنَا وَاشْفِنَا
شِفَاءً عَاجِلًا أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي يَا
قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وچون به وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ رسد سه بار

بگوید و انا الفقیر ذو الحاجة و چون سوره را تمام کند دوازده
بار صلوات بفرستد و یازده بار این دعا را بخواند ربنا آتنا من
لدنک رحمة و هیئ لنا من امرنا رشدا اللهم یا سریع الحسنات
یا شدید العقاب یا غفور یا رحیم یا فالق الحب و النوی یا
فالق الاصباح یا بدیع السموات و الارض یا مسبب الاسباب
یا مفتح الابواب یا مجیب الدعوات یا مقیل العثرات یا دافع
البلیات یا نور الارض و السموات و اقض حاجاتی و اکف
مهماتی بحق القرآن العظیم و الرسول الکریم و عترته الطاهرین
و سلم علیه و علیهم یا قاضی الحاجات پس سر بسجده بگذارد
و بگوید اللهم قلبی محجوب و عقلی مغلوب و نفسی معیوب
و لسانی مذموم فاغفر لی ذنوبی یا غفار الذنوب یا ستار
العیوب یا شدید العقاب یا غفور یا رحیم برحمتک یا ارحم
الراحمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و حاجت خود
را بخواهد که انشاء الله تعالی برآورده میشود و در بعضی کتب
چنین مذکور است که سوره انعام را چهل و یکبار در یک مجلس
بخواند و اگر نتواند در چهل روز هر روز یکبار بخواند با دعائی
که مذکور شد و اما طریق ختم سوره مبارکه یس است جهت امور
دینیه و دنیویه منقولست که قبل از شروع در تلاوت و بعد از
نیت این دعا بخواند اللهم انک جعلت فی سورة یس الف
شفاء و الف دواء و الف برکة و سمیتها علی لسان نبیک
محمد صلی الله علیه و آله لصاحبها خیر الدنیا و الآخرة
تدفع عنا کل سوء و بلیة و تقضی لنا الحاجة فی الدنیا
و الآخرة انک علی کل شیء قدیر پس شروع در تلاوت کند

و بعد از بسم الله هفت بار بیک نفس یس بگوید و چون آیه فاغشیناهم
فهم لا یبصرون بخواند بگوید یا من نوره فی ستره و ستره فی نوره
استرنی عن عیون الناظرین و الحاسدین و الباغین و چون آیه
ذلک تقدیر العزیز العلیم را بخواند بگوید اللهم بفضلک
الواسع الشامل اغننی عن جمیع خلقک و چون آیه سلام قولا
من رب رحیم را بخواند مطلب خود را قصد کند و اولی آنست
که این آیه را شانزده بار تکرار کند و قصد مطلب کرده بگوید
اللهم سلمنی من آفات الدنیا و الآخرة و اقض حاجاتی و
چون آیه علی ان یخلق مثلهم را بخواند بسجده رفته بگوید بلی
بلی قادر ان یقضی حاجتی و حاجت خود را بخواهد و چون سوره
را تمام کند دعائی که در اول ذکر شد بخواند آنگاه بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله انی اخذت انصارکم
بنصر الله بنصرکم الله و اخذت السنتکم بکتاب الله و اخذت
قوتکم بعون الله و قوته و استترت من الجبابرة و الفراعنة
و الملوک الطاغیة و جعلت جبرئیل عن یمینکم و میکائیل
عن یسارکم و اسرافیل عن خلفکم و محمدا صلی الله علیه
و آله امامکم و الله یطلع بمنعکم عنی و عن اهلی و مالی و
ولدی و یحول بینی و بینکم ما تریدون بی السوء و یحرص عنکم
بکهیعص و حمعسق و یس و القرآن الحکیم و صلی الله علی خیر
خلقه محمد و آله اما شرایط ختم سوره یس بدانکه علمای جفر
اکثر بر آنند که اسم اعظم درین سوره است و شرط در خواندن
آنست که با طهارت و رو بقبله باشد در مکان پاک و جامه پاک
پوشیده بحضور قلب متوجه تلاوت شود و در سه موضع که

محل اشاره است بمقاصد خود چون باین مواضع رسد بصدق درست وحضور قلب مطلب را بخاطر بگذراند که بی شائبه شک وشبهه مراد حاصل میشود واین مواضع اول فی امام مبین است ودوم فی فلک وسیم سلام قولا من رب رحیم است وبعضی از اکابر فرموده اند که هفت لفظ مبین درین سوره است دو را بحساب نگیرد که عدو مبین وخصیم مبین است وپنج دیگر را بخنصر دست راست ابتدا کند وبهر لفظ مبین انگشتی را عقد نماید وبر ابهام ختم کند ودر گشودن از ابهام بگشاید پس از خنصر پس از مسبحه پس از بنصر وبر وسطی ختم کند ودر گشودن فاتحه وآیة الکرسی وسوره توحید بخواند که مقصود حاصل میشود وبعد از تمام سوره این دعا را بخواند سبحان المفرج عن کل محزون سبحان المنفس عن کل مدیون سبحان من جعل خزائن علمه بین الکاف والنون سبحانه سبحانه سبحانه انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون یا مفرج الهم فرج سه بار بگوید یا فارج الهم ویا کاشف الغم فرج همومنا واکشف غمومنا واهلک عدونا بقدرتک یا اقدر القادرین وارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انا نسئلک رزقا واسعا طیبا مبارکا من غیر کد ونسئلک عملا مشکورا من غیر رد ونعوذ بک من الفضیحتین من الفقر والدین برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین واز جمله طرق ختم سوره انا فتحنا است بسند صحیح منقولست که ختم سوره فتح در ماه مبارک

رجب

٢ کل م

٢ سبحان المنفس عن کل مسجون [illegible] سبحان من لم [illegible] کان قبل ان یکون م

رجب وشعبان ورمضان اولی است وچون کسی خواهد که این ختم را بکند باید که اول غسل کند وصدقه بدهد وروز شنبه شروع کند وسه طریق در ختم این سوره مبارکه منقول است صغیر وکبیر ومتوسط اما طریق صغیر چنان است که روز شنبه پنج بار بخواند ویکشنبه نیز پنج بار بخواند وهمچنین تا روز جمعه وروز جمعه یازده بار بخواند که در تمام هفته چهل ویکبار خوانده شود وعمل آورنده این ختم باید در حین عمل با طهارت باشد ودر اثنای قراءت در مکانی باشد که کسی او را نبیند وبا احدی تکلم نکند وهر بار که بآیه فتحا قریبا رسد این دعا را بخواند ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم لک الدنیا والآخرة تعطی من تشاء وتمنع عن من تشاء اللهم غنی فاغننی من الفقر والعیلة واقض دینی ووفقنی فی عبادتک وارزقنی جهادا فی سبیلک برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اسئلک بکلماتک ومعاقد عرشک وسکان سمواتک وانبیائک ورسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسر فاسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی من امری فرجا ومخرجا ومن العسر یسرا بفضلک ورحمتک یا ارحم الراحمین مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک نستعین وهر بار که سوره تمام شود سوره اذا جاء والم نشرح وسوره کافرون وتوحید ومعوذتین را هر یک یکبار بخواند وبعد از آن این دعا بخواند یا من اذا تضایقت الامور یفتح لها بابا لا تصل الیه الاوهام ضاقت علی اموری فافتح لی بابا لا یصل الیه وهمی انک علی ذلک قدیر و

بالاجابة جديرٌ اللهمّ افتح لنا ابواب رحمتك يا رحمن و
ابواب لطفك يا لطيف و ابواب كرمك يا كريم و ابواب
رزقك يا رزاق و ابواب فتحك يا فتاح الهي بحق انا فتحنا
لك فتحاً مبيناً و بحق ينصرك الله نصراً عزيزاً و بحق انا
ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً و بحق سراجاً منيراً و بحق
وحلوا اساور من فضة و سقيهم ربهم شراباً طهوراً الهي يا
مفتح فتح يا مسبب سبب و يا مسهل سهل و يا مفرج فرج
و يا مكرم كرم نصرٌ من الله و فتحٌ قريبٌ و بشر المؤمنين
يا راحم المساكين و يا غافر المذنبين و يا غياث المستغيثين
و يا اله العالمين و يا خير الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين
و بحق سيد المرسلين محمد و اله الطاهرين و در عمر خود جمعه
هر روز بعد از ين دعا هر يك از سوره توحيد و معوذتين و
لايلاف را سه بار و اية الكرسی تا خالدون و اية و ان يكاد را
يكبار بخواند انگاه اين دعا را بخواند كه اللهم انت خلقتنی
و لم اك شيئاً و علمتنی و لم اعلم شيئاً و رزقتنی و لم املك شيئاً
ربنا انی ظلمت نفسی و ارتكبت المعاصی و انا مقر بذنوبی
الهی و ان غفرتنی فلا ينقص من ملكك شیءٌ و ان عذبتنی فلا
يزيد فی سلطانك شیءٌ تجد من تعذبه غيری و لا اجد من
يرحمنی غيرك اسئلك بعزتك ان تغفر لی و ترحمنی و ترزقنی
و تهديني و تعطينی و تقضينی حاجاتی يا ارحم الراحمين
بعد از ان حاجات خود را بخواهد كه انشاء الله تعالی باجابت
مقرون خواهد شد و اصحاب ختم طريق ديگر ذكر كرده اند كه
ان چنانست كه روز شنبه ابتدا كند و يكبار بخواند و روز يكشنبه

دوبار

دوبار و همچنين هر روز يكبار زياد كند تا روز جمعه هفت بار بخواند
و چون بفتحاً قريباً اول رسد دعائی كه در فتحاً قريباً مذكور شد
تا برحمتك يا ارحم الراحمين اول بخواند و چون بفتحاً قريباً
دويم رسد اين دعا بخواند ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق
و انت خير الفاتحين و چون محمدٌ رسول الله رسد مطلب خود
را در دل بگذراند و چون سوره را تمام كند دعای يا من اذا
تضايقت الامور را كه مذكور شد تا و بالاجابة جدير بخواند
انگاه بگويد تحصنت بذی الملك و الملكوت و اعتصمت
بجزر الله و حفظ الله و امان الله من شر البرية اجمعين
بحق كهيعص و حمعسق لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظيم اما طريق ختم متوسط چنان است كه روز شنبه افتتاح كند
و يكبار بخواند و روز يكشنبه دو بار و همچنين هر روز يكی زياد
كند تا چهل و يكروز كه امروز چهل و يكبار بخواند و روز اول
و دهم و بيستم و سی ام و چهلم و چهل و يكم روزه بدارد و غسل
كند و افطار بشيرينی كند و نصيب درويشان بدهد و هر بار
كه سوره را تمام كند سوره اذا جاء نصر الله بخواند و بعد از ان
دعای يا من اذا تضايقت الامور را تا اخر بخواند و مطالب
خود را بدرگاه حضرت قاضی الحاجات عرض نمايد كه روا شود
اما طريق ختم كبير انست كه روز شنبه افتتاح كند و چهل و يكروز
هر روز چهل و يكبار بخواند و در باقی اداب و ادعيه ان مثل
ختم متوسط است و از انجمله طريق ختم سوره اذا وقعت است مرويست
كه هر كه خواهد كه توانگر شود و وسيع روزی گردد بايد كه سوره
الواقعه را چهل روز بخواند باين طريق كه روز چهارشنبه وقت

نماز عصر غسل کند و بعد از ادای نماز یکبار بخواند سوره واقعه
را و روز پنجشنبه بعد از نماز عصر دو بار و باین روش هر روز
یکبار زیاد کند تا روز چهلم چهل بار بخواند بنحوی که قبل از
غروب از قراءت فارغ شود و اگر خوف ضیق وقت داشته
باشد قبل از نماز عصر شروع بتلاوت کند و چون چنین کند
حق سبحانه و تعالی مال بسیاری باو عطا کند از جائی که او
گمان نداشته باشد و تمام آن از وجه حلال باشد و بسند معتبر مرویست
که هر که مداومت کند بخواندن سوره واقعه بعد از نماز عشا
فراخ روزی گردد و در میان نماز مغرب و عشا نیز گفته اند و
بعضی بعد از مغرب را برای امور دنیا گفته اند و بعد از عشا
را برای آخرت و باید که چون سوره را تمام کند این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ یا مُسَبِّبَ الاَسْبابِ یا مُفَتِّحَ الاَبْوابِ اِفْتَحْ لَنَا الاَبْوابَ
وَیَسِّرْ عَلَیْنَا الْحِسابَ اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ رِزْقی فِی السَّماءِ فَاَنْزِلْهُ
وَاِنْ کانَ فِی الاَرْضِ فَاَخْرِجْهُ وَاِنْ کانَ بَعیداً فَقَرِّبْهُ وَاِنْ کانَ
قَریباً فَیَسِّرْهُ وَاِنْ کانَ یَسیراً فَکَثِّرْهُ وَاِنْ کانَ کَثیراً
فَخَلِّدْهُ وَاِنْ کانَ مُخَلَّداً فَطَیِّبْهُ وَاِنْ کانَ طَیِّباً فَبارِکْهُ
لی اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
اَجْمَعینَ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
و از انجمله طریق ختم سوره حدید است باین طریق که اول دو رکعت
نماز حاجت بگذارد و بعد از آن صد بار صلوات بفرستد و
بهر مطلبی که خواهد هفت بار بخواند و هر مرتبه نیت کند که بجهة
مطلب میخواند و بعد از اتمام هفت مرتبه این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ یا ذَا الْعَرْشِ الْکَریمِ وَالْمُلْکِ الْقَدیمِ وَالْعَطایَا الْعَمیمِ

وَالصِّراطِ الْمُسْتَقیمِ یا مُرْسِلَ الرِّیاحِ یا فالِقَ الاِصْباحِ یا ذَا
الْجُودِ وَالسَّماحِ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ
یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا رَحیمُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ یا حَیُّ یا قَیُّومُ
یا ذَا الْجَلالِ وَالاِکْرامِ اِرْحَمْ ذُلّی وَفَقْری وَفاقَتی وَانْفِرادی
وَخُضُوعی لَدَیْکَ وَخُشُوعی بَیْنَ یَدَیْکَ وَاعْتِمادی عَلَیْکَ رَبِّ
سَهِّلْ عَلَیَّ کُلَّ عَسیرٍ وَامْنَعْ عَنّی شَرَّ کُلِّ ظالِمٍ وَحاسِدٍ وَآفَةٍ
وَعاهَةٍ وَمَرَضٍ وَشِدَّةٍ وَبَلاءٍ وَطاعُونٍ وَزَلْزَلَةٍ وَمِحْنَةٍ وَ
کُلِّ عِلَّةٍ وَبَلِیَّةٍ یا سُبُّوحُ یا قُدُّوسُ یا رَبَّ الْمَلٰئِکَةِ وَالرُّوحِ وَ
صَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرینَ و از انجمله طریق ختم سوره فاتحة الکتاب
است چهل و یکروز هر روز چهل و یکبار بخواند و در وقت قراءت سخن
دیگر نگوید و ایام را قطع نکند و بعد از اتمام سوره هر بار بگوید
یا مُفَتِّحُ فَتِّحْ یا مُفَرِّجُ فَرِّجْ یا مُسَبِّبُ سَبِّبْ یا مُسَهِّلُ سَهِّلْ یا مُیَسِّرُ یَسِّرْ
یا مُتَمِّمُ تَمِّمْ و از انجمله طریق ختم سوره قدر است در کتاب طریق النجاة
مذکور است که از حضرت جواد علیه السلام مرویست که هر که سوره
انا انزلناه را در هفت وقت از اوقات شبانه روز هفتاد و شش بار
بخواند باین قسم که هفت بار بعد از طلوع فجر و قبل از نماز صبح و ده
بار بعد از نماز صبح و ده بار نزد زوال آفتاب قبل از نافله ظهر و
بیست و یکبار نزد نوافل زوال و ده بار بعد از عصر و هفت بار
بعد از عشا و یازده بار نزد رفتن بفراش خدای تعالی می آفریند
برای او هزار فرشته که استغفار می کنند و می نویسند ثواب آنرا
بنی و شش هزار سال و مضاعف میسازد حق تعالی بر استغفار
ایشان حسنات او در دو هزار سال و بروایتی دیگر از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که هر که سوره قدر را سی بار بخواند بعد از صبح

ده بار و نزد زوال آفتاب ده بار و بعد از عصر ده بار تا مقدار ثواب
می یابد که دو هزار فرشته در سی سال بنویسند و از آنجمله ختم سوره
یونس است در دعوات میر محمد باقر داماد ره مذکور است که باید
بیست و یکبار بخواند در یک هفته که هر روز سه بار باشد و بعد
از سه بار که تلاوت یکبار دعای دفع مکاره از صحیفه کامله بخواند
و اگر تواند در یک روز بیست و یکبار را بخواند و ختم را تمام کند
و در آخر دعای مذکور را بخواند و برای هر مطلب که باشد عدد
همین است اما اگر مطلب وسعت رزق باشد در روز پنجشنبه افتتاح
کند و اگر در یک روز تمام کند و اگر در هفته و اگر مطلب دفع دشمن
باشد روز سه شنبه و برای عزت و رفعت روز یکشنبه و برای
تحصیل علوم شنبه و برای کدخدا شدن روز جمعه و از آنجمله طریق
ختم سوره احزاب است از برای دفع دشمن بیست و یک روز است
و بروایتی بیست و سه روز و هر روز سه بار باید خواند و ابتدا
از روز یکشنبه باید کرد و از آنجمله طریق ختم سوره تکاثر است از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره تکاثر را بهر مطلب
که خواهد بخانه خلوت رود و دویست و بیست و پنج بار بخواند
و بوی خوش بر آتش گذارد و بعد از آن هزار بار صلوات بفرستد
مراد حاصل شود و از آنجمله طریق ختم قرآن مجید است از ابن عباس مرویست
که هر کرا حاجتی باشد در عرض یک هفته قرآن را ختم کند باین طریق که
روز جمعه از اول قرآن تا آخر سوره مائده بخواند و روز شنبه از
سوره انعام تا آخر سوره توبه و روز یکشنبه از سوره یونس تا آخر
سوره مریم و روز دوشنبه از سوره طه تا آخر سوره قصص و
روز سه شنبه از سوره عنکبوت تا آخر سوره ص و روز چهارشنبه

از سوره

در روایت دیگر
از ابی طیفور و برای ختم احزاب
ز پیغمبر روایت کرده اصحاب
الحمد انعام یونس طه
عنکبوت زمر والنجم

از سوره زمر تا آخر سوره الرحمن و روز پنجشنبه از سوره واقعه
تا آخر قرآن بخواند و بعد از آن دعای ختم قرآن بخواند هنوز از مقام
خود بر نخواسته باشد که خدای تعالی مراد او را بر آرد و از آنجمله
ختم مشهور بختم احزاب است از حضرت صادق علیه السلام مرویست
از برای جمیع حوایج بخواند باین طریق که روز شنبه از اول قرآن
بخواند تا آخر سوره نسا و روز یکشنبه از سوره مائده تا آخر سوره
توبه و روز دوشنبه از سوره یونس تا آخر سوره نحل و روز سه شنبه
از سوره اسری تا آخر سوره فرقان و روز چهارشنبه از سوره شعرا
تا آخر سوره والصافات روز پنجشنبه از سوره ص تا آخر سوره حجرات
روز جمعه از سوره ق تا آخر قرآن بخواند و طلب حاجت نماید که بر
آورده میشود انشاء الله تعالی و از آنجمله ختم آیة الکرسی است و طریقه
قرائت چنان است که چون ابتدا بکلمه الله و ختم بر علی العظیم میشود
و این ده آیه است بهر آیه انگشتی عقد کند و ابتدا از خنصر دست
راست نماید و بابهام دست چپ ختم کند و در کلمه یشفع عنده ما
بین دو عین هر حاجتی که از اعمال خیر است در دل قصد نماید و
در یعلم ما بین ایدیهم میانه دو میم هر حاجت که از اعمال شر است
قصد کند و چون عقد تمام شود هر یک از سوره الم نشرح و توحید
را سه بار بخواند و ده بار صلوات بفرستد و حاجت خود را بخواهد
و در فتح انگشتان ابتدا از ابهام دست چپ نماید و ختم بر خنصر دست
راست کند و در وقت فتح هر انگشت سوره فاتحه یکبار بخواند بغایت
مجربست اما طریق ختم آیه و من یتق الله در باب سیزدهم در اعمال
طلب رزق مذکور شد فایده سیم در ختم بعضی از ادعیه و اذکار
از آنجمله طریق ختم کلمه طیبه لا اله الا الله است از حضرت صادق

علیه السلام منقول است که کلمه طیبه را از روز شنبه تا روز جمعه
هشتاد و یکهزار بار بگوید و روز جمعه که ختم را تمام کند در ان روز
غسل کند و جامه پاک بپوشد و چهار رکعت نماز بدو سلام بگذارد
و در هر رکعت بعد از فاتحه صد بار ایاک نعبد و ایاک نستعین
بگوید هر حاجت که داشته باشد بخواهد روز شنبه دوازده
هزار بار بگوید و بعد از ان هر روز یازده هزار بار و پانصد تا
روز جمعه **و از انجمله** طریق ختم دعای دفع مکاره صحیفه کامله است
شیخ کفعمی از ائمه طاهرین علیهم السلام روایت کرده که هر کرا
حاجتی باشد تا ده روز هر روز ده بار این دعا را بعد از نماز
صبح بخواند و ابتدا از روز یکشنبه نماید حاجتش روا گردد
و اگر در ختم اول حاجت روا نشود بدستور بخواند تا سه بار که در
ختم سیم البته حاجت روا شود و مجربست **و از انجمله** طریق ختم
مناجات طلب رزق است که از حضرت جواد علیه السلام
مرویست و در باب سیزدهم مذکور شد در دعوات میر محمد باقر
داماد ره مذکور است که از اول ماه رجب شروع کند و هر روز
صد مرتبه تسبیح ان ماه را که در فصل سیم از باب یازدهم ذکر
شد بخواند و بعد از ان چهار صد بار سوره توحید و صد و سی
و چهار بار اللهم صل علی النبی الامی محمد و ال محمد و سلم
بگوید و بعد از ان مناجات مذکوره در باب سیزدهم را که اولش
اینست اللهم ارسل علی سجال رزقک را دوازده بار بخواند
و اگر ماه را سلخ نباشد یکروز از ماه شعبان را داخل کند تا
سی روز تمام شود **باب بیست و دوم** در احراز و الواح
و طلسمات و خواتیم که باید با خود داشت برای حفظ از محذورات

بعد از نماز صبح صد و یازده مرتبه جهت حوائج بخواند مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم
یا من لبس فی السموات
العلی الی منتهی قرار
نجوم الارضین
غیاث لاحد عند
شدة نزلت به
غیرک یا الله فرج
ما بنا و انجح طلبتنا
فانک اعرف بما
جائنا

و از انجمله حرز حضرت جواد علیه السلم است که در حدیث طویل
از انحضرت روایت شده و خلاصه مضمون حدیث انکه چون این
حرز با کسی باشد جان او از شرها و بلاها و مکروهات و افات
محفوظ باشد و اگر تمام لشکر روم و ترک بلکه تمام اهل زمین
بر وجمع شوند ضرری بوی نتوانند رسانید و اداب اینست که
اول لوله از نقره پاک بی غش بسازند و این دعا را بران نقش نمایند
که یا مشهورا فی السموات و یا مشهورا فی الارضین یا مشهورا
فی الدنیا و الاخرة جهدت الجبابرة و الملوک علی اطفاء
نورک و اخماد ذکرک فابی الله الا ان یتم نورک و یبوح
بذکرک و لو کره المشرکون و ان حرز را بر پوست اهوی
تهامه بنویسند و در میان ان لوله گذارند و در وقتی که قمر در
عقرب نباشد وضو بسازند و چهار رکعت نماز بگذارند و در
هر رکعت یکبار فاتحه و هر یک از ایة الکرسی و ایه شهد الله تا سریع
الحساب و سوره و الشمس و و اللیل و توحید را هفت بار بخوانند
و چون از نماز فارغ شوند ان لوله را بر بازوی راست ببندند و
حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
تا اخر سوره فاتحه الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض و
الفلک تجری فی البحر بامره و یمسک السماء ان تقع علی
الارض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحیم اللهم انت
الواحد الملک الدیان یوم الدین تفعل ما تشاء بلا مغالبة
و تعطی من تشاء بلا من و تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و
تداول الایام بین الناس و ترکبهم طبقا عن طبق اسألک
باسمک المکتوب علی سرادق المجد و اسألک باسمک المکنون

على سرادق السرائر السابق الفائق الحسن الجميل النضير رب
الملئكة الثمانية والعرش الذى لا يتحرك واسالك بالعين
التى لا تنام وبالحيوة التى لا تموت وبنور وجهك الذى لا
يطفا وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر وبالاسم الاعظم
الاعظم الذى هو محيط بملكوت السموات والارض وبالاسم
الذى اشرقت به الشمس واضاء به القمر وسجرت به البحور
ونصبت به الجبال وبالاسم الذى قام به العرش والكرسى
وباسمك المكتوب على سرادق العرش وباسمك المكتوب
على سرادق العظمة وباسمك المكتوب على سرادق البهاء
وباسمك المكتوب على سرادق القدرة وباسمك العزيز و
باسمائك المقدسات المكرمات المخزونات فى علم الغيب
عندك واسئلك من خيرك خيرا مما ارجو واعوذ بعزتك
وقدرتك من شر ما اخاف واحذر وما لا احذر يا صاحب
محمد ويا صاحب على يوم صفين انت يا رب مبير الجبارين
وقاصم المتكبرين واسالك بحق طه ويس والقران العظيم
والفرقان الحكيم ان تصلى على محمد وال محمد وان تشد عضد
صاحب هذا العقد وادرا بك فى نحر كل جبار عنيد وكل
شيطان مريد وعدو شديد وعدو منكر الاخلاق واجعله
ممن اسلم اليك نفسه وفوض اليك امره والجا اليك ظهره
اللهم بحق هذه الاسماء التى ذكرتها وقراتها وانت
اعرف بحقها منى واسئلك يا ذا المن العظيم والجود الكريم
ولى الدعوات المستجابات والكلمات التامات والاسماء
النافذات واسالك يا نور النهار ويا نور الليل ونور السماء

والارض ونور النور ونورا يضئ به كل نور يا عالم الخفيات
كلها فى البر والبحر والارض والسماء والجبال واسئلك
يا من لا يفنى ولا يبيد ولا يزول ولا له شئ موصوف ولا
اليه حد منسوب ولا معه اله ولا اله سواه ولا له فى
ملكه شريك ولا تضاف العزة الا اليه ولم يزل بالعلوم
عالما وعلى المعلوم واقفا وللامور ناظما وبالكينونية
عالما وللتدبير محكما وبالخلق بصيرا وبالامور خبيرا
انت الذى خشعت لك الاصوات وضلت فيك الاحلام
وضاقت دونك الاسباب وملاء كل شئ نورك ووجل كل
شئ منك وهرب كل شئ اليك وتوكل كل شئ عليك
وانت الرفيع فى جلالك وانت البهى فى جمالك وانت
العظيم فى قدرتك وانت الذى لا يدركك شئ وانت العلى
الكبير مجيب الدعوات قاضى الحاجات مفرج الكربات
ولى النعمات يا من هو فى علوه دان وفى دنوه عال وفى اشراقه
منير وفى سلطانه قوى وفى ملكه عزيز صل على محمد و
ال محمد واحرس صاحب هذا العقد وهذا الحرز وهذا
الكتاب بعينك التى لا تنام واكنفه بركنك الذى لا يرام
وارحمه بقدرتك عليه فانه مرزوقك بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله وبالله لا صاحبة له ولا ولد بسم الله قوى
الشان عظيم البرهان شديد السلطان ما شاء الله كان و
ما لم يشا لم يكن اشهد ان نوحا رسول الله وان ابرهيم
خليل الله وان موسى كليم الله ونجيه وان عيسى ابن مريم
صلوات الله عليه وعليهم اجمعين كلمته وروحه وان محمدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خاتَمُ النَّبِيِّينَ لا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ
السّاعَةِ الَّتِي يُؤْتى فِيها بِاِبْلِيسَ اللَّعِينِ يَوْمَ الْقِيمَةِ وَيَوم اللَّعِينُ
فِي تِلْكَ السّاعَةِ وَاللهِ ما اَنَا اِلّا مُهَيِّجُ مَرَدَةٍ اَللهُ نُورُ السَّمٰواتِ
وَالاَرْضِ وَهُوَ الْقاهِرُ وَهُوَ الْغالِبُ لَهُ الْقُدْرَةُ السّابِغَةُ
وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اَللّٰهُمَّ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الاَسْماءِ كُلِّها
وَصِفاتِها وَصُوَرِها وَهِيَ جاه مهه ٢ عه حب وصح هاه بو ٩١
هه ماع اح عحدحى ٩ رده مع لا ماحده لا اهر ه ٩ محده لما ما بع

ط ٨ ٨ ٦ ٧ ٨١ ٧ ١١ ط ١١١١ ١ ١١١ ١ ١٦ ٩ ١١١١ ١ ١ ٩ ٦ ٩ ١١١١ ك

ك ١١١١ ٩ ١ ٩ ١١١ ١١١ ٩ ٦ ١١ ٨ ١١١ ١١ ٨ ٦ ١

١ ٩ ١١ ١١ ١١١ ١١ ٩ ٧ ١١١١ ٧

ط ٩ ١ ٩ ١١ ط ط ١١ ٩ ١ ٩ ٩ ١ ٥ ك ١١١ ٦ م ع ك ك

٩ ١١١ ٧ ١١ ١١ ٠ ٧ ٧ ٧ ١ ١ ٥ ١ ٨

ط ١١ ٩ ٩ ط ط ١١١١ ٩ ١١ ٩ ٩ ١ ١ ١١ ٦ ٦ ٨ ٩ ٦ ٦ ٦ ٩ ٩ ٩ ٧ ١ ٦ ١ ٨ ١ ٨ ١ ١ ٨ ١١١١ ط

وَچُونْ اَرْقامْ مَذْكُورَه دَرْ دُو نُسْخَه مُخْتَلِفْ بِنَظَرِ صاحِبِ مُهَجِ الدَّعَواتْ
رَسِيدَه بِنابَرْ اِحْتِياطْ ضَبْطِ هَرْ دُو نُسْخَه نُمُودَه وَاِينْ صُورَتْ نِكَرارْ اَرْقامْ
سابِقَه بِنابَرْ نُسْخَه دِيكَرْ اَسْتْ

سبحان

سُبْحانَ الَّذِي خَلَقَ الْعَرْشَ وَالْكُرْسِيَّ وَاسْتَوى عَلَيْهِ اَسْئَلُكَ
اَنْ تَصْرِفَ عَنْ صاحِبِ كِتابِي هٰذا كُلَّ سُوءٍ وَمَحْذُورٍ فَهُوَ
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ وَاَنْتَ مَوْلاهُ فَقِهِ اللّٰهُمَّ
يا رَبِّ الاَسْواءَ كُلَّها وَاقْمَعْ عَنْهُ اَبْصارَ الظّالِمِينَ وَ
اَلْسِنَةَ الْمُعانِدِينَ وَالْمُرِيدِينَ لَهُ السُّوءَ وَالضَّرَّ وَادْفَعْ عَنْهُ
كُلَّ مَحْذُورٍ وَمَخُوفٍ وَاَيَّ عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِكَ اَوْ اَمَةٍ مِنْ
اِمائِكَ اَوْ سُلْطانٍ مارِدٍ اَوْ شَيْطانٍ اَوْ شَيْطانَةٍ اَوْ جِنِّيٍّ اَوْ
جِنِّيَّةٍ اَوْ غُولٍ اَوْ غُولَةٍ اَرادَ صاحِبَ كِتابِي هٰذا بِظُلْمٍ اَوْ
ضُرٍّ اَوْ مَكْرٍ اَوْ كَيْدٍ اَوْ خَدِيعَةٍ اَوْ نِكايَةٍ اَوْ سِعايَةٍ اَوْ
فَسادٍ اَوْ غَرَقٍ اَوِ اصْطِلامٍ اَوْ عَطَبٍ اَوْ مُغالَبَةٍ اَوْ غَدْرٍ اَوْ
قَهْرٍ اَوْ هَتْكِ سِتْرٍ اَوِ اقْتِدارٍ اَوْ آفَةٍ اَوْ عاهَةٍ اَوْ قَتْلٍ اَوْ
حَرَقٍ اَوِ انْتِقامٍ اَوْ قَطْعٍ اَوْ سِحْرٍ اَوْ مَسْخٍ اَوْ مَرَضٍ اَوْ سَقَمٍ اَوْ
بَرَصٍ اَوْ بُؤْسٍ اَوْ آفَةٍ اَوْ سَغَبٍ اَوْ عَطَشٍ اَوْ وَسْوَسَةٍ اَوْ نَقْصٍ اَوْ
دِينٍ اَوْ مَعِيشَةٍ فَاكْفِهِ بِما شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ اِنَّكَ
عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ
اَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ **وَاَزْ اَنْجُمْلَه** حِرْزِ حَضْرَتْ
اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلامْ اَسْتْ كِه دَرْ مَكارِمُ الاَخْلاقِ وَمُهَجُ
الدَّعَواتْ رِوايَتْ شُدَه كِه هَرْ كِه آنْرا باخُودْ دارَدْ اَزْ ضَرَرِ سِحْرْ وَ
صَرْعْ وَزَهْرْ وَسُلْطانْ وَشَيْطانْ وَدُزْدْ وَدَرَنْدَه وَكَزَنْدَه وَهَرْچِه
اَزْ آنْ ضَرَرِي بِاِنْسانْ تَواندْ رَسِيدْ مَحْفُوظْ شَوَدْ وَآنْ اِينَسْتْ
اي كنوش اي كنوش ارشش عنيطنيطح يا ميططرون فربا السون
ما و ما سا ما سوما طيطشا لوس حيطوش مشفقيش مشاصعوش

اوطيعيوش ليطفنكس هذا هذا وما كنت بجانب الغربي اذ
قضينا الى موسى الامر وما كنت من الشاهدين اخرج
بقدرة الله منها ايها اللعين بعزة رب العالمين اخرج
منها والا كنت من المسجونين اخرج منها فما يكون لك
ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصاغرين اخرج منها
مذموما مدحورا ملعونا كما لعن اصحاب السبت وكان
امر الله مفعولا اخرج يا ذوي المخزون اخرج يا سورا سور
بالاسم المخزون يا ميططرون طرعون مراعون تبارك الله
احسن الخالقين يا هيا شراهيا حيا قيوما بالاسم المكتوب
على جبهة اسرافيل اطردوا عن صاحب هذا الكتاب كل
جني وجنية وشيطان وشيطانة وتابع وتابعة وساحر و
ساحرة وغول وغولة وكل متعبث وعابث يعبث بابن
ادم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله
على محمد واله اجمعين

حمر حمر حمر حمر حمر حمر م م سرحه حلما اسل و سرحد اسل
وازانجمله حرز مشهور برقعة الجيب است كه در مهج الدعوات از
حضرت امام رضا عليه السلام روايت شده كه هركه اين حرز را
نگاه دارد در بغل خود مي باشد بلا از و دور و خواهد بود از
براي او حرزي از شيطان رجيم و حرز اينست بسم الله الرحمن
الرحيم بسم الله اني اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا او غير
تقي اخذت بالله السميع البصير على سمعك وبصرك لا

سلطان لك على ولا على سمعي ولا على بصري ولا على شعري
ولا على دمي ولا لحمي ولا مخي ولا على عصبي ولا على عظامي
ولا على مالي ولا على ما رزقني ربي سترت بيني وبينك
بستر النبوة الذي استتر انبياء الله به من سطوات الفراعنة
والفراعنة جبرئيل عن يميني وميكائيل عن يساري واسرافيل
عزرائي ومحمد صلى الله عليه واله امامي والله مطلع
على يمنعك مني ويمنع الشيطان مني اللهم لا يغلب جهله
اناتك ان يستفزني ويستخفني اللهم اليك التجات اللهم
اليك التجات اللهم اليك التجات وازانجمله در دعوات
مير محمد با فرداماد ره مذكور است كه هركه اين كلمات را با خود دارد
از جميع بليات فرج يابد و از همه غمها و المها و محنتها و خوف سلطان
وشر شيطان و آفت دزدان و از تير و شمشير و غرق و حرق ايمن
بماند بقدرة الله تعالى يا عماد من لا عماد له يا ذخر من لا ذخر
له يا سند من لا سند له يا غياث من لا غياث له يا حرز
من لا حرز له يا كريم العفو يا حسن التجاوز يا عظيم الرجا
يا منقذ الغرقى يا منجي الهلكى يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
انت الذي سجد لك سواد الليل وبياض النهار وضوء
القمر وشعاع الشمس ودوي الماء وحفيف الشجر يا الله
يا الله يا الله لا شريك لك يا رب برحمتك يا ارحم الراحمين
وايضا دران دعوات است كه هركه اين اسم را با خود دارد در
نظر پادشاه و جميع اكابر عزيز و مكرم باشد و اسم اينست اهو لهم
وايضا در انجا مذكور است كه در هر باري و متاعي كه اين طلسم
باشد حق سبحانه و تعالى انرا از حرق و غرق و سرق نگاه دارد

وطلسم اینست ەە ااااەق وایضاً مجرب در سایر کتب مذکور است که هرکه
این شش کلمه را بنویسد و بر بازو بندد هر حاجتی که داشته باشد
روا گردد لاع لاع بدع حبه لههه بدانکه هرکه این نام با او
باشد اگر تمام خلق خصم او باشند ضرر باو نتوانند رسانید و این
اسم اعظم است الطااااا۹۹۱۱۱۱۷م ٥ ە الط۱۹اکاا۷اام ە ا وصلی الله
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین بدانکه هرکه این حروف را نوشته
در کیسه خود نگاه دارد برکت پیدا شود فح اداال د دلا و نیز
این حروف را نوشته در کیسه گذارند الم ص ک ە ی ع ص
ط س ح م ق ن بدانکه این اشکال را که از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام مرویست باید نوشت و با خود نگاه داشت از برای حفظ
از هر مکروه ەەەەەە ⸗ ✕ ەەەەەەەە وەص وایضاً مجرب
دعائیست که باید نوشت و بر فوق عمامه گذاشت بسم الله الرحمن
الرحیم اقبل و لا تخف انک من الآمنین لا تخف نجوت من
القوم الظالمین لا تخافا انّنی معکما اسمع و اری لا تخاف درکا
و لا تخشی الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف فسیکفیکهم
الله و هو السمیع العلیم الله خیر حافظاً و هو ارحم الراحمین
ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون و علی الله
فتوکلوا ان کنتم مؤمنین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله
علی محمد و آله اجمعین و سلم تسلیما دعائیکه باید نوشت و در تحت
عمامه گذاشت بنویس بعد از بسمله یا من وضع المذلة علی رقاب
الملوک فهم من سطوته خائفون و یا من تفرّد بالعزّ و العظمة
فجمیع خلقه من خیفته و جلون و یا من یحشر العظام الدارسات
و یحییهم یوم یبعثون یا من اعزّ اولیاءه بطاعته فهم من الفزع

الاکبر یومئذ آمنون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم
غالبون و علی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین برحمتک یا ارحم
الراحمین وایضاً مجرب با خود داشتن تربت مقدس حضرت امام حسین
علیه السلام است چه مرویست که شخصی را پادشاه بعتاب طلبیده
بود حضرت صادق علیه السلام قدری تربت مقدس فرستاده
و فرمود که با او برسانید که امان از هر خوف است وایضاً مجرب این
لوح است که در دعوات میر محمد باقر داماد ره مذکور است که هرکه
این لوح را با خود دارد هرگز بهیچ بلا گرفتار نشود و زبان بدگویان
و غمازان بر او بسته گردد و در نظر خلایق عزیز و محترم باشد و
محتاج نشود و هر کس روز یکشنبه و یا وقتی که قمر در برج قوس
باشد لوح را بر نقره نقش کند و دو اسم کهیج و کهکهیج را
بر پشت آن نقش کند و در گردن خود آویزد هر حاجت که دارد
روا شود و اگر در اول ماه بر نقره نقش کند و در انگشتری خود جا
دهد و تختم بآن کند حق سبحانه و تعالی حافظ او باشد و اگر آن
انگشتر را در شربت یا آب اندازد و بخورد بیمار دهد شفا یابد و
اگر در زندان باشد این لوح را بر چوب انار بنویسد و در آن مقام
دفن کند خلاص شود و اگر میان زوجین عداوت باشد این لوح
بر زیر سر ایشان گذارد الفت پیدا شود و اگر خواهد کسی را از راه
دور بیاورد این لوح بر مشک و زعفران و گلاب بنویسد و رو
بقبله بیاویزد بزودی بیاید و اگر در گلاب اندازد و روی خود را
بآن بشوید و در برابر مطلوب رود محبت او در دل محبوب پدید آید
و اگر زنی در وقت ولادت زحمت کشد این لوح را در پشت او فرود
آورد بآسانی بار حمل گذارد و بعد از آن لوح را در آب اندازد

و از آن آب بخورد در امان باشد و اگر کسی را فرزند نشود یا شود
و نماند این لوح را بمشک و زعفران در قدح چینی بنویسد و با آب
نیسان بشوید و بخورد فرزند شود و بماند و اگر خواهد زبان کسی را
به بندد بیاورد ابریشم هفت رنگ و این طلسم را در کاغذ نوشته
ابریشم را در میان آن نوشته گذارد و هفت گره بزند و در زیر سنگ
گران گذارد زبان دشمن بسته شود و اگر این لوح را بنویسد و در
کیسه نگاه دارد محتاج نشود و مهمات او بدون سعی او صورت یابد
و اگر خواهد که کسی را بیمار کند بنام آنکس در آهن نویسد و در منجلاب حمام
اندازد البته بیمار شود و اگر کسی را بسته باشد بر نقره نقش کند و در
حمام برود و در آب اندازد و سر و بدن خود را بشوید گشاده شود و اگر
غایبی داشته باشد روز شنبه بساعت سعد بنویسد و در برابر باد
رو بقبله بیاویزد البته بسلامت بیاید و دارنده این لوح را تیر و
شمشیر و حربه کار نکند و در امان باشد و در بیابان راه گم نکند و
از مار و عقرب و سگ دیوانه در امان باشد و در خانه که باشد
آتش در آن خانه نیفتد و روز بروز نعمت و دولت در آن خانه زیاده
شود و اگر دکان کسی کساد باشد در ساعت سعد بمشک
و زعفران بنویسد و در دکان بیاویزد فتح و گشایش پدید
آید و اگر بمشک و — ۱۶۴۳۴۵۵۴ ۸ ۱۱ ۱۱ ۶
زعفران بر پوست شیر — ط۴ا ح ر ۸ ا ن ۲ ل ۱۴ ۱ ۶ ۳ ۴
بنویسد و با خود دارد — ک۹۴ ط ۱۲۳ ۶ ۶ ۵ ۶ ۱۱ ر
سحر بروی کار نکند و — ۵۶۳ ۲۶۱۱۴ ۵۶۶۶ م م ۱۱۱ ۱ ح
باید با طهارت و پاک نگاه — ۱۶۲۳۱۱ ۹ ص ۱۱ ۶ ۱۱ ع ۹ ۴ ۳ ۶ ۱
دارند و لوح اینست — العجل العجل ۱۱ ۲ ۴ ۱۱ ۹ ۱۱ ۵ ۶ ۱

و از آنجمله

و از آنجمله با خود داشتن انگشتری چند است اما انگشتر عقیق مرویست
که حضرت صادق علیه السلام از در خانه سلطان میگذشت دید
که کسی را عقوبت کرده بیرون آوردند فرمود که اگر این انگشتر عقیق
میداشت با خود از این حادثه ایمن می‌بود و از حضرت جواد علیه السلام
مرویست که انگشتری که نگین آن عقیق زرد باشد و بر یک روی
آن نقش شده باشد ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله
و بر روی دیگر آن محمد و علی آن امانست از دزد و موجب صلاح
دین و دنیاست و انگشتری که نگین آن فیروزه باشد و بر یک روی
آن نقش شده باشد الملک لله و بر روی دیگر الملک لله الواحد
القهار آن امانست از سباع و ظفر است در جنگ و انگشتری که
نگین آن حدید صینی باشد فایده آن بسیار است مرویست که شخصی
نزد حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت یا سیدی من خائفم
از حاکم بلده جزیره و میترسم که دشمن مرا باو بشناسانند پس آنحضرت
فرمود که بهم رسان انگشتری که نگین آن حدید صینی باشد و بر
ظاهر آن سه سطر نقش شده باشد یکی اعوذ بجلال الله و یکی
اعوذ بکلمات الله و یکی اعوذ برسول الله و بر عقب آن دو سطر
نقش کرده باشد آمنت بالله و کتبه و یکی دیگر و انی واثق بالله
و رسوله و بر چهار جانب آن نقش کرده باشد که اشهد ان لا
اله الا الله مخلصا و فرمود که هر امری که بر تو مشکل شود یا آنکه
از کسی بترسی آنرا در انگشت کن که حاجت بر می‌آید و خوف زایل
میشود و چون زنی دشوار زاید باو بیاویزند آسان شود بر او
بیاویزند و دارنده آن ایمن باشد از چشم زخم و فرمود که بر حذر
باش از ملاقات نجاست بآن و از داخل ساختن آن بر حمام و خلا

و مخفی دارانرا از دشمنان **و انکشتری** که نکین ان یاقوت و زمرد باشد
برطرف میکند فقر را و از حضرت رسول صلی الله علیه و اله
مرویست که انکشتری که نکین ان جزع یمانی باشد رد میکند کید
شیطانرا **باب بیست و سیم** در ادعیه دفع جن و سحر
و چشم زخم و مار و عقرب و سباع و غیره و تعوید حیوانات و ان
مشتمل بر پنج استعاده است **استعاذه اول** در ادعیه دفع سحر
از انجمله نقل شده که چون از سحر خوف داشته باشی بکو قال
لهم موسی القوا ما انتم ملقون فلما القوا قال موسی ما جئتم
به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین
و یحق الله الحق بکلماته و لو کره المجرمون و قدمنا الی
ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا بل نقذف بالحق علی
الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق و لکم الویل مما تصفون
و الق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انما صنعوا کید ساحر و
لا یفلح الساحر حیث اتی فالقی السحرة سجدا قالوا امنا برب
هرون و موسی **و از انجمله** دعائیست که در طب الائمه از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که از برای ابطال سحر در
پوستی اهو باید نوشت و بر بازو بست و ان اینست بسم الله و
بالله بسم الله ما شاء الله بسم الله و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان
الله لا یصلح عمل المفسدین و یحق الله الحق بکلماته و لو کره
المجرمون فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالک
و انقلبوا صاغرین **و از انجمله** در دعوات میر داماد مذکور
است که این دعا را باید خواند از برای دفع سحر و همچنین از برای

دفع شر ملوک جابر و همه خطرها و خوف از اعدا و بلاها نظیر
ندارد یا رب انی توکلت علیک و فوضت امری الیک فاحفظنی
من جمیع الافات و البلیات فانک قلت جل جلالک و عم
نوالک و من یتوکل علی الله فهو حسبه حسبی الله الحبیب
حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم و لا ملجا من الله الا الیه
حسبنا الله و نعم الوکیل علی الله توکلنا یا وکیل یا حفیظ
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و
اله الطاهرین اجمعین **و از انجمله** این دعاست از ادعیه سر قدسیه
و مضمون انچه در ان وارد شده اینست که یا محمد هر که خواهد
که باشد از اهل عافیت من از سحر چون این دعا بخواند ضرر نکند
با و سحر هیچ ساحری خواه ساحر جنی و خواه انسی باشد و ان دعا
اینست اللهم رب موسی و خاصه کلامه و هادم من کاده
بسحره بعصاه و معیدها بعد العود ثعبانا و ملقفها افک
اهل الافک و مفسد عمل الساحرین و مبطل کید اهل
الفساد من کادنی بسحر او بضر عامدا او غیر عامد اعلمه
او لا اعلمه اخافه او لا اخافه فاقطع من اسباب السموات
عمله حتی ترجعه عنی غیر نافذ و لا ضار لی و لا شامت بی
انی ادرا بعظمتک فی نحور الاعداء فکن لی منهم
مدافعا احسن مدافع و اتمها یا کریم **استعاذه دوم**
در ادعیه دفع جن **از انجمله** با خود داشتن حرزیست که در کتاب
حیوة الحیوان ابو دجانه از حضرت رسول صلی الله علیه و اله
روایت کرده و معروف بحرز ابی دجانه است ابو دجانه کوید که

من از شیاطین جن در آزار بودم و بحضرت رسول صلی الله علیه
و آله شکوه کردم آنحضرت بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که این حرز را نوشت و بمن داد و من با خود داشتم و چون
خوابیدم بزیر سر کذاشتم پس بیدار شدم بفریادی که میکفت ای
ابودجانه مارا سوختی باین حرز دیکر بخانه تو نمی آییم و بخانه که
این حرز باشد نمی رویم و آن حرز اینست بنویس بعد از بسمله که
هذا کتاب محمد رسول الله رب العالمین الی من طرق
الدار من العمار و الزوار الا طارقا یطرق بخیر اما بعد فان
لنا و لکم فی الحق سعة فان تک عاشقا مولعا او فاجرا
مقتحما فهذا کتاب الله ینطق علینا و علیکم بالحق انا کنا
نستنسخ ما کنتم تعملون و رسلنا یکتبون ما تمکرون
اترکوا صاحب کتابی هذا و انطلقوا الی عبدة الاصنام
والی من یزعم ان مع الله الها آخر لا اله الا هو کل شیء
هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون حم لا ینصرون
حمعسق تفرق اعداء الله و بلغت حجة الله و لا حول و لا
قوة الا بالله فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم
و از آنجمله در مهج الدعوات از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله روایت شده که از برای ایمنی از شر جن و انس این دعا باید
خواند بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله علیه توکلت
و هو رب العرش العظیم ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن
اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل
شیء علما اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و من شر کل
دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

و از آنجمله در مصباح کفعمی نقل شده که حضرت جبرئیل علیه السلام
این کلمات را تعلیم نمود بحضرت رسول صلی الله علیه و آله برای
دفع شر عفریتی از جن که شعله آتشی در دست داشته و روبان
حضرت می آمده و چون آنحضرت این دعا را خوانده آن عفریت
بر روی در افتاده شعله آتش که در دست داشته خاموش
شده و کلمات اینست اعوذ بنور وجه الله و کلمات التامات
التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ فی الارض
و ما یخرج منها و من شر ما ینزل من السماء و ما یعرج
فیها و من شر فتن اللیل و النهار و من شر طوارق اللیل
و النهار الا طارقا یطرق بخیر یا رحمن و از آنجمله این دعا
از ادعیه سر قدسیه و مضمون آنچه در آن وارد شده اینست که
یا محمد هر که بترسد از جنی یا از شیطانی چون این دعا بخواند
هیچ بدی از ایشان باو نرسد یا الله الاله الاکبر القاهر
بقدرته جمیع عباده و المطاع لعظمته عند کل خلیقته
و الممضی مشیته لسابق قدره انت تکلاء ما خلقت باللیل
و النهار و لا یمتنع من اردت به سوء بشیء دونک من ذلک
السوء و لا یحول احد دونک بین احد و ما ترید به من الخیر
کل ما یری و ما لا یری فی قبضتک و جعلت قبائل الجن و
الشیاطین یروننا و لا نریهم و انا لکیدهم خائف فآمنی
من شرهم و بأسهم بحق سلطانک العزیز یا عزیز و از آنجمله
با خود داشتن حرز مشهور بدعای ام الصبیان است و آن اینست
بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب من الله العلی العظیم
و من نقش خاتم سلیمان بن داود علیهما السلام ملک الجن و

الانس والشياطين وكل بناء وغواص الى جميع ما فى
الارض لصاحب الدعاء من الزلازل والتوابع والغيلان
والعدلان وام الصبيان من الدهش والابرص والابيض
وجميع الارواح المخبثة الخبيثة عزمت عليكم يا معاشر
الارواح فتبارك الله احسن الخالقين وانتم ان كنتم من
الارواح اليهوديين فانى عزمت عليكم بمعاشر الارواح
فتبارك الله احفظ الحافظين وانتم ان كنتم من الارواح
المجوسين وانى عزمت عليكم فتبارك الله رب العالمين
وانتم ان كنتم من ارواح المسلمين وانى عزمت عليكم باية
واتين وحروف الا تقربوا الصاحب الكتاب لا فى الليل و
لا فى النهار ولا فى سفر ولا فى حضر اعيذه بحق التورية و
باياتها ومن القران وكتابها لا اله الا الله وحده لا شريك
له الها واحدا ملكا مليكا وعزيزا نصيرا متعززا لا اله الا
انت سبحانك انى كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من
الغم وكذلك ننجى المؤمنين لا اله الا الله الغنى العلى العظيم
الكبير العليم الحى القيوم الحنان المنان الاحد الصمد
الواحد الاحد الفرد المعز المذل الذى لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد لا اله الا هو الحى القيوم لا تاخذه سنة
ولا نوم له ما فى السموات وما فى الارض من ذا الذى يشفع
عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون
بشئ من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض
ولا يؤده حفظهما وهو العلى العظيم هو الجبار القديم الشا
العليم القهار القوى لا اله الا هو والملئكة واولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام

ختمت

ختمت هذا التعويذ باسم الله العظيم المعالى تعالى الله عما
يصفون وباسم محمد صلى الله عليه واله وسلم تسليما كثيرا كثيرا
من على عليه صغيرا او كبيرا ذكرا وانثى حرا او عبدا وبحق الله تعالى
وبحق الله سليمان بن داود وبحق اصف بن برخيا وبحق شعيب النبى و
بحق يوشع بن نون وبحق دانيال النبى وبحق يوسف وبحق يحيى و
زكريا انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا وبحق
موسى بن عمران وبحق عيسى بن مريم وبحق خاتم محمد وبحق مائة و
اربع وعشرة سورة وحروف وكلمة وقوارع وامر ونهى من كلام
مجيد يا ذا الجلال والاكرام والجمال والبهاء احفظ عبدك
الضعيف من هذه الافة والصعب ومن كل شئ من شر ومن كل
افات الدنيا والاخرة من جبلها وسهلها وخرابها وعمرانها
يا غياث المستغيثين ويا جار المستجيرين يا ديان يوم الدين وشريعة
المسلمين بحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا
على واتونى مسلمين لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين
لا اله الا انت الكريم الديان يوم الدين يا اله الاولين والاخرين
وبحق سبع سموات وارضين يا رب العالمين وبحق طه ويس
وكهيعص وحمعسق وبحق واحد الاحد الفرد الذى لم يلد و
لم يولد ولم يكن له كفوا احد بسم الله الذى لا اله الا هو الحى
القيوم العلى العظيم سبحان الله تعالى رب العرش الكريم والحمد
لله رب العالمين كانهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة
من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون كانهم يوم يرونها
لم يلبثوا الا عشية او ضحها بسم الله الرحمن الرحيم ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر

ويوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملئكة تنزيلا انا صببنا
الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فيها حبا وعنبا
وقضبا وزيتونا ونخلا وحدائق غلبا وفاكهة وابا متاعا
لكم ولانعامكم فاذا جاءت الصاخة بسم الله الرحمن الرحيم
انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و
ما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك
الله نصرا عزيزا اولم ير الذين كفروا ان السموات والارض
كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون
اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت والقت ما فيها وتخلت
وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناك الا رحمة للعالمين
ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين فان تولوا
فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله رب ابرهيم واسمعيل
واسحق ويعقوب والاسباط ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل
وعزرائيل واعيذ من علق عليه هذا باسمك الله اكبر وبكلمات
الله التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر وباسماء الله الحسنى
وبعزة ملكوت الله وعظمته وجبروته وعزته من شر ما خلق
وذرا وبرا ومن شر الصامت والناطق والظاهر والباطن و
الشاهد والغايب والاحياء والرو الرايح ومن شر كل دابة
في البر والبحر والنهر والشجر والنخيل او ساكن الثرى عربي او عجمي
او فصيح قائما بالقسط او قاعدا او نائما او يقظانا او ساكن السحاب
الظلمة الخطاء ويعمل وبها ابلغ او يولع بها ويقلبه اعز من ذلك
من علق عليه كتابي هذا وهو حرز الله حيث كان معروحيث

ماكان او كائن ما كان والله معزه ووليه وحافظه وحارسه
وعافيته مما به من عين او لمس او نفس او مس بما شاء الله ولا قوة
الا بالله وباذن الله وبالله ختمت وبالله فتحت واعيذه بالله الصمد
الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد واعيذك برب
الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات
في العقد ومن شر حاسد اذا حسد واعيذ برب الناس ملك
الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور
الناس من الجنة والناس اللهم احفظ صاحب هذا التعويذ
بحق كلامك المجيد وصلى الله على محمد واله الطاهرين والحمد
لله رب العالمين وازانجمله خواندن دعای اللهم انا نعوذ بك تا
آخر از صحیفه کامله است وازانجمله سوره یس را بنویسی و با خود نگاه
داری از شر جن در امان باشی وازانجمله سوره جاثیه را بنویسی و در
زیر سر گذاری محفوظ شوی از شر جن استعاذه سیم در دفع
چشم زخم بدانکه چشم بد حق است و در احادیث ثابت است و در زبدة
البیان مرویست که حضرت یعقوب علیه السلام بر فرزندان خود
از چشم بد میترسید بسبب حسن و جمال ایشان و گفت ایشانرا که
یا بنی لا تدخلوا من باب واحد یعنی ای فرزندان من داخل مشوید
شما بر مصر از یکدر و در جوامع مذکور است که شهرت داشت چشم بد
در میان بنی اسد و عادت ایشان بود که چون میخواستند چیزیرا
چشم زنند سه روز گرسنه می ماندند پس میگفتند چیزیرا که مثل
این ندیده ایم یا چه خوب چیزیست این مگر آنکه اینچیز عیبی و نقصی بهم
میرسانید و بعضی از ایشان خواست که این کار را با حضرت رسول
صلی الله علیه و اله بکند پس حفظ کرد حق تعالی آنحضرت را و فرود

ایروان یکاد را تا دفع و رفع چشم بد از آنحضرت شد **و در کتاب**
مکارم الاخلاق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چشم
بد حق است و ایمن مباش بر خود از چشم غیر و از چشم خود نیز بر غیر پس
چون بترسی از چشم سه بار بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی
العظیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که چون
چیزی را ببینی که خوش آینده است بگو الله الله ما شاء الله لا قوة
الا بالله چه با این قول ضرر نمیکند با او چیزی و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که چون یکی از شما بطریق خوش آینده برآید
باید که در وقت بیرون آمدن معوذتین را بخواند که ایمن میشود از
ضرر ان شاء الله **و بروایات معتبره** از حضرت امام حسن علیه السلام
مرویست که دوا کنید کسی را که چشم بد باو رسیده باشد بایروان
یکاد **و بسند صحیح** از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله حسنین علیهما السلام را تعویذ میکرد
از چشم بد باین عوذه اللهم یا ذا السلطان العظیم والمن القدیم
والوجه الکریم ذا الکلمات التامات والدعوات المستجابات
عاف الحسن والحسین من انفس الجن واعین الانس چون کسی
فرزندان خود را تعویذ کند باین عوذه باید که بجای عاف الحسن و
الحسین اسم فرزندان خود را بگوید باین طریق که عاف الفلان و
الفلان بالحسن والحسین تا آخر عوذه **و بسند معتبر** مذکور است
که تعویذ کرده حضرت جبرئیل ع حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را
باین عوذه و باو تعلیم نموده آنرا و آن عوذه اینست بسم الله
ارقیک من کل عین حاسد الله یشفیک **و بسند معتبر** در
مجمع البیان روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تعویذ

میکرد

میکرد حسنین ع را از چشم بد باین عوذه و تعویذ میکرد حضرت
موسی علیه السلام پسران هارون را باین عوذه و آن مرویست
از حضرت صادق علیه السلام اعیذ نفسی و ذریتی و اهل
بیتی بکلمات الله التامة من شر کل شیطان وهامة ومن
کل عین لامة **و بعضی از اکابر** از برای دفع تاثیر چشم بد این را
نقل کرده اند که بخوانید یا بنویسید و با خود دارید بسم الله
عظیم الشان القوی السلطان الشدید الارکان حبس حابس
وحجر یابس وشهاب قابس ولیل دامس وماء فارس فی
عین العاین وفی احب خلق الله الیه وفی کبده وکلیتیه
فارجع البصر هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین
ینقلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر و مرویست که این حرز
مذکور را بر تخم مرغ بنویسند اگر چشم زخم بانسانی رسیده باشد آن
تخم را در میان دو پای او بر زمین زنند و اگر بحیوانی رسیده
باشد در میان دو چشم او بر زمین زنند **استعاذه چهارم** در ادعیه
دفع ضرر مار و عقرب و سباع و غیره **بسند معتبر** از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که چون برخورد ترا اشتری پس بخوان
بر روی او آیة الکرسی آنگاه بگو عزمت علیک بعزیمة الله وبعزیمة
محمد صلی الله علیه وآله وبعزیمة سلیمان بن داود وبعزیمة
علی بن ابی طالب والائمة من بعده علیهم السلام الا تنحیت
عن طریقنا ولم تؤذنا آنگاه فرمود که چون چنین کنی دور میشود
از سر راه تو **بروایات معتبره** در کتاب طریق النجاة مذکور است
که چون سگ دیوانه بر تو بجهد بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم
من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون

قل آمنا بالله وما انزل علینا وما انزل علی ابرهیم واسمعیل
واسحق ویعقوب والاسباط وما اوتی موسی وعیسی والنبیون
من ربهم لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون ادعیهٔ چند دفع
عقرب و مار و نیش ایشان از حضرت باقر علیه السلام مرویست که هر کس این کلمات
را وقت شام بگوید من ضامنم که عقرب و هیچ گزنده او را نگزد تا
صبح اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن برّ و لا
فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر کل دابة هو
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ایضا از آنحضرت
علیه السلام روایت شده که برای دفع ضرر مار و عقرب این دعا
باید خواند بسم الله وبالله توکلت علی الله ومن یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی
کنفک وجوارک واجعلنی فی حفظک واجعلنی فی امنک
از آنجمله در مصباح کفعمی مذکور است که هر کس اول روز و اول شب
این دعا بخواند در آن روز و شب از ضرر عقرب و مار و دزد ایمن شود
عقدت زبانیا العقرب ولسان الحیة وید السارق بقول اشهد
ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله ایضا مذکور
است که هر که خواهد از مار و عقرب ایمن باشد باید هر شب بگوید
سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه
من عبادنا المؤمنین از آنجمله در دعوات میر داماد ره مذکور است
که این افسون برای دفع مار و عقرب و سایر موذیات مجربست
بستم دم مار و دم عقرب بستم نیش از دم دم هر دو شان بکسستم
بر نوح نبی سلام دادم بستم شجح فرشیا فرشیا بستم بستم بستم
و در هر بار هر دو دست بهم زند و منقولست چون این کلمات را سه

مرتبه بخواند وقدری آب دهن بر زمین اندازد وقدری گل نموده
آن را بردارد و بر موضع گزیده عقرب گذارد شفا یابد و مجربست
بسم الله طالب لیس کمثله غالب و منقولست که دود چوب
انار کنند کاین را دفع کند و اطبا دود شاخ گاو کوهی و کوکرد را
در رفع مار و عقرب مجرب دانسته اند و گذاشتن پارچه یخ بر
موضع گزیده مذکورات در رفع الم آن از مجربات است استعاذه
بجهت در تعویذ نمودن حیوانات دعا برای علت حیوانات چون
حیوانی را علتی بهم رسد این دعا را بر موضع آن علت تا هفت
روز بخواند اقسمت علیک ایتها العلة بعزة الله وبعظمة
عظمة الله وبجلال جلال الله وبقدرة قدرة الله وبسلطان
سلطان الله وبلا اله الا الله وبما جری به العلم من عند
الله وبلا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم تعویذ که چون
بنویسند و بر گردن چهارپایان بندند در امان باشند بنویسند بعد
از بسمله اهیا شراهیا کهیعص حمعسق لا اله الا الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والمستعان الله
برحمتک یا ارحم الراحمین پس بنویسند دعای مذکور فوق را
و از عقب آن این شکل را ۹۹ ۱۱۱۱ صلے والاہ تعویذ که برای آ
در دعوات میر محمد باقر داماد مذکور است بنویس بعد از بسمله
اللهم احفظ هذه الفرس من کل خائنة وخائنة و کاهن و
کاهن و کاهنة وساحر وساحرة ومن شر کل عین ذی شر
اعوذ بکلمات الله التامات ومن کل خائنة ومن الشیطان
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ف س ی ک ف ی
ک هم ل اه وه وال س م ی ع ال ع ل ی م ایضا در آن دعوات

مذکور است که برای حفظ اسب بنویسند و بر کردن اسب او بزنند
که مجرّب است کر اسبان سنجر بیک سر بمیرند بسنجر بیکجو با احمد بنهی
ایضًا در انجا مذکور است که اگر اسب را درد قولنج گرفته باشد
این شکل را بر روی زمین بکشند و اسب را
سه بار بر دور ان بگردانند که درد ان البته
بزودی برطرف شود **تعوید** گوسفند باید

ط	ح	ح	و
ه	ر	ا	ه
٧	٣	ر	و

این دعا را نوشت و برا او بخت بنویسد بعد از بسمله بسم الله
من جميع الآفات والعاهات والبليات والنقمات والسطوات
أعوذ بالله من شر الجن والانس من الغنم يا تمخيثا يا طشميثا يا
ماهار بحق حرمة لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله
عليه وآله وبحق كهيعص وبحق حرمة حمعسق لا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم **باب بیست و چهارم** در ادعیه
گریخته و گم شده و ان بسیار است **از جمله** در مصباح کفعمی
مذکور است که چون از کسی چیزی گم شود یا بگریزد باید که در چاشت
روز جمعه هشت رکعت نماز کند و چون سلام دهد هفت بار سوره
والضحی بخواند و بگوید که یا صانع العجائب یا راد کل غائب یا
جامع الشتات یا من مقاليد الامور بيده اجمع على كذا
فانه لا جامع الا انت **ایضًا** در ان کتاب از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام روایت شده که از برای برگشتن غائب و گریخته
باید نوشت این دعا را که اللهم ان السماء سماؤك والارض
ارضك والبر برك والبحر بحرك وما بينهما في الدنيا والآخرة
لك فاجعل الارض بما رحبت على فلان بن فلان اضيق من
مسك جمل وخذ بسمعه وبصره وقلبه او كظلمات في بحر

هر چیزیکه گم شده باشد
اسم گم شده را بحساب
ابجد در او رند و این
ابیات را بعد از آن
بخواند در یک مجلس
یا راد الثمن بعلي
ابن ابي طالب رد
علي ضالتي

لجّي يغشاه موج من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها
فوق بعض اذا اخرج يده لم يكد يريها ومن لم يجعل الله
له نورا فما له من نور و آیة الکرسی را بر دور ان باید نوشت و
تا سه روز در هوا معلق باید نمود و بعد از ان در جائی که میخواسته
دفن باید کرد **و ایضًا** در ان کتاب از انحضرت علیه السلام
روایت شده که از برای پیدا شدن گم شده دو رکعت نماز باید
کرد در هر رکعت هر یک از سوره فاتحه و یس یکبار باید خواند و
بعد از اتمام نماز باید گفت اللهم يا رادّ الضالة رد على
ضالتي **و از جمله** مکارم الاخلاق مذکور است که چون بنده
گریزد بنویس که بسم الله الرحمن الرحيم يد فلان مغلولة الى
عنقه اذا اخرجها لم يكد يريها ومن لم يجعل الله له نورا
فما له من نور و انرا در هم پیچ و در میان دو چوب گذار و در درِ بیچ
خانه تاریک انداز در ان خانه که او در انجا میبوده و در کفعمی
چنین است که در خانه که او می بوده در جائی پنهان کن یا در زیر
سنگ گرانی بگذار **و در کتب** ادعیه مذکور است که از برای رد
گم شده این کلمات را باین روش که در حاشیه نوشته شده باید نوشت
و اسم گم شده را در میان باید نوشت **و در کتاب** لفظ الفوائد
روایت کرده که برای غائب و گریخته باید روز دوشنبه دو دایره
در میان هم بکشی و بنویسی در دایره اول که و على الثلثة الذين
خلفوا حتى اذا ضاقت عليهم الارض بما رحبت كذلك يضيق
الله على فلان بن فلانة حتى يرجع الى الموضع الذي خرج منه
و در دایره ثانی بنویسی که انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي
الى الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن

شهد الله انه لا اله الا هو
الله لا اله الا هو الحي
حاضر
فلان
[illegible]

خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ و در میان دایره سه بار
بنویسی که اِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ انگه بنویسی که کَذَلِكَ يَرْجِعُ فُلَانُ
بْنُ فُلَانٍ إِلَى مَوْضِعٍ خَرَجَ مِنْهُ بعد از ان در پشت ان دایره سطر
درازی بنویسی که وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ و اگر بان چیزی
از دخول ان شخص گریخته باشد بهتر خواهد بود پس سوزنی باسم
ان گریخته که در دعا نوشته شده فرو بری و بکشی و بار ریسمان از ابیاوزی
که البته رجوع میکند **و از جمله** دعاهای گم شده انست که بگوید
يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَكْتُومٌ وَلَا يَشِذُّ عَنْهُ مَعْلُومٌ وَلَا يُغَالِبُهُ
مَنِيعٌ وَلَا يُطَاوِلُهُ رَفِيعٌ ارْدُدْ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مَا فِي قَبْضَتِكَ
إِنَّكَ أَنْتَ أَهْلُ الْخَيْرَاتِ **و از جمله** اینست که بگوید اَللّٰهُمَّ يَا هَادِيَ
الضَّالَّةِ وَرَادَّ الضَّالَّةِ أَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَسُلْطَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ عَطَائِكَ وَ
فَضْلِكَ وَرِزْقِكَ **و در مصباح** کفعمی مذکور است که هر کس را
که گم شده باشد از او چیزی یا غایب شده باشد باید که بر چهار گوشه
کاغذی بنویسد که اَلشَّهِيدُ الْحَقُّ و در میان کاغذ نام ان چیز را
و در نصف شب بر بام اسمان اید و بایستد و نظر بان نوشته کند و
هفتاد بار این دو اسم را بگوید که البته خبر ان گم شده و غایب
باو میرسد **و بعضی از ثقات** ذکر کرده که کسی که در نصف شب در هر گوشه
خانه خود بایستد و هفتاد بار بگوید یا معید یا معید رد علی
فلان خبر غایب در همان هفته باو میرسد **و در کتاب** طریق النجاة
مذکور است که برای رد گم شده و گریخته سوره عبس را باید خواند
و در بعضی از کتب معتبره دیده شد که سوره والعادیات باید خواند و
خواندن نادعلی برای رد گم شده از مجربات است **تابت**

بیست و پنجم در ادعیه و اداب سفر و ان مشتمل بر نه منزل است
منزل اول در اختیار ساعت از برای سفر مرویست از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام که سفر و سایر مطالب در صبح شنبه و سه شنبه
و پنج شنبه مبارک است و روز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت
کند خدای تعالی انرا باز بجای خود برساند و روز سه شنبه هر کس
سفر کند باسانی کند رد و روز پنجشنبه حضرت رسول صلی الله
علیه و اله باکثر غزوات تشریف میبرده و ظفر می یافته و سفر در روز
چهارشنبه و دوشنبه و روز جمعه قبل از نماز ظهر بد است و
مرویست که جمعی در روز دوشنبه عزم سفر کردند و رفتند
بخدمت حضرت صادق علیه السلام که وداع نمایند فرمود شما
از امروز چون امید خیر و برکت دارید کدام روز بشامت امروز
باشد که حضرت رسالت صلی الله علیه و اله درین روز از دنیا
رفته و درین روز وحی از ما منقطع شده و روز جمعه قبل از نماز
ظهر هر کس بسفر رود ملکی ندا کند که خدای تعالی ترا بر نگرداند
اما بد بودن روز یکشنبه چنانچه مشهور است و در بعضی از کتب
علما مسطور است حدیثی بنظر نرسیده و مکروه است سفر کردن
در روز سیم و چهارم و پنجم و ششم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و
یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم از هر ماه و در روایات
دیگر امده که باین روزها دشمنی مکنید تا با شما دشمنی نکنند و در روایات
بسیار نیز امده که تصدق کنید و هر روز که خواهید بسفر روید
که بصدقه دفع تمام بلاها میشود و مرویست که هر کس قمر در عقرب
بسفر رود در ان سفر خیر نبیند و اگر تحت الشعاع باشد و سفر کند
صعب و دشوار گردد و در درروع الواقیه از ائمه طاهرین علیهم السلام

روایت شده که چون در روزی از روزهای منحوسه سفر کنی از برای
دفع نحوست در صبح ان روز بخوان دعای اصبحت اللهم معتصما
ذا انا اخرجنا بجرد را ادعیه صبح و شام مذکور شد و بعد از ان
بخوان سوره فاتحه و توحید و معوذتین و سوره قدر و ایة الکرسی
و پنج ایه از سوره ال عمران که ان فی خلق السموات و الارض تا
انک لا تخلف المیعاد و بعد از این دعا بخوان اللهم بک
یصول الصائل و بقدرتک یطول الطائل و لا حول لکل
ذی حول الا بک و لا قوة یمتارها ذو قوة الا منک اسئلک
بصفوتک من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته
و سلالته علیه و علیهم السلام صل علیه و علیهم و اکفنی
شر هذا الیوم و ضرره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی
منصرفاتی بحسن العاقبة و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیة
و کفایة الطاغیة المغویة و کل ذی قدرة لی علی اذیة
حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة و ابدلنی
فیه من المخاوف امنا و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی
صاد عن المراد و لا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی
کل شیء قدیر و الامور الیک تصیر یا من لیس کمثله و هو السمیع
البصیر **منزل دویم** در تحصیل رفیق و تهیه اسباب سفر مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اول تحصیل رفیق کنید و
بعد از ان عزم سفر نمایید و نیز مرویست که سه کس ملعونند کسی
که طعام تنها خورد و کسی که تنها بخوابد و کسی که تنها بسفر رود و چون
شیطان ایشان را تنها یابد در سفر و حضر جرات ش زیاد شود و
مرویست که یک کس یک شیطان است و دو کس دو شیطان و سه

کس مصاحب و چهار کس رفیق اند و نیز مرویست که بهترین رفقا
چهار است و ایضا مرویست که هیچ جمعی زیاده از هفت نباشد مگر
انکه قال و قیل در میان ایشان بسیار باشد و اگر کسی در سفر مضطر
بتنهائی شود بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم
انس وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی **و از جمله** اسباب سفر
انکه انگشتر عقیق و تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام
با خود یا در میان رخوت خود داشته باشد تا از دزد و افات محفوظ
باشد و مرویست که در وقت برداشتن تربت مقدس بگوید اللهم
هذه طینة قبر الحسین علیه السلام ولیک و ابن ولیک
اتخذتها حرزا لما اخاف و ما لا اخاف و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که وصیت حضرت لقمان با پسرش این بود
که چون بسفر روی شمشیر و موزه و عمامه و خیمه و جیک اب و سوزن و
ریسمان و ادویه ای که بتو و رفقا در کار باشد بردار و با رفقا
در کارها موافقت کن مگر در معصیت و نیز مرویست که هر که در
سفر عصای بادام تلخ با خود دارد زمین برایش زود طی شود و اگر
در وقت بیرون رفتن عصای بادام بگیرد و این ایات از سوره قصص
بخواند که و لما توجه تلقاء مدین تا انجا که و الله علی ما نقول وکیل
از هر سبعی درنده و هر حیوانی گزنده و دزدی برنده ایمن باشد تا انکه
بخانه خود مراجعت کند و هفتاد و هفت فرشته تا وقت مراجعت با
او باشند و برایش استغفار کنند و عصا در دست داشتن فقر را
بر طرف میکند و شیطان را دور نماید و باید که این حروف را نوشته
در سر عصای بادام تلخ گذارند سلمحلس وه به لهوه یاه امه باو
ه یاو به صاف ه بصلسا به ه و مرویست که چون مؤمن سفر کند

لازم است که دوستان را خبر کند و چون مراجعت نماید بدیدنش
آیند چون عازم سفر شود فیصل دهد معامله خود را با مردم و نظر
کند در امور عیال و اولاد خود و کسانی که واجب النفقه او بند
مهیا کند برای ایشان آنچه ایشان را در کار است در مدتی که در سفر
خواهد بود و وصیت کند بکسی که اعتماد بر او دارد بچیزی چند که
رضای خدا در آن باشد **منزل سیم** در افتتاح سفر بدعا و صدقه
مرویست که چون کسی عزم سفر کند بگوید که اللهم خل سبیلنا
واحسن مسیرنا واعظم عافیتنا و نیز مرویست که مسافر هیچ جانشینی
برای اهل خود نگذارد بهتر از آنکه وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز
کند و بعد از آن بگوید اللهم انی استودعک الیوم دینی و
نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد
منا والغائب وجمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک
ومنعک وعیاذک وعزک عز جارک وجل ثناؤک وامتنع
عائذک ولا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد
لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن
له ولی من الذل وکبره تکبیرا الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا
وسبحان الله بکرة واصیلا که هرچه در این دعا سؤال کرده خدا
عطا میفرماید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام چون اراده
سفر میفرمودند عیال خود را در خانه جمع میکرد و همین دعا را میخو
و چون خواهد از خانه بیرون آید وضو بسازد و تحت الحنک ببندد
چه از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که فرموده
که من ضامنم که چون کسی وقت بیرون رفتن از خانه تحت الحنک
ببندد از دزد و سوختن و غرق شدن ایمن باشد و بسلامت باز گردد

واگر

واگر نه بسته باشد و بالمی مبتلا شود که دوا نداشته باشد غیر خود را
ملامت نکند و چون بدر خانه آید بایستد و بگوید الله اکبر
الله اکبر الله اکبر بالله خرجت وبالله دخلت وعلی الله
توکلت ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله
علی محمد وآله اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر واختم لی بخیر
وقنی شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
در ضمان و امان خدا باشد تا آنکه مراجعت کند و هر کس از خانه
بیرون آید شیاطین بر سر راهش آیند پس اگر در وقت بیرون رفتن
بگوید بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا
حول ولا قوة الا بالله ملائکه شیاطین را بزنند و دور کنند و گویند
شما را بر او دستی نیست که نام خدای تعالی برده و باو ایمان آورده
و بر او توکل کرده و خود و کارهای خود را بحول و قوه او سپرده
پس شیاطین دور شوند و با یکدیگر گویند که ما با او چه توانیم کرد که
خدا کفایت و هدایتش نموده و محافظتش فرموده بدانکه این دو
دعا اعم است از آنکه هر وقت که اراده بیرون رفتن از خانه کند بخواند
یا وقت بیرون رفتن بعزم سفر و چون از خانه بیرون آید بر در خانه
رو براهی که میرود بایستد و سوره حمد و آیة الکرسی را برابر رو و
جانب راست و چپ بخواند و بعد از آن بگوید اللهم احفظنی و
احفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما معی و سلمنی و سلم ما معی ببلاغک
الحسن الجمیل که او و هرچه با اوست بسلامت مراجعت کند و تصدق
کند بهرچه مقدور شود و بگوید اللهم انی اشتریت بهذه الصدقة
سلامتی و سلامة سفری که از آفات ایمن گردد و مرویست که حضرت
سید الساجدین علیه السلام چون بسفری میرفت وقتی که پای مبارک

برکاب سعادت میگذاشت تصدق میکرد و چون بصحت مراجعت میکرد
بشکرانه آن تصدق دیگر میفرمود و بخوان سوره انا انزلناه را چه از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که اگر چیزی بر نفقه بر
الهی غالب میشد هر آینه میگفتم که هر که وقت بیرون رفتن از خانه
یا سفر کردن سوره قدر بخواند زود باشد که بخانه باز گردد منزل
چهارم در وداع و مفارقت احباب مرویست از اهل بیت طاهرین
علیهم السلام که چون جمعی مسافر را وداع کنند بگویند زودکم الله
التقوی و وجهکم الی کل خیر و قضی لکم کل حاجة و سلم دینکم
و دنیاکم و ردکم سالمین و چون مسافر روانه شود از عقبش آیة
الکرسی بخوانند و اذان و اقامه بگویند و بعد از آن بگویند الله خیر
حافظا و هو ارحم الراحمین و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که در عقب مسافر این دعا باید خواند اللهم الطف بی
فی تیسیر کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک یسیر اسئلک الیسر
و العافیة و المعافات الدائمة فی الدنیا و الاخرة و چون مسافر
از احباب جدا شود بگوید اللهم اعنی علی اهاویل الدنیا و الاخرة
و مصیبات اللیالی و الایام و اکفنی شر ما یعمل الظالمون
فی الارض منزل پنجم در آداب سوار شدن و راه رفتن مرویست
از ائمه طاهرین علیهم السلم که چون پا بر رکاب گذاری بگو بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله و الله اکبر چه هر کس وقت سوار شدن بسم الله
بگوید فرشته با او ردیف شود که او را نگاه دارد تا آنکه فرود آید
و اگر نگوید شیطانی ردیف شود و گوید خوانندگی و غنا کن اگر
گوید که نمیدانم گوید آرزوهای باطل کن پس در آرزوهای باطل
باشد تا وقتی که فرود آید و اگر در وقت سوار شدن بگوید بسم الله

لاحول و لا قوة الا بالله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا
لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا
له مقرنین او و مرکبش هر دو محفوظ باشند تا آنکه فرود آید و چون
بر سر راه رسد هفت عدد سنگ ریزه بردارد و بر هر یک ده بار بگوید
قل من یکلؤکم باللیل و النهار من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم
معرضون و هر بار قل هو الله احد نیز بخواند و با خود نگاه دارد
از آفات محفوظ گردد و بهر بلندی که بر آید تکبیر و چون بزیر آید تسبیح
بگوید و چون بر سر بلندی رسد بگوید لا اله الا الله و الله اکبر
و الحمد لله رب العالمین لک الشرف علی کل شرف هرچه در پیش
سر او باشد از صحرا و کوه و غیره بتهلیل او تهلیل و هرچه در پیش او
باشد بتکبیر او تکبیر گویند و مرویست که در سر هر پل شیطانی ایستاده
پس چون بسر پل رسد بگوید بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم
تا آنکه شیطان دور شود و مرویست که با رفقا بجمعیت بروید که اگر
کسی در سفر از رفیق افتد و جدا شود که از نظر غایب شود اعانت در
کشتن او کرده و در خونش شریک باشد و احادیث بسیار آمده که خدا
تعالی اول شب را برای استراحت آفریده خود و چهار پایان در اول
شب استراحت کنید و آخر شب راه روید که راه در آخر شب زود طی
شود منزل ششم در ادعیه آنچه در عرض راه روی نماید از اهل
بیت طاهرین علیهم السلام مرویست که چون در راه چیزی بیند که
بفال خوش نیاید بگوید اعتصمت بک یا رب من شر ما اجد فی نفسی
فاعصمنی من ذلک و چون کسی راه گم کند بگوید یا صالح ارشدنا الی
الطریق یرحمکم الله و اگر دریا باشد بگوید یا حمزه مرویست که
صالح بر صحراها و حمزه بر دریاها موکل اند و در بعضی از کتب معتبره

مذکور است که چون کسی راه گم کند و این دعا بخواند برودی راه یابد
و نقل کرده که در چند کس تجربه شده بسم الله ذی الشأن عظیم
البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شأن اعوذ بالله من
الشیطان ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن و لا حول و لا قوة
الا بالله **و ایضا** مرویست که چون کسی راه گم کند یا ببلائی مبتلا
شود با واز بلند بگوید یا فارس الحجاز ادرکنی ادرکنی یا ابا صالح
المهدی ادرکنی ادرکنی یا ابا القاسم ادرکنی ادرکنی در ساعت
حضرت صاحب الامر علیه السلام او را راه نماید و از آن بلیه
برهاند و اگر کسی پیاده باشد و سوره قدر بسیار بخواند از ماندگی
ایمن شود و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر در صحرا
از جن یا انس خوف داشته باشد دست راست بر فرق سر گذارد
و با واز بلند این آیه بخواند افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی
السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون و اگر از
جن و غول ترسد با واز بلند اذان بگوید و آیة الکرسی بخواند و اگر
مرکب بگریزد مکرر بگوید یا عباد الله احبسوا که انشاء الله تعالی
بایستد و در انیس العابدین مذکور است که مکرر بگوید یا عباد
الله اجیبوا تا زود گرفته شود و مرویست که اگر یک کس یا دو کس
در راه ببینی از ایشان احوال مپرس و دلیل مگردان بلکه از ایشان
برحذر باش مگر آنکه بقراین دانی که ایشان مردم خوبند **منزل
هفتم** در آداب و ادعیه داخل شدن منزل و کوچ کردن از آن
مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلام که چون منزل نمایان شود
بگوید اللهم انی اسألک خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم
حببنی الی اهلها و حبب صالحی اهلها الی **و چون** در منزل

فرود

فرود آید بگوید که رب انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین
و ایدنی بما ایدت به الصالحین و هب لی السلامة و العافیة
فی کل وقت و حین اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما
خلق و ذرء و برء خدای تعالی خیر آن منزل را روزیش کند و
شرش را از او دفع کند و قبل از آنکه بنشیند دو رکعت نماز برای
تحیت منزل بگذارد و بعد از آن بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه
البقعة و اعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا
من وباها و حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا خیر آن
منزل روزی و شرش مدفوع شود **و چون** قرار گیرد بگوید بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و اگر در آن
منزل خوف از سباع باشد بگوید اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد بیده الخیر و هو علی
کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من شر کل سبع تا در آن
منزل باشد از شر ایشان ایمن باشد و اگر خوف از دزد داشته باشد
بگوید یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا لما یرید اسألک
بعزتک التی لا ترام و ملکک الذی لا یضام و بنورک الذی
ملأ ارکان عرشک ان تکفینی شر اللصوص یا مغیث اغثنی یا
مغیث اغثنی و باقی اذکار و ادعیه و آیات و اعمال در باب ایمنی
از مخاوف در باب تعویذات و خواص آیات مذکور شد **و چون**
خواهد از آن منزل کوچ کند بگوید السلام علی ملائکة الله
الحافظین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین بدرستی
که هر موضعی را اهلیست از ملائکه **منزل هشتم** در آداب سفر
دریا مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون داخل

کشتی شوی بگو بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها
ان ربی لغفور رحیم که امان است از غرق شدن **ودیگر آنکه** امواج
دریا متلاطم شود بگو یا حی لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین و آیة الکرسی بخوان و در روایت دیگر آمده که بر دست
چپ تکیه کن و بدست راست اشاره بموجهای دریا نموده بگو
قری بقرار الله جل و عز و اسکنی بسکینة الله جل و عز
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گوید که در
دریائی بودم همین که موجها بلند شد چنین کردم ساکن شد چنانچه
گویا هرگز نبوده **ودیگر آنکه** این آیه را از سوره اعراف بخواند یا بنویسد
و در مقدم کشتی نصب کنی از غرق محفوظ بماند وهو الذی جعل
لکم النجوم لتهتدوا بها فی ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآیات
لقوم یعلمون و نوشتن این آیه از سوره هود بدستور مذکور همین
اثر دارد قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی
لغفور رحیم **ودیگر آنکه** الحفیظ را از اسماء الله بعدد حروف بحساب
ابجد بخوانی از غرق نجات یابی ان شاء الله تعالی **وچون** در حال
اضطراب دریا و مشرف شدن بر غرق اندکی از خاک کربلای معلی
بدریا اندازند ساکن شود و مجربست **منزل نهم** در ادعیه
و آداب رجوع از سفر مرویست از ائمه طاهرین علیهم السلام
که هر روز در ایام سفر برای حفظ و مراجعت و رسیدن باهل و
عیال خود این دعا را که از جمله ادعیه سر است بخوانند یا جامعا
بین اهل الجنة علی التألف من القلوب و شدة تواجدهم فی

المحبة ویا جامعا بین طاعته و بین خلقه لها ویا مفرج
کل محزون ویا مسهل کل غریب یا ارحم الراحمین ارحمنی فی
غربتی بحسن الحفظ والکلاءة والمعونة لی وفرج ما بی من
الضیق والحزن بالجمع بینی و بین احبائی یا مؤلفا بین الاحبة
صل علی محمد وآل محمد ولا تفجعنی بانقطاع رؤیة اهلی و
ولدی عنی ولا تفجع اهلی وولدی بانقطاع رؤیتی عنهم
بکل مسائلک اسئلک و ادعوک فاستجب لی وذلک دعائی
ایاک وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین **ومنقولست** که سفر
قطعه از عذابست چون قضای حاجت خود کردید زود مراجعت
کنید و اگر مسافر شب داخل خانه شود باید پیشتر خبر کند و غافل
داخل نشود و چون داخل شود بگوید این را آئبون تائبون عابدون
راکعون ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک
ایای فی سفری و حضری اللهم اجعل اوبتی هذه مبارکة
میمونة مقرونة بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم
الراحمین و قبل از آنکه مشغول کاری شود دو رکعت نماز بگذارد
و بعد از آن در سجده صد بار بگوید شکرا لله و تصدق کند بهر چه
مقدور شود و مرویست که از مروت نیست نقل کردن احوال سفر
از خیر و شر و مستحبست هدیه و تحفه برای دوستان فرستادن
امّا ملاقات دوستان مسافر را چنانست که کسی که از سفر حج
آمده باشد او را همچنان باغبار و گرد راه هر که معانقه کند چنان
است که حجر الاسود کند و تهنیت چنین کند تقبل الله منک
واخلف علیک نفقتک و غفر ذنبک و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که هرگاه شخصی از برادران مؤمن شما

مراجعت کند از زیارت ما یا زیارت قبرهای ما پس او را استقبال نمایید و بر او سلام کنید و او را تهنیت بگویید بآن کرامتی که یافته و ثوابها که خدای تعالی باو عطا فرموده که اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود و فرو میگیرد شما را رحمت الهی چنانچه او را فرو گرفته بدرستی که هر که ما را زیارت کند یا قبرهای ما را البته رحمت الهی او را فرو گیرد و گناهانش آمرزیده شود

باب بیست و ششم

در فضایل مرض و عیادت مریض و معالجه امراض و آن مشتمل بر سه صحت است

صحت اول

در فضایل مرض و عیادت مریض مرویست از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم که چون مؤمن مریض شود ملائکه که موکلند بر نوشتن اعمال او همگا باسمان روند حق سبحانه و تعالی از ایشان سؤال کند که از بنده من چه نوشته اید گویند شکایت فرماید که انصاف نباشد که من بنده خود را حبس کنم پس از شکایت منعش فرمایم هرچه از عبادت و طاعت در ایام صحت برای او می نوشته اید در ایام مرض نیز همان را بنویسید و درین ایام هیچ سیئه بر او منویسید و ناله مریض تسبیح و فریادش تهلیل است و غلطیدنش در میان جامه خواب چنان است که در راه خدا شمشیر بزند پس چون صحت یابد اگر ترک معاصی کند و بعد از آن کشت نماید گناهانش آمرزیده شود و اگر حذر نشود و بد شود سابق باشد وای بر او و بد احالش و نیز مرویست که چون مؤمن یکشب تب کند کفاره همه گناهانش باشد و برابر است با یکسال عبادت و یکشب صداع تمام خطایا بر برد سوای کبایر و یکشب بیخوابی بسبب مرض باو جمیع اجرش عظیم تر است از یکساله عبادت و هر مؤمن که یکشبانه روز مریض شود و شکایت نکند با حضرت

ابرهیم علیه السلام مبعوث شود و چون برق لامع از صراط بگذرد پرسیدند که حد شکایت کدام است حضرت امام علیه السلام فرمود اینکه بگوئی بلیه یا آزاری کشیدم که هیچکس نکشیده بود اما اگر بگوید تب کردم یا بیخوابی کشیدم و مثل این روا است گویند شکایت نباشد **و اما فضایل** عیادت مریض و سعی در حوائج او مرویست که هر کس مؤمنی را عیادت کند داخل رحمت شود و چون نزد او بنشیند رحمت او را فرو گیرد و چون مراجعت کند خدای تعالی هفتاد هزار ملک بر او موکل کرداند که مشایعتش کنند و با او رفیق باشند تا آن ساعت از روز دیگر و برای او استغفار نمایند و گویند خوش باشی و خوش باشد ترا بهشت و مکانی عطا فرماید در بهشت که چهل روزه سواری باشد و مستحب است که چون بعیادت مریض روند سیبی یا بهی و مجملا تحفه برای او برند تا بآن تسلی یابد و شکفته شود و در پیش او بسیار توقف نباید کرد که مبادا بر او دشوار باشد و هر کس بعیادت مریض رود باین کلمات برای او دعا نکند مگر آنکه البته شفا یابد اگر موتش مقدر نشده باشد اسال الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک و چون از پیش او برخیزد بگوید کشف الله ضرک و غفر ذنبک و حفظک فی دینک و بدنک الی منتهی اجلک و مریض نیز برای ایشان دعا کند که دعای مریض برای کسی که بعیادتش رود مستجابست و هر کس نزد بیمار رود و این دعا را بخواند هفت بار بیماری آن مریض بر او اثر نکند بسم الله الرحمن الرحیم اعیذ بالله العلی العظیم رب العرش العظیم من شر کل عرق نعار و من شر حر النار و هر کس یکشبانه روز بیمار داری کند با حضرت ابرهیم ع مبعوث شود و چون برق از صراط بگذرد و

هر کس در حاجتی برای مریض سعی کند خواه بر آورده شود و خواه
نشود از گناه پاک شود مثل روزی که متولد شده کسی پرسید که یا
رسول الله اگر مریض از اهل خانه آنکس باشد ثواب عظیم تر است
فرمود بلی **صحت دویم** در معالجه امراض بدعا و صدقه بدانکه
اگر بیمار توکل بجناب اقدس شفا بخش حقیقی و التجا بمحض لطف و
کرم او و برکت حضرت رسالت و توسل بولایت اهل بیت نبوت
صلوات الله علیهم نماید و اخلاص را مشوب بشرک و یقین را مغشوش
بشک نسازد و از یقین درست و اخلاص صادق دعا کند و صدقه
دهد با اثر اجابت و صحت مقرون یابد البته منتفع میشود مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بیمار را بصدقه معالجه
کنید که صدقه بلاها و امراض را دفع کند چه دعای سائل برای
معطی مستجابست **اما دعا جهت دفع امراض** و آن بسیار است **از جمله** دعای
چند است که باید بیمار خود بخواند مثل آنکه برای جمیع اوجاع و
امراض بگوید وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ و
دست بر آن موضع بمالد مرویست که هیچ کس از روی اخلاص چنین نکند
مگر آنکه شفا یابد **و مثل آنکه** بر هر علت و مرض هفتاد بار سوره حمد
بخواند مرویست که اگر بر میت بخوانند و روحش ببدن رجوع کند
عجب نباشد و مرضی که بحمد شفا نیابد بهیچ چیز شفا نیابد **و مثل آنکه**
بعد از نماز صبح چهل بار بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ
الْخَالِقِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و دست بر آن
موضع بمالد راوی گوید مرا مرضی عارض شد که اطبا از معالجه
آن عاجز شدند و بعجز اعتراف نمودند و از مداوا مأیوس شدند پس

من از نهایت حزن و اندوه کتابی برداشتم که مطالعه کنم در پشت
آن کتاب این را دیدم که از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
بود چون نماز صبح را کردم بآن عمل نمودم هنوز نشسته بودم که
آن علت صحت یافت و می ترسیدم که مبادا باز عود کند سه روز
صبر کردم و باین عمل مینمودم بعد از آن پدر خود را خبر کردم
شکر نمود و طبیبی حاذق یهودی آورد و حکایت قصه باو نقل
کرد چون ملاحظه نمود در ساعت ایمان آورد و مسلمان شد **ایضا**
در مهج الدعوات از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست
که هر بیماری که بخواند این دعا را شفا میدهد خدای تعالی او را
از آن مرض إِلٰهِي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِنِعْمَةٍ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي
وَكُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ
نِعَمِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَيَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَائِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي
وَيَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَيَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْمَعَاصِي
فَلَمْ يُعَاقِبْنِي عَلَيْهَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي
وَاشْفِنِي مِنْ مَرَضِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **ایضا** مرویست
که چون بعضی از فرزندان حضرت صادق علیه السلام بیمار شد
آنحضرت فرمود ای فرزند بگو اللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَدَاوِنِي
بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ **و**
چون کسی را مرضی باشد دست بر آن موضع مرض گذارد و این
کلمات را بگوید که مجربست بی شک اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُوسَى
بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَافِنِي فِي جَمِيعِ جَوَارِحِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا
وَمَا بَطَنَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ **و بعضی از روات**
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود مریض شد

حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه
و آله بعیادت آمد و با حضرت فرمود که بگو اللهم انی اسئلك
تعجیل عافیتك و صبرا علی بلیتك و خروجا من الدنیا برحمتك
و شیخ شهید در دروس ذکر کرده که دعا در حال سجود زایل میکند
مرضها را و همچنین مالیدن دست بر موضع سجده آنگه مالیدن
بر محل کوفت و درد دعوات مهمّ دامادره مذکور است که هر که را
مرضی روی دهد دست بر موضع سجده بکشد و بر آن علت فرود
آرد تا سه بار و هر بار این دعا را بخواند که بعون الله تعالی آن
علت و مرض برطرف شود اللهم یا من کبس الارض علی الماء
و سدّ الهواء بالسماء و اختار لنفسه احسن الاسماء صلّ
علی محمد و آله الانبیاء و ادفع عنّی هذا الذل و جمیع الداء
انّك علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
دیگر دعائیست از ادعیه سرّ قدسیه و مضمون آنچه در آن وارد
شده اینست که یا محمد هر گاه علیل و مرضی باشد چون این دعا را
بخواند فارغ کنم او را از آن و آن اینست یا مصحّ ابدان ملئکته
و یا مفرّغ تلك الابدان لطاعته و یا خالق الآدمیین صحیحا
و مبتلی و یا معرض اهل السقم و اهل الصحة للاجر و البلیة
و یا مداوی المرضی و شافیهم بطبه و یا مفرّجا عن اهل البلاء
بلاءهم بجلیل رحمته قد نزل بی من الامر ما رفضنی فیه اقاربی
و اهلی و الصدیق و البعید و ما شمت بی فیه اعدائی حتی
صرت مذکورا ببلائی فی افواه المخلوقین و اعیتنی اقاویل اهل
الارض لقلة علمهم بدوائی و طبّ دائی فی علمك عندك
مثبت فانفعنی بطبك فلا طبیب ارجی عندی منك و لا حمیم

اشدّ تعطفا منك علیّ قد غیّرت بلیتك نعمك علیّ فحوّل ذلك
عنّی الی الفرج و الرخاء فانك ان لم تفعل لم ارجه من غیرك
فانفعنی بطبّك و داونی بدوائك یا رحیم و از جمله دعای چند
که باید دیگری از برای بیمار بخواند تا شفا یابد و بعضی از علما ذکر
کرده که بگیر بازوی راست مریض را و هفت بار سوره الحمد بخوان
پس بگو اللهم ازل عنه العلل و الداء و اعده الی الصحة و
الشفاء و امدّه بحسن الوقایة و ردّه الی حسن العافیة و اجعل
ما ناله فی مرضه هذا مادّة لحیوته و کفارة لسیئاته اللهم
و صلّ علی محمد و آل محمد و اگر شفا نیابد هفتاد بار سوره حمد
را بخوان که ان شاء الله تعالی شفا یابد و همچنین در کتاب مجتنی
مذکور است که بخوان برای مریض این دعا را اللهم انك قلت
فی کتابك المنزل علی نبیك المرسل و ما اصابکم من مصیبة فبما
کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر اللهم فصلّ علی محمد و آل محمد
و اجعل هذا المرض من الکثیر الذی تعفوا عنه و تبری منه
اسکن ایها الوجع و ارتحل الساعة عن هذا العبد الضعیف
سکّنتك و رحّلتك بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو
السمیع العلیم پس اگر بیکبار خواندن شفا نیابد مکرر بخواند که
ان شاء الله تعالی شفا می یابد و منقولست که نوشتن آیات شفا بر
ظرفی و محو کردن باب و خوردن باعث شفای هر درد و علت است
و آیات مذکور شد در باب پنجم و بکم بسند معتبر مرویست که بهما
بند پیراهن را بگشاید و سر بدرون کریبان کرده اذان و اقامه بگوید
و هفت بار سوره حمد بخواند راوی گوید من تب داشتم چون چنین
کردم گویا از بند رهائی یافتم و در بعضی کتب اوّل صبح پیش از آنکه با کسی

حرف زند هفت بار الحمد بخواند اگر صحت نیابد روز دیگر هفتاد بار
بخواند حضرت صادق علیه السلام فرمود من بعد از این ضامن
شفای اویم **دعا گندم** یک صاع گندم که بوزن تبریز تخمینا یکمن است
قدری بیشتر بگیرد و بر پشت بخوابد و گندم را بر روی سینه بریزد
هر نحو که ریخته شود و بگوید اللّهمّ انّی اسئلک باسمک الّذی
اذا سألک به المضطرّ کشفت ما به من ضرّ و مکّنت له فی
الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک ان تصلّی علی محمّد و آل
محمّد و ان تعافینی من علّتی پس راست بنشیند و گندم را از اطراف
خود جمع کند و باز همین دعا را بخواند پس گندم را چهار حصّه کند
و بهر یک دعا را بخواند و هر حصّه را بمسکینی دهد راوی گوید
چون چنین کردم گویا از بند نجات یافتم **نوع دیگر** که مجرّبست باید
که هفت شاهی پول یا هفتصد دینار یا بیشتر بقدر توسعه آن مریض
غرض آنکه در عدد باید که هفت باشد بی زیاده و نقصان شب در
زیر سر بیمار گذارد و بگوید که این نذر امام موسی کاظم است که بنیّت
شفای این بیمار می گذارم و چون صبح شود آن وجه را برداشته بشیعه
اثنا عشری نماز گذاری دهد که البتّه مریض شفا می یابد و بشفا
بخش حقیقی قسم که این غریق بحر معاصی مکرّر این عمل را تجربه نموده
و تخلّف نکرده و اگر چنانچه بیمار را مرض موت بوده این عمل البتّه
از خاطر فراموش میشده **طریق دیگر** باید که مادر بیمار دو رکعت
نماز کند و در سجده بگوید که اللّهمّ انّک وهبته لی و لم یک
شیئا فهبه لی هبة جدیدة راوی گوید که من بیمار شدم شدید
و حضرت صادق علیه السلام بدیدن من آمد چون جزع مادر
مرا دید این طریقه را تعلیم او فرمود چون صباح شد جزبیسر بخته

بودند من با ایشان شرکت نمودم و این طریقه در روایت دیگر
چنین آمده که مردم آمده بودند که بر جنازه من حاضر شوند حضرت
صادق علیه السلام بمادرم فرمود که غسل کن و بر بام خانه برو و
و در زیر آسمان دو رکعت نماز بگذار و بعد از نماز بگو اللّهمّ انّک
وهبته لی و لم یک شیئا اللّهمّ انّی استوهبکه مبتدئا فاعرنیه
قسم دیگر مادر بیمار بر بالای بام رفته مقنعه از سر بردارد و موی
سر بآسمان گشوده سجده کند و بگوید اللّهمّ انت اعطیتنیه و انت
وهبتنیه فاجعل هبتک الیوم جدیدة انّک قادر مقتدر و هنوز
سر از سجده بر نداشته باشد که فرزندش شفا یابد **دعای جلد** بیمار
باید خود بگوید اللّهمّ ارحم جلدی الرّقیق و عظمی الدّقیق و اعوذ
بک من فورة الحریق یا امّ ملدم ان کنت آمنت بالله فلا تاکلی
اللّحم و لا تشربی الدّم و لا تفوری من الفم و انتقلی الی من یزعم
مع الله الها آخر فانّی اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا
شریک له و انّ محمّدا عبده و رسوله حضرت صادق علیه السلام
فرموده هرگز باین دعا پناه نبردم مگر آنکه شفا یافتم و مستحبّ است
که مریض در ایّام مرض مکرّر بگوید که لا اله الّا الله وحده لا شریک
له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حیّ لا یموت سبحان
الله ربّ العباد و البلاد و الحمد لله حمدا کثیرا طیّبا مبارکا
فیه علی کلّ حال و الله اکبر کبیرا کبریاء ربّنا و جلاله و
قدرته بکلّ مکان اللّهمّ ان کنت امرضتنی لقبض روحی فی مرضی
هذا فاجعل روحی فی ارواح من سبقت لهم منک الحسنی **دعای
تبلرزه** بر سه پاره کاغذ بنویسند و هر روز یکی را با گلاب شسته بنوشد
بسم الله الرّحمن الرّحیم هطك هطك هطك همه شفاء من الله

اَلعَزیزِ الحَکیمِ بحق اطط اطط هل برصی اطط اطط هل برضی اطط
اطط هل برصی **ایضاً جهت لرز** بر سه مغز بادام بنویسد و هر روز ناشتا
یکی را بخورد روز اول بر طرف بادام بنویسد که بِسمِ اللهِ و بر طرف
دیگر سوما بنویسد روز دویم اَلرَّحمٰن بر طرفی و اسوما بر طرف دیگر
روز سیم اَلرَّحیم بر طرفی و ابرسوما بر طرف دیگر **ایضاً جهت لرز** بر سه
پارچه کاغذ با قلم باریک چنانچه توان خواند بنویسد بِسمِ اللهِ ذِی
العِزَّةِ وَالکِبریاءِ وَالنُّورِ و کاغذها را مدوّر پیچیده هر روز ناشتا
یکی را بخورد **ایضاً جهت لرز** سه برگ از درختی بگیرد و بروایت دیگر
از درخت توت بنام مریض و بر یکی بنویسد طلسوما و بر دیگری
اوحوما و بر دیگری ابرسوما و در آب بریزند **ایضاً جهت لرز** بر دست
راستش بنویسند بِسمِ اللهِ جبرئیل و بر دست چپ بِسمِ اللهِ میکائیل
و بر پای راست بِسمِ اللهِ اسرافیل و بر پای چپ بِسمِ اللهِ لَا یَرَونَ
فِیهَا شَمسًا وَلَا زَمهَرِیرًا و بر میان هر دو کتف بِسمِ اللهِ العَزیزِ الجَبّارِ
وبسند معتبر از سلمان فارسی رضی الله عنه حدیث طویلی روایت
شده که خلاصه آن اینست که سلمان گفت بعد از وفات حضرت رسول
صلی الله علیه و آله رفتم بخدمت حضرت فاطمه صلوات الله علیها
و آنحضرت این حرز را بمن تعلیم کرد و فرمود که از خواص این حرز آن
که خواننده را تب عارض نمیشود و من تعلیم کردم زیاد از هزار کس
از اهل مدینه منوره و مکه را که تب داشتند و همه بری شدند از
تب باذن الله تعالی و آن حرز اینست بِسمِ اللهِ النُّورِ بِسمِ اللهِ
نُورِ النُّورِ بِسمِ اللهِ نُورٌ عَلیٰ نُورٍ بِسمِ اللهِ الَّذی هُوَ مُدَبِّرُ الاُمُورِ
بِسمِ اللهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ
وَاَنزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ فی کِتابٍ مَسطُورٍ بِقَدَرٍ مَقدُورٍ عَلیٰ

نبی

نَبِیٍّ مَحبُورٍ اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی هُوَ بِالعِزِّ مَذکُورٌ وَبِالفَخرِ مَشهُورٌ وَعَلَی
الضَّرّاءِ وَالسَّرّاءِ مَشکُورٌ وَصَلَّی اللهُ عَلیٰ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطّاهِرینَ **وبعضی از ثقات** ذکر کرده که بخط مبارک حضرت امام
رضا علیه السلام دیدم که بنویس برای تب بر سه پاره کاغذ و هر روز
یکی از آنها را بده که صاحب تب فرو برد که بری میشود از تب ان شاء
الله تعالی بر کاغذ اول بنویس بعد از بسمله لَا تَخَف اِنَّکَ اَنتَ
الاَعلیٰ و بر دویم بعد از بسمله لَا تَخَف نَجَوتَ مِنَ القَومِ الظّالِمینَ
و بر سیم بعد از بسمله اَلَا لَهُ الخَلقُ وَالاَمرُ تَبارَکَ اللهُ رَبُّ
العالَمینَ و بر هر یک سه بار قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ بجز آن **دعائیست** از حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام مرویست که بنویس و بیاویز بر صاحب
تب که یا نارُ کُونی بَردًا وَسَلامًا عَلیٰ اِبراهیمَ **ایضاً** مرویست که این
آیات را باید نوشت و بر بازوی راست صاحب تب بست بِسمِ اللهِ
الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ وَلَو اَنَّ قُرآنًا سُیِّرَت بِهِ الجِبالُ اَو قُطِّعَت بِهِ الاَرضُ
اَو کُلِّمَ بِهِ المَوتیٰ بَل لِلّٰهِ الاَمرُ جَمیعًا یا شافی یا کافی یا مُعافی
وَبِالحَقِّ اَنزَلناهُ وَبِالحَقِّ نَزَلَ بِاسمِ فُلانِ بنِ فُلانٍ بِسمِ اللهِ وَبِاللهِ
وَمِنَ اللهِ وَاِلَی اللهِ وَلا غالِبَ اِلَّا اللهُ **ایضاً** مرویست که این
دعا را باید نوشت و بر ریسمانی باید بست و هفت گره زد و در وقت
گره زدن هر بار سوره فاتحه باید خواند و بعد از آن بر سر صاحب تب
باید بست بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ وَبِالحَقِّ اَنزَلناهُ وَبِالحَقِّ نَزَلَ
وَنُنَزِّلُ مِنَ القُرآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَرَحمَةٌ لِلمُؤمِنینَ یا نارُ کُونی بَردًا
وَسَلامًا عَلیٰ اِبراهیمَ وَاَرادُوا بِهِ کَیدًا فَجَعَلناهُمُ الاَخسَرینَ
یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا رَحمٰنُ یا رَحمٰنُ یا رَحمٰنُ اَسکُن بِقُدرَةِ
الجَبّارِ العَظیمِ وَبِقُدرَةِ المَنّانِ الکَریمِ و معوذتین را نیز باید نوشت

بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در هر عضو که
الم باشد دست خود را بر آن موضع بگذارد و بگوید بسم الله و بمالد و بعد
از آن هفت بار بگوید اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ
بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله و اعوذ برسول
الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما اخاف
علی نفسی وجه درد هر عضو که الم باشد از حضرت باقر علیه السلام مرویست
که دست بر آن گذارد و هفت بار بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما
فی البر و البحر و ما فی السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم
ایضا بسند معتبر از آنحضرت علیه السلام مرویست که دست بر آن جانب
گذاشته سه بار بگو یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد
علی عبدک الضعیف ایادیک الجمیلة و اذهب عنه ما به من
اذی انک رحیم قدیر مرویست که معویة بن عمار میگوید که شکایت کردم
بحضرت صادق علیه السلام از صداع پس آنحضرت فرمود که بعد
از نماز فریضه انگشت سبابه دست راست را بگذار بر میان دو ابرو
و هفت بار بگو یا منان اشفنی بعد از آن بگذار کف دست راست
را بر میان سر و بگو یا من سکن له ما فی اللیل و النهار و ما فی
السموات و الارض صل علی محمد و اهل بیته و سکن ما بی
بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که چون
کسی را درد چشم باشد آیة الکرسی بر آن بخواند و در دلش باشد که
شفا می یابد ایضا آیه نور و آیه و ان یکاد را با تربت مقدس و آب
زمزم بر جامی نویسد و بشوید و در شیشه کند و با میل در چشم کشد
ایضا از بعضی صلحا منقولست که در خواب دید که کسی باو گفت بگو
اعیذ نور بصری بنور الله الذی لا یطفی و دست بر چشم بمالد و آیة

الکرسی بخوان چنین کرد و شفا یافت و مکرر نیز تجربه کرده اند ایضا
مرویست که کسی که هر روز بگوید فجعلناه سمیعا بصیرا محفوظ میشود
از آفت چشم ایضا مرویست انگشت سبابه بر آن گذارد و بگوید بسم
الله و بالله اسئلک بعزتک و جلالک و قدرتک علی کل شیء
ان مریم لم تلد غیر عیسی روحک و کلمتک ان تکشف ما یلقی
فلان بن فلانة من الضر کله فسکن ما بها کما سکن ما بک و ما ردت
علیه شیئا جهت خون رفتن و از هر عضو که آید بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها
فباذن الله و لیخزی الفاسقین و بر آن موضع بدمد جهت صرع
مرویست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر مصروع این دعا
میخواند عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی ابن
ابی طالب علیه السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله علی
جن وادی الصفراء و اجابوا و اطاعوا لما اجبت و اطعت
و خرجت عن فلان بن فلانة الساعة جهت طحال مرویست از حضرت
امام زین العابدین علیه السلام که برای درد طحال بنویس آیه
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن را تا آخر سوره بنی اسرائیل بر عفران
و آب زمزم و آنرا بخورد که شفاست انشاء الله تعالی جهت آبله تا بد
این شکل را نوشت و بر بازوی
طفل بست که آبله بر نمی آید و
اگر برآمده باشد زیاد از آن

١٦	٣	٢	١٣
٥	١٠	١١	٨
٩	۶	٧	١٢
۴	١٥	١۴	١

سی سی وما الفرعم
ایسر ایسر یاوس
اربوس اس

بر نمی آید جهت بیماری اطفال مرویست که برای بیماری اطفال این دعا
را بنویس و بر ایشان ببند که مجربست بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و بالله و من الله و الی الله و کما شاء الله و بعزة الله

وجبروت الله وقدرة الله وملكوت الله هذا الكتاب اجعله
شفاء لفلان بن فلان عبدك وابن امتك وصلى الله على رسوله
محمد وآله وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين
جهت گریه اطفال مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که بنویس
برای گریه اطفال فضربنا على آذانهم في الكهف سنين عددا
ثم بعثناهم لنعلم اي الحزبين احصى لما لبثوا امدا ایضا از
ابن عباس مرویست که هر که نامهای اصحاب کهف را بنویسد و در
زیر سر اطفال گذارد گریه بسیار نکند و اگر با خود دارد از خوف
ایمن گردد و اگر در میان زراعت نصب کند از آفت محفوظ شود
و خواص آن بسیار است و بر این مجمل اختصار شد و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که اصحاب کهف هفت تن بودند
و اسمای ایشان اینست یملیخا مکشلینا مرنوش برونوش شاذنوش
مرطونس و اسم سگ ایشان قطمیر جهت دفع مضرت در زیر آسمان
که سقف نباشد دستها را برداشته بگوید اللهم انك عيرت
اقواما في كتابك فقلت قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا
يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا فيا من لا يملك كشف
ضري ولا تحويله عني احد غيره صل على محمد وآل محمد واكشف
ضري وحوله الى من يدعو معك الها آخر فاني اشهد ان لا
اله غيرك ایضا چراغ تکبیر کو تا آن خاموش کند و بر آن عضو بگوید
که اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافي لا شافي
الا انت دعا از برای قوت حافظه و زوال نسیان بعد از
نافله صبح بخوانند ربنا لا تؤاخذنا تا آخر سوره بقره مداومت
نماید بعد از آن بگوید اللهم لا تنسني ما اقرأه في يومي هذا

فانك

فانك قلت سنقرئك فلا تنسى دعای دیگر بعد از هر نماز بگوید
سبحان من لا يعتدي على اهل مملكته سبحان من لا يأخذ
اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤوف الرحيم اللهم
اجعل في قلبي نورا وبصرا وفهما وعلما انك على كل شيء
قدير دعا دیگر هر روز بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرف زند
بگوید یا حي يا قيوم فلا يفوته شيئا من علمه ولا يؤده من
حفظه جهت حل مربوط یعنی واکردن مردی که از مباشرت زن ابزا
بسته باشد در عدة الداعي مذکور است که بنویس اول سوره
انا فتحنا تا صراطا مستقيما و سوره اذا جاء را تمام بعد از آن
بنویس ومن آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا
اليها وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لآيات لقوم
يتفكرون ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون
ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى
الماء على امر قد قدر رب اشرح لي صدري ويسر لي امري و
احلل عقدة من لساني يفقهوا قولي وتركنا بعضهم
يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا كذلك
حللت فلان بن فلان على فلانه بنت فلانه لقد جاءكم رسول
من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين
رؤف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم و بر آن نخص بیاویزد طریق
دیگر بنویس بر سه عدد تخم مرغ پخته و پوست کنده بر اول جهت
اذا ركبا في السفينة خرقها وبردوهم اولم ير الذين كفروا
ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من

الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و برسیم فاستغلظ فاستوی
بعد از ان تخم اول را بخورد اگر وا نشود دویم را بخورد والا سیم
را بخورد که ان شاء الله تعالی وا میشود و ادعیه و اعمال آسانی
وضع حمل در باب نکاح در آداب قبل از ولادت مذکور میشود
صحت جسم در طریق استشفا و معالجه بتربت مقدس حضرت
امام حسین علیه السلام و ابنیسان و طریق اخذ انها اما
تربت مقدس مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که
این تربت مقدس دوای اکبر است و بر هیچ مرض و علت نگذرد
مگر که انرا دفع کند و حرز از هر خوف است کسی از حضرت صادق
علیه السلام پرسید که بعضی مردم ازین تربت مقدس منتفع میشوند
و بعضی نمیشوند فرمود والله که هیچکس با اعتقاد این که خدای تعالی
باین تربت مقدس او را شفا میدهد تناول نکند مگر انکه البته
شفا یابد دیگری بخدمت انحضرت معروض داشت که از شما شنیدم
که تربت مقدس بر هیچ علتی نگذرد مگر انکه انرا دفع کند فرمود
بلی چنین است گفت من تناول کردم و منتفع نشدم فرمود این
تربت مبارک دعائی دارد که اگر انرا نخوانند نواند بود که اثر
نکند چون تربت مقدس را بر داری بگو اللهم انی اسئلک
بحق الملک الذی قبضها و اسئلک بحق النبی الذی خزنها
و اسئلک بحق الوصی الذی حل فیها ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تجعله شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و
حفظا من کل سوء پس در پارچه بندد انا انزلناه بر ان بخوان
و چون خواهی تناول نمائی ببوس و بر هر دو چشم بگذار و زیاده از
یک نخود تناول نکنی که هر کس زیاده از قدر یک نخود بخورد چنان

است

است که از گوشت و خون ما خورده باشد و در روایت دیگر آمده
که اگر کسی نه بقصد دوا بخورد چنان است که از گوشت و خون ما
بخورد و ایضا روایت کند که من بحضرت امام محمد باقر علیه السلام
شکایت کردم از دو علت که ضد یکدیگر بودند و هر یک را که
معالجه میکردم بدیگری ضرر میرسید فرمود که چرا تربت حضرت
امام حسین علیه السلام نمیخوردی گفتم بسیار خوردم و نفع نیافتم
چون این سخن گفتم اثر غضب بر ان حضرت مشاهده کردم
گفتم اعوذ بالله من غضبک یا ابن رسول الله پس انحضرت بر
خواسته بخانه رفت و بقدر نخودی از تربت مقدس آورده بمن داد
و فرمود که بخور چون خوردم همان ساعت شفا یافتم فرمود این
همان است که گفتی بسیار خوردم و شفا نیافتم پس من گفتم یا مولای
بخدا قسم که دروغ نگفتم لیکن شما را در ان علمی هست اگر بمن
احسان فرمائی دوست تر دارم از هرچه آفتاب بر ان تابیده
فرمود چون خواهی تربت مقدس را بر داری باید که در آخر شب
غسل کنی و جامه پاک پوشیده بوی خوش بکار بری پس بروضه
مبارک انحضرت روی و در بالای سر مبارک چهار رکعت
نماز گذاری در رکعت اول بعد از حمد یازده بار قل هو الله احد
بخوان و در دویم بعد از حمد یازده بار انا انزلناه و این قنوت بخوان
لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة و رقا
لا اله الا الله وحده وحده و انجز وعده و نصر عبده
و هزم الاحزاب وحده سبحان الله رب السموات السبع و
رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن سبحان الله رب
العرش العظیم و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیما پس این

دو رکعت را تمام کن و بی فاصله دو رکعت دیگر بکذار و بخوان در
رکعت اول بعد از حمد یازده بار قل هو الله احد و در دویم بعد از
حمد یازده بار اذا جاء و همان قنوت را بخوان و چون سلام دهی
سجده کن و صد بار بکوی شکراً لله پس سر بردار و بکوی بعد از انکه
دست را بر تربت مقدس کذاشته باشی یا مولای یا ابن رسول الله
انی اخذ من تربتک باذنک اللهم اجعلها شفاءً من کل داء
وعزاً من کل ذل وامانا من کل خوف وغنیً من کل فقر
لی ولجمیع اخوانی المؤمنین والمؤمنات پس سه بار دست انکشت
از تربت مقدس بردار و در خرقه پاک بر بند یا در شیشه کن و سر
انرا با خاتمی که نکین ان عقیق باشد و این کلمات بر ان نقش شده
باشد ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله مهر کن و چون
خدای تعالی بداند که نیت تو صادق است مجموع انرا که برداشتی
هفت مثقال باشد نه زیاده و نه کم چون چنین برداری شفای
تمام امراض باشد و روایت دیکر شده که اکر این کلمات را با تربت
مبارک بر کاسه چینی نویسند با کلاب یا غیر ان و بشویند و
بیاشامند باذن الله تعالی شفا یابد اکر چه شروط مذکوره بعمل
نیامده باشد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم
الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم وننزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ودر وقت خوردن
تربت مقدس بکوید که بسم الله وبالله اللهم رب هذه
التربة المبارکة الطاهرة ورب النور الذی انزل فیه
ورب الجسد الذی سکن فیه ورب الملئکة الموکلین به

اجعله لی شفاءً من داء کذا و ان مرض را نام برد پس جرعه
اب بر سر ان بیاشامد و بکوید اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما
نافعا وشفاءً من کل داء وسقم که خدای تعالی ببرکت ان تربت
مقدس هر علت و مرض و الم و غم را دفع نماید و در روایت دیکر امده
که این دعا را سه مرتبه بخوانند و بر تربت مقدس بدمند زود تر
اثر کند بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما
نافعا وشفاءً من کل امر انک علی کل شیء قدیر وایضا
مرویست که تربت را با قدری زعفران و عسل و اب باران
معجون ساخته در امراض مداوا نمایند واما اب نیسان مرویست
از حضرت رسول صلی الله علیه واله که فرمود شما را دوائی بیاموزم
که با وجود ان محتاج باطبا نشوید پس حضرت امیر المؤمنین و جمعی
دیکر از صحابه پرسیدند که ان کدام است فرمود که اب باران
نیسان را بکیرید و بر ان بخوانید هر یک از سوره حمد و ایة الکرسی
و قل هو الله احد و معوذتین و قل یا ایها الکافرون را هفتاد بار
و بروایت دیکر انا انزلناه و الله اکبر و لا اله الا الله و صلوات
از هر یک هفتاد بار نیز بخوان و هفت روز پی در پی صبح و شام
از ان اب بیاشامد که بان خدائی که مرا بحق بنبوت فرستاده که
جبرئیل علیه السلام کفت از جناب مقدس الهی که هر علت و مرض
که در جمیع رکها و استخوانهای او باشد بیرون رود و شفا یابد
و اکر در لوح محفوظ بنام او علتی ثبت باشد محو شود و اکر فرزندش
نشود بشود اکر چه عقیم باشد و اکر عنین باشد عافیت یابد
و اکر زن بقصد پسر بخورد پسر اورد و دوای جمیع امراض است
در هر عضو که باشد حتی کوری و لالی و شلی و دیوانکی و امانات

از تمام مکاره و از نزول آب سیاه بچشم و از وسواس جن و شیاطین
و دلش پر نور و روشن گردد و الهام الهی در دلش راه یابد و حکمت
از دلش بر زبانش جاری شود و هزار رحمت و هزار مغفرت بر او
فرستد و غش و حسد و خیانت و غیبت و کبر و بخل و حرص و
غضب و عداوت و ظلم از دلش ببرد و چون این روایت بعبد الله
عمر منتهی میشود باین سبب سندش ضعیفست و مولانا محمد باقر
مجلسی رحمه الله در تصانیف خود ذکر کرده که بخط شیخ شهید رحمه الله
دیدم که این روایت را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
بود با همین خواص که مذکور شد باضافه آنکه اگر در زندان باشد
و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و برودت در طبع او غالب
نگردد و سورهها و آیات و اذکار را باین روش روایت کرده که هر
یک از فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و سوره کافرون و معوذتین و
سوره توحید و سبح اسم و تهلیل و تکبیر و صلوات و سبحان الله
و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر را هفتاد بار بخوانند
و آب باران مطلقا مبارکست و نفع دارد خواه در نیسان ماه بیابد
و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن
شماست و دردها را دفع میکند و بدانکه در این سالها بعد از نوروز
بیست و سه روز تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشود و آن بیست
روز است **باب بیست و هفتم** در آداب نکاح و زفاف و آنچه
مناسب این بابست و آن مشتمل بر چهار عقد است **عقد اول**
در فضیلت تزویج و مذمت عزوبت از دواج بجنس عناصر و ارکان
و انشا کننده خطبه تزویج آبای علوی با امهات سفلی در تنزیل

اسمانی

اسمانی فرموده وَ اَنْکِحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ وَ الصّٰالِحِینَ مِنْ عِبٰادِکُمْ وَ
اِمٰائِکُمْ اِنْ یَکُونُوا فُقَرٰاءَ یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللّٰهُ وٰاسِعٌ
عَلِیمٌ و از مبین حلال و حرام و سید انام که بطفیل فروغ شمع
رخسارش پردگیان حجاب اختفا در جلوه گاه شواهد حسنی
برقع گشوده اند منقول و از آل اطهار کرام که بصیقل تولای ایشان
مرآت جمال پری رویان را که آینه بدن نمای جهان ابداع است
مشاطگان عالم اختراع از کلف زنگ زدوده اند مروی و مذکور است
که چه مانع است مؤمن را از اینکه تزوج کند شاید که از او اولاد
بهم رسند که بذکر و عبادت حق سبحانه زمین را سنگین کنند و نیز
فرموده آنحضرت صلی الله علیه و آله که تزویج کنید و تحصیل اولاد
نمائید که روز قیامت من بر شما بسائر امم مفاخرت و مباهات
کنم حتی طفلی از شما که ساقط شود و سقط شما غضبناک و خشم آلود
بر در بهشت ایستاده باو گویند داخل بهشت شو گوید داخل نشوم
تا اول والدین من داخل نشوند پس حق تعالی ملکی را فرماید
که والدینش را آورده داخل بهشت کنید و اولاد در زیر عرش
در مکانی از مشک و عنبر و زعفران برای آبای خود استغفار
نمایند و نیز فرموده که رذل ترین اموات آنانند که عزب بمیرند
و مرویست که چون کسی تزویج کند نصف دین او محفوظ گردد
پس در نصف دیگر احتیاط و ملاحظه خود نماید و کسی که از ترس
پریشانی ترک تزویج نماید بخدا بدگمان باشد که فرموده اگر
پریشان باشید نکاح کنید تا شما را غنی کردانم و مرویست که
شخصی بحضرت صادق علیه السلام گفت قسم خورده ام که متعه
نکنم فرمود عهد کرده که اطاعت خدا نکنی و الله که اگر اطاعت

نکبتی معصیت کرده باشی و مروی است که از کنیزان طلب ولد کنید
که در رحم ایشان خیر و برکت است **عقد دویم** در بیان آداب نکاح
دایم و متعه و در آن دو صیغه است **صیغه اول** در نکاح دایم مخفی
نیست که هرگاه صیغه نکاح یا متعه میان مردی و زنی جاری شود
اگر عقد و قصد صحیح باشد هر یک از افعال موجب ثواب و حسنه
و فرزندی که بهم رسد حلال زاده میباشد و اگر معاذ الله عقد صحیح
نباشد زن بر مرد غیر حلال و هر یک از افعال ایشان حرام و فرزند
ولد زنا خواهد بود مگر آنکه شبهه عارض شده باشد پس لازم است
که نهایت احتیاط در عقد و شرایط آن رعایت نمایند و صیغه را
بطریقی بخوانند که هیچ یک از علما در صحت آن خلاف نکرده باشند
و معانی و الفاظ را درست فهم کنند و حروف را از مخارج لایقه
ادا نمایند و از هر یک از لفظ انکحت و زوجت و متعت و قبلت
قصد انشا کنند و معنی قصد انشا آنست که قصد نماید که حلال
شدن این زن را بر این مرد بطریق نکاح یا متعه الحال بسبب این
کلام واقع میسازم نه آنکه نکاح یا متعه یا قبول آن در زمان
گذشته واقع شده و من از آن خبر میدهم و باید که زن یا وکیل
او تا صیغه ایجاب را تمام نکند مرد یا وکیل او شروع در تلفظ صیغه
قبول نکند و چون ایجاب تمام شود بی فاصله تلفظ بقبول نماید
و در صحت عقد شرط است تعیین نمودن مرد و زن پس اگر مرد و زن
با هم صیغه گویند بطریق تکلم و خطاب تعیین می نمایند و اگر وکیلهای
ایشان صیغه گویند باید اسم مرد و زن را در صیغه مذکور سازند
و اگر نام ایشان را نگویند و تلفظ موکلی و موکلتی تعبیر از ایشان کنند
قصد نمایند باین دو لفظ ایشان را و در میان وکیلهای ایشان

بنحو

بنحو ممتاز معهود باشد و اگر حاضر باشند بلفظ هذا و هذه بایشان
اشاره کنند و شرط نیست در صحت نکاح دایم ذکر صداق و مهر
پس اگر در عقد مذکور نسازند نکاح صحیح است بشرط آنکه در عقد
شرط نکنند که صداقی اصلا نباشد و اگر مهر را مذکور سازند
ضرور است که تعیین نمایند جنس و قدر و وصف آن را بطریقی که
قابل زیاده و نقصان نباشد و شرط نیست که مهر طلا یا نقره باشد
بلکه هر عینی که بحسب شرع مملوک باشد یا منفعتی که بازای آن
شرعا اجرت توان داد هرگاه معین شود مهر قرار می توان داد مثل
آنکه مردی مهر زن را این قرار دهد که تعلیم نماید بآن زن سوره
معینه را از قرآن مجید چنانچه در حدیث وارد شده و مشهور میان
علما رضوان الله علیهم آنست که هرگاه مرد و زن قادر بر گفتن صیغه
تزویج بعربی باشند جایز نیست که بلغت دیگر صیغه گویند و اگر
هیچ یک از مرد و زن قادر بر گفتن عربی نباشند و قادر بر آموختن
عربی باشند بدون زحمتی که ما فوق طاقت باشد و خواهند که
خود صیغه گویند لازم است که تعلم نمایند و بغیر عربی اکتفا نکنند
و با وصف مشقت در آموختن صیغه عربی جایز است که صیغه را بلفظ
غیر عربی که میدانند بگویند و اگر یکی از ایشان قادر و عارف بعربی
باشد بر او لازم است که بعربی ادا نماید و دیگری که عارف نباشد
بغیر عربی اکتفا نماید و هرگاه عارف بعربی یا قادر بر تعلم آن نباشند
و نتوانند که دیگری را وکیل نمود یا بعربی صیغه را جاری سازد علما
خلاف کرده اند در اینکه دیگری را وکیل کردن لازم است یا نه بعضی
بلزوم توکیل و بیشتری بعدم لزوم قایل شده اند و بعضی از علما قایل
شده اند که زوجین هرچند قادر بر عربی گفتن باشند جایز است که

صیغه را بغیر عربی بگویند و احوط آنست که با مرد و زن با هم
صیغه را بعربی گویند یا وکیل نمایند دیگری را تا بعربی صیغه گفته
شود و اکتفا بغیر عربی نمایند بتخصیص با وجود قدرت بر توکیل
غیر و در صورتی که طرفین عقد ربطی تمام بلغت عربی نداشته
باشند اگر قبل از خواندن صیغه عربی یا بعد از آن معنی صیغه را
بفارسی با یکدیگر بگویند تا صیغه را بفارسی نیز خوانده باشند
بهتر است و نیز علما خلاف کرده اند که طرفین ایجاب و قبول هر دو
یک کس میتوانند بود یا نه و احتیاط در آنست که دو کس باشند و نکاح
دایمی بهر یک از لفظ تزویج و نکاح واقع میشود و باتفاق علما
اکتفا بهر یک ازین دو لفظ می توان نمود و زن هرگاه بالغه و عاقله
باشد و باکره نباشد رضای دیگری در صحت تزویج او ضرور نیست
لیکن اگر ولی داشته باشد سنت است که برای او شوهر کند و بعضی
قایل بلزوم شده اند با وجود ثیبه بودن و اگر باکره بالغه عاقله باشد
و ولی یعنی پدر و جد پدری نداشته باشد نیز رضای زوجه کافی
و رضای دیگری باتفاق کل علما ضرور نیست و اگر ولی داشته باشد
در تزویج او علما خلاف کرده اند بعضی گفته اند که درین صورت نیز
رضای زوجه تنهائی کافیست و بعضی گفته اند رضای ولی تنهائی
کافیست و رضای زوجه ضرور نیست و بعضی رضای هر دو را
ضرور دانسته اند و ترجیح یکی از اقوال بغایت مشکلست و رعایت
احتیاط مقتضی آنست که بدون رضای هر دو عقد واقع نشود و
اولی آنست که یکی از ولی و زوجه دیگری را یا هر دو ثالثی را وکیل
نمایند تا باصالت و وکالت یا بوکالت هر دو صیغه خوانده شود
و هرگاه باین طریق صیغه گفته شود شکی در صحت عقد نیست و علما

خلاف کرده اند در اینکه ولایت جد مشروط است با وجود پدر
یا بموت او احوط و مشهور آنست که با حیات و ممات پدر ثابت است
و هرگاه پدر و جد نزاع کنند در دو زوج باکره رشیده مشهور میان
و مدلول بعض اخبار تقدم اختیار جد است و آنچه مذکور شد
در باب احوط بودن رضای ولی وقتی است که مانع نباشد از شوهر
کردن او بکفو و مراد بکفو درین موضع کسی است که مؤمن و صاحب
عفت و قادر بر نفقه و کسوه زن باشد پس اگر کفوی بهم رسد و زن
را خواهد و ولی بدون رعایت مصلحت زن مانع باشد اذن و
رضای آن ولی ضرور نیست و اگر ولی را منظور از منع کمان بهتر
از آن باشد از ولایت معزول نخواهد بود و بهتر آنست که نکاح
در روز جمعه واقع شود در ساعتی از روز که هوا بسیار گرم
نباشد برای آنکه در گرمی روز هرگاه نکاح واقع شود زود به
مفارقت و دوری انجامد و مکروه است عقد کردن در وقتی که ماه
در برج عقرب باشد و از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که هر که عقد کند و ماه در برج عقرب باشد نیکوئی نمی بیند و نیز
مکروه است در وقتی که ماه در محاق یعنی تحت الشعاع باشد و نور
نداشته باشد چه در آن وقت اگر تزویج واقع شود طفل از ساقط
شدن ایمن نباشد و شرط نیست در صحت نکاح حضور دو عادل
چنانچه در طلاق شرط است لیکن سنت است که نکاح را علانیه
واقع سازند و جمعی از مؤمنان را دعوت و مهمانی کنند و ایشان را
بر نکاح شاهد سازند و نیز سنت است که قبل از جریان صیغه و
بعد از بسمله خواندن خطبه مشهوره که بعضی از آن ماخوذ است
از خطبه که حضرت امام محمد تقی وقتی که دختر مامون الرشید را

برای خود عقد مینموده خوانده و آن اینست الحمد لله اقرارا بنعمته و لا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته و صلی الله علی سید بریته محمد صلی الله علیه و آله و علی الاصفیاء من عترته و ذریته اما بعد فقد کان من فضل الله تعالی علی الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم و قال رسوله الکریم صلی الله علیه و آله تناکحوا تناسلوا تکثروا فانی اباهی بکم الامم یوم القیمة و لو بالسقط فعلی کتاب الله تعالی و سنة نبیه و الائمة الطاهرین و بالبراءة من اعدائهم اجمعین انکحت و باقی صیغه را بوضعی که مذکور میشود بگوید و صیغه نکاح در صورت احتمالات نه قسم میشود و درین جا چهار قسم که اکثر اوقات وقوع آن ممکن است ذکر میاید **اما طریق صیغه** هرگاه که وجوه استعمالات از روی احتیاط رعایت شود و فرض کنیم که مهر مبلغ پنجاه تومان تازه سکه باشد و مرد با وکیل زن صیغه گوید و اذن ولی نباید وکیل زن میگوید انکحتک و زوجتک موکلتی علی صداق خمسین تومانا جدید الضرب پس بی فاصله مرد میگوید قبلت النکاح و التزویج لنفسی علی الصداق المعلوم پس وکیل زن میگوید انکحت و زوجت نفس موکلتی نفسک علی الصداق المعلوم پس مرد همانرا میگوید که گذشت پس وکیل زن میگوید انکحت و زوجت نفس موکلتی من نفسک علی الصداق المعلوم پس مرد همانرا میگوید پس وکیل زن میگوید انکحت و زوجت نفس موکلتی لنفسک علی الصداق المعلوم

پس مرد قبول میکند و هرگاه شخصی که صیغه میگوید انقدر مربوط نباشد که مهر را ذکر نماید قبل از جریان صیغه قدر مهر را معین نموده تمهید نمایند و بعوض علی صداق خمسین تومانا جدید الضرب علی الصداق المعلوم بگوید و اشاره نماید بان قدری که تمهید شده **و اما طریق** آنکه مرد با وکیل زن صیغه گوید و اذن ولی باید و ولی نیز وکیل زن را وکیل نموده باشد و ولی پدر باشد وکیل زن میگوید وکالة عن موکلتی و عن ابیها انکحتکها و زوجتکها علی صداق خمسین تومانا جدید الضرب پس مرد آنرا میگوید که در قسم اول مذکور شد پس وکیل زن میگوید وکالة عن موکلتی و عن ابیها زوجتک بها علی الصداق المعلوم پس مرد قبول میکند پس وکیل زن میگوید وکالة عن موکلتی و عن ابیها انکحتها و زوجتها نفسک علی الصداق المعلوم پس مرد قبول میکند پس وکیل زن میگوید وکالة عن موکلتی و عن ابیها انکحتها و زوجتها من نفسک علی الصداق المعلوم پس مرد قبول میکند و مرتبه دیگر وکیل زن بعوض من نفسک لنفسک میگوید و مرد قبول میکند و اگر احتیاط خواند صیغه بطریق انفراد رعایت کند وکیل زن بوکالت موکله خود میخواند آنچه را که در قسم اول مذکور شد و مرد قبول میکند و بار دیگر بوکالت موکل خود که ولی است نیز باین قسم میگوید که وکالة عن موکلی انکحتک بنته زینب علی الصداق المعلوم بر فرضی که زن زینب نام داشته باشد و مرد قبول میکند و میگوید آنچه قبل مذکور شد و بر این قیاس باقی عبارات ایجاب را تغییر میدهد **و اما طریق** آنکه وکیل زن با وکیل مرد صیغه گوید و اذن ولی

بباید وکیل زن میگوید انکحت و زوجت موکلک موکلتی علی
صداق خمسین تومانا جدید الضرب پس وکیل مرد میگوید قبلت
النکاح لموکلی علی الصداق المعلوم المذکور پس وکیل
زن میگوید زوجت موکلک بموکلتی علی الصداق المعلوم
پس وکیل مرد میگوید انچه را قبل گفت پس وکیل زن میگوید
انکحت و زوجت موکلتی موکلک علی الصداق المعلوم
پس وکیل مرد همان را میگوید پس وکیل زن میگوید انکحت و
زوجت موکلتی من موکلک علی الصداق المعلوم پس وکیل
مرد قبول میکند و بار دیگر وکیل زن بدل میکند من را بلام و
لموکلک میگوید و وکیل مرد قبول میکند **و اما طریق** انکه
وکیل طرفین با هم صیغه گویند و اذن ولی باید و ولی وکیل زن
را وکیل نموده باشد وکیل زن میگوید وکالة عن موکلتی
زینب و عن ابیها انکحت و زوجت موکلک نفسها علی صداق
خمسین تومانا جدید الضرب پس وکیل مرد قبول میکند بعینها
که در قسم سابق مذکور شد پس وکیل زن میگوید وکالة عن
موکلتی و عن ابیها زوجت موکلک بها علی الصداق المعلوم
پس وکیل مرد قبول میکند پس وکیل زن میگوید که وکالة عن
موکلتی و عن ابیها انکحتها و زوجتها موکلک علی الصداق
المعلوم پس وکیل مرد قبول میکند پس وکیل زن میگوید وکالة
عن موکلتی و عن ابیها انکحتها و زوجتها من موکلک علی الصداق
المعلوم پس وکیل مرد قبول میکند پس بار دیگر وکیل زن بدل من
موکلک لموکلک میگوید و وکیل مرد قبول میکند و اگر رعایت
احتیاط صیغه انفراد نماید وکیل زن میگوید انچه در قسم سابق

مذکور شد و نیز علیحده میگوید انچه گذشت با تبدیل موکلتی بنت
موکلی مثلا در عبارت اول میگوید انکحت و زوجت موکلک
بنت موکلی علی الصداق المعلوم و برین قیاس در باقی عبارات
و اگر بعد از بنت موکلی اسم زن را مذکور سازد بهتر است و اگر
ولی جد باشد بدل عن ابیها عن جدها میگوید و در اکثر اقسام
صیغهاء ایجاب را بعبارات دیگر نیز میتوان گفت مثلا درین قسم در
صورت تشریک وکیل زن میگوید انکحت و زوجت موکلک نفس
موکلتی و بنت موکلی علی الصداق المعلوم **صیغه دویم** در بیان
عقد متعه و بعضی از احکام ان بدانکه شرایط و ادابی که در نکاح
دایم مذکور شد همگی در عقد متعه نیز باید که رعایت شود و فرق
میان نکاح دایم و متعه در چند صورت است **اول** انکه باتفاق
کل علما رضی الله عنهم بلفظ انکحت و زوجت عقد نکاح دایم
واقع میشود چنانچه مذکور شد و خلاف است در اینکه بلفظ متعت
واقع میشود یا نه و اتفاق نموده اند برین که عقد متعه بهر یک از این
سه لفظ واقع میشود **دویم** تعیین مهر است که بدون ان عقد
باطل است باتفاق کل علما **سیم** تعیین مدت است بهر قدر که
طرفین خواهند و احوط انست که کمتر از نصف روز نباشد و مدت
را بزمان عقد متصل سازند **چهارم** انکه مرد در اثنای مدت
اگر خواهد متعه را از حباله خود بیرون کند موقوف بطلاق و
حضور عدلین نیست همین کافیست که باقی مدت را بزن بخشد
پنجم انکه علما خلاف کرده اند در میراث این عقد بعضی گفته اند
که در متعه میراث از هم میبرند زوجین اگر موت یکی از ایشان در
اثنای مدت باشد و بعضی گفته اند که میراث نمیبرند و بعضی گفته اند

کما اگر شرط میراث بردن کرده اند میبرند و الا فلا و اگرچه در صحت
وبطلان عقد متعه دخلی ندارد لیکن چون منشا اشکال و نزاع است
در میراث بهتر انست که در عقد متعه شرط کنند میراث نبردن یا
وباجمال اکتفا نکنند و اقسام ان نیز سه قسم است و در این جا دو
قسم ذکر میشود **قسم اول** انکه زن با مرد صیغه گوید و اذن ولی
نباید هرگاه فرض کنیم که مدت یکماه و مهر مبلغ پنج عباسی تازه
سکه است بعد از بسمله وخواندن خطبه زن میگوید متعت
نفسی شهراً هلالیاً مبتدأ من الان بخمس عباسیات جدیدة الضرب
بشرط ان لا ترثنی ولا ارثک پس مرد بی فاصله میگوید قبلت
التزویج لنفسی هکذا **قسم دوم** انکه وکیل طرفین با هم صیغه گویند
و اذن ولی نباید وکیل زن میگوید متعت موکلتی موکلک
شهراً هلالیاً مبتدأ من الان بخمس عباسیات جدیدة الضرب
بشرط ان لا ترثه ولا یرثها پس وکیل مرد میگوید قبلت التزویج
لموکلی فی المدة المذکورة بالمبلغ المذکور بالشرط المذکور و
اگر وکیل زن باین قسم بگوید نیز درست است که متعت موکلتی
موکلک فی المدة المعلومة بالمبلغ المعلوم بالشرط المعلوم
پس وکیل مرد بگوید قبلت التزویج لموکلی هکذا و بلفظ موکلتی
اشاره نماید باین زن و بموکلک باین مرد و بمدت معلومه بیکماه
که ابتدای ان از حال جریان صیغه باشد و بمبلغ معلوم اشاره به
پنج عباسی و بشرط معلوم اشاره به نبردن میراث از یکدیگر
نماید و در لفظ هکذا اگر وکیل مرد میگوید اشاره نماید بانچه در
ایجاب مذکور شده **عقد سیم** در اختیار زوجه و اداب زفاف
و مباشرت **اما اختیار** زوجه مرویست که زنان نجیب مناسب اختیار

کنید که فرزند بخال او شبیه میشود و کسی که زن برای مال یا جمال
خواهد از ان محروم شود و اگر برای دین و ایمان خواهد از مال
و جمال بهره مند گردد و بهترین زنان انست که عفیف و ولود باشد
و در میان قوم خود عزیز باشد و در نزد شوهر مطیع و اگر شوهرش
از او ازرده باشد خواب نکند تا او را راضی کند و برای شوهر زینت
کند و از نامحرم پوشیده باشد و چون با او خلوت کند مطیع باشد
و بدترین زنان انست که در این صفات برخلاف باشد **اما** اداب
زفاف مرویست که در شب زفاف قبل از انکه داماد و عروس نزدیک
یکدیگر ایند داماد دو رکعت نماز گذارد و بعد از ان حمد الهی
کند و صلوات بفرستد و بگوید اللهم ارزقنی الفها وودها
ورضاها بی واجمع بیننا باحسن اجتماع وایسر ائتلاف
فانک تحب الحلال وتکره الحرام و چون نزدیک یکدیگر
ایند رو بقبله دست بر پیشانی عروس گذاشته بگوید اللهم علی
کتابک تزوجتها وفی امانتک اخذتها وبکلماتک استحللتها
فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سویا ولا
تجعله شرک الشیطان و بعد از ان پای عروس را بشوید و ان اب
را از در خانه تا اخر خانه بپاشد که هفتاد نوع الم و غم از ان خانه
بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل شود و عروس از جنون و جذام
و برص ایمن گردد تا در ان خانه باشد و در هفته اول عروس از خوردن
شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش احتراز کند که رحم را سرد و عقیم
گرداند **اما** اداب مباشرت مرویست که در وقت مباشرت و جماع
اگر بسم الله نگوید شیطان با او شریک شود و باعث کفر و نفاق و
عداوت اهل بیت طاهرین شود در نطفه و در وقت جماع حرف

نزند که موجب لالی و نکاه کردن بفرج مورث کوری فرزند باشد
و جماع در مکانی که کسی ایشانرا ببیند یا صدا و نفس کشیدن ایشان
را شنود خواه طفل و خواه غیر آن سبب زنا در فرزند شود و رو
و پشت بقبله نباشد و اگر محتلم شده باشد قبل از غسل جماع
نکند که سبب جنون در فرزند باشد اما اگر بعد از جماع دیگر اراده
نماید وضو کافیست و در وقت حیض مورث جذام یا برص باشد
در فرزند و نیز مرویست که هیچکس بغض و عداوت ائمه طاهرین
ندارد مگر ولد زنا یا شرک شیطان یا آنکه نطفه اش در ایام حیض
بسته شده باشد و بر بام خانه فرزند منافق و صاحب بدعت
مرائی شود و در آفتاب فرزند در مدت عمر خود پریشان باشد
و در زیر درخت میوه دار فرزند جلاد و خونریز شود و در ایام
حمل جماع بی وضو فرزند کوردل و بخیل شود و جماع با زن خود
در وقتی که شهوه از زن غیر بحرکت آمده باشد فرزند مخنث یا
دیوانه شود و اگر جنب باشد با زن در جامه خواب قرآن نخواند
که بیم آن بود که آتش از آسمان آید و هر دو را بسوزاند و در میان
اذان و اقامت فرزند مجنون دیزی حریص شود و میان طلوع صبح
و طلوع آفتاب و از غروب تا ذهاب شفق مغرب و وقت طلوع
و غروب آفتاب و روز و شبی که آفتاب یا ماه گرفته باشد و شبانه
روزی که زلزله و سایر آیات واقع شود جماع در این اوقات فرزند
بی عیبی نباشد و در اول و آخر ماه فرزند یا زن را بیم جنون و جذام
باشد مگر شب اول ماه مبارک رمضان که مستحب است جماع کردن
و در نصف ماه شعبان فرزند شوم و معیوب باشد و روز آخر
آن خونریز و معین ظلمه باشد و در اول هر شب فرزند ساحر شود

ودنیا

و دنیا را بر آخرت اختیار کند و نه شبانه روز قبل از آنکه خواهد
بسفر رود فرزند معین ظلمه شود و شبی که فردا اش بسفر می رود
فرزند مال خود را در باطل و حرام صرف کند و اوقاتی که جماع
در آنها مستحب است شب جمعه بعد از نماز خفتن که فرزند از
جمله اعاظم و اکابر دین شود و روز جمعه بعد از نماز عصر که
فرزند از مشاهیر علما شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ قرآن شود
و راضی بقسمت خود باشد و شب سه شنبه فرزند مؤمن و رحیم دل
و سخی باشد و زبانش از غیبت و بهتان بری باشد و شب پنجشنبه
فرزند از جمله علما یا اکابر شود و روز پنجشنبه وقت ظهر فرزند
کارساز خلق باشد و دین و دنیایش بسلامت بود و شیطان
نزدیکش نشود تا پیر شود **عقد چهارم** در طلب فرزند و آداب
قبل از ولادت و بعد از آن و تربیت اولاد و رضاع و حقوق زوجین
بر یکدیگر **دعای** طلب فرزند مرویست که چون کسی را فرزند نشود هر
صبح و شام هفتاد بار بگوید سبحان الله بعد از آن ده بار استغفر
الله بعد از آن نه بار سبحان الله بعد از آن یکبار استغفر الله
راوی گوید مرا فرزند نمی شد باین طریقه عمل کردم اولاد بسیار شد
و بسیار مردم را تعلیم نمودم همه را فرزند شد **دعای** دیگر سجده کند
و در سجده بگوید رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع
الدعاء رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین راوی گوید من
چنین کردم دو پسر مرا روزی شد **طریق** دیگر آنکه انگشتر فیروزه بنقش
کند این رب لا تذرنی فردا و انا اخی و تختم بآن نماید راوی گوید
من چنین کردم یکسال نشد که مرا پسری عطا شد و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که برای طلب فرزند وقتی که اراده مباشرت

ادعیه م

کند سه بار ایر وذا النون اذ ذهب مغاضبا را تا اخر بخواند ایضا
مداومت بر استغفار برای طلب فرزند از مجربات است وهرگاه
خواهد که فرزند پسر باشد قبل از انکه از حمل چهار ماه تمام شود
زن را رو بقبله کند در حالتی که هر دو با طهارت باشند و ایة
الکرسی بخواند و دست بر پهلوی زن گذاشته بگوید خدایا این را
محمد نام کردم خدای تعالی انرا پسر کند پس چون متولد شود
اگر بعهد خود وفا کند و محمد نام کند خدا ان مولود را مبارک کرداند
واگر نام دیگر گذارد پس خدا اگر خواهد او را بگذارد واگر نخواهد
ببرد طریق دیگر مرویست که هر کس عزم کند که فرزند را محمد یا علی
نام کند البته پسر شود طریق دیگر در وقت مباشرت دست راست
بر جانب راست ناف زن گذاشته هفت مرتبه سوره قدر بخواند
بعد از ان صحبت دارد و چون حمل ظاهر شود شبها هر بار که در
میان رختخواب حرکت کند دست بر ناف زن گذاشته هفت بار
سوره مذکوره را بخواند راوی گوید من چنین کردم هفت پسر از عقب
یکدیگر امد و بسیار مردم کردند همه را اولاد ذکور بسیار شد
اداب قبل از ولادت مرویست که زن حامله به بسیار بخورد
که فرزند جمیل شود واگر در ایام حمل کندر بخورد فرزند قوی دل
و عاقل شود واگر پسر باشد شجاع شود و چون وضع حمل کند
اول هفت عدد خرما بخورد که فرزند حلیم و عاقل شود و بروایتی
نه عدد امده و در وقت ولادت زنان نامحرم را از خانه بیرون نمایند که
اول نظر زن بر عورت طفل نیفتد واگر وضع حمل دشوار باشد
بر کوزه پر اب سه بار این دعا را بخواند بسم الله الذی لا اله
الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات ورب العرش

العظیم

العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا
عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار وقدری از ان اب بیاشامد وقدری در میان هر دو
پستان و میان کتفش بریزد باذن الله تعالی وضع حمل اسان کند
دعای دیگر بنویسد و بر کمر زن ببندد و چون وضع حمل کند زود بگشاید
بسم الله الرحمن الرحیم ان مع العسر یسرا یرید الله بکم الیسر
ولا یرید بکم العسر ویهیئ لکم من امرکم مرفقا هیئ
لنا من امرنا رشدا وعلی الله قصد السبیل ثم السبیل یسره
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وایة لهم اللیل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث
الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار دعای دیگر که در مصباح کفعمی از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده و مجربست باید نوشت و بر حامله بست و بعد از وضع
حمل وا کرد بنویس بعد از بسمله مریم ولدت عیسی هو الذی خلقکم
من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا
اشدکم ثم لتکونوا شیوخا فان مع العسر یسرا ان مع العسر
یسرا وصلی الله علی محمد وال محمد وسلم تسلیما وبروایات معتبره
مرویست که این شکل را بر پشت پیمانه که غله با ان کیل
کنند بنویسند و زن بر سر ان نشیند فی الحال وضع
حمل شود ایضا بروایات معتبره مرویست که این شکل سه
در سه را بر سه پاره سفال اب ندیده بنویسند و دو تا
را بر پای راست و چپ حامله گذارند چنانچه پای او

اثنین	ثلثه
ثلثه	اثنین
اربعه	اربعه

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

متصل بنوشته باشد یعنی آن طرف سفال که نوشته نیست بر زمین
گذارند و حامله قوت کند که سفالها شکسته شود و یکی را در برابر
او بدارند که ان شاء الله در حال وضع حمل شود و چون وضع شود
سفالها را از آن خانه بیرون برند و اگر در نزد حامله سوره قدر
بخوانند زود وضع شود **اما آداب** و اعمال بعد از ولادت مرویست
که چون طفل متولد شود پیش از آنکه نافش را ببرند بقدر عدسی
جاوشیر با آب حل کرده دو قطره در دماغ راست و یک قطره در دماغ
چپش بچکانند و در گوش راستش اذان و در چپ اقامه بگویند از
ترسیدن و شر ام الصبیان ایمن شود و نیز مرویست که اذان و اقامه
گفتن امان است از جنون و جن و شیاطین و کام طفل را با تربت
مقدس و آب فرات و اگر نباشد آب باران بردارند و نیز مرویست
که کام طفل را با خرما بردارید که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله کام حسنین علیهما السلام را با خرما برداشت و مستحب است
که چون طفل متولد شود تا یک هفته اگر پسر باشد محمد و اگر دختر
باشد فاطمه بگویند و بعد از آن اگر نام دیگر خواهند گذارند و از
حق پدر بر فرزند اینست که نام خوب او را گذارد که روز قیامت
هر کس را بنامش ندا کنند و مرویست که راست‌ترین نامها آنست
که بندگی در آن باشد مثل عبدالله و عبدالرحمن و امثال آن
و افضل اسما اسماء انبیا و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم است
و نیز مرویست که فقر داخل خانه نشود که در آن خانه نام محمد و احمد
یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد
و مرویست که چون طفل را محمد یا فاطمه نام کنید رعایت و اکرامش
بجای آورید و با او دشنام مدهید و مرنجانید و مستحب است گوش

راست مولود را سوراخ کردن **اما آداب** عقیقه و ختنه مرویست
که بر غنی واجب است که روز هفتم طفل را عقیقه کند و اگر فقیر باشد
هر وقت که مقدورش شود خواه پسر و خواه دختر باشد که فرزند
در گرو عقیقه است و چون عقیقه کند از گرو بیرون آید و اگر کسی را
عقیقه نکرده باشند او خود را عقیقه کند هر وقت که باشد تا آخر
عمر و افضل اینست که عقیقه پسر گوسفند نر و از دختر ماده باشد
و از عیوب و علت بسلامت بود و اگر ممکن نشود هرچه مقدور
شود جایز است و هرچند فربه‌تر باشد افضل است و در وقت
ذبح بگوید یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی
فطر السموات و الارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک
له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم
الله و الله اکبر اللهم تقبل من فلان بن فلان و نام طفل
و پدر او را بگوید آنگاه ذبح کند و چون ذبح کرد بگوید بسم الله
و بالله و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی رسول
الله صلی الله علیه و آله و سلم و العصمة لامره و الشکر
لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل البیت اللهم لحمها بلحمه
و دمها بدمه و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده
اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و اگر پسر باشد این دعا
را نیز بخواند اللهم انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما
وهبت و منک ما اعطیت و کل ما صنعنا فتقبله منا علی
سنتک و سنة نبیک صلی الله علیه و آله و اخسأ عنا
الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک و الحمد

لله رب العالمین و اگر خواهد باین دعا اقتصار کند بسم الله و
بالله اللهم عقیقة عن فلان لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها
بعظمه اللهم اجعلها وقاء لآل محمد علیه و آله السلام
و ربع عقیقه را از طرف پای گوسفند بقابله بدهند و اگر قابله
نباشد ربع از مادر است بهر کس که خواهد بدهد و اگر قابله مادر
مرد یا یکی از عیال او باشد او را از عقیقه حصه نباشد
و باقی گوشت را با آب طبخ نمایند و بریان نکنند و جمعی از مؤمنان
که لا اقل ده کس باشند صرف نمایند و افضل آنست که والدین
مولود و عیال ایشان از آن گوشت نخورند و استخوانهای او را
نشکنند مستحبست در این روز نام گذارند و سرش را بتراشند و بوزن
مویش طلا یا نقره تصدق نمایند و ختنه کنند که گوشت بدنش
زود تر نمو کند و زمین از بول کسی که ختنه نشده باشد تا چهل روز
نجس شود و بخدای تعالی شکایت کند و از حضرت صادق ع
مرویست که در وقت ختنه کردن بگوید اللهم هذه سنتك
و سنة نبیك محمد صلی الله علیه و آله و اتباع رسلك
و کتبك بمشیتك و ارادتك و قضائك لامر اردته
و قضاء حتمته و امر انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه
و حجامته لامر انت اعرف به اللهم طهره من الذنوب
و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع فی جسمه
و زده فی الغنی و ادفع عنه الفقر فانك تعلم و لا نعلم
و اگر در آن وقت این کلمات را نگفته باشد تا قبل از آنکه محتلم
شود هر وقت باشد بر آن طفل بخواند که حق تعالی او را از سوز
آهن و از کشتن ایمن گرداند امّا حدّ رضاع مرویست که طفل

را کمتر از بیست و یک ماه شیر دادن ظلم است بر او و نهایت حد شیر
دادن طفل دو سال تمام است و زیاده از این نشاید مگر بضرورتی
مثل آزاری و غیر آن و افضل آنست که مادر خود شیر بدهد اگر
شیرش خوب باشد که شیر مادر مبارکست و اگر والدین خواهند
که طفل را بدایه دهند که شیر بدهد سنت است که دایه بگیرند که
صالحه و خوش خلق و نیکو صورت و سیرت و عاقله و متقی و
شیعه اثنی عشری باشد و احمق و فاسقه و دنی نباشد که شیر
در طفل اثر میکند و اگر شیعه بهم نرسد بغیر آن می توان داد
و اگر مسلمان نیز بهم نرسد یهودیه و نصرانیه و مجوسیه میتوان
داد که شیر دهد بشرط آنکه شراب نخورد و سنت است که دایه
از هر دو پستان شیر بدهد و همیشه از یکی ندهد و چون دایه
بمنزله مادر طفل میشود سنت است که طفل بعد از شعور تعظیم
دایه کند و بمنزله مادر خود داند و شوهر دایه را بمنزله پدر
و فرزندان ایشان را برادران و خواهران خود و خویشان ایشان
را بمنزله خویشان محارم خود داند و بدانکه آنقدر شیری که سبب
حرمت میشود مثل آنچه را که حرام است از نسب آنمقدار است
که گوشت برویاند و استخوان را سخت کند چنانچه در روایات
صحیحه متکثره وارد است که حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم فرموده اند که رضاعی محرم است که استخوان
را سخت کند و گوشت برویاند با خون و جمعی از اصحاب گفته اند
که رجوع باهل خبرت باید نمود هر گاه دو عادل بگویند بگفته
ایشان عمل میتوان نمود و معلوم نیست که این مجمل را غیر معصوم
تواند یافت چون ظاهر است که هر شیری که طفل میخورد جزو بدن

وسبب اشتداد عظم و نبات لحم و دم میشود و ظاهر است که قدری
بیش ازین مراد است که ان قدر را کسی نمیداند بغیر از معصوم که
مراد الهی را میداند و تفصیلش بد و نحو وارد شده یکی یکشبانه روز
است که اکثر علما ذکر کرده اند دویم عدد شیر است قولی وارد
شده که یکشیر کامل است که سبب حرمت میشود و این قول شاذ است
و انچه مشهور است و قول احق اکثر متقدمین بر انند که ده شیر
کامل محرم است و اکثر متاخرین بر انند که پانزده مرتبه مقدم
است بچند شرط اول انکه شیر زنی باشد که از وطی صحیح بهم رسیده
باشد خواه بعقد دوام و خواه بمتعه و خواه بتحلیل یا بملک یمین
یا بشبهه باشد بنا بر قول اشهر و اگر بدون وطی یا بزنا بهم رسیده
باشد سبب حرمت نمیشود دویم انکه زن زنده باشد که اگر چهارده
شیر را در حال حیوة زن خورده باشد و یکی از بقیه پانزده تا را
بعد از موت خورده باشد نشر حرمت نمیکند علی الاشهر سیم انکه
بعد از ولادت باشد پس اگر بعد از حمل و قبل از ولادت پستانها
پر شیر شود و شیر بدهد طفل را نشر حرمت نمیکند علی المشهور
و الاحوط الترک چهارم انکه از پستان بمکد پس اگر بدوشند بدهن
طفل یا در پیاله بدوشند و بخورد طفل دهند نشر حرمت نمیکند
علی المشهور دیگر شرط است در عدد رضعات که هر رضعه
کامل باشد بانکه خود سر دهد پستانرا بدون سببی مثل شنیدن
آوازی یا عملی دیگر که طفل بان مشغول گردد که درین صورت
از عدد محسوب نیست دیگر شرط است که متوالی باشد
بانکه در اثنای یکشبانه روز یا ده رضعه یا پانزده رضعه شیر دیگری
را نخورد و خوردن اب و نان و سایر طعام ضرر ندارد دیگر

انکه شرط است رضاع در طفلی که شیر دایه را خورد قبل از اتمام
دو سال باشد که اگر یک شیر را قبل از اتمام دو سال بخورد نشر
حرمت نمیکند دیگر شرط است که تمام عدد از یک زن باشد
اگرچه شیر یک شوهر باشد پس اگر شخصی چند زن داشته باشد و
طفلی هفت شیر از یک زن آن مرد و هشت شیر از زن دیگر آن
بخورد رضاع بهم نمیرسد بنا بر قول اشهر و اگر هفت شیر از زنی
بخورد و آن زن را شوهر طلاق دهد و بعد از عده آن زن شوهر
دیگر کند و از و فرزند بهم رساند و هشت شیر دیگر از ین شوهر
بدهد نشر حرمت نمیکند چون فحل متعدد است اگرچه مرضعه
یکیست پس هر گاه رضاع محقق شود دایه و شوهر او پدر و مادر
طفل میشوند در حرمت و محرمیت نه در بردن میراث و مستحق
نفقه بودن و پدر رضاعی بر فرزند ولایت ندارد و فرزندان
فحل خواه نسبی و خواه رضاعی برادر و خواهر طفل میشوند و
فرزندان نسبی دایه اگرچه از ین شوهر نباشد خواهران و برادران
مادری طفل میشوند اما فرزندانی که شیر داده باشد از شیر غیر
این شوهر بر طفل حرام نمیشوند و برادران فحل خواه پدر و مادری
و خواه پدری و خواه مادری و خواه نسبی و خواه رضاعی در غیر
رضاعی مادری عموهای طفل میشوند و خواهرهای فحل بدستور
عمهای او میشوند و برادران و خواهران دایه خواه نسبی و خواه
رضاعی در غیر رضاعی مادری خالوها و خالهای طفل میشوند
و همچنین فرزندان طفل هر چند پایین روند خواه از پسر و خواه
از دختر اولاد اولاد فحل و دایه میشوند و اعمام و اخوال فحل و
زوجه اش اعمام و اخوال طفل میشوند و همچنین عمها و خالهای

هر دو و آبا و اجداد فحل و زوجه اش اجداد طفل میشوند بعد
بمقتضای روایات صحیحه متواتره و اجماع اهل علم از اصحاب
غیرهم و اشهر میان اصحاب عامه و خاصه آنست که از قرآن مجید
حکم مادر و خواهر و برادر رضاعی ظاهر میشود و بس چنانچه
فرموده و امهاتکم اللاتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضاعة
و این جمعی که مذکور شد حرمت و محرمیت ایشان از احادیث
متواتره و اجماع امت ظاهر میشود و سنت است که زنان را منع
کنند از شیر دادن بهر که رسد چون بسیار است که شیر میدهند
و فراموش میکنند و فرزندان بهم میدهند و عاقبت ظاهر میشود
که برادر و خواهر یکدیگر را خواسته اند و در مصباح کفعمی مذکور
است که چون شیر زن کم باشد سوره یس یا سوره فتح یا سوره حجرات
با زعفران بنویسد و بشوید و بخورد شیرش زیاد شود **آداب**
تربیت و ثواب فرزند مرویست که چون خدای تعالی برای بنده خود خیر
خواهد او را از دنیا نبرد تا فرزند صالحی باو عطا فرماید و فرزند
خوب ریحانیست از بهشت و گریه اطفال مؤمنان تا هفت سال
تهلیل است و بعد از آن تا حد بلوغ استغفار است برای والدین
و بعد از آن هر حسنه که کند والدین در ثوابش شریک باشند و اگر
سیئه کند ضررش بایشان نرسد و آزار اطفال کفاره گناه والدین
است و اگر فرزند بمیرد والدین را از آن ثواب و درجات برای ایشان
باشد مرویست که حضرت عیسی علیه السلام بر قبری گذشت که
صاحبش را عذاب میکردند سال دیگر بر آن قبر گذشت عذاب از آن
برخواسته بود مناجات کرده از سبب آن سؤال نمود وحی آمد که
این شخص را فرزند صالحیست که یتیمی را پناه داد و غمخواری کرد

وعذاب

و عذاب را از او برداشتم و مرویست که پسر نعمت است و دختر حسنه
از نعمت سؤال کنند و بر حسنه ثواب دهند و حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرموده کسی که سه دختر یا سه خواهر از عیال او باشد
او را بهشت واجب شود و هر کس بفرزند خود احسان کند چنان
است که بوالدین خود کرده باشد و هر کس بفرزند خود بسیار محبت
داشته باشد خدای تعالی بر او رحمت کند و اگر فرزند را بوسد
برایش حسنه نویسند و اگر مسرور کند روز قیامت او را مسرور کند
و مرویست که روزی مردی بحضرت رسول صلعم گفت من هرگز فرزند خود
را نبوسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که این مرد از اهل دوزخ
است و هر کس از بازار چیزی تحفه برای اطفال و عیال خود بیاورد
چنان است که برای جمعی محتاج صدقه برده باشد و افضل آنست
که اول چیزی بدختران و زنان دهند و مرویست که طفل را لا
اله الا الله و آیه آخر سوره بنی اسرائیل از و قل الحمد لله الذی
تا آخر تعلیمش کنید که زبانش فصیح شود و نیز مرویست که چون
پسر را سه سال و هفت ماه و بیست روز تمام شود بگویید که
هفت بار بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود هفت
بار بگوید و صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال تمام شود
دست راست و چپ از او پرسند چون بگوید رویش بقبله کنید
و بگویید که سجده کند و چون شش سال تمام شود رکوع و سجود
یادش دهید و چون هفت سال تمام شود بگویید دست و رو
بشوید و یک نماز بکند و چون نه ساله شود وضو و نماز یادش
دهید و هرگاه تقصیر و کاهلی کند بزنید و چون وضو و نماز یاد
گیرد گناهان والدینش آمرزیده شود و نیز مرویست که طفل را

هفت سال بکذارید که بازی کند و هفت سال دیکر قران و کتاب
و خط بیادش دهید و هفت سال دیکر ملازم خود کردانید که آداب
و اخلاق یاد کیرد و شرایع دین از حلال و حرام تعلیمش کنید
بعد از آن اکر آثار صلاح و رغبت بدین و ایمان در او یابید در
صدد تربیتش باشید و اکر نه دست از او بردارید **اما** حق زوج
بر زوجه مرویست که باید زوجه اطاعت شوهر خود بکند و
خلاف امر و رضایش نکند و از خانه او بدون رضای او تصدق
نکند و بکسی چیزی ندهد و حفظ مال او کند و بی اذن شوهر
از خانه بیرون نرود و اکر برود ملئکه آسمان و زمین و ملئکه
رحمت و عذاب بر او لعنت کنند تا وقتی که مراجعت کند و از جمله
حقوق آنکه خود را از زینت خالی ندارد بهر چه مقدور شود و
بدون اذن او روزه غیر واجب نکیرد و نذر نکند و قسم نخورد
و بکسی چیزی ندهد و تصدق نکند و بنده آزاد نکرداند اکر چه
از مال خودش باشد و شوهر را آزرده خاطر نکند و زنی که بشوهر
خود کوید که من هرکز از تو خیر ندیدم اعمالش تمام باطل شود
و حق زن بر مرد آنست که نفقه و کسوه اش را بدهد و اکر مقدورش
باشد معیشت را بر او توسعه کند و او را محتاج دیکری نکذارد
و خود را برای او بیاراید که سبب عفتش باشد و جهل و تقصیراتش
را عفو کند و بر هر اندک خطا و تقصیری نکیرد و نرنجاند و نزند
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود بهترین مردان کسی است
که با زن خود خوش سلوکی کند و بدترین مردان کسی است که زن
را بزند و برنجاند و از جمله حقوق اینکه حلال و حرام و آداب و
احکام دین را تعلیمش کند و در اعیاد تهیه اسباب عید و سرور

بعد

بقدر مقدور در آرایش نماید **باب بیست و هشتم** در آداب
توبه و حقوق والدین و رد مظالم عباد و در آن سه انابت است
انابت اول در آداب توبه و طلب عفو و مغفرت بدانکه توبه واجب
است خواه از فسوق و خواه از کفر و مسقط کناهانست اجماعا
و سبب آمرزش خداوندست از روی تفضل و مرویست از حضرات
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست
کسی که توبه کند از کناه چنان است که کناه نکرده باشد و خدای
تعالی از توبه بنده بیشتر از آن شاد شود که کسی در سفر در شب
تاریک زاد و راحله را کم کرده باشد و بیابد و کسی که توبه نصوح
کند یعنی بعد از توبه دیکر رجوع بکناه نکند و اکر نادر خطائی
صادر شود باز توبه کند و بر کناه مصر نباشد خدای تعالی او را
دوست دارد و برحمت خود بپوشد و کناهش را از یاد ملکین
بیرون برد و باعضایش و بمکانی که کناه کرده امر فرماید که کناهش
را پوشیده دارند تا روز قیامت هیچ چیز شهادت بر کناهش ندهد
و اکر بر کناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار میکرده باشد
چنان است که بخدای تعالی استهزا کند و خدای تعالی سه نعمت
بتوبه کنندکان عطا فرماید که اکر یکی از آنرا بتمام اهل آسمان و
زمین عطا فرماید همه نجات یابند یکی آنکه ایشانرا دوست دارد
چنانچه فرموده که ان الله یحب التوابین و هرکس را خدا دوست
دارد عذاب نکند دویم آنکه ملئکه و حمله عرش را فرموده که برای
ایشان استغفار کنند و دعای ایشانرا البته اجابت فرماید
سیم آنکه وعده فرموده که سیئات ایشانرا بحسنات بدل فرماید
اما آداب توبه که بعضی از علمای امامیه رضوان الله علیهم ذکر

کرده اند اینست که اول غسل توبه کند آنگاه توبه نماید باین طریق
که باعتراف دل بگوید انی استغفر الله العظیم واتوب الیه
اشهد الله وجمیع ملئکته وانبیائه ورسله وحملة عرشه
وجمیع خلقه انی نادم علی ما سلف من الذنوب والمعاصی
ومعترف بها وانی عازم علی ان لا اعود الیها وقد عاهدت
الله تعالی علی ذلک الف عهد فی عنقی یطالبنی به یوم القیمة
وصلی الله علی محمد واله وبعد از ان دو رکعت نماز توبه کند
بهر روش که خواهد وچون از نماز فارغ شود بخواند ادعیه توبه
را واز انجمله دعای توبه است ودعای طلب عفو از صحیفه کامله
وازانجمله دعای سر است که حق تعالی فرموده یا محمد هر کس از امت
تو که کبیره را مرتکب شده باشد وخواهد که بخشیده شود از او
پس پاکیزه سازد خود را وجامه خود را وبیرون رود بصحرائی که کسی او را
نه بیند ورو بقبله متوجه درگاه من شود ودست انابت از روی
اخلاص بردارد چه در بوقت خالی وما نعی میان من واو نیست
واین دعا را بخواند بدرستی که اگر قصد نکند باین عمل که امر کردم
ترا بان غیر از اخلاص میسازم ان مواخذه ان کبیره ومی امرزم
او را ومنزه میدارم او را از ارتکاب مثل ان فعل در باقی عمرش
چه تعلیم کردم ترا در این عمل اسم چندی که هر که دعا کند بانها اجابت
او میکنم ودعا اینست یا واسعا بحسن عائدته ویا ملبسا فضل
رحمته ویا مهیبا لشدة سلطانه ویا راحما بکل مکان ضریرا
اصابه الضر فخرج الیک مستغیثا بک آئبا الیک تائبا
الیک یقول عملت سوء وظلمت نفسی ولمغفرتک خرجت
الیک استجیر بک فی خروجی من النار وبعز جلالک تجاوز

فتجاوز یا کریم وباسمک الذی تسمیت به وجعلته فی کل
عظمتک ومع کل قدرتک وفی کل سلطانک وصیرته
فی قبضتک ونورته بکتابک والبسته وقارا منک یا الله
یا الله اطلب الیک ان تمحو عنی ما اتیتک به وان تنزع بدنی
عن مثله فانی بک لا اله الا انت وباسمک الذی فیه
تفصیل الامور کلها مؤمن هذا اعترافی فلا تخذلنی و
هب لی عافیة وتنجنی من الذنب العظیم هلکت فلا فتنی
بحق حقوقک کلها یا کریم وازانجمله دعای دیگر است از ادعیه
سر قدسیه ومضمون انچه در ان نقل شده اینست که یا محمد کسی که
گناهان غیر کبیره اش بسیار باشد از امت تو بمرتبه که مشهور
شده باشد بر بسیاری گناه پس باید که قصد کند مرا پیش از طلوع
صبح یا قبل از غروب شفق ورو بقبله بایستد واین دعا بخواند
چه هر که این دعا باین روش بخواند تبدیل کنم گناهان او را
بثواب ودعای او را مستجاب کنم ودعا اینست یا رب یا رب
فلان بن فلان عبد من عبیدک شدید حیاؤه منک لتعرضه
لرحمتک لاصراره علی ما نهیت عنه من الذنب العظیم یا
عظیم ما اتیت به لا یعلمه غیرک قد شمت بی فیه القریب و
البعید واسلمنی فیه العدو والحبیب والقیت بیدی الیک
طمعا لامر واحد وطمعی ذلک فی رحمتک فارحمنی یا ذا الرحمة
الواسعة وتلافنی برأفتک علی سمت المنهج وازلنی بقدرتک
عن الطریق الاعوج وخلصنی من سجن الکرب باقالتک واطلق
اسری برحمتک وطل علی برضوانک وجد علی باحسانک
واقلنی عثرتی وفرج کربی وارحم عبرتی ولا تحجب

دعوتی واشدد بالاقالة ازری وقوّ بها ظهری واصلح بها
امری واطل بها عمری وارحمنی یوم حشری ووقت نشری
انک جواد کریم غفور رحیم وبخواند مناجات طلب توبه
را که از حضرت سید الساجدین علیه السلام منقولست ودر
باب سی ویکم مذکور میشود **اثابت دویم** در حقوق والدین
چون فرزند حق ایشان را ادا نکرده باشد بلکه عقوق ورزیده
وبعد از فوت ایشان نادم شود وخواهد که آنرا تلافی کند
باید که قرض ایشان را از دنیوی واخروی ادا کند وبرای ایشان
از حق تعالی طلب آمرزش نماید از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام مرویست که گاه باشد که فرزند نیکوکار باشد با والدین
خود در حال حیوة ایشان وچون بمیرند قرض دنیوی واخروی
ایشان را ادا نکند واز برای ایشان از خدای تعالی طلب مغفرت
وآمرزش نکند پس بنویسد خدای تعالی اورا عاق والدین
وگاه باشد که فرزند عاق باشد در حال حیوة والدین وبعد
از موت ایشان قرض دنیوی واخروی ایشانرا ادا کند واز الله تعالی
برای ایشان طلب آمرزش کند پس بنویسد خدای تعالی اورا نیکو
کار با پدر ومادر وهمچنین مرویست از حضرت رسول صلی الله
علیه وآله که کسی که در شب پنجشنبه درمیان نماز مغرب وعشا
دو رکعت نماز کند وبخواند در هر رکعت سوره حمد یکبار و
هر یک از آیة الکرسی وقل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون
ومعوذتین را پنج بار وچون از نماز فارغ شود پانزده بار استغفار
کند وثوابش را بوالدین خود هدیه نماید پس بتحقیق که ادا کرده
باشد حقی را که از ایشان بر ذمه اوست مذکور

است که باید فرزند این نماز را برای والدین بگذارد وآن دو رکعت
است رکعت اول سوره فاتحه یکبار وده بار رب اغفر لی ولوالدی
وللمؤمنین یوم یقوم الحساب ودر رکعت دویم فاتحه یکبار وده بار
رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین و
المؤمنات وبعد از سلام ده بار بگوید رب ارحمهما کما
ربیانی صغیرا **ایضا نماز** که در آن کتاب مذکور است که والدین
از برای فرزند گذارند چه دعای ایشان در حق او اثری
که دعای دیگری را نیست وآن چهار رکعت است رکعت اول فاتحه
وده بار این ربنا واجعلنا مسلمین لک ومن ذریتنا امة
مسلمة لک وارنا مناسکنا وتب علینا انک انت التواب
الرحیم ودر رکعت دویم بعد از فاتحه ده بار رب اجعلنی مقیم
الصلوة ومن ذریتی ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفر لی و
لوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب ودر رکعت سیم بعد
از فاتحه ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة اعین
واجعلنا للمتقین اماما ودر رکعت چهارم بعد از فاتحه ده بار
بگوید رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علیّ وعلی
والدیّ وان اعمل صالحا ترضیه واصلح لی فی ذریتی انی
تبت الیک وانی من المسلمین وچون فارغ شود ده بار این
رکعت سیم را بخواند **ودعائی** که مناسب است که والدین از برای
فرزندان بخوانند دعای اللهم ومنّ علیّ ببقاء ولدی وباصلاحهم
است از صحیفه کامله **دعائی** که فرزند از برای والدین خود بخواند
اللهم صل علی محمد عبدک ورسولک از صحیفه کامله
اثابت سیم در رد مظالم وتبعاتی که از مردم بر ذمه او باشد

وتبعات حقوقی را گویند که از دیگری در ذمه کسی باشد خواه
مالی و خواه غیر آن **از انجمله نمازیست** از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله روایت شده که هر کس این نماز را بگذارد حق سبحانه و تعالی
راضی کند بفضل و رحمت خود خصمان او را در روز قیامت هر چند
بسیار باشد و براه جنت رود آن نماز گذارد بحساب چون برق
لامع با اول جمعی که داخل جنت میشوند و آن چهار رکعت است
در هر وقت که خواهد بکند و بخواند در رکعت اول بعد از حمد
سوره توحید بیست و پنج بار و در رکعت دویم بعد از حمد سوره
توحید پنجاه بار و در رکعت سیم توحید هفتاد و پنج بار و در رکعت
چهارم بعد از حمد توحید صد بار **و از انجمله دعائیست** از انحضرت
صلی الله علیه و آله روایت شده که حضرت جبرئیل علیه السلام
گفت یا محمد هر کس از امت تو را که باشد بر او مظلمه و ممکن نباشد او را
رد کردن آن بصاحبش و نه حلیت خواستن از آن پس چون این دعا
را بخواند الله تعالی آن مظلمه را از جانب او قضا کند و صاحب
آن مظلمه را از او راضی کند و دعا اینست یا نور السموات و
الارض یا غوث المستغیثین و یا جار المستجیرین انت المنزل
بک کل حاجة استغفرک و اتوب الیک من مظالم کثیرة
لعبادک قبلی اللهم فایما عبد من عبیدک او امة من امائک
کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی نفسه او فی عرضه او
فی ماله او فی اهله و ولده او غیبة اغتبته بها او تحامل
علیه بمیل او هوی او انفة او حمیة او ریاء او عصبیة
غائبا کان او شاهدا حیا کان او میتا فقصرت یدی وضاق
وسعی عن ردها الیه و التحلل منه فاسئلک یا من یملک الحاجات

وهی

وهی مستجیبة بمشیته و مسرعة الی ارادته ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان ترضیه عنی بم شئت من خزائن رحمتک ثم تهبها
لی من لدنک انه لا ینقصک المغفرة و لا یضرک الموهبة
ربنا اکرمنی برحمتک و لا تهنی بذنوبی انک واسع المغفرة
یا ارحم الراحمین **و از جمله** دعاهای رد مظالم این دعاست باید
که در عقب نماز صبح و شام بخواند اللهم اردد الی جمیع خلقک
مظالمهم التی قبلی صغیرها و کبیرها فی یسر منک و
عافیة و ما لم تبلغه قوتی و لم تسعه ذات یدی و لم یقو
علیه بدنی و یقینی و نفسی فاده عنی من جزیل ما عندک
من فضلک ثم لا تخلف علی منه شیئا تقضیه من حسناتی
یا ارحم الراحمین **و از انجمله** خواندن دعای اعتذار است از صحیفه
کامله **و مناسب** این ابواب است ذکر این نماز که از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که فرمود کسی را که قضا شده باشد نماز
چندی و نداند قدر و عدد آنرا و پشیمان باشد بر آنچه از او فوت
شده است و ممکن نباشد قضا کردن آنها پس باید که در شب دو
شنبه پنجاه رکعت نماز کند بخواند در هر رکعت سوره حمد یکبار
و توحید یازده بار و در هر دو رکعت سلام دهد و چون فارغ
شود صد بار استغفر الله و صد مرتبه سبحان الله بگوید و
صد بار صلوات بفرستد چون چنین کند الله تعالی محاسبه
نمیکند او را بنمازهای قضا شده او که ممکن نبوده کردن آنها
هر چند قضای صد ساله باشد **باب بیست و نهم** در
احکام متعلق باموات و آن مشتمل بر نه نوع مغفرت است
مغفرت اول در آداب وصیت و صحیفه شهادت مرویست از اهل بیت

طاهرین علیهم السلام که وصیت حقیت لازم بر هر مسلم و هر کس
هر چه وصیت کند بنحوی که ظلم و جور و ضرر بور ثه نرساند چنان
است که در حیات خود تصدق کرده باشد و هر کس را مالی باشد
و برای خویشان که میراث نمیبرند چیزی وصیت نکند اعمالش
بمعصیت ختم شود پس چون در بیمار آثار موت ظاهر شود باید
که متوجه احوال خود گردد و از گناهان خود توبه کند و برگذشته
نادم و پشیمان و عازم گردد که اگر زنده بماند مرتکب معصیت
نگردد و حقوق خدا و خلق آنچه بر ذمهٔ او باشد ادا کند و بقدر
ثلث مال خود را وصیت کند که بخویشان پریشان و فقرا و مساکین
و سایر وجوه بر صرف نمایند و ابراء ذمه از برادران مؤمن طلبد
و هر که را غیبت کرده یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند
التماس عفو کند و اگر غایب باشند از حاضران التماس نماید
که ایشان را از او راضی کرداند و امور اطفال و عیال خود را
بعد از توکل بجناب مقدس الهی بامینی بگذارد و وصی برای اولاد
صغیر خود تعیین نماید و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت
نیکو نکند علامت کم عقلی و نقص مروت اوست گفتند یا رسول الله
چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم
نزد او جمع شوند بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم
الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انی اعهد الیک فی دار
الدنیا انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک
لک وان محمدا صلی الله علیه و آله عبدک و رسولک
وان الساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث من فی القبور

وانّ الحساب حق وانّ الجنة حق وما وعدت فیها من النعیم
والمأکل والمشرب والنکاح حق وانّ النار حق وانّ الایمان
حق وانّ الدین کما وصفت وانّ الاسلام کما شرعت
وانّ القول کما قلت وانّ القرآن کما انزلت وانک
انت الله الحق المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا
انی رضیت بک ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه
وآله نبیا وبعلی ولیا وبالقرآن کتابا وانّ اهل بیت
نبیک علیه وعلیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند
شدتی ورجائی عند کربتی وعدتی عند الامور التی
تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی والهی واله آبائی صل علی
محمد وآل محمد ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و
آنس فی قبری وحشتی واجعل لی عندک عهدا یوم القاک
منشورا پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این
عهد و پیمانیست با خدا در روزی که میخواهد وصیت کند و
بعد از آن هر وصیت که خواهد بکند **اما صحیفه** شهادت شیخ طوسی
رحمه الله در مصباح ذکر نموده که اول آنکس که مینویسد بگوید که
بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه
وآله وانّ الجنة حق وانّ النار حق وانّ الساعة آتیة
لا ریب فیها وانّ الله یبعث من فی القبور بعد از آن این را
بنویسند که بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی
هذا الکتاب انّ اخاهم فی الله عز و جل فلان بن فلان اشهدهم
واستودعهم واقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده

اما ما ٔ

لاشریک له و ان محمداً عبده و رسوله صلی الله علیه و آله و
انه مقر بجمیع الانبیاء و الرسل و ان علیاً ولی الله و امامه
و ان الائمة من ولده ائمته و ان اولهم الحسن و الحسین و علی
بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی
بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم
الحجة علیهم السلام و ان الجنة حق و النار حق و الساعة
آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور و ان محمداً
صلی الله علیه و آله رسوله جاء بالحق و ان علیاً ولی الله
و الخلیفة من بعد رسول الله و مستخلفه فی امته مؤدیاً لامر
ربه تبارک و تعالی و ان فاطمة بنت رسول الله و ابنیها الحسن
و الحسین ابنا رسول الله و سبطاه اماما الهدی و قائدا الرحمة
و ان علیاً و محمداً و جعفراً و موسی و علیاً و محمداً و علیاً و
حسناً و الحجة علیهم السلام ائمة و قادة و دعاة الی الله جل
و عز و حجة علی عباده بعد از ان بشهادت چهل کس برسانند که شهادت
خود را بنویسند باین نحو که لا شک و لا ریب فی ایمانه و اسم خود
را نیز بنویسند و اگر میت زن باشد فی ایمانها بنویسند بعد از ان
شهود بگویند استودع الله و الشهادة و الاقرار و الاخاء
مودوعة عند رسول الله صلی الله علیه و آله و نقرء علیک
السلام و رحمة الله و برکاته بعد از ان صحیفه را بپیچند شهود
مهر خود را و مهر میت را بکذارند و با جریده در پهلوی راست
میت بگذارند و صحیفه را با کافور بنویسند و اگر با تربت مقدس
بنویسند چنانچه درین زمان متعارف است تواند بود که افضل باشد
اما احادیث در فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات در ان

اتفاق افتد مرویست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
که چون مؤمن روز پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه بعد از
ظهر فوت شود از فشار قبر ایمن شود و شفاعتش برای گناه
کاران بعدد قبیله ربیعه و مضر مقبول شود و اگر روز شنبه
فوت شود خدای تعالی هرگز او را با یهود در آتش جمع
نکند و اگر روز یکشنبه بمیرد او را با نصاری در آتش
جمع نکند و اگر روز دوشنبه بمیرد او را با بنی امیه جمع نکند
و اگر روز سه شنبه بمیرد با ما محشور شود و در افق اعلی
با ما باشد و اگر روز چهارشنبه بمیرد از روز قیامت ایمن
شود و بسعادت جوار الهی فایز گردد و درد از فضل خدا مقام
کند که از هر مشقت و تعب ایمن باشد بعد از ان فرمود که مؤمن
در هر حال و هر ساعت که وفات کند صدیق و شهید باشد
و اگر مؤمن گناه تمام اهل زمین را داشته باشد چون از
دنیا برود همین مردن کفاره همه آن باشد و نیز فرمود که برای
شش کس ضامن بهشت شوم کسی که صدقه برای مسکینی برد و بمیرد
و کسی که بعیادت مریضی رود و بمیرد و کسی که در راه خدا بجهاد
رود و بمیرد و کسی که بنماز جمعه رود و بمیرد و کسی که بحج بیرون
رود و بمیرد و کسی که بتشییع جنازه بیرون رود و بمیرد و حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود کسی که عمرش تا بیک روز بر
لا اله الا الله یا بصدقه ختم شود داخل بهشت شود و حضرت
صادق علیه السلام فرمود چون مؤمن در غربت بمیرد که زن
و عیالش حاضر نباشند که برایش گریه کنند مواضعی که در آنجا
نماز و عبادت میکرده و درهای آسمان که اعمالش بالا میرفته

وفرشتگان که بر او موکل بوده اند بر او گریه کنند و ایضاً از آنحضرت مرویست که فرمود چون غریب بحال موت نزدیک شود بچپ و راست نگاه کند و کسی را نه بیند که او را مونس باشد پس بالای سر خود نگاه کند حق تعالی فرماید که را میخواهی و میجوئی که برای تو بهتر از من باشد بعزت و جلال خودم که از این عقده نجات دهم بطاعت خود فرستم و اگر قبض روح نمایم بکرامت خود برم

مغفرت دویم در آداب احتضار مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در حالت احتضار بیمار را کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه هدی صلوات الله علیهم تلقین کنند که اگر بت پرستی باین اقرار کند آتش دوزخ درو هیچ طمع نکند و از مهالک نجات یابد و هر کس آخر کلامش لا اله الا الله باشد از اهل بهشت باشد و نیز این کلمات را مکرر بگوید که گناهانش آمرزیده شود بفضل الله و رحمته یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت العفو الغفور و سوره یس و و الصافات نزد او بخوانند و همچنین دعای دفع عدیله را بر او بخوانند تا در وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین بر گرداند چه عدیله اسم شیطان است که میخواهد مؤمن را کافر کرداند در وقت مردن و دعای دفع عدیله اینست بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه لا اله الا هو و الملئکة و اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و انا العبد الضعیف المذنب العاصی المحتاج الحقیر اشهد لمنعمی و خالقی و رازقی و مکرمی کما شهد لذاته و شهد له الملئکة و اولوا العلم من عباده

بانه لا اله الا هو ذو النعم و الاحسان و الکرم و الامتنان قادر ازلی عالم ابدی حی احدی موجود سرمدی سمیع بصیر مرید کاره مدرک صمدی یستحق هذه الصفات و هو علی ما هو علیه فی عز صفاته کان قویا قبل وجود القدرة و القوة و کان علیما قبل ایجاد العلم و العلة لم یزل سلطانا اذ لا مملکة و لا مال و لم یزل سبحانا علی جمیع الاحوال وجوده قبل القبل فی ازل الازال و بقاؤه بعد البعد من غیر انتقال و لا زوال غنی فی الاول و الآخر مستغن فی الظاهر و الباطن لا جور فی قضیته و لا میل فی مشیته و لا ظلم فی تقدیره و لا مهرب فی حکومته و لا ملجأ من سطواته و لا منجا من نقماته سبقت رحمته غضبه و لا یفوته احد اذا طلبه ازاح العلل فی التکلیف و سوی التوفیق بین الضعیف و الشریف مکن اداء المأمور و سهل سبیل اجتناب المحظور لم یکلف الطاعة الا دون الوسع و الطاقة سبحانه ما اجل نیله و اعظم احسانه و بعث الانبیاء لیبین عدله و نصب الاوصیاء لیظهر طوله و فضله و جعلنا من امة سید الانبیاء و خیر الاوصیاء و افضل الاصفیاء و اعلی الازکیاء محمد صلی الله علیه و آله امنا به و بما و عدنا الیه و بالقرآن الذی انزله علیه و بوصیه الذی نصب یوم الغدیر و اشار بقوله هذا علی الیه و اشهد ان الائمة الابرار و الخلفاء الاخیار بعد الرسول المختار علی قامع الکفار و من بعده سید اولاده الحسن بن علی علیه السلم ثم اخوه السبط التابع لمرضات الله تعالی الحسین علیه السلم

ثم العابد علی علیه السلام ثم الباقر محمد علیه السلام ثم
الصادق جعفر علیه السلام ثم الکاظم موسی علیه السلام
ثم الرضا علی علیه السلام ثم التقی محمد علیه السلام
ثم النقی علی علیه السلام ثم الحسن العسکری علیه السلام
ثم الحجة الخلف القائم المنتظر المرجی الذی ببقائه بقیت
الدنیا و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء
و به یملأ الله الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و
جورا و اشهد ان اقوالهم حجة و امتثالهم فریضة و طاعتهم
مفروضة و مودتهم لازمة مقضیة و الاقتداء بهم منجیة
و مخالفتهم مردیة و هم سادات اهل الجنة اجمعین و
شفعاء یوم الدین و ائمة اهل الارض علی الیقین و افضل
الاوصیاء المرضیین و اشهد ان الموت حق و مسائلة منکر
و نکیر فی القبر حق و البعث حق و النشور حق و الصراط حق
و المیزان حق و الحساب حق و الکتاب حق و الجنة حق و
النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث
من فی القبور اللهم فضلک رجائی و کرمک و رحمتک
املی لا عمل لی استحق به الجنة و لا طاعة لی استوجب
بها الرضوان الا انی اعتقدت توحیدک و عدلک و
ارتجیت احسانک و فضلک و تشفعت الیک بالنبی و آله
من احبتک و انت اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین
و صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین
و سلم تسلیما کثیرا و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
اللهم یا ارحم الراحمین انی اودعتک یقینی هذا و ثبات

دینی و انت خیر مستودع و قد امرتنا بحفظ الودائع فرده
علی وقت حضور موتی برحمتک یا ارحم الراحمین وچون
حالش متغیر شود پیش از انکه قبض روحش شود رو بقبله بخوابانندش
چنانکه کف پاهای او بجانب قبله باشد که چون چنین کنند
خدای تعالی برحمت متوجه او شود و ملئکه متوجه شوند تا انکه
قبض روحش شود و اگر نزع روح دشوار شود بر جای نمازش که
در ان نماز میکذارده بخوابانند زود خلاص شود و بهتر مرویست
که در این حال نزد هیچ کس سوره صافات بخوانند مگر انکه زود
نجات یابد و در وقت احتضار جنب و حایض نزد او نیایند که
باعث نفرت ملئکه میشود و اگر بغیر از ایشان کسی دیگر نباشد
جایز است که برای ضرورت پرستاری او نمایند و چون نزدیک
شود که قبض روحش شود از نزد او بیرون روند و از حضرت امام
رضا علیه السلام مرویست که زنهار در حال احتضار دست بر او
مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانع مشوید چنانچه جاهلان
میکنند و چون قبض روحش شود دستهایش را بر پهلویش دراز
بکشند و دهنش را بهم گذارند و بربندند و چشمش را بپوشند و در
وقت چشم پوشیدن بگویند اللهم اغفر لفلان و ارفع درجته
فی المهدیین و اخلفه فی عقبه فی الغابرین و اغفر لنا
و له یا رب العالمین و بازماندگانش بگویند اللهم اغفر
لی و له و عقبنی منه عقبی حسنة و او را بچادر شبی یا جامه
بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و میت را تنها نگذارند که
شیطان در او تصرف کند و زودش بردارند اگر اشتباهی در موت
او نباشد و اگر مشتبه باشد بر ندارند تا یقین شود مرگش و مرویست

که اکرام میت است که زود دفنش کنند و انتظار طلوع و غروب
آفتاب نکشند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
سزاوار است که برادران مؤمن را خبر کنند تا بجنازهٔ او حاضر
شوند و برای او استغفار و بر او نماز کنند و میت و ایشان همه
ثواب ببرند **و اما آداب** در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه
و تشییع و تربیع آن مرویست از ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم
که چون خبر وفات کسی را بشنوند بگویند إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ
رَاجِعُونَ اللّٰهُمَّ اكْتُبْهُ فِي الْمُحْسِنِينَ وَاجْعَلْ كِتَابَهُ فِي عِلِّيِّينَ
وَاخْلُفْ عَلَى عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ اللّٰهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ
وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ و چون جنازه را ببینند بگوید
اللّٰهُ أَكْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَ
رَسُولُهُ اللّٰهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَعَزَّزَ
بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ هیچ فرشته در آسمان نماند مگر
که گریه کند از برای ترحم برو و ایضاً چون جنازه ببیند بگوید
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ و هر کس جنازه
را از چهار جانب بگیرد چهل کبیره از او آمرزیده شود و در روایت
دیگر آمده که هر کس یک پایهٔ جنازه را بگیرد بیست و پنج کبیره از او
آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناه پاک شود چنانچه
از مادر متولد شده و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
و اول جانب چپ جنازه را بدوش راست بردارد و همچنین بترتیب
از پشت جنازه برود تا جانب راست تابوت را بدوش چپ خود
و مرویست از حضرت صادق علیه السلام که چون مؤمن را بقبر

گذارند

گذارند او را ندا میکنند که اول عطائی که بتو دادیم بهشت است
و اول عطائی که دادیم آنها را که با جنازهٔ تو آمده اند آمرزش
گناهان است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازهٔ مؤمنی
کند تا او را دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او
بگمارد که همراهی جنازهٔ مؤمن او استغفار کنند از قبر تا موقف
حساب و افضل آنست برای کسی که تشییع جنازه کند که در عقب
جنازه یا اطراف آن راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر
احادیث آنست که اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش آن راه رفتن
خوبست و در خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را
استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و
زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی از علما گفته اند که جنازه
را تند بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و
در روز چراغ بردن خوب نیست و اسرافست و مکروه است کسی را
که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن **مقصد سیم**
در غسل دادن میت بدانکه احکام میت از غسل و کفن و نماز و
دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه مسلمانان
واجبست و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند
معاقب میشوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این امور
تعلق بوارث میت دارد و بدون رخصت او دیگری متوجه آنها
نمیتواند شد و مردان ورثه اولایند از زنان و شوهر اولی است از
دیگران و احوط آنست که بدون ضرورت خود غسل ندهد و
واجب است که مرد مرد را و زن زن را غسل دهد الا چند موضع
اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هر یک دیگری را غسل میتوانند

داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهند و نظر بعورت نکنند
دوم جایز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و
در عده کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را اختلافست سیم
جایز است که مرد اجنبی غسل دهد دختر سه ساله را برهنه
و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی پنج ساله را نیز تجویز
کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد که او را
غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه و همچنین
است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهرا در حال الاختیار نیز محارم
یکدیگر را غسل میتوانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد
زن زن را و مرد مرد را غسل دهد اما کیفیت غسل سنت است
که در زیر سقف یا خیمه غسل دهند که برابر آسمان و غاسل دو نفر
باشند یکی آنکه آب بریزد و دیگری میت را بگرداند و مستحب است
که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد و بعضی واجب دانسته
اند و غسل دهنده از جانب راست میت بایستد و مکروه است
میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حال تقیه و ضرورت و غاسل
میت را درمیان پاهای خود نگیرد و سنت است که هرچه از عیوب
میت بر او ظاهر شود بکسی نگوید تا خدای تعالی گناهان او را
بیامرزد چنانکه از مادر متولد شده باشد و مکروه است که ناخن
میت یا موی او را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد یا موی در اثنای
غسل جدا شود باید که درمیان کفن گذارند و با میت دفن کنند
و واجب است که میت را سه غسل بدهند اول بآب سدر و بعد
از آن بآب کافور و بعد از آن بآب خالص و مشهور آنست که واجب
است که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که غاسل

دستهای

دستهای خود را تا مرفق بشوید قبل از دادن هر غسل و همچنین سنت است
که میت را پیش از هر غسل وضو دهد بروش وضوی زندگان بآب
خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند که وضو میدهم این
میت را قربة الی الله پس وضو دهد و ابتدا بغسل کند و احوط
آنست که آب ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند پس اول
نیت میکنند غسل میدهم این میت را بآب سدر از برای آنکه
واجبست قربة الی الله پس سر میت را بآب سدر بشوید و احوط
آنست که اول بجانب راست سر آب بریزند و سنت است که سر
و هر جانب بدن از راست و چپ را سه بار بشوید و هر کوزه آبی
را که میریزد قطع نکند تا آنکه بپای میت برساند و در وقت
شستن دست بر شکم و تمام بدن میت بکشد بهمواری که آب بخوبی
برسد و از سدر اینمقدار کافیست که بگویند آب سدر است
و مشهور آنست که حدی ندارد و بعضی گفته اند که هفت برگ باید
و جمعی زیاده ذکر کرده اند و باید که ممزوج بآب شود پس اگر
بریزند برگ سدر را بآب و باقی ماند بر حال خود که مضمحل نشود
جایز نیست پس ظرفها را بشوید که اثر سدر از آنها برود و پر آب
کند و اندک کافوری ریزه کرده داخل آب کند و نیت کند که
غسل میدهم این میت را بآب کافور از برای آنکه واجبست قربة
الی الله پس بدستور آب سدر غسل دهد و کافور از برای غسل
بقدری کافیست که گویند آب کافور است و مقداری که برای
حنوط باید افضل آنست که سیزده درم و ثلثی باشد و اوسطش
چهار درم و اقلش یک درم است و اگر متعذر باشد هر قدر که
ممکن شود پس ظرفها را خوب بشوید که اثری از بوی کافور نماند

واگر ظرف دیگر باشد بهتر است و از آبی پر کند که آب سدر و کافور
داخل آن نشده باشد و نیت کند که غسل میدهم این میت را با آب
قراح از برای آنکه واجبست قربة الی الله و بدستور آن دو غسل
میت را بشوید و درین غسل دست بر شکم میت نمیکشد و سنت است
که هر بار که میت را از جانبی بجانب دیگر بگردانند این دعا بخوانند
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ
وَفَرَّقْتَ بَیْنَهُما فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و اگر میت زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ
اِنَّ هٰذا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ تا آخر دعا و در سایر احوال غسل
مکرر بگوید رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و اگر سدر
و کافور بهم نرسد بکمرسه بار قراح غسل دهند و احوط آنست
که سه بار غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا غسل دادن میت متعذر
باشد تیمم دهند او را و ظاهر آنست تیمم کافیست و سه بار احوط است
و نیت کند تیمم میدهم این میت را بدل از غسل سدر و مقارن نیت
دست خود را بر خاک پاک زند و پیشانی میت را مسح کند بعد از آن
پشت دست راست و پشت دست چپ را مسح کند و اگر بعدد باز
زدن دست بر خاک یکی از برای پیشانی و یکی برای مسح دستها
تیمم دهد خوبست و اگر میت محرم باحرام حج باشد او را غسل
کافور ندهند و حنوط نکنند مقصد چهارم در کفن کردن میت
و آنچه واجبست سه پارچه است اول لنگ است که از ناف تا
بعضی از ساق را بپوشد دویم پیراهن است سیم لفافه که ازار سر
تا سری گویند و سنت است که سه پارچه دیگر اضافه کنند که آن ران
بند است که عرضش یک وجب و طولش اقلا سه ذرع و نیم باشد
بذراع دست و لفافه دیگر از حبره عربی گویند و آن پارچه خوش

قماشی

قماشی بوده که از یمن می آورده اند و درین زمان معلوم نیست
و عمامه بر سر میت بپیچند و اگر زن باشد بعوض عمامه مقنعه برای
او زیاد کنند و پارچه دیگر برای پستان بندد و باید کفن حریر
محض نباشد و احوط آنست که از پوست و پشم و مو نباشد
و سنت است که از پنبه سفید باشد و مکروهست که از
کتان باشد یا این پیراهنی که از جمله کفن است آستین داشته
باشد و مستحب است که کفن خوش قماش و صاحب قیمت
باشد چنانچه در حدیث وارد شده که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث
میشوند و سنت است که در قیمت کفن مضایقه و مبصری نکنند
و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و مستحب است که جامه
که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و سنت است
که میت را کفن کنند در پیراهنی که با آن نماز میکرده و هرگاه
در آن پیراهن کفن کنند در کار نیست بریدن آستین آن اما
تکمه و بندها ببرند و کفن واجب میت از اصل مال اوست مقدم
بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد رختهای او را
تطهیر دهند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن کنند
و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میتوان کرد و سنت مؤکد
است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست
که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای
مؤمنی قبری چنانست که او را در خانه موافق نیکو جا داده باشد
تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هرچند زن مال دار

باشد و کفن بنده بر صاحبش واجب و سنت است موافق مشهور که
در کفن شهادتین و اقرار بائمه طاهرین علیهم السلام بنویسند
و دعای جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده و سنت
است که بتربت مقدس بنویسند و اگر تربت نباشد بانگشت
دست خود بنویسند و بسیاهی ننویسند و در بعضی کتب مذکور
و مشهور است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر کفن
سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه این کلمات را نوشت
وَفَدتُ علی الکریم بغیر زادٍ ٭ من الحسنات والقلب السلیم
فحمل الزاد اقبح کل شیء ٭ اذا کان الوفود علی الکریم
و سنت است که کفن را بر ریسمانی که از آن بیرون آورده باشند
بدوزند و بآب دهن تر نکنند و مکروه است کفن را باهن بریدن
و اگر کسی در حیات خود کفن مهیا کند هر مرتبه که نظر بر آن کند
اجر یابد و آداب کفن کردن آنست که اگر حبره باشد اول ازار و
الا لفافه را بگشایند آنگه طرف پایین پیراهن را از محل ساق
میت بر روی لفافه بکشند و طرف بالای پیراهن را در بالای
سر بگردانند آنگه لنگ را از محل ناف میت بر روی پیراهن
بیندازند بنحوی که طرفین آن برابر باشد بعد از آن بدن میت
را بپارچه پاکی خشک نمایند و برداشته بر روی کفن گذارند
آنگه میت را حنوط کنند که واجبست بانکه بر هفت موضع سجده او
که پیشانی و کف دستها و زانوها و سر انگشت بزرگ پاهاست کافور
بمالند اگرچه اندکی باشد و بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند
و اگر بندهای دست و پا و مرفقها را بمالند احوط است
و آنچه از کافور باقی ماند بر سینه اش بریزند و بر مسامع او که

چشم و گوش است بریزند و مقدار آن در آداب غسل مذکور شد
و باید که کافور خود آن باشد و آتش ندیده باشد و بدست نیزه
و نرم سازند نه بهاون و غیره پس بعد از حنوط ران بند را ببندند
باین طریق که سر آن پارچه را بدو پاره کنند آنقدر که بدو جانب شق
آن بر کمر میت توان بست و سر دیگر را از میان پاها بدر آورند
و قدری پنبه در میان ران او گذارند و محکم بکشند که فرج را
فرا گیرد و پاها را بهم آورده رانها را بیکدیگر به بندند و بپیچند
تا زانو و بهر جا که منتهی شود قایم کنند پس جانب چپ لنگ را بطرف
راست و جانب راست را بطرف چپ میت اندازند و اگر زن باشد
پستان بند را بر پستانش بندند و بر پشتش گره زنند آنگه میان
پیراهن را شق کنند و سر میت را از آنجا بیرون آورند و طرف
بالای پیراهن را تا بساق میت یا پایین تر بکشند آنگه اگر مرد
باشد عمامه بر سرش بندند باین روش که بر دور سرش بگردانند
و موافق مشهور بزیر حنک هم بگردانند و سرهای عمامه را از هر
دو طرف بیرون آورند و بر سینه میت اندازند و اگر زن باشد
مقنعه بر سرش کنند آنگه جریدتین را که سنت مؤکد است یکی را
بر پهلوی راست میت و دیگری را بر پهلوی چپ او گذارند باین طریق
که آنکه بر طرف راست میگذارند میان آن و بدن میت حایلی
نباشد و آنکه بر طرف چپ میگذارند ما بین پیراهن و لفافه
بگذارند و باید که سر هر دو جریده را بر چنبر گردن میت بگذارند
و لفافه را بدستور لنگ از چپ و راست میت بگردانند و سر و پای
آنرا بپیچند بپارچه که از کنار کفن بریده باشند بربندند و بهتر
آنست که جریدتین از درخت خرما باشد و اگر یافت نشود از درخت

شدن کنند و اگر ایشان یافت نشود از چوب بید یا انار هر کدام باشد
و الا از هر چوب تری خوب است و باید که البته تر باشد و تازه از
درخت بریده باشد و خشک نباشد که اگرچه از درخت خرما
اما اگر تر نباشد فایده نمیکند و در اخبار بسیار وارد شده
که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمیکند و نیز مرویست که عذاب
و حساب همه در یک ساعت باشد که میت داخل قبر شود و مردم
متفرق شوند پس چون جریده با میت باشد از عذاب بالکلیه ایمن
باشد و باید که هر یک از جریدتین بدرازی ساق دست باشد و
سنت است که بر جریدتین اسم میت و شهادتین و اقرار بائمه ع
را بنویسند بتربت مقدس باین طریق که فلان یشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله و ان
علیا وصیه ثم الحسن و الحسین تا حضرت صاحب الامر علیهم السلام
اسم مبارک هر یک از ائمه طاهرین علیهم السلام را بنویسند و در
پارچهای کفن که قبل ازین ذکر شد که باید نوشته شود نیز باین طریق
بنویسند و اگر تقیه باشد و جریدتین را نتوان در میان کفن گذاشت
در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آید
در میان قبر فرو برند و اگر از میت نجاستی بیرون آید قبل از گذاشتن
قبر آنرا بشویند خواه کفن باشد و خواه بدن و اگر بعد از دخول قبر
باشد آن محل از کفن را بمقراض کنند و کفن را از یکدیگر بکشند
تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن باشد شستن
در اندرون قبر بآنکه آفتابه و لگن ببرند و بشویند بهتر است خصوصا
هرگاه بدن میت نجس شده باشد **معرفت پنجم** در نماز میت و
این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند

واگر

واگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط میشود و واجب است
نماز بر هر میت شیعه اثنا عشری که بالغ باشد بلا خلاف و اشهر
و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز
واجب است و ظاهرا بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از
شش ساله اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت و بعضی بدعت
دانسته اند و احوط نماز نکردن است و جایز نیست نماز کردن
بر خوارج و ناصبی که عداوت اهل بیت داشته باشد و بر غالی
و مرتد و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهرا که مخیر
باشد در نماز کردن و نکردن و اگر بکند چهار تکبیر بگوید
و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند و در حال تقیه ترک نباید
و سزاوارترین مردم بنماز بر میت وارث اوست بنابر مشهور
و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان کرد
و بانفراد می توان کرد و احوط آنست که تا توان رخصت
از ایشان گرفتن بیرخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است
نسبت بزن و مردان اولایند از زنان و وارث خود اگر قابلیت
پیش نمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر
داند مقدم دارد و واجب است که نمازگذارنده رو بقبله بایستد
و سر جنازه بطرف راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در
کار نیست و احوط در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد
و واجب است که میت را بر پشت بخوابانند و درین نماز طهارت
شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو میتوانند کرد و اگر حایض
بنماز حاضر شود سنت است که در صف جدا بایستد و احوط
آنست که چیزی چند که منافی نماز واجب باشد نباشد مثل

طلا و حریر برای مردان و جامهٔ غصبی و سنت است که با وضو باشد
و نماز بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد
و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را بپوشانند
و نماز کنند و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد و سینهٔ زن
بایستد و بسیار دور نباشد بلکه چنان بایستد که اگر بادی
بوزد جامهٔ او بجنازه برسد و سنت است که کفش را بکند و اگر
موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد
بهتر است و سنت است که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند
خصوصا پیش نماز و اگر میتی را نماز نکرده دفن کنند احوط
آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی گذشته باشد و واجب است
که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر
میکنم از برای آنکه واجبست قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و اگر
بر سنی و خلاف مذهب نماز کند چهار تکبیر بگوید و سنت است که
در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوش و بعضی در غیر تکبیر
اول سنت نمیدانند و اول اقوی است و در وجوب دعا در میان
تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهرا هر دعائی مجزی
باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و
رسوله و بعد از تکبیر دوم بگوید اللهم صل علی محمد و آل
محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل
ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک
حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین و بعد از
تکبیر سیم بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین

والمسلمات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات
انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر و بعد از تکبیر
چهارم بگوید اللهم ان هذا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک
و انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت
اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان
مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له و احشره مع من کان یتولاه
من الائمة الطاهرین اللهم اجعله عندک فی اعلی
علیین و اخلف علی اهله فی الغابرین و ارحمه برحمتک
یا ارحم الراحمین پس تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود از نماز و
بگوید اللهم عفوک عفوک و در روایتی وارد شده که بعد از
فارغ شدن از نماز بگوید ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی
الآخرة حسنة و قنا عذاب النار و اگر میت زن باشد دعای
بعد از تکبیر چهارم را چنین بخواند اللهم ان هذه امتک و
ابنة عبدک و ابنة امتک نزلت بک و انت خیر منزول به
اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا و انت اعلم بها منا اللهم
ان کانت محسنة فزد فی احسانها و ان کانت مسیئة فتجاوز
عنها و اغفر لها و احشرها مع من کانت تتولاه من الائمة
الطاهرین اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین و اخلف
علی اهلها فی الغابرین و ارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین
و اگر میت طفل باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم اجعله
لنا و لابویه فرطا و سلفا و اجرا و اگر میت سنی و خلاف مذهب
باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم انا لا نعلم الا انه عدو
لک و لرسولک اللهم فاحش قبره نارا و احش جوفه نارا و

عجّله الی النار فانّه یوالی اعداءک و یعادی اولیاءک و
یبغض اهل بیت نبیّک اللهم ضیّق علیه قبره و چون جنازه
او را بر دارند بگوید اللهم لا ترفعه و لا تزکّه و اگر مستضعف
باشد یعنی عناد با اهل بیت و شیعیان ایشان نداشته باشد و
با دشمنان ایشان نیز بد نباشد بعد از تکبیر چهارم بگوید که
اللهم اغفر للذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم
و اگر اعتقاد میّت و مذهبش معلوم نباشد بعد از تکبیر
چهارم بگوید اللهم انّ هذه نفس انت احییتها و انت امتّها
و انت اعلم بسرّها و علانیتها فاحشرها مع من تولّت

مقصد ششم در آداب دفن میّت سنّت است که تا میّت را در قبر نگذارند
ننشینند و واجب است کفایةً دفن کردن میّت و قدر واجب آنست
که میّت را در گودی پنهان کند بوضعی که بوی بد او از مردم مستور
گردد و جسد او از درندگان و جانوران ایمن باشد و خوابانیدن
او بر جانب راست رو بقبله واجب است بقول مشهور و بعضی
مستحب دانسته اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر
گردن و سنّت است لحد کندن از طرف قبله و مستحب است که آنقدر
فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر زمین سست باشد و لحد
نتوان کند بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوان قبر را
شق کند یعنی از میان قبر بقدر جسد میّت فرو برند آنقدر که توان
نشست و دو طرف داشته باشد که خشت بر روی آن توان گذاشت
که خاک بر میّت ریخته نشود و مکروه است فرش قبر بچوب و تخته کردن
یا میّت را با تابوت گذاشتن مگر آنکه زمین آب بر آورده باشد بنیاد
داشته باشد و مکروه است در حال اختیار دو میّت را در یک قبر

گذاشتن

گذاشتن و میّت را از شهری بشهری نقل کردن مگر بمشاهد مشرّفه
و شیخ شهید در کتاب ذکری تجویز کرده نقل میّت را قبل از دفن بمقبره
شهدا و صلحا و باید که مقبرهٔ نزدیک را از مقبرهٔ دور ترجیح دهند
مگر آنکه در مقبرهٔ دور شخصی از علما و اکابر دین مدفون باشد
چه مرویست که اموات خود را از اماکن بد دور کنید و مکان شریف
برای قبر او اختیار کنید که همسایه خوب چنانکه در زندگی نفع میرساند
بعد از آن نیز نفع میرساند و چون شخصی در دریا بمیرد اگر ممکن باشد
بخشکی برسانند و الّا در مانند خم گذارند و سرش را محکم ساخته
در دریا اندازند اگر ممکن شود و الّا او را سنگین کنند و رو بقبله
در آب اندازند **و چون** جنازه نزدیک قبر رسد سنّت است که نزد
پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند
و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه بار او را نقل میکنند و
مرتبه چهارم بقبر میبرند و آنچه در روایات معتبره وارد شده آنست
که چون میّت را نزدیک قبر رسانی او را بناگاه بقبر مبر و کار را
بر او سنگین مکن و پایین تر از قبر بدو ذراع یا سه ذراع بگذار و
ساعتی صبر کن تا تهیّه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر اهوالها
عظیم هست و دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنّت است
که سر میّت را پیش کنند و از طرف پای قبر سرازیر بقبر برند و جمعی از
علما گفته اند که زن را از طرف قبله قبر میگیرند و بعرض بقبر میبرند
چنانچه در بعضی از روایات وارد شده و سنّت است که کسی که بقبر
میرود که میّت را بقبر گذارد سر و پا را برهنه کند و بندهای جامه را
بگشاید و رفتن و بیرون آمدنش از طرف پای قبر باشد و جایز است
که یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد و خواه جفت و اکثر علما

کفته اند که مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او اورا بقبر برد
وآنچه از احادیث ظاهر میشود آنست که پدر را مکروه است که بقبر
فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب را باکی نیست و اگر
میت زن باشد احوط آنست که محرم اورا بقبر برد و اگر محرم
نباشد زن صالحه ببرد و الا مرد صالح ببرد و سنت است که
چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید اللّهمّ عبدک بن عبدک
وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به و کسی که داخل قبر
میشود بگوید وقت داخل شدن بسم الله وبالله وعلی ملّة
رسول الله صلّی الله علیه وآله وچون میت را بگیرد که بقبر
برد بگوید که بسم الله وبالله وعلی ملّة رسول الله صلّی الله
علیه وآله اللّهمّ الی رحمتک لا الی عذابک اللّهمّ افسح
له فی قبره ولقّنه حجّته وثبّته بالقول الثابت وقنا و
ایّاه عذاب القبر پس استعاذه کند و سوره حمد و توحید و
معوذتین و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است
وچون در قبر گذارد بگوید بسم الله وفی سبیل الله وعلی ملّة
رسول الله صلّی الله علیه وآله اللّهمّ یا رب عبدک ابن
عبدک نزل بک وانت خیر منزول به اللّهمّ ان کان محسنا
فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیّه
محمّد صلواتک علیه وآله وصالح شیعته واهدنا وایّاه
الی صراط مستقیم اللّهمّ عفوک عفوک اللّهمّ اجعلها
روضة من ریاض الجنّة ولا تجعلها حفرة من حفر النیران
ومکرر برای میت استغفار کند و میت را رو بقبله بر پهلوی
راست بخواباند و بندهای کفن را بگشاید و روی راست اورا

برهنه

برهنه کند و بر خاک بگذارد و قدری از تربت مقدس با او بگذارد
وخشتی بر پشتش بگذارد که بر قفا نیفتد بعد از آن دست چپ
بر بازوی راست میت گذاشته حرکت شدیدش بدهد و تلقین
کند و اگر با این نحو بگوید جامع تر است اسمع افهم اسمع افهم
اسمع افهم یا فلان بن فلان و نام او و پدرش را بگوید هل
انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له وانّ محمّدا صلّی الله علیه وآله
عبده ورسوله وسیّد المرسلین وخاتم النبیّین وانّ علیّا
امیر المؤمنین وسیّد الوصیّین وامام افترض الله طاعته
علی العالمین وانّ الحسن والحسین وعلیّ بن الحسین ومحمّد بن
علیّ وجعفر بن محمّد وموسی بن جعفر وعلیّ بن موسی ومحمّد بن
علیّ وعلیّ بن محمّد والحسن بن علیّ والقائم الحجّة المهدی
صلوات الله علیهم ائمّة المؤمنین وحجج الله علی الخلق اجمعین
وائمّتک ائمّة هدی ابرار یا فلان بن فلان اذا اتاک الملکان
المقرّبان رسولین من عند الله تبارک وتعالی وسألاک عن
ربّک وعن نبیّک وعن دینک وعن کتابک وعن قبلتک و
عن ائمّتک فلا تخف وقل فی جوابهما الله جلّ جلاله ربّی
ومحمّد صلّی الله علیه وآله نبیّی والاسلام دینی والقرآن
کتابی والکعبة قبلتی وامیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب امامی
والحسن والحسین وعلیّ ومحمّد وجعفر وموسی وعلیّ ومحمّد و
علیّ والحسن والحجّة القائم ائمّتی وسادتی وقادتی وشفعائی
بهم اتولّی ومن اعدائهم اتبرّأ فی الدنیا والآخرة ثمّ اعلم
یا فلان بن فلان انّ الله تبارک وتعالی نعم الرّب وانّ محمّدا

صلی الله علیه و آله نعم الرسول و ان امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب و اولاده الائمة الاحد عشر نعم الائمة و ان
ما جاء به محمد صلی الله علیه و آله حق و ان الموت حق و
سؤال منکر و نکیر فی القبر حق و البعث حق و النشور
حق و الصراط حق و المیزان حق و تطایر الکتب حق و الجنة
حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله
یبعث من فی القبور افهمت یا فلان در حدیث آمده که میت در
جواب میگوید بلی فهمیدم پس بگوید ثبتک الله بالقول الثابت
هداک الله الی صراط مستقیم عرف الله بینک و بین اولیائک
فی مستقر من رحمته پس بگوید اللهم جاف الارض عن جنبیه
و اصعد بروحه الیک و لقه منک برهانا اللهم عفوک
عفوک پس خشت بر لحد بگذارد و اگر بجنه نیز خوبست و خشت
خام بهتر است و در وقت خشت چیدن بگوید اللهم صل وحدته
و آنس وحشته و اسکن الیه من رحمتک رحمة تغنیه بها
عن رحمة من سواک و چون خواهد که بیرون آید بگوید انا لله
و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین اللهم ارفع
درجته فی اعلی علیین و اخلف علی عقبه فی الغابرین
یا رب العالمین و از طرف پای قبر بیرون آید و چون خاک بر
قبر ریزند هر کس قدری خاک در دست گرفته بگوید اللهم
ایمانا بک و تصدیقا ببعثک هذا ما وعدنا الله و رسوله
و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما بعد از آن
بریزد در قبر که بهر ذره از آن حسنه برای او نویسند و سنت است که
سه بار و با پشت دست خاک بریزند و مکروه است که خویشان میت

خاک

خاک بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب است و دوری از رحمت
الهی و غیر آن خاک که از قبر بیرون آمده داخل نکنند که بار است بر
میت و سنت است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و مربع
بسازند و روی آن را پهن کنند و خرپشته نکنند بنحوی که سنیان
میکنند بعد از آن آب بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در
قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب ریزنده
رو بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر قبر کند و بر جانب قبله قبر
بریزد تا پای قبر و بگرداند بطرف دیگر و بریزد تا سر قبر و بعد از آن
بر میان قبر و سنت است که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود
و مستحب است که بعد از ریختن آب دست بر قبر گذارند بوضعی که
انگشتان گشاده باشد و فرو کنند تا انگشتان فرو رود در گل
و رو بقبله باشند و بگویند اللهم جاف الارض عن جنبیه و
اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره من
رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سوره
انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که مذکور
شد ضمیر مؤنث بیاورند چنانچه بشرحی نوشته شده است و سنت
است که ولی میت یعنی اقرب خویشان بعد از آنکه مردم برگردند نزد
سر میت بنشیند و باواز بلند آن تلقین که مذکور شد بار دیگر
بکند و اگر دیگری را نایب کند که تلقین کند نیز خوبست و در اخبار
وارد شده که چون این تلقین را بکنند منکر و نکیر با یکدیگر میگویند
بیا برگردیم که تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس
بر میگردند و سؤال نمیکنند و مکروه است عمارت کردن بر سر قبر
و گچ مالیدن و بر سر قبر بسیار ماندن مگر قبور انبیا و ائمه

طاهرین صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا
نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن
مگر قبر اهل شرف و فضل را که دلها متوجه زیارت ایشان است
و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و
قبرهای مندرس شده را و مکروه است بر روی قبر راه رفتن و
نشستن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست
که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر
مال قیمتی افتاده باشد یا آنکه در زمین غصبی یا کفن غصبی یا آنکه
بی غسل و کفن دفن کرده باشند و میت از هم نپاشیده باشد و مشهور
آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده
اند نقل بمشاهد مشرفه را مغفرت حضر در ثواب و آداب عزا و ثواب
و آداب تعزیه دادن و اکرام یتیم کردن مرویست که چون کسی را
مصیبتی رسد باید که مصیبت رحلت حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله را که عظیم ترین مصایب است یاد آورد و لازم است
اصحاب تعزیه و مصیبت را که صبر کنند و بقضای الهی راضی باشند
و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بی حساب کرامت میفرماید
و بسیار بگوید انا لله و انا الیه راجعون تا گناهان گذشته اش
آمرزیده شود و حمد خدا بسیار گوید که چون چنین کند رضا بقضای
خدا داده و ثوابش بر خدا باشد و اگر صبر نکند قضا خود گذشته باشد
و اجرش باطل شود و در نزد حق تعالی مذموم بود و بسند معتبر
منقول است که هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگر چه بعد از مدتی باشد
و بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین
اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها ثوابها

مصیبت بار دیگر بان داده شود و مستحب است که صاحب مصیبت
تغییر وضع خود کند تا او را بشناسند و مشهور آنست که جایز نیست
گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر و برای
ایشان جایز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب
باشد و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است
و جایز نیست خراشیدن رو و کندن مو و بریدن مو و احوط آنست
که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند و مرویست که اگر مردی در
مصیبت دست بر زانو زند یا کسی هنگامه نوحه ساز کند اجرش
باطل و ضایع گردد و جایز است گریه و ندبه کردن که نیکیهای
میت را بشمارند و نوحه کردن نیز جایز است که دروغ نگویند
و چیزهای بد از برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه گر
نیاورند و مستحب است که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان
برای صاحبان عزا طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند
مگر زن که چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد با آنکه جامهای
رنگین نمیپوشد و زینت نمیکند و مکروه است نزد ایشان طعام
خوردن و سنت است که دیگران تعزیه ایشان بکنند یعنی ایشان را
پرسش نمایند و تسلی دهند و بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از
دفن و بعد از آن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیه
دادن آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و در وقت
تعزیه دادن بگوید جبر الله وهنکم و احسن عزاکم و رحم متوفاکم
و منقول است از حضرت رسول صلعم که هر که صبر فرماید اندوهناکی
را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را حله نیکو از حلهای
بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را

صبر فرماید حق تعالی ثواب آن صاحب مصیبت کرامت فرماید
بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که ثواب تعزیه و صبر فرمودن
بهشت است و هر کس زنی مصیبت زده را تعزیه کند خدای تعالی
او را در سایهٔ عرش مجید جای دهد روزی که هیچ کس را پناهی نباشد
و مرویست که مردی پسرش فوت شد جزع و بی تابی میکرد حضرت
صادق علیه السلام بتعزیه او رفته فرمود خود را بمصیبت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله تسلی ده که اعظم مصائب است گفت
پسرم پر از لهو و لعب و معاصی بود جزع من از این جهت است فرمود
پسرت سه چیز در پیش دارد شهادت لا اله الا الله و رحمت بی
نهایت خدای تعالی و شفاعت حضرت پیغمبر صلعم یکی از این سه
انشاء الله تعالی از او فوت نخواهد شد و مرویست که هر کس متکفل
احوال یتیمی شود تا آنقدر که او را مستغنی کرداند بهشت او را واجب
شود و هر کس از روی ترحم دست بر سر یتیمی مالد بعدد هر موئی
از برای آن حسنه نوشته شود و در روز قیامت بعدد هر موئی از آن
نوری عطا فرماید و چون یتیمی کریه کند عرش الهی بر خود بلرزد
پس خدای تعالی فرماید کیست که این بندهٔ مرا که بکوچکی پدر و
مادرش را از او کرفته ام میکریاند بعزت و جلال خودم که هر مؤمن
که او را تسلی دهد بهشت برای او واجب کرده ام مغفرت هشتم
در هدیه از برای میت و اعمالی که برای او نفع رساند مرویست
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ شب بر میت سخت تر
از شب اول قبر نگذرد پس در شب اول بر میت بصدقه رحم کنید
و اکر مقدور نشود دو رکعت نماز کذارید در رکعت اول بعد از
حمد آیة الکرسی یکبار و در دوم بعد از حمد انا انزلناه ده بار بخوان

وبعداز

و بعد از سلام بکوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثواب
هاتین الرکعتین الی قبر فلان و نام آن شخص را ببرد که در همان
ساعت خدای تعالی هزار فرشته را بقبر او فرستد با هر کدام
حلهٔ از بهشت و قبرش را وسیع کردانند تا روز قیامت و برای
آنکه این نماز را کرده چهل درجه بلند کند و بعدد هر چه آفتاب
بر او تابیده حسنات عطا فرماید و در روایت دیکر طریق این
نماز چنین وارد شده که در رکعت اول بعد از حمد ده بار قل هو الله
و در دوم ده بار سورهٔ تکاثر بخواند و بعد از سلام دعای مذکور
فوق را بخواند و هر که بقصد میت تصدق کند خدای تعالی
امر فرماید که هزار ملک هر یک طبقی از نور بدست بقبر او درآیند
و سلام کنند و کویند این هدیهٔ فلان است که برای تو فرستاده
و آنکس را در بهشت هزار شهر و هزار حوری و هزار حله عطا فرماید
و هزار حاجتش را بر آورد و هر کس برای میت عمل خیر هدیه کند
مثل نماز و روزه و حج و طواف و زیارت و صدقه و دعا و عتق
رقبه و تلاوت قرآن و غیر آن هر وقت باشد خدای تعالی اجر
او را در برابر یا بیشتر مضاعف کرداند و میت را از آن نفع تمام
رساند و عذابش را تخفیف دهد اکر چه کافر باشد و بسند
صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسا باشد
که میت در تنکی و شدت عذابی باشد که خدای تعالی او را از آن
سبب نجات دهد پس با او کویند که این نجات سبب هدیهٔ فلان است
که برای تو کرد و میت از هدیه و دعا و استغفار که برایش کنند
خوشحال شود و چند کس را بلکه همهٔ مؤمنان را در یک نماز یا حج
یا غیر آن شریک توان کرد و بهر کدام ثواب آن عمل علیحده رسد

و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال
خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران
مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصا
دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد
مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال
خیر برای ایشان بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و
سایر خویشان اینست که فروض ایشان را ادا کنند و ایشان را
از حقوق خدا و خلق بری کرده اند و حج و نماز و سایر عباداتی
که از ایشان فوت شده باشد سعی کند که باستیجار یا بتبرع
بعمل آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق علیه السلام
در هر شب برای فرزند خود و هر روز برای پدر و مادر خود دو
رکعت نماز میکردند و در رکعت دویم بعد از حمد انا انزلناه و
در دویم انا اعطینا میخواندند و مرویست که از جمله حقوق مؤمن
اینست که بعد از موت ذکرش بخیر کنند و عیوب و سیاتش را
بپوشانند و میت خود هر عملی که در ایام حیوة خود کرده باشد مثل
صدقه یا تصنیف کتابی یا کتابت قرانی یا حدیثی یا درختی که بنشاند
یا چاه آبی بکند یا کسی را تعلیم خیری یا هدایت و دلالت بخیری
کند تا اثری از آن باقی باشد نفعش باو رسد و هر کس بتعلیم و
دلالت او عمل کند مثل آن ثواب برای او ثابت باشد بی آنکه از
صاحب عمل چیزی کم شود و همچنین فرزندی که از برای او استغفار
کند مغفرت شود در زیارت قبور مرویست از ائمه طاهرین
علیهم السلام که بزیارت اهل قبور بروید که باعث رقت قلب
و اشک چشم و یاد آخرت است و چون کسی بزیارت قبور رود و اهل

قبور خبردار شوند و با او انس گیرند و شکفته و مسرور شوند چنانکه
در زندگی بدیدنش روند و چون از آنجا برود ایشان را وحشت
رو دهد و مفارقت اثر کند و هر کس زیارت قبر والدین یا یکی
از ایشان در روز جمعه کند ثواب یک حج مقبول برایش بنویسند
و بعد از زیارت و دعای والدین حاجتی که داشته باشد بخواهد
که انشاء الله تعالی مستجاب شود و چون بر اهل مقابر سلام
کند بگوید السلام علی اهل الدیار من المؤمنین و المسلمین
رحم الله المستقدمین منا و المستاخرین و انا ان شاء الله بکم
لاحقون و چون ایشان را وداع کند بگوید اللهم ارحم
غربتهم و صل وحدتهم و آنس وحشتهم و آمن روعتهم
و اسکن الیهم من رحمتک ما یستغنون بها عن رحمة من
سواک و الحقهم بمن کانوا یتولونه و نیز مرویست که هر کس
بر اهل مقابر چنین سلام کند که السلام علی اهل لا اله الا
الله من اهل لا اله الا الله یا اهل لا اله الا الله کیف
وجدتم قول لا اله الا الله نحن نقول لا اله الا الله
یا لا اله الا الله من لا اله الا الله بحق لا اله الا الله
اغفر لمن قال لا اله الا الله و احشرنا فی زمرة من قال لا
اله الا الله محمد رسول الله خدای تعالی او را ثواب پنجاه سال
عبادت عطا فرماید و پنجاه ساله سیئات او و والدینش را عفو
فرماید و هر کس که داخل مقبره شود و بگوید اللهم رب هذه
الارواح الفانیة و الاجساد البالیة و العظام النخرة
التی خرجت من الدنیا و هی بک مؤمنة ادخل علیهم روحا
منک و سلاما منی بعدد هر کس از زمان آدم تا روز قیامت

برایش حسنات بنویسند و هر کس در مقبرهٔ مسلمین یک آیه از
قرآن بخواند خدای تعالی ثواب هفتاد نبی با او عطا فرماید و
هر کس از برای اموات از حق تعالی طلب رحمت و آمرزش کند
از آتش نجات یابد و خندان داخل بهشت شود و اگر در مقبره سورهٔ
یس بخواند بعدد اهل آن مقبره حسنات برایش بنویسند و عذاب
از آن مقبره تخفیف دهند و اگر آیة الکرسی بخواند و ثوابش را
با اهل قبور هدیه کند بعدد هر حرف از آن ملکی برای او تسبیح
کند تا روز قیامت و اگر یازده بار قل هو الله احد بخواند و ثوابش
را هدیه کند بعدد ایشان ثواب و حسنات یابد و اگر دست بر
قبری گذارد و هفت بار انا انزلناه بخواند از فزع اکبر روز قیامت
ایمن باشد و او و صاحب قبر هر دو آمرزیده شوند و خدای تعالی ملکی
را فرستد که در پیش آن قبر عبادت کند و ثوابش برای صاحب قبر نوشته
شود و چون از قبر بیرون آید بر هیچ خوف و هولی نگذرد مگر آنکه
خدای تعالی آن را از او دفع کرده اند تا وقتی که داخل بهشت شود و
مرویست که چون داخل مقبره شوید بر قبور پا بگذارید که اگر صاحب
قبر مؤمن باشد راحت یابد و اگر نه الم یابد اما آنکه ظاهر اینست که
قبور اکابر دین و والدین و علما را از رعایت و ادب باید نمود و مرویست
که حرمت مؤمن بعد از مردن مثل حرمت اوست در زندگی و در عصر
روز پنجشنبه و جمعه زیارت اهل قبور مستحب است

باب سی ام

در فضیلت و کیفیت اعتکاف بدانکه اعتکاف مکث است
در مسجد برای عبادت و آن سنت مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار
بسیار و افضل اوقات آن ماه مبارک رمضانست حتی اینکه مرویست
که اعتکاف نمیباشد مگر در عشر آخر ماه رمضان و حضرت سید المرسلین

صلی

صلی الله علیه و آله همیشه در عشر آخر ماه مبارک اعتکاف مینمودند
و از آنحضرت صلعم منقولست که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابرست
با دو حج و دو عمره و اعتکاف کمتر از سه روز نباشد و بیشتر هر قدر
که خواهد تواند و داخل اعتکاف مستحب است اما چون دو روز
بگذرد روز سیم واجب شود و همچنین هر روز سیم واجب شود چون
روز ششم و نهم و دوازدهم پس در روز اول و دویم باختیار خود
تواند فسخ اعتکاف نمود و بیرون رفت و روز سیم بی ضرورت نتوان
بیرون رفت و شرط است در اعتکاف روزه داشتن خواه روزه
واجب باشد و خواه سنت پس کسی که روزه نتواند داشت یا در
وقتی که روزه نتواند گرفت اعتکاف دارد صحیح نباشد و نیز شرط
است که در مسجدی باشد که امام عادل در آن نماز کرده باشد
و افضل مساجد برای اعتکاف مسجد الحرام و مسجد حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه است و ظاهرا در هر مسجد جامع
اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست در بلد که
که در آنجا نماز جمعه و جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و از
اکثر محلات شهر بآنجا روند برای نماز جمعه و یا جماعت که منعقد
باشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد جامع قدیم در اصفهان و
در سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد محل تامل است
و در ایام اعتکاف بدون ضرورت بیرون نشاید رفت از مسجد
و جایز است بیرون رفتن برای نماز جمعه یا حضور جنازه یا عیادت
مریض یا گواهی دادن و گواه شدن و مجملا حقی از حقوق دین و امر
ضروری و چون برای حاجتی بیرون رود در جائی ننشیند تا آنکه بر
گردد بمسجد خود و بهتر آنست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد

وازراههای نزدیکتر بمطلب برود و چون بربیت الخلا رود توقف
زیاد از ضرورت نکند و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر
غیر ان مسجد که محل اعتکاف اوست نکند مگر نماز جمعه باید در مکه
معظمه که در هر جا که خواهد از مکه نماز کند صحیح باشد و اگر سهوا
از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر انکه زمان بسیار
بکذرد که اورا معتکف نکویند و همچنین اگر اورا جبرا بیرون برند
و حرام است در ایام اعتکاف مباشرت کردن خواه در روز و خواه
در شب و درین ایام از بوی خوش و ریاحین و مجادله با مردم و بیع
و شرا احتراز باید نمود و مستحب است که وقت رفتن باعتکاف ابتدا
شرط کند که اگر امری سانح شود بیرون رود که چون این شرط کرده
باشد هر وقت که امری عارض شود بیرون تواند رفت و حج بجا برود
خواه پیش از روز سیم و خواه بعد از ان و با این شرط اگر خواهد رجوع
تواند کرد اگرچه در روز سیم باشد و چون رجوع کند قضا بر او واجب
نیست و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهرا قصد قربت کافیست
پس چون خواهد نیت کند بگوید که اعتکاف میکنم درین مسجد قربة
الی الله و احوط انست که فرزند بی رخصت والدین و مهمان بی رخصت
مهمان دار و برعکس اعتکاف سنت ندارند **باب سیم و یکم**
در ذکر بعضی مناجاتها و دعای جوشن کبیر **اما** مناجات و ان بسیار
است و از انجمله این پنج [هفت] مناجاتست از جمله پانزده مناجات که از حضرت
سید الساجدین علیه السلام منقولست **مناجات توبه کنندگان**
بسم الله الرحمن الرحیم الهی البستنی الخطایا ثوب مذلتی و جللنی
التباعد منک لباس مسکنتی و امات قلبی عظیم جنایتی فاحیه
بتوبة منک یا املی و بغیتی و یا سؤلی و یا منیتی فوعزتک و جلالک

ما اجد لذنبی سواک غافرا و لا اری لکسری غیرک جابرا و قد
خضعت بالانابة الیک و عفرت بالاستکانة لدیک فان
طردتنی من بابک فبمن الوذ و ان رددتنی عن جنابک فبمن اعوذ
فوا اسفا من خجلتی و افتضاحی و والهفا من سوء عملی و اجترامی
اسئلک یا غافر الذنب الکبیر و یا جابر العظم الکسیر ان تهب
لی موبقات الجرائر و تستر علی فاضحات السرائر و لا تخلنی فی
مشهد القیمة من برد عفوک و غفرک و لا تعرنی من جمیل
صفحک و سترک الهی ظلل علی ذنوبی غمام رحمتک و ارسل
علی عیوبی سحاب رافتک الهی هل یرجع العبد الابق الا الی
مولاه ام هل یجیره من سخطه احد سواه الهی ان کان الندم علی
الذنب توبة فانی و عزتک من النادمین و ان کان الاستغفار
من الخطیئة حطة فانی لک من المستغفرین لک العتبی حتی
ترضی الهی بقدرتک علی تب علی و بحلمک عنی اعف عنی
و بعلمک بی ارفق بی الهی انت الذی فتحت لعبادک بابا
الی عفوک سمیته التوبة فقلت توبوا الی الله توبة نصوحا
فما عذر من اغفل دخول الباب بعد فتحه الهی ان کان قبح
الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک الهی ما انا باول
من عصاک فتبت علیه و تعرض لمعروفک فجدت علیه
یا مجیب المضطر یا کاشف الضر یا عظیم البر یا علیما بما فی
السر یا جمیل الستر استشفعت الیک بجودک و کرمک
و توسلت الیک بجنابک و ترحمک فاستجب دعائی و لا
تخیب فیک رجائی و تقبل توبتی و کفر خطیئتی بمنک
و رحمتک یا رب العالمین **مناجات خائفان** بسم الله الرحمن الرحیم

الهي اتراك بعد الايمان بك تعذبني ام بعد حبي اياك تبعدني
ام مع استجاري بعفوك تسلمني ام مع رجائي رحمتك وصفحك
تحرمني حاشا لوجهك الكريم ان تخيبني ليت شعري اللشقاء
ولدتني امي ام للعناء ربتني فليتها لم تلدني ولم تربني و
ليتني علمت امن اهل السعادة جعلتني وبقربك وجوارك
خصصتني فتقر بذلك عيني وتطمئن به نفسي الهي هل تسود
وجوها خرت ساجدة لعظمتك او تخرس السنة نطقت
بالثناء على مجدك وجلالتك او تطبع على قلوب انطوت
على محبتك او تصم اسماعا تلذذت بسماع ذكرك في
ارادتك او تغل اكفا رفعتها الامال اليك رجاء
رفدك او تعاقب ابدانا عملت بطاعتك حتى نحلت في مجاهدتك
او تعذب ارجلا سعت في عبادتك الهي لا تغلق على موحديك
ابواب رحمتك ولا تحجب مشتاقيك عن النظر الى جميل
رؤيتك الهي نفس اعززتها بتوحيدك كيف تذلها
بمهانة هجرانك وضمير انعقد على مودتك كيف تحرقه
بحرارة نارك الهي اجرني من اليم غضبك وعظيم سخطك
يا حنان يا منان يا رحيم يا رحمن يا جبار يا قهار يا ستار يا
غفار نجني من عذابك النار وفضيحة العار اذا امتاز الاخيار
من الاشرار وحالت الاحوال وهالت الاهوال وقرب
المحسنون وبعد المسيئون ووفيت كل نفس ما عملت وهم لا
يظلمون والحمد لله رب العالمين **مناجات راجين** يا من اذا ساله
عبده اعطاه واذا امل ما عنده بلغه مناه واذا اقبل عليه
قربه وادناه واذا جاهره بالعصيان ستر على ذنبه وغطاه و

اذا توكل عليه احسبه وكفاه الهي من ذا الذي نزل بك
ملتمسا قراك فما قريته ومن الذي اناخ ببابك مرتجيا
نداك فما اوليته ايحسن ان ارجع عن بابك بالخيبة مصروفا
ولست اعرف مولى سواك بالاحسان موصوفا كيف ارجو
غيرك والخير كله بيدك وكيف اؤمل سواك والخلق
والامر لك اواقطع رجائي منك وقد اوليتني ما لم اسئله
من فضلك ام تفقرني الى مثلي وانا اعتصم بحبلك يا من
سعد برحمته القاصدون ولم يشق بنقمته المستغفرون كيف
انساك ولم تزل ذاكري وكيف الهو عنك وانت مراقبي
الهي بذيل كرمك اعلقت يدي ولنيل عطاياك بسطت
املي فاخلصني بخالص توحيدك واجعلني من صفوة عبيدك
يا من هو كل هارب اليه يلتجئ وكل طالب اياه يرتجي يا خير
مرجو ويا اكرم مدعو يا من لا يرد سائله ولا يخيب امله
يا من هو بابه مفتوح لداعيه وحجابه مرفوع لراجيه اسالك
بكرمك ان تمن علي من عطائك بما تقر به عيني ومن رجائك
بما تطمئن به نفسي ومن اليقين بما تهون به علي مصيبات الدنيا
وتجلو به عن بصيرتي غشوات العمى برحمتك يا ارحم الراحمين
مناجات شاكران الهي اذهلني عن اقامة شكرك تتابع طولك
واعجزني عن احصاء ثنائك فيض فضلك وشغلني عن ذكر
محامدك ترادف عوائدك واعياني عن نشر عوارفك
توالي اياديك وهذا مقام من اعترف بسبوغ النعماء وقابلها
بالتقصير وشهد على نفسه بالتضييع وانت الرؤف الرحيم البر
الكريم الذي لا يخيب قاصديه ولا يطرد عن فنائه امليه بساحتك

تحطّ برحال الراجين وبعرصتك تقف آمال المسترفدين فلا تقابل آمالنا بالتخييب والإياس ولا تلبسنا سربال القنوط والإبلاس الهي تصاغر عند تعاظم آلائك شكري وتضاءل في جنب اكرامك اياي ثنائي ونشري جللتني نعمك من انوار الايمان حللا وضربت علي لطائف برك من العز كللا وقلدتني مننك قلائد لا تحل وطوقتني اطواقا لا تفل فآلاؤك جمة ضعف لساني عن احصائها ونعماؤك كثيرة قصر فهمي عن ادراكها فضلا عن استقصائها فكيف لي بتحصيل الشكر وشكري اياك يفتقر الى شكر فكلما قلت لك الحمد وجب علي لذلك ان اقول لك الحمد الهي فكما غذيتنا بلطفك وربيتنا بصنعك فتمم علينا سوابغ النعم وادفع عنا مكاره النقم وآتنا من حظوظ الدارين ارفعها واجلها عاجلا وآجلا ولك الحمد على حسن بلائك وسبوغ نعمائك حمدا يوافق رضاك ويمتري العظيم من برك ونداك يا عظيم يا كريم يا ارحم الراحمين

مناجات مفتقران

الهي كسري لا يجبره الا لطفك وحنانك وفقري لا يغنيه الا عطفك واحسانك وروعتي لا يسكنها الا امانك وذلتي لا يعزها الا سلطانك وامنيتي لا يبلغنيها الا فضلك وخلتي لا يسدها الا طولك وحاجتي لا يقضيها غيرك وكربي لا يفرجه سوى رحمتك وضري لا يكشفه غير رأفتك وغلتي لا يبردها الا وصلك ولوعتي لا يطفيها الا لقاؤك وشوقي اليك لا يبله الا النظر الى وجهك وقراري لا يقر دون دنوي منك ولهفتي لا يردها الا روحك وسقمي لا يشفيه الا طبك وغمي لا يزيله الا قربك وجرحي لا يبرئه الا صفحك ورين قلبي لا يجلوه الا عفوك ووسواس صدري لا يزيحه الا امرك فيا منتهى امل الآملين ويا غاية سؤل السائلين ويا اقصى طلبة الطالبين ويا اعلى رغبة الراغبين ويا ولي الصالحين ويا امان الخائفين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ذخر المعدمين ويا كنز البائسين ويا غياث المستغيثين ويا قاضي حوائج الفقراء والمساكين ويا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين لك تخضعي وسؤالي واليك تضرعي وابتهالي اسئلك ان تنيلني من روح رضوانك وتديم علي نعم امتنانك وها انا بباب كرمك واقف ولنفحات برك متعرض وبحبلك الشديد معتصم وبعروتك الوثقى متمسك الهي ارحم عبدك الذليل ذا اللسان الكليل والعمل القليل وامنن عليه بطولك الجزيل واكنفه تحت ظلك الظليل يا كريم يا جميل برحمتك يا ارحم الراحمين

مناجات متوسلان

الهي ليس لي وسيلة اليك الا عواطف رأفتك ولا لي ذريعة اليك الا عوارف رحمتك وشفاعة نبيك نبي الرحمة ومنقذ الامة من الغمة فاجعلهما لي سببا الى نيل غفرانك وصيرهما لي وصلة الى الفوز برضوانك وقد حل رجائي بحرم كرمك وحط طمعي بفناء جودك فحقق فيك املي واختم بالخير عملي واجعلني من صفوتك الذين احللتهم بحبوحة جنتك وبوأتهم دار كرامتك واقررت اعينهم بالنظر اليك يوم لقائك واورثتهم منازل الصدق في جوارك يا من لا يفد الوافدون على اكرم منه ولا يجد القاصدون ارحم منه يا خير من خلا به وحيد ويا اعطف من اوى اليه طريد

إلى سعة عفوك مددت يدي وبذيل كرمك أعلقت كفي فلا
تولني الحرمان ولا تبتلني بالخيبة والخسران يا سميع الدعاء
مناجات عارفان إلهي قصرت الألسن عن بلوغ ثنائك كما
يليق بجلالك وعجزت العقول عن إدراك كنه جمالك و
انحسرت الأبصار دون النظر إلى سبحات وجهك ولم تجعل
للخلق طريقا إلى معرفتك إلا بالعجز عن معرفتك إلهي فاجعلنا
من الذين ترسخت أشجار الشوق إليك في حدائق صدورهم
وأخذت لوعة محبتك بمجامع قلوبهم فهم إلى أوكار الأفكار
يأوون وفي رياض القرب والمكاشفة يرتعون ومن حياض
المحبة بكأس الملاطفة يكرعون وشرايع المصافات يردون
قد كشف الغطاء عن أبصارهم وانجلت ظلمة الريب عن
عقائدهم وضمائرهم وانتفت مخالجة الشك عن قلوبهم و
سرائرهم وانشرحت بتحقيق المعرفة صدورهم وعلت لسبق
السعادة في الزهادة هممهم وعذب من معين المعاملة
شربهم وطاب في مجلس الأنس سرهم وأمن في موطن المخافة
سربهم واطمأنت بالرجوع إلى رب الأرباب أنفسهم وتيقنت
بالفوز والفلاح أرواحهم وقرت بالنظر إلى محبوبهم أعينهم
واستقر بإدراك السؤل ونيل المأمول قرارهم وربحت في
بيع الدنيا بالآخرة تجارتهم إلهي ما ألذ خواطر الإلهام
بذكرك على القلوب وما أحلى المسير إليك بالأوهام
في مسالك الغيوب وما أطيب طعم حبك وما أعذب شرب
قربك فأعذنا من طردك وإبعادك واجعلنا من أخص
عارفيك وأصلح عبادك وأصدق طائعيك وأخلص

عبادك يا عظيم يا جليل يا كريم يا منيل برحمتك يا أرحم
الراحمين مناجات حزينية كه از آنحضرت عليه السلام منقولست
بسم الله الرحمن الرحيم آه وانفساه كيف لي بمعالجة الأغلال
غدا آه وانفساه مما حملتني عليه جوارحي من البلايا آه
وانفساه كلما حدثت لي توبة عرضت لي معصية أخرى
آه وانفساه أقبلت على نفسي بعد ما فنيت آه وانفساه من
قساوة قلبي كأنه حجر بل أقسى آه وانفساه إن قضيت الحوائج
وحاجتي لم تقض آه وانفساه إن غفرت ذنوب المجرمين و
أخذني ربي بذنوبي بين الملأ آه وانفساه من الكتاب و
ما أحصى ومن القلم وما جرى آه وانفساه من موقفي بين
يدي الرحمن غدا آه وانفساه من يوم يشغل فيه عن الأمهات
والآباء آه وانفساه من أهوال يوم القيمة وشدائد شتى
آه وانفساه لو كان هؤلاء واحدا لكفى آه وانفساه من نار
حرها لا يطفى ودخانها لا ينقطع أبدا آه وانفساه من
نار تحرق الجلود وتنضج الكلى آه وانفساه من داء جرحها
لا يداوى آه وانفساه من دار لا يعاد فيها المرضى ولا يقبل
فيها الرشى ولا يرحم فيها الأشقياء آه وانفساه من نار
وقودها الرجال والنساء آه وانفساه من نار يطول فيها
مكث الأشقياء آه وانفساه من ملئكة تشهد علي غدا
آه وانفساه من نار تتوقد ولا تطفى آه وانفساه من يوم
تزل فيه قدم وتثبت فيه أخرى آه وانفساه من دار تبكي
أهلها بدل الدموع دما آه وانفساه إن حرمت رحمة ربي
علي غدا آه وانفساه إن كنت ممقوتا في أهل السماء آه

واانفساه إن كانت جهنم هي المقيل والمثوى آه واانفساه لا بد من الموت ووحشة القبر والبلى آه واانفساه إن حيل بيني وبين محمد المصطفى آه واحزناه من تجرع الصديد وضرب المقامع غدا آه واحزناه انا الذي أطعتك يا سيدي صباحا ونقضت العهد مساء آه واحزناه من كتاب لا يغير ولا يمحى آه واحزناه كلما طلبت التوابين وقعت مع الاشقيا آه واحزناه كم عاهدت ربي ولم يجد عندي صدقا ولا وفاء آه واحزناه إذا عرضت على الرحمن غدا آه واحزناه عصيت من ليس بأهل ان يعصى آه واحزناه عصيت ربي وانا اعلم انه مطلع يرى آه واحزناه عصيت من ليس اعرف منه إلا الحسنى آه واحزناه استترت من الخلايق وبارزت بذنوبي عند المولى آه واحزناه استترت بعملي وبارزت ربي بالذنوب والخطايا آه واحزناه ليتني لم اك شيئا ابدا آه واحزناه من ملئكة غلاظ شداد لا يرحمون من شكى وبكى آه واسوأتاه من رب شديد القوى آه واحزناه انا جليس من ناح على نفسه وبكى آه واحزنا ما ابعد السفر واقل الزاد غدا آه واحزناه انا المنقول الى عسكر الموتى آه واحزناه اين المفر من ذنوبي غدا آه واحزناه تشهد على ملئكة السماء آه واحزنا ان طردت عن حوض محمد المصطفى آه واانفساه إذا الضحى التراب لي فرشا ووطاء آه واانفساه إذا اسلموني الى منكر ونكير غدا آه واانفساه إذا اسلموني الاحباء والاخلاء آه واانفساه إذا اكلت الديدان محاسني واللحم آه واانفسا

اذا اسلموني الى منكر ونكير غدا آه واانفساه إذا انصرمت الاعضاء آه واانفساه من ظلمة القبر ووحشة البلى آه واانفساه ان حرمت الحور العين في الجنة المأوى آه واانفساه ان خرست وحشرت يوم القيمة اعمى وهويت في النار مع من هوى آه واانفساه ان سحبتني الملئكة على وجهي غدا آه واانفساه إذا انقطع ذكري ونسيني اهل الدنيا آه واانفساه ان لم ترض عني غدا آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي كالجيفة في المقلى آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي كالطير ليس له ماوى آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي كالسقيم ليس له شفاء آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي في طول حزن وبكاء آه واخطيئتاه ابعدتني خطيئتي عن اهل التقوى آه واخطيئتاه يبلى جسمي وخطيئتي جديدة لا تبلى آه واخطيئتاه من كانت له خطيئة فليبك قبل ان لا ينفع البكاء آه واخطيئتاه تركتني خطيئتي مغموما دار الدنيا آه واخطيئتاه اوقعتني خطيئتي فيما كنت اخاف واخشى آه واخطيئتاه خطيئتي حالت بين الامهات والاباء آه واخطيئتاه مثل خطيئتي لا يقاس في الخطايا آه واخطيئتاه كيف تقلني الارض ام تظلني السماء آه واخطيئتاه اخلق وجهي ذل الخطايا • يا ربتاه انا صاحب الخطيئة والجناية العظمى • يا رباه ارحم من تجرأ عليك وافترى • يا رباه ارحم من يراقبك إذا خلا • يا رباه انا صاحب الذنوب والخطايا • يا رباه ارحم من عاد في الذنوب مرة بعد اخرى • يا رباه اعوذ بك من نار حرها

الهي ان كان قد صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب
رحمتك املي وان كنت قد اخطأت فيما قدمته من
معصيتك فقد اصبت فيما املته من مغفرتك الهي ذهبت
ايامي وشهواتي وبقيت آثامي وتبعاتي فوا حزنا على ايام
ضيعتها وو اخجلتا من آثام جمعتها وقد قصدتك منيبا
تائبا فلا تردني محروما خائبا اقلني عثرتي وارحم غربتي
واغفر زلتي وتجاوز عن خطيئتي اللهم احفظني في
ذنبي واعطني كتابي بيميني وهون علي هول المطلع وضيق
المضجع وظلمة القبر وحسرة الحشر اللهم ارحمني اذا انقضى
اجلي وانتهى عملي ولبست كفني وفارقت مسكني وحصلت
من دنياي الى قبر انتقل اليه وعمل احاسب عليه الهي اكثرت
الاغترار واسأت الاختيار وانفقت مالي في الملاهي
وانفدت عمري في المعاصي وقد توجهت الى بابك فقيرا
اسيرا اسألك بذلة الاقرار وحرمة الاستغفار ان تعطيني
امانك وترزقني رضوانك وتلحقني باوليائك وتجعلني
من عتقائك اللهم سيدي سائلك ببابك يرفع حاجته
اليك ويرجو نجح طلبته لديك فاسمع دعاءه وحقق رجاءه
وافعل به ما يشبه جودك وتنجز موعودك الهي شكوت
اليك حالي ووصلت بك امالي ووثقت منك بازالة
ما شكوت وانالة ما رجوت وانت احق من اولى الجميل
وحقق الرجاء والتأميل الهي اضر بي طول الاغترار و
ضاق علي سبيل الاعتذار فلا شفيع امت ولا عذر
اعتمد عليه وقد اقررت بخطيئتي واعترفت بضعف

محجتي

محجتي ووقفت بين امل لك ووجل منك اشكو نفسي وابكي
امسي واسألك غفرانك واطلب احسانك فتب علي
واحسن الي ولا تحرمني عفوك ومغفرتك ولا تمنعني
فضلك ورحمتك الهي وسيدي جرمي كبير وظلمي
كثير وعفوك اكبر من كل جرم وفضلك اكثر من
كل ظلم فلا تناقشني في الحساب ولا تقابلني في العقاب
وقربني الى بابك فائزا مرحوما ولا تصرفني عنه خائبا
محروما الهي ان حسن ظني واملي يزيدان على قبح سعيي وعملي
فلا تخيبني في حسن الظن والامل ولا تؤاخذني بقبيح
السعي والعمل فالمعهود من فضلك ان تنجز عدات الامال
والمأمول من عفوك ان تتجاوز عن سيئات الاعمال الهي ان
اوحشتني قبح المعصية لك فقد آنستني حسن الثقة بك و
ان اخافني ذنبي الكبير فقد امنني عفوك الكثير وان انامتني
الغفلة عن حسن طاعتك فقد ايقظتني المعرفة بحسن
رأفتك وان سلكت بي العزة سبيل معصيتك فقد ضمنت
لي الثقة جميل معرفتك الهي قد بسطت يدي الى جودك
وكرمك فاقض عني من سوابق آلائك ونعمك فقد قصدتك
بحسن الرجاء فتفضل علي بحسن العطاء يا من لا يفنى كنزه
ولا يزول عزه ولا يحرم سائله ولا يمنع امله الهي انا
خائف ولا يزيل خوفي الا امانك وانا فقير ولا يجبر
فقري الا احسانك فامني سوء المنقلب واحسن الي نجح
الطلب الهي انت امرت باغاثة الفقير واجارة المستجير
وانا فقير ببابك مستجير من عذابك فانلني من ثوابك العظيم

واجرني من عقابك الأليم الهي انت امرت باسعاف السائلين
واعطاء الآملين وانا سائل عفوك ورضوانك وآمل
فضلك واحسانك فجد لي بما سألت ومن علي بما املت و
لا تردني خائبا من بابك ولا تجعلني خاليا من ثوابك الهي
قد توجهت اليك توجه الآملين وتوكلت عليك توكل
الواثقين وبسطت راحتي الى حسن عطائك وصرفت رغبتي
الى فيض آلائك فانلني ما رجوته من انعامك ولقني ما آملته
من كرامتك فاجعلني من خيار خلقك واعني على اقامة
حقك الهي فانا فقير الى ثوابك وانت غني عن عذابي فاجبر
فقري برحمتك وهب لي ذنبي بقدرتك الهي انت اعظم من
يدعى واكرم من يرجى وقد ابتهلت في مسئلتك ودعائك
واعتصمت بتأميلك ورجائك فوفقني في النية والعمل
وصدقني في الرجاء والامل وبشرني بحسن العبادة والحقني
باهل السعادة الهي انت انشأت خلقي وضمنت رزقي وقولك
حق ووعدك صدق فلا ترد وجه رجائي بالتخييب ولا تبدل
حسن ظني بالتكذيب والبسني من سوابغ نعمتك وارزقني
من عوائد رحمتك الهي اناجيك مبتهلا في الدعاء ومتسملا
بالرجاء واثقا بسرعة الاجابة وسعة الانابة فكن عند
ثقتي بك ورجائي لك يا ارحم الراحمين ويا اكرم الاكرمين
وصلى الله على محمد في الاولين وصلى الله على محمد في
الآخرين وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين
برحمتك يا ارحم الراحمين وحسبنا الله ونعم الوكيل
و از جمله مناجات اینست بسم الله الرحمن الرحيم كم من

نعمة اقبلت علي بانشائها فتعاميت عنها ولم ارها مع عظم
جلالها وبهائها فوا خطر عماياه الهي وكم رحمة نشرتها على
قرابتها وتعاميت عن شكرها الا فوا ضرر غفلتاه الهي وكم
من نقمة دفعتها عني سرا وجهرا فلم اؤد بذلك شكرا فوا قلة
شكراه الهي وكم رأيتني على بساط مخالفتك فسترت على
ما تراه فوا فضيحتاه الهي وكم دعوتك وانا مصر على معاصيك
فلم اعد على طاعتك فوا عدم حياه الهي وكم نمت عن طلب
قربك مع تقربك الي فما هجرتني فوا هول نومتاه الهي وكم
طلبت محبتي واحببتني فتبغضت اليك فوا سوء حزناه الهي
وكم هديتني الى النجاة فاعرضت عن هدايتك فلم تؤاخذني
فوا قبح اعراضاه الهي وكم ارسلت الي رسولا شفيعا
فهربت عن رسولك فحلمت عني فوا عظم جهالتاه الهي وكم
كتبت الي كتابا فكان منزلته في قلبي دون كتاب بعض عبيدك
فيا ويلاه الهي وكم بعثت الي تحفا فرددتها ورضيت
بالخيبة فآه من خيبتاه الهي وكم عاملتني بالجميل فعاملتك
بالقبيح فوا عجباه من سوء معاملتاه الهي وكم تعوضت عنك
وما تعوضت عني ولا وافقتني فوا خجلتاه من خسران تعوضاه
الهي وكم هربت منك فتلطف بي ولا تجازني بهربي
فوا سوء اختياراه الهي وكم ذكرتني وانا غير ذاكر لك
فلم تمهلني فوا اسفاه على ترك تذكراه الهي وكم دعوتني
الى سعادتي فاعرضت ومضيت الى شقاوتي فلم تتركني
فوا تعجباه من طلب شقوتاه الهي وكم ضيعت ما اودعتني من
اماناتك ولم تضيعني فوا حسرتاه من تضييعي اماناتاه الهي

وكم نقويت بنعمتك على معصيتك فلم تسلبها مني فوا خوفاه
من عدم مراقبتاه الهي وكم دعوتك بوعود فاخلفتها و
عاهدتك بعهود فنقضتها فلم تعاقبني عليها فوا طول ندامتاه
الهي وكم ليلة بت فيها آمنا وقد اسخطتك فوا ذل مبيتاه
الهي وكم وقت توجهت فيه الى هواي وانت تدعوني فلا
اسمع دعاءك فوا سوء آناه من شدة حزناه الهي وكم من نعمة انعمتها
علي فنسبتها الى غيرك وشكرته عليها فلم تحرمني فما اخجلتاه
الهي وكم منقبة وبدلك عندي ادعيتها لنفسي ونسبها الناس
الي فرضيت بذلك فلم تهلكني فوا ازللتاه قدماه الهي وكم مقام
فهو بالتحقيق ادعيته لنفسي وسلكت فيه سلك عدوك فرعون
فلم تعرفني فوا عجباه من سوء نداماتاه الهي وكم اردت امرا
فكرهت امرك واردت ان تكون ارادتك تبعا لارادتي و
كاني مولا ادعي مكان مولاه وانت مع ذلك تراني فوا خجلتاه
الهي وكم كررت مراسلتي وطلبت صحبتي وانت غني عني وانا
محتاج اليك فلم تبرا مني فوا شدة فقراه الهي وكم عظيمة
هلكت بها القرون الماضية فسلمتني بما جرى عليهم فلم
اعترف لك بذلك فاه من فضيحتاه الهي وكم مدحني الناس
بما تعلم مني خلافه فسرني مدحهم ولم افكر فيما لي وعلمك
بسوء حالي فوا عمى قلباه الهي وكم سمعت مادحا لك و
مادحا لي وكان مدح نفسي عندي احلى من مدحك وانت
سيدي وانا عبدك فيا سوء ذنب عبداه الهي وكم غضبت
لنفسي اكثر مما غضبت لك وانت تراني فلم تعاجلني فوا
خسارة صفقتاه الهي وكم رايت منكرات تكرهها وطاعات

تريدها فلم اوافقك في الكراهة والارادة كانني لست مملوكك
فوا فوفاه من ترك موافقتاه الهي وكم صغرت ما تريد تعظيمه
وعظمت ما تريد تصغيره فلم تنتقم مني فوا سوء سريرتاه الهي
وكم مددت الى يدا بالجود والعطاء فرددتها واشتغلت
بخسيس دار الفناء فوا شقوتاه الهي وكم قدمت من العيوب و
الذنوب مما لا اعرفه الان او عرفته ولم اذكره ولم اعتذر
منه فاه آه ثم آه آه الهي فارحم عبدا هذه معاملته بمولاه
وخلصه من خطر ما قد جناه وسلمه من هول دنياه واخراه
الهي وكم بدأته بالاحسان وانت تعلم ما يختاره من
المخالفة والنقصان فدللته على طلب العفو والغفران
فلا تتركه وهواه والهمته برحمتك ما تختاره وترضاه
الهي وانت ربه الذي انشاه ورباه وانت مالكه الذي
لا مالك له سواه وانت اكرم الاكرمين وارحم الراحمين
وصلى الله على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين

مناجات منظومه حضرت امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلم

لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلى ∴ تباركت تعطي من تشاء وتمنع
الهي وخلاقي وحرزي وموئلي ∴ اليك لدى الاعسار واليسر افزع
الهي لئن جلت وجمت خطيئتي ∴ فعفوك عن ذنبي اجل واوسع
الهي لئن اعطيت نفسي سؤلها ∴ فها انا في روض الندامة ارتع
الهي ترى حالي وفقري وفاقتي ∴ وانت مناجاتي الخفية تسمع
الهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ ∴ فؤادي فلي في سيب جودك مطمع
الهي لئن خيبتني او طردتني ∴ فمن ذا الذي ارجو ومن ذا اشفع
الهي اجرني من عذابك انني ∴ اسير ذليل خائف لك اخضع

الهی انسنی بتلقین حجتی * اذا کان لی فی القبر مثوی و مضجع

الهی لئن عذبتنی الف حجة * فحبل رجائی منک لا یتقطع

الهی اذقنی طعم عفوک یوم لا * بنون و لا مال هنالک ینفع

الهی اذا لم ترعنی کنت ضایعا * و ان کنت ترعانی فلست اضیع

الهی اذا لم تعف عن غیر محسن * فمن لمسیئ بالهوی یتمتع

الهی لئن فرطت فی طلب التقی * فها انا اثر العفو اقفو و اتبع

الهی لئن اخطات جهلا فطالما * رجوتک حتی قیل ما هو یجزع

الهی ذنوبی بذت الطود و اعتلت * و صفحک عن ذنبی اجل و ارفع

الهی ینجی ذکر طولک لوعتی * و ذکر الخطایا العین منی یدمع

الهی اقلنی عثرتی و امح حوبتی * فانی مقر خائف متضرع

الهی انلنی منک روحا و رحمة * فلست سوی ابواب فضلک اقرع

الهی لئن اقصیتنی او طردتنی * فما حیلتی یا رب ام کیف اصنع

الهی حلیف الحب باللیل ساهر * یناجی و یدعو و المغفل یهجع

الهی فکل منهم کان راجیا * لرحمتک العظمی و فی الخلد یطمع

الهی یمنینی رجائی سلامة * و قبح خطیئاتی علی یشنع

الهی فان تعفو فعفوک منقذی * و الا فبالذنب المدمر اصرع

الهی بحق الهاشمی و آله * و حرمة ابرار هم لک خشع

الهی فانشرنی علی دین احمد * منیبا تقیا قانتا لک اخضع

و لا تحرمنی یا الهی و سیدی * شفاعته الکبری فذاک المشفع

و صل علیه ما دعاک موحد * و ناجاک اخیار ببابک رکع

و مناسب این باب است ذکر دو ازده امام نظم که در دعوات میرداماد مذکور است و آن اینست

بنبی عربی و رسول مدنی * و اخیه اسد الله مسمی بعلی

و بزهراء بتول و بام ولدیها * و بسبطیه و شبلیه هما نجل زکی

و بسجاد و بالباقر و الصادق حقا * و بموسی و علی و تقی و نقی

و بذی العسکر و الحجة القائم بالحق * الذی یضرب بالسیف بحکم ازلی

اجب الوقت دعانا و ترحم حضرانا * و اقض حاجاتهم الکل الهی و ولی

و تقبل بقبول حسن رب دعانا * بعلی و علی و علی و علی

و اما دعای جوشن کبیر در مصباح کفعمی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که آنحضرت از پدرش از جدش از حضرت رسول صلوات الله علیهم از حضرت جبرئیل ع روایت کرده و فضایل و خواص بسیار در آن روایت از برای خواننده و نگاه دارنده این دعا نقل شده و از برای اختصار تمام آن خواص و فضایل در اینجا مذکور نشد و از جمله آنچه مذکور شده آنست که هر کس در ماه مبارک رمضان سه بار این دعا را بخواند حرام کرداند خدای تعالی بدن او را بر آتش و واجب کرداند بهشت را برا او و اگر بر کفن بنویسد حق تعالی را شرم آید از آنکه آن میت را عذاب کند و از حضرت امام حسین علیه السلام مرویست که وصیت کرد مرا پدرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بحفظ و تعظیم این دعا و اینکه بنویسیم آنرا بر کفن آن حضرت و تعلیم کنم آنرا بر اهل بیت و دوستان خود و این دعا مشتمل است بر اسم اعظم و صد فصل و هر فصل از ده اسم است و طریق خواندن آن چنانست که در آخر هر فصل بگوید سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب فصل اول اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا

عليم يا حليم يا حكيم ٢ يا سيد السادات يا مجيب الدعوات يا
رافع الدرجات يا ولي الحسنات يا غافر الخطيئات يا
معطي المسئلات يا قابل التوبات يا سامع الاصوات يا عالم
الخفيات يا دافع البليات ٣ يا خير الغافرين يا خير الفاتحين
يا خير الناصرين يا خير الحاكمين يا خير الرازقين يا خير الوارثين
يا خير الحامدين يا خير الذاكرين يا خير المنزلين يا خير
المحسنين ٤ يا من له العزة والجمال يا من له القدرة والكمال
يا من له الملك والجلال يا من هو الكبير المتعال يا منشئ السحاب
الثقال يا من هو شديد المحال يا من هو سريع الحساب يا من هو
شديد العقاب يا من هو عنده حسن الثواب يا من هو عنده
ام الكتاب ٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا حنان يا منان يا
ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان يا غفران يا سبحان يا
مستعان يا ذا المن والبيان ٦ يا من تواضع كل شيء لعظمته
يا من استسلم كل شيء لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته
يا من خضع كل شيء لهيبته يا من انقاد كل شيء من خشيته
يا من تشققت الجبال من مخافته يا من قامت السموات بامره
يا من استقرت الارضون باذنه يا من يسبح الرعد بحمده يا
من لا يعتدي على اهل مملكته ٧ يا غافر الخطايا يا كاشف
البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا يا واهب الهدايا
يا رازق البرايا يا قاضي المنايا يا سامع الشكايا يا باعث
البرايا يا مطلق الاسارى ٨ يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر و
البهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو
والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العز

والبقاء

والبقاء يا ذا الجود والسخاء يا ذا الالاء والنعماء ٩ اللهم
اني اسئلك باسمك يا مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع
يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع ١٠ يا صانع كل
مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق كل مرزوق يا مالك
كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا راحم
كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا
ملجا كل مطرود ١١ يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي
يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند غربتي يا وليي عند نعمتي
يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي عند افتقاري
يا ملجاي عند اضطراري يا معيني عند مفزعي ١٢ يا علام الغيوب
يا غفار الذنوب يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب
القلوب يا طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس القلوب يا
مفرج الهموم يا منفس الغموم ١٣ اللهم اني اسئلك باسمك
يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل يا
منيل يا مقيل يا محيل ١٤ يا دليل المتحيرين يا غياث المستغيثين
يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون
المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجا العاصين يا غافر المذنبين
يا مجيب دعوة المضطرين ١٥ يا ذا الجود والاحسان يا ذا
الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان
يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان
يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرافة والمستعان يا ذا العفو
والغفران ١٦ يا من هو رب كل شيء يا من هو اله كل شيء يا من
هو خالق كل شيء يا من هو صانع كل شيء يا من هو قبل كل شيء

يا من هو بعد كل شيء يا من هو فوق كل شيء يا من هو عالم بكل
شيء يا من هو قادر على كل شيء يا من هو يبقى ويفنى كل شيء
١٧ اللهم اني اسئلك باسمك يا مؤمن يا مهيمن يا مكون يا
ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن يا مقسم
١٨ يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من
هو في جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء
عليم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من
هو في صنعه حكيم يا من هو في حكمته لطيف يا من هو في
لطفه قديم ١٩ يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسئل الا
عفوه يا من لا ينتظر الا بره يا من لا يخاف الا عدله يا من لا
يدوم الا ملكه يا من لا سلطان الا سلطانه يا من وسعت
كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته غضبه يا من احاط بكل
شيء علمه يا من ليس احد مثله ٢٠ يا فارج الهم يا كاشف
الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا صادق
الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق
الانام ٢١ اللهم اني اسئلك باسمك يا علي يا وفي يا غني يا ملي يا
حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي ٢٢ يا من اظهر
الجميل يا من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم
يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة
يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى
٢٣ يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة
السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا
الحجة القاطعة يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة

يا ذا

يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة ٢٤ يا بديع السموات
يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا
ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الايات يا مضعف
الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات ٢٥ اللهم
اني اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا
منور يا ميسر يا مبشر يا منذر يا مقدم يا مؤخر ٢٦ يا رب
البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد الحرام يا
رب الركن والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد
الحرام يا رب الحل والحرام يا رب النور والظلام يا
رب التحية والسلام يا رب القدرة في الانام ٢٧ يا
احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين
يا اطهر الطاهرين يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين
يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اشفع الشافعين
يا اكرم الاكرمين ٢٨ يا عماد من لا عماد له يا سند
من لا سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له
يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر له يا عز من لا
عز له يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا
امان من لا امان له ٢٩ اللهم اني اسئلك باسمك يا
عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم
يا قاسم يا قابض يا باسط ٣٠ يا عاصم من استعصمه يا راحم
من استرحمه يا غافر من استغفره يا ناصر من استنصره
يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من
استرشده يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه

يا مغيث من استغاثه ۳۱ يا عزيزا لا يضام يا لطيفا لا يرام
يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا
لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم
يا قويا لا يضعف ۳۲ اللهم انى اسئلك باسمك يا احد
يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد يا راشد يا باعث
يا وارث يا ضار يا نافع ۳۳ يا اعظم من كل عظيم يا اكرم
من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل عليم
يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم يا اكبر من كل
كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من كل جليل يا اعز
من كل عزيز ۳۴ يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير يا قديم
الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع يا منفس الكرب يا
كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضى الحق ۳۵ يا من هو فى
عهده وفى يا من هو فى وفائه قوى يا من هو فى قوته على
يا من هو فى علوه قريب يا من هو فى قربه لطيف يا من هو فى
لطفه شريف يا من هو فى شرفه عزيز يا من هو فى عزه عظيم
يا من هو فى عظمته مجيد يا من هو فى مجده حميد ۳۶ اللهم
انى اسئلك باسمك يا كافى يا شافى يا وافى يا معافى يا هادى
يا داعى يا قاضى يا راضى يا عالى يا باقى ۳۷ يا من كل شئ خاضع
له يا من كل شئ خاشع له يا من كل شئ كائن له يا من كل شئ
موجود به يا من كل شئ منيب اليه يا من كل شئ خائف منه
يا من كل شئ قائم به يا من كل شئ صائر اليه يا من كل
شئ يسبح بحمده يا من كل شئ هالك الا وجهه ۳۸
يا من لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه يا من لا

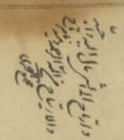
مقصد الا اليه يا من لا منجى منه الا اليه يا من لا يرغب
الا اليه يا من لا حول ولا قوة الا به يا من لا يستعان
الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يرجى الا هو
يا من لا يعبد الا اياه ۳۹ يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين
يا خير المطلوبين يا خير المسئولين يا خير المقصودين يا خير
المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا خير
المدعوين يا خير المستأنسين ۴۰ اللهم انى اسئلك باسمك
يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر يا
ذاكر يا ناظر يا ناصر ۴۱ يا من خلق فسوى يا من قدر
فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع النجوى يا من ينقذ
الغرقى يا من ينجى الهلكى يا من يشفى المرضى يا من اضحك و
ابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين الذكر والانثى
۴۲ يا من فى البر والبحر سبيله يا من فى الآفاق آياته يا
من فى الآيات برهانه يا من فى الممات قدرته يا من فى
القبور عبرته يا من فى القيمة ملكه يا من فى الحساب
هيبته يا من فى الميزان قضاؤه يا من فى الجنة ثوابه
يا من فى النار عقابه ۴۳ يا من اليه يهرب الخائفون يا
من اليه يفزع المذنبون يا من اليه يقصد المنيبون يا من
اليه يرغب الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به
يستأنس المريدون يا من به يفتخر المحبون يا من فى عفوه
يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه يتوكل
المتوكلون ۴۴ اللهم انى اسئلك باسمك يا حبيب يا
طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب يا مجيب

يا خبير يا بصير ۴۵ يا اقرب من كل قريب يا احب من كل حبيب يا
ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف يا ارفع
من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من
كل جواد يا ارأف من كل رؤف ۴۶ يا غالبا غير مغلوب يا صانعا
غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير
مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير
منصور يا شاهدا غير غائب يا قريبا غير بعيد ۴۷ يا نور النور
يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور
كل نور يا نورا قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل
نور يا نورا ليس كمثله نور ۴۸ يا من عطاؤه شريف يا من
فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من احسانه قديم يا من قوله
حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل
يا من ذكره حلو يا من فضله عميم ۴۹ اللهم اني اسئلك
باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول
يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل ۵۰ يا من يرى ولا يرى يا من
يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا
من يسئل ولا يسئل يا من يطعم ولا يطعم يا من يجير ولا يجار
عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه
يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ۵۱
يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم
المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى
يا نعم النصير ۵۲ يا سرور العارفين يا منى المحبين يا انيس المريدين
يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين يا قرة

عين العابدين يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا
اله الاولين والاخرين ۵۳ اللهم اني اسئلك باسمك يا
ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولانا يا ناصرنا يا حافظنا يا دليلنا
يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا ۵۴ يا رب النبيين والابرار
يا رب الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب
الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار
والاشجار يا رب الصحاري والقفار يا رب البراري والبحار
يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار ۵۵ يا من
نفذ في كل شيء امره يا من لحق بكل شيء علمه يا من بلغت
الى كل شيء قدرته يا من لا تحصي العباد نعمه يا من لا تبلغ
الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال
الاوهام كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه يا من لا
ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا ملكه يا من لا عطاء
الا عطاؤه ۵۶ يا من له المثل الاعلى يا من له الصفات
العليا يا من له الاخرة والاولى يا من له الجنة المأوى
يا من له الايات الكبرى يا من له الاسماء الحسنى يا من له
الحكم والقضاء يا من له الهواء والفضاء يا من له العرش
والثرى يا من له السموات العلى ۵۷ اللهم اني اسئلك
باسمك يا عفو يا غفور يا صبور يا شكور يا رؤف يا عطوف يا
مسئول يا ودود يا سبوح يا قدوس ۵۸ يا من في السماء
عظمته يا من في الارض آياته يا من في كل شيء دلائله
يا من في البحار عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدء
الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله يا من اظهر

فی کل شیء لطفه یا من احسن کل شیء خلقه یا من تصرف فی
الخلائق قدرته ۵۹ یا حبیب من لا حبیب له یا طبیب من لا
طبیب له یا مجیب من لا مجیب له یا شفیق من لا شفیق له یا
رفیق من لا رفیق له یا مغیث من لا مغیث له یا دلیل من لا دلیل
له یا انیس من لا انیس له یا راحم من لا راحم له یا صاحب من
لا صاحب له ۶۰ یا کافی من استکفاه یا هادی من استهداه
یا کالی من استکلاه یا راعی من استرعاه یا شافی من استشفاه
یا قاضی من استقضاه یا مغنی من استغناه یا موفی من استوفاه یا مقوی من استقواه
یا ولی من استولاه ۶۱ اللهم انی اسئلک باسمک یا
خالق یا رازق یا ناطق یا صادق یا فالق یا فارق یا فاتق
یا راتق یا سابق یا سامق ۶۲ یا من یقلب اللیل والنهار
یا من جعل الظلمات والانوار یا من خلق الظل والحرور
یا من سخر الشمس والقمر یا من قدر الخیر والشر یا من خلق
الموت والحیوة یا من له الخلق والامر یا من لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا یا من لیس له شریک فی الملک یا من لم یکن له
ولی من الذل ۶۳ یا من یعلم مراد المریدین یا من یعلم ضمیر
الصامتین یا من یسمع انین الواهنین یا من یری بکاء الخائفین
یا من یملک حوائج السائلین یا من یقبل عذر التائبین یا
من لا یصلح عمل المفسدین یا من لا یضیع اجر المحسنین
یا من لا یبعد عن قلوب العارفین یا اجود الاجودین
۶۴ یا دائم البقاء یا سامع الدعاء یا واسع العطاء یا
غافر الخطاء یا بدیع السماء یا حسن البلاء یا جمیل الثناء
یا قدیم السناء یا کثیر الوفاء یا شریف الجزاء ۶۵ اللهم

انی



انی اسئلک باسمک یا ستار یا غفار یا قهار یا جبار یا صبار
یا بار یا مختار یا نفاح یا فتاح یا مرتاح ۶۶ یا من خلقنی
وسوانی یا من رزقنی وربانی یا من اطعمنی وسقانی یا
من قربنی وادنانی یا من عصمنی وکفانی یا من حفظنی و
کلانی یا من اعزنی واغنانی یا من وفقنی وهدانی
یا من آنسنی وآوانی یا من اماتنی واحیانی ۶۷ یا من یحق
الحق بکلماته یا من یقبل التوبة عن عباده یا من یحول
بین المرء وقلبه یا من لا تنفع الشفاعة الا باذنه یا من
هو اعلم بمن ضل عن سبیله یا من لا معقب لحکمه یا من لا
راد لقضائه یا من انقاد کل شیء لامره یا من السموات
مطویات بیمینه یا من یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته
۶۸ یا من جعل الارض مهادا یا من جعل الجبال اوتادا
یا من جعل الشمس سراجا یا من جعل القمر نورا یا من جعل
اللیل لباسا یا من جعل النهار معاشا یا من جعل النوم
سباتا یا من جعل السماء بناء یا من جعل الاشیاء ازواجا
یا من جعل النار مرصادا ۶۹ اللهم انی اسئلک باسمک
یا سمیع یا شفیع یا رفیع یا منیع یا سریع یا بدیع یا کبیر یا قدیر
یا خبیر یا مجیر ۷۰ یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد کل حی یا
حی الذی لیس کمثله حی یا حی الذی لا یشارکه حی یا
حی الذی لا یحتاج الی حی یا حی الذی یمیت کل حی یا حی
الذی یرزق کل حی یا حیا لم یرث الحیوة من حی یا حی الذی
یحیی الموتی یا حی یا قیوم لا تأخذه سنة ولا نوم ۷۱ یا من
له ذکر لا ینسی یا من له نور لا یطفی یا من له نعم لا تعد

النفاح النفاع المنعم المعطی
قاموس

يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال
لا يكيف يا من له كمال لا يدرك يا من له قضاء لا
يرد يا من له صفات لا تبدل يا من له نعوت لا تغير ٧٢
يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية الطالبين يا
ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا
من يحب التوابين يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين
يا من هو اعلم بالمهتدين ٧٣ اللهم انى اسئلك باسمك
يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط يا مقيت يا مغيث يا معز يا
مذل يا مبدئ يا معيد ٧٤ يا من هو احد بلا ضد يا من هو
فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر بلا كيف يا
من هو قاض بلا حيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز
بلا ذل يا من هو غنى بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو
موصوف بلا شبيه ٧٥ يا من ذكره شرف للذاكرين يا من
شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته
نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح
للمنيبين يا من اياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة
للمتقين يا من رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته
قريب من المحسنين ٧٦ يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده
يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا
من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه
يا من لا تحصى الاؤه يا من لا تعد نعماؤه ٧٧ اللهم انى
اسئلك باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا
رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد ٧٨ يا ذا العرش

المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش
الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولى الحميد يا من هو
فعال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شئ
شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد ٧٩ يا من لا شريك له ولا
وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير
يا مغنى البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير
يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده
خبير بصير يا من هو بكل شئ قدير ٨٠ يا ذا الجود والنعم يا ذا
الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنسم يا
ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والالم
يا عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء
من العدم ٨١ اللهم انى اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل
يا قابل يا كامل يا فاصل يا واصل يا عادل يا غالب يا طالب يا
واهب ٨٢ يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد
بلطفه يا من تعزز بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره
يا من دبر بعلمه يا من تجاوز بحلمه يا من دنى فى علوه يا من علا
فى دنوه ٨٣ يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء يا من يهدى
من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من
يغفر لمن يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور
فى الارحام ما يشاء يا من يختص برحمته من يشاء ٨٤ يا من لم
يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من جعل لكل شئ قدرا يا من لا يشرك
فى حكمه احدا يا من جعل الملئكة رسلا يا من جعل فى السماء
بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء بشرا يا من

جعل لكل شيء امدا يا من احاط بكل شيء علما يا من احصى كل شيء
عددا ٨٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا اخر يا ظاهر يا
باطن يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد ٨٦ يا خير معروف
عرف يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور
ذكر يا اعلى محمود حمد يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف
وصف يا اكبر مقصود قصد يا اكرم مسؤل سئل يا اشرف
محبوب علم ٨٧ يا حبيب الباكين يا سيد المتوكلين يا هادي المضلين
يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين يا منجي
الصادقين يا اقدر القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين
٨٨ يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد
فشكر يا من عصى فغفر يا من لا تحويه الفكر يا من لا يدركه بصر يا
من لا يخفى عليه اثر يا رازق البشر يا مقدر كل قدر ٩٩ اللهم
اني اسئلك باسمك يا حافظ يا بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا
فاتح يا كاشف يا ضامن يا امر يا ناهي ٩٠ يا من لا يعلم الغيب الا هو
يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو يا من
لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يتم النعمة الا هو يا من لا يقلب
القلوب الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث الا
هو يا من لا يبسط الرزق الا هو يا من لا يحيي الموتى الا هو ٩١
يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر الاولياء يا قاهر
الاعداء يا رافع السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء
يا كنز الفقراء يا اله الاغنياء يا اكرم الكرماء ٩٢ يا كافيا من
كل شيء يا قائما على كل شيء يا من لا يشبهه شيء يا من لا يزيد
في ملكه شيء يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص من خزائنه

شيء يا من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء يا من هو خبير
بكل شيء يا من وسعت رحمته كل شيء ٩٣ اللهم اني اسئلك
باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا مقني يا مفني يا
محيي يا مرضي يا منجي ٩٤ يا اول كل شيء واخره يا اله كل شيء
ومليكه يا رب كل شيء وصانعه يا بارئ كل شيء
وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده
يا منشئ كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء ومحوله يا محيي
كل شيء ومميته يا خالق كل شيء ووارثه ٩٥ يا خير ذاكر
ومذكور يا خير شاكر ومشكور يا خير حامد ومحمود يا خير شاهد
ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب ومجاب يا خير مونس و
انيس يا خير صاحب وجليس يا خير مقصود ومطلوب يا خير
حبيب ومحبوب ٩٦ يا من هو لمن دعاه مجيب يا من هو لمن
اطاعه حبيب يا من هو الى من احبه قريب يا من هو بمن استحفظه
رقيب يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو بمن عصاه حليم يا
من هو في عظمته رحيم يا من هو في حكمته عظيم يا من هو في
احسانه قديم يا من هو بمن اراده عليم ٩٧ اللهم اني اسألك
باسمك يا مسبب يا مرغب يا مقلب يا معقب يا مرتب يا مخوف
يا محذر يا مذكر يا مسخر يا مغير ٩٨ يا من علمه سابق يا من
وعده صادق يا من لطفه ظاهر يا من امره غالب يا من كتابه
محكم يا من قضاؤه كائن يا من قرانه مجيد يا من ملكه قديم يا
من فضله عميم يا من عرشه عظيم ٩٩ يا من لا يشغله سمع عن
سمع يا من لا يمنعه فعل عن فعل يا من لا يلهيه قول عن قول
يا من لا يغلطه سؤال عن سؤال يا من لا يحجبه شيء عن شيء يا من

لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة مراد المریدین یا من هو
منتهی همم العارفین یا من هو منتهی طلب الطالبین یا من لا
یخفی علیه ذرة فی العالمین ۱۰۰ یا حلیما لا یعجل یا جوادا لا
یبخل یا صادقا لا یخلف یا وهابا لا یمل یا قاهرا لا یغلب
یا عظیما لا یوصف یا عدلا لا یحیف یا غنیا لا یفتقر یا
کبیرا لا یصغر یا حافظا لا یغفل سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب وخلص آبائی وامهاتی
واولادی واجدادی وجداتی وجیرانی واخوانی وجمیع
المؤمنین والمؤمنات برحمتک یا ارحم الراحمین **باب
سی و دوم** در آداب حج و زیارات و اعمال اماکن مشرفه و
مشاهد مقدسه و در آن دو فصل است **فصل اول** در بیان آداب
حج و آن مشتمل بر پنج مقصد است **مقصد اول** در فضایل حج و
عمره بدانکه حج کردن از اعظم ارکان دین است و مرویست از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس حج یا عمره کند ارد
از کبر بری شود و از گناه پاک شود چنانچه از مادر متولد شده
باشد و نیز مرویست که ثواب حج بهشت است و عمره کفاره گناه
است و چون کسی متوجه تهیه اسباب حج شود برای هر گامی که
گام بردارد و بگذارد ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و
ده درجه بلند گردانند تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و
چون سوار شود هر گام که مرکب بردارد و بگذارد همان حسنات
نویسند و سیئات محو کنند و چون طواف خانه کعبه و سعی صفا
و مروه کند از گناه پاک شود چنانچه متولد شده و رمی جمرات
ذخیره روز قیامت باشد و چون حلق کند بهر موئی روز قیامت

نوری عطا فرماید و روایت دیگر آمده که چون تلبیه گوید بهر بار
ده حسنه نویسند و ده سیئه محو کنند و چون هفت بار طوف کند
خدای تعالی اثرا برایش ذخیره کند و شرم دارد که هرگز بعد از
آن عذابش نکند و چون در مقام حضرت ابرهیم علیه السلام دو
رکعت نماز کند هزار حج برایش نویسند و چون سعی صفا و مروه
کند چنانست که هفتاد بنده مؤمن آزاد کند و چون وقوف عرفات
بجای آورد گناهانش آمرزیده شود اگرچه مثل ریگ بیابان عالج
و قطره باران و ستاره باشد و چون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه
نویسند و چون قربان کند بهر قطره خون حسنه نویسند و چون از
همه مناسک فارغ شود از همه گناهان پاک شود و تا چهار ماه بعد
از آن گناه بر او ننویسند مگر آنکه کبیره کند و حاج و معتمر در جوار
خدا و مهمان او باشند اگر بمیرند ببهشت روند و اگر بمانند از گنا
پاک شوند و اگر دعا کنند اجابت کند و اگر سؤال کنند عطا فرماید
و اگر خموش باشند ابتدا نماید و اگر شفاعت کنند قبول فرماید
و بیک درهم که صرف کند هزار هزار برابر عوض دهد و روایت
دیگر آمده که اگر در وقت رفتن بمیرند آمرزیده شوند و اگر وقتی که
احرام بسته بمیرند لبیک گویان محشور شوند و اگر در مراجعت بمیرند
از گناهان پاک شوند و هر کس در این راه در رفتن یا آمدن بمیرد
از فزع اکبر روز قیامت ایمن باشد و نیز مرویست که هر مؤمن
که هفتاد بار تلبیه کند خدای تعالی هزار ملک را گواه گیرد برای
نجات او از نفاق و از آتش و چون بحرم رسد فرود آمده غسل
کند و کفش را در دست خود گرفته از روی تواضع پا برهنه داخل
حرم شود خدای تعالی صد هزار حسنه برایش نویسد و صد هزار

سیئه محو کند و صد هزار درجه بلند کرداند و صد هزار حاجتش
بر آورد و چون داخل مکه معظمه شود با خشوع و تسلیم گناهانش
را بیامرزد و چون داخل مسجد الحرام شود و نظرش بر کعبه افتد
تمام گناهانش را بیامرزد و کفایت مهماتش نماید و چون سعی صفا
و مروه کند ملائکه برایش شفاعت کنند و خدای تعالی قبول
شفاعتشان فرماید و نیز مرویست که اهل حج بر سه قسم اند اول
آنکه گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود دویم آنکه گناه گذشته ایش
آمرزیده شود سیم آنکه اهل و مالش از حوادث زمانه محفوظ گردد
و این قسم کسی است که حجش مقبول نشود و هر کس بعرفات حاضر شود
البته دعایش مستجاب شود خواه مؤمن و خواه مخالف مؤمن را در
دنیا و آخرت و مخالف را در دنیا و نیز مرویست که چون مؤمن
وقوف عرفات بجا آورد از هر ولایت که باشد اهل آن ولایت از
مؤمنان همه آمرزیده شوند و کسی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که کدام گناه عظیم تر است فرمود کسی که مناسک حج را بجای
آورد بعد از آن چنان داند که گمان داشته باشد که گناهش آمرزیده
نشده و چون اهل حج در منی نزول کنند از منازل خود منادی ندا
کند که اگر بدانید که بچه کار آمده اید یقین کنید که هر چه درین سفر
صرف کرده اید عوض یابید با مغفرت تمام گناهان و نیز مرویست
که یک درهم در حج بهتر است از دو هزار درهم در غیر آن از وجوه بر
و کسی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید که من مال بسیار
دارم عملی بفرمای که بکنم که اجر حج یابم فرمود که اگر کوه بو قبیس تمام
طلا باشد و همه را در راه خدا صرف کنی اجر حج نیابی و در روایت دیگر
آمده که اگر کسی بنیت غیر خالص و نفقه غیر طیب حج گذارد خدای

تعالی گناهانش را بیامرزد و خلق را از او راضی کرداند و اگر به
نیت خالص و نفقه طیب حج گذارد خدای تعالی او را در افق اعلی
در زمره انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهد و نیز مرویست
که اهل قبور آرزوی آن کنند که بعوض تمام دنیا و ما فیها ایشان را
یک حج میبود و نیز مرویست که هر کس چهار حج کند از فشار قبر
ایمن شود و چون بمیرد حجهائی که گذارده با بهترین صورتی داخل
قبر او شوند و تا روز قیامت نماز کنند و ثواب نماز ایشان همه
از او باشد و یک رکعت آن نماز برابر است با هزار رکعت نماز که
آدمی گذارد و هر کس از حج مراجعت کند و در خاطر داشته باشد که
بار دیگر بحج آید عمرش زیاد شود و اگر در خاطرش باشد که دیگر
نیاید اجلش نزدیک و عذابش مهیا گردد و هر کس بسبب حاجتی از
حوایج دنیا ترک حج کند روز قیامت اهل مناسک فارغ شوند و
هنوز حاجت او بر نیامده باشد و هیچ کس باز نماند مگر بسبب گناهی
که کرده و هر کس حجة الاسلام نکرده بدون ضرورتی عظیم یا مرضی یا
مانعی از سلاطین و بمیرد یهودی یا نصرانی محشور شود و مرویست که
اگر کسی در حج مانع کسی شود در دنیا از آفتی ایمن نباشد یا عقوبتی
که در آخرت برایش مهیا شود **مقصد دوم** در بیان شرایط وجوب
حج بدانکه تا هفت شرط بهم نرسد حج واجب نمیشود **اول** بلوغ پس
بر طفل حج واجب نیست هر چند ممیز باشد اما اگر ولی او را
بحج برد و احرام بر بندد و قبل از وقوف عرفه یا مشعر بالغ شود و
باقی افعال حج را بجا آورد حج او صحیح و از حجة الاسلام مجزیست
دوم عقل است پس مجنونی که هیچ وقت بهوش نیاید یا اگر آید مدت
هشیاری او افعال حج را وفا نکند بر او حج واجب نیست اما اگر

قبل از وقوف عرفه یا مشعر هشیار شود و باقی افعال را در هشیاری
بجا آورد حکم او حکم طفل است بطریقی که مذکور شد سیم حریت
است پس بر بنده حج واجب نیست هرچند بعضی از او آزاد باشد
و اگر برخصت آقا حج کند ثواب دارد اما آن از حجة الاسلام مجزی
نیست و هرگاه بعد از آزادی استطاعت بهم رساند بار دیگر بر او
حج واجب است مگر آنکه قبل از یکی از دو وقوف آزاد شود که در این
صورت حکم طفل و مجنون دارد بطریقی که دانسته شد چهارم
استطاعت است یعنی قادر بودن بر خرج راه و اسباب سفر بحسب
حال اینکس در رفتن و برگشتن و اگر کسی گوید که خرج راه تو در
عهده من است و بر سخن او اعتماد باشد در این صورت نیز حج
واجب است و همچنین اگر خود بعضی از خرج را داشته باشد و تتمه
را شخصی که بر او اعتماد باشد متعهد شود و از جمله استطاعت
نفقه عیال و بازماندگان واجب النفقه است از وقت رفتن تا حین
مراجعت بخانه خود خواه خود قدرت بر آن داشته باشد و خواه
متعهدی دیگر متعهد آن شود و نیز از جمله استطاعت است قدرت
بر ادای دین مثل قرض و مهر زن و غیر آن پس مادام که قادر بر وفای
آن نباشد حج واجب نمیشود و اگر زنی در راه حج احتیاج بمحرم
داشته باشد و محرم بجهت رفاقت او اجرت خواهد قدرت بر اجرت
آن نیز داخل استطاعت است پس اگر بر اجرت او قادر نباشد حج
بر او واجب نیست پنجم صحت بدن است بحیثیتی که از رفتن بحج
او را مشقت شدید لازم نیاید ششم امنیت راه است پس مادام
که گمان نا ایمنی باشد رفتن واجب نیست هفتم آنکه آنقدر وقت باشد
که خود را بمکه معظمه رساند و افعال حج را بجا آورد پس اگر وقت

تنگ

تنگ باشد حج در آن سال ساقط است و هرگاه بر زن حج واجب شود
میتواند که بدون رخصت شوهر بحج رود اما حج سنت بی رخصت شوهر
نمیتواند گذارد مقصد سیم در بیان انواع حج و ذکر مواقیت
بدانکه حج بر سه نوع است حج بر سه نوع است حج تمتع و حج قران
و حج افراد و افضل حج تمتع است و حج تمتع بر شخصی واجب میشود
که منزل او از مکه معظمه شانزده فرسخ شرعی دور باشد و حج قران
و افراد بر شخصی واجب میشود که از اهل مکه باشد یا دوری منزل
او از آن مکان مقدس کمتر از آن مقدار باشد و اول افعال حج
تمتع احرام عمره است از میقات و میقات مکانیست که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار داده اند که حاجیان از آنجا احرام
بربندند و آن پنج موضع است که هر یکی از آن میقات عمره تمتع است
اول ذو الحلیفه و آن میقات راه مدینه منوره است دوم
جحفه و آن میقات راه شام است سیم یلملم و آن میقات راه
یمن است چهارم قرن المنازل و آن میقات راه طایف است
پنجم عقیق و آن میقات راه عراق عرب است و بدانکه احرام
بستن قبل از رسیدن بمیقات صحیح نیست و همچنین گذشتن حاجیان
از میقات بی احرام حرام است و اگر از میقات بی احرام بگذرند
واجبست که برگردند و از میقات احرام بربندند اگر که ممکن
باشد و الا از آنجا احرام بربندند و جایز نیست احرام بستن خواه
حج تمتع باشد یا قران یا افراد مگر در ماههای حج که آن شوال و
ذو القعده و ده روز از ذو الحجه است مقصد چهارم در بیان افعال
حج تمتع بر سبیل تفصیل و آن هیجده فعل است همه واجب و باید
بترتیبی که ذکر میشود بجا آورند اول احرام عمره بستن است پس

چون خواهد که احرام بندد سنت است قبل از ان شستن بدن و
نوره کشیدن و ناخن گرفتن و شارب چیدن اما باید که از اول
ماه ذی قعده از موی سر و ریش چیزی نگیرد و چون خواهد که احرام
گیرد باید که غسل کند به نیت سنت و باید که دو جامه احرام جامه
باشد که نماز در ان جایز باشد و مکروه است احرام بستن در جامه
سیاه و رنگین و جایز نیست در جامه دوخته و خوش بو و مستحب است
که احرام بندد در عقب نماز فریضه که اگر اتفاق نیفتد شش رکعت
نماز سنت بگذارد به سه سلام و اگر ممکن نشود دو رکعت بجای اورد
و بخواند در رکعت اول سوره حمد و کافرون و در دوم حمد و توحید
و چون سلام دهد این دعا را بخواند اَلحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمین
وَصَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
اَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ وَ اتَّبَعَ اَمْرَکَ
فَاِنّی عَبْدُکَ وَ فی قَبْضَتِکَ لا اُوقی اِلّا ما وَقَیْتَ وَلا اَجِدُ
اِلّا ما اَعْطَیْتَ وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَعْزِمَ لی عَلَیْهِ
عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَوِّیَنی عَلی ما
ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تُسَلِّمَ مِنّی مَناسِکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَةٍ وَ
اجْعَلْنی مِنْ وَفْدِکَ الَّذی رَضیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ
اَللّٰهُمَّ اِنّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَ اَنْفَقْتُ مالی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ
اَللّٰهُمَّ فَتَمِّمْ لی حَجّی وَ عُمْرَتی اَللّٰهُمَّ اِنّی اُریدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَی
الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ وَ سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ فَاِنْ عَرَضَ لی
عارِضٌ یَحْبِسُنی فَحُلَّنی حَیْثُ حَبَسْتَنی بِقَدَرِکَ الَّذی عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ
اِنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً اَحْرَمَ لَکَ شَعْری وَ بَشَری وَ لَحْمی وَ
دَمی وَ عِظامی وَ مُخّی وَ عَصَبی مِنَ النِّساءِ وَ الطّیبِ وَ الثِّیابِ

اَبْتَغی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدّارَ الْآخِرَةَ و اگر محرم باحرام حج افراد
یا قران باشد این دعا را بعد از احرام بخواند و لفظ تمتع را نگوید
بعد از ان دو جامه احرام بپوشد باین روش که یکی را چون لنگ
بر کمر بندد و دیگری را بر دوش اندازد از زیر بغل راست بر اورد
بر شانه چپ اندازد پس نیت احرام کند باین طریق که احرام عمره
تمتع می بندم برای انکه واجبست قربة الی الله و متصل به نیت
تلبیه گوید مثل اتصال تکبیرة الاحرام در نیت نماز یعنی بدون
فاصله از نیت بگوید لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ لا شَریکَ لَکَ
لَبَّیْکَ و بگوید اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَکَ وَ الْمُلْکَ لا شَریکَ لَکَ
لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ بِمُتْعَةٍ بِعُمْرَةٍ اِلَی الْحَجِّ لَبَّیْکَ و اگر محرم باحرام حج
قران یا افراد باشد بجای لَبَّیْکَ بِمُتْعَةٍ بِعُمْرَةٍ تا اخر لَبَّیْکَ بِحَجَّةٍ
تَمامُها عَلَیْکَ بگوید و این تلبیات اربع واجب و لابد است
ذکر ان و سنت است که هر بار که تلبیه گوید این کلمات را نیز
بگوید لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ داعِیاً اِلی دارِ السَّلامِ
لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ اَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ ذَا الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ
اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تَسْتَغْنی وَ یُفْتَقَرُ اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً اِلَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ کَشّافَ الْکُرُوبِ
لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ یا کَریمُ
لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ
بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَعاً لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ هذِهِ عُمْرَةُ مُتْعَةٍ اِلَی الْحَجِّ
لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ اَهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ تَلْبِیَةً تَمامُها
وَ بَلاغُها عَلَیْکَ لَبَّیْکَ و باید که این تلبیات را با این کلمات

در اکثر اوقات بگوید خصوصاً بعد از هر نماز خواه واجب و خواه
سنت باشد و همچنین هر وقتی که شتر سواری از جا برخیزد و هرگاه
در راه بر بلندی یا به نشیبی در آید و هرگاه از خواب بیدار شود
و در هر وقت سحر و هرگاه سوار شود و فرود آید و هرگاه در راه
شخصی باو برخورد و افضل آنست که تلبیه را بلند بخواند و بعضی
از اصحاب امامیه بلند خواندن را واجب میدانند و باید که چون
خانهای کعبه نمایان شود تلبیات را قطع کند اگر حج او حج تمتع باشد
و اگر حج قران یا افراد باشد باید که قطع تلبیه نکند تا زوال روز
عرفه و اگر محرم باحرام عمرهٔ مفرده باشد وقتی قطع تلبیه کند
که داخل حرم شود و باید مادام که در احرام بود میوه بو نکند و
جامهٔ احرام را نشوید هرچند چرکن شده باشد و در جواب احدی
لبیک نگوید و بر فرشی که سفید نباشد نخوابد و برای خنک شدن
آب بر بدن نریزد و حرام است بر محرم بو کردن مشک و عنبر و عود
و صندل و غیره مگر بوی عطری که در خانهٔ کعبه باشد و حرام است
بر محرم بو کردن مشک و عنبر و عود و صندل و غیره مگر بوی عطری
که در خانهٔ کعبه باشد و حرام است بینی گرفتن از چیز بدبو و روغن
بر بدن مالیدن خواه خوش بو باشد و خواه نه و پوشیدن رخت
دوخته و پوشیدن چیزی که پشت پا را بپوشاند و انگشتر در انگشت
کردن برای زینت و سر پوشیدن مردان را اگرچه بغسل ارتماسی
باشد و در سایهٔ چیزی راه رفتن که آن چیز بر بالای سر او باشد
نه در پهلوی او مثل سایهٔ دیوار اما در سایهٔ کجاوه و مانند آن راه
رفتن مرد جایز است هرچند بالای سر او باشد و نیز جایز است وقت
فرود آمدن که در سایهٔ چیزی راه رود و بنشیند هرچند آن چیز

بالای سر او باشد مثل خیمه و غیر آن و نیز حرام است شکار کردن
یا کسی را شکار فرمودن و شکار را نمودن و آلات شکار مثل تیر
و تفنگ و غیره بکسی دادن اما شکار کردن جانور آبی در حال
احرام حرام نیست و مراد از جانور آبی جانوری است که در آب تخم
کند مثل ماهی و غیر آن پس شکار غاز و اردک و غیره که در خشکی
تخم کند حرام است هرچند که تعیش در آب میکرده باشد و از
حیوانات خاکی که شکار آن در حال احرام حرام است حیوانیست که
حلال باشد مثل آهو و کلنگ و غیر آن پس شکار کردن حیوانی
که گوشت آن حرام است مثل خوک و پلنگ و باز و غیره در حال
احرام جایز است اما از حیوانات که گوشت آنها حرام است شش
جانور است که آنها را شکار کردن در حال احرام حرام است و آن
شیر و روباه و خرگوش و خارپشت و سوسمار و یربوع است و اگر
کسی در حال احرام شکار کند آن شکار ملک او نمیشود و واجب
است که آنرا رها کند و خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است
اگرچه دیگری آنرا شکار کرده باشد و هر شکاری را که محرم بکشد
میته است و خوردن گوشت آن بر محرم و غیر محرم حرام است
و نیز حرام است با زن جماع کردن و نکاح کردن و ملاعبه از
روی شهوت کردن و بوسه کردن مطلقا و نیز حرام است
مو از سر و بدن برطرف کردن و چیدن ناخن و کشتن شپش یا انداختن
از رخت یا بدن و اگر آزار کند باید که نقل فرماید آنرا از جائی بجائی
دیگر و نیز حرام است سرمهٔ سیاه در چشم کشیدن و حنا بستن و در
آینه نگاه کردن و دندان کندن و سلاح پوشیدن و خون از بدن
بیرون آوردن اگرچه بمسواک باشد اما اگر از خار بدن بیرون

اید قصوری ندارد و حرام است گفتن لا والله و بلی والله و حرام است
پوشیدن زن طلا الات یا نقره الات که عادت او نباشد که مثل
انرا بپوشد و اظهار کردن زیور خود بر شوهر یا بر جمعی که محرم او نیند
و روی خود بچیزی پوشیدن که بروی او برسد پس می باید که پوشش
صورت زن نوعی باشد که مطلقا بر روی او نخورد دویم داخل
شدن بحرم مکه معظمه سنت است غسل کردن برای داخل شدن
حرم مکه و اذخر خائیدن قبل از دخول و باید که از جانب بالا در
مکه در اید پای برهنه و کفش خود را بدست خود گیرد و باهستگی
رود و در وقت داخل شدن حرم این دعا بخواند اللهم انک
قلت فی کتابک و اذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا و علی کل
ضامر یاتین من کل فج عمیق اللهم انی ارجو ان اکون ممن اجاب
دعوتک و قد جئت من شقة بعیدة و من فج عمیق اللهم انی
و مستجیبا لک و مطیعا لامرک و کل ذلک بفضلک علی و
احسانک الی فلک الحمد علی ما وفقتنی له ابتغی بذلک الزلفة
عندک و القربة الیک و المنزلة لدیک و المغفرة لذنوبی
و التوبة علی منها بمنک اللهم صل علی محمد و ال محمد و
حرم بدنی علی النار و امنی من عذابک و عقابک یا کریم
و سنت است غسل کردن برای داخل شدن مکه معظمه سیم داخل
شدن مسجد الحرام برای عمره تمتع چون خواهد داخل مسجد الحرام
شود باید که غسل کند و از دری که مشهور بباب بنی شیبه است
داخل شود و در پیش در ایستاده بگوید السلام علیک ایها النبی
و رحمة الله و برکاته بسم الله و بالله ما شاء الله و السلام
علی انبیاء الله و رسله و السلام علی رسول الله و السلام

علی ابرهیم خلیل الله و الحمد لله رب العالمین و بخضوع و خشوع
داخل شود و بعد از دخول رو بجانب کعبه مشرفه کرده دستها را
بردارد و این دعا بخواند اللهم انی اسئلک فی مقامی هذا
فی اول مناسکی ان تقبل توبتی و ان تجاوز عن خطیئتی و تضع
عنی وزری الحمد لله الذی بلغنی بیته الحرام اللهم انی
اشهد ان هذا بیتک الحرام الذی جعلته مثابة للناس
و امنا مبارکا و هدی للعالمین اللهم انی عبدک و البلد
بلدک و البیت بیتک جئت اطلب رحمتک و طاعتک مطیعا
لامرک راضیا بقدرک اسئلک مسئلة الفقیر الیک الخائف
لعقوبتک اللهم افتح لی ابواب رحمتک و استعملنی
بطاعتک و مرضاتک انکه بیاید نزد حجر الاسود و رو بحجر کرده
دستها را بردارد و این دعا بخواند الحمد لله الذی هدینا لهذا
و ما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله سبحان الله و الحمد
لله و لا اله الا الله و الله اکبر من خلقه و اکبر مما
اخاف و احذر لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی بیده الخیر و هو علی کل
شیء قدیر اللهم صل علی محمد و ال محمد و علی جمیع الانبیاء
و المرسلین بعد از ان حجر الاسود را ببوسد و اگر نتواند دست خود
را بان برساند و دست را ببوسد و اگر ان نیز ممکن نشود بجانب حجر
بدست اشاره کند بعد از ان این دعا بخواند اللهم انی اومن
بوعدک و اوفی بعهدک اللهم امانتی ادیتها و میثاقی
تعاهدته لتشهد لی بالموافاة اللهم تصدیقا بکتابک
و علی سنة نبیک اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک

له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله آمنت بالله و کفرت بالجبت
و الطاغوت و اللات و العزی و عبادة الشیطان و عبادة کل
ند یدعی من دون الله اللهم الیک بسطت یدی و فیما عندک
عظمت رغبتی فاقبل سعیی و اغفر لی و ارحمنی اللهم انی
اعوذ بک من الکفر و الفقر و مواقف الخزی فی الدنیا و الآخرة

چهارم طواف حج عمره است پس چون از ادعیه و اعمال مذکوره
قبل فارغ شود شروع در طواف کند و طواف عبارتست از هفت
مرتبه گرد خانه کعبه گردیدن باینت باین طریق که برابر حجر الاسود
بایستد بنحوی که منتهای دوش راست او برابر ابتدای جزو اول حجر
الاسود که بطرف خانه کعبه است باشد پس نیت کند که طواف عمره
تمتع میکنم از برای آنکه واجب است تقرب بخدا و مقارن نیت خود
را بگرداند همینکه منتهای دوش چپ او برابر جزو آخر حجر الاسود شود
روانه شود بطریقی که خانه کعبه در طواف بر دست چپ باشد و
مقام ابرهیم را خارج از طواف کند یعنی بر دست راست گذارد
و حجر اسمعیل را که آن دیوار کوتاهی است در طرف ناودان خانه
کعبه داخل طواف سازد یعنی در دست چپ گذارد و خوب احتیاط
کند که شوط زیاده از هفت مرتبه و کمتر از آن نباشد و ختم طواف
بر محلی کند که ابتدا از آنجا کرده یعنی بر حجر الاسود بی زیاده و کم
و هر نوبت گردیدن را شوط گویند و هر هفت شوط یک طواف است
و اگر بعد از فارغ شدن شک کند که هفت شوط کرده یا کمتر یا زیاد
تر التفات نماید و طواف او صحیح است اما اگر شک او قبل از فارغ
شدن باشد در اینصورت از سه حال بیرون نیست اول آنکه شک
کند میانه هفت شوط و زیاده دوم آنکه شک کند میانه هفت شوط

کمتر

کمتر سیم آنکه یقین داند که هفت شوط نکرده و شک او در ما بین
هفت باشد مثل آنکه شک کند میان چهار و پنج یا میانه پنج و شش
پس در صورت اول اگر برکن حجر الاسود رسیده باشد طواف او
صحیح است و اگر بآن رکن نرسیده باشد طواف او باطل است و
از سر باید گرفت و در صورت دوم و سیم مطلقا طواف او باطل است
خواه برکن حجر رسیده باشد و خواه نه از سر باید گرفت و باید که
چهار شوط اول از پی یکدیگر باشد یعنی فاصله در میانه واقع
نشود پس اگر فاصله در میانه واقع شود طواف را از سر گیرد خواه
فاصله بجهت ضرورت واقع شده باشد مثل نماز واجب که وقت
آن تنگ شده باشد و خواه بی ضرورت واقع شده باشد اما در
میانه شوط چهارم و پنجم و میانه سه شوط آخر جایز است که فاصله
واقع شود مثل نماز سنت که وقت آن تنگ شده باشد یا قضای
حاجت مؤمنی یا داخل شدن بخانه کعبه و همچنین جایز است در
سه شوط آخر قطع شوط کردن برای امثال آن امور اما واجب است
که در وقت قطع مکانی را که از آنجا قطع شده نشان کند تا چون
بر سر اتمام آن آید زیاده و کم نشود و باید در طواف چیزی
از بدن خود را داخل شادروان کعبه نکند چه بنای اول کعبه از
شادروان بوده است و بنای دوم دیوار را قدری پیش برده اند
بنحوی که قدری از بنای اول بیرون مانده و آن را مثل سکوئی مایل
بر دیوار کعبه ساخته اند و مسمی بشادروان است و اگر طواف
کنان دست بر دیوار خانه کعبه گذارد آن طواف باطل است و سنت
است تند رفتن در سه شوط اول و آهسته رفتن در چهار شوط دیگر
و نیز سنت است گام خود را در حین طواف کوتاه گردانیدن چه

بواسطهٔ هر گامی شش هزار حسنه برای ایشکس نوشته میشود و سنت
است که یکطرف ردای خود را از زیر بغل راست بیرون آورد و
بر دوش چپ اندازد و دوش راست را برهنه گذارد و باید که در
طواف بطریق متعارف راه رود پس اگر بیک پا راه رود صحیح نیست
و احتیاط تمام کند که خلاف هر یک از اینها باعث ابطال حج
میشود و سنت است که در اثنای طواف این دعا بخواند اللهم انی
اسئلک باسمک الذی یمشی علی طلل الماء کما یمشی به علی جدد
الارض و اسئلک باسمک الذی یهتز له عرشک و اسئلک
باسمک الذی تهتز له اقدام ملئکتک و اسئلک باسمک الذی
دعاک به موسی من جانب الطور فاستجبت له و القیت علیه محبة
منک و اسئلک باسمک الذی غفرت به لمحمد صلی الله علیه و آله
ما تقدم من ذنبه و ما تاخر و اتممت علیه نعمتک پس حاجت
خود را بخواهد از الله تعالی و نیز بگوید اللهم انی الیک
فقیر و انی خائف مستجیر فلا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی و نیز
سنت است که هر بار در طواف که برابر در خانهٔ کعبه شود صلوات
بفرستد و این کلمات را نیز بگوید سائلک ببابک مسکینک
ببابک فقیرک ببابک فتصدق علیه بالجنة و سنت است بوسیدن
حجر الاسود در هر شوط و همچنین بوسیدن هر رکن از چهار رکن کعبه
خصوصا رکن یمانی و رکن عراقی را و هر وقت که در اثنای طواف
بحجر اسمعیل رسد این دعا بخواند اللهم ادخلنی الجنة برحمتک
و عافنی من السقم و اوسع علی من الرزق الحلال و ادرا عنی شر
فسقة الجن و الانس و شر فسقة العرب و العجم و در شوط هفتم
چون بمستجار رسد رو بان کرده خود را بان بچسباند و این دعا بخواند

اللهم

اللهم البیت بیتک و العبد عبدک و هذا مکان العائذ بک
من النار و بگناهان خود اعتراف کند چه از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که اقرار نمیکند هیچکس بگناهان خود در
نزد مستجار مگر آنکه می آمرزد خدای تعالی گناهان او را و بعد
از اقرار بگناهان بگوید اللهم من قبلک الروح و الفرج و
العافیة اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی و اغفر لی ما
اطلعت علیه منی و خفی علی خلقک استجیر بالله من النار
اللهم قنعنی بما رزقتنی و بارک لی فیما آتیتنی **پنجم** از افعال
نماز است پس چون از طواف فارغ شود بیاید در عقب مقام حضرت
ابرهیم یا در پهلوی آن دو رکعت نماز طواف بگذارد و چنین نیت
کند که دو رکعت نماز طواف میگذارم نماز عمرهٔ تمتع واجب تقرب
بخدا و مخیر است در قرائت این دو رکعت میانه جهر و اخفات و
اگر طواف سنت باشد در هر جای از مسجد الحرام که خواهد میتواند
کرد این دو رکعت را و سنت است که در رکعت اول بعد از حمد
سورهٔ قل هو الله احد و در ثانی قل یا ایها الکافرون بخواند
بعد از آن حمد و ثنای الهی کند و صلوات بفرستد و بخواهد از
حق تعالی که قبول کند این عبادت را از او و آنکه نزد حجر الاسود آید
و حجر را در بر گیرد و ببوسد اگر میسر شود و الا حجر را بدست
مس کند و دست را ببوسد و اگر آن نیز میسر نشود بدست بسوی
حجر اشاره کند و همان دعا را که پیش از این در نزد حجر الاسود خوانده
بود بخواند و از آنجا نزد چاه زمزم آید و یک دلو یا دو دلو آب بکشد
از دلوی که مقابل حجر الاسود است و اگر بتواند از دلو بگیرد و قدری
از آن بخورد و بر بدن خود ریزد و بگوید اللهم اجعله علما

نافعاً و رزقاً واسعاً و شفاءً من کلّ داءٍ و سقمٍ **ششم** سعی صفا
و مروه است پس چون از اعمال قبل فارغ شود متوجه شود بسعی
صفا و مروه از دری که مقابل حجر الاسود است و آن در را الحال
داخل مسجد الحرام کرده اند اما دو ستون بجای پایهای آن
در نصب کرده اند محاذی دری که درین زمان بباب الصفا مشهور
است باید که از میان آن دو ستون بگذرد و از باب الصفا بیرون
رود و باید که با سکینه و وقار باشد و بصفا بالا رود چندانکه
خانهٔ کعبهٔ معظمه بنظرش آید پس برابر رکنی که حجر الاسود در وی است
بایستد آنمقدار که سورهٔ بقره توان خواند پس هفت بار الله اکبر
و هفت مرتبه لا اله الا الله بگوید و سه بار بگوید لا اله الا
الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و
یمیت و یحیی و هو حیٌّ لا یموت بیده الخیر و هو علی کلّ شیءٍ
قدیرٌ بعد از آن صلوات بفرستد و سه بار بگوید الله اکبر
الحمد لله علی ما هدانا و الحمد لله علی ما ابلانا و الحمد لله
الحیّ القیّوم و الحمد لله الحیّ الدائم و سه بار بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً
عبده و رسوله لا نعبد الا ایّاه مخلصین له الدین و
لو کره المشرکون و سه بار بگوید اللهم انی اسئلک العفو
و العافیة و الیقین فی الدنیا و الآخرة و سه بار بگوید
اللهم آتنا فی الدنیا حسنةً و فی الآخرة حسنةً و قنا
عذاب النار بعد از آن هر یک از تکبیر و تهلیل و تحمید و
تسبیح را صد بار بگوید آنگه بگوید لا اله الا الله وحده وحده
انجز وعده و نصر عبده و غلب الاحزاب وحده فله الملک

و له الحمد وحده اللهم بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت
اللهم اعوذ بک من ظلمة القبر و وحشته اللهم اظلّنی
تحت عرشک یوم لا ظلّ الا ظلّک و نیز بگوید استودع الله
الرحمن الرحیم الذی لا تضیع ودائعه نفسی و دینی و اهلی و
مالی و ولدی اللهم استعملنی علی کتابک و سنّة نبیّک
و توفّنی علی ملّته و اعذنی من مضلّات الفتن اللهم اغفر
لی کلّ ذنبٍ اذنبته قطّ فان عدت فعد علیّ بالمغفرة
انّک انت غنیٌّ عن عذابی و انا محتاجٌ الی رحمتک فیا من
انا محتاج الی رحمته ارحمنی اللهم افعل بی ما انت اهله
و لا تفعل بی ما انا اهله فانّک ان تفعل بی ما انا اهله تعذّبنی
و لا تظلمنی اصبحت اتّقی عذابک و لا اخاف جورک فیا من
هو عدلٌ لا یجور ارحمنی و اگر فرصت خواندن کلّ دعاها نداشته
باشد آنچه از آنجمله تواند بخواند و چون فارغ شود پایین آید
بموضعی که در آنجا سعی باید کرد پس پاشنهٔ پای خود را بر پلهٔ اوّل
صفا چسبانیده نیت کند که سعی میان صفا و مروه میکنم برای
آنکه واجبست تقرب بخدا و بی فاصله روانهٔ مروه شود و در
اثنای سعی این دعا بخواند بسم الله الله اکبر و صلّی الله
علی محمدٍ و آله اللهم اغفر و ارحم و تجاوز عمّا تعلم انّک
انت الاعزّ الاجلّ الاکرم یا ذا المنّ و الفضل و الکرم
و النعماء و الجود و اغفر لی ذنوبی انّه لا یغفر الذنوب الا
انت و باید که در ابتدای سعی از صفا بتأنّی رود و در ما بین
مناره و کوچهٔ عطاران هروله کند و باز بتأنّی رود تا بمروه رسد
و هروله عبارتست از تند رفتن بشرط آنکه گام را زیاده از آ

متعارف رفتن نگذارد زیرا که مثل دویدن شتر بود و چنانچه در
میان عوام مشهور است و این شد رفتن مردان را سنت است و زنان
را سنت نیست و چون بمروه رسد انگشتان پا را بر پنه اول مروه
رساند و از مروه نیز سعی بصفا نماید بهمان طریق که از صفا بمروه
نمود یعنی پاشنه پا را بر پنه اول مروه چسباند و روانه صفا شود
و در اول و آخر بتانی رود و در ما بین بدستور هروله کند و چون
بصفا رسد سر انگشتان پا را بر پنه اول صفا رساند و این قاعده
را در هر سعی مرعی دارد و هفت سعی که اول از صفا بمروه و دوم
از مروه بصفاست مرعی دارد بجا آورد و چون ابتدای سعی از
صفاست باید که ختم سعی بمروه شود و اگر تواند در سعی اول چون
بمروه رسد بالای مروه رود و مقابل کعبه ایستاده ادعیه که بر
بالای صفا خوانده آنجا نیز بخواند و در سعی کردن رعایت احتیاط
مرعی دارد که از هفت بار زیاد و کم نشود و باید که هفت سعی از
پی هم باشد بفاصله بطریقی که در طواف مذکور شد و بعضی از
علما بر آنند که موالات شرط نیست و اگر طواف را بروز کرده باشد
سعی را بروز دیگر تاخیر نکند بلکه شب بجا آورد و اگر شب طواف
کرده سعی را در آن شب بجا آورد و بعضی از مجتهدین تاخیر بروز دیگر
را جایز داشته اند و باید سعی بعد از طواف واقع شود پس اگر قبل
از طواف بفعل آید باطل است **هفتم** تقصیر عمره است پس چون
از سعی کردن فارغ شود تقصیر بجا آورد یعنی چیزی از ناخن دست
یا پا بگیرد یا از موی بدن چیزی ازاله کند هر چند سه مو باشد
و بکندن باشد و جایز نیست تراشیدن تمام سر اما تراشیدن
بعضی از آن جایز است و نیت تقصیر چنین کند که تقصیر میکنم

در عمره تمتع برای آنکه واجبست تقرب بخدا و مقارن نیت تقصیر کند
و چون تقصیر بفعل آید جمیع آنچه باحرام حرام شده بود حلال میشود
و تقصیر آخر افعال عمره است و سنت است که تقصیر بر مروه واقع
شود و مکروهست طواف خانه کعبه بعد از سعی و قبل از تقصیر
و واجبست که بعد از تقصیر باحرام حج اشتغال نماید **هشتم**
احرام حج است بدانکه جمیع آنچه در احرام عمره مذکور شد از مقدمات
و غیر آن در احرام حج معتبر است و میقات این احرام شهر مکه است
و سنت است که در روز هشتم ذی الحجه واقع شود در مسجد الحرام و
افضل آنست که زیر ناودان خانه کعبه واقع شود و باین طریق
نیت کند که احرام حج تمتع میگیرم برای آنکه واجبست تقرب بخدا
و بی فاصله تلبیه گوید که اللهم لبیک تا آخر چنانکه در احرام
عمره مذکور شد و اگر دعائی که بعد از تلبیات خوانده میشود
بخواند بجای لبیک بمتعة بعمرة الی الحج بگوید که لبیک بحجة تمامها
و بلاغها علیک و بهتر آنست که چون خواهد بمسجد الحرام آید
برای احرام حج شارب و ناخن بگیرد و غسل کند و آن دو جامه
احرام را بپوشد و پای برهنه با سکینه و وقار داخل مسجد الحرام
شود پس دو رکعت نماز نزد مقام ابرهیم بگذارد و بنشیند تا ظهر
شود و چون نماز ظهر کند بگوید اللهم انی ارید الحج فیسره
لی و حلنی حیث حبستنی لقدرک الذی قدرت علی احرم
لک شعری و بشری و لحمی و دمی من النساء و الثیاب و الطیب
ارید بذلک وجهک و الدار الآخرة بعد از آن نیت کرده
تلبیه گوید و سنت است که تلبیه را بلند گوید پس چون روانه منی
شود در آن حال این دعا بخواند اللهم الیک صمدت و بک

اعتمدت و وجهك اردت اسئلك ان تبارك لی فی رحلی و
ان تقضی لی حاجتی و ان تجعلنی ممن تباهی به الیوم من هو افضل
منی اللهم ایاك ارجوا و ایاك ادعوا فبلغنی املی و اصلح
لی عملی و چون بمنی فرود آید بکوید اللهم هذه منی و هی
مما مننت به علینا من المناسك فاسئلك ان تمن علی بما
مننت به علی انبیائك فانما انا عبدك و فی قبضتك و نماز
ظهر و عصر را در منی بکذارد و اکر پیش از نماز از مکه بیرون آمده
باشد شب عرفه تا طلوع فجر در منی توقف نماید و نماز صبح را کذارده
روانه عرفات کردد و افضل آنست که تا طلوع آفتاب در منی باشد
نهم وقوف عرفات است و واجب است که اول وقت پیشین روز
عرفه که نهم ذی الحجه است قطع تلبیه کند بعد از آن نیت وقوف
عرفات کند باین طریق که توقف عرفات میکنم از زوال تا وقت غروب
آفتاب در حج الاسلام حج تمتع برای آنکه واجبست تقرب بخدا
و اکر تواند قبل از نیت وقوف غسل بکند و نیت چنین کند که غسل
وقوف عرفات میکنم از برای آنکه سنت است تقرب بخدا و نماز ظهر
و عصر را در اول وقت با هم جمع کند بیك اذان و دو اقامه و نیز
سنتهاست بر وضو بودن و بعد از نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب
رو بقبله بر سر پا ایستادن و خاطر خود را بهیچ چیز غیر از درکاه
رحمت الهی مشغول نساختن و باید که میانه او و آسمان حایلی نباشد
مثل خیمه و مانند آن و اعتراف کند بر کناهان خود و دعا کند
برای برادران مؤمن و اقلا چهل نفر مؤمن را دعا کند باسمهم و سزاوار
است وقوف کردن برای دعا بر جانب یسار دامن کوه عرفات
بدرستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آنجا وقوف

میفرموده

میفرموده و مستحب است اجتماع مردمان بکنار یکدیکر و چون بایستد
برای دعا باید که با سکینه و وقار باشد و هر یك از تحمید و تهلیل
و تکبیر و تسبیح را صد مرتبه بکوید و بعد از آن صد بار سوره
توحید بخواند آنکه این دعا بخواند اللهم انی عبدك فلا
تجعلنی من اخیب وفدك و ارحم مسیری الیك من الفج العمیق
اللهم رب المشاعر کلها فك رقبتی من النار و اوسع
علی من رزقك الحلال و ادرأ عنی شر فسقة الجن و الانس
و شر فسقة العرب و العجم اللهم لا تمکر بی و لا تخدعنی
و لا تستدرجنی اللهم انی اسئلك بحولك و قوتك و
جودك و کرمك و فضلك و منك یا اسمع السامعین
و یا ابصر الناظرین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین
ان تصلی علی محمد و آل محمد بعد از آن حاجات خود را بخواهد
پس دستها را بر دارد و بکوید آسمان کرده بکوید اللهم حاجتی
التی ان اعطیتنیها لم یضرنی ما منعتنی و ان منعتنیها لم ینفعنی
ما اعطیتنی اسئلك خلاص رقبتی من النار اللهم انی
عبدك و ملك یدك ناصیتی بیدك و اجلی بعلمك اسئلك
ان توفقنی لما یرضیك عنی و ان تسلم منی مناسکی التی
اریتها خلیلك ابرهیم علیه السلام و دللت علیها نبیك
محمدا صلی الله علیه و آله اللهم اجعلنی ممن رضیت عمله
و اطلت عمره و احییته بعد الموت حیوة طیبة لا اله
الا الله وحده لا شریك له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت
و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم
لك الحمد کالذی نقول و خیرا مما نقول و فوق ما یقول

الغائلون اللهم انی اعوذ بك من الفقر ومن وساوس الصدر
ومن شتات الامر ومن عذاب القبر اللهم اجعل فی قلبی
نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی
دمی وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی و
مخرجی نورا واعظم لی نورا یا رب یوم القاك انك علی کل
شیء قدیر وبدانکه دعاهای روز عرفه بسیار است وچون این
مختصر گنجایش آنها نداشت باین قدر اکتفا نمود اما اگر تواند
دعای عرفه صحیفه کامله را با دعای حضرت امام حسین علیه السلام
را که مشهور ومعروفست وافضل دعاهای این روز است بخواند و
چون مغرب داخل شود پیش از نماز مغرب متوجه مسجد الحرام شود
واگر قبل از غروب از عرفات روانه شود باید که شتری قربان کند
واگر قادر نباشد هیجده روز روزه بدارد ودر وقت بیرون آمدن
از عرفات این دعا بخواند اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا
الموقف وارزقنیه ابدا ما ابقیتنی واقلبنی الیوم مفلحا منجحا
مستجابا لی مرحوما مغفورا بافضل ما ینقلب به الیوم احد من
وفدك علیك واعطنی افضل ما اعطیت احدا منهم من
الخیر والبرکة والرحمة والرضوان والمغفرة وبارك لی
فیما ارجع الیه من اهل او مال او قلیل او کثیر وبارك
لهم فی وچون روانه مشعر الحرام شود باید که با تانی ووقار باشد
واستغفار بسیار کند وبسیار بگوید اللهم اعتق رقبتی
من النار وچون بکثیب رسد وآن تل ریگ سرخیست در جانب
راست راه چون از عرفات بمشعر الحرام روند سنت است که این
دعا را بخواند اللهم ارحم موقفی وزد فی عملی وسلم لی دینی و

تقبل

تقبل مناسکی وسنت است که نماز مغرب وعشا را تاخیر کند تا وقتی
که بمشعر الحرام رسد اگرچه ربع شب شود دهم وقوف مشعر الحرام
است وواجبست که چون بمشعر الحرام رسد نیت وقوف کند باین
طریق که توقف میکنم از این وقت تا طلوع فجر در مشعر الحرام در حج
تمتع برای آنکه واجبست تقرب بخدا وسنت است که قبل از بار
فرود آوردن نماز مغرب وعشا را بیك اذان ودو اقامت بکند ودر
ونافله مغرب را بعد از عشا بگذارد واگر تواند اول شب غسل
کند برای وقوف مشعر ونیت چنین کند که غسل بودن در مشعر
الحرام میکنم از برای آنکه سنت است تقرب بخدا وهمچنین سنت است
که آن شب را احیا دارد وتا صبح با وضو بوده مشغول عبادت وذکر
ودعا باشد واز انجمله این دعا را بخواند اللهم هذه جمع اللهم
انی اسئلك ان تجمع لی فیها جوامع الخیر کله اللهم لا تؤیسنی
من الخیر الذی سئلتك ان تجمعه لی فی قلبی ثم اطلب الیك
ان تعرفنی ما عرفت اولیاءك فی منزلی هذا وان تقینی جوامع
الشر واگر حج اول او باشد سنت است که برود بر بالای کوهی که
در مشعر الحرام واقع است وانجا ذکر الهی بجا آورد وسنت است
که هفتاد سنگ ریزه برای رمی جمره از مشعر الحرام برچیند ومکروه
است که یك سنگ را بشکند وچند سنگ ریزه کند بلکه باید هر
یك را علیحده برچیند واگر زیاده از عدد مذکور برچیند برای
احتیاط بهتر خواهد بود وباید که سنگهای سیاه رنگ ونقطهای
الوان بر او باشد وهر یك بمقدار بند بالای انگشت پا باشد و
سنت است شستن آن سنگها هرچند طاهر باشد وچون صبح صادق
شود مقارن طلوع صبح واجبست که نیت علیحده کند برای وقوف

در مشعر باین طریق که توقف میکنم در مشعر الحرام از این وقت تا بر
آمدن آفتاب در حج تمتع برای آنکه واجبست تقرب بخدا بعد از آن
نماز صبح را کرده مشغول حمد و ذکر الهی کردد و صلوات بفرستد
و این دعا را بخواند اللهم رب المشعر الحرام فك رقبتي من
النار واوسع علي من رزقك الحلال وادرأ عني شر فسقة
الجن والانس اللهم انت خير مطلوب اليه وخير مدعو و
خير مسئول ولكل وافد جائزة فاجعل جائزتي في موطني هذا
ان تقيلني عثرتي وتقبل معذرتي وان تجاوز عن خطيئتي
ثم اجعل التقوى من الدنيا زادي و چون آفتاب طلوع کند
باید از مشعر الحرام روانه منی کردد و سنت است که با سکینه و
وقار و ذکر و استغفار متوجه شود و چون بوادی محسر رسد که
آن موضعی است در راه سنت است که در آن موضع صد کام تند برود
و این دعا بخواند اللهم سلم عهدي واقبل توبتي واجب دعوتي
واخلفني فيمن تركت بعدي و چون بمنی رسد واجب است که
مناسك ثلثه منی را در روز عید بترتیب بجا آورد یازدهم رمی
جمره عقبه است یعنی زدن میلی که آنرا جمره عقبه کویند بهفت سنك
ریزه و آن آخر جمرات نسبت بکسی که از منی بطرف کعبه رود
پس در برابر جمره عقبه بایستد بمقدار ده کز یا پانزده کز شرعی
دور از آن در جانب راه چنانکه پشتش بعقبه و رویش بطرف جمره
باشد و از آن سنکریزها که از مشعر الحرام برداشته است شش عدد
در دست چپ کیرد و یکی در دست راست و بکوید اللهم هذه
حصياتي فاحصهن لي وارفعهن في عملي و آن یك سنك را
بشکم انکشت بزرك دست راست کذارد و نیت کرده بناخن

انکشت

انکشت شهاده یا انکشت میانی دست راست بیندازد و نیت چنین
کند که میزنم این میل را بهفت سنك در حج الاسلام حج تمتع برای
آنکه واجب است تقرب بخدا و مقارن نیت آن سنك را بیندازد
و بعد از آن سنك دیکر را و دیکر را تا هفت سنك تمام شود و
باید که یکی یکی بیندازد پس با هم انداختن دو سنك یا زیاده
از آن جایز نیست و همچنین نرسانیدن سنك بمیل نیز محسوب
نیست و در وقت انداختن هر یك الله اکبر بکوید و این دعا
بخواند اللهم ادحر عني الشيطان اللهم تصديقا بكتابك
وعلى سنة نبيك صلى الله عليه واله اللهم اجعله حجا
مبرورا وعملا مقبولا وسعيا مشكورا وذنبا مغفورا
و چون از رمی فارغ شده بمکان خود آید بکوید اللهم بك وثقت
وعليك توكلت فنعم الرب ونعم النصير و مستحب است در
حال رمی طاهر بودن از حدث و اکر نباشد جایز است دوازدهم
ذبح و نحر است ذبح عبارتست از قربان کردن کاو و کوسفند
و بز و نحر عبارتست از قربان کردن شتر و افضل در شتر و کاو
ماده و در کوسفند و بز نر است و شروطی که در ایشان لازم است
رعایت کردن بتفصیل در طی عمل روز عید اضحی مذکور شد و مجزی
نیست در حال اختیار یك هدی واجب مکر از برای یك نفر
و شریك شدن در قربانی جایز است و در وقت ضرورت جایز است
اشتراك در هدی واجب تا پنج نفر و هفت نفر و ایام قربانی روز
عید است و سه روز بعد از آن در منی و در شهرهای دیکر روز
عید قربان است و دو روز بعد از آن و جایز است نحر یا ذبح هدی
واجب در باقی ایام ذی الحجه و در روز عید افضل است و جایز

بنیت ذبح یا نحر کردن هدی واجب و نه آنچه را که لازم شود در کفارهٔ
احرام حج مگر در منی و آنچه لازم شود در عمرهٔ مفرده جایز نیست
ذبح آن مگر در مکه و هرگاه عاجز باشد از تحصیل هدی و قیمت
آن مقدورش نباشد بگذارد قیمت آن را نزد کسی که اعتماد بر او دارد
که بخرد و به نیابت او در طول ذی الحجه ذبح یا نحر کند و اگر اصلاً قادر
نباشد بر قیمت هدی ده روز روزه دارد سه روز متوالی در حج
یعنی یکروز قبل از ترویه و روز ترویه و روز عرفه و هفت روز دیگر
را هرگاه بخانه خود برگردد بگیرد و موالات در این هفت روز شرط
نیست و مستحب است که خود مباشر ذبح یا نحر شود و چون خواهد
که قربانی را بکشد بگوید وجهت وجهی للذی تا آخر دعا چنانچه
در آداب اعمال روز عید قربان مذکور شد بعد از آن نیت کند
باین طریق که این قربانی را میکشم در حج اسلام حج تمتع برای آنکه
واجبست تقرب بخدا و مقارن نیت کارد بر حلق قربانی نهد
بنحوی که آخر نیت با اول بریدن یکی باشد و اگر خود نتواند دیگری
را نایب کند و نایب چنین نیت کند که این قربانی را میکشم به نیابت
فلان در حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست تقرب بخدا و اولی
آنست که هر دو نیت کنند و دست خود را بالای دست نایب نهد
و بایکدیگر کارد را حرکت دهند و قسمت کرده میشود هدی متمتع
بسه حصه یکی را خود میخورد و یکی را هدیه میفرستد برای آشنایان
و یک حصه را تصدق میکند و همچنین است قربانی و اگر واجب
شده باشد در کفاره باید که تمام را تصدق کند **سیزدهم**
حلق است و آن عبارت است از سر تراشیدن یعنی واجبست
که بعد از فارغ شدن از قربانی و قسمت آن سر خود را بتراشد یا چیزی

از موی

از موی سر یا بدن بگیرد یا ناخن بگیرد اما سر تراشیدن افضل است
خصوصاً کسی را که نو حج باشد و زن را ناخن گرفتن کافیست و نیت
چنین کند که از موی بدن چیزی را ازاله میکنم در حج اسلام
حج تمتع برای آنکه واجبست تقرب بخدا و مقارن نیت شروع
بازاله مو کند و سنت است که در آن وقت رو بقبله باشد و
شروع از جانب راست کند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم اعطنی بکل شعرة نوراً یوم القیمة و نیز سنت است که
موی را در منی دفن کند و ناخن و شارب بگیرد و اگر بر سر موی
نداشته باشد باکی را بر سر بگذراند و چون از این فعل فارغ
شود حلال میشود بر او آنچه حرام شده بود باحرام حج مگر زن و
بوی خوش **چهاردهم** طواف حج اسلام است پس چون از افعال
منی فارغ شود رجوع بمکه معظمه کند برای بجا آوردن طواف حج
اسلام و طریقش همانست که در طواف عمره مذکور شد و تفاوتی
نیست مگر در نیت پس باید که در نزد حجر الاسود آید و نیت کند
که طواف حج اسلام حج تمتع میکنم برای آنکه واجبست تقرب
بخدا پس هفت شوط را با دابی که در طواف عمره گذشت بجا
آورد **پانزدهم** نماز است پس چون از طواف فارغ شود دو
رکعت نماز در مقام ابرهیم بگذارد و نیت چنین کند که دو رکعت
نماز طواف حج اسلام حج تمتع میکنم واجب تقرب بخدا
شانزدهم سعی صفا و مروه است پس چون از نماز طواف فارغ
شود برود بسعی صفا و مروه و با دابی که مذکور شد سعی را بجا
آورد و چون از این افعال فارغ شود بوی خوش بر او حلال میشود
هفدهم حج نساست و آن عبارتست از هفت شوط با نیت

باین طریق که در نزد حجر الاسود بایستد با آداب مقرر و نیت کند
که طواف حج نسا میکنم در حج اسلام حج تمتع برای آنکه واجبست
تقرب بخدا پس هفت شوط با آدابی که گذشت بجا آورد **بدانکه**
دو رکعت نماز است در عقب مقام ابرهیم و نیت چنین کند که دو
رکعت نماز طواف حج نسا میکنم در حج اسلام حج تمتع برای آنکه
واجبست تقرب بخدا و چون از این نماز فارغ شود زن برو حلال
میشود و سنت است که سیصد و شصت طواف کند بعدد ایام
سال و اگر از آن عاجز آید سیصد و شصت شوط کند و بعد
از هر هفت شوط دو رکعت نماز طواف کند پس مجموع پنجاه و یک
طواف خواهد شد و سه شوط زاید را در آخر طواف آخر خواهد
افزود و ابن زهره که یکی از مجتهدین است بر آنست که چهار شوط
دیگر بر آن سه شوط ضم باید کرد تا آن نیز یک طواف شود **پنجم**
بودن لیالی تشریق است در منی پس چون از طواف حج نسا و دو
رکعت نماز آن فارغ شود واجبست که مراجعت کند بمنی و لیالی
تشریق را که آن شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه است
در منی بروز آورد و هر شب بعد از غروب آفتاب نیت کند
که بروز می آورم ایمشب را در منی در حج اسلام حج تمتع برای آنکه
واجب است تقرب بخدا و واجبست که در هر یک از این سه روز
که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است رمی جمرات کند یعنی هفت
سنگ بر جمره اولی اندازد و آن دورترین جمرهاست از کعبه و
نزدیکترین است بمشعر و هفت سنگ بر جمره وسطی اندازد و
آن در میان جمره اولی و عقبه واقع است و هفت سنگ بر جمره
عقبه اندازد و آن نزدیکترین جمرهاست بمکه و طریق رمی و

آداب

آداب سنتی آن بطریقی است که در جمره عقبه مذکور شد و فرقی نیست
مگر در دو چیز یکی آنکه جمره اولی و وسطی را در وقت رمی بر دست
راست گیرد بنحوی که رو بجمره و قبله هر دو باشد دوم آنکه بعد از
رمی هر یک از این دو جمره اندکی نزد آن جمره توقف کند و مشغول
حمد و ثنا و صلوات و دعا شود اما ایستادن نزد جمره عقبه
سنت نیست و بهترین اوقات جهت رمی در این ایام وقت زوال است
و باید رعایت ترتیب جمرات کند که اگر رمی را بر عکس کند مثل
آنکه جمره میانی را پیش از جمره اولی رمی کند یا جمره عقبه را
قبل از میانی یا اولی رمی کند باید که اعاده کند تا ترتیب حاصل
شود و اگر کسی را در روز رمی جمار میسر نشود مثل آنکه
مریض باشد یا خایف یا راعی یا مملوک که آقا رخصت ندهد جایز
است که در شب رمی کند و باید که در این سه شبانروز در منی باشد
و نمازهای واجب و سنت را در مسجد خیف کند و افضل
مواضع آن از مناریست که در میان مسجد است تا سی ذرع از
جانب قبله از یمین و یسار و بعضی از مجتهدین تا   ذرع از
هر جانب منار گفته اند و چون خواهد از منا کوچ کند سنت
است که شش رکعت نماز در اصل صومعه مسجد بکند و کوچ کردن
از منی در روز دوازدهم نیز جایز است کسی را که در احرام عمره
و حج مرتکب شکار و مباشرت بزن نشده باشد مگر آنکه آن
روز تا غروب آفتاب در منی باشد پس چون در وقت مغرب شب
سیزدهم در منی باشد واجب میشود که آن شب نیز در منی باشد
و بر تقدیری که روز دوازدهم از منی برود که این رفتن را نفر
اول گویند باید که سنگهای روز سیزدهم را در منی دفن کند

و نفر ثانی که عبارتست از کوچ کردن روز سیزدهم از منی قبل از
نماز ظهر جایز است اما افضل بعد از ظهر است و بیرون رفتن
از منی در نفر اول پیش از ظهر جایز نیست این بود تمام افعال
حج تمتع که مذکور شد و تکبیراتی که باید در ایام تشریق گفته
شود خواه در منی و خواه در غیر ان در طی اعمال روز عید قربان
ذکر شد و جایز است که از منی بوطن خود رود بی انکه بمکه
معاودت نماید اما معاودت برای وداع خانه کعبه سنت است
و اداب دخول مکه و مسجد الحرام از غسل و غیر ان بطریقی است
که قبل ازین مذکور شد اما داخل شدن در خانه کعبه بدانکه
داخل شدن در خانه کعبه سنت است و واجب نیست پس چون
خواهد که داخل شود غسل کند و پای برهنه داخل شود و بعد
از داخل شدن بگوید اللهم انک قلت و من دخله کان
امنا فامنی من عذابک عذاب النار و باید که بالای سنگ
سرخی که ما بین دو ستون خانه کعبه فرش است دو رکعت نماز
کند و بخواند در رکعت اول بعد از الحمد سوره حم سجده یکبار
و در رکعت دوم بعد از حمد بعدد ایات سوره حم سجده که
پنجاه و چهار ایه است از ایات دیگر قران بخواند و در هر کنج
از خانه دو رکعت نماز کند بعد از ان این دعا را که در عمل روز
جمعه مذکور شد بخواند که اللهم من تهیا و تعبا تا انجای
از دعا که یا عظیم یا عظیم است پس سجده کند و تتمه دعا را در
سجده بخواند و چون خواهد که از خانه کعبه بیرون اید حلقه
در را بگیرد و بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر
اللهم لا تجهد بلائی و لا تشمت بی اعدائی فانک انت

الضار

الضار النافع و چون از خانه فرود اید دو رکعت نماز بگذارد در
نزدیک دیوار خانه کعبه رو بدیواری که خانه در اوست بنحوی
که در خانه در جانب چپ او باشد اما زیارت حج وداع چون
خواهد زیارت وداع کند نیت کند که طواف وداع خانه کعبه
میکنم از برای انکه سنت است تقرب بخدا و هفت شوط کند
و اگر تواند در هر شوط حجر الاسود و رکن یمانی را ببوسد و
اگر نتواند در شوط اول و دوم ببوسد و در شوط اخر خود را
بمستجار بچسباند بنحوی که در طواف عمره گذشت و اگر تواند
در میان در کعبه و حجر الاسود خود را بدیوار کعبه بچسباند
و دست چپ خود را بحجر الاسود گذارد و دست راست را از
جانب در بخانه گذارد و بگوید که الحمد لله و صلی الله علی
سیدنا و نبینا محمد و اله اللهم صل علی محمد عبدک
و رسولک و امینک و حبیبک و نجیک و خیرتک من خلقک
اللهم کما بلغ رسالتک و جاهد فی سبیلک و صدع بامرک
و اوذی فیک حتی اتاه الیقین اللهم اقلبنی مفلحا منجحا مستجابا
لی بافضل ما یرجع به احد من وفدک من المغفرة و البرکة
و الرضوان و العافیة بما یسعنی ان اطلب فاسئلک ان
تعطینی مثل الذی اعطیته او فضلا من عندک تزیدنی
علیه اللهم ان امتنی فاغفر لی و ان احییتنی فارزقنیه
من قابل اللهم لا تجعله اخر العهد من زیارة بیتک اللهم
انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک حملتنی علی دابتک
و سیرتنی فی بلادک حتی ادخلتنی حرمک و امنک و قد
کان من حسن ظنی بک ان تغفر لی ذنوبی فان کنت غفرت



وشکل البیت

لی ذنوبی فازدد عنی رضی و قربنی الیک زلفی ولا تباعدنی
وان کنت لم تغفر لی فمن الآن فاغفر لی قبل ان تنای
عن بیتک داری فهذا اوان انصرافی ان کنت اذنت
لی غیر راغب عنک ولا عن بیتک ولا مستبدل بک
ولا به اللهم احفظنی من بین یدی ومن خلفی وعن
شمالی حتی تبلغنی اهلی فاکفنی مؤنة عبادک وعیالی
فانک ولی ذلک من خلقک ومنی بعد از ان نزد چاه زمزم
اید و قدری از آن آب بخورد و چون خواهد که بیرون رود
بگوید آئبون تائبون عابدون لربنا حامدون الی ربنا راغبون
الی الله راجعون ان شاء الله آنکه بر آستانه در مسجد
الحرام سجدهٔ طویلی کند و بگوید اللهم تقبل
منی الحج و العمرة و لا تجعله آخر العهد منی
وارزقنی العود ثم العود ثم العود ثم العود
و چون از سجده برخیزد رو بخانه کعبه کرده
بگوید اللهم انی انقلب علی لا اله الا الله
و سنت است که یک درهم شرعی خرما بگیرد
و تصدق کند که اگر در حال احرام تقصیری
از او واقع شده باشد مثل انداختن موی و غیر آن
و او غافل بوده کفارهٔ او شود و مواضعی که
در اعمال حج مذکور شد از این شکل ظاهر
می شود و اگر خواهد که عمره سنت بجا آورد
بعد از آنکه ده روز از عمرهٔ اولی بگذرد
میتواند بجا آورده

مقصد پنجم در بیان احکام حج نیابت و بیان شروطی که در
نایب حج معتبر است اما نایب کرفتن از برای میت و حی بدانکه
چون شخصی فوت شود و ترکه وافی کذارد و حج اسلام بر او
واجب شده و در ذمت او مستقر کشته باشد واجب است
که در آن سال شخصی را باجاره کیرند که به نیابت او حج کند
اکر وقت باقی باشد و الا سال دیکر بجای آورد خواه میت
وصیت کرده باشد که برای او حج کنند و خواه وصیت نکرده
باشد اما اکر قبل از انکه حج در ذمت او مستقر کردد فوت شود
نایب کرفتن او واجب نیست و حج در ذمت وقتی مستقر میشود
که شخصی با وجود استطاعت رفتن بحج را تاخیر کند تا انقدر مدت
بکذرد که کنجایش حج بجا آوردن داشته باشد پس اکر بعد از
استطاعت و قبل از کذشتن مدت مذکوره فوت شود حج
ساقط است و نایب کرفتن لازم نیست و اجرت حج مقدم
است بر میراث و حکم سایر قروض دارد پس هر کاه میت مشغول
الذمه باشد بحج و قرض نیز داشته باشد واجب است که اول اجرت
حج و قرض را از متروکات او بیرون کنند و انچه بعد از ان بماند
بوارث میرسد و الا فلا و همچنین اکر تمام متروکات او مساوی
اجرت المثل حج باشد و قرض دیکر نداشته باشد کل متروکات او را
باجرت حج باید داد و ورثه از متروکات او محروم مند و هر کاه
شخصی تبرع نماید و بدون اجرت به نیابت میت حج بجا آورد
درین صورت حج از ذمت میت ساقط میشود و لازم نیست که
نایب دیکر برای میت بکیرند و همچنین اکر شخصی تبرعا از مال
خود شخصی را باجاره بکیرد که به نیابت میت حج کند و بدانکه

میان

میان مجتهدین خلافست در اینکه نایب میت از کجا متوجه حج
شود بعضی بر انند که از انجا که فوت واقع شده واجب است
که متوجه شود و بعضی بر انند که توجه از میقات کافیست و
ظاهر اقوال دویم باین قول باز میکردد و اکر حج در ذمت شخصی
مستقر شده باشد اما بواسطه مانعی که بعد از استقرار بهم
رسد مثل بیماری یا خوف از دشمن که نتواند بحج رفت واجبست
که شخصی را باجاره بکیرد که بنیابت او حج کند هر کاه امید آن
نداشته باشد که مانع برطرف شود و اکر بعد از انکه نایب بنیابت
او حج کرده باشد مانع برطرف شود بر او واجب است که خود حج
کند و حجی که نایب او کرده کافی نیست اما اکر بعد از انکه
حج بر او واجب شده باشد و قبل از انکه در ذمت او مستقر شود
او را مانعی از حج رفتن بهم رسد درین صورت در وجوب نایب
کرفتن میان مجتهدین خلافست بعضی بر انند که حکم شخصی دارد
که او را بعد از استقرار حج مانعی بهم رسد و بعضی بر انند
که ازین شخص حج ساقط است ما دام که مانع باقی باشد و نایب
کرفتن واجب نیست خواه امید برطرف شدن مانع داشته باشد
و خواه نداشته باشد و اقرب قول اولست اما شروطی که در
نایب حج معتبر است شش امر است اول آنکه نایب بالغ باشد و
بعضی از مجتهدین غیر بالغ را جایز داشته اند بشرط انکه تمیز
داشته باشد و بر سخن او اعتماد باشد دویم انکه عادل باشد
پس حرام است که غیر عادل را نایب حج سازند اما اکر غیر عادل را
نایب کرده باشند و دانند که حج را بفعل اورده درین صورت
حج او کافیست و احتیاج نایب عادل کرفتن نیست و بعضی از

مجتهدین بر آنند که هرگاه ظن غالب باشد که نایب افعال حج را بجا
می‌آورد نایب کردن او جایز است سیم آنکه در ذمت نایب
حج واجب نباشد چهارم آنکه افعال حج را بالتمام داند یا شخصی
عادل با او باشد که در وقت بجا آوردن هر فعلی را از او تعلیم گیرد
پنجم آنکه در نیت قصد کند که این فعل را بنیابت فلانی بجا می
آورم آنکه شخصی که نایب بنیابت او حج میگذارد شیعه اثنی
عشری باشد پس نایب خلاف مذهب شدن جایز نیست و جایز
است که زن نایب مرد شود و بر عکس و همچنین جایز است که غلام
و کنیز که عادل باشند برخصت آقای خود نایب شوند و
اگر نایب در اثنای راه فوت شود پس اگر فوت او قبل از
احرام و داخل شدن حرم واقع شود نایب دیگر باید گرفت که
از آنجا که او فوت شده روانه حج شود و ورثه او را از وجه
اجاره موازی مسافتی که قطع کرده میرسد و تتمه بورثه صاحب
مال میرسد و اگر فوت او بعد از احرام و داخل شدن
حرم باشد و از باقی افعال چیزی بجا نیاورده باشد آنچه بفعل
آورده کافیست و احتیاج نایب گرفتن دیگر نیست و هرگاه
شخصی را مالی نزد امینی باشد و فوت شود و بر ذمت او حج
اسلام باشد و امین را علم باشد یعنی ظن غالب که ورثه آن
برای آن شخص صاحب مال حج نخواهند گرفت جایز است
بر آن امین که قدر اجرت حج را از آن مالی که نزد او بامانت
است بردارد و شخصی را باجاره بگیرد که بنیابت صاحب مال
حج گذارد

باب سی و سیم در آداب و احکام خمس بباید دانست که چون
بر سادات بنی هاشم زکوة گرفتن حرام شد حضرت حق سبحانه و
تعالی بدل آن خمس را برایشان مقرر کرد و اجماع اهل اسلام
بر وجوب آن منعقد است و نص قرآن و حدیث بر آن دلالت
دارد بدانکه خمس در هفت چیز واجب است اول غنیمت که از
کافران حربی بدست آید هر مقدار که باشد دویم هر کانی که
بهم رسد مثل فیروزه و مس و گل ارمنی و مانند آن بشرط آنکه بعد
از اخراجات ضروری مثل کندن و صاف نمودن قیمت آنچه بماند
بیست مثقال شرعی طلا شود و بعضی از مجتهدین را مذهب آنست
که دادن خمس آن واجبست هرچند قیمت آن از بیست مثقال
طلا کمتر باشد سیم هرچه از دریا بغواصی بیرون آورند مثل
مروارید و مرجان و غیر آن هرگاه قیمت آن بیست مثقال شرعی طلا
شود و بعضی از مجتهدین نصاب آنرا یکمثقال طلا قرار داده اند و
گفته اند هرگاه قیمت آن یکمثقال طلا برسد خمس آن واجبست و
بعضی اعتبار نصاب نکرده اند و گفته اند آنچه از غوص حاصل شود
خمس باید داد خواه قلیل باشد و خواه کثیر و این ضعیف و شاذ
است و مستند ظاهری ندارد و قایل آن نیز معلوم نیست که کیست
اما قول اول که نصاب آن یکمثقال طلاست در نهایت قوتست و مختار
اکثر علماست و مستند آن حدیثی است که از حضرت صادق علیه
السلام روایت شده است که آنحضرت فرموده اند که از پدر خود
حضرت امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردم از آنچه از دریا بیرون
می‌آورند از مروارید و از یاقوت و زبرجد و امثال آن و از آنچه
از معادن مثل طلا و نقره بدست می‌آید در آن زکوة هست امام

علیه السلام فرمودند اذا بلغ قیمته دینارا ففیه الخمس و این حدیث
اگرچه ضعیف السند است اما بشهرت و اتفاق معظم علما است
بر آن و آنچه کتابت علامه در مختلف از شیخ مفید نقل کرده است
که در بعض کتب خود حکم بان کرده است و سید در مدارک بعد از
نقل این حرف از او میگوید و لم نقف علی ذلک بمستند و در منتهی
تصریح بان شده است که در زاید بر یکمثقال یا بیست علی اختلاف
المذهبین نصابی اعتبار نشده است باتفاق علمای ما یعنی هرچند
باشد خمس آنرا باید داد خواه کثیر باشد و خواه قلیل و اگر جمعی بشراکت
غوص کرده باشند میباید حصه هر یک بنصاب باشد تا خمس آنرا باید
داد و بعضی عنبر را نیز که بغوص برآرند این حکم داده اند و نصاب
آنرا یکمثقال طلا دانسته و اگر از کنار دریا یا روی آب بگیرند حکم
آنرا حکم معادن دانسته اند و بر هر تقدیر باجماع علما در وجوب
خمس در عنبر نقل شده است و از حضرت صادق علیه السلام
بطریق صحیح روایت شده است و سید در مدارک در اینکه آنچه در
کنار دریا یا روی آب دریا گرفته شود حکم معادن داشته باشد
اشکال کرده است و حق با اوست و ظاهر اینست که از ارباح تجارات
و بعضی منافع دیگر بوده باشد و بعد از اخراج معدن و وقت سال
خمس آنرا باید داد و اگر چارپائی بخرد و از شکم او چیزی بیرون آید
نقد یا جنسی که قیمتی داشته باشد باید که بصاحب اول او خبر کند
و اگر او دعوی آن کند و نشان دهد باو باید داد و الا خمس آنرا باید
داد و باقی را مالک شد بواسطه حدیثی که بن جعفر روایت کرده
است که چیزی بامام موسی علیه السلام نوشتم و از او سؤال کردم از کسی
که شتری یا گاوی خریده باشد بقصد کشتن و چون ذبح کند از شکم او

کیسه زری یا جواهری بیرون آید بلکه تعلق دارد حضرت در جواب
او نوشتند عرّفها البایع فان لم یعرفها فالشیء لک رزقک الله ایاه
و اطلاق روایت دلالت دارد بر آنکه فرق نباشد میان آنکه اثر اسلام
بر آن باشد و میان آنکه نباشد بلکه ظاهر است که چون سائل و کسی که
از برای او سؤال کرده است و کسی که از او خریده است در بلاد اسلام
بوده است اثر اسلام در آن بوده باشد اما وجوب خمس در آن معظم
علما قطع بر آن کرده اند و دلیلی بر آن ذکر نکرده اند و از ظاهر کلام ایشان
فهم میشود که آنرا در کنز داخل دانسته اند و حکم آن داده و این بسیار
دور از کار است بلی میتواند بود که از ارباح تجارات و حاصل کسب داخل
باشد و بر آن تقدیر میباید شروط آن در آن معتبر باشد و معتبر ندانسته
اند و مطلق حکم بوجوب خمس کرده اند و اگر ماهی بخرد و از شکم آن
چیزی بیرون آید گفته اند خمس آنرا باید داد و باقی را مالک شد و اینجا
خبر کردن بایع لازم نیست و از کلام علامه در تذکره ظاهر میشود که
او ماهی را در این حکم چارپا میداند و رجوع ببایع را واجب
اگرچه بایع تجارت بدست آورده باشد چه او که او را بتجارت بدست
آورده مالک شده است یا جمیع آنچه با اوست مالک شده است و در وقت
فروختن قصد بیع ما فی البطن نکرده پس مال او باشد و سید در مدارک
این حرف را بعید دانسته و حکم بوجوب خمس در این ماده نیز مثل ماده
سابق بی مستند است بلی ممکن است که در ارباح تجارات داخل باشد
چهارم مال الحلال هرگاه بمال الحرام مخلوط شود و قدر حرام بر صاحب
آن معلوم نباشد اما آن قدر معلوم باشد که از پنج یک زیاده است
خمس آنرا باید هر مقدار باشد داد و باقی حلال میشود و اگر معلوم
باشد که از پنج یک زیاده است خمس آنرا باید داد و آن زیادتی را تخمین

باید نمود و بفقرا و مساکین تصدق باید کرد **پنجم** زمینی که کافر ذمی
از مسلمان بخرد واجب است که خمس آن زمین را یا خمس قیمت آنرا یا خمس
حاصل هر سالهٔ آنرا بدهد **ششم** زری که زیر زمین یافته شود پس
اگر در بلاد کافران حربی یافته شده باشد دادن خمس آن واجبست
خواه اثر اسلام بر آن باشد و خواه نباشد و باقی از آن شخص است که
یافته است و همچنین اگر در بلاد اسلام یافته شده باشد و اثر اسلام
در آن نباشد و اگر اثر اسلام در آن باشد لقطه است **هفتم** فایده
که از تجارت یا زراعت یا حرفت و مانند آن بهم رسد پس هرگاه آن
فایده زیاده از کل اخراجات یکسالهٔ آنکس باشد خمس آن زیاده
را باید داد پس اگر شخصی از سود تجارت مثلاً بیست تومان حاصل
کرده باشد و اخراجات لایق بحال او ده تومان شود ده تومان از
این بیست تومان را بجهت اخراجات خود بردارد و ده تومان که می
ماند دو تومان خمس بدهد و برین قیاس هر فایده که از زراعت و
حرفت حاصل شود اگر در آن سال پیشکش بشخصی بدهد یا زن بخواهد
و یا غلام و کنیزک خریداری نماید یا او را جریمه کنند از جملهٔ اخراجات
سال حساب است پس آنچه بعد از وضع کل اینها بماند خمس دادن
آن واجبست هر قدر که باشد و بدانکه نصف خمس تعلق بحضرت
صاحب الزمان علیه السلام دارد و نصف دیگر بسادات یعنی جمعی
که از جانب پدر بهاشم که جد حضرت رسالت پناه صلوات الله علیه
و آله است منسوبند اگرچه از اولاد فاطمهٔ زهرا علیها السلام نباشد
بشرط آنکه شیعهٔ اثنی عشری باشند و ایتام و مساکین و ابناء السبیل
باشند و نصفی که باین جماعت متعلق است صاحب مال میتواند که
خود میانهٔ ایشان قسمت نماید و اما آن نصفی که تعلق بحضرت

صاحب الزمان علیه السلام دارد در زمان غیبت بر صاحب مال
واجبست که آنرا بمجتهدین دهد تا ایشان آنرا میان اینجماعت قسمت نمایند
باب سی و چهارم در آداب و احکام زکوة واجبی و سنتی
و زکوة واجبی مشتمل بر شش فصل است **فصل اول** بدانکه در باب زکوة
دادن مبالغه بسیار در حدیث وارد است و از آنجمله از حضرت
رسالت پناه محمدی صلی الله علیه و آله منقولست که فرمودند زکوا
اموالکم حتی تقبل صلوتکم یعنی زکوة مال خود بدهید تا نماز شما
قبول کرده و نیز از آنحضرت منقولست که فرمودند که مانع الزکوة فی
النار یعنی منع کنندهٔ زکوة در آتش خواهد سوخت و در حدیث دیگر این
مضمون که شخصی که زکوة مال خود نمیدهد خدای تعالی در قیامت
مار افعی بر او گمارد که دست او بگزد و طوق گردن او باشد و هر گاو و
گوسفند و شتری که زکوتش را نداده باشد آنشخص را در زیر دست
و پای خود میگیرد و شاخدار او را شاخ میزند تا وقتی که حساب
خلایق باخر رسد **فصل دویم** بدانکه زکوة در نه چیز واجبست
طلا و نقره و گندم و جو و خرما و مویز و شتر و گاو و گوسفند و بر شخصی
واجبست که بالغ و عاقل باشد و بنده نباشد و مالک نصاب باشد
بتفصیلی که انشاء الله تعالی مذکور خواهد شد و قدرت داشته
باشد که در مال خود تصرف نماید پس در مالی که غصبی شده باشد زکوة
نیست و زکوة طلا و نقره دادن وقتی که سه شرط بهم رسد **شرط اول**
آنکه سکه داشته باشد اگرچه آن سکه متروک شده باشد و کسی با آن
معامله نکند پس در شوشهٔ طلا و نقره و طلا آلات و نقره آلات
زکوة واجب نیست و همچنین در زر مطلس اگرچه مردم با آن معامله
کنند **شرط دویم** آنکه هر یک از طلا و نقره بنصاب رسیده باشد و

نصاب طلا بیست مثقال شرعیست و در کمتر از بیست مثقال زکوة
نیست و اگر بر بیست مثقال یک مثقال یا دو یا سه مثقال زیاده شود
در آن زیاده زکوة نیست تا بچهار مثقال برسد و همچنین اگر بر
بیست و چهار مثقال یک مثقال یا دو مثقال یا سه مثقال زیاده شود
نیست تا وقتی که بچهار مثقال برسد و برین قیاس
نصاب نقره دویست درم است و همچنین
اگر بدویست درم چیزی زیاده شود در آن زیاده ز... تا
وقتی که بچهل درم رسد و برین قیاس طلا و نقره یکدانک و نیم ده
یک است پس اگر زکوة بیست مثقال طلا نیم مثقال است و زکوة هر چهار
مثقال که بعد از بیست مثقال بهم رسد ده یک مثقال است و زکوة
دویست درم نقره پنج درم است و زکوة چهل درم که بعد از دویست
درم رسد یک درم است شرط سیم حول است یعنی آنکه نصاب مدت
یازده ماه در ملک اینکس باشد و در بن یازده ماه سکه دار باشد
پس در اول ماه دوازدهم زکوة واجب میشود و اگر در اثنای آن
مدت چیزی از مقدار نصاب تلف شود یا بقرض شخصی داده شود
یا بعضی را طلا آلات یا نقره آلات یا مطلس سازد زکوة ساقط میشود
هر چند بعمداً کرده باشد که تا زکوة برو واجب نشود و بدانکه قرض
داری مانع زکوة نمیشود پس اگر شخصی مالک دویست درم یا زیاده
باشد و دویست درم قرض داشته باشد زکوة دادن برو واجب
است هر چند مالک چیزی دیگر نباشد فصل سیم در بیان زکوة
گندم و جو و خرما و مویز زکوة درین اجناس اربعه واجب میشود
بدو شرط شرط اول آنکه خود این اجناس را کاشته باشد یا قبل از آنکه
گندم و جو و انگور دانه به بندد و خرما زرد شود یا سرخ شود بملک او

درآید پس اگر گندم و جو و انگور بعد از دانه بستن و خرما بعد از
آنکه سرخ یا زرد شود بملک شخصی درآید زکاة برو واجب نیست شرط دوم
آنکه بنصاب رسیده باشد و آن سیصد صاع شرعیست و صاع شرعی
یکهزار و صد و هفتاد درم شرعیست و درم شرعی بوزن چهل و هشت
جو میانه است پس صاع بوزن پنجاه و شش هزار و یکصد و شصت جو
صو مذکور شد و هر چه بر نصاب زیاد
ن یکمن کمتر باشد زکوة دادن آن واجب است در زکوة
این اجناس ده یک است اگر بآب روان یا آب باران بی احتیاج
آب دادن حاصل شده باشد و اگر بآب چاه و کاریز و امثال آن حاصل
شده باشد نصف ده یک است و اگر بهر دو حاصل شده باشد حکم
بر اغلب است و اگر برابر باشد چهار دانک و نیم از ده یک آن باید
داد پس اگر شصت خروار گندم بهر دو آب بالتسویه حاصل شود زکوة
آن چهار خروار و نیم است و اعتبار نصاب این اجناس بعد از وضع
خراج و تخم و حصه برزگر و نقصان گاو و مصالح الاملاک است
و اگر آبیاری را عت را قبل از دانه بستن خریده باشد قیمت آن را
نیز بیرون کند و بعد از بیرون کردن اینها اگر مقدار نصاب
بماند زکوة واجب است و اگر کمتر بماند ساقط است و انگوری که
عادت نیست که آنرا مویز کنند و رطبی که عادت نیست که آنرا خرما
کنند تخمین باید کرد که اگر مویز و خرما شود بنصاب میرسد یا نه اگر
بنصاب رسد زکوة واجبست و الا ساقط است و تا وقت دادن
زکوة هر چه صاحب مال از این اجناس تصرف نماید از انگور و رطب
وغیره واجب است که مقدار زکوة آنرا معلوم خود سازد تا در وقت
دادن زکوة عوض آن بمستحق رساند و هر گاه زکوة این اجناس را

یکنوبت داده باشد دیگر دادن زکوة آنها واجب نیست اگرچه چند
سال بان بگذرد **فصل چهارم** در بیان زکوة شتر و گاو و گوسفند
زکوة آنها واجبست بچهار شرط **شرط اول** آنکه مدت یازده ماه در
ملک اینکس باشد **شرط دویم** آنکه در مدت مذکور قوت آنها از
چریدن باشد نه از صاحب مال **شرط سیم** آنکه در مدت مذکور
شتر و گاو را کار نفرمایند مثل بار کردن و زمین شیار کردن **شرط
چهارم** آنکه بنصاب رسد پس در کمتر از پنج شتر زکوة نیست و تا بر
بیست و شش شتر نرسد زکوة هر پنج شتر یک راس گوسفند است و
چون بر بیست و شش رسد زکوة آن یکنفر شتر ماده است که
تمام کرده و در سال دوم داخل شده باشد و چون بسی و شش رسد
زکوة آن یک نفر شتر ماده است که داخل سال سیم شده باشد و
چون بچهل و شش رسد زکوة آن یکنفر ماده است که در سال چهارم
داخل شده باشد و چون بشصت و یک رسد زکوة آن یکنفر شتر ماده
است که در سال ششم داخل شده باشد و چون بهفتاد و شش رسد
زکوة آن دو نفر شتر ماده است که در سال سیم داخل شده باشد و
چون [illegible] زکوة آن دو نفر شتر ماده است که در سال
چهارم داخل شده باشد و چون بصد و بیست و یک رسد زکوة
آن در هر چهل شتر یکنفر شتر ماده است که در سال سیم داخل شده
باشد و یا در هر پنجاه نفر یکنفر شتر ماده که در سال چهارم داخل
شده باشد و گاو تا بسی راس نرسد زکوة ندارد و چون بسی رسد
زکوة آن یکراس گوساله است خواه نر و خواه ماده که در سال دوم
داخل شده باشد و چون بچهل رسد زکوة آن یکراس گوساله است
که در سال سیم داخل شده باشد و گوسفند تا بچهل راس نرسد زکوة

ندارد

ندارد و چون بچهل رسد زکوة آن یکراس گوسفند است و چون بصد
و بیست و یک رسد زکوة آن دو راس گوسفند است و چون بدویست
و یک رسد زکوة آن سه راس گوسفند است و چون بسیصد و یک
رسد زکوة آن چهار گوسفند است و چون بچهارصد رسد زکوة
آن در هر صدی یکراس گوسفند است و هر عددی که مذکور شد از
شتر و گاو و گوسفند آنرا در شرع نصاب گویند و هر چه در مابین
دو نصاب واقع شود زکوة ندارد و گوسفندی که بزکوة داده میشود
واجب است که کمتر از هفت ماهه نباشد و لاغر و آبستن نباشد و
اگر تازه زاییده باشد تا پانزده روز نگذرد به زکوة نمیتوان داد
فصل پنجم در بیان مستحقان زکوة و ایشان هشت فرقه اند اول
و دوم فقرا و مساکین اند یعنی کسانی که مالک یکساله قوت خود و
عیال خود نباشد و کسبی و صنعتی نداشته باشد که بآن وفا کند
بشرط آنکه سید نباشد مگر آنکه زکوة دهنده سید باشد چه زکوة
سید بساداتت رواست سیم جماعتی اند که حاکم شرع ایشانرا بجهة
اخذ زکوة از مردم و ضبط محاسبه و قسمت آن تعیین نموده باشد و
شرط نیست که این جماعت فقرا و مساکین باشند پس هر چند مالدار
باشند آنچه حاکم شرع بحق السعی ایشان تعیین نماید میتوانند گرفت
چهارم جماعت کافر که در جهاد مدد اسلام نمایند پنجم هر بنده که در
خدمت آقای خود مشقت و آزار کشد پس او را از زکوة میتوان خرید
و آزاد کردن و همچنین بنده که شرط کرده باشد که مبلغی بآقا دهد و
بعد از آن آزاد باشد هر گاه عاجز از تحصیل کل آن مبلغ یا ابعض
آن پس آن مبلغ را یا تتمه آنرا از زکات بآقای او میتوان داد تا آزاد
شود ششم جماعتی که قرض بسیار براووده باشد و از دادن آن

عاجز باشد بشرط آنکه آن قرض را در معصیت صرف نکرده باشد
هفتم سبیل الله مثل پل ساختن و مسجد عمارت کردن و مدرسه
جهت طالب علمان ساختن که بعلمی مشغول باشد که در آخرت نفع
از آن بایشان رسد هشتم ابن سبیل یعنی شخصی که در شهر خود مال
دارد و غنی است اما بغربت افتاده باشد و پریشان شده باشد
باو زکوة میتوان داد بشرط آنکه سفر او معصیت نباشد و شخصی
نیابد که از و قرض بگیرد یا چیزی از اموال که در شهر خود دارد باو
بفروشد **فصل ششم** در بیان زکوة فطر بدانکه هر شخصی که بالغ و
عاقل باشد و قادر بر قوت یکساله خود و عیال خود باشد خواه
خود و عیال او روزه ماه رمضان گرفته باشند و خواه نگرفته باشند
برو واجب است که از خود و از هر یک عیالان خود مقدار یکصاع
یعنی یکمن و یکچهار یک من تبریز تخمینا از گندم یا جو یا خرما یا مویز یا
برنج یا کشک یا شیر یا آنچه در اغلب اوقات قوت اهل آن ملک
باشد بمستحق رساند و وقت دادن بمستحق نیت چنین کند که این جنس
را بمستحق میدهم بجهت زکوة فطره واجب تقرب بخدا و مصرف زکوة
فطره مصرف زکوة مال است و جایز است دادن قیمت آن بمستحق
و اگر شب عید ماه رمضان مهمانی قبل از شام برسد فطره او بر
اینکس واجب است خواه طعام اینکس را خورده و خواه نخورده و همچنین
هر غلام و کنیزک که گریخته باشد یا غایب باشد فطره ایشان بر اینکس
واجب است مادام که مردن ایشان معلوم نباشد و وقت دادن زکوة
فطره از اول شب عید است تا وقت ظهر روز عید و حرام است
تاخیر آن پس اگر تاخیر کند بنیت قضا باید داد و بعضی از مجتهدین
بر آنند که تا آخر روز عید بنیت ادا میتوان داد و بعد از آن قضاست

در بیان زکوة سنتی بدانکه زکوة در هشت چیز سنت است **اول** در
اسب ماده یان است و زکوة هر اسبی در سالی دو مثقال شرعی طلاست
اگر پدر و مادرش هر دو اصیل باشد و یک مثقال است اگر یکی از
ایشان اصیل باشد یا هیچیک اصیل نباشد بشرط آنکه تمام سال
در صحرا بچرد یعنی علیق ایشان از مال مالک نباشد **دوم** از آنچه
زکوة در آن سنت است مالیست که مالک آن کاری کرده باشد که
بواسطه آن کار زکوة دادن در آن واجب نشده باشد مثل آنکه در
اثنای سال بقرض بشخصی دهد یا زر سکه دار را مطلس سازد یا آن
نصاب اول شتر یا گاو یا گوسفند چیزی بشخصی بخشد در مثل اینها زکوة
دادن سنت است **سیم** از آنچه زکوة دادن سنت است حاصل مستغلات
است مثل دکان و حمام و کاروانسرا و امثال آن پس سنت است
که یک دانگ و نیم دهیک آن حاصل را بزکوة بدهد هرچند بنصاب
نرسد و حول نگذرد **چهارم** از آنچه زکوة دادن آن سنت است هر چیزی
است که از زمین روید و بکیل و وزن در آید مثل برنج و نخود و عدس و
ماش و مانند آن و نصاب و حول آن بطریق نصاب و حول گندم و جو
و خرما و مویز است و همچنین در عشر و نصف عشر **پنجم** هرگاه مال چند
سال در دست مالک نباشد و بعد از چند سال آن بدست آید سنت
است که زکوة یکساله آنرا بدهد **ششم** از آنچه زکوة دادن آن سنت است
مالیست که مالک شک داشته باشد که بنصاب رسیده یا نه سنت است
که مادامی که شک داشته باشد زکوة آنرا هر سال بدهد **هفتم** از
آنچه زکوة دادن آن سنت است مال تجارت است یعنی هرگاه شخصی
متاعی چند بجهت تجارت بخرد یا ملکی را اجاره کند بقصد آنکه
باجاره دهد و فایده از آن حاصل کند پس هرگاه راس المال بنصاب

طلا یا نقره برسد و در مدت یکسال نقصان نکند زکوة دادن
سنت است هشتم آنکه زکوة دادن از سنت است مال طفل
است هرگاه ولی طفل با آن تجارت کند از برای طفل و شروط
زکوة تجارت بهم رسد سنت است که ولی از آن زکوة بدهد

باب سی و پنجم

در آداب و ادعیه زراعت کردن و درخت
کشتن بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که چون حضرت آدم ع بزمین آمد محتاج شد بخوردن و آشامیدن
پیش جبرئیل ع شکایت کرد جبرئیل گفت که زراعت بکن آدم علیه السلام
گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل گفت بگو اللّهمّ اکفنی مؤنة الدّنیا
وکلّ هولٍ دون الجنّة والبسنی العافیة حتّی تهنئنی المعیشة
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون
خواهی زراعت کنی تخم را بگیر و رو بقبله بایست و بگو سه
مرتبه افرأیتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزّارعون
پس بگو اللّهمّ اجعله حبّا مبارکا وارزقنا فیه السّلامة پس
دانه را که در کف داری بپاش و در روایت دیگر فرموده که چون دانه
بپاشی بگو اللّهمّ قد بذرت وانت الزّارع فاجعله حبّا متراکبا
و در حدیث دیگر فرمود که در وقت درخت نشانیدن و دانه پاشیدن
بر هر درختی و هر دانه بخوان که سبحان الباعث الوارث که انشاء
الله تعالی خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت
کشتن و زراعت کردن این آیه را بخوان و مثل کلمة طیّبة کشجرة
طیّبة اصلها ثابت وفرعها فی السّماء تؤتی اکلها کلّ حین باذن
ربّها و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقولست که یک مشت
از تخم بگیر و رو بقبله بایست و سه مرتبه بگو ءانتم تزرعونه ام

نحن الزّارعون پس بگو اللّهمّ اجعله حرثا مبارکا وارزقنا فیه
السّلامة والتّمام واجعله حبّا متراکبا ولا تحرمنی خیر ما
ابتغی ولا تفتنّی بما منعتنی بحقّ محمّد وآله الطّیّبین پس آن قبضه را
بپاش و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد
که درخت خرما خوب بار بیاورد و خرمایش نیکو شود ماهیهای
کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شکوفه اندکی بپاشد
و باقیش را در کیسه پاکیزه کند و در میان درخت خرما جا دهد
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که درخت میوه را مبرید
که عذاب بر شما نازل میشود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت
خرما مکروه است پرسیدند که درختهای دیگر را بریدن چون است
فرمودند باکی نیست پرسیدند که درخت سدر را بریدن چون است
فرمودند که درخت سدر که در بادیه باشد را
که در آنجا کم است اما در شهر باکی نیست و در حدیث دیگر از حضرت صادق
علیه السلام پرسیدند که چون است درخت سدر را بریدن فرمودند
که پدرم درخت سدر را بریدند و بجای آن انگور کشت و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که باکی نیست که عذره آدمی را
در مزرعها بریزند و از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولست
که حضرت عیسی علیه السلام بشهری گذشتند در میوهای ایشان
کرم بسیار بود در این باب بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما
چون درخت میکارید اول خاک میریزید و بعد از آن آب میدهید
باین سبب کرم در میوها بهم میرسد بعد از این اول آب بریزید و بعد
از آن خاک بریزید چنین کردند کرم از میوهاشان برطرف شد و از
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که درخت سدر را آب

دهد چنان است که مؤمنی را در وقت تشنگی اب داده باشد و فرمود
که حضرت حق سبحانه و تعالی هیچ درختی را خلق نکرده است مگر
آنکه میوه داشت که مستوا شدند خورد چون مردم از برای خدای
تعالی [illegible] شدند میوه نصف درختان بر طرف شد پس
چون با خدای تعالی شریك قرار دادند درختان خار بهم رسانیدند
خاتمه و در آن شش فایده است فایده اول در فواید
متفرقه [illegible] در نیك و بد ایام و سال و ماه و هفته
و نزول آفتاب و ماه در بروج دوازده گانه از حضرت صادق
علیه السلام منقول است که در هر روز از ایام هفته که نوروز شود
حکم آن از نیکی و بدی بدین موجب است که در اصل نوشته میشود
اگر نوروز روز شنبه شود خداوند سال زحل بود و طالع جدی
سپاهیان کفت و کو بسیار بود غله
نیك بود در وقت بهار ایمنی بود و انجیر را آفت
رسد باران و سیل بسیار بود و سلطان از میان برود و نا ایمنی
بود و در زمین ماوراء النهر ایمنی بود و بر زمین هندوستان آفت
رسد و در زمین عراق پادشاهی پدید اید و عدل و داد کند دزد
بسیار باشد مار و ملخ بسیار بود و کار بزرگان نیك شود و بر زمین
طبرستان فتنه و آشوب بسیار بود و مرگ در زنان و کودکان بود و
حال سادات میانه بود و اعزه میانه بود و بنواحی یمن غله را آفت
رسد و مرگ بسیار بود و در همه ناحیه فتنه و آشوب پدید اید گوسفندان
را آفت اسمانی رسد و در آخر سال انواع چیزها گران شود و پالیزها
نیك بود و در زمین بابل انگبین را آفت رسد دوستان با یکدیگر مخالفت
کنند خداوند طالع زحل را همه کار نیك بود و اگر نوروز روز سلطانی

روز یکشنبه بود خداوند سال آفتاب بود حال پادشاهان و بزرگان
نیك بود و نعمت فراوان بود و ارزانی شود و فتنه و غم کم بود باران
بسیار بود و غله میانه بود و پالیزها نیك شود پنبه ارزان بود
بیماری بسیار بود و مردم را از مهتران و بزرگان منفعت بود
تابستان میانه بود و اگر نوروز روز دوشنبه بود خداوند سال قمر
بود کار ملوك نیك بود و مردم عام را حال میانه بود کار بزرگان
نیك بود پالیز نیك بود کار عمال و ملاحان نیك بود همه مردم را
کار بمنفعت بود نعمت فراخی بود جو و گندم بسیار بود اما برنج
پنبه و کنجد نیك بود زمستان سرمای سخت بود بوقت خزان ناگاه
سرمای کند و درد و بیماری بسیار بود ناخوشی دلها بود و الله اعلم
و اگر نوروز روز سه شنبه بود خداوند سال مریخ است دزدان حال نیك
بود و سلاطین و بزرگان بر زیردستان بیدادی کنند و در میان
لشکرها حرب و قتال بود و بیماری زنان و کودکان بسیار باشد
امانت بگذارند و خیانت را میل کنند کهتران با مهتران و زنان
با شوهران خلاف کنند یکی بمشرق و دیگری بمغرب هلاك شوند و
باران بی وقت بسیار بود و خرابی بسیار کند پنبه نیك بود کار
دهقانان و مزارعان نیکو بود و پالیزها و میوه نیك بود خداوند
طالع قمر را نیك بود و الله اعلم و اگر نوروز روز چهارشنبه شود
خداوند سال عطارد بود طالع سال سنبله بود یا جوزا دلیل کند
که درین سال آشوب و فتنه بسیار بود و دروغ و خیانت بسیار بود
و نرخها گران گردد و درد و بیماری مردم از گرمی و خشکی و درد گلو
بسیار بود و زمین طبرستان و جرجان و گیلان آشفتگی بسیار بود و
دلهای مردم پر غم بود و کارها بسته شود و بازرگانی نفع بود و

دلایل در بن کتاب [illegible]

انصاف از میان مردم برخیزد و با یکدیگر کینه و حسد کنند و کار
دهقانان نیک بود باران بی وقت بسیار بارد و خرابی بسیار کند
کار سلطان حال بحال بگردد و کهتران با مهتران جنگ کنند بادهای
مخالف بسیار وزد و دروغ بود در وقت بهار خشکی کند و دلهای مردم
با ترس بود زمستان گرم بود والله اعلم بحقایق الامور واگر نوروز
روز پنجشنبه بود خداوند سال مشتری بود حال علما و سادات نیک
بود مردم در دین و شریعت میل کنند نعمت فراوان بود حال سلطان
با قوت باشد چهارپایان نیک بوند در کوهستان بهتر بود پنبه و
کنجد میانه بود پالیزها نیک بود در وقت تموز باران و نم بسیار بود
غله در خرمنها تباه شود وقت بهار گرمی و میغ بسیار بود تابستان
گرما بسیار کند و بیماری کم بود والله اعلم واگر نوروز روز جمعه شود
خداوند سال زهره بود حال علما و فضلا و سادات و فقها نیک بود
جو و گندم نیک بود نرخها ارزان بود و حال سلطان ضعیف و نحیف
بود مشغولی بسیار بود لهو و طرب و شادی بسیار بود پنبه بیگاه
نباید کشت که آفت رسد پالیز نیک بود زمستان برف بسیار بود
اما کشتها با برکت بود و در تابستان گرما سخت بود بیماری بسیار
بود اما خداوند طالع را نیک بود العلم عند الله بحقایق الامور
در بیان روزهای غرهٔ محرم موافق استخراج حکمای فارس اگر اول محرم
روز شنبه باشد آن سال زمستان سخت باشد و میوه بسیار بود و صید
و شکار بجد و ستوران نیک بود و غله عزیز بود و زنان و شوهران با
هم نیک باشند ولیکن مرگی هم باشد والله اعلم واگر اول ماه محرم روز
یکشنبه باشد زمستان میانه بود و میوه بسیار بود و سفید و سبز نیک آید
و بیماری بسیار بود و مرگ کم بود والله اعلم واگر غرهٔ محرم دوشنبه باشد

زمستان

زمستان سخت باشد و برف و باران بسیار بود میوه را اندک
آفت رسد و غله بسیار ارزان بود واگر غرهٔ محرم روز سه‌شنبه بود
زمستان سخت باشد و غله ارزان باشد اما انگور کم بود و
کار سلاطین ضعیف باشد و زنان حامله اکثر پسر زایند والله
اعلم واگر غرهٔ محرم روز چهارشنبه بود زمستان و بارندگی بسیار باشد
و غله ارزان بود و سردرختی کم بود اما انگور بسیار بود و اندکی
شورش در میان مردم پیدا شود واگر غرهٔ محرم روز پنجشنبه باشد زمستان
ملایم بود و میوه بسیار باشد و غله نیک بود و ارزانی باشد و
کار سلطان نیک بود و بیماری کم بود العلم عند الله واگر غرهٔ محرم
روز جمعه بود زمستان بسیار باشد و غله ارزان بود و قوی بر
ضعیف مهربان باشد مرگ کم بود کار سلطان نیک بود و امن
باشد والسلام بدانکه در روایتی وارد شده است در هر
ماهی هفت روز نحس است از امامهای قدیم باین مضمون که
هفت روز نحس باشد در مهی : زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج :
سه و پنج و سیزده با شانزده : بیست و یک با بیست و چهار و
بیست و پنج : سیم از برای این نحس است که درین روز قابیل هابیل
را کشت و پنجم آدم علیه السلام را از بهشت بیرون کردند
و حضرت یوسف علیه السلام را درین روز بچاه انداختند
سیزدهم روزیست که محنت و بلا بر ایوب علیه السلام فرود آمد
و هم درین روز حضرت سلیمان ع از پادشاهی افتاد و شانزدهم
روزیست که حضرت ابرهیم ع را در آتش انداختند بیست و یکم
روزیست که حضرت حق سبحانه و تعالی قوم لوط را بزمین فرو
برد و هم درین روز بود که صورت قوم عیسی ع را گردانید و خوک

کرد و هم درین روز بود قوم موسی را نابود کردند و هم در
این روز کود یحیی بن زکریا را بشکافتند بیست و چهارم روزیست
که خدای تعالی فرعون را درین روز بیافرید و هم درین روز در
دریا غرق شد و درین روز طوفان شد و درین روز ملخ و وزغ
ببارید بیست و پنجم ازین جهت نحس است که خدای تبارک و
تعالی غرور را درین روز بیافرید و درین روز بود که شکم معادان
شکافتند هم درین روز شتر صالح را پی کردند بدانکه از حضرت
امام موسی علیه السلام منقولست که در سالی دوازده روز نحس
است که در ماهی یکروز باشد ماه محرم ماه صفر

ماه ربیع الاول	ماه ربیع الثانی	ماه جمادی الاول
چهارم	هشتم	بیست و دویم
ماه جمادی الاخر	ماه رجب	ماه شعبان	ماه رمضان
بیستم	دوازدهم	بیست و نهم	بیست و چهارم
ماه شوال	ماه ذی قعده	ماه ذی حجه
بیست و هشتم	بیست و هفتم	بیست و هشتم

(marginal above ماه صفر: دهم; above ربیع الثانی: بیستم)

اگر خواهی بدانی که قمر در کدام برج است از بروج دوازده کانه
بدین قطعه نظر کن و حساب کن که منزل و درجاتش بر تو روشن کرده
و این ابیات از خواجه نصیر علیه الرحمة است ؛ هر روز زماه
سیزده تایین کن ؛ پس بیست و شش اضافه و تخمین کن ؛
هر برجی را زموضع سی ده ؛ میدان درجات مه را تخمین کن ؛
هرگاه خواهی بدانی که قمر در کدام برج است میباید دید تا از
ماه چند روز گذشته است هر روز را سیزده گرفت و جمع کرد و
بیست و شش دیگر از خارج اضافه آن نمود و مجموع را سی سی طرح

کرد

کرد پس نظر باید کرد که آفتاب در کدام برج است بهر برجی سی را اول
تا منزل قمر و درجاتش مشخص گردد و در همین خصوص از ابونصر
قطعه که مضمونش اینست مذکور است ؛ هرچه از ماه شد مثنی
کن ؛ پنج دیگر فزای بر سر آن ؛ پس بهر پنج از آن زخانه شمس ؛
خانه گیر و جای ماه بدان ؛ هرچه ماند در آخرین منزل ؛ ضرب
کن در شش و درج میدان ؛ و هم درین باب از ابونصر است ؛
هرچه از ماه میرود بشمار ؛ هریکی را دوازده انگار ؛ پس نظر کن
که آفتاب کجاست ؛ از دوم برجش ابتدا کن راست ؛ پس بهر برج
از آن بده سی سی ؛ تا بدانجا که مطلب است رسی ؛ بدانکه اگر
خواهی بدانی که آفتاب در هر برج از بروج دوازده کانه چند روز
میماند و از برجی ببرجی چه وقت انتقال مینماید علی طریق الاجمال
آنست که باید مشخص نمود که روز نوروز سلطانی که ابتدای تحویل
حمل است چه روز و چندم کدام ماه بوده و موافق آن ضابطه
باین ابیات باید حساب نمود لا و لا لب لا و لا لا شش مهرست
لل کط و کط لل بشهور کونراست ؛

حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
۳۱	۳۱	۳۲	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۲۹	۲۹	۳۰	۳۰

مثال میخواهیم بدانیم که حال که نهم جمادی الاولی
است آفتاب در کدام برج است مشخص نمودیم که در یکم رمضان نوروز
بوده تا هشتم جمادی الاولی دویست و هفده روز میشود بر بروج بشرح
متن که هفت روز مانده از سی روز مکث نموده هفت سی و هفت روز
میشود پس معلوم شد که امروز که نهم است آفتاب ببرج عقرب
انتقال نموده از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر
خواهی غره ماه را بدانی از هجرت نبوی صلی الله علیه و اله وسلم
نهصد و هشتاد سال طرح کن و باقی را هشت هشت طرح کن از

یکی بماند در خانهٔ ج نظر کن و اگر دو بماند در خانهٔ ع نظر کن و اگر
سه بماند در خانهٔ ف نظر کند و اگر چهار بماند در خانهٔ ر نظر
کند و اگر پنج بماند در خانهٔ ص نظر کند و اگر شش بماند در خانهٔ ا
نظر کند و اگر هفت بماند در خانهٔ د نظر کند و اگر هشت بماند در خانهٔ ن نظر کند

شهور	ج	ع	ف	ر	ص	ا	د	ن
محرم	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه
صفر	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه
ربیع الاول	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه
ربیع الآخر	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه
جمادی الاولی	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه
جمادی الآخر	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه
رجب	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	دوشنبه
شعبان	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه
رمضان	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه
شوال	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه
ذی‌القعده	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه
ذی‌الحجه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه

اختیارات آخوند مولانا بسم الله الرحمن الرحیم محمد باقر مجلسی رحمه الله

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین محمد و عترته
الطاهرین اما بعد چنین گوید احقر عباد الله محمد باقر بن محمد تقی
عفی الله عن جرائمهما که این رساله ایست در بیان آنچه از احادیث
معتبرهٔ اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین معلوم میشود
از سعادت و نحوست ایام هفته و ماه بجهت ارتکاب اشغال
و اعمال بر وجه اختصار مرقوم میگردد تا آنکه جمعی از خلص شیعیان
که در جمیع امور متابعت پیشوایان دین را لازم میدانند باین
رساله رجوع نموده محتاج باختیارات ساعات نجومیه که بحسب
شرع مذموم است نباشند و علی الله التوکل و هو حسبی و نعم الوکیل
فصل اول در اختیارات ایام ماه است علی ابن طاوس علیه الرحمه
از حضرت امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیه
روایت نموده که روز اول حضرت آدم علیه السلام در آن روز مخلوق
گردیده و روز مبارکیست از برای طلب حوائج و از برای رفتن بنزد
پادشاهان و طلب علم و زن خواستن و سفر کردن و خرید و فروش و گرفتن
چهارپایان و اگر بنده یا جوانی در این روز گم شود تا هشت روز بدست
می‌آید و هر که در این روز بیمار شود شفا می‌یابد و فرزندی که در این روز
متولد شود بخشنده و فراخ روزی و با برکت باشد روز دوم در این
روز حضرت حوا مخلوق شده و شایسته است از برای زن خواستن
و خانه بنا کردن و تمسکها و قبالجات نوشتن و حاجات طلب کردن
و اختیار کارها نمودن و هر که در اول این روز بیمار شود بیماریش سبک
باشد بخلاف آخر روز و فرزندی که متولد شود در این روز نیکو تربیت یابد
روز سیم روز نحسیست و آدم و حوا در این روز از بهشت بیرون کردند

پس بهترین کار تو درین روز آنست که مشغول اصلاح امور خانهٔ خود
کردی و تا ممکن باشد برای کاری بیرون نروی و بپرهیز درین روز
از نظر پادشاه رفتن و خرید و فروخت و سایر کارها و هر بنده که
درین روز بگریزد بدست نیاید و هر که درین روز بیمار شود بمشقت
افتد و فرزندی که متولد شود روزیش فراخ و عمرش دراز باشد
و در حدیث سلیمان وارد شده است که روز کراهیت و برای هیچ
کاری شایسته نیست **روز چهارم** نیکست برای زراعت کردن و
شکار کردن و عمارت بنا کردن و چهارپایان گرفتن و مکروه است
در آن سفر کردن پس سفر کند بیم آنست که کشته شود یا مالش را ببرند
یا بلائی او را عارض شود و درین روز هابیل متولد شده و فرزندی
که درین روز متولد شود شایسته و مبارک می باشد نازنده است و
هر که درین روز بگریزد یافتنش دشوار باشد و پناه بجائی برد که او را
بدست نتوان آورد **روز پنجم** روز نحسی است که در آن قابیل ملعون
متولد شده و در همین روز برادر خود را کشت پس هیچ کار اختیار مکن
و از خانه بیرون مرو و هر که درین روز سوگند دروغ بخورد زود
جزای خود را بیابد و هر که درین روز متولد شود حالش نیکو باشد
و در حدیث سلیمان وارد است که درین روز اختیار کاری مکن و
بنظر پادشاهی مرو **روز ششم** روزیست که شایسته است برای
بر آوردن حاجات و زن خواستن و هر که سفر کند درین روز در دریا
یا صحرا بر گردد بسوی اهلش با آنچه خواهد و دوست دارد و نیک
است از برای خریدن چهارپایان و هر حیوانی و بنده که درین روز
گم شود بزودی پیدا شود و هر طفلی که درین روز متولد شود نیکو تربیت
یابد و از آفتها بسلامت باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست

که شایسته است برای شکار و طلب معاش و هر حاجتی و در
روایت سلمان وارد شده است که خوابی که درین روز دیده شود
بعد از یک روز یا دو روز تعبیرش ظاهر شود **روز هفتم** برای همه
کارها شایسته است هر که درین روز شروع بمشق و کتابت نماید
بنیکی بکمال رساند و هر که ابتدا کند درین روز بعبادت یا بمروت
عاقبتش نیکو باشد و روزیش فراخ باشد و در حدیث دیگر
شایسته است برای شکار و طلب روزی **روز هشتم** شایسته است
برای هر حاجتی از خرید و فروخت و هر که درین روز پیش پادشاه
برود حاجتش بر آورده شود و مکروه است درین روز بدریا رفتن
و سفر خشکی کردن و بجنگ رفتن و هر طفلی که متولد شود ولادتش
شایسته نباشد و هر که بگریزد بر وظفر نتوان یافت مگر بتعب بسیار
و هر که راه گم کند درین روز راه نیابد مگر بمشقت و هر که درین
روز بیمار شود تعب بسیار کشد و در روایت دیگر آنکه شایسته
است برای هر کاری مگر سفر کردن و سلمان رضی الله عنه روایت
کرده است که برای هر کاری شایسته است **روز نهم** روز سبکیست
و نیک است برای هر امری که اراده نمائی پس ابتدای کارها بکن
و زراعت بکن و درخت بکار و هر که درین روز با دشمن جنگ
کند غالب آید و هر که سفر کند مال او را روزی شود و خیر بیند
و هر که درین روز از دشمن بگریزد نجات یابد و هر که بیمار شود
بیماریش سنگین شود و هر که گم شود بزودی یافت شود و هر فرزندی
که متولد شود شایسته باشد و در همه حال توفیق یابد و در روایت
دیگر آن فرزند فراخ روزی باشد و بروایت سلمان خوابی که
درین روز دیده شود اثرش در آن روز ظاهر گردد **روز دهم**

حضرت نوح علیه السلام درین روز متولد شده است و هر
فرزندی که درین روز متولد شود بسیار پیر و معمر و فراخ روزی
باشد و نیک است برای خرید و فروش و سفر کردن و گم شده
در آن روز زود یافت شود و گریخته زود بدست آید و به بند
افتد و هر که درین روز بیمار شود سزاوار است که وصیت کند
و در حدیث دیگر برای تخم کردن و زراعت نمودن و سلف خریدن
نیکوست و بروایت سلمان خوابی که درین روز دیده شود تا
بیست روز بظهور آید روز یازدهم حضرت شیث درین روز
متولد شده است و شایسته است برای ابتدای کارها و خرید
و فروش و سفر کردن و باید که احتراز نماید از رفتن بنزد پادشاهان
و هر که درین روز بگریزد بزودی باز گردد از روی اطاعت و هر که
بیمار شود امید هست که بزودی شفا یابد و هر طفلی که متولد
شود به نیکی زندگانی نماید و لیکن نمیرد تا آنکه پریشان شود
و از پادشاهی بگریزد و بروایت دیگر هرگز پریشان نشود و بروایت
سلمان خوابی که ببیند تا بیست روز اثرش بظهور آید روز دوازدهم
روزی شایسته است برای زن خواستن و دکان گشودن و شریک
شدن و بدریا سفر کردن و درین روز واسطه میان دو کس نباید
شد و بیمار را امید شفا در آن هست و فرزندی که متولد شود
با سامان تربیت یابد و در روایت دیگر گریخته بدست آید و
فرزندی که بهم رسد بسیار عمر یابد و پریشان نشود روز سیزدهم
روز نحسیست بپرهیزد از آن از منازعه کردن و بنظر پادشاهان
رفتن و روغن بر سر مالیدن و سر تراشیدن و هر کاری و هر که
بگریزد بر او دست نیابند و هر که بیمار شود بتعب افتد و فرزندی

کشود

که متولد شود چندانی زندگانی نکند و بروایت سلمان خوابی
که ببیند تا نه روز بعمل آید روز چهاردهم نیکست برای هر
کاری و هر فرزندی که متولد شود ظالم باشد و نیکست برای
طلب علم و خرید و فروخت و سفر کردن و قرض گرفتن و بدریا
نشستن و گریخته بدست آید و بیمار صحت یابد انشاء الله و در
روایت دیگر فرزندی که متولد شود عمرش دراز باشد و بطلب
علم راغب باشد و در آخر عمر مالش فراوان گردد و بروایت سلمان
نیکست برای هر امری و برای دیدن پادشاهان و فرزندی که
بهم رسد خوش نویس و دانا گردد و خوابی که دیده شود بعد از
بیست و شش روز بعمل آید روز پانزدهم نیکست برای همه امور
مگر قرض دادن و قرض گرفتن و کسی که درین روز بیمار شود بزودی
صحت یابد و کسی که بگریزد بزودی بدست آید و فرزندی که متولد
شود لال باشد یا در زبانش عیبی باشد و بروایت سلمان خواب
بعد از سه روز اثرش ظاهر شود روز شانزدهم روز نحسیست
و برای هیچ کار خوب نیست مگر عمارت بنا کردن و پی گذاشتن
و هر که سفر درین روز کند هلاک شود و هر که بگریزد بزودی برگردد
و هر که راه گم کند سالم بماند و هر که بیمار شود بزودی شفا یابد
و فرزندی که متولد شود پیش از زوال دیوانه شود و اگر بعد از زوال
متولد شود حالش نیکو باشد بروایت سلمان خواب بعد از دو
روز اثرش ظاهر گردد روز هفدهم روز میانه است بپرهیز در آن
از منازعه کردن و قرض دادن و قرض گرفتن پس هر که قرض بدهد
باو ندهند و هر که قرض بگیرد پس ندهد و فرزندی که متولد شود حالش
نیکو باشد و بروایت دیگر روز گرانیست در آن حاجت طلب مکن

و در روایت دیگر وارد شده است که حجامت در هفدهم ماه
شفاست روز هیجدهم روز مبارکیست و برای هر کار نیکست
از خرید و فروخت و زراعت و سفر و کسی که برود شمنی خصمی
کند برو غالب آید و اگر مالی بقرض دهد بر گردد و بیمار شفا
یابد و فرزند حالش نیکو باشد روز نوزدهم روز مبارکیست
و درآن روز حضرت اسحق علیه السلام متولد شده است و
شایسته است برای سفر و طلب روزی و سعی در کارها و
آموختن علم و بد نیست برای بنده و چهارپایان خریدن و گم
شده و گریخته بعد از پانزده روز برگردد و فرزندی که متولد
شود درین روز توفیق خیرات بیابد روز بیستم میانه است و
نیکو است برای سفر کردن و بر آوردن حاجتها و بنا کردن بناها
و دار بست کردن درختان و گرفتن چهارپایان و کسی که بگریزد
برو دست یافتن و کسی که راه گم کند خوف هلاک برو هست و کسی
که بیمار شود بیماریش صعب گذرد و فرزندی که بوجود آید با
مشقت زندگانی کند روز بیست و یکم روز نحس است پس حاجت
طلب مکن و بپرهیز در آن روز از پادشاهان و کسی که سفر کند خوف
کند هلاک برو هست و فرزندی که بهم رسد فقیر و پریشان
باشد و بروایت دیگر روز نحسی است و همین برای کشتن حیوانات
نیکست روز بیست و دوم شایسته است برای بر آوردن حاجتها
و بیع و شرا و رفتن بنزد پادشاهان و تصدق دادن و در آن روز
منقول است که بیمار بزودی شفا یابد و مسافر بعافیت برگردد
و بروایت دیگر روز سبکیست و برای هر کار نیکیست روز بیست
و سیم درین روز حضرت یوسف علیه السلام متولد شده است

ونیکست

و نیکست برای طلب حوائج و تجارت و زن خواستن و نزد
سلاطین رفتن و کسی که درین روز سفر کند غنیمت یابد و خیر
بسیار بیند و فرزندی که متولد شود نیکو تربیت یابد روز
بیست و چهارم روز نحسی است و فرعون درین روز بوجود آمده
است پس هیچ کاری درین روز اراده مکن و فرزندی که متولد
شود روزگار بسختی گذراند و توفیق خیری نیابد و در آخر عمر یا
کشته شود یا غرق شود و هر که درین روز بیمار شود بیماریش
بطول انجامد روز بیست و پنجم روز نحسی است پس خود را در
این روز حفظ کن و پی کاری مرو که درین روز حق تعالی اهل
مصر را و فرعون را بآیات عذاب خود مبتلا گردانید و بیمار
حالش بد مباشد اما ببلای سختی مبتلا میشود و آخر نجات
مییابد و در روایت دیگر هر که درین روز بیمار شود تا آخر روز
بهوش نیاید و بروایت سلمان از شر این روز بخدا پناه ببر بنماز
و دعا و اعمال خیر روز بیست و ششم شایسته است برای سفر و
هر امری که اراده کنی مگر زن خواستن که هر که درین روز تزویج
نماید میان او و زوجه اش جدائی افتد زیرا که درین روز دریا
شکافته شد برای حضرت موسی علیه السلام و اگر از سفر برگردی
درین روز بخانه خود داخل مشو و بیمار درین روز حالش بد باشد
و فرزندی که بوجود آید عمرش دراز نباشد روز بیست و هفتم برای
همه کار نیکست و فرزندی که درین روز متولد شود خوش خو و خوش
رو و طویل العمر و با خیر فراوان و محبوب دلهای مردمان باشد
و بروایت دیگر برای سفر بسیار نیکست روز بیست و هشتم نیکست
برای هر کاری و درین روز حضرت یعقوب علیه السلام متولد

شده است پس هر فرزندی که متولد شود غمهای عظیم باو برسد
و بمرض یا بضعف چشم مبتلا کردد و بروایت سلمان خواب در
همان روز اثرش ظاهر کردد روز بیست و نهم برای جمیع کارها
خوبست الا کتابت که مکروه است در ان و هر فرزندی که درین
روز بوجود اید برده بار باشد و هر که سفر کند مال بسیار
یابد و هر که بیمار شود صحت یابد و درین روز وصیت نامه
بنویسند و در روایت دیکر شایسته است برای همه کار خصوصا
ملاقات پادشاهان و دیدن برادران و دوستان و بروایت
سلمان خوابی که درین روز دیده شود زود اثرش ظاهر کردد
روز سی ام نیکست برای فروختن و خریدن و تزویج کردن و
فرزندی که درین روز بوجود اید بردبار و مبارک باشد و هر که
بکریزد بدست اید و هر که چیزی کم کند بیابد و هر که مالی قرض
کند بزودی باز دهد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقولست که ترک مکن حجامت را در هفتم حزیران رومی و اکر نکنی
در چهاردهم البته بکن فصل دوم در اختیارات ایام هفته
روز جمعه مبارکترین روزها و بهترین عیدهاست و سنت است
در ان روز بحمام رفتن و سر تراشیدن و ناخن و شارب کرفتن و
پیش از زوال بجهت نماز جمعه سفر کردن خوب نیست و بعد از نماز
سفر کردن مبارکست و حجامت کردن در بعضی احادیث واقع
شده است که نباید کرد زیرا که در ان روز ساعتی هست که در ان
ساعت اکر حجامت واقع شود هلاک میشود و در روایتی واقع
شده است نهی از حجامت در وقت زوال و در چند حدیث دیکر
واقع شده است که قصوری ندارد مطلقا و در حدیث معتبر دیکر

از حضرت

از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر کاه در
شب یا روز جمعه زیادتی خون در خود بیابی ایة الکرسی بخوان و
حجامت بکن و در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله چون هوا سرد میشد و از بیرون باندرون نقل میفرمودند
در روز جمعه میکردند و در حدیث دیکر آنکه در وقتی که هوا کرم
میشد باز در روز جمعه به بیرون نقل میفرمودند و در بعضی
روایات وارد شده است که نوره کشیدن در روز جمعه مورث
پیسی است و در چند روایت تجویز واقع است بلکه بعضی از روایات
دلالت بر استحباب میکند و در روایت معتبر وارد است که روز
جمعه روز خواستکاری و نکاح کردن است و مستحب است موی
سر و ریش را شانه کردن و بوی خوش کردن و جامه نو و جامهای
پاکیزه پوشیدن و میوه تازه بخانه اوردن و سر را بسدر و خطمی
شستن و برای سایر کارها مبارکست روز شنبه روز مبارکیست
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا مبارک کردانیده
است برای امت من در بامداد روز شنبه و پنجشنبه و برای جمیع کارها
خوبست خصوصا سفر کردن که در حدیث معتبر وارد شده است
که اکر سنکی از سنکی در کردد در روز شنبه البته حق تعالی انرا
بجای خود بر میکرداند و ناخن کرفتن و شارب کرفتن نیز خوبست
و در حدیث دیکر وارد شده است که هر که ناخن و شارب در روز
جمعه و پنجشنبه بکیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و در
روایتی وارد شده است که حجامت کردن در روز شنبه مورث
ضعف است روز یکشنبه میانه است برای اکثر کارها و موافق
حدیث معتبر حجامت کردن در طرف عصر روز یکشنبه بسیار

نافع است و در حدیث دیگر وارد شده است که برای عمارت بنا
کردن و عروسی کردن خوبست **روز دوشنبه** نحس ترین روزهاست
و در ایام سال روز عاشورا از همه روز نحس تر است و در ایام
هفته روز دوشنبه و این دو روز منسوب به بنی امیه است که
ایشان عید کردند بسبب شهادت حضرت امام حسین صلوات
الله علیه و در این روز حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا
مفارقت نمود و برای هیچ کاری مبارک نیست و در بعضی روایات
وارد شده است که در طرف عصر حجامت کردن خوبست و در بعضی
روایات مطلق واقع شده است که خوبست و در احادیث بسیار
نهی واقع شده است از سفر کردن در این روز و پی مهمی و حاجتی
رفتن و در حدیث معتبر از حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه و آله منقول است که هر که خواهد که خدا او را از شر روز دو
شنبه نگاه دارد در رکعت اول نماز صبح روز دوشنبه هل اتی
علی الانسان را بخواند **روز سه شنبه** میانه است برای اکثر کارها و
در حدیث وارد شده است که سفر کن در روز سه شنبه که در این روز
خداوند عالمیان آهن را برای حضرت داود نرم کرد و بروایتی از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که روز سه شنبه
چهاردهم یا هفدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند شفا باشد او
را از دردهای سال و در حدیث دیگر وارد شده که در روز سه
شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن ساعت اتفاق افتد خون
نمی ایستد تا او را هلاک کند و در حدیث معتبر وارد شده است
که هر حاجتی بر او دشوار شود آنرا طلب نماید در روز سه شنبه و
در حدیث دیگر وارد شده است که ناخن بگیرید در روز سه شنبه

و در حدیث دیگر روز جنگ است و خون کردن **روز چهارشنبه**
روز نحسی است و برای اکثر کارها شایسته نیست و نهی واقع
شده است از حجامت کردن و نوره کشیدن و سفر کردن در این
روز و در بعضی روایات تجویز حجامت و سفر وارد شده است
و اگر حجامت ضرور شود بهتر آنست که در آخر روز واقع سازند
چنانکه در بعضی احادیث وارد شده است و در حدیثی نهی واقع
شده است از حجامت در روز چهارشنبه هرگاه ماه در عقرب
باشد و در روایت معتبر وارد شده است که بحمام بروید در روز
چهارشنبه و در حدیثی دیگر وارد شده است که روز خوردن
مسهل و داروست **روز پنجشنبه** روز مبارکیست و برای جمیع
کارها خوب است خصوصا حجامت کردن موافق احادیث بسیار
و بهتر آنست که پیش از زوال واقع سازد و برای ناخن گرفتن
خوبست و بهتر آنست که یک ناخن را برای جمعه بگذارد و در
روایتی وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون
هوا گرم میشد و بیرون نقل میفرمودند در روز پنجشنبه میکردند
و در حدیثی وارد است که هر که در پنجشنبه آخر ماه اول روز حجامت
کند درد از بدنش میکشد و در روایتی دیگر وارد شده است که روز
پنجشنبه روز داخل شدن بر امرا و برآوردن حاجتهاست و بدانکه
سفر کردن و تزویج کردن در قمر در عقرب کراهتی دارد و روزهائی
که در ماه مذکور شد که نحوست دارد اگر در ماه فرس قدیم هم آنها را
رعایت نمایند بهتر است **فصل سیم** در بیان امری چند که موجب
رفع نحوست ایام و ساعات میشود بدانکه توکل و تفویض و اعتماد بر
جناب مقدس الهی نمودن در جمیع امور و استمداد از حضرات ائمه

معصومین علیهم السلام نمودن هر مخوفی بسعادت مبدل میگرداند
و توسل بآیات کریمهٔ قرآن و دعا و تصدق تدارک هریک از اینها میکند
چنانکه در حدیث معتبر وارد شده است که آیة الکرسی بخوان و هرروز
که خواهی حجامت بکنی تصدق کن و هرگاه خواهی سفر کنی و در احادیث
بسیار وارد شده است که تصدق و دعا رد میکند بلاهاء مبرم را و
در حدیث معتبر منقولست از سهل بن یعقوب که بخدمت حضرت امام
علی نقی صلوات الله علیه رفتم و حدیثی که از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست در باب اختیارات ایام بر آنحضرت عرض
نمودم و تصحیح نمودم که در اکثر روزها چیزی چند هست که مانع رفتن
بطلب حوایج است و بسیار است که ما را ضرور میشود و در این روزها
حرکت کردن و متوجه مطالب شدن حضرت فرمود که یا سهل ولایت
و محبت ما اهل بیت نگاهدارنده و حافظ شیعیان است از جمیع
بلاها اگر با ولایت ما بلجهٔ دریاها یا صحراها و بیابانها در میان
حیوانات درنده یا دشمنان جن و انس روند هر آینه از شر ایشان
ببرکت ولایت ما پس اعتماد کن بر خدا و خالص گردان ولایت خود
را از برای ما و بهر جانب که خواهی متوجه شو و چون صبح کنی سه
مرتبه این دعا بخوان اَصْبَحْتُ اللّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِکَ الْمَنیعِ
الَّذی لایُطاوَلُ وَلا یُحاوَلُ مِنْ شَرِّ کُلِّ طارِقٍ وَغاشِمٍ مِنْ سایِرِ
مَنْ خَلَقْتَ وَما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ الصّامِتِ وَالنّاطِقِ فی جُنَّةٍ
مِنْ کُلِّ مَخُوفٍ بِلِباسٍ سابِغَةٍ وِلاءِ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ
مُحْتَجِباً مِنْ کُلِّ قاصِدٍ لی اِلیٰ اَذِیَّةٍ بِجِدارٍ حَصینِ الْاِخْلاصِ فِی
الْاِعْتِرافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّکِ بِحَبْلِهِمْ جَمیعاً مُوقِناً بِاَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ
وَمَعَهُمْ وَفیهِمْ وَبِهِمْ اُوالی مَنْ والَوْا وَاُجانِبُ مَنْ جانَبُوا فَصَلِّ عَلیٰ

محمد

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَاَعِذْنِی اللّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ ما اَتَّقیهِ یا عَظیمُ حَجَزْتُ
الْاَعادِیَ عَنّی بِبَدیعِ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ اِنّا جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ
اَیْدیهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَاَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ
و در شام نیز سه مرتبه این دعا بخوان پس در امان خواهی بود
از هرچه حذر مینمائی از آن و در قلعهٔ حفظ و حمایت الهی خواهی بود
از هرچه از آن میترسی و اگر در روز نحسی خواهی پی کاری روی پیش
از متوجه شدن سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب
الفلق و آیة الکرسی و انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان و این
آیات از سورهٔ آل عمران بخوان اِنَّ فی خَلْقِ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ
وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ لَاٰیاتٍ لِاُولِی الْاَلْبابِ الَّذینَ یَذْکُرُونَ
اللّهَ قِیاماً وَقُعُوداً وَعَلیٰ جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فی خَلْقِ السَّمٰواتِ
وَالْاَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هٰذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ
النّارِ رَبَّنا اِنَّکَ مَنْ تُدْخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَیْتَهُ وَما لِلظّالِمینَ
مِنْ اَنْصارٍ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادی لِلْاِیمانِ اَنْ آمِنُوا
بِرَبِّکُمْ فَآمَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا
وَتَوَفَّنا مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلیٰ رُسُلِکَ وَلا
تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ پس این دعا بخوان
اَللّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصّائِلُ وَبِقُدْرَتِکَ یَطُولُ الطّائِلُ وَلا حَوْلَ
لِکُلِّ ذی حَوْلٍ اِلّا بِکَ وَلا قُوَّةَ یَمْتارُها ذُو قُوَّةٍ اِلّا مِنْکَ بِصَفْوَتِکَ
مِنْ خَلْقِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَعِتْرَتِهِ وَسُلالَتِهِ
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ صَلِّ عَلَیْهِمْ وَاکْفِنی شَرَّ هٰذَا الْیَوْمِ وَضَرَرَهُ
وَارْزُقْنی خَیْرَهُ وَیُمْنَهُ وَاقْضِ لی فی مُتَصَرَّفاتی بِحُسْنِ الْعافِیَةِ
وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْاُمْنِیَّةِ وَکِفایَةِ الطّاغِیَةِ الْمُغْوِیَةِ

وکل ذی قدرة لی علی المعونة اذیته حتی اکون فی جنة و عصمة
من کل بلاء و نقمة و ابدلنی المخاوف فیه امنا و من العوایق
فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد و لا یحل بی طارق من
اذی العباد انک علی کل شیء قدیر و ا [illegible] الیک مصیر یا من
لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر و از حضرت امام محمد جواد
علیه السلام منقولست که چون ماه نو دراید در روز اول دو
رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی نوبت قل هو الله
احد بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد سی نوبت سوره انا
انزلناه فی لیلة القدر بخوان پس تصدق بکن و سلامتی تمام
ماه را از خداوند خود بگیر الی هنا انتهی ما اردنا و الحمد لله
اولا و اخرا و صلی الله علی سید المرسلین محمد و عترته الاکرمین

خاتمه در ترجمه حدیث شریف که مشتمل است بر احکام کسوف
و خسوف و حوادث هر سال شیخ بزرگوار قطب الدین راوندی
در کتاب قصص الانبیاء روایت کرده است بسند خود از شیخ
صدوق محمد بن بابویه قمی و سند را متصل گردانید بحضرت
مبین الحقایق امام جعفر بن محمد الصادق صلوات الله علیه
که انحضرت فرمود که در کتاب حضرت دانیال پیغمبر نوشته است
که هرگاه اول محرم **روز شنبه** باشد در ان سال زمستان بسیار
سرد باشد و باد در ان سال بسیار باشد و یخ فراوان باشد و
گندم گران باشد و طاعون و مرگ کودکان بسیار شود و تب
بسیار بهم رسد و عسل کم باشد و ملخ بسیار باشد و زراعتها
از آفت بسلامت ماند و بعضی از درختان میوه و انگور آفت برسد
و ارزانی باشد و در روم طاعون باشد و عرب با ایشان جنگ

کنند

کنند و اسیر و غنیمت بسیار از ایشان بدست عرب در اید و
پادشاه را در جمیع مواضع غلبه باشد بمشیت حق تعالی
و هر سال که اول محرم **روز یکشنبه** باشد زمستان نیکو گذرد
و باران بسیار بیاید و بعضی از درختان و زراعتها را آفت
برسد و دردهای مختلف و مرگهای صعب شایع گردد و
عسل کم بعمل اید و در هوا اثر طاعون و وبا بهم رسد و در
اخر سال اندک گرانی در خوردنیها حادث شود و در اخر سال
پادشاه را غلبه رو دهد و هر سال که اول محرم **روز دوشنبه**
باشد زمستان نیکو گذرد و تابستان بسیار گرم باشد و باران
در وقتش بسیار بیاید و گاو و گوسفند بسیار بوجود اید
و عسل بسیار باشد و نرخ خوردنیها در بلاد جبل یعنی شهرهایی
که در میان اذربایجان و عراق عرب و خوزستان و فارس است
و بعضی گویند یعنی همدان و حوالی ان ارزان باشد و میوه بسیار
باشد و زنان بسیار بمیرند و در اخر سال کسی بر پادشاه
خروج کند و در نواحی مشرق و بعضی از اهل فارس غم و دلگیری
برسد و زکام در بلاد جبل بسیار باشد و هر سال که اول محرم
روز سه شنبه باشد زمستان بسیار سرد باشد و برف و یخ بسیار
باشد و در بلاد جبل و در ناحیه مشرق گوسفند و عسل بسیار
باشد و بعضی از درختان میوه و انگور آفت برسد و در ناحیه
مغرب و شام حادثه در آسمان ظاهر شود از ان خلق بسیار بمیرند
و بر پادشاه صاحب خروج قوی خروج کند و پادشاه بر او غالب
اید و در زمین فارس بعضی از غلها آفت یابد و نرخها گران شود
در اخر سال و هر سال که اول محرم **روز چهارشنبه** باشد زمستان

وسط باشد و در تابستان باران‌های نافع ببارد و غلات و میوه‌ها
در بلاد جبل و بلاد مشرق بسیار باشد اما مردمان بسیار
بمیرند و در آخر سال در زمین بابل و بلاد جبل امنی نمودم برسد
و نرخها بر ایشان ارزان باشد پادشاه بر دشمنان غالب آید
و هر سال که اول محرم روز پنجشنبه باشد زمستان ملایم گذرد و
در جمیع نواحی مشرق گندم و میوه‌ها و عسل بسیار باشد و در
اول و آخر سال تب بسیار بهم رسد و در زمین بابل در آخر سال
تعب بسیار بهم رسد و روم را بر مسلمانان غلبه بهم رسد پس
عرب بر ایشان غالب شود و در ناحیه مغرب و در زمین سند
محاربات واقع شود و پادشاهان عرب مظفر باشند و هر سال
که اول محرم روز جمعه باشد زمستان سرما باشد و باران کم
بارد و آب چشمه‌ها و رودخانه‌ها کم باشد و در بلاد جبل صد فرسخ
دو صد فرسخ غله کم باشد و مرگ در میان همه مردم بسیار باشد
و در ناحیه مغرب گرانی باشد بعضی از درختان آفت رسد
و روم را بر فرس غلبه عظیم بهم رسد اما احکام کرفتن آفتاب
در ماههای دوازده گانه پس هر سال که در محرم آفتاب بگیرد
در آن سال ارزانی باشد و در آخر سال دردها و بیماریها در
مردم حادث شود و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد و زلزله حادث
شود و پادشاه بر دشمنان ظفر یابد و زلزله حادث شود بعد
از آن بسلامت باشد و هر سال که در ماه صفر آفتاب بگیرد
در ناحیه مغرب ترس و گرسنگی مردم را دو دهد و جنگ و کشش
بسیار در مغرب بظهور آید پس در ماه ربیع صلح واقع شود و
پادشاه ظفر یابد و هر سال که در ماه ربیع الاول آفتاب بگیرد

درمیان

درمیان مردم صلح پدید آید و اختلاف کم باشد و پادشاه در
مغرب ظفر یابد و گاو و گوسفند کم باشد و در آخر سال فراوانی
بهم رسد و دو نایره در میان شتر و با بهم رسد و هر سال که
در ربیع الآخر آفتاب بگیرد در میان مردم اختلاف بسیار باشد
و خلق عظیم بقتل رسند و کسی بر پادشاه خروج کند و بیم ترس
و کشش و غارت شود و مرگ بسیار باشد و هر سال که در ماه
جمادی الاول آفتاب بگیرد روزی مردم فراخ باشد و در
ناحیه مشرق و مغرب و پادشاه با رعیت در مقام شفقت باشد
و با ایشان احسان نماید و پاس خاطر ایشان بدارد و هر
سال که در ماه جمادی الثانی آفتاب بگیرد مرد عظیمی در جانب
مغرب بمیرد و در بلاد مصر جنگهای عظیم و کشش بسیار
واقع شود و در بلاد مغرب در آخر سال گرانی و بیم رسد و هر
سال که در ماه رجب آفتاب بگیرد زمین آبادان شود و کوهها
و ناحیه مشرق باران بسیار بیاید و در ناحیه فارس ملخ فرود
آید اما ضرر با ایشان نرسانند و هر سال که در ماه شعبان آفتاب
بگیرد همگی مردم از شر پادشاه سالم باشند و پادشاه بر دشمنانش
در مغرب ظفر یابد و در بلاد جبل در آخر سال مرگ بسیار پدید
آید و برودی بر طرف شود و هر سال که در ماه رمضان آفتاب
بگیرد مردمان همگی پادشاه فارس را اطاعت کنند و روم را بر
عرب غلبه عظیم بهم رسد پس ایشان بر و غالب شوند و غنیمت
و اسیر بسیار از ایشان بگیرند و هر سال که در ماه شوال آفتاب
بگیرد در بلاد هند رنج و کشش بسیار شود و گیاه زمین در شهرها
مشرق بسیار شود و هر سال که در ماه ذی قعده آفتاب بگیرد

باران بسیار بیاید وخرابی در ناحیه فارس بظهور اید وهر سال
که در ماه ذی الحجه افتاب بگیرد باد بسیار بوزد ودرختان
کم شود ودر شهرهای مغرب ... اید وگندم وجو گران
باشد وگاهی بر پادشاه خروج کند وازو بسیار ازو بپادشاه
برسد ودر فارس خوردنیها گران شود ودر سال دیگر ارزان
شود واما اثار گرفتن ماه پس هر سال که در ماه محرم ماه بگیرد در
مغرب بزرگی بمیرد ومیوه در بلاد جبل کم باشد ودر میان مردم
خارش بدن بسیار بهم برسد وگاهی بر پادشاه خروج کند و
پادشاه بر وظفر یابد ولشکر او را بقتل اورد وهر سال که در ماه
صفر ماه بگیرد قحط وبیماری در شهرهای بابل حادث شود بحدی
که بیم هلاک باشد پس بعد از ان باران بسیار ببارد وگیاه زمین
بسیار شود واحوال مردم نیک شود ودر بلاد جبل میوه بسیار
باشد وهر سال که در ماه ربیع الاول ماه بگیرد در بلاد مغرب کشش
بسیار شود ومرض یرقان در مردم بهم رسد ودر ناحیه شهر ماه
میوه بسیار باشد ودر بلاد جبل کرم در سبزیهای ایشان بیفتد
وخرابیهای بسیار در شهر ماه پدید اید وهر سال که در ماه ربیع
الاخر ماه بگیرد اب کوهها بسیار باشد وفراوانی بهم رسد وپادشا
در مغرب ظفر یابد وهر سال که در ماه جمادی الاول ماه بگیرد
خون بسیار در بادیه ریخته شود وپادشاه شام را بلای عظیم
بهم رسد وگاهی بر پادشاه خروج کند وپادشاه ظفر یابد وهر سال
که در ماه جمادی الاخر ماه بگیرد باران کم اید واب کم باشد در
نینوی که در حوالی کوفه است یا موصل در ان محل جزع عظیم وگرانی
شدید حادث شود وهر سال که در ماه رجب ماه بگیرد در ناحیه

مغرب طاعون وقحط پیدا شود ودر بابل باران بسیار بارد
ودر همه شهرها درد چشم بسیار شود وهر سال که در ماه شعبان
ماه بگیرد پادشاه کشته شود یا بمیرد وپسرش پادشاه شود و
تسعیرات بالا رود وقحط در میان مردم پیدا شود ودر هر
سال که ماه رمضان ماه بگیرد در بلاد جبل سرماهای سخت شود و
برف وباران بسیار باشد ودر زمین فارس درندکان بسیار
بهم رسند ودر شهر ماه مرگ اطفال وزنان بسیار باشد و
در هر سال که در ماه شوال ماه بگیرد پادشاه بر دشمنان غالب
شود ودر میان مردم بلا وفتنه بسیار شود ودر هر سال که
در ماه ذی قعده ماه بگیرد شهرهای عظیم فتح شود وگنجها در
بعضی از زمینها وکوهها پیدا شود ودر هر سال که در ماه ذی حجه
ماه بگیرد مرد بزرگی در مغرب بمیرد ومرد فاسقی وفاجری دعوی
پادشاهی کند الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی
سیدنا محمد واله وسلم تسلیما کثیرا کثیرا ٥

فایده سیم در معرفت غالب ومغلوب وطالع مولود و
رجال الغیب ولوح حیات وممات وسکن یولدون ٥

غالب ومغلوب بدانکه ارسطو این را جهت اسکندر وضع نموده
چون خواهی که بدانی از خصمین کدام غالب وکدام مغلوب اند نام
هریک را جدا جدا بحساب جمل بگیر ونه نه طرح کن انچه بماند یکی
در طول جدول ویکی در عرض است طلب انچه بیابی اگر راست
نوشته شده باشد انکس که در عرض جدول است غالب گردد واگر
معکوس نوشته باشد مغلوب واگر بسرخی نوشته باشد بصلح انجامد
یا انکه جوانتر واستعداد بیشتر باشد غالب گردد وبعضی منسوب



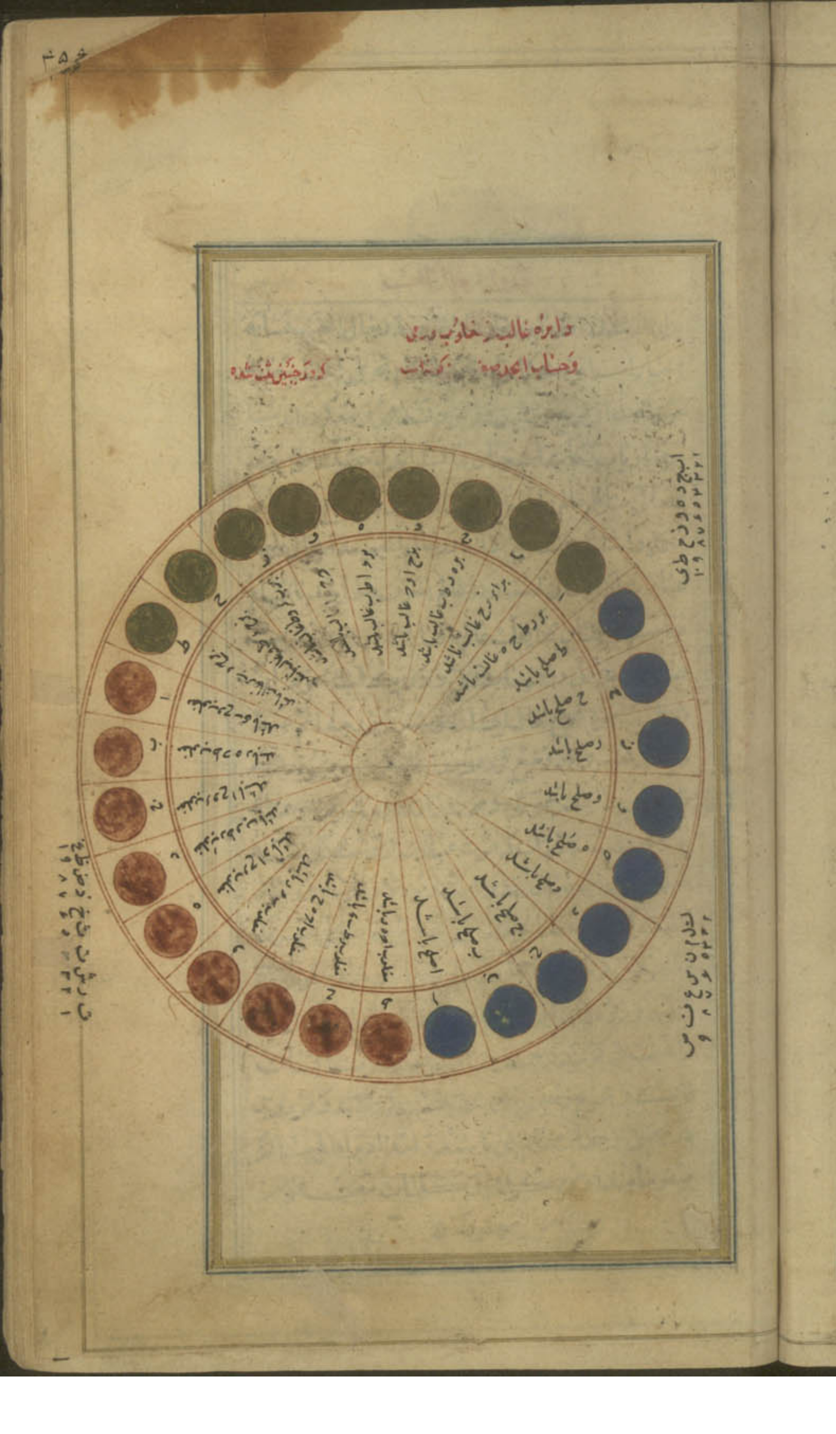
بحضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و از آنحضرت دو بیت برین
وجه نقل میکنند هو المنسوب لامیر المؤمنین علی بن ابی طالب
بعد طرح تسعة تسعة من عدد الاسمین فنو الفرد و الزوج یسمو
اقلها و اکثرها عند التخالف غالب و یغلب
در زوج و فرد نصرت اعداد کثر است و در مخالف شوند ظفر زان
اکثر است کر زوج مستوی شده مطلوب طالب است کر فرد
مستوی شده طالب مظفر است طاق کم بر طاق بیش و جفت کم
بر جفت بیش طاق بر جفت کم از خود جفت هم بر طاق کم

ه	د	٨	ب		ه	ج	٦	و	ا
ر	٩	ه	٦	ح		—	ط	٨	ب
د		د	ا	ه	ح	٦	و	ه	ج
و	ه		٨	ب	—	ط	٨	د	د
ح	د	ا	٩	ح	٦	و		٦	ه
ه	د	ح	ب	—	ط	٨	ر		و
د	ا	ه	ح		٩	ه	٦	ح	ر
د	٨	ب	—	ط		٦	و	ه	ح
ا		٨	ر	٦	ه	٦	ح	٦	ط

بدانکه حکما بتجربه نبیا داین کلمات را جمع نموده اند و جمله پادشاهان
و امرا و وزرا روزکار این زمانکاه میداشته اند و کسی را اطلاع
نمی داده اند و هرکرا مهمی پیش آمده بمقتضای این جدول عمل نموده

برخصم ظفر می یافته اند و پادشاهان که لشکر بطرفی میفرستاده اند
اول حال غالب از مغلوب می شناخته اند و شخصی که اسم او برخصم
غالب می آمده او را سردار لشکر می کرده اند و اکر شخصی که نام و آنش
باشد بهر ناحیه که مشهور است آنرا منظور داوند و حساب کنند چنانکه
اکر خواهی که غالب را از مغلوب بشناسی اسم خود و اسم شخص را علیحده
علیحده بنویس و حروف مذکور را بحساب جمل شمرده نه نه طرح کن
آنکه بماند نکاه دار و در پایهای این جدول ملاحظه کن که غالب و مغلوب
مشخص شود

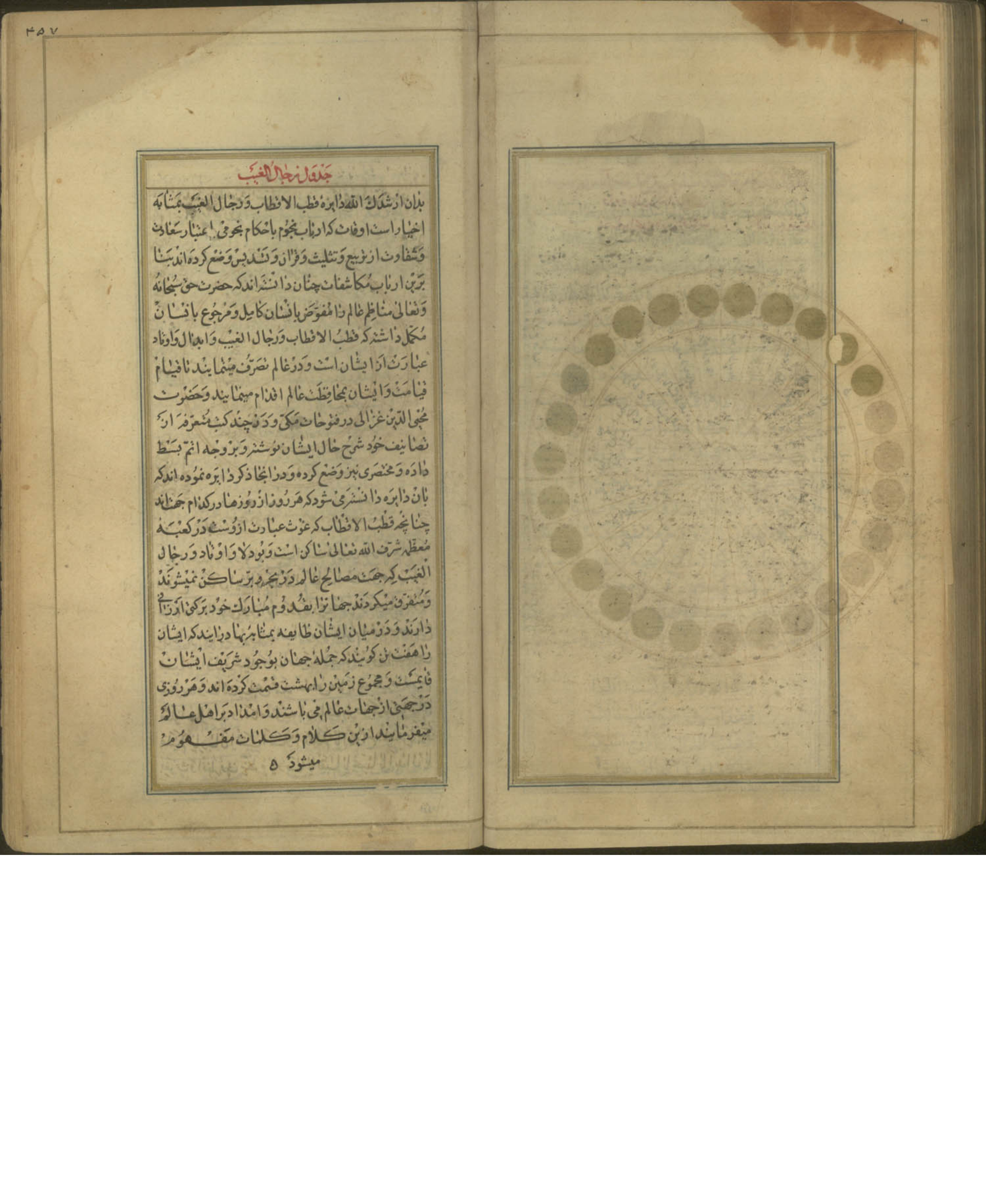
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب الاول
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب الثانی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب الثالث
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب الرابع
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب الخامس
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب السادس
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب السابع
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب الثامن
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الباب التاسع



جدول احکام غالب و مغلوب عز بقول حکماء روم و یونان

بدانکه حکماء روم و یونان در عهد اسکندر رومی استخراج غالب و
مغلوب کرده اند و اعتقاد عظیم بدان داشته اند و بر دکان بسیار
تجربه کرده اند و موافق آمده و طریق معرفتش چنان بود که دو خصم
که یکدیگر محاربه و مقاومت کنند نام یا لقب هر کدام که بدان شهرت
داشته باشد بحساب جمل صغیر جمع کنند و نه نه
از آن طرح کنند آنچه کمتر از نه بماند
نگاه دارد و در این دایره ارند حرف یکی خصم
برابر ستاره طلا باشد و حرف دیگری از آن
حروف چهارگانه برابر ستاره سرخ باشد
حرف ستاره طلا غالب باشد و سرخ مغلوب
و اگر حرف ستاره سرخ باشد حرف برابر او
از چهار حروف طلا باشد و اگر حرف یک دایره
ستاره لاجورد باشد و حرف دیگر ستاره طلا
میان خصمان صلح افتد یا غلبه اثر ابود که بسال
خورد تر باشد و کلام معجز نظام حضرت امیر المؤمنین
و امام المتقین اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه
افضل الصلوات و التحیات برین حکم غالب و مغلوب است
حیث قال

وفی الفرد والزوج یسموا اقلها
وعند استوی الفرد یغلب طالب
ویغلب مطلوب اذا ذوج استوی
واکثرها عند التخالف غالب



جدول رجال الغیب

بدان ارشدك الله دایره قطب الاقطاب و رجال الغیب بمثابه اختیارات اوقات که ارباب نجوم باحکام نجومی اعتبار سعادت و شقاوت از تربیع و تثلیث و قران و تسدیس وضع کرده اند بنا بر این ارباب مکاشفات چنان دانسته اند که حضرت حق سبحانه و تعالی مناظم عالم را مفوض بانسان کامل و مرجوع بانسان مکمل داشته که قطب الاقطاب و رجال الغیب و ابدال و اوتاد عبارت از ایشان است و در عالم تصرف مینمایند تا قیام قیامت و ایشان بمحافظت عالم اقدام مینمایند و حضرت محیی الدین غزالی در فتوحات مکی و در چند کتب معتبر از تصانیف خود شرح حال ایشان نوشته و بر وجه اتم بسط داده و مختصری نیز وضع کرده و در اینجا ذکر دایره نموده اند که بان دایره دانسته می شود که هر روز از روزها در کدام جهت اند چنانچه قطب الاقطاب که غوث عبادت از وست در کعبه معظمه شرف الله تعالی ساکن است و بودلا و اوتاد و رجال الغیب که جهت مصالح عالم در بحر و بر ساکن نمیشوند و متفرق میکردند جهانرا بقدوم مبارك خود برکتی ارزانی دارند و در میان ایشان طایفه بمثابه ایند که ایشان را هفت تن کویند که جمله جهان بوجود شریف ایشان قایمست و مجموع زمین را بهفت قسمت کرده اند و هر روزی در جهتی از جهات عالم می باشند و امداد بر اهل عالم میفرمایند از این کلام و کلمات مفهوم میشود ۵



طریق استمداد از رجال الغیب آنست که چون عارف بداند که ارواح مقدس ایشان در کدام جانب است از جهات ثمانیه هرگاه او را مهمی پیش آید و در کاری متحیر شود چنانچه از تدبیر آن عاجز آید رو بسوی آنجانب آورد که معلوم است بتضرع بنشیند و اول بر سید کاینات و خلاصهٔ موجودات اعنی حضرت رسالت پناهی محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم صلوات فرستد و آنگاه متوجه بآن جانب شود و بگوید که السلام علیکم یا رجال الغیب السلام علیکم یا ارواح المقدسة اغیثونی بغوث و انظرونی بنظرة یا رقبا یا نقبا یا نجبا یا ابدال یا

اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی بحرمت محمد صلی الله علیه وآله وسلم آنگاه پشت یا میل سوی ایشان کند همچنانکه کسی تکیه بر چیزی کند چنان بخاطر آورد که استظهار من بشمات مهم مرا روا ساز ید و نظر از من باز مگیرید و تضرع و نیاز و زاری و عجز آنچه تواند بکند آنگاه بهر مهمی که داشته باشد روا شود که حضرت حق سبحانه و تعالی آن مهم را بر آورده خیر کرد اند و از روح پر فتوح ایشان بانواع فیض مستفیض گردد چون با دشمن محاربه خواهد کرد در روز مصاف و معارضه نگاه کند که پشت دشمن و پشت بطرف دیگر داشته باشد اول روی بطرف ارواح ایشان آورد و استعانت طلبد چنانچه گذشته و بعد از آن پشت یا میل سوی ایشان کند و هوشیار باشد تا تیر بارواح مقدس ایشان نیندازد که تیر او خطا شود و اگر پیش پادشاه یا بزرگی رود این قاعده رعایت کند که معزز و محترم گردد و در جمیع امور این قاعده مرعی دارد که حضرت حق سبحانه و تعالی ممد او باشد بدانکه رجال الغیب عبارت از اینها است

اوتاد	ابدال
هر زمانی چهار اند و غوث یکی و چهار رکن عالم را اوتاد نگهدارند و قطب حقیقی در اصطلاح اهل الله همین غوث است	هفت اند محافظت هفت اقلیم کنند زیاده و نقصانی در ایشان نشود
اقطاب	نقبا
طریقه مجاز و توسیع هر که جامع مقامات و احوال باشد او را قطب گویند حتی هر مقامی قطب آن مقام است	دوازده اند
	سمت
	هشت اند

جوارى رجا ختم

يك است بعضى رجال را چهل تن ابدال گويند يكى

بدانکه رجال الغيب از اقطاب و اوتاد عالمند و اهل سلوك و معرفت برانند که وجود ومياسن ايشانرا در عالم اثرى عظيم است و ايشان در جهات عالم سير مينمايند و مقرر است که در هر روزى از روزها ماههاى عربى در جهتى ميباشند از جهات دنيا چون کسى بکارى مشغول شود يا بمهمى رود از مهمات اول توجه بدان جهت نمايد و از ايشان استمداد نمايد بعد از خواندن دعا البته مهم و مطلوب حاصل شود و بودن ايشان در دنيا از بن دايره معلوم نمايند و الدعاء هذا السلام عليكم يا رجال الغيب السلام عليكم يا ارواح المقدسة اغيثونى بغوثة و اعينونى بعونة و انظرونى بنظرة يا رقبا يا نجبا يا ابدال يا اوتاد يا قطب اجيبونى امدونى انصرونى اكرمونى ارحمونى خلصونى اقضوا حاجتى بحق محمد و آله و اولاده الطاهرين



لوح الفال

چون کسى انديشه کارى کند و خواهد که بداند که چون باشد از روز نوروز سلطانى تا روز مفروض بشمارد و از مجموع سى و شش سى و شش نقصان کند آنچه بماند درين جدول طلب کند اگر در جدول نيك است نيك و اگر بد بد است و اگر ميانه ميانه است العلم عند الله

نيك است		بد است		ميانه است	
۱	۴	۲	۲۵	۳	۹
۷	۱۰	۵	۳۲	۶	۱۲
۱۳	۱۵	۸	۲۹	۱۶	۱۸
۱۹	۲۲	۱۱	۲۶	۳۱	۳۴
۳۵	۲۷	۱۴	۱۷	۲۸	۳۰
۲۱	۲۴	۲۰	۲۳	۳۳	۳۲

جدول قوس قزح

بايد دانست که اين شکل را بنامهاى مختلف خوانند چون کمان رستم و زنار آسمان و دستار فرشتگان و شير زمين و قوس قزح و بيشتر پديد آمدن آن در فصل بهار و خزان بود و اتفاق است حکما را که وى تاثير آفتاب است از بخارى که متصاعد ميشود بود که دو سه لون باشد و چندانکه بيشتر بود تاثير آن ظاهرتر بود و چون يکى بود تاثير آن کمتر بود او را چهار لون است سرخ و زرد و سبز و کبود و جماعت حکماى هند و روم برين اعتماد تمام دارند و آزموده اند و درست آمده است



چون شکل پیدا شود نگاه باید کرد که بکدام جانب است از مشرق
ومغرب وماه در کدام برجست وبدین جدول ودایره رجوع نماید

این جدولیست که حکماء یونان نهاده اند وبروزکار تجربه کرده اند که چون
رعد شود آن روز در تقویم نظر کنند که ماه در کدام برجست آن برج را
درین دایره طلب نمایند واز خیر وشر آنچه نوشته شده حکم کننده



لوح حیات وممات

اکر خواهی بدانی که بیمار به شود یا بمیرد نام بیمار بحساب جمل بکیر و
از ایام هفته آن روز که بیمار شده باشد بحساب ارقام هفته بر آن
افزای چنانکه معروف است وهمه را جمع کن بعد از آن حساب کن
که جمله چند است وسی سی طرح کن ودرین جدول طلب نمای اکر
در لوح حیات بینی دلیل بر حیات کند واکر در لوح ممات یابی
دلیل بر ممات کند واکر در لوح حیوة راست نوشته شده باشد زود
به شود واکر معکوس نوشته باشد دیر مانده شود واکر در لوح ممات
راست نوشته شده باشد بحال مرک باشد ونیک نشود

لوح حیات		لوح ممات	
١	.	٤	٥
٢		٦	٨
١١	[illegible]	٩	١٠
[illegible]	١٤	١٢	[illegible]
[illegible]	[illegible]	١٨	٢١
٢٠	[illegible]	[illegible]	٢٥
[illegible]	٢٦	٣١	[illegible]
[illegible]	[illegible]	٣٠	[illegible]

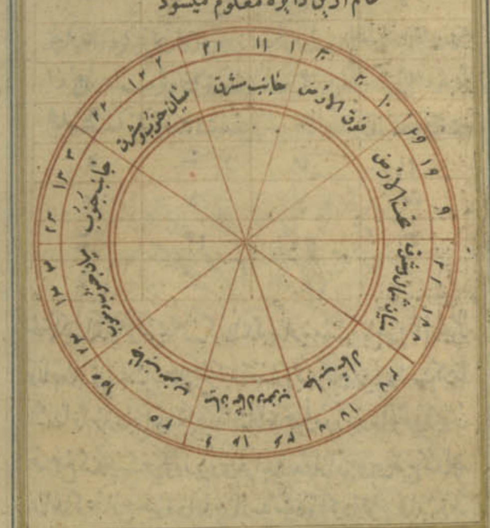
حکما کفته اند که اکر کسی خواهد که بداند که بیمار به میشود یا میمیرد نام رنجور را
ونام مادر او بحساب جمل جمع کند ومعلوم کند که چند روز است که بیمار
است تا بروی افزاید واکر عدد آن نداند چهل روز بر وی افزاید وچون
همه جمع کند بیست ویک روز بروی افزاید وبعد از آن سی سی طرح کند آنچه
بماند اکر در لوح حیوة ماند بیمار به شود واکر در لوح ممات ماند

لوح حیات وممات علی طریق الاخری

لوح حیات			لوح ممات		
١	٣	٨	٢	٤	٥
١٠	١٣	١٤	٦	٧	٩
١٥	١٦	١٧	١١	١٢	١٨
١٩	٢٢	٢٣	٢٠	٢١	٢٤
٢٦	٢٨	٢٩	٢٧	٢٥	٣٠

سکر یلدوز

حکمای قبا تصور کوکبی کرده اند چون شرمست واورا حرکتی معین کرده که در هر روزی از روزهای ماههای ترکان در جهتی باشد از جهات عالم چون کسی بکاری مشغول شود یا سفری ومحاربه رود که روی ودست راست در ان جهت داشته باشد که البته آن کار وان سفر بر و نامبارک باشد ودر ان محاربه شکست اورا باشد ونحوست ان ستاره را در کال مبالغه نوشته اند اگر احیانا سفری ضرورت واقع شود اول پشت بران جهت باید کرد وپاره راه رفتن وبعد از ان متوجه جانب مقصود شدن وبودن در جهات عالم ازین دایره معلوم میشود



بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت شیخ محیی الدین اعرابی قدس سره در فصلی از فصول فتوحات مکی نوشته که قطب الاقطاب که غوث عبارت از وست در کعبه معظمه ساکن است وبدلا ورجال الغیب که بجهت مصالح عالم در بر وبحر متصرفند بقدرة الله تعالی وبقوت ولایت که ایشان راست طی ارض میکنند وبوقت صبح در مکه معظمه اقتداء وبیعه بقطب الاقطاب میکنند وبعد از ان باطراف واکناف عالم روند وجهانرا بقدم شریف خود مشرف کرداند وهفت نفر از ایشان برقلب ابرهیم که حمایت اهل عالم بوجود ایشان است وایشان عالم را بهشت منمت کرده اند وهر روز از روزهای ماه در جهتی از جهات عالم باشند ونظر بجمیع جهات افکند وفیض ومدد باهل عالم رسانند خاصه بکسانی که از ایشان استمداد نمایند وطریق استمداد انست که عارف معلوم نماید که ایشان در هر روزی از روزهای ماه در کدام جانب اند چون او را مهمی پیش آید ودران کار متحیر کرده پس روی بدان طرف کند که دران طرف اند وبگوید السلام علیکم یا رجال الغیب السلام علیکم یا ایتها الارواح المقدسة اعینونی بقوة وانظرونی بنظرة یا نقباء یا نجباء یا ابدال یا اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی بحرمة محمد وآله صلی الله علیه وعلیهم وسلم آنگاه پشت بجانب ایشان کند که یعنی استظهار من بشماست واستغاثت از شما میخواهم ونظر از من باز مگیرید ومرا یاری کنید وبعد بهر مهمی که داشته باشد دران ومشغول کردد البته آن مهم را حق تعالی برآورده بخیر کرداند که از ایشان بانواع فیض مستفیض کرده باید که روز مصاف با خصم

پشت او بجانب ایشان کند نه خصم و اگر خصم روی بطرف دیگر
داشته اول رو بجانب ایشان کند و استمداد نماید و بعد از ان
پشت بجانب ایشان نموده و استظهار نماید انگه رو بدشمن کرده
در مصاف رود البته مظفر و منصور گردد و همچنین باقی امور
بدین قیاس نماید در همه مهمات این قاعده را رعایت نماید تا
بمطالب برسد و از جمیع ناملایمات در حفظ و امان باشد

جنوب	مغرب
هشتم و یازدهم و هجدهم و بیست و ششم	چهارم و دوازدهم و نوزدهم و بیست و هفتم
۸ ۱۱ ۱۸ ۲۶	۴ ۱۲ ۱۹ ۲۷
شمال	**مشرق**
سیم و پانزدهم و بیست و سیم و سی ام	هفتم و چهاردهم و بیست و دوم و بیست و نهم
۳ ۱۵ ۲۲ ۳۰	۷ ۱۴ ۲۲ ۲۹
مابین مشرق و جنوب	**مابین مغرب و جنوب**
یکم و نهم و شانزدهم و بیست و چهارم	دوم و دهم و هفدهم و بیست و پنجم
۱ ۹ ۱۶ ۲۴	۲ ۱۰ ۱۷ ۲۵
مابین شمال و مغرب	**مابین مشرق و شمال**
پنجم و سیزدهم و بیستم	ششم و بیست و یکم و بیست و هشتم
۸ ۱۳ ۲۰	۶ ۲۱ ۲۸

و در بعضی از نسخ چنین است که اول صلوات بر پیغمبر و آل بفرستند
و بعد از ان سلام کند و قاعده بهمان نحو است که مذکور شد اما
کیفیت سلام بدین نحو است که السلام علیکم یا رجال الغیب
السلام علیکم یا ارواح المقدسه السلام علیکم یا نقباء
السلام علیکم یا نجباء السلام علیکم یا رقباء السلام علیکم

یا بدلاء السلام علیکم یا اوتاد السلام علیکم یا قطب
السلام علیکم یا غوث السلام علیکم یا اقوام السلام
علیکم یا امناء السلام علیکم یا خیر خلق الله اغیثونی بغیثکم
الله و ارحمونی برحمکم الله و انظرونی بنظر کم الله و احفظونی
یحفظکم الله و حصلوا مرادی یحصل الله مرادکم و قوموا علی
حوائجی التی عند الله فی الحقیقة و عند الناس فی الظاهر
بحرمة سید المرسلین و سید المتقین محمد و آله الطیبین
الطاهرین و از بعضی چنین بما رسیده بسم الله الرحمن الرحیم
السلام علیکم یا رجال الغیب یا ارواح المقدسة یا قطب الزمان
یا قطب الاقطاب یا غوث یا امامان و یا اوتاد و یا بدلاء و
یا نقباء و یا نجباء و یا افراد و یا امناء اجیبونی و اغیثونی
بقوة و اعینونی بعونة و انظرونی بنظرة و ارحمونی برحمة و حصلوا
مرادی و مقصودی و قوموا علی حوائجی بوحدانیة الله و
قدرة الله تعالی و بحرمة النبی صلی الله علیه و آله و سلم
اجمعین

طریقه غالب و مغلوب بطریق حکماء سلف انست که چون خواهند
بدانند که میان دو شخص در هر امری از امور که واقع میشود کدام
یک غالبند و کدام یک مغلوب ملاحظه اسم هر یک میکنند و لقب
او را نیز ملاحظه مینمایند تا ان شخص بکدام یک از اسم و لقب
مشهور است انکه مشهور است عدد انرا گرفته نه نه طرح میکنند
باقی یا نه است یا کمتر از نه و اسم و لقب ان شخص دیگر را نیز بهمین
طریقه ملاحظه مینمایند بعد از طرح نه نه باقی او نیز نه است یا کمتر
از نه پس ملاحظه میکنند باقی مانده عدد هر دو اسم را یا ان دو عدد

در فردیت و زوجیت موافقند یا نه یعنی هر دو اسم فرد ند یا هر دو اسم زوجند یا آنکه مخالفند یعنی یکی زوج است و یکی فرد و از قسم اول که هر دو فرد ند یا هر دو زوجند باز ملاحظه میشود در هر یک از آنکه موافقند یا هر یک مساویند در مرتبه از مراتب افراد و ازواج یعنی مثلاً باقی مانده از نه است یا هر دو هفت است یا پنج است یا سه است یا یک و مختلف اند یا آنکه یکی نه است و دیگری یا هفت است یا پنج یا سه یا یک یا آنکه یکی هفت است و یکی پنج یا سه یا یک یا یکی پنج است یکی سه یا یک یا یکی سه است و یکی یک و همچنین در زوجیت یا مساویند یعنی باقی مانده هر دو یا هشت است یا شش یا چهار یا دو یا مختلف یعنی یکی هشت است ~~یا شش یا چهار یا دو یا مختلف~~ یا دو یا یکی شش است و دیگری یا چهار است یا دو یا آنکه یکی چهار و آن دیگری دو و آن قسم که مخالفند در زوجیت و فردیت یعنی یکی زوج است و دیگری فرد درین قسم ملاحظه میشود که عدد فرد بیشتر است از زوج یعنی یکی نه است دیگری که زوج است یا هشت است یا ۴ یا ۶ یا دو یا آنکه یکی هفت است و دیگری ۴ یا ۶ یا ۲ یا آنکه یکی پنج است و دیگری ۶ یا دو یا آنکه زوج بیشتر است از فرد یعنی یکی هشت است و دیگر یا هفت است یا ۵ یا ۳ یا ۱ یا آنکه یکی ۴ است و دیگری ۵ است یا ۳ یا ۱ یا یکی چهار است و دیگری ۳ است یا یک و این مجموع که مذکور شد شش قسم است یک قسم آنکه هر دو عدد اسم فرد است و در مرتبه مساویند یعنی هر دو ۹ یا ۷ یا ۵ یا ۳ یا ۱ قسم ۲ آنکه دو فرد ند و در مرتبه مساوی نیستند یعنی بیشتر است و یکی کمتر قسم ۳ آنکه هر دو زوجند و در مرتبه مساویند یعنی هر دو ۸ یا ۴ یا ۶ یا ۲ اند قسم ۴ آنکه هر دو

زوجند و در مرتبه مساوی نیستند یکی بیشتر است و یکی کمتر آن قسم که هر دو مخالفند یعنی یکی زوج است و یکی فرد این نیز دو قسم است قسم ۵ آنکه زوج بیشتر است و فرد کمتر قسم ۶ آنکه فرد بیشتر است و زوج کمتر چنانچه مذکور شد . حکم این قسم اول که هر دو فرد ند و مساوی طالب غالب است و مطلوب مغلوب و قسم ثانی که هر دو فرد ند و مساوی نیستند در مرتبه عدد اقل غالب است و اکثر مغلوب و قسم ثالث که هر دو زوجند و مساوی در مرتبه مطلوب غالب و طالب مغلوب عکس اول و قسم رابع که هر دو زوجند و مساوی نیستند اقل غالب و اکثر مغلوب مثل قسم ثانی و قسم خامس که یکی زوج است و دیگر فرد اما زوج بیشتر است و فرد کمتر و قسم سادس که فرد بیشتر است و زوج کمتر درین دو قسم هر کدام بیشتر است غالب و آنکه کمتر است مغلوب

طریقه غالب و مغلوب منظومه

یا لعب یا اسم را بشمار و آنکه بعد از آن : طرح کن نه نه که این سان
طرح کردن واجب است : گر مساوی مانده اند زوج پس آن مطلوب را
غالب [illegible] طالب غالب است : هر دو گر زوجند یا فرد
غالب دان اقل [illegible] ز اکثر غالب است :
زوج کم بر زوج [illegible] غالب : زوج بر فرد
کم از خود غالب : فرد [illegible] فرد مساوی
[illegible]

فایده [illegible] در فضیلت تجمل و زینت کردن که موافق احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامهای فاخر و پاکیزه پوشیدن هر گاه از حلال بهم رسد و مناسب حال او باشد سنت است و موجب

فائده چهارم در معرفت اموری چند که عامل را دانستن آن ضرور است هر گاه اراده عمل نماید و آن درین کتاب مذکور نیست ع

خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر
شود باید قناعت کند و تحصیل زیادتیهای لباس را مانع عبادت
الهی نکرده اند و اگر حق تعالی روزی را بر او فراخ کرده اند در خود
آن بخورد بپوشد و صرف نماید و بر برادران مؤمن بدهد و اگر
روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را
آلوده نکند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که هرگاه خدای تعالی نعمتی بر بنده
کرامت فرماید و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا
مینامند و یاد کننده نعمت پروردگار خود خواهد بود و اگر
بر او ظاهر نشود او را دشمن خدا مینامند و تکذیب کننده نعمت
پروردگار خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
که هرگاه حق تعالی نعمتی بر بنده کرامت فرماید دوست میدارد
که اثر نعمت را در او ببینند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه و آله منقولست که از برای برادر مؤمن خود آن زینت
کنید چنانچه از برای بیگانه زینت می کنید که خواهید شما را به
نیکوترین هیأتی ببینند و بسند معتبر منقولست که حضرت
علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان در [illegible] روی حصیر می
نشست و در زمستان بر روی پلاس [illegible] و در خانه جامهای کنده
می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی زینت
و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بد
حالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت را در بنده
خود ببیند باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد

و ساختهای

و ساختهای خانه را بروبد حتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب
روشن کردن فقر را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی
جمعی را خلق کرده است که برای شفقت بر ایشان دنیا را تنگ
کرده است بر ایشان و محبت دنیا را از ایشان برداشته است
پس بسوی آخرت که حق تعالی ایشانرا بسوی آن خوانده راغب
گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و مشتاق
اند بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای
خدا در باخته اند و آخر کار ایشان شهادت است پس چون به
نشاءه آخرت روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میدانند
که مرگ را هیبتی که همه را در پیش است پس توشه برای آخرت
خود اندوخته اند و طلا و نقره جمع نکرده اند و جامهای کنده می
پوشند و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتیها را در راه
خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای خدا با نیکان
دوستی میکنند و از برای خدا با بدان دشمنی میکنند ایشانند
چراغهای راه هدایت و ایشانند متنعم بنعیم آخرت و یوسف بن
ابراهیم گوید بخدمت حضرت ابی عبد الله علیه السلام رفتم و جامه خز
پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمایید در جامه خز فرمودند که باکی
نیست بدرستی که چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه
شهید شد جامه خز پوشیده بود و چون حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام عبد الله عباس را فرستاد که با خوارج [illegible] بحث
کند بهترین جامهای خود را پوشید و بهترین بوهای خوش خود را
خوشبو کرد و در بهترین اسبان سوار شد و بنزد ایشان رفت گفتند

تو از بهترین مردمی چرا لباس جلال را پوشیده و بر اسبان ایشان
سوار شده عبد الله علیه السلام این ایه را خواند قل من حرم زینة
الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق یعنی بگو یا محمد که
حرام کرده است زینتی را که خدا برای بندگان بیرون آورده است
و روزیهای طیب و نیکو را پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش
و زینت کن که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما باید که
از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده که سفیان ثوری
که از مشایخ صوفیه بمسجد الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام نشسته و جامهای پر قیمت نیکو پوشیده
است گفت والله بروم و او را بر این جامها سرزنش کنم پس نزدیک
آمد و گفت ای پسر رسول خدا والله که پیغمبر چنین جامه نپوشید
و هیچ یک از پدرانت چنین جامها نپوشیده اند حضرت فرمود که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر
مردم تنگ بود و امروز بر مردم روزی فراخست سزاوارترین مردم
بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه را خواندند که گذشت
و فرمودند که ما سزاوارترین مردمیم بتصرف کردن در آنچه خدا عطا
کرده است ای ثوری این جامه را که می بینی برای مردم پوشیده ام
پس دامن جامه را بالا کردند و باو نمودند جامه کنده که در زیر
پوشیده بودند و فرمودند که این جامه را برای خود پوشیده ام و این
جامهای نیکو را برای مردم پس دست زدند و جامه بالای سفیان را
دور کردند او در زیر جامه کنده جامه نازکی پوشیده بود فرمودند
که جامه پائین را برای لذت نفس خود پوشیده و جامه بالا را برای
فریب دادن مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبد الله بن هلال

منقولست

منقولست که گفت عرض کردم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
که چه بسیار خوش می آید مردم را از احوال کسی که طعامهای بد
مزه و ناگوار میخورد و جامهای کنده می پوشند و اظهار شکستگی
و خشوع می نماید فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبر
زاده بود و قباهای دیبای طلاباف می پوشید و بر مجالس آل فرعون
می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کاری
نبود و از و عدالت در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید
راست گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا
حلال را بر کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده
است پس خواندند این آیه را که قل من حرم زینة الله **فصل دوم**
در بیان جامهائی که حرام است پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامه
حریر محض پوشیدن و جامه طلاباف پوشیدن حرام است و احوط
آنست که عرقچین و کیسه و چیزهائی که عورت را بان نمیتوان
پوشید هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که اجزای جامه مانند
سجاف حریر نباشد و بهتر آنست که چیزی که با ابریشم مخلوط کنند یا
پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی آنست که بقدر ده یک یا زیاده
باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و
باید که پوست حیوان مرده نباشد هر چند که دباغی کرده باشند بنا
بر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوان چند که قابل تزکیه نیست بنا بر اشهر
و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانات
که گوشتشان حرامست نباشد و در سمور و سنجاب و خز که الحال معروفست
خلافست و احوط اجتنابست اگر چه اظهر در سنجاب و خز اینست که نماز در
آنها جایز است و بهتر آنست که جامه که در زیر جامها [illegible]

پوشیده باشد نماز نکند مبادا موی چسبیده باشد و بهتر که ولی اطفال
غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن حریر و طلا و بسند معتبر منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و اله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه فرمود یا علی انکشتر طلا در دست مکن که ان زینت تست در بهشت
و جامه حریر مپوش که ان پوشش تست در بهشت و در حدیث دیگر
فرمود که جامه حریر مپوش که حق تعالی بسبب این در قیامت پوست ترا
با تش میسوزاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند
که جایز است مرد را که اهل خود را بطلا زینت کند کفت بلی زنان و
کنیزانرا اما پسرانرا نه و در حدیث دیکر وارد است که انحضرت فرمود که
پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندان و زنان خود را بزیور طلا
زینت میفرمودند و فرمودند باکی نیست و ممکن است که مراد از فرزندان
دختران باشد و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد و احوط
اجتنابست **فصل سیم** در پوشیدن پنبه و کتان و پشم بدانکه بهترین
جامها جامه ایست که از پنبه یا قز باشد و بعد از ان کتانست و
جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهیت
دارد اما کاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه
بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
بپوشید جامه پنبه که ان پوشش رسول خداست و پوشش ما اهل
بیت است و حضرت رسول صلی الله علیه و اله جامه مو و پشم نمی پوشیدند
مکر از برای علتی و در حدیث معتبر دیکر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که نباید پوشید جامه پشم و مو مکر برای عذری و در روایت
دیکر از حسین بن کثیر منقولست که حضرت صادق علیه السلام را
دیدم که پیراهن کنده پوشیده و جامه پشمینه بر بالای ان پوشیده

و بر بالای ان پیراهن کنده پوشیده کفت فدای تو شوم مردم
کراهت دارند از پوشیدن جامه پشمینه حضرت صادق علیه
السلام فرمود که پدرم می پوشید و حضرت امام زین العابدین علیه
السلام می پوشید و هرکاه بنماز می ایستادند کنده ترین جامها
را می پوشیدند و ما نیز چنین میکنیم و از حضرت رسول صلی الله
علیه و اله منقولست که فرمودند که پنج چیز است که تا مردن ترک
نمیکنم بر روی زمین با غلامان چیزی خوردن و بر الاغ سوار شدن
و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن و جامه پشمینه
پوشیدن و وجه جمع میان این احادیث انست که اکر پوشیدن شال
را زی خود قرار دهند تا بان ممتاز شوند از دیکران مذموم است اما
اکر کاهی برای قناعت یا شکستکی یا دفع سرما بپوشند قصوری ندارد
و مؤید این معنی است انچه در حدیث ابوذر وارد شده است که حضرت
رسالت صلی الله علیه و اله فرمود که در اخر الزمان کروهی بهم رسند
که جامه پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند کمان کنند که ایشان
را باین سبب بر دیکران فضلی و زیادتی هست انجماعت را لعنت
کنند ملائکه اسمانها و زمین و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه منقولست که کتان از پوشش پیغمبران است و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در
حدیث دیکر منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه
جامه بهزار درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان می پوشیدند
و چون زمستان میکذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند
فصل چهارم در بیان رنکهائی که در جامه سنت یا مکروه است
بهترین رنکها در جامه سفید است و بعد از ان سبز و بعد از ان زرد

وبعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی رنگ مکروه است سرخ تیره
خصوصاً در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد و در
همه حال مکروه در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله منقولست که بپوشید جامه سفید که آن نیکوتر و پاکیزه تر
رنگهاست و مردهای خود را در آن کفن کنید و از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
در اکثر اوقات جامه سفید میپوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده
است که دیدم حضرت صادق علیه السلام را در میان قبر و منبر نماز
میکرد و جامه زردی برنگ به پوشیده بود و در حدیث حسن از زراره
منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمد و جبه
خز زرد و عمامه خز زرد و ردای خز زرد پوشیده بود و در حدیث
معتبر منقولست که حکم بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه
السلام رفت دید که جامه سرخ تیره بگل کافشه رنگ کرده پوشیده
است حضرت فرمود که درین جامه چه میگوئی حکم گفت که چه گویم در
چیزی که شما پوشیده باشید اما جوانان سرخ که در میان ما این جامه را
می پوشند ما ایشانرا عیب میکنیم حضرت فرمود که زینت را خدا کی
حرام کرده [illegible] بعد از آن فرمود که باین سبب این جامه را پوشیده ام
که تازه داماد شده ام اما در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر
برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس منقولست که حضرت امام
رضا علیه السلام را دیدم که طیلسان کبود پوشیده بود و از حسن زیات
منقولست که دیدم حضرت ابی جعفر علیه السلام را که جامه برنگ گل

سرخ

سرخ پوشیده بودند و محمد ابن علی روایت کرده که حضرت امام موسی
علیه السلام را دیدم که جامه عدسی پوشیده بودند و از ابی العلا
منقولست که حضرت صادق علیه السلام را دیدم در حال احرام
که برد یمنی سبزی پوشیده بودند و از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که جبرئیل علیه السلام در روز آخر ماه
مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد
بعد از نماز عصر باسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب فرمود که شوهر خود علی
را بطلب پس چون حاضر شدند حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
را در جانب راست نشانیده دستش را گرفت و در دامن گذاشت
پس فرمود که میخواهید شما را خبر دهم بانچه جبرئیل مرا بان خبر
داد گفتند بلی یا رسول الله فرمود که جبرئیل گفت که در قیامت
من در جانب راست عرش خواهم بود و خدای تعالی دو جامه
بمن پوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل و تو یا علی در جانب
راست عرش باشی و دو جامه چنین در تو پوشانند پس راوی عرض
کرد که مردم رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند و حضرت فرمود که
چون خدا حضرت عیسی را باسمان برد و جامه چنین بر او پوشانید
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که مپوشید جامه سیاه که آن پوشش فرعون است و در حدیث معتبر
منقولست که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که در کلاه
سیاه نماز بکنم فرمود که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که مکروه است سیاه
مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا **فصل پنجم** در بعضی از آداب

جامه پوشیدن جامهای دراز پوشیدن و آستین جامه را دراز
کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن مکروه و مذموم است
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه رفت بیازار و سه جامه برای خود
خرید بیک اشرفی پیراهن را نزدیک به بند پا و لنگ را تا نیمهٔ
ساق و ردا را از پیش تا پستان و از عقب تا پائین تر از کمر پس
دست باسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بخانه
بازگشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه ای که از غوزک
پا میگذرد در آتش جهنم است و از حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه منقولست که حق تعالی بر پیغمبرش فرمود که وثیابک فطهر
که ترجمه لفظش آنست که جامهای خود را پس پاک کردان حضرت
فرمود که جامهای آنحضرت پاک بود و لیکن مراد الهی آنست که جامه
را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بر دار که بزمین
کشیده نشود و در روایت حسن از حضرت باقر علیه السلام منقولست
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شخصی را وصیت فرمود که
زنهار که پیراهن و ازار خود را بلند مسازی که این از تکبرات
و خدا تکبر را دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقولست که
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون پیراهن میپوشیدند
آستین را میکشیدند و آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند و
حضرت رسول صلی الله علیه و آله با بوذر فرمود که هر که از روی
تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق تعالی در قیامت نظر رحمت باو
نفرماید و ازار مرد تا نصف ساق است و تا بند پا هم جایز است
و زیاده در آتش است **فصل ششم** در پوشیدن لباسی که مخصوص

زنان

زنان یا کافران باشد حرام است مردانرا پوشیدن لباسی که مخصوص
زنان باشد مانند لچک و مقنعه و نیمتنه و همچنین حرامست زنان
را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و
عمامه و هیچ یک را جایز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران
باشد مانند زنار و کلاهای فرنگی و از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام منقولست که جایز نیست زن را که شبیه بمردان شود
زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانیرا که شبیه
بزنان شوند و لعنت کرد زنانیرا که شبیه بمردان شوند و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدای عز و جل وحی
فرمود بپیغمبری از پیغمبرانش که بگو بمؤمنان که نپوشند جامهای
دشمنان مرا و نخورند طعام دشمنان مرا و بمسلك دشمنان من
سلوك ننمایند که ایشان نیز مانند اینها دشمنان من خواهند بود
فصل هفتم در آداب عمامه بستن عمامه بر سر بستن سنت است
و با عمامه تحت الحنك بستن سنت است و یکطرف عمامه را از پیش
و دیگری را از عقب انداختن بروش سادات مدینهٔ مشرفه
سنت است و شیخ شهید علیه الرحمه گفته است که عمامه ایستاده
پیچیدن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
است که عمامه تاج عربان است هرگاه که عمامه را بر طرف کنند خدا
عزتشان را بر طرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که هر که عمامه بپیچد بر سر و تحت الحنك
نبندد و باو دردی برسد که دوا نداشته باشد پس ملامت نکند مگر
خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله عمامه بستند و یکطرف عمامه را به طرف

پیش انداختند و دیگری را بعقب و حضرت جبرئیل نیز چنین کردند و
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملائکه در روز
بدر عمامهای سفید در سر داشتند و علاقها انداخته بودند و از
حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه عمامه
بدست مبارک خود پیچیدند و یک سر عمامه را از پیش رو آویختند
و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب سر آویختند
پس فرمودند برو رفت فرمودند بیا آمد آنگاه فرمودند که چنین است
والله تاجهای ملئکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است
که چون عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان بسم الله اللهم ارفع
ذکری و اعل شانی و اعزنی بعزتک و اکرمنی بین یدیک و بین
خلقک اللهم توجنی بتاج الکرامة و العز و القبول و در
مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند
اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة و قلدنی
حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و گفته است
که باید عمامه را ایستاده به پیچد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
چند قسم کلاه داشتند که بر سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که
برطله میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها زی یهودان
است و علما گفته اند که مکروه است و از بعضی احادیث ظاهر
میشود که پایین کلاه شکستن و بر گردانیدن مکروه است و از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرگاه کلاههای
ترک دار در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان ایشان
شایع شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند قاووق و کلاه تکتاهی

وامثال آن باشد **فصل هشتم** در اداب زیرجامه پوشیدن
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام منقولست که حق تعالی
وحی فرمود بحضرت ابرهیم که زمین بمن شکایت میکند از
دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده
پس زیرجامه تا زانو بعمل آورد و پوشید و از جامع بزنطی روایت
شده است که هر که زیرجامه را ایستاده بپوشد تا سه روز
حاجتش بر آورده نشود و در فقه رضوی مذکور است که زیرجامه
را ایستاده مپوش و نشسته بپوش که مورث هلاک و زرداب
و الم و غم میشود و در وقت پوشیدن این دعا بخوان بسم الله
اللهم استر عورتی و لا تهتکنی فی عرصات القیمة و اعف
فرجی و لا تخلع عنی زینة الایمان و در مکارم الاخلاق از
کتاب نجات نقل کرده است این دعا بخواند اللهم استر عورتی
و امن روعتی و اعف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا
و لا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکائد و یهیجنی لارتکاب
محارمک و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که پیغمبران
علیهم السلام پیراهن را پیش از زیرجامه می پوشیده اند و در
روایت دیگر وارد شده است که زیرجامه را ایستاده رو بقبله
و ادم مپوش و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که
زیرجامه را ایستاده پوشیدن مورث اندوه است **فصل نهم**
در اداب جامه نو بریدن و پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که چون کسی جامه نو بپوشد این
دعا بخواند اللهم اجعله ثوب یمن و تقی و برکة اللهم ارزقنی
فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد

لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که رسول خدا
صلی الله علیه و آله این دعا را بمن تعلیم نمود که در وقت پوشیدن
جامه بخوان الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی
الناس اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک و اعمر
فیها مساجدک پس فرمود که یا علی هر که این دعا را بخواند چون
جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت
موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که سزاوارست کسی
که جامه نو بپوشد دست بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذی
کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس و اتزین
به بینهم و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام منقولست
که هر که آبی در ظرف نوی بکند و سی و دو مرتبه انا انزلناه فی
لیلة القدر بخواند و بر جامه نو بپاشد در هنگام پوشیدن پیوسته
در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد و در حدیث
دیگر از آنحضرت مرویست که چون جامه نو بپوشی بگو لا اله الا الله
محمد رسول الله تا از آنها نجات یابی و چون چیزی را دوست داری
بسیار از آن یاد مکن که آنرا درهم میشکند و چون بکسی کاری داشته
باشی دعا غایبانه او را دشنام مده که در دل او اثر میکند و بسند
معتبر منقولست که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون
جامه می پوشیدند جامه را از جانب راست میکشیدند و چون
رخت نو می پوشیدند قدحی آب میطلبیدند و سوره قل هو الله
احد و آیة الکرسی و سوره قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت
در آن ظرف میخواندند و آنرا بر جامه می پاشیدند و میفرمودند

که هر که

که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد مادام که تاری
از آن جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام منقولست که چون خدا جامه نوی بکسی عطا فرماید
و بپوشد باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بکند و در
هر رکعت سوره حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه
فی لیلة القدر بخواند پس حمد کند خداوندی را که عورت او را
پوشانیده و در میان مردم او را مزین ساخته و بسیار بگوید
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس اگر چنین کند در آن
جامه معصیت خدا نکند و بعدد هر تاری که در آن جامه است
ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم
کند و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
هر که جامه نوی ببرد و آبی در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سوره
انا انزلناه را بخواند و هر گاه که بآیه تنزل الملئکة برسد اندکی بر
جامه بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید الحمد لله
الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری به عورتی و
اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در فراخی نعمت باشد
تا آن جامه کهنه شود **فصل دهم** در آداب سایر جامه پوشیدن
و کندن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که نهی فرمود
از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که هر گاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند
و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوار نیست
مرد را که جامه خود را از ران خود دور کند در وقتی که در میان جمعی
نشسته باشد و فرمود که چون جامه خود را از بدن بیرون آورید

بسم الله بگویید تا جنیان نپوشند و اگر نگویید جنیان آن جامه را
میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقولست که سزاوار نیست زن مسلمان را که درو پاک و پیراهنی
بپوشد که تنمانما باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
منقولست که عرض مقنعهٔ حضرت فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیها
آنقدر بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان را باید
چنین کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ادنای
اسراف آنست که جامهٔ اندرون و بیرون یکی باشد و در حدیث دیگر
منقولست که اسحق بن عمار از آنحضرت پرسید که میتواند بود که مومن
ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت بیست پیراهن فرمود که بلی
این اسراف نیست اسراف آنست که جامهٔ که باید برای زینت نگاه
داشت بعوض جامهٔ که در وقت دیگر پوشند بپوشی و در روایت دیگر
از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام سوال کردند که کسی ده
پیراهن داشته باشد اسراف هست فرمودند که نه بلکه از برای محافظت
جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامهٔ نگاه داشتنی را
در جاهای کثیف بپوشی و از حضرت باقر علیه السلام منقولست
که کوتاه کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمود
که جامهٔ پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و از حضرت امیر
المومنین علیه السلام منقولست که شستن جامه اندوه را زایل میکند
و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هرکه جامه بپوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر
المومنین علیه السلام منقولست که شش چیز است که از اخلاق
قوم لوط است کمان گلوله انداختن و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر

وقدر آن خائیدن و در راهها جامه بر زمین کشیدن از تکبر و
بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر منقولست که
شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد دید که گریبان
جامه را پینه کرده اند آن شخص تعجب نظر میکرد حضرت فرمود
که چرا چنین نظر میکنی گفت از پینه جامهٔ شما تعجب میکنم کتابی
در پیش آنحضرت گذاشته بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته
بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و مال نیست کسی را که معیشت
خود را باندازه صرف نمیکند و نو نیست کسی را که جامهٔ کهنه ندارد
و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که آنقدر پینه بر جامهٔ خود
زدم که شرم کردم از آنکس که برای آن پینه میزد و از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که هرکه گریبان جامه را پینه زند و کفش را
پینه زند و چیزی که از برای خانهٔ خود بخرد خود بردارد و بخانه برد
از تکبر ایمن گردد **فایدهٔ ششم در کفارات** بدانکه کفاره بر دو نوع
است اول کفارات احرام حج و عمره و آنها را در رسالهٔ حج بیان کرده ام
دویم سایر کفارات است و آنها بسیار است بعضی متفق علیه و
بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی بترتیب و
بعضی بتخییر و همه را با یکدیگر بر سبیل اجمال از برای طالبان دولت
سعادات ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینماید
اول کفارهٔ افطار روزهٔ ماه مبارک رمضان است و آن واجب
میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن یا آشامیدن آن متعارف
و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلافست و اشهر و اقوی
وجوب است و بجماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی
و باقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن

با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و بجوا بیدن بعد از بیدار شدن بکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و بطلب منی کردن و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزنی نامحرم بنابر علی الاحوط و قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و حقنه کردن و شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه هدی علیهم الصلوة والسلم بنا بر قول بعضی و سر فرو بردن عمدا در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی ازین امور را بعمل آورد عمدا و مسئله دانند کفاره باید داد و در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله ندانند در کفاره خلافست و احوط کفاره است و اگر افطار بحلال باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی بترتیب قایل شده است یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن آن مقدم است و الا دو ماه روزه و اگر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب را نستر و زنا و لواطه بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است **دویم** هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور آنست که کفاره واجبست و بعضی سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اگر عاجز شود سه روز روزه میگیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند **سیم** کفاره ظهار است

که کسی بزن خود بگوید انت علی کظهر امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن حایض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید که کفاره دهد و اگر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده آزاد کردن است و اگر عاجز شود دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین اطعام کردن **چهارم** کفاره ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را بنزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است که بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی **پنجم** کفاره مخالفت قسم است با آنکه قسم خورده باسماء مقدسه خدا بر کردن فعل که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه بدارد **ششم** کفاره مخالفت نذر است با آنکه نذر کند فعل امری را اگر راجح باشد یا ترک امری را اگر مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته اند کفاره افطار ماه رمضان است یک بنده آزاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش افطار ماه رمضان است و اگر تعلق بغیر روزه کفاره اش کفاره قسم است و این قول خالی

از قوت نیست و احوط کفاره ماه رمضان است مطلقا **هفتم**
کفاره عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی
را بعمل آورد یا ترک کند امر راجحی یا مرجوحی را و مخالفت عهد
نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلافست و احوط آنست
که در نذر مذکور شد **هشتم** قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا
و رسول و ائمه هدی علیهم السلام است و در حرام بودن چنین
قسمی خلافی نیست و لیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی یاد کردن
خلافست بعضی گفته اند کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن
و با عجز از آن شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود ده
مسکین را طعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه
بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و ابن بابویه
گفته است سه روز روزه بدارد و یا ده مسکین را طعام بدهد و بعضی
گفته اند گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده
است که صفار بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که
مردی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه
و کفاره او چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را طعام میدهد
هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند از خدا و بعضی از علما
باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف
کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت
سوگند کردن و باید که چنین سوگندی یاد نکند و اگر نکند بمحض سوگند
عمل بقول اول بکند اگرچه ظاهر آنست که عمل بروایت مجزیست
نهم بعضی از علما قائل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود
را ببرد کفاره افطار ماه رمضان میدهد بترتیب بر قول بعضی و

بتخییر

بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و در
روایتی کفاره افطار ماه رمضان لازم است و احوط عمل بروایت
است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب
کفاره **دهم** هرگاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی
خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند یا زوجه
خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و در روایتی باین
مضمون وارد شده است و احوط است هرچند وجوب ثابت نیست
یازدهم هرگاه مردی زن یا متعه یا کنیز خود را در ایام حیض جماع
کند در قبل بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور
میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند
و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر حیض ثلث اشرفی و احوط
عدم ترک کفاره است **دوازدهم** کسی که بخواب رود و نماز خفتن نکرده
باشد تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند که واجب است آن روز
را روزه بدارد و اشهر استحباب است و بعضی عامد و ناسی را نیز
ملحق کرده اند و مشهور آنست که بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد
گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفاره ماه
رمضان و این قول ضعیف است و احوط آنست که یک روز قضا بگیرد
سیزدهم کفاره قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غالبا
کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود اگر قصد کشتن
نداشته باشد کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند و دو ماه متوالی
روزه بدارد و شصت مسکین را طعام دهد **چهاردهم** کفاره قتل خطاست
که کسی را بنادانی بکشد یا آنکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند
که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند آنکه طفلی را برای تادیب

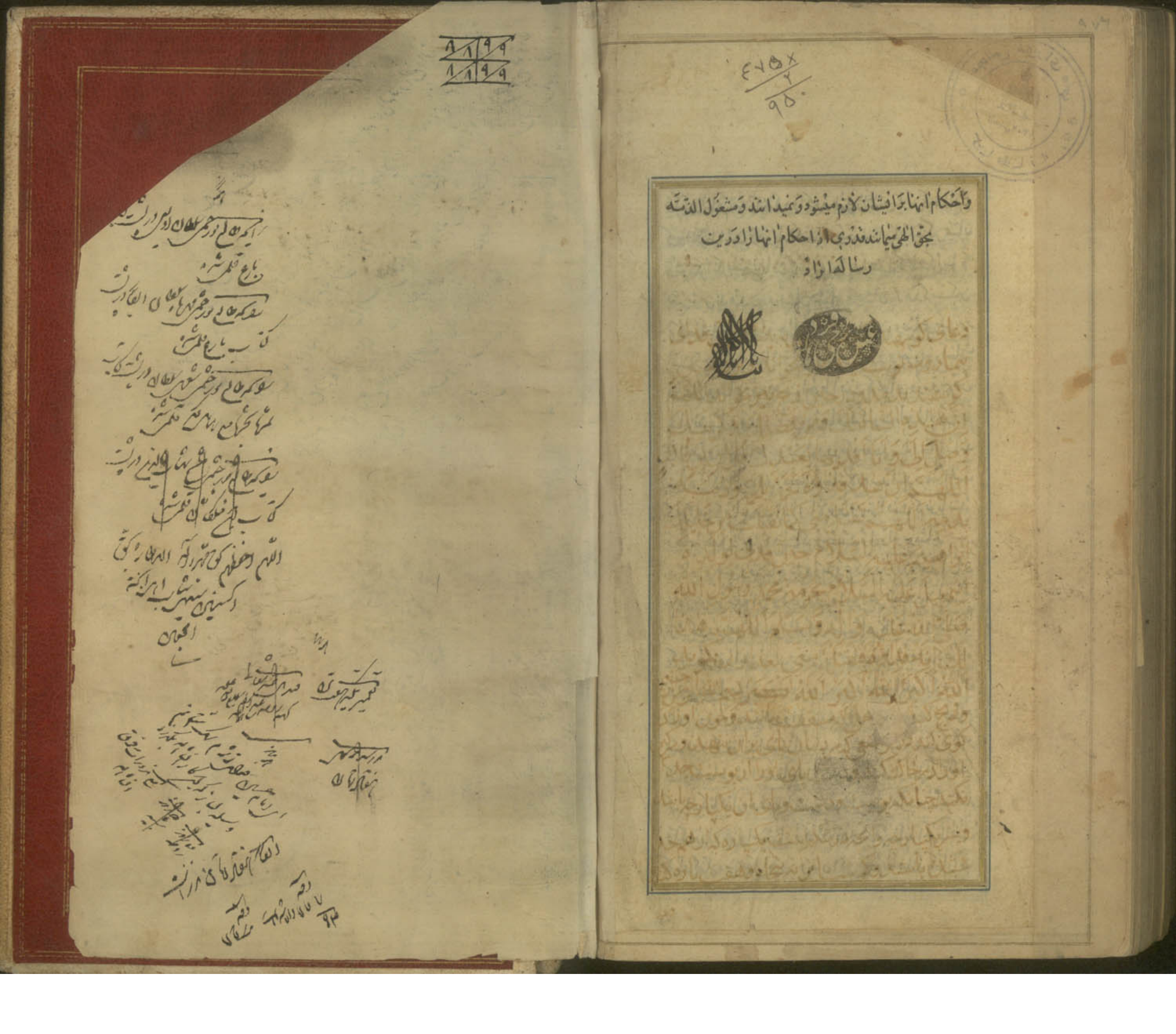
برند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی خورد و کشته شود
یا در راه بر کسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر قتل نباشد
و کاری کند که آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی بکند و
کسی در آن چاه بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل
کسی شود مشهور آنست که کفاره لازم نمیشود هرچند دیه لازم
شود و کفاره بنده آزاد کردن است و بعد از عاجز شدن از آن
دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین
طعام دادن **پانزدهم** اگر کسی زنی را در عدهٔ دیگری تزویج کند
میباید از آن زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما پنج صاع
آرد تصدق میکند و احوط آنست که اگر زن دیگری را عقد کند
نیز این کفاره را بدهد یا پنج درم تصدق کند **شانزدهم** کسی که مملوک
خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند موافق بعضی
از روایات که واجب است که آن مملوک را بکفارهٔ آن عمل آزاد کند
و این احوط است و اگر او را بکشد بعمد کفارهٔ جمع میدهد و اگر
بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد و واجب نیست که قیمت آن غلام
را تصدق کند بنا بر مشهور **هفدهم** کسی که روزهٔ ماه مبارک رمضان
را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر
و اقوی آنست که قضا ساقط میشود و برای هر روز یک مد یا دو مد
طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن جنید
رحمه الله گفته است احتیاطاً هر دو را می کند و اگر در ما بین دو
رمضان آزارش برطرف شود و قادر بر روزه باشد و بدون عذری
تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر و اقوی آنست که
بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روز یک مد یا دو مد

میدهد

میدهد و بعضی کفاره را واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند
کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا
باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض
شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است
هیجدهم نوادر کفاراتست از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حوایج مؤمنان است و
کفارهٔ غیبت آنست که برای آن شخصی که او را غیبت کرده است
استغفار کند و کفارهٔ مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد
بگوید سُبحانَ رَبِّكَ رَبِّ العِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى المُرسَلِينَ
وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِينَ و کفارهٔ خنده آنست که بگوید اَللّٰهُمَّ
لا تَمقُتنِي یعنی خدایا دشمن مدار و بر من غضب مکن و در حدیث
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر کس بدیگری بگوید
لا اَبَ لَكَ وَلا اُمَّ لَكَ یعنی ترا پدر مباد یا ترا مادر مباد باید که چیزی
تصدق کند و کسی که بگوید نه بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش
آنست که بگوید لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ و خلافست در این نوع قسم مثل بجان
خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند و اشهر کراهت
است و احوط ترکست **و اما احکام** کفارات مذکوره پس در چند
فصل مذکور میشود **اول** هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفارهٔ قتل
میباید که بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط
رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ باشد و
در غیر آن مرد و زن و بالغ و نابالغ مجزیست و باید که آن بنده کور و
صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی جراحتی باو نرسانیده باشد
که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و لا نباشد

وولد الزنا باشد و مشهور اجزاست و احوط ترکست و غلام کوچک
را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم بهم رسد و بعضی
شرط کرده اند که خبری از او رسد و بعضی شرط کرده اند که ظن حیات
او باشد دویم کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود بروزه
منتقل نمیشود و هرجا که روزه دو ماه باشد می باید متوالی بگیرد
و توالی بیکماه و یکروز که متصل بگیرد بعمل می آید باین معنی که اگر
بعد از آن بدون عذر افطار کند باید از سر بگیرد و آیا تفریق جایز
است بی عذری یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوطست و اگر
پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری
باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری
بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود
در افطار روزی بنا بر اقوی و هرجا که کفاره دو ماه متوالی باشد
اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم
هرجا که اطعام لازم شود مشهور آنست که بهر یک آنقدر طعام
بخوراند که سیر شود و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند
خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند میباید چاشت و شام هر دو
بهر مسکین بخوراند آنقدر که سیر شود و احوط اینست اگر چه
اظهر آنست که بیک وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد طعام را به
مسکین می تواند داد و در مقدار آن خلافست و بعضی یک مد
گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن
نان خورشی نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در
طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست که حصه
اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خوراند ظاهرا

و کبیر را با هم ضم تواند کرد و اگر دو طفل را بجای یک مرد حساب
کند احوط است و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان
داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن شود که
بغیر مؤمن ندهد و به پریشان بسیار پریشان بدهد که مسکین
بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاعی یکمن تبریز
است و چهارده مثقال و ربعی بنا بر مشهور و چون در احادیث
در تحدید صاع و مد هست احوط آنست که بجای دو مد نیم من
شاه تقریبا بدهد چهارم در جائی که کسوت باید داد در زن
پیراهن و مقنعه با هم مجزیست و در مرد بعضی بیک جامه مانند
پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر آنست
که پیراهن و قبا بدهد یا قبا را با بالاپوش و بهتر آنست که نو باشد
و جامه طفل را بهتر آنست که برخصت ولی او بپوشاند پنجم
هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه بعد از آن
قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را مجزیست و بهتر آنست که
ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه و
یکروز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه
بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن آن
هجده روز روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روزی مدی از طعام
میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست که از هر
کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره ظهار که بعضی
گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هرچند عاجز باشد
و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست
که باز کفاره را بعمل آورد و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات



واحکام انها بر ایشان لازم میشود و بمید اشد و مشغول الذمه
بحق الهی میباشد فذربی از احکام انها را در ین
رساله از اد

